


کتابخانه مجلس شورای اسلامی		 جمهوری اسلامی ایران
.....	کتاب	
.....	مؤلف	۲۰۸۷۸۵
.....	مترجم	
.....	شماره قفسه	۱۷۶۲۰

۱
۱
۸
۸
۳
۹
۶
۸
۷
۶
۰۱
۱۱
۸۱
۸۱
۳۱
۹۱
۶۱
۸۱
۷۱
۶۱
۰۸
۱۸
۸۸
۸۸
۳۸
۹۸
۶۸
۸۸
۷۸
۶۸
۰۸
۱۸
۸۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

کتاب

مؤلف

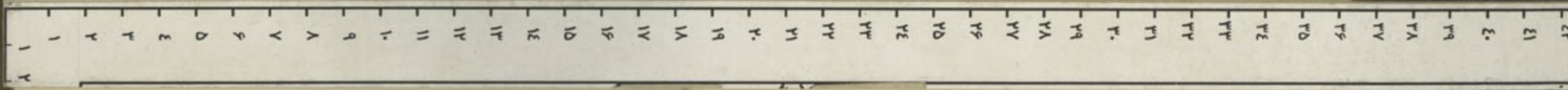
مترجم

شماره ثبت کتاب

۲۰۷۸۸

۱۷۶۲۰

شماره قفسه

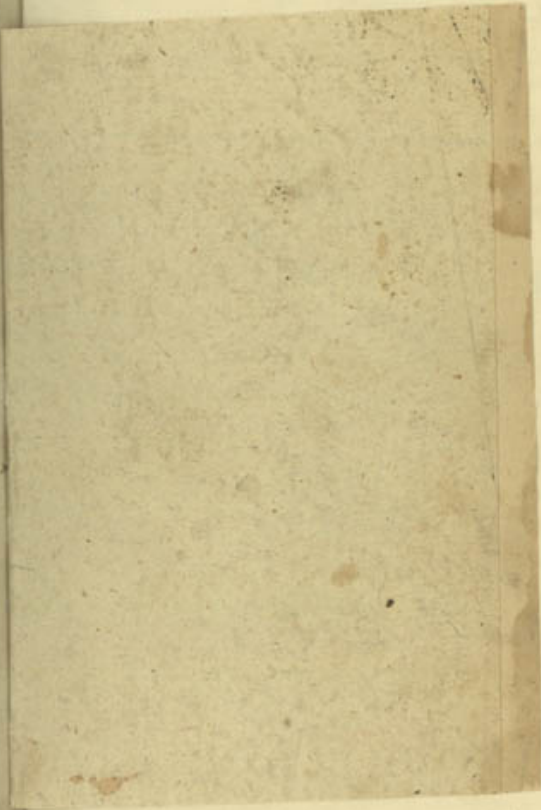


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۷۶۲
۲۰۸۷۸۵

برای

هر کس این کتاب را طبع کند بمقتضای لایحه
قانون خود و هر کس کتاب او زد کند از بار مجرم
و هر کس با حق متصرف کند بیو سبب در این کتاب
چهار روز زندان بدو در کارخانه کاروان
این از مفسدات است و در صورتی که در این کتاب
مشروع الهمام ۱۲۲۳



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
مخطوطات
شماره ثبت کتاب
۱۳۰۲
مخطوطات
جمعاً
۱۳۰۲



Handwritten notes in Arabic script, likely a commentary or marginalia, written in a cursive style. The text is dense and covers a significant portion of the upper right page.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 جوایز این شانی که زینت برد و ششاهدان جمال ملکوت بوده باشد و ذکر کند
 محمدی که او بزه کوش معتكفان صوامع جبروت کرد و سپاس و ستایش جناب حق
 ایجا جاتی است که قدسیان سناو ساکنان بلا علی از تسبیح و تقدیس و تجید و اتس پوسند و
 خروش و از مشاهده اشعه جلال و کبریا و پر تو انوار طومر سیای آسمان مستی هوا پر
 و مد هوش و ساکنان صاید سموات و فاطمان ساجد سرفات بمقتضای منتهی رکوع لایحه
 و سجود لایر کعبه و صافون لایزال یون هر یک عبار خاص شریف ایشان و اختصاص یافتند
 جبار لدم و آن که کف دست عابدان را ایشان مرغ اجاب و اناصل ایدی و طاکوبان قنطره استیجاب
 ساخته و طوطیان تحیات زکایات در شکر شاز نعت خاتم پیغمبرین شکر جا و عدلیان صلوات
 نامیانه در مدح اشرف رسل مرتبم و بنماش جانفرا در وجد و اهتر از است رفیع جناب که شاملت
 بیضایش رشک فضا مید بضا موسی و نور مصباح شریعی غرا پیش روشنی پیش المعبود عالم بلاد کوا
 نیمه عزت ابرار و اهل بیت اخلاص از مطالع بروج اشع عشر طالع و ساحل کوشه الاصلو کلوه فرموده
 و بسیارین خواطر مقرر متقیان را بجاورد هدایت و ارشاد در روشن ساخته اند صلوات بر ایشان منشاخ فلا
 دنیا و معنی و سلام بر ایشان منشاخ صلاح آسرت و اولی و موالات ایشان از امداد و مودت تشاره
 جناح و سداد و اختیار ما بشایشان حبه الامان طرفین شاد و حبه الامان هدایت و سداد و
 مشاهده شرفه ایشان بلکه لایس و ستکاری و زیارتشان در بحصین پرین کاری و بر آتاز اعدا ایشان
 باعث خلاصه از عذاب و شفا عشان و بوجبت یوم الحساب و صلوات الله علیه و علیهم
 اجمعین و لعنة الله علی عداثم الی یوم الدین **اَسْأَلُكَ** چنین گوید الفقیر الی عفو الله العفی محمد بن
 بزجه صالح الحسینی و تیکتابها عن امین یوم الدین و واقعا یوم العیبه مواقت الامین که برادرب
 دانش و اصحاب پیش و واضح و روشن و مد لگه مره زات که غرض اصلی از اینجا دانسان که غرض نتایج
 ارکانست معرفت خدا و ذکر عفتانست و عبادت سبک علی الاطلاق است جل شان و بمقتضای این عمل

و است
 انکه یوم عینه الله اشاعه شهره فی کتاب الله آیام و لیالی شهره و اصل شهره و با یکدیگر یکی است
 و برای هر یک و طایب ستمده از صلوات و صلوات و اذکار و اوراد و غیره بسیار و او نوشته و علی و
 و عنوان الله علیهم و درین باب کتب متعدده نالیف نموده اند ولیکن اکثر آنها بلفظ عربی و عامه خلق از عمل
 مخصوصون آنها این جهت مجرم اند و بعضی کتب فارسی نالیف شده اکثر آنها در نهایت اختصار است لهذا این مختصر
 خلصه بعضی که اطاعت ایشان را برین فقیهتیم بود پس لایف کتاب اقدام نموده و آنچه در این باب ذکر کیا صحاح
 بنظر سید درین کتاب رج نمود و آنچه از مسایل شریعت که متعلق به هر معنی بود بتفصیل آنرا با بعضی از فواید
 که از کتب اصحاب استفاده نموده با آنچه عیاظ را برین شکسته ما سر رسید اصناف فرموده و این کتاب را سنی کرده
 سخن این الجواهر سلطانی و مرتب ساخته بر فائز و دو از ده جزیه و طامه **فائز** در بیان ادایه غاوشراطان
 و شرح مطالب حلقه کن و کیفیت و آداب دیدن نهانهای از نماها و ذکر نماز اولیاء و ادعیای آنها و ان شش
 و دو باب **باب اول** در بیان آداب دعا و شرایط آن و مطالب تعلیم آن و آن بچند فصاح منفتح می شود
مضامین اول در بیان معنی حقیقت دعا و ذکر بدانکه دعا را اصل لغت معنی خواندن و نداء کردن دیگران است و در
 اصطلاح عبارات است از طلب نمودن مطالب و مقاصد خود از درگاه حق تعالی از تضرع و خشوع و خضوع
 و ذکر در اصل لغت معنی حضور معنی است و در لغت کاهی آنرا مجاز بر قول اطلاق نموده اند بجهت آنکه
 از شان قول اینست که در نفس در آید و در دل حاضر شود و در اصطلاح عبارات است از کلامی که کلام کند بر شای
 الهی حمد و با اقصاف او صفات کماله یا افعال او و چون این کمال مستلزم حضور حق تعالی و صفات کماله
 او در دل بیاید و آید و باشد که جناب الهی بیکرد اندک آنرا ذکر نماید و اندک بدانکه در این مقام اشکال می
 ی شود که تشبیه بر آن با جواب آن جز بر آن است اما اشکال بر آنست که در معنی اصطلاحی و طایفه آنچه مذکور شد
 طلب نمودن مقاصد و مطالب معتبر است و این معنی صافی است با آنچه در روایات و اخبار وارد شده است که دعا
 برادگار شکر بر حمد و ثناء الهی یا اوصاف کماله و افعال او اطلاق شده چنانچه در کتابنا از اصح برینا فرموده
 نموده که گفت بر در خانه حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه برین رکوع رفته بودم و دعا می کردم تا که
 بیرون آمد و فرمود که ای اصبح کفتم لیسک فرمود که چه کار میکنی که گفت مشغول رکوع بودم و دعا میکردم
 فرمود که میخواهی قول تعلیم نمایم دعا یعنی که آنرا از رسول خدا شنیده ام کفتم علی فرمود که الحمد لله علی ما
 کان و الحمد لله علی کل حال بعد از آن دست راست خود را برد و در پیش چپین زد و فرمود ای اصبح اگر
 لغت ثابت باشد برین حق و ولایت کمال باشد دست کشاده باشد حق تعالی تو رحیم خواهد داد و آن
 نمود و از رسول خدا منقولست که آنحضرت در حدیث فرموده که اکثر دعا و دعای سعادتمندان
 این دعاست **لا اله الا الله و حده لا شریک له له الملك و له الحمد و هو علی کل شیء قدر** و بعضی
 می مانند که لفظ دعا در این وحدیت شریف بر آنها اطلاق شده مجزیه ذکر است و مثل بر خوانستن مطلبی
 و ترویج خودی اصل لغت و نظایر این در روایات و اخبار بسیار است چنانچه از تشبیه ظاهر میشود و جواب

از این شکل چند وجه می توان گفت **وجه اول** بعضی علماء گفته اند که چون این ذکر را باعتبار اشیاء بر چند شاعر
بیزمانند دعا موجب اجر و ثواب است لهذا اسم ظاهر آن مجازا اطلاق شده **وجه دوم** بعضی دیگر گفته اند
که چون اذکار در شکله بر چند شاعر آنجی از مقدّمات است غایت زیرا که هر دو طایفه البته مسدود بر چند شاعر می باشد
لهذا اسم ظاهر آن اطلاق شده **وجه سوم** بخاطر کمال شکر که می رسد در چون لفظ جمیع اذکار و تهلیلات
و تعجیلات و تقدیسات حتی ثوابی موجب ثواب و اجر و باعث بر هر چه و غنایک میگردد و آدمی بجهت اذ
آنها که لفظ سینا بد الله مقصد تو فتح اجر و ثواب و صلح بر بد منزلت و قرب بخیر اند بر طلب در مفهوم هر یک
الله معبر است که لفظی که دلالت بر طلب چیزی دهد را آن صریحا مذکور نباشد و این جهت لفظ دعا میگردد در مفهوم
عرفان طلبه سؤال معنی است بر آن اطلاق شده است و مخفی نماید که این جواب اظهار شده و جوابها این است
زیرا که بار این جواب اطلاق لفظ دعا بعنوان حقیقت خواهد بود و سایر بر دعوات و دعایان مجاز و وسیع
در عرف اصطلاح اهل شرع معنی کنن سخن الله و تحمید معنی کنن اشکر لله و تذلک کنن لا اله الا الله و
تکبیر کنن الله اشکرت چنانچه شمر و سبله معنی کنن لبم الله و حمد لرب معنی کنن الحمد لله و حوله یعنی
کنن لا حول و لا قوة الا بالله است و بعضی از آنها مانند تهلیل و تسبیح و حمله و قول استغاثات
جلیله است و ستر در این باب آنست که کلامی که ظاهرش مثل برود و کلمه و زیاده بوده باشد هر گاه کثیرا در این باب
عرب کرده و از برای سهولت و آسانی لفظی را که مثل بعضی از حروف هر یک از این کارها بوده باشد از آن استغاثات
و بر آن اطلاق می نماید و الله تعالی **مفتاح دوم** در بیان فضیلت دعا و ثمرات و مسکن آن بر عاقلان خبر می دهد
بصیغی و سترینست که هر یک از افراد بی فروع انسان و بی غایبها که می پیوندند در تحصیل حاجت و نیازهای
این دنیای و کسب سعادت جاودانی که باعث خلقت از اهل شد بدین و نوزاد جانان لایق باشد باقی است
محتاج بلطف و احسان ایزد که بر متان می باشد و کلید این خزانه فیکران و مفتاح این گنج بی پایان طریقه دعا و شکر
و مناخات است چه هر گاه مؤمنند خود را بنده که بشیر و ملجای و پناه ندارد و هیچ حاجت خود را از او منتهی
اویزد الله منوخته نمیشود و گواهی میگردد و او را هر که در هیچ حرفی از جزئیات امور او روا نمیدارد و قطع نظر
از بزد و جفای و فساد و کفر نیز برود فائز می شود زیرا که کثرت دعا و مناخات یقین بمانند صفات کالیله می نماید
میگردد و توکل و توسل بجناب مدبر و پیشتر میشود و علاقتها و طبعها از خلق بر روی او شده و روشه آمان او مانده
از غیر قطع میگردد و در ترک دنیا که عظم عبادات است بسبب آن حاصل میشود بکمال خلیج جمیع صفات شکر و اخلاص
جمیل و تخلی از ملکات بدین و نوزاد دعا و تصریح دست بهم عمید هد و لهذا رسول خدا او را بر هر که علیه التحیر و التوا
که از شر مخلوقات و کلک کلمات اند پیوسته این طریقه است و شیوه مرضیه را سلوک می باشد اندک
حضرت سید الشادین و سبله از اهدین امام زین العابدین صلوات الله علیه که همیشه دعا و تصریح و مناخات
و کثیر و زاری بوده و صحیفه کماله که در ضحای الفاظ و بلاغته صوفی تحت کلام خانی و فوفی کلام مخلوقات
و مشتمل بر ادعیه جمیع مفاسد دنیا و آخرت است فی الحقیقه عروه الوقفی و مطالب دنیا و حجاب زمین مآرک بنشینان است

از آن اشیاء عالی مقام است و بالجمله ثمرات و برکات دعا لا تعد و لا تحصى است و زبان تمام و بیان در قرآن
تحریر شده آنرا عاجز و ناتوان است و برای همتانم نشان آن همین قدر کافی است که خداوند سجد در
چندین موضع از قرآن مجید که فرموده که هر یک از این و بر وجه المبع و اکمل خصص و ترغیب آن فرموده چنانچه
میفرماید و قال و تکبر اذ عوفی اسحب لک ان الله یمنک کبرون عن عبادتی سجد مخلون
جهنم از این معنی گفت برورد کار شما که بنزاد مراد جمیع مطالبها نامستجاب کرده اند دعا
شمارا بدستی که جماعتی که تکبر و سرکشی می نمایند از عبادت من بزه دی داخل جهنم میشوند یا خست
و سواری و این آیه کریمه از چند وجه بر فضیلت دعا دلالت میکند **اول** آنکه حق تعالی آن را فرمود
دوم و عده اشخاص نموده **سیم** دعا را عبادت نام کرده **چهارم** ترک دعا را تکبر خوانده و بر ترکش
و عده دخول جهنم فرموده و در موضع دیگر میفرماید و اذ اسألت عبادی عینی قاتل قریب
احب دعوة الدعاء اذ ادعایان فلیس یجیبوا لی و لیومنونوا لی لعلهم یرشدون ترجمه اش اینست
که هر گاه مسؤل نمایند از تو سجد کان من از من معنی از صفت من باند و یکی و دوری من با از کیفیت
دعا کردن من که آهسته دعا کند یا بلند بگو یا بیان که سوز دیگر باشان بعلم و اطاعت و لطف و
رحمت مستجاب میگردد انم دعا می برد دعا کننده را در هنگامی که می خواند این باید که سجد کان الجاث کند
مژده دعا کردن که از ایشان طلبیده ام یا آنکه من چون الجاث می کنم دعا می آید که ایشان نیز را
اجابت نمایند در جمیع تکالیف من و باید که ایمان آورند بوعده من در اجابت دعا و در ایمان خود ثابت
باشند شاید که راه را اشت در رشد و صلاح خود بی برند و این آیه نیز می باشد ای سائل بر فضیلت دعا
از وجوه ششگانه دلالت دارد چنانکه بعد از آنکه نامی ظاهر میشود یعنی آیه و آیه ای که در این باب
بسیار است که تفسیر بعضی از آنها در ضمن احادیث و اخبار این مطلب مذکور است و روایات این مطلب **سیم**
که از ائمه اطهار علیهم صلوات الله علیهم الغفار مروی و ما فرات است از ائمه عدله انصاری و ن است و ما
در این کتاب بجز ترجمه ربیع اول الالباب معظم آنها و ذکر منایم بسند معتبر منقول است که از حضرت
النام مجتهد فرموده پس بداند که کلام عبادت بهتر و افضل است حضرت فرمود که هیچ عبادتی نزد حق تعالی
بهنر نیست از آنکه از او سوال نمایند و از جمله منهای غیر متناهی که نزد او شکر طلب نمایند و هر یک که نزد
خدا دشمن تر و بدتر نیست از آنکه که تکبر کند از عبادت کسی که دعا و غناش و از عطاها و رحمتها را که از آن
نماید و ایضا در راه از آن حضرت روایت کرده است که آن حضرت آیه کریمه ان الله یمنک کبرون عن عبادتی
سجد مخلون حکمته از این روایت فرموده که مراد از عبادت در این آیه کریمه دعا و عبادت است
عبادات است و زود گفته آیه کریمه ان الله یمنک کبرون عن عبادتی سجد مخلون که بدین معنی که حضرت
ایریم اقرار بسیار حکم کننده است بر سیدم حضرت فرموده که آیه یعنی بسیار دعا کننده است و از سیدم
عبد العزیز منقول است که حضرت صا دویم فرمود که ای میر و عابدی که مگو که هر چه معذرت کرده است و دعا

بدانستی که نزد خدا نرسیده است که آن میتوان رسید مگر با دعا و استسک و اگر کسی هان خود را ببرد و دعا
و سوال نماید از خدا چیزی بخواهد پس طلب ناعطا کند ای میسر هر که در دنیا بسیار میگردد
بر رویش بکشاید و در حدیث دیگر فرمود که هر که از فضل خدا سوال نماید جز آنکه فرمود که بر شما
باید دعا بدهی که شمار از قرب جلا حاصل نمیشود بپایان شد عا و ترک میکند طلب کرد حاجت
کوچک را برای خوردی آن حاجت بدستی که حاجت کوچک و بزرگ هر بدست خدایت و ایضا از آنحضرت
ما قول است که بخارین عیبی فرمود که دعا کن و مگو که آنچه مقدر شده است خواهد شد بدستی که دعا عا
حق تعالی است زیرا که میفرماید که ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین و در سکا
دیگر میفرماید اذعقون اسخبت لکم و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
سفر فرمود که محبوترین اعمال نزد خدا در زمین دعاست و فرمود که حضرت امیرالمؤمنین دعا بسیار میکرد
و نسبت معنی از حضرت رسول ص منقول است که دعا حیرت مونس است برای دفع دشمنان و عبودت دین است
که با آن دین مونس است و نور آسمان و زمین است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که بجا فرمود
که بخیر اهدید لکم شانه را بر حبه و سلاجی که حاجت دهد شمار از شر دشمنان شاور و روزی شمار از یاد کرد اید
گفتند ای رسول الله فرمود که دعا کنید بخوانید و در دعا خود در شب و روز بفرست که حیرت مونس دعا
و از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که دعا فرمود که در دعا سپهر مونس است و هر که در دعا بسیار بگوید
می شود و از حضرت امام رضا منقول است که فرمود که بر شما باد بجز بفرست آن در دعاست و از حضرت
صادق منقول است که فرمود که دعا از نیزه شد کاکرت است و در حدیث دیگر فرمود که دعا در میکند
تصلا هر چند از آسمان نازل شده باشد و حکم کرد در دعا باشد و در روایت دیگر فرمود که دعا در میکند
تصلا هر چند برشته باشد پس بسیار دعا کنید که دعا کلید جمیع درهاست و سوجب فریبی از حق
بهم حاجت است و کبر امتزای آن می توان رسید مگر دعا و هر دوی را که بسیار میگوید البته برتری
آدمی میکشاید و در حدیث دیگر فرمود که بر تو باد دعا که شفای جمیع درد هاست و از حضرت امام موسی
کاظم صلوات الله علیه منقول است که هر بلائی که بر ستم مؤمن نازل شود و حق تعالی دعا را با او الهام فرماید
آن بلا زودی از او نایل می شود البته و هر بلائی که بر مؤمن نازل شود و توفیق عا نیاید بدو ترک دعا نماید
البته آن بلا بطوری بخاند پس بر شما باد دعا و تصریح بسوی حق تعالی از حضرت رسول ص منقول است
که فرمود که دعا کنید بپایان خود را تصدق و دفع کند انواع بلاها را بدعا و حفظ نماید مالها
خود را زکو و داد بدستی که هیچ مرغی بدام نمی افتد مگر آنکه تسبیح خود را ترک نماید و از حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه منقول است که فرمود که دعا کنید و سوجهای را از خود بدعا پیش از آنکه بدو نازل شود حاجت
خداوند کرد از اشکافه و انواع کینه و از آن برود و آورده و خلاص تو را خلق نموده است که بلا بدستی
توسند فرماید از سبلی که از بالای کوه یاسین آید و از دودین اسبان نشد و در هیچ نصیحتی طراوت است

ازیندگان بر طرف می شود مگر سبب کناهان ایشان و اگر استغیا کنند بلا را بدعا و تصریح و نام است
توسیر ایشان نازل نخواهد شد و اگر وقت که بلا نازل شود و نعمت ایشان را بیل کرد دعا بپایان برید
و تصریح نماید باقیهای درشت و سستی نور زنده در عبادت و بندگی و کناهان را ترک نماید البته سستی
هر قاسدی را برای آفتاب صلاح می آورد و هر ضعیف را که از ایشان سلب نموده با ایشان در میفرماید و امن
حضرت صادق منقول است که فرمود که سر جز است که با آنها هیچ چیز نمی بینند دعا که در زنده هنگام بلا
و شدتها و استغفار کردن بعد از گناه و شکر کردن در وقت نعمت و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی
روز و شب مؤمنان را از خای چند مقرر فرموده که گمان نداشته باشند زیرا که سبب هر که دعا نماید در وقت
از کجا می رسد دعا بسیار میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که از چهار چیز عطا فرماید او را از چهار چیز محروم
نمیکند اول دعا که عا داد انداز از حاجت محروم نمیشاید و هر که از استغفار گرفتار است که بدو تورا را قبول
میفرماید و هر که از شکر عطا کرد و در نعمت از داده میکند و هر که از صدق ادب از او توفیق میسر نماید
و ایضا از آنحضرت منقول است که هر چه سبب دست خود را بدو رکعت خداوند عز و جبار عطا فرماید که آنکه حق تعالی
حیا میکند که او را دست خالی بر کند اندک از فضل رحمت خود هر قدر که بخواند هدایت او میکند و در
پس هدایت آنکه دعا کند دست خود را بر کف اندک از آن بر سر دوی خود بکشد و از رسول خدا ص ما تورا
که در روز قیامت از حق است میکند و شخصی را که در عمل نماند یکدیگر بدین یکی از آن دو شخص را بر وفق
خود از دین میزند پس بگوید برود دعا را بچسبند و در هر آن شخص را دفع تر کند از آیه و حال آنکه عمل آنرا
است پس حق تعالی در جواب میفرماید که او از حق سوال نمود و توسل کردی باین جمله در دعا او الهام
نمود پس حضرت فرمود که سوال کنید از حق تعالی و امور بسیار عظیم را از او بجوایید بعد از تسبیح که هر چه جز
خدا عظیم نیست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که از برای عطا سبب چند هست که عمل صلاح میکند و حق
تعالی جزای اعمال ایشان را بایشان عطا میفرماید و سبب کازد بگردد که از دوی صدق و راستی از حق تعالی است
میباشد و ایشان نیز عطا میفرماید پس هر دو کوه را در پشت جمع میکند پس کوه اول میگوید که برود که از
ماعتان بگویم و ماعتان عطا فرموده بعضی از آنها که با آن کوه دیگر عطا فرموده پس حق تعالی در جواب ایشان فرماید
که جزای عیبهای شمار ابتدا دم و آنکه چیزی از آنرا نماند و از ماعتان و از ماعتان از من سوال کرد پس تمام ایشان عطا
کردم و حق تعالی ایشان را از فضل من است بهره که خواهم عطا میکنم و ایضا از آنحضرت منقول است که هر چه جز
مردم است که از دعا عا نماند و عیب نماند مردم است که سلام کردن بر مردم بخواند و از حضرت امام
حجیه صلوات الله علیه منقول است که حق تعالی عیب آدم را و حق فرمود که من برای تو سجده میکنم همه سجده را و در چهار کلاه اول
برای من است و کلاه دوم برای تو است و کلاه سیم میان من و تو است و کلاه چهارم میان تو و مردم است و کلاه اول
که برای من است آنست که مرا برستی و شریک برای من قرار ندی و کلاه که برای تو است آنست که جز امیدم ترا بر عیب
صلواتی که کنی بر من چیزی که محتاج با او باشی و کلاه که میان من و تو است که تو دعا کنی و من مستجاب بنام آنرا و کلاه که

نیاید و نور مردم است آنست که راضی باشی برای مردم آنچه را برای خود راضی هستی و اینها از آنست که
که بسینه نماز فرمود که بر شما باد بدعا بدستی که بدگاه خدا فرستی می توانی بجزئی بخیزی مانند دعا
و هیچ حاجتی که بخواهی را او مکنز آید که از حق تعالی بطلبید بدستی که آن خدای که حاجت برای او بجز
را میدهد همان خداست که حاجات عظیمه بزرگ را عطا میفرماید و از سر سر خداست منقولست که
که حق تعالی یک چیزی را دوست میدارد که آنرا برای خلق دشمن مگرداند سوال کردن از خلق و دشمن
میدارد و سوال نمودن از خود را دوست میدارد و هیچ چیز نه خدا بخوبی تر از سوال کردن از او نیست
پس هیچکس از شما حیال نکند در سوال کردن از فضل حق تعالی هر چند سید تقدیر او باشد که آنرا نیز
از خدا سوال کند و از دیگری بطلبد و در حدیث قدسی وارد شده است که حق تعالی حضرت موسی
فرمود که ای موسی سوال کن از من هر چه را محتاج باشی بآن علف گو سفندتک خیر خود را نیز از من
سوال کن اینست که در آیات و روایات آمده در این باب و در این مقام ذکر بعضی از دعویها و درودها است
و آنها در ضمن دو فصل ایراد میشود انشاء الله **فصل اول** در انواع دعاها که پنج
انواع است و اخبار منقول از ائمه اطهار علیهم السلام ظاهر میشود آنست که ادعیه بر چند نوع است **نوع اول**
ادعیه ما توره که در خصوص بعضی از مطالب واقع شده مانند آنکه در حدیث وارد شده که هر که خواهد
عزیزتر از خود شود تلازم دعا بخواند هر که خواهد توانک در دنیا کرد و فلازم دعا بخواند و امثال اینها از ادعیه
مخصوصه که از برای مطالب عینه وارد شده است و در این نوع از ادعیه حضور نیست قصد نمودن طالب
کافیست خواندن دعا زیرا که خواندن آن دعا از خاصیت می باشد که آن مطلب حاصل میشود هر چند قصد
نموده باشد و از مدلول بعضی از اخبار و احادیث مستفای شود که قصد آن مطلب نمودن و دعا را
بجست حصول آن خواندن ادخل است در نوع مطالب مدعا **نوع دوم** ادعیه وارده که معمولاً در اخبار و احادیث
وارد شده که هر که حاجتی و مطلبی داشته باشد از دعا بخواند که حاجتی او برآورده می شود و در این نوع
است قصد حاجت داشتن و تعیین حاجت نمودن تا خواندن دعا سبب حصول آن حاجت شود و هر گاه
حوائج متعدده داشته باشد اولی آنست که آن دعا را مکرر بخواند و در هر خواندن قصد حاجت میبست
کند چنانچه هر گاه ده حاجت داشته باشد ده مرتبه آن دعا را بخواند و در هر مرتبه یک مرتبه کافی باشد و در
حصول هر آن مطالب هر گاه ده مرتبه آن دعا را بخواند **نوع سیم** ادعیه مریکه در اخبار و احادیث وارد شده
که هر که از دعا بخواند حق تعالی بخواهد حاجت یا هزار حاجت او را ملامت بر می آورد و در این نوع لازم نیست قصد
حوائج نمودن بجز حق تعالی بمانند معین که وعده فرموده حوائج را که مصلحت دینی را در حصول آنها میداند
بر می آورد هر چند قصد کرده باشد و اگر قصد کند حاجت معینی چندانکه در اسطرلاب و غیره معنی
از اخبار اوست و ادخل است در حصول آن حوائج **نوع چهارم** ادعیه منقوله که وارد شده که هر که از دعا
را بخواند حق تعالی هر چه را بخواهد او را بر می آورد و این نوع نیز حکم نوع سابقه دارد و اگر حوائج خود را بخواند

قصد نماید و منظور نظر سازد با حاجت او بر خواهد بود **نوع پنجم** دعا که ما توره و مروی نباشد
بلکه خود انشاء کند و حاجات خود را خصوصاً با عموم ما قصد نماید و از حق تعالی طلب کند
بهر راضی و عبارتی که خواهد خواست بخت عرب یا فارسی یا بلغات دیگر و این نوع از دعا موجب اجابا
میشود ولیکن در مرتبه انواع سابقه که با الفاظ و عبارات ما توره است نیست و خواص عظیمه که بر
آنها مترتب است بر مرتبه نیست اینست حال انواع ادعیه نظر بجا حاجت و مطالب مقصوده و از
شعب کتب احادیث و کتب دعوات علما نوعی دیگر نیز برای انواع سابقه معلوم می شود و این نوع
ادعیه است که در احادیث وارد شده که رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام میخوانده اند یا دیگری را
بخواند آن ادعیه را میفرموده اند بدو و تعیین وقت تعیینی یا با تعیین اوقات مخصوصه
انکه وعده حصول مطلبی معمولاً یا خصوصاً در خواندن آن ادعیه فرموده باشد و این نوع از
ادعیه بسیار است و اکثر ادعیه صحیفه کامله از این نوع است و در این نوع ضرورت نیست قصد نمودن
حاجتی بلکه خواندن آن ادعیه سبب حصول مطالبی که در آنها مذکور است و آن ادعیه را آنها مثل است
میگرد و خواه آن مطالب را قصد کند یا نکنند بل هر گاه خواندن آن دعا از روی تذکره یا تقسیم
مصائب آن باشد حصول آن مطالب از او خواهد بود **فصل دوم** در بیان انواع دعاها
که بر خواندن ادعیه مترتب می شود و تفصیل آنها **نوع اول** مثنوی که برای دعا حاصل میشود و در دعا
مترتب میگرد و چنانچه از ادعیه و دلایل عقلیه و دلایل نقلیه از آیات که بر هر واحدی معتبر معلوم و مستفاد
میگرد و بسیار است و ما در اینجا معظم آن ثلاث اشاره مینمایم **اول** آنکه ثواب عظیم از برای او حاصل
میشود زیرا که دعا از افضل عبادات است چنانچه سید مرتضی منقولست که از حضرت امام محمد باقر
که پرسیدند که کدام عبادت افضل است فرمود هیچ عبادتی بزرگتر از دعا نیست از آنست که
از او سوال کنند از رحمتهای نامتناهی که در نزد اوست طلب نمایند و هیچکس نیز در خدا دشمن تر و بدتر
نیست از آن کسی که بیکر کند و عبادت خدا را که دعاست ترک کند و عطایا و رحمتهای خدا را از او
سوال نماید **نوع دوم** آنکه ادعیه در باب اینکه کدام عبادت افضل است و آنست که گفتند و آردند
و از بعضی احادیث ظاهر میشود که بهترین عمل نماز است و از بعضی معرف یعنی شناختن حق تعالی
و از این حدیث شریف معلوم می شود که دعا افضل عبادات است و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر
صداق منقولست که رسول خدا ص را از صحابه پرسید که کدام یک از عوهای ایمان را از تو و محکمتر
است صحابه گفتند خدا و رسول خدا بهتر میدانند پس بعضی از صحابه گفتند نماز چنین است که فرمود
و بعضی گفتند زکوة و بعضی گفتند روزه و بعضی گفتند حج و عروه و بعضی گفتند جهاد پس آن
حضرت بعد از این سخن فرمود که هر یک از این عبادات را که نام بردید فضیلتی است و لیکن اولی و
مکرمترین عوهای ایمان محبت و دوستی و راه خدا و بغض از دشمنی در راه خدا و توبه و مسکن

باد و سنان خدام تری و بر این جهت از دشمنان خلافت و حرم و جمع ملایک از اخبار خنده آن که
گویم که چون هر یک از این عباد الله در حصول ریشکاری و قوز سجاده است ابدی در خلیت عظیم
هست با این جهت از افضل فرموده اند و نظیر این است که هیچی که هر یک از او ویرا خاصیت
که در این خاصیت دوی مرغی و دوی از دردهای جسمانی است و صلاح آن از امراض جسمانی در رفع
مختلفه و دفع الامم متوجه خود بخاطر است با استعمال آن ادویه و بعد از آنکه طیب مداوا مینماید اینها
را یکی از آن ادویه و مشاهده مینماید تا رطوبت آن دوا را حکم میکند به یکی از دواها که آن دوا را
بر صفا دوی ترجیح میدهد همچنین اصحاب امراض و حقایق کناهان و معاصی در از آن امراض
خود و تحصیل مفاصل و اجزاء او که غایت حقیقی است ملاحظه با استفاده از عبادت تا بوسیله
آنها ایشان را شفای حقیقی از آن امراض بلکه حاصل شود و بچگونگی و اوصیای عالیشان اینها
که چنانکه طیبانی بنفوس خلایق اند و بر ثبات عظیم هر یک از آن عباد را در خیر و مطیع اند هر یک
از آن عبادات را نظیر این خاصیت که از آن حاصل میشود از افضل فرموده اند و این مطلب
طولی دارد و تفسیر آن موقوف است بر مقدار بسیار که در این مقام مناسب نیست و از آنچه نفی
میشود مستفاد میگردد نیز سزا خلاف اخبار و باب افضل در غایب و شوقان و افضل است
نلا و شوق و الله تعالی یعلم **دوم** آنکه موجب قرب بجا آمدن حرمی است که در چنانچه در حدیث
وارد شده که بر شما باد بدعا و زیارت شما از خدا و در حاصل میشود مانند قرآن که در کتب با حاصل میشود
سیم آنکه موجب قضای مطالبه نیوی و مآربا جزوی میگردد زیرا که خونی غایب فرموده اند و آنست که
کم نبوی در عبادت و بجز اینها را مستحجابکنم از برای شما و حاجت شما را بر آورم **نفع سیم** در بیان
شرایط و ادایه طاعت که در اینها است بر دعا بطلب قبول بالا و به هدایت استجاب آشنا میگردد
و آنها چنانچه از تتبع در آیات و اخبار ظاهر میشود چند چیز است **اول** آنکه نیت داعی صحیح باشد
دل خود را از ریایا پاک سازد و برای شهرت در میان مردم بصلاح و تقوی در خاک کند بلکه عرضش حاصل
و قصدش صحیح باشد و تقصیل این معنی است که دعا برد و قسم است **قسم اول** دعا کردن برای طلب
خزوه که باید قصد و حصول آن مطلب باشد و برای خدا باشد اگر شکرگزاران و عباد از عقوبت
نیوان و قایم کردیدن بر هشتاد و در جانش عالیان و رسیدن بر مرتبه رصوان و خوشنودی خداوند تعالی
که اعلی مرتب و آسانی در جانش سفاد تمنا زانت و این مطالب اهمیت مطالبی است که آدمی با آنها
است چه معلوم است که بغیر چگونگی و اوصیای عالیشان که معصوم آنها در معاصی و کناهان سایر
مرحمان همگی مصلحتی با او حرام و اسیر و نوب و انام اند و اگر خونی غایب با ایشان بعد از سلوک نماید
و یکناهان و معاصی مواخذه نماید مستحق دخول جهنم و عقوبات اخروی نفوذ با الله منده خواهد بود
پس هم مطالب او و بجا جان و مآرب طلب مغزین و عفو از کناهان است و طهارت و احاطه و اجتناب

نکند

نکند بسیار و تحریص بسیار واقع شده در باب استغفار نیز که استغفار در حقیقت نوعی از دعاست
که مقصود از آن آمرزش گناهان است **دوم** مطالب نیوی و امور بی که آدمی در زندگی
عقار است حصول آنها و از آنها تمتع و بهره میبرد و این مطالب است با شیخا سر مردمان مختلف
ی شود و ماد را بجا بیشتر آنها که اکثر ناسی آنها را غب اندا اشاره مینماید **اول** طول عمر و دعیه
این مطالب را در این است **اول** بعضی از آن ادعیه بجز عبادت که مداومت بر آن موجب طول عمر
میگرد **دوم** صحت و شادمانی و ادعیه این مطلب بر دو نوع است **نوع اول** ادعیه که در آن
حفظ صحت است و هر که مداومت بر آنها نماید موسسه صحیح و شادمانی می باشد و بیماری و خشکی
او را غایب نمیشود مگر بیماری که منتهی بموت او شود و آنها را ادعیه حفظ صحت مینامند و مداومت
در مقام اشکالی را در نموده اند و آن اینست که جمعی که بر این مداومت مینماید مگر بر بیماری میشود
و شفای یابند و این مخالف آن چیزی است که در حدیث وارد شده است و جواب آن جنانکه بعضی از
علمائے ائمه اینست که ممکن است که بیماری که غرض ایشان شود مرضی بموت باشد و **دوم** غایب
صله رحم یا تصدق و امثال آن حق تعالی عمل ایشان را در از کرده اند و از آن مرض شفا یابند **نوع دوم**
دوم ادعیه که در آنها از امری است که حادث شده باشد و آنها را ادعیه شفای امراض مینماید
و این ادعیه در اخبار و احادیث و کتب دعوات علماء و در وجه وارد شده **اول** ادعیه که در
مطلب امراض وارد شده که هر که آنها را بخواند شفا یابد از مرضی که غرض او شده باشد **دوم**
ادعیه که در حصول امراض معیبه وارد شده مانند آنکه هر که تبت داشته باشد فلان دعا بخواند
و هر که در چشم داشته باشد فلان دعا بخواند و امثال آنها **سیم** از مطالبه نیوی غایت آن
بلا یا مصیبت است و ادعیه این مطلب نیز مانند مطلب **دوم** بر دو نوع است **نوع اول** ادعیه که از
برای طلب غایت و این شدن از بلاهای متوققه واقع شده مانند آنکه وارد شده که هر که در طلب
نماید فلان دعا بخواند باشد از بلا یا هیچ بلائی با و نرسد و ازین قبیل است دعای صحیفه کامله
که حضرت سید الشاحین صلوات الله و سلامه علیه بجهت طلب غایت میخواند **نوع دوم**
ادعیه که از برای دفع بلا یا یا حاصل واقع شده خواه در نظر بی عموم مانند آنکه وارد شده که
هر که بلائی مبتلا شده باشد فلان دعا بخواند تا حق تعالی آن بلا را از او دفع نماید و از این
قبیل است دعای صحیفه کامله که آنحضرت میخواند است در حین عرض خادش و در جمعی
که آنحضرت را اندواهی عارض میشده است یا در خصوص بلاهای مخصوصه مانند آنکه وارد
شده که هر که فلان بلا مبتلا شده باشد فلان دعا بخواند یا کسی که کار او کسب شده باشد فلان
دعا بخواند و از قبیل این نوع است ادعیه که وارد شده است از برای این شدن از سستی که رسید
که از خلق با و برسد یا خلاصی یافتن از سستی که از ظالمی با و رسید باشد مانند دعای صحیفه کامله

که آنحضرت میفرماید است در هنگامی که سستی آنحضرت میرسد یا از تنگنایان میاید آنچه آنحضرت
خوشتر نماید **چهارم** طلب وسعت یعنی حصول توسعه در معاش و توانگری چنانچه از عیب بسیار
از برای این مطلب وارد شده زوال تنگی معاش مانند غای صحیفه کامله که هرگاه روزی
بر آنحضرت نشت می شده آن در غار میخوانده یا او در بون مانند غای و قضا و دین صحیفه کامله که
هرگاه آنحضرت قرصی بهم میرسانیده آنرا میخوانده و ادعیه دیگر که برای اذی دین وارد شده **پنجم**
طلب غرض خواه فرزندان باشد و طلب بچاید یا کثرت اولاد یا فرزندان و کوفت طلبید و ادعیه
این طلب بسیار است **ششم** طلب قوت و عزت که در میان خلق ذلیل مغلوب نباشد و عزیز و عالی
باشد و از این قبیل است طلب جاه و اعتبار **هفتم** طلب لذات دیگر دنیا مانند زن جمیله صالحه
خانه و اسعه و خا و مانع غم و بر و ماکولات لذتین و ملبوسات فاخره و اقبال آنرا از اسباب
نفسیه دنیا که آدمی در تعیش دنیا آنرا لذت میرد **دویم** آنکه معنی غای تعهد و بدانند که
چیز میگوید و دلش در فکر دیگر نباشد و رعایت این معنی از تمامات است زیرا که اگر کسی خارج خود
را بریزد و از مخلوقین عزت کند و از روی سستی و بجزی سخن گوید و دلش از آنچه زبان او میگوید
آز آن بزرگ بر این معنی مطلع شود اگر این شخص را سیاحت کند بجنفش نیز اعتبار بخواند
و برایشند غای و اثری مترقی خواهد شد پس در هنگام مناسبات با خلفا و ذی افاضی الحاکمات بطریق اولی باید
که خرمه ادو همیاری باشد و بدانند که چه میگوید و تمام قوی و خواستش در خیال آن طلبی شد و لهذا
ناید و این باب در احادیث وارد شده است چنانچه از حضرت رسول ص منقول است که در وصیت خود
بحضرت امیرالمؤمنین فرمود که با علی بن ابی طالب منفرماید و غای از فراموش کار او از حضرت امام
ص منقول است که خدای عزوجل مستحاجت بفرماید و غای که از روی فراموشی کار بزرگتر است
هرگاه دعا کنید و خود را با خدا در این پیش بقیین کنید که دعا یا تمام استجاب است و از حضرت امیرالمؤمنین
ع منقول است که حق تعالی قبول منفرماید و غای که از دل غافل صادر شود و فرمود که چون برای
خود دعا کنید چنین دعا کنید که دل شما از آن غافل باشد و خبرها باشد باشد ولیکن باید که حدیث
سستی کنید از برای او در دعا و از حضرت ص منقول است که هرگاه دعا کنید پس دل خود روکن
بد رکاه الهی و حاجت خود در بر در خانه خود کان کن **مؤلف** که در رعایت این معنی بر عوام از جمیع که
لبغت عربی نیستند معتبر بلکه مستحق راست پس بهتر است که ایشان هر مطلبی که خواهند بگفت خود را
در رکاه حق تعالی طلب نمایند و اگر خواهند که ادعیه منقوله تلاوت نمایند و از برکات الفاظ صادره
از معادن و حوض الطهارة که در الحقیقه کلام حضرت ثلاث معلوم است یا از محرم نباشد باید که در چنین
خوانند و خود را مشغول جناب حق تعالی نمایند و صفات کمالیه او را منظور نمایند و عظمت
جلال او را در برابر خود متذکر شوند و در فکر انور دنیا و تدبیر معاش که اکثر اوقات در چنین عبادت

اگر مردم در فکر آنها میباشند یا بشند و بالجهل از یاد خدا غافل و ذوالعمل نباشند و بپولند و در فکر آن مطلبی
که دعا را برای آن میخوانند نبوده باشد هرگاه چنین نباشد دعا هر آنست که عمل با این شرط نبوده باشد
داخل در فراموشی کاران و غافلان که در احادیث مذکور و وارد شده است نبوده باشد و اگر خواهد
دعا مستریم که الحال شایع و متعارفات برای این طایفه بیشتر شود بهتر است و اگر دعا را شخص دیگر
که معنی آنرا بفهمد بخواند و ایشان آئین گویند نیز خوب است و در ثواب با یکدیگر شریک نخواهند بود
چنانچه از حضرت ص منقول است که دعا کنند و آمین گویند و در ثواب با یکدیگر شریک اند
و اینها از آنحضرت مرید است که رسول خدا ص فرمود که حضرت موسی ص فرمودی دعا کردی و هر چه بود
او با من است که آمین گفت پس حق تعالی می فرمود که دعا می کردی و مستحاجت کردی و اینها از آنحضرت
مرید است که فرمودید هرگاه دعوت و تعیین می شد از امری زمان و طفلان را می طلبید پس خود دعا می کردی
و ایشان آمین می گفتند و بدانند که اگر ای از جماعت حاضرین المناسبت نماید که ایشان گویند آمین پس
ایشان لازم است چنانچه از علی بن جعفر مرید است که گفت از برای دعا حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
پرسیدم از مردی که دعا میکند و میخواند و او بر کرد او حاضرند آیا برایشان واجب است آمین گفتن یا
حزرت فرمود که اگر خواهی دعا کنی و اگر خواهی دعا کنی می شود پس اگر او از ایشان المناسبت نماید
برایشان واجب است که آمین گویند و الله تعالی هو الموفق **سیتم** آنکه داعی الحزن در دعا ننماید و الفاظ
و اعراب آنرا هرگاه بلفظ عربی باشد غلط بخواند زیرا که عرض از دعا است اما با فاضل الحاکمات و عرب
مطلب و حاجت بد رکاه و احادیث و سؤال از حاجت مطالب و مآثره نبوت است و هرگاه تغییر تبدیل
در کلمات و حرکات دعا واقع شود معنی منقلب و خلاف مدعی میگردد و مستحاجت طلب
و شود مثلاً در زیارت خطاب معصومی میکند و میگوید **اشهد انک قلیل و غصبت**
بعض فاضله و عین سار انک انما انما سببی از برای معقول است و مراد آنست که تو معقول کشتی و
مظلوم و معصوب شدی پس هرگاه افعال کمتر یا بعضی حرفه غلط است یا سار انک سببی از برای فاعل
معنی ظاهر آن بد است زیرا که اسناد قلیل و غصبت معصوم داده و سخن عبارات از اینست و اینست
معنی آنست که در بعض اخبار وارد شده که دعا می کرد آن سخن باشد معقول است و دعا می خواند و خدا
قبول نمیکند و از حضرت ص منقول است که فرمود ما جماعتی هستیم هرگاه دعا می کنیم از ما یکدیگر اعراب
آز خوب نظر هر سار انک انما انما سببی از برای معقول است و مراد آنست که فرمودند حضرت امیرالمؤمنین
خدای تعالی کسی است که از انما باشد بقرآنت قرآن بخوی که نازل شده و دعا می او بر وجهی باشد که سخن در
آن نکند و سخن خطای در اعراب است و لوازم آن و این جهت آنست که دعا می که در آن سخن باشد که
بلا میبندد بجان خود و عدا و در مقام اشکال کرده اند و جوابها گفته اند و در حدیث ناویان
کرده اند که طولی دارد که مناسب مقام نیست **چهارم** آنکه داعی معرفت کامل داشته باشد بزرگوار

خوبی و یقین دانید که قضای حوائج دنیا و آخرت همدست است و بفرایند و ضرورت است
بیت و هر چه میسر آید از جانب اوست و هر چند معرفت او در این باب کامل است
استبداد اجابت دعا در حق او بیشتر است و در حدیث معنی منقول است که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام پرسیدند که چه سبب دارد که ما دعا میکنیم و دعای ما مستجاب نمی شود فرمود از برای
آنکه شما کسی را مستجاب کنید و حاجت خود را از کسی مطالبید که او را نمی شناسید و در حدیث دیگر
فرمود که هرگاه احدی از شما خواهد که هر حاجتی که از خدای تعالی سؤال نماید با وعظما
فرمود باید که آن همه مردم مایوس نما مید باشد و از غیر خدا امیدوار نباشد با شد فرمود که
حق تعالی چون این طاعت را در دل او بیاورد و او را بداند که هر حاجتی که سؤال کند البته با وعظما فرماید **بجز**
آنکه توبه کند و حق و زکاة در ذمه او نباشد و او باشد ادا نماید و از محرمات و مشبهات اجتناب کند
و اعمال صالحه و عبادات مقبوله بجا آورد و از کلمات معنوی که صفات ذمیه نفس است بفرماید
و از منزه پاک گرداند و صفات حسنه و اخلاق حمیده آنرا محلی و مزین سازد و در حدیث معنی منقول
است که شخصی حضرت امام جعفر صادق را عرض نمود که حق تعالی سفر نماید که دعا کنید دعا می نماید
و مستجاب گردانم و ما دعا میکنیم و مستجاب نمی شود فرمود که دعا می نماید برای این مستجاب نشود
که دعا میکند بر پیمانها که حق تعالی از شما گرفته از عمل نموده با و فریاد نموده منتهای حق تعالی
سفر نماید که دعا کنید بپیمان آفا که بعهده و پیمان شما و الله که اگر شما وفا کنید از برای خدا او
نیز وفا میکند از برای شما و در حدیث دیگر روایت است که هر که خواهد که دعا می نماید و مستجاب شود باید
که کنگ خود را حلال کند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
که بهترین دعا همان دعا است که صادر شود از سینه که پاک و پاکیزه باشد از عیب و صفات فیه
و در دیگر روایات دیگر فرمود که حق تعالی و حق نمود بحضرت عیسی که بگویند اسرائیل که بخانه
از خانه های من داخل شود مگر با دلهای ظاهر و دیدهای خاشع و دستهای پاکیزه از کفایت حرام و شبهه
و ایشان بگویند که بلائید که از هیچیک از شما دعای مستجاب نکنم هرگاه مظلومی در نزد او باشد و مال
کسی بظلمه او در ذمه او باشد و حضرت امام جعفر صادق فرمود که حق تعالی مستجاب نمیکند دعای را که
با دل سخت و با قنات و دعا کند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ص فرمود که دعای بی عمل صالح
از باب تیرا الحق از کافران است **ششم** آنکه دعا عادت او شده باشد و در احوال رخا و عافیت
نیز دعا عادت او شده و در حدیث واقع شده که هر که خواهد دعا او در حالت شدت مستجاب شود باید
که در حالت رخا و نعمت نیز دعا بیاورد و در حدیث دیگر فرموده که شخصی که پیش از نزول دعا
میکند چون بلا می آید و نماز می شود دعا می شناسد و مستجاب است و مثل که چون صدای و آویز شوند میگویند
این صدای آشنایی است و دعا می آید و از آسان منع نمینماید و شخصی که دعا میکند پیش از نزول دعا چون

بلا می آید و از شدت دعا در مستجاب نیست و مثل که میگویند ما از صدای آشنای شناسیم و بروایت دیگر میگویند
پیش از آمدن بلا می آید **هفتم** آنکه پیش از شروع دعا صدق قی کند و در حدیث است که حضرت امام جعفر
صادق فرمود که اگر احدی از شما بیمار شود طبیب را بطلبید و با او چیزی نمیدهد و اگر حاجتی
بپادشاهی داشته باشد در بار او برشود میدهد پس هرگاه حاجتی بخدا داشته باشد باید صدق
کند خواه که خواه بسیار **هشتم** آنکه چون شروع کند دعا اقتناع کند دعای خود را بپوشد و نتواند
آنکه در صلوات بر محمد و آل محمد و در حدیث وارد شده که حضرت امام جعفر صادق فرمود که هرگاه
یکی از شما خواهد که از خداوند خود حاجتی از حاجت های دنیا و آخرت سؤال نماید باید که ابتدا کند
تسبیح و مدح خداوند و ایمان و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و جمیع آنکه حاجت خود را
طلب نماید و بروایت دیگر فرمود که هرگاه حاجتی داشته باشد حمد و ثناء بر او در کار خود نکند
زیرا که هر کسی که از پادشاهی حاجتی طلب نماید مینماید از برای او از شما پیش بهترین تسبیح و ثناء
دارد که او را مینماید پس حضرت فرمود که شخصی که اهل مسجد حضرت رسول ص شد و دور کعبت نماز
کند و از خدای تعالی حاجت سؤال نمود حضرت فرمود که این سبب تجمیل کرد بر خداوند و دیگری آمد
و دور کعبت نماز کرد و بعد از آن خدا را شاکت و صلوات بر محمد و آل محمد فرستاد حضرت فرمود که حاجت خود
را بطلب که حق تعالی عظما عظیم نماید و بروایت دیگر فرمود که دعا بخواند از آسمان و مستجاب نمی
شود تا صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیه و جمیع نفرستد و بروایت دیگر هرگاه دعا کند
و سبب دعا را بداند دعا بر بالای سرت او آید با مال بزند و چون صلوات بفرستد بلا می رود **نهم**
آنکه دعای خود را ختم نکند نیز صلوات و در حدیث وارد شده که هر که از خدای تعالی حاجتی باشد
صلوات بر محمد و آل محمد علیه السلام فرستد و حاجت خود را طلب نماید پس از دعا خود را ختم کند
صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیه بد رستی که خدا که بپس است از آنکه در طرف دعا قبول
فرماید و میان او کند زیرا که صلوات بر محمد و آل محمد البته مقبول است و در حدیث **دهم** آنکه
در حین دعا کردن سبب خود را در حالت سجده و در حالت خود را طلب نماید و در حدیث است که حضرت
امام جعفر صادق فرمود بر او فرمود که بر تو باد دعا کردن در وقت سجده و یا پیش از آنکه سجده
حالت سجده یعنی تعالی نیز بپس است از احوال دیگر خود **یازدهم** آنکه سعی کند که وقت نماید با طاعت
وقت دعا کند و در حدیث است که حضرت امام جعفر صادق فرمود که هرگاه شما از آنکه حاصل
دعا کنید زیرا که دل آدمی را وقت حاصل نمیشود مگر در هنگامی که از برای حق تعالی دعا کرده باشد
و مشغول خدا شده باشد و آن علامت استجابت است و بروایت دیگر فرمود چون بدو بشارت برود در آن
و بجز در دیدهای تو که این شود در دعا اهتمام کن که در آن حالت رحمت الهی شود تو که در آن وقت
اجابت است **دوازدهم** آنکه حاجتی که داشته باشد از برای برادرش خود طلب نماید تا بچهارمین

مستجاب بشود و در حدیث وارد شده که حضرت رسول هم فرمود که هیچ دعا بخوانی مگر تو مستجاب نمی شوی از
دعای عیال برای بوی غنای و در حدیث دیگر مره نیست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نزد یکدیگر این دعا
با طاعت دعای مؤمنانست که از برای برادر مؤمن خود غنایان کند زیرا که ملکی مویکل است بر این دعا
که میگوید آسین حق تعالی بوعظا سیف نماید و برابر آنچه برای برادر خود دعا کردی در حدیث دیگر
ابراهیم بن هاشم بن نفوس که گفت عبد الله بن جنید را در عرفات دیدم که هیچکس و قوف عرفات را
بهتر از او بخانیان و رده بود پس دست با آسمان بلند کرد و بود و آب دیده بر د و طرفه و گوشه خاری
بود و بر زمین می ریخت چون مردم از او قوف عرفات فارغ شدند و برگشتند باو گفت هرگز من و تو هم
بجوف و قوف تو ندیده بودم گفت و الله که درین موقت دعا نکردم مگر برای برادر مؤمن خود زیرا که آن
حضرت امام موسی کاظم هم شنیدم که هرگز برای برادر مؤمن خود دعا نکرد و غنایان را از او اعتراف
نمادند که از برای تو با صد هزار برابر آنچه دعا کردی و غنایان را از او اعتراف
بجای که ندانم که مستجاب می شود یا نه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول فرمود که هر مؤمنی که آن
برای مؤمنین و مؤمنات دعا کند ثمره اش آن باشد که در حدیث اخیر مذکور است و الله تعالی اعلم
بناکه در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که چهل مؤمن را مقدم آورد و از برای
ایشان دعا کند دعای او مستجاب است و در حدیث دیگر مره نیست که حضرت رسول فرمود که چون
یکی از شما دعا کند دعای خود را عام کند و مخصوص خود نماند با طاعت نزد یکدیگر باشد و **تلف** گوید که
از جمع برای اخبار مفهومی شود که اولی و سزاوار است که داعی یکی از او و بطریقی اختیار نماید دعا
او با طاعت نزد یک شود **اول** آنکه مطلب خود را بجهت برادر مؤمن خود طلب نماید خواه بین مؤمنان یا غیر
و اولی آنست که چهل مؤمن باشد یا بجهت مؤمنین و مؤمنات عموما آنکه همان مطلب را برای خود
کند یا بدعا می که بجهت ایشان کرده است آنکه نماید **دوم** آنکه برای خود و دیگران عموما طلب کند
خواه جمعی مخصوص یا مطلقا غایب و خویشان یا اصحابان خوف و امثال ایشان یا مطلقا مؤمنین
مؤمنات **سیم** آنکه حاجت خود را صریح نام برد و بدعا را در حق تعالی عرض نماید و در حدیث وارد شده
که حق تعالی بر او صدگان خود را میداند و دهکای که دعا میکند و لیکن دست میدارد که صدگان
خاطبهای خود را بزبان جاری سازند و بدعا را که خدا عرض نماید **چهارم** آنکه الحاح کند در دعا و بسیار
نماید با طاعت و در حدیث وارد شده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که دعا کند که هیچ
تزد حق تعالی الحاح نمینماید در حاجت خود مگر آنکه حاجت او را برساند و در حدیث صادق فرمود که
حق تعالی مکرره و دشمن دارد الحاح مردم را در سؤال از یکدیگر و از برای خود این الحاح را پسندیده است
و دوست میدارد که از او سؤال نماید و از آنچه نزد اوست طلب کند و حضرت رسول فرمود که حق تعالی
رحم میکند بنا که طلب کند از حق تعالی حاجتی را و در دعا الحاح نماید خواه دعای او مستجاب کند یا نکند

نخ آنکه جمعی را نیز در دعا کردن با خود شریک گرداند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول
است که چهار نفر جمع میشوند از برای دعا مگر آنکه در هنگام دعا که متفرق میشوند دعای ایشان
کردید پس فرمود که چون پدرم را حاجتی بود و او را دعا میخواندند و او دعا میکرد
و ایشان آمین می گفتند و بر او ایستادند و دیگر فرمود هرگاه چهل نفر جمع شوند و دعا کنند البته دعای
ایشان مستجاب است و اگر چهل نفر نباشند چهل نفر بخون هر یک در نوشتند خدا را در حاجتی بخوانند
البته دعای ایشان را مستجاب میداند و اگر چهار نفر نباشند یک نفر بخون خدا را در حاجتی چهل نفر
بخواند البته خداوند عز و جبار دعا را مستجاب میکند **بناکه** در حدیث وارد شده که حضرت
امام رضا علیه السلام فرمود که یک دعا بخوانی که بکنی بهتر است از هفتاد دعا که از عیال نیک و مراد
از آن حدیث شریف منالذات در خلوص دعا و احتراز از ریاکاری این باشد از ریاکاری دیگر
با او در دعا و احوالست و با طاعت قرب است **ششم** آنکه بعد از فراغ از دعا استید عظیم هرمانه بخواند
حق تعالی و در حدیث وارد شده که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بر او می فرمود که چون دعا کنی بگو
کن که حاجت تو بر در خانه تو حاضر است و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حق تعالی مستجاب
کند دعای آنکه با دل با طاعت فراموش کار باشد پس چون دعا کنی در خود را با خدا ابرید و یقین خود را
محکم کنی که دعا می شناسد مستجاب است **سوم** آنکه در دعا بسیار که نیست خواند و او عید و توبیح آنکه ترائق که
بجای آنها وارد شده چگونه بر آنها ترتیب میشود و در چه وقت حاصل میشود و بوقوع رسید **بناکه**
ادعیه که در اخبار و احادیث وارد شده بر دو نوع است **نوع اول** ادعیه که شمر معینان را بر آنها
در اخبار وارد نشده و ثمرات این ادعیه ثمرات اخروی است که از چهارده دعا حاصل میشود و چهارده مستجاب
مطلبی که در این ادعیه مذکور است و ثمرات دیگر که بر دعا مطلقا ترتیب میشود **نوع دوم** ادعیه که ثمرات
معینان را برای آنها در اخبار و روایات وارد شده خواه ثمرات اخروی یا ثمرات دنیوی یا هر دو و حصول
اخروی ظاهر است زیرا که این ادعیه بعضی مخصوص است بوقت معینی و بعضی مخصوص بوقت نیست و برخی
متیاد است بعد معینی و بعضی متیاد بعدی نیست پس ادعیه این نوع بر چند قسم است و هر یک از آن
اقسام حکمی دارد **قسم اول** ادعیه که چنین وارد شده که هر که فلان دعا را در طرف صبح تلاوت کند در آن
روز از فلان بلا یا از هر بلاها سلامت باشد یا فلان نعمت از برای او حاصل شود یا هر که فلان دعا را در طرف
بجوانی بخواند چنان خواهد بود و حکم این قسم آنست که در هر روز و هر شب که آن دعا را بخواند بمحض
و عده که در آن حدیث شده آن ثمره برای او حاصل می شود و اگر در روز یا شب تلاوت نماید علی بصورت حدیث
نکوه است و آن عده نیست باو واقع نشده و اگر حق تعالی خواهد آن دعا را باو عطا می نماید و اگر بخواند
عظا میفرماید **قسم دوم** ادعیه که در گذشته که هر که فلان دعا را در او ماه بخواند از تمام از هر جن
بلازی سلامت باشد یا فلان دعا را در او سال بخواند از آن سال چنان خواهد بود و از تمام نیز نباشند

دویم است و هرگاه خواهد که آن ثمره موعوده برای او حاصل شود باید که ترک نماید **و بدانکه** درین وقت
لازم نیست تکرار خواندن آن ادعیه و بخواند بجز یک مرتبه عمل بمضمون حدیث حاصل می شود و اگر مکرر بخواند
الحاح در دعای آنکه در احادیث امر بآن شده بعمل نیاید و باین جهت اولی است چنانچه بعد از این بیان خواهیم
نمود **قسم سیم** دعا می که مقید بوقت معینی نشده و عدد معینی نیز برای او واقع نشده مثل آنکه وارد
شده که هر که فلان دعا بخواند فلان ثمره برای او حاصل میشود و این قسم از دعا وقت معینی نیز
برای او حاصل میشود و این قسم از دعا وقت معینی ندارد و در هر وقت از اوقات روز و شب که
خواهد میخواند و اگر اوقات استجاب دعا را کرد در اخبار و احادیث وارد شده اختیار نماید
اولی یا حاجت او برخواهد بود و همچنین این قسم از دعا عدد معینی ندارد پس اگر یک مرتبه بخواند عمل بحدیث
نموده است و آن ثمره حاصل می شود و اگر مکرر بخواند عمل با حدیث الحاح در دعا موعوده و باین جهت امید
استجاب در باره او بیشتر خواهد بود **قسم چهارم** ادعیه که مقید بوقت معینی نیست و یکی عددهایی
برای آنها واقع شده مانند آنکه وارد شده که هر که فلان دعا را ده مرتبه بخواند فلان ثمره میبخشد
و در این قسم هرگاه عمل بحدیث نماید و آن دعا را بهمان عدد بخواند بمقتضای وعدۀ آنکه بعد از قرائت
آن عدد ثمره موعوده مرتب می شود **و بدانکه** در این قسم هرگاه آن عدد را یکی و زیادتر مرجم ادر معین عمل
بحدیث نموده است و از کلام بعضی از علما ظاهر میشود که اگر زیادتر بخواند نیز خوب است زیرا که در اذکار و
ادعیه زیادتر مضرب نیست و تصور می ندارد و این سخن در صورتی که ادعیه و اذکار معلقه وارد شده و فرمود
باشد که فلان دعا را ده مرتبه و ذکر دیگر را ده مرتبه بخواند محل نام است زیرا که محفل است که حضور
عدد معین و مراعات ترتیب بطریق که وارد شده و خلیل باشد در حصول آن ثمره چنانچه در باب تسبیح
حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها گفته اند که باید عدد **الله اکبر** و الحمد لله و سبحان الله مصبوط باشد
و بهمان عدد و همان ترتیب این اذکار گفته شود بلی در صورتی که بلی بگوید دعا باشد یا سعه باشد یا نام
رسیده باشد ظاهر آنست که زیادتر محفل نباشد زیرا که بعد از اتمام آن عدد عمل بحدیث کرده است و زیادتر
که بعد از اتمام عمل با آوردن باشد مصبوطها در چنانچه در مثال تسبیح هرگاه از اتمام کند و سعی سه مرتبه
سبحان الله بگوید اگر ذکر سبحان الله را بگوید چون آن عمل را بوضعی که ما تورات نام کرده است آن
زیاده محفل نیست و با ذکر تسبیح محسوب نمیشود بلکه ذکر تسبیح علیحدگی که بعد از فراغ از تسبیح با آوردن
است **قسم پنجم** ادعیه که مقید بوقت معینی و عدد معینی شده باشد مانند دعا می که وارد شده که
هر که آن دعا را چهل مرتبه بخواند فلان ثمره دارد و این قسم نیز مانند قسم سابق است و زیادتر
خواندن آن دعا ضرر ندارد و معانی عمل بمضمون این حدیث نیست و ظاهر آنست که در هر قسمی توایض شرط
نیست پس اگر در لیلی لیلی جمع ترک نموده باشد مضرب نیست خصوصاً هرگاه بسبب طبعی باشد
بلی اگر در حدیث قید بوقت معینی شده باشد و بعد از آن موعوده باشد عمل بمضمون حدیث نموده است و باید

عملی از سر کرده **و بدانکه** در بعضی از اعمال که توالی در آنها شرط شده مانند روزه و نماز و کفاره
افطار روزه نماز مبارک رمضان هرگاه آن عمل از نصف تجاوز نموده باشد و سعی بیکر زوزه داشته
باشد آن عمل و افضن فناوی و علمای واحادیث مجرب است و بعد از تجاوز نصف مواظبت توالی در بقیه آن توالی
نیست و هرگاه در اعمال واجب چنین باشد که گفته اتان نمود مجاوزت نصف پس در وقت که در اعمال
سختی مانند غاسطه یا اولی بخیز باشد و خداوند بزرگوار برین صورت و قابو عده خود فرماید **و الله**
تعالی ینعم **قسم ششم** ادعیه که وارد شده که هر که در شب جمعۀ فلان دعا بخواند فلان ثمره دارد یا هر که
هر روز فلان دعا یا بعد از هر نماز فرضیه فلان دعا بخواند چنان شود و قریب باینست ادعیه که بلفظ **سبحان**
و مواظبت وارد شده که هر که مداومت یا مواظبت بر فلان دعا نماید فلان ثمره برای او حاصل میشود و در
قسم هرگاه بطریق که در حدیث وارد شده عمل نماید و تخلف نکند آن ثمرات حاصل می شود و اگر کاهی بعد
آورد و کاهی ترک نماید پس اگر آن ترک نادر و قلیل باشد و عجزی رسیده باشد قرائت آن دعا که در وقت
و عادت گویند که آن عمل مستمر وارد و مداومت و مواظبت میباشد عمل بحدیث نموده و آن ثمره حاصل
میشود و اگر ترک خواندن دعا را بسیار کند و قرائت دعا عجزی رسیده باشد که عجز عین آنرا مداومت
و مواظبت گویند عمل بمضمون حدیث نموده است و حصول آن ثمره بمقتضای وعدۀ لازم نیست اینست حکم
این قسم در باب حصول ثمره و اما آنکه در هر وقت آن ثمره حاصل میشود پس آن خالی از غرض و اشکالی
نیست زیرا که مقتضای احادیث آنست که قرائت آن ادعیه در هر لیلی جمعه در مثال اول و در هر ایام
و در اعقاب هر صلوات صحیح یا هر فرض در مثالهای دیگر یا بعد از حصول مداومت و مواظبت در وقت
اجزیه موجب وقوع آن ثمرات است و معلوم است که این معنی تحقیق بهم نرسد و وقوع نمی یابد پس در هر
که در نام هر چند چنان میگرداند باشد و عمل بآن احادیث حاصل میشود مگر با تمام عمر یا از حالت و هرگاه تر
ثمره موقوف بر اتمام عمر باشد باید که ثمرات آن ادعیه بعد از زوال حیات و انقضای ایام عمر حاصل شود
و این معنی در ثمرات اخروی اگر چه عجزی و قسومی ندارد زیرا که آن ثمرات بعد از موت و در نشأه آخرت
حاصل میشود اما ثمرات دنیوی بگونه می تواند بود که بعد از موت و انقضای ایام حیات بود و باشد مثلاً در
حدیث وارد شده است که هر که هر روز بعد از نماز صبح فلان دعا بخواند حق تعالی او را از کوفری و نمانی
و از تنگدستی و پریشانی نگاه دارد و ظاهر آنست که حصول این ثمره بعد از موت و انقضای ایام زندگی
نیست و بصورت است و محل اشکال بچند وجه میتوان نمود و وقوع ثمره در این مثال چند احتمال دارد اول
اینکه مراد اینست باشد که در هر روزی که این عمل انجام می آید و آن دعا را بخواند در آن روز از کوفری و نمانی
بلا و از پریشانی و منع روزی برین خواهد بود و این احتمال سببی بر آنست که آن عمل در حقیقت اعمال است
و ثمره آن ثمرات مستقده باشد و هر یک از آن اعمال هرگاه واقع شود ثمره آن نیز بوقوع رسد **دویم** آنکه
مقتضوی این باشد که مادام که مداومت بر این عمل است باید این ثمره از برای او حاصل است و درین صورت

میشود انشاء الله تعالى **اشا** ساعات روز و شب هر چه بود و نوع است **نوع اول** ساعات روز و شب
 که تخصیص بر روز خاصی ندارد و آن چند ساعت است **اول** وقت زوال آفتاب است از هر روزی
 یعنی اول ظهر هر روز چنانچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت است که هر که در وقت
 که هرگاه او را حاجتی بود آنرا از حق تعالی طلب کند در اول وقت ظهر تخصیص وقت زوال روز
 نماند ساعت که از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که هر که در آن
 ساعت از حق تعالی چیزی بخواهد بگوید یا عطا میکند **دو** بعد از عصر هر روز مخصوصاً بعد از نماز
 عصر و حدیث وارد شده که هرگاه حاجتی داشته باشی ختم نماز آن بعد از نماز عصر و قرآن و این
 بکبر و از آن تا آخر قرآن را با ذکر بعد از آن دست خود را با قرآن بلند کن بگوی آسمان بپذیرد که تو را
و بخوان اللهم انی اتوجه الیک بالقران العظیم من فاتحنه الی خاتمته
 این دعا
و فیہ اسمک الاکبر و کلمات الثمان کلها و اسألک بما تحاتم
منه و ترجوایا سارع کل صوتک و یا اری التئوس بعد الموت با من لا یفتنا
الظلمات و لا تشبه علیه الاضواء ان تصلى علی محمد و آل محمد و ان
تعطبه محمداً و فضل ما شئت له و احصل ما انت مسؤل له الی یوم القیمه
یا ذا الجلال و الاکرام و ان تعفر لی و ترحمه فی و ترزقنی الحیة ستم و قرطیغ
 و غروب آفتاب است
 هر روزی و مخصوصاً در مرتبه نهیلید و دعاها را بگوید و بعضی قابل و خوب بپندارند که
 در روز وقت و عمل هر بنا که استجاب نموده اند **تفریح** بدانکه در وقت تقسیم هر روز نماز و دعا
 سال بدو ازده ساعت و هر ساعتی با منسوب یکی از آن بر علیه السلام و از برای هر ساعتی از آن دعا
 آن ساعت مذکور نموده اند چنانچه شیخ طوسی قدس سره در کتاب مصباح و شیخ بهاء الدین محمد که در
 مفتاح الفلاح نقل نموده اند و از جهت طول کلام و مناسب بودن این مقام ادعیه این ساعات را
 مذکورینا خند محول مصباح و مفتاح الفلاح مینویسم مناسب است که آن ساعات مذکورینا سیدنا
 شیعینان تو تسلیم کنی چنانچه شیخ سید بن علی در آن اوقات هر پیشوایان دین خود در هر ساعتی از آن ساعات
 با شایسته از علی مرتضیٰ علیه السلام توسل شوند و بخوانند و دعاها را که مخصوص آن ساعت است و حاجت خود را از حق تعالی



تا من الحاحات مثلک نماید که مستجاب است **اشا** الله تعالی **اشا** ساعات اول سیانه طلوع خورشید تا
 طلوع آفتاب است و آن منسوب بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و دعای در این ساعت
اینت اللهم رب العالمین و القلوب الساعیه و ما بین طلوع آفتاب است تا بر طرف شدن
 سرخی و این ساعت منسوب است بحضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام و میخواند در آن ساعت این دعا را
اللهم یا خالق السموات و الارض اوسع الساعات بعد از بر طرف شدن سرخی آفتاب است
 تا بلند شدن روز و این منسوب بحضرت امام حسین علیه السلام میخواند در این ساعت این دعا را
اللهم رب الارباب اوسع الساعات از بلند شدن روز است تا پیشین و این ساعت منسوب
 است بحضرت علی بن الحسین علیه السلام و دعای مخصوص آن ساعت اینست **اللهم انت الملیک الملیک**
ساعت پنجم از زوال آفتاب است تا گذشتن مقدار چهار رکعت و آن منسوب بحضرت امام محمد
 باقر علیه السلام و دعای در آن ساعت اینست **اللهم انت الذی لا اله الا هو اوسع الساعات**
ششم از زوال آفتاب است از گذشتن مقدار چهار رکعت از زوال نماز ظهر و این منسوب بحضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام میخواند در آن ساعت این دعا را **اللهم انت انزلت الغیث اوسع الساعات**
 پس از نماز ظهر است تا گذشتن مقدار چهار رکعت پیش از عصر و این ساعت منسوب بحضرت امام
 موسی کاظم علیه السلام و دعا در آن ساعت اینست **اللهم انت المرحوم اوسع الساعات** پس از گذشتن
 چهار رکعت پیش از عصر تا نماز عصر و این منسوب بحضرت امام رضا علیه السلام میخواند در آن ساعت این
 دعا را **اللهم انت الکاشف للشدائک اوسع الساعات** پس از نماز عصر است تا اینکه بگذرد و دعا
 و این منسوب بحضرت امام محمد تقی علیه السلام است و دعا در آن ساعت اینست **اللهم یا خالق الانوار اوسع**
ساعت هفتم پس از زوال ساعات بعد از نماز عصر تا زوال آفتاب است و این ساعت منسوب بحضرت امام
 علی نقی علیه السلام است و دعای در آن ساعت اینست **اللهم انت الولی الحسید اوسع الساعات** پس از زوال
 زوال آفتاب است تا زوال روزی آن و این منسوب بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام است و دعای در آن ساعت
اینت اللهم انک منزل القرآن اوسع الساعات و این ساعت منسوب است تا غروب آن و آن
 منسوب بحضرت خلت و حجت بر خلق است صلوات الله علیه و علی ابائنا الطاهیرین و علی فرجهم و دعا
 در آن ساعت اینست **اللهم یا خالق السموات نوع دویم** اوقات مخصوص روزها و آن چند وقت
اول روز جمع هر اوقات آن و حادثه آنرا سید علامه مرام مولانا محمد باقر مجلسی قدس سره در حصر روز جمعه
 الا سابع ذکر نموده **دویم** وقت طلوع آفتاب و روز جمعه در بعضی از روایات وارد شده که هرگاه در
 وقت طلوع آفتاب روز جمعه کسی هفت مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون را بخواند و بعد از آن دعا کند
 دعای او مستجاب میشود **سپس** خصوص وقت عصر و روز جمعه چنانچه منسوب است که دعای نماز را در عصر
 بخواند و عمل بر آن اذعیر که وارد شده که بعد از عصر طهارت یا بعد از نماز عصر واقع شده چنانچه در بعضی

الاسابع مذکور است **چهارم** و در نماز ظهر و عصر و در چهارشنبه چنانچه منقول است از ائمه بر حضرت
الله انصاری که حضرت پیغمبر در رحلت اجزای روزه و دو شنبه و سه شنبه برای شکیست که فرات
دعا کرد در زمان وقت ظهر و عصر روزه چهارشنبه مستحب است و در کفنه است که هرگاه نازل شد
بجز چیزی که مرا بخشم و اگر در دو ساعت مذکوره مستحب غایب شدم و استحباب ذی یاقوت **پنجم** ایام
متبرکه و اعیاد شریفه مانند روز عید فطر و اضحی و غیره و سبب و مایه هله و استغفار و غیره آنها از ایام
و همچنین روزه های که شب آنها شرافتی دارد مانند ایام لیالی قدر مثلا که وارد شده که روز اینها مانند شب آنها
فضیلت و شرافت دارد **ششم** و **هفتم** او طایفه که اختصای شب یا روز نماز و دعا در آنها مستحب است و
آنها چند وقت است **اول** وقت زینب بادهاست و وقت آمدن باران و وقتی است که موی آبظم سبلی
رسانند و **اول** قطره از خون او بر زمین بریزد چنانکه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که طلب
کین در چهار ساعت نوزد و نوبت بادها و نوزد کرد بدین سائرها یعنی وقت ظهر و نوزد آمدن
باران نوزد اول فطره از خون کسی که مؤمن باشد و کشته شود پس بدستی که درین وقتها از آنها
آسمان کشته می شود **دوم** بعد از قراءت قرآن و میانه از آن زمان تا وقت که از کسی طلبی
برسد و دل او بسوزد و دل سوخته داشته باشد و او را وقت صلوات شود و اشکی از دل
او فرود بریزد چنانکه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه در وقت کند احدی از شما چیزی را که
مستجاب است زیرا که رقیق میشود دل کسی تا خالص نباشد **سیم** و قیامت که قرآن مجید را ختم نماید
تعب از آن هر غامبی که بکند مستجاب است **چهارم** و قیامت که روزه دارد و روزه اش را تمام کند و خوا
انظار کند قبل از افطار هر غامبی که بکند مستجاب است **پنجم** در عقب هر نماز و حج
و طاعت مستجاب است چنانکه از امیرالمؤمنین صلوات الله علیه روایت است که رسول خدا فرمود
که هرگاه آدمی بجا آورد نماز و روزه را هر دو غایب که بعد از آن بکند مستجاب است پس از تمام کردن
که در خواب دیدم آنحضرت را و سؤالی کردم که چنین حدیثی از شما ما رسیده فرمود چنین است هرگاه
فایده شوی از نماز و حج خود پس گوید **صلوات الله علیهم** من روزه و حجی من روزه و حجی من روزه و حجی
صلوات الله علیهم و هر حاجتی که دارد از حق تعالی بخواند که برآورده است و ایضا از آنحضرت
روایت شده که باید سینه از جای نماز خود در بخیزد تا آنکه سؤالی کند از خدای تعالی که در نماز و روزه بخواند
انوار کسب حجت و آنکه نوبت نماید او را بخوبی تعیین و احادیث در این باب بسیار است از ائمه هدی علیهم السلام
مباین فایده گفتا **ششم** دعای شخصی که حج خانه خدا کرده و همچنین زیارت رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام
نموده و شخصی که چهار روز خدا کرده و کسی که بیار باشد که احادیث در این باب بسیار است خصوصا در
دعای هر یک مستجاب است **هفتم** دعای سائل است برای معطلی نزد عطا چنانچه از حضرت امام زین
العداوین روایت فرمود بخادم خود وقتی که چیزی سبب میداد که اندک نگاه دار تا او دعا کند و ایضا

از آن

از آنحضرت روایت که میفرمود بخادم خود که هر چه از حاجت طلبی که بخواهی بگو تا دعا کند بخیر که مستجاب است
و غیر این از احادیث وارد در این باب و دیگر بوقایع استحباب دعا و آن چند مکان است **اول** در تحت قبه مبارک است **ثانی**
ابا عبد الله الحسین صلوات الله و سلامه علیه است چنانکه در احادیث وارد شده است که هر کس
با آنحضرت در عرض شهادت چهار چیز بخواهد **اول** آنکه ترسید شریفی او را شفا کرده است **دوم** آنکه
دعا را در تحت قبه او مستجاب کرده است **سیم** آنکه با او امر از ذریه او قرار داده چهارم آنکه با او
او را از جمله عزیزان کند که از او حساب نموده و اگر کسی حاجتی باشد و خود در تحت قبه مبارک
آنحضرت حاضر شود آنستند بگری یا اجیر می تواند نمود تا بان مکان شریف رفته بنیات او دعا کند چنانکه
دعا کند که است آنچه روایت شده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در او چشم عارض شده پس
فرمود که کسی را اجیر نمایند و نبرد قبر منور حضرت امام حسین هم فرستند تا برای آنحضرت دعا کند پس کسی
شعبان از خانه حضرت بیرون آمد و آن اجیر را در در خانه دید و حکایت را شنید پس گفت که من با او
میگردم عید آنحضرت و بسکوی که چنانکه حضرت امام حسین علیه السلام را احاطه است آنحضرت
پس امام و اجداد اطاعه است پس چرا ما بیکه نایب آنحضرت بگویم و در سجده آنحضرت دعا کند پس کسی
شیعه باز کردید و آن سخن را بخندید آنحضرت عرض نمود آنحضرت فرمود که چنین است که گفتی لیکن نماز است
که حق تعالی اسکا نه است که دعا در آنها مستجاب است و نزدیک تر شد استهداء از جمله آن مکانهاست
دوم در حضور مقدس حضرت رسول و حضرت امیرالمؤمنین و باقی شاهده شریفه از اهل بیت اطهار
صلوات الله علیهم اجمعین چنانچه احادیث آن در محقق مذکور است **سیم** موقوف عرفات و مشرف
چنانچه در حدیث وارد شده که هر کس مایه در آن روز موقوف عرفات بملکه خطا میفرماید که ای فرشته
من را بنظر منبکد بسوی بندگانی که آمده اند از اطراف شهرهای و زهر کرده آلود و نعل کشیده و
از آنها و مشقهای بسیار مغل شده هیچ میدانید که حاجتهای ایشان چیست بلکه میگویند که ای
پروردگارا ایشان را زود طلب از منش از کنایان خود میکند حق سبحانه و تعالی میفرماید که ای ملکه
کواه باش که من از بندیم ایشان را و در حدیث دیگر وارد شده که بعضی از کنایان است که از بند
نمیشود مگر عرفات و مشرف را چنانچه حق تعالی میفرماید که فاذا اقصم من عرفات فاذا ذکر و الله
عند المشرف الحرام یعنی چون برگردد از عرفات پس خدا را یاد کند نزد مشرف الحرام که موضعی است
معتن که در آن محل دعا مستجاب است **چهارم** در حرم کعبه و اصل کعبه روایت از حضرت امام رضا
علیه السلام که نمایی کسی رگوهی از کوههای که رود عا کند که آنکه مستجاب می شود دعای ایشان اما
مؤمنان دعای که بجهت دنیا و آخرت خود می کنند هر دعا مستجاب است و دعا که از آن دعای دنیا و آخرت
مستجاب است و همچنین در سایر مواضع شهرها دعا مستجاب است مانند حطیم و تحت منار و مقام

حضرت ابراهیم و من در حجر الاسود و غیره چنانچه در محل خود مذکور است **سجده الحامده**
مسجد مدینه که مسجد حضرت رسول ص است و مسجد کوفه و مسجد سمرقند که هر یک مساجد معتبره
کوفه و غیر آن که مخصوص وارد شده که در آن مستجاب است و سایر مساجد بطریق خصوصاً
مساجد جامعیه زیرا که مسجد خانه خداست و قصد کننده بجان مسجد قصد کننده است موسی
حق تعالی و زیارت حق تعالی کرده است و در حدیث قدسی وارد شده است که بمانند و آگاه باشید
که خانه های نزدیک زمین مساجد است پس خوشحال آن سوره که خود را پاک و پاکیزه و خوشبوی
کرد اندر خانه خود پس بیاید بزیارت من در خانه من و خدای تعالی که بمن است از آنکه نا امید
کند زایره فاصد خود را **مطلب سیم** در آداب قبل از شروع بدعا و از کار و آداب و آنچه
نزد شروع بدعا و آن در دو فصل بیان میشود **فصل اول** در آداب قبل از شروع بدعا آنکه
ذایع هرگاه آداب و شرایط مذکوره را بعد رعایت نماید و خواهد شروع نماید
و غا و اظهار حاجات خود نزد حق الحاحات نماید ابتدا نماز مسجد و بعد برود در دعا و تعالی
شانه یعنی ذکر کند **السلام** و صفاتی بلکه در آن کند بر بزرگوار حق تعالی و ثنا و ستایش او را
بجا آورد و در احوال جهت این مطلب عبارات متعدده وارد شده و ما در اینجا اکتفا مینمایم
بذکر سه عبارت و اگر دعا کننده هر سه را پیش از دعا بخواند بهتر است **اول** **مردیک** که حضرت
انام جعفر صادق و صلوات الله علیه فرمودند که هر دعایی که باشد پیش از آن بخواند آن دعا نافذ است
راوی گوید که من عرض کردم که میندایم که چه چیز کافی است از تحمید و تحمید فرمودند که میگوی
اللهم أنت الأول فليس قبلك شيء وأنت الآخر فليس بعدك شيء

وَأنت الظاهر فليس فوقك شيء وأنت الباطن فليس دونك شيء

الغریب المحکم **دوم** منقول است که کسی سوال کرد از حضرت امام جعفر صادق که چیست
کمتر چیزی که مجرب است از تحمید پیش از دعا آنحضرت فرمودند که میگوی
الحمد لله الذي علا فقهره و الحمد لله الذي بطن فخبه و الحمد

لله الذي يحيى الموتى وهو على كل شيء قدير **سیم** منقول است که حضرت امام
جعفر صادق فرموده است که
در کتاب علی مستطوره است که پیش از سوال مدح و ستایش باید کرد هرگاه طلب حاجتی کنی
از حق تعالی پس بخوان او را وی گفته است چگونه بخواند و گفت آنحضرت فرموده است که میگوی

يا من هو أقرب إلى من حبلى لو تبرأ يا قضا لا لما يريد يا من يحول بين المرء
وقلبه يا من هو بالمنظر الأعلى يا من ليس كمشبه شيء بعدا من تحميد
و تسبیح و تحلیل کند

این طریق که میگوید سبحان الله و لا اله الا الله چنانکه در بعضی احادیث وارد شده و بعد از
آن نغمه هایی که حق تعالی با وعطا کرده ذکر کند این طریق که بلفظ عربی یا لغتی دیگر که دانند بگوید
خداوند را جز فلا یغنی و فلا ینعم را تقدیر و انعام کرده و تکلیف از نغمه های الهی را که در آن وقت
بخطا آورند و وقت تکلیف آنها و فاکند بر آن آورد و اگر خواهد که زود فارغ شود نغمه ها را
بطریق اجمال ذکر کند و بعد از آن شکر کند حق تعالی را بر آن نغمه ها و بعد از آن صلوات فرستد
بر حضرت سید المرسلین و اهل بیت ظاهرین و صلوات الله علیهم اجمعین این طریق که میگوید
اللهم صل علی محمد و آل محمد منقول است از حضرت امام جعفر صادق که دعا همیشه در پرده است
تا وقتی که دعا کنند صلوات فرستد بر حضرت پیغمبر و آل او نیز از آنحضرت منقول است که هر که
دعا کند و حضرت پیغمبر را مذکور باشد از آن دعا با سمان رفیع می شود و مانند کبوتری که
برواز نشو اندک در بردی صاحبش بال بر هم میزند پس هرگاه دعا کننده یاد کرد آنحضرت را و بر او
صلوات فرستاد دعای او با سمان رفیع می شود و بعد از صلوات کنایان خود را مذکور
سازد و هر یک از کنایان را که در آن وقت بخاطر خواند آورد و وقت کینایش گفتن آن دعا
باشد بقیصیل بر آن آورد و قرار با آنها نماید و اگر خواهد که زود فارغ شود بطریق
احمال کنایان خود را ذکر کند و اقربا با آنها کند و بعد از آن بخواند **یا علی** چنانچه از کنایان
پناه بر ذی باین طریق که بفرموده یا لغتی دیگر که دانند بگوید که خداوند پناه میبرم سوا از کنایان
و بعد از آن حاجت خود را ذکر کند و بر آمدن آنرا از جناب اقدس الهی سوال نماید و چنانچه
از این بند کور شد الحاح نماید و سعی کند در کشیدن و ذکر مطلب را طول دهد و تحمیل در فایز
شدن از او طلب نماید چنانکه منقول است که حضرت امام جعفر صادق فرموده است که هرگاه
کسی تحمیل نماید در دعا و خود را بزودی فارغ سازد و از بی کار خود رو و حق تعالی میفرماید
آیا میداند بنده من که سم آن کسی که خواج خلق را بر میآورد و در وایتی دیگر هست که حق تعالی
میفرماید که تحمیل کرد منم که با کمان میکند که خواج او بدست کسی است غیر من و دلالت میکند
بر بعضی از مسدودت مذکور و آنچه منقول است که مردی بخندش حضرت امام جعفر صادق فرمود
آمد و عرض نمود که در آیه است در کتاب خدا که مضمون آنها را طلب میکنم و میباید پس آنحضرت
فرمود که کدام است آن دو آیه گفت یکی قول حق تعالی است که فرموده **أوعون أسخرب لکم**

بعوذ عاکنیدنا استجابکم از برای شما و ملاقات میکنیم و حاجت خود را از حق تعالی سئوال میکنیم و
نمی بینیم حاجت را آنحضرت فرمود که آیا چنین میدانی که حق تعالی وعده خود را اخلف
کرده آن مرد گفت که نمیدانم پس آنحضرت فرمود که لیکن خبر دهم ترا هر کسی که اطاعت حق
تعالی کند و آنچه امر کرده و بعد از آن دعا کند و حاجت خود را از حق تعالی سئوال کند
بطریق که بآن طریق دعا نماید که حق تعالی دعا او را مستجاب میکند اند آن مرد گفت که طریق دعا
چینست حضرت فرمود که ابتدا میکنی پس حمد خدا میکنی و ذکر میکنی نعمتهای او را که نزد تو است
بعد از آن شکر او را بجا میآوری بعد از آن صلوات میفرستی بر پیغمبر و بر آل او و بعد از آن
کنایه خود را ذکر میکنی و اقرار می کنی بعد از آن استعاذه میکنی از کتاها نهی و خا
میکنی یا آنچه میخواهی که مستجاب است انشاء الله تعالی **فصل دوم** در ذکر دعای خود
شرح دعا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام هر که در پیشگاه حق تعالی دعا کند یا در پیشگاه
کوبد در جواب او گفته می شود که تسلیت حاجت تو چیست و آنحضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه و آله هر که صد آیه از آیات قرآن مجید را که خود اختیار کند بخواند بعد از آن
هفت مرتبه یا الله کوبد و بعد از آن دعا کند دعای او مستجاب می شود حدیثی که اگر کسی
نفرین کند حق تعالی آن سنگ را بشکند و مردی که هر که در حال سجده یا الله یا آیه یا
سیدنا و اسرار مرتبه کوبد یا و نماز کند که تسلیت حاجت خود را بگوید داده شود و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که **اللهم انی اسألك بحیث محمد و علی فانت**
تو را نزد حق تعالی حاجتی باشد بگو

لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا أَوْ مِنَ الشَّيْءِ وَقَدْ رَأَيْتَ الْقَدْرَ فَجَعَلِي ذَٰلِكَ الْمَشَانِ وَجَعَلِي ذَٰلِكَ

الْقَدْرَ انْتِصَلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَعْمَلَ بِكَ ذَاكَ وَجَبَى كَذَا وَكَذَا حَاجَتِ خُودِ
را بگو و آنحضرت فرمودند
که هر که روز قیامت شود نماز ملک مقرب و نه پیغمبر رسولی در سینه او مؤمنی که حق تعالی او را
بجای ایمان استخوان کرده باشد مگر اینکه حاجت است در آن روز بخندد علی صلوات الله علیها
و علی و تیرتها و آنحضرت سید المرسلین منقولست که حق تعالی فرموده است که من حیث
میکنم که سینه من دست خود را بجای من بلند کرد اند و در دست او انگشتر فروزه باشد
و من او را نامید بر کرد ام و در احادیث اهل بیت صلوات الله علیهم از برای طلب حاجت
بطریقهای بسیار وارد شده است و بعضی از آنها مثل است بر نماز حاجت و بعضی بر وزه
داشتن چنانچه در کتب علماء رضوان الله تعالی علیهم مسطور است از جمله احزاب از طول کلام

ببین قدر آنکه نمود **مشاخص ششم** در آداب بعد از دعا و آن چند امر است **اول** صلوات حضرت
پیغمبر و آل او چنانچه مریدان از حضرت امام محمد باقر با امام جعفر صادق علیه السلام هر که را
حاجتی باشد باید ابتدا کند صلوات بر محمد و آل محمد و بعد از آن حاجت خود را سئوال کند و
بعد از آن نیز صلوات فرستد بر محمد و آل او پس بدستی که حق تعالی بخواهد از آنست که اول و آخر
آنرا قبول کند و وسط آنرا رد کند زیرا که صلوات بر محمد و آل او البته مستجاب است **دویم** آنست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله دعا کند کسی پس بعد از دعا بگوید **ما شاء الله لا قوة الا بالله**
حق تعالی فرماید که سینه من و عیال من خلق کرد ایستاده و من آورده حاجت او را بر آورد **سوم**
بعد از دعا بخواند که هر که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت شده است آنحضرت فرمود
است که هر که دست دارد که مستجاب شود دعای او پس بخواند این ذکر را بعد از آنکه از دعا کرده است
تا رخ شود و آن ذکر اینست **ما شاء الله استجاب الله له ما شاء الله لا قوة الا بالله**
شاه الله تو جهنا الی الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
چهارم مداومت نمودن بر دعا و لحاح در آن و مکرر نمودن طلب حاجت و سئوال و هرگاه تاخیر
در اجابت آن بعد آید ولیکن این امور در مساجح دوم گذشت **پنجم** آنکه بعد از فراغ از دعا
سخن کند و دست بکشد بر هر دو دست بر روی خود چنانچه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بر نمیدانم
سند دست خود را بوی خدا و نذیر نیچار مگر آنکه شرم میدارد که خالی باز کرد اند دست او را تا
آنکه بر میزند دست او را از فضل و رحمت خود بگذرد که خواهد پس دست خود را بر سر روی
خود بکشد تا فضل و رحمت خدای تعالی شامل حال سینه بشود و در حدیث دیگر مریدان هر که بر روی
و سینه خود بکشد **ششم** آنکه میباید خالد عاکنده بعد از نماز عابنه باشد از حال او قبل از دعا
زیرا که کتاها را بجا آورده می شود و چون روی بخند او آمده و دست از خلق برداشته پس باید که
سینه یقین کامل بعد مرث حق تعالی برساند و اینکه او کافی است در قضای حاجت و در هر یک
احیاج باو است و این معنی را دانند که خدای تعالی جز او را بهتر از خودش میداند پس هرگاه تاخیر
در قضای حاجت او نماید و اثر استجاب دعای او در ظاهر شود یقین دانند که آنچه شده خیر است
و البته مصلحت این سینه در اینست که دعای او در مستجاب شود و هر وقت که خدای تعالی خود صلاح
او را اندستجاب میکند از انبیا دیگر صلاح این سینه در عدم استجاب است و عوض آنرا خدا
باین سینه تواینها غیر منهای میدهد از این معنی ملاطی بدل خود راه ندهد و از این معنی است
خود باشد و ترک سئوال از درگاه او هرگز ننماید **دعا** الله الوصبا بالفضاء و وقتنا لما یجیر و
برخی دیگر از آداب و شرایط استجاب دعا بسیار است و زیاده بر این مناسب این مقام نیست
ببین قدر آنکه نمود **باب دوم** در بیان کیفیت دیدن هلاکهای از ناهایه و از د

كانه سال که احضار نماز مخصوص نماز بمانند حکای که مذکور خواهد شد بهتر است که
در شب اول در وقت دیدن هلال بجا آورد و اگر در شب اول میسر نشود ناسر شب موافق قول
لغویین و فقه‌هایین میتوان بجا آورد و اگر در سه شب میسر نشود بقول بعضی از متأخرین
تا هفت شب بقصد احتیاط میتوان بجا آورد و اما احکام آن پس در ضمن دو مطلب بیان
می‌شود **مطلب اول** در بیان اعمالی که در وقت دیدن هلال وارد شده است و آنها چند چیز
است **اول** حمدن ایقوب کلینی ابن بابویه و شیخ طوسی قدس الله اسرارهم از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه روایت نموده اند که فرمود که چون ماه را بر معنی از جای خود حرکت ممکن و
از دعا اللهم انی استقلت خیر هذا الشهر و فتحته و نورته و نصرته
را بخوان
و بزرگ گشته و ظهوره و رونقه آسألك خیر ما فيه و خیر ما بعده
و اعوذ بک من شر ما فيه و شر ما بعده اللهم ادرخله علیه بالامن و
الایمان و السلامة و الاسلام و البرکة و التوفیق لما تحب و ترخصی
دوم از حضرت امام جعفر صادق قم روایت کرده است که آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت
فرمود که رسول خدا ص
هلالی را میدید از غایب می‌آید اللهم ادرقنا خیرة و نصره و برکته و فتحه
و تعوف ایت من شریه و شر ما بعده **مؤلف** گوید که چون دعای سابقه شنید باید غایت
ظاهر خواند آن ازین چیزها باشد و اگر هر دو خواند
شاید بهتر باشد **سیم** ابن ابی عمیر روایت کرده است که آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت فرمود
است که آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت فرمود **ایها الخلق التخییر الدائم للبریح**
که رسول خدا ص هرگاه هلال را میدید از غایب می‌آید
المصروف فی ملکوت المجرورین بالتقدیر بریح و ربک الله اللهم اهله
علینا بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام و الإیمان و کما بلغنا

ک

أوله قبعلنا اخره و اجعله شهرا مبارکا تحو فيه الساعات و تثبت لنا
فيه الحسنات و ترفع لنا فيه الدرجات یا عظیم الخیرات **چهارم** شیخ طوسی قدس
الله روحه روایت کرده است که آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده است که آنحضرت
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که رسول خدا ص چون نظر بجلال می‌فرمود دستها
مبارک را بالا می‌برد **بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اهله علينا بالامن و الایمان و السلامة و الایمان**
و از غایب می‌آید
و ربی و ربک الله **پنجم** ایضا در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر صادق قم روایت کرده است که آنحضرت
از پدران بزرگوارش روایت فرمود که رسول خدا ص هرگاه هلال را میدید و بقیه میکرد
و کبیر می‌گفت اللهم اهله علينا بامن و الایمان و السلامة و الهدی و مغفرة
و از غایب می‌آید
و عافیة و برزق و واسع ایتک علی کل شیء قدیر را وی گوید که من این دعا را در وقت دیدن
هلال خواندم پس خیر خورد و آن ماه دیدم
ششم قطب داوودی در کتاب عوائد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهم اجمعین اذ
الله علیه روایت کرده است که آنحضرت چون هلال را میدید از غایب می‌آید
نظروا الی الهلال نظر بعضهم فی وجوه بعضهم و رجاء بعضهم بركة بعض اللهم
ای انظر الی وجهک جل شاناه و وجه نبتک و وجه اولیایک اهل بیتک
صلی الله علیهم فصل علی محمد و آل محمد و اعطینی ما احب ان تعطینیه من
الدنیا و الآخرة و اصرف عنی ما احب ان تصرفه عینی فی الدنیا و الآخرة و اخینا
علی طاعتک و طاعة اولیایک و طاعة و لیک صلواتک و رحمتک علیهم
التسلیم لامرک و توفنا علیه و لا تسبنا و تقصد لنا برحمتک برده ماشاء
الله لا حول و لا قوة الا بالله و ده مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد فرمود پس بشارت
مربی



العلی العظیم

ببارك يرد انما رقيب و ربك الله رب العالمين اللهم شيدنا على السلام و الاسلام
و ميعن مؤد و الامن و الايمان و رفع الاسقام و المسارعة فيما يحب و ترخصي من طاعتك

هفتم در كتاب كرام الاخلاق گفته كه تسبده وقت دين هلال است كه با كشت سبزه دست راست
خود بر سر سبزه بنويد محمد علي فاطمه الحسن الحسين علي بن الحسين
محمد بن علي جعفر بن محمد موسى بن جعفر علي بن موسى محمد بن علي بن محمد
حسن بن علي حجة بن الحسن پس سوره قل هو الله احد را بنويسد پراين دعا را بخواند
اللهم ان الناس اذا نظروا الى الهلال نظر بعضهم الى وجوه بعض و تسبوا
بعضهم ببعض و اين نظرت الى اسمائك و اسم نبيك و وليك و اوليائك
عليهم السلام و الى كتابك فاعطني ككل الذي احب ان تصوم فعمي من الشر
و زد في من فضلك ما انت اهل و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم

مؤلف گوید كه ظاهر اينست كه از دعا مخصوص زمان غيبت حضرت رسالت هم و دعاي سابق مخصوص زمان
حضور ايشان باشد و چون حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه از حضرت طاهر و حضرت فاطمه و بن
صلوات الله عليهم در زمان او در حياث بود حضرت ماه را بر وی ايشان ميديدند باشد در دين اعضا
كه خورشيد سپهر امامت در تحت خطا و اجزاء شور شده اسلامي مقدس ايشان بايد بر كند دست پوشش
شود و در وقت دين هلال نظر بان كرده شود و اين دو حديث اشعاري دارد كه دين زمان بر روی سواد
خصوصا سلحا و عباد از ايشان نيكو باشد **هشتم** دعاي جديف كامله از دعاي جمل است و دعاي است
ايها الخلق المطيع الذائب السريع المتردد في منازل التقدير المنصرف
في فلك التبديل است بمن نور بك الظلم و اوضح بك البهم و جعلك اية
من ايات ملكه و علامته من علامات سلطانه و امتهنك بالزيادة و النقصان



و الطلوع و الاقول و الانارة و الكسوف في كل ذلك انت له مطيع و
الى ارادته سريع سبحانه ما اعجب ما تشبه امرك و اللطف ما صنع
في شأنك جعلك مفتاح شهر حادث لا من حادث فاستل الله ربي
و ربك و خالق و خالقك و ممدري و ممدرك و مصوري و مصورك
ان يصلي علي محمد و اله و ان يجعلك هلال بر كة لا تحقها الايام
و طهارة لا تدنسها الاثام هلال امن من الافات و سلامة من اليباس
هلال سعدي لا تحسن فيه و يمن لا تكدمعه و يمن لا يمانر حبه عشر و يمن
لا يشوبه شر هلال امن و ايمان و نعمة و احسان و سلامة و اسلام
اللهم صل على محمد و اله و اجعلنا من رضى من طلع عليه و اركى من
نظر ليه و اسعد من تعبد لك فيه و وقنا فيه للتوبة و اعصما
فيه من الحوبة و احفظنا فيه من مباشرة معصيتك و اوزعنا فيه
شكر نعمتك و الينا فيه جن العافية و اتمم علينا بسنك
طاعتك فيه امية انك المنان العبيد و صلى الله على محمد و اله
الطيبين الطاهرين **نهم** و لا يحسن كاشان در كتاب خلاصة الاذكار اللهم
ذكر نموده كه در وقت دين هلال اين دعا را بخواند

عَرَفْنَا قَدْرَ هَذَا الشَّهْرِ الْمُبَارَكِ وَأَصْرَ مَنَابِغِ غَنَائِهِ أَوْ قَاتِهِ وَوَقْفَنَا لِلْجِدِّ وَ
الْإِبْهَادِ فِي طَاعَاتِهِ وَانْتِزَاعِ صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ صَبْرًا وَاحْتِسَابًا بِأَرْجَاءِ لِذَلِكَ
مُتَوَابِنَةً وَأَعْدَانًا مِنَ السَّامِرَةِ وَالْكَسَلِ حَقًّا لِقَوَاتِ دَدِ جَانِهِ وَأَسْعَدَنَا بِمَا مِنْ سَاعَاتِهِ
وَأَفْضَلْنَا مِنْ عَوَائِدِهِ بِرَكَاتِهِ وَذَيْتِ الْجَمِيعِ حَسَنَاتِهِ وَخَيْرَانِهِ بِأَرْحَمِ الرَّحْمَنِ

دستبرد بطاوع ورضا ودر وقت وقوع واقعه روایت کرده است که هر که در وقت دیدن هلال هفت مرتبه سوره
حمد بخواند در آنگاه آثار مرد چشم نمیبند **یا زدم** علمنا گفته اند که خوردن انبکی از نیرد رو قند
هلال است و از حضرت صادق مرویست که بگوید که این پنج روز را خوشبو و شیرین میکند
اشتهای طعام میآورد و باعث هضم طعام می شود و هر که در او ماه بخورد حاجت او در غدیر مؤلف
گوید که این حدیث بر حضور خوردن نیرد رو قند دیدن هلال لاک ندارد بلکه مطلق است و قابل
دو ز اول نیز هست چنانچه بعضی روایت **در او زدم** در بعضی از کتب از حضرت زین العابدین روایت کرده
اند که هرگاه از کسی ترسی خواهی از شر او این را بخوانی در شب اول ماه نگاه مریلا کن و بدست خود
پنج خانه آن شخص اشاره کن و این آیه را بخوان **أَيُّدُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ جَبَلٍ**
وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَكُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّتٌ
ضَعُفَاءٌ فَآصَابَهَا أَعْصَابُهَا فَفَضَّقَ عَلَيْهِ فَاذْهَبَتْ بَيْرُزُ عَارِ الْجَوَانِ اللَّهُمَّ طَهِّرْهُ بِاللَّيْلِ
طَهِّرْهُ وَتَهَيَّءْ بِاللَّيْلِ عَشَاءً أَنْ يَمِدَّ حَجَّازَةً مِنْ جَبَلٍ وَطَيْرِكِ الْأَبَابِيلِ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمِ بَيْسٍ
در شب دویم و سیم نیز این عمل را بجا آورد پس اگر در ششم هلال شود بمقصد خود در سید و اگر
از کند در ماه سیم نیز ممکن است البته نثر او از تودغ می شود **مطلب دوم** در بیان واداره
هلال و آنها چند امر است **اول** آنکه در همان مکان که ماه دیده می شود باید ادعیه مذکوره خوانده
شود قبل از آنکه از آن مکان حرکت واقع شود چنانچه در حدیث دعا و اول مذکور شد **دوم** آنکه اشیا
نما نمیکند نریختن و نریختن نریختن جوارح و اعضا **سیم** آنکه در پنجشنبه یا شنبه که در بقبله کند
و هر دو شب را بلند سازد و ادعیه مذکوره را بخواند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
چون هلال ماه رمضان به معنی اشاره بسوی آن مکن ولیکن روی خود را بجا قبله کن آن وقت سینه
خود را بلند کن و فلان دعا را بخوان و این حدیث اگر چه مخصوص دیدن هلال ماه مبارک رمضان است
لیکن از غوی کلام امام هم منقولست که در دیدن هلال سایر ماهها نیز باید این دعا را بخواند

تتمه بدانکه از حضرت صادق منقولست که هر که در شب اول ماه دو رکعت نماز کند در هر رکعتی اربع
حمد سوره انعام بخواند و از حق نقاشیست نماید که او را از ترسها و دردها این کرد اندر نمید
امری را که مکره و خاطر او باشد و از حضرت امام محمد تقی منقولست که چون ماه ناز و داخل شود
در روز اول آن دو رکعت نماز کن در رکعت اول بعد از حمد سی نوبت قل هو الله احد و در رکعت
دویم بعد از حمد سی نوبت سوره انا انزلناه را بخوان و بعد از نماز قصد کن کن چون چنین کنی سوره
تمام آنگاه از حق تعالی خریده در روزی هر یک از سوره توحید و قدر یک نوبت وارد شده **مطلب سوم**
که ظاهر آنست که محمول باشد بر صورتی که ضروری باشد که بگردن این نماز مطهری از او نوبت
شود یا ضروری یا برسد یا آدمی مفتی بخاطرش کند که زمان و ساعت کردن در طرف اول باشد باشد
عین بصره و این صورت بر او است که بگوید تا ما نماز از شوال این نماز محرم نباشد و در جمله سکن میخورد
را خریده باشد و محتملست که فلان بگوید بر من تعریف در روایت سی مرتبه بر آنکه و اکل محمول باشد
و جمله هرگاه وقت و ساعت اشته باشد و سابق نباشد باشد بهتر آنست که طرف اول را اختیار نماید
و ترک کند و بر روایت دیگر وارد شده است که بعد از دو رکعت از دعا بخواند **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا

كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ
فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ حَيْزٌ فَلَا رَادَ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ
بِهِ مَنْ لِيَاءٍ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبُنَا
اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأَوْصِ مِنْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ

إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ خَيْرٌ مِنْ قَوْلٍ
از کتاب خیر از الجواهر

۴۷

سُطَاقِي دَرِيَا نَضَائِلِ وَاَعْمَالِ مَائِكَ رَجَبِ كَنْ بَعْدَ بَابِ مَفْتُوحٍ مِي شُود **باب اول**
در بیان فضیلت و ثواب عبادت در آن بدانکه ایماه از جمله اشهر حجرت و ماهی است بسیار عزیز
و محترم و این جهت آنرا رجب مینامند زیرا که رجب معنی بزرگی است و بعضی وجه عبودیت و بزرگی
اند و عرب آنرا احم نیز میگویند زیرا که مردم همگی در ایماه بفسط و عدالت و سعوی و برهنگی
سلوک مینموده اند و بر یکدیگر ظلم و ستم نمی کرده اند و این جهت صدای سفنانه مظلوم
بگوش آید غیر سید و آنرا اصبر نیز میگویند بجهت آنکه حتی لغت رحمتها و بیستهای خود را
در ایماه بر بندگان خود فرود میریزد و باین جهت عبادت در آن ثواب عظیم دارد در هر روزه
داشتن ایماه و ماه شعبان هر دو مستحب است و ثواب بسیار دارد ولیکن روزه ماه شعبان
از جمله سنن و ثواب آن بیشتر و روزه ایماه از جمله تطوعات و ثواب آن کمتر است و نوح
این مطلب و نتیجتاً چنانچه والد علامه ادام الله تلاله در بعضی از موفات خود تحقیق
نموده اینست که عبادت صوم از جمله عبادات عظیمه است و در حدیث وارد شده است که
حی ثمالی میفرماید **الصَّوْمُ لِي وَاَنَا لِرَبِّي بِه** یعنی روزه از برای من است و من جز امیدم آنرا
و این روزه بر سه نوع است **نوع اول** روزه واجب که حی ثمالی آنرا در سالی یکبار واجب کرده است
و آن روزه ماه مبارک رمضان است **نوع دوم** روزه که در بعضی از احیان بر مکلفان
واجب میشود مانند روزه کفاره و روزه بدل قربانی که در حج واجب میشود و روزه
تذرع عهد و مین که مکلف بر خود واجب میشود از **نوع سیم** روزه مستحب که واجبیت
و ترک آن موجب عتاب نیست و هرگاه مکلفی ایشان بآن نماید ثواب عظیم از برای او حاصل
میشود و قرب خاجی و از اجتناب افزدن حی ثمالی بهم میرسد و این نوع از روزه بر دو قسم است
قسم اول روزه که از جمله سنن است و مراد از سنن عبادات مستحبه است که رسول خدا
مداومت مینموده اند و مواظبت بر آنها داشته است و ناچین در فتن از دنیا ترک نمیزد
و این روزه چنانچه از احادیث معتبره مفهوم و مستفاد میگردد روزه تمام ماه شعبان است
روژه سرد روز آرد ماه بقیه سال است که باین وضع روزه دارند که پنجشنبه دهه
دویم و پنجشنبه دهه سیم ماه را روزه دارند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که رسول خدا در اول بعثت آنقدر روزه روزه در پی گرفت که مردم گفتند که دیگر
ترک نخواهد فرمود پس مدتی ترک روزه کرد که گفتند روزه نخواهد گرفت پس مدتی
بیک روز روزه میداشت و بیک روز افطار میفرمود بطریق حضرت داود علی بن طریق را
نیز ترک فرمود و در هر ماهی سه روز چهاردهم و پانزدهم را روزه میداشت و طریقه
را نیز ترک فرمود و سنن بر آن قرار یافت که در هر ماه پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه

تجسم ایماه رجب
تجسم ایماه رجب
نهی از نطق

و چهارشنبه اول از دهه وسط ماه را روزه میداشت و بر این طریق میبود تا بحواله رجب آید
پنجم و ماه شعبان را تمام روزه میداشت و این قسم از مستحبات ثانی واجب است
و در اخباره الحادیه تاکید بسیار در ایشان باینها وارد شده است و در حدیث وارد شده است
که هرگاه یکی از سنن فوت شود سنت است که آنرا قضا کنند و حکم درین تاکید آنست که حی
ثمالی این سنن را مکمل و اجابت کرده است که اگر در آنها نقصی باشد ثمارک آن باین سنن بشود
و بعضی از محققان گفته اند که حی ثمالی این سنن را که متمم فریضه است ضعیف فریضه و
دو مثل آن مقرر فرموده است چنانچه نمازهای واجب هفتاد رکعت است و نوافل آنها که در
عرض شبانه روز بجای آید و رند سب و چهار رکعت و ستر این همه آنست که اکثر ماسر هرگاه طالب
حضور باشد مکلف است عبادت را با حضور قلب واقع مینماید لکن آنست که او در وقت فریضه
قوار داده اند که از مجموع واجب و سنت تلی که معادل واجب است و احتیاطی از خلافت با حضور
قلب از مکلف صادر شود و باین جهت است که روزه که از جمله سنن و در حکم نافله روزه ماه
رمضان است شصت و دو است سب و زمانه شعبان و آرد ماه دیگر نیز سب و در هر ماه سرد
باشد **قسم دوم** روزه که از جمله تطوعات است و مراد از نطق آنست که هر که آن عبادت
را کند طاعتی از طاعات بزرگتر است و ثوابی دارد ولیکن آن طاعت متمم و مکمل فریضه نیست و تاکید
که در باین سنن واقع است در آن واقع نیست و باین جهت است که آن حضرت مواظبت بر آن مینموده است که
ایشان آن مینموده و گاه بمنفر نموده است و روزه های تطوع بسیار است مانند روزه ایام سال غیر
واجب که ایام ماه رمضان است و باین سنن که آن ایام است که ذکر نمودیم و این ایام مشرک اند با یکدیگر
در ثوابه الجمله و بعضی ثوابش بیشتر است مانند ایام ماه رجب خصوصاً بعضی ایام چنانچه از احادیثی که
در فضیلت آن روزهها واقع شده بعد از این مذکور مینماید معلوم میشود و مانند روزه حواله
در ماه ذی القعدة و بعضی از ایام ماه ذی الحجّه خصوصاً روز عید غدیره و روزهها که مانند روزه
مولد و ماه ربیع الاول و ایام دیگر که بجهت خصوصیت فضیلت روزه آن ایام زیاد باشد چنانچه
هر یک بتفصیل در محل خود انشاء الله تعالی مذکور می شود و بدانکه علماء انا که روشوا هدا بطریق کلی
استنباط نموده اند و آن اینست که هر عبادت واجبی باین زیاد از عبادات مستحب است مکلف است
چند صورتی که از این ضابطه کلیه استنباط نموده اند و بعضی از متاخرین علمای سنی بر این
ضابطه هر روزی را که روزه میداشتند روزه آن روز را بطریق مذکور خود واجب مینامند
تا قربان بیشتر باشد و باید است که اگر روزه فقار در هر کسی بود یا باشد در ماه رجب
یا سایر ایام مستحب آن روزه را بیکر فضیلت روزه آن روز را در یافتن و بر عیال ذمه آن روزه واجب
نیز شده است و اما اخباری که در باب فضیلت روزه ایماه و سایر عبادات وارد شده است

باینکه روزه است
واجب است

باینکه روزه است
واجب است

ماهها

پس شیخ بزکوار عالم بقدر محمد بن علی بن ابی طالب قدر الله روحه در کتاب ثواب الاغوال و ما ملی انزجرت
رسالت حکم رواست نموده است که فرمود بد رستی که رحمت شهر الله الا صم است و آن ماهی است بزرگ
و بد رستی که اصم نامیده شده است برای نیکه نمیدانیم ماه ما در یکرم و حرمت و فضیلت نزد حق تعالی
و اهل جا هلیت انرا عظیم است که اند و چون اسلام آمد تعظیم و فضل آن زیاد شد بد رستی که
رجب ماه خداست و شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه امت است هر یک که در آن رجب را
روزه مبارک از روی ایمان و طلب ثواب مستوجب شود خوشتر است و در سوال اگر کسی شمار او خاموش
کرد اند این روزه او عوض حق تعالی را ببندد بر روی او در روزهای آن که عظم کند در راه
از طلا بگذرد آنچه از زمین را بکند بهتر نیست ثواب آن از ثواب روزه و چیزی از چیزهای دنیا
مزد او نتواند شد بلکه حسانت و ثوابها آخرت نزد او باشد هرگاه نیت خود را خلاص کرد این روزه باشد
و چون آن روز را بشکورد برای او ده دعا مستجاب باشد اگر دعا کند باری را مورد نیاید با عطا
فرماید و اگر عطا نکند چیزی فرماید برای او و نیکوتر از آنچه دعا کرده باشد و مثلث نموده باشد و او
دعا کند از او لیاده و سنان خدا و هر که در روز از این ماه را روزه بداد و وصف نکند و وصف کند کان
افضل آسمان و زمین آنچه او را باشد نزد حق تعالی آن کو امت و سبب بر او و مشرفه ثوابه و نواز صاف
که پوسته در مدت عمر خود با صدق و راستی نباشد هر قدر که رسید باشد عمرهای ایشان و شفاعت کند
قیامت و مثل آنچه شفاعت کند ایشان و محشور کرد در روز قیامت و داخل بهشت شود یا ایشان
در بهشت از رفیقان ایشان نباشد و هر که سه روز از این ماه را روزه دارد بجز اینها شفا میماند او است
جهنم خنجر کند رجای که طول آن هفتاد ساله راه نباشد حق تعالی در وقت انظار با و خطا فرماید
که واجب است حق تو بر من و لازم است برای تو محبت و ولایت من گواه میکوی شما را ای ملک من که آمدید
کنها ن گذشته و آید او را و هر که چهار روز از این ماه را روزه دارد اینها باشد از هر بلاها و دیوانگی
خوره و پستی و فتنه که در هنگام خروج در تالار زمین مردم ظاهر خواهد شد و پناه داده شود از عذاب
تیر و یوشند شور برای او مثل ثواب کوهی که از صاحبان عمل و خورد نباشد و بد رکه حق تعالی مجموع
بازگشت نموده در نمره ثوابان داخل شده باشد و داده شود تا عمل او بدست و آید در نمره کوهی
بر سایر عابدان سبقت و پیشی گرفته باشد و هر که پنج روز از این ماه را روزه دارد بر حق تعالی لازم باشد
که در قیامت او را ارضی و خوشتر شود کرد اند و سعادت کرد در قیامت رحمتی که روی او چون ماه
چهارده باشد و سبب بر او و از حسانت بعد در یک میان باطل و او را داخل بهشت کرد اند حسانت
و با و گویند که سوا لکن از پروردگار خود آنچه خواهد هر که شش روز از این ماه را روزه دارد چون سعادت
شود بر وی آید از قیامت او را و نیکتر باشد در خشتان که سعادت و روشن تر بود نباشد از نور افشا
و حق تعالی با نورید بیکر است زاید که هر اهل محشر بآن نور و روشنی باشند تا آنکه عبور کنند از پل حسانت

و حق تعالی نگاه دارد او را از عقوبت و الدین و قطع رحم و محرک هفت روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی
بعده روزه داشتند هر روزی بر روی او در روزهای آن که جهنم را و حرام فرمایند حید او را بر آتش جهنم
و هر که هشت روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی بکشاید روزه داشتند هر روزی بر روی او در
از درها هشت گانه برشته او با و گویند که از هر دری که خواهد داخل شود و هر که نوزده روز از این ماه را روزه
دارد چون از قبر برین آید بگوید لا اله الا الله و نکند اندوی خود را بسوی غیر بهشت و او را نور
باشد که بد رخشد برای اهل محشر تا آنکه بمان کنند که او سبب بریزد این از سبب است خدا و کفر عطا
کحق تعالی و کند این باشد که داخل بهشت فرماید او را در حساب و هر که ده روز از این ماه را روزه دارد
نشا او عطا کند و باک بر جمع بد و یاقوت کرد و باک کند بآن با لها و بگذرد از پل صراط بر وجه خدا
سبب بهشت و حق تعالی سیاحت او را بحسب سبب کرد اند و سوسید او را از مقراتی که آید شده نباشد
بعبط و عذاب برای خدا و چنان نباشد که هزار سال در عبادت و بندگی خدا آید نباشد با صبر و
شکیبایی و نیت خالص هر که یازده روز از این ماه را روزه دارد هیچ سنده و فایدهای حق تعالی نکند
در قیامت نیکوتر از او بکند که مثل او یا زیاده از او این ماه را روزه داشته باشد و هر که دوازده روز از
این ماه را روزه دارد حق تعالی در قیامت با و بسوزاند و حله سبز از سبب بهشت که اگر یک حله
آن در دنیا باشد روشن کند تا بن مشرف و مغرب را و بگرداند تمام دنیا را خوشتر از استنک و هر که
سیزده روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی در روز قیامت برای او یکصد انعام بدهد از باقوت در سایر عرش
خود که تا بیجا آید از او باشد و از دنیا نینصد بر او بزرگتر باشد و بر آن نایب و ظرافت از او و یاقوت باشد
و در هر خطه هفتاد هزار لون نباشد که هیچ لونی از او نیکو شبیه نباشد و نوبی همچنان بد بکری تا از پیش ناول
کند اما زان نایب و اهل محشر درشتند و بلا عظیم گرفتار باشند و هر که چهارده روز از این ماه را روزه
دارد حق تعالی عطا فرماید با و از ثواب آنچه هیچ چشم ندیده باشد و کوشش نیشیده باشد و در خطا که
خطور نکند نباشد از قصه هلی بهشت که نباشد باشد از او و یاقوت و هر که پانزده روز از این ماه را
روزه دارد باشد در قیامت در باطن ایمان نیکتر در با هیچ ملکی و نیت و نرسو بیکر که با و گویند
خوشحال نموی از من و مغرب درگاه الهی و با شرافت و کرامت و در شک برده شده و عطا کرده شده و
سکنی گزیده در مراتب عالی بهشت و هر که شانزده روز از این ماه را روزه دارد در آید رسالت کرد
که سوار شوند بر کوهی یا نور و پرواز کنند تا آنکه بجا در عرش جنان بسوی خاندان خدی و رحمت هر که
هفده روز از این ماه را روزه دارد سعادت بد برای او در قیامت بر سبب بل صراط هفتاد هزار چراغ از نور
نایب بگذرد از صراط سواد جبرائیل و میکائیل بسوی مراتب عالی بهشت و شایع کنند او را گویند ملک
در حالیکه بر او سلام کنند و رجای او گویند و هر که هیجده روز از این ماه را روزه دارد با حضرت ابراهیم
باشد رقبه او در حینه الخلد بر آید که سببهای در قیامت و هر که نوزده روز از این ماه را روزه دارد

پس شیخ بزرگوار علی بن محمد بن علی بن ابوبکر قدس سره روحه در کتاب ثواب الاغوال و امالی از حضرت
رسالت حکم روایت نموده است که فرمود بدستی که رجب شهر الله الاصم است و آن ماهی است بزرگ
و بدستی که اصم نام است است برای نیک نمیدانم این ماه ماه در کرم و حرمت و فضیلت نزد حق تعالی
و اهل جا هلیت آنرا تقسیم کرده اند و چون اسلام آمد تعظیم و فضل آن زیاد شد بدستی که
رجب ماه خداست و شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه امین است هر یک از این رجب را
دو روز بدارد از روی ایمان و طلب ثواب مستوجب شود خوشنودی بر منوال آن که حق تعالی او را خوش
کرد اند این روز او غرض حق تعالی را ببندد بر روی او در روزها که من را و اگر عطا کند در راه
از طلا بدهد آنچه از من را بکند بهتر نباشد ثواب آن از ثواب وزه و چیزی از چیزهای دنیا
مزد او نماند شد بیک حسانت و ثوابها آخرت مزد او نباشد هرگاه نیت خود را خالص کرده باشد
و چون آن دو روز را بشاید آورد برای او دعا مستجاب نباشد اگر دعا کند بامری را مؤمن دنیا و عطا
فرماید و اگر عطا نکند چیزی فرماید برای او نیکوتر از آنچه دعا کرده باشد و مشکن نموده باشد و از
دعا کند از اولیا و دوستان خدا و هر که در روز از این ماه را روزی بدارد و صف نکند و صف کند کان
از اهل آسمان و زمین آنچه او را باشد نزد حق تعالی از کرامت و بویید برای او مشرفه ثوابه و نواز صاف
که پوست در ممت عم خود با صدف و راستی نباشد هر قدر که رسیده باشد همای ایشان و شفاعت کند
قیامت و مثل آنچه شفاعت کند ایشان و محشور کرد در زمره ایشان و داخل بهشت شود با ایشان و
در بهشت از رفیقا ایشان باشد و هر که سه روز از این ماه را روزی بدارد بجز آنکه نیت میانه او است
جهنم خندد و محال بود که طویل آن هفتاد ساله راه باشد و حق تعالی در وقت افطار با او خطبه فرماید
که واجبات حق تو بر من لازم است برای تو محبت و ولایت من کوه میکور شما را ای ملک من که از دید
کنا هان کشد و سینه او را و هر که چهار روز از این ماه را روزی بدارد از این نیت از هر بلاها و دیوانگی
خورد و بپس و فتنه که در هنگام خروج دجاله در میان مردم ظاهر خواهد شد و پناه داده شود از عذاب
فریبوشند شود برای او مثل ثواب کوهی که از صاحبان عمارت خود نباشد و بد رگه حق تعالی بجمع و
بازگشت نموده در زمره ثوابان داخل شده باشد و داده شود نام عمل و بدست و استوار در روزی که
بر سیار عالمیان سبقت و پیشی گرفته باشد و هر که پنج روز از این ماه را روزی بدارد بر حق تعالی لازم باشد
که در قیامت او را راضی و خوشنود کرد اند و معنوت کرد در قیامت رحال که در وی و چون ماه شب
چهارده باشد و بویید برای او از حسانت بعد ریک نیایان طالع او را داخل بهشت کرد اند بجا
و با و گویند که سوال کن از پروردگار خود آنچه خواهی و هر که شش روز از این ماه را روزی بدارد چون معنوت
شود برودن آمد از فرود روی او را و انوار شده رختان که سفید تر و روشن تر بود باشد انوار افشا
و حق تعالی با او روی بیکر کند فرماید که هر اهل محشر با آن بود روشنی نباشد تا آنکه عبور کند از پل صراط

و حق تعالی نگاه دارد او را از عتوقی و الدین و قطع رحم و تحرک هفت روز از این ماه را روزی بدارد و حق تعالی
بعده روزی داشته هر روزی بر روی او در پی از هر گناه جنم را و حرام فرماید جسد او را بر او نماند
و هر که هشت روز از این ماه را روزی بدارد حق تعالی بکشاید بر او زده داشت هر روزی بر روی او و در
از درها هشت گانه برشته با او بگویند که از هر دری که خواهی داخل شو و هر که نوزده روز از این ماه را روزی
دارد چون از قبر برین آمد بگوید لا اله الا الله و تکبیر اندوی خود را بسوی غیر بهشت و او را تو
نباشد که بد رخشد برای اهل محشر تا آنکه جان کند که او سبب بر کند این است از سبب خدا و کفر عطا
که حق تعالی با او کند این باشد که داخل بهشت فرماید او را حساب و هر که ده روز از این ماه را روزی بدارد
تثاب و عطا کند و با او نیز صرع بد و قیامت که بر او نماند با او نگاهد از بل صراط چون بر وجه
سپس بهشت و حق تعالی سیاحت او را عینا سبب کند اند و منو سید او را از مقربان که ایشان را باشد
معیط و عدالت برای خدا و چنان نباشد که هزار سال در عبادت و بندگی خدا ایستاده باشد با صبر و
شکیبایی و نیت خالص هر که یازده روز از این ماه را روزی بدارد هیچ بنده و فاسد بدهای حق تعالی نکرد باشد
در قیامت نیکوتر از او بکشد که مثل او بیازماید از او این ماه را روزی بدارد داشته باشد و هر که دوازده روز از
این ماه را روزی بدارد در حق تعالی در قیامت با او شاد و حله سیزده روز از این ماه را روزی بدارد
آن در دنیا باشد روشن کند با من مشرف و مغرب را و کرد اند تمام دنیا را خوشنود تر از مشکن و هر که
سیزده روز از این ماه را روزی بدارد حق تعالی در روز قیامت برای او یکسره انعامی از یا قوت در سلطه عرش
خود که نماند آن از او باشد و از دنیا هفتصد برابر بزرگتر باشد و با آن نایب ظاهر از دنیا قوت باشد
و در هر نوا هفتاد هزار لون نباشد که هیچ لونه بود بیکوشید نباشد و بوی همچین بد بگری تا او در دنیا
کند از آن نایب و اهل محشر در شرف و بزرگوار عظیم گرفتار باشند و هر که چهارده روز از این ماه را روزی
دارد حق تعالی عطا فرماید با او ثواب آنچه هیچ چشمی ندیده باشد و کوشی نشیده باشد و در خاطر کسی
خطور نکند نباشد از قصرهای بهشت که نباشد از او و یا قوت و هر که پانزده روز از این ماه را
روزه دارد با یله در دنیا قیامت در باطن اینان از نیک و بد و هیچ ملکی و نیت و نیت و نیت که با او گویند
خوشحال نمیشوند و مغرب درگاه الهی و با شرافت و کرامت و رشک بده شده و عطا کرده شده و
سکمی کند در مراد با اهل بهشت و هر که شانزده روز از این ماه را روزی بدارد در آید رسالت کرد
که سوار شود بر کوهی بود و بر او کند تا آنکه کوهها در عرض جهان سوی خانه که از خلدی رحمت هر که
هفتاد روز از این ماه را روزی بدارد بر او روزی بدارد قیامت بر سر بل صراط هفتاد هزار چراغ از نور
ناگردد از صراط نور آن چراغها و ششاد سوی مراد با اهل بهشت قیامت کند او را و گویند که
در خاطر کبریا و سلام کند در جهان با او گویند و هر که هیجده روز از این ماه را روزی بدارد با حضرت ارواح
باشد و ربه او در حبه الخلد بر او کوه سیاهی در قیامت و هر که بیست روز از این ماه را روزی بدارد

خداوندی برای او و صغیر از نمازید و در آنجا که در برابر حضرت آدم و ابراهیم علیهما السلام در جنت عدن و او را بیان
کنند و ایشان را سلام کنند و بگویند که ای اولاد من خدایتان و منواید خدایتان برای او و هر
روز یکی روزی داشته باشد و روزی هزار سال او هر که بیست و یک روز از اینها را در روز دارد چنان است
که حق تعالی بیست هزار سال عبادت کرده باشد و هر که بیست و یک روز از اینها را در روز دارد چنان است
اول شایسته کرد اندر قیامت در مانند قبیله ربه و مصر کرد و قبیله عظیم از قبایل عرب بلکه همه
از کناه کائنات باشند و هر که بیست و دو روز از اینها را در روز دارد چنان است که از آسمان نماند که نشانی
نماند برای او نیست خدا از جانب خدا بگریمتی بزرگ و رفعت کرد و حق تعالی نعام کرد و برایشان
سبع مائت و صد و بیست و شش سال و صلواتی و چه نیکو رقیبانند اینها را هر که بیست و سه روز از
اینها را در روز دارد چنان است که از آسمان نماند که خوشحال نویسد خدا انکلت تعبشیدی و
نعمت بی پایان برسد خوشحال تو هکتاری کرده از روی کار تو بر خیزد و برسی شوی عظیم برورد
که بر خیزد و در حق او بر همه خلیل هم و در در است سلام و در جلیل قرار گیری و هر که بیست و چهار روز
از اینها را در روز دارد چون فرود آید ملک موت بقصر روح او بصورت جوانی باشد ساده و زین
و پیوسته باشد حله از بیای سوز و باشد براسی از اسبها برشت و با خود داشته باشد
چون برسی و معطر بشک خوشبوی و در کف داشته باشد فدجی از طلا بر او ز شراب برشت پس نشانی
از آن فدج با و در روز دیرین آید روح او آسان شود بر او با این سبب سنگان مرگ و قتل کند روح او
را در این حریر پهلای کرده از آن رایج که استنشاق کنند اول اهل آسمانهای هفتکانه و چون او را
در قبر گذارد آسایش کند و قبر سیرت از آن شراب برشت که شامیده باشد و مسمومت کرد و سیرت با
هنگامی که برسد بخیر و خوشتر رسالت صوم و هر که بیست و پنج روز از اینها را در روز دارد چون بیرون
آید از قبر ملکات کنند او را هفتاد هزار ملک و در دست هر یکی علی باشد از زر و با قوت و با خود
داشته باشد حلقه حلالی که با او گویند که ای دوست خدا تراست نگاه و رشتکاری و روزگار
پروردگار خود او و او کسی باشد که در اخلاص جنت عدن شود با مقربان که خدا از ایشان خوشتر
و ایشان از خدا خوشتر باشد و اینست فرود رشتکاری عظیم و هر که بیست و شش روز از این
را در روز دارد حق تعالی برای او در سنای عرش خود نماند صدقه از در و با قوت و بر سر هر کسی
خیر سرخ باشد از حریر برشت و با کام در آن قصرها با نعمت و ضرائق سنا کن کرد و هنوز سهیل
محتسب در موضع قیامت محاسبان قرار داشته باشد و هر که بیست و هفت روز از اینها را در روز دارد چنان
فراخ کرد انقدر از بلند رجها صد ساله راه و هر آن مکان معطر باشد بمشک و عنبر و هر که
بیست و هشت روز از اینها را در روز دارد که اندک حق تعالی بنان او آتش جهنم هفت خندان
هر خندان با این آسمان و زمین با قصد ساله راه باشد و هر که بیست و نه روز از اینها را در روز

دارد حق تعالی او را بنامزد و او که چرخ عشا را نشاند از فی باشد که هفتاد مرتبه زان کرده باشد بگوید
که هرگاه غرض او از آن روزه رضای الهی و خلاصی از جهنم باشد حق تعالی سی مرتبه آن روز را بر او
کرمی و زان اینها را در روز دارد چنان است که از آسمان نماند که ای سنده خدا اما کند ششای پس
شد برای تو پس هر که چهل روز از اینها را در روز دارد چنان است که از آسمان نماند که ای سنده خدا اما کند ششای پس
هزار مرتبه از طلا و در هر مدینه چهل هزار قصر و در هر قصر چهل هزار خانه و در هر خانه
چهل هزار از اینها را در روز دارد چنان است که از آسمان نماند که ای سنده خدا اما کند ششای پس
و شراب که روز هر یک غیبتی دیگر باشد و در هر خانه چهل هزار از اینها را در روز دارد چنان است که از آسمان
دو هزار از راع و عرضش و هزار از راع باشد و بر هر کسی چاریر باشد از حور و یان برشت که
سیصد هزار کیسود آشفته باشد از نوره هر کیسوی از کیسوها را هزار از اینها را در روز دارد چنان است که از آسمان
باشد و معطر کرد آشفته از اینها را در روز دارد چنان است که از آسمان نماند که ای سنده خدا اما کند ششای پس
روزه داشته باشد پس یکی از اصحاب عرض نمود که یا رسول الله کسی که بجهت صغیر یا رفته
کرد و از غرض شده باشد هرگاه نتواند که اینها را در روز دارد چنان است که از آسمان نماند که ای سنده خدا اما کند ششای پس
علا بکند یا برسد شوی که وصف فرمودی عرض نمود که تصدق کند بیست و نه روزی کرده نانی
بر مساکین بخت انگه نفس منم رخصه قدرت او شک هرگاه هر روز از این صدقه را بدهد یا
شوی آنچه وصف کردم و بیشتر و اگر هر خلافت از اهل آسمان و زمین جمع شوند که تصدق
نماید و با اندازه در آورند ثواب آنرا نماند سید بیهیک آنچه با و عطا میکند در روز
غالیه برشت از فضایل در جنت پس عرض کرد که یا رسول الله کسی که قادر باشد بر تصدق چه
کند تا برسد بان ثوابها فرمود که در هر روز از اینها را در روز دارد چنان است که از آسمان نماند که ای سنده خدا اما کند ششای پس
سُبْحَانَ الْأَكْثَرِ الْجَبَلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَشْبَعُ الشَّيْبُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعْسَى
الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْغَيْرُ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ وَتَقْدِيرٌ كَرِيمٌ که در بعضی از روایات
معتبره وارد شده است که در روز
مستحب یکدم تصدق کند و در هر مؤمنی از این زمان هفتاد و دینار است تقریباً و در
روایت دیگر وارد شده است که بعوض روزه سنت یکماد کندم یا جو تصدق کند و مند
چهارایک تریز و چهار شغال است که تخمیناً بر شش و سیان و ظاهراً صد درم کهنه کل
باشد و صد درم شاهی احوط است و در خصوص روزه ماه رجب چنانچه درین حدیث شریف
مذکور است کرده نماند واقع شده است و این اختلاف ممکن است که از راه تفاوت حال مردم
پوشانی و توانگری باشد و عموماً است که باعتبار هر آن تصدق ثواب باشد با این تصدق

نمودند و در غالب افضل باشد از مد و افضل باشد از کره مان و شیخ طوسی در
کتاب صباح این حدیث را که شنبل بر ذکر تسبیحات است ذکر نموده و در بعضی از نسخ
مصباح بعد از سجده الاکم این تسبیح نیز موجود است سبحان من تعظفت بالحدیث
ترک و به و بدانکه آنچه از این حدیث شریف مذکور است از آنکه اهل جاهل از این ماه
را تعظیم می نمودند و اسلام نداشتند آنرا زیاد نمودند براجد جنبل علیه السلام است که از احادیث
اهل سنت است و گفته است که روزه داشته آنرا مکرره است مگر شب یکس که تمام سال را روزه
دارد و بحدیث که از طرف اهل سنت وارد شده است اول از غیرین الهی و است
کرده که گفت دیدم عمر علی که از این ماه میزد برکت دست جماعت که ماه رجب را روزه میداشتند
تا آنکه دست نطفام در آن گرفتند و از آن تنازل نمایند و بگفتند که طعام بخورید که اینها را اهل
جاهلیت تعظیم می نمودند و در اسلام هر چه می نمودند دوم از این عمر روایت کرده است که او
چون میدید که مردم برای روزه ماه رجب تمیز میکنند خوش نمیدادند و می گفتند که بعضی
از آنها روزه مبارک و بعضی را افطار کنید سیم از ابو بکر کعب روایت کرده است که روزه را
داخل شد با این ماه نمیزد دید که نزد ایشان سبویها و کوزهها گذاشته است پرسید که
اینها چیست گفتند که چون ماه رجب داخل شده اینها را بچهره روزه داشتند اینها می نمودند
ایرا ابو بکر گفت آیا رجب را رمضان کرده اند پس سبویها را ریخت و کوزهها را شکست
و بر چهره بصیرت پیوسته بنیت که قول این سرگس دلیل و حجت بر امری نمیشود چه ایشان جاهل
مبایلتی نیست و احکام کتابی است بوده اند و عبادت می بود که هرگاه در مسایلی که از او سوال
می نمودند اند عاجز میشدند از حضرت امیرالمؤمنین هم سؤال می نمودند حق آنکه در حضور مردم
گفت که لا یحکم لک حکم یعنی اگر علی می نمود هر آنچه می خواهد می شد و این سخن حق
نیز بر زبان او جاری کردید که کل الناس افسد من غیر حق الحدیث فی الحال
یعنی هر کس که از امر حق زنان کرد چهارم استورند و با وجود این جمله در اهل
اکثر آنها را در کتب خود ابراهیم نموده اند چگونگی سخن ایشان صحیح می شود با آنکه در کتاب
اینها از طرف اهل سنت نیز در روایات بسیار وارد شده است و الله تعالی فی سوره التیسیر
و در کتاب مسأله شیعیه از حضرت امیرالمؤمنین هم منقول است که آنحضرت تمام اینها را روزه
میداشت و می نمود که رجب ماه من است و شعبان ماه رسول خدا است و ماه رمضان ماه
حق تعالی است نهم گوید که این حدیث شریف بجز هفتاد و هفتاد است سابق است زیرا که ماه
در حدیث سابق بخانه مقدس الهی منسوب کرده و ماه رمضان یا مدت حضرت رسالت صلعم
و کی با بجهت اشعار بجمال شرافت ما رجب است در حدیث سابق آنرا بجهت تعظیم داده اند

و ماه مبارک رمضان چون محل عبادت است و متقیان این است در این ماه از او چهارم
آزاد و باین سبب سعادت مند و سرسنگار میشوند لهذا آنرا با نام منسوب کرده اند شیخ
در کتاب تهذیب از کثیر نواری روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که فرمود که حضرت نوح عم صدای کشتی را شنید چون کشتی بر جودی قرار گرفت پس سپید
از آن صدای و سر خود را از جانب کشتی بیرون آورد و دست خود را بلند کرد و آید و اشاره با انگشت
خود نمود و گفت که هلم انقن و معنی این کلام بر زبان عربی یا رب آخین است یعنی یا خدا یا
نیکن و بدرستی که نوح هم در روز اول رجب بر کشتی سوار شد و امر فرمود جماعتی با که با او داخل
کعبه بودند از جنه انس بروزه داشتن این روز پس حضرت فرمود که هر که روزه دارد این روز را
از او دور شود و آتش جهنم بقدر کبیره راه و هر که هفت روز از رجب را روزه دارد در ماهی هفت
کانه بختتم بر او بسته شود و هر که هشت روز از این ماه را روزه دارد هشت در هشت برای او شوق
شود و هر که نوزده روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی حاجات او را با وعظاف نماید و هر که زیاده
از این روزه دارد حق تعالی زیاده فرماید برای او و شیخ معین دین با بویه نیز همین مضمون را با آنکه
تفاوتی بسندهای بسیار روایت نموده اند و از طایفه در کتاب اقبال است خود از حضرت
هم روایت کرده است که رسول خدا هم فرمود که هر که سه روز از رجب را روزه دارد حق تعالی او
بعوض هر روزه روزی سالی سوسید و هر که هفت روز از این ماه را روزه دارد بنده بر بر روی هفت
در جهنم را و هر که هشت روز از این ماه را روزه دارد یکشاید برای او هشت در هشت را و هر که نوزده
روز از این ماه را روزه دارد حساب را برای آسان کرد اند هر که تمام اینها را روزه دارد سوسید
برای او و رضوان و خوشنودی خود را و کسی که خدا رضای خود را برای او نویسد دیگر او را عذاب نماند
و این با بویه در کتاب بحال حضرت امام محمد باقر هم روایت کرده است که فرمود که هر که روزه بخورد
یک روز از رجب را از او اول آن یا وسط آن یا آخر آن حق تعالی هفتاد برای او اجازت دهد و بگوید اند
او را در روز قیامت با مادر در رجب ما کسی که دور از این ماه را روزه دارد با او کند که از سرگشته
بدرستی که آمد بدید شد کنها از گذشته تو و کسی که سه روز از این ماه را روزه دارد با او کند که از سرگشته
کنها از گذشته و آسید و تو پس شفاعت کن برای هر کس که با حق از برادران و اهل بی خود و کسی که هفت
روز از این ماه را روزه دارد ستر شود بر روی او هفت در هفت و کسی که هشت روز از این ماه را روزه
دارد کشته شود بر روی او هشت در هشت پس داخل شود از هر روی که خواهد و ایضا در کتاب فضایل
شهر رجب از حضرت امام رضا هم روایت کرده است که هر که روز از این ماه رجب را روزه دارد حق تعالی
در قیامت از او خوشنود باشد و هر که دور از این ماه را روزه دارد خدا بنیانت را خوشنود و در
کرد و او را خوشنود کرده اند و هر که سه روز از این ماه را روزه دارد خداوند که بر او را روزه کند

او را از او زانی کرده اند در قیامت و هر که هفت روز از این ماه را روزه دارد چون میرد در هفت
آسمان بر آید و روح او گشوده شود تا ملکوت اعلیٰ برسد و هر که هشت روز از این ماه را روزه دارد
هشت در بهشت بر آید و او گشوده شود و هر که نهم روز از این ماه را روزه دارد هر چه
که از حق تعالیٰ طلبد بر آورد مگر آنکه سؤال او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد
و هر که نهم این ماه را روزه دارد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از نماز رستور
شده باشد و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت شود با برکت بدکان و نیکو کاران و شیخ
طوسی در صباخ بنام رساله فایده است که هر که روزه بدارد از اول ماه رجب هفت روز
پدری را بستر شود بر وی او هفت درجه **درجه** بر او افزوده بدارد هشت روز را گشوده شود
برای او هشت در بهشت و اگر نهم روز را روزه بدارد مسکن او با وعطاش شود و اگر
تمام ماه را روزه دارد آنرا فرماید خداوند بپر او را از آتش و برآورده شود حاجت و نیاز
و آخرت او و نوشته شود در میان صدیقان و شهبان **تحقیق** بد آنکه در اکثر روایات
شابقه مذکور است که هر که هفت روز از این ماه روزه بدارد هفت درجه بر وی او
بسته شود و هر که هشت روز از این ماه را روزه بدارد هشت درجه بر وی او گشوده شود
و در احادیث بسیار وارد شده است که حق تعالیٰ برای جهنم هفت درجه برای هفت هشتاد
قرارداده است و بعضی از محققین علماء در بیان سزای عینی گفته اند که چنانچه برای جهنم
هفت در ظاهر میباشند که از آن درها گناه کاران را داخل جهنم میکند همچنین در آن
هفت در میباشند که بسیار از داخل جهنم می شود و آن درها گوش و چشم و زبان و شکم و فرج
و دست و پا است و این اعضا را حق تعالیٰ با انسان عطا فرموده و برای هر یک وظیفه مقرر فرمود
که از آن تجاوز ننماید پس هرگاه این اعضا معصیت آلی نمایند این اعضا معصیت آلی نمایند
و انسان این اعضا را در غیر وظیفه مقرر است استعمال نماید مستوجب عتاب می شود و چون عدد این
اعضا هفت است لهذا عدد درهای ظاهر جهنم را نیز هفت گذاید و هرگاه آدمی هفت روز
از این ماه را روزه بدارد حق تعالیٰ قوای شهوانی و مانع را میگرداند و از توفیق میدهد که
این اعضا مستعمل در وظایف مقرر ایشان از طاعات استعمال نمایند تا آنکه گوش او در
شنیدن نوا عظمه صلح و هدایات قرآنی و احادیث نه استماع لغو و لعب صرفه اورد و چشم
را در دیدن آیات آفاقی و انبیا و امثال آنها در دیدن نوح و امثال آنها استعمال نماید
و زبان را با سوسنه صرفت از کاذب و اوراد و امثال آنها نموده بکلمه عذیب و لاهو و باطل تلفظ
ننماید و شکم را در خوردن ماکولات حلال بجهت قوت عبادت مشغول ساختن آن حرام
اجتناب نماید و در مصرف و طرف حلال بجهت تحصیل فرزندان صالح نموده از حرام بجهت با

دست و بار در تحصیل عبادت و مسکن مباح استماع نموده از تحصیل نمودن سوره بقره
باشد و هرگاه آدمی از این روزها باطنی جهنم را مسدود نماید حق تعالیٰ درهای ظاهر جهنم را بر روی
می بندد و همچنین برای هفت چنانچه هشت در ظاهر میباشند که از آن درها نیکو کاران را داخل بهشت
میکند همچنین در انسان هشت در انسان هشت در میباشند که بسیار از داخل بهشت می شود و آن
و آن درها هفت هفت گانه مذکوره است با درگاه دل که آن اعظم از همه است پس هرگاه
کسی هشت روز از این ماه را روزه دارد حق تعالیٰ او را توفیق آید حق میبدهد که اعضا مستعمل را در
مصارف مقرر مصر و فتنه سازد و دل را که مکان قرب حق تعالیٰ است ملو از آن غنوده و غیر خدا را در آن
راه نهد و با این جهت هشت در بهشت در آخرت بر وی او مفتوح گردد و **الله تعالیٰ** و این با
در کتاب توبه لا اله الا الله ذکر آن از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت نموده اند که رجب نهم از شهر
سعید تر است هر که نهم روز روزه دارد حق تعالیٰ از آن نهم را بویا شاماند و در کتاب بحال از آن
روایت کرده است که هفت شبیم از رسول خدا که هر که روزه دارد یک روز از رجب از روی ایمان
و توفیق نواب بگرداند حق تعالیٰ میان او و قرین جهنم هفتاد خندق که هر چه در خندق بقدر ربا بین آسمان و زمین
باشد و در کتاب فضایل رجب از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده است که هر که روزه دارد هفت
از این ماه را حق تعالیٰ او را از صراط مکتوبانند و از آتش نجات دهد و واجب کرده اند برای او غزفهای
بهشت را و ایضا از آن حضرت روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عربت ندا کند
که ای ایستاد رجب چون کسی که در روزهای ایشان جمیع محشر را روشن سازد و نوح پادشاه
بر سر ایشان باشد که کمال بر او برسد و یا قوت باشد و با هر یک از ایشان هزار ملک از جنات راست و هزار
ملک از جنات چپ باشند و همه ندا کنند و از او آواز آید در آن روزها حق تعالیٰ ای سیده خدا پدید
و چون نفاذ نماید ایشان را که از کینه ازین عزت و جلال خودم سوگند که شمار او را می بیند
ساکن کردیم و عظامهای شمارا عظیم کردیم و در بهشت غزف چند شما عطا کنیم که در زیر بغلها
جاری باشد و همیشه در آن غزفها باشد و نیکو مزه است عمل کنندگان برای نهم از آنکه بر شما واجب
کردیم روزه داشته باشید برای نهم از آنکه عظیم نمودیم و حق آنرا واجب ساخته بودیم
ای که بدستکندکان و کینه از آن سزاوار است که در بهشت کینه پذیرد که اینها نواها برای کسی است که چیز
از نماز رجب را روزه دارد اگر چه بیک روز از اول یا وسط یا آخر این ماه باشد و از حضرت امام موسی کاظم
یا حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که رجب ماه عظیمی است حق تعالیٰ مضاعف میکند
در آن حسنات را و محو میفرماید در آن سیئات را و هر که روزه بدارد که روز از آنرا دور شود آتش از او
بقدر یک ساله راه و کسی که سه روز از آنرا روزه بدارد بهشت برای او واجب شود و در بعضی از کتب منقولست
که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت که هر که در ماه رجب روزه بدارد در آن روز

محشر

وگرفت و روی مبارک را بان دو کس کرد و فرمود که این مرد که از معدن بود نزد قبرهای خود پیوست
و سر او را بر خاک نهادند تا او را از آنجا بکشند و آنرا در آنجا بکشند و آنرا در آنجا بکشند و آنرا در آنجا بکشند
دو روزه میگذشتند و یک شب از شبهای آنرا بعبادت برپا میدادند البته خدا ایشان را در قبرها نشاند
عذاب بنمیزد و سید بن طاووس در کتاب اقبال از حضرت رسالت روایت نموده است
که حق تعالی در آسمان هفت ملک است که او را داعی میگویند و چون ماه رجب اخل شود هر شب
طلوع صبح ندانند که خوشاخال فکر کنند که خوشاخال اطاعت کنند زکان و حق تعالی میفرماید که
من هفتین کسی ام که با من هفتین کند و اطاعت کننده کسی ام که اطاعت من نماید و آمرزنده کسی ام
که طلب آمرزش از من کند ماه ما و من است و سنده سنده من و صحت صحت من است هر که سوال کند
عظایم یکم و هر که طلب هدایت کند اول هدایت منیام و کوزه آینه ام انگاه را در شش در میان خود
سبک آن خود پس هر که چنک در آن را در جهت و مغربین من ببرد و شیخ سعید در ذکر کتاب صفت آن
رسول خدا روایت کرده است که هر که روزه بدارد تمام ماه رجب را بسوی حق تعالی بپوشد
و خوشنودی خود را و کسی را که خدا رضا خود را برای او نوشت دیگر او را عذاب نمیزد و شیخ طبرسی
کتاب احتجاج از محمد بن عبداللّه بن جعفر جری روایت کرده است که او عرضیه بجهت حضرت صاحب
الامر نوشت که نزد ما جو از مرغ این پرواز عجزه هست که مدت سه سال و زیاده است که ماه
رجب را روزه میدارند و آنرا نماز و صفت و بعضی از اصحاب بنا روایت میکنند که روزه
ماه رجب معصیت است حضرت در جواب نوشت که هر که فقیه و امان باشد یا نذر و روز از نماز
رجب روزه می آورد و بعد از آن قطع میکند که بقیه ماه را بقصد تقصیر سر و ذکا را و
نوشته باشد روزه دارد درین وقت روزه داشتن بقیه ماه رجب بیکوست بجهت حدیثی که
وارد شده که ماه رجب بیکوست بجهت حدیثی که وارد شده که ماه رجب بیکوست بجهت حدیثی که
مؤلف گوید که علمای این حدیث را بر نفی تا کذا استجابه روزه تمام ایماه حمل نموده اند اما مخالفان
با اطاعتی که در لاک بر فضیلت روزه تمام ماه میکنند و ظاهر را در آن سه روز در این حدیث سه
روزی است که در ماه غیر شعبان و ماه رمضان است است روز که فتن آنها و از این حدیث ظاهر
میشود که روزه مستحب است صفا میتوان نمود بلکه اگر کسی روزه واجب قضا داشته باشد و در اینها
بیکر تو امانت عظیم تر خواهد بود و الله شاکر است که بهر حال این حدیث مذکوره اطلاق میکند رجا
فضیلت ایماه و ثواب عبادت و آن و تصدق نمودن و احیاء استن لیا لآن در کتب علماء مکتوب است
و چون بعضی احادیث مذکوره مستحب المصنون و اکثر آنها بعد از این در ضمن بیان اعمال مذکور میشوند
لخدا و این مقام با این قدر گفتار شد **حکایت عجیبه** بدانکه از خصایص ایماه آنست که غلادان
استجابه شود و سید بن طاووس در کتاب اقبال نقل نموده است که چند نفر با یکدیگر رفتی بودند

تا که گذشتند بر مرد کور زمین یکی یکی از اینها گفت که چرا این مرد از حق تعالی سوال نمیکند دعا
خود را که از این آزار خلاصی یابد و دیگری از رفق با او گفت که آیا این مرد را نمیشناسی این مردی است
که عیاض را در نظریں کرد پس آن شخص عیاض را طلبید و حقیقت حال را از او پرسید عیاض
گفت که قصه این شخص امریست که در زمان جاهلیت واقع شده است و دانستن او نفعی ندارد
او گفت که قصه زمان جاهلیت سزاوارتر است سفلی نمودن برای من قصه را نقل کن عیاض
گفت که این مرد کور زمین کیر با نه برادر دیگر از فرزندان صیغا بودند و خواهر ایشان در خیال
من بود و ایشان خواستند که خواهر خود را از من بگیرند پس من ایشان را سوگند دادم بخدا و قرآن
و رجم و خوشی و فایده بخشید و خواهر خود را از من بخواستند و من صبر کردم تا ماه رجب اخل
شد و ایشان از نظریں کردم و گفتم خداوندان نظریں میکنند من بر فرزندان صیغا پس هر ایشان را
هلاک کرد و کینه از ایشان را زنده بدار و پلای او را بشکن و او را در زمین کمر و تابینا کرد از پس حق
تعالی چنان کرد که من خواسته بودم و این مرد کور زمین کیر از جمله ایشان است پس آن شخص گفت که
و الله که چنین امر عجیبی بر ما جایز بودم دیگری از آنجا غنایم گفت که آیا میخواهی بفکر من برای
حکایتی از این عجیب تر آن شخص گفت که نقل کن تا همی رفق بشوند او گفت که من بودم از قبیله از قبایل
عرب و آن قبیله هر مرد و اموال ایشان میراث بمن رسید و رفتم بمیان قبیله دیگر که ایشان از قبایل
سیکند و مدت مدیدی در آنجا بودم در آخر کار آن قبیله خواستند که اموال را بگیرند من ایشان را
قسم دادم و قبول نکردند و از جمله آن قبیله مردی بود که راج نام داشت او نیز با ایشان گفت که ای
مؤسرا این مرد همسایه شما در امانت است سزاوار است که مال او را بگیرد ایشان قبول نمودند
فایده بخشید و اموال را گرفتند پس ایشان را بملک دادم تا ماه رجب اخل شد بر ایشان نفری کرد
و گفتم با رخدا یا ما لهای ما از من مؤمن بگردید بر عقب ایشان زنبیلی از سنک یا لشکر عظیم مگر
راج را که او با من بدی کرد پس همان ایام روزی آن قبیله در دامن کوهی میفرشتند تا که قطع
آن کوه جدا شد و بر سر ایشان فرود آمد و همه هلاک شدند بغیر راج پس آن شخص گفت که امر
حکایتی از این عجیب تر نیست بودم پس دیگری از رفق گفت که آیا نقل کن قصه از این قصه ها
آن شخص گفت بگو تا همی بشنوم گفت که پدر و عموی من از پدر خود میراث بردند و بعد از وفات
مال او میراث بمن رسید و عیوم مال خود را تلف نمود و بعد از وفات او پسران او خواستند که اموال
را بگیرند و من چند آنکرا ایشان را بخدا و حق قرابت و رجم سوگند دادم فایده بخشید و اموال را گرفتند
من نیز ایشان را بملک دادم تا ماه رجب اخل شد بر ایشان نظریں کردم و گفتم ای پروردگار هر من
خایف و شومند نمای هر هائف این جامع حق را بر بردند و با من اضعاف نوریدند ایشان را جزای
و ایشان را زده نفر بود و برای حاجتی بمیان زمین رفته بودند که ناگاه چاه بر سر ایشان حراب شد و همه

هلاک شدند و آن جا به قبر ایشان شد پس آن شخص گفت که والله تا اکنون چنین حدیثی نماند
 بودم پس آن جناعت گفتند که هرگاه ماه رجب در زمان حلیت ایستاده باشد
 و دعا باین زود می رسد مستجاب شود چرا در زمان اسلام چنین نیست و باین زود دعا
 در آن مستجاب نمی شود پس یکی از ایشان گفت که سبب این آنست که اهل خانه هفت برکت
 نبودند و باین جهت حق تعالی جزای اعمال ایشان را در دنیا نبرد و باین سبب اهل خانه بر یکدیگر
 ظلم کند و اهل اسلام چون برین حق ثابت و راست اند حق تعالی جزای اعمال ایشان را با خود
 گذاشته است پس سید گوید که تا قبل این قصه حکایات بسیار دیگر در باب استحباب دعا در این
 ماه نقل نموده است و ما بهین قدر گفته ایم **مؤلف** گوید که آنچه در این قصه مذکور است
 که دعا اهل اسلام لازم نیست که در دنیا مستجاب شود در صورتی است که کفایتی حاصل
 باشد و اگر کفایتی در وی خلوص نیک و صدقای طوبی در دنیا و دعا نماید و مطابقتی در صانع
 حکم الهی باشد البته مستجاب میشود و از جمله آنها که در عهد قریب بعضی واقع شده است
 حکایتی است که در عهد خلاصه اموی تا عهد قریب یعنی در عهد در کتاب بخاری از انوار کوفه
 و گفته است که این قصه از متواترات است و شغل نیز آنرا بنظم در آورده اند و فی الحقیقه از
 معجزات مرفعه مطهر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است و کیفیت این قصه چنانچه آنرا در
 از نقلات استماع نموده است که در سنه هزار و هفتاد و دو هجری در ریفت اشراف زلف سجده
 بجز که نام آن مریم و معروف بصلاح و تقوی بوده و بر بسیاری استیلا کردید و از آنرا و بطول کشید
 تا آنکه مقدمه زمین گریست و در میان بر این خانه ماند پس در شب نهم ماه رجب استغوا
 و تصریح بدید که حق تعالی کردید و توسل بحضرت امیر المؤمنین ع جسته شکایت احوال خود بآن
 نمود و استغای شفا نموده بخواب رفت در خواب دید که سرزن کعبی از آنها در زور صفقا
 ماه شب چهارده بود بر او داخل شدند و باو گفتند که بگیر میاش که در شب دوازدهم از ماه
 مبارک فرج سوره سید پس از فرج رسیدار شد خواب خود را بر م نقل نمود و انتظارش وادعی
 ماه رجب را بکشید و در آن شب اثری ظاهر نشد پس انتظارش و از دهم ماه شعبان آگشید
 باز اثری ظاهر نشد تا شب نهم ماه مبارک رمضان داخل شد در آن شب سرزن از خواب
 دید که از ایشان شفا آورد آند که گفت که در شب دوازدهم ایماه بر روی من بر سر من
 از زمان مرگ فرسنگ آن بلاد طیبه را نام بردند که با خود همراه بر لب سر و از خواب بیدار شد
 و در شب دوازدهم جامه او بد و خود را تطهر نمود و آن سرزن را از خواب بیدار کرد و او را بر دست
 گرفته داخل وضو مطهر شد و چون قریب از شب گذشت یکی از آن سرزن معذرتان
 او طلب نمود بیرون رفت و دوزن دیگر با او در وضو نمود و ماندند و سایر مردم هم بخانه آمدند

نمودند و در هزاران بشند و غیر ایشان کسی در میان نماند و چون وقت نماز شد آن دوزن بر زمین خورد
 سحر پاکتین غلیظ رفتند بجناب درگاه که در پشت سر مبارک بعضی مفسوح می شود و در عقب آن
 شبکه هست و داخل شبکه شدند و در آن شب آن زن را در پیش روی ضریح مبارک در سمت قبله
 گذاشتند و بعد از تصدای حاجت چون حاجت نمودند او در آن موضع نیافتند پس از خانه رفتند
 چه چیزی مطهر نفس نمودند و در نهایت صحت اعتدال راه می برد و شفا یافتند از سبب
 پرسیدند گفت که چون شب بجناب شبکه رفتید آن سرزن که من در خواب دیده بودم بنزد من آمدند
 و مرا برداشتند و داخل قبر نمودند و من ندانستم که چگونه داخل شدم و از چهره او باز نمودند
 رفتم و چون صبح مقدم رسیدیم صدای ایشان را از قبر مبارک که حرکت دهد یا از آن صلوات
 و او را سر بر سر برد و قبر طواف دهد پس آن زنان سر بر سر برد و در قبر مرطوبات فرود آمدند
 صدای یکوا از قبر شنیدیم که برید زدن صلوات از در فرج پس از آن جانب برخاستند که نماز کند
 تا باین دور که در برابر سر مبارک میروند بر سر آن در عقب آن در جوانان بسیار ایستاده بودند و
 آن درگاه غلیظ ازین واقعه با تاشتم معروف نبود پس گفت که الحال آن زنان رفتند و شفا یافتند
 و در اصلا از آنرو صنعت در خود اثری نماند و چون آخر شب شد و کلید او آمد و در وضو
 مقدمه سر را کشود آن سرزن را دید که هر سه راه می روند و معلوم نیست که زن زمین که کدام یک از این
 سرزن است و بعد خلاصه در کتاب مذکور گفته است که در وقت سجده بر این قصه در این کتاب آن سرزن
 که با آن زمین بر وضو مقدمه رفته اند و رجالت هستند و من از سوا نا محله ظاهر کلید او را در کعبه
 از صلیب اخلاقی که در آن شب بر وضو مقدمه رفته بودند شنیدیم که می گفتند که او را در آن
 شب زمین کردیم که بر برد و شرف بر وضو آورده اند و در آخر شب در نهایت صحت خود ایستاده
تتمیم قطب را و ندیده و کتاب قصص الانبیاء روایت کرده است پس خود از این ماجرا پرسید
 تا مقصد نموده حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را و او را خبر داد که در کتاب
 حضرت ائمه پیغمبر نوشته است که هر سالی که در ماه رجب ماه بگیرد زمین معبود و آبادان شود
 و در کوهستانها و ناحیه شرقی باران بسیار بارد و در ناحیه فارس بلخ فرود آید اما ضرر ایشان
 نرساند و در هر سال که در ماه رجب ماه بگیرد در ناحیه مغرب طاعون و کج طاعون هر شهر و در زمین باران
 باران بسیار بارد و در چشم در هر شهر باران بارند و الله اعلم بالصواب **خاتمه** هر آنکه در روایت
 معتبر وارد شده است که هر کس بخت بر باد می خورد و در وضو روزی شست که نماند
 و او طعمای خانه سازد و او را تکلیف افطار نماید ثواب و نظار کردن زیاده از ثواب روزی شستن
 است هر چند بر او و اگر اظهار نکند که روزی ام تو امیش بیشتر و برابر کمال روز است روزی شستن
 و ایش زنی بخت شوه غلام و کسب بخت انا و فرزند بخت پدر و مادر و در زمان بخت

در این کتاب
 در این کتاب

در این کتاب
 در این کتاب

صالحان و صالحان در جنت است و در جنت است و در جنت است و در جنت است
که روزی است که در آنجا است و در آنجا است و در آنجا است و در آنجا است
مشهور است که روزی است که در آنجا است و در آنجا است و در آنجا است
باطل است و حوط است که از آنجا است و در آنجا است و در آنجا است
خلافت و حوط است که در آنجا است و در آنجا است و در آنجا است
تعلیم **باب** در بیان آداب دیدن ماه **مرحب** بدانکه ادعیه و آداب مخصوص دیدن
این ماه است **سید جلیل** بنیل سید بطا و سرحد در کتاب اقبال از رسول
خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آنحضرت هرگاه هلال ماه **رجب** را میدید از غار میخواند
اللهم اهکد علينا بالامن والایمان والسلامة والاسلام و رجب فربک الله عز وجل

ادب دیدن هلال ماه

دوم ایضا سید زکریا ذکر آنحضرت روایت کرده است که آنحضرت در وقت دیدن هلال ماه این دعا را
اللهم بارک لنا فی رجب و شعبان و بلغنا شهر رمضان و اعیننا علی الصیام
و القیام و حفظ اللسان و عصیر البصر و لا تجعل حظنا من الجوع و العطش

سوم سید جلیل در کتاب اقبال از امام قدس سره روایت کرده است که در بعضی از مؤلفان خود گفته که از آنجا که رسول
است که در وقت دیدن هلال ماه **رجب** باید در خط قرآن مجید و در خود نگاه کند **و لکن**
که این معنی در حدیثی در فرائض بنظر نهاده در کتاب معتبره هیچیک از علمای مذکور نیست و بدانکه
تفصیلا در عید و آداب دیدن هلال ماه در کتاب اقبال مطلقا در بیان آداب دیدن ماه عید و بقصد مذکور شود
انشاء الله تعالی اگر کسی خواهد که آنها را بعمل آورد و رجوع بآن مقام نماید **باب** در بیان
بعضی از اعمال مشترک میان ماه **رجب** و ماه **شعبان** و ماه **رمضان** و آنهاست **سوم** در بیان
در کتاب اعلام الدین و کفایه در کتاب اقبال از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت
نموده اند که رسول خدا فرمود که هر که در هر روز از هر شب از ماه **رجب** و ماه **شعبان** و ماه **رمضان** بخواند
هر یک از این سوره حد و آیت اگر سحر و جادو را بکافرون و فل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس فل اعوذ
برای اتفاق است **سوم** در بیان آداب دیدن ماه **رجب** و ماه **شعبان** و ماه **رمضان** و آنهاست **سوم** در بیان
بعضی از اعمال مشترک میان ماه **رجب** و ماه **شعبان** و ماه **رمضان** و آنهاست **سوم** در بیان

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَسَبِّحْهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
نوبت

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَصَارِعِدْ أَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ
نوبت

بگوید **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَصَارِعِدْ أَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ**
شود حق تعالی که هان او را بیامزد اگر چه مانند قطرات باران و برکت درختان و کین دریاها باشد
و در روز عید فطر از جانب حق تعالی مادی نماند که ای بندۀ من تویم و لحسن و ذو شین حقان برای تو
است نزد من بیب گرامت تو پیش من هر چه شفاعتی در برادران و خواهران خود بخواند **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ**
هر چه در تمام عمر کرده باشد حق تعالی او را و عطا فرماید هر چه در دنیا و آخرت کرده است که هر چه در دنیا
باشد نزد خدا از گناهها دنیا و بر آورد برای او و هفتصد حاجت در وقت بیرون آمدن از قبر و هفتصد حاجت در وقت
گذشتن از سراط و هفتصد حاجت در وقت برپا شدن میزان و آوردن سوره شریف خود در حاد هد
و حساب او را آسان کند و او را هفتاد هزار سالک مشایخ نماید تا بهشت داخل شود و در آنجا
میتاشد باشد برای او چیزی چند که هیچ دیده ندیده باشد و کوشی نشده باشد **نوبت** که بگوید **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ**
در حق آنکه کتاب جنتی از امامان نیز این حدیث را ذکر نموده و سرنوبت **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ**

را نقل کرده است و ظاهر اسهوله نموده است و الله تعالی یکنم **فایده** بدانکه مشهور میان محدثین
شعبان رمضان الله عليهم است که مراد از آن آیه الکبری هر جا مطلقا وارد شده باشد و روایات
نا العلی العظیم است و حدیث علامه ام مولا **ناهد** با بر مجلسی قدس سره روایت کرده که ان تتبع روایا
و احادیث ظاهر میشود که نام فیها خالده است و بنا بر این در جایی که مطلقا وارد شده باشد
احوط است که نام هم فیها خالده خوانده شود و الله تعالی یکنم **دوم** سید بن طاووس قدس سره روایت کرده است که
در کتاب اقبال است معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که حق تعالی سر ماه **رجب**
است عطا فرماید که هیچیک از امتهای گذشته نداده و آن ماه **رجب** و **شعبان** و ماه **رمضان** است
و سر شب باین است که اگر فرموده که با منتهای ذکر نماند و آن شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم
از هر ماهی است و سر سوره باین است عطا فرماید که هر که با منتهای ذکر نماند و آن شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم
تلاوه الله احسانش بر هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمع کند و خواهد بود افضل از آنچه در این
است عطا شده است پس کسی که جمع کند فرموده که در شب سیزدهم هر یک از این سوره
دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت
بکند و در هر رکعت یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم شش
رکعت بجا آورد و در هر رکعت یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند



نوبت

تفضلت از سه ماه واد نماید و منجم که طهارت او آرزوی من شود بغیر از شرک بجای سیم در بعضی
کتاب از ابن عباس مرید است که رسول خدا ص فرمود که هر که در ماه رجب و شعبان و ماه رمضان
ما بین نماز عصر و نماز شام ایستد یا بخواند حق تعالی وحی فرماید بآن دو ملکی که بر او مولا اند که
متوبید و او شیطان بدستی که استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
من آمرزیدم شیطان او را و دعا اینست
عَقَّارُ الذُّنُوبِ وَ اتُّوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةً عَبْدٍ ظَالِمٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ شَيْئًا وَلَا

حَيَوَةً وَلَا نُورًا **مؤلف گوید** که ظاهر بیان حدیث آنست که این استغفار در هر روز از این
ماه نباید گفته شود **باب چهارم** در بیان اغاثی که در همه اوقات این ماه
استوار بخواند و اختصاص بر روز و شب مخصوص ندارد و اعمال مذکور بر دو قسم است **فصل اول**
سوره قرآن و اعیان و ذکر آنها چند چیز است **اول** خواندن سوره قل هو الله احد سید زکریا
در کتاب سابق از حضرت رسالت روایت کرده است که هر که در وقت عمر خود ده هزار مرتبه سوره
قل هو الله احد را در ماه رجب بخواند یا در هر روز در وقت نماز در حالی که از کفایت خود
بیرون آمده باشد مثل روزی که از نماز استغفار استغفار کند و در وقت نماز در حالی که از کفایت خود
دندانها بر پشت و در حدیث دیگر از آن حضرت روایت نموده است که هر که هر روز سوره قل
هو الله احد بخواند یا در هر روز در وقت نماز یا در هر روز در وقت نماز و کسی را روز دیگر بخواند
باشد مگر کسی که زیاده از این سوره را بخواند یا استغفار فرمود که تو را بخوانند این سوره در زمانه
مضا عفاست و در حدیث دیگر از آن حضرت روایت نموده است که هر که سوره قل هو الله احد را
صد مرتبه بخواند حق تعالی برکت دهد برای او و فرزندانش او و همسایگان او و هر که این سوره را در
ماه رجب صد مرتبه بخواند حق تعالی برای او در ریشک بنا کند و او را در قصر که کل بدو باقی است
و سوسه برای او هزار رحمت پس بفرستد که بر او این سوره را خواند آنچه را برای او بخواهد
ساختارم پس بیاورد نزد او ده هزار نفر ایمان و ایشان ملکی چندند مگر بر سگها و خاکیهای او
در وقت پس گشاید برای او و هزار هزار قصر از در هزار هزار قصر باقی است که هر که آنها را بخواند
بدو یا قوت و جلی و حلال انگیزد که و صفت نتوانند کرد و در حدیث دیگر از آن حضرت روایت کرده است
مگر علم خلا و بدعا ایمان و او چون ببیند این صفتها و مراتب عالیها در ریشک در وقت کند و بجز
شود و گوید که اینها برای تو است پس بخوان سوره قل هو الله احد **دوم** گفتن لا اله الا الله
سیدین طاوس روایت کرده است که در کتاب اقبال از رسول خدا ص فرمود که هر که
استغفار است برای عایشه پس بسیار استغفار نماید در این ماه بدست حق تعالی آمرزیدم که

توبه بخواند
فصل اول

در هر روز
در هر روز
در هر روز

در نماز رجب بسیار بگوید استغفر الله را و سوا از کتب الاصحی که در کتب در کتب از کتب هان شام و قبول
توبه شمار در کتب هان کتبه و نگاه دارد شمار از کتب هان در بقعه اهل بیت و سید زکریا
در کتاب اقبال از جناب مقدس نوی **استغفر الله الذي لا اله الا هو و خذ**
روایت نموده است که هر که در ماه رجب صد مرتبه بگوید

لَا شَرِيكَ لَكَ وَ اتُّوبُ إِلَيْهِ يَرْتَدِّدُ فِي كِنْفِ حَيْ تَعَالَى زَيْدَكَ فِي أَوْ رَجَحْتَ وَ كَمْرِي شِخْمَ نَمَائِدِ حَيْ
چهار صد توبه این استغفار را بگوید حق تعالی توبه برای او توبه
شاید پس چون خدا در روز قیامت ملاقات نماید با او فرماید که بدستی که هیچکس صاحب قدس تو را
نیست بغیر من و ایضا سید در کتاب مذکور از آن حضرت روایت کرده است که هر که در ماه رجب صد
مرتبه در صبح و هفتاد مرتبه در شام بگوید استغفر الله وَ اتُّوبُ إِلَيْهِ پس در سنهای خود را بگذرد
کند و بگوید اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ شِعْرِي أَكْرَمَ دِينِي وَ بِيْعَ حَيْ تَعَالَى زَيْدَكَ فِي أَوْ رَجَحْتَ وَ كَمْرِي شِخْمَ نَمَائِدِ حَيْ
با او توبه بکشد یا نه او را با او توبه در کتاب عیون اخبار الرضا روایت کرده است که حق تعالی در شام
حضرت رسالت خطاب فرمود که ای محمد هر که در ماه رجب صد مرتبه بگوید استغفر الله وَ اتُّوبُ إِلَيْهِ
وَ الْأَكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَالْآثَامِ أَوْ رَجَحْتَ وَ كَمْرِي شِخْمَ نَمَائِدِ حَيْ

که اگر بنا بر روز در کار شما باشد **چهارم** سید زکریا
در کتابها لیسند عزیز بن یونس بن یونس روایت کرده است که گفت نزد مولای خود حضرت امام جعفر صادق
بودم در ماه رجب که داخل شد بر ما سگی بن خنجر پس در آن مجلس مذکور شد دعا و زمانه رجب پس
خطبه حضرت آن حضرت عرض کرد که ای سیدین تعلیم فرمایند دعا که جامع هر دعا باشد که شیعیان در
کتابها خود دیده کرده اند اللَّهُمَّ اِنِّ اَسْأَلُكَ صَبْرًا شَاكِرًا بِرَبِّكَ وَ عَمَلًا خَائِفًا
پس حضرت فرمود که بگوای **عَلَيْكَ**

مِنَكَ وَ يَتَقِينَ الْعَالَمِينَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ
الْفَقِيرُ وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ وَ أَنَا الْعَبْدُ الْمَذَلُّوبُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَ الرَّحْمَةِ وَ ائْتِنَا بِغِنَاكَ عَلَى فِقْرِي وَ جِحْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَ يَقْوَمَكَ عَلَى ضَعْفِي
يَا قَوِي يَا عَزِيزُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الرَّحْمَنِينَ وَ الْكَلْبَةِ

مَا أَهَمَّتْهُنَّ مِنَ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مؤلف** گوید که هر کس ای معنی و الله که
 این دعا را برای تو جمع کرده است
 آنچه را از زمانه ابرهیم خلیل نازمان محله کرده است **مؤلف** گوید که شیخ طوسی در نیز این حدیث
 را در کتاب صباح روایت نموده است با عنوان که حضرت صادق علیه السلام میفرمود که هر که در
 ماه رجب این دعا را بخواند و ظاهر این حدیث آنست که این دعا را در هر دو وقت اتمام آن خواند
 خواه روز و خواه شب و خواه بکر سوره و خواه زیاد و لیکن علما مانند سید بن طاووس و شیخ
 ابن عساکر از جمله ادرعی هر روز ماه نفل کرده اند و الله شاکر **مؤلف** گوید که سید بن طاووس در
 کتاب ایضاً روایت نموده است که از ناحیه مقدسه بر دست ابا القاسم حسین روح فدوس الله روح
 که یکی از نوادگان حضرت صاحب الامر صلوات الله وسلامه علیه است این دعا را برای ماه رجب روز آمد
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودِ الَّذِينَ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ التَّائِبِ فِيهِ أَسْمَاءُ عَلِيِّ
 بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ وَانْقَرَبُ بِرَحْمَةِ الْبَيْتِ الْكَرِيمِ يَا مَنْ أَلْبَسَ الْمَعْرُوفُ
 حُلْبًا وَفِيهَا لَدَبِيرٌ رُغَبٍ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُعْتَرِفٍ مِنْ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْفَقْتَهُ ذُنُوبًا
 وَأَوْفَقْتَهُ عُيُوبًا قَطَّاعًا عَلَى الْخَطَايَا ذُنُوبًا وَمِنَ الْمَرْزَايَا خُطُوبًا يَا لَكَ
 التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْآوَابِ وَالشُّرُوعَ عَنِ الْحُوبَةِ وَمِنَ التَّارِكِ لَكَ رُغَبًا
 وَالْعَفْوَةَ عَنَّا بِرُغَبَتِهِ فَإِنَّكَ مَوْلَايَ أَكْثَمَ أَمَلِهِ وَتَعْتَمِدُ إِلَيْهِ وَأَسْأَلُكَ
 بِمَسَالِكِ الشَّرِيعَةِ وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيعَةِ أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ
 مِنْكَ وَاسِعَةٍ وَبِعَمَلٍ وَارِعَةٍ وَتَقْبَلْ عَمَلِي وَتَقْبَلْهَا فَانْقِضْ إِلَيَّ نَزُولَ الْخَافِرَةِ
 وَتَحَلَّلْ لِأَجْرَةِ وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرٌ **مؤلف** گوید که علما از این حدیث نیز چنین
 فهمیده اند که این دعا را هر روز از ماه رجب
 باید خواند و عبادت حدیث چنین است که در ایام ماه رجب باید این دعا خوانده شود و این عبارت

الیهما

صبح نیت در آنکه هر روز از این ماه باید این دعا خوانده شود بلکه ظاهر آنست که اگر در بعضی از ایام
 ایام خوانده شود کافی باشد و مؤید این احتمال آنکه حدیث ملامت مولا محمد باقر علیه السلام
 ذکر نموده که در کتاب کهنه دیدیم که احمد بن محمد بن عیاش از حسین بن عبد الله روایت نموده که گفت
 نوشتم از توفیق مبارکت که از ناحیه مقدسه بر سبوی حسین بن روح رقیح الله روحه بیرون آمده بود
 که بخواند در روز عازر و روز هلال ماه رجب این دعا را **مؤلف** گوید که سید بن طاووس در کتاب ایضاً روایت کرده
 عهد بن ابی الرواد روایت نموده است که گفت روزی از روزهای ماه رجب **مؤلف** گوید که حضرت
 دهان مسجد سید رفیع بن محمد بن جعفر گفت که بسیار مسجدی صغیر بودم که آن مسجد مبارک است
 و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در آن نماز گذارده است و وجههای خداوند مبارک
 بآن رسیده پس رفیقم فلان مسجد در آنجا نماز میکند ادریم ناکه مردی را دیدیم که از نماز خود فرود
 آمد و در موضع سایه عقال کرد و داخل مسجد شد و دو رکعت نماز طولانی بخواند آورد پس در
 خود را بلند کرد و دعا خواند که خداوند بخواند و چون فارغ شد بر نماز خود سوار شد
 خواست که برود عهد بن جعفر گفت که بسیار چیزیم و سؤال کنیم از این مرد که کیست پس رفیقم نزد او
 و او را سؤا کرد بخدا دادیم که تو کیستی فرمود که من نیز شما را بخدا سؤا کرد که مرا چه کردی که از نماز
 عهد بن جعفر گفت که تو را حاضر کن پس بر پیشانی فرمود که تو نیز چنین کار داری که تمام علی فرمود
 که در الله عزت کم که حضرت محتاج است بدین دعا و بر کردید که من امام زمان شام و شیخ شهید
 عهد بن المشهد فدوس الله روحها از عهد بن عبد الله شوشری این حدیث را چنین روایت نموده اند
 که گفت که ششم بطایفه بنی و اسیر کجا از ایشان گفت که بسیار بودیم مسجد صغیر و در آنجا
 نماز کنیم که ایام ماه رجب است و سنت است در این ماه زيارت این مواضع مشرفه که امامان ما
 فدای ما را کشفان با هزار سید و در آنها نماز کرده اند و مسجد صغیر بعد از آنهاست پس رفیقم
 نبوی آن مسجد دیدیم نماز کرد در مسجد عقال کرده اند چون داخل شدیم مردی را دیدیم که
 خاتم و عامر مثل اهل حجاز پوشیده و پیشانی است و دعا خوانی که مذکور است خواند بخواند
 پس صبح طولانی کرد و برخواست و بر نماز سوار شد و رفت رفیق گفت که این حضرت حضرت
 چو با او سخن گفتیم که کویا از نماز نیکه بودند چون بیرون آمدیم این را دیدیم و در و اسیر نماز خود
 و پرسید که از کجای آید گفتیم از مسجد صغیر و خبر داد و نقل نمودیم گفت این سواره
 هر روز یا سدر و یک سوره یا بن مسجد میآید و با کسی سخن میگوید پس پرسید که شما نماز را
 کردی باشد گفتیم که ما آنست که حضرت نماز کرده است و الله من عبادان او را سؤا کردی که حضرت
 محتاج است بدین دعا یعنی حضرت خدا **اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُنَنِ السَّاعَةِ وَالْآلَةِ الْوَارِثَةِ**
 الامر صلوات الله وسلامه علیه دعا اینست

وَالرَّحْمَةَ الْوَاسِعَةَ وَالْقُدْرَةَ الْبَاطِنَةَ وَاللِّقْمَةَ الْجَمِيلَةَ وَالْمَوَاهِبَ
 الْعَظِيمَةَ وَالْأَيَادِيَ الْجَمِيلَةَ وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ يَا مَنْ لَا يُعْتَبَرُ بِشَيْءٍ
 وَلَا يَمِثَلُ بِشَيْءٍ لَا يُعَلَّبُ بِظَهْرِي يَا مَنْ خَلَقَ فِرْنَزًا وَأَلْهَمَ فَاظُنُونَ
 وَابْتَدَعَ مَشْرَعًا وَعَلَّاهُ فَارْتَفَعَ وَقَدَّرَ فَاحْسَنَ وَصَوَّرَ فَانْقَنَ وَاجْتَجَّ
 فَابْلَغَ وَأَنْعَمَ فَاسْبَغَ وَأَعْطَى فَاجْزَلَ وَمَنَحَ فَاقْضَدَ يَا مَنْ سَمَّا فِي الْعِزِّ
 فَفَنَاتِ خَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَدَنَا فِي اللَّطْفِ فَجَاذَهُوا جِسْرَ الْأَفْكَارِ
 يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمَلِكِ فَلَا نِدَاءَ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَفَرَّدَ بِالْكَرَامِ
 وَالْإِلَهِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَانِهِ يَا مَنْ حَارَتْ فِيهِ كِبَرِيَاءُ
 هَيْبَتِهِ دَقَاقِطُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَالْحَسَنَاتُ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ
 خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ وَخَضَعَتِ
 الرِّقَابُ لِعَظَمَتِهِ وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ أَسْأَلُكَ
 هَذِهِ الْمُدْحَرَ الَّتِي لَا تَبْتَدِعِي إِلَّا لَكَ وَبِمَا وَابَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ
 لِذَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ
 لِلذَّاعِينَ يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَأَبْصَرَ الْمُبْصِرِينَ وَيَا أَنْظَرَ

بِالْحَبَابِ

مُوتِيهِ

الناظرين

الناظرين وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاكِمِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَزَنِينَ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ
 وَأَنْ تَقْسِمَ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرًا مَا قَسَمْتَ وَأَنْ تَحْتَمَّ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرًا
 خَيْرًا مَا حَتَمْتَ وَتَحْتَمَّ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ حَتَمْتَ وَأَخِيئَنِي مَا أَخِيئَتَنِي
 مَوْفُورًا وَأَمِشْنِي مَسْرُورًا وَمَعْفُورًا وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ سَائِلَةِ الْبَرِّزِخِ
 وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا وَأَرِ عَيْنِي مَبْشِيرًا وَبَشِيرًا وَاجْعَلْ لِي إِلَى
 رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ مَصِيرًا وَعَيْشًا قَرِيبًا وَمَلَكًا كَبِيرًا وَصَلِّ اللَّهُ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْبُكْرَةَ وَأَصِيلًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَسَيِّدَهُ كَفَنَتُهُ لِي فِيهِ أَرْزُقَانِي
 صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَفْوِكَ عَلَيَّ وَأَنْ تَكُنْ عَيْشِي وَمَشْرُوعِي
 وَالرَّحْمَةَ مِنْ كِتَابِكَ وَأَسْمَكَ الْأَعْظَمَ وَذِكْرِكَ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ النَّامِيَّةَ
 كُلِّهَا أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَسْأَلُكَ مَا كَانَ أَوْفَى بِعَهْدِكَ وَأَقْضَى لِحُفْدِكَ
 وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ وَخَيْرًا لِي فِي الْمَعَادِ عِنْدَكَ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ أَنْ تُعْطِيَنِي
 جَمِيعَ مَا أُرِيدُ وَتَصْرِفَ عَنِّي جَمِيعَ مَا أُرِيدُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مؤلف** كونه كماله از دعا ان شاء الله عيشه ساعده از دعا ان شاء الله هرة ان شاء الله
 نقل کرده اند و عبارت حدیث اصلا دلالت برین ندارد بلکه در حدیث کماله

وَأَرْضِي عَنِّي

الاعظم الاعلى

اینه غایب از حضور نبی واجب انما شانه است و چون در طایف بلاد غایب و ضاحت الفاظ و شمل بر
 مطالب دنیا و آخرت است حضرت آنرا درین ماه مبارک در آن مکان شربت خوانده باشد و نیابان
 خوانده اینه غایب و اوقات دیگر خصوصاً اوقات شریفه و امکان دیگر خصوصاً امکان شکر مناسبت خواهد
 بود و الله تعالی بعلیه **عقبت** شیخ طوسی در صحاح و سیدین طاوس در اقبال و عنوان الله علیه انما
 امام زین العابدین صلوات الله و سلامه علیه روایت نموده اند که آنحضرت در ماه رجب چهل و نه مرتبه بمکه
 معظمه داخل شد و در اکثر اوقات شب و روز نزد کعبه نماز میکرد و بجزایر میرفت و در سجده میفرمود
عظمت الدنیا من عندک فلیحین العفو من عندک و در صد اوقات در سجده زیاده
 ابن نمبر **دشتم** بجای آوردن
 ابن ابی عمیر از حضرت امام جعفر صادق در صلوات الله علیه روایت نموده است که اگر از حضرت سؤالی کرد
 که عمر در ماه رجب افضل است یا ماه رمضان حضرت فرمود که در ماه رجب افضل است یا احادیث
 فضیلت عمر در ماه رجب است و ذکر جمیع آنها سوجیا طنائت **هشتم** شیخ طوسی در کتاب صحاح و
 سیدین طاوس در کتاب اقبال از حسین بن روح روایت کرده اند که گفت بحضرت عبدالله که در ماه رجب
 زیارت کنی یا در ماه رمضان **الحمد لله الذی اشهدنا ما شهد اولیائیه فی رجب**
 که خانه شریک بود که چون از خانه بیرون
و اوجب علینا رزقهم ما قدر و جب و صلی الله علی محمد المنجی و علی
اوصیائه الحی اللهم فکا اشهدنا ما شهدناهم فاجز لنا موعدتهم
و اورد ناموورد هم عمر بن خطابین عن و زید دار الفنامه و الخلد و السلام
علیکم اری و صدتکم و اعتمدتکم بمسئلتی و حاجتک و هی فکاک ربی
من النار و المتمر معکون فی دار القرار و السلام علیکم
بما صبرتم فبعم عفتی الدار اناسا لکم و املکم فبما الیکم اللغوین
فبکم یخبر الحیض و یسفی الارض و ما نزل دار الارحام و ما تعین فی لیسرکم

نواب شیخ در کتاب
 فی فضیلت رجب
 در کتاب صحاح و سیدین

مؤمن و لیتو لکم مسمیه و علی الله بکم مسمیه فی رجبی جو العی و مضافا و امضا ^{ربها} رجبی
و انجاها و ابراجها و یسوفی لکم و صلاحها و السلام علیکم سلام
مودع و لکم حوائج مودع ینال الله الیکم المرجع و سعیه الیکم
تعب منقطع و ان بر جیبی من حضرتکم خیر مرجع الی جناب مودع و
تخص عیش موسع و دعد و مهل الی حین الاجل و خیر مصیر و محل فی
التعمیم الازل و العیش المقتبل و دوا امر الاکل و شرب الرقیق و
السئل و علی و نهل لاسام منه و لاملل و رحمة الله و بر کاتر و
یحیاته علیکم حتی العود الی حضرتکم و الفوز فی کربکم و
الحشر فی رزقکم و رحمة الله و بر کاتر علیکم و صلواته و حیاته

وخصن موسع

فی زیارت حضرت امام جعفر صادق
 در کتاب صحاح و سیدین

و هو حسبنا و نعم الوکیل **دهم** زیارت حضرت امام رضا صلوات الله و سلامه علیه
 شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب صحاح از عهد زین العابدین
 دیلمی روایت کرده است که گفت عرض کردم بحضرت امام محمد تقی که کسی که تو مقیم حجه الاسلام است
 و بعد از آنکه بلوا از حج و عمره ایشان نماید زیارت رسول خدا که مدینه منوره رود و بعد از آن زیارت
 پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین که آمد در حالتی که غار عقیق او باشد و در آنکه آن جناب حجت حق تعالی
 بر خلق او و باب رحمت است پس بر او سلام کند و بعد از آن زیارت حضرت ابی عبدالله الحسین که
 بر او سلام کند و بعد از آن سجده درود و بر حضرت امام موسی کاظم سلام کند و بعد از خود
 پس چون سال آینده وقت رفتن حج شود حق تعالی و زی کند با و انقدر که تو اندیج رود و حج مستحب
 کند کدام افضل است یا حج سنت بود یا غیر اسان زیارت پدر بزرگوارش علی بن موسی الرضا
 بود حضرت فرمود بخیر اسان رود و آنحضرت زیارت کند و باید که این زیارت در ماه رجب بوده باشد

سوره که سید جلیل نبیل بر چهار فرقه امام طایب برآورد و بعضی از مؤلفان خود گفته است که زیارت چهارم
 که در اول رجب امام رضا علیه السلام زیارت کند اینست و زیارت سابق را که الحمد لله الذی اشدنا شهید
 اولیای نبی است تا آخر نقل نموده و در آخر این نیت نیز هست نعم المولی و نعم النصیر
 غفرناک ربنا و الیک المصیر اللهم صل علی محمد و آل محمد لا یغیبنا
 المرصین و اجعلنی معهم فی الدنیا و الآخرة و لا تغرب بیتی بینهم طرفه
 عین ابد او و در ذی حیا صهم و از نوبتی لغناء هم بوم الویرد المورود و التلم
 علیکم و رحمة الله و بركاته استودعکم الله و اقر علیکم السلام
 امثالی الله و بالرسول و بما جئتم به و دلتم علیه فاکنبنا مع الشاهدین
 و اختصاص این زیارت با حضرت در خصوص این روز در روایتی منظر نمیرسد و ظاهر این زیارت چون
 مخصوص این ماه و در شده و زیارت آن حضرت در این ماه فضیلت بسیار دارد چنانچه در اشعریه در بیان ایام
 این ماه روز اول بزم فضیلت مناز است لهذا سید این زیارت را در خصوص این روز و در عین آن زیارت کوا و فضل
 نموده و با آنکه بغیر از زیارت نیز زیارت مخصوصی برای آن حضرت در روز اول و در شده بلکه مخصوص این ماه
 نیز زیارت مخصوصی در کتاب علمای مذکور نیست ولیکن حدیث علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی در الله روح در کتاب
 جلاله تواریخ گفته که در کتاب جلیل که از مؤلفان قدما علی شیعریه منواری الله علیهم بود و تاریخ کتاب
 آن کتاب را لافصد و جمله و شش می بود و در آن زیارت برای آن حضرت نقل نموده و گفته است که آن
 حضرت در ده روز اول این زیارت استوار زیارت نموده و در ماه رجب امضا شد و این زیارت از خلف
 آن حضرت که حضرت امام محمد تقی علیه السلام است روایت شده و زیارت اینست
 التلم علیک یا ولی الله التلم علیک یا حجة الله التلم علیک یا نور الله فی
 ظلمات الارض التلم علیک یا عمود الدین التلم علیک یا وارث ادم
 صغوة الله التلم علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله التلم علیک یا

کتب معتبره
 کتب معتبره
 کتب معتبره

یا وارث موسی کلیم الله التلم علیک یا وارث عیسی روح الله التلم
 علیک یا وارث محمد رسول الله التلم علیک یا وارث امیر المؤمنین
 علی بن ابی طالب التلم علیک یا وارث الحسن و الحسین سیدی شباب
 اهل البیت التلم علیک یا وارث علی بن الحسین سید العابدین
 التلم علیک یا وارث محمد بن علی باقر علم الاولین و الاخرین التلم
 علیک یا وارث جعفر بن محمد الصادق التلم علیک
 یا وارث موسی بن جعفر العالم الحقی التلم علیک ایها الصدیق الشهید
 التلم علیک ایها الوصی البر التلم علیک ایها الصدیق الشهید
 و اتیت الرکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و عدت الله
 حتی اناک الیقین التلم علیک من امام عصب و امام حجب و
 بقید قریب و منسوم غریب التلم علیک ایها العالم البیة و اللد
 الوجیه التارخ عن شریک و آیه التلم علی من امر اولاده و عیاله
 بالیأخیر علی و قبل وصول القتل الیه التلم علیک یا وارث الموحشات
 کما استوحش منکم منی و عرفات التلم علی سادات العیید و عدو

کل زیارت انا عز
 سلمت

مخلصا

الوعيد والبر المعطلة والقصر المشيد التلم على عوث اللهفان
 ومن صادت به ارض خراسان التلم على قليل الزابرين وقروة
 عين فاطمة سيدة نساء العالمين التلم على البهجة الرضوية و
 الاخلاق الرضوية والعصون المنعزة عن الشجرة الاحمدية
 التلم على من انتهى اليه رياسة الملك الاعظم وعلم كل شئ
 لتمام الامر الحكيم التلم على من اسماؤهم وسيلة السالين
 ومياكلهم امان الخلقين وحجهم انطال شبه المحدث
 التلم على من كبرته له وسادة والى امير المؤمنين حتى خصم
 اهل الكتب وثبت قواعد الدين التلم على علم الاعلام ومن كسر
 قلوب شيعته بغرسته الى يوم القيام التلم على السراج الوراق
 والنجرة العجاج الذي صادت رتبته مهبط الاملاك والميراج
 التلم على امراء الاسلام وملوك الازبان وطاهري الولادة ومن
 اطعمهم الله على الغيب والشهادة وجعلهم اهل السادة
 التلم على كهوف الكائنات وطلوها ومن ابهجت معالم طوس

بالبر
 علم

حيث

حيث حل بربعها شعرا يا قبر طوس سقات الله رحمة ما ذا صمت
 من الخيرات يا طوس طابت بقا عك في الدنيا وطابت بها شخص توى
 بسنا باد مر موسى شخص عزيز على الاسلام مضرعة في رحمة الله مغنوة
 ومر موسى يا قبره انت قبر قد تصمته حلم وعلم وتطهير وتندي
 تحذرا بانك مغبوط بحببه وبالملازمة الاطهار تحموس في كل عصر
 لنا منكم امام هدى قربة اهل منكم وما نوس امنه نجوم سما
 الدين اذلة وظل اشد الشرى قد صمها الخيس غاب ثمانية منكم
 وادبعت ترحم طالعها ما حنت العيس حتى منى من هو الحق الميركم
 فالقون في غيركم دايج ومطوس التلم على مفتخر الابرار وناني الزار
 وشرط دخول الجنة والنار التلم على من لم يقطع الله عنهم صلواته
 في اثناء الساعات وبهم سكن السواكن وتحركت الخيرات التلم
 على من جعل الله اعلمهم ميمنة بين الفريقين كما تعبدوا بوليتهم
 اهل الخافقين التلم على من اجى الله به دارس حكم التبيين وتبعكم
 بولابيه لتمام كلته الله رب العالمين التلم على شهور الحول وعدة الساعات

ارض ذر

حكم ذر

وَحُرُوفِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي الرَّقُومِ الْمُسَطَّرَةِ السَّلَامَ عَلَى أَقْبَالِ الدُّنْيَا
وَسَعُودِهَا وَمَنْ سَأَلُوا عَنْ كَلِمَةِ التَّوْحِيدِ فَقَالُوا نَحْنُ وَاللَّهُ مِنْ شَرِّهَا
السَّلَامَ عَلَى مَنْ يَمْلِكُ وَجُودَ كُلِّ مَخْلُوقٍ بِإِوَالَاهُمْ وَمَنْ خَطَبَ لَمْ
الْحُطْبَاءُ بِسَبْعَةِ أَبَائِهِمْ مَا هُمْ هُمْ أَفْضَلُ مَنْ يَشْرِبُ صَوْبَ الْعَامِ
السَّلَامَ عَلَى عِبَادِهِمْ وَيُنَائِرِهِمْ وَمَنْ أُنْشِدَ فِي فِجْرِهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ بِوَجْهِ
الصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ وَطَهَارَةِ ثِيَابِهِمْ السَّلَامَ عَلَى قَبْرِ الْأَقْبَارِ الْمُنَكَّمِ مَعَ
كُلِّ لَقَةٍ بِلِسَانِهِمْ الْفَائِلِ لِشَيْعَتِهِ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُؤْتِيَ إِمَامًا عَلَى امْتِدَادِ
حَتَّى يَمُرَّ قَدْرُ بِلُغَاتِهِمْ السَّلَامَ عَلَى فِرْعَوْنَ الْعُلُوبِ وَفِرْعَوْنَ الْمَكْرُوبِ وَ
شَرِيفِ الْأَشْرَافِ وَمَنْحَرِ عَيْدِ مَنْافٍ يَا لَيْتَنِي مِنَ الطَّائِفِينَ بَعْضَهُمْ
وَحَفْرِهِمْ مُشْهَدًا لِبَهْجَةِ مَوَالِيدِهِمْ أَلُحُوفُ بِيَابِكُمْ فِي كُلِّ جَنِّ كَانَتْ بِيَابِكُمْ
جِيدَ الطَّوَائِفِ السَّلَامَ عَلَى الْإِمَامِ الرَّؤُوفِ الَّذِي مَسَّحَ إِخْرَاقَ يَوْمِ الطُّغْيَانِ
بِاللَّهِ أَمْرًا وَبِأَبَائِكَ الْأَطْهَارِ وَبِأَبْنَائِكَ الْمُسْتَجِبِينَ الْأَبْرَارِ وَلَا تُعَدُّ
الشُّكَّةَ حَيْثُ سَطَنَ كَرُّ الدَّارِ لِقَضِيكَ بَعْضُ وَاجِبِكُمْ بِتَكَرُّرِ الْمَوَارِدِ
السَّلَامَ عَلَيْكُمْ يَا حِمَاةَ الدِّينِ وَأَوْلَادَ النَّبِيِّينَ وَسَادَةَ الْمَخْلُوقِينَ وَ

رَحْمَةَ اللَّهِ وَبِرُكَاةِ بَيْنِ أَيْدِيكَ يَا كَرِيمَ وَتَسْبِيحِ نَاطِقِيهِمْ وَأَصْلِحُوا لِمَنْ اللَّهُ عَلَيْهَا وَكُفُّوا
نَارَ وَسْبِجِ الرَّجْمِ أَنْ تُخْضِرَتْ هَدْيِي بِيَدِي لِيَكُنْ لِي بِرَأْسِ دَعَايَ جَوَارِحِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الدَّائِمَ فِي مُلْكِكَ الْقَائِمِ فِي عِزِّهِ الْمَطَاعِ فِي
سُلْطَانِهِ الْمُسْتَعْرِذِ فِي كِبَرِ بَابِ الْمُنْوَجِدِ فِي دِيْمِيَّةِ بَقَائِهِ الْعَادِلِ
بِرَبِّتِهِ الْعَالِمِ فِي قَضِيَّتِهِ الْكَرِيمِ فِي تَأْخِيرِ غَفْوَتِهِ الْهَلْجِ طَائِفِي صُرُوفِي
إِلَيْكَ وَالْمَالِي مَوْقُوفِي لَدَيْكَ وَكُلِّ مَا وَقَفْتَنِي حَيْثُ قَانَتْ دَلِيلِي
عَلَيْهِ وَطَرِيقِي إِلَيْهِ يَا قَدِيرًا لَا تُؤَدُّهُ الْمَطَابِ يَا مَلِكًا يَا لِيْلِي الْبِرِّ كُنْ
رَاضِيًا مَا زِلْتُ مَصْحُوبًا مِنْكَ يَا لِقَمِّ جَارِيَا عَلَى عَادَاتِ الْإِحْسَانِ وَ
الْكَرَمِ أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الشَّافِقَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَفَضْلِكَ الْمُبْرَكِ
الَّذِي تَجَلَّى بِأَيْتِرِ الدَّعَاوِ وَبِالنَّظَرِ الَّتِي نَظَرْتَ بِهَا إِلَى الْجِبَالِ فَتَأَخَّضَتْ
وَالِ الْأَرْضِينَ فَتَسَطَّحَتْ وَبِالسَّمَاوَاتِ فَأَذْبَعَتْ وَبِالْجِبَارِ فَتَجَرَّتْ
يَا مَنْ جَلَّ عَنْ آدَوَاتِ مَحْظَاكِ الْبَشَرِ لَطْفَ عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْعَبْرَةِ لِأَعْدِ
يَا سَيِّدِي الْإِسْتَوْفِي مِنْكَ يَقْتَضِي حَيْدًا وَلَا تَشْكُو عَلَى أَصْغَرِ مَسْئَلَةٍ
إِلَّا اسْتَوْجِبْتَ بِهَا شُكْرًا مِنْ شَيْءٍ تَسْمَأُوكَ يَا إِلَهِي وَتُجَاذِي الْأَوْكَ يَا
سَوْلَانِي وَتُكَافِي صِنَاعَتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَنْ بَعَثَ مُحَمَّدًا الْخَامِدُونَ وَ

مِنْ شُكْرِكَ لَشُكْرٍ أَتَى وَأَنْتَ الْمُعْتَمَدُ لِلذَّنْبِ عَفْوِكَ وَالشُّكْرُ
عَلَى الْمُخَاطِبِينَ جَنَاحَ سَيْتِكَ وَأَنْتَ الْكَاشِفُ لِلضَّرِّ بِيَدِكَ فَكُفِّرْ
سَيِّئَةَ إِخْفَانِهَا خَلِّكَ حَتَّى رَحَلَتْ وَحَسَّةٌ ضَاعَقَهَا فَصَلِّكَ حَتَّى
عَظُمَتْ عَلَيْهَا فَجَاؤُكَ جَلَّتْ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ وَأَنْ يُرْجَى
مِنْكَ إِلَّا الْإِحْسَانُ وَالْفَضْلُ فَاثْمُنْ عَلَى مَا أَوْجَبَهُ فَضْلُكَ وَلَا تَخْذُلْ
بِمَا جَعَلْتُمْ بِهِ عَدْلَكَ سَيِّدِي لَوْ عَلِمْتَ الْأَرْضُ بِذُنُوبِي لَسَاحَتْ بِى
أَوْ الْجِبَالُ لَهَدَّتْنِي أَوْ السَّمَاوَاتُ بِهَا لَأَخْطَفْتَنِي أَوْ الْجَارُ لَأَعْرَفْتَنِي
سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي مَوْلَايَ مَوْلَايَ مَوْلَايَ قَدْ تَكَرَّرَ وَفِي بَعْضِهَا
فَلَا تَحْرِمْ نِي مَا وَعَدْتَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْئَلَتِكَ يَا مَعْرُوفَ الْعَارِفِينَ
يَا مَعْبُودَ الْعَابِدِينَ يَا مُشْكُورَ الشَّاكِرِينَ يَا جَلِيلَ الذَّاكِرِينَ يَا مُحَمَّدَ
مَنْ حَدَّثَ يَا مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ يَا مَوْصُوفَ مَنْ وَحَدَّهُ يَا حُجُوبَ
مَنْ أَحَبَّهُ يَا غُوثَ مَنْ أَرَادَهُ يَا مَقْصُودَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا يَعْزُبُ
الغَيْبُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُدْبِرُ الْأَمْرَ
إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ

يَا مَنْ لَا يَنْزِلُ الغَيْثَ إِلَّا هُوَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْفِرْ لِي يَا حَمِيدُ
الغَافِرِينَ رَبِّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُكَ رَجَاءً وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَانًا
لِإِنَابَةٍ وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَانًا مَرَّغَةً وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَانًا مَهْمَبَةً
وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَانًا رَطَاغَةً وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَانًا إِيْمَانًا وَ
أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَانًا إِقْرَارًا وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَانًا إِخْلَاصًا
وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَانًا تَقْوَى وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَانًا تَوْكَلًا
وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَانًا ذِكْرًا وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَانًا عَامِلًا لِكُلِّ هَابٍ
مِنْكَ إِلَيْكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُبَّ عَلَى وَعَلَى وَالِدَيْكَ
بِمَاتَبْتُ وَتَتُوبُ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مَنْ نَسِيَ بِالْعَفْوِ
الرَّحِيمِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَقْبَلَ تَوْبَتِي وَتَرَكَ عَمَلِي وَأَشْكُرُ
سَعْيِي وَأَرْحَمُ ضُرَاعَتِي وَلَا تَحْبُ صَوْتِي وَلَا تَحْبِبْ مَسْأَلَتِي يَا غُوثَ
المُسْتَعِيثِينَ وَابْلُغْ أُمَّتِي سَلَامِي وَدُعَائِي وَشَفْعَتِي فِي جَمِيعِ مَا
سَأَلْتُكَ وَأَوْصَلَ هَدْيِي إِلَيْهِمْ كَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَزِدْهُمْ مِنْ
ذَلِكَ مَا يَنْبَغِي لَكَ يَا صَعْفَانَ لَا يَحْصِيهَا غَيْرُكَ وَلَا تَحُولُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى طَيْبِ الْمُسْلِمِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مقدمه دوم نماز من چند که مستحب است بجا آوردن آنها در بنامه و آنها چند چیز است **اول** سید بن طاووس قدس سره از سلمان فارسی روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در شبی از شبهای ماه رجب ده رکعت نماز بکند در هر دو رکعت سبک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون یکنون و سوره قل هو الله احد سه نوبت بجا آوردن آن نماز در هر روز در هر شب با وعظا فرماید و بنویسد برای او ثوابی که اگر در آن سال دوازده بار باشد و نماز کند او را باشد و حج و عمره بجا آورده باشد و در راه خدا جهاد نموده باشد و با نوبت برای او در هر روز آن سال آید حج و عمره و از نماز فارغ نشود مگر آنکه حق تعالی بیاورد او را و حج و عمره شود مگر آنکه از بر عرش او نماند که کسی دست خدا عمل خود را از او بگیرد که خدا ترا از آن چشم آزاد گردانید و بنویسد او را حق تعالی زمانه نکند که در آن سال و اگر در آن سال ببرد شهید مرده باشد و حق تعالی دعا و استجواب کرده اند و خواج او را بر آورد و نامه عمل او را بدست راست او دهد و روی او را سفید کرده اند و بگردانند میان او و آتش حجه هفت خندق **دوم** سید بن طاووس روایت کرده است که هر که در شبی از شبهای ماه رجب صد نوبت قل هو الله احد در هر رکعت نماز بخواند چنان باشد که صد سال در راه خدا روزه داشته باشد و عطا فرماید چنانچه تمام با و صد فقره در هر شب که هر فقره در حواصی از سینه ایشان عليهم السلام باشد **ثالث** گویند که مقتضای عبارتی حدیث است که صد مرتبه قل هو الله احد باید در تمام این دو رکعت خوانده شود و ظاهر سیاق کلام آنست که در هر رکعتی چنانچه نوبت خوانده شود پس اگر باقی کیفیت نماز بکند او را حوط است **سیم** سید بن طاووس روایت کرده است که جناب مقدس رسالت پناهی هم فرمود که هر که روزه بگیرد روزی از ماه رجب را و در آن روز چهار رکعت نماز بکند در هر دو رکعت سبک سلام و در رکعت اول هر یک بعد از حمد آیه الکرسی صد نوبت و در رکعت دوم هر یک قل هو الله احد و بیست مرتبه بخواند از نیاز خود نموده شود با و جای او در هر شبست

باب پنجم در بیان اعمالی که در هر روز یا در هر شب یا در هر روز و هر شب از آنها وارد شده است **اشا** اعمال هر روز پس از نماز چند چیز است **اول** سید بن طاووس طیب الله روحه در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق روایت نموده است که چون ماه رجب داخل می شود آنحضرت در هر روز از دهای خاتم اللوا فیدون علی غیرک و خیر المصیر صوت ایلاک آنها را بخواند

و صاع المملون لایک و آجذب المصحون إلا من أجمع فضلت بایک
مفتوح للراغبین و خیرک مبدونک للظالمین و فضلت مباح للساکنین
و نیک مباح للاملین و رزقک معبوط لمن عصاک و حلمک معتر من
ناوالک عادک الإحسان إلى المسبیین و سبیلک الإبقاء علی المعتدین
اللهم فاهدنی هدی المهدین و ارزقنی اجتهاد المجتهدین و لا تجعلنی
من الغافلین المبعدين و اغفر لی یوم الدین **دوم** شیخ طوسی و سید بن طاووس روایت کرده اند
که گفت من نوشته ام که از ناحیه هفتاد و سه سوره بخواند در هر روز از ماه رجب این دعا را
بیشتر الله الرحمن الرحیم بخوان در هر روز از ماه رجب این دعا را اللهم اغفر لی
بمعایب جیبی ما یدعولک و لای امرک الما نون علی سیرک المصیر و ن
بأمرک الواصفون لیذرنک المملون لعظمیک أسألک بما نطق بهم من
مشیتک جعلتهم معادن لکلماتک و اذکنا لتوحدک و ایاک و
مقاماتک الی لا تقطیل لها فی کل مکان یعرفک من عرفک لا عرف
بینک و بینها الا اتم عبادک و خلقت خلقها و رسالتک بد و هما
سینک و عودها لیک اعضاء و اشهاد و مناة و اذواد و حفظه و
رواد فیهم ملائک سماءک و ارضک حتی ظهر الا الله الا انت فذلک

وَأَنْتُمْ صِرَعَةٌ عَيْنِي بَطْوَلِكِ وَأَخْبُرُ كَسْرَ خَلْقِي بِنَوْلِكَ وَصَدَّقْتَ عَلَى الْفُلَالِي
بِكَثْرَةِ عِظَانِكَ وَعَلَى الْإِخْلَابِ بِكِبَرِ حَبَابِكَ وَسَهَّلْتَ رَبِّ سَبِيلَ الرِّزْقِ الرَّاقِي
وَبَثَّتَ نَوَاعِدَ لَدَيْكَ وَجَبَّسْتَ لِي عِيُونَ سَعْيِهِ بِرَحْمَتِكَ وَفَجَّرْتَ أَنْهَارَ رَغَدِ
الْعَيْشِ قَبْلِي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَأَجْدَبْتَ أَرْضَ فِقْرِي وَأَخْصَبْتَ جَدْبَ
ضُرِّي وَأَصْرَفْتَ عَنِّي فِي الرِّزْقِ الْعَوَائِقَ وَأَقَطَعْتَ عَنِّي مِنَ الضِّيقِ الْعَلَائِقَ
وَأَزِمْنِي مِنْ سَعَةِ الرِّزْقِ اللَّهُمَّ بِأَخْصَبِ سَهَابِهِ وَأَخْبَنِي مِنْ رَعْدِ الْعَيْشِ
بِأَكْثَرِ دَائِمِهِ وَالنِّسْبِ اللَّهُمَّ رَبِّ سُرَابِيلِ السَّعَةِ وَجَلَابِيبِ الدَّعَةِ فَاقِ
يَا رَبِّ مُنْتَظِرٍ لَا نِعَامِيكَ بِحَذْفِ الضِّيقِ وَلِطَوْلِكَ بِقَطْعِ التَّعْوِيقِ وَالْفَضْلُكَ
بِإِزَالَةِ التَّقْبِيرِ وَلِوُضُوحِ حَبْلِي بِكِبَرِيكَ بِالتَّيْسِيرِ وَأَمْطِرْ اللَّهُمَّ عَلَيَّ سَنَاةَ رِزْقِكَ
بِحَالِ الدَّبْرِ وَأَعْنِي عَنِ خَلْفِكَ بَعْوَالِيَا لَتَعْرَهُ وَأَزِمْ مَقَائِلَ الْأَقْبَارِ مَعِي
وَاحْمِلْ كَشْفَ الضَّرِّ عَنِّي عَلَى مَطَايَا الْأَعْمَالِ وَأَصْرِفْ عَنِّي الضِّيقَ بِسَيْفِ
الْإِسْتِصَالِ وَأَخْفِضْنِي رَبِّ مِنْكَ بِسَعَةِ الْإِمْتِنَانِ وَأَمِدْنِي بِمَوْ أَلْمَوَالِ
وَاحْرُسْنِي مِنْ حَسْبِ الْإِفْلَالِ وَأَقْبِضْ عَنِّي سُوءَ الْجَدْبِ وَابْسُطْ لِي بَاطِ الْخِصْبِ
وَأَسْقِنِي مِنْ مَاءِ رِزْقِكَ عَدَاوَاتِي مِنْ عَيْبِ بَدَلِكَ طُرْفًا وَفَاجِئْنِي بِالشَّرِيقِ

وَالْمَالِ وَالنَّعِيشِ بِهِ مِنَ الْإِفْلَالِ وَصَحِّبْتَنِي بِالْإِسْطِظْهَارِ وَسَتَيْتَنِي بِالْمَتَّكُنِ مِنَ
الْيَسَارِ إِنَّكَ ذُو الطَّوْلِ الْعَظِيمِ وَالْفَضْلِ الْجَسِيمِ الْعَمِيمِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَبِيرُ الْمَلِكُ
الْعَفْوُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَمَا كُنْتَ كَمَا كُنْتَ كَمَا كُنْتَ كَمَا كُنْتَ كَمَا كُنْتَ كَمَا كُنْتَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَمَا كُنْتَ كَمَا كُنْتَ كَمَا كُنْتَ كَمَا كُنْتَ كَمَا كُنْتَ كَمَا كُنْتَ
وَيَعْلَمُ صَهْمِ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ مَسْئَلَةٍ مِنْكَ سَمِعَ حَاضِرًا وَجَوَابَ عَيْتِكَ اللَّهُمَّ
وَمَوَاعِيدِكَ الصَّادِقَةَ وَأَيَادِيكَ الْفَاضِلَةَ وَرَحْمَتِكَ الْوَالِغَةَ فَاسْأَلُكَ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقَضِّي لِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ كَوْنُهُ سَبِيحٌ
إِنَّمَا هُوَ السَّبِيحُ
که در باب اول مذکور شد که اگر کسی نادر روزی داشته باشد و صدقه کند و نماند که در هر روز این تسبیح را
صد مرتبه بگوید و دعا خواند که در عمل سابق مذکور شد و باقی خصوصیتها این عمل در روزی
حدیثی نظر فرماید در کتب مشهوره علمای مذکور شد و چون سید ابن علی را و ای منسوب بنوده اگر کسی
عزایجا آورد شاید نماند که فقره آخر تسبیح چنانچه سید فعل بنوده اگر با آنچه سابق مذکور شد آنکه
تفاوت در آنچه در سابق مذکور شد و هوله اهل بدون ضمیر است و آنچه سید فعل بنوده و هوله اهل
با ضمیر است و همچنین فقره دعا را آنچه در عمل سید مذکور شد آنکه تفاوت در چنانچه تسبیح بنوده و ظاهر
سید هم در فعل بنوده است والله اعلم اما اصحاب الهربش پس آن نیز چند چیز است اول سید بن طاووس
فکر کرده است که عبد الرحمن زبیر بن علی جلواتی در کتابی معتقد از حضرت رسالت ص روایت کرده است که هر که
ماه رجب شش رکعت نماز کند در هر شنبه و رکعت در هر یک یعنی لا اله الا الله وحده لا
یکون له شریک و ثلثها کافرا نه سوره و ثلثها کافرا نه سوره و ثلثها کافرا نه سوره و ثلثها کافرا نه سوره
شربک که له الملك و له الحمد و هو حی لا یموت سید الخیر و هو
على كل شیء قدير واليه المصير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم
صل على محمد وال محمد بعد ان دانسته از بر روی خود بکشید و در
دعا و از مسجدا بناید و با وعظا فرمایید

اعمال الصالحين

شصت و نوبت شصت عمر و **دوم** ایضا سید زه در کتاب اقبال عمل شکر اول ایماه از کتاب مختصر از کتاب
 مستحبه نماز و دعا و رشب اول نفل کرده چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد و بعد از آن
 گفته که بعد از آن دعا در این شب و در هر شبی از شبها ایماه هزار مرتبه **لا اله الا الله** **کوب**
اما اعمال هر روز و هر شب پس سید بن طاووس در حدیثی روایت کرده است که گفت حضرت
 حضرت امام جعفر صادق در صلوات الله علیه عرض کردم که فدای تو شوم این ماه رجب است مراد عام
 تعلیم فرما کنی تا ما بدان نفع بخشند حضرت فرمود که در هر روز نماز رجب در صبح و پسین و بعد
 هر نماز در شب و روز این دعا را بخوان **یا من آرجوه لیکل تضرع من سخطه عند**
کل شری یا من یعطی الکثیر یا القلیل یا من یعطی من سأله یا من یعطی
من له یناله و من له یعرفه تحت ینه و رحمته اعطی ینالی ایاک
ججمع خیرا لدنیا و جمیع خیر الاخره و اصرف عینی بکلی ایاک جمیع
شر الدنیا و شر الاخره فانت غیر منقوص ما اعطیت و و ذی من فضلت
یا کبریا و ای کوبید که پس حضرت درین مبارک خود را بدست چپ کوفت و انگشت سبابه دست
راست خود را بجانب راست چپ حرکت میداد و این دعا را خواند پس بعد از آن متن مؤدی
یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا التعمار و الجود یا ذا المن و الطول حرم شیخی علیک التا
و روایت دیگر پس دست مبارک را بر پیشانی و بر نداشت تا گفت مبارکتر از آن بدین اثر شد **باب**
ششم در بیان اعمال شب جمعه و در جمعه و آن پنجشنبه از تسبیح روایات ظاهر میشود چندین چنانست
 عمل شب غایت و آن شب جمعه اول ایماه است و آن شبی است بسیار عظیم و متبرک و حق تعالی مواهب
 عطا می نماید پس بعد از آن خود در این شب کلمات غیر مایه باین جهت از الیه القابیه می مانند زیرا که
 رعایای جمیع ریشیه و آن معنی بخشش بسیار است و سید بن طاووس قدس الله روحه از جناب قدس حضرت
 رسالت نبویه روایت نموده است که فرمود که غافل نشوید از شب جمعه اول ایماه رجب بدرستی که آن
 شبی است که ملکک آنرا الیه القابیه می مانند و چون ثلث اول از آن شب بگذرد هیچ ملکی در آسمانها
 در زمین نماند مگر آنکه در کعبه و حوالی آن جمع شوند و حق تعالی بایشان خطاب فرماید که ای ملکک من
 ملککیند از آنچه خواهد پس ملکک کوبید و در کار حاجت ما آنت که بیا مرز و زده داران

این ماه است
 این ماه است
 این ماه است

رجب را پس غافل فرمایید که آمرزیدم ایشان را پس حضرت فرمود که هر که در روز دارد بخشیده اول رجب را چون
 شب شود سیلانه نماز شام و صفتن و واژده رکعت نماز یکبار در هر رکعت یکسلا و در هر رکعت بعد از حمد
 سوره آنا انزلناه فی لیلته القدر هر سه نوبت و قبل هوا الله احد و اذنه نوبت بخواند چون از تمام رکعات نماز
 فارغ شود هفتاد نوبت صلوات بفرستد باین طریق که **اللهم صل علی محمد و علی الیه** پس بعد
 کند و هفتاد نوبت بگوید **سُبُوْحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِکَةِ وَالرُّوحِ الْاَمْنِ سُبُوْحٌ اَرَادَ وَ کَوْنٌ یَدِیْتُ**
اَغْفِرُ وَاَرْحَمُ وَاَسْخَاوُ وَاَعْتَابُ لَمَّا کَانَ اَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ پس یا زدی که سجده و دو هفتاد نوبت
 بگوید آنچه را در سجده اول گفته بود و از حق تعالی حاجت خود را طلب نماید البته طاعت او بر آورد و تقوی
 انشاء الله تعالی پس فرمود یعنی آنکه نفس من در دقیقه قدرت اوست که بگذرد هیچ مرتبه بیان نماز
 را مگر آنکه حق تعالی بیاورد هر کس هان او را اگر چه بقدر کف دریا و دین بیابان و کزانی که هوا و
 عمارت درختان باشد و شفاعت کند اولاد در روز قیامت هفتصد نفر از اهل بیت خود را که هر
 مستوجب جهم سنده باشند و باینکه از حق تعالی برای او در شب اول رجب تو اسباب نماز را بر بهترین صورت
 که آید بفرماید و از وی شکفته و زبانی بگوید ای دوست من بشارت دادم ترا که غایت باقی از هر شد با
 پیران کن کوبید که تو کیستی که ندیده ام روی تو بیکو ترا روی تو و بنویسده ام نوی خوشتر از روی تو خواهد
 کوبید که ای دوست من من ثواب آن نماز که کردم در روز فلان شب در فلان ماه در فلان سال
 سال اکنون آمده ام ناقصی حق تو کنم و سونین نهایی تو باشم و وحشت را از تو دور گردانم و چون
 صورت بدست در عرصه قیامت نمایا افکنم بر سر تو و بدستی که تو هرگز از خیر تو ثواب پروردگار خود دور
 و محروم نخواهی بود **تو** کوبید که سید بن طاووس در مصباح و علامه حلی طاب تراه در منهاج الصالحین
 علامه زکریا که در صلوات بعد از نماز را باین عبارت ذکر نموده اند **اللهم صل علی محمد و علی**
و کعبه در حبه الامان ما انکر ان عمل را از مصباح سید بن طاووس نقل نموده لیکن عبارت مخصوصی است
 این صلوات ذکر نموده بلکه گفته است که بعد از سلام و صلوات بر آنحضرت و آل او و فرست و او کوبی
 باین عبارت که **اللهم سلم و صل علی السخی الامیح محمد و علی الیه** شاید عمل هر روز
 باشد و الله تعالی باین **فایده** بدانکه سید بن طاووس در یکون ذکر نموده اند که هر که در نماز
 روز جمعه در شب آن شب غایب است و از بعضی از مشایخ علمای شیعه منقولست که درین صورت
 شب جمعه دویم شب غایب است و بعضی از علمای عامر تصریح باین معنی نموده اند و آنچه در نزد شیخ
 شریف مذکور است از جمله ذواتن پنجشنبه اول ماه رجب میفرماید **یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام**
 را جمل بر عالم باحوال نمود ناموافق شود با فم سید بن طاووس علمای شیعه و اگر در چنین صورتی علمای
 مذکور را در شب جمعه اول و اول و حیطه باشد و بدانکه حدیثی از علی از آنست که
 از جمله احادیث اهل سنت است منقولست و در کتاب ایشان مسطور است و علمای شیعه رضوان الله

وكتب هره واقع شود احوط است **سید بن طاووس** طاب ثراه در کتاب قبایل از حضرت رسالت
روایت کرده است که هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنه نیست که در شب اول ماه رجب بی رکعت نماز نکند
هر دو رکعت بیکلام و در هر رکعتی حمد یکسوت و سوره قل ایها الکافرون یکسوت و قل هو الله
احد اسنون بخواند مگر آنکه حق تعالی بیاورد هر کس هان صغیره و کبیره او را و او را در زمزم نماز
کذا در مکان ناسال آید بنویسد و بری شود از لعنات **مؤلف** گوید که این حدیث حدیث طویل است
مشتمل بر سی نماز هر نمازی برای شش یا شش یا بیست و ستید در قبایل این حدیث را شریف نموده و در
شعب جزوی از آنرا که مشتمل بر نماز آن شب است نقل نموده و کفعمی **مؤلف** در حجت ایمان تمام این حدیث
را یکجا نقل نموده و در بعضی مواضع با مخالفان دارد و ناخال احدی از علمای این معنی منقول
نشده است و ما بجهت نزد اهتام در ضبط اعمال در هر مقام اشاره بمواضع اختلاف مینمایم
و از غراب آنست که کفعمی **مؤلف** گفته که این حدیث طولانی در کتاب صباح الزاری سید بن طاووس
است و حدیث علامه مولانا محمد تقی مجلسی **مؤلف** دیدم که این حدیث را نقل نموده و شب یک کتاب
الزاری سید داده و در کتاب صباح الزاری غیر نماز شب اول و شب نیمی انیاء نمازی دیگر مذکور
نست و ذکر صلوات باقی شبنهای انیاء بکتاب صباح الزاری مناسب ندارد زیرا که موضوع آن
کتاب زیارات ائمه علیهم السلام است و چون در پیش زيارت حضرت امام حسین **مؤلف** وارد شد
سید سیرت زیارت اکثر اعمال این دو شب را در آن کتاب مذکور ساخته و باین جهت این دو نماز را ذکر کرده
است و ممکن است که کفعمی **مؤلف** قبایل را بمصباح الزاری استنباه نموده باشد و مولانا محمد تقی **مؤلف** از
کفعمی نقل نموده باشد نهایت نقل مولانا محمد تقی **مؤلف** با نقل کفعمی **مؤلف** در چند موضع اختلاف آرد
چنانچه اشاره آن نیز میشود و محتمل است که این اختلاف از جهل اختلاف نسخ حجت ایمان باشد
زیرا که اکثر نسخ آن کتاب معلوظ و غیر مصحح است لیکن نسخه که نزد فقیر است اصح نسخهای آن کتاب
است و چون کفعمی **مؤلف** نا محمد تقی علیهها الرحمه هر دو این حدیث را شب سید بن طاووس **مؤلف**
گود و اسم کتاب استنباه شده باشد لهذا اعتماد بر نقل سید بن طاووس **مؤلف** را
باز مجلسی **مؤلف** نیز در کتاب ادا المقادیر این صلوات را نقل نموده و نقل او با نقل اولی **مؤلف** تا
مطابق است و کذا **مؤلف** او نقل نموده است و از جمله مواضع اختلاف این موضع است **مؤلف** که
در حجت ایمان سوره قل ایها الکافرون مانند سوره قل هو الله احد سر مرتب است و اگر
هر دو سوره سر مرتب خوانده شود شاید هر دو عمل کرده باشد و الله تعالی علم **تحقیق** بدانکه
حدیث علامه مولانا محمد تقی مجلسی **مؤلف** در کتاب ادا المقادیر گفته است که سند معری برای این حدیث
بسیار است لیکن بسیار است و در کتاب علی مستطوره است و اگر کسی بصد آنکه مطلقاً نماز
است بکند بدینست و بجان فقیر آنست که چون در اعمال **مؤلف** با خود شیعه عمل نموده

است و اگر جمعی از حدیث را ذکر نموده اند و ثوابها میسایز برای آن در آن حدیث مذکور است بهتر آنست که
حکب المعذورین نشود و الله تعالی **مؤلف** سید بن طاووس طاب ثراه در کتاب قبایل از کتاب
روضه العابدین نقل نموده که از حضرت رسالت **مؤلف** منقولست که آنحضرت با حجاب خود فرمود که هر که
در شب اول رجب بعد از نماز مغرب بیست رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیکلام و در هر رکعت
بعد از حمد سوره قل هو الله احد یکسوت بخواند آیا قرآن را میباید گفتند خدا و رسول او را تا نزد
پرس حضرت فرمود که بدستی که جبرئیل تعلیم کرد بمن تو ای پسر حضرت ذراع دستهای مبارک خود
برهن کرد و فرمود که خدا سوگند که محفوظ کرد او و اهله مال و دلد او و این کرد از عذاب قبر و
بگذارد از صراط چون بر خیزد **مؤلف** گوید که این عمل مشکک است که پیش از دخول نماز خفتن
واقع شود و حدیث علامه مولانا محمد تقی مجلسی **مؤلف** طاب ثراه در کتاب زیاده المشاکله است که بعضی
نمازها که طولی آرد و میان نماز شام و خفتن واقع شده و باید که بعد از داخل شدن وقت
خفتن واقع شود که در نشخالی از اشکال نیست و بجان فقیر آنست که بعضی از اعمال که بعضی معتبر
باشند ذکر نش بهتر است و الله تعالی **مؤلف** اصحاب در کتاب مذکور از کتاب روضه
الواعظین نقل نموده است که از جناب مقدس خاتم المرسلین **مؤلف** منقولست که هر که در این شب
بعد از نماز عشاء دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سوره الفتح یکسوت قبل
هو الله احد سوت و در رکعت دوم بعد از حمد سوره الفتح و قل هو الله احد و قل هو الله
الغنی و قل هو الله رب الناس هر یک را یکسوت بخواند چون سلام گوید سی سوت لا اله الا الله
وسی سوت صلوات و حضرت رسالت **مؤلف** بفرستند حق تعالی کسانها کند شسته او را یا مژد
او را بیرون آورد از کسانها مانند روزی که از مادر منولد شده باشد **مؤلف** سید بن طاووس
قدس سره نسبت معتبر از حضرت امام محمد تقی **مؤلف** روایت نموده است که آنحضرت بیکی از اصحاب
خود فرمود که میخواهی رشت **اللهم** ارق اشکک بانک ملیک و انک علی کل شیء
اول ماه رجب بعد از نماز خفتن **مؤلف**
مؤلف و انک ما نشاء من امر یکن **اللهم** ارق اوجع ایتک سبتک محمد
تبی الرحمة صلواتک علیه و آله یا محمد یا رسول الله ارق اوجع ایتک سبتک محمد
و ذلک لیسخک طلبتی اللهم سبتک محمد و آله و ائمتهم من اولاد بنه انج طلبتی
پس حواج خود را سوال مینماید **مؤلف** گوید که سید بن طاووس **مؤلف** در مصباح و علامه حلی در منهاج الصادق

ملک زد

وكفيعي وجنته الامان اسيد غارا اذا عتير شب اول ايماء نفل منوره اندود رهيبك ازان كشت
مد كور نيت كرا بايد از غا بعدان نماز خفتن خوانده شود و همچنين شيخ طوسي در صباح نيز
چنين نفل منوره و در اكثر نسخ اين خصوصيت مذكور نيست بلي در بعضي از نسخ مصباح مذكور
است كه بايد بعد از نماز خفتن خوانده شود و در غايب اين معني اول است **هفتم** ايضا سيد بن
قدس الله روحه در كتاب سابقا ذكرنا مختصرا ذكرنا بسخن نفل منوره كه در شب و ايامه و جبهه و ركعت
نماز ميگذاري هر دو ركعت بسلام و در هر ركعتي حمد كنوي و سوره قل هو الله احد صدق سبحان
پر مقام الله عز وجل ان استغفرتك لما ثبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرتك
منه ^{ميكوي}
لما اعطيتك من نعمتي ثم لم اذ لك به واستغفرتك لما اردت به وجهك
الكريم وخالطه ما ليس لك واستغفرتك للذنوب التي قويت عليها
بينعمتك وسرتك واستغفرتك للذنوب التي بارزتك بها دون خليفك
واستغفرتك لكل ذنب اذنته ولكل سوء عملك واستغفر الله
الذي لا اله الا هو الحي القيوم ذو الجلال والاکرام غافر الذنب و
قابل التوب استغفار من لا يملك لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا حيوة
ولا نشورا الا ما شاء الله ^{بنيكوي} سبحانك بما تعلم ولا اعلم و سبحانك
بما تتبعه احكامك ولا تبلغه و سبحانك بما انت مستحقة ولا يبلغه
الحيوان من خليفك و سبحانك بالتبهيح الذي يوجب عقوقك و رضاك
و سبحانك بالتبهيح الذي لم تطيع عليه احدا من خليفك و سبحانك ^{بنيكوي}

خليفة

في خليفك كله و لو علمتني اكثر من هذا لقلت اللهم لا خراب على ما علمت
ولا فقر على ما اغنتك ولا خوف على ما امنت و انا بين يديك و انت عالم الخافي
فاضيها يا ارحم الراحمين اللهم لا ارفع السماء في الهواء و لا ابر الارض على
الماء و منبت الخضر و بلا ابري صل على محمد و على آل محمد و افضل به ما انت
اهله و لا تفعل به ما انا اهله يا ارحم الراحمين اللهم اني عبدك ابن عبدك
ناصيتي بيدك ما ضرتني حكمك عدلني فضأوك اسألك بكل اسم هو لك
سميت به نفسك او انزلته في كتابك او علمته احدا من خلقك ان
تجسد القرآن و يبع قلبي و جلاء حزني و ذهاب همي و عني اللهم رحمتك
ارجو يا الله يا رحمن يا ذا الجلال والاکرام اللهم خفف الاصوات لك
وضلنا لا خلاصك و ضاقت الاشياء دونك و ملا كل شئ نومرك
و جعل كل شئ منك و هر ب كل شئ اليك و توكل كل شئ عليك
انت الرقيب في جلالك و انت البهي في جمالك و انت العظيم في قدرتك و انت
الذي يؤدك شئ و انت العلي العظيم يا قاضي حاجتي و يا مفرج كربتي و
يا ولي نعمتي اعطني مسألتي لا اله الا انت اصبحت و امنت على عهدك

وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ اَعُوذُ بِكَ مِنْ سَيِّئَاتِ اَعْمَالِي وَاسْتَغْفِرُكَ مِنَ الذُّنُوبِ
 الَّتِي لَا يَعْرِفُهَا غَيْرُكَ فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مَنْ هُوَ
 فِي عُلُوِّهِ دَانٍ وَفِي ذُنُوبِهِ عَالٍ وَبِهِ اَشْرَافُهُ مُبِينٌ وَبِهِ سُلْطَانُهُ عَزِيزٌ يَا اَنْبِيَّ بَرِيذِي
 مِنْ عِنْدِكَ لَا تَجْعَلْ لِاحِدٍ عَلَيَّ فِيهِ مِتَّةٌ وَلَا لَكَ فِي الْآخِرَةِ عَلَيَّ تَبِعَةٌ اِنَّكَ اَرْحَمُ
 الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ وَالْهُدْمِ وَالرُّذْمِ وَانْ
 اُقْتُلَنِيْ سَبِيْلَكَ مُدْبِرًا اَوْ اَمُوْتُ لَدَيْكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ يَا نَكَّ مَلِيْكَ
 وَاَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرٌ وَمَا نَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُوْنُ اَنْ تَصَلِيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنِّيْ وَتَكْتَفِيْ ضُرِّيْ وَتُسَبِّحَنِيْ اَمْنِيَّتِيْ وَتُسَهِّلَ لِيْ حَبِيْتِيْ وَ
 تُبَيِّتَ لِيْ اِمْرًا دَنِيًّا وَتُوَصِّلَنِيْ اِلَى بَعِيْتِيْ سَرِيْعًا عَاجِلًا وَتَجْمَعُ لِيْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ
 الْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَكُوْنِيْ عَبْدًا زَانِدًا وَرَشِيًّا زَانِدًا يَا اِيْمَانُ هَلْ
 مَرِيْبُهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ مَوْلَى كُوْبَدِ كَمَا نَزَدَ دَعَا
 بطريقه كه مذکور شد مخصوص است اول استودر سار شهباه از مرسته لا اله الا الله را
 بدون نماز و دعا بايد خواند و در اعمال هرب ايمان اشاره بان شد هشتم شيخ طوسي و
 سيد بن طاووس طاب ثراهما سبب معتبر از علي بن حديد روايت کرده اند كه حضرت موسي عليه السلام
 صلوات الله عليه را بعد از فراغ از نماز شب بسجده مبرهنه و از دعا در سجده ميخواند
 لَكَ الْحَمْدُ اِنْ اَطَعْتُكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ اِنْ اَعْصَيْتُكَ لَا صُنْعَ لِيْ وَلَا لِقَرِيْبِيْ فِي
 اِحْسَانِ اِلَآئِكَ يَا كَاثِرٌ قَبْلَكَ كُلِّ شَيْءٍ وَايَا مُكُوْنِ كُلِّ شَيْءٍ اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

عشيتي

كاشانه

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدْلِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَمِنْ سَيِّرِ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ وَمِنْ
 السَّامَةِ يَوْمَ الْاَزْفَةِ فَاسْأَلُكَ اَنْ تَصَلِيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَاَلِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ عَيْنِي
 عَيْشَةً نَقِيَّةً وَمَيْمَنِيْ مَيْتَةً سَوِيَّةً وَمُنْقَلَبِيْ مُنْقَلَبًا كَرِيْمًا غَيْرَ مُجْرِمٍ وَلَا فَاسِقٍ
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَاَلِهِ الْاَتْمَّةَ سَابِعِ الْحِكْمَةِ وَاوَّلِي التَّعْمِرِ وَمَعَارِنِ
 الْعِصْمَةِ وَاغْوَمْنِيْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلَا تَاخُذْ بِيْ عَلَيَّ عِزَّةً وَلَا عَفْوَ لِيْ
 وَلَا تَجْعَلَ عَوَاقِبَ اَعْمَالِي خُسْرًا وَاَرْضْ عَنِّيْ فَاِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ وَاَنَا
 مِنَ الظَّالِمِينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا لَا يَضُرُّكَ وَاَعْطِنِيْ مَا لَا يَنْفُصُكَ
 فَاِنَّكَ الْوَسِيْعُ رَحْمَتُهُ الْبَدِيْعُ حِكْمَتُهُ وَاَعْطِنِيْ السَّعَةَ وَالدَّعَةَ وَ
 الْاَمْنَ وَالصِّحَّةَ وَالجُوعَ وَالتَّقْوَى وَ الشُّكْرَ وَ الْمَغَافَةَ وَ التَّقْوَى وَ
 الصَّبْرَ وَ الصَّدَقَ عَلَيْكَ وَ عَطَا وَاِيْلَآئِكَ وَ الْبُسْرَ وَ الشُّكْرَ وَاغْنِنِيْ بِذَلِكَ
 يَا رَبِّ اَهْلِيْ وَ وَاَلِدِيْ وَ اَخُوَانِيْ مِنْكَ وَ مَنْ اَحْبَبْتُ وَ اَحْبَبْتَنِيْ وَ وَاَلِدْتِيْ وَ وَاَلِدِيْ
 مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُؤْمِنِيْنَ يَا رَبِّ الْعَالَمِيْنَ بِرَبِّتِيْ يا زانبا اشبه نعل بنوده نه
 كه او گفته كه چون هشت ركعت نماز شب
 كذا دري و دعائي كه سابق كندش خواندي بر سر ركعت الحمد لله الذي لا يفتخر احد
 نماز شفع و نور بكذار و چون سلام بكوي فبشاه از دعا بخوان
 و لا يخاف امته رب ان اذ تكلمت المناسي فذللك تفتت مني كرمك اناك تغسل

عشيتي

والتوفيات
والمسلمات

التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادَتِكَ وَتَعَمُّوْا عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَتَعْفُرُوا لَهُمْ فَإِنَّكَ مُجِيبٌ لِدَاعِيكَ وَ
مِنْهُ قَرِيبٌ فَأَنَا نَائِبُكَ الْيَتِيمُ مِنَ الْخَطَايَا وَالرَّغِيبُ إِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ حَظِي مِنَ الْعَطَايَا
يَا خَالِقَ الْبَرِّيَا يَا مُغْفِرِي مَنْ كُلِّ شَيْءٍ يَا مُجْرِي مَنْ كُلِّ مَخْذُورٍ وَمَنْزِي
عَلَى الشُّرُورِ وَكَفِي شَرِّ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ فَإِنَّكَ اللَّهُ عَلَى نَعْمَائِكَ وَ

و در اینها
تسلی است
رسیده است
فانت

خَيْرُ عِبَادِكَ مَشْكُورٌ وَ لِكُلِّ خَيْرٍ مَدِينَةٌ خَيْرٌ مُؤَلَّفٌ كَوَيْدِكَ مَا نَزَبَ كَمَا هِيَ بَرَهَتْ
رکعت و کما می برآزده رکعت که بصمیمه
بنا بر این
نماز است و در تراش و کما می برآزده رکعت که بنا فلان نماز است اطلاق می شود و آنچه در اول حدیث مذکور
است که بعد از نماز شب باید خوانده شود مراد معنی اول است چنانچه از ششم تصریح آن نموده است
و ظاهر عبارت شیخ و ستیلاست که دعای آخر در روایت علی بن حمده مذکور نباشد و ممکن است که از
روایتی که بنظر شیخ و ستیلا رسیده سابقه شده باشد و این است در همان روایت یا روایت دیگر که در
دیدگاه باشد و الله تعالى اعلم **نهم** ایضا شیخ و ستیلا طاب ثراه از حضرت امام علی بن سلیمان روایت کرده
علیه روایت کرده اند که آنحضرت در این ساعت یعنی بعد از فراغ از نماز و تراش دعا را می خوانند
يَا نُورَ التَّوْبَةِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يَا مُجْرِي الْجُورِ يَا عَابِدَ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا كَهْفِي حِينَ تَعْيِينِي

الْمَذَاهِبِ وَ كَنْزِي حِينَ تَجْرِيفِ الْمَكْسِبِ وَ مُؤْنِسِي حِينَ تَجْفُو فِي الْأَبْعَدِ
وَ تُمَلِّئِي الْأَقَارِبِ وَ مُتَسِّنِّهِمْ بِمَجَالِسَةِ أَوْلِيَائِهِ وَ مُرَافِقَةِ أَحِبَّائِهِ فِي دِيَارِ صِهْرِ
وَ سَافِرِي مُؤَاسِسِيهِ مِنْ تَمِيرِ حِيَاطِهِ وَ مَرَاغِي مَجَاوِرِيهِ مِنْ وَرَاطَةِ الدُّنُوبِ إِلَى
رَبْوَةِ الْقَرِيبِ وَ مُبَدِّلِي بَوْلَائِيهِ عِرَّةَ الْعَطَايَا مِنْ ذَلَّةِ الْخَطَايَا يَا سَأَلَكَ يَا
مَوْلَايَ بِالْفَجْرِ وَاللَّيْلِ الْعَشِيرِ وَ الشَّمْعِ وَ النُّورِ وَ اللَّيْلِ إِذَا تَسَرَّ وَ بِمَا جَرَى بِهِ

قَلَمِ الْأَفْلَامِ بِقَبْرِكَ وَلَا إِنهَاءٍ وَ بِأَسْمَائِكَ الْعِظَامِ وَ بِحُجَّاتِكَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنَامِ
عَلَيْهِمْ مِنْكَ أَفْضَلُ السَّلَامِ وَ بِمَا اسْتَحْفَظْتَهُمْ مِنْ أَسْمَائِكَ الْكِرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَيْهِمْ وَ تَرَحَّمْنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَ مَا تَعْبُدُهُ مِنَ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ وَأَنْ تُبَلِّغَنَا
شَهْرَ الصِّيَامِ مِنْ غَايِنَا هَذَا وَ فِي كُلِّ غَايِنَا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ

الْمِنَنِ الْجَامِرِ وَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مِنْ أَفْضَلِ السَّلَامِ **نهم** كَوَيْدِكَ كَمَا هِيَ بَرَهَتْ
ابن عماد و علامان
هر شب باشد و اخضا صریح است اول نداشته باشد بلکه ممکن است که علامان بن مخصوص یا یا
نیوده باشد لیکن شیخ هر دو عمل را در نفل اعمال شب اول نفل نموده و ستیلا عبارات او چنین فرموده
که مخصوص شب اول است و در عبارات لفظی که منافی این معنی نبوده باشد مذکور نیست لهذا این روایت
از جمله اعمال هر شب است یا مذکور است ختم و الله تعالى اعلم **نهم** بعضی از علماء زیارت حضرت زینب
حسین صلوات الله علیها در این شب نفل نموده اند چنانچه در روز آن وارد شده و گفته اند
در جنه الامان زیارت مخصوصی برای شب اول در روز اول نفل نموده چنانچه بعد از این
مذکور خواهیم نمود و حدیثی روایتی در این باب بنظر نمی رسد لیکن بمقتضای اخبار بسیار
که زیارت آن بزرگوار در اوقات متبرکه فضیلت بسیار دارد و این شبها زیارتی متبرکه است
پس اگر کسی توفیق حضور مشرفیت آنحضرت را در یابد زیارت مطلقه که در کتب
مذکور است یا زیارت روز اول اینها که بعد از این مذکور میشود یا زیارت جامع که در
خصوص ماه رجب واقع شده و در عمل تمام از باب چهارم مذکور شد زیارت نماید و اگر
دور باشد سبکی از زیارت بعیده که وارد شده زیارت نماید و این حدیثی که زیارت بعیده را
در ممالک و وسیله الخاذه ذکر نموده ام و در این کتاب مذکور کی از آنها که مخصوص معین است کفنا
سینام بسند های معتبر از سدیر صراف منقول است که گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که چه مانع است ترا از آنکه زیارت کنی قبر حضرت امام حسین را در هر هفته پنجشنبه یا در
هر روز یکشنبه گفتند فدای تو شوم میاز من و آنحضرت فرماید بسیار هست فرمود که یا امیروی یا
خدا تر بخود پس بمانعت می شوی بجان راست و جان چپ خود پس سر خود را بجان ستم بلند
میکنی و در بجان قبر آنحضرت میکنی و میگوئی اللهم علیک یا ابا عبد الله اللهم علیک

مُحَمَّدٍ وَالرَّسُولِ وَالطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِرِسْمِ سَهَابٍ

خود را طلب کن که حق تعالی بر آورد از او میان تو و جهنم هفت خند و که عرض هر خند یک بعد از نماز
اسمان و زمین نباشد و بنویسد برای تو تا بیست هزار رکعت و بنویسد بجهت تو برایش هر رکعتی از
آنست که بچشم و کدشتن از صراط گفت سلمان که چون این حدیث را از حضرت رسول هم شنیدم
بر روی او افتادم و خدا را سجده کردم و با کبریا و عزتاری شکر آلهی تعالی آوردم **مؤلف** گوید که سید جلیل
این حدیث را قریباً صد مرتبه در روح این نماز را در بعضی از روایات خود کرده و نقل او متضمن چند اصل
که تفسیر آنها ضمیمه است **اول** آنکه لفظ اول و وسط و آخر از بر عرش وسط و عرش آخر جل نموده اند و
علمای هر دو قول و هر دو وسط و در آخر جمله نموده اند و این معنی ظاهره احوط است بلکه احوط آنست که
ده رکعت آخر در روز عید و نهم ماه رجب که شود و اگر تمام نباشد در روز عید نیز که میشود
تا هر قدر بر علی بن حدیث شده باشد **دو** آنست که در روایتی مذکور است که سوره توحید
مقدم دارد و بعضی گفته اند که سوره توحید مقدم دارد زیرا که در روایات وارد است که سوره
توحید در صلوات مؤخر باشد که آن متصل بقنوت باشد و در ترتیب قرآنی نیز مجتهد
است و بگفتن این حدیث بقدم سوره توحید بر سجده در نماز متعین است زیرا که منافع لفظ
حدیث از نماز است و در حدیث چنانچه اکثر علمای ما اند شیخ طوسی و ابن مطا و سواد بن ابی ریحان
علیهم السلام و دیگران ضبط نموده اند سوره توحید بر سجده منتهی است چنانچه مذکور بودیم و غیر
این روایت را روایت دیگر در باب در کتب علمای نظر نمیداد آنچه سید گفته که در روایات وارد
است که سوره توحید را در صلوات مؤخر باید خواند نیز در محل اشکال است و ممکن است که
ماخذ کلام سید این باشد که این با بوبره در کتابین لا یخیر الفقیه گفته که افضل آنست که
در نمازهای شبانه روزی در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم توحید خواند شود
مگر در نماز عشاء شب جمعه زیرا که انا انزلناه سوره رسول خداست و اهل بیت او علیهم السلام
و چون مصطفی بوساطت آن بر کون متوکل معرفتی حق تعالی شده است در رکعت اول
نماز نیز ایشان را وسیله تسبیحی حق تعالی نماید و سوره توحید چون دعای در عقب آن
سجده است در رکعت دوم بخواند و بعد از آن قنوت نماز بخواند تا هر غایتی که در
قنوت بخواند مستجاب شود و صاحب کتاب مدارک الاحکام قدس الله روحه گفته که
مؤید قول ابن ابی عمیر است این حدیث شریف که محمد بن یعقوب کلینی از علی بن راشد روایت
کرده است که عرض کردیم بنده حضرت ابی الحسن **ع** که فدای تو شوم تو نوشتی سوره توحید
فرج که افضل در نمازهای واجبی سوره انا انزلناه و قل هو الله احد است و من ذل

ی شوم بقرآنش این دو سوره در نماز صبح پس حضرت فرمود که دلشکستو که والله که حضرت
در این دو سوره است و مخفی نماید که قول صدوق و این حدیث شریف مخصوص نمازهای واجب
شبانه روزی است بلکه در هر نمازهای شبانه روزی نیز بخاری بنیث زیرا که روایات بسیار وارد
شده است که سوره طولانی در بعضی از صلوات و متوسطه در بعضی و قصیره در بعضی است
بعضی از اوقات مخصوصه سوره مخصوصه نیز وارد شده است و تفصیل از معنی هر یک بقدر امکان
و الجمله قول صدوق و این حدیث شریف اگر بر عموم باقی نباشد مخالف مشهور میان علماء و احادیث است
و لهذا بعضی از متأخرین اخباری که کما هو در نمازهای واجبی سوره قدره توحید میخوانند سوره
را مقدم میدانند و علی بن ابی طالب در نمازهای نافله متابع کعبی که در روایات آنها وارد است
متعین و لازم است و آنچه سید در آخر گفته که در ترتیب قرآنی سوره توحید مقدم است نیز دلالت ندارد
بر آنکه در این نماز در روایت سوره توحید مقدم است که در سوره توحید مقدم خوانده شود
حدیث بعینش باید با آنکه ترتیب قرآنی ترتیبی است که حضرت رسانانتم با حضرت امیرالمؤمنین **ع**
باشند بلکه عمر علی **ع** قرآن مجید را با این نحو ترتیب داد و تفصیل از معنی آن کتب احادیث
می شود و الله تعالی تعلم **سیتم** ایضا سید گفته که در بعضی از روایات چنان است که بعد از
دست را برداشته دعا را بخواند زیرا که مجموع بمنزله یک نماز است و توحید استی که روایت دیگر در
این نماز بنظر می رسد علی و لفظ این روایت این دو احتمال میدهد و احتمال آخر اظهر و معموله اکثر
و الله تعالی علم **حاجز** سید بن طاووس در کتاب قبایل از سلمان فارسی روایت کرده است که
رسول خدا **ص** بمن فرمود که ای مسلمان ایام میخوانی تعلیم نماز کنی از کجای عریب را گفت علی **ع**
فرمود که چون روز اول ماه رجب داخل شود ده رکعت نماز کن هر دو رکعت سیکلیم در هر
صد از حد سوره قل هو الله احد سه نوبت بدرستی که چون این نماز را بخوانی آویری حق تعالی بسیار
جمیع گناهان ترا از روزی که فلم تکلیف بر تو جاری شده تا اینست و نگاه دارد ترا از آفت روزی
روز قیامت و صرف شود از روز جزا خود و پس فرمود **ع** ان الحی **مؤلف** گوید که آنچه در این حدیث
وارد شده است از آنست که همان از روز تکلیف تا اینست حضور مرد و تکلیف است اول
بنیث بلکه مراد اول زمان تکلیف تا وقت کردن نماز است و در میان عربی است که لفظ یوم
را بر مطلق زمان اطلاق میکنند و ممکن است که مراد از شب بعد از این روز باشد یعنی یک شب
نماز را سه نوبت یک نماز این روز تا شب بعد و الله تعالی علم **حجرت** ایضا سید در کتاب سید گوید که
که در دست بعضی از اصحاب کتابی ترک نماز عبادت دیدم که در آن کتاب حساب مقدم بر رسول
ص روایت نموده که در روز اول ماه رجب چهار رکعت نماز میکنی سیکلیم در هر رکعت اول
حد سوره قل هو الله احد سه مرتبه و الحکم الشکا تر یکشنبه و در هر رکعت چهار نوبت نماز را

در روایتی که در کتاب قبایل از سلمان فارسی روایت کرده است که رسول خدا ص بمن فرمود که ای مسلمان ایام میخوانی تعلیم نماز کنی از کجای عریب را گفت علی ع فرمود که چون روز اول ماه رجب داخل شود ده رکعت نماز کن هر دو رکعت سیکلیم در هر صد از حد سوره قل هو الله احد سه نوبت بدرستی که چون این نماز را بخوانی آویری حق تعالی بسیار جمیع گناهان ترا از روزی که فلم تکلیف بر تو جاری شده تا اینست و نگاه دارد ترا از آفت روزی روز قیامت و صرف شود از روز جزا خود و پس فرمود ع ان الحی مؤلف گوید که آنچه در این حدیث وارد شده است از آنست که همان از روز تکلیف تا اینست حضور مرد و تکلیف است اول بنیث بلکه مراد اول زمان تکلیف تا وقت کردن نماز است و در میان عربی است که لفظ یوم را بر مطلق زمان اطلاق میکنند و ممکن است که مراد از شب بعد از این روز باشد یعنی یک شب نماز را سه نوبت یک نماز این روز تا شب بعد و الله تعالی علم حجرت ایضا سید در کتاب سید گوید که که در دست بعضی از اصحاب کتابی ترک نماز عبادت دیدم که در آن کتاب حساب مقدم بر رسول ص روایت نموده که در روز اول ماه رجب چهار رکعت نماز میکنی سیکلیم در هر رکعت اول حد سوره قل هو الله احد سه مرتبه و الحکم الشکا تر یکشنبه و در هر رکعت چهار نوبت نماز را

شُكْرَكَ عَلَى مَوَاهِبِكَ وَاهْدِنَا لِلْهُتَمِ بِهَذَاكَ إِلَى سَبِيلِكَ الْمُقْتَبِ
وَصِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَمْلِكْ زَمَانِي الشَّهَوَاتِ فَتَحْمِلُنِي عَلَى طَرَفِهَا
الْمَحْدُورِينَ وَخُلْدِي بَيْنَ الْمُنْكَرَاتِ وَاجْعَلْ لِي عِلْمًا نَافِعًا وَاعْرِضْ
بِعَنْ قَلْبِي حُبَّ الْمَعْرُوفِ وَلَا تَأْخُذْ بِنِقْمَةِ مَنْ سَبَّ عَلَى إِيْتِكَ أَنْتَ التَّوَابُ
الرَّحِيمُ وَعَرِّفْنِي بِرُكَّةِ هَذَا الشَّهْرِ وَمِيمَنَهُ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَاصْرِفْ
عَنْ شَرِّهِ وَقِنِّي الْمَحْدُورَ فِيهِ وَأَعِنِّي عَلَى مَا أَحْبَبْتَهُ مِنَ الْفِيَا بِحَقِّهِ
وَمَعْرِفَةِ فَضْلِهِ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
إِنِّي اسْتَلَيْتُ بِاسْمِكَ الْمُتَعَلِّقَ بِالسَّيْرِ ~~وَبِاسْمِكَ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ~~
وَبِاسْمِكَ الْعَزِيزِ الْأَعْلَى وَبِاسْمَائِكَ الْحُسْنَى كُلِّهَا يَا مَنْ خَصَّكَ لَهُ
الْأَصْوَاتُ وَخَصَّكَ لَهُ الرِّقَابُ وَذَلَّتْ لَهُ الْأَعْنَافُ وَوَجِلَتْ
مِنْهُ الْقُلُوبُ وَدَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَفَامَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ
أَشْهَدُ أَنَّكَ لَا تُدْرِكُكَ الْأَبْصَارُ وَأَنَّكَ تُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَأَنَّ
الْطَّيْفَ الْخَبِيرَ يَأْتِيكَ بِجَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ
الْمُقَرَّبِينَ وَالْكَرَامِيِّينَ وَالْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَجِّدِينَ

بِسْمِ اللَّهِ

بِحَدِّكَ وَرَبِّ أَدَمَ وَشِيثَ وَإِدْرِيسَ وَنُوحَ وَهُودَ وَصَالِحَ وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
وَالْحُخَّيَّ وَلُوطَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَالْأَسْبَاطَ وَالْيُتُبَ وَمُوسَى وَهَارُونَ
وَشُعَيْبَ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَآزْمِيَا وَعِزْرِيَّ وَحَرْقِيَا وَشُعَيْبًا وَإِلْيَاسَ
الْيَسَعَ وَيُونُسَ وَذِي الْكُفَيْدِ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَجُرْجِينِ وَنَحْمَدُكَ صَلَّى اللَّهُ
وَجُرْمِيلَةَ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَعَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ وَجَمِيعِ
الْمَلَائِكَةِ الْمُسَجِّدِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا أَنْتَ رَبُّنَا الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ الظَّاهِرُ
الْبَاطِنُ الَّذِي خَلَقْتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مُجِيدٌ
بِاسْمَائِكَ الْحُسْنَى سُبْحَانِي وَتَعْبِيدِي وَتُعْنِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يُطَلِّبُهُ حَيْثُ
وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنَّجْمُ وَالنُّجُومُ وَالنُّجُومُ وَالنُّجُومُ وَالنُّجُومُ
بِأَمْرِكَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ
تَدْبِعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَالْجَلَالَ وَالْإِكْرَامِ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا
لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَعَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَفْعَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جُنُنَا بِمِثْلِهِ
مَدَّةَ النَّعْمِ مِثَابِيذَ الْجِبَالِ وَمَكَابِدَ الْجِبَارِ وَعَدَدَ الرِّمَالِ وَقَطْرَ
الْأَمْطَارِ وَوَرَفَ الْأَشْجَارِ وَنُجُومِ السَّمَاوِ وَمَا أَظْلَمَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَأَشْرَفَ

عَلَيْهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَمَا بَيْنَهُمَا يَوْمَ لَا يَمْلِكُ لِلشُّرُكَةِ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْغَالِبُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُمَّ
الْمُخْرَجِينَ مِنَ الْأَرْضِ وَمَنْ فِيهَا وَمَنْ فِيهَا وَمَنْ فِيهَا وَمَنْ فِيهَا وَمَنْ فِيهَا
وَنُورٌ عَلَى نُورٍ وَنُورٌ قَوْفٌ كُلُّ نُورٍ وَنُورٌ مَعَ كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ لَمْ يَكُنْ
نُورٌ مِنْكَ يَا رَبَّ النُّورِ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ النُّورُ وَنُورِكَ الَّذِي نُضِيءُ بِهِ
كُلُّ ظُلْمَةٍ وَنُورٌ بِكَ يَكِيدُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَتُنزِلُ بِهِ كُلَّ
جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَلَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِكَ وَتَبْصُرُ عِظَمَهُ
الْبُرِّ وَالْبِحْرِ وَتَسْقِطُ الْمَلَائِكَةُ حِينَ يَتَكَلَّمُ بِهِ وَتُرْعَدُ مِنْ حَشِيئَتِهِ
حَمَلَةُ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ إِلَى نُحُومِ الْأَرْضِينَ السَّابِعَةِ الَّذِي أَنْفَلَقَتْ
بِهِ الْجِبَالُ وَجَرَتْ بِهِ الْأَنْهَارُ وَتَفَجَّرَتْ بِهِ الْعُيُونُ وَسَارَتْ بِهِ الْجُودُ
وَأَرَكُمُ بِهِ السَّحَابُ وَالْجُرَى وَأَعْتَدَ لَهُ الصِّيَابُ وَهَالَتْ
بِهِ الرِّمَالُ وَرَمَتْ بِهِ الْجِبَالُ وَأَسْقَرَتْ بِهِ الْأَرْضُونَ وَنَزَلَتْ
بِهِ الْقَطْرُ وَخَرَجَ بِهِ الْحَبُّ وَتَفَرَّقَتْ بِهِ حَبَلَاتُ الْخَلْقِ وَخَفَّتْ بِهِ
الرِّبَاحُ وَانْتَشَرَتْ وَتَسْتَفْتُ بِهِ الْأَرْوَاحُ يَا اللَّهُ أَنْتَ الْمُسْتَفْتَى بِالْإِلهِيَّةِ

السبع

باسمك

بِاسْمِكَ الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي عَمَّتْ لَهُ الْوُجُوهُ إِذَا الطَّوَلِ وَ
الْأَلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا قَرِيبُ أَنْتَ الْغَالِبُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُمَّ
بِحَبِيبِكَ اسْمًا كَلِمًا مَا عَلِمْتَ مِنْهَا وَمَا لَمْ يَعْلَمْ وَيَكِلُ اسْمُ هُوَاكَ
أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَمَرَّجَمْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحَّمْتَ عَلَى
إِبْرَاهِيمَ وَإِلِيزَابِيثِ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ
وَالرِّفْعَةَ وَالْفَضِيلَةَ عَلَى خَلْقِكَ وَاجْعَلْهُ فِي الْمُصْطَفَيْنِ حَبِيبِي وَسَيِّدِي
الْعَالَمِينَ وَرَحِمْتَهُ وَرَبِّي الْمَقَرَّبِينَ مَنْزِلَتَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ
وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَالْأَقْبَاتِ بَيْنَ قُلُوبِنَا وَ
قُلُوبِهِمْ عَلَى خَيْرِ مَا صَلَّيْتَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ أَصْلَ مَا جَرَيْتَ بَيْنَنَا
عَنْ أُمَّتِهِ كَمَا نَلَأْنَا أَيْمَانَنَا وَبَلَّغْ مَا أَرْسَلْتَهُ وَنَصَحْ لِأُمَّتِهِ وَعَبْدِكَ حَتَّى آتَانَا الْيَقِينَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ بِسْمِكِ يَا بَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ بَارَكَ اللَّهُ
أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ بَارَكَ الَّذِي نَزَلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا
الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ دِينًا وَكَلِمًا لَكُمْ يَكُونُ لَكُمْ سُبْحَانَكَ فِي الْمَلَكِ وَالْخَلْقِ

كُلُّ شَيْءٍ فَتَدْرَهُ تَقْدِيرًا تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ حَبَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ ضُورًا تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَاللَّهِ يُرْجِعُونَ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي
الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ تَبَارَكَ الَّذِي يَبْدَأُ الْمُلْكَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْعَلِيمُ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِدْرًا جَاوِثًا وَثَمَرًا مُنِيرًا
وَمِكْوَاتٍ يَأْعُودُ بِكَلِمَاتٍ اللَّهُ كَلِمَاتُهَا الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ سَبْرٌ وَلَا فَاخِرٌ مِنْ شَرِّ الْمَلِكِينَ فِي
جُنُودِهِ وَمِنْ شَرِّ كَلِّ شَيْطَانٍ وَسُلْطَانٍ وَسَاحِرٍ وَكَاهِنٍ وَشَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَدِينِي وَسَمْعِي وَبَصِيرَتِي وَجَبَدِي وَجَمِيعَ جَوَارِحِي
وَأَهْلِي وَمَالِي وَأَوْلَادِي وَجَمِيعَ مَنْ لِعَيْنِي أَمْرُهُ وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَسَائِرَ مَا
مَلَكَتْ يَدِي وَخَوَّلْتَنِي وَمَرَرْتَنِي وَأَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
يَا خَيْرَ مُسْتَوْدِعٍ وَيَا خَيْرَ حَافِظٍ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي يَا رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ

وَمِنْ مِهْنٍ وَتَجْرِي الْبِحَارُ وَذَارِقٌ مِنْ فِيهِمْ وَفَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَأَطْبَاقَهَا وَ
سَخَّرَ السَّحَابَ وَتَجْرِي الْفُكُكُ وَجَاعِلَ الشَّمْسِ ضِيَاءً وَالْقَمَرِ نُورًا وَخَالِقَ
أَدَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمُنشِئِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ
مُعَلِّمِ آدَمَ عِدَّةَ النَّجْمِ وَالْحَبَابِ وَالسِّبِينَ وَالشُّهُورِ مُكَلِّمِ مُوسَى وَ
جَاعِلِ عَصَاهُ ثُعْبَانًا وَمُنزِلِ التَّوْرَةِ فِي الْأَلْوَابِ عَلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَجْرِي
الْفَلَائِحُ نُوحٍ وَقَادِي سَمْعِيلَ مِنَ الذَّبْحِ وَالْمَسْئَلِي يَعْتُوبَ بِعَقْدِ يُوسُفَ وَرَادَ
يُوسُفَ عَلَيْهِ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْبُكَاءِ فَفَرَّجَ قَلْبَهُ مِنَ الْحَزَنِ
وَالشَّجَاوِ ذَارِقَ جَعْفَرِي زَكِيًّا عَلَى الْكَبِيرِ لَعْدَ الْأَيَّاسِ وَمُخْرِجَ النَّاقَةَ لِطَالِطِ
وَمُرْسِلَ الصَّيْحَةِ عَلَى مَكِيدِي هُوْدٍ وَكَاشِفَ الْبَلَاءِ عَنِ أَيُّوبَ وَمُنجِي
لُوطٍ مِنَ الْعُورِ الْفَاحِشِينَ وَوَاهِبَ الْحِكْمَةَ لِلْعِثْمَانَ وَمَلْفِي رُوحَ الْقُدُسِ
بِكَلِمَاتِهِ عَلَى مَرْيَمَ وَخَلَقَ مِنْهَا عِيسَى عَبْدَكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْمُسْتَقِيمَ
مِنْ قَتْلَةِ جَعْفَرِي زَكِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَسْأَلُكَ بِرَفْعِكَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ
إِلَى سَمَاوَاتِكَ وَبِإِنْعَامِكَ لَهْ إِلَى أَنْ تُنْقِصَ لَهْ مِنْ عَدَائِكَ وَيَأْمُرَ لِي مُحَمَّدًا
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَاتَمَ أَنْبِيَاءِكَ إِلَى أَشْرَ عِبَادِكَ بِشَرِيعَتِكَ

ومن مهن

وَإِظْهَارِكَ دِينَهُ وَالْحَسَنَةَ وَدِينِكَ الْفَيْضَ وَمِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ تَحْلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَأَظْهَارِ دِينِهِ
وَإِعْلَانِكَ كَلِمَتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا مَنْ لَا تَأْخُذُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ
يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا عَزِيزُ يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ يَا ذَا الْقُوَّةِ وَالسُّلْطَانِ وَالْمَجْرُوبِ
وَالكَبِيرِ يَا عَلِيُّ يَا قَدِيرُ يَا قَرِيبُ يَا حَبِيبُ يَا حَلِيمُ يَا مُجِيدُ يَا مُتَدَانِي يَا بَعِيدُ
يَا ذُو الْوَقْتِ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَفْوُ يَا ذَا الصَّفْحِ يَا مُعِيفُ يَا مُطْعِمُ يَا شَافِي يَا
كَافِي يَا كَاسِي يَا مُعَالِي يَا شَافِي الضَّرِّ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا ذُو الْوَدُودِ يَا عَفْوُ يَا رَحِيمُ
يَا رَحْمَنُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا ذَا الْمَعَارِجِ يَا ذَا الْقُدْسِ يَا خَالِقُ يَا عَلِيمُ يَا مُفْرَجُ
يَا أَوَّلُ يَا ذَا الطُّوْلِ يَا خَيْرُ يَا مَنْ خَلَقَ وَلَمْ يَخْلُقْ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
يَا مَنْ بَانَ مِنَ الْأَشْيَاءِ وَبَانَتْ الْأَشْيَاءُ مِنْهُ تَهْمَرُ لَهَا وَخُضُوعَهَا
يَا مَنْ خَلَقَ الْجِبَادَ وَالْجَبْرِيَّ الْأَنْهَارَ وَأَنْبَتَ الْأَشْجَارَ وَأَخْرَجَ مِنْهَا النَّارَ
مِنْ بَابِ الْأَرْضَيْنِ الشَّبَابِ وَالْأَعْنَابِ وَسَايَرَ الثَّمَارِ يَا قَالِقُ الْبَحْرِ الْعَبِيدُ مَوْ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمُصَكِّلُهُ وَمُعْرِفُ فِرْعَوْنَ وَحَرْبُهُ وَمُهْلِكُ مُرُودٍ وَأَشْيَاعِهِ
وَمُلِكُ الْحَدِيدِ مُخْلِيفُهُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَيِّدُ الْجِبَالِ رَمَعَهُ يُسَجِّنُ
بِالْعُدُوِّ وَالْأَطَارِ وَمُنْتَجِزُ الطَّيْرِ وَالْهَوَاةِ وَالرِّيَّاحِ وَالْجِبْرِ وَالْإِنْسِ الْعَبِيدِ

سَلِيمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي هَمَّتْ لَهُ عَرْشُكَ وَفَرَجَتْ
بِهِ مَلَكُوتَكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ النَّفْسِ وَبَارِي التَّوْبِ وَقَالِقُ
الْحَبَّةِ وَبِاسْمِكَ الْعَزِيزِ الْجَمِيلِ الْكَبِيرِ الْمُعَالِ وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَنْفَخُ بِهِ
عَبْدُكَ وَمَلَكُكَ إِسْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصُّورِ فَيَقُومُ بِهِ أَهْلُ
الْقُبُورِ سِرَاعًا إِلَى الْخَشْرِ يَسْتَلُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمَوَاتِ
مِنْ تَحْتِ عِمَادٍ وَجَعَلْتَ بِهِ الْأَرْضَيْنِ أَوْ نَادَاؤُ بِاسْمِكَ الَّذِي سَطَحْتَ بِهِ
الْأَرْضَيْنِ قُوَّةَ الْمَاءِ الْحَبُوسِ وَبِاسْمِكَ الَّذِي حَبَسْتَ بِهِ ذَلِكَ الْمَاءَ وَبِاسْمِكَ
الَّذِي حَكَمْتَ بِهِ الْأَرْضَيْنِ مِنْ خَشَرَتِهِمْ لِحَمَلِهَا وَجَعَلْتَ لَهُ مِنَ الْقُوَّةِ مَا
مَا اسْتَعَانَ بِهِ عَلَى حَمَلِهَا وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَجْرِي بِهِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَسَائِرُ
الَّذِي سَلَخْتَ بِهِ النَّهَارَ مِنَ اللَّيْلِ وَبِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ أَنْزَلْتَ
أَرْزَاقَ الْعِبَادِ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ وَأَرْضِكَ وَبِحَارِكَ وَسُكَّانِ الْجِبَادِ
الْهُوَامِ وَالْحَيِّ وَالْإِنْسِ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ اخْتِذْنَا صِدْقَهَا وَبِاسْمِكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَ بِهِ لِحَجْمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
جُنَاحًا يَطِيرُ بِهِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ فِي بَطْنِ

حِينِوَأَحْوَاتِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى آلِهِ
 الطَّيِّبِينَ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَيْنِي وَتَكْشِفَ ضُرِّي وَتَسْتَفِيدَ بِي مِنْ مَرْطَبِي
 وَتُخَلِّصَنِي مِنْ مِحْنَتِي وَتَقْضِيَ عَمِّي دُيُونِي وَتُوَدِّيَ عَنِّي أَمَانَتِي وَتَكْتَبَ
 عِدْوَتِي وَلَا تُشْمِتَ بِي حُشَادِي وَلَا تَبْلِيَنِي بِمَا لَاطَأَ قَرْلِي بِهِ وَأَنْ
 تُبَلِّغَنِي أُمَّتِي وَتُسَهِّلَ لِي مَحَبَّتِي وَتَيَسِّرَ لِي إِرَادَتِي وَتُوَصِّلَنِي
 إِلَى بَيْتِي وَتَجْمَعَ لِي خَيْرَ الدَّارَيْنِ وَتَحْرُسَنِي وَكُلَّ مَنْ يَعْينِي
 أَمْرُهُ يَعْينِكَ الْبَيْتَ لَا تَسْأَلُ فِي التَّهَارِ بِإِذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
 وَالْأَسْمَاءِ الْعِظَامِ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ
 أَمْنِكَ وَمِنْ أَوْلِيَاءِ أَهْلِ بَيْتِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ
 الَّذِينَ بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ وَرَحِمْتَهُمْ وَصَلَّيْتَ عَلَيْهِمْ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
 عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَالْإِسْمَاعِيلَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ وَمُجِيدٌ وَطَوْلُكَ أَسْتَلْتُ
 يَا بَاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ
 يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ
 يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ يَا بَاهُ
 عَلَى نَفْسِكَ الْإِخْصَانِ وَأَعْدَائِي وَحُشَادِي وَخَدْلَتَهُمْ وَأَنْقَمْتَ مِنْهُمْ

اعلاني

اعلاني

وَأَظْهَرْتَنِي عَلَيْهِمْ وَكَفَيْتَنِي أَمْرَهُمْ وَنَصَرْتَنِي عَلَيْهِمْ وَحَرَمْتَنِي مِنْهُمْ
 وَوَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَبَلَّغْتَنِي غَايَةَ أَمَلِي إِنَّكَ سَمِيعٌ حَكِيمٌ **مؤلف**
 كويدك
 تا اول اين دعا اگر چه آرزاي نب معصوم داده ليكن در نهايت فصاحت و بلاغت و مشتمل بر مضامير
 عاليه و مخفوي بر مطالب دنيا و آخرت است و باين محبت بايد كه از ائمه عليهم السلام منقول باشد
 شايد اين بهتر است كه حسب المديسور ترك نشود و الله تعالى يعلم **مستم** زيارت حضرت امام
 حسين ع شيخ طوسي و سيد بن طاوس قدس الله روحها و ديكران از حضرت امام جعفر
 صادق ع روايت نموده اند كه هر كه زيارت كند حضرت امام حسين ع را در روز اول و دوم
 حتى تعالى البته او را بيا مرنده **مؤلف** كويدك باين محبت علماء زيارت آنحضرت را در روزها
 بته مينامند **و اما** كيفيت زيارت آنحضرت در اين روزهاين شيخ معنيده طاب ثراه در بعضي
 از كتب و مستيد بن طاوس قدس الله روحه و كتاب مضباح الزاير و اقبال گفته اند كه
 هر كه اراده كني زيارت حضرت امام حسين صلوات الله وسلامه عليه را در روز اول و دوم
 و شب نهم شعبان بر عسل كن و با كبرين جامه هاي خود را بپوش و بر در و صندل و قبله بانيك
 و سلام كن بر رسول خدا ص و حضرت امير المؤمنين و حضرت فاطمه و حضرت امام حسين
 و امام حسين و ساير ائمه عليهم السلام بپوش و بنزد ضريح مبارك بانيك و صد مرتبه الله اكبر
 بگويد اين زيارت **السلام عليك يا ابن رسول الله** **السلام عليك يا ابن حنيفة**
السلام عليك يا ابن سيدة المرسلين **السلام عليك يا ابن**
سيد الوصيين **السلام عليك يا ابا عبد الله** **السلام عليك يا حسين**
بن علي **السلام عليك يا ابن فاطمة** **سيدة نساء العالمين** **السلام عليك**
يا ولي الله **يا ابن وليه** **السلام عليك يا صفيي الله** **يا ابن صفييه** **السلام**
عليك يا حجة الله **يا ابن حجة الله** **السلام عليك يا حبيب الله** **يا ابن حبيب**

حَسْبِي
 يَا رَبِّ حَسْبِي
 يَا رَبِّ حَسْبِي
 يَا رَبِّ حَسْبِي

اَتَلَّمَ عَلَيْكَ يَا سَفِيرَ اللَّهِ وَابْنَ سَفِيرِهِ اَتَلَّمَ عَلَيْكَ يَا خازِنَ الْكُتَابِ
 الْمَسْطُورِ اَتَلَّمَ عَلَيْكَ يَا فَارِثَ التَّوْرَةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالرَّبُّورِ اَتَلَّمَ
 عَلَيْكَ يَا امينَ الرَّحْمَنِ اَتَلَّمَ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ اَتَلَّمَ عَلَيْكَ يَا
 عَمُودَ الدِّينِ اَتَلَّمَ عَلَيْكَ يَا بَابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَتَلَّمَ
 عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ اَتَلَّمَ عَلَيْكَ يَا مَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ اَتَلَّمَ
 عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثْرَ الْمُتَوَثِّرَ اَتَلَّمَ عَلَيْكَ وَعَلَى
 الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ فِيْنَا بِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي
 يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظَّمْتَ الْمُصِيبَةَ وَجَلَّتْ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ
 عَلَى جَمِيعِ أُمَّةِ الْإِسْلَامِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَسْتِ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ
 عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ
 عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
 لَقَدْ اقْتَرَعَتْ لِي دِمَائِكُمْ أَطْلَقَ الْعَرَبُ مَعَ أَطْلَاقِ الْخَلَائِقِ وَبَكَكُمْ
 السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَسُكَّانُ الْجَنَانِ وَالْعَرَبُ وَالْبَحْرُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَّةَ
 مَا فِي عِلْمِ اللَّهِ لَيْسَ دَعَايَ اللَّهُ إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدْفِ عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ

وَلِيَا فِي عَيْنِ اسْتِغَاثَتِكَ فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَسَمِعَ وَبَصَرِي سُجَّاتِ
 رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعَدُ رَبِّنَا لَفَعُولًا أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهَّرْتَ ظَاهِرَ مَطَهَّرَةٍ
 مِنْ طَهْرٍ ظَاهِرٍ مَطَهَّرٍ طَهَّرْتَ وَطَهَّرْتَ بِيكَ الْبِلَادُ وَطَهَّرْتَ أَرْضُ
 أَنْتَ فِيهَا وَطَهَّرْتَ حَرَمَكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَمَرْتَ بِالْفِسْطِ وَالْعَدْلِ وَ
 دَعَوْتَ إِلَى الْيُسْرِ وَأَنَّكَ صَادِقٌ صِدِّيقٌ صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ
 وَأَنَّكَ ثَارَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ وَعَنْ خَلْقِكَ
 رَسُولَ اللَّهِ وَعَنْ أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ أَخِيكَ الْحَزَنِ وَنَصَحْتَ وَ
 جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَيْتَ الْبَيْتَ فَجَزَّكَ
 اللَّهُ خَيْرَ جَزَاءٍ السَّابِقِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الْحَمِينَ الْمَطْلُوعِ الشَّهِيدِ الرَّشِيدِ قَتِيلِ
 الْعِبْرَاتِ وَأَسِيرِ الْكُرْبَانِ صَلَوَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً مُبَارَكَةً تَصْعَدُ وَأَنْهَا
 وَلَا يَفْتَدِ أَخْوَاهَا فَسَلِّ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ
 يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ بِسْمِ اللَّهِ مُحَمَّدٌ بَارِكْ وَسَلِّمْ وَجِبْ رُوِيَ جُودُ بَرِّكَ بِأَنْ يَمَالَ
 وَبُرْدُ وَرُحْمِ بَكَرْدٍ وَجَمَّارِ نَابِ أَسْرَابِ بَسْمِ اللَّهِ مِنْهُ طَلَبُ نَزَاهِ كَفَنَهُ
 كَدَيْسٍ بُوَيْجَانِ بَصْرِيٍّ عَلَى بِنْتِ اَتَلَّمَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الطَّيِّبُ الرَّزِيُّ الْحَبِيبُ
 الْحُسَيْنِيُّ وَبَابُكَ وَبِكُو

ربك

الْمُقَرَّبَ وَابْنَ رِيحَانَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ شَهِيدٍ مُخْتَبَرٍ وَرَحِمَهُ اللَّهُ
 وَبَرَكَاتُهُ مَا أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَشْرَفَ مُنْقَلَبَكَ أَشْهَدُ لَكَ شُكْرًا لِلَّهِ
 سَعِيكَ وَأَجْرًا لِنَوَائِبِكَ وَالْحَقَّ بِالذُّرَّةِ الْعَالِيَةِ حَيْثُ الشَّرَفُ كُلُّهُ
 الشَّرَفُ وَفِي الْعَرْفِ كُلَّمَا مَنَّ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلِ وَجْعَلَكَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ
 الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ
 رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ فَاشْفَعْ أَيُّهَا السَّيِّدُ الطَّاهِرُ الْمُرِيدُ
 فِي حَظِّ الْأَنْتَالِ عَنِ ظَهْرِي وَتَخْفِيهَا عَنِّي وَإِرحَمْ ذُلِّي وَخُصُوعِي لَكَ
 وَالسَّيِّدِ أَبِيكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَمَا يَسُودُ رُبْرُوعِي ^{زَادَ اللَّهُ فِي شَرِّكَ كَرِيحِي}
 الْآخِرَةِ وَكَمَا شَرَّفَكَ فِي الدُّنْيَا وَاسْعَدَكَ كَمَا اسْعَدَكَ بِكُمْ وَأَشْهَدُ
 أَنَّكُمْ أَعْلَامُ الدِّينِ وَنُجُومُ الْعَالَمِينَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
^{بَيْنَ نَوْجَةِ شَوْجَانِ سَهْبِيهَا} السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ وَأَنْصَارَ
 رِضْوَانِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَوَكُ
 عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ وَأَنْصَارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ
 أَنْصَارَ الْإِسْلَامِ أَشْهَدُ لَمَقْدِنِصْحَتِهِ لِيهِ وَجَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ
 مِنَ الْإِسْلَامِ وَأَهْلَهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ فَرْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا يَا لَيْسَ كُنْتُ مَعَكُمْ

الله زاد
عن

فَأَوْفَرْتُمْ فَوْزًا عَظِيمًا أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ اللَّهِ وَبِكُمْ تُرْتَضَى قُرُونُ أَشْهَدُ
 أَنَّكُمْ الشُّهَدَاءُ وَالسُّعْدَاءُ وَأَنَّكُمْ الْفَائِزُونَ فِي دَرَجَاتِ الْعُلَى وَالسَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ <sup>لِيَرْعُو دُونَ بِيَابِ حَضْرَتِ إِمَامِ حُسَيْنٍ وَمَا دَانَ
 دِيَارَتِكُمْ وَبِحُجَّتِهِ خُودِي وَيَدُ رُومًا دَرُورًا دَرُورًا
 كُنْ وَسَيِّدِ نِطَاسِ رُومٍ كَعَنْتُكَ دَرُورًا بِيَابِ حَضْرَتِ سَيِّدِ الْمُرْتَضَى
 عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَبِقَبْلِهِ بَابُ وَكُتُبُ
 وَأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ أَهْلِ طَاعَتِهِ مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِينَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى
 أَوْلِيائِهِ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَبِيلٍ مِنْ سُلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ
 وَعَلَى آلِكَ إِذْ قَالَ فَبِكَ قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُواكَ يَا بُوِي مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى الرَّحْمَنِ
 وَعَلَى أَنْتِهَالِكِ حُرْمَتِ الرَّسُولِ عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَمَّا أَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ
 حُجَّةِ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ حَكَمَ اللَّهُ لَكَ عَلَى قَائِلِيكَ وَأَصْدَافُ جَهَنَّمَ وَسَائِرِ
 مَصِيرٍ وَجَعَلْنَا اللَّهُ بَوْمَ الْغَيْبَةِ مِنْ مَلَائِكَةٍ وَمُرَافِقِيكَ وَمُرَافِقِي حَبْرِكَ
 وَأَبِيكَ وَعَمَّتِكَ وَأَخِيكَ الْمَظْلُومِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ فَا بَرَأَ إِلَى اللَّهِ مِنْ
 قَتْلِكَ وَقَاتَلَكَ وَأَسْأَلُ اللَّهَ مُرَافِقَتِكُمْ فِي دَارِ الْخُلُودِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ
 اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ</sup>

عليك يا أولاد

وأولادهم
ومن نصيبكم العلماء

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلْمُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلْمُ عَلَى أَبِي بَكْرٍ بْنِ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ السَّلْمُ عَلَى عُمَانَ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلْمُ عَلَى الْقَاسِمِ بْنِ
الْحَسَنِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلْمُ عَلَى أَبِي بَكْرٍ بْنِ الْحَسَنِ السَّلْمُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ
بِ بْنِ الْحَسَنِ السَّلْمُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ السَّلَامُ
عَلَى جَعْفَرِ بْنِ عَقِيلِ السَّلْمُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَقِيلِ السَّلْمُ عَلَى عَبْدِ
اللَّهِ بْنِ سُلَيْمِ بْنِ عَقِيلِ السَّلْمُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي سَعِيدِ بْنِ عَقِيلِ السَّلْمُ
عَلَى عَوْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ السَّلْمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ
بَيْتِ الْمُصْطَفَى السَّلْمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التُّكْرِ وَالرِّضَا السَّلْمُ عَلَيْكُمْ
يَا أَضَادَ اللَّهِ وَرِجَالَهُ مِنْ أَهْلِ الْحَوْثِ وَالْبَلْوَى وَالْمُجَاهِدِينَ عَلَى صَبْرَةٍ
فِي سَبِيلِهِ أَشْهَدُ أَنْكُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَكَانَ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلِ
مَعَهُ وَيَتَوَكَّرُ كَثِيرًا وَمَا وَهَمُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا صَعَمُوا
وَمَا اسْتَكْبَرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ فَمَا صَعَفْتُمْ وَلَا اسْتَكْبَرْتُمْ حَتَّى
أَقْبَحْتُمْ اللَّهُ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ وَتَضَرَّهْ وَكَالِمَةُ اللَّهُ التَّامَّةُ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْكُمْ وَعَلَى آرْوَاهِكُمْ وَأَبْدَانِكُمْ وَسَلْمٌ تَسْلِيمًا فَرَضَهُ اللَّهُ وَلَوْ دُرَّتْ

الحسين
عبيد بن

كلمة

أَبِي كُنْتُمْ مَعَكُمْ فَأَقْوَدَ قُوَّةَ عَظِيمًا ابْتِشَرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ
إِنَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ أَشْهَدُ أَنْكُمْ الْجَبَاءُ وَسَادَةُ الشَّهَادَةِ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقُتِلْتُمْ عَلَى
مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ وَأَنَّكُمْ السَّابِقُونَ الْمُجَاهِدُونَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ
أَضَادَ اللَّهِ وَأَضَادَ رَسُولِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَعَدَّ وَأَرَاكُمْ
مُتَّحِبُونَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ لِي بِعِبَادَتِهِ
السَّلَامُ عَلَى سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَنَفِيِّ السَّلَامُ عَلَى حَبْرَةَ بْنِ يَدِ الرَّيَّاحِيِّ السَّلَامُ
عَلَى زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْنِ السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ بْنِ مَظَاهِرِ السَّلَامُ عَلَى مُسْلِمِ بْنِ عَوْصَةَ
السَّلَامُ عَلَى عَقَبَةَ بْنِ سَمْعَانَ السَّلَامُ عَلَى بُرَيْزِ بْنِ حُصَيْنِ السَّلَامُ عَلَى
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَيْرِ السَّلَامُ عَلَى نَافِعِ بْنِ هِلَالِ السَّلَامُ عَلَى مُسَدِّ بْنِ الْفَضْلِ
الْبَصْفِيِّ السَّلَامُ عَلَى عَمْرِو بْنِ قُرْطَةَ الْأَنْصَارِيِّ السَّلَامُ عَلَى أَبِي عَمَامَةَ
الصَّائِدِيِّ السَّلَامُ عَلَى جَوْهَرِ بْنِ أَبِي دَرٍّ الْعَفَّارِيِّ السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ
بِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَزْدِيِّ السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَعَبْدِ اللَّهِ ابْنَيْ عُرْوَةَ
السَّلَامُ عَلَى سَيْفِ بْنِ الْحَارِثِ السَّلَامُ عَلَى مَالِكِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَارِثِيِّ

بمؤيد

اشهد

مظهير

حسين

الجعفي

عون

التلم على حنظلة بن أسعد الشامي التلم على القميم بن الحارث الكاهلي
 التلم على بشير بن عمرو الحضرمي التلم على غابرين بن شبيب الشاذلي
 التلم على حجاج بن مزون الجعفي التلم على عمرو بن خلف وسعيد
 التلم على حبان بن الحارث التلم على مجتمع بن عبد الله العادي
 التلم على نعيم بن عبدان التلم على عبد الرحمن بن يزيد التلم على
 عمرو بن أبي كعب التلم على سليمان بن عوف الحضرمي التلم على
 قيس بن مسهر الصيداوي التلم على عثمان بن غرة الغناري التلم
 على غيلان بن عبد الرحمن التلم على قيس بن عبد الله الهمداني التلم
 على عمرو بن كناد التلم على جبلة بن عبد الله التلم على مسد بن كناد
 التلم على سليمان بن سليمان الأزدي التلم على حماد بن حماد الحضرمي
 التلم على عمرو بن مسلم ومولاه مسلم التلم على بدر بن رقط
 وانبية عبد الله وعبيد الله التلم على رهبان بن عمرو التلم على
 سفيان بن مالك التلم على رهبان بن شيار التلم على قاسط وكر بن
 أبي رهبان التلم على كنانة بن عتيق التلم على غابرين بن مالك التلم على

عمير بن
 سائب

مسيع بن زايده التلم على نعمان بن عمرو التلم على جلاس بن عمرو التلم على طار بن
 جليدة التلم على زايده بن مهاجر التلم على شبيب بن عبد الله النهشلي
 التلم على حجاج بن يزيد التلم على جوير بن مالك التلم على ضبيعة
 بن عمرو التلم على رهبان بن بشير التلم على مسعود بن الحجاج التلم على
 عثمان بن حشان التلم على جندب بن حجاج التلم على سليمان بن كعب
 التلم على رهبان بن سليمان التلم على فاسم بن حبيب التلم على ابن باب
 الكاهلي التلم على الحسين بن يزيد الرازي التلم على ضرغام
 بن مالك التلم على زاهير بن عمرو بن الحنف التلم على عبد الله بن يقطين
 رضيع الحنف عليه التلم على منجج مولى الحنف عليه التلم
 على سويد مولى شاذلي التلم عليكم أيها الرابانيون أنتم خير أختاركم الله
 الله لا بعبد الله عليه التلم وأنتم خاصة اختصكم الله أشهد أنكم
 منتم على الدعاء إلى الحق وصرتم ووقيتم وبدلتكم مع ابن رسول
 الله صلى الله عليه وآله هنيئا لكم ما أعطيتم وهنيئا لكم ما أنعمتكم
 طاف عليكم من الله الرحمة وبلغتم بها شرف الآخرة وسيد درصبا
 الزاير كفته كعدا

مع رسول
 جنيتم

شهدا و اسامی ایشان در این زیارت مخالفند در این آنچه در زیارت عاشورا وارد شده و آنچه را
 در این مقام ذکر نمودیم موافقت با آنچه در روایات دیده ایم یا آنکه کتب علمای نقل نموده ایم و چون
 فارغ شدیم از آنچه ذکر کردیم پس بر کتب بیابان حضرت امام حسین علیه السلام و نماز زیارت و هر آنچه
 که خواهم بگویم و دعا برای خود و پدر و مادر و برادران بسیار بکنم که انشاء الله تعالی مستجاب شود
 پس چون خواهی که آنحضرت را وداع نماهی یکی از وداعها که در عقب زیارت آنحضرت وارد
 شده وداع کن و در اقبال گفته که چون خواهی وداع کن پس این وداع که در بعضی از روایات
 آنحضرت دیده ام **السلم عليك يا مولاي السلم عليك يا حجة الله السلم**
وداع کن
عليك يا صموءة الله السلم عليك يا خالصته الله السلم عليك يا قنيد
الظماء السلم عليك يا عرب العرب السلم عليك سلام مودع
لا سار ولا فال فان امض فلا عن ملائكة وان اقم فلا عن سوء ظن مما
وعد الله الصابرين لا جحدك الله اخرا العهد مني ليريا ذلك ورتقي
الله العود الى مشهدك والمقام بفيناك والقيام بحرمك واما
اسئل ان يسعدني بكم ويحفظني في الدنيا والاخرة وكفيعني
 در حقه اما
 برای حضرت امام حسین علیه السلام زیارت اول با ذکر نموده و بعد از آن گفته که زیارت کن علی بن الحسین
 و شهیدان عباس را بر زیارت روز عرفة و در زیارت روز عرفة آنرا ایراد خواهیم نمود **موت** گوید
 که حجة علامه مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه در کتاب تحفة الزائر زیارت مخصوصی برای روز اول
 رجب و شب نیمه شعبان ذکر کرده و گفته است که آنچه را علماء در خصوص این روز ذکر نموده
 چون بروایت ثبت نموده اند ما ایراد ننمودیم و ظاهر کلام سید بن طاووس در مصباح الزائر است
 که هرگز از زیارت یا بعضی از آن منقول نباشد چنانچه معنی نیست و با جمیع علماء این زیارت را در
 خصوص این روز و وقت ذکر نموده اند من بعضی ایشان اولی است و اگر زیارت جامعہ مخصوصا بنام
 که سابقا مذکور شد نیز خوانده شود اتم و افضل است و بدانکه آنها همه نظر بجا کسی است که پیش

عزیز بود

حضور کردی یا معلى مشرت باشد و اگر در بلاد بعیده باشد زیارت بعید کی سابق مذکور شد یا سایر
 زیارات بعید زیارت نماید و الله تعالی بعلم **اکمال** بدانکه حجة علامه مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه
 در کتاب بخارا لاناود گفته است که زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام در روزهای متبرکه و اوقات
 مخصوصه بان امام مانند روز ولادت یا وفات یا روزی که فضیلتی از فضایل آن امام در آن
 روز ظاهر شده باشد فضیلت دارد و چون سابق بر این مذکور شد که ولادت حضرت امام محمد
 باقر علیه السلام در این شهر و ولادت حضرت صادق علیه السلام بقول دین روز واقع شده زیارت آن دو
 بزرگوار در این روز فضیلت دارد و اگر کسی نزد مرقد مطهر ایشان حاضر باشد زیارت جامعہ
 مخصوصه بنامه که سابق گفته شد یا سایر زیارات مطلقه ایشان را زیارت نماید و اگر در آنجا باشد
 بر امام خانه بالا رود و دو رکعت نماز کند و بهر لفظی که خواهد انشاء نماید زیارت کند زیرا که زیارت
 مخصوصی از دور برای محبت از ائمه علیهم السلام منقول نیست بلکه زیارت خود انشاء چنانچه پسند
 صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که را خیر باشد و زیارت ما بالا رود بنام خانه خود
 و دو رکعت نماز کند و اشاره کند بسوی قبرهای ما که آن سلام بجا میرسد و الله تعالی هو الموفق
ششم سید بن طاووس قدس سره در کتب اقبال از رسول خدا روایت کرده است که
 هر که در این شب دو رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل یا ایها
 الکافرون بگردد بخواند حق تعالی هر کس از آن سوره و کثیره او را بیامزد و بنویسد اول از نماز گذارند تا
 ناسال آید و بری شود از نفاق **روز نهم** بروایت ابن عباس چنانچه شیخ طوس در مصباح از او
 نقل نموده و قول بعضی دیگر از علماء ولادت باسعادت حضرت امام علی نقی در این روز بوده
 و بعضی بنامه و بعضی سرشته نیمه انبیا و بعضی سرشته سیزدهم انبیا و بعضی بیست و هفتم دی حجه
 و بعضی با نوزدهم دی حجه گفته اند و قول آخر مشهور میان علماءست و فقره اوله عالمی که در عمل بچشم
 باب چهارم گذشت دلالت بر صحیحی از سر قول اول میکند و بنا بر قول اول زیارت آنحضرت در
 این روز فضیلت دارد اگر نزد مرقد مطهر آن سرور کسی حاضر نباشد زیارت جامعہ مخصوصه بنامه
 که گذشت یا زیارت مطلقه آنحضرت را زیارت نماید و اگر در آنجا باشد بر امام خانه رود و دو رکعت
 نماز کند و بهر لفظی که خواهد زیارت نماید و روز نهم از روز ولادت است چنانچه گذشت
ششم سید بن طاووس در کتاب مذکور از حضرت رسالتیم دواش کرده است که هر که در این شب
 ده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره اذا جاء نصر الله و
 نوبت بخواند حق تعالی بنا کند برای او قصری در بهشت که طول و عرض آن و سبب آن دنیا نباشد
 بهشت بر او و مساندی نماند از آسمان که بشارت دهد ایند و شش خدا را بگواست عظمی و رفقا
 انبیا و صدیقان و شهیدان و صالحان **روز دهم** بروایت سید بن طاووس در اقبال ولادت حضرت امام

یعنی حضرت امام حسین
حضرت صاحب الامر
علیهما السلام

حضرت امام علی علیه السلام در روز دوشنبه و بروایت ابی‌بهر بن هاشم فقیه و قول بعضی دیگر از علمای اهل
آنحضرت نیز در روز دوشنبه سیم اینها بوده و اقوال دیگر در باب هفتاد آنحضرت هست که در مجرای
خود مدکور خواهد شد و چون این روز بنا بر این دو روایت و اولاد و وفات آن بزرگوار بود
زیارت او از نزدین و دور مانند روز سابق فضیلت دارد و روزی که این روز است موقت بلکه
تا یکدش زیاد از دور و سابق است چنانچه گذشت و سید بن طاووس در کتاب اقبال
گفته که در بعضی از کتب عبادت یافته این حدیث را که مرئی بود از رسول خدا که هر که در این
روز چهار رکعت نماز کند هر روز رکعت یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این آیات را بخواند
و الحمد لله و الله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم ان یخلف السحاب و الارض و
الخلد و اللیل و النهار و الضلک انی تحری فی الفی ما یمنع الناس و ما انزل الله من
السماء من نوره فاحیاه الارض بعد موتها و سب فیها من کذب و قسطن الراجح
و السحاب من بین السماء و الارض لایات لیسوا یعملون و من الناس من یحسد من
دون الله انما اذا یحسونه کذب الله و الذین امنوا استجد حسبا لله و لو یرى الذین ظلموا
اذ یرون العذاب ان العوقه لله جمعا و ان الله شدید العذاب حی علی باعظا کذا
اجرة ثواب انقدر که وصف نتوانند نمود آنرا و وصف کنندگان **ششم** سید در کتاب مذکور
از رسول خدا روایت نموده که هر که در این شب صد رکعت نماز کند هر روز رکعت یک سلام و در هر
اول هر یک بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الفلق یک نوبت و در هر رکعت دویم هر یک بعد از حمد سوره
قل اعوذ برب الناس یک نوبت بخواند از هر آنکه در ملک فرود آید و سوسید برای او ثواب از نماز آن روز
قیامت و سیاید در موقت قیامت و حال آنکه روی او مانند ماه شب چهارده باشد و نماز عمل و را
بدست راست او دهند و حساب را بر او آسان کرد اند **ششم** سید در کتاب مذکور از جناب مقدس
رسالت پناهی روایت نموده است که هر که در این شب شش رکعت نماز کند هر روز رکعت یک سلام
و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد بیتی و پنج نوبت بخواند حق تعالی باو عطا کند ثواب
چهل چوبه و چهل صدقه و چهل شهید و یکصد بر صراطی طویله و لامع در حال آنکه سوار باشد بر
اسبی از نور و در **ششم** بروایت ابن عباس شایسته در وصاح نقل نموده که در آنجا حضرت امام
علیه السلام در این روز بوده است **توالت** گوید که شیخ در کتاب مذکور ایضا از ابن عباس روایت نموده که
مولد آنحضرت در روز دوشنبه اینها بوده و سابقا مذکور شد و ممکن است که در روایت ابن عباس سه
باشد و بعضی وفات حضرت امام موسی کاظم را نیز در این روز گفته اند و مشهور است و پنجم اینها
و قول دیگر در این باب هست که در محال خود مدکور میشود و در این شب از هر کس که در این روز
و دور مناسب است **ششم** سید در کتاب مذکور از رسول خدا روایت نموده که هر که در این شب

دو رکعت نماز کند در هر رکعت چهل کیبوت و آیه الکرسی هفت نوبت نماز آن نماز کند که اگر این
خدا توبی و سب خدا حق او را برایت میبوی هر حرفی که فرموده در آن نماز شفاعت کرده باشد
مسلمانان و برای شست هفتاد هزار حسنه که توابع حسنه از حق تعالی گران تر باشد از کوهها
دنیا **هفتم** کعبی در حقه الامان و وفات حضرت امام موسی کاظم را در این روز نقل نموده است
و این جهت زیارت آنحضرت از نزدین و دور در این روز مناسب است **ششم** سید در کتاب مذکور
از رسول خدا روایت نموده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز کند هر روز رکعت یک سلام و در
هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را سه نوبت و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را
هر یک یک نوبت بخواند و چون فارغ شود ده نوبت صلوات بر رسول خدا و آل آنحضرت بفرستد و ده نوبت
بایات صلوات بخواند و بایات صلوات سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله
اکبر است حق تعالی او را در سایه عرش خود جاده عطا فرماید باو ثواب کسی که نماز در رمضان را
روزه و اشه باشد و استغفار کند برای او مثل که تا ازان نماز فارغ شود و آسان شود براو حاجت
دختر او و از دنیا بر نبرد و نامن از خود را در هر شب مشاهده نماید و این کرد اند حق تعالی او را از فرج کبر
دو زیارت **توالت** گوید که کعبی در حقه الامان چنین نقل نموده توحید و معبودتین هر یک از معبودتین
که مراد او خواند سوره توحید و معبودتین هر یک سر مرتبه یا خواندن توحید یک مرتبه و هر یک از معبودتین
سر مرتبه بوده باشد و بر هر مرتبه یا فصل سید عارف و عالم در فصل سید پیش است و الله شاکم **ششم**
هفتم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت روایت کرده است که هر که در این شب بیست رکعت نماز کند
هر روز رکعت یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس را هر یک سه نوبت بخواند حق تعالی عطا فرماید باو ثواب شکر کاران و صبر
کنندگان و نام او را بلند کرد اند در میان صدیقان و بعضی هر حرفی برای او ثواب صدقه و شهید می
باشد و چنان باشد که قرآن را ختم نموده باشد در ماه رمضان و چون از قبر بران آید ملاقات کند
او را هفتاد سال که انبیاات دهند او را بر سرش و مشایخ نمایند او را تا بر سرش داخل شود **ششم**
سید در کتاب مذکور از رسول خدا روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر
بعد از حمد سوره الفکم الکافر شیخ نوبت از جای خود بر نمیخیزد مگر آنکه حق تعالی او را میامرزد و عطا
سپیناید باو ثواب صد حج و صد عمره و فر و میفرستد بر او هزار هزار رحمت و این معنی از او را از آن
و اگر تا هفتاد روز دیگر ببرد شهید مرده باشد **ششم** سید قدس الله روحه در کتاب مذکور از
حضرت رسالت روایت کرده است که هر که در این شب بعد از نماز مغرب و وازده رکعت نماز کند هر
دو رکعت یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را سه نوبت بخواند حق تعالی بلیت کرده است
برای او قضی بر بالایی نموده و باو ثواب سب کس صحابه گفتند با رسول الله چه قدر است این نموده فرمود

شلمنا بن شتون و مغرب و در آن عمود هفتصد غره باشد که هر غره بیست و سه تراز و دنیا باشد و این غرهها همگی
از طلا و نقره و در موت و در برجد باشند و در آن قصر خانها باشد بعد سنا دها ای آسان و در آن قصر
چیزی چند باشد که هیچ چیزی در صفت آن نتواند نمود **روز نهم** بروایت سید بن طاووس در اقبال و در
این عیاش چنانچه شیخ در مصباح نقل نموده و قول کعبی در حجت الامان و کلامت با سعادت حضرت امام
محمد باقر درین روز بوده و اشهر میان علما اینست که هر ماه مبارک رمضان است و فقره اول در آن
که در عمل پنجم از باب چهارم گذشت فی الجمله شهادت بر حقیقت قول او میدهد و وفات آنحضرت معلوم
کعبی در رجبته الامان نیز در این روز بوده و اشهر میان علما آخر ماه ذی الحجه است و احوال بگردد
که در مواضع خود مذکور خواهد شد و چون این روز اختصاصی آنحضرت دارد زیارت آنحضرت از
نزدیک زیارت جامع مخصوص این ماه یا زیارت مطهره مناسب است و اگر در زیارت نام خانه بالا
رود و در رکعت نماز کند و بر لفظی که انشا نماید زیارت نماید و مستند در اقبال است در روایت کرد
است که از برای جوانی در هر سالی در روز دهم از شهر حرم امر عظیمی هست در روز دهم ماه ذی
حجه و خرواقی میشود و در روز دهم ماه شرف و زغاشوا است که فضیله و اهدیه سید شهادت در آن روز
واقع شده و هر ساله مصیبت آنحضرت در آن روز بر مسلمانان نازل میشود و در روز دهم ماه رجب
مخوف میزاید و اشیا سیر نماید آنچه را میخواهد در ماه ذی بقعه الحرام در آن حدیث مذکور نیست
ستد گوید که در روز دهم ماه ذی بقعه الحرام در کتاب جامع الدعوات که نالیف نصر بن عقیب بن یونس
دیدم حدیثی از رسول خدا که در شب هفتم ماه ذی بقعه حقی تعالی بر سینه اش نظر فرمود میفرماید **موتی کویک**
چون در حدیث آخرت دهم ذی بقعه واقع شده مناسب با حدیث اول ندارد چه در حدیث اول و در دهم
از آن شهر حرم وارد شده و ظاهر از دهم ذی بقعه از حدیث اول ساقط شده است والله اعلم **روز نهم**
سید طایب شاه در کتاب بیان کور آنحضرت رسالت و روایت نموده است که هر که در این شب و از ده رکعت
نماز کند هر روز رکعت سیکلام در هر رکعت بعد از حمد آیه الکرسی و از ده نوبت حق تعالی عطا نماید
ثوابی را که خواند باشد و زیارت و زبور قرآن مجید و هر کتابی را که در فرستاده بر سینه او نشاند
از عرش نماند که علما از سر کرده آمدن بدان شده **روز نهم** سید جلیل بن ابی سعید باقری در احوال عظام فرمود
بعضی اوقات خود گفته که در روز دهم ماه رجب مجلس است چنانچه هر طایفه که بود آید در روز نماز
هر که بیار شود معالج نیز در خوب نشود و در رختی که بنشیند خشک شود و اگر کسی در روز پنجشنبه
دو رکعت شود و اگر بسفر و در باز نیاید و هر کاری که در این ایام نکند با تمام نرسد **تواتر** گوید که این معنی
در روایتی حدیثی بنظر میرسد **روز نهم** سید در کتاب بیان کور آنحضرت تمام المسلمین روایت کرده است
که هر که در این شب دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد آیه امن الرسول یا انزل الیه
منزل و یا امنیون کسب آیه امن یا قلم و صلوات کند و کتبه و در سینه او کتبه لایق است **روز نهم**

رشد و تا اول سیدنا و اطاعتنا غفرانک و تینا و لایک المصیر لایکافنا الله تقنا الا
وسعها لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت و تینا لا نواخذنا ان کسبنا او اخطانا تینا
ولا تحویل علینا اضرنا کما حکمته علی اذن من قبلنا و تینا و لا تحویلنا ما لا ظمیر لنا
بیم و اعف عنا و اغفر لنا انت مولانا تا نضرنا علی القوم الکافرین زاده نوبت
تجارت حق تعالی عطا فرماید با نوبت که کند کان معبر و نه می کند کان از سر و نوبت اول زاده نوبت
هفتاد و نهم از فرزندان اسمعیله را و هفتاد و نهم از عظام فرماید **روز نهم** حدیثی است
مولا محمد باقر مجلسی قدس سره در کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در بعضی از کتب آنحضرت امام
حسن عسکری هم روایت شده است که روز دهم ماه رجب روز غصبت است و سبکوفت ترکیب
شده رجب علی احوال اعدای آن بگردد و آن بگردد و آن بگردد از مردم و عیادت کردن برورد کار عالمیان و
روزه داشتن **شب چهارم** و احوال آن چند چیز است **اول** احوال داشتن آن عیادت و حدیثی است
در فضیلت روز این شب مذکور میشود **دوم** سید در کتاب بیان کور آنحضرت روایت کرده
است که هر که در این شب ده رکعت نماز کند هر روز رکعت سیکلام و در رکعت اول هر یک بعد از حمد
سوره و بعد از آن دو رکعت دویم هر یک بعد از حمد سوره الحمد النکاحی بخواند حق تعالی کفایت
او را بنماید اگر چه غایب و امدین خود شده باشد و راضی شود حق تعالی از او و سکر و نیکو نبرد او نیاید
و او را نرسد و بگذرد از صراط چون برق حبه و نامه عطا و ابد است او دهند و میران
عاش تقبله سبکین باشد و در حجت الفردوس هزار شهر با و عطا کنند **سیم** دو رکعت نماز و هر
رکعت بعد از حمد سوره بقره و تبارک و ذله هو الله احد و در اعمال شکر ماه رجب و شعبان و ماه
رمضان مذکور شد **روز نهم** مشهور میان محدثین و مورخین خاصه و عامه آنست که حضرت
امیر المؤمنین هم در روز جمعه سیزدهم این ماه بعد از زمی سال از ظام الفیله در میان کعبه معظمه متولد
شد و در آن وقت عمر شریف حضرت رسالت بیست و هشت سال بود و دوازده سال و تقویله سال
پیش از بعثت آنحضرت بوده **اقوال** دیگر در این باب هست که در مواضع مناسب مذکور میشود
بروایت ابی حمیم بن عثمان چنانچه شیخ در مصباح نقل نموده و ولادت حضرت امام علی نقی هم در روز
سدسشنبه سیزدهم این ماه است و چون این روز اختصاصی باین دو بزرگوار است زیارت ایشان از
نزدیک و دور مناسب است و سید جلیل بن ابی سعید باقری در احوال عظام قدس سره و حدیثی از رسول
خود گفته که در روز سیزدهم ماه رجب نماز کند و در آن روز هم مجلس است چنانچه هر طایفه که متولد شود در
روز نماز و هر که بیار شود معالج نیز در خوب نشود و در رختی که بنشیند خشک شود و هر که بچنگ رود
از نو زگشته شود و هر که بسفر رود باز نیاید و کاری که در این روز شروع شود با تمام نرسد **تواتر**
گوید که این معنی در روایتی بنظر میرسد بلکه از احوال عظام فرماید که این روز بمنزله فضیلت همها است

احوال آنحضرت
تا شب چهارم

دو نوره آن مخصوص فضیلت عظیم دارد چنانچه در اعمال روز اول بعد کور شد و این روز از جمله
ایام البیضا است و ایام البیضا هفتاد و سه روز است از آنجا که بزرگواران عظیم داده و
آخر کتاب مذکور خواهد شد و ایام بصیر ماه رجب و لیالی آنها مخصوص میان ما بر ما هفتاد
بزرگواران است چنانچه سید بن طاووس و اقبال از حضرت رسالت روایت نموده
است که هر که در روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب را در روز و برپا دارد شبها آنرا بنام
مستم یا نیکو بخواند و از سستی مزاج معوش کند است که چنین کسی از دنیا زود میرد با تو به نصح و
هدیه و نری که روزه داشته هفتاد گناه کبیره او آمرزید شود و هفتاد حاجت او برآورده شود
درین دفعه اگر هفتاد حاجت بخواند اخلاقی شود و هفتاد حاجت بخواند از قهر وین آید و هفتاد
حاجت بخواند میزان عمل نصب شود و هفتاد حاجت نرسد و صراط و بعضی هر روزی که روزه
داشته چنان باشد که هفتاد سینه از فرزندان سبیل را آزاد کرده و هفتاد هزار مرتبه
قرآن را ختم نموده و هفتاد سال در راه خدا مبارک کرده و هفتاد بار در راه خدا ساخته باشد
و شفاعت او در حق هفتاد نفر از اهل بیت او که مستوجب جحیم شده باشد مقبول شود و حق
بنا کند برای او در جنت فرود و هفتاد هزار مرتبه که در هر شهر هفتاد هزار مرتبه در هر قصر
حوریه و هر قصر هفتاد هزار مرتبه داشته باشد و شیخ در مصباح و سید در اقبال از
امام جعفر صادق روایت نموده اند که هر که ایام البیضا ماه رجب را روزه دارد حق تعالی بر او
بعوض هر روزی نوبه و نوره یکساله و عبادت یکساله را بنویسد و در روز قیامت با او
مجلس ایمنی که هیچ بیم و خوفی نداشته باشد **شب چهارم** و در این شب چند چیز است
اول احیاء اشتن آن بعبادت چنانچه در تقییم سیزدهم مذکور شد **دو** تیر سید رکن است که
از رسول خدا روایت کرده است که هر که در این شب سی رکعت نماز کند هر دو رکعت یک سلام
و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را بگوید و آیه آخر سوره که هفتاد بار
آنا نقرئ بکم یوحی الحق آتانا الهضکم الله والحد فمن کان برئحی الفاء ربه فیکف عیاله
عنه صا حیا و لا یشرک بعینا و و تیر احد را بخواند بجز آنکه بفرستد بقیه قدرت او است
که اگر کس هفتاد و زیاده از ستاره های آسمان باشد فارغ نشود از این نماز مگر آنکه طاهر و
باشد از هر گناهان و چنان باشد که خوانده باشد هر گناهی را که حق تعالی فرستاده است
سیم چهار رکعت نماز هر دو رکعت یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره کسب تبارک قل هو الله
احد هر یک یک مرتبه و در اعمال اشتن که رجب و شعبان و طه و رمضان گذشت **روز چهارم** روزه
این روز مستحب است چنانچه گذشت **شب پنجم** این شب در میان لیالی بیضا ماه بزرگواران
و برکت بسیار دارد سید بن طاووس در اقبال از حضرت رسالت روایت کرده است که

فضیلت ایام البیضا
ایام بخت و رجب

ایام البیضا
ماه رجب

ایام البیضا
ماه رجب

چون شب نهم رجب اخل شود حق تعالی امر نماید خازن را در این خلائق و کاشان اعمال ایشان را
که نظر کند در دیوان بندگان و هر گناهی را که بیاید محو کند و بجای آن حسن را بنویسد
و اعمال این شب بسیار است **اول** احیاء اشتن آن بعبادت چنانچه گذشت و شب سیزدهم و مخصوص
این شب فضیلت آن زیاده است چنانچه صاحب نیز بر اعلی از حضرت رسول روایت کرده است
که هر که احیاء کند شب نهم ماه رجب را حق تعالی بذات مقدس خود سوگند یاد کرده که درین شب هیچ
از درگاه خود رو نکند چه هر که از شما که درین شب دعا کند طلب نکند از خدا امر او را درین
بسیار استغفار کند که هر که درین شب روزه نگیرد و زیاده آن هزار مرتبه استغفار کند حق تعالی امر
کنایان او را در میان اینها و نماه رجب آسوده نماید رجب کند شده و او را در وقت مرگ از عذاب
نجات دهد **دو** تیر غسل بنا بر احوالی و در اعمال اول مذکور شد **سیم** بسیار استغفار از گناه
خود کند و در این شب و اگر نماز نیت استغفار کرده شود تو اش عظیم است و در عبارات استغفار
استغفر الله که کافی است و اگر بگوید استغفر الله و انوب الیه بهتر است و استغفر الله روفی و انوب
الیه افضل و کامل است **چهارم** سید رکن مذکور از رسول خدا روایت کرده است
که هر که در این شب سی رکعت نماز کند هر دو رکعت یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله
احد را در نوبت بخواند فارغ نشود از این نماز مگر آنکه عطا کرده شود ثواب هفتاد شهید و بیاید روز
قیامت در حال کبریا و روشنی دهد که در این اهل جنت که جمیع شده باشند در موقی مانند
مکه و مدینه و عطا نماید با حق تعالی براتی از آتش جحیم و براتی از نفاق و رفع نماید از او عذاب
و ایضا در اقبال این نماز را بنویسد در کبریا از آن حضرت روایت کرده و در آن حدیث چنین است که هر که
این شب این نماز را بکند حق تعالی او را از آتش جحیم آزاد کند و برای او بعضی هر یک عبادت هفتاد
شهید را بنویسد و عطا نماید با بعضی هر یک دو اذنه نور و بعضی هر سوره از قل هو الله که
خوانده باشد دو اذنه شهر از مشک و عنبر بنویسد برای او ثواب هر که را که روزه داشته و نماز
گذارد باشد در اینها از مرد و زن و اکو میرد ناسال آید شهید شده باشد و حفظ کرده شود
از فتنه قهر و **تفت** گوید که سید در مصباح از ارباب تقییم زیاده است چنانچه بقیه اعمال شب نهم و
روز را ذکر نموده و از جمله اعمال شب نهم این نماز را ذکر نموده و سوره قل هو الله احد را یاد
مرتبه نفل نموده و کفعمی نیز در جنت الامان سوره قل هو الله احد را یاد مرتبه نفل نموده و طهارت
آنچه در اقبال اصح است و سید در مصباح از ارباب کفعمی رو نموده اند و گویند که این سوره است
که عبارت حدیث چنانست قل هو الله احد عشر رکعت و سید کفعمی لفظ احد را جزو قل هو الله
نکره با لفظ عشر ترکیب نموده احد عشر خوانده اند و حد علام مولانا محمد تقی مجلسی در بیضا ماه بزرگواران
اقبال نفل نموده است و الله تعالی بیلم **چهارم** شش رکعت نماز هر دو رکعت یک سلام و در هر رکعت بعد از

بنا کند برای او

بنا کند برای او
بنا کند برای او

آنچه در حدیث تریف وارد شده است سید طاووس فرمود که در کتب اقبال از ابن عباس روایت نموده است
که حضرت آدم ع از حق تعالی مشقت نمود که برود کجا و خبره مرا بگویند برین روزها و در میان تو بودی
نمود حق تعالی سویی او که ای آدم بجویند برین اوقات سویی من و زه بنده و جلاست ای آدم تقریبی سویی من
در روز نیز رجب بقرایان قضیافت نمودن و روزی داشتند دعا و استغفار و گفتن لا اله الا الله
بدرستی که عطا کرد ام در آنچه قصدا کرده ام و نوشته ام در آنچه نوشته ام آنکه سجودت کرد ای من فرزندان تو
سجود کن بخلیفه القلب و سنگین دل نباشد و آواز او در بازارها بلند کند و در بار و در میان و صاحب کرم و
برکت عظیم باشد و مخصوص کرد ای اولاد او را و بر روز نیز رجب پس سوال نکند ایشان در آن روز از من
چیزی مگر آنکه عطا کنم آنرا ایشان و طلب آمرزش نکند مگر آنکه سیارم از ایشان باه طلب و ذبی نکند
مگر آنکه روزی هم ایشان را و از کتلهای توبه نکند مگر آنکه توبه ایشان را قبول نماید و طلب رحمت نکند
مگر آنکه رحمت کند بر ایشان ای آدم بد رسوخ هر که صبح کند روز نیز رجب را در حال صحت که روزه نباشد
مشغول ذکر آلی و با خشوع باشد و محافظت نماید فرج خود در روز نیز و از ازال خود چیزی قصد نکند
نباشد جز ای از من مگر بهشت ای آدم بگو بفرزندان خود که نگاه دارند خود را در این ماه رجب از کتلهای
بدرستی که نگاه دارند اینها بسیار برکت و عظیم است مولد گوید که بعضی نمادند که از این حدیث تریف
علاوه بر این در مسند شیخ اول تفریح است بقرایان جباری و تعالی و لفظ قرایان در لغت عرب یعنی
چیزی که بان صدق تریف و نیز یکی بر حمت آلی کشند از اعمال خیر که گاهی بر قرایان که کشتن کوفسند یا
امثال آنست در راه خدا نیز اطلاقی میکنند و در این مقام هر دو مجمل است و بسیار معنی او شامل نماز و دعا
و صدقه و سایر اعمال خیر که هست دوم ضیافت نمودن سیم روزی داشتند و بخوبی بنیت کرده بود
با صیاف نمودن جمع نمی شود و ظاهرا آنست که مراد از ضیافت کردن طلبیدن مؤمنان برای اظهار نباشد
چهارم دعا و بهره گیری که واقع شود خوب است و اگر او عیب و منقوله خواند شود بهتر است پنجم استغفار
و آن لفظی است که در کتلهای بطلیم عفرین کند مانند استغفر الله و اکرم الله و بقره آتوب الیها صاف فرستد
تقاریر است و اگر هر روز مرتبه گفته شود تو اسباب عظیم است چنانچه در حدیثی که از شیخ بر القلوب در
فضیلت احیای شب این روز نقل شده مذکور است ششم گفتن لا اله الا الله هفتم محافظت نمودن
فرج از هر نوع تمسک حرام و حلال خواه بطریق مجامعت نباشد بل غیر آن و مراد از محافظت نمودن فرج
در این حدیث از عیافت نرخصه من مجامعت چه روزه داشتن این در مستلزم ترک مجامعت است هشتم
صدقه نمودن و الله تعالی بکلی سوم خواندن سوره قل هو الله احد هر از انبوت صاحب کتاب نیز بهر آنکه
از ابو سعید خدری روایت کرده که گفت داخل شدیم بر رسول خدا ص در روز اول ماه رجب چون نظر کرد
بر من افتاد فرمود که ای ابو سعید چه بگو مای است اینها و چه بسیار است خیر و نیکی اینها و چه نایب است
روزهای اینها گفتیم که چگونه است نیکی اینها را رسول الله فرمود که چیزی در آن ماه رجب است که چون شب اول ماه

فضیلت خواندن این سوره در روزه

دعوت شود منادی ندا کند و آنجا که اینک ماه توبه داخل شد پس خوشحال کنی که طلب آمرزش کنی از خدا
در این ماه ای ابو سعید هیچ بنده در این ماه طلب آمرزش نکند مگر آنکه حق تعالی بیامزد او را ای ابو سعید
در این ماه روز نیز رجب است هر که کلام روزی از آن روز را بر رسول الله فرمود که آن روز نیز رجب
است گفتند فدای تو شود پدر و مادرم یا رسول الله چه ثوابی است برای آن روز فرمود که بدرستی که حق
تعالی در آن روز و مطلع می شود بر همه اهل زمین و هیچ مرد مؤمنی ندانم مؤمنه عینا مگر آنکه حق تعالی در این ماه
ای ابو سعید هر که در روز نیز رجب را روزه دارد روزه او کفاره گناه دو و نیت سال او باشد و عبادت
شأن روز برابر باشد با عبادت هزار روزه و اگر توبه را بیایند و زرا و در خواهی یافت پس بدان روز هزار
نوبت سوره قل هو الله احد بخوانند هر که در این روز هزار نوبت قل هو الله احد بخواند نیکی است
برای او در بهشت هزار نوبت هر چه هزار خانه در هر خانه هزار صفت در هر صفت هزار صفت در هر صفت
هزار صفت در هر صفت هزار صفت در هر صفت هزار صفت که بهتر از ماه باشد و موکل کرد اند حق تعالی با
جمله هزار ملک و سلوات ناز و فرشتگان روز قیامت و هر که زیاده از این بخواند حق تعالی ثواب زیاد
مدهد چهارم ده رکعت نمازی که سلمان رفته از رسول خدا ص روایت کرده است و کیفیت آن در اطالاد روز
اول مذکور شد پنجم سید طاووس طاب ثراه و اقبال است بقرایان حضرت امام حنفی صلا و قهر و است
کرده است که فرمود که عدی بن ثابت انصاری در روز نیز رجب داخل شد بر حضرت امیر المؤمنین ع در آن
که آنحضرت مشغول نماز بود و چون حضرت دانست که او داخل شده بدست مبارک خود اشاره فرمود که
بایش حدیثی است گوید که پس ای امام و دیدم که حضرت چهار رکعت نماز کرد و من احدی را ندیدم پیش آنحضرت
و بعد از آن که این نماز را دیدم و چون سلام نماز فرمود اللهم یا مدبر کل جنات و معبر المؤمنین
دست مبارک را کشود و این دعا را خواند

أنت که فی حین تعیین المذاهب و أنت باری خلق رحمة و قد كنت عن خلق
غنیاً و لولا رحمتك لکنت من الهالکین و أنت مؤید علی النصر علی أعدائ و لولا
نصرت لایا لکنت من المقبوحین یا منیر من معادینا و منشی البرکة
من مواضعها یا من خص بالتشویخ و الرقة فأولیا و یعبره بینه زون یا من
و صمعت لرا الملوک نیر المذکر علی انصافها فهم من سطوا لیه خافونت أشکلت

انصاف حق در

يَكُونُ بَيْنَكَ الَّتِي اسْتَقَفْتَهَا مِنْ كِبَرِيَايِكَ وَاسْأَلْكَ بِكِبَرِيَايِكَ الَّتِي اسْتَقَفْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهَمُّكَ لَكَ مُدْعُونَ أَنْ نُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ بِرَأْسِهِ خَيْرٌ مِنْكُمْ

و بعد از آن بمن التفات فرمود و گفت ای عدی آیا شنیدی گفت نمی فرمود آیا حفظ کردی و گفت نمی فرمود که حفظ کن این دعا را و اعلم کن پس آن دعا که در آنرا استکافیه و کعبه را نصیب کرده و خدای را خلق کرده است که بنیت این دعا نزد احدی از اهل زمین و خواننده اش از غایت حاجت مگر بخواهد که بکشد و آفرین را در اول کرده است **مؤلف** گوید که نماز مذکور باید بد و سلام واقع شود و در هر رکعت حمد و هر سه که بخواند بخواند و از سابق حدیث معلوم می شود که دعای مذکور لازم بنیت که بعد از آن نماز خوانده شود مگر در هر رکعتی برای هر مطلبی که خوانده شود مباح می شود و دیگر در هر بنیت که نماز مذکور بنیت اختصاص بر روزی نیز ایماه نداشته باشد و در سایر اوقات نیز خوانده شود و در آن دعا **ششم** ایضا سوره در اقبال از حضرت رسالت نبیاه **ع** روایت نموده است که هر که در روزی در هر دو رکعت دو وقت از فتاح اصاب بچاه رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از هر سه سوره قل هو الله احد قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک بیک سویت می و آن آیتان که شاهان خود مانند روزی که از نماز استودان شده باشند و محشر شود از قربان شهیدان و داخل برشت شود باینجه **هفتم** و بعد از آن در هر دو رکعتی که از او بر داشته شود و بیرون آید از قر و حال آنکه روی او در خسته باشد **هفتم** شیخ طوسی **ع** در مصباح کسب خود از زبان بزرگواران روایت کرده است که گفت حضرت امام محمد باقر **ع** در وقت اقامت بعد از نماز روزی در هر دو رکعت و هفتم آنرا در هر دو رکعت و جماعتی که با حضرت همراه بودند هر یک نیز روزی در هر دو رکعت و او فرمود ما را که بجا آوریم و از ده رکعت نمازی که در این دنیا است که هر دو رکعت را بیک سلام میکنی در هر رکعتی بعد از حمد سه سوره که خواهی پس چون فارغ شدی شو برو محمد و سوره قل هو الله احد و معوذتین هر یک را چهار مرتبه بخوانی پس در هر دو رکعتی که می خوانی لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله العظیم و چهار مرتبه اللهم الله ربنا لا اشرک به شئ و چهار مرتبه لا اشرک الا انت و **مؤلف** گوید که شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاوس در اقبال و علامه جلی در منهاج الصالح و سید بن باقر در مصباح این عمل را در روزی هفت نماز نموده اند و گویند از عبادت چنانچه نصیحه اند که این نماز مخصوص روزیست و هفت نماز خوانده که نماز متصل بر روزی آن روز مذکور است و ظاهر سلیق حدیث

چهار مرتبه تا تل پوینده نیست آنست که از جمله در هر دو روز باشد و الله تعالی اعلم **ششم** عمل سید بن طاوس استغفار که مشتمل است بر دعای ام دو ابن ابیوب و شیخ طوسی و سید بن طاوس و علامه مرحوم کعبی قدس الله روحه و دیگران بعد های معتبره و آیت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه این عمل را با خود او تعلیم فرمود بجهت تخلص او در پیش از حسین **ع** از ایات سید معتد است و بعضی صحابه نام موسی کاظم صلوات الله علیه و بعضی نام داود منتهی می شود و صورتی که در این حال چنانچه از مجموع روایات مستفاد و مضمون آنست که تر استید در اقبال ذکر نموده آنست که امام را در راه او و بن الحسن بن الحسن بن علی **ع** که در راه او حضرت تر استید امام حسن علیه السلام را در راه او حضرت امام جعفر صادق **ع** بود و پیش از او آن حضرت را شرف داده بود و چون محل آن حضرت بن الحسن در مدینه حروج کرد و منصوره و اینجای علی لغت شکر می فرستاد و او را کشتن و او را بر بردار محمد را نیز شهید کرده و عبد الله بن الحسن پدرا ایشان را با جمعی از مسلمانان گرفته باطلی از حقیق از مدینه بعراق بودند و داود نیز در میان آنها بود ام داود گوید که چون ملحق از حقیق فرزند من گذشتند از اخباری بن میر سید پوسه دعا و تصریح می کردم و از برادران تو من دیدان شکار و صلح و متعبدان زهادت تا راستند دعای دعا می نمودم و مطلقا اثر اشخاص نمی یافت و کاهی خیر نمی رسید که داود را گذشتند و کاهی می گفتند که او را با این **ع** او در زیر عمارت زده گذاشتند و روزی بر من مصیبت من عظیم تر از ده من بیشتر میشد تا آنکه از عزم کما ختم و پیر شدم و از ملاقات او مایوس گردیدم تا آنکه روزی شنیدیم که حضرت امام جعفر صادق **ع** را از آری غار رض شده است بعد از آن حضرت رفتم چون احوال آن بزرگوار را گرفتم و او را دعا کردم و خواستم بر کردم حضرت فرمود که از دو چیز خیر داری من بشیر او در آن بخشیده داده بودم چون نام داود را شنیدیم گریستیم و گفتیم فدای تو شویم داود کجاست او در عراق محمود است و من قطع امید از او کرده ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید او را در هر جماعتی شماست حضرت فرمود پس از آن دعا ای استغفار و دعای احیای و علاج و آن دعا می است که در هر ای آسمان بان کشته می شود و ملتک استنباط میکند کسی را که آنرا بخواند و بشاوت میدهد و او را با حاجت و آن دعا می است که از پنج دعا است که در هر یک از آنها دعا خوانده شود و خواننده آن را از آن غریب بیهوش نمیشد ام داود گفت که ای فرزند پدرا یکبار آن دعا را بخوان که آنرا چگونگی است این دعا حضرت فرمود که ای ملائکه او در ماه محرم یعنی ماه رجب نزد یک شده است و آن ماه است مبارک و حرمت آن عظیم است و دعا ها در آن مستجاب است چون آن ماه در آید روز سیزدهم و چهارم هر دو یا نزد هم آید که ایام البصیران ماه اندر روزه بدار پس حضرت کعبی است عمل را با و تعلیم نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و به هر کس تعلیم کنی که بر سرش بدست کسی افتد که برای امر باطلی و نامشروعی بخواند از دست او که از دعای بسیار بر می آید و مشتمل است بر اسم اعظم الهی که البته بر آورده می شود و اگر در راهی

آسمان و زمین هر سینه نشوند یا در باها خای با شد میان تو و حاجت تو چون از غار بخوانی لبه حق تعالی
آسمان میگرداند رسید از او طلب تو و حاجت تو بر می آید و هر که این دعا را بخواند خداستجا میگرداند
خواه مرد و خواه زن و اگر چیزی از این هر دو شمن فرزند تو باشد خداوند قادر کفایت شرکانش میکند
و زبان ایشان را می بندد و ایشان را منعقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت که نوشتم این دعا را و
و بخوانم که بعد از آن ماه رجوع اخل شد آنچه حضرت فرموده بود عمل آوردم و در شبش از دم نمائ
شام و خفتن را دارا کردم و از روز و اعضا نمودم و ظهری عبادت کردم و بخواب رفتم و آخر شب خواب
دیدم حضرت رسالت ص را با جمیع آن جماعتی که در این دعا برایشان صلوات فرستاده بودم از ملک ک
سجده و حضرت رسول ص بمن خطاب فرمود که ای داود درود بنیارت باد ترا که این جماعتی می هر را در
و اوران و شفیعیان تو اند و از برای تو طلب آید از ایشان سید هندی ترا که حاجت تو بر
آورده است پس بنیارت باد ترا که از ایشان خدا و خدا ترا جزای چیزی هد و شاد باش کن حق تعالی حفظی کند
ترا و فرزند ترا و از تو بر میگردد انشاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن
نگذشت زمانی که بعد از آنکه سوار شد روی از عرفه سینه آید که داود نسوی من آمد پس سوا کردم
از حال او گفت ای داود من در عرفان محسوس بودم در زمان بسیار کمی دست و زنجیر میسازم
و از خلاصی امید بودم تا روز نیندر رجب چون شب شد در خواب دیدم که بلند می ای میسازم
و ترا دیدم که روی حصیر نماز خود نشسته بودی و در دور تو مردی جیدی بود که سرهای ایشان در
پایهای ایشان رزمین بود و تسبیح و نیزه به خدا میگرداند پس یکی از ایشان که از هر خوش رو تر و خوش
نوتر و جامهای بسیار بزرگ در برداشت و گمان کردم که جدم حضرت رسالت پیام صلی الله علیه و آله است
خطاب کرد با من که بنیارت باد ترا ای فرزند عیوذه صالحه کن حق تعالی دعا نماید ترا در حق تو مستجاب
کرد چون بیدار شدم دیدم که رسولان منصوره و ایسی بر در زمان حاضر شده مطلب من آمده بودند
در میان شب مرا بیدار آوردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتن و ده هزار درهم که زیاد است
هزار تومان بوده بحساب آن زمان بمن عطا کرد و امر کرد که مرا بر چهار پای رهواری سوار کرد و در
نهایت سرعت بمدینه آوردند ام داود گفت که پس من داود را بنیارت حضرت صادق ص فرمودم حضرت
با او فرمود که سب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین ص را در خواب دید که با او فرمود
دعا کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا در این آتش میاندازم چون نظر کردم در ای آتش روزی پای خود دیدم
پس در هفت سیدار شد و از کرده خود پیشا ز کردید و تراها کردید **اما کفایت این دعا** چنانچه
در دعای سید طاوس مذکور و در اقبال نقل نموده است که ام داود گوید که حضرت امام جعفر
ص فرمود که در ماه رجب روز سینه هم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و روز نوزدهم در وقت
زوال بعد از ظهر رکعت نافله ظهر را بخوان و بر روایتی ثواب و کوع و سجده و آنها را بخوان پس

کفایت این دعا
بویا سینه بخوان

نماز ظهر را بخوان و بعد از نماز ظهر دو رکعت نماز کن هر سوره خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا
فاضی کواج الطالین پس هشت رکعت نافله عصر را کن و بروایتی در هر رکعت از این هشت رکعت
بعد از حمد سوره قل هو الله احد را سه نوبت و سوره انا اعطیناک الکر و ثکونک بخوان پس بخوان
عصر را کن و باید که نماز تو تمامه پاکیزه باشد و بر روایتی چون از نماز عصر فارغ شوی بیوش پاکیزه
ترنجامهای خود را و پیشین در سجده پاکیزه بروی حصیر پاکیزه و سعی کن که داخل نشوی در کسی که ترا
مشغول کرد اندیش و قبله کن و سوره حمد و قل هو الله احد را هر یک صد نوبت و آیه الکرسی را در
نوبت بخوان پس سوره انعام و نوح اسرا شبل و کهف و لقمن و قیس و صافات و حم سجده و معسوق
و حم دخان و انا نقضنا و اذ وقت و مبارک الذی سیده الملک و و والعلم و اذ السماء انشقت
تا آخر قرآن را بخوان و اگر نیکو نمانی این سوره ها را در قرآن نیز نیکو شود و سوره قل هو الله احد
را هزار مرتبه بخوان پس دست کوبه که شیخ ماستیج معین درم گفته است که هرگاه نیکو شود بخواند
این سوره های مخصوصه را با طاق خواندن آنها نداشتی پس سوره حمد صد نوبت و آیه
الکرسی را صد نوبت و قل هو الله احد را هزار نوبت بخوان و مزه در بعضی از روایات دیده ام که سوره
قل هو الله احد صد مرتبه بخواند و این روایت بر حال ضرورت یا سفر یا مهمی دیگر از مهمات مجول است
پس حضرت امام جعفر صادق ع در یکی از روایات فرمود که چون فارغ شدی از خواندن آنها بخوان از دعا را در وقت
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْبَصِيرُ الْحَبِيرُ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ
وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَبَلَّغْتَ رُسُلَهُ الْكِرَامِ
وَأَنَالَ ذَٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ وَ لَكَ الْعِزَّةُ
وَ لَكَ الْقَهْرُ وَ لَكَ الْبَغْيَةُ وَ لَكَ الْعِظَمَةُ وَ لَكَ الرَّخْمَةُ وَ لَكَ الْمَهَابَةُ وَ لَكَ
السُّلْطَانُ وَ لَكَ الْبَهَاءُ وَ لَكَ الْإِمْتِنَانُ وَ لَكَ التَّسْبِيحُ وَ لَكَ الْقَدَائِسُ

نماز ظهر را در وقت

الحکیم

وَالْقَهْرُ

وَالرَّسُولِ وَالْأَفْئِدَةِ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ أَسْمِ
مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ وَأَوْصِدْ صُلُوكِي لِيَهْتَمُّ
وَإِلَى أَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَبِكِرْمَتِكَ إِلَى كِرْمَتِكَ وَبِحُجُودِكَ إِلَى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ
إِلَى رَحْمَتِكَ وَإِبْهَالِ طَاعَتِكَ إِلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ
أَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْأَلَةٍ شَبَّهَتْ بِهَا غَيْرُهَا وَوَدَّ وَوَدَّ مَا دَعَاكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ
مُجَابَرَةٍ غَيْرِ حَقِيْقَةٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا حَكِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ
يَا مُبِينُ يَا جَمِيلُ يَا كَنِيذِلُ يَا وَكِيْلُ يَا مُقِيْدُ يَا حَجِيْرُ يَا حَبِيْرُ يَا مُبِيْرُ يَا مُبِيْرُ
يَا مُنِيْعُ يَا مُدِيْلُ يَا حُجِيْلُ يَا كَبِيْرُ يَا قَدِيْرُ يَا بَصِيْرُ يَا شُكُوْرُ يَا بَرُّ يَا طَهْرُ يَا
ظَاهِرُ يَا فَاهِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا سَانِرُ يَا حُجِيْبُ يَا مُقْتَدِرُ يَا حَفِيْظُ يَا حَجِيْرُ
يَا قَرِيْبُ يَا وَدُوْدُ يَا حَمِيْدُ يَا حَمِيْدُ يَا مُدِيْعِي يَا مُعِيْدُ يَا شَهِيدُ يَا حَسْبُ
يَا حُجَبِيْلُ يَا مُنْعَمُ يَا مُقْتَدِرُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِي يَا مُرْسِدُ يَا مُرْسِدُ
يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِي يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ يَا بَاقِي يَا وَاقِي يَا خَلَّاقُ يَا وَهَّابُ
يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ يَا مُفْتَاِحُ يَا مُرْتَاِحُ يَا مَنْ يَسِيْرُ كُلِّ مُفْتَاِحٍ يَا فَتَّاحُ

بِسْمِ اللَّهِ

مُجَابَرَةٍ

يَا رُفُوعُ يَا عَطُوفُ يَا كَافِي يَا شَانِي يَا مُعَالِي يَا مُكَافِي يَا وَفِي يَا مُهَيْمُنُ يَا عَزِيْزُ
يَا جَبَّارُ يَا مُسْتَكْبِرُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا نُورُ يَا مُدَبِّرُ يَا قَدِرُ
يَا وَشَرُ يَا قُدُّوسُ يَا نَاصِرُ يَا مُؤْنِسُ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا عَالِمُ يَا حَاكِمُ يَا
بَارِيُّ يَا بَادِيُّ يَا مُعَالِي يَا مُصَوِّرُ يَا مُسَلِّمُ يَا مُحْسِبُ يَا قَائِمُ يَا دَائِمُ يَا
عَلِيْمُ يَا حَكِيْمُ يَا جَوَادُ يَا بَارِيُّ يَا بَارُ يَا سَابِقُ يَا عَدْلُ يَا فَاضِلُ يَا دَائِمُ
يَا حَسْبَانُ يَا مَتَانُ يَا سَمِيْعُ يَا بَدِيْعُ يَا خَبِيْرُ يَا مُعْتَبِرُ يَا مُعِينُ يَا نَاشِرُ
يَا غَافِرُ يَا قَدِيْمُ يَا مُسَهِّلُ يَا مُبِيْتِرُ يَا مُبِيْتِي يَا نَافِعُ يَا رَافِعُ يَا مُقْتَدِرُ
يَا مُسَبِّبُ يَا مُعِيْثُ يَا مُعْنِي يَا مُعْنِي يَا خَالِقُ يَا رَاصِدُ يَا وَاحِدُ يَا حَاضِرُ
يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ يَا شَدِيْدُ يَا عِيَاثُ يَا عَالِمُ يَا قَابِضُ وَوَدَّ رَعِيْضِي يَا مُنِيْبُ
يَا مُبْتَلِيُّ يَا ظَاهِرُ يَا حُجِيْبُ يَا مُقْتَدِرُ يَا مُسَجِّبُ يَا عَادِلُ يَا بَصِيْرُ يَا مُؤْمِلُ
يَا مُسَدِّدِي يَا وَاقِي يَا رَاصِدُ يَا مَلِكُ يَا مَرْتَبُ يَا مُدِيْلُ يَا مُعِيْنُ يَا نَاصِرُ
يَا رَافِعُ يَا وَاقِي يَا فَاضِلُ يَا سُبْحَانَ يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلَى فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ
الْأَعْلَى يَا مَنْ قَرَّبَ قُدُّوْنَا وَتَبَعَدَ قَنَايَ وَعَلِمَ السِّرَّ وَالْحَقِيْقَى يَا مَنْ
لَيْسَ لِشَيْءٍ قَدْرٌ وَلَا لِمَقَادِيْرٍ يَا مَنْ الْعَسِيْرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ كَيْسِيْرُ

هادي

بارون
يا مقدر

مبتدئ
واسد

يَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ يَا مُرْسِلَ الرِّيحِ يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ
 يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّمْحِ يَا ذَا مَا قَدَفَاتِ يَا نَاشِرَ الْأَمْوَالِ بِالْجَامِعِ الشَّيْءِ
 يَا ذَا زِقَمِنِ يَشَاءُ وَيَفَاعِلُ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ يَا ذَا الْإِحْلَافِ وَالْإِكْرَامِ
 يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيُّ إِلَّا حَيْثُ يَا حَيُّ يَا حَيُّ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا إِلَهِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ
 مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَبَّمْتَ
 عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقِي وَفَقْرِي وَانْفِرَادِي
 وَوَحْدَتِي وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ وَتَضَرُّعِي لِيَدَيْكَ أَدْعُوكَ
 دُعَاءَ الْخَاضِعِ الدَّلِيلِ الْخَاشِعِ الْخَائِفِ الْمُسْتَعِينِ الْبَائِسِ الْمُهَيَّبِ الْحَقِيرِ
 الْجَائِعِ الْقَبِيرِ الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ الْمَغْتَرِبِ بِدِينِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكِينِ
 لِرَبِّهِ دُعَاءَ مَنْ أَسْأَلُكَ تَقْنَةً وَمَرْضَانَةً أَحَبَّتَهُ وَعَظْمَتِ فَجَعَلْتَهُ دُعَاءَ
 حَرِّ جَزِينِ صَعِيفِ مَهِينِ بَائِسِ مُسْتَكِينِ بِكَ مُسْتَجِيرِ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ
 مُلِكٌ وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ وَأَنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَأَسْأَلُكَ
 بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَالْمَشْرِعِ الْحَرَامِ

بِعَبْرَةِ حَبَابٍ
 وَسَيِّدِي
 وَرَحْمَتِي

وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَبِحَبْحَبَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامِ يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَيْئًا
 وَلِإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَرَاحِمَةَ وَيَا مَنْ رَدَّ يُوْسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ وَبَارَانَ
 كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ أَيُّوبَ يَا رَادَ مُوسَى عَلَى أُمِّهِ وَيَا زَاكِيَةَ الْخَضِرِ
 فِي عَلَيْهِ وَيَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ وَلِزَكَرِيَّا يَحْيَى وَلِمَرْيَمَ عِيسَى
 وَيَا حَافِظَ بَيْتِ شَعِيبَ وَيَا كَافِرَ لِدَ مُوسَى عَنْ وَالِدَيْهِ أَسْأَلُكَ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَتَجْعَلَ لِي مِنْ
 عَذَابِكَ وَتُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَرِاحَتَكَ وَعُفْرَانَكَ وَجَنَانَكَ
 وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُقَدِّمَ عَلَيَّ كُلَّ حَلْفَةٍ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي وَتَقْتَحِيَ لِي
 كُلَّ بَابٍ وَتُلْقِنِي لِي كُلَّ صَعْبٍ وَتُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيٍّ وَتُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ
 نَاطِقٍ بِشَرٍّ وَتَكْفِتَ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ وَتَكْتُمَ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ وَخَاسِدٍ وَتَمْنَعْ
 عَنِّي كُلَّ ظَالِمٍ وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عَائِلٍ بِجَوْلِ بَيْنِي وَبَيْنَ وَوَلَدِي وَتُجَاوِلَ أَنْ
 يُعَيِّرَ قَبِيحِي وَبَيْنَ طَاعِنِكَ وَتُيَدِّطَنِي عَنْ عِيَادَتِكَ يَا مَنْ أَلْجَمَ الْجَنِّ الْمُنْتَهِدِينَ
 وَقَهَرَ عُنَاةَ الشَّيَاطِينِ وَأَذَلَّ رِقَابَ الْمُجْرِمِينَ وَرَدَّ كَيْدَ الْمُسَلِّطِينَ
 عَنِ الْمُسْتَغْفِرِينَ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ وَتُسَهِّلُكَ لِمَا تَشَاءُ

المنه

أمره

حلفت صبيحة

لي

حاجتي

تجدد

كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ بِسْمِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ
رُوي نحوه لبرخاک بگذارد و بگو
لَكَ سَجْدَتُكَ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقِي وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي وَتَسْكِينِي وَفَقْرِي

الَيْتُ يَا رَبِّ وَسَوْ كُنْتُ كَأَنَّكَ تَزِيدُهَا تَبِيْرًا أَيْدِيًا كَرِيمَةً بَعْدَ مَسْئَلَتِكَ بِأَنَّهَا لَمْ تَجِبْ
دعاست پس سید گوید که این دعا صحیحه در یکی از روایات وارد شده است و هرگاه بخند
استجاب دهد تا سجده باشد پس سزاوار است که احتیاط در دعا این سجده بهمان آید و ذکر آن برای این سجده
در روایات و یکر وارد شده است نیز خوانده شود پس در روایت دیگر وارد شده است که حضرت بام د اود
فرمود که بعد از دعا سجده کن برخاک و برپلوهای روی خود را برخاک بگذارد و بگو
اللَّهُمَّ لَكَ سَجْدَتُكَ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَكَبُوفِي

لِحُرِّ وَجْهِي وَفَقْرِي وَفَاقِي وَسَوْ كُنْتُ كَأَنَّكَ تَزِيدُهَا تَبِيْرًا أَيْدِيًا كَرِيمَةً بَعْدَ مَسْئَلَتِكَ
سوزن باشد که این علامت اجابت است و در روایت دیگر
وارد شده است که بام د اود فرمود که پس سجده کن برخاک و برپلوهای روی خود را برخاک بگذارد و بگو
اللَّهُمَّ لَكَ سَجْدَتُكَ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَخُصُوْعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَفَقْرِي
فَاقِي يَا رَبِّ وَارْحَمْ انْفِرَادِي وَخُصُوْعِي وَاجْتِهَادِي بِسْمِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ

عَلَيْكَ اللَّهُمَّ بِنِ اَسْتَفْتِحُ وَبِكَ اَسْتَسْتَجِ وَبِحَبْلِ عِبْدِكَ وَرَسُولِكَ
اَتُوْحَهُ اَلَيْتُ اللَّهُمَّ سَهْلٌ لِي كُلَّ حَزْوٍ وَتَزِدُ لِي لِكُلِّ صَعُوْبَةٍ

وَاعْطِنِي مِنَ الْحَيْرَاتِ كَثْرًا حِوَاوِ عَافِي مِنَ الشَّرِّ وَاصْرِفْ عَنِّي
السُّوءَ بِسْمِ اللَّهِ يَا فَاضِلُ حَوَائِجِ الطَّالِبِيْنَ اِقْضِ حَاجَتِي بِطَبْعِكَ يَا حَيُّ الْاَلَا تُفِي
مرتبه بگو

پس حضرت فرمود که سوزن کن که قطرات اشک از دیدن حاجت جاری شود اگر چه بگذرد سرشوزنی باشد
بدرستی که علامت استجاب از دعا سوزن شود و در روایت دیگر چنین است که

بگو

بِسْمِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ
برخاک بگذارد و در سجده بگو
وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقِي وَخُصُوْعِي وَذُلِّي وَانْفِرَادِي

وَمَسْئَلَتِي وَفَقْرِي وَكَبُوفِي لَوْجْهِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَسَوْ كُنْتُ كَأَنَّكَ
قطرات اشک
از دیدن حاجت جاری شود اگر چه بگذرد سرشوزنی باشد که علامت استجاب از دعا سوزن شود و در روایت دیگر چنین است که
تَوَكَّلْتُ وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقِي وَخُصُوْعِي وَذُلِّي وَانْفِرَادِي

وَمَسْئَلَتِي وَفَقْرِي وَكَبُوفِي لَوْجْهِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَسَوْ كُنْتُ كَأَنَّكَ
دوامت ذکر نموده و چون بعضی دیگر از علما مانند شیخ طوسی و کفعمی و علامه حلی رضی الله تعالی عنهم و
غیر ایشان این عمل شریف را مطربین دیگر در کتب خود یاد کرده اند و روایات سید بعضی با بعضی مخالف
و با روایات سایر علما در بعضی از خصوصیات مخالف تمام دارد لهذا لازم است که مواضع
اختلاف را با طریق احتیاط در بیان بعضی از فوائد متعلقه باین مقام یاد کرد تا کسی که این عمل
شریف بجا آورد عارف بجمل احتیاط بوده از خصوصیات این سوختن که میگوید و امور مذکور
چند چیز است **اول** وقت غسل این علاج در روایت سید وقت ذوالواقع شده چنانچه در استی و
در روایت دیگر قریب بزوال مذکور است و احوط آنست که قبل از ظهر متصل ظهر واقع شود تا بعد
بهرد و روایت شده باشد و بدانکه ظاهر حال آنست که این غسل بجزی باشد از غسل و زینهنها بر احوال
اطهر چنانچه مذکور شد و الله تعالی اعلم **دوم** وقت پوشیدن جامه پاک در روایات سید مختلف است و
بعضی قبل از نمازها و در بعضی بعد از نماز عصر است و ظاهر اینست و در روایت مجمل بر پنج چیز اول افضل
نماید و اگر جمیع نیاز هر دو شود که دو جامه بسپوشد یکی بعد از غسل و قبل از نمازها و یکی بعد از نماز
احوط است **سیم** وقت در رفتن بخانه خلوت در روایات سید بعد از نماز عصر واقع شده و شیخ در
مصباح و کفعمی در رختخانه الامان بعد از غسل ذکر نموده اند و روایت سید صحیح است زیرا که ادو از بعضی جهات
خصوصاً در مساجد که محل اجتماع مسلمانان است افضل است **چهارم** در رختخانه الامان کفعمی و اکثر نسخ مصباح
شیخ زیاده از نماز ظهر و عصر نمازی ذکر میگویند حتی بوقت غروب نیز ذکر نشده است و ممکن است که ایشان
سوا فلان باشد و عدم ذکر آنرا از ظاهر ظاهر آن باشد زیرا که فواید این از لوازم است و دروغ و تعویب مفید
آنست که در هر چه شرعی ترک نشود و اگر ترک شود قصاص شود چنانچه در احادیث بسیار تأکید را این باب وارد
شده است پس ایشان نیز از این احتیاج تبصره نیست و در معنی از نسخ مصباح چنین است که بعد از نماز ظهر
هشت رکعت نافله عصر بجا آید و بعد از آن دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت بعد از هر رکعت و سجده
ایتر شریف الله اشد لا اله الا هو و الله اکبر و اولوا العلیه تأیماً بالعیض لا اله الا هو و اولوا العلیه تأیماً بالعیض

بِسْمِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ كُنْ بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَةِ اللَّهِ

بگو

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفْتِ الَّذِينَ أُولُو الْأَلْبَابِ إِلَّا فِي بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ بِالْعِلْمِ
بِعَمَّا أَنْبَأَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ **صَدَقْتُ** يَا
فَاضِلُ حَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْتُوبِي عَبْدًا نَزَّانَ كَعْنَةَ كَرِيمَةَ وَرَوَيْتُ دِيكَرَ جَنِينِ لَسْتُ كَهَفْتُ نَوَيْتُ آيَةَ
الْكَرِيمِ وَصَدَقْتُ يَا فَاضِلُ حَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْتُوبِي عَبْدًا نَزَّانَ مَنَّا عَصْرًا بِحَاثِيَا وَرَوَيْتُ حَقِّي نَمَانًا
كَعْبَارِيَا بِرَبِّكَ مَصْبَاحِ مَشْتَبِهِ وَجِدْتُمْ بِحَالِ دَعْوَانِ مِيرِ دَرْزِيَا كَهَفْتُ نَوَيْتُ حَوَالِجِ
الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ كَهَفْتُ نَوَيْتُ مَنَّا عَصْرًا مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
بِالْبَصْدِ نَوَيْتُ حَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
أَخْرَجْتُ نَوَيْتُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
وَصَدَقْتُ يَا فَاضِلُ حَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
كَهَفْتُ نَوَيْتُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
دَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
بِحَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
رَأَيْتُمْ مَا يَكُونُ وَبِحَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
رَأَيْتُمْ مَا يَكُونُ وَبِحَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
نَزَّانَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
كَهَفْتُ نَوَيْتُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
رَغَائِبِ جَمِيعِ سُوْرَاتِ وَاحْتِمَالَاتِ مَتَعَسَّرَ مَعَالِجِ بَعْضِ إِعْمَالِ اسْتِغْفَارِ وَقَدْ كَانَ وَفَاغِيهَا
ظَاهِرًا بِأَنَّ إِخْلَافَاتِ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
أَتَى كَلِمَاتُ بَعْضِ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
يَا كَيْفَ يُوْشِدُ هَشْتُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
وَكَعْنَةُ دَوْمِ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
دَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
بِالْبَصْدِ نَوَيْتُ حَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
بِالْبَصْدِ نَوَيْتُ حَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
وَعَدَا نَوَيْتُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
آيَةَ الْكَرِيمِ وَبَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
دَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ

عبد

بِالْبَصْدِ نَوَيْتُ حَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ

بَابُ سُوْرَةٍ بِهَا جَاءَ نَحْوُ سِتَّةٍ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
أَكْرَمُ بَعْضِ إِعْمَالِ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
هَلْ فِي نَوَيْتِ وَرَدِ شَدِيدِ اسْتِغْفَارِ اسْتِغْفَارِ اسْتِغْفَارِ اسْتِغْفَارِ اسْتِغْفَارِ
دَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
خَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
كَهَفْتُ نَوَيْتُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
خَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
فَارِغِي شَيْءًا مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
بِالْبَصْدِ نَوَيْتُ حَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
وَهَرِدُ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
إِعْمَالِ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
مِثْوَانِ جَاءَ أَوْرَدُ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
خَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
غَيْرِ شَيْءٍ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
بِالْبَصْدِ نَوَيْتُ حَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
أَزْوَاجِ صَادِقَةٍ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
فَاطِمَةُ بِنْتُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
سَيِّدِنَا طَاوِسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
خَالِدُ بْنُ مَرْثَدَةَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
وَلِدْحَانِ سَنِيَّةٍ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
وَجُونِ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
بَابُ نَوَيْتِ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
سَيِّدِنَا طَاوِسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
حَضْرَتِ امَامِ رَضَا عَلِيِّ بْنِ مَوْلَانَا هُوَذَا مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
دَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
مَرَدُ بَاشَدُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
رَوَحِدُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ
مِثْوَانِ جَاءَ أَوْرَدُ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَدَوْمِ بَعْدَ إِحْدَى سُوْرَةٍ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ

بِالْبَصْدِ نَوَيْتُ حَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ

بِالْبَصْدِ نَوَيْتُ حَوَالِجِ الصَّالِحِينَ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ مَكْنُاسُ

اَللّٰهُمَّ عَلَيَّكُمْ يَا اَللّٰهُ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا صَفْوَةَ اَللّٰهِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا سَادَةَ
 السَّادَاتِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ عَلَى لِيُوْثِ الْغَابَاتِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا سَمْعَانَ النَّجَّارَ
 اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا اَبَا عَبْدِ اَللّٰهِ الْحُسَيْنِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْاَنْبِيَاءِ وَرَحْمَةَ
 اَللّٰهِ وَبَرَكَاتِهِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا وَارِثَ اِسْمِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا وَارِثَ
 مُوسَى كَلِيمِ اَللّٰهِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا وَارِثَ عَيْدِي رُوحِ اَللّٰهِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا وَارِثَ
 مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اَللّٰهِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا بَنَ عَلِيٍّ
 الْمُرْتَضَى اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الرَّضْوَى اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا بَنَ خَدِجَةَ الْكُبْرَى
 اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا شَهِيدَ بَنِ الشَّهِيدِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا قَتِيلَ بَنِ الْفَتِيلِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ
 يَا وَلِيَّ اَللّٰهِ يَا بَنَ وَلِيِّهِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا حُجَّةَ اَللّٰهِ يَا بَنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ
 اَشْهَدُ اَنَّكَ اَمْتٌ الصَّلٰوةِ وَاتَّبَتِ الرُّكُوْعَ وَامْرَأَتٌ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتِ عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَرَزَقْتِ بِيْوَالِدَيْكَ وَجَاهَدْتِ عَدُوْكَ وَاشْهَدُ اَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتَسْرُدُ
 الْجَوَابَ وَاَنَّكَ حَبِيبُ اَللّٰهِ وَخَلِيْلُهُ وَحَبِيْبُهُ وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيَّتِهِ يَا مَوْلَا
 ذِمَّتِكَ مُشْتَا فَا مَكْنُ لِيْ شَفِيْعًا اِلَى اَللّٰهِ يَا سَيِّدِيْ وَاسْتَشْفِعْ اِلَى اَللّٰهِ بِحَبْلِكَ
 سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِابِكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَبِاَمْرِكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ

لفظ
 يا ليوث



اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ قَاتِلِيْكَ وَكَلِمَةَ اَللّٰهِ ظَالِمِيْكَ وَكَلِمَةَ اَللّٰهِ سَائِلِيْكَ وَمُبْغِضِيْكَ
 مِنْ الْاَوْلِيَاءِ وَالْاٰخِرِيْنَ وَصَلَّى اَللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِيْنَ
 الطَّاهِرِيْنَ بِرُضْخِ مَبَارَكِ رَامِيُوْنِ مَتَوَجِّهٍ شَوْلَبُوِيٍّ عَلَى اَتَمِّ اَتَمِّكُمْ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ
 مَوْلَايَ لَعَنَ اَللّٰهُ قَاتِلِيْكَ وَكَلِمَةَ اَللّٰهِ ظَالِمِيْكَ اِنَّكَ اَقْرَبُ اِلَى اَللّٰهِ بِرُزْيَا
 وَحُبِّكَ يَا اَبْرًا اِلَى اَللّٰهِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ
 اَللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا بَنَ بَرُوْنَةَ قَتُوْمَةَ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ عَلَى الْاَدْوَا حِ الْمُنْجِيَةِ بِقَمْرِيْ
 عَبْدِ اَللّٰهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا ظَاهِرِيْنَ مِنْ الدُّنْيَا
 اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا مَهْدِيُوْنَ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ يَا اَبْرَارَ اَللّٰهِ اَتَمَّ اَتَمِّكُمْ
 وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَاقِقِيْنَ بِقُبُوْرِكُمْ اَجْمَعِيْنَ جَمَعَنَا اَللّٰهُ وَيَا كُمْ فِي
 مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتِ عَرْشِهِ اِنَّهُ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ
 اَللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا بَنَ بَرُوْنَةَ بِنْتِ عَمْرِو بْنِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ سَلَامُ اَللّٰهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ
 الْمُفْتَرِّقِيْنَ وَاَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِيْنَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِيْنَ وَجَمِيْعِ الشُّهَدَاءِ وَ
 الصِّدِّيقِيْنَ وَالزَّكَايَا الطَّيِّبَاتِ فَيَا قَتِيْلَةَ تَرُوْحِ عَلَيْكَ يَا بَنَ
 اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَشْهَدُ لَكَ بِالسَّلَامِ وَالصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ وَالنُّصِيْحَةِ

يا محسن عليها السلام واوراها بنو ذواتها

ويا بيت وكيو

عليها السلام وورقها بنو ذواتها

مُخَالَفَ لِنَبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُرْتَدِّ وَالسَّبِّ الْمُنْتَجَبِ وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ
وَالْوَصِيِّ الْمُبْلِغِ وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ
بِمَا صَبَرْتُمْ وَاحْتَسَبْتُمْ وَأَعْتَقْتُمْ فَبِعَنِّي الدَّارِ لَعَنَّ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ
وَلَعَنَّ اللَّهُ مَنْ جَهَلَ حَقَّكَ وَاسْتَحَفَّتْ جِحْرَمُكَ وَلَعَنَّ اللَّهُ مَنْ حَالَ
بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفُرَاتِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتَلْتَ مَظْلُومًا وَأَنَّ اللَّهَ
مُخَيَّرٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ حُجَّتُكَ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِذَا لَيْكُمُ وَقَلْبِي
مُسَيِّمٌ لَكُمْ وَتَابِعٌ وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ
وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ فَعَسَىٰ مَعَكُمْ لَأَمْعٌ عَدُوٌّ كُمْ إِنْ كُنْتُمْ يَا أَيُّهَا
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبَيْنَ خَالِفِكُمْ وَقَتْلِكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً

قَتَلْتُمْ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ **تفاوت** كويد که این زیارت را عقیقه مینامند بحیثی
آنکه اکثر مردم از فضیلت و ثواب آن غافل شده
و باین جهت از این موهبت کبری و عطیة عظمی محروم میگردند و بدانکه ظاهر کلام شیخ معنی آنست که
این زیارت برای خصوص این دو زینب و زینب کبری و کفعمی در حجة الامان زیارت طولی است و اول رجب
که سابق مذکور شد برای زینب و زینب کبری و کفعمی در حجة الامان زیارت طولی است و اول رجب
که واقف نشدم بر زیارت مخصوصی برای این دو زینب است که زیارت جامع مخصوصی است که در حجة
سابق زیارت مطلقه منقوله خوانده شود و قول سید صاحب و انوشیروانی است که زیارت را در کتب شیخ معنی
ذکر نموده زیارتی است که جامع است بر عقیقه انصاری و در دو بار و بعضی آنحضرت را باین زیارت نموده

و ظاهر

و ظاهر چون اصل زیارت درین دو روز ثواب عظیم دارد چنانچه مذکور شد و زیارت مخصوصی نقل شد
و این زیارت با وجود اختصاص از فضاحت و بلاغت دارد شیخ آنرا اختیار نموده است و الله تعالی بعلم
و اگر کسی در بلاد بعیده باشد زیارت عیسی یا سایر زیارت بعیده زیارت نماید **شب نهم و ششم**
سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله سی رکعت نماز هر دو رکعت یک سلام در هر رکعت
بعد از حمد سوره قل هو الله احد و نوبت در این نموده مانند شب نهم در هر رکعت و ثواب **شب نهم**
کوی که کفعمی در حجة الامان نیز درین وقت سوره قل هو الله احد را یا زده مرتبه نقل نموده و کوی ابو
نموده و جهت سه بود شب نهم در هر رکعت سوره قل هو الله احد را یا زده مرتبه نقل نموده و کوی ابو
با اقبال موافق است **شب دهم** سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله سی رکعت نماز هر دو رکعت یک سلام در هر رکعت
در این شب دو رکعت نماز یکسره و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد و نقل عود بر سبب اهل
و نقل عود بر سبب الناس را هر یک ده نوبت بخواند چون فارغ شود حق تعالی بملئکه فرماید که اگر کسانها
این روز زیاده از کسانها نماز کرده اند یا این نماز آمرزیدیم و بگردانیدمانه او و آتش حبه
شش خندق که هر چند قیامان انسان از زمین باشد **شب نهم** کوی که کفعمی در حجة الامان سوره
قل هو الله احد یکسره ذکر نموده است **روز نهم** شیخ طوسی طلب تراه در کتاب مصباح گفته است
که وفات ابرهیم پسر رسول خدا و لعن بر آنها کرد در این صید شتابت کرد بدست است خصوصاً
غالبه علیها اللع **شب نهم** سید در کتاب مذکور از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سی رکعت نماز هر دو رکعت یک سلام در هر رکعت
شب چهار رکعت نماز یکسره هر دو رکعت یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد آیه الکرسی و سوره قل هو الله
احد را هر یک یا زده نوبت بخواند عطا فرماید حق تعالی با ثواب زیارت حضرت موسی و از برای او
بعضی هر چه در ثواب شریک باشد و حق تعالی بملئکه سرشارت برای او فرستد **اول** آنکه رسوا
نکند او را در موقت قیامت **دویم** حساس فرماید او را **سیم** داخل بهشت کرد اند او را در حساس چون
در برابر حق تعالی در موقت قیامت باشد باو خطاب فرماید که ای سید مؤمن منزه و اندو همتا کیست
که من از تو خوش شوم و بهشت از برای تو مباح است **شب بیستم** سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت
دو رکعت نماز هر دو رکعت یکسره و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را یا زده نوبت
بخواند عطا فرماید با حق تعالی ثواب حضرت ابرهیم و موسی و عیسی علیهم السلام را و هر
این نماز را یکسره نماز کند باو هیچ یک از حق بر او حق تعالی باو نظر رحمت کند **شب بیست و یکم**
سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله سی رکعت نماز هر دو رکعت یک سلام در هر رکعت
هر دو رکعت یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را هر یک ده مرتبه
بخواند حق تعالی امر فرماید ملئکه که ای کاسین اعمال را که تا یکساله بر او هیچ گناهی نبویست و حسنات
نبویست در برای او فرمودم بخواند و ندی که نفس نوری در قفسه قدرت اوست و نماز او را سستی بر سر برین

فرشاده است که هر که دوست دارد مرا بخازد و این ناز را بجا آورد و اگر آیشاده نماز باشد نشسته
بکند پس چنانچه منافی منافع است سیفر نماید با او باشد که خود و میگوید که آمرزیدیم او را **روز نوبت** کجین
شیخ طوسی در صباح از ابن عباس نقل نموده است که درین روز حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها
بیتام نماز احوال نموده و حد علامه ام قدس سره بقدر روح در کتاب زاد المشا کفنه که این قول اگر چه حد
شهر و راست اما لعن بر ظالمان و فغان آن حکم کوشه حضرت رسالت که عده آنست **الخطبات**
علیه اللع و العذاب است و زیارت آنحضرت احیای مناسب است **مؤلف** گوید که این قول بیک
و وجه نقل آن است که اکثر علمای شیعه را اعتقاد است که حضرت رسالت هم در بیت و چشم
صغیر نیامد بجا ارتحال نموده و احادیث معتبره بسیار روایت میکنند بر آنکه حضرت فاطمه زهرا صلوات
الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت هم در حیات بود بنابراین باید که قضیه هایلید حضرت
فاطمه علیها السلام در اوایل ماه جمادی الاولی واقع شده باشد و اگر علمای شافعی هم ماه جمادی الثانی
گفته اند و اقوال دیگر نیز هست که در مباحث خود مذکور خواهد شد و هر بعد است **شب بیست و**
دوم سید در کتاب عماد کور از حضرت خاتم المرسلین هم روایت کرده است که هر که در این شب هشت گشت
ناز کند هر دو رکعت بیکلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون هفت نوبت و بعد
نماز ده مرتبه صلوات بر آنحضرت و آل او بفرستد و ده نوبت استغفار کند چون نوزده از دنیا
ناخالی خود را در پیش بر میسد و بر مذهب اسلام ببرد و برای او ثواب هفتاد سیصد باشد **مؤلف**
گوید که کفنی در درخت الامان بعد از نماز ده مرتبه صلوات و سلام بر آنحضرت و آل او هر دو یاد کند
نموده است پس اگر اللهتم صلوات علی محمد و آله و سلم یا امثال آن که مشتمل بر صلوات و سلام هر
باشد کفنه شود و بهتر است و در استغفار لفظ استغفر الله کافی است **استغفر الله ربی و انی الیه راجع**
ایله ارجع است روز بیست و دوم شیخ معین و شیخ طوسی علیهما الرحمة گفته اند که در این روز معویب علیه السلام
بجهت و اصل شد و اولاد علامه در کتاب ریقه الخراج و حد علامه ام در کتاب زاد المشا گفته اند که باین
جهت سزاوار است که این روز را روز عیش و سوخود دانسته بشکرت هلاکت آن ملعون از
و آمد و مطهر بود و کاه احد صد این روز مبارک است همچون ملاوزه مبارک **شب بیست و دوم** سید در
کتاب مذکور از حضرت خاتم الانبیاء علیه و آله الخیر و النقاء روایت کرده است که هر که در این شب
دو رکعت نماز بجا آورد و هر رکعت بعد از حمد سوره و الضحیٰ نوبت عطا فرماید و حق تعالی بعد
هر جری که خواهد است و عده هر مرد که فرودن کافری که در دنیا بوجود آمده و در جبهه و در پیش زانو
بدهد با او ثواب هفتاد و چهار توابعی که تسبیح هزار خنجره کرده باشد توابعی که باین هزار
مردی رفت باشد و ثواب کجی که هزار خنجره بر آرد از نوبت بر آورده باشد **روز بیست و سوم**
شیخ طوسی در صباح و دیگران گفته اند که در این روز خنجره خنجره بر آرد بر آنبارک حضرت امام

حسن جمعی که زنده و حد علامه طاب ثراه در زاد المشا کفنه است که باین جهت در این روز لعن بر ظالمان
فانلان آنحضرت مناسب است **شب بیست و چهار** سید در کتاب مذکور از رسول خدا هم روایت کرده است
که هر که در این شب هجده رکعت ناز کند هر دو رکعت بیکلام و در هر رکعت بعد از حمد آیه امن الرسول لیکون
وسوره قل هو الله احد را بکینوب بخواند حق تعالی بگوید برای او هزار حسنه و شکر کند از او هزار مرتبه
ستیه و سلب کند از او هزار مرتبه و فرود آید از آسمان هزار سال که دستها از او بر داشته
بر او فرستند و روزی کند او را سلامی در دنیا و آخرت را و چنان باشد که شب قدر را در این شب باشد
مؤلف گوید که در این موضع نیز کفنی در درخت الامان سه و نموده و اکثفا سوره قل هو الله احد
و آیه امن الرسول را نقل نموده است و حد علامه ام سولا نامحد نفی بر با سید مطابق نقل نموده است
روز بیست و چهار شیخ طوسی در صباح و سید بن طاووس در اقبال که دیگران نقل نموده اند
که در این روز نوزده خیر بر دست معجز نمای اسد الله العالی علی بن ابیطالب صلوات الله علیه خاتم
و مرجب بودی بردست آنحضرت گشته شد و حد علامه ام طاب ثراه در زاد المشا گفته اند که
گفته اند که در این روز نوبت کرای نعمت و ناز را آنحضرت مستجاب است **شب بیست و پنجم**
سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت روایت کرده است که هر که در این شب بیست و یک رکعت نماز
ما بین مغرب و عشا بکند هر دو رکعت بیکلام و در هر رکعت بعد از حمد آیه امن الرسول لیکون
نوبت و سوره قل هو الله احد بکینوب حق تعالی حفظ کند او را در پیش و اهل دین و مال و
دینا و آخرت او و بر خنجره از جای خود تا او را بیاورد **مؤلف** گوید که کفنی در درخت الامان در
موضع بر عکس سابق گفته با آیه امن الرسول نموده و سوره قل هو الله احد را ذکر کرده است
روز بیست و پنجم مشهور میان علمای چنانچه شیخ در صباح و دیگران نقل نموده اند است که
وفات حضرت امام موسی کاظم هم در این روز بوده است و باین جهت ما بر آنحضرت در این روز از
نزدیک و دور مناسب است و سید بن طاووس در اقبالی گفته اند که این با و بر رخص در کتاب بیفتد و
کتاب برشته و صاحب کتاب ستور المذکرین گفته اند که در این روز حضرت رسالت صغیر را
کرید بیرون کرده و در این روز کفار و دو بیست سالگناه او باشد و این قول ضعیف است چه
تمام علما شیعه رضوان الله علیهم در بیست و هفتم در روز سبت میدانند چنانچه در احادیث معتبره
بسیار وارد شده است و بعد از این مذکور خواهد شد و سید در جمع میان این دو قول گفته است
که ممکن است که بشارت به بعثت آنحضرت در این روز و اصل بعثت در روز بیست و هفتم باشد و هر
تقدیر روزی از این روز فضیلت عظیم دارد چنانچه این روز بزرگوار نقل نموده اند و شیخ در صباح
نیز گفته است که در روایتی وارد شده است که هر که مرده دارد این روز را کفار و دو بیست سالگناه او باشد
و سید در اقبالی سبب بسیار معتبر از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که این

كبريه وازدردن خود را سزاوار کند و بر جمیع طرفی که در و با این سزاوارند کوراست کرده خواهد بود و چون
 سستد و از دره رکعت نمازی کرده و عمل دویم مذکور شد صغیرات و سایر طهارت و آن معتبر تر است که هر
 از نمازده مرتبه سوره سبح اسم و آنا از لانه را ترک نماید و صد مرتبه صلوات و سلام و صد مرتبه
 استغفار از اعدا نماز نیز ترک کند و سایر اعمال را چنانچه مذکور شد بعمل آورد آسان تر و عمل به طریقی
 معجزه کرده خواهد بود و الله اعلم بالصواب رسول و اهل بیتا علم حقانین لا یومر ششم سید زکریا و سید زکریا صاحب
 الزاب و کفعمی در حین اذان و سید نبی در در مصباح گفته اند که در شب مستحق است که اسید خا را بخواند
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَجَلِيِّ الْأَعْظَمِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعْظَمِ وَالْمُرَبِّ
الْمَكْرَمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَعْفِرَ لَنَا مَا أَنْتَ بِهِ مِنَّا
أَعْلَمُ يَا مَنْ يَعْلَمُ وَلَا يَعْلَمُ اللَّهُمَّ وَبَارِكْ لَنَا فِي لَيْلَتِنَا هَذِهِ الَّتِي بَشَّرَ
الرِّسَالَةَ فَضَّلْتَهَا وَبَكَرَ أَمْرَكَ جَلَّلْتَهَا وَبِالْحَمْدِ الشَّرِيفِ أَحْلَلْتَهَا اللَّهُمَّ
إِنَّا نَسْأَلُكَ بِالْمَعْتَبِ الشَّرِيفِ وَالسَّيِّدِ الطَّيِّبِ وَالْعَضْرَةِ الْعَفِيفِ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَيْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ أَعْمَالَنا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي سَائِرِ اللَّيْلِ مَقْبُولَةً
وَذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَحَسَنَاتِنَا مَشْكُورَةً وَسَيِّئَاتِنَا مَسْئُورَةً وَفُلُوبَنَا
مَحْسُورَةً مَقْبُولَةً مَسْرُورَةً وَأَرْزَاقَنَا مِنْ لَدُنْكَ بِالْبَيْتِ مَدْرُورَةً اللَّهُمَّ إِنَّكَ
تَرَى وَلَا تَرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَأَنْتَ إِلَيْكَ الرَّجْعِيُّ وَالْمُنْتَهَى وَتِلْكَ
الْمَسَابِقُ وَالْحَيَا وَأَنْتَ لَكَ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْكَ
وَنُحْرَى وَأَنْ نَأْتِيَ مَا عَنَّا نَهَى اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَتَسْعِيدَكَ

بالتحفة
والله

أجللتها

القول
التي
أن

الجيرة

الاعتراف

عَنِ النَّارِ فَأَنْقِذْنَا مِنْهَا بِدُرِّكَ وَنَسَأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ الْعَيْنِ فَأَنْقِذْنَا بِعَيْنِكَ فَأَعِزَّنَا
 وَاجْعَلْ أَوْسَعَ أَرْزَاقِنَا عِنْدَ كِبَرِ سِنِنَا وَأَحْسِنْ أَعْمَالَنا عِنْدَ اقْتِرَابِ
 أَجَالِنَا وَأَطْلُبْ طَاعَتِكَ وَمَا يَفْرَبُ إِلَيْكَ وَيُحْطَى عِنْدَكَ وَيُزِيلُ لِعُنْ
 لَدَيْكَ أَعْمَالَنا وَأَوْحِشْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِنَا وَأُمُورِنَا مَعْرِفَتَكَ وَلَا تَكِلْنَا
 إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَتَقَضِّدْ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 وَابْدَأْ بِأَبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَجَمِيعِ إِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ
 لِأَنْفُسِنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ بِإِسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ
 الْعَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَعْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ
 إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ اللَّهُمَّ وَهَذَا حَبِيبُ الْمَكْرَمِ الَّذِي
 أَكْرَمْتَنَاهُ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ فَكَفِّ الْهَيْدَاذَ الْجُودِ وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ
 بِهَذَا اسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقْرَأْ
 فِي مُلْكِكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى عَيْرِكَ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 تَبِيئِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْعَلَنا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْآمِنِينَ فِيهِ
 بِرِعَائَتِكَ اللَّهُمَّ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ حَجْرًا مَقِيلٍ

فمن علينا
إننا

ظلك
هو عين

بِعَظْمِ ظَلِيمٍ وَمَلَكٍ جَبِيلٍ فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اللَّهُمَّ أَفَلَيْنا مُغْلِبِي
مُحِبِّينَ غَيْرِ مَعْصُوبٍ عَلَيْنَا وَلَا ضَالِّينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَرَجَبِي
وَمَصْبَاحِ سَيِّدِنَا يَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزِّكَ وَمَعْرِفَتِكَ وَبِوَجِبَةِ حَقِّكَ
السلامة من كل شر والعزيمة من كل بئير والنعوذ بالجنة والنجاه من النار
اللَّهُمَّ ذَاكَ الدَّاعُونَ وَدَعْوَتِكَ وَسَأَلَكَ الشَّاكُونَ وَسَأَلَكَ وَطَلَبَ
إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّيْقَةُ وَالرَّجَاءُ وَإِلَيْكَ
مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالِدُعَاءِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي
قَلْبِي وَالتَّوَدُّ فِي بَصَرِي وَالتَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَذَكَرَكَ بِاللَّيْلِ وَالتَّهَارُ عَلَى
لساني وَرَبْرُؤًا وَاسِعًا غَيْرَ مُنُونٍ وَلَا مَحْظُورًا فَإِنَّ رُفْقِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا
وَرَفَقَتِي فَأَجْعَلْ غِنَائِي فِي نَفْسِي وَرَغْبَتِي فِيهَا عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بِسْمِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لِعِرْفَانِهِ وَخَصَّنِي بِإِيْسَانِهِ وَوَهَبَنِي لِطَاعَتِهِ
شُكْرًا أَشْكُرُكَ أَنَا صَدْرَتُهُ نَامُ شُودِي بِرَبِّهِ بِطَائِرٍ كَفَدَكَ حَاجَتِ خُودِي سَأُولُكَ وَهَدَانِي لِعِرْفَانِهِ
مَكْنُوكِ وَكَفَعْتَنِي سَيِّدِنَا بِأَنَّ كَفَنَةَ أُنْكَ لَيْسَ سِرَّازِ مَسْمُودِ بِرَدَّ مَارِ وَسَكُونِ
اللَّهُمَّ إِنِّي قَصَدْتُكَ بِحَاجَتِي وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْئَلَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِإِيْمَتِي وَ
سَأَلْتُكَ اللَّهُمَّ ائْتِنَا بِحَبِيبِهِمْ وَأَوْزِدْنَا مَوَدَّةَهُمْ وَأَزِدْنَا مَرَامَ افْتِنَتِهِمْ وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ

بِسْمِ اللَّهِ

السلامة من كل شر

بِسْمِ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ

عزيمه

فِي دُخْرِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مفصل** بدانکه شیخ طوسی دست درین طالع و در شیخ
شهید تقدس اقدار و از احوال زیارت مخصوصی برای حضرت امیرالمؤمنین **ع** نقل کرده اند چنانچه
بعبدالزین ایاز و خواهم نمود و ظاهر بعضی از عبارات ایشان آنست که آن زیارت برای شب
و روز هر دو است پس اگر در روز و در وقت حضور حاضر باشد هر دو زیارت یا در زیارت مطلقه یا
زیارت جامع محض صورتی است که گذشت زیارت نماید و اگر دور باشد هر لفظی که خود انشاء نماید
زیارت نماید و بدانکه بعضی از علمای زیارت رسول خدا **ص** را نیز در روز و شب نقل نموده اند
چنانچه میگرد و خواهد شد و کلام بعضی شعر بآنست که زیارت آن بزرگوار در این شب است
سکوت سباز بر این اگر کسی در مدینه منوره حاضر باشد زیارت مطلقه یا زیارت جامع
که گذشت زیارت نماید و اگر دور باشد هر لفظی که خود نالین نماید زیارت کند و الله تعالی بیک
روز شنبه و **مفصل** این روزهای ایماه بلکه تمام سال بمن بد فضیلت ممتاز است و همین
معنی در باب فضیلت آن کافی است که رسول خدا **ص** در آن بر سائک مسعوث کرده و جز و انس بر
برکت این عطیة عظمی و موهبت کبری از چهار سو بحر ضلالت بساحل هدایت رسیدند و این
روزه آن اجر عظیم دارد و شیخ طوسی **ع** در کتاب **مفصل** از احسنی زیارتی در این روز
است که گفت پدر و عموها را اختلاف نموده و ایام اربعه سال که روزه آنها فضیلت بسیار
دارد پس سوار شدند و رفتند بخدیث حضرت امام علی **ع** صلوات الله علیه و حضرت
در صربا افاست فرموده بود قبل از آنکه شربت از برای او در **مفصل** بر عرض کردند که ای
سید ما آمده ایم بخدیث تو از **مفصل** امری که اختلاف در آن نموده ایم حضرت از روی اعجاز فرمود
که از من سؤال کنید از ایام اربعه سال که روزه آنها فضیلت دارد ایشان عرض کردند که نیامد
ایم مگر برای من **مفصل** حضرت فرمود که آن چهار روز هفتاد و بیست و یک روز است که در آن روز
خدا **ص** منوولد شد و بیست و هفتم رجب که آن حضرت بر سائک مسعوث شد و بیست و پنج ذی قعد
که زمین در آن روز برین شد و کشتی فوج بر خودی قرار گرفت و روزه آن کفاره هفتاد و یک ساله
و روز هفدهم ذی الحجه که حضرت رسالت **ص** حضرت امیرالمؤمنین **ع** را با امامت و خلافت نصیب کرد
و روزه آن کفاره کنایان شخص ساله است **مفصل** این باقی برده در کتاب مالی از حضرت صادق **ع**
روایت کرده است که هر که در بیست و هفتم رجب را روزه دارد حق تعالی برای او ثواب روزی
هفتاد سال بنویسد و همین ضمون را سید در اقبال از حضرت امیرالمؤمنین **ع** در کتاب **مفصل**
نموده که او از حضرت صادق **ع** روایت نموده است و از شیخ **ع** نقل نموده که روزه بیست
و هفتم رجب روز شنبه حضرت رسالت **ص** است هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی برای او
ثواب روزه شصت سال بنویسد و **مفصل** سید در کتاب **مفصل** حضرت صادق **ع** فرمود

بِسْمِ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ

اول دعاي الحمد لله الذي ناخر خوانده شود و بعد از آن سوره قمر آن را و ذكرا بعد خوانده شود بكن بعد
والله تعالى تكبير **ششم** محمد بن يعقوب كلبى قدس الله امره و ركا في از حضرت صادق و علي بن ابي
كره است كه روز نبيت و هفتم ماه رجب و نوزدهم حضرت رسول صلى الله عليه و آله است هر كه در
اين روز هر وقتي از اوقات آن كه خواهد و از ده ركعت نماز بكند هر دو ركعت سبكيلام و در هر
كعتي بعد از حمد سوره يس بخواند و چون فارغ شود بر جاي خود بنشیند و سوره حمد را
چهار نوبت بخواند پس چهار نوبت **لا اله الا الله و الله اكبر و الحمد لله و سبحان**
الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم و چهار نوبت الله الله ربى لا اشرك به
شيئا را بگويد هر جا كه خداوند مستجاب مى شود مگر آنكه بر قومي نيز كند يا قطع رحمتي را سوال نمايد
سنت سيد را فقال انك تاربع ميعيد قاتل الله و حرد فعل نموده است كه حق تعالى در
دو نوبت و هفتم رجب حضرت رسالت را برسانت مبعوث كذا نيه و باين هفت بزرگ و شريف است
و ثوابها عظيم زاده آن برسد كه از خود هفت فرموده و ايشان زاده روز از كمان عظيم امين
كرم ايشان است و از آل رسول صلى الله عليهم اجمعين وارد شده كه هر كه در اين روز دوازده ركعت نماز
يكذارد هر دو ركعت سبكيلام در هر ركعتي بعد از حمد سوره يس بخواند و چون فارغ شود در جاي خود
وسوره حمد و قل هو الله احد و معوذتين هر يك را چهار مرتبه بخواند پس چهار مرتبه **الحمد لله و**
لا اله الا الله و الله اكبر و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله و چهار مرتبه سبحان الله
و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر الله الله ربى لا اشرك به شيئا كويك
حوايج خود را سوال نمايد البته بر آورده مى شود مگر آنكه نيز بن كند قومي را يا قطع رحمتي را سوال نمايد
ششم ايضا سيد و شيخ معيد قدس الله روحها فعل نموده كه در كتاب تواريج شريفه هين نماز ذكر
كره ليكن سوره و اذكار بعد از اذان كرده باين طريق كه چون از نماز فارغ شود سوره حمد را نوبت
و معوذتين و قل هو الله احد را هر يك چهار نوبت بخواند و چهار نوبت **سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و چهار نوبت الله الله ربى لا اشرك به شيئا را بگويد** پس خداي خود را سوال
كند كه البته مستجاب ميشود مگر آنكه نيز بن كند قومي را يا قطع رحمتي را سوال نمايد **الف** كويك كه
دوازده ركعت نماز بچيد در هر نوبت چنانچه النبي در اين روز منقولست و ظاهر حال آنست كه هر يك
علمائيد و اخلافاست مذكوره از ايشان رواه ناشي باشد يا آدمي چنانچه ايشان از نظر و مهرت
علمائيد خوب باشد و اگر خواهد كه علي بن ابي طالب طرف نمايد دوازده ركعت را با سوره يس بخواند و بعد از
هر سدي ششده دعاي الحمد لله الذي ناخر خوانده و لذا را تا آخر كه در مراتب ابوالقاسم بن روح مذكوره است
بخواند و بعد از سلام آخر چون از دعا فارغ شود سوره حمد قل هو الله احد و معوذتين و قل هو الله احد
الكافرون و انا انزلناه و آية الكرسي را هر يك هفت نوبت بخواند و **لا اله الا الله و الله اكبر**

باين طريق
بن شيخ
روايت شده است

و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا اله
الا لله و چهار نوبت سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و هفت نوبت
الله الله ربى لا اشرك به شيئا و چهار نوبت لا اشرك به شيئا بخواند پس حاج خود را سوال
كند **تكملة** بدانكه اكثر روايات سابقه چون مطلق وارد شده دوازده ركعت را هر طريق كه اختيار نما
در هر وقتي از اوقات اين روز و ركوعهاى ستوايى كند و در روايت كلبى بصرى باين معنى شده ليكن سيد را فقال
از شيخ معيد در رساله غرر بغير نقل نموده كه نماز دوازده ركعت در اول روز بايد كرده شود و از شيخ سلمه
بن الحسن در كتاب دباير نقل نموده كه قبل از ظهر بايد كرده شود و ممكن است كه در اين روز باين نوبت
باشد و الله تعالى يعليم **هفتم** سيد بن طاووس در اقبال از محمد بن علي طرايزى روايت نموده است كه چون
انام موسي كظم صلوات الله وسلامه عليه را بعباده آورند ماه رجب از سال هفتاد و نهم از هجرت بود
و آنحضرت در روز نبيت و هفتم انماه كه معشيت رسالت صلى الله عليه و آله است ايزه ظاهر خواهد
و ايزه ظاهر خواهد اديعير مكنونه ماه رجب است و در منهاج الصالح و حبه الامان و بلال ابيز و صباح
و صباح ابن باق و اكثر نسخ صباح **يا من امر بالعفو و صحت نقته العفو و التجاؤن**
شيخ نيز اين دعا را روايت و دعاي نيت
يا من عفى و تجاؤد و اعف عمن و تجاؤن يا كبرم اللهم و قد اكدى الطلب
و اعين الحيلة و المذهب و دسست الامال و انقطع الرجاء الا منك و خذك
لا شريك لك اللهم اى اجد سبيل المطالب اليك مشرعة و مناهل الرجا
لديك مترعة و ابواب الدعاء لمن دعاك مفتحة و الاستعاينة لمن استعانت
بك مباحة و اعلم انك لداييك بموضع اجابة و للصاروخ اليك ممر صد
اغاثية و ان في الكهف الى جودك و الضمان بعدك عوصا من منع الباطنين
و مسدوحه عثمانى ايدى مستنشرين و انك لا تحجب عن خلقك الا ان
تحبهم الا عمال دونك و قد علمت ان افضل زاد الراجل اليك عزم ارادة

و لا حول و لا قوة الا الله
الحمد العظيم
و چهار نوبت الحمد لله

باين طريق

صحيح است

عَنْ تَهَى اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْخَيْرَ بِرَحْمَتِكَ وَنَسْتَعِيدُكَ مِنَ النَّارِ فَأَقْنِدْ بِنَانِنَا
 بَعْدَ ذَلِكَ وَنَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ الْعَيْنِ فَأَدْرِفْنَا بِعِزَّتِكَ وَاجْعَلْ أَوْسَعَ أَرْزَاقِنَا
 عِنْدَ كِبَرِ سِنِنَا وَأَحْسِنْ أَعْمَالِنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ الْجَلِيلِ وَأَطْلُبْ فِي طَاعَتِكَ
 وَمَا يَقْرُبُ إِلَيْكَ وَتُحْطَى عِنْدَكَ وَيُرْلَفُ لَدَيْكَ أَعْمَادَنَا وَأَحْسِنْ فِي
 جَمِيعِ أَحْوَالِنَا وَأُمُورِنَا وَلَا تَكِلْنَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ
 حَوَائِجِنَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَبْدَأْ بِأَبْسَاطِنَا وَجَمِيعِ إِخْوَانِنَا الْمَوْتَمِنِينَ
 بِجَمِيعِ مَا سَأَلْنَاكَ لِأَنْفُسِنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ
 بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمَمْلُوكِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْفِرَ
 لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِنَّهُ لَا يُعْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ اللَّهُمَّ وَهَذَا رَجَبُ
 الْمَكْرَمِ الَّذِي أَكْرَمْتَنَاهُ أَقُولُ أَشْهُرَ الْحُرْمِ أَكْرَمْتَنَاهُ مِنْ تَمَنِّي الْأُمَّمِ
 فَكَانَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ
 الْأَعْظَمِ الْأَجْدِ الْأَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي مَمْلُوكِكَ فَلَا يَخْرُجُ
 مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ فَاسْأَلْنَا لَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ تَبِيئِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ
 تَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْأَمِينِينَ فِيهِ بِرِعَايَتِكَ اللَّهُمَّ

وَأَهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلِنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ
 مُلْكٍ جَزِيلٍ فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اللَّهُمَّ أَفْلِنَا مَفْلِينَ مُحَمَّدِينَ مُحَمَّدِينَ
 مَعْضُوبِينَ عَلَيْنَا وَأَوْلِيَانَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِرَحْمَةِ الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي
 هَدَانَا لِمَعْرِفَتِهِ وَخَصَّنِي بِوَلَايَتِهِ وَوَقَعْتِي لِطَاعَتِهِ شُكْرًا شُكْرًا أَصْدَقَهُ
 وَطَائِعَتِهِ

دعای الکر و هر دعا که خواهی کن **مؤلف** گوید که سید در مصباح الزائر و ابن ابی و کفعلی بن عطاء بادعا
 گوید که بعد از سجده باید خوانده شود از اعمال شب بخت نفل بنوده اند چنانچه در اعمال شب ما از اینها
 نفل نمودیم و ممکن است که در وقت مغرب باشد لیکن اگر در وقت زوال باشد شود در مواضع که لفظ
 لیله یا لیل یا من کور است باید بدین بگویم و ایام شود با وظایف مذکور تا نیت ختم بر آنجا چه سید
 مرید استند است لهذا در ایفایم نیز ذکر بنوده خواهد باشد بنوعی **باز** سید در مواضع طلب برآه
 در احوال کفتر که سزاوار است در این روز ذکر زاری کن رسول خدا را بنویس که در روز زوال کفتر
 هفتم ماه ربیع الاول است و این شده **مؤلف** گوید که در وقت زاری و زاری با نظر به سید که چون زاری کن
 بزکوار در آن زمانه متبرک و اوقات مخصوصه با حضرت بشکوست چنانچه سالی بود که سید در این روز مدینه
 منوره حاضر باشد زاری با نظر مطلقه منقول از زاری است جامع مخصوص اینها که سالی بود که سید در این روز غایب
 اگر در زمانه باشد زاری با سید که مخصوص است بعد از آنست که بعد از زاری اعمال ماه ربیع الاول از ادعای
 بنویس زاری کن که خود انشاء نماید زاری نماید و الله تعالی یعلم **دعای زاری** حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
 و سلامه علیه شیخ معین و سید نطاس و شیخ شهید قدس الله اسرارهم کفتر اند که هرگاه اراده زاری
 آنحضرت نماید در آن وقت بگوید **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ**
قَبْرُ شَيْبَةَ مَقَابِرِ صَرْحِ مَوْزَانَ سِرِّرِ بَابِ بَيْتِهِ

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَبْدُ اللَّهِ وَآخُوهُ رَسُولِهِ وَأَنَّ
 الْأُمَّةَ الطَّاهِرِينَ مِنْ وَلَدِهِ مُحَمَّدٍ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ لَنْ أَخْلُقَ مَبَارَكًا شَوْزِدَ صَرْحِ مَطَهَرٍ
 وَنَوْصِرِجٍ وَبَيْتِ سَبْدِ مَابَيْتِ وَصَدِّقِ
 اللَّهُ أَكْبَرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ آدَمَ خَلِيقَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نَوْجِ صَفْوَةٍ
 بَكْوِ نَعْدَانِ بَكْوِ

دعای زاری
 در وقت زاری
 در وقت زاری
 در وقت زاری



اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رَسُلِ
اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَيْدِي وَوَجْهِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رَسُلِ
اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمَامَ الْمُتَّقِينَ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَنَاءُ الْعَظِيمُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهْتَدَى الْكَبِيرُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ التَّقِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّحِيصُ الرَّحِيمُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أَمَامَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَالِمَ التَّقَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاصَّةَ اللَّهِ وَخَالِصَتَهُ وَأَمِينَ اللَّهِ وَصِفْوَهُ
وَبَابَ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ وَمَعْدِنَ حِكْمِ اللَّهِ وَسِرِّهِ وَعَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ وَخَازِنَةَ
وَسَفِيرَةَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَتَمَّتْ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الرَّكْعَةَ
وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاسْتَبَعْتَ الرَّسُولَ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ

حَتَّى لَوْلَا نِعْمَةُ اللَّهِ وَوَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَتَمَّتْ بِكَ كَلِمَاتُ اللَّهِ وَ
جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَتَّى جَاهَدَهُ وَنَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَحَدَّثْتَ بِفَيْتِكَ صَابِرًا مُخْتَبِرًا مُجَاهِدًا عَنِ دِينِ اللَّهِ مُوَفِّيًا لِرَسُولِ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَالِبًا مَا عِنْدَ اللَّهِ رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ وَمَضِيَّةً
لِلَّذِي عَلَيْهِ شَهِيدًا وَشَهِيدًا وَمَشْهُودًا فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ كُنْتُ
وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ مِنْ صِدِّيقٍ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ أَوَّلَ
الْقَوْمِ إِسْلَامًا وَأَخْلَصَهُمْ إِيْمَانًا وَأَشَدَّهُمْ بِقِينًا وَأَخْوَفَهُمْ لِلَّهِ وَأَعْظَمَهُمْ
عِنَاءً وَأَخْوَطَهُمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَفْضَلَهُمْ
مَنَاقِبَ وَأَكْثَرَهُمْ سَوَابِقَ وَأَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً وَأَشْرَفَهُمْ مَنْزِلَةً
وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِمْ فَفَقِيهِمْ جِينًا وَهَنُؤًا وَلَزِمْتَ مِنْهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ خَلِيفَتَهُ حَقًّا لَمْ تُنَازِعْ بِرِغْمِ
الْمُنَافِقِينَ وَعَظِيمًا لِلْكَافِرِينَ وَضَعْتَ الْفَاسِقِينَ وَتَمَّتْ بِالْأَمْرِ جِينًا
فَشَلُّوا وَنَطَقْتَ جِينًا تَتَعَنُّوا وَمَضَيْتَ بِسُورِ اللَّهِ إِذْ وَقَعُوا مِنْ أَسْبَابِ
فَقَدْ هَتَدَى كُنْتُ أَوْلَهُمْ كَلَامًا وَأَشَدَّهُمْ خِصَامًا وَأَصْوَبَهُمْ مَنَاطِقًا

غَلَبَةُ

وَأَسَدُهُمْ رَأْيَا وَأَشْجَمُهُمْ فَلْبَا وَأَكْثَرُهُمْ بَيْتِيًّا وَأَحْسَنُهُمْ عِلْمًا وَأَعْرَفُهُمْ
بِالْأُمُورِ كُنْتُ لِلْمُؤْمِنِينَ رَجِيمًا إِذْ صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا فَخَلَّتْ أَثْقَالُ
مَاعْنَهُ ضَعُفُوا وَحَفِظَتْ مَا أَضَاعُوا وَرَعِيَتْ مَا أَهْمَلُوا وَشَمِرَتْ
إِذْ جَبُّوا وَعَلَوَتْ إِذْ هَمَلُوا وَصَبَرَتْ إِذْ جَزَعُوا كُنْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ
عَدَايَا صَبًا وَعِلْظَةً وَعَيْظًا وَالْمُؤْمِنِينَ عَيْشًا وَخِصْبًا وَعِلْمًا تَقَلُّ
جُحْنُكَ وَلَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ وَلَمْ تَضَعِفْ بَصِيرَتَكَ وَلَمْ تَجْبُنْ نَفْسُكَ كُنْتَ
كَالْجَبَلِ لَا تَحْتَرِكُهُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يُزِيلُهُ الْعَوَاصِفُ كُنْتَ كَمَا قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوْمِيًّا فِي بَدَنِكَ مُتَوَاضِعًا فِي نَفْسِكَ عَظِيمًا
عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرًا فِي الْأَرْضِ جَلِيلًا فِي السَّمَاءِ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِيكَ مَهْمٌ
وَلَا لِقَائِكَ فِيكَ مَطْمَعٌ وَلَا لِأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوَادَةٌ يُوجَدُ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ
عِنْدَكَ قَوْمِيًّا عَزِيمًا بِرَأْسِهِ نَأْخُذُ لَهُ بِجَعْتِهِ وَالْقَوِيُّ الْعَزِيمُ عِنْدَكَ ضَعِيفًا
حَقِي نَأْخُذُ مِنْهُ الْحَقُّ الْقَرِيبُ وَالْمَعِيدُ عِنْدَكَ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ شَانُكَ
الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحُكْمٌ وَأَمْرٌ حَلْمٌ وَعَرْمٌ عِنْدَكَ
بِكَ الدِّينُ وَسَهْلُكَ الْعَسِيرُ وَأَطْعَمْتَ بِكَ الْيَتِيمَ وَقَوَيْتَ بِكَ الْإِيمَانَ وَتَمَّتْ

أَبَا :

في شلوك

بك

بِكَ الْإِسْلَامَ وَهَدَيْتَ مُصِيبَتَكَ الْإِنَامَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَالَفَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَفْرَى
عَلَيْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَعَصَبَتِكَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَكَ
ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ إِنَّا لِلَّهِ مِنْهُمْ بَرَاءٌ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَالَفَكَ وَجَدَّتْ
وَلَا يَنْتَهِ وَتَظَاهَرَتْ عَلَيْكَ وَقَتَلَتْكَ وَحَادَتْ عَنْكَ وَخَدَّتْكَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَشْوَاهُمْ وَيَسِّرُ الْوَرْدَ الْمَوْرُودُ
أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْبَلَادِ
وَالْأَدْيَاءِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنِبُ اللَّهِ وَبَابُهُ وَأَنَّكَ جَنِبُ اللَّهِ وَ
وَجْهُهُ الَّذِي مِنْهُ يُؤْمِنُ وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ
أَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيْتُنْكَ زَائِرًا لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنْ لَيْتَكَ
عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ مُتَضَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ رَاغِبًا إِلَى الْمَلِكِ فِي
الشَّفَاعَةِ لِي أَسْئَلُ بِهَا عَنكَ خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّدًا لَكَ مِنَ النَّارِ هَارِيًّا مِنْ
ذُنُوبِي لِي أَسْئَلُ بِهَا عَلَى ظَهْرِي قَوْلًا لِيكَ رَجَاءً وَخَيْرًا رَبِّي أَيْتُنْكَ لِي
بِكَ يَا مَوْلَايَ إِلَى اللَّهِ وَأَنْتَ رَبُّكَ لِي يَا لَيْلِي لِي عَضِي بِكَ حَوَاجِي فَأَشْفَعْ لِي يَا

وَالنَّصِيحِي

جلائك

11

آمير المؤمنين الى الله فان عبد الله ومولاك وزارك ^{المعنى} ولك عند الله المقام
 المعلوم والجاه العظيم والشان الكبير والشفاعة المقبولة اللهم
 صل على محمد وال محمد وصل على عبدك وامينك الاوفى وعزوتك
 الوثقى ويدك العليا وكنيتك الحسنى وحجتك على الورى وصديقتك
 الاكبر سيدنا الاديبياء وركن الاديبياء وعياد الاديبياء يا امير
 المؤمنين وتيسوب المتقين وقدوة الصديقين وامام الصالحين
 المعصومين الرزاق والمفتومين الخليل والمهدى من لعنة المطهر
 من الرب اخي نبيك ووصي هوبك والباكي على فراشه والمواسي لبيته
 وكاشف الكرب عن وجهه الذي جعله سيفا نبوة ومجرا لرسالته و
 دلالة واضحة لحيته وحاملا لرايته ووقاية لهجنه وهاويا لامته ويديا
 لياسه وناجرا لرايه وبابا لخصره ومفتاحا لظفره حتى هزم جنود الشرك
 بايديك وانا بدعا كرا الكفر بامرئك وبدل نفسه في مرضاة رسولك وجعلها
 وقتا على طاعته ومحجنا دون نكبتهم حتى فاضت نفسه صلى الله عليه
 واله في كفته واستلب بردها ومسحة على وجهه واعانته ملكك

الادنى

على غلبه وتجهيزه وصلى عليه وواله امر شخصه ونصى دينه وانجز وعده و
 لزم عهده واخذى مثاله وحفظ وصيته وحين وحة انصارا
 نهضت نفلا باعباء الخلافة مضطلعا باقتال الإمامة فصب دابة الهدى
 في عبادك ونشرت ثوب الامن في بلادك وكبطل العدل في برنتك وحكم
 بكنايك في خلقك واقام الحدود وفتح الجود وقوم الزنج وسكن
 الغمة وابد الفرة وسد الفرجة وقتل الناكثة والقاسطة والمارقة
 ولزىل على منهاج رسول الله صلى الله عليه واله وتيريه ولطف شاكله
 وجمال سيرته مقتدا يا بسنه متعلقا برحمته مباشرة لطريقته وامنته
 نصب عينيه بحمل عبادك عليها ويدعوهم اليها الى ان خضبت شيبته
 من دم راسه اللهم فكلا لثورتني طاعتك شكرا على يقين ولا تترك ليك طرفة
 عين صلى الله عليه صلوة زاكية نامية ليحيى بهاد رجة النبوة في جنك وبلغه
 مشاحية وسلاما وارثا من ذلك في موالاه فضلا واحسانا ومعزة ورضوانا

الضرة

انك ذوا الفضل الجيم برحمتك يا ارحم الراحمين ^{سبحه} مبارك را بوس ^{وكتبا}
^{داست وحب زودا براومال و}
 بجاست قبله سليلك ونمازنا برده وهد غاشي كخرامى كن ربي اللهم انك كبريتي على لسان
 فاطمة زهرا صلوات الله عليها ارا بكو وتعد ازان ابنه غازي الحوان

بَيْتِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ وَكَيْفَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ لَهُمْ قَدْرًا
صِدْقِي عِنْدَكَ يَا رَبِّهِمْ اللَّهُمَّ إِنِّي مُؤْمِنٌ بِجَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ
فَلَا تَقْنِئْنِي بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْفِقًا تَقْضِي فِيهِ عَلَيَّ رُؤْسَ الْأَشْهَادِ بَلِّغْنِي مَعَهُمْ
وَتَوْفِقْنِي عَلَى التَّصَدِيقِ بِهِمْ اللَّهُمَّ وَأَنْتَ حَصَّصْتَهُمْ بِكِرَامَتِكَ وَأَمَرْتَنِي بِاتِّبَاعِهِمْ
اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَرَأِيكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِزِيَارَةِ أَخِي رَسُولِكَ عَلَى كُلِّ
مَنْحِي وَمَرْوَرٍ حَتَّى لَمَنْ أَنَاهُ وَزَارُهُ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْحِي وَأَكْرَمُ مَرْوَرٍ فَاسْتَلْكَ
يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا جَوَادُ يَا مَجِيدُ يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَلَمْ يَخْتَنْدِ صَاحِبَةٌ وَلَا وَلَدًا أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِي
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ حُفْنَكَ أَيُّ مَن زِيَارَتِي أَخَارَ سَوْلِكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُوكَ رَغْبًا وَرَهْبًا وَتَجْعَلَنِي لَكَ مِمَّنْ
الْمُخَاشِعِينَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنَّتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَوَلَدَيْهِ وَ
مَعْرِفَتِهِ فَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُبْصِرُ وَيَنْصُرُ بِهِ وَمَنْ عَلَيَّ بِبَصْرِكَ لِيَدِينِكَ اللَّهُمَّ وَ
اجْعَلْنِي مِنْ شَبِيعَتِهِ وَتَوْفِيقِي عَلَيْهِ اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لِي مِنَ الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَ
الْمَغْفِرَةِ وَالْحَسَنَاتِ وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ الْخَالِيَا الطَّيِّبِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَأَيُّ بَيْتِكَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ^{بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ} بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ^{نَزَدَ صَرِيحٌ مَقْدَسٌ بِأَبْنَيْتِ وَبَسُو} السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاجِ الْأَوْصِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا رَأْسَ الصِّدِّيقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ الْأَحْكَامِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ
الْمَقَامِ اسْتَوْدِعْكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأْ عَلَيْكَ السَّلَامَ امْتَنَّا بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ
وَبِمَا جَاءَ بِهِ وَدَعَا إِلَيْهِ وَدَلَّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَاصْبِرْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ
اللَّهُمَّ فَلَا تَجْعَلْهُ اجْرَأ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي أَيَّاهُ وَلَا تَحْرِمْ نِي تَوَابٍ مِنْ زَارِهِ وَ
اسْتَعْلِي بِلِذِي فَرَّصْتَهُ لِي عَلَى وَأَزْرَيْتَنِي الْعَوْدَ إِلَيْهِ فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي قَبْلَ
ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُمْ أَغْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيَا وَ
الْحِجَةُ الْعُظْمَى وَالنَّجْمُ الْعُلَى وَالْعِزُّ الْبَالِغُ بَيْتِكَ وَبَيْنَ خَلْفِكَ وَأَشْهَدُ
أَنْ مَنْ رَدَّ ذَلِكَ فِي اسْتَعْدَدَكَ مِنْ الْجَحِيمِ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفِيهِ الْمُبَارَكِينَ
وَزُورِهِ الْمُخَاصِينَ وَشَبِيعَتِهِ الصَّادِقِينَ وَمَوَالِيهِ الْمَلِيَمِينَ وَأَنْصَارِهِ
الْمُكْرَمِينَ وَأَصْحَابِي الْمَوْجِدِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَكْرَمَ فَائِدَةٍ وَأَفْضَلَ وَارِدَةٍ
وَأَسْبَلٍ فَاصِدٍ فَصَدَّكَ إِلَى هَذَا الْحَرَمِ الْكَرِيمِ وَالْمَقَامِ الْعَظِيمِ وَالْمَنْهَلِ الْجَلِيلِ
الَّذِي أَوْجَبَتْ فِيهِ عَفَاؤُكَ وَرَحْمَتُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ مَنْ

سُؤْلِ

حَضَرَ مِنْ مَلَائِكَةِ أَنْ الَّذِي مِنْ سَكَنِ هَذَا الرَّمْسِ وَحَلَّ هَذَا الصَّرْحَ طَهْرًا
 مُقَدَّرًا مُنْتَجِبًا رَضِيَ عَنْهُ طُوبَى لَكَ مِنْ شُرْبَةِ صَمْتِ كَنْزِ مِنَ الْخَيْرِ وَشَهَادًا
 مِنَ التَّوْبَةِ وَيَسْتَبُوعُ الْحِكْمَةَ وَعَيْنًا مِنَ الرَّحْمَةِ وَمُبْتَلِغُ الْحُجَّةِ أَنَا أَبُو الرَّحْمَةِ
 مِنْ قَائِلِكَ وَالْمُتَّصِلِينَ لَكَ وَالْمُعِينِينَ عَلَيْكَ وَالْمُحَارِبِينَ لَكَ اللَّهُمَّ ذَلِّ لِقَوْلِنَا
 لَهْمُ بِالطَّاعَةِ وَالْمُنَاصَحَةِ وَالْمُوَالَاةِ وَحُسْنِ الْمُوَازَنَةِ وَالسَّلَامَةِ حَتَّى نَسْتَكْمِلَ
 بِذَلِكَ طَاعَتَكَ وَتَسْبِغَ بِهَ مَرْضَانِكَ وَتَسْتَوْجِبَ بِهِ تَوَالِكَ وَرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ
 وَتَقِنَا بِكُلِّ مَعَانٍ يَحْمُودٍ وَقَلْبِنِي مِنْ هَذَا الْحَرْبِ كُلِّ خَيْرٍ مَوْجُودٍ يَا ذَا
 الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَوْ ذِكْرِكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَدَاعِ مَحْرُومٍ عَلَى
 فِرَائِكَ لِأَجَلِهِ اللَّهُ أَحْسَنُ عَهْدِي مِنْكَ وَلَا زِيَادَتِي لَكَ إِنَّهُ قَرِيبٌ حَيٌّ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ لَنْ يَنْسِيَنَّكَ اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَابْنِ عَسَا الْوَصِيِّ الْخَلِيفَةَ وَالْمَدَائِحِي السَّيِّدِ وَالْمَدَائِحِي السَّلَامُ صِدْقًا لِكَلِمَةٍ
 فِي الْإِسْلَامِ وَفَارُوقَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَنُورَكَ الزَّاهِرِ وَوَالِيَانِكَ النَّاطِقِ
 بِأَمْرِكَ بِالْحَقِّ الْمُبِينِ وَعَرُوقَكَ الْوُفْقِي وَكَالِمَكَ الْعُلْيَا وَوَصِيَّ رَسُولِكَ
 الْمُرْتَضَى عِلْمَ الدِّينِ وَمَنَارَ الْمُسْلِمِينَ وَخَاتَمَ الْوَصِيِّينَ وَسَيِّدَ الْمُؤْمِنِينَ

وصی زه
 تسبغ زه
 نلیک قدر
 لک زه

داریک زه

عظای

عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدِ الْعَسَا الْمُجَلِّينَ صَلَوَاتُ
 تَرْتَقِعُ بِهَا فِي كُرَّةٍ وَتُجَنَّبُ بِهَا أَمْرُهُ وَتُظْهِرُ بِهَا دَعْوَتَهُ وَتَضْرِبُ بِهَا
 ذُرِّيَّتَهُ وَتُقَلِّبُ بِهَا حُجَّتَهُ وَتُعْطِيهِ بِهَا بَصِيرَتَهُ اللَّهُمَّ وَاجْزِهِ عَسَا
 خَيْرَ حِزْبٍ مِنَ الْمُكْرَمِينَ وَاعْطِهِ سُؤْلَ لِيَارَتِ الْعَالَمِينَ فَإِنَّا نَشْهَدُ
 أَنَّهُ قَدْ نَصَحَ لِرَسُولِكَ وَهَدَى إِلَى سَبِيلِكَ وَتَمَّ بِحَقِّكَ وَصَدَّقَ بِأَمْرِكَ
 وَكَمْ يَجْرِي فِي حُكْمِكَ وَكَمْ يَدُخُلُ فِي ظِلِّهِ وَكَمْ يَسْبِغُ فِي إِثْرِهِ وَأَنَّهُ أَحْوَرُ لَكَ
 وَأَوْلَى مِنَ مَنْ بِهِ وَصَدَّقَهُ وَاتَّبَعَهُ وَنَصَرَهُ وَأَنَّهُ وَصِيُّهُ وَوَارِثُ
 عَلَيْهِ وَمَوْضِعُ سِرِّهِ وَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيْهِ فَابْعِثْهُ عَسَا السَّلَامُ وَرُدِّ عَلَيْنَا
 مِنْهُ السَّلَامُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مؤلف** گوید که این زیارت را سید در صباح الزواری نقل نموده
 و از کلام او و کلام شیخ مفید و شیخ سهد مستفاد می شود
 که این زیارت برای خصوص این وقت منقول باشد در اقبال گفته که در این دو زیارت کن آنحضرت را
 زیارت کرد در روز و مولد رسول خدا ص برای آنحضرت وارد شده و از این کلام مستفاد می شود که این
 زیارت از زیارات طاهر باشد و حدیثی است که مولانا محمد باقر هلبسی خطاب تراه در کتاب بحار الانوار گفته
 که من مطلع نگردیدم بر سر این زیارت بلکه استجاب زیارت آنحضرت را در خصوص این دو در و آیت
 ندیدم لیکن در میان شیعه مشهور و معروف است که زیارت آنحضرت را و فایده تبرک و از منتهی خصوص این
 حضرت فضیلت عظیم دارد و چون این دو زیارت را در زیارت آنحضرت در آن نیکو است بلکه زیارت
 اختصاص با آنحضرت نیز دارد بجهت آنکه آنحضرت منزله نفس مقدس رسول خدا ص است چنانچه
 که هر مباحله شهادت بان میدهد و لهذا در روز مولد نیز زیارت وارد شده است و چون این زیارت
 مخصوص فریب است پس در بلاد بعد از هر زیارت که خود انشا نماید زیارت نماید و الله نشاء هو الموفق
شب بیست و نهم سید در کتاب کور از حضرت رسالت هم روایت کرده است که در این شب دوارد

این زیارت را سید در صباح الزواری نقل نموده
 و از کلام او و کلام شیخ مفید و شیخ سهد مستفاد می شود

رکعت نماز کند هر رکعت یک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره بیست اسم ربک و آتا از لثام راه رفت ده تن
بخواند و چون فارغ شود صد نوبت صلوات بر آن حضرت و آن او بفرشد و صد نوبت استغفار نما
حق تعالی بگوید برای او ثواب بزرگوار **نوافل** گوید که این نماز مطبوعات با نماز که رسیده است
در شب سابق نفل کرده چنانچه ما ایراد نمودیم و در جنته الامان صلوات و سلام هر دو مذکور
است پس بهتر است که لفظ مشتمل بر هر دو گفته شود **نوافل** و **نوافل** دوازده این روز مخصوص
فضیلت عظیم دارد چنانچه رسیده رکعت اقبال از کتاب حسنی که نالیف جعفر بن محمد روایتی
نفل نموده که او از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت نموده که هر که روزه دارد بیست
هشتم ایماه روزه او کفاره بود سال کناه باشد و بیست فضیلت روزه سه روز آخر ایماه زیاده
انرا سابق ایام است چنانچه بعضی از روایات آن در فضیلت روزه اول مذکور شد و این با نوبت
در کتاب بحال رسیده معتبر است لایحه روایت کرده است که گفت رفتیم خدمت حضرت صادق علیه السلام
در او آخر ماه رجب که چند روز از آن باقی بود چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد فرمود که
آیا روزه گرفته در ایماه کفتم نه والله ای فرزندی رسول خدا فرمود که آنقدر از نفل خود شده
که قدر آنرا بفرزند خدا کسی نمیداند برستی که این ماهی است که خدا آنرا بر ما همیا دیگر فضیلت داده
و حرمت آنرا عظیم کرده است و بر خود واجب است که امری از شش روزه دارنده آنرا بگنیم
یا از رسول الله اکو در سینه ایماه روزه چهارم یا بعضی از ثواب روزه داران آن فایز میگردد
فرمود که ای مناهر هر که یکروز از آخر ایماه را روزه مدارد خدا او را از شکر سگوار شد
و از هفتاد بعد از هر یک و عذاب هر که دو روز از آخر ایماه را روزه مدارد بر صراط باستانی بگذرد
و هر که سه روز از آخر ایماه را روزه دارد این کرد از تیر عظیم تر و قیامت شدنها و هوهای آنروز
و برات نجات از آتش جهنم را باو عطا کند **شب نوافل** رسیده رکعت مذکور از رسول خدا
در این شب دوازده رکعت نماز نمایند نماز و بیست و یک نوبت صلوات بر آن حضرت کرده است و در
الامان با صلوات سلام را نیز ذکر کرده است **نفل** گوید که در اعمال شب اول مذکور شد که احوط
آنست که در شب اول و شب وسط و شب آخر و روز آنها هم غسل واقع شود و چون عمل آن
کرمه ناقص و این شب است پس غسل در این شب و روز آن نیز احوط است **نوافل**
روزه این روز مخصوص فضیلت بسیار دارد چنانچه در روز سابق مذکور شد و رسیده رکعت اقبال
از کتاب حسنی نفل نموده است که از حضرت امام رضا علیه منقولست که هر که روزه دارد و روزه
و نهم ایماه روزه او کفاره صد سال کناه واقع شود **نوافل** گوید که غسل در این روز احتیاطا باید
واقع شود چنانچه در آنست و همچنین در رکعت نماز سلمان فارسی از رسول خدا روایت کرده که باید
در روز آخر ایماه کرده شود بطریق خاصی که در اعمال روز اول مذکور شد احوط آنست که در این روز

کرده

کرده شود بطریق خاصی که در اعمال روز اول مذکور شد احوط آنست که در این روز کرده شود بتمام حال نقصان
شب نوافل در کتاب مذکور از حضرت رسالت روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت
نماز کند و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد مرتبه بخواند حق تعالی عطا فرماید او
در جنة الفردوس هفت شهر و چون از قبر برین آید روی او مانند ماه شب چهارده درخشان باشد
و بگذرد از صراط مانند برقیق بنده و نجات یابد از آتش جهنم **نوافل** گوید که کعبی بود در جنة الامان
درین موضع نیز اشناه نموده و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه نفل نموده است و جهت اینست
اشناه سابق بر این مذکور شد و کرد غسل در این شب احوط است چنانچه مکرر مذکور شد **نوافل**
سوره روزه این روز مخصوص فضیلت دارد و تا بکشد زیاد از روز سابق است و صاحب
کتاب حسنی چنانچه رسیده در اقبال از او نفل نموده است پس خود از حضرت امام رضا علیه السلام
نموده است که هر که روزه دارد روزی ام ایماه را حق تعالی کناهان کن شکر و آید او را ایماه
و اعمال این روز غسل است بنا بر احتمال اقرب و ده رکعت نماز سلمان که کیفیت آن در اعمال روز اول
مذکور شد و الله تعالی هو الموفق **نوافل** رسیده رکعت اقبال از او نفل نموده است **باب اول** در بیان
فضیلت و ثواب عبادت در آن **بدا که** شرافت و فضیلت و برکت ایماه زیاده از ماه سابق است
و عبادت در آن ثواب بیشتر و لحظه لحظه فیوضات آسمانی بر کرده سبک آن وارد می شود و این
جهت ایماه شعبان نامیده می شود زیرا که روزه های مؤمنان را در ایماه شعبان بسیار زیاده می
افزاید و بر کاتبان بسیار برایشان افاضه می شود و فضیلت روزه ایماه زیاده از ماه سابق است
چنانچه این باب بر هر دو کتاب فضایل شهر شعبان از زید بن اسلم روایت کرده است که از حضرت
رسالت بر رسیده است از فضیلت روزه ماه رجب فرمود که شما کجا سید از روزه ماه شعبان بعضی
روزه ماه شعبان افضل است و ایضا روزه ماه رجب از جمله نطق عبادت و روزه ایماه آن
جمله سن است و فضیلت سن و ثواب آن و تاکید در امتیاز آن زیاده از نطق عبادت است و تحقیق
از معنی مقصود در متن باب اول از خزینة اول سبق ذکر یافت و بعضی روایات ظاهری شده
که رازم سابق برین روزه ایماه را ضایع کرده اند پس شما غافلند کید ایشان را و احادیث فضیلت
ایماه بسیار و بعضی مقرب در بیان فضیلت ماه سابق مذکور شد و این باب بر هر دو کتاب
و ثواب اعمال از ابن عباس روایت کرده است که صحابه در خدمت رسول خدا ماه شعبان
را مذکور بنا خند پس آنحضرت فرمود که آن ماهی است شریف و آن ماهی است و حاملان عزت آنرا
تعظیم مینمایند و حق آنرا می شناسند و آن ماهی است که روزه های مؤمنان در آن زیاده می شود برای
مبارک و مضان و زینت میکند بر شب را در ایماه و بد رستی که آنرا شعبان مینامند برای آنکه

نوافل

نوافل

مشتعبه فراخ سیکرد در آن روز نهایی و منان و آن ماه علامت بد رستی که حسنا شد و آنگاه ثواب
هفتاد برابر مضاعف سیکرد و دستپاکی کردی شود و اعمال حسنه مقبول میگردد و خداوند بخیر
جگه جلاد و آنگاه ببیند که آن خود میناهات میناید و از عرش عظیمت و جلالش برتر رود از آن و عبادت
کنند که آن نظر ملاطفه میفرماید پس خاملا نعرش را طی با ایشان میناهات میکنند پس برخواست حضرت
ایلیه منین و فرمود که فدای تو باد پدر و مادرم یا رسول الله فدای آن فضایل آنرا برای ما مینا فرما
تا عیب ما در روزی داشته و عبادت کردن آن زیاد کرد و از روی جده و الهام عبادت خداوند
جلیل تا ایم در آن پس جناب مقدس نوی فرمود که هر که روزه دارد روزی از ماه شعبان را سبب
حق تعالی برای او هفتاد و حسن که هر چینه برابر باشد با عبادت یکساله و هر که روزی از این ماه را روزه
دارد دفع کند حق تعالی از او کفایتها از کفایتها او را و هر که سر روزی از این ماه را روزه دارد طلب کند
حق تعالی برای او هفتاد در جرد در بهشت از در و یا قوت و هر که چهار روز از این ماه را روزه دارد
فراخ کند حق تعالی و نری او را و هر که پنج روز از این ماه را روزه دارد محو همه مردمان کرد و
هر که شش روز از این ماه را روزه دارد دفع کند حق تعالی از او هفتاد نوع بلا و هر که هفت روز
این ماه را روزه دارد حفظ کند حق تعالی او را در تمام عرش از شر شیطان و لشکرهای او و هر که
هشت روز این ماه را روزه دارد برین نرود از دنیا تا آنکه از حوضهای قدس بر آید و هر که نه روز از
این ماه را روزه دارد متکبر و تکبر بر آید و در قیامت از او سؤالات نمایند و هر که ده روز از این ماه
را روزه دارد حق تعالی وسیع کرد از قیامت او را هفتاد ذراع در هفتاد ذراع و هر که یازده روز از این
ماه را روزه دارد حق تعالی یازده منار از نور بر او بزند و هر که دوازده روز از این ماه را روزه
نماید و او را در قبر او هر روز نود هزار سالک نافع صورت و هر که سیزده روز از این ماه را روزه
دارد استغفار کند برای او و صلوات آسمانهای هفتک از او هر چهار روز از این ماه را روزه دارد حق
تعالی الهام فرماید جمیع حیوانات و درندگان حقیقی مینا نذر دیاها که استغفار نمایند برای او و هر که
پانزده روز از این ماه را روزه دارد خداوند در آن روز از او آنگاه که بمرتب و جلا خود سو کند یا
بگوید که ترا بایشن حجتم نشونام و هر که شانزده روز از این ماه را روزه بدارد خاموش کرد اندر حق تعالی
از او هفتاد سال از آن حجتم تا هر که هفده روز از این ماه را روزه دارد سینه شود برای او همه
درهای جهنم و هر که هیجده روز از این ماه را روزه دارد کشته شود برای او و هر که هجده روز از این ماه را روزه
نماید روزی از این ماه را روزه دارد عطا کند پا و در بهشت هفتاد هزار قصر از در و یا قوت و هر که
بیست روز از این ماه را روزه دارد هفتاد هزار در از خود العزیز با و تزیین کند و هر که بیست و یک
روز از این ماه را روزه دارد در جنان کوی سلیمان و پربال خود را با و ببالد برای یک و هر که بیست و دو
روز از این ماه را روزه دارد بشویند با او هفتاد هزار جله از سندسقا است بر بهشت و هر که بیست

سر روز از این ماه را روزه دارد برای او بیایا و برین در وقت بیرون آمدن از قبر چهارمائی از نور و بر او سوار
و بر او از کفنه داخل بهشت شود و هر که بیست و چهار روز از این ماه را روزه دارد قبول کند شفاعت
در حق هفتاد هزار کس که خدا را بیکبار بگفته باشند و هر که بیست و پنج روز از این ماه را روزه دارد
جلا شکر برای او از عاقبت او عطا کند و هر که بیست و شش روز از این ماه را روزه دارد کشتن ازین
صلوات حق تعالی برای او بنویسد و هر که بیست و هفت روز از این ماه را روزه دارد برایش سلامتی از
آتش جهنم را حق تعالی برای او بنویسد و هر که بیست و هشت روز از این ماه را روزه دارد روی او
در روز قیامت مانند ماه نو برای او شود و هر که بیست و نه روز از این ماه را روزه دارد برسد بر صواب
اگر حق تعالی و هر که سی روز از این ماه را روزه دارد نماند کند او را جبرئیل از پیش عرش که ای فلان عباد
از سر یک بد رستی که آمرزیده شد کفایتها کرد شش تو پروردگار جلیل میفرماید که اگر کفایتها تو
بعده شادگان آسمان و قطرههای باران و برکت درختان و در یک بیابان و ایام دنیا باشد که هر
آینه همه آنها را آمرزیدم برای تو پس حضرت فرمود که این معنی از خداوند عالمیان عجب نیست بعد
آنکه ماه شعبان را روزه داشته باشی و شیخ طوسی طب ثراه در مصباح و سید بن طاووس
در اقبال از صفوان بن مهران جمالی روایت کرده اند که گفت که حضرت صادق صلوات الله
وسلامه علیه من فرمود که هر که در این ماه روزه دارد در دنیا حیثه قوی باشد و روزه داشته باشد
شعبان پس عرض کردم که فدای تو شوم آیا فضیلتی میدانی که فرمود بلی بد رستی که رسول
چون هلال ماه شعبان را میدیدند میفرمودند که در مدینه نماند کند که ای اهل بیته
بد رستی که من از جناب رسول خدا پیغمبر شما رسول و میفرماید که شعبان ماه من است خدا
رحمت کند کسی را که برای او کند بر ماه من پس حضرت صادق فرمود که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فرمود که از روزی که ندای منادی آنحضرت داشتیدم فوت نشد از من
روزه آنگاه و نحو آن شد انشاء الله تعالی پس حضرت صادق فرمود که روزه دو ماه پی
در پی تویم ایست از جانب حق تعالی و شیخ مفید قدس الله و حرره که با بقعه از حضرت نام
محمد باقر ع روایت کرده است که هر که روزه بدارد ماه شعبان و یا یک کرد اند از روزه او را
از هر لغزش و هر چه و هر بار در پس حضرت فرمود که روزه ماه شعبان روزه پیغمبران و
پروان ایشان است پس کسی که روزه دارد این ماه را در یافت است او را دعوت رسول خدا
ذیرا که آنحضرت فرمود که رحمت کند خدا کسی را که نیاری کند مرا بر ماه من و این بنا نویسد که
کتاب فی الجمله الفقیه از ابو جعفر ثمالی روایت کرده است که گفت آنحضرت فرمود که هر که
ماه شعبان را روزه بدارد این روز را پاک کرد اند او را از هر لغزش و هر چه و هر بار در پس حضرت
کردم که حیث و صبر فرمود که سو کند یاد نمودن و نذر کرد در مصیبت پس عرض کردم که حیث

یاد فرمود سو کند خوردن در وقت غضب و توبه از آن پشیمان شدن از آنست و در کتاب
و خدا یل شهر شعبان از حضرت صادق روایت کرده است که آنحضرت از پدر بزرگوارش از
حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه روایت فرمود که هر که روزه بدارد ماه شعبان را از
روی محبت رسول خدا و تقرب حبتن بحتی تعالی حق تعالی او را محبوب خود کرده اند و او را
در روز قیامت بگواشت خود نزدیک گردانند و هشت را برای او واجب کرده اند و ایضا در کتاب
مذکور با سنانید مقدره از عتاید روایت کرده است که گفت من دیدم رسول خدا را که روزه
دارد در ماهی زیاده از ماه شعبان و ایضا در کتاب مذکور از حضرت امام رضا صلوات الله
علیه روایت کرده است که حضرت رسالت صم بسیار روزه میداشت در ماه شعبان و میفرمود
که ماه شعبان ماه من است آن بهترین ماههاست بعد از آنکه مبارک رمضان پس هر که یکروز
از این ماه را روزه بدارد من شفیع او خواهم بوده در روز قیامت و سید بن طاووس در اقبال
از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که آنحضرت از پدر بزرگوارش
روایت فرمود که حضرت رسالت صم فرمود که شعبان ماه من است و رمضان ماه خداست هر که
یکروز از آن ماه را روزه دارد در قیامت شفیع او باشم و هر که در روز آن روز روزه دارد کفاره
کند شده او آرزید شود و هر که سر روز از آن روز روزه دارد با گویند که عمل را از سر کی **روایت**
گویند که احادیث بسیار وارد شده است که ماه شعبان منسوب است حضرت رسالت صم و ماه
رمضان عبادت و نذاریان منسوب است و ماه رجب حضرت امیرالمؤمنین صم منسوب است و در بعضی
روایات ماه رجب بحتی تعالی نسبت داده شده و در بعضی ماه رمضان با نسبت حضرت رسالت صم
منسوب گردیده است و در جمیع بین اخبار در باب اول از خزینة اول مذکور شد و این باب
در کتاب توابع الاحوال از ابن مالک روایت کرده است که از رسول خدا صم پرسیدند که
کدام روزه افضل است حضرت فرمود که روزه ماه شعبان از همه تعظیم ماه رمضان و ایضا
در کتاب مذکور از ابی سعید روایت کرده است که گفت از اسامه بن زید شنیدم که گفت که
حضرت رسالت صم گاهی نهد در روزه میداشت که مردم میگفتند که دیگر اقطار بخورند فرمود
و گاهی نهد با قطار میفرمود که مردم میگفتند که دیگر روزه نخواهد داشت پس از او پرسیدم
که هیچیک از ماها و آفت در روزه میداشت که در باقی ماههای دیگر بقدر آن روزه ندارد
گفت بچه گفتیم آن کدام ماه است گفت ماه شعبان و آن ماهی است که عاقلند مردم از فضیلت
آن و آن ماه میان ماه رجب و ماه مبارک رمضان است و آن ماهی است که با میبرد در آن عملها
مردم نبوی خداوند عالمیان پس و شنیدیم که علم از آن روز در در حال آنی که من روزه باشم
و ایضا در کتاب مذکور از حضرت صادق روایت کرده است که در حدیث آنحضرت

مذکور شد فضیلت ماه شعبان پس حضرت فضیلت و توبه بسیار برای آن فرمود و در آخر فرمود
که اگر کسی در خون ناجیه اخل شده باشد روزه بدارد ماه شعبان را این روزه نفع میرساند
با و آرزید می شود بزرگ آرزوی روزه در کتاب بحال از آنحضرت روایت کرده است که روزه ما
شعبان و ماه رمضان توبه ایست بزرگه خداوند عالمیان از گناهان هر چند خون حرام باشد
و ایضا در کتاب مذکور از آنحضرت روایت کرده است که روزه شعبان ذخیره است برای
سنة در روز قیامت و هیچ بنده نیست که بسیار روزه بدارد در ماه شعبان مگر آنکه خوشبخت
با صلاح آورد امر معیشت او را و کفایت نماید شتر دشمن او را و مگر چیزی که میباید برای کسی که
یکروز از آن ماه را روزه دارد آنست که هشت برای او واجب شود و شیخ مفید قدس سره فرمود
در کتاب مقننه از زید شحام روایت کرده است که گفت آنحضرت صلوات الله علیه فرمود
که آیا احدی از پدران بزرگوار ما شعبان را روزه داشته است فرمود بلی پدران بزرگوار ما
روزه میداشتند آنرا من نیز روزه میدادم آنرا امر میکنم شیعیان خود را بر روزه داشتن
آن پس هر که از شمار روزه دارد ماه شعبان را آنکه وصل کند آنرا مبارک رمضان را
است بر حق تعالی که عطا فرماید ما و در هشت و نواکند با و لاملکی از ذریعش در وقت اضطرار
او در هر شب که ای فلان بد رستی که تو خوش شود بمودی رسول خدا صم را بعد از جهلت آنحضرت
از دنیا و همچنین یعقوب کلینی از ابی نابوهر و شیخ مفید قدس سره اسرار هم و دیگران نسبت
معتبر از حضرت صادق روایت کرده اند که بعضی از اصحاب آنحضرت از آنحضرت پرسیدند
که هیچیک از پدران بزرگوار ما شعبان را روزه داشته اند فرمود که بهترین پدران رسول
خدا صم آنرا روزه داشته است **روایت** گویند که کلینی و شیخ طوسی طباطبائیها بعد از ذکر این
روایت گفته که در بعضی از روایات وارد شده است که از آنحضرت پرسیدند که پدران بزرگوار ما
ایا ماه شعبان را روزه داشته اند حضرت فرمود که نه رسول خدا صم اینها را روزه نداشته است
و هیچیک از پدران نیز آنرا روزه نداشته اند و بعد از آن در جمیع بین اخبار گفته اند که مراد از
حدیث آخر آنست که رسول خدا صم علیه السلام شعبان را بقصد و خوب روزه نداشته اند
بلکه بقصد استصحاب روزه داشته اند و منظور حضرت در این الخطاب و اشاعه است
ایشان فایده اند که روزه تمام ماه شعبان واجب است و اگر کسی یکروز از آنرا اقطار فرماید
کفاره بر او واجب میشود و شیخ طوسی قدس سره در کفایت سنی بلاحکام از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت امام زین العابدین صم وصل میفرمود
روزه شعبان را آنکه مبارک رمضان و روزه دو ماه و در پی توبه ایست از جانی حق تعالی و این
در کتاب بحال از حضرت صادق روایت کرده است که روزه ماه شعبان یکوشت برای کسی که

آنرا در روز مبارک که بگویند که آن روز داشته اند آنرا در عقب بروزه داشتن آن نموده اند و
رسول خدا صلوات بر او و آله و سلم میفرمود روز ماه شعبان را بمبارک و در کتاب ثواب
از ابی سلمه روایت کرده است که رسول خدا ص از ماه سال هجرت تا تمام روزها میباید که شبها را
که تمام آنرا در روز میباید و وصل میفرمود روز آنرا بمبارک و در کتاب شیخ طوسی روایت
شده در کتاب تهذیب الاحکام و ابن بابویه در کتاب الخیر الفقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
گفته اند که رسول خدا ص ماه شعبان را بمبارک و در روزها میباید که هر روز را بیکدیگر
وصل میفرمود مردم را نهی میکند از اینکه ماه شعبان را بمبارک و در روزها وصل نمایند و
میفرمود که این روز و ماه خداوند عالمیان اند و روز و ماه کفاره گناهان است که پیش از این
دو ماه واقع شده باشد و بعد از آن واقع شود **تحقیق** بدانکه آنچه در اخبار حدیث شریف مذکور
است که رسول خدا ص نهی فرمود مردم را از وصل نمودن روز و ماه شعبان بمبارک و در روزها
غافل باشد با چند آیه **اول** آنچه در صدر سخن اول مذکور شد که روز و ماه شعبان از
جمله سُنَنِ است و تاکید زیاد در آن واقع شده است **دویم** مخالف است با اکثر روایات ذاکر بر
فضیلت روز و ماه شعبان و فضیلت وصل نمودن آن ماه مبارک و در روزها صلوات
سیم مخالف است با روایاتی که وارد شده است در خصوص فضیلت روز و ماه شعبان و آنچه بعد از آن
در حدیث مذکور میشود و انشاء الله تعالی ما را بر حقان الله علیهم در بیان جمیع این روایات چند و گنجینه
اول ابن بابویه رحمه در کتاب الخیر الفقیه گفته که مراد از نهی کردن رسول خدا ص مردم را از وصل نمودن
معنی حقیقی نهی نیست بلکه کلام محمول بر استنکار است و مراد آنست که هرگاه رسول خدا ص خود هرگز
ماه را بیکدیگر وصل مینموده باشد چگونه مردم را نهی از وصل نمودن میفرماید و این توجیه بسیار بعید است
دویم شیخ طوسی طلب شرافه گفته که مراد از وصل نمودن ماه شعبان بمبارک و در روزها آنست که در روز
آخر ماه شعبان افطار واقع نشود و بمبارک و در روزها وصل شود و این روز را روز وصال مینامند و
گرفتن آن حرام است و لهذا رسول خدا ص نهی از آن فرمود و این توجیه اگر چه مانند توجیه سابق بعید است
لیکن مؤید این توجیه است حدیثی که شیخ طوسی معین در بیان کرده اند از سلمان که گفت عرض
کردم چند مرتبه حضرت صادق علیه السلام که چه میفرماید در باب یکی که ماه شعبان و ماه مبارک و در روزها
مبارک فرمود که این روز و ماه همانند ماه است که حق تعالی در باره آنها فرموده که روز و ماه و در پی
توبه است از جناب خدا پس عرض کردم که این روز و ماه و در روزها وصل شود و در روزها افطار
نماید پس آن فصل است و درستی که رسول خدا ص فرمود که در روزها وصل در روزها حرام است و در روزها
آنست که کسی که در روز و ماه مبارک و در روزها وصل کند و در روزها افطار نکند و چون سستی است
برای سبکی که سستی خورد پس ماه شعبان را بمبارک و در روزها وصل بگردم است **سیمی** سیدی است

تحقیق فصل شعبان
ما را بر حقان الله علیهم
در بیان جمیع این روایات
چند و گنجینه



طوسی در کتاب اقبال گفته که رسول خدا ص تمام ماه شعبان را روز میباید است و نهی آنحضرت صلوات
امانت بجهت آنکه مردم از وصل تسبیح بر مردم و گفته است که در ایامی که در آنست بر فضیلت
روز و ماه شعبان میباید که شبها را بمبارک و در روزها شعبان را بمبارک و در روزها
نظر فرموده است در آخر فضیلت عظیم دارد و مؤید این چند حدیث نقل نموده **اول** حدیثی که از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که پدرم وصل میفرمود میان ماه شعبان و ماه مبارک و در روزها
دویم ایضا از آنحضرت روایت نموده که بجای فرمود که روز و ماه شعبان سبک است و لیکن فضل آن بسیار
از روز و ماه دیگر و یاد روز و این توجیه ظاهر است باطل است باطل است که در آنست که در فضیلت روز
تمام ایام عموم و آنست که امرنا علیه السلام تمام ایام را روز داشته اند و در آخر حدیث اولی که ذکر
نموده این شتر نیز هست که حضرت امام زین العابدین تمام ایام را روز میباید است و میفرمود که
روز و ماه در پی توبه است از جناب حق تعالی و سید از جمیع عدم ملائمت این جزیه با ملائمت
خود آنرا نقل نموده است و بعضی از مشاخرین علماء از حدیث را بر تفسیر حمل کرده است و گفته است
که وصل نمودن این روز و ماه بیکدیگر و وصل نمودن میان آنها با افطار نمودن یکروز یا دو روز و وصل
دادن دو یا چهار روز میان این روز شوق هر یک را که عمل نماید سبک است و در وصل نمودن احتمال تقیید نیز
داده است بجهت آنکه اهل سنت روز و یوم الشکر را حرام میدانند و این دو احتمال ظاهر است از
با آنچه در حدیث سابق مذکور است که رسول خدا ص خود وصل میفرمود مردم را نهی میفرمود و از وصل
کردن و تحقیق ایام چنانچه در ظاهر این شکسته میرسد آنست که رسول خدا ص عام مردم را نهی
از وصل فرموده باشد بلکه نهی آنحضرت نظر جمعی باشد که روزها بر ایشان شاق باشد و مانع حصول
ثواب خلوصیت ایشان بشود و این سبب آنست که در بعضی از اصحاب مقام جوارب آنحضرت است
حال ایشان بود فرموده اند که ایشان طاقت روزها داشتن دو ماه و در روزها افطار اند و این عینی
مانع رعایت ایشان نمیشد و فضیلت و تقوی است بر این فرموده اند و اگر بگویند ضعف مزاج یا امثال آنها
روزها گرفتن دو ماه را نداشته اند آنرا بصل و افطار فرموده اند و لهذا در بعضی از روایات آنست
بفضل و آخر ماه واقع شده چنانچه در روایتی است که سید نقل نموده و آنست که در بعضی از روایات آنست که
طاقت روزها داشتن آنست که ماه را داشته باشد و در بعضی از روایات آنست که بعد از این روزها
مشاء است و آنست که در بعضی از روایات آنست که در بعضی از روایات آنست که در بعضی از روایات آنست
سابع روایت کرده است که گفت سؤالی کردم از حضرت صادق علیه السلام از ماه شعبان که آیا رسول خدا ص
آنرا روز داشته است یا نه حضرت فرمود که بله و لیکن تمام آنرا روز نداشته است هرگز آنست که چه قدر آنرا
افطار فرمود که افطار نمود و میان نفرمود که چه قدر آنرا افطار فرمود پس سؤالی را اعاده فرمودم
سر مرتبه و حضرت همان جواب بجهت آن فرمود پس سؤالی آینه باز همین سؤالی را از آنحضرت کردم و حضرت

طوسی در کتاب اقبال گفته که رسول خدا ص تمام ماه شعبان را روز میباید است و نهی آنحضرت صلوات
امانت بجهت آنکه مردم از وصل تسبیح بر مردم و گفته است که در ایامی که در آنست بر فضیلت
روز و ماه شعبان میباید که شبها را بمبارک و در روزها شعبان را بمبارک و در روزها
نظر فرموده است در آخر فضیلت عظیم دارد و مؤید این چند حدیث نقل نموده **اول** حدیثی که از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که پدرم وصل میفرمود میان ماه شعبان و ماه مبارک و در روزها
دویم ایضا از آنحضرت روایت نموده که بجای فرمود که روز و ماه شعبان سبک است و لیکن فضل آن بسیار
از روز و ماه دیگر و یاد روز و این توجیه ظاهر است باطل است باطل است که در آنست که در فضیلت روز
تمام ایام عموم و آنست که امرنا علیه السلام تمام ایام را روز داشته اند و در آخر حدیث اولی که ذکر
نموده این شتر نیز هست که حضرت امام زین العابدین تمام ایام را روز میباید است و میفرمود که
روز و ماه در پی توبه است از جناب حق تعالی و سید از جمیع عدم ملائمت این جزیه با ملائمت
خود آنرا نقل نموده است و بعضی از مشاخرین علماء از حدیث را بر تفسیر حمل کرده است و گفته است
که وصل نمودن این روز و ماه بیکدیگر و وصل نمودن میان آنها با افطار نمودن یکروز یا دو روز و وصل
دادن دو یا چهار روز میان این روز شوق هر یک را که عمل نماید سبک است و در وصل نمودن احتمال تقیید نیز
داده است بجهت آنکه اهل سنت روز و یوم الشکر را حرام میدانند و این دو احتمال ظاهر است از
با آنچه در حدیث سابق مذکور است که رسول خدا ص خود وصل میفرمود مردم را نهی میفرمود و از وصل
کردن و تحقیق ایام چنانچه در ظاهر این شکسته میرسد آنست که رسول خدا ص عام مردم را نهی
از وصل فرموده باشد بلکه نهی آنحضرت نظر جمعی باشد که روزها بر ایشان شاق باشد و مانع حصول
ثواب خلوصیت ایشان بشود و این سبب آنست که در بعضی از اصحاب مقام جوارب آنحضرت است
حال ایشان بود فرموده اند که ایشان طاقت روزها داشتن دو ماه و در روزها افطار اند و این عینی
مانع رعایت ایشان نمیشد و فضیلت و تقوی است بر این فرموده اند و اگر بگویند ضعف مزاج یا امثال آنها
روزها گرفتن دو ماه را نداشته اند آنرا بصل و افطار فرموده اند و لهذا در بعضی از روایات آنست
بفضل و آخر ماه واقع شده چنانچه در روایتی است که سید نقل نموده و آنست که در بعضی از روایات آنست که
طاقت روزها داشتن آنست که ماه را داشته باشد و در بعضی از روایات آنست که بعد از این روزها
مشاء است و آنست که در بعضی از روایات آنست که در بعضی از روایات آنست که در بعضی از روایات آنست
سابع روایت کرده است که گفت سؤالی کردم از حضرت صادق علیه السلام از ماه شعبان که آیا رسول خدا ص
آنرا روز داشته است یا نه حضرت فرمود که بله و لیکن تمام آنرا روز نداشته است هرگز آنست که چه قدر آنرا
افطار فرمود که افطار نمود و میان نفرمود که چه قدر آنرا افطار فرمود پس سؤالی را اعاده فرمودم
سر مرتبه و حضرت همان جواب بجهت آن فرمود پس سؤالی آینه باز همین سؤالی را از آنحضرت کردم و حضرت

بهان بخواب فرمود پس پرسیدم که آیا وصل کند ماه شعبان را بماه مبارک رمضان یا فصل تمام فرمود
که فصل کند عرض کردم که چه وقت فصل کند فرمود که چون نیمه ماه بگذرد و بعد از آن بیکره از
آنرا افطار نماید پس فصل کرده و در کتاب قوس آمده از بکر بن محمد روایت کرده است که گفت
عرض کردند بحديث حضرت صادق علیه السلام که چه میفرماید در روزه ماه شعبان فرمود که روزه بهار است
عرض کردند که آیا وصل کند روزه انبیا را با افطار فرمود که بگوید بعد از نیمه را افطار کن و بعد از آن
آن وصل کن و در بعضی از روایات امر بصلت طلبا و قعده خواه در اول و خواه در وسط
خواه در آخر چنانچه بعد از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت کرده است که با
فرمود که هرگاه افطار کنی از ماه شعبان بگو که در اول و خواه در وسط و خواه در آخر پس فصل کرده
خواهی بود و همچنین آمده علی بن ابراهیم نیز صعوبت ندانسته تمام دو ماه را روزه داشته اند
و اگر بجهت صعوبت داشته افطار فرموده اند و اینست سزا بجز از بعضی احادیث سابقه ظاهر شود
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده و بگوید آخر از افطار میفرموده زیرا که آنحضرت جیم و طین
بوده و در هواهای گرم مانده مینماید طیبه روزه بر آنحضرت شاق بوده لهذا در بعضی از سنن فصل
با افطار میفرموده و گاهی که مناجات شریف آن بزرگوار طایف روزه داشته تمام ماه را روزه میداشته
چنانچه بن بابویه در کتاب ثواب الاعمال از عصبه ثابت کرده است که حضرت امام محمد باقر
امام جعفر صادق علیه السلام تمام ماه شعبان را روزه میداشته و چون این عذر را قیام نمایند
حضرت سید الساجدین و حضرت صادق علیه السلام هر دو همیشه وصل میفرموده اند و آثار رسول
خدا صلوات الله علیه روایات چنین ظاهر میشود که در اول و اول طایف تمام ماه شعبان را روزه میداشته بلکه
بعضی از آن روزه میداشته و برین معنی مجهول است حدیثی که از کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی
نقل شد که آنحضرت تمام ماه شعبان را روزه ندانسته بلکه بعضی از آنرا افطار فرموده و همچنین
احادیثی که سابق برین نقل شده که روزه آنحضرت در ماه شعبان زیاده از ماههای دیگر بوده است
در اوایل و آخر هر شریف تمام ماه را روزه میداشته و وصل میفرموده است چنانچه بن بابویه در کتاب
الاطالی از عصبه ثابت کرده است که رسول خدا از دنیا رفت در حالیکه تمام ماه شعبان و
ماه مبارک رمضان را سه روز از ماه دیگر که چشبه اول و آخر چهار شب و وسط بود روزه
میداشت و بعضی حدیثی ذکر این معنی و طلب اول از آخر نیز اول مذکور شد الله تعالی هو الموفق
تکمیل بلکه نظر برین شوهر در افضل آنست که در ماه مبارک رمضان سبب خون خصل افطار
نموده و قضا آنرا ماه شعبان تا آخر این که بسیار است و هر اندازه مغایرت با او داشته باشند و روزه
مانع نشود چنانچه محمد بن یعقوب کلینی شیخ طوسی و ابن بابویه و غیره از حضرت امام جعفر صادق
روایت کرده اند که زمان رسول خدا هرگاه قضا روزه داشتند تا آخر میفرمودند تا ماه شعبان را

مانع آنحضرت شوند پس چون ماه شعبان داخل شد ایشان را روزه میداشته و آنحضرت نیز با ایشان
میداشت و میفرمود که ماه شعبان را من الله و بعضی روایات دیگر در باب قضیت انبیا واقع شد
و بعد از آن در ضمن بیاناتی که در کتب آمده است که در کتاب **کنز** و **کنز** در کتاب **کنز**
نشد خود از بن بابویه روایت کرده است که او شنید از حضرت امام جعفر صادق و صلوات الله علیه متصل
کرد است که آنحضرت فرمود که در کتاب انبیا میفرماید نوشته است که هر سال که در ماه شعبان تا آخر
مکرم از شتر پادشاه سالها بشود و پادشاه ظفر باید بردشمان خود در مغرب و در آخر سال در کوهها
طاعون زد و با هر سدی و بزودی بر طرفی شود و هر سال که در ماه شعبان بگذرد پادشاه کشته شود یا پادشاه
و پسر پادشاه شود و بر خفا گران شود و این سخن مردم غالب است و **باب دوم** در بیان
آداب دیدن هلال ماه شعبان و آنچه در آنست **اول** استید طین نیل امیر محمد باقر و امام صادق
در بعضی از مؤلفات خود گفته است که هلال ماه شعبان را بر روی صفا جان و نیکو کاران ببیند **دوم** است
طایر و مطاب ثراه در کتاب انبیا گفته که اگر در وقت دیدن هلال ماه شعبان نماز استغفار بخواند و دعا
اللهم هذا هلال شهر صدق و قد من الله على من اذعن له هلالا بركاته سعادا
کامله الامان والعز ان والرضوان وما حية الاخطار والاحيان و
الارمان و حاصية من اذنى اهل العيان والبهتان و شرفنا بائتمثال
مرا سيمه و احياء موا سيمه و الحقا بشمول مرا حيد و مكارمه و طهرنا فيه
نظهرنا فصلح به للدخول على شهر رمضان مظفرين بافضلنا طفر به
احكام من اهل الاسلام والامان بر حمتك يا ارحم الراحمين **مؤلف** گوید که آنحضرت را
داستان نقل نموده در روز
و حدیثی نظیر برسد و دعای که از نظر او ذکر نموده منقول شد و چنانچه غایت سداد است که بخواند
ادعیه صیادین از دعا را نیز خود نالیت نموده بهتر است که ادعیه منقوله مطلقه باید خوانده شود
فان کتاب تفصیل مذکور شد و بعد از این انشاء الله تعالی بعضی از آنها را در عید دیدن هلال
مبارک رمضان مذکور می شود خواهد بود و الله تعالی هو الموفق **باب سیم** در بیان اعمالی که
هر وقت از انبیا میتوان بخواند و اختصاص بر روز و وقت مخصوص ندارد و اعمال زکوره چند چیز است **اول**

اللهم

ان الله اعلم
ما تشاءون
و ما تشاءون
و ما تشاءون

مذنب قد عمرة بحمله الهى قد سترت على ذنوبى الدنيا وانا اخرج الى سترها
على منك فى الاخرى الهى قد احسنت اليك اذ لم تظهرها لاحد من عبادك
الضالحين فلا تفضحنى يوما العيتمه على رؤس الاشهاد الهى جودك بسط
املى وعفوك افضل من عملى الهى قسرو فى بلنائك يوم تقضى فيه بين عبادك
الهى اغنذادى اليك اعنذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل عذرى
يا كبريم يا اكرم من اعتمد رايه المسبون الهى لا ترد حاجتى ولا تحبب
طبعى ولا تقطع منك رجائى واملى الهى لو اردت هواى لم تهدنى ولو اردت
فصيحى لم تعاقبى الهى ما اظنك تردنى فى حاجه قد افنت عهبرى فى
طلبها منك الهى فلك الحمد ابدا ابدا انما سرمدك اريد ولا يبدا كما تحب
وترضى الهى ان اخذت منى بحجرى اخذت منى بعفوك وان اخذت منى بذنوبى
اخذت منى بمعصيتك واذا ادم خلقتى النار اعلنت اهلكها اتى احبك الهى
كان صغرى جنب طاعتك عملى فقد كبر فى جنب رجائك املى الهى
كيف انقلب من عندك يا تحببى حر واما وقد كان حزن طبعى جودك
ان تقلبى بالبحا و مرحوما الهى وقد افنت عهبرى فى مشرة و السهو عندك

الآخر

فى

والبيت شبانى فى سكرة القبا عديمتك الهى قلما استيقظ ايام اغترابى بك
ومر كوفى الى سبيل سخطك الهى وانا عبدك وابن عبدك قائم بين يديك
مستوسل بكرمك اليك الهى انا عبدك انصتد اليك مما كنت اواجهك من
فلكه اسخياى من نظرك واطلب العفو منك اذ العفو نعت لكمرك
الهى لم يكن لي حول فانتقل به عن معصيتك الا فى وقت اعطيتى لمحبتك
وكما اردت ان اكون كنت فشكرتك باذخالى فى كرمك ولتظهر قلبى من
اوساخ الغفلة عنك الهى نظرت الى نظرم ناديتك فاجابك واستمكنته
بمعونتك فاطاعتك يا قريب لا تبعد عن المنزلة به ويا جواد لا تجمل عن
رجائى الهى قلبى لقلبا يدنيه منك شوقه ولساننا يرفع اليك صوته
ونظرنا يقتربه منك حفته الهى ان من تعرفت بك غير مجهول ومن لاد
بك غير مخدول ومن اقبلك عليه غير مملوك الهى ان من انصحب بك
لمستبر وان من اعتمصم بك لمستحير وقد لذت بك يا الهى فلا تخيب طبعى
من رجائى ولا تجبى عنى رافلك الهى اقربنى فى اهل ولايتك مقام
من رجائى الزيادة من محبتك الهى والهمنى وهما بين ذكرك وجل

عبدك

مكرر

يرفعه

سدي

الى ان
 همتي في رويح نجاج اسنالك و تحل قدسك الهيبك عليك الا الحسنيني
 يحل اهل طاعتك و المثلوق البصالح من مضا لك فان لا اقدر لنفسي
 دفعا ولا املك لها نفعا الهيا عبدك الصعيف المذنب و مملوك
 المذنب المعيب فلا تجعلني ممن صرف عنه وجهك و حجه سهوه
 عن عفوك الهيبك في كمال الا لفظاع اليك و ان ابصار قلوبنا بصيا
 نظرها اليك حتى تحرق ابصار القلوب محجبا لتور قصد الى معذب
 العظة و تصير اذوا حنا معلقة بمر قدسك الهيبك اجلني ممن نادينه
 قاجا بان ولا حظنه فصعق مجالك فنا جينه سيرا و عمل لك محجرا
 الهيبك اسلط على حسن ظني قوط الا ياس ولا انقطع رجائي من جميل
 كرمك الهيبك كاتب الخطايا قد اسقطني لك فاصح عني محسنا توكلني
 عليك الهيبك ان حطنتي لذنوب من مكارم لطيفك فقد بهتني اليقين
 الى كرم عطفك الهيبك ان امتني العفلة عن الاستعداد للقبالك
 فقد بهتني المعرفة بكرم الالك الهيبك ان غابني الى التار عظيم عفاك
 فقد غابني الى الحنة جزيل ثوابك الهيبك ان اسلك اليك استهل و

انقطع

اذ عبا اسئلك ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تجعلني ممن يدركك و لا
 ينقض عهدك و لا يفعل عن شركك و لا يستحق بامر الهيبك المحضني
 بنور عرك الابهج فاكون لك غارفا و عن سوالك مني فامنك خائفا
 مراقبا يا ذا الجلال و الاكرام و صلى الله على محمد و رسوله و آله الطاهرين و سلم

المحضني

تلمذ الشيخ
 اعلم من مؤلفه
 و كتب في
 كتابه

في باب
 في شرح

باب چهارم در بيان اعمالی که در هر روز یا هر روز و هر شب از آنها باید کرده شود و اعمال
 مذکور چند جز است **اول** استغفار ابن ابوبه رحم در کتاب خصال و عیون اخبار الرضا
 از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که آنحضرت در حدیث طولانی فرموده که
 هر که در هر روز از نماز شعبان شصت مرتبه استغفار نماید محشور شود در روز قیامت روزی
 رسول خدا ص و واجب شود برای او آنکه حق تعالی گواهی کند او را **ثانی** کوبیدن بقرینه احدی
 که بعد از این مذکور میشود ظاهر آنست که حضرت استغفار را هفتاد مرتبه فرموده باشد و چو
 صورت شصت و هفتاد در عرفی نزد یک بیکدیگر است تسامح و کتاب شصت مرتبه صبیحا نموده
 باشد و الله يعلم و ایضا ابن ابوبه در کتاب الامالی از آنحضرت روایت کرده است که هر که در ماه شعبان
 هفتاد مرتبه استغفار نماید یا هر روز حق تعالی گناهان او را هر چند تعدد شمارها و آسان باشد **ثالث**
 کوبیدن در این حدیث نیز کوبیدن بر سینه و کتاب واقع شده زیرا که در اخباری که بعد از این مذکور میشود
 استغفار در هر روز از اینها هفتاد مرتبه واقع شده و فقط هر روز از این حدیث سابقا شصت
 و شصت و هفتاد مرتبه استغفار نماید و عیون اخبار الرضا از آنحضرت روایت کرده است که هر
 روز در روز از نماز شعبان هفتاد مرتبه استغفار الله و اسئله التوبة حق تعالی برای او برآ
 یزاید از آنجمله و کد شستن از صراط را بنویسد و او را در امر الهی بر پشت خای دهد و ایضا
 ابن ابوبه در کتاب خصال و ثواب الاعماله شیخ طوسی در مصباح از حضرت خلافتی روایت نموده
 اند که هر که در روز از نماز شعبان هفتاد مرتبه استغفار الله الذي لا اله الا هو
 الرحمن الرحيم الحمى القيوم و انوب اليك سوسيد حق تعالی نام او را در افق مبین داده و برسد
 که کدام است ای مبین فرموده که صحرا هموار شد در پیش و عرش کرد آن صحرا نهها حاکم
 شده و بر لب آن نهها قد خفا نهاده شده است بعد شمارها و ستودر اقبال نیز این روایت را
 از کتاب محمد بن الحسن الصفار روایت نموده و در روایت او چنین است استغفر الله الذي لا اله الا

برای او هست که کوی با حق تعالی را در عرضش باریت نموده است و این معنی معلوم اینست که حق تعالی عیاش
 بالله جسم نباشد و در عرضش قرار گرفته باشد بلکه مقصود اینست که اگر حق تعالی را مکانی میبود و
 در عرضش قرار میداشت زبانه او ممکن بود هر آینه این عمل در ثواب مستلزم آن مرتبه میبود و الله
 تعالی **و بدانکه** معصیت خداوند خالیان درین دو کوه کناه عظیم دارد چنانچه در بعضی از روایات
 از سید کاشان حکم مستولت که فرموده که حق تعالی آن خداوندی که مراد بر بعضی فرستاده است که هر که
 در روز اول ماه شعبان در ای از درهای شتر معصیت را بکشد بدستی که بشاخی از شاخهای شتر
 زقوم چسبیده و آن شاخ المبه او را بجهنم میرساند و سید جلیل بنیدلیر میفرماید که این امر با خدا مطاب تراه
 در بعضی از مؤلفان خود عمل طوافی بجهت طلب روزی بفرموده که از اول رجب باید شروع نمود
 تا سی روز تمام و اگر ماه رجب صلح نداشتند باشد روز اول ماه شعبان نیز آن عمل را باید بجا آورد تا سی روز
 تمام شود و کیفیت این عمل را بجهت اینست که از خزینه اول مذکور شد **شب و تیر** سید که در کتاب مذکور
 از حضرت رسالت روایت کرده که هر که در این شب بجا رکعت نماز کند در هر رکعتی سوره حمد و سوره
 قل هو الله احد قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را یکسوی بخواند حق تعالی او را از آید
 کاتبین اعمال را که سنوید برای این سوره از کله سال بر او بگذرد و بگوید از حق تعالی برای او نصیبی
 در عبادت اهل آسمان و زمین پس فرمود بآن خدا می که حق تعالی در اسقی مراد بر بعضی فرستاده است که
 که ترک نمیکند بر یاد داشتن این شب را بعبادت مکر شقی و منافق یا فاجر و فضایل بسیار دیگر نیز برای این
 بیان فرمود **مؤلف** گوید که در این شب دو رکعت نماز در هر رکعتی حمد یکسوی و سوره قل هو الله احد
 پانزده نوبت سنت است چنانچه در حدیث سابق که در عمل چهارم از شب اول گذشت مذکور است
 و احیاء داشتن این شب بعبادت نیز فضیلت عظیم دارد چنانچه از حدیث سابق و از این حدیث شریف
 مفهومی شود **روز دوم** این روز چون از جمله سر روز اول این ماه است روزه داشتن آن فضیلت
 عظیم دارد چنانچه در حدیث عمل چهارم از شب اول مذکور است **شب سیم** سید که در کتاب مذکور
 از رسول خدا روایت نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعتی حمد یکسوی و
 سوره قل هو الله احد بیست و پنج نوبت بخواند حق تعالی برای او در قیامت هشت در بهشت را بکشد
 و هفت در جهنم را بر روی او بر سبزد و بسوزاند با و هزار حله و هزار نایج **مؤلف** گوید که استیجاب این شب
 نیز نهایت فضیلت دارد چنانچه در حدیث عمل چهارم از شب اول مذکور است **روز چهارم** این روز
 چون از سر روز اول این ماه است روزه آن فضیلت عظیم دارد و مخصوص این روز تا یکدیگر باشد
 زیرا که اشهر میان علمای شیعه مطابقت در ایات معتبره بسیار است که ولادت با سعادت حضرت سید
 الشهداء ابو عبد الله المحسن صلوات الله علیه و علی باه و انبیا المطهرین درین روز در روز پنجم
 سال چهارم از هجرت واقع شده و این قول خلاف مشهور است و شیخ طوسی ازین طواوس و دیگران

روایت نموده اند که فرمان حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه برین آمد نیزه فاسم من عدلته هذا فی
 و کید حضرت امام حسن عسکری که ولای ما حضرت امام حسین در روز پنجم سیم ماه شعبان
 متولد شده است **پنجم روزه** اللهم انی اسألك بحق هذا المولد فی هذا الیوم الموعود
 دارا نزا و یحسان این دعا را

لِقَلْبِهَا دَلِيمٌ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوَلَادَتِهِ بَكْتُهُ السَّمَاءُ وَمَنْ فِيهَا وَالْأَرْضُ وَمَنْ
 عَلَيْهَا وَمَنْ لَيْطًا لَابِتِيهَا قَبِيلِ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْأُسْرَةِ الْمَسْدُودِ بِاللَّصْرِ وَ
 يَوْمِ الْعَكْرَةِ وَالْمُعْوَضِ مِنْ قَلْبِهِ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ نَسَلِهِ وَالشِّعَاءَ فِي تَرْسِيهِ وَ
 الْقَوْرَةَ مَعَهُ فِي أَوْبِهِ وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عَتْرَتِهِ بَعْدَ نَأْمِيهِمْ وَعَيْبَتِهِ حَتَّى
 يُذَكِّرُوا الْأَقْدَارَ وَيَشَارُوا النَّارَ وَيُرْضُوا الْعَبَّارَ وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ الْكَلْبِ وَالنَّهَارِ اللَّهُمَّ فَحَقِّمْ لِيكَ أَوْسَلَ وَأَسْأَلُ سُؤَالَ
 مُعْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مَسِيٍّ إِلَى نَفْسِهِ شَاقٍ طَيِّبٍ يَوْمِيهِ وَأَمْسِهِ يَا أَلِكِ الْعِصْمَةَ
 إِلَى مَحَلِّ دَمِهِ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَتْرَتِهِ وَاحْتَرْنَا فِي دُمُرِهِ وَبَوَّسْنَا مَعَهُ
 ذَا الْكِرَامَةِ وَمَحَلِّ الْإِقَامَةِ اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْنَا بِمَعْرِفَتِهِ فَآكْرَمْنَا
 بِرُفْعَتِهِ وَازْمَنْتْنَا مَرَاتِقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ وَاجْمَلْنَا مَحْنِ لَيْلِكَ لِأَمْرِهِ وَيَكْبُرُ الصَّلَاةَ
 عَلَيْكَ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَائِهِ وَأَهْلِ صُطُفَانِ الْمَسْدُودِ وَدِينِ نَبِيِّكَ
 بِالْعَدَدِ الْإِسْنِ عَشْرًا لِحُجْرَةِ الرَّهْرِ وَالْحُجْرِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ اللَّهُمَّ وَقَبْلَ لَنَا فِي

مَلَكَ السَّمَاءِ

هَذَا الْيَوْمِ خَيْرٌ مَوْهَبَةٌ وَأَخْبَجْنَا كُلَّ طَلِبَةٍ كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِحَبْلِ جَدِّهِ وَ
عَادَ فُطْرُسُ بِيَهْدٍ فَحَسْبُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِكَ تَشْهَدُ رُسُلُهُ وَنَنْظُرُ أَوْبَهُ

امین رب العالمین پس شیخ سید کفنه اندک میخواند بعد از این دعا حضرت امام حسین
علیه السلام را و این آخوذ غائی است که آنحضرت خوانده در روزی که مغلوب گردید

اللَّهُمَّ أَنْتَ مُتَعَالِي الْمَكَانِ عَظِيمِ الْجَبْرُوتِ شَدِيدِ الْإِحْطَالِ غَنِيِّ عَنِ الْخَلْقِ تَوَكَّلْتُ
عَرِيضُ الْكِبَرِ بَاءً فَاذْكُرْ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَرِيبَ الرَّحْمَةِ صَادِقُ الْوَعْدِ سَابِغُ الْبِعْضَةِ

حَسَنُ الْبَلَاءِ قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَ مُحِيطٌ بِمَا خَلَقْتَ قَائِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ نَابَهُ لَيْتَ
فَاذْكُرْ عَلَيَّ مَا أَرَدْتَ وَمُدْرِكُ مَا طَلَبْتَ وَشَاكِرُ إِذَا شَكَرْتَ وَذَاكِرُ إِذَا ذَكَرْتَ

أَدْعُوكَ مُخْجَاوًا وَارْعَبُ لَيْتَ قَصِيرًا وَأَفْرَعُ لَيْتَ خَائِفًا وَاللَّيْلُ لَيْتَ مَكْرُوبًا
وَأَسْتَجِينُ لَيْتَ صَعِيفًا وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كَأَنِّي أَحْكُمُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا

بِالْحَقِّ فَاتْمِمْ عَزْمُونا وَوَاوَدَّ لَوْنَا وَخَدَّ عَوْنَنَا وَعَدَّ رُوَيْنَا وَقَتْلُونَا وَحَقِّ عِزَّتِنَا
نَيْتِكَ وَوَلَدُ حَبِيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالْبِرِّ سَالِمًا

وَأَمْتِنْتَهُ عَلَيَّ وَحَيْكَ فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا وَقِجَابِ حَرْبِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس گفته اند که این عیاش گفته که شبیدم از حسین بن علی از حضرت صادق که در روز و از این دعا را بخواند
میفرمود که از دعا های روز نهم ماه شعبان است که روز تولد حضرت امام حسین است **مؤلف**
گوید که ظاهر است که دعا اول در تنهایی از ناحیه مقدسه میروند آمده و دعای ثانی با بر تنهایی از تنهایی
روایت کرده پس اگر هر یک از دعا ها بر تنهایی خوانده شود یا دعای ثانی یا اول خوانده شود نیز خوب است

الثانی

بیتک من

ذکر

و لازم نیست که دعا باقی بماند بعد از دعا اول خوانده شود چنانچه شیخ سید کفنه اندک میخواند
علامه در منهاج الصلح گفته اند دعا اول نموده و دعا ثانی را نفل کرده است و بعد از آنکه ضابطه آنجور دعا
ثانی مخصوص اهل بیت رسالت است صلوات الله علیهم اجمعین و اولد علامه امام ادام الله ظلالة

در خطبه ذریعته الفلاح گفته که بنا بر این دو روایت که هر یک غیر ایشان این دعا را بخوانند باید با این نحو
بخوانند قَائِمُكُمْ عَزْوُ الْأُمَّتِ وَخَدَّ عَوْنَهُمْ وَعَدَّ رُوَيْنَهُمْ وَقَتْلُونَهُمْ وَهَلُمَّ عِزَّتِي تَيْبَاتِكَ وَدِرَاقَةَ جَبَلِكَ
لَهُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ قَرِيبًا بَخْوَانَتِهِ وَخَلَّتْ أَسْتِ كَرِهَانِ نَحْوِي كَرِهَانِ إِيشَانِ مِيخَانَةِ الْهَدْيِ كِرَانِ نِيْزَانِيْهِمَا مِيخَانَتِهِ

و چون آن بزرگواران پدر حقیقی از امت مرحومه و غیره از جان و نفس شیعیه اند و مضایق که بر ایشان آ
شده چنانست که فی الحقیقه بر شیعیه ان واقع شده باشد پس ایشان میخوانند که گویند که بر ما ظلم کرده اند
و ما را کشته اند و ما را طردین ما صرحیان میرسد که او یکی از بنیاد است خصوصاً ما را در این دعای

بخوانند شیعیه فقرات احتیاج نباشد و الله تعالی یعلم و سید سلیمان بن علی امیر مجاهد امداد قدر الله وجهه
در بعضی از مؤلفات خود گفته که در روز نهم ماه شعبان این دعا بخوانند شیار و القاد و یشار و
القار و قیر صوته و ایضا گفته که در روز نهم ماه شعبان این دعا بخوانند شیار و القاد و یشار و
نیاز شود معالج نشود و در حق که بنیاد است خشک شود و اگر کسی در روز نهم ماه شعبان این دعا بخواند هر که

و اگر بفرود در یک روز هر که ای بکشد با تمام **مؤلف** گوید که الفاظ دعا مذکور است
سند می برای آن و برای نخست این و نیز هیچکس بنظر نرسد و الله تعالی یعلم **تکمیل** بدانکه در روز نهم
اول مذکور شد که هر روزی که ولادت یا وفات یکی از ائمه علیهم السلام در آن روز واقع شده باشد یا

فضیلتی از فضایل ایشان در آن روز ظاهر شده باشد یا اندوخی مصیبتی بر ایشان واقع شده باشد
زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسب است لهذا این روز چون مولد حضرت سید الشهداء است
زیارت آنحضرت در آن مناسب است و دعای مذکور شد اگر چه خواندن آن منزله زیارت است
لیکن اگر این دعا را با زیارت کسب جمع نماید اثر و افضل است پس اگر در روز مرشد مطهر حاضر باشد

بزار است مطلقه زیارت نماید و اگر در و بر باشد بیام خاتمه یا بصحرا رود و نظر بخوابد راست و چپ
کند و بعد از آن با سنان نظر کند و بر روی قبر مبارک نماید بگوید اَللّهُمَّ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ اَللّهُمَّ
عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ اَللّهُمَّ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبِرَّكَ كَاتِبُ **شجانه** سید در کتاب
مذکور از حضرت رسالت هم روایت نموده که هر که در این شب چهل رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی

حدیثی که سوره قل هو الله احد است و پنج نوبت بنویسد حق تعالی برای او دعوی هر رکعتی نوبت
عبادت هر هزار سال و بنا کند برای او دعوی هر سوره هزار هزار شهره عطا فرماید با و تو شایسته
شهرت **شجانه** سید در کتاب مذکور از حضرت رسول هم روایت کرده که هر که در این شب دو
رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی حدیثی که سوره قل هو الله احد یا صد نوبت و چون سلام دهد

رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی حدیثی که سوره قل هو الله احد یا صد نوبت و چون سلام دهد

عنه

نوبت صلوات بر رسول خدا و آل او صلوات الله علیه و علیهم اجمعین بفرستد حق تعالی هر از آنجا
از خواج و دنیا و آخرت او را بر آورد و عطا فرماید باو بعد دستارهای آسمان شهرهای در پیش
روز نهم بر و آب شیخ طوسی در تہذیب و مصباح و لا بد حضرت امام حسین هم درین
روز واقع شده و این قول خلافت شہر و اقوی سیم اینها است چنانچه گذشت و شیخ طوسی در مصباح
روایات این قول را ذکر نموده و منوچہ ترویج احکام از وایتین نشده است شیخ سنہدیه گفته است که
حضرت سیدنا احد بن صلوات الله علیه نیز در روز شنبه پنجم اینها متولد شده و اشہر این نزد عمر بن عبد
الاولی است و اقوال دیگر نیز هست که در محل خود مذکور می شود و چون اجمال و لا بد است این روز و تبرکات
درین روز نیز در ذی ارباب ایشان از نزد بیک و در مناسبات **شب ششم** سید در کتاب مذکور است
و سائلین پیاهی صورت روایت نموده که هر که درین شب چنانچه رکعت نماز بکند در در هر رکعتی حمد یک نوبت و سوره
قل هو الله احد بخواند نوبت حق تعالی تضرع و حاضری نماید در خاطر که سعادت مند و نیکو کار باشد و قرآن را
و سبب کند اندرین آید از قریش و حال آنکه بر وی و مانده باشد و باشد و می گفته باشد آن که لا اله
الا الله و ان محمدا عبده و رسوله بعضی کوهی میدهم که خواندن این بیت بجز حق تعالی و آنکه محمد ص
بنده او و پیغمبر او است **مؤلف** گوید که کفعمی در رجنه الاما سوره قل هو الله احد را در نوبت نفل نموده
و اگر عمل روایت اقبال شود شاید هر چه در طریق عمل شده باشد و الله تعالی بفرماید **روز نهم** سید علی
نبیل امیر بخواند اما در طاب ثراء در بعضی از مؤلفان گفته که در روز ششم اینها نیز حضرت چنانچه هر
طغی که در آن متولد شود نبرد و هر که بیار شود مغالجه نشود و در حق که نبی خدا خشک شود
و کسی که بخت رود کشته شود و هر که بسفر برود بر نکردد و کاری که در آن شروع کند با تمام نرسد **مؤلف**
گوید که از بعضی در روایتی بفرستد **شب هفتم** سید طاب ثراء در کتاب مذکور است رسول خدا
صلی الله علیه و آله و آیت کرده که هر که درین شب دو رکعت نماز کند و در رکعت اول حمد یک نوبت و نفل
هو الله احد صد نوبت و در رکعت دوم حمد یک نوبت و آیت الکرسی صد نوبت بخواند بدستی که هر
در مؤمنان از نماز نماز آن حق تعالی غایب و از استیجاب بگرداند و خواج او را بر آورد و نوشته شود
برای او هر روز ثواب شهبیدگ و او را در درگاه خدا گناهی نباشد **مؤلف** گوید که کفعمی در رجنه الاما
در رکعت دوم بعد از حمد آیت الکرسی را بکری نفل نموده است و بخط حد علامم مولانا محسن
طاب ثراء در هر دو رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد صد مرتبه است و روایاتی اقبال
اصح است و الله تعالی بفرماید **روز نهم** شیخ طوسی در مصباح از صفوان جمال روایت
کرده است که حضرت امام جعفر صادق فرمود که حضرت امیر المؤمنین هم در روز یکشنبه هفتم
ماه شعبان متولد شده و اشہر سیزده سمرماه رجب است چنانچه گذشت لیکن سند این روایت چون
صحیح است اگر هر دو روز را از این نماید بهتر است و این رجب ذی ارباب است حضرت در این روز از نزد بیک

دو در مناسبات و الله تعالی بفرماید **شب هشتم** سید طاب ثراء در کتاب مذکور است حضرت رسول ص
نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بخواند در رکعت اول حمد یک نوبت و آیت الکرسی صد نوبت و در
سوره یک نوبت و سوره قل هو الله احد را پانزده نوبت و در رکعت دوم حمد یک نوبت و آیت الکرسی
آتا کثیر شکرت آخر یک نوبت و سوره قل هو الله احد را پانزده نوبت بخواند بجز آنکه گناہان او زیاد
کند در باها باشد حق تعالی او را از دنیا برودن نبرد مگر ظاهر و پاک و چنان باشد که خوانده باشد
توبه توبه و رجیل و زبور و فرقان **مؤلف** گوید که در این موضع کفعمی در رجنه الاما در رکعت اول
امن الرسول و نفل کرده و ظاهر است سه و نموده یا از علم نشاخ ساقط شده است و این امر از رسول
آخر سوره بقره است و آیات اینست **امن الرسول بما انزل الیه من ذبیرة و المؤمنون کل امن**
بالله و ملکینہ و کلمہ و رسلہ لا نفرق بین احد من رسلہ و قالوا سمعنا و اطعنا
غفرناک ربنا و ان الیک المصیر لا یجکت الله نفسا الا و سعهما لهما ما کتب و علیہما
الکتاب و ربنا لا نؤخذنا ان تبتنا ان اخطانا و تبتنا و لا تحمیل علینا اصرنا کما حمیت
علی الذین من قبلنا و ربنا و لا تحمیلنا لاطلاقه لنا یر و اعف عتانا و اغفر لنا و ان حمینا
انت مولانا فانظرنا علی القوم الکافرین و ای قرآننا انما بشارت و آخر سوره کفایت و آیت
قل انما آتانا بقرتکم لیس فی الیک انما الہکم الذکر و احد حسن کان یرجو لقاء ربہ فلعلکم
عملا صالحین و لا یثابرون فی عبادتہ احرار و زھتم بعضی و لا در کتاب استاده حضرت صاحب الامر
علی السلام درین روز نفل کرده اند و اشہر و اقوی شب پانزدهم اینها است و لیکن باعتبار روایاتی که در
آن نیز کور از نزد بیک و در کفعمی که در اعمال شب نیمه مذکور خواهد شد مناسب است **شب نهم** سید
در کتاب مذکور است حضرت رسالت ص و روایت نموده که هر که در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی
حمد یک نوبت و سوره اذا جاء نصر الله و الفتح ده نوبت حق تعالی الیه حسدا و از بر آتش جهنم حرام کرد
و عطا فرماید باو بعضی هر که ثواب و نزهت شہید از شہدا بدو و ثواب **روز نهم** بعضی
از علماء و اولاد شومورا استاده حضرت امام زین العابدین را درین روز نفل نموده و این قول اگر چه
خلاف مشهور است لیکن چون احتمال بره زیارت آنحضرت درین روز از نزد بیک و در مناسبات است
شب نهم سید در کتاب مذکور است جناب حضرت سید لایق هم روایت نموده که هر که در این شب چهار
رکعت نماز کند در هر رکعتی حمد یک نوبت و سوره انما اعطیناک الکوثر بخواند حق تعالی علیکم میفرماید
که بنویسید برای او صد هزار درجه و هر که از رهان بر روی او میبندد و سیامزده او را و پیر و ما در او
و همسایگان او را **مؤلف** گوید که کفعمی در رجنه الاما آیت الکرسی را نیز سه نوبت نفل نموده و ظاهر
سرور نفل نموده لیکن مناسب آن شاید احتیاط باشد و بعد آنکه مراد از کشودن هزار درجه کشودن هزار
بخت است و این منافات ندارد با آنچه در روایات معتبره مشہد فیض وارد شده است که برای هفت

سر نوبت ۴

دیگر با ما دعا میکرد و ما آمین میگفتم و در حقه دیگر استغفار میکرد و همیشه را از حق تعالی سؤال
 می نمود تا صبح طالع می شد **مؤلف** گوید که آنچه در این حدیث وارد شده است که در یک صبح شب
 ما نماز می فرمود ظاهر از رفاقت در اصل نماز کردن است نه کردن نماز بجای نماز زیرا که ناخدا را
 بجای نماز نمیتوان کرد و از این حدیث شریف مفهوم می شود که جمع نمودن اشباع و اولاد و ترغیب
 نمودن ایشان عبادات در این شب ضعیف عظیم دارد و آنکه عبادات موقوفه در این شب در
 جمیع مهتر است از خلوات زیرا که باعث استجاب دعا میشود و الله تعالی **بسم الله** سید در
 کتاب اقبال از رسول خدا روایت نموده است که هر که در این شب میان نماز شام و غنق
 چهار رکعت نماز بکند هر روز رکعت بسکلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد
 نوبت بخواند و چون فارغ شود نوبت یارت اغفر لنا و نوبت یار تبارکنا و نوبت یار
 یار تبارکنا و بعد از آن سوره قل هو الله احد را بیت و یک نوبت بخواند و مرسته
 سبحان الکریم یحیی المؤمن و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدير که بگوید **بسم الله**
 دعا او را مستجاب کرد اند و خواست دنیا و آخرت او را بر آورد و نماز او را بدست راست او دهد
 و در حفظ آهی باشد تا سال آید **مؤلف** گوید که سید در کتاب مذکور روایت دیگری نقل نموده
 که در آن روایت بعد از حمد سوره قل هو الله احد یا زده نوبت وارد شده و کفعمی در حقه
 ایام از بعضی یار تبارک اغفر لنا اللهم اغفر لنا فاعل نموده و نوبت یار تبارکنا با بیت
 یک نوبت قل هو الله احد را نقل نموده است **ششم** شش رکعت نماز هر روز رکعت بسکلام و در
 هر رکعت بعد از حمد هر یک از سوره کبر و تبارک و قل هو الله احد که نوبت در این نماز ثواب عظیم است
 و در این سیم اعمال ماه رجب کند **مفهم** دعا که حضرت سید الشاهین صلوات الله علیه
 هر روز نزد وال آفتاب و در شب همه ایماه بخواند و آن دعا اللهم صل علی محمد و آل محمد
 کعبه التیوم است تا آخر آن و در باب چهارم در اعمال هر روز یا هر روز و هر شب ایماه گذشت
ششم سید در دعا اقبال سید خود از هر روز بنام موسی بن جعفر روایت کرده است که در
 نیمه شعبان چهار رکعت نماز بکند هر روز رکعت بسکلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله
 احد صد نوبت بخوان اللهم ارحم الیک فقیر و من عذایک خائف و یرک مستحسرا
 و چون فارغ شود نماز **مفهم**
 رَبِّ لَا تُسَبِّرْ لِي أَسْمِي وَلَا تُغَيِّرْ حِسِّي وَلَا تُجْهِدْ بِلَايِي رَبِّ لَا تُسَبِّرْ لِي أَعْدَائِي
 أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ

الله

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ شَأْنُكَ أَنْتَ كَمَا أَتَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْعَالَمُونَ هَيْتَ

پس عاکن آنچه خواهی **مؤلف** گوید که این نماز دعا صحیح اعمال وارده در این شب است و شیخ طوسی
 قدس سره در مصباح نیز این عمل را نقل نموده و شیخ از ابو یحیی صدغافه روایت کرده که او از
 حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام این عمل را روایت کرده اند و بعد از آن گفته اند که
 از ثقات اصحاب نیز در بزرگوار این عمل را از ایشان روایت نموده اند **هفتم** سید بن طاووس در کتاب
 اقبال از کتاب محمد بن علی طرازی نقل نموده است که در شب نیمه شعبان چهار رکعت نماز بکند هر روز رکعت
 بسکلام و در هر رکعت حمد یک نوبت و سوره قل هو الله احد بخواند و اگر خواهی قل هو الله احد را صد
 نوبت بخواند و اگر خواهی ویت و بچاه اللهم ارحم الیک فقیر و من عذایک خائف و یرک مستحسرا
 نوبت بخواند و چون سلام گوئی یا علی

وَسَبِّ لَأَدْرِي

رَبِّ لَا تُسَبِّرْ لِي أَسْمِي وَلَا تُغَيِّرْ حِسِّي وَلَا تُجْهِدْ بِلَايِي وَلَا تُسَبِّرْ لِي أَعْدَائِي اللَّهُمَّ ارحم الیک
 أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَأَعُوذُ
 بِكَ مِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ جَلَّ شَأْنُكَ لَا أُحْصِي مِدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا
 أَتَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْعَالَمُونَ أَنْ نَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْدَمَ لَكَ

و بجای کند و کذا حاجات خود را بطلب **مؤلف** گوید که شیخ طوسی طاب ثراه در مصباح سید خود از حضرت زین العابدین
 موسی کاظم عم این عمل را روایت نموده و در روایت او سوره قل هو الله احد دو بیت و بچاه مرتبه وارد شده
 و تخمین میان بچاه و صد و دو بیت و بچاه در آن مذکور نیست و حد علامه امام بویکانی باقر مجلسی قدس سره
 در حقه در کتاب زاد المعاد گفته که اگر بچاه مرتبه را اختیار نماید موافق می شود با نماز حضرت امیر المؤمنین
 و در فضیلت آن احادیث بسیار است و بدانکه ظاهر کلام شیخ و سید آنست که این عمل غیر چهار سال است
 و ظاهر آنست که این چهار نوبت از توفیق عده رکعت نماز و تطایر عبارات دعا بعد نماز هر یک باشد و آنست که این عمل
 با عمل سابق متحد باشد و آدوب سوره قل هو الله احد مخیر میان بچاه و صد و دو بیت و بچاه بوده باشد
 و اگر دو بیت و بچاه را اختیار نماید افضل و شاید بجمع هر دو این عمل نموده باشد و الله تعالی می کند
هفتم سید بن طاووس در اقبال ذکر نموده که در کتاب محمد بن علی طرازی اللهم أنت الخالق القیوم
 بعد از ذکر عمل سابق مذکور است که از جمله دعاهاست نیمه شعبان این دعا است

و علا مرتبه در کتاب مصباح
 و این باقی در مصباح

دیگر با ما دعا میکرد و ما آمین میگفتم و در حصه دیگر استغفار میکرد و همیشه را از حق تعالی سؤال
مینمود تا صبح طالع می شد **مؤلف** گوید که آنچه در این حدیث وارد شده است که در یک صبح شش بار
مانان میفرمود ظاهر برادرفاقت در اصل نماز کردن است نه کردن نماز بجای آن زیرا که نماز را
بجای آن نمیتوان کرد و از این حدیث شریف مفهوم می شود که جمع نمودن اشیاء و اولاد و ترغیب
نمودن ایشان عبادت در این شب فضیلت عظیم دارد و آنکه عبادت مؤلفه در این شب در
جامع مبرک است از خلوات زیرا که باعث استجاب دعا میشود و الله تعالی **بخیر** سید در
کتاب انبیا از رسول خدا روایت نموده است که هر که در این شب میان نماز شام و حضرت
چهار رکعت نماز بکند هر روز رکعت سیکلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد
نوبت بخواند و چون فارغ شده نوبت یا آیت اغفر لنا و نوبت یا آیت مرحمنا و ده نوبت
یا آیت شت علینا و بعد از آن سوره قل هو الله احد را بکند و یک نوبت بخواند و در هر شب
سُبْحَانَ الَّذِي يَخْتَلِي الْمَوْتِ وَيَمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بخواند
دعا او را مستجاب کرد اند و حاج دنیا و آخرت او را بر آورد و نماز او را بر باد نرساند و هد
و در حفظ آهی باشد تا سال آینده **مؤلف** گوید که سید در کتاب مذکور روایت دیگری نقل نموده
که در آن روایت بعد از حمد سوره قل هو الله احد یا زده نوبت وارد شده و کفعمی در حجت
الامان بعضی یا آیت اغفر لنا اللهم اغفر لنا نفل نموده و ده نوبت یا آیت شت لنا یا بیتی
بکند نوبت قل هو الله احد را نفل نموده است **ششم** شش رکعت نماز هر روز رکعت سیکلام و در
هر رکعت بعد از حمد هر یک از سوره قیر و تبارک و قل هو الله احد یک نوبت و از نماز ثواب عظیم است
و در بار سینه اعمال ماه رجب کند **معموم** دعا که حضرت سید الشاهدین صلوات الله علیه
هر روز نزد زال آفتاب و در شب نیمه ایماه بخواند و آن دعا اللهم صل على محمد و آل محمد
تکبره التمجید است تا آخر آن و در باب چهارم در اعمال هر روز هر شب ایماه کند
ششم سید در اقبال بسند خود از هر روز نویسی نمکبری رخص روایت کرده است که در
نیمه شعبان چهار رکعت نماز بکند هر روز رکعت سیکلام و در هر رکعت حمد بکند و قل هو الله
احد صد نوبت بخوان اللهم اِنِّ إِلَيْكَ قَبِيرٌ وَمِنْ عَدَابِكَ خَائِفٌ وَ إِلَيْكَ مُسْتَجِيرٌ
و چون فارغ شود بخوان

رَبِّ لَا تَسْأَلْنِي لِأَسْئَلِي وَلَا تَعْتِرْ حِسْبِي وَلَا تَجْهَدْ بِلَايِي رَبِّ لَا تَسْأَلْنِي لِأَعْدَائِي

أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ سَخَطِكَ

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ شَأْنُكَ أَنْتَ كَمَا أَتَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَتَوَقَّ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ مِنْكَ

پس عاکن آنچه خواهی **مؤلف** گوید که این نماز در غای صحیح اعمال و آورده در شب است و شیخ طوسی
قدس سره در مصباح نیز این عمل را نفل نموده و شیخ از ابو یحیی صنعانی روایت کرده که از آن
حضرت امام محمد باقر امام جعفر صادق علیه السلام این عمل را روایت کرده اند و بعد از آن گفته اند
از ثقات اصحاب بزرگوار این عمل را از ایشان روایت نموده اند **هفتم** سید بزطا و سرور در کتاب
اقبال از کتاب محمد بن علی طراز نقل نموده است که در شب نیمه شعبان چهار رکعت نماز بکند هر روز
بسیکلام و در هر رکعت حمد بکند و سوره قل هو الله احد بخواند و اگر خواهی قل هو الله احد صد
نوبت بخواند و اگر خواهی ولایت و جبهه اللهم اِنِّ إِلَيْكَ قَبِيرٌ وَمِنْ عَدَابِكَ خَائِفٌ وَ إِلَيْكَ مُسْتَجِيرٌ
نوبت بخواند و چون سلام گوئی بخوان

رَبِّ لَا تَسْأَلْنِي لِأَسْئَلِي وَلَا تَعْتِرْ حِسْبِي وَلَا تَجْهَدْ بِلَايِي رَبِّ لَا تَسْأَلْنِي لِأَعْدَائِي اللَّهُمَّ اِنِّ إِلَيْكَ

أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَدَابِكَ وَأَعُوذُ

بِكَ مِنْكَ لِأَلَّا تَسْأَلَنِي لِأَسْئَلِي وَلَا تَعْتِرْ حِسْبِي وَلَا تَجْهَدْ بِلَايِي رَبِّ لَا تَسْأَلْنِي لِأَعْدَائِي

أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ شَأْنُكَ أَنْتَ كَمَا أَتَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَتَوَقَّ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ مِنْكَ

و بجای کند و کذا حاجت خود را بطلب **مؤلف** گوید که شیخ طوسی طایفه در مصباح بسند خود از حضرت امام
موسو کاظم ع را روایت نموده و در روایت او سوره قل هو الله احد روایت و پنجاه مرتبه وارد شده
و پنج نوبت بخواند و صد و بیست و پنج نوبت و حدیث علامه امام موسی باقر مجلسی قدس سره
در وجه در کتاب زاد المصنف که اگر پنجاه مرتبه را اختیار نماید و او فری شود با نماز حضرت امیرالمؤمنین
و ده نوبت آن احادیث بسیار است و بدانکه ظاهر کلام شیخ و سید آنست که این عمل غیر عمل سابق است
و ظاهر حال چنانچه از تواریق عهد رکعت نماز و نظایر عبارات دعا بعد از نماز می شود آنست که این عمل
با عمل سابق متحد باشد و او در سوره قل هو الله احد پنج نوبت بخواند و صد و بیست و پنج نوبت بخواند
و اگر دو نوبت و پنج نوبت را اختیار نماید افضل و شاید بتجمع روایات عمل نموده باشد و الله تعالی سید

دوم سید بن طاووس در اقبال ذکر نموده که در کتاب محمد بن علی طراز **اللهم أنت الهی القیوم**
عبادت در حال ساقی تو میگویم که از جمله دعاهاست نیمه شعبان این دعا است

و علامه در کتاب مصباح
و این باقی در مصباح

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ الْبَارِعُ الْمُجِيبُ الْمُبْتَدِئُ الْبَدِيعُ لَكَ الْكُرْمُ وَ لَكَ
 الْمَضَلُّ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْمَنْ وَ لَكَ الْجُودُ وَ لَكَ الْأَمْرُ وَ حَدَّثَكَ لِإِشْرَافِكَ
 لَكَ يَا وَاحِدًا يَا صَمَدًا يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يُكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ لِحَسَنِي وَ لِكَفِينِي مَا أَسْتَجِبُ وَ رَضِي
 وَ تَبِي وَ وَسِّعْ عَلَيَّ وَ انزِلْ مِنِّي فَإِنَّكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ كُلَّ أَمْرٍ تَقْرَأُ وَ مِنْ نَشَاءٍ
 مِنْ خَلْقِكَ تَرْتَفِقُ فَأَمْرٌ مِنْ قَبْلِي وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ أَنْتَ خَيْرُ
 الْفَعَالِينَ السَّاطِعِينَ وَ اسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَبَيْنَ فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَ آيَاتِكَ
 قَصَدْتُ وَ ابْنُ نَبِيِّكَ اعْتَمَدْتُ وَ لَكَ رَجَوْتُ فَأَرْحَمَنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مؤلف گوید که شیخ و علامه و ابن بلقیه و کفعمی قدس الله اسرارهم نیز این دعا را نقل نموده اند بر اینی
 است که در کربلا علی حاضر باشد چنانچه از قمره آنخرد عا که و ابن نسیک اصفهانی است ظاهر می
 شود و الله تعالی **یا ارحمهم و دوائهم** شیخ طوسی و سید بن طاووس قدس الله روحها در صباح و اقبال
 پس معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود از پدرم امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند
 از فضیلتی است بصفه شعبان فرمود که این شب بعد از شب قدر افضل شبهاست و حق تعالی
 فضل خود را در این شب بر بندگانش عطا میفرماید و با احسان خود کما هان ایشان را می آفریند پس
 سبک کند و در فقره جبهت کسوی خلد و ندعا لیسان در این شب که این شبی است که حق تعالی بندگان را
 خود سبک نماید کرده که سبک می آید از درگاه خود رد نکند مگر آنکه مصلحتی از خدا طلب نماید و این
 شب را خدا بر ما اهل بیت قرار داده است باز آن شب قدر که از برای پیشترها ظاهر داده است
 پس هنگام نماز در این شب دعا و ثنا کردی در خلد بر سبکی که هر که در این شب صد مرتبه سبحان الله
 و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله گوید حق تعالی
 کما هان کند شتر او را بیاورد و حاجت های دنیا و آخرت او را بر آورد و آنچه را طلب نماید و آنچه حق تعالی

دانند او احتیاج بآن ندارد اگر چه طلب نکرده باشد را و گوید که هر چند مردم که بهترند عاها در این شب کلام
 فرمود که چون از نماز عشا فارغ شدی در رکعت نماز کن و در رکعت اول حمد و سوره قل یا ایها الکافر
 و در رکعت دوم حمد و سوره قل هو الله احد بخوان و چون سلام کنی سوره سوره سبحان الله
 و سوره نوب الحمد لله و سوره و چهار نوبت الله اکبر بگو پس این دعا را بخوان
 یا مَنْ لَيْسَ لَهُ نَظِيرٌ فِي الْعَالَمِينَ الْمُهَيَّبَاتِ وَاللَّيْلِ تَقْرَأُ الْخَلْقُ فِي الْمَلَكَاتِ يَا عَالِمِ
 الْجَهَنَّمَ وَالْحَفِيَّاتِ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ وَ تَصْرَفُ الْخَطَرَاتِ
 يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ يَا مَنْ سَيِّدُ مَلَكُوتِ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ أَنْتَ اللَّهُ

تلجاء العباد

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَمَّا إِلَيْكَ بِاللَّيْلِ إِلَّا أَنْتَ قَبْلَ إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ اجْعَلْنِي فِي هَذِهِ
 اللَّيْلَةِ مِنْ تَقَرُّبِكَ إِلَيْهِ فَرَحِمَتُهُ وَ سَمِعَتْ دُعَاءَهُ فَأَجَبَتْهُ وَ عَلِمَتْ

امنند در شب

اسئواله فاقبلته و تجاوتت عن سائر خطيئته و عظيم جبرين به وقت
 استجرت بك من ذنوبي و تجاوتت اليك في سر عيوبي اللهم تجدد علي بكرتك
 وَ فَضْلِكَ وَ احْطَطْ خَطَايَايَ عَمَلِكَ وَ عَفْوِكَ وَ تَقَرَّبْ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
 بِسَائِرِ كَرَامَتِكَ فَأَجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَّائِكَ الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ

في هذه الليلة

وَ اخْتَرْتَهُمْ لِعِبَادَتِكَ وَ جَعَلْتَهُمْ خَالِصَتِكَ وَ صَفْوَتِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي
 مِنْ سَعْدِ جَنَّةٍ وَ تَوْفِيقِ مِنَ الْخَيْرَاتِ حَقَّقْهُ وَ اجْعَلْنِي مِنْ سَلَمِ مَقْعَمٍ وَ قَارِ
 قَعْنَمٍ وَ اَكْفِنِي شَرَّ مَا اسْتَلَمْتُ وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْإِزْدِيَادِ فِي مَعْصِيَتِكَ

وَجِئْتُ إِلَى طَاعَتِكَ وَمَا بَعَثَ بَنِي مِيكَ وَبِنُ لِعَبْنِي عِنْدَكَ سَيِّدِي إِلَيْكَ
مَلْجَأَ الْهَارِبِ وَمِنْكَ مُلْتَمَسُ الْطَالِبِ وَعَلَى كَرَمِكَ يُعَوَّلُ الْمُسْتَعِيدُ
الثَّابِتُ أَذْبَتَ عِبَادَتِكَ بِالتَّكْوِينِ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَ
أَمَرْتُ بِالْعَفْوِ عِبَادَتِكَ وَأَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ فَلَا تَحْرِمْ نِي مَا رَجَوْتُ
مِنْ كَرَمِكَ وَلَا تَوَلِّبْنِي مِنْ سَائِبِ نِعَمِكَ وَلَا تَحْتَبِنِي مِنْ جَزِيلِ قَبْلِكَ
بِمَنْعِكَ اللَّيْلَةَ لِأَمَلِ طَاعَتِكَ وَاجْعَلْ نِي فِي جَنَّةٍ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ رَبِّ
إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذَلِكَ فَانْتَ أَمَلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ
حُدِّ عَلَى مَا أَنْتَ أَهْلُهُ لِأَيْمَانِ اسْتِحْتَمْتُ فَقَدْ حَسَنْ ظَنِّي بِكَ وَحَقَّقْ رَجَائِي
لَكَ وَعَلَّقْتُ نَفْسِي بِكَرَمِكَ فَانْتَ أَنْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ
اللَّهُمَّ وَاحْصِنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قَبْلِكَ وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عَفْوَيْكَ
وَاعْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ عَنِّي الْخَلْقَ وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ وَحَتَّى أَقْوَمَ
بِصَالِحِ رِضَاكَ وَأَنْعَمَ بِجَزِيلِ عَطَايِكَ وَأَسْعَدَ بِسَائِبِ نِعْمَاتِكَ فَقَدْ لَدْتُ
بِحَرَمِكَ وَتَعَرَّضْتُ لِكَرْهَمِكَ وَاسْتَعَدْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عَفْوَيْكَ وَجِيلِكَ
مِنْ عَضَتِكَ فَجَدِّ بِمَا سَأَلْتُكَ وَأَبْلِ مَا أَلَمْتُ مِنْكَ أَسْأَلُكَ بِكَ لَا يَسْتَعِي هُوَ

بِرَبِّكَ

عَلَيْكَ

عَطَايَكَ

اعظم

أَعْظَمَ مِنْكَ بِسَجْدَةِ بِيْرِي وَبِكُوفِ يَارْتِ بَيْتِ مَرْشِدِي يَا اللَّهُ هَفْتُ مَرْتَبَةَ لَأَحْوَلُ وَ
لَأَقْوَةَ إِلَّا بِاللَّهِ هَفْتُ مَرْتَبَةَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَأَقْوَةَ إِلَّا بِاللَّهِ دَهْ مَرْتَبَةَ لَأَقْوَةَ إِلَّا
بِاللَّهِ دَهْ مَرْتَبَةَ بِرِصْلَوَاتِ بَرِيحَتِهِ وَأَلْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِيفَرِي حَاجَتِ خُودِ رَا از خُودِ تَعَا
سُؤَالِ يَكُونِ بِرِجْدَا سُو كُنْدَه اَكْرِعِدْ قَطْرَاتِ بَارَاتِ حَاجَتِ بَطْلِي حَيِّ تَعَالَى تَرَا مَا نَمِيرِ سَانِدِ
بِكُورِمْ وَفَضْلِ خُودِ **مَوْقِفِ** كُوبِدْ كَرَا نَزْوَائِ رَا شَيْخِ طُوسِي رَهْ دَرِ مِصْبَاحِ كِبِيرِ مِصْبَاحِ صَغِيرِ
دَعْلَامَرِهْ دَرِ مِصْبَاحِ الصَّلَاحِ وَكَلْعَمِي رَجِيئَةَ الْأَمَانِ ذَكَرَ نُوْدَهْ اذْكَرَ لَكِنْ اذْكَرَ مَرِيحِدِهْ رَا
صَنْبَطِ نُمُودَهْ اذْكَرَ وَفَضْلِ عِلْمِ بَارُوَائِ اَشْبَالِ اَوْفَقِ اسْتِ زِيْرَا كَرَا اَوْ سَطَا بِنِ اَشْبَالِ فَتَلْ كَرِهْ مَكْرِ
اَكْرَهْ دَرِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَأَقْوَةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَرَا بَا يَدِهْ مَرْتَبَةَ كَفْتَرِ شُوْدَ لَأَقْوَةَ إِلَّا بِاللَّهِ دَرِ اَنْفَلِ نُمُودَهْ
وَكَفْتَرِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَرِهْ اَشْتِ وَكَفْتَرِ بَيْتِ مَرْتَبَةَ يَارْتِ يَارْتِ هَفْتُ مَرْتَبَةَ لَأَحْوَلُ وَ لَأَقْوَةَ
إِلَّا بِاللَّهِ هَفْتُ مَرْتَبَةَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَأَقْوَةَ إِلَّا بِاللَّهِ دَهْ مَرْتَبَةَ لَأَقْوَةَ إِلَّا بِاللَّهِ نَفْلِ نُمُودَهْ وَشَيْخِ
طُوسِي دَرِ مِصْبَاحِ كِبِيرِ بَطْنِ اَشْخَرِ كَرِهْ جَدِّ عِلْمِ اَمَ مَوْلَا نَا مُحَمَّدِ نَفِي طَابِ ثَرَاهْ مَقَابِلِهْ وَتَصْبِيحِ نُمُودَهْ
بَيْتِ مَرْتَبَةَ يَارْتِ هَفْتُ مَرْتَبَةَ يَا اللَّهُ دَهْ مَرْتَبَةَ لَأَحْوَلُ وَ لَأَقْوَةَ إِلَّا بِاللَّهِ هَفْتُ مَرْتَبَةَ مَا شَاءَ اللَّهُ
نَفْلِ نُمُودَهْ وَدَرِ مِصْبَاحِ صَغِيرِ بَطْنِ اَشْخَرِ كَرِهْ بَعْضِي اَزْ فَضْلَا بِالسَّخَرِ كَرِهْ بَعْضِي اَلْتَكْوِينِ قَدْرِ اَسْمِ
رُوحِكِ اَمْرَا عَاطِمِ عِدَّتَيْنِ عِلْمَا يَشْبَعْرَا شْتِ بُوْدَهْ مَقَابِلِهْ وَتَصْبِيحِ نُمُودَهْ بَيْتِ مَرْتَبَةَ يَارْتِ هَفْتُ
مَرْتَبَةَ يَا اللَّهُ دَهْ مَرْتَبَةَ لَأَقْوَةَ إِلَّا بِاللَّهِ نَفْلِ نُمُودَهْ اَشْتِ وَظَاهِرِ جَالِ اَنْتَ كَرَا اَخْتِلَافَاتِ مَرِ بُوْرَهْ اَزْ
رَاهِ عَدَمِ اِعْتِنَادِ رِصْبَطِ نَاشِي شُدِهْ بَاشْتِ زِيْرَا كَرِهْ كِي كَرِهْ اَشْتِ رَا كَرِهْ اَشْتِ اَبُو حَيِّي صَغْفَانِي اَشْتِ
نُمُودَهْ اذْكَرَ وَبَدَا نَكْمِ سَبْدِ دَرِ اَشْبَالِ نِيْزِ عِدَا رَا اَكْرَهْ اَزْ رَا اَشْتِ رَا ذَكَرَ نُمُودَهْ كَفْتَرِ اَشْتِ كَرِهْ عِلْمِ طَرَانِزِي
دَرِ كِتَابِ بِيْرِي عِلْمِ اَبُو طَرِينِ دِي كَرِهْ فِي اَلْجَلْبِ عِلْمِ اَبُو طَرِينِ دَرِ اَشْتِ رَا ذَكَرَ نُمُودَهْ اَشْتِ **اَوَّلِ** اَكْرَهْ
سَجْدَةِ بَيْتِ مَرْتَبَةَ يَارْتِ هَفْتُ مَرْتَبَةَ يَارْتِ هَفْتُ مَرْتَبَةَ لَأَحْوَلُ وَ لَأَقْوَةَ إِلَّا بِاللَّهِ هَفْتُ مَرْتَبَةَ
مَا شَاءَ اللَّهُ دَهْ مَرْتَبَةَ لَأَقْوَةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِي كُوبِي بِرِصْلَوَاتِ بَرِيحَتِهِ خُدَا وَ اَهْلِ بَيْتِ اَوْصِي اَللَّهُ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمْ سِيفَرِ سِي مَرِدِ دَرِ خُوَاهِي بِرِصْلَوَاتِ بَرِيحَتِهِ اَزْ اَبُو طَرِينِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ
هُوَ اَللَّهُ اَحَدُ كَرِهْ مِي شُوْدَهْ مِي كُوبِي وَ كُوبَا مَرَادِ طَرَانِزِي چِهَارِ رَكْعَتِ نَمَازِ اَبُو طَرِينِ كَرِهْ مَرِ اَشْتِ
دَرِ عِلْمِ بَرِي وَاَشْتِ طَرَانِزِي وَ شَيْخِ طُوسِي مَدْ كُورِ شُدِ وَ وَاَشْتِ طَرَانِزِي اَكْرَهْ چِهْ مَشْهُدِ بِرِجْدِ اَشْتِ اَشْتِ
وَ صَدْرِ مَرْتَبَةَ وَ دُورِ اَشْتِ وَ چِهَارِ مَرْتَبَةَ فُلْهُوَ اَللَّهُ اَسْتِ لِي كِنِ طَرَانِزِي دَرِ بِيْغَمِ اَبُو طَرِينِ اَشْتِ وَ چِهَارِ مَرْتَبَةَ
كَرِهْ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ
دَرِ بَابِ تَقْدِيمِ وَ نَاجِرِ اَشْتِ وَ عِلْمِ طَرِينِ كَرِهْ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ
عِلْمِ هَفْتُ چِهَارِ اَكْرَهْ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ
اِمَامِ جَعْفَرِ صَادِقِ صَلَوَاتِ اَللَّهِ عَلَيْهِ اَيْنِ نَمَازِ دَرِ شَبَّ نِيْ شَعْبَانَ جَعْفَرِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ اَشْتِ

سَلَامٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا وَسَبَّحْنَا بِحَمْدِكَ لَمَّا طَغَى الْفُلُ لَمَّا جَاءَ لَنَا غَمٌّ مِن دُونِهِ فَأَرْسَلْنَا نُوحًا إِذْ جَاءَ لَنَا الْفُلُ أَن يَتَّقِ اللَّهَ وَاعْتَمِدْ عَلَيَّ
وَاصْبِرْ لِحُكْمِي إِنَّكَ أَنتَ مَعْلُومٌ الْغَيْبِ وَبَدَأَ نَحْنُ شَيْخَ طُوسِي ط
ثراء نیز از روایت را در مصباح نقل نموده و در رکعت دوم دو رکعت اول سوره قل عود بر
الناس را مقلد بر قل عود بر رب العلقی نقل نموده و اعلماد بر نقل سید بشیر است و صد رکعت نماز
کرد با خیر و ایت مذکور است بعد از این دو ایات متعدد ده معتبره مذکور میشود **پانزدهم** سید
طاهر در کتاب سابقال از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت نموده است که حضرت فرمود که در
شب نیمه شعبان در خواب بودم که جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و گفت ای محمد آیا بخوابی در این شب
گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبان است بخیز ای محمد پس بخیز ای سید مراد با خود بیفتی بر
و گفت ما لکن سر خود را بدستی که این شبی است که درهای آسمان گشوده می شود پیرای می شود
درهای رحمت و درگاه خوشنودی خدا و درگاه آمرزش و درگاه نعتل و درگاه توبه و درگاه
نعمت و درگاه جود و بخشش و درگاه احسان حق تعالی در این شب از آفت جهنم آزاد می گرداند
از سبکدان بعد موهای چهارم را باند و چشمهای ایشان و اجلهای مردم و در زبانهای ایشان را ناسال
آینده حوادثی که درین سال می شود همگی در این شب تقدیر می نماید ای محمد هر که احیا کند این شب
کفایت الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله و دعا خواندن و نماز کردن و تلاوت قرآن
و طلب آمرزش از گناهان رشت نزل و عمل استراحت او باشد و گناهان نکند و آینه او آرزوی
می شود ای محمد هر که در این شب صد رکعت نماز کند هر دو رکعت بیکلام و در هر رکعتی حمد بگوید
و سوره قل هو الله احد را ده نوبت بخواند و چون از همه فایز شود در مرتبه آیه الکرسی و در مرتبه
سوره حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی صد گناه کبیره هلاک کند او را
که سب آنها مستوجب جهنم شده باشد بیامرزد و بعد هر سوره و تسبیح قصری در رشت
با عطا فرماید و شفاعت او را در حق صد نفر از اهل بیت او قبول نماید و او را در نواب
شهنا و ثواب روز دارد اینها و عبادت کند که در این شب شریف کرد اندبه انکار ثواب
ایشان چیزی که شود پس احیا کن این شب را ای محمد و آمرکن امت خود را که احیا کنند آن را و
تقریب جویند نسوی خدا عبادت آن که این شبی است بسیار شریف و بدستی که بر آدم نبرد تو
و حال آنکه در آسمان ملک شود مگر آنکه قدمهای خود را صاف کرده بود پس بعضی مرکب و بعضی
ایستاده و بعضی در سجود و بعضی مشغول بود مذابعا و بعضی تکبیر و بعضی باستغفار و بعضی
بتسبیح ای محمد بدست حق تعالی در این شب نسوی بندگانی خود نظر رحمت می افکند و می آرزود
هر مومنی که ایستاده مشغول نماز باشد یا نشسته تسبیح کند یا بر کوع رفته باشد یا در سجود
باشد یا مشغول ذکر باشد و این شبی است که دعا نمیکند احدی مگر آنکه مستجاب میشود و سؤال

نیکند

نیکند احدی مگر آنکه مستجاب می شود و سؤال نمیکند احدی مگر آنکه عطا کرده می شود و استغفار
نمیکند احدی مگر آنکه آمرزیده می شود و توبه نمیکند احدی مگر آنکه توبه ایش مقبول می شود و محرم
کسی است که از خیر این شب محروم گردد و ایضا سید در کتاب مذکور روایت دیگری در باب فضیلت
این صد رکعت نقل نموده که راوی گوید که سنی نغز از صحابه رسول خدا ص حدیث کردند مرا که
آنحضرت فرمود که هر که این صد رکعت نماز را بکفایتی که گذشت بخواند حق تعالی هفتاد و نظر رحمت
با او بیندازد و در هر نظری هفتاد حاجت او را برآورده کند آنرا آمرزش گناهان او باشد و اگر از
چهار اشقیای باشد و طلب صفاوت نماید هر آینه او را حق تعالی سعادت مند نماید پیرا نماز فرمود
بِحَمْدِ اللَّهِ مَا تَيَّأَمَّا وَ تَوَسَّلْتُ وَ عَزَمْتُ أَمْرَ الْكِتَابِ بَعْضِي مِثْرًا بِدِيحِي نَحَا أَيْدِي رَاخُوهُ وَ ثَبَّتْ سِنِي
أَيْدِي رَاخُوهُ وَ نَزَدَ أَوْشَ أَمَّ الْكِتَابِ وَ أَكْرَمَهُ رَمَادًا وَ أَوَّاهِلَ جَهَنَّمَ بَاشْتَدَّ وَ هَا كُنْتُ بِرَأْيِ أَيْدِي
أَنْ جَهَنَّمَ بِرُؤْيِ أَيْدِي كَرِشِكُ عِلْمًا سَائِرًا وَ تَابَتْ وَ كَسِيَتْ كَرِشِكُ عِلْمًا سَائِرًا وَ تَابَتْ وَ كَسِيَتْ كَرِشِكُ عِلْمًا سَائِرًا وَ تَابَتْ
هر حاجتی که طلب کند و برتر فرماید برای او در رشت چیزی چند را که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشتی
نشسته باشد سوگند آن خداوندی که مرا بجای سعادت فرموده است که هر که این نماز را بخواند برای محض رضا
خدا حق تعالی فراید هد برای او هرگز از ثواب هر که عبادت کند خدا را در این شب و امر فرماید مدد کند
که ام کاتبین اعمال را که حسنا را برای او بنویسد و سیئات را از نام او محو نماید تا آنکه هیچ سیه باقی
نماند و از دنیا برود زود نامزل خود را در پیش بر بنیاید و حق تعالی ملک چند را بفرستد که با او محاسب
نمایند و سلایم کنند بر او و در قیامت محشور شود با کوبان نیکوکار و پیرا که میرد پیش از سال آید شهادت
مخبره باشد و شفاعت او در حق هفتاد هزار کس را اهل توحید مقبول شود و تقصیر نمیکند از احیاء آن
این شب بعبادت مگر کسی که شقی باشد **مؤلف** گوید که از این حدیث و حدیثی که سابقا در فضیلت احیاء
این شب مذکور شد و بعضی از احادیث که بعد از این مذکور خواهد شد ظاهر میشود که نسبت بر
آجال و ارفاق و طایع سال در این شب واقع می شود و در احادیث متواتره و روایات مستظافه وارد
شده است که هر که تقدیر برایش در شب قدر واقع می شود و سید در مجمع بین الاخبار چند وجه گفته است
اول آنکه تقدیر برایش محو می شود قدر در شب قدر واقع می شود و غیر محو می کند بعد از آن واقع می شود در این
شب معتبره که در **دوم** آنکه تقدیر بر این اموره صتم آنها در علم آلهی در این شب و صتم در میان بندگانش
شب قدر معتبره شود **سیم** آنکه تقدیر آنها در لوج محفوظه در این شب و اعلام آنها با تمام زمان در شب
قدر میشود **چهارم** آنکه وعده تقدیر برایش در این شب و اصل تقدیر برایش قدر شود و الله تعالی عیلم
و ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت ص
فرمود که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز کند بهزار قدر هو الله احد یعنی در هر رکعتی ده مرتبه
نیز در اول و در روزی که در همان روز باشد و نیز تا آنکه صد ملک را بر بنیاید که او را از استاذان عبادت

سوی نقرایان بشارت دهند و از بهر بیست و سه نفر از آنها باشند که نگاه میداشند و راد و دنیا آرز
شش طایفه و سی نفر آنها باشند که در سنا غایت مشور و روز برای او استغفار میکردند و بعضی
از آنها باشند که او را حفظ میکردند از شتر دشمنان و شیخ طوسی در مصباح از حضرت
امام محمد باقر روایت کرده است که رسول خدا فرمود که هر که در شب نیت شعبان صد رکعت نماز
بکند هر روز یک سیل از در هر کعبه میبارد و سوره قل هو الله احده مرتبه بخواند تا حاجتی
و در هشتاد و یک روز که در روزهای اول ماه است صد رکعت نماز بسیار و ثوابهای عظیم برای آن وارد
شده است هر آنکه ترک نشود و اگر کسی بعد از عمل چهارده روز سوره را دکام بخواند در روز اول
عمل آن روز برسد کوراست بخواند عمل جمیع روایات صد رکعت کرده خواهد بود و الله تعالی
شازدهم سینه در اقبال در طریقه ذکر و ایات عمل آنرا بر گفته که حضرت رسالت هم در این شب
از خدا **اللهم ائتیم لنا من حشيتك ما يحول بئتنا و بين معصديك و من**
میخواند

ظا عرتك ما سبقتنا به رضوانك و من ايعين ما تهون علينا مصيبات
الدنيا اللهم امنعنا باسنا عينا و ابصارنا و قوتنا ما اخبيننا و اجعلنا
الوارث ميتا و اجعل ثمارنا على من ظلمنا و انصرنا على من عادانا و لا تجعلنا
مصيبتنا في ديننا و لا تجعل الدنيا اكبر هممتنا و لا مبلغ علمنا و لا تسلط
علينا من لا يرحمنا برحمتك يا ارحم الراحمين **وقت گوید** که از دعای جامع حکم
است و مضمن مطالب دنیا و آخرت
است چنانچه از فقرات آن ظاهر و لایح است بهتر آنست که ترک نشود و الله الموفق **هفدهم**
شیخ طوسی در کتاب مصباح از حسن بصری روایت کرده است که او از عایشه در حدیث
طولانی در باب شب نیمه شعبان روایت نموده است که رسول خدا فرمود که هر چه در این شب
من از آن شد و گفت ای محمد امین خود را که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکند هر روز
سیل از در هر کعبه میبارد و سوره قل هو الله احده نوبت پس بچون روید و در سجده بگویند
اللهم لك سوادى و خيالى و نياضى يا عظيم كل عظيم اغفر

و اجعلها
و اجعلها

سلاخی

لي ذبي العظيم فاتة لا يعفره غيرك **بزرگوار** این علم را بخواند و هر کس بخواند حق تعالی از او هفتاد
و ده هزار سینه و مثل آن حسن در نامه عمل او بنویسد
و هر فریاد از بند و نماز او هفتاد هزار سینه را **محمد** شیخ طوسی و سید بن طاووس نقل کرده
در حدیث در مصباح و اقبال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود که رسول خدا
در شب نیمه شعبان در حجره غایب تشریف داشت و چون نصف شد حضرت برخواست از آن
فریاد و عایشه چون بیدار شد و حضرت را ندید کانکره که حضرت حججه زین دیگر تشریف برده
و غیرت زانان او را گرفت پس برخواست و حاضر خود را بر خود پیچید و بخدا سوگند که آن شبانه از یک
و کتان و پنبه نبود بجز آن از من بود و آن از پیشم شریف بود و بطلب حضرت در سایر حجرهای آن
دیگر سیکه پد ناکاه نظرش بر حضرت افتاد که مانند طایفه که بر زمین افتاده باشد بجز آن
پس از بیدار شدن حضرت رفت و شنید **سجد لك سوادى و خيالى و امن بك فوادى**
که حضرت در سجده این دعا میخواند

هذه يدائى و ما حيتك على نفسى يا عظيم برى كل عظيم اغفر لي

العظيم فاتة لا يعفر الا الرب العظيم **بزرگوار** این دعا را هر چه برداشتی
و بار دیگر بخواند رفت و این دعا را خواند
اعوذ بربوب و جهلك الذي صانعت له السموات و الارضون و انك صنعت له

الظلمات و صلح عليه امر الا و بين و الاخرين من نجاة و نصيبك و من

تحول عافيتك و من رزا يا غمستك اللهم انزقني قلبا نقيسا و من

الشركت برى الا كما فرأ و لا شفيعا لغيرك و بارك را بر خالك كذا لك و من رزود

عقرت و جهني في التراب حتى لي ان اسجد ملك

و چون حضرت اراده فرمود که بر کرد دعا
شد آمد بفراتر خود و حضرت بفراتر او تشریف فرمود و بیکه داشتند گفت فرمود که چه می شود ترا
ایامی را با من چه شب است این شب نیمه شعبان است در این شب روزیها قسمت میشود و آنچه
نوشته می شود و حاجیان بیت الله نوشته می شود و حق تعالی در این شب مسأله از خلاق
زیاده از عدد موی بزهای قبیله کلب فرمویستد ملک خود را از آسمان بر زمین در یک معطره

و بدانکه شیخ و سید رحمة الله در کتاب مذکور ایضا از عاید روایت کرده اند که او گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که آن شب بقیعت من افشاده بود در حجره من تشریف داشت که تاگاه از محاف من بیرون آمد و من بیدار شدم و گمان کردم که بچه ذن دیگر افتد و غیره که بر زبان غالب است مرا گرفت پس برخاستم و بطلب حضرت رفتم دیدم که مانند جامه که بر زمین افشاده شد حضرت بیخود در آمده و اطراف آنکشان قدمهای مبارک را بر زمین گذاشته این دعا را میخواند **أَصْبَحْتُ إِلَيْكَ فَتَغَيَّرَ لِحَاثُكَ مُسْتَجِيرًا فَلَا تُبَدِّلْ لِي سُمِّي وَلَا عَصْرَ حِسْمِي وَلَا تَجْعَلْ**

كَلْبًا لِي وَ اغْفِرْ لِي پس مبارک را از سجده برداشت **سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ حَيَالِي وَ** و سجده دویم رفت و این دعا را خواند

أَسْرِيكَ فُوَادِي هَذِهِ يَدَايِ عِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي بِأَعْظِيمِ تَرْجِي لِي كَلِّ

عَظِيمٍ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمِ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمُ إِلَّا الْعَظِيمُ بِيَسْرَةٍ

طَيِّبَةٍ وَسِيمَةٍ آعوذ بعفوك من عقابك و آعوذ بفضلك من سخطك و این دعا را خواند

وَ آعوذ بمغافلتك من عقوبتك وَ آعوذ بلك منك أنت كما أنتيت على

بنفسك وَ قوف ما يقول القائلون ليس سر داشت و سجده اللهم إني آعوذ

بشور و جهك الذي أشرق لك السموات و الأرض و قشعت بالظلمات چهارم رفت و این دعا را خواند

وَ صَلِّمْ بِأَنْزَالِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَخْرِيْنَ أَنْ يَحْتَلَّ عَلَيَّ عَصَبُكَ أَوْ سِرٌّ سَخَطُكَ

آعوذ بلك من ذوال نفوسك و نجاة و نيتك و تحمير عافيتك و جميع

سخطك لك العتبي فيما المستطعت و لا حول و لا قوة الا بك عايشه كونه

که چون این دعا دیدم بمنزله خود بر کشتم و شعله نفس بزمدم پس حضرت از عطف من آمد و فرمود که چرا شعله نفس بر من

تشریح در
تحلیل در
یا الله در



گفتم که در نزد تو بودم یا رسول الله فرمود که آیا میدانی که این چه شبی است این شب نیمه شعبان است که نسخ اعمال و قسمت ارزاق و کتابت اجلها در این شب میشود و حق تعالی میآورد هر کس را مگر کسی که مشرک بخدا یا دشمن خدا باشد یا قطع رحم کرده باشد یا شراب خوار یا مصر بر کشانه باشد یا شاعر یا کاهن باشد **و وقت** گوید که نظاره حال آنست که از حدیث با حدیث سابقین یک واقعتر باشد و اختلاف الفاظ و زیاده و که بعضی از ادعیه از اشیاء روایت شده باشد و چون سند روایت اولی صحیح است عمل کردن بان نیکوتر است ولیکن چون روایت ثانیه تم و مشتمل بر روایت اولی است باز یاد حق اگر آن عمل شود شاید افضل باشد و اختلاف قلیلی که در بعضی از الفاظ ادعیه مشترک است شاید عمل باشد

و اگر این بخداست بعد از ده رکعت که در عمل سابق مذکور شد یا بعد از صد رکعت که در عمل پانزدهم گذشت واقع شود اولی عمل بچندین روایت شده خواهد بود بلکه دور نیست که حضرت رسالت این قبل از سخنان مذکور ده رکعت یا صد رکعت نماز را بکینیتی که گذشت بخواند آورده باشد و

عاید مطمعه فشه باشد و الله تعالی بکمال نور **م** دعای مشهور بعد از نماز کسب طوبی مصباح و علامه در مناجات الصلاح از کسب **م** روایتی که از اصحاب ائمه است حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که گفت دیدم آنحضرت را در شب نیمه شعبان که بیخود در آمده

این دعا را میخواند و سستین طاوره را قبال بعد از ذکر این روایت گفته که من در این باب روایتی دیگر نیز یافته است **م** از کسب که گفت من با عی انرا اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام روایت آنحضرت در مسجد بصره شنیده بودم که یکی از آنحضرت سؤال کرد از معنی این آیه که هر چه فيها تعرف کل امر حکم یعنی هر چه یکی را کتب معرفت بیکدیگر میفرمود که این شب نیمه شعبان است و بان خلاصی که جان من در قبضه قدرت اوست سوگند که هیچ بنده نیست مگر آنکه هر امر خیر شکر کند بر او و هر

کزه در سال آسیده در این شب تقدیر می شود و هیچ بنده نیست که احیا کند این شب را و بخواند دعا خضره را مگر آنکه دعا او مستجاب است و چون حضرت بمنزله را حبس فرمود شب بخوابد شناخته چون مراد می فرمود که بچه کار آمده ای کسب عجز کردم که با امیر المؤمنین بطلب غای حضرت آمده ام فرمود که بنشین ای کسب چون این دعا را حفظ نمایی در هر شب جمعه یا در مساجد بکتابت یا در سالی یکبار یا در عری یکبار بخوان تا کفایت شره سخنان از تو بشود و یاری کرده شوی و در روزی داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کسب طول صحبت و خدمت تو باعث آنست که عطا کنیم تو

آنچه را خواهی پس فرمود که بنویس و دعا را قراوت فرمود و دعا اینست **اللهم إني أسئلك برحمتك التي وسعت كل شيء و بقوتك التي وهنت بها كل شيء و حصص لها كل شيء و دل لها كل شيء**

دعای کسب **م**

دعای کسب **م**

دعای کسب **م**

وَيَجْبِرُوكَ ابْتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِعْرِي لَيْتَ ابْتِي لَا يَتُومُ لَهَا شَيْءٌ وَيَعْظَمَنَّكَ
 ابْتِي مَلَأَتْ كُلُّ شَيْءٍ وَيَسْلُطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلُّ شَيْءٍ وَيُوجِهُكَ الْبَاقِي
 بَعْدَ قَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَيَأْسَأُ بِكَ ابْتِي غَلَبَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَعْلَمُكَ اللَّهُ
 أَمَّا لَمْ يَكِلْ شَيْءٌ وَيُجِورُ وَجْهَكَ الَّذِي آضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا نُورُ
 يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْنِكُ الْعِصَمَ
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي
 تُعَيِّرُ النَّعَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحْبِسُ الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ
 لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ
 خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا اللَّهُمَّ إِنْ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ
 إِلَى نَفْسِكَ وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ تُؤَنِّزَ عَنِّي شُكْرَكَ وَ
 أَنْ تُهَيِّبَ بِي ذِكْرَكَ اللَّهُمَّ إِنْ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُسَدِّدٍ لِلْخَاشِعِ أَنْ تُسَائِعَ
 وَتَرْحَمَنِي وَتَجْمَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا فَانِعًا وَبِهِ جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا
 اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَرَاشِدِكَ فَاقْنَهُ وَأَنْزِلْ لِي عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ
 وَعَظْمَ فِعْلِهِ عِنْدَكَ وَرَغْبَتَهُ اللَّهُمَّ عَظْمَ سُلْطَانِكَ وَعِلْمَ مَكَانِكَ وَخَفِي

مَلَأَتْ كُلُّ شَيْءٍ
 وَيَسْلُطَانِكَ
 وَيُوجِهُكَ الْبَاقِي

وَأَغْفِرُ لِي الذُّنُوبَ
 الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ

ذَائِلُهُ

شُكْرَكَ وَظَهَرَ أَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَادُ
 مِنْ حُكُومَتِكَ اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لَكَ نُوْبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِي حَاسِرًا
 وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْبَرِّ بِحَسْنِ مُبَدَّلٍ لِغَيْرِكَ إِلَّا أَسْتَ
 سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّاتُ بِيْجَهْلِي وَسَكَتُ إِلَى قَدِيمِ
 ذِكْرِكَ لِي وَمَنِيكَ عَلَى اللَّهِ مُؤَلَايَ كُمْ مِنْ مَسِيحِ سَتْرَتِي وَ
 كُمْ مِنْ فَاوِجٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَفْلَكُ رَوْكُمْ مِنْ عَشَارٍ وَقَيْتُهُ وَكَمْ
 مِنْ مَكْرُورٍ وَدَفْعَتُهُ وَكَمْ مِنْ شَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نُشْرَتُهُ
 اللَّهُمَّ عَظْمَ بِلَائِي وَأَفْرَطَ بِسُوءِ حَالِي وَصَدَّتْ بِي أَعْلَامِي حَبْسِي
 عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَّا لِي وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِعُرُورِهَا وَنَفْسِي بِخِيَانَتِهَا وَ
 مِطَالِي بِإِسْتِدْيِ فَاسَأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْبِبَّ عَنْكَ دُعَايَ سُوءِ عَمَلِي
 وَصَعَالِي وَلَا تَقْضِيَنِي بِحُجَّتِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيَّ مِنْ سِيْرِي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبِ
 عَلَى مَا عَمَلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي فِي دَوَامِ تَقَرُّبِي وَجَمَانِي
 وَكَثْرَةِ شَهْوَاتِي وَغَفْلَتِي وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي الْأَحْوَالِ
 كَلَاهَا وَفَأَوْعَلِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا لَهْمِي وَرَبِّي لِي بِخَيْرِ لَسْتُ

جندك

وَتَوَلَّى
 وَكَمْ مِنْ مَسِيحِ
 سَتْرَتِي

دَعَمْتَنِي فِي أَعْمَالِي

أَسْأَلُكَ

بِحَسَانَتِهَا

عُرُوبِي

وَكَلَاهَا

كَلَاهَا

رَبِّي

اسأله كسفت ضري والنظر في امرى الهى ومولاى اجريت على حكما
اتبعت فيه قوى نفسى ولذ اخبر من فيه من ترين عدوى فعرف في ما اهوى
واسعدك على ذلك الغضاء فجاوزت بما جرى على من ذلك بعض حدودك
وخالفك بعضا وارمك فلك الحمد في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى
على فيه فضاؤك والزم مني حكمك وبلأؤك وقد اتيتك يا الهى
بعد تظيرى واسراني على نفسي معتدي راناد ما منكسرا مستقيلا استغفرا
منيا مفرأ من عينا معترفا لا اجيد مفرأ مما كان سبي ولا مفرعا اتوجه
اليه في امرى غير قبولك عدوى واذا خالك اياى في سعة من رحمتك
اللهم فاقبل عدوى وارحم شدة ضرى وفككنى من شد وباني
يا رب ارحم صغت بدنى ورفقة جلدى ورفقة عظمى يا من بدأ خلقى و
ذكري وتربيتى وبرى وتغذيتى هبني لا سبدا كرمك وسالين
برك يا الهى وسيدى وربى اشراك معدني بنارك بعد توحيدك و
بعد ما انطوى عليه قلبى من معرفتك ولعجب به لسانى من ذكرتك وافتقار
صغرى من محبتك وتعد صدى اغترابى وذاتى خاضعا لربوبيتك هيرسا

ساعة

الحمد

استغفر

الهم

انت

انت اكبر من ان نصيب من ربينه او تبعد من آذنيه او تشرد من اوينه
او تسلم الى البلاء من كفينه ورحمته وايت شعري يا سيدى الهى
ومولاى اسلط النار على وجوه وخرت لعظمتك ساجدة وعلى
السن نطقت بتوحيدك صادرة ويشكرك ما دحرة وعلى قلوب
اعترفت بالهيتك محفونة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صادت
خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة وشارحت
باسم غارلك من عنده ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك
يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفى عن قليل من بلاء الدنيا وعمولنا
وما تجرى فيها من المكارة على اهلها على ان ذلك بلاء ومكروه قليل
مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف اخطا لي البلاء الاخرة وحلول
دفع المكارة فيها وهو بلاء يطول مدته ويدوم مقامه ولا يخف
عن اهله لانه لا يكون الا عن عصيبك وانعامك وسخطك وهذا
ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدى فكيف لي وانا عبدك
الضعيف اللبيل الحقير المسكين المستكين يا الهى وربى وسيدى

سلم

جليد

١٤٢

وَمَوْلَايَ لِإِي الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو وَمَا بَيْنَهَا أَصْحَبُ وَأَبِي لِأَسِيرِ الْعَذَابِ وَ
شِدَّتِهِ أَوْ لِطَوْلِ السَّادَةِ وَمُدَّتِهِ فَلَنْ صَبِرْتُمْ فِي الْعُقُوبَاتِ مَعَ عَذَابِكِ
وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بِلَادِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّاءِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ
فَهَبْنِي إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكِ فَكَيْفَ
أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكِ وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ
إِلَى كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَمُوكَ فِيمَعْرَتِكَ يَا
سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَتُسَمُّ صَادِقًا لَنْ تَرْكِبْنِي نَاطِقًا لَا ضِحْجَتَ
إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضِحْجِ الْأَمْلِيينَ وَالْأَصْرَحِينَ إِلَيْكَ صُرُوحَ الْمُنْصَرِّينَ
وَالْأَبْكَينَ عَلَيْكَ بَلَاءَ الْفَنَائِدِينَ وَالْأَنَادِيَّتِكَ أَيْنَ كُنْتُ
يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا ظَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاكَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا
حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ أَفْشَرَكَ سُبْحَانَكَ يَا
إِلَهِي وَحَمْدَكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسَلِّمٍ سَجِنَ فِيهَا بِحُجَّتِهِ
وَذَاؤِ طَعْمِ عَذَابِهَا مَعْصِيَتِهِمْ وَحَسِبَ بَيْنَ أَطْبَائِهَا بِحُرْمِهِ وَ
حَبْرِي نَهْوً وَمَوْجِئُ إِلَيْكَ ضِحْجِ مَوْلِي لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ

يا الهی ورتبی صبرتی

انت

حجرتی

أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ سَبَقُنِي
فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَتْ مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ
أَمْ كَيْفَ تُولِيهِ النَّارَ وَهُوَ يَأْمُرُ بِضَلَاكَ وَرَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ
يُخْرِفُهُ لَهْبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِدُ
عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صَعْفَةَ أَمْ كَيْفَ يَتَغَلَّغِلُ بَيْنَ أَطْبَائِهَا
وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَ أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ ذُبَابُ نَيْسُهَا وَهُوَ يَنَادِيكَ يَا رَبِّ
أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عَيْفَتِهِ مِنْهَا فَتَرْكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا
ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَالْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشَبِّهَ لِمَا غَا مَلَكْتَ
بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَإِخْلَاكَ فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ
بِهِ مِنْ تَعْدِيْبِ جَاهِدِيكَ وَفَضِيَّتِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَايِدِيكَ كَجَمْعِكَ
النَّارِ كَمَا بَرَدٌ أَوْ سَلَامٌ وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مَقَامًا
لَكَتِكَ تَمَدَّدَكَ اسْتِنَاؤَكَ أَقْسَمْتُ أَنْ تَمْلَأَ هَالِكِينَ الْكَافِرِينَ مِنْ
الْحِسَّةِ وَالنَّاسِرِ أَجْمَعِينَ وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَايِدِينَ وَأَنْتَ جَلَّةُ
شَأْنِكَ فَكَيْفَ تَجِدُ مَا وَتَطَوَّلَتْ بِالْإِنْفَارِ مِنْكَ كَرِيمًا أَفْسَنَ كَانَ

بمن حلك أم كيف

هيهات

تغفل

يشبه

مُؤْتَاكُمُ كَانَ نَافِسًا لَا يَسْتَوُونَ إِلَهِي سَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ
الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَكَمْتَهَا وَعَلَبْتَ مِنْ عَلَيْهِ
أَجْرِبْتَهَا أَنْ تَهَبَّ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَبِعِزِّ السَّاعَةِ كُلِّ حُزْمٍ
أَجْرَمْتُهُ وَكُلِّ ذَنْبٍ أَدْنَبْتُهُ وَكُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَزْتُهُ وَكُلِّ
جَمْدٍ عَلِمْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ وَكُلِّ
سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِفْسَانِهَا الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ
بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَحَبَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي وَكُنْتُ أَنْتُ
الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ مَرَاتِمِهِمُ وَالشَّاهِدَ لِأَخْفِي عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتُهُ
وَبِقَضَاكَ سَتَرْتَهُ وَأَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَرَزْتَهُ أَوْ أَحْسَانٍ
صَلَّيْتَهُ أَوْ بَرٍّ تَشَرَّفْتَهُ أَوْ رِيْفٍ كَبَطْتَهُ أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَا تَسْتُرُهُ
يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَيْفِي يَا مَنْ
يَسِينُ نَاصِيَتِي يَا عَلِيمًا بَصِيرِي وَمَسْكِنِي يَا خَيْرًا بَقِيَرِي وَفَاقِي يَا رَبِّ
يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِمَجْدِكَ وَقُدْرَتِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ أَنْ
تَجْعَلَ أَوْفَايَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَبِحُدُودِكَ مَوْصُورَةً

فِي عَطْفِكَ
تَمْرُ لَهُ
تَقْضِيهِ
صَرَفِي
مِنْ

وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي كُلُّهَا وَبِرِزْقِي
وَاحِدًا وَخَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَّمْتَنِي مَعْوَالِي
يَا مَنْ أَلَيْسَ شَكْوَتِي أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ
جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَيَّ لَعْنَةَ جَوَارِحِي وَهَبْ لِي الْجِدَّةَ فِي خَشْيَتِكَ
وَالدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ
الطَّالِبِينَ وَالسَّرِيعِ إِلَيْكَ فِي الْمُبَادِينِ وَأَشْتَأْ إِلَى قُرْبِكَ فِي
الْمُشْتَاقِينَ وَأَذْنُوبِي دُونَ الْمُخْلِصِينَ وَأَخَافُكَ يَا حَقَّ الْمُؤْتَمِرِينَ
وَاجْتَمِعْ فِي جَوَارِكِ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَ فِي سُبُوحِ
فَارِدِهِ وَمَنْ ضَكَدَ فِي قَلْبِهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ نَصِيبًا
عِنْدَكَ وَأَقْرَبِهِمْ مَنزِلَةً مِنْكَ وَأَخْصِهِمْ ذُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا
يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَحُدُودِي بِجُودِكَ وَأَعْطِنِي عَلَى تَجِدِّكَ
وَإِحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِي فِي يَدِي ذِكْرَكَ لِيَهَيَّا وَقَلْبِي حُبِّكَ
مُنِيمًا وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ جَانِبِكَ وَأَفْلَحِي عَشْرِي وَأَعْفِرْ ذُنُوبِي فَإِنَّكَ
فَضَلْتَنِي عَلَى عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ وَأَمْرَتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَصَنَيْتَ لَهُمْ

إِذَا دُنِيَ
مَيَادِينِ
الطَّالِبِينَ
عَبِيدِكَ
لِي

الْإِجَابَةَ فَإِنَّكَ يَا رَبِّ تَصَدَّقَتْ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي
 فَبِعَمَلِكَ اسْتَجِبْ دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِنِّي فَضْلِكَ رَجَائِي
 وَاصْفِنِي شَرَّ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ مِن أَعْدَائِي يَا سَبِيحَ الرَّحْمَةِ اغْفِرْ
 لِمَن لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ يَا مَن سَمِعَ دُعَاءَهُ وَ
 ذَكَرَهُ شِفَاءَهُ وَطَاعَتُهُ عَجَبِي أَوْحَمَ مِن رَأْسِ مَا لِهَ الرَّجَاءُ وَ
 سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ يَا سَابِغَ التَّيَمِّمِ يَا دَائِعَ التَّقْوَمِ يَا نُورَ الْمُنْتَوِحِينَ
 فِي الظُّلَمِ يَا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ صَدَقَ مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدِيُّ وَفَعَلَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْمَنَامِ مِنْ أَلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا

رسولی
 ثواب نماز جعفر طیار

بسم نماز جعفر باطلی طالب علیه السلام شیخ طوسی قدس الله روحه در مصباح ذکر از ابن
 فضال روایت کرده اند که پرسیدم از حضرت امام رضا علیه السلام از فضیلت شب نیمه شعبان
 فرمود که این شبی است که حق تعالی سیدگان را از آتش جهنم آزاد میفرماید و گناهان بزرگ را می
 آمرزد و عرض کرد که آید این شب نمازی زیاد بر شبهای دیگر هست فرمود که امر و طریقی درین شب
 نیست ولیکن اگر خواهی که مظلومی یکی نماز جعفر بن ابیطالب علیه السلام را بکنی و ذکر الهی مستغفار
 و دعا را درین شب بسیار بکنی بدرستی که پدرم علیه السلام میفرمود که دعا درین شب مستجاب است
 عرض کردم که مردم بعضی اهل شسته میکنند که این شب لیلۃ الصکالک است یعنی شب شستن
 تعدادی است فرمود که آن شب قدر است که در ماه رمضان میباشد **مؤلف** گوید که در آن شب
 امر و در درجه العجاج ذکر نموده که ممکن است مراد از آنکه در این شب امر و طریقی نیست که باشد
 که در آن چیزی از سنین مفرقه نیست و اعمال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال
 این مذکور میشود از جمله تظلمات باشد و بخاطر این ناصر شکسته چنان میرسد که محبت آن
 کرده این باشد که درین شب امر و طریقی نیست که مخصوص آن باشد و در غیر آن نتوان بجای آورد

مانند نماز عیدین بلکه نماز عید غدیر نیز که کردن آنها در غیر آن اوقات مخصوصه بدعت است
 بنا برین محتمل است که وظایف و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال
 سبب اوقات متبرکه بنما توان آورد و مؤید اینست آنچه در شرح وظایف کبیل وارد شده که در هر شب
 یا نماهی در سالی یک مرتبه آنرا بخوان بلکه در سالی یک مرتبه و غیر آن وارد شده است که در غیر
 آن وقت نیز میتوان خواند بنا برین محتمل است که اکثر اعمال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال
 قبیل بوده باشد و الله تعالی **فایده** چون نماز جعفر از عبادات جمیله و در هر ایام عیدین
 مشوات جز بلیه برای آن وارد شده است لهذا ما در نیفام بعضی از فضایل و کمینت آنرا مذکور
 میسازیم **بدا کنتم** این نماز از جمله متواترات است و خاصه در سینه های بسیار از افراد است که
 اندک اهل سنته نیز این نماز را مستحکم میدانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان با عنایت دعا و
 با طریقی که با حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و اطراف آنحضرت دارند این نماز را بعباس
 عتم پیغمبر هم منسوب نموده اند و بعد از نوافل شبها نیز روزی نمازی بحسب صحیح سند و کثرت
 ثواب با این نماز غیرسد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین عم از هجرت حدیثه مرا بحسب نمودند
 روزی آمد که فتح خیبر بر دست پیغمبر نماز حضرت امیر المؤمنین تم شده بود حضرت رسول هم بقصد
 مسافت یک تیر بناب با استقبال او ششافت چون جعفر نظرش بر جمال عیدم المثل آنحضرت
 افتاد مشافهت با نجات آنحضرت ششافت حضرت او را در بر گرفت و دست در کردن او در آورید
 و ساعتی با او سخن گفت پس بر پا فرمود غضبنا سوامرسد و جعفر را در نیز خود ساخت و چون
 ناکه بر او افتاد حضرت فرمود که ای جعفر ای برادر من میخواهی بخشش بر من کنی بگو میخواهی ترا عطیه
 کوان بهای بدیم میخواهی ترا بر کبریم مردم کان کردند که مال جن علی از غنایم خیر باد و عطا خواهد
 جعفر گفت بل بید و منادم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را با و تعلیم نمود و آنحضرت را
 جعفر حنا دق صلوات الله علیه منقولست که در روز فتح خیبر خبر بدادم جعفر را برای حضرت
 البشیر صلی الله علیه و آله آوردند پس حضرت فرمود که بخدا سوگند که نمیدانم یکدام یک خوشحال
 کرده ام آیا بیدادم جعفر یا بفتح قلعه خیبر پس آنقدر زمانی نگذشت که جعفر آمد پس حضرت
 و شاکت بر طوقش و در او زنده کام استقبال فرمود و چون خود را با هر رسانید او را شاکت در
 بغل گرفت و سنان و د و چشمهای او را بوسید پس فرمود که ای جعفر میخواهی بخشش بر من کنی بگو
 آنچه روایت سابق و هر روایت دیگر حضرت حنا دق فرمود که صفت این نماز اینست که اگر چه
 رکعت است بعد و سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذ از اولت میخواند و در رکعت دوم
 سوره و العادیات و در رکعت سیم سوره اذ احیاء و در رکعت چهارم سوره قل هو الله احد و
 ثاب سوره های که درین نماز باید خواند احوال **فایده** هر که نماز او خواهد شد و در هر رکعت

ثواب نماز جعفر طیار
 آن

امام زین العابدین هم منقولست
 که چون جعفر طیار را در حجر بست

مَرْحُومًا مُسْتَجَابًا دُعَائِي مَغْفُورًا لِإِرْتِمَائِي بِالرَّاحِمِينَ يَا عَظِيمَ يَا عَظِيمَ يَا عَظِيمَ
 مِنْ عِنْدِكَ هـ قَدْ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عِنْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوَ مِنْكَ يَا حَسَنَ النَّجَا وَمِنْ
 يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا نَقَّاحًا يَا نَجَّارًا يَا مُعْطِي
 التَّوَلَاتِ هـ الْمَسْئُولَاتِ يَا فَتَّاحَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَالْحَمْدُ فَكَتَّ
 رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَعْطَانِي سُؤْلِي وَاسْتَجَبَ دُعَائِي وَارْحَمْ صَرَخَتِي وَ
 تَضَرُّعِي وَبِدَائِي وَافْضِلْ خَوَائِجِي كُلَّهَا لِدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَدِينِي مَا
 ذَكَرْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَذْكَرْ وَأَجْعَلْ لِي فِي ذَلِكَ الْخَيْرَ وَلَا تَزِدْ لِي
 خَاسِبًا خَاسِرًا وَأَقْلِبْ بِنِي مُعْطِيًا مُبْتَحِمًا مُسْتَجَابًا لِدُعَائِي مَغْفُورًا لِمَرْحُومًا
 يَا أَبَا الْحَسَنِ هـ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا عَلِيَّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا
 عَبْدَ كَمَا وَمَوْلَا كَمَا غَيْرَ مُسْتَكْبِرِينَ وَلَا مُسْتَكْبِرِينَ بَلْ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ مُقْتَرِبٌ عَبْدٌ
 مُسْتَكْبِرٌ هـ مُسْتَكْبِرٌ بِحَبْلِكَ مُعْتَصِمٌ مِنْ ذُنُوبِي بِوَلَايَتِكَ اقْتَرِبْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَأَتَوَلَّى
 إِلَى اللَّهِ بِكَ وَأَفْتَرُ مَكْمَلِينَ بَيْنَ يَدَيْ خَوَائِجِي إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ فَاشْفَعَالِي
 فِي مَكَاتِرِ قَبِيحَاتِ النَّارِ وَغَفْرَانِ ذُنُوبِي وَإِجَابَةِ دُعَائِي اللَّهُمَّ فَصِّلْ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ دُعَائِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **دُعَائِي بِسُكُونٍ**
 بعد از این نماز

يَا نُورِي فِي كُلِّ ظُلْمَةٍ وَيَا أُنْبِيَّ فِي كُلِّ وَخْشَةٍ وَيَا تَقِيَّ فِي كُلِّ شِدَّةٍ
 وَيَا رَجَائِي فِي كُلِّ كَرْبَةٍ وَيَا دَلِيلِي فِي الصَّلَاةِ إِذَا انْقَطَعَتْ دَلَالَةُ
 الْإِدْرَاءِ فَانْكَ لَا تَنْقُطُ عِنْدَكَ كُلُّ خَيْرٍ وَلَا يَفْضِلُ مِنْ هَدْيَتِكَ
 أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَأَسْتَعِينُكَ وَرَفَقْتَنِي فَوَقَّرْتَنِي وَعَوَّدْتَنِي فَأَحْسِبُكَ وَأَعْطَيْتَنِي
 فَأَجْرَكَ بِلَا اسْتِحْقَاقٍ مِنِّي لِذَلِكَ يُؤْتِيكَ وَالْحِكْمَةَ الْبِنَاءُ مِنْكَ بِكَمَالِكَ
 جُودِكَ وَأَنْفَقْتَ بِرِفْقِكَ فِي مَعَاصِيكَ وَتَقَوَّيْتُ بِبِعْمَتِكَ عَلَى سَخَطِكَ
 وَأَنْتَ عَمْرِي فِيمَا لَا تُحِبُّ وَكَمْ يَمْنَعُكَ جِرَائِي عَلَيْكَ وَرُكُوبِي مَعِ مَا
 نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَدُخُولِي فِي مَا حَرَمْتَ عَلَيَّ أَنْ عُدْتُ عَلَيَّ بِبِضْلِكَ وَأَظْهَرْتَ
 مِنِّي الْهَيْبَةَ وَسَتَرْتَ عَلَيَّ الْقَبِيحَ وَكَمْ يَمْنَعُنِي عَوْدُكَ عَلَيَّ بِبِضْلِكَ أَنْتَ
 عُدْتُ فِي مَعَاصِيكَ فَانْتِ الْعَوَاذُ بِالْفَضْلِ وَأَنَا الْعَوَاذُ بِالْمَعَاصِي فَيَا
 أَكْرَمَ مَنْ أَوْفَرَ لَهُ يَدَيْهِ وَأَعَزَّ مَنْ خَضَعَ لَهُ يَدِي لِيُكْرِمَكَ أَقْرَبْتُ بِدِينِي
 وَعِزَّتِكَ خَضَعْتُ بِدِينِي فَمَا أَنْتَ صَاحِبُ لِي فِي كَرَمِكَ يَا قَرِيبِي يَا دِينِي
 عِزَّتِكَ وَخُضُوعِي بِدِينِي صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَالْحَمْدُ وَأَعْلَى مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ **دُعَائِي بِكَمَالِكَ** است سید بن طاووس از حسن بن قاسم روایت کرده
 است که رفیق خدیجه حضرت امام موسی علیه السلام در بغداد در یک شب روز جمعه

تحمیر
 دعوتی کا حست

وَيْلِي

اَلْمَلِكِ كَبِيْرٍ رَّحِيْمٍ يَا وَيْلَتِي مَا اَعْفَلَنِي عَمَّا يُرَادُ مِنِّي يَا سَيِّدِي هَذَا
 مَقَامُ الْمَذْنِبِ الْمُسْتَخِرِّ يَعْبُودُكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ هَذَا مَقَامٌ مِمَّنْ اَنْقَطَعَتْ
 حِيلُهُ وَخَابَ رَجَاؤُهُ الْاَمِيْنُ هَذَا مَقَامُ الْفَانِي الْاَسِيْرُ هَذَا مَقَامُ
 الطَّهْرِ يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي فَلَنِي عَثْرَاتِي يَا مُتَيْدًا لِعَثْرَاتِي يَا سَيِّدِي اَعْطِنِي
 سُؤْلِي سَيِّدِي اَرْحَمَ بَدَنِي الضَّعِيْفَ وَجِلْدِي الرَّقِيْقَ الَّذِي لَا قُوَّةَ
 لَهُ عَلَى حَسْرِ النَّارِ يَا سَيِّدِي اَرْحَمْنِي فَاِنَّ عَبْدَكَ وَابْنَ عَبْدِكَ وَابْنَ
 اَمِيْنِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنِعْمَ بَصِيْرٌ لَا ظُلْمَ لَكَ لَاطَا قَتَلِي بِالْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ سَيِّدِي
 وَكَيْفَ لِي بِالرَّحْمَةِ وَالْاِضْطِااقِ الْاِمْرَانِ عِنْدَكَ يَا اِلَهَ الْاَنْبِيَاءِ وَوَلِيَّ الْاَنْبِيَاءِ
 وَبَدِيْعِ مَرْبِدِ الْكِرَامَةِ اِلَيْكَ تَصَدَّقْ وَبِكَ اَنْزَلْتُ حَاجَتِي وَرَأَيْتُكَ
 شَكُوْتُ اِسْرًا فِي عُلَى نَفْسِي وَبِكَ اَسْتَعِيْثُ فَاَعْشِيْ وَأَنْفِيْذِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّا
 اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي يَا وَيْلَتِي اَبْنُ اَهْرَبٍ مِمَّنْ اَخْلَاؤُنُ كُلَّهُمْ فِي بَضِيْعِهِ
 وَالتَّوَاصِي كُلِّهَا يَدِي يَا سَيِّدِي مِنْكَ هَرَبْتُ اِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ
 مُضْطَرِّعًا اِلَيْكَ رَاجِيًا لِمَا عِنْدَكَ يَا اِلَهِي وَسَيِّدِي حَاجَتِي طَاحَتِي اَلْبَنِي اِنْ
 اَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّ فِيمَا مَنَعْتَنِي وَاِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْتَعِبْ بِنَاوِيْرٍ مَا اَعْطَيْتَنِي

بِالْحَاجَةِ وَالْاِضْطِااقِ
 لَدَيْكَ وَكَيْفَ لِي
 مِنْ تَوَكُّلِكَ
 اسْتَعِيْثُ

لَدَيْكَ

اَسْأَلُكَ فَكُلَّكَ رَفِيْقِي مِنَ النَّارِ سَيِّدِي قَدْ عَلِمْتُ وَأَبِيْنْتُ بِاَنَّكَ اِلَهٌ
 الْخَلْقِ وَالْمَلِكِ الْحَقُّ الَّذِي لَا سَمِيَّ لَهُ وَلَا شَرِيْكَ لَهُ سَيِّدِي اَنَا عَبْدُكَ
 مُعْتَرِكٌ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَبِوَجُوْدِ رُبُوْبِيَّتِكَ اَنْتَ اللهُ الَّذِي خَلَقْتَ
 خَلْفَكَ بِلَا مِثَالٍ وَلَا نَعْبَ وَلَا نَصَبٍ اَنْتَ الْمَعْبُوْدُ وَبِاطِلُ كُلِّ مَعْبُوْدٍ
 غَيْرُكَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَحْتَشِرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ اِلَى الْمُحْتَشِرِ بِاَمَنْ لَا يَفِيْدُ عَلَى
 ذَلِكَ اَحَدٌ غَيْرُهُ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَجِيْ بِهٖ الْعِظَامُ وَهِيَ رَمِيْمٌ اَنْ تَغْفِرَ
 لِي وَتَرْحَمَنِي وَتُعَافِيَنِي وَتُعْطِيَنِي وَتَكْفِيَنِي مَا اَهَمَّتَنِي اَشْهَدُ اَنَّهٗ لَا يَفِيْدُ
 عَلَى ذَلِكَ اَحَدٌ غَيْرُكَ اَيُّ اَمَنْ اِذَا اَرَادَ سُبْحًا اَنْ يَقُوْلَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ
 اَيُّ اَمَنْ اَخَاطُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا وَ اَحْضِيْ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا اَسْأَلُكَ اَنْ
 تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَنَبِيِّكَ وَخَاصِّكَ وَخَاطِمْكَ وَ
 صَفِيْقِكَ وَخِيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاَمِيْنِكَ عَلَيَّ وَحِيْقِكَ وَمَوْضِعِ سِيْرَتِكَ
 وَرَسُوْلِكَ الَّذِي اَرْسَلْتَهُ اِلَى عِبَادِكَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِيْنَ
 وَنُوْرًا اسْتَقْنَاءَ بِهِ الْمُؤْمِنُوْنَ فَبَشِّرْ بِالْجَنَّةِ مَنْ تَوَلَّكَ وَاَنْذِرْ بِالْاَلَمِ
 مِنْ عِقَابِكَ اَللَّهُمَّ تَصَلَّ عَلَيَّ بِكُلِّ تَصْلِيَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ وَبِكُلِّ مَنْقَبَةٍ

اَمْرًا

من مناقبه وريكل طالين حالانيه وريكل موقفين من موافقه صلوة
تذكر منها وجهه واعطيه الدرجه والوسيلة والفضيلة
اللهم شرف في الفيمية مقامه وعظم نبياؤه واعلده رجة و
تقتل شفاعة في امته واعطيه سؤله وارفعه في الفضيلة
الى غايتها اللهم صل على اهل بيته امية الهدى ومصابيح الدجى
وامناراك في خلقتك واصغياؤك من عبادك ومجيك في ارضك و
منارك في بلادك الصابرين على بلاؤك الطالبين رضات المؤمنين
بوعديك غير شاكين فيك ولا جا حدين عبادك واوليائك و
سلايل اوليائك وخران عليك الذين جعلتهم مفايح الهدى ونور
الدجى عليهم صلواتك ورحمتك ورضوانك اللهم صل على محمد وآل
محمد وعلى منارك في عبادك الداعي اليك باذلك الفائر بامرات
المودة عن رسولك عليه واله السلام اللهم اذا اظهرت فانجز له
ما وعدته وسن اليه اصحابه وانصره وقونا صبره وبلغه افضل
امله واعطيه سؤله وجدد به عز محمد واهل بيته بعد الدل الذي

المؤمنين بعبادتك

مصابيح

انصبت املة

قد نزل بهم بعد نبينا فصاروا مقنولين مطرودين مستردين خائفين
غير اميين لقوانه جنك الادهى بعبادة من ضانك و طاعنك و
التكذيب فصبروا على ما اصابهم فيك را ضين بذلك مسلمين
لك في جميع ما ورد عليهم وما يرد اليهم اللهم محجل فرج قائمهم
بامرك وانصره وانصر به دينك الذي غير وابدل وجدد به ما
امتنى منه وابدل بعد نبينا صلى الله عليه واله اللهم صل على
جميع النبيين والمرسلين الذين بلغوا عنك الهدى واعتقدوا
لك المواليق بالطاعة اللهم صل عليهم وعلى آرائهم واجدادهم
والسلم عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم صل على محمد وعلى
ملكك المقربين واولي العزم من انبيائك المرسلين وعبادك
الصالحين اجمعين واعطني سؤلي في دنياي واخرتي يا ارحم
الراحمين اللهم كما دعوتك لنفسى لعاجل الدنيا واجل الاخرة
فأعطه جميع اهل و اخواني فيك وجميع شيعة ابي محمد
المستضعفين في امرضك بين عبادك الخائفين منك الذين

ابناء من ضانك و
طاعنك الادهى

الَّذِينَ صَبَرُوا عَلَى الْأَذَى وَالْكَذِبِ مِنْكَ وَنَدَوْا بِسُؤْلِكَ وَأَهْلًا بِبَيْتِهِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ أَضَلُّ مَا يَأْمُرُونَ وَأَكْفَهَرُ مَا آهَتَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
اجْزِهِمْ عَنَّا جَنَّاكَ التَّعِيمِ وَاجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
دُعای دیگر بر روایت دیگر اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَى وَأَعْمَالَ
أَهْلِ التَّقْوَى وَمُنَاصَحَةَ أَهْلِ التَّوْبَةِ وَعِزَّةَ أَهْلِ الصَّبْرِ وَحَدَرَ
أَهْلِ الْحَمِيَّةِ وَطَلَبَ أَهْلِ الرَّغْبَةِ وَعِزَّةَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَفَيْتَةَ
أَهْلِ الْوَرَعِ حَتَّى آخَاكَ اللَّهُمَّ خَافَتِ تَحْجُرِي عَن مَعَاصِيكَ وَ
حَتَّى أَعْمَلَ طِبَاعِيكَ عَمَلًا اسْتَحَقُّ بِهِ كَرِيمَتَكَ مِنْكَ وَحَقَّ
أَنَا صِحَّكَ فِي التَّوْبَةِ خَوْفًا لَكَ وَحَقَّ لَكَ فِي النَّصِيحَةِ جَبَّالَكَ
وَحَقَّ اتِّوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا جُنْطِي بِكَ سُبْحَانَ
خَالِقِ السُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَ تَقَدَّسَ عَلَى سَائِرِ أُمُورِي كُلِّهَا بِمَا لَا يَمِدُّكَ غَيْرُكَ وَلَا يَقِفُ
عَلَيْهِ سِوَاكَ وَاسْمِعْ نِدَائِي وَاجِبْ دُعَائِي وَاجْعَلْهُ مِنْ شَأْنِكَ
فَارْتَهُ عَلَيْكَ يَسِيرًا وَهُوَ عِنْدِي عَظِيمًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

التقى

وَسَبِّحْهُ فِي مَصْبَاحِ هَرْدٍ وَغَاذِرَاتٍ كَرِيمَةٍ **أَمَّا** أَحْكَامُ فِي نَمَازٍ رَاجِعَةٌ مَقْصِدًا بِرَأْسِهَا
مِنَافِعُ **أَوَّلُ** بَدَأْتُكَ بَعْضُ كَلِمَةٍ أَنْتَ كَرِيمٌ رَكْعَتٌ رَابِعٌ سَلَامٌ مَيِّسَةٌ جُودٌ رَافِعٌ خَبْرٌ
تَصْرِیحٌ بِدُوسَلَامٍ نَشْدَاتٌ لِيَكُنْ مَشْهُورًا أَنْتَ كَرِيمٌ نَمَازٌ زَائِدٌ وَسَلَامٌ مَيِّسٌ يَدْرُجٌ جَنَابٌ
مِنْ أَيْتِهَا فِي حَمْدِ شَمَالِي زَحْرُفَاتِهَا مَحْمَدٌ بِأَقْرَبِهَا لَكَ وَحَدِيثٌ رَجَاءٌ فِي جَمَالِهَا مِنْ حَضْرَتِ
إِمَامِ رَضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَذْكَورًا شَدِيدٌ وَدَقِيقٌ مَرْغُوبٌ نِيْزٌ تَصْرِیحٌ بِدُوسَلَامٍ شَدِيدٌ وَازْجِدْ بِرَأْسِهَا كَمَا
تَعْبُدُ فِيهَا مِنْ مَذْكَورٍ مَيِّسٌ يَشُوْدُ دَرَجَاتٍ نَفِيْزَةٍ فِي نَمَازٍ مَعْلُومٍ يَشُوْدُ كَرَامَةً وَمَنَازِلًا بَانَكَ دَرَجَاتٍ
الطَّاهِرَاتِ وَارْتَدَّ شَدِيدٌ كَمَا نَوَافِلُ هَرْدٍ وَرَكْعَتٌ بِيَسْكَالَمِ اسْتَلِمْ لِيُقَوِّدَ حَوْطَ عَلَمِ مَشْهُورًا اسْتَلِمْ
مَتَعِينٌ اسْتَلِمْ **دُوْعَى** خَلَاصَتُكَ دَرَجَاتٍ مَسْئَلَةٌ اسْتَلِمْ دَرَجَاتٍ خَلَاصَتُكَ اسْتَلِمْ مَشْهُورًا
أَنْتَ كَرِيمٌ رَكْعَتٌ أَوَّلُ إِذَا نَزَلْتُكَ وَدَرَجَاتٍ وَالْمَاءُ يَأْتِي وَدَرَجَاتٍ إِذَا جَاءَ وَدَرَجَاتٍ فَلَ هُوَ
مَيِّسٌ وَابْنُ بَابُوِيَّةٍ وَدَرَجَاتٍ دَرَجَاتٍ أَوَّلُ وَالطَّاهِرَاتِ وَدَرَجَاتٍ إِذَا نَزَلْتُكَ كَلِمَةً اسْتَلِمْ
رَوَايَتِي رَاقِلٌ إِذَا نَزَلْتُكَ وَدَرَجَاتٍ إِذَا جَاءَ وَدَرَجَاتٍ نَمَازٌ نَمَازٌ وَدَرَجَاتٍ تَوْحِيدٌ وَارْتَدَّ
شَدِيدٌ اسْتَلِمْ وَدَرَجَاتٍ مَسْئَلَةٌ اسْتَلِمْ كَرِيمٌ رَكْعَتٌ فَلْيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَذَلَّ هُوَ اللَّهُ
هَرْدٌ وَرَجَاءٌ اسْتَلِمْ وَارْتَدَّ اسْتَلِمْ كَرِيمٌ هَرْدٌ كَرِيمٌ اسْتَلِمْ كَرِيمٌ اسْتَلِمْ كَرِيمٌ اسْتَلِمْ كَرِيمٌ
اسْتَلِمْ كَرِيمٌ اسْتَلِمْ كَرِيمٌ اسْتَلِمْ كَرِيمٌ اسْتَلِمْ كَرِيمٌ اسْتَلِمْ كَرِيمٌ اسْتَلِمْ كَرِيمٌ اسْتَلِمْ كَرِيمٌ
سوره مشهوره در ترتیب تسبیح این نماز است که بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ جَنَابٌ
در روایات صحیح و معتبره وارد شده است و ابن بابویه سره
گفته که مصعبی اختیار دارد میخواند ترتیب مذکور بگوید یا بگوید الله اکبر سبحان الله و
الحمد لله ولا اله الا الله جَنَابٌ در روایات صحیح و معتبره وارد شده است و ابن بابویه سره
اولی است بلکه متعین است چون روایات قول مشهور بیشتر صحیح است و مخالف مذکور
در ترتیب وارد در روایات صحیح و معتبره است جَنَابٌ مشهور است که در رکعت دوم
در رکعت چهارم یا نهم تسبیح را بعد از قرائت میخواند جَنَابٌ روایات معتبره دلالت بر آن میکند
لیکن در روایات صحیح و معتبره مذکور است که تسبیح را قبل از قرائت بخواند و ابن بابویه فایده بیشتر شد
و عمل هر دو را بگوید و اولی عمل مشهور است هر چند تسبیح جَنَابٌ از قول نیست **سوره**
مشهور است که تسبیحات بعد از سجده دوم را در رکعت اول و سیم نَشْدَاتٌ میخواند و بعضی
گفته اند بعد از برخاستن بر رکعت دیگر پیش از قرائت میخواند و عمل مشهور اولی است **سوره**
اکثر از اصحاب منقول قنوت این نماز شده و در بیشتر از روایات نیز مذکور نیست لیکن تسبیح
طبرسی و کتاب حجاج حدیثی ذکر کرده است که حضرت صاحب الامر علیه السلام در جواب عرضی
حیر می نوشتند که در نماز جعفر و قنوت مقرر است یکی در رکعت دوم قبل از آنکه بر کعبه رود و یکی

در رکعت چهارم بعد از رکوع و در حدیث رحاب بن ابی نعیم مذکور است که حضرت امام رضا علیه السلام چون نماز جعفر با نجاسات برسد بعد از هر دو رکعت سلام می گفتند و در رکعت دوم و چهارم قنوت بخواند بعد از تسبیح پیش از آنکه رکوع می رفتند و عمل به رکعت از این دو روایت که بکند خوب است **مفهم** روایت معتبری از حضرت فایم عم وارد شده که کسی که تسبیحات نماز جعفر را فراموش کند در هر وقت که بخواند آنرا بخواند و در فقره رضوی نیز مضمون باین شده و از علمای کسی متعرض این حکم نشده و اگر باین روایت عمل کنند ظاهر اینست که **هشتم** اگر علیا گفته اند در روایات نیز وارد شده است که کسی که ضرورت و تعجیل داشته باشد می تواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بخواند و بعد از آن قضا کند تسبیحات را و در راه بخواند **هفتم** در حدیث صحیح وارد شده است که کسی که در رکعت نماز جعفر را بکند و او را امر ضروری دهد می تواند آن کار برود و در رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند و اگر بدون عذر چنین نکند و هر را با هم بکند بهتر است **هفتم** بدانکه مشهور میان علما و ائمه است که نماز جعفر را با نجاسات خواندن بسیار زیاده است و در حساب شود و همچنین بر نیت قضای نافله می توان کرد و اخذ است بر این ضابطه وارد شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فرض را ادا و قضا بکنند و خالی از قنوت نیت و لیکن احوط تر اینست **یازدهم** شیخ شهید در کتاب ذکر می نقل کرده که نماز جعفر را در سفر و حضر هر دو می توان کرد و در سفر در رکعت و همان است و حدیثی از حضرت فایم عم مرویست که این نماز در سفر جایز است و در حدیث صحیحی وارد شده که هرگاه در سفر باشی این نماز را در محل بخوان و محقق و علامه عمل باین روایت کرده اند و این روایت با آنکه در روایات وارد شده که مطلق نافله را در حضر و سفر بسیار است و سواره می توان کرد پس این حدیث محمول بر فضل این نماز است که بر هر حال که باشد ترک نشود اگر چه در وقت و در رکعت باشد **دوازدهم** بدانکه نماز جعفر را در جمیع اوقات سال در شب و روز بکند هر شب و روز می توان بخواند و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که این نماز را بکن در هر وقت که خواهی در شب یا روز مادام که در وقت نماز واجب نباشد و نیز در همین حدیث مذکور است که آنحضرت فرمود مایه بصیر که اگر در هر روز و نشانی بخوانی این نماز را پس در هر چه بعد آورد و اگر نشانی در هر ماه و اگر نبرد در هر سال و ایضا در حدیث طویلی وارد شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که عطا می کنم بنوحی را که اگر هر روز بخواند هر چه بر او باشد آن برای او است و دنیا و آنچه در آنست و اگر در هر روز یکبار بگوید آمین شده شود کتانی کرد در میان این دو روز کرده باشد و اگر در هر چه یاد در هر ماه یا در هر سال بخواند آوری آمرزیده شود گناهان ما بین آنرا و چنان آوردن این نماز در اوقات شهرت و فضیلت است مانند شب نیت شعبان که مخصوص آورد

کیفیت نماز جعفر

چنانکه گذشت و در شب جمعه و روز جمعه مخصوص فضیلت دارد و اول روز جمعه افضل است از سایر اوقات و روز چهارشنبه همی عرضیه حضرت فایم عم نوشت و سوال چند در باب نماز جعفر نمود از آنجمله آنکه نماز جعفر در کدام وقت افضل است در جواب فرمودند اول روز جمعه افضل است از سایر اوقات بعد از آن هر روزی از روزها و هر وقت از اوقات از شب و روز که خواهی بکن خوب و جمعی از اصحاب نقل کرده اند و در روایات نیز وارد شده است که هرگاه نوافل بومی می باشد بکند مطلق نوافل را بطریق نماز جعفر بخواند و محسوب می شود و هر دو ثواب را میبرد **نهم** نماز شب که در حدیث رخامذکور است که حضرت امام رضا علیه السلام هرگاه دو رکعت از نماز شب را میبرد چهار رکعت دیگر از آن را بطریق نماز جعفر بخواند و ایضا روایتی که هرگاه نماز را از آنکه ظاهرین صلوات الله علیهم اجمعین را بطریق نماز جعفر بخواند افضل است هر دو ثواب برای او خواهد بود **بیشتم** ویکم شیخ طوسی سید بن طاووس طاب ثراه در صیاح و ایالات دیگران ذکر نموده اند که در شب نیت شعبان هرگاه خواهی نماز شب کنی **اللهم صل علی محمد و آل** پس دو رکعت اول را بکن و بعد از آن این دعا را بخوان **مُحَمَّدٌ شَجَرَةُ النَّبَوَّةِ وَ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ وَ**

أَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ وَ أَعْطِنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ أَسْمِعِي وَ تَقْبَلِي سَلَاتِي فَإِنِّي مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ أَوْصِيَاءُ هُمَا إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ وَ لَكَ أَسْتَلِ بِأَجْبِبْ
 الْمُضْطَرِّينَ يَا مُلْجَأَ الْهَارِبِينَ وَ مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّغْبِينَ وَ نَيْلَ الطَّالِبِينَ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً تَكُونُ لَكَ رِضًا وَ حَقِيمَةً صَلَاةً
 اللَّهُمَّ اغْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَ لَا تُخْرِجْنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ ارْزُقْنِي مَوَاسَاةً مِنْ قَرْنَتِكَ
 عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ يَا وَسْعَتَ عِلْمِكَ مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ وَاسِعُ الْقَضْدِ وَ أَرْزُقْ
 الْعَدْلَ لِكُلِّ خَيْرٍ أَهْلٍ يَبْرُدُ وَ رُكْعَتِكَ دِيكَرًا يَكُنِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَدْعُوُّ وَ أَنْتَ

و بعد از آن این دعا را بخوان

دعای کبیر از ذکر کبیر اول

دعوت

کبیر از ذکر کبیر

اضرب بيني وبين أعدائي سيرا من شرك وكافية من أمرك يا من لا تحترق
 قدرته عواصف الرياح ولا تقطعه بواثر الصفاح ولا تنفذ منه
 عوامل الرياح يا شهيدا لمطيش يا طاب العرش كثفت ضري يا كاشف
 ضراوتوب وا ضرب بيني وبين من بر مني بنوايمه ويسري الحت
 طوارفه بكافيه من كواميك وواقية من دواعيك وفرج همي وعيبي
 يا فارج همي يعقوب وا غلب لي من علكي باعليا غير مغلوب ورد الله
 الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين الفيلال
 وكان الله قويا عزيزا فايدنا الذين امنوا على عدوهم فاصحو اظاهرت
 يا من يحيى نوكان من القوم الظالمين يا من يحيى لوطا من القوم الفاسقين
 يا من يحيى هودا من القوم العادين يا من يحيى حمدا من القوم المشركين
 استلمك يحيى شهرا هذا واما مه كان رسولك صلى الله عليه واله يداب
 في صياحه مدى سبه واعوامه ان تجعلني فيه من المقبولين اعمالهم
 النالعين امانهم والقاضين في طاعتك اجالهم وان نذرك في
 صيام الشهر المفتر من شهر الصلوة على الكعبة والنام واستلهمنا

ودايعك
 هم

صلى الله عليه واله
 رسول الله

ويا ميه

واستلهمنا

ع

عني باسلاخي من الانام طاب مخصنك ذوا غصنا يا سمانك العظام
 وموالاة اوليايك الكرام اهلا لتفضيل الابرار ايامهم من بعد ايامه
 مضايح الظلام ورحم الله على جميع الانام عليهم منك افضل
 الصلوة والسلام اللهم وابق اسالك بحق الميت الحرارة والرحن
 والتمارة المشاعر لعظام ان تهب لي اللينة الجريئة من عظامك
 والاعادة من بلادك اللهم صل على محمد واهل بيته الاوصياء المهلبا
 الرضا والدعاة وان لا تجعل حظي من هذا الدعاء نلونه واجعل حظي
 منه اجابته انك على كل شئ قدير **مولف** كويدك نماز وتر كا هي بفرده وترك
 كركركت بعد از شغ است اطلاق ممكنند
 وكاهي بر مجموع شعع ووترك تمام سرركت است اطلاق كسند ومراد درين حديث معني باي آ
 ومراد از د طاي وتر د طاهان است كدر قوت وتر وارد شده است واين طاي آخر در قوت منفرد
 وتر بعد از فراغ از اد غير وارده در ان بايد خوانده شود وسيد طاب شاه در اقبال گفته است كبر
 كتاب كنه در بخش اشرف مريم حديثي كه نماز است مطلقا خواه در شب نيم شعبان وخواه بغير
 بان كنهيت از حضرت امام زين العابدين عم مقبول بود ليكن د طاي آخر در ان حديث بعد از فراغ
 از منفرد وتر وارد شده بود والله تعالى يعلم **بيت** **دريم** شيخ طوسي وسيد بن طاوس
 در مصباح واقباله كرموده اند كه چون درين شب ولادت يا سعادون حضرت صاحب الامر
 صلوات الله وسلامه عليه واقع شده است مشحون است كه اين دعا خوانده بشود
 اللهم يحيى ليدننا هذه ومولودها ومجنتك وموعودها التي قرنت
 الي وصلها وصدقا فتمت كلمتك صدقا وعدلا لا مبدل لك ليلياتك

اليمحمد

وَلَا مَعْقِبَ لِحُكْمِكَ نُورِكَ الْمُنَاقِقِ وَصِيَالِكَ الْمُشْرِفِ وَالْعَلَمِ التَّوْمِنِي
 كُنْيَا وَاللَّجُورِ الْعَائِبِ الْمَسْئُورِ جَلَّ مَوْلَاهُ وَكَرَمَ تَحِيُّدُهُ وَالْمَلَكَةِ
 شَهَدُهُ وَاللَّهِ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذَا لَانَ مَبِيعَاةُهُ وَالْمَلَكَةَ أَمْدَادُهُ وَسَيِّدُهُ
 اللَّهُ الَّذِي لَا يَسْتَبُجُ وَنُورُهُ الَّذِي لَا يَحْبُجُ وَذُو الْمَجْدِ الَّذِي لَا يَصْبُجُ مَدَارُ
 اللَّامِ وَتَوَاصِيْلُ الْعَصْرِ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَالْمَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ وَمَا
 يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالشُّرَكَاءُ فِي حَيْبِهِ وَوَلَاةُ
 أَمْرِهِ وَتَهْنِئَةُ اللَّهِ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ خَاتَمِهِمْ وَقَائِمِهِمُ الْمَسْئُورِينَ عَوَالِمِهِمْ
 وَأَذْرِكَ بِنَايَا مَهُ وَظُهُورُهُ وَفِيَا مَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَاقْرَبِ
 ثَمَارَ نَاصِرِهِ وَاصْبِرْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَايَا فِي دَوْلَتِهِمْ نَاعِيَتِهِ
 وَبِحُبِّهِمْ غَائِبِينَ وَبِحَقِّهِمْ قَائِمِينَ وَمِنْ السُّوءِ سَائِلِينَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
 وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِزَّتِهِمُ الْتَاطِقِينَ وَالْعَنْ
 جَمِيعَ الظَّالِمِينَ وَاحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ

مؤلف كوفي كنعني رجبته الامان بعد از ذكر اين دعا عبيد ديكرين نقل نموده كه بعضي از آنها اصحاب مزاريب از جمله زيارت بعبده نقل نموده اند و بعضي از اديبه مطلقه كوشندين

لحن و برآورد از امامي اهل بيته رسالت و غاصبين حقوق خاندان عصمه و جلالناست و كوش
 ميچيات از اين دعا عبيد ديكرين نقل نموده و بعضي از آنها درين شب مناسبت را
 و بعضي از جمله اعمال اين شب نقل نموده و بعضي از آنها بيازيك كتاب استيفاء تمام اعلا
 است لهذا بذكر آنها ترتيب مبادرت نمود و آنها چند دعاست **اول** كنعني در كتاب مذكور و شيخ در
 مصلح كفته اند كه بعد از دعاي سابق صلوات بفرستد بر رسول خدا و همه عليهم السلام باين صلوات كند
 حضرت صاحب الامر صلوات الله عليه منقولت و سلواتنا ببيت نبينا الله الرحمن الرحيم
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَمُجِدِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْمُنْتَجِبِ
 الْإِنشَاءِ الْمُصْطَفَى فِي الصَّلَاةِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ الْبَرِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ الْمُؤْتَمِّلِ لِلنَّجَاةِ
 الْمُرْتَجِي لِلشَّفَاعَةِ الْمُعْوَضِ لِيَعْدِينَ اللَّهُ اللَّهُمَّ سَرِّقَتْ بِنْيَانَهُ وَعَظَّمَتْ هَيْبَتَهُ
 وَأَقْبَلَتْ حُجَّتَهُ وَأَضَى نُورَهُ وَبَجَّزَتْ حُجَّتَهُ وَأَعْطَاهُ الْفَضْلَ وَالْقَضِيَّةَ وَالْوَسِيلَةَ
 وَالْمَدْحَ الْجَبَّارَةَ الرَّبِّيَّةَ وَابْقَشَهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يُعْطِيهِ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ وَ
 صَلَّى عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَثَابِتِ الْعُرَى الْمُحْتَجِّينَ وَسَيِّدِ
 الْوَصِيَّةِ وَمُجِدِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
 وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَمُجِدِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ
 وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
 وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى عَلَى جَعْفَرِ بْنِ
 مُحَمَّدِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ إِمَامِ

المؤمنين ووارث المرسلين وصل على علي بن موسى إمام المؤمنين ووارث
المرسلين وصل على محمد بن علي إمام المؤمنين ووارث المرسلين وصل على
علي بن محمد إمام المؤمنين ووارث المرسلين وصل على الحسن بن علي إمام
المؤمنين ووارث المرسلين وصل اللهم على الخلف الهادي المهدي إمام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين اللهم صل على محمد وأهل بيته الأئمة
الهادين العلماء الصادقين الأبرار المتقين دعائم دينك وأركان توحيدك
ومحجك على خلقك وخلقنا بك في أرضك الذين اخترتهم لنفسك واطفقتهم
على عبادك وازنيتهم لدينك وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم بكرامتك و
غشيتهم برحمتك ورتبتهم بسعيتك وعدتهم بحجبتك وألبيتهم بورك و
رفعتهم في ملكوتك وحففتهم بملكوتك وشرقتهم بنبيك صلواتك عليهم
اللهم صل عليهم وعليهم صلوة كثيرة دائمة طيبة لا يخبث بها إلا أنت ولا
يسعها إلا علك ولا يخبثها أحد غيرك اللهم صل على وليك أبي سنانك
القائم بأمرك الداعي إليك الدليل عليك محجبتك على خلقك وخليفتك
في أرضك وشاهدك على عبادك اللهم اعز نصرته ومد في عمره ورتب

التبيين

التبيين

الصادق

الأرض بطول بقاء اللهم اكف عني الحاسدين وأعدده من شر الكافرين
وان جرحته إرادة الظالمين وخلصه من أيدي الجبارين اللهم اعطه
بقضيه وذريته وشيعته ووعيته وخاصته وطاقته وعدوه و
جميع أهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه وبلغه ما بذل من
كنايته وأظهر به ما غير من حجبك حتى يعود دينك به وعلى يديه غصا
جديدا خالصا مخلصا لا شك فيه ولا شبهة معه ولا باطل عنده ولا
يدعرك لذكر اللهم توزنونه كل ظلمة وهدبر كنه كل يدعوه
اهدم بعينيه كل صلاة واقصم به كل جبار وأخذ بسيفه كل
ناير وأهلك بعذله كل جور وأجر حكمة على كل حكر وأدرك
بسلطانه كل سلطان اللهم اذ لك كل من ناواه وأهلك كل من
غاده وأمكر من كاده واستأنصل من مجد حفته واستهان
بأمره وسعى إطفاء نوره وأراد إخماد ذكره اللهم صل على محمد
المصطفى وعلى المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن الرضا والحسين المصطفى
وجميع الأوصياء مصابيح المنجى وأعلام الهدى ومنازل الشفاعة والغررة

سَلَّمَهُ مِنَ الدَّسِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ خُرُوجِ الطَّائِفَةِ
أَنَّكَ لَمْ يُدْرَبْ ذَنْبًا وَلَا آثِمًا وَلَا حُوبًا وَلَا تَمِيرُ تَكَبُّ مَعْصِيَةٍ وَلَا تَمُضِي بِيَضِيعِ
لَكَ طَاعَةٍ وَلَا تَهْنِكُ لَكَ حُرْمَةٌ وَلَا تَمُزُّ بِدَلِّكَ فَرِيضَةٌ وَلَا تَعْيِيرُ
لَكَ شَرِيعَةٌ وَأَنَّهٗ الْهَادِي الْمَهْدِي الطَّامِرُ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ
الْمَرْضِيُّ الرَّكِيُّ اللَّهُمَّ اعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَوَدَّعِيهِ
وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا نَقَرُّ بِهِ عَيْنَهُ وَتَسِرُّ بِهِ نَفْسَهُ وَتَجْمَعُ كُرْ
مَتِكَ الْمَلَائِكِ قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا وَدَلِيلَهَا حَتَّى تَجْرِي حُكْمَهُ عَلَى
كُلِّ حَكْمٍ وَتَغْلِبَ حَقَّهُ عَلَى كُلِّ بَاطِلٍ اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَا جِ
الْهُدَى وَالْحَيَّةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى الَّتِي تَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعُنَا
وَيَلْمُنُ بِهَا السَّالِي وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَبَتَّيْنَا عَلَى مُشَاقَقَتِهِ وَآمَنَّا عَلَيْهِ
بِمُتَابَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حَرْبِهِ وَالْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ وَالصَّابِرِينَ مَعَهُ
الطَّالِبِينَ رِضَاكَ مِمَّنَا صَحْبَهُ حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ
وَأَعْوَانِهِ وَمَقُودِ سُلْطَانِهِ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ
شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْبُدَ بِرِغْمِكَ وَلَا نَطْلُبَ

مُتَابَعَتِهِ

تَعْبُدُ

بِهٖ الْإِلَهِ وَجْهَكَ وَحَتَّى تَحْمِلْنَا حِمْلَكَ وَتَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَأَعِدْنَا مِنَ
السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْقَتْرِ وَاجْعَلْنَا مِنَ تَنْصُرُ بِهِ لَدَيْكَ وَتَعْرِضُ
بِهِ بَصْرُ وَلَيْتَ وَلَا تَسْتَبِدُّ لَنَا غَيْرَ نَافَاتِ اسْتَبَدَّ لَكَ بِنَا غَيْرَ نَا عَلَيْكَ
يَسِيرٌ وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَوَلَدِهِ وَعَهْدِهِ وَالْأُمَّةِ مِنْ
تَعْبُدِهِ وَبَلَّغْنَهُمْ أَمَا لَهُمْ وَزِدْ فِي جَاهِلِيَّتِهِمْ وَأَعِزَّنْ نَصْرَهُمْ وَبَتَّيْمِ
لَهُمْ مَا اسْتَدَّتْ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ وَبَتَّيْتِ دَعَائِمَهُمْ وَاجْعَلْنَا
لَهُمْ أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا قَائِمَةً مَعَادُونَ كَلْبَانِكَ وَحُرَّانِ
عَمَلِكَ وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَدَعَائِمِ دِينِكَ وَوَلَاةِ أَمْرِكَ وَخَالِصِينَكَ
مِنْ عِبَادِكَ وَصَفْوَةَ نَفْسِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاءُكَ وَسَلَائِلَ أَوْلِيَاءِكَ
وَصَفْوَةَ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَالسَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ **مَوْلَفٌ**
كُوَيْدِكُمْ
سَيِّدِ بْنِ طَاوُسٍ رَدَّ دَرَكَنَابَ صَبَاحَ الزَّوَاكِيرِ كَفَنَتْهُ كَهْرَاهُ خَوَاهِي أَسْرَازِ بَرِي بِي وَنَاطِي
بِرَبِّهِ رَابِ مَنُورِ أَنْحَضَتْ عَوْدُكُنْ وَهَرَفْدُ رَكْمِ خَوَاهِي مَنَازِكُنْ بِسَلَامٍ وَبِقَبْلِ رَابِ بَاتِ وَبِ
دَعَا رَاغِي وَهَمِي دَعَا رَاغِي مَمُودُهُ نَا اللَّهُمَّ تَوَسَّلْ بِهِ كَلِّ ظَلَمَةٍ وَهَدِّ بَرَكَةٍ
بِفَعْلِهِ وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ لَعِبَادَانِ أَيْنَ نَمُرُّ نَمُرُّ
كُلِّ بَدْعَةٍ وَأَهْدِي بِعِزِّهِ كَلِّ صَدَائِقَةٍ وَأَقْضِ بِهِ كَلِّ جَبَّارٍ وَ
أَخْذِ بِسَيْفِهِ كَلِّ نَارٍ وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ جُورَ كُلِّ جَابِرٍ وَأَجْرِ حَكْمَةٍ

عَلَيْهِ وَ

سَهْلَهَا وَجَبَلَهَا بِرَمَاهَا وَبَحْرَ مَاعَتِي وَعَن وَالِدِي وَوَلَدِي وَرِجْوَانِي مِنَ الصَّلَاةِ
 زِنْتِ عَرَشِكَ وَمِدَادِ كِتَابِكَ وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُكَ وَأَخَاطِبُهُ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَجِدُهُ لَدُنِّي صَبِيحًا يَوْمِي هَذَا وَمَاعَتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ رِجْوَانِي عَهْدًا
 وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَدُنِّي عُنْفِي لِأَحْوَالِ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ
 مِنْ أَنْصَارِي وَأَعْوَانِي وَالذَّابِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ فِي خَوَائِجِي وَالْمُقْتَلِينَ
 لِأَوَامِرِي وَتَوَاهِيهِ وَالشَّاهِدِينَ إِلَى إِرَادَتِي وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالْمُسْتَشْفَعِينَ
 بَيْنَ نَدِيرِ اللَّهِ فَإِنَّ خَالَ بَيْتِي وَبَيْتَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ
 حَتْمًا مَقْضِيًّا فَارْجُوهُ مِنْ قَبْرِي مُؤْتِرًا لِقَبْرِي شَاهِدًا لِسَبِي حَبْرًا دَا
 قَنَابِي مُكْتَسِبًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ
 الرَّشِيدَةَ وَالْفَرَةَ الْحَسِيدَةَ وَالْحُلَّ مَرْمِي نَظْرَةً مِنِّي وَعَجَلًا فَرَجًا وَسُرْعًا
 تَخْرُجُهُ وَأَوْسَعُ مَسْجِدًا وَأَسْلُكُ بِحُجَّتِهِ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَأَشْدُدْ أَرْزُهُ
 وَقَوِّ ظَهْرَهُ وَاعْمُرْ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِعِبَادِكَ فَإِنَّكَ فَتَكُ وَقَوْلُكَ
 الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَ أَيُّدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ
 تَنَاوَلِيكَ وَابْنَ بَيْتِكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ وَإِلَى

عزله وابتداء كتابته
 على واطار كتابته

الناظرين اليه في قضاء
 خوائجه

ناظره

غادرنا

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَحَتَّى لَا يَنْظُرَ بَصِيرًا مِنَ الْبَاطِلِ الْأَمْرَ قَرُّ وَبِحُجَّتِ اللَّهِ بِرِ الْحَقِّ
 وَبِحَقِّقَتَهُ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُ مَقْرًا لِلْمَظْلُومِ مِنْ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِلْمَلِكِ لَا
 يَجِدُ لَدُنَّا صِرًا غَيْرَكَ وَتَجِدُ الْمَاعُظِلَّ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُسَيِّدًا
 لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ
 اللَّهُمَّ مِنْ حَصَنَتِهِ مِنْ بَاسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسِرِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤُوسِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عِلَادَ عَوِيهِ وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا
 مِنْ عِبَدِكَ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجَلًا
 اللَّهُمَّ كُنَّا ظُهُورَهُ إِيْتَمُّ بِرُؤُوسِهِ بِعَمِيدًا وَزُنَّةً قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 بِرِسْمِ رَسْمِهِ دَسْتِ بَرِيَّةِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ **مَوْكُت**
 دَا سْتِ خُوْدِي مِي زِي وَسِي كُوِي
 سَتِيدِ دَرِ مَصْبَاحِ الزَّمَانِ بِرِ احْضَرْتِ ضَاوِي عَمِ اِيْنِ دَا غَا رَا دَا مَاتِ كَرْدِه وَدُرُودَا يَتِ اَوْجِنِ
 اسْتَكْرِهْتِ فَرُوْدِ كَرِهْتِ مَجْمَلِ صَبَاحِ اِيْنِ دَا غَا رَا بِخَوَانِدَا اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ مَاسِي كَرْدِه وَاَكْر
 قَبْلِ اِيْنِ خُرُوجِ قَائِمِ عَمِ مِي رِدِ حِي مَنَالِي اَوْ رَا دُرُ زَمَانِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ مِي كَسْتِه اِيْنِ اِيْنِ مِي رُوِي حِي
 اَوْ رُوِي مِي رُ كَلِه اِيْنِ دَا هَا رَا حَسَنِه اَوْ عَظَا مِي رُ نَا يَدِ وَهَرَا رَسِي هِ رَا اِيْنِ اَوْ مِي مَنَا يَدِ
 مَخْفِي مَنَا نَا دَكَا اِيْنِ a
 اِيْنِ a
 نَالِي اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ a
 اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ اِيْنِ a
 اللَّهُمَّ الْعَن صَنَمِي قُرْبَتِي وَجَنَبَتِيهَا وَطَاعُوْتِيهَا وَافْكِنِيهَا وَابْنَتِيهَا

بِحَقِّ الْحَقِّ وَبِحَقِّقَتَهُ

والعن مرد

اللذنين خالفنا اترك وانكرا وحبك وجمدا انما ملك وعصيان سؤلك
وقلبا دينك وحرنا فاكتابك واحبا اعداءك وجمدا الائمة
وعظلا احكامك وابطلا فرايصك والمخدا في ايمانك وعاديا
اولياءك وواليا اعداءك وحرنا بلا ذلك وامسا عبادك اللهم
العنهما واشبا عنهما واولياءهنا واشيا عنهما ومحببهما فقد
اخربا بيت النبوة ورد ما نابيه ونقصنا سقفة والحقا سماءه
بارضيه وغاليه لينا فليم وظاهره سباطينه واسنا صلا اهله
وابادا انصاره وقتلا اطفئ له واخليا منبره من وصيته ووارث
عليه وجمدا امامته واشركا بربرهما فظلم ذنبهما وخذلهما
في سقر وما ادرتك ما سقر لا شقي ولا نذر اللهم العنهم بعدد
كل منكر اقوة وحق احقوة ومنبر علوة ومؤمن ارجن ومنا
وكوة وولي اذوة وطهيد اذوة وصادق طردوة وكافر نصروة
وامام فخروة وقور جن غيروة واشيران كروة وشتر اشروء
دم ارافوة وخير ببلوة وكفر بصبوة وايرث عصبوة وفي

انقلوب

انقطعوه ومخج اكلوه ومخبر استحلوه وباطل استسوه وجور بسطوه
ونفاي اسرروه وغدر اضمروه وظلم نشرروه ووعد اخلقوه وامان
خاوبه وعهد نقضوه وحلا لحر موه وحرام اكلوه وبطن فقوه
وصليح دقوه وصك مرقوه وشمل بددوه وعزب اذ لوه و
حق منعه وكذب دلوه وحكم قلبوه اللهم العنهم بكل
ايه حر فوها وفرصنة تركوها وسنة غيروها وسوم منعهما
واحكام عطلوها وبيعة نكثوها ودعوى انطلوها وبيتة
انكروها وحيلة احد ثوها وخيانة اوردوها وعقبه ارنوها
ودباب دخر جوها واذيان لزموها وشهادان كتموها وصية
ضيعوها اللهم العنهما في مكنون السر وظاهر العلانية لعنا
كثيرا ابداد ايمادا ايسر ممدالا انقطاع لامد ولا نقاد لعددا
لعنا نعدا واقوله ولا بر وح اخره لهم ولا عوانهم وانصارهم
ومحببهم ومواليهم والمستلين لهم والماليين اليهم والناهضين
ياخجاجهم والمفتدين بكلامهم والمصدقين باحكامهم بين حمان
مشبه بكون

اللَّهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا يَسْتَعِثُّ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَلَقَدْ

ابن دغايدغاي صمعي قریش مشهور وداکتر کبید عوان مذکور است و کتبی رخاشیر کتاب مذکور گفته که این دعا از عوام سزار و کرام او را است و حضرت امیرالمؤمنین هم در اکثر اوقات لیل و نهار خصوصاً اسرار که محل استجاب دعوات است بر این دعا مواظب میفرموده و در روایتی وارد شده که هر که این دعا را از روی اخلاص بخواند حق تعالی جواب او را بر آورد بنا بر این خواندن این دعا اگر چه در همه اوقات نیکوست لیکن چون مشن بر لعن بر اعلا ائمه علیهم السلام خصوصاً ابوبکر و عمر است و انکه ایشان غضب حق آن بزرگواران و تحریف کتاب خدا و شریعت نموده اند و تنه الحقیقه این معنی باعث امام زمان کردید پس خواندن این دعا در این شب که مولد فایح ال محمد علیهم السلام است از سالی اوقات است بجز این بنا در کتاب مذکور گفته که از جمله ادعیه که بعد از این دعا خواندن آن مناسب است دعا است که سید بن طاووس در کتاب مجمع الدعوات از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روا کرده است که هر که این دعا را در سجده شکر بخواند مانند کسی است که در جنبه بد روح حنین با رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز از تیر غاده دین انداخته باشد و عاونه

غیب

کتابک

اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا دِينَكَ وَعَمِيرًا فَجَعَلْنَاكَ وَأَنْهَمَا رَسُولَكَ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَالَفْنَا مِلَّتَكَ وَصَلَّاهُ عَنِ سَبَلِكِ وَكَفَرْنَا

الْأَوَّلَكَ وَرَدَّ أَعْيُنَكَ كَلَامَكَ وَاسْتَهْرَأَ رَسُولَكَ وَقَتْلَانِ نَبِيِّكَ

وَحَرَّفْنَا كِتَابَكَ وَجَحَدْنَا آيَاتِكَ وَنَحَرْنَا بِآيَاتِكَ وَاسْتَكْبَرْنَا عَنْ عِبَادَتِكَ

وَقَتْلَانِ أَوْلِيَاءَكَ وَجَلَسْنَا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مَجِيَّةٌ وَجَمَلْنَا النَّاسَ عَلَى

أَكْتافِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتَلَوْنَ بَعْضُهُمَا بَعْضًا وَاحْتَرَبْنَاهُمَا

إِلَى جَهَنَّمَ ذُرْفًا اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِثُّ بِكَ بِاللَعْنَةِ عَلَيْهِمَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمَا

بامامک

غالباً

بِالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ الْعَنِ قَسَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَسَلَةَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ابْنِ بَنِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ زِدْهُمَا

عَذَابًا قُوفَ الْعَذَابِ وَهُوَ أَتَقُوفُ هَوَانٍ وَذُلًّا قُوفَ ذُلِّ وَخِزْيًا قُوفَ

خِزْيِ اللَّهِمَّ دَعْنَاهُمَا إِلَى النَّارِ دَعْنًا وَارْكُسْنَاهُمَا فِي لَيْسِ عَذَابِكَ

رَكْسًا اللَّهُمَّ احْتَرَبْنَاهُمَا وَاشْتَبَعْنَاهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ ذُرْفًا اللَّهُمَّ فَرِّقْ وَجْهَهُمَا

وَسَيِّئَاتِهِمَا وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتَيْهِمَا وَبَدِّدْ جَمَاعَتَهُمَا وَالْعَنْ أُمَّتَهُمَا

وَاقْتُلْ قَادَتَهُمَا وَسَادَتَهُمَا وَالْعَنْ رُؤُسَاءَهُنَّ وَكِبَرَاءَهُنَّ وَكَبِيرَاتَهُنَّ

وَأَبْنَهُنَّ وَالْأَبْيَاسَ بَيْنَهُنَّ وَلَا تُبْقِ مِنْهُنَّ دَيَّارًا اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَا جَعْفَرٍ

وَالْوَلِيدَ لَعْنًا يَتَلَوْنَ بَعْضُهُمَا بَعْضًا وَيُسَبِّحُ بَعْضُهُمَا بَعْضًا اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا

لَعْنًا يَلْعَنُهُمَا بِكُلِّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَكُلِّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَكُلِّ مُؤْمِنٍ

امْتَحَنَتْ فَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتَعَوَّذُ أَهْلُ النَّارِ مِنْهُ

وَمِنْ صَدَائِقِهَا اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا لَمْ يَخْطُرْ لِأَحَدٍ بِإِلَاقَتِهِمَا الْعَنْهُمَا

بِهِ مُنْتَسِرٍ سِرِّكَ وَظَاهِرٍ عَلَانِيَتِكَ وَعَدِيْنَهُمَا عَذَابًا فِي الْقَدِيرِ

وَقُوفِ التَّقْدِيرِ وَشَارِكِ مَعَهُمَا أَيْتِيَهُمَا وَأَشْيَاءَهُمَا وَحَبِيبِيَهُمَا

ارکسناه
عقابتک

بناقل الناس عقابتک

وَمَنْ شَافِعَهَا اِنَّكَ سَمِعَ الدُّعَاءَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ

مؤلف گوید که این دعا نیز مانند دعاها سابقی مثل بر این اعادای فالدین ائمه علیهم السلام است
و این هفت خواندن این دعا در این شب انس از سایر اوقات است **ششم** در خاشیة کتابة
مذکور گفته که این باب بر حضرت در کتاب عیوب از عبد الله بن سنان روایت کرده است که حضرت
امام جعفر صادق و غیره فرمودند که زود ناستد که شما مثلاً شبها در این شبها دعا کنید و بشوای
که ظاهر باشد و امام زاهدانی که شما را هدایت نماید و در آن زمان بخاش نماید مگر کسی که
دعا غریب را بخواند عرض کردم که دعا غریب کدام است فرمود که میگوید یا الله یا رحمن یا رحیم
یا معقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک عرض کردم که یا معقلب القلوب لا تطعنا
فرمود که حق تعالی معقلب القلوب و الاضار است و لیکن چنان بخوان که من گفتیم و ایضا دعا
کتاب مذکور گفته که سید طاوس بود در تفسیر الدعوات گفته که در خواب دیدم کسی را که من تعلیم نمود
این دعا را که در زمان غیبت یا من و فصل ال ابرهیم و ال را سأل علی العالمین
امام غم خواند بشود

عِزَّةً وَاَقْدَامًا وَاَبْحَثِي اِيَّاهُ وَاظْهَرِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَاَلْاَرْضِ عِزَّةً اَقْدَامًا وَ

غَيْبِي

اَوْ دَعِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاهْدَيْتَنِي غَرَابِ اسْرَارِهِ صَلَّى

عَلَيْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ اَعْوَانِ حُجَّتِكَ عَلٰى عِبَادِكَ وَانْضَارِهِ

مؤلف گوید که این دعا نیز مانند دعاها سابقی مثل بر این اعادای فالدین ائمه علیهم السلام است
خدمت او است خواندن آنجا در این شب انس از سایر اوقات است و **بدانکه** زیارت حضرت
در این شب اگر چه مخصوص وارد نشده است لیکن چون زیارت ائمه علیهم السلام را و فاشخص
با ایشان فضیلت دارد پس اگر کسی در سترین برای ناستد در سرد این معذرتس زیارت منقول
مبسوطه که در کتب زیارت مذکور است زیارت نماید و اگر در سایر بلاد باشد با دعا عیب مذکور
که بعضی از آنها را علماء از جمله زیارت بعید حضرت نقل نموده اند مانند دعا و هم
سیمه اکتفا نماید و اگر بر بام خانه خود بر آید و رکعت نماز کند و بر حضرت سلام
کنند و بگویند لغتی که خود انشا نماید اتم و اضداد است و الله تعالی هو الموفق **فصل هفتم**
در دعاها که مخصوص کر بلا می معکلی است و آنها چند چیز است **اول** زیارت حضرت امام

اعمال شریفه در این شبها
که در این شبها خوانند

حسین صلوات الله و سلامه علیه شیخ زبیر کو ارجاع بقدر محمد بن یعقوب کلینی و ابن ابی عمیر و شیخ مفید
و شیخ طوسی قدس الله اسرارهم حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیه روایت کرده اند که چون شب
شعبان شود صدای از فراغ لعل نماز کند که ای نایب است که از حسین بر کن بد که کنا هان شما از نزدیک
و ثواب شما بر و برورد کار شما و پیغمبر شماست و سستی بنظا و سبند معتبر از آنحضرت روایت کرده
است که چون روز اول ماه شعبان داخل شود مناد می آید از زیر عرش نماز کند که ای گروه مرها اناسین
خالی میگردید شبیه این ماه را از زیارت آنحضرت و اگر بدانید که چه قدر ثواب را از هفت
هزار نوبت بسیار است انظار ارسال بر شما در یک روز ناست شبیه شعبان در آید و ایضا سید از ابو حمزه
ثمالی روایت کرده است که گفت شنیدم امام زین العابدین که فرمود که هر که خواهد
که مصاحف کند با او صد و بیست و چهار هزار پیغمبر نماید که زیارت کند قبر امام حسین
در شب نهم شعبان بدرستی که منگنه و پیغمبران علیه السلام رخصت می طلبند روز نهم آنحضرت
رخصت می آید پس خوشحال کی که مصاحف کند با ایشان با او مصاحف کند و از جمله
این فضیلت پنج نفر اولی از نماز کند که آنجا حضرت نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله
علیه و آله و علیهم اجمعین اندا بوجه گوید که پرسیدم چرا ایشان را اول العزم می نامند فرمود
بجهت آنکه ایشان بمشرفی و مغرب و جن و انس معبود گردیدند و ایضا سید از ابو یونس
روایت کرده است که حضرت صادق با او فرمود که ای یونس در شب نهم شعبان از آن نزدیک
گذشته هر که زیارت کند حضرت امام حسین هم را از سوسین و ایشان میگویند که عمل را از سر کرد
یونس گوید که گفت که این همه ثواب برای کسی است که آنحضرت را در شب نهم شعبان زیارت کند و فرمود
که ای یونس اگر خبر هر مردم را ثواب زیارت آنحضرت در این شب هر آینه بسیار از مردم را بردار خواهد
کشید **مؤلف** گوید که سید را فبال گفته که ظاهر مراد آنحضرت آنکه مردم را بردار خواهند کشید
انچه آنکه فضیلت زیارت آنحضرت بسیار است و خواهند نمود و اظهار آنست که مردم چون
رغبت زیاد خواهند نمود زیارت آنحضرت با این جهت ایشان را بردار خواهند کشید و بعضی
گفته اند که مراد آنست که از آن زیاد ثواب زیارت مردم بر جویب وارد خواهند شد و زیارت
خواهند رفت اگر چه اینها نداشتند باشد و این وجه بعید است و وجه دیگر بعضی گفته
و الله تعالی و ایضا سید آنحضرت صادق روایت کرده است که پرسیدند از آنحضرت را از
ثواب زیارت امام حسین در نهم شعبان حضرت فرمود که هر که زیارت آنحضرت نماید و نهم
شعبان از برای رضای حق تعالی و ثوابهای خدا و از برای مردم حق تعالی کند آنها را بسیار نزد
هر چند بعد موی بزها و قیله کلبا باشد را وی بجهت که هر که آنها را زیارت کند می شود و فرمود
که آیا این ثواب را برای زیارت کند حسین بسیار میدانی چگونگی خدا و اولاد او را زیارت کند

مِنْ رَبِّكَ جُنُودًا مُفْرًا بِالذُّنُوبِ لِيَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ
بِرَبِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَشْهَدُ أَنْ كُمْ حُجَّةُ اللَّهِ فَانْكِتُبْ لِي يَا مَوْلَى عِنْدَكَ
سَلَامًا بَيْنَ وَسْكَو
مِيثَاقًا وَعَهْدًا إِلَى آتِيَتِكَ أَجْدَدُ الْمِيثَاقِ فَأَشْهَدُ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ
أَنْتَ الشَّاهِدُ بِرَبِّكَ يَا عَالِمُ زيارت کن آنحضرت را بزيارت کرد و اول رجب کن شناس
عبدالزمان زيارت کن علی بن الحسین و شهدا و عباس را زيارت کرد که زيارت بيان
دو روز زعفران وارد شده است و ما در آن مقام ايراه خواهيم نمود پس نزد ستر مبارک حضرت امام حسين
دو رکعت نماز کن و بعد از نماز بگو آنحضرت را در زيارت غاشو نماز عبدالزمان زيارت يا بدخواه
و در حال خود مدعا گو خواهد شد اينست عبارتی که ظاهراً اينست که اين اعمال را بديان
کردارين وقت نفل عوده از اعمال طلاقه باشد و خصوصيت بر بنده شعبان نداشته باشد
و چون نفل کفعمی مستحق نفل است و شيخ مفيد نیز هست اگر بآب عمل شود مثلاً نجس
شده خواهد بود و بدانکه هر اين زيارت دنيب بقريل است و در بلاد بعيد زيارت بعبد
آنحضرت که سابق مدعا گو شود يا سابق زيارت بعبد زيارت بر شت نمايد و الله تعالى هو الموفق
دويم ستيدن طاوس مره در اقبال از محمد بن علی طرازی نقل کرده است که او از خط محمد بن هرون
نقل کرده است که از نماز شب نیمه شعبان نزد قبر سيد ما را بعد از آنکه الله الحسین صلوات الله عليه
چهار رکعت است کرد هر رکعت پنجاه مرتبه فاتحه الكتاب و پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخواند
و هر يك از حمد و قل هو الله را در ركوع ده مرتبه و بعد از سر برداشتن از ركوع ده مرتبه و در
هر يك از سجده ها در ميان سجده ها ده مرتبه بخواند بنده آنکه نماز حضرت بعد از نماز آنرا بخواند
أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَدَمَ وَ حَوَّاءَ حِينَ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا
وَإِنْ لَمْ نَعْفُفْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَ نَادَاكَ نُوحٌ
فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ لِحَبِيبِهِ وَ الْكُرْبُ الْعَظِيمِ وَ أَطْفَاتُ نَارٍ مَمْرُودَةٌ
عَنْ حَبِيبِكَ إِبْرَاهِيمَ فَعَمَلَتْهَا عَلَيْهِ بَرٌّ أَوْ سَلَامًا وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ

لِإِبْرَاهِيمَ حِينَ نَادَاكَ أَيُّ مَسْحَى الضَّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَكَلَّمْتَهُ مِنْ مَنَاصِرٍ
وَ اتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَ شَلَّمْتَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَ ذَكَرْتَهُ لِأُولَى الْأَبْلَابِ وَ أَنْتَ
الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِلَّذِي التَّوَلَّى حِينَ نَادَاكَ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَحَبِّبْتَهُ مِنَ النِّعَمِ وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِمُوسَى وَ هَرُونَ
دَعْوَتَهُمَا حِينَ قُلْتَ قَدْ اجْتَبَيْتَ دَعْوَتَهُمَا وَ اعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ
وَ عَفَوْتَ لِرَاوِدَ ذَنْبَهُ وَ سَبَّهْتَ قَلْبَهُ وَ آذَنْتَ خَصْمَهُ مِنْكَ وَأَنْتَ الَّذِي
قَدَّيْتَ الذَّبَّحَ بِذَبْحِ عَظِيمٍ حِينَ اسْتَلَمْنَا وَ نَلَّهَ لِلْمُجْرِمِينَ قِنْدَ بَيْتِهِ بِالْعَرَجِ وَ
الرُّوحِ وَأَنْتَ الَّذِي نَادَاكَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى خَفِيًّا فَالْتَمَسْنَا مِنْ رَبِّكَ الْغَيْثَ وَ أَنْتَ الَّذِي
رَبَّيْتَهُ وَ اسْتَعَدَّ الرَّاسُ شَيْبًا وَ كَرَّمَ كُنُوزَ عِلْمِكَ رَبِّ شَقِيحًا وَ قُلْتَ وَ يَدْعُونَنَا
رُغَبًا وَ رَهَبًا وَ كَانُوا السَّخَّاءِ شَعِينِينَ وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لِيَرْزُقَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْ لِي أَهْوَانَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ وَ
اسْتَجِبْ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُمْ بِحَبِّهِمْ عَلَيْكَ طَهَّرْتَنِي وَ تَقَبَّلَ صَلَاتِي وَ
حَسَنَاتِي وَ طَيَّبَ بَقِيَّةَ حَيَاتِي وَ طَيَّبَ وَفَائِي وَ اخْلَفْنِي فِيمَنْ أَخْلَفْتَهُ وَ
احْفَظْهُمْ رَبِّ بَدْعَائِي وَ اجْعَلْ ذُرِّيَّتِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً تَحُوطُهَا بِحَبَابِ طِينِكَ

و ثبت عليه

مِنْ كُلِّ مَا حَطَّت مِنْهُ دُرِّيَّةٌ أَوْ لِبَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَرِيبٌ وَمِنْ كُلِّ سَائِلٍ قَرِيبٌ وَلِكُلِّ دَاعٍ مِنْ خَلْقِهِ مُجِيبٌ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُكَ أَلْحَادٌ لِطَعْنِ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يُولَدْ لَهُ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ تَمْلِكُ الْفُجُورَةَ الَّتِي عَلَوَتْ بِهَا قُوفَةُ عَرْشِكَ وَرَفَعَتْ بِهَا سَمَاوَاتِكَ وَأَرْسَيْتَ بِهَا جِبَالَكَ وَفَرَشْتَ بِهَا أَرْضَكَ وَأَجْرَيْتَ بِهَا الْأَنْهَارَ وَتَحَرَّتْ بِهَا السَّحَابُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَخَلَقْتَ بِهَا الْخَلَائِقَ أَسْأَلُكَ بِعِظَمِهِ وَجَمَلِكِ الْكَبِيرِ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَأَصْنَعَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْفِيَنِي أَمْرًا مِنْ عِبَادِي وَمَعَايِشِي وَأَصْلِحْ يَا رَبِّ شَأْنِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرَفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ أَمْرًا لَدَيَّ وَعِيَالِي وَأَعْيُنِي وَإِيَّاهُمْ مِنْ خَزَائِنِكَ وَسِعْتَهُ بِيْرَتُكَ وَفَضْلِكَ وَأَرْزُقْنِي الْفَقْرَةَ فِي دِينِكَ وَالْفَقْرَةَ فِي مَعَايِشِي بِمَا نَفَعْتَ بِهِ مَنْ إِذْ نَضَيْتَ مِنْ عِبَادِكَ وَاجْعَلْنِي لِلْمُتَّقِينَ أَيْمَانًا مَأْكُومًا جَعَلْتَ الْإِبْرَاهِيمَ فَإِنَّ بَنِيَّ مَعِيكَ يَوْمَ الْمُنْفُوتِ وَيَتُوبُ لِلنَّاسِ بُونَ وَيَعْبُدُكَ الْعَاكِدُونَ وَيَسْتَدِيدُكَ وَالرَّشَادُكَ

العقبة

بني

بِحَيِّ الضَّالِّحُونَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ اِنْتِ تَعْبَسِي تَعْوَاهَا وَأَنْتَ وَلِيَّهَا وَمَوْلَاهَا وَأَنْتَ خَيْرٌ مِنْ زَكَاهَا اللَّهُمَّ بَيْنَ لَهَا رِشَادَهَا وَتَقْوَاهَا وَتَزَلُّهَا مِنَ الْجَنَانِ أَغْلَاهَا وَطَيَّبَ وَفَاتَهَا وَتَحْيَاهَا وَكَرِيمٌ مُنْقَلِبُهَا وَمُنَوَّاهَا وَمُسْتَقَرُّهَا وَمَا وَهَبْتَ أَنْتَ رَبُّهَا وَمَوْلَاهَا اللَّهُمَّ اسْمِعْ وَاسْمِعْ بِرَحْمَتِكَ وَمَنْزِلَةَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِمْ مِنْ عِنْدِكَ وَبِمَنْزِلَتِهِمُ لَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مؤلف گوید که ظاهر عبارات حدیث است که این نماز در اصل وضو مطهره کرده شود نه عریضه از سایر مواضع که برای معنی باقی است که در حدیث آمده است **سیم** ابن قولی در سید معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که هر که در شب نیمه شعبان از اول تا آخرت در زمین کربلا بماند و هزار مرتبه قل هو الله احد بخواند و هزار مرتبه استغفار کند و هزار مرتبه الحمد لله بگوید پس بر خیزد چهار رکعت نماز بکند که هر دو رکعت بیسلام و در هر رکعت بعد از حمد هزار مرتبه آیه الکرسی بخواند حتی تعالی و مگر که از دنیا بود و ملک را که حفظ نمایند او را از هریدی و از هر شیطان و سلطان و حسانت اولی برای او نویسد و کتبی برای او نویسد و تا با او سید برای او استغفار نمایند **مؤلف** گوید که ظاهر عبارات این حدیث است که هر که در اصل بیدار طاهر بکشد و معنی باشد تو اندان عمل بخواند و لازم نیست که در اصل وضو مطهره واقع شود ولیکن چون در وضو مستوره است بطاعت روی زمین است هر آنکه در وضو واقع شود و الله تعالی هو الموفق **روایت دوم** روزی این روایت مخصوص فضیلت دارد سیدین طاهره در اقبال از حضرت امیرالمؤمنین روایت کرده است که رسول خدا فرمود که چون شب نیمه شعبان شود شعبان را بر باد آرد بعبادت و روز شنبه را روز نماز

و کعبت خند که برین و آیه امن الرسول تا آخر سوره ده مرتبه حق تعالی طاعت دهد و او از آفات دنیا و آخرت و در روز قیامت شش نور با و عطا فرماید **روز نهم و ششم** حکم علامت مولا محمد باقر علی بن ابی طالب است که در کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در بعضی از کتب از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که روز نهم و ششم ماه شعبان روز غنی است و مرتبه ششم احوال نیوی در آن روز بیکو نیت مکر خلوت کردین از خلق و عبادت نمودن خالق و روز نهم داشت **شب نهم و هشتم** سید در کتاب مذکور از رسول خدا روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سوره سبوح اسم ربک الاعلا ده مرتبه بنویسد حق تعالی برای او هزار هزار حسنه و عفو نماید از او هزار هزار گناه و رفع کرد اندر برای او هزار هزار رحمة و بر سر او ناجی از نور بگذارد **شب نهم و هشتم** سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت روایت کرده که هر که در این شب چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعتی حمد یک مرتبه و هر یک از سوره قل هو الله احد و معوذتین یک مرتبه معوذت کرد اند حق تعالی او را از قبر و حال نکند و روز او مانند ماه شعبان چهارده باشد و دفع کند از او احوال و روز قیامت **روز نهم و ششم** روزه این روز و روز بعد از این که سه روز آخر ماه باشد بخصوص فضیلت عظیم دارد این بابویه رحمه از حضرت صادق روایت کرده است که فرمود که هر که سه روز آخر شعبان را روزه دارد و وصل نماید آنرا عبا رمضان حق تعالی ثواب روزه دو ماه و بی روزی برای او بنویسد **مؤلف** گوید که سید گفته است که ظاهر گرفتن این سه روز نسبت بکسی است که تمام ماه را روزه نداشته باشد آنچه در احادیث دیگر وارد شده از منی از او وصل نمودن ماه شعبان عبا رمضان و مرتبه فصل بیک روز یا دو روز نسبت بکسی است که تمام ماه را روزه داشته باشد و در بیان سزا نیز معنی گفته که کسی که تمام ماه را روزه نداشته هرگاه سه روز آخر از روزه بگذرد قدری از ثواب آن ماهان پاک میشود و مستعد و قابل قبول ماه رمضان میشود و کسی که تمام ماه روزه داشته باشد باطن خود را قدری صفاداده و مستعد و قابل باشد لهذا اصل آنست که بیک روز یا دو روز آخر از افطار نماید تا او را برای روزه ماه مبارک رمضان قوتی بهم رسد و محقق این مقام و وجه جمع این دو است با و باید دانست که فضیلت روزه تمام ایامه تنفسیه زیاده است سبقت گرفت **شب نهم و هشتم** سید در اقبال از حضرت رسول ص روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سوره الهنکم النکاح و معوذتین و قل هو الله احد هر یک ده نوبت حق تعالی با و ثواب بجهت بدین را عطا فرماید **روز نهم** علامت است که هر که در این شب ده نوبت حق تعالی با و ثواب بجهت بدین را عطا فرماید **مؤلف** گوید که هر که در رجبه الاثنا عشره اوله الله احد را مقدم بر معوذتین نفل نموده است و بعد از آن عمل شود

شاید

شاید نیکو باشد **شب نهم** اعلا لای شب دو چیز است **اول** سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت ص روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سوره سبوح اسم ربک الاعلا ده مرتبه و چون قاری شود صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین بنویسد عطا کرده شود هزار شهید رحمة الماوی و هزار شهید رحمة النعم و اگر جمع شوند غایب بر حسب احوال آن هر که عاقر شوند **دویم** شیخ طوسی و سید بن طاووس قدس سره در صحیح از حضرت امام جعفر صادق در صلوات الله علیه روایت کرده اند که آنحضرت در شب آخر شعبان و شب اول ماه رمضان این دعا را **اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي نزل فيه القرآن هدی میخواند**

لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنْ هُدًى وَ الْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ قَلْبُنَا فِيهِ وَ سَلَّمْنَا مِنْهُ وَ سَلَّمْنَا لَنَا وَ كَسَلْنَا فِي يَدَيْهِ مِنْكَ وَ عَافَيْهِ يَا مَنْ أَخَذَ الْقَلْبَ وَ شَكَرَهُ وَ سَتَرَ الْكَثِيرَ وَ عَفَى الْكَثِيرَ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَ أَقْبَلَ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلًا وَ مِنْ كُلِّ مَالٍ نَجِيًّا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

يَا مَنْ عَفَى عَنِّي وَ عَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ يَا مَنْ لَا يُؤْخَذُ فِي بَابِهَا مِنَ الْمَعَاصِي عَفْوُكَ عَفْوُكَ يَا كَرِيمُ الْهِمِّي وَ عَظَمْتِي فَلَمْ أَعْظُ وَ نَجَّيْتَنِي مِنَ الْمَعَاصِي فَلَمْ أَنْتَجِرْ بِهَا عَذْرِي فَأَعْفُ عَنِّي يَا كَرِيمُ عَفْوُكَ عَفْوُكَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ عَظَمُ الدُّنْيَا مِنْ عِبَدِكَ فَلْيَجْسِرْ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ يَا أَهْلَ الْقُوَى يَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ

و جعلته

نیز

عن بحار

عَفْوِكَ عَفْوِكَ اللَّهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ امْنِكَ ضَعِيفٌ
 قَبِيحٌ اِلَى رَحْمَتِكَ وَ اَنْتَ مُنْزِلُ الْغَيْثِ وَالْبَرَكَةِ عَلَي الْعِبَادِ فَاهْرَأْ
 مُقْتَدِرًا اَحْصَيْتَ اَعْمَالَهُمْ وَقَسَمْتَ اَزْوَاقَهُمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَخْتَلِفَةً
 اَلْسِنَتُهُمْ وَ اَلْوَانَهُمْ خَلَقْتَ مِنْ تَعْبَدِ خَلْقٍ لَا يَعْلَمُ الْعِبَادُ عُدْلَكَ وَلَا
 يَتَقَدَّرُ الْعِبَادُ قَدْرَكَ وَ كُنَّا قَبِيحًا اِلَى رَحْمَتِكَ فَلَا تَصْرِفْ وَجْهَكَ
 عَنِّي وَ اجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ وَالْاَمَلِ وَالْقَضَاءِ وَالْفَتْوَى
 اللَّهُمَّ اِنِّي خَيْرُ الْبِقَاءِ وَ اِنِّي خَيْرُ الْقِنَاءِ عَلَي مَوْلَاؤِ اَوْلِيَايَكَ وَ
 مُعَاذَةَ اَعْدَائِكَ وَ الرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةَ مِنْكَ وَ الْخُشُوعَ وَ الْوَقَارَ
 وَ التَّسْلِيمَ لَكَ وَ التَّضَلُّوفاً بِكِتَابِكَ وَ اتِّبَاعَ سُنَّةِ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتُكَ
 عَلَيْكَ وَ اِلَهَ اَللَّهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَيْءٍ اَوْ رَيْبَةٍ اَوْ جُودٍ اَوْ قُورٍ
 اَوْ فَرْجٍ اَوْ مَرَجٍ اَوْ بَدَخٍ اَوْ بَطْرِ اَوْ خَنْزِرٍ اَوْ خَيْلَةٍ اَوْ دِيَاةٍ اَوْ سَمْعَةٍ
 اَوْ شِقَاقٍ اَوْ بَغَاةٍ اَوْ كِبَرٍ اَوْ ضُؤْفٍ اَوْ عِضْيَانٍ اَوْ عَظْمَةٍ اَوْ شَيْءٍ
 لَا اُحِبُّ فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ اَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ اِيْمَانًا بِوَعْدِكَ وَ وِفَاءً بِعَهْدِكَ
 وَ رِضًا بِصِنَالِكَ وَ رُحْمًا فِي الدُّنْيَا وَ رَحْمَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَ اَثَرَةً وَ ظِلًّا فِي النَّارِ

قادر

عَفْوِكَ وَجْهَكَ

الهي

الوقار

تبتك

العترة

و تَوْبَةً نَقُوعًا اسْأَلُكَ ذَلِكَ يَا رَبِّ مَعْنِيكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ
 الْعَالَمِينَ اَلْهَيْ اَنْتَ مِنْ حَلِيكَ تَعْصِي فَكَانَكَ لَمْ تَرَوْ مِنْ كَرَمِكَ وَ جُودِكَ
 تَطَاعَ فَكَانَكَ لَمْ تَعْصُ وَ اَنَا وَ مَنْ لَمْ يَعْصِكَ سُكَّانُ اَرْضِكَ فَكُنْ عَلَيْنَا
 جَوَادًا اَوْ بِالْخَيْرِ عَوَادًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ صَلَوةً دَائِمَةً لَا
 تُخْصِي وَ لَا تَعُدُّ وَ لَا يَتَقَدَّرُ قَدْرَ هَا عَيْتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مؤلف كويدك**
 اورد غادر مشب و نهم نیز خوانده شود چون ممکن است که ماه ناقص باشد و آن شب ششم ماه
 باشد **روز چهارم** این روز چون از جمله سه روز آخر ماه است و روز آن فضیلت عظیم دارد و
 مخصوص این روز نیز ثواب عظیم وارد شده چنانچه این با بوی رحمت در کتاب مالی و ثواب الاعمال
 از حضرت رسالت هم روایت کرده است که هر که در روز سوم ماه شعبان را در روز بدره جبرئیل
 علیه السلام پیش از آنکه آنجا که نماز است که نماز کند شش ماه از همه کمزیرتر شد و خداوند
 جلیل میفرماید که اگر کسان از تو بعد از عدد ستاره های آسمان و قطرهای باران و برکت درختان و
 ریزش درون و ذرات خاک و عدد روزهای دنیا باشند که هر سینه سیاه از آنها را و این بر خداوند
 عالمیان دشوار نیست بعد از آنکه ماه شعبان را در روز داشته باشی **مجموع** بدانکه شیخ بزرگوار
 عالم بقدر محبت دنیا بوی رحمت در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام از عیون صلح روایت کرده
 که در آنجا شد بر حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه تمام در جمیع آخر ماه شعبان
 پیش از حضرت فرمود که ای ابوا الصلت بدستی که اکثر ماه شعبان کند شش ماه و این جمیع آخر آنست
 پس تامل کن در بقیة ایماة نقیصه این که کرده در آنچه کن شتر از ایماة و بر تو باد باقی نمودن
 و نیکو سنجیده شدن بر آنچه ترا عانت و یاری کند از طاعات و عبادات بسیار بکن و بپذیر
 ایماة از دعا و استغفار و تلاوت قرآن و توبه کن از همه گناهان تا آنکه داخل شود بر تو ماه
 رمضان در حال آنکه خود را برای جویهای خدا صبر کرده باشی و باید که نباشد بر کردن تو آنچه
 مگر آنکه رضا حبش بر کرده باشی میباشد در سینه تو کینه از شخص و می مگر آنکه از سینه خود
 بیرون کرده باشی و نباشد گناه که آنرا مکتوبه بود مگر آنکه از آن استغفار کرده باشی و هرگز
 باشی بجای او الصلت و توکل کن بر جویهای را مونسها و آشکار خود زیرا که هر که بر خدا توکل کند

تعیین

و صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خشک و تر و اولد و نوز و آخر و نوزها نیز است و در بعضی از او ایات نهی از حوط و تر و وارد شده
و جمعی از علمای اجل بر کله هفت نموده اند و احوط ترک است و اگر آب همان را بنیاد از بد نیست
و باید ملاحظه نماید که مسواک تر که از دهان بیرون آورده باز داخل دهان نکند که اگر آب
آنرا فرورد و غنچه قضا و کفاره جمع می شود زیرا که آب دهان چون از دهان بیرون آید
حرام است مگر آنست که در میان فمها نوع دوم خوردن و آشامیدن چیزی چند است که حرام نباشد
مانند شراب و نکره را مثال آن و فعل اینها عمداً موجب قضا و کفاره جمع است نوع سیم خوردن
و آشامیدن چیزهای غیر معنادار است مانند سنگ و چوب و گیاهها غیر معنادار و آب فشرده سته از
آنها و امثال آن و در این باب خلافت مشهور میان علمای آنست که بمطل و موجب قضا و کفاره
است و بعضی موجب قضا تنها دانسته اند و بعضی گفته اند که بمطل نیست و لیکن باعث نقص
روزه می شود و قول مشهور اقوی و احوط است و این نوع نیز چند فرعی دارد که تغییر بر آنها ضرورت
اقول رسانیدن بخار غلیظ مجلی و در آن خلافت جمعی آنرا معسند روزه و موجب قضا و کفاره
میدانند و جمعی موجب قضا تنها میدانند و ظاهر کلام محققان در کتابت آنست که مطلق
عبار خواه غلیظ و خواه رقیق موجب قضا است و جمعی از محققین اصلاً بمطل میدانند و قول اول
احوط است و مشهور آنست که رفتن مکی که در آن عبا غلیظ بوده باشد عمداً جایز است و
موجب قضا دانسته اند و احوط ترک است در جمعی از مشایخ علمای حنفی ساخته اند بغیا غلیظ
دو غلیظ و بخار غلیظی که اجزاء آن منفصل شود مانند دست و تن و بخار دیک و امثال
آن نه مشدود و عود و امثال آن که رقیق باشد و در این مسئله نیز مانند سابق در رسانیدن
آن بجای احوط قضا و کفاره است و در وقتن چنین مکانی احوط ترک است و باصل احتیاط
در قضا سیم بلغمی که از سینه کنده شود یا از دماغ فرود آید در آن سر قول است قول اول جایز
است فروردن آنچه از سینه بد دهان آید مادام که از فضای هن بیرون نرفته باشد و حرام است
فروردن آنچه از دماغ فرود آید هر چند باصل دهان نیز رسیده باشد قول دوم و حرام است
بروز هم و مادام که از دهان منفصل شده باشد و جمعی حکم معنی کرده اند بعضی قضا تنها
و بعضی کفاره را نیز واجب دانسته اند و بعضی بکفاره جمع قایل شده اند و احتیاط آنست که بعد از
انکه فضای دهان آسوده فروردن چهارم فروردن آب دهان مادام که در دهان است مشهور
ندارد و اگر از دهان جدا شود خوردن آن حرام و معسند است بلکه در غنچه کفاره جمع می شود و هر
باز باین برسد آید و باید در وقت خوردن ظاهر ضرورت نداشته باشد و احوط ترک است و جمعی
خوردن آب دهان بیکر حرام و معسند است و در روایتی جو از یکدیگر شهر زبان زدن را
وارد شده است و علمای اجل بصورت فروردن آب دهان نموده اند و در روایت دیگر جواز اخل

خوردن آب دهان
چون از دهان بیرون آید
حرام است

حکم غلیظ

حکم در زمان غلیظ و غلیظ

حکم آب دهان که از سینه کنده شود
یا از دماغ فرود آید

حکم در خوردن آب دهان

شدن آب دهان در خنک و چوت در حوت پیر در هنگام بوسیدن و وارد شده و علمای اجل بر خلات عدم
نموده اند و احوط ترک است و اگر پیشه و مکسر و امثال آن در اختیار و بدون مقصود مجلی و در حضور
ندارد و روزه اش صحیح است نوع چهارم داخل شدن چیزی در حوت از غیر راه دهان و این نوع
اشام بسیار دارد اول چکاسیده و وارد کردن چیزی یعنی هرگاه تعدی بجای نکند از حوت از محققین
گراهت و عدم اشام است و بعضی موجب قضا و کفاره دانسته اند و احوط ترک است با عدم
ضرورت و با وجود ضرورت و تعدی بجای احتیاط در قضا است و در باب بوسیدن را غلیظ
اشه میان علمای اقوی نزد جمعی از محققین آنست که معظرت است و بعضی گفته اند که بوسیدن را غلیظ
غلیظی که بخوبی دماغ رسد موجب قضا و کفاره است و احتیاط در ترک است و همچنین بوی خوشی
که رسانیده نباشد و دماغ را درود احتیاط در ترک آنست چنانچه در روایتی وارد شده آنست و بی
چشم کشیدن چیزی که طعمی داشته باشد که بجای رسد یا مشک داخل آن باشد مشهور درین
باب کراهت است بلکه قول مجتهد باشد بنظر غیر رسد و لیکن در بعضی از روایات نهی از آن وارد
شده بلکه نهی از مطلق سر برداشتن وارد شده است و باین جهت احتیاط در ترک است سیم
هرگاه جراحی در بدن و در و بر آن بریزد و داخل حوت شود اکثر قایل بعدم فساد شده اند و بعضی
نفس روزه دانسته اند و در اینجا نیز مانند سابق احوط با عدم ضرورت ترک است و با وجود ضرورت
قضا است چنانچه حننه و بعضی موجب قضا و کفاره هر دو و بعضی موجب قضا تنها دانسته
و بعضی گفته اند که حرام است و موجب هیچی نیست و بعضی حننه مانع را موجب قضا و حننه
جامد را مانند شیان مکرر دانسته اند و بعضی مطلقاً بکراهت قایل شده اند و اقوی نزد
جمعی از محققین قول اخیر است و احوط در این باب نیز ترک است با عدم ضرورت و با وجود ضرورت
احتیاط در قضا است و پنجم اگر دانه کوچک یا دانه داخل حوت شود اشتهای اقوی نزد جمعی از محققین
قول اخیر است و احوط با عدم ضرورت ترک است و با ضرورت قضا و کفاره از مطلقان روزه و طهارت است
جماع در قبل از آنکه مطلقاً خواه انزال بشود و خواه نه مطلق روزه است و فعل آن موجب قضا و کفاره
است باجماع اصحاب و همچنین جماع در بر خواه مرد و خواه زن هرگاه انزال شود مقدور موجب قضا
و کفاره است و اگر انزال نشود خلافت بعضی مطلق میدانند و مشهور میان علمای راجح صورت
نیز الطهارت روزه و موجب قضا و کفاره است و این قول نزد جمعی از محققین اقوی است و طهارت آن
احوط است و باین مسئله نیز بعضی از فرعی متفرع می شود اول طهارت جماع کردن از اول شب تا
آنقدر که چون از جماع فارغ شود و غسل نکند صحیح نشده باشد و اگر کافر باشد که وقت و نماز
بجماع و غسل هر دو میکند و در واقع اینست در صبح نماز باشد غسل نکند و روزه اش صحیح
اگر خود ملاحظه وقت کرده باشد و اگر خود ملاحظه نکرده باشد و چون از جماع فارغ شود

حکم اخل شدن چیزی
در حوت از غیر راه دهان

حکم بوسیدن زدن در بدن
و بوسیدن زدن در بدن

حکم بوسیدن زدن در بدن

حکم غلیظ

حکم در زمان غلیظ و غلیظ

حکم آب دهان که از سینه کنده شود
یا از دماغ فرود آید

حکم در خوردن آب دهان

ضیح شود احوط قضاست و اگر کان کند که شب با قیامت و در واقع صبح شده باشد چنانچه تمام
 زمان جماع بعد از صبح باشد مؤلف مشهور میان علمای احناف واجب است و احوط نیز در این است
 دویم اگر جماع بر حفا و خواهرش مرد و زن هر دو واقع شود بر هر دو کفاره واجب است و هر یک را
 بیست و پنج ناز یا نه بر مرد میزنند و اگر مرد زن را جبر نماید بر جماع کفاره زن را نیز بر میدهند
 چنانچه ناز یا نه بر مرد میزنند مؤلف مشهور میان علمای احناف نیز در این است و اگر زن اولاً جبر
 نباشد و در آشنای جماع را ضعیف شود مرد دو کفاره و زن یک کفاره میدهد و احوط تعدد است
 و در جمیع صورتها اگر از روزة زن صحیح است مگر در صورتی که زن در آشنای جماع را ضعیف شود سیم
 اگر کلاه هل شد نباشد و محامض نماید اول آنست که قضا و کفاره را هر دو بر نیت احتیاط عمل آورد
 چهارم و طریقی که به نام با انزال موجب قضا و کفاره است با جماع علمی و با عدم انزال خلافت
 بعضی موجب قضا و کفاره هر دو و بعضی موجب قضای تنها مؤلفانند و اول احوط آنست
 سیم از مسطلات روزه استمنائست یعنی طلب نزول و غیر طریقی جماع با حصول آنت
 و خلافت در این باب نیز سید که این معنی در روزه و موجب قضا و کفاره است و بر این نیز بعضی
 از فروع مترجم می شود اول مشهور میان علمای آنست که هرگاه ملامت و ملاعوب کند و قصد انزال
 نداشته باشد و انزال شود قضا و کفاره لازم می شود و بعضی در این باب نامشروع و انحصار
 وقتی که نسبت عمل خود با پیش و عادت او انزال نباشد و اقوی نزد جمعی از محققین قضا و
 کفاره است مطلقاً و این احوط است دویم در نظر کردن بزنی حلال یا حرام یا لیسان آنکه یا صدقاً
 ایشان را شنیدن یا بچینا خود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد
 و بآن معنای نباشد و انزال شود خلافت بعضی قضا و کفاره لازم دانسته اند و ظاهر نیز در
 جمعی از محققین عدم وجوب قضا و کفاره است و احوط رعایت قول اول است سیم اگر با زنی
 ملامت کند و منی بیاید در او و او بد شده که استغفار نماید و روزه را قضا کند
 و بعضی این حدیث را طریح کرده اند و بعضی بر استنجاب و بعضی بر تقیة عمل نموده اند و عمل
 بآن چنانچه بعضی از مشاخرین گفته اند احوط است چهارم جمعی از علمای اصل بوسیدن زنا
 و ملاعوب و ملاعوب با ایشان را مطلقاً مکروه دانسته اند و اظهار آنست که اگر این خصوص
 در صورتی است که اینها حرکت شهوت او و خوف وقوع در جماع باشد و کراهت در باب
 جوانان با این جهت اشده است پنجم اگر در روزه غسل شود و روزه اش باطل نمیشود و در روزه
 غسل میکند و بچینا استبراء بول میکند و اگر منی در مجرای بول بوده نباشد و بسبب بول
 کردن دفع شود روزه ضرر ندارد و این را استمناء در عرف میگویند و اگر کوسید دلیل قیام
 عینت بر آنکه هوا استمنای معسر و روزه است و اگر شکل نباشد و بول را ناشام ناخیز نماید

و بعضی در این باب
 احکام استمناء

شاید

شاید احوط باشد چنانچه از فاضل مستحی بولانا احکام دارد بلی قدس سره زوجه مستولی که در
 ماه مبارک رمضان هرگاه عشاء می شده بول نکند غسل می نموده و بعد از شام بول میکند
 و غسل بلا احتیاط اطافه میکند هاشم و این نهایت احتیاطه در این باب است ششم بعد از آنکه
 خواه در روز و خواه در شب مستحی است که خواب نکند تا غسل کند چهارم از مسطلات
 باقی ماندن بر حجاب است ناصح و اشهر میان علمای اقوی نزد جمعی از محققین آنست که موجب
 قضا و کفاره است و بعضی قضای بر تنهایی واجب دانسته اند و بعضی مسطل می نمایند
 قول اول احوط است و این مسئله نیز بعضی از فروع دارد اول خوابیدن بعد از حجاب
 است اگر نیت غسل داشته باشد و احتمال بیدار شدن قبیل از صبح در حق خود دهد
 اگر ناصح سدا رفتند مشهور آنست که قضا و آن روز بر او واجب نیست و بعضی واجب دانسته
 اند و این احوط است و اگر بعد از حجاب چیزی آمد و نیت غسل نداشته باشد و ناصح و خواب
 نباشد مؤلف مشهور قضا و کفاره هر دو لازم می شود و حجت علامه مولا علی باقر مجلسی در این
 روجه در این باب نامشروع و احوط رعایت مشهور است و اگر نیت غسل داشته باشد و بعد
 بیدار شدن از خواب اول مرتبه دویم باز بخواب رود و ناصح بیدار نشود مشهور و حجت
 بلکه خلاف در آن ظاهر نیست و اگر از خواب دویم بیدار شود و مرتبه سیم نیز بخوابد ناصح
 نیت غسل جمعی قضا و کفاره را هر دو واجب دانسته اند و بعضی قضای تنها را و قول اول
 احوط است دویم در خواب بعد از بیدار شدن از خوابی که در آن خواب احتلام واقع شد
 است خلافت جمعی در حکم خواب اول و بعضی از مشاخرین در حکم خواب ثانی میدانند و احوط
 قول دویم است سیم اگر جنب را غسل بپوشد احوط آنست که تیمم کند و تیمم را نشکند ناصح
 طالع شود چهارم احوط آنست که اگر زن طایض پاک شود پیش از صبح غسل کند و اگر کند
 احوط آنست که بعد از صبح غسل کند و آن روز را روزه بدارد و قضای نیز یک پنجم در روزه
 غیر ناه خلافت که آیا باید صبح پاک در ناید یا نه و اقوی نزد جمعی از محققین آنست که در
 قضای ماه مبارک رمضان می نماید صبح جنب نباشد و در غیر قضا اگر صبح جنب نباشد خواه
 عمداً بر جنبانی باقی مانده نباشد ناصح یا نیز پس اگر آن روزه واجب معین نباشد احوط آنست که
 آن روز را روزه نهد و اگر واجب معین نباشد و تعدد بقاء بر حجاب نموده باشد احوط آنست
 که آن روز را روزه بدارد و قضای نیز یکجا و اگر عمداً بر جنبانی باقی مانده نباشد ناصح بعضی از
 محققین کفاره را در کار عمداً نهند و اگر بد خدا احوط است و اگر در وقت نباشد و عمداً بر جنبانی
 باقی ماند ناصح و قبل از روزه غسل کند و نیت روزه نکند بر جمعی از محققین روزه اش صحیح است
 ششم از مسطلات آنست که بعضی بر خوردن در آب و جمعی بر نواصب قضا و کفاره و بعضی

احکام از فاضل مستحی

مبارک در رمضان

احکام از فاضل مستحی

موجب قضای آنها میباشند و بعضی گفته اند حرام است و موجب هیچیک نیست و بعضی گفته اند
و ظاهر نیز همین از محققین حرمت است و قول اول احوط است و بر این مسئله نیز بعضی از فروع
می شود اول اگر نماز سر نماند همان و کوش و چشم را دفعه بآب فرو برد و مناسب بود که اصل
کما شمر است بیرون نباشد آیا حکم از نماز سر آوردن یا نه جمعی آنرا در حکم از نماز سر نماند و بعضی
می دانند و قول اخیر احوط است دوم اگر سر را فرو برد تا کردن و بدون بیرون آید باشد اینرا نیز مانند
سابق جمعی در حکم از نماز سر نماند و بعضی می دانند و اینرا احوط است سیم در روزه سنت بعضی
از نماز را تجویز نموده اند و احوط ترک است چهارم مشهوره یا نه عمل آنست که مکروه است که در نماز در میان
آب بشیند و بعضی گفته اند که هرگاه تا کرد و آب بنشیند قضای لازم است و بعضی گفته اند که این
واجب است از جمعی از محققین اول را اقوی می دانند و قول اخیر احوط و احتیاط و ترک است
ششم از مسلمات ذکر شده است از روی عهد و اکثر اصحاب موجب قضای آنها و بعضی گفته اند که این
لازم است از جمله و بعضی موجب هیچیک می دانند و مسئله محل اشکال است و نزد جمعی از محققین
قول مشهور قوی است و احوط ترک است و اگر بی اختیار و بکس موافق مشهوره قضای لازم نیست و بعضی
قضای لازم و رد آنست اند و این قول اگر چه ضعیف است ولیکن احوط است **هفتم** از مسلمات
در روزه گفتن برخلاف رسول خدا و آنچه هدیه علیه و علیهم الصلوة و الثنات است با نکر حدیث در روایت
نقل کنند یا مسئله غلط یکی دیگر اگر درست بگویند و اهل بیت مسئله گفتن نماز شده باشد و در حدیث
آن شکی نیست و بعضی در حالت روزه موجب قضای آنها می دانند و بعضی مفسد روزه اصلا
می دانند و مسئله خالی از اشکالی نیست و احوط رعایت قول اول است و بدانکه احادیث ضعیفه
بلکه احادیث صحیح نیز ممکن است که از معصوم صادر نشده باشد و مضمون آن خلاف واقع باشد
و همچنین فتاوی آنکه بجهت هدیم ممکن است که مظالم حکم الله واقع نباشد ولیکن این معنی داخل
کتاب برخلاف آنچه علیهم السلام نیست زیرا که بعنوان مجرم قطع احادیث را نقل نمیکنند بلکه حقیقت و
احادیث خصوصاً درین از منکر که عهد عبید بن جراح و ما و ما علیه السلام فاصلا شده باین وجه
شود و که بخلاف آنست که امام هم این حدیث را فرموده نباشد و فتاوی مجتهدان که چه در بعضی از موارد
بعنوان مجرم و قطع است ولیکن حقیقت آن نیز و افاض این غایبی میشود که من از ادله شرعی غیر این
مسئله را چنین می فهمیم و ممکن است که حکم الله در واقع و نفس الامر چنین نباشد و غیر این باشد
باین جهت نقل احادیث و گفتن فتاوی از روی وقت و احتیاط ضرر ندارد و الله تعالی علیما بالامور
نهم بدانکه بسیاری از مکروهات روزه بقرنهاست مناسبه در این باب مذکور شد و بقسمه مکروهات
که اشاره بآن نشده چند امر است اول بوسیدن کفها خصوصاً ترکس و در دوایب آنست که در
و بر کلاه منجلی نموده اند و جهت که اینها خبر از اخبار ظاهر میشود و در چنانست اول لذت بردن

حکم از نماز سر نماند

در روزه

حکم از نماز سر نماند

چنانچه این باب در حدیث بسند خود از حضرت صادق روایت کرده است که آنحضرت در مسأله
دو روز هیچیک کل را نمی بوسید پس جهت اینرا از آنحضرت پرسیدند فرمود که من گواهی دارم که
روزه خود را غلط بلذت با تمام فرمودم در خصوص ترکس ایضا این باب در حدیث از ابن زبیر
روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت صادق که نمی بوسید ترکس را برای روزه
دار پس عرض کردیم که فدای تو شوم جهت این جهت فرمود بجهت آنکه ترکس کل عجزان است **مؤلف**
گوید که آنچه حضرت فرموده که ترکس کل عجزان است اشاره است بر آنست که در میان جمعی شایع بود
است چنانچه شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب مقننه ذکر نموده که با دشاهان عجم در سالی یک روز
مخصوصی را روزه می دانند و در آن روز ترکس بسیار می تسمی نموده اند و بعضی گفته اند
که بوسیدن ترکس منع است و ترکس کل عجزان است معنی آنست که این معنی چون در میان ایشان
کردید بود لهذا آن محمد حاکمی الله علیه و علیهم السلام فرمودند بجهت روزه بر ایشان هر چند منع شد
نباشد و بوسیدن ترکس و ممکن است که ترکس را بوسیدن با لب باشد چنانچه در باب بوسیدن کل
مذکور شد و الله تعالی میم و بدانکه بوسیدن خوش مالیدن ضرر ندارد بلکه سنت است چنانچه بعد از آن
مقاله مذکور می شود سیم شرح خواندن هر چند مضمون آن حقی باشد یا در مدح الله علیه و سلم نباشد
چنانچه شیخ طوسی هم سید خود از آنجا درین عین روایت کرده است که از حضرت صادق فرمود که
مکروه است خواندن شعر برای روزه در هر چه و در هر چه و در شب مطلقاً هر چه که
که اگر چه شعر حق باشد فرمود علی کوچیک آن شعر حق باشد و ایضا از آنجا درین عین روایت
کرده است که آنحضرت فرمود که اشعار شعر بگویند در شب و در نماز و در شب آن و در ذکر
روز آن پس سید فرمودند آنحضرت عرض کرد که گوی که ای پدر هر چند در شان ما اهل بیت بوده باشد
حضرت فرمود علی هر چند در شان ما بوده باشد **مؤلف** گوید که از این روایت حدیث مفهوم می شود که
گواهی شعر خواندن در شبها بی ناه رمضان زیاد است و روزهها نباشد زیرا که از جهت کراهت هم
رسانیده بلکه در روزه جمعی آنگاه نیز از جهت کراهت دارد و در شبهای جمعه آنگاه از جهت
و اگر کسی در مکروه معتقد بوده نباشد از چهار جهت کراهت خواهد داشت و الله تعالی بی علم چهارم
حجاست کردن و در روایات بسیار از آن وارد شده و بعضی از روایات دلالت بر تجویز آن میکنند
بلکه در روایاتی وارد شده است که رسول خدا در حالت روزه عجزان فرموده و جز در جمعی
الاجبار چنانچه از بعضی روایات نیز ظاهر میشود آنست که هرگاه خوف ضعیفی نباشد مکروه است زیرا
ممکن است که باعث آزاری شود و اظهار نماید و اگر خوف ضعیف نباشد کراهت ندارد خصوصاً
هرگاه احتیاج بآن نباشد و بعضی روایات ظاهر می شود که در ماه رمضان هرگز آنست که در
حجاست واقع شود و الله تعالی میم هرگاه در آن ماه حاجت پیشد اند در شب حجاست میگوید اند و این

حکم از نماز سر نماند

در روزه

حکم از نماز سر نماند

روایات محمول است بر صورتی که اگر تاخیر واقع شود ناشی صورتی که اگر تاخیر واقع شود و تاخیر آن ضرر است
باشد البته در روز باید واقع شود و الله شاکر علیکم جمیع دعاها را که در این کتاب است که در وقت نماز
عبادت مویس را باطلی روایت کرده است که آن حضرت صیاد فی قسم سوال نمود از آنکه ضایع بر دندان
خود را میتواند کند حضرت فرمود که نه و در همان خود را نیز بخون نیندازد و مسواک بچوب ترنیز کند
و علمای این حدیث را حمل نموده اند بر صورتی که کندن دندان باعث ضعف شود و تعمیم این حکم
نموده اند در هر جوفی که از بدن بیرون آید و باعث ضعف شود مانند ضعیف کردن و غیر آن و در هر
قابلی که هست شده اند ششم حمام رفتن که باعث ضعف شود چنانچه کلینیکم از حضرت امام ^ع نقل کرده
و روایت کرده است از مردی که در آن حمام می شود در حالت روزه فرمود که باکی نیست مادام که صیانت
نماید باشد و در بعضی از روایات تجویز آن وارد شده و آن محمول است بر صورتی که بااحتیاط
صورتی که خوف ضعف نباشد یا ضرر نشده باشد و الله تعالی اعلم **در تبخیر** بدانکه شهر
میان علمای شیعه رسولان الله عليهم در باب کفاره افطار روزه ماه مبارک رمضان آنست که
تبخیر است میان سبزه آزاد کردن و دو ماه روزه داشتن و شصت مسکین طعام دادن و بعضی
ترتیبی را عمل کرده اند یعنی یا حیاط اولانده آزاد کردن و اگر قادر بر آن نباشد دو ماه روزه
بگیرد و اگر بر آن نیز قدرت نداشته باشد شصت مسکین از طعام دهد و در قول اول نیز در جمیع این
محققین اجماعی و احتیاط در مراعات قول ثانی است و مراد از سبزه آزاد کردن غنای سبزه است و شش
غلام و کثیر و بالغ و نابالغ هر هست و آیا ایمان را و شرط هست یا آزاد کردن سبزه غیر مؤمن
نیز مجرب است درین باب خلاف است و احتیاط رعایت ایمان است و مشهور است که غلام و کثیر که کفیه
را آزاد میتوان کرد تا علم بگوش هم نرسد و بعضی شرط کرده اند که باید خبری از او پرسد و بعضی
ظن حیاط را شرط کرده اند و باید که آن سبزه کور و صاف حوره و میوه و زمین نباشد و مولی
جزا حق که موجب علق او باشد یا نرسد سبزه نباشد و بعضی گفته اند که باید خبری از او پرسد
نباشد و ولد او را نیز نباشد و مراد از دو ماه روزه داشتن آنست که متوالی و پیوسته باشد
و توالی بیکجا و بیکدیگر متصل بیکدیگر بعد سیاید یا بمعنی که اگر بعد از آن بدو روز عذر افطار
نماید سیاید از سر بگیرد و آیا بفرقی بگذازد می بگوید بدو روز عذر افطار است یا حرام در زیارت
خلاف است و احتیاط رعایت توالی در مجروح است و عذر را که پیش از یکجا و بیکدیگر زیارت
افطار کند از سر بگیرد و اگر بجهت عذری نباشد مانند حیض و نفاس و سهوشی و دیوانگی
و بیماری و سفر ضروری بعد از این شدن عذر سیاید که ندارد و تمام میکند مراد از طعام دادن
شصت مسکین موافق مشهور میان علمای آنست که هر یک آنقدر طعام بخورد که سیر شود و
ظاهر اینست که نماندند و جو و حرام و طعام برخی هم مجرب است و احتیاط آنست که مان خورشی

نکته در آنست که
کفاره روزه
ماه مبارک رمضان
است

نان ختم کند مانند خرما یا کوشک یا سرکه و بعضی گفته اند که چاش و شام هر دو باید مسکین بخوراند
آنقدر که سیر شود و این احتیاط است و اگر خواهد طعام را مسکین میتوان داد و در مقدار آن حدیث
است بعضی بگوید گفته اند و بعضی و بعد و احتیاط و مد است و احتیاط آنست که با آن نان خورشی
بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن گوشت و بزک تفاوت نمیکند و احتیاط
آنست که حصه اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خوراند ظاهر اصغیر کبیر را تا هم
توانند ختم کرد و اگر در طفل را بجای ببرد حساب کند احتیاط است و در یک کفاره دو حصه را باید
مسکین نمیزدند و اگر آنکه مستحق یافت نشود و احتیاط آنست که ناممکن باشد نیز مؤمن بدهد و
پریشانی بسیار بر ایشان بدهد که مسکین را با وضو باشد و چهار این ضلع است و صاع
یکم تریزی و چهارده شفا از ری است بنا بر مشهور و چون در خادیش در تجدید صاع و بعد
اختلاف است احتیاط آنست که بجای دو مد نیم من شاه نیز بشاید بدهد و بدانکه اگر کسی از این سر
بسی سبزه آزاد کردن و دو ماه روزه داشتن و شصت مسکین طعام دادن عجز
نباشد همه روز روزه میگیرد و احتیاط آنست که پیوسته بگردد و اگر از این عاجز باشد مشهور است
که در احب است استغفار نماید از روی نوبه مقصد و خوب و در استغفار لفظ استغفار الله کافی است
و اگر بعد از عجز و ایمان سبیل قدرت بر یکی از کفارات شصت مسکین طعام دادن است که از این سبیل
آورد و در باب افطار رمضان ماه رمضان اگر پیش از ظهر افطار نماید جائز است و کفاره ندارد
و اگر زمان بسیار فزاید بظهر باشد باشد افطار حرام است و لیکن کفاره ندارد بنا بر مشهور و
اگر بعد از ظهر افطار نماید مشهور میان اصحاب جرح و خوب کفاره است و کفاره آن آنست
کرده مسکین و طعام بدهد و اگر عاجز شود سه روز روزه بگیرد و اگر از آن نیز عاجز شود استغفار
نماید بنا بر مشهور و الله تعالی اعلم **مقصد** در بیان شرایط صحیح روزه
ماه مبارک رمضان است بدانکه شرایط روزه چند امر است **اول** بلوغ و بلوغ بچند چیز
خاصل میشود اول تمام شدن پانزده سال دویم باجتماع سیم بر رسیدن نوبی در وقت ماه
و بلوغ دختر بدو علامت اخیر حاصل میشود و بچند چیز دیگر اول تمام شدن نرسال دویم
دیدن خون حیض سیم حاصل شدن و شصت است که ولی طفل و هفت سالگی او را روزه داشتن
باز دارد هر قدری کم تر باشد اگر بعضی از روزه نباشد و در باب سیر زهر سالگی بنا بر بیشتر
کند و در سیزده سالگی بیشتر و احتیاط در سیزده سالگی آنست که تولد روزه نماید بلکه تمام را بگیرد
دویم عقل صحیح نیست روزه دیوانه و معنی علیه یعنی کسی که بهوش نباشد بلکه بر ایشان
واجب نیست و بعد از آنکه دیوانه غافل شود یا معنی علیه بهوش آید قضا هم بر ایشان واجب نیست
در معنی علیه مستحب است که روزه ایام اغاز از قضا کند اگر بنا اختیار بهوش شده باشد و اگر

و میان شرایط صحیح روزه
ماه مبارک رمضان
علامت بلوغ
عقل صحیح نیست

عدا جزیره خورده باشد و بیوش شده باشد قضا بر او لازم است **سیتم** اسلام بر هیچ نیت روزی
کافر هر چند بر او واجب است و لیکن بعد از اسلام قضا بر او واجب نیست بجز **حجرات**
انکه صحیح باشد بر هیچ نیت روزی بیمار هرگاه روزی ضرور رسد به بیماری او با نیک سب زیاده
مرض او شود یا بسبب آن از او طول ببرد و لیکن واجب است که بعد از صحت روزی ایام مرض
قضا نماید و در ضرر رجوع بنفس خود میکند اگر خود یا بد که روزی معصراست افطار میکند
و اگر خود نیاید رجوع باطنی یا خاوق عادل میکند پس اگر در طیب عادل صدق ضرر نمایند
افطار میکنند و اگر ایشان اختلاف نمایند یا خاوق نباشد یا عادل نباشد احوط آنست که
روزی را بکند و اگر ضرری نیاید افطار کند و آلا روزی را بکند و قضا نیز نکند و اگر بکند طیب
عادل صدق ضرر نماید جمیع گفته اند که افطار میکند و احوط درین صورت کوفتن روزی و
قضا است **سیخیم** انکه مسافر سفر شرعی باشد پس اگر سفر واجب یا مستحب یا مباح رفته باشد
افطار می نماید و بعد از انقضای سفر قضا میکند و لیکن سنت است که چیزی بسیار نخورد و آب بسیار
نیشامد و باز نان در روز مضارب نماید و بعضی جماع را حرام دانسته اند و اگر مسافر و سفر
معصیت باشد یا برای صید لهو باشد یا کثیرا سفر باشد مانند مسکری و ملاح و صحرائین
که طالب آب و علفند روزی را میگیرند و جمیع از علما گفته اند که هرگاه بر شخصی طلب علم واجب
باشد و در سفر ممکن نباشد هرگاه این شخص مسافر و اگر چه بقصد زیارت قنبر یا معصومین
علیه السلام باشد یا برای نماز کند و روزی را بکند و سنت است که قاضی جلیل مولانا احمد
اردبیلی قدس الله روحه هرگاه از سخت اشرف بگریزی معنی بزم زیارت می آید در انشای سواری
سیر کرده و مع هذا جمع میان قصر و تمام میباید که میباید از سفر معصیت باشد چون در حضر مظالم
بیشتر میتوان کرد و این نهایت احتیاط است در این باب و بدانکه مسافر سفر شرعی اگر جاهل
باشد و روزی بدارد روزی اش صحیح است و قضا نمیکند بنا بر مشهور میان علما و اگر در انشای روزی
علمی باشد و خوب افطار شود افطار میکند و قضا میکند و اگر بیشتر باشد راد اند و فراموش
کند و روزی بکند احوط آنست که قضا کند **سیشم** حال بودن از جنابت و حیض نفاس بلکه
بودن استخاضه یا اخلاص با عمل استخاضه بنا بر بعضی از ائمه معصومین است چنانچه مذکور شد
بدانکه حکم جنابت بتحصیل در مقصد اول من کور شد و حیض و نفاس در حال حیض و
نفاس روزی ایشان صحیح نیست و افطار میکنند و بعد از انقضای رمضان قضا میکنند و اگر پیش از حج
یا ک شوند واجب است که آن روز را در روزی بدارند و احوط آنست که اگر ممکن شود پیش از صبح غسل
کنند و آلا نیت کند احتیاطا و سیدار باشد تا صبح و اما مسخاضه پس اگر استخاضه او قبل از
از برای هر نمازی و صنومین از او احوط آنست که در نیت و صوم قصد صحت روزی نیز نکند با نیک

حاکم افطار و نیت
مالک صحیح نیت
فان استخاضه

قصد کند که صنومین از او احوط آنست که در نیت و صوم قصد صحت روزی نیز نکند با نیک
و اگر مستحاضه منو مستطه باشد احوط آنست که برای هر نمازی و صنوم بقصدی که مذکور شد
بسیار از پیش از صبح قریب صبح غسل را واقع سازد اگر ممکن نباشد و آلا نیت کند و سیدار
باشد تا صبح را بر نیت در بدارد و برای نماز صبح نیز غسلی احتیاطا نکند و اگر ممکن نشود
نیت کند و اگر کثیره باشد اعمال تقلید و منو مستطه را بخوری که مقصود احتیاط نباشد
چنانچه مذکور شد میکند و غسلی را که برای نماز ظهر و عصر میکند احوط آنست که در
نیت غسلی که برای نماز شام و خفتن میکند صحت روزی را بطریق که در غسل نماز ظهر
عصر من کور شد صحت کند و نهایت احتیاط در آنست که متوسط نیز در غسل کثیره را بطریق
مذکور نکند و چون این مثل در غایت اشکال و احوال مشاعر صند در آن هست و بنا بر بعضی
از اقوال اصحاب اهل علم در این باب و اما در نیت روزی اشکال است و با نیکه اگر طویل
شود لهذا نهایت احتیاط در این باب و اما در نیت روزی اشکال است و با نیکه اگر طویل
بالغ شود یا درین احوط شود یا معنی علیه نباشد یا کافر مسلمان شود پیش از صبح اند
را و واجب است که روزی بدارند و اگر بعد از صبح واقع شود نیز اگر قبل از ظهر واقع شده و هنوز
فعل مغطری بجا نیامده است احوط آنست که بقیه آن روز را مساک نماید و نیت آنرا
چنین بکند که مساک میکنم آن روز را اگر بعنوان صوم مطلوب شارع بوده باشد صوم
باشد و آلا مساک مستحبی است فی الله تعالی و اگر بعد از ظهر مواضع ایشان رفع شود قبل
از ظهر مغطری بعد آمده نباشد مستحبات مساک بقیه آن روز و همچنین هرگاه مرض
صحت یابد بعد از ظهر یا قبل از ظهر و افطار کرده باشد سنت است که بقیه آن روز را
مساک نماید و اگر پیش از ظهر صحیح شود و چیزی نخورده باشد واجب است که روزی
بدارد و همچنین اگر مسافر قبل از ظهر عید ترخص خان خود رسد یا عید ترخص شهری
که قصد اقامت در روز آن شهر داشته باشد یا عید ترخص ملکی که در آنجا شهادت
افسانه شده برسد و مغطری بعد نیامده باشد واجب است که آن روز را در روز بدارد و
اگر بعد از ظهر باشد یا قبل از آن و افطار کرده باشد مساک میکند استحبابا و همچنین
حایض و نفاس هرگاه پاک شوند در انشای روز مساک میکنند بقیه آن روز را استحبابا
اگر چه بعد از صبح بیک نیت شوند و روزی ایشان جایز نیست بلکه قضا میکنند و الله
تعالی بعلم **باب دوم** در بیان آداب روزی و بعضی از فضایل آن شیخ بزرگوار
مقدار محمد بن یعقوب کلینی و شیخ طوسی رفع الله درجاتها و دیگران تسبیح های معتبر از محمد بن مسلم روایت کرده اند
حضرت صادق علیه السلام با وضو کرده هرگاه روزی باشی باید که روزی باشد کوشش و چشم تو

در این کتاب
در این کتاب
در این کتاب

در این کتاب
در این کتاب
در این کتاب

در این کتاب
در این کتاب
در این کتاب

در این کتاب
در این کتاب
در این کتاب

سوی تو و پوست تو شمرد چیزی چند غیر اینها را فرمود که باید در روز نوما نشد و ز افطار تو نشد
و ایضا از حضرت امام محمد باقر ع و روایت نموده اند که رسول خدا ص بخواب برین عهد الله
افضای فرمود که ای خایه بر اینک ماه مبارک رمضان است هر که روزه دارد روز آفاق
بر باد دارد قدری از شب آنرا بعبادت و تعقیب نگاه دارد شکم و فرج خود را و زبانش را
نگاه دارد بیرون آید از کتله ها نشینانند بیرون آمدن او از اینها پس خایه بر عرض نمود که دنیا
رسول الله چیزی که حدیثی است این حدیث پس حضرت فرمود که چه بسیار شدید است این شرطها
و از ابن ابی عمیر در کتاب صحاح از حضرت صادق از پدرش از رسول خدا ص
الله علیه و آله روایت کرده است که آنست که گوید هر که ماه رمضان را روزه بدارد و حفظ
نماید فرج و زبان خود را و ترک نماید از پیش مردم را حق تعالی کتله ها نکند شسته و آسوده او را
بیاورد و آزار نکند او را از آتش جهنم و او را در آرزو رسالت کند و قبول شفاعت
او کند در باره کتله های که خدا را بیکانگی برسد باشد بعد در یک بیابان عالم
و در کتاب عقاب الاعمال بسند خود روایت کرده است که رسول خدا ص در خطبه فرمود که
هر که ماه رمضان را روزه دارد با خاموشی و سکوت و کوش و چشم و زبان و فرج و سایر
جزایح خود را از دروغ و حرام و غیبت نگاه دارد برای رضای حق تعالی حق تعالی او را مقرب
درگاه خود کند در بهشت تا آنکه از آنهای او بزنوی حضرت ابراهیم تم برسد و شیخ
جلید سعید شیخ معنی در کتاب معنی از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه روایت
نموده است که رسول خدا ص فرمود که هر که روزه دارد ماه رمضان را از روی ایمان و ترقع
اجرة ثواب و نگاه دارد کوش خود و چشم خود و زبان خود را از مردم حق تعالی روزه او
را قبول نماید و بیاورد کتله ها نکند شسته و آسوده او را و عطا کند با ثواب صابرین را پس
فرمود که آنحضرت فرمود که بد رستی که کمتر چیزی است که حق تعالی بر صلیم در روزه اش واجب نمود
ترک طعام و شراب است و سبیدن طاووس و در کتاب قبایل از محمد بن محمد بن ابی انان روایت کرده
است که حضرت صادق فرمود که روزه همین از طعام و شراب است که انسان همین چیز بخورد
و نیاشد و لیکن هر که روزه بدارد عیس باید که روزه نباشد کوش و چشم و زبان و شکم
و فرج تو و دست خود را از محارم آنچه محافظت نماید اکثر اوقات ساکت باش که از حرف
خبر و با خادم خود بپواری صلوات کن و احمد بن محمد بن عیسی در کتاب زاد الاذان آنحضرت روایت
کرده است که جمیع مدعی فرمود که هر که روزه بدارد باید که کوش و چشم و زبان و شکم و فرج
اعضا و حواصی او از فریب روزه نباشد و ترک کن هدی و آذین و سانسیدن بجامد را و با
با تو دار باشد و فاد روزه و بر خود لازم کرد آن هر قدر توانی از صمت و سکوت مکرر ذکر

آنچه و سکوت اند و روزه است را نمانند روز افطارت و زنها که با زمان مناسرت مکن و بسوس
ایشان را و خنده هفت که اینها حق تعالی را بعضی می آورد و کلینزه از حضرت امام
جعفر صادق ع روایت کرده است که فرمود که صیام همین اسالت از طعام و شراب تنها نباید
بد رستی که مریخ دختر عمران علیه السلام فرمود ای نذرتك للرحمن صوما یعنی بد رستی که مریخ نذرت
ام که برای حق تعالی روزه بدارم فرمود که مراد او از روزه سکوت بود پس نگاه دارد با نهی خود
را و بسوسید چشمهای خود را و بر یکدیگر حسد مبرید و با هم نزاع میکنید بد رستی که خدا میماند
چنانچه از ابن هیزم را میخورد و ایضا از آنحضرت روایت نموده اند که فرمود که صیام همین از طعام
شراب روزه نمیدارد پس فرمود که مریخ دختر عمران علیه السلام گفت ای نذرت للرحمن صوما مراد
او از روزه سکوت بود پس هر که روزه بدارد پس حفظ کند زبانهای خود را و بسوساید چشمها
خود را و سنازعه میکنید و حسد بر هم مبرید پس فرمود که رسول خدا ص روزی شبید زنی که در شام
بکیز خود میداد پس طعامی طلب فرمود و آن زن گفت بخور این طعام را زن گفت که روزه آنحضرت
فرمود که چگونه روزه و حال آنکه در شام دادی کیز خود را بعدستی که روزه از طعام و شراب تنها
نیباشد لای گوید پس حضرت صادق فرمود که هر که روزه بگیری پس باید که کوش و چشم تو از
حرل و صیغ روزه نباشد و ترک کن حبال و آذین رسانیدن مردم را و باید که با تو باشد و قادر روز
و سکوت در روز روزه است را نمانند روز افطارت و احمد بن محمد بن عیسی در کتاب نوادر از آنحضرت
روایت نموده است که فرمود صیام از طعام و شراب تنها روزه نمیدارد بلکه از برای روزه شرط
دیگر است که نباید از آن محافظت نمود تا روزه تمام شود و آن صمتی است که داخل در حقیقت
صوم است آیا نشیدی قول مرید دختر عمران را که گفته ای نذرت للرحمن صوما قلن اکام
النیوم انشیا یعنی برای خدا نذرت کرده ام که روزه بدارم پس با هیچ انسانی سخن نمیکوم و مردم
او از روزه سکوت بود پس هر که روزه بدارد حفظ کند زبانهای خود را از دروغ و بسوساید
چشمهای خود را و سنازعه میکنید و حسد بر هم مبرید و غیبت نکنید و مکرر و حدان نکنید و
دروغ نمیکوید و مناسرت با زنان نکنید و قسم نداد کنید و بر یکدیگر غضب میکنید و دشمنی
و غش نمیکوید و بلبها میاید یا یکدیگر خطا میکنید و محارم را هم مناشد و آذین میکند یکدیگر
مرسانید و غلظ میکنید و دستن بشوید و عاقل بشوید از ذکر آنچه از نماز بدارد خود را
بصمت و سکوت و بردباری و صبر و است کوش نماز اهل شرع و بری بکنید و اجتناب کنید
از گفتن ناخوش و دروغ و افترا و خصومت و کمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن
و مشورت بر آخرت نباشید در حال آنکه مشیانی روز نعوود خود نباشید که آن آخرت است و
انظار بر دید آن چیزها میاید که خدا وعده فرموده است دنیا و خواش با تمام حوائج داشته باشد

و ظاهر خود م

و بر شام با آرام دل قناری و خوشوع و خضوع و ننگ لعل مانند سنده که از آفتاب خود خایین باشد
حال کوفی که خوف و رجاء و رعیت و رهت داشته نباشد و پالت کرده باشد دلهای خود
را از عیب و سپینهای خود را از غل و غش و حسد های خود را از نجاسات و مایه که بر آت
جشنه نباشی از دشمنان خدا و دوست داشته باشی خدا و دشمنان خدا را در حالت روزه
و ساکت و صامت باشی از جمیع جهات از چیزهایی که حق تعالی نمی فرموده است از کوزه نا
در پنهان و آشکار و دریند و خالت کمال خشت الهی در دل تو نباشد و نفس خود را بجای تعالی
بجشده باشی و ایام روزه و خاطر خود را برای خدا فارغ کرده باشی و بصب کرده باشی دل
خود را در آنچه خدا بآمر فرموده و ترابان خوانده است پس هرگاه هر آنجا آوری
روزه حقیقی را برای خدا گرفته خواهی بود و با امر الهی عمل کرده و بفرموده که خلاصی باشی
روزه تو با نفعند تا قص شده است پس فرمود که روزه همین از طعام و شراب نیست بلکه
حق تعالی اساک از طعام و شراب را حجابی برای پاریته تیات کور دیده است پس فرمود که
چه کند روزه داران و بسیار دیگر سنگان و محمد بن یعقوب کلینی بسند خود از حضرت رضا
روایت کرده است که رسول خدا فرمود که صائم پیوسته در عبادت الهی است هر چند
فراش خود خوابیده باشد یا در راه که غنیمت مسلمان نکند و ایضا کلینی این باب و در جمیع الله
از آن حضرت روایت کرده اند که آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت فرمود که رسول خدا
فرمود که هر که روزه نباشد و با او دشنام دهند پس او بگوید که سلام علیک من روزه ام نبود
منیدم چنانچه خود شام دادی مرا حق تعالی فرماید که سنده من پناه آورده بودم من آرد
شتر سنده و میگویند بد رستی که این سال ختم اول آن است **جهنم و ایضا کلینی** شیخ طوسی عظم
ترتیباً بسند خود از آن حضرت روایت کرده اند که فرمود که هرگاه یکی از شما سر روزان هر آنجا
روزه ندارد پس بخاد که با کسی نکند و تمجیل فرزند و سارعت **سوسو** کند بخدا و ندانم
نکند و اگر کسی با او جمل کند و جمل بوزن پس تمجیل شود و حکم کند و سید بن طاووس
کتاب قبایل از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که یک دروغ و نظر بعد از نظر
محرم و ظلم کردن خواه اذلت و خواه بسیار مفسد صوم اند و روزه را می کشند **مؤلف** گوید که
مراد از نظر بعد از نظر ظلم و هم است در وقتی که نظر اول از روی عیب نباشد و عیب
نظراً و بنا بر هم افتاده نباشد و آنچه وارد شده که اینها و روزه را می کشند و بسیار عیب است
و مراد اینست که از بسکه ثواب روزه را ناقص میکنند که با می کشند آنرا و الله شاکر علی
از این آداب رخصت و آیات دیگر میمذکور است و در این باب آنچه مذکور خواهد شد انشاء الله
باب در بیان ستر تکلیف بصوم و سب تعیین علقان و بعضی از فضایل

در بیان ستر تکلیف بصوم و سب تعیین علقان و بعضی از فضایل

بدا آنکه از اخبار و احادیث در باب علت و سب تکلیف با صلح عبادت صوم چند و نظیر
می شود چنانچه شیخ بزرگوار علی قدا محمد بن یعقوب کلینی روایت کرده است که در حقه از حقه نبی محمد
روایت کرده است که او در بعضی حدیث حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که چنانچه
حق تعالی روزه را بر مردم واجب کرده است **حضرت** در جواب نوشت که از برای آنکه غنی و مال
داران کسرتی نیابند و بر فقیر رحم و مهربانی نماید و این باب پیوسته در کتاب بیست و یکمین فصل
بسند صحیح روایت کرده است که هشتم از حکم از حضرت امام جعفر صادق در مقام سؤال نمودن از
علت واجب شدن روزه حضرت فرمود که حق تعالی روزه را واجب کرده است برای آنکه در سبب
غنی و فقیر با یکدیگر مساوی شوند زیرا که اغنیای چون هر چه خواهند بر آن قدرت دارند
برای ایشان میسر است نمی باشد اگر کسی را که ترحم بر فقیر کنند حق تعالی خواست که همه
خلایق را با یکدیگر مساوی کند و اگر کسی توانگزان چنانچه نازک کند بر صغیران
ترحم کند بر سنگان و ایضا در کتاب مذکور بسند خود از حضرت امام رضا روایت کرده
است که آن حضرت در جواب سائل محمد بن سنان نوشت که علت روزه داشتن آنست که آدمی
تعب کسرتی تشنگی آید تا نازل لیل و خاکسار و ماجور در زیر پروردگار و هر چند روزه
و آذاری باشد و نیز لیلی و زانهائی نباشد او را بر بختیهای آخرت با آنکه بسبب روزه داشتن
سؤرت شهوات و خواهشهای نفسانی شکسته می شود و روزه پدید هنده اوست در دنیا
که شدت و کسرتی فقر را بداند و زانهائی است بر کسرتی روزه قیامت و شیخ طوسی طریقت
نرسید در کتاب تهذیب بسند خود از عثمان بن مطعون روایت کرده است که گفت عرض کرد محمد
رسول خدا صلی الله علیه و آله که یا رسول الله میخواهم که چند چیز را از خدمت تو سؤال نمایم
چه چیز است آنرا ای عثمان عرض کردم که میخواهم در هفتاد روز را اختیار کنم فرمود مکن ای عثمان
بد رستی که در هفتاد است من آنست که در مساجد بنشینند و انتظار نماز بکشند بعد از آنکه
نماز پیش را کرده باشند پس عرض کردم که یا رسول الله میخواهم خود را خصی کنم فرمود مکن ای
عثمان بد رستی که خصی کردن امت من در روزه است **مؤلف** گوید که چون روزه باعث شکر شود
می شود چنانچه در حدیث سابق اشاره بآن شده بود پس غیر از اینست که آدمی خود را خصی نماید
و چنانچه بعضی از امام سابقه مردم مکلف بود ند که برای دفع قوت شهوی خود را خصی نمایند
حق تعالی را در آن نفعی در مرتبه با این است و تهلیل امر بر ایشان معوضا خصصا و روزه را
برای کسرتی شهوانی با ایشان تکلیف فرموده است و ایضا شیخ در کتاب سید کور بسند خود
از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده است که بزرگوارش از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
روایت کرده است که آن حضرت فرمود که هر چه است که بطن را بر طرف میکنند و حافظه را زیاد

در بیان ستر تکلیف بصوم و سب تعیین علقان و بعضی از فضایل

میکنند سواک کردن و روزه داشتن و قراآت قرآن **مؤلف** گوید که چون روزه با عفت
و طول با بدن منتهی شود لهذا با بطن و بر طرف میگذرد و بر طرف شدن با عفت زیادتی حاصل
نمیشود **و اما** سب تعیین عدد آن پس این بابی در کتاب منحصرا لفقیه است و در
از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جماعتی از پیروان حضرت رسول خدا ص
پس از آن تری ایشان از آن حضرت سؤال نمود از مسئله چند و از جمله آنها این بود که چرا این دعا
بر این توره و روزه سب و ذرا واجب کرده اند و حال آنکه بر اینها دیگر نیاید از این دعا واجب
است حضرت فرمود بدستی که آدم هم چون از شیعه منتهی نشا و می نمودی و زرد رنگ او باشد
تا مدتی پس حق تعالی بر فرزند آن او کوشی و تشکی می و ذرا واجب کرد پس او را کوشی و تشکی
نشا و پس این دعا منتهی است از احسان حق تعالی بر ایشان و بر آدم نیز سب و ذرا واجب بود
پس حق تعالی این دعا و ذرا بر امت من واجب کرد پس حضرت این دعا را تلاوت فرمود
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى كَذِبِ مَنْ قَبْلِكَ لَعْنَتِكَ عَلَى الْكَاذِبِينَ يَا شَامِعًا مَعْدُودًا
که ترجمه ظاهرش اینست که من شتر شده و واجب کرده است بر شما روزه چنانچه واجب شده است
بر جماعتی که پیش از شما بودند شاید که برهیزگار شودی روزه در چند روز معدود بر شما واجب
شده است هر چه گفتی راست گفتی ای محمد پس چه چیز است جز آن کسی که این دعا را در روز بداند
فرمود که هیچ مؤمنی نیست که روزه دارد ماه رمضان را با نیت خالص مگر آنکه حق تعالی بر او
هفت فصلت واجب بگرداند اول میگذارد که شکر خراجی کرد در حجاب او و دیده است
دوم آنکه نزد یک می شود بر حمت الهی ستم کفاره گناه پدر خود آدم هم راداده است چهارم سکر است
مگر در بر او آسان می سازد پنجم از آن که سبکی و تشکی و زیارت این دعا شود چشم حق تعالی
بر او نجات از آفت جهنم را با و عطا میفرماید هفتم اطعام سینه امیر او از طیبات برش برود
گفت راست فرمودی ای محمد **مؤلف** گوید که از این حدیث شریف بعضی از خود دیگر بجز خود
سابقه برای تکلیف اصل روزه ظاهر میشود چنانچه بر مناسبت خیر پیشه نیست و ایضا در
کتاب مذکور است خود از حضرت بن عباس روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت صادق
علیه السلام که میفرمود حق تعالی روزه ماه مبارک رمضان را بر هیچ اتنی قبل از ما واجب کرده است
است من عرض کردم پس چه میفرماید در این آیه که هر یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام
کما کتب علی الذین من قبلكم فرمود که حق تعالی روزه را بر پیشبران گذارده و واجب کرده بود
تا آنگاه ایشان و این است در بر آنگاه که بگویند که در روز ماه رمضان از رسول
خدا ص و است او واجب کرد پس چنانچه بر پیشبران گذارنده و شیخ طوسی
در کتاب نهج است خود از آن حضرت روایت کرده است که حق تعالی بر ایشان خود زیاده

از طاعت ایشان تکلیف نه فرموده است پس حضرت هر دو احوال را بیان فرمود و فرمود که در رسالت
روزه یکبار را بر ایشان واجب ساخت و حال آنکه ایشان زیاده از آنرا طاقت ندارند **باب**
چهارم در بیان تکلیف صوم و قوام آن شیخ بزرگوار علی المقداد بن محمد بن عقیق بکلی حاکم الله علیه
عز و الجلال است معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود دنیا گذاشته شده
است اسلام بر پنج چیز **اول نماز** و **دوم روزه** **سیم حج** **چهارم روزه** **پنجم** و **کتاب** **ششم**
و ایضا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول
نبا احصا بخود فرمود که آیا میخواهید خبر دهی هم شمارا بچیزی که اگر آنرا بجا آورید شیطان از شما
دور میگزیند بعد از آن چیزی مشرف از مغرب ایشان نگذرد بل فرمود که روزه روی شیطان را
سیاه میکند و صدق فریضت او را میسکند و محبت در راه خدا و مداومت بر عمل صالح عقاب
قطع میکند و استغفار بقبل میرساند او را و از برای هر چیزی زکوة کافی است و زکوة بدینا روزه
است و ایضا از آن حضرت روایت کرده است که بعضی بن عبد العزیز فرمود که آیا میخواهی ترا
خبر دهی هم بر رهای چیزی سبکی بدستی که روزه سپری است از آنست حجه و ایضا از آن حضرت
روایت کرده است که فرمود که پدرم میفرمود که گاه هست که کسی روزه سنت میگیرد برای آنچه
نزد حق تعالی هست از او سبب حق تعالی با این سبب او را داخل بهشت میکند و این بابی
در کتاب سجالات آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت نموده است که رسول خدا ص فرمود که
هر که بیک روزه سنت بگیرد برای طلب ثواب آن واجب شود برای او مغفرت و کلینی رحمه الله
از آن حضرت روایت کرده است که هر که از برای خدا یک روز را در وقت شدت بگذراند روزه
دو بسد با او تشکی حق تعالی او را بزرگوار کند و هر که از برای خدا یک روز را در وقت شدت بگذراند
دو بسد او را تا چون افطار کند حق تعالی با او فرماید که چه طیب و پاکیزه است بوی تو و بسیم
نوی ای ملکه من گواه باشم که من آمرزیدم او را و شیخ مفید در کتاب معتمد است خود
از پدر بزرگوارش علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود که خوشحال کسی که
تشنه یا گرسنه شود در راه خدا ایشانند که در هر روز قیامت سیر میگردند و کلینی رحمه الله
روایت کرده است که هر که روزه خود را گمان کند و اظهار نماید حق تعالی بملکه فرماید که سنده
پناه آورده است بمن از عذاب من پس پناه دهد او را و موکل فرموده است ملکه خود را بد عاقبت
کردن برای روزه داران و حق تعالی امر میفرماید ملکه را بگو که اگر در برای کسی مگر آنکه مستی است یا
میفرماید و این بابی در کتاب فضایل شهر رمضان است خود از حضرت امام رضا ص
که از برای خدا ملکی چند هست که موکلند بصالحین و صالحات و با لهای خود را بر ایشان
و گناهان را از ایشان فری بریزند و از برای خدا ملکی چند هست که ایشان را موکل نموده است

در بیان فضیلت روزه

بد غلای صائمین و صائیان که عده ایشانند کسی نمیدانند غیر خدا و کلینی رحمه الله از حضرت صادق از
پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت نموده که رسول خدا ص فرمود که حق تعالی از منسک که
موتل فرموده است بدعا کردن برای صائمین و فرمود که هر کس بر سرش آب بریزد از آنجا که حق تعالی
است که من از آن بگذرد ام منسک خود را بدعا کرده از برای احدی از خلق مگر آنکه دعا ایشان را در
بار او مستجاب نموده ام و بعضی از آنحضرت روایت نموده است که خوار بنام عبادت است
نفس و تسبیح است و این با بوی برنج در کتاب ثواب الاعمال از آنحضرت روایت کرده است که خوار
صلای عبادت است و سکوت و تسبیح است و عمل و مقبول است و دعای او مستجاب است و کلینی
سند خود از آنحضرت روایت نموده است که حق تعالی وحی فرمود بحضرت موسی که چه چیزی مانع
شده از این است حاجت من گفت که پروردگار از این بزرگتر میداند از آنکه من حاجت کنم با وجود
بوی بد همان روزه دار پس حق تعالی وحی فرمود که ای موسی بد همان روزه دار خوشتر است از بوی
از بوی مشک و بعضی از آنحضرت روایت نموده است که صائم هرگاه بر بدید جنها عتی بگو چه
میباشند تسبیح میفایند برای او هر بوی که در بدن اوست **مؤلف گوید** که ظاهر امر اینست که
بعده هر بوی که در بدن اوست ثواب تسبیح میدهند و الله یعلم و این با بوی برنج در کتاب حجاب
از زید بن جابر امام زین العابدین از پدر بزرگوارش حدیث صلوات الله علیهم روایت کرده
است که حضرت با بوی صائمین صلوات الله علیه فرمود که در بهشت درختی هست که از بالای آن
بیرون سیاه حلقه و زنبورها و از پایین آن بیرون سیاه کبکهای بلبل زکره بخام کرده صاحب حال که
سکین مینامند از بند بول نمیکند پس سوار میشوند بر این سیاهها و سنان خدا و طیران میکنند در
بهر جا که خواهند پس جمعی که در حبه ایشان است تراست میگویند پروردگار از چیزی اینند که
ترا بزرگتر است شاید حق تعالی میفرااید که ایشان شبها را بعبادت بر پا میداشند و خواب
نمیکردند و روزها را روزه میداشند و چیزی نخوردند و با دشمنان خدا جهاد میکردند و
نمیزسیدند و تصدق میکردند و بخل نمیزوریدند و صاحب کتب صفات است که
از حضرت صادق از پدران بزرگوارش علیهم الصلوه و السلام روایت کرده است که حضرت رسالت
فرمود که قوت مؤمن در دل اوست آینهی خستید که شتابد از مؤمن ضعیف و جسد او را بر
و حیثی نیاید و اوست با بعبادت بر پا داشته است و روز را روزه داشته است و این
با بوی برنج در کتاب فضایل شهرت عبادت است خود از حضرت امام رضا ع روایت کرده است که
فلم بر صائم جاری نمیشود تا انظار نماید و شیخ مفید رحمه الله در کتاب مشغله از حضرت صادق روایت کرده
روایت کرده است که صائم هرگز نمیکند در باغهای بهشت و منسک برای او استغفار میکنند
تا انظار کند **مؤلف گوید** که ظاهر عبارتیست حدیث آنست که هر کس روزه را باغهای بهشت در

روزه باشد و مراد این باشد که آنقدر ثواب باو میدهند که گویا در باغهای بهشت سیر میکند و
مخمل است که سیر کردن در باغهای بهشت در آخرت باشد و استغفار منسک در دنیا باشد
و کلینی رحمه الله بسند مرسل از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که هرگاه حادثه
کسی از روزه روزی بد رسنی که حق تعالی میفرااید **و استغنیوا بالصبر و الصلوة**
یعنی استغنائت جوید صبر نماز و مراد از صبر و زهد است و بعضی گفته اند صبر و استغنی
است که گفت شکایت کردم بحضرت امام موسی کاظم ع از شکی حضرت فرمود که روزه مدار و
تصدق کن و کلینی رحمه الله بسند خود از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که رسول خدا ص
فرمود که حق تعالی میفرااید روزه از برای راست و منجز امیدم آنرا و این با بوی برنج در کتاب حجاب
از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسالت پناه ص فرمود که حق تعالی میفرااید که هر عملی
فرزند آدم برای اوست مگر روزه که از برای من است و من جز امیدم آنرا و روزه سپیده مؤمن است
از آن جهت که در روز قیامت چنانچه سلاح در دنیا نگاه میدارد شمشیر و بوی هز صائم نزد خدا
خوشتر است از بوی مشک و از برای صائم دو مستر و خوشحال است یکی در وقت افطار که طعام
شراب نشا و لیکند و دیگری وقتی که مرا ملاقات میکند دلپز و زاد اخل بهشت **حقیق**
ما انکما بخره در روزه و روایت وارد شده که روزه از برای من است و من جز امیدم آنرا و در روایان بسیار باسند
معزیه وارد شده است و در بعضی از آنها چنانچه در روایت ثانی مذکور است اینست نیز هست که هر عملی
فرزند آدم برای اوست بجز روزه که برای من است و در این مقام دو اشکال متوجه می شود **اشکال اول** آنکه
هر عملی از حیث نفع و ثواب و جزای در دنیا و آخرت از برای صاحب عمل است و از جهت خلوص
و خلوق از شویب را از برای خداست پس چگونه میفرااید که همه اعمال فرزند آدم برای اوست غیر روزه
که آن از برای من است و جواب حق از این اشکال اینست که روزه از جمله اعمال باطنیه است و محتاج
باستعمال جوارح و اعضا نیست و باقی بجهت و مستور از نظرهاست و بعضی صاحب مفید حق تعالی
احدی را بر او اطلاع حاصل نیست چه حقیقت روزه عبادت است از کف نفس از مغز و این
امر ظنی است و اگر مشرب و سایر مفسدات چیزی چند است که در خلوات استوار میگردد که اگر
بر آن مطلع نگردد و سایر اعمال چون بر استعمال جوارح و آلات بدن و افعال ظاهریه موقوف است
البته جمیع را اطلاع بر آنها حاصل می شود و با نیز بسبب سایر اعمال از طاعات و عبادات اگر چه
سبب باطن و خلوص نیست نیز مخصوص حق تعالی است و لیکن بجهت ظاهر و استعمال جوارح و اعضا
مضایع عمل مشرب است بغیر روزه که حق اوله را آن مفقود و تحت تاثیر آنها بود را موجود است
و با نیز جهت حق تعالی فرموده که همه اعمال فرزند آدم برای اوست یعنی بجهت ظاهر و عمل و روزه که آن از
برای من است **اشکال دوم** آنکه جزای همه اعمال خیر بلکه اعمال شورا نیز حق تعالی میدهد پس چگونه

و در بعضی از روایان آمده است که هر عملی فرزند آدم برای اوست بجز روزه که برای من است

دوزه میفرماید که جزای آنرا خود میدهم **و جواب** این شکل آنست که مراد از جزا دادن جزای آنست
 جزای عمل دوزخ را بملکد نمیکند ما هم بملک خود جزای آنرا میدهد زیرا که این عمل مستحق جزای بسیار است
 که مستحق اطلاع برکت آن ندارد چنانچه این با بوی بر در کتاب معانی اخبار است خود از حضرت
 رسالت ص و روایت نموده است که جزای عاقل فرزند آدم با نامیرود با صغاف آنها
 ازده برابرنا هفصد برابر مگر صبر که آن از برای من است و من جزا میدهم آنرا بی تو صبره علم آقی
 غزون است و مراد از صبر دوزه است و غفغ ناماناد که این معنی باعتبار مزید شرافت و کرامت دوزه است
 در میان اعمال و بعضی از علماء در میان وجه شرافت آن گفته اند که چون دوزه مخفی و مستور از خلق
 است چنانچه مذکور شد باین جهت از زیاد و تر از سایر اعمال است و باین جهت بزرگتر است از سایر
 و جمیع وجود دیگر گفته اند **اول** آنکه دوزه متضمن ترک مشربیات و مستلذات نفسانی است از
 اکل و شرب و مناسرت زنان و سایر محرمات و مکروهات و باین جهت بزرگتر است از سایر
دویم آنکه دوزه متضمن خلاء جوف از کثافات و فضلات ظاهری و صفای باطن از صفات
 ذمیه نفسانی است و این صفت شبیه صفت صمدیت حق تعالی است **سیم** آنکه لیب دوزه
 قوی و شهودی ضعیف و منکر میگرد و قوت غالبه غالب مستغل میشود و باین جهت استعدا
 ادراک حقایق و معارف و حکم بیشتر بهم میرسد و لهذا در حدیث وارد شده که حکمت داخل
 نمیشود در دلی که بر آن طعام باشد **چهارم** آنکه عاقل مشرکین سایر اعمال را برای غیر خدا از
 آنکه آنها را میپرستند نمیگردند بغیر دوزه که هیچ فرق از فرق کفار این اعتبار است در بار خدا یا
 خود بجای آوردند مگر ظانفیر قلبی از جماعتی که کواکب را عبادت میکردند و بعضی از مشرکین
 کرامت دوزه را مستند جمیع وجوه مذکوره نموده اند و کما ذکر است که این وجوه اگر چه بجا
 است یا دوزه و مزید که امت آن هست لیکن علت زیاد بودن ثواب آن از سایر اعمال آنست
 که دوزه متضمن صبر است و ثواب صبر در نظر حق تعالی عظیم است و لهذا ثواب آنرا زیاد
 ازده برابر هفصد برابر میدهد در قرآن مجید میفرماید **الَّذِينَ يَتَّقُونَ أَجْرَهُمُ الْبَاطِنِ** آخر هم
 بعضی حجاب یعنی حر و ثواب صبر کنندگان داده می شود و حجاب و آن معنی از حدیثی که از
 معانی اخبار نقل شده ظاهر میشود چنانچه بر ما سابقه می باشد باینکه ظاهر می شود که دوز
 آنکه یکی نیز مراد است که جزای صابرون و حجاب است یعنی زیاد ازده برابر هفصد برابر است
 و کسی غیر حق تعالی آنرا نمیداند و الله تعالی بیل و شیخ معین در کتاب معتبره بسند خود از حضرت امام
 محمد باقر روایت نموده است که مؤمن هر که مشرب و عبادت بر پا دارد و روزا زیاد و دوزه دارد کما
 بر او نوشته نمی شود و کما می بینید در مکر آنکه حق تعالی برای او حسنه منوید و بیکدیگر تکلم نمیکند
 مگر آنکه برای او حسنه ثبت میفرماید و اگر دوزخ او را بعلیهین بالا میرود و اگر دوزخ باشد نا اظفار نما
 دوزخ دوزخ

جزای

مقدار

اورا در زمره او آیین می نویسد و بدانکه بعضی از فضایل دوزه و ثواب آن در ضمن احادیث با سابق
 مذکور شد و بعضی در ضمن اخبار ابواب آئین مذکور میشود انشاء الله تعالی و الله تعالی هو الموفق
باب سیم در بیان فضایل ماه مبارک رمضان بدانکه این ماه در میان ماهها سال افضل
 اشرف و اکمل از همه است و باین جهت حق تعالی دوزه آنرا واجب کرده است و آنرا عمل عبادت و دعا و مناجات
 و شای خود قرار داده و بیان ستر از معنی بر سبیل جمال آنست که چون عزت اصلی و مقصد کلی از ایجاد عالم است
 و تکلیف بی نوع انسان معرفت حق تعالی و عبادت در جلال و علاقت پر تمام اوقات زندگی که ستر است
 تجارت معارف و باقی است باید در تحصیل این سوهب عظمی مصروف کرد و در تجرد و خلوت با لغت حکیم
 الاطلاق و مصلحت شامه معبود با شستخاف جنات انضامینا بد که هر فردی از افراد این نوع در امور
 معاش سبکبختی و سراجام زندگی هر یک سعی و تلاش را فی افراد منوط باشد تا لاجرم صرف تمام
 اوقات عمر در تحصیل معرفت و اشتغال بعبادت مستعد راست لهذا در میان ماهها سال چندین ماه
 ممتاز در میان آنها یکی را اشرف و افضل از همه کرده اند و آنرا واجب کرده اند و ثواب عبادت
 در آن مضاعف نموده و ماه قبل از آن که ماه رجب و شعبان است نیز بزرگتر است از غیر آن و مربوط
 بماه مبارک رمضان نموده از قبل بطریق فوافل با فرایض است قبول نیز و ماه کواکب از مقدّمات
 ماه مبارک رمضان و بمنزله نافله آن ماه است و بسبب عبادت دوزخ و دوماه صفای باطن و حصول
 بیتی حاصل میشود و استعداد عبادت ماه رمضان تمام می شود و اگر ساهله و مسامحه را غافل
 رمضان واقع شود جبران عبادت نیز و دوماه واقع می شود و چنانچه فرموده است در بعضی
 فرایض میباشد همچنین نیز و ماهی که در حکم نافله ماه رمضان است ضعف ماه مبارک رمضان
 و ستره ریز ناب در رسد آخرین نیز آورده مذکور شد و از این تحقیق ظاهر میشود ستر آنکه حق تعالی
 میان اوقات ماه فیالی بعضی و ایام سبب نیز بسیار ضعیف داده و همچنین در میان اوقات
 هفته شش جمع و روز آخر نماز و در میان اجزای شبانه روز اوقات صلوات را امتیاز داده
 است و این تحقیق از جمله افادات و دلایح حدیثیه است امام الله تعالی نماید است که در بعضی
 مؤلفات خود ذکر نموده **و بدانکه** تسمیه این ماه مبارک بر رمضان حجه آنست که رمضان مشتق
 از رمضان است و رمضان معنی شدت گرمی و حرارت است و چون دوزه باعث گرمی و حرارت دل های
 صلابتین از آنست جوع و عطش میشود باین جهت باین نام نامیده اند و بعضی گفته اند که حجه
 کسان در دوزه داران و بر طرف نشدن آنها باین نام نامیده اند و بعضی دیگر گفته اند که در وقت
 تسمیه این ماه باین اسم عین شدت گرمی و تابش آن بوده و باین جهت باین نام نامیده اند و از احادیث
 و اخبار ظاهر میشود که رمضان اسم مقدس الهی است و باین جهت حق تعالی رمضان را در قرآن
 وارد شده است چنانچه کلمتی از سعد روایت کرده است که گفت ما هفت نفر در خدمت حضرت امام محمد باقر

در بیان فضایل ماه مبارک
 رمضان

تسمیه این ماه
 مبارک



بودیم و در رمضان نماز مذکور ساختیم حضرت فرمود که مگوید این رمضان است و نرو رمضان در رمضان
 زیرا که رمضان اسمی از اسماء مقدسه خداست و ایضا از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که در این ماه
 کرده است که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که در رمضان مگوید و لیکن ماه
 رمضان مگوید بدستی که شما عمداً بنید که در رمضان چه چیز است و اکثر علماء این ماه را بر کرامت
 حمل نموده اند زیرا که در روایات بسیار لفظ رمضان بر شهادت بدون لفظ شهر مستعمل شده است
 و احوط رعایت این معنی است و ممکن است که استعمال لفظ رمضان بر شهادت در اخبار را
 عدم صحت و اهتمام رواه حدیث ناشی شده باشد و الله تعالی **بیکر و بداند** احادیث و روایات
 در باب فضیلت و ثواب عبادت در این ماه زیاد از حد عدوا و حسان چنانچه بعضی از آنها را
 ابواب بسیار گفته اند که در بعضی بقره سیادت اعمال را بواسطه آن مذکور می شود و انشاء الله
 تعالی و معظم آنها را جهت مزید رعایت مؤمنان در این ماه بطاعات و قربانیات در این باب مذکور
 میسازیم شیخ جلیل نبیل محمد بن بابویه قمی رحمة الله علیه در کتاب سعیدون اخبار الرضا صلوات الله
 حضرت امام رضا از اباء طاهرین آنحضرت از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و سلمه
 اجمعی روایت کرده است که رسول خدا روزی برای ما خطبه داد نمود و فرمود ایها الناس
 بدستی کرده است بجا شهادت ماه خدا با برکت و رحمت و مغفرت ماهی که نزد حق تعالی افضل
 ماههاست و روزهای آن افضل روزها و شبهای آن افضل شبها و ساعات آن
 افضل ساعات است ماهی که خوانده شده اید را نماه بفضیلت خدا و کردید اید از آن
 کرامت خدا و نفعهای شهادت در این ماه تسبیح است و خواب شما در این ماه عبادت است و عمل
 در این ماه مقبول است و دعای شما در این ماه مستجاب است پس سوال کنید از حق تعالی
 با نیتهای صادقانه و دلهای پاکیزه آنکه توفیق دهد شما را برای روزه داشتن این ماه
 نلایم نمودن قرآن در این ماه بدستی که شنی کسی است که محروم باشد از امر حق تعالی
 در این ماه بزرگ و بیاید آورد بکبر سگی و تشنگی خوردن این ماه کبر سگی و تشنگی و زشتی
 و بصدق کنید بر فقر و مسکین خود و توفیق و تعظیم نماید بزرگان خود را و ترمیم کنید
 خود سالان خود و با ارحام و خودیشان صلوات الله علیه و بر این بکشد و نگاه دارد در این ماهی خود
 را از آنچه روا نباشد گفتن آن و بپوشید پیدهای خود را از آنچه حلال نباشد نظارت
 نسوان و محافل کنید کوششهای خود را از آنچه جایز نباشد شنیدن آن و ترمیم کنید
 یقینان ناحق بقریبان شما ترمیم کند و توبه کنید در درگاه حق تعالی از گناهان خود و
 بلند کنید دستهای خود را بدعا در اوقات نمازها بدستی که اوقات صلوات الله علیه
 ساعات است و حق تعالی آن اوقات نظر رحمت میکند بر بندگانش خود و جواب بگوید

این نشان و نشان
 در ماه بسیار است

ایشان را هرگاه مناخات کنند اولاً و ثانیاً میگوید هرگاه ندا کنند و در احوال دعا
 ایشان میکند هرگاه بخوانند اولاً ایها الناس بدستی که جانهای شما در کبر و عجبها
 شماست پس از کبر و بدو آورد جانهای خود را با استغفار نمودن و پیشتهای شما که از ایشان
 بارگناهان شما پس بسبب کنید پیشتهای خود را مطبوعه اذن سجده و بدانید که حق تعالی
 سوگند یاد نموده که عذاب نکند نماز کند از بندگان و سجده کند گناهان و نرساند ایشان
 بآتش جهنم در روزی که ایشاده باشند بندگان در برابر پروردگار عالمیان ایها الناس
 هر که افطار نماید از شما مؤمنان روزه در ایام این ماه او را ثواب زیاد کرده اند و بنده باشد
 و امری برای گناهان گذشته او صحابا بکنند یا رسول الله هر که نماز این ماه است که
 قدرش برابر باشد باشد فرمود که بپوشید از خدا و اگر چه ضعیف نما باشد بپوشید
 از خدا و اگر چه شریف آبی باشد ایها الناس هر که در این ماه خلق خود را نیکو کند آسان
 گذرد از صراط در روزی که بفرز آن قدم نهاد هر که در این ماه تحقیق نماید بر بندگان خود
 خدمت را حق تعالی تحقیق نماید حساب او را و هر که در این ماه باز دارد از مردمان شر
 خود را حق تعالی از او باز دارد غضب خود را و روزی که ملاقات نماید خدا را و هر که
 در این ماه بقیه را بنوازند حق تعالی او را بنوازند در روزی که ملاقات کند او را و هر که در این ماه
 صلوات کند رحم خود را حق تعالی صلوات کند با او در روزی که ملاقات کند او را و هر که در این ماه
 قطع کند ریح خود را حق تعالی قطع نماید از او رحمت خود را و هر که در این ماه سستی بجا
 آورد حق تعالی برای او برائی از آتش جهنم بنویسد و هر که در این ماه فریضه داد کند او را
 ثواب کسبی باشد که در غیر این ماه هفتاد فریضه داد کرده باشد و هر که در این ماه بسیار
 صلوات بفرستد بر حق تعالی میزان عمل صالح او را کوه اندود روزی که میزانها
 باشد و هر که در این ماه آیه از قرآن مجید بخواند و از ثوابی که باشد که ختم قرآن در غیر این ماه
 کرده باشد ایها الناس بدستی که در راههای جهنم در این ماه کشته است پس از حق تعالی سوال
 کنید که بنده آن در راه را بر روی شما در راههای جهنم در این ماه بسته است پس از پروردگار
 خود طلب کنید که نکشاید آن در راه را بر شما و شیاطین در این ماه غلظت شده اند پس از خدا
 خود مشگت نماید که مسلط نکند اند آنها را بر شما پس حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
 برخواست و گفت یا رسول الله افضل اعاله و این ماه چیست فرمود که یا ابا الحسن بهترین اعمال
 در این ماه بر هر کار یا از عمرت است و کلینی رحمه الله علیه از امام محمد باقر روایت کرده
 است که رسول خدا چون نظر میکرد به اهل این ماه و مضان و نجابت قبله میکرد و دعا می
 خواند پس و مردم میکرد و میفرمود ای گروه مسلمانان بدانید که هرگاه طلوع کند هلال

ماه رمضان غلگرمه می شود متمدان شیاطین و کشتود می شود درهای آسمان و درهای شب
و درهای رحمت و بسنه میشود درهای جهنم و مستحار می شود دعا و حی مغالی و در هر
آزاد کرد ها از آتش جهنم می باشد و هر شب منادی ندا میکند که آیا هست سؤال کننده تا
خاطش را بر آورد آیا هست استغفار کننده تا گناهانش را بیاورد یا خداوند اعطای هر که را
انفاق کند و راه تو خلقی و عوجی و هر که را امسال کند و انفاق نکند اللهم انزلناک و
پوسته از نداد و هر شب میکند تا طلوع صبح ماه شوال پس ندا میکند در شب عید مؤمنان را
که صیاح زود بیاید بسوی جایزه خود که آن روز جایزه است پس حضرت امام محمد باقر
فرمود که حتی آن خداوندی که جان من در قبضه قدرت اوست که بنیت آن جایزه مانند
جایزه دینار و درهم و این با بوی برضه در کتاب غایب اعمال از آنحضرت روایت کرده است که
رسول خدا ص در جمعه آخر ماه شعبان خطبه فرمود و فضایل بسیار برای ماه مبارک رمضان
ذکر نمود پس فرمود که این ایام است که اولش رحمت است و وسطش مغفرت گناهان است تا آخرش
اجابت دعوات است و آزادی از جهنم و شماراد را بنامه ناچار است از چهار خصلت و خصلت
که خداوند خود را با آن را می کشید و دو خصلت که خود مهاجید با آن آید و خصلت اول
پس آنکه کوهی هید که خداوندی بنیت بجز خدا وید یکانه و آنکه من رسول و فرستاده اویم
و اما دو خصلت دیگر پس آنکه از حی مغالی خصلت خود را وریش و عاقبتی و اطلکند و از جهنم و
عقوبات آن عباد بنامه برید و ایضا در کتاب غایب گوید که از آنحضرت روایت کرده است که حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه فرموده که چون ماه رمضان می شد رسول خدا ص بر میخواست
و حمد شای آنجا می آورد و میفرمود ایها الناس حق تعالی کفایت کرده است از شما شتر
دشمن شمارا از جن و انس فرموده است اذ عوف استجب لک یعنی خاکیند تا مستحار بنامه
برای شما و عدل احاطت و غایبش اده است و بد رستی که بر شیطان بریدی هفت ملک موکل
ساخته که رها میکنند او را تا ایامه نام شود و درهای آسمان کشوده است در شب اول ایامه
تا آخر آن و دعا در آن مقبول است و در کتاب عبود اخبار الرضا از حضرت امام رضا علیه السلام
روایت کرده است که حضرت رسالت ص فرموده که ماه رمضان ماه بزرگی است حسنه در آن
مصنوع می شود و سیئات در آن محو می شود و رجحان در آن بلند می شود هر که صدقه کند در
ایامه و صدق حق تعالی او را بسیار مزد و هر که بنده خود نیکی کند خدا او را بسیار مزد و کسی که
خلق خود را در آن نیکو کند او را بسیار مزد و کسی که خشم خود را در آن فرو خورد او را بسیار مزد
و کسی که صلح کند در آن خدا او را بسیار مزد و هر که از این ماه شما مانند سایر ماهها
بنیت هرگاه رو میکند بسیار و میکند بزرگت و رحمت و هرگاه پیش میکند پیش میکند آمرزش

کنان

کنان این ماه است که حسنه در آن مضاعف است و اعمال خیر در آن مقبول است هر که از شما در این ماه
نماز کند و گناهان او آمرزیده نشود در این کار خواهد بود در هنگامی که نیکو کاران بجایزها
پروردگار بزم خود فایز شده باشند مؤلف گوید که نماز گذاردن و آخرج بیت کنایه از اسلام
ایمان است یعنی کسی که مؤمن باشد و نماز گذارنده باشد و آمرزیده نشود در این کار است و احتمال
دارد که مراد نماز عید باشد یعنی کسی که تمام ماه را در نماز عید را کند و گناهان او آمرزیده
نشود در این کار و خاص خواهد بود و الله یعلم و در کتاب انالی و ثواب الاعمال از ابن عباس
روایت کرده است که حضرت رسالت ص بنامه چون ماه رمضان داخل می شد همگی اسیران را از
حبس رها می سپارد و هر سال یکی از آنحضرت سؤال می نمود چیزی باو عطا می فرمود و کلینی در
سند خود از حضرت رسالت ص روایت کرده است که ماه رمضان ماه خدات و روز آن بر
شما واجب است پس هر که آن را دروزه بدارد با ایمان و نیت صحیح از گناهان خود بیرون رود مانند
روزی که از نماز متولد شده باشد و این با بوی بره که کتاب مجالی از ابن عباس روایت کرده است
که رسول خدا ص فرمود که اگر بداند آنچه را برای شما مقرر شده در ماه رمضان هر گاه شکوخی
نثار را زیاده میکردید پس فرمود که چون شب اول ماه رمضان شود بسیار مدح حق تعالی هر گاه
آمنه را گناهان پنهان و آشکارا و ایشان را و بلند کرد اند برای شما و هزار هزار درجه و
کند برای شما پنجاه هزار هزار آمد سینه در روز و دویم بنویسد برای شما هر گاه کسی بر داند
در آن روز عبادت یکساله را با ثواب چهل سوره بنویسد برای شما روزی یکساله او در
روز سیم عطا فرماید هر سوره که بر بدنه های شما باشد قبه در فرود سازد و سفید کرد در آن
آن قبه و از ده هزار خانه باشد از نور و در هر خانه هزار سوره بر باشد و بر هر سوره سوره
نشسته باشد و بر شما داخل شود در هر روز هزار ملک و با هر یکی هدیه باشد برای شما و در
روز چهارم عطا نماید شما در حجه الجده هفتاد هزار قصر و در هر قصری هفتاد هزار خانه و
در هر خانه پنجاه هزار سوره بر هر سوره جوری باشد و با جوری کبیرک باشد که یکی از آنها
باشد از دنیا آنچه در دنیاست و در روز پنجم عطا کند شما در حجه المادی هزار هزار آمد سینه
در هر مدینه هفتاد هزار خانه در هر خانه هفتاد هزار ایامه بر هر ایامه هفتاد هزار ظرف و در
ظرف هفتاد هزار ایامه طلسم که بعضی شبیه نباشد و در روز ششم کوه سفید نماید شما در دار
السلام صد هزار آمد سینه در هر مدینه صد هزار ایامه در هر سوره صد هزار خانه در هر خانه
صد هزار سوره طلا که طول هر سوره هزار ذراع باشد و بر هر سوره ذوق نشسته باشد از حورین
که بر اوس هزار کیسوا باشد بافته شده بدو یا قوت و هر کیسوی صد کیسوا باشد و
در روز هفتم عطا فرماید شما در حجه النعم ثواب چهل هزار استمیل و چهل هزار صدقین و در روز

در روز اول ماه رمضان

هشتم عطا نماید بشما ثواب عمل شصت هزار غایب و شصت هزار از اهدا و در روز نهم عطا کند بشما
آخر عطا فرماید هزار غایب و هزار منگفت و هزار مراط و در روز دهم برآورده هفتاد هزار رحمت
شما را و استغفار کند برای شما افساب و مایه و سنا برکان و چهار نایان و مرغان و در روز دهم برآورده
سنگی و کلوی و هرت و خشکی و همه ما هیان دریا و برکهای درخشان و در روز نهم برآورده هفتاد هزار
بشما ثواب چهار حج و چهار عمره هر حجی با سبعین ری از سفیران و هر عمره با صد حجی و بیست حج
و در روز دهم برایشان شصت حج است و در روز نهم برایشان شصت حج است و در روز نهم برایشان شصت حج است
و هر کس برای شما هزار رحمت بنویسد و در روز نهم بر او بنویسد برای شما شصت حج است
اهل مکه و مدینه و عطا کند بشما صد هشتاد و کلوی که در مابین مکه و مدینه است شصت حج
و در روز چهارم بر چنان نماند که کوپا ملاقات کرده باشد آدم و نوح و ابراهیم و موسی و داود
و سلیمان و زکریا عبادت کرده باشد یعنی تعالی با هر چه بر او است ساله و در روز نهم بر او
قتضا نماید یعنی تعالی پانزده حاجت از خواهی دنیا و آخرت شما را و عطا فرماید بشما آنچه عطا
نموده باشد باقی بماند و دعای شما را مستجاب کرد اند و طمان عرش برای شما استغفار کند
و در روز قیامت عطا فرماید بشما چیزی نمانده و نور از جانب راست و در روز نهم بر او بنویسد
از پیش روی ده نور از پشت سر شما و در روز شانزدهم عطا کند بشما شصت حج که چون از قبر
بپوشانید و نافرمانی که سوار شوید و ابروی برای شما آید و در روز نهم بر او بنویسد
روز و در روز هفدهم فرماید که بدیستی که آن روزیم شما و پدیدان شما را و دفع کردم از شما سدا
روز قیامت و در روز نهم بر او بنویسد و سیکارید و سرافیل علیه السلام و طمان عرش
که در میان را که استغفار کند برای شما شصت حج است و عطا کند بشما در روز قیامت
اهل بد را و در روز نهم بر او بنویسد که عطا کند که چون از دنیا برود هیچ ملکی در سر
آسمان نماند زمین نماند مگر آنکه هر روز طلب رحمت کند از پروردگار عالمیان در روز قیامت
کردن قبول شما و چون بنیارت شما آید هر ملکی با خود هدیه و شتر برای شما آورده باشد
و در روز نهم بر او بنویسد برای شما هفتاد هزار ملک که محافظت کند شما را از شیطان جرمی
و بنویسد برای شما هر روزی که روزه داشته باشید روزه صد ساله و بگرداند میان
شما و آتش جهنم خندی و عطا کند بشما ثواب کسی که خوانده باشد قرآن و احمید و زبور و
فرقان را و بنویسد برای شما بعد هر پی که جبرئیل امیر عبادت سالی و عطا کند بشما ثواب
تسبیح عرش و کرسی را و تزویج نماید بشما بعد هر آیه از قرآن هزار حجی و در روز نهم بر او
این کرامت فرماید که چون در قبر قرار گیرد فراخ کرد انداز برای شما هزار فرسخ را و در روز نهم
شما خلق و وحشت آنرا بگرداند قبول شما را مانند قبول شهدا و بگرداند زکوةهای شما را مانند

روی حضرت یوسف و در روز نهم بر او بنویسد و در روز نهم بر او بنویسد و در روز نهم بر او بنویسد
روح شما بنویسد بیاید او چنانچه برای حضور و سینه بیاید و در روز نهم بر او بنویسد و در روز نهم بر او بنویسد
دیگر را و در روز نهم بر او بنویسد و در روز نهم بر او بنویسد و در روز نهم بر او بنویسد
انکه عبور کنید از صراطنا سفیران و صد بقان و شهدا و چنان نماند که سیر کرده باشد
هر یکی از امت مرا و بنویسد نماند هر عیبی از امت مرا و در روز نهم بر او بنویسد و چهارم که است
فرماید بشما آنکه برین نروید از دنیا تا به زمین مسکن خود را در بهشت و عطا کند هر یک از
شما را ثواب هزار مرض و هزار غریب که در طاعت خدا از منزل خود بیرون رفتند و عطا
کند بشما ثواب آزاد کردن هزار بنده از فرزندان اسمعیل را و در روز نهم بر او بنویسد و پنجم نماند که حق
برای شما در زیر عرش خود هزار قبه سبز بر سر هر قبه خیمه از نور و حی تعالی فرماید که ای امیرالمؤمنین
من پروردگار شما هستم و شتان کان و کیزان منید در سایه عرش من را آید درین قبرها و بخورید
و بیاشامید کوا را بدیستی که نیست خونی بر شما و اندوهی ای امت احمد بیزش و جلال خود
سو کند که شما را بسوی بهشت بفرستد که بچند از شما اولین و آخرین و بهر یک از شما نماند از نور
عطا فرماید و سوار کند هر یک از شما را بر ناقه که آنرا از نور خلق کرده باشم و افسانان نام از نور
باشد و در آن افسانان هر جلفه از طلا و بر هر جلفه ملکی از ملک آید و نماند بدیستی
ملکی عبودیت از نور باشد تا آنکه داخل بهشت شود بی حساب و در روز نهم بر او بنویسد و ششم حق تعالی
نظر رحمت کند بسوی شما و بیامیزد هر کس که اهلان شما را مگر چون کسی که در دنیا نماند و نگاه
دارد شما را هر روز هفتاد مرتبه از غیبت و دروغ و نهان و در روز نهم بر او بنویسد و هفتم چنان باشد
که کویا هر مؤمن و مؤمنه را نصرت یاری نموده باشد و هفتاد هزار عریان را گنوه داده باشد
و هزار مراط را خدمت کرده باشد و خوانده باشد هر کس را که حصص فرستاده است بر مغربان خود
و در روز نهم بر او بنویسد و در حین الخلد صد هزار حج و در حین الخلد صد هزار حج و در حین الخلد صد
هزار حج از زعفران و در هر خانه هزار سر بر از رویا و قیامت که بر هر سر بری زنی باشد از خود
و در روز نهم بر او بنویسد و نهم عطا فرماید بشما هزار رحمت که در جوف هر حج که قبر سفیدی باشد از نور
و در هر قبر سر بری باشد از کافور سفید و بر هر سر بری هزار فرسخ کشته باشد از سفید سبز و بر
هر فرسخ جوری باشد و آن جوری هفتاد هزار رحمت بنویسد باشد و هشتاد هزار کبیره آشته
باشد که هر کس بسو سگلابد و یا قوت باشد بر چون روزی می شود بنویسد برای شما بعد در روز
که کند شصت است بر شما ثواب هزار شهید و هزار صدیقی و بنویسد برای شما عبادت بیجاه ساله را

یا مالک امی

و بنا نسوید برای شش ماه بعد هر روزی روزه دو هزار روز را و بلند کرده اند در حاکم شش ماه بعد
آنچه در سینه است در زمین از آب نعل و بنوسید برای شش ماه از آن چشم و کدو سبز و جراحی
را با ساسی و امین بودن از عذاب آبی و برای صحت در شب که آنرا بیان گویند و آن کشود و شش
نار و قیامت و آنرا بکشاید برای مردان روزان روزه داران محمد و رضوان خازن هر شب
گوید که ای است محمد بیاید نسوی بیان پیرا من من اخل سوتید از آن در نسوی هر شب و آنرا بوی
در کتاب من لا یحضره از حضرت صادق روایت کرده است که برای حق تعالی در هر شب از شش ماه
ماه رمضان آزاد کرد هاست از آن چشم مکر کسی که بمسکرا فطرا کرده باشد یا عداوت یا خدا
رسوله اشترا باشد یا صاحب شانه نباشد یعنی شطرنج بازی کند و چون شب آخر ماه شود
آنچه در تمام ماه آزاد کرده در آن شب آزاد کند و سید زین العابدین در کتاب قبال از آن حضرت روایت
کرده است که چون شب اول ماه رمضان شود حق تعالی بیامرزد هر که خواهد از خلائق و چون
شب دوم شود و مثل شب گذشت را بیامرزد و همچنین هر شب آنرا مضاعف نماید تا چون شب آخر ماه
شود و برابر تمام شبهای گذشت در آن شب بیامرزد و این باب بوی در کتاب ثواب الاعمال از آن حضرت
روایت نموده است که هر که آمرزیده نشود در ماه رمضان آمرزیده نشود تا سال آینده مگر آنکه
عرفات را در یابد و ایضا در کتاب مذکور از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که از برای
خدا ملکی چند هست مگر برونه در آن و استغفار میکنند برای ایشان در روز هفت ماه رمضان
تا آخر آن و در هر وقت افطار نمایند ایشان را که ای بندگان خدا بشارند با شادمانی و رستی که
گرسنه شده اند که وزود باشد که بسیار میشود با برکت شدن و برکت در میان شما هر چند
و چون شب آخر شود ندا کنند ایشان را که ای بندگان خدا حق تعالی کنا هان شما را آمرزید و قوسه
شمار قبول نمود پس نظر کنید که چگونه خواهید بود و احمد بن علی در کتاب نواد از حضرت امام
حجیف صادق روایت کرده است که ماه رمضان ماه خداست و تهللیه و تکبیر
تحمید و تسبیح در این ماه بسیار بکند و این ماه بهار فقر است چنانچه حق تعالی عید قربان را بر آن
سپری مساکین از گوشه فقر فرموده است پس اطعام کنید از آنچه زیاد آید از غنای آبی و عیال
خود و همایکان خود و بنیکو بخوارش نماید با نهنهای آبی و با برادران خود صدقه و مرانی کنید
و فقر و مساکین از برادران خود را اطعام کنید بد رستی که هر که افطار فرماید ضایع برای او
ثواب روزه آن ضایع باشد بلکه از ثواب او چیزی کم شود و ماه رمضان ماه عتق ناسیه می شود
زیرا که برای خدا در هر شبانه روزی ششصد عتق از آتش جهنم است و در آخر ماه بقدر آنچه
در تمام ماه آزاد کرده آزاد مینماید و شیخ طوسی در کتاب اسالی از حضرت امام محمد باقر روایت
کرده است که حق تعالی بعد از نماز واجب از هیچ نمازی سؤال نمیکند و بعد از آن روزه از هیچ صدق

بعد از آن

سؤال نمیکند و بعد از گرفتن روزه ماه رمضان از هیچ روزه سوال نمیکند و این باب بوی در کتاب
حضان از حضرت امام حسن مجتبی روایت کرده است که هر که ده ماه رمضان متوالی را روزه دار
د اهل بهشت می شود و در این مقام چند فایده را که تنبیه بر آنها ضروری است مذکور میسازیم **فایده**
اول بدانکه در بسیاری از روایات سابقه مذکور است که شیاطین با در این ماه در غل و زنجیر میکنند و
بر این اشکالی متوجه میشود که فایده حبس شیاطین آنست که مردم ترک مشایع شیاطین کنند و
مغایبه را ترک کنند نشوند و خلافتی از معنی محب ظاهر از احوال بعضی از مردم مشاهده می شود چه صیفت
کفار و ارباب ممل فاسده و عقاید باطله ثواب و محکوم است و همچنین مشایع شیاطین فسادانی
فست بقسانی فرقه ناجیه امامیه معلوم است بلکه از غیر معصومین صلوات الله علیهم اجمعین
معصیت و خطا در این ماه صادر میشود و از معصوم اگر چه صادر نمیشود لیکن اخضا ص باجناة
نماره و مستید بر طوسه در کتاب قبال بعد از ذکر اخبار در این باب طلب گفته است که یکی از اهل
دین این شهر را از من پرسید و گفت من تقوا فی در حال خود در ماه رمضان و پیش از آن نمی ایتم
بلکه همان غفلتی را که قبل از این ماه رمضان برای من بود در ماه رمضان نیز در خود می بینم پرسید
گفته که من چند جواب گفتم **اول** آنکه ممکن است که در حدس نیز فدی اذیت ایشان برسد
و اگر شیاطین مجبور و مغلول نباشند صبرا خروید و دنیوی ایشان بیشتر باشد پس غرض
حبس ایشان دفع زیادتی صبرا ایشان است نه اصل صبر **دوم** آنکه ممکن است که بعضی از
طایفه از شیاطین اختصاص داشته باشند و شیاطین این ماه داخل کنند و شیاطین
ماهها دیگر مطلق العنان باشند و اذیت ایشان ب مردم رسد **سیم** آنکه ممکن است که
شیاطین را از اذیت و اغوی مؤمنین منع کرده باشند و از اغوی کفار و منقده ممنوع باشد
چهارم آنکه ممکن است که شیاطین را همگی در غل کرده باشند بغیر ابلیس که شیطان بزرگ و پدید
است و اغوی او ب مردم میرسد از او باشد **پنجم** آنکه همگی شیاطین مجبور و مغلول باشند
و نفس مآره و شیاطین را با عت اغوی مردم شوند **ششم** آنکه همگی شیاطین مجبور
باشند و کنا های که رسد کنا قبل از این ماه رمضان کرده اند با عت غفلت ایشان شود و بر
شد بر فطن پوشیده نیست که بعضی از این جوابها دفع اشکال اصلا نمیکند و بعضی در
نهایت ضعف است بغیر جواب پنجم که بحسب ظاهر صحیح و اشکال را نیز دفع مینماید و
علامه مولانا علی قاری رحمه الله نیز از دفع این شبهه اختیار نموده است و آنچه در دفع این
اشکال بخاطر این حقیقت شکسته میرسد آنست که لظان خاصه حق تعالی و توفیق است و ناسیه
کو بر حیل و علا در این ماه زیاد از ماههای دیگر است چنانچه در هر شب چندین هزار کس از آتش
جهنم آزاد میکنند و ثواب طاعات و عبادات در این ماه نیز چندین برابر مضاعف است

و هر که توفیق یکت علی صلح در این ماه بیاید هر چند بسیار ضعیف باشد البته آرزوی می شود و
 جزای معاصی نیز اگر چه در این ماه مضاعف است و لیکن بسیار زیاد است که عمل خیر را از اهل معاصی
 ضاع و فرستد و بسبب آن آرزوی نشود و الا توفیق اصل و زه را می باید و باین سبب سختی
 ثوابها مانده میشود و اذیت و اغوی شیاطین اگر چه بندگان با عبادت میانند از
 لیکن شریعت بر آن مرتب می شود چه مخصوصات خاصه آلهی و الطاهره مخصوصه غیر مشایخ مبارک است
 را میکند زیرا که بآن سبب توفیق اعمال خیر می باید هر چند بسیار قلیل باشد و آرزوی می شود
 عمل کردن شیاطین گنایه است از عدم تاثیر آن و خداوند حصول شتر اغوی ایشان را و الله تعالی بیک
فایده در این ماه که در روایات بسیار وارد شده است که ماه مبارک رمضان اول سال است چنانچه
 بعضی از آنها کتب و بعضی بعد از این ترتیب ذکر بعضی اعمال مذکور می شود و بعضی سیدین طهارت
 در کتاب قبایل سید خود از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده است که ماه رمضان اول سال
 است و در بعضی از روایات وارد شده است که اول سال است قدر است چنانچه بعد از این مذکور
 میشود انشاء الله تعالی و در بعضی از روایات مذکور است که روز عید رمضان اول سال است
 چنانچه در برخی از روایات انشاء الله تعالی مذکور خواهد شد و مشهور میان عرب و معروف از
 بعضی روایات است که اول سال محرم است و وجه جمع میان این روایات آنست که این ماه در خلاف
 اعتقادات مختلف می شود پس اول سال شرعی از حیثیت اشغال بعبادات و عبادات ماه
 مبارک رمضان است و ممکن است که کس درین ماه چنانچه سیدین طهارت در کتاب قبایل مذکور
 نموده این باشد که شواهد عقلی و نقلی شهادت میدهند باینکه استیفاء دخول در هر کاری مؤثر
 آن کار است چنانچه اگر اول آن شغل در ساعت نیک اتفاق افتد و بجز خود و بجز و باشد
 آن شغل بسببکی با تمام برسد و بعد از آن بجز خودی بیشتر بکند و چون ماه مبارک رمضان
 اشرف و افضل ماههاست سال و محل عبادت خداوند که بر همه اعمال است و فیوضات آسمانی
 در آن ماه آفاقا بر مردم افاض می شود لهذا آنرا اول سال عبادت است که آید که اول سال
 بجز خوب و عبادت و طاعت محسوس باشد و این معنی نابع آنست که در بعضی سال نیز عبادت
 و عبادت خداوند واجب تعظیم طری شود و اول سال نقدی از زانی و آجال و وقایع سخن
 در آن سال است قدر است و اول سال حوازی اکل و شرب روز عید ماه مبارک رمضان است
 و اول سال عرفی جهت اشخاص احوال معاملات و ضبط تواریخ و وقایع ساختن و احوال اینها
 محترم است و الله تعالی بیک **فایده** سیم بدانکه این ماه چنانچه در میان ماهها افضل از همه است
 همچنین در میان اوقات این ماه بعضی نسبت بسیار اوقات اشرف و افضل باشد مانند شب نوزدهم
 و بیست و یکم و بیست و نهم و مانند عشر آخر نظر به عشر اول و مانند شبهای طاقی و شبها

حفت و تعصیل هر یک در محل مناسب انشاء الله تعالی مذکور می شود و مانند جمعی اینها نظر است
 اوقات چنانچه این ماه بویژه در کتاب تواریخ اعمال از حضرت امام محمد باقر روایت کرده
 بدستی که برای چهار ماهه مبارک رمضان فضیلت و زیادهای است بر جمیع ماههای دیگر
 مانند فضیلت ماه رمضان بر ماههای دیگر و در نسخ دیگر چنین است که مانند فضیلت حضرت
 رسالت بر سبب این دیگر **خاتم** شیخ حبیب بن علی و قطب باوندی روایت کرده است که در کتاب فضیلت این ماه
 سید خود از سید محمد بن شیخ صدوق این ماه بویژه روایت کرده و سند خود متصل نموده
 بچهار مرتبه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و علی ابی الطاهرین و اسباب
 المطهرین که از حضرت فرموده که در کتاب انبیا نیمی نوشته است که هر سال که در ماه مبارک و شرف
 آفتاب بگذرد مردمان همگی پادشاه فارس را اطاعت کنند و مردم را بر عرب و اولاد علی عظیمی سید
 و تائید ایشان بر مردم غالب شوند و غنیمت آسیران بسیار از ایشان بگذرد و هر سال که در ماه
 رمضان ماه بگذرد در بلاد حلیه شای می شود و برون و باران بسیار بارد و آب بسیار باشد
 و در این ماه فارس در دکان بسیار برسد و در شهر غنیمت ماه مرکب اطفا و زنا بسیار باشد
 و الله تعالی بیک **فایده** چهارم این ماه **باب ششم** در بیان بعضی از فواید و احکام معتقد باین
 مبارک رمضان و در آن چند گفته است **المعنی** اول در بیان کیفیت دخول ماه مبارک رمضان
 بدانکه مشهور میان علمای شیعه رضوان الله علیهم آنست که مناط دخول ماه مبارک رمضان
 خروج آن مانند سایر ماهها در وقت هلال است و هر شبی که هلال ماه مبارک رمضان می شود
 در آن شب غزوه ماه مبارک رمضان است خواه از غزوه ماه شعبان بیست و نوزدهم گذشته باشد
 یا سی و نهم و همچنین هر شبی که هلال شوال می شود روزان عید و غزوه ماه شوال است خواه
 از غزوه ماه رمضان بیست و نوزدهم گذشته باشد یا سی و نهم و زو بر این مذاهب شواهد بسیار است مثل
 ظاهر آيات کثیره و صریح اخبار مستکثره منظره و کلام لغویین و آریات بخلاوات و اهل
 لسان نیز بر این قول دلالت دارد و جمیع بیکر آن فواید علمای امامان است که در حدیث محمد بن قلوب
 بر علی بن بابویه و شیخ سعید و شیخ سعید قدس سره و احوال و بعضی دیگر از فواید قابل شده اند که
 ماه شعبان همیشه ناقص است و بیست و نوزدهم است و ماه رمضان همیشه تمام و سی و یکم است
 که انبیا سال فخری از ماه محرم است و عبادت و اعمال محرم تمام می شود و ما و اول سال تمام است و ماه
 دوم ناقص است و سیم تمام و چهارم ناقص همچنین یک در میان تمام ناقص است و اینها است که ماه
 که ذی الحجه است ناقص است پیش شاه تمام است که آن محرم و ربیع الاول و جماد الاول و رجب و ماه
 رمضان و ذی القعدة است و شاه همیشه ناقص است که آن صفر و ربیع الثانی و جماد الثانی
 و شعبان و شوال و ذی الحجه است و این طایفه را اصحاب عده می کنند و ظاهر بسیاری از اخبار

این کتاب از کتاب
 جامع در بیان ماه مبارک
 رمضان است

این کتاب از کتاب
 جامع در بیان ماه مبارک
 رمضان است

اخبار بر این قول نیز دلالت میکند و لیکن بعضی از آنها مقدم است و برخی مقدمه است الدلالة آن
چنانچه شیخ طایفه شیخ طوسیه در کتاب تهذیب اکثر آنها را نام میبرد و بعضی را با امر طرح
کرده است و ذکر روایات طرفین و جمع و تعدیل آنها مناسب است کتاب بنیت و قول اول اشهر
اقوی بلکه مجمع علیه میاز مناخرین علماء است حتی آنکه شیخ طوسیه در کتاب تهذیب گفته که اصحاب
حدی قوی از شداد صدیق اند و قریب به چاه حدیث برده آن که هر یک از آنها صریح در مذاهب
مشهور است ذکر نموده و گفته است که اخبار را نیز طلب کرده اند از ابن ابی عمیر و کفایت اشیا
مطابق میناید و سید بن طاوسه در کتاب قبایل گفته که این اختلاف قبل از زمان ما بوده و
الحال اصلا در میان بنیت و جماعتی از علماء را که نزد امیر یا قول ایشان را شنیده ام قایل
مبذمت مشهور است و گفته که کتابی که در کتب معتبره است که در کتاب شیخ معتبره در کتاب شیخ معتبره
اصحاحی آمده بوده و بعد از آن که در کتب معتبره است که در کتاب شیخ معتبره در کتاب شیخ معتبره
نموده بمذهب مشهور قایل شده و در آن کتاب گفته که شیخ معتبره در کتاب شیخ معتبره در کتاب شیخ معتبره
عده بوده و بنا لغیر زیاد در آن بار نموده و تائید کتب معتبره است که در کتاب شیخ معتبره در کتاب شیخ معتبره
آن کتاب رجوع از مذاهب اهل حدیث نموده قایل بمذاهب مشهور شده است و از غیر اینست که
این باب در کتاب معتبره است که در کتاب معتبره است که در کتاب معتبره است که در کتاب معتبره
نقل نموده و تائید نموده است و بعد از آن در ابواب بعد از آن در ابواب بعد از آن در ابواب بعد از آن
بر عده میکند ذکر نموده و تفصیلات مبطله در حقیقت عده نموده است و باطله بنا لغیر قول
مشهور صحیح و لازم است و مناظر روزه داشتن و افطار نمودن بر بدین هلال است
یاکن شش سوره و زعم از عرق ماه شعبان یا ماه رمضان پس اگر خود دیده باشد هر چند
تنها باشد اگر ماه رمضان باشد روزه واجب شود و اگر ماه شوال باشد افطار
واجب است و آن روز عید است و اگر خود ندیده باشد شرعا باید رویت دیگران ثابت
شود پس اگر شهادت شریک شیعیه رسد و علم از شهادت ایشان حاصل شود بلا
خلاف رویت شرعا ثابت است و اگر بعد شیعیه نتواند رسید جمعی از علماء فیهراوند و
عادل آکفنا نموده اند خواه ایشان از اهالیان بلد باشند یا خارج آن و خواه هوا
این باشد یا صاف و بعضی گفته اند که اگر هوا صاف باشد و بار و عبار و بخاری نباشد
بکفر از چاه شاهد یاد و شاهد عادل از خارج بلد ثابت نمیشود و قول اول اقوی
موافق روایات معتبره صحیح است و اگر نزد خدا که مشورت شرعی برسد آیا برای دیگر
کافی است و حکم حکم شرع عمل مینماید نمود یا نزد هر کس باید ثابت شود و حکم حکم
شرع و فایده است و در این باب خلافت شیخ سنی در بعضی از اعظم مناخرین قول

اول را اختیار نموده اند و والدی که نام ادا م الله ظلاله قول ثانی از ترجیح نموده و در آن
باب رساله مدیوسه مشتمل بر تحقیقات جلیله تالیف فرموده است و این قول اقوی
احوط است و اگر کسی ماه را قبل از ظهر بر بید یا نزد او بشوید رسد آیا آن روز عرق
ماه است یا آن رویت اعتبار ندارد و این روز سلخ ماه سابق است در این باب نیز خلافت
است و اقوی از جمعی از محققین قول اول است و مشدحی ناممل و اشکال است و قد تعالی
و بدانکه بعضی از قراین و اماتات برای استنباط عرق ماه در کتب علماء مسطور است که اکثر
علمای اهل علم نموده اند و لیکن چون بعضی از آنها در روایات وارد شده و نادری آن
بر برخی از آنها عمل نموده اند لهذا در کتاب مذکور آنها سبب رویت مینمایم **اول اخبار**
معتبرین بانکه اول ماه فلان روز است چنانچه در تفصیلات مینویسند و علماء شیعه
کتاب خلافت از شاذ نادری از شیعه و علماء در منتهی از بعضی از اهل سنته قول بشوید
ماه از تقویم را نقل نموده و این قول بسیار ضعیف و فاسد است **دویم غایب شدن**
هلال بعد از زوال اشفاق سیم طوفان زده هلال و این در علامت در روایات وارد شده
است چنانچه بسند ضعیف از حضرت امام جعفر صادق منقول است که هلال
هرگاه پیش از اشفاق غایب شود یکشنبه است و اگر بعد از اشفاق غایب شود دوشنبه است
و این سبب معتبر از آنحضرت روایت است که هرگاه هلال طوفان زده و شنبه است و هرگاه
سایر سبب را در روایات آن سبب است و این باب در کتب معتبره
بعلاصت اول عمل نموده و شیخ طوسیه در کتاب تهذیب در حالی که هوا صاف میباشد و
اگر با غباری نباشد هر چه و علامت عمل نموده و باقی علماء هیچیک از این در علامت اصلا
اعتبار نداشته اند و روایت را طرح نموده اند و بکنان فقر طرح این در حدیث ضرر و زیان
و ممکن است که این در علامت علامت در واقع و نفس الامر نباشد و لیکن شارع
آنها اعتبار نموده بلکه مناط تکلیف بر روزه و افطار بر رویت هلال است نه علامت
واقع و الله تعالی یعلم **چهارم** سید بن طاوسه در کتاب قبایل سید خود از ابوالهثیم محمد
ابرهیم روایت کرده است که او از پدرش روایت نموده که در اخل ششم بر حضرت امام حسن
عسکری صلوات الله در روزی که مردم شش داشتند که آن روز از ماه مبارک رمضان
نمود یا نه پس چون نظر حضرت برین افتاد فرمود که ای ابرهیم تو از کدام طایفه امرگوزرا
روزی داشتی یا نه عرض کردم که فدای تو شوم برای تحقیق این معنی بخدمت تو آمده ام
فرمود که من تو تعلیم مینمایم اصلی را که هرگاه صلیب نامی آنرا هرگز نشک برای تو حاصل نشود

علیه السلام
عنه

باز خالصه است
مستغنیان و معتبران

تمام و در بیع الثانی چهارشنبه و بیع الثانی ناقص و اول جمیع الاول پنجشنبه و جمیع الاول تمام
و اول جمیدی الثانیه شنبه و جمیع الثانیه ناقص و اول رجب یکشنبه و رجب تمام و اول
شعبان سه شنبه و شعبان ناقص و اول ماه مبارک رمضان چهارشنبه می شود و چون اول
ماه رمضان گذر شده شنبه بود چون اذان روز شنبه از بیخیم آن چهارشنبه می شود و بیخیم
نیز مانند سایر احادیث که بر طریقه اصحاب عد و دلالت بر مذهب ایشان میکند و این جهت
علمای مؤمن آن عمل نموده اند و **سنا** که ماه ذی الحجه موافق طریقه اصحاب عد در اکثر سنوات
شهری ناقص است مگر در بعضی از سنوات که بعضی از جهات آنرا از شهر مزانه و سعی و زور
تمام اعتبار میکنند و آن سال لاسال کبیته مینامند و تحتیو معنی کبیته و ذکر هجرت اعتبار
آن در بعضی از سنوات بسطی چیزی اهدا که مناسبین کتاب نیست و این علامت که در این حدیث
مذکور است در سال غیر کبیسه بنا بر طریقه ارباب عد مستقیم است چنانچه دانستی و در
سال کبیسه صحیح نیست زیرا که ماه ذی الحجه در آن سال تمام است بلکه در سال کبیسه در
ششم از غره ماه رمضان گذر شده غره ماه رمضان آن سال خواهد بود چنانچه بعد از آن
حاضر می شود و الله تعالی بعلم **تحقیق** بدانکه سید بن طاووس در کتاب سابق گفته
که مذکور از شیوخ بن رسیده است و سندا از مذکور است که آن یکی از ائم علیهم السلام فرموده
که در روز شنبه و زمره شنبه یعنی در غره ماه رمضان در روز عید قربان یکروز است و بعد
علامت آن مولا نا محمد بن ابی بکر در حدیث از این طریقه اصحاب عد نقل نموده است زیرا که
غره ماه رمضان در زمره شنبه باشد بر طریقه اصحاب عد و اول ماه ذی الحجه پنجشنبه می شود چنانچه
در شرح حدیث سابق مذکور شد و هرگاه پنجشنبه غره ذی الحجه باشد عید قربان در زمره می شود
و با غره ماه رمضان موافق می شود و علامت آن مولا نا محمد بن ابی بکر در حدیث از این طریقه اصحاب
عالم از کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در روایتی از ابن عباس در حدیث مذکور است که روز عید
در روز عید رمضان یکی است و این معنی در سال کبیسه صحیح نیست زیرا که در صورت مذکور
هرگاه اول ذی الحجه پنجشنبه و ذی الحجه از شهر ناقصه در غیر سال کبیسه است غره محرم جمعه می
و عاشورا در یکشنبه می شود و چون غره ماه رمضان در این سال شنبه بود و ماه رمضان آن
شهری تمام است پس روز عید دو شنبه می شود و با عاشورا مطابقت می شود و در سال کبیسه
صحیح است زیرا که ذی الحجه در آن سال تمام است و غره محرم شنبه می شود و عاشورا در
و با عاشورا مطابقت می شود و در سال کبیسه صحیح است و بدانکه سید بن طاووس در بیضا
عربی نموده است زیرا که این حدیث را از جمله امامان و علما ذی الحجه ماه مبارک رمضان نقل
نموده است و بر مفسرین خبر استوار نیست که علامت غره ماه رمضان از این حدیث معلوم می شود

این حدیث از شیوخ بن رسیده است و سندا از مذکور است که آن یکی از ائم علیهم السلام فرموده که در روز شنبه و زمره شنبه یعنی در غره ماه رمضان در روز عید قربان یکروز است و بعد علامت آن مولا نا محمد بن ابی بکر در حدیث از این طریقه اصحاب عد نقل نموده است زیرا که غره ماه رمضان در زمره شنبه باشد بر طریقه اصحاب عد و اول ماه ذی الحجه پنجشنبه می شود چنانچه در شرح حدیث سابق مذکور شد و هرگاه پنجشنبه غره ذی الحجه باشد عید قربان در زمره می شود و با غره ماه رمضان موافق می شود و علامت آن مولا نا محمد بن ابی بکر در حدیث از این طریقه اصحاب عالم از کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در روایتی از ابن عباس در حدیث مذکور است که روز عید در روز عید رمضان یکی است و این معنی در سال کبیسه صحیح نیست زیرا که در صورت مذکور هرگاه اول ذی الحجه پنجشنبه و ذی الحجه از شهر ناقصه در غیر سال کبیسه است غره محرم جمعه می و عاشورا در یکشنبه می شود و چون غره ماه رمضان در این سال شنبه بود و ماه رمضان آن شهری تمام است پس روز عید دو شنبه می شود و با عاشورا مطابقت می شود و در سال کبیسه صحیح است زیرا که ذی الحجه در آن سال تمام است و غره محرم شنبه می شود و عاشورا در و با عاشورا مطابقت می شود و در سال کبیسه صحیح است و بدانکه سید بن طاووس در بیضا عربی نموده است زیرا که این حدیث را از جمله امامان و علما ذی الحجه ماه مبارک رمضان نقل نموده است و بر مفسرین خبر استوار نیست که علامت غره ماه رمضان از این حدیث معلوم می شود

این حدیث از شیوخ بن رسیده است و سندا از مذکور است که آن یکی از ائم علیهم السلام فرموده که در روز شنبه و زمره شنبه یعنی در غره ماه رمضان در روز عید قربان یکروز است و بعد علامت آن مولا نا محمد بن ابی بکر در حدیث از این طریقه اصحاب عد نقل نموده است زیرا که غره ماه رمضان در زمره شنبه باشد بر طریقه اصحاب عد و اول ماه ذی الحجه پنجشنبه می شود چنانچه در شرح حدیث سابق مذکور شد و هرگاه پنجشنبه غره ذی الحجه باشد عید قربان در زمره می شود و با غره ماه رمضان موافق می شود و علامت آن مولا نا محمد بن ابی بکر در حدیث از این طریقه اصحاب عالم از کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در روایتی از ابن عباس در حدیث مذکور است که روز عید در روز عید رمضان یکی است و این معنی در سال کبیسه صحیح نیست زیرا که در صورت مذکور هرگاه اول ذی الحجه پنجشنبه و ذی الحجه از شهر ناقصه در غیر سال کبیسه است غره محرم جمعه می و عاشورا در یکشنبه می شود و چون غره ماه رمضان در این سال شنبه بود و ماه رمضان آن شهری تمام است پس روز عید دو شنبه می شود و با عاشورا مطابقت می شود و در سال کبیسه صحیح است زیرا که ذی الحجه در آن سال تمام است و غره محرم شنبه می شود و عاشورا در و با عاشورا مطابقت می شود و در سال کبیسه صحیح است و بدانکه سید بن طاووس در بیضا عربی نموده است زیرا که این حدیث را از جمله امامان و علما ذی الحجه ماه مبارک رمضان نقل نموده است و بر مفسرین خبر استوار نیست که علامت غره ماه رمضان از این حدیث معلوم می شود

این حدیث از شیوخ بن رسیده است و سندا از مذکور است که آن یکی از ائم علیهم السلام فرموده که در روز شنبه و زمره شنبه یعنی در غره ماه رمضان در روز عید قربان یکروز است و بعد علامت آن مولا نا محمد بن ابی بکر در حدیث از این طریقه اصحاب عد نقل نموده است زیرا که غره ماه رمضان در زمره شنبه باشد بر طریقه اصحاب عد و اول ماه ذی الحجه پنجشنبه می شود چنانچه در شرح حدیث سابق مذکور شد و هرگاه پنجشنبه غره ذی الحجه باشد عید قربان در زمره می شود و با غره ماه رمضان موافق می شود و علامت آن مولا نا محمد بن ابی بکر در حدیث از این طریقه اصحاب عالم از کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در روایتی از ابن عباس در حدیث مذکور است که روز عید در روز عید رمضان یکی است و این معنی در سال کبیسه صحیح نیست زیرا که در صورت مذکور هرگاه اول ذی الحجه پنجشنبه و ذی الحجه از شهر ناقصه در غیر سال کبیسه است غره محرم جمعه می و عاشورا در یکشنبه می شود و چون غره ماه رمضان در این سال شنبه بود و ماه رمضان آن شهری تمام است پس روز عید دو شنبه می شود و با عاشورا مطابقت می شود و در سال کبیسه صحیح است زیرا که ذی الحجه در آن سال تمام است و غره محرم شنبه می شود و عاشورا در و با عاشورا مطابقت می شود و در سال کبیسه صحیح است و بدانکه سید بن طاووس در بیضا عربی نموده است زیرا که این حدیث را از جمله امامان و علما ذی الحجه ماه مبارک رمضان نقل نموده است و بر مفسرین خبر استوار نیست که علامت غره ماه رمضان از این حدیث معلوم می شود

بلکه علامت غره ماه ذی الحجه و عید قربان از آن مفروض می شود و لهذا امام فرموده که در روز
شماره و زمره شنبه است و نظر بر آنست که در روز شمار روز و زمره شنبه است و بیان این معنی آنست که هرگاه
اول ماه رمضان شنبه باشد اول ذی الحجه پنجشنبه می شود چنانچه دانستی پس از غره ماه
رمضان غره ذی الحجه و عید قربان معلوم می شود و از غره ذی الحجه غره ماه رمضان با این طریقت
معلوم می نمایند زیرا که هرگاه غره ذی الحجه پنجشنبه باشد و عید قربان شنبه باشد غره ماه
رمضان آینه چهارشنبه می شود چنانچه در شرح حدیث سابق بتفصیل مذکور شد و روز
عید قربان با روز غره ماه رمضان مطابق می شود و الله تعالی عمداً این احکام **هفت**
سید بن طاووس در کتاب اقبال گفته که بعد از نالیف کتاب اقبال کتاب سید بن طاووس در
پیش آن کتاب مبطله برای معرفت غره هلال هر ماه نوشته بود و مبطله مذکوره اینست
که هرگاه خواهی که در روز عید و زمره روز نهم ذی الحجه است و روز اول ماه رمضان از هلال
پس ملاحظه کن هلال ماه محرم را و غره ماه محرم را ضبط کن و از آن روز بشمار پنجیم آن روز عید
و ششم آن روز غره ماه رمضان است مثلاً هرگاه غره ماه محرم شنبه باشد چنانچه در شرح
پنجشنبه غره ماه رمضان خواهد بود و اگر هلال ماه محرم از پنجشنبه و شنبه باشد پس ملاحظه
هلال ماه صفر کن و از غره ماه صفر بشمار سیم آن عید و چهارم آن غره ماه رمضان است پس
هرگاه غره صفر شنبه باشد دو شنبه غره ماه رمضان است و اگر هلال
صفر بر وقت شنبه شود هلال ماه ربيع الاول را ضبط کن و از روز اول آن بشمار دو روز و یکم
عرفه و سیم آن غره ماه رمضان است و اگر هلال ربيع الاول را ندانی اول ماه ربيع الثانی را
ضبط کن و از آن روز بشمار هفتم آن عرفه و هشتم آن غره ماه رمضان است و اگر اول ربيع الثانی
را ندانی از اول جمعی که اول بشمار ششم آن عرفه و هفتم آن غره ماه رمضان است و اگر اول
جمعی که اول ربيع الثانی را ندانی از اول جمعی که اول بشمار پنجم آن غره ماه رمضان است
و اگر اول جمعی که ربيع الثانی را ندانی از اول ماه شعبان بشمار اول آن عرفه و دوم آن غره ماه رمضان
است و اگر اول ماه شعبان را ندانی هلال ماه مبارک رمضان را بین و از آن روز بشمار هفتم
آن عرفه و پنجم آن غره ماه مبارک رمضان است و اگر غره ماه رمضان بر وقت شنبه شود
هلال شوال را بین و از آن روز بشمار پنجم آن عرفه و سیم آن غره ماه رمضان است و اگر اول
شوال شنبه شود از اول ذی القعدة بشمار پنجم آن عرفه و پنجم آن اول ماه رمضان است
و اگر اول ذی القعدة را ندانی از اول ذی الحجه بشمار پنجم آن عرفه و هفتم آن غره ماه مبارک رمضان
است و بعد علامت مولا نا محمد بن ابی بکر در حدیث از این طریقه اصحاب عد نقل

نماطه پنجشنبه

کتاب در فضیلت ماه رمضان

نموده است و ذکر حساب آن موجب طناب و از کلمات سابقه بر مندرج بصیرت پوشیده و مستور نیست
و الله تعالى هو الموفق للحق والصواب في كل باب **معه** در بیان حکم و روزه یوم التثک
بنا که یوم التثک روز سوم ماه شعبان است هر گاه در شصتین ماه دیده نشود و برای مردم
شک حاصل شود که این روز سلخ ماه شعبان است یا غره ماه مبارک رمضان و موافق
طریقه اصحاب عدو و طریقه جمعی که بنا بر او است سابقه عمل نموده اند چنانچه در بعضی سابقین
مذکور شد و روزه این روز واجب است و موافق طریقه مشهور میان علمای که من جشاً لللیل
اقوی و معقول بر اعطاء علمای در اکثر اعصار است که سدا و وجوب صوم و افطار سب
رویت هلال است چنانچه تفصیل این قول نیز در صدر ربعه سابق مذکور شد و روزه این
روز واجب نیست و در میان ایشان خلافت نیست که اگر این روز را بر نیت ماه شعبان
روزه بدارد و آخر ثابست شود که از ماه رمضان بوده است این روز هر چند بر نیت
واقع شده از روزه ماه رمضان مجزیست و قضاء و کفارت بر نیت این روز واجب است
بسیار وارد شده است چنانچه بسند صحیح از سعید اعرح منقولست که گفت بخیر است
حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که من یوم التثک را روزه داشتم و ظاهر شد که از ماه رمضان
بوده آیا آن روز را قضا کنم حضرت فرمود که نه بلکه روزیست که توفیق یافتی بر روزه
داشتن آن و در روایت دیگر از محمد بن حکیم منقولست که گفت سوال کردم از حضرت سید
الجنید از روزه یوم التثک و گفتیم که مردم یعنی اهل سنت میگویند که هر که روزه نهد
در این روز مانند کسی است که افطار کرده باشد در ماه مبارک رمضان فرمود که دروغ
میگویند اگر از ماه رمضان است پس روزیست که توفیق یافتی بر روزه داشتن آن و
اگر از ماه رمضان نیست بمنزله روزه های گذشته ماه شعبان است و در روایت دیگر
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که روز یوم التثک را باید روزه داشت بر
نیت ماه شعبان نه نیت ماه رمضان زیرا که نیت آن وارد شده است پس اگر آخر
ظاهر شود که از ماه رمضان بوده است مجزیست از روزه ماه رمضان بمقتضای حدیث
و احادیث بر این صفون بسیار و معقول است و بالجمله در باب اجزاء روزه این روز
بر نیت شعبان از روزه ماه رمضان اگر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده خلافت
بنظر نمی رسد ولیکن آیا مستحب است روزه داشتن این روز بر نیت ماه شعبان یا نه
درین باب خلاف است اکثر علمای با ستمت ارباب طلفاً نایل شده اند و محقق در معتبر از شیخ
مفیده نقل نموده است که مستحب است روزه این روز هر گاه هوا باران باشد و نشک
در دیدن هلال می رسد و اگر هوا صاف باشد و ماه دیده نشود و نشکی حاصل نشود

مختصر

نیت بلکه مکروه است مگر کسی که قبل از این روز روزه داشته باشد که نیت با
مستحب است و این قول بسیار ضعیف و مستند ظاهری برای آن بنظر نمی رسد و اکثر این
روز را بر نیت واجب و اینکه از ماه رمضان است روزه بدارد مشهور میان علمای است که
مجزی نیست آن روزه نه از ماه شعبان و نه از ماه رمضان و اگر ظاهر شود که از ماه رمضان
بوده واجب است که آن روز را قضا کند و این را بنوعی و این جنید و شیخ طوسی و بعضی
کتبش در این صورت مجزی دانسته اند و قضا را لازم ندانسته اند و قول اول اقوی و احوط
و موافق روایات معتبره است چنانچه بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که فرمود
در باب کسی که یوم التثک را روزه دارد بقصد ماه رمضان آنکه قضا بر او لازم است هر چند
ظاهر شود که از ماه رمضان بوده و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که
ما شاد را در باب روزه یوم التثک امر میکنم و نهی میکنم امر میکنم که روزه بدارد آنرا
بقصد ماه شعبان و نهی میکنم که روزه بدارد آنرا بر نیت ماه رمضان و اگر کسی قضای
ماه رمضان یا روزه نذر یا عهد یا عین بر او لازم شده باشد و این روز را بر نیت یکی
از آنها روزه دارد مشهور میان اصحاب آنست که مجزی نیست نه از روزه ماه رمضان و نه
نه آن واجب است نیت کرده هر چند آخر ظاهر شود که از ماه رمضان نبوده و اگر کسی روز را
در نیت نهد که اگر از ماه رمضان باشد روزه واجب دانسته باشد و اگر
سند بعضی گفته اند مجزیست و مشهور عدم اجزاست بلکه اگر ظاهر شود که از ماه رمضان
بوده واجب است که قضا کند و الله تعالی یعلم خفایا احکام و حجج الکرام علیهم السلام و الا کلام
معه در بیان نیت روزه ماه مبارک رمضان بدانکه در هر عبادتی واجب است
که نیت مفاد آن جزو اول آن عبادت واقع شود یعنی از روزه که مفاد نیت با جزو اول
آن شرط نیت بلکه هر چیزی از اجزای آن شب پیش صلحاً حین دارد که نیت در آن واقع شود
و خلافت واجب درین باب بنظر نمی رسد مگر آنکه جمعی از سید مرتضی نقل کرده اند که او
گفته وقت نیت روزه واجب قبل از طلوع صبح تا زوال آفتاب است و علمای کلام او را بر
حالت اضطراب حمل نموده اند نه حالت اختیار چنانچه بعد از این انشاء الله تعالی مذکور
خواهد شد پس اگر کسی در اول شب نیت روزه بکند و بخواب رود و بعد از طلوع صبح
بیدار شود روزه اش صحیح است و سیر درین باب دو چیز متداول بود **اول** آنکه چنانچه
اول وقت روزه است و طلوع صبح است و آن معلوم نمیشود مگر بعد از انقضاء
قدیمی از زمان طلوع بیرون استن جزو اول حقیقی آن جزو اول زمان روزه معتدراست لهذا
شیخ در روزه مقارنت نیت را با جزو اول آن اعتبار فرموده است بخلاف سایر عبادت

که معارضت باجز اول آنها نهایت سهولت دارد دویم آنکه وقت نیت دوازده شب است
و شب مجلی استراحت و خواب است و اگر مردم ممکن است که در آخر شب در خواب باشد
لذا از راه نسیب امر مردم شارع طرف نیت دوازده را تمام شب قرار داده که در ره
جزوی از اجزای آن توانست نیت کند و اگر در زمان معارضت طلوع در خواب بوده باشد
ضرر نداشته باشد و در این باب نیز خلاصه نیت که اگر بعد از نیت در شب فعلی نیت در روز
از او صدق شود مانند اکل و شرب و مباحث زنا آن نیت فاسد نمیشود و چنانچه
بجهت نیت بعد از آن فعل نیت سکو شمع ستریده که در کتاب بیان در مباحث زنا و
امثال آن مانند استنسا و احتلام که صورت جنابت است تا سئل نموده و احتلامی و جریحی
نیت بعد از آن را دارد و این احتلامی هر چند بسیار ضعیف و لیکن بخوبی نیت بعد از نیت
در این صورت احوط است و همچنین خلاصه نیت در آنکه جایز نیت تا خیر نیت از جزو آخر
شب در حالت اختیار ظاهر کلام سید رضی که چنانچه مذکور شد و این چند روایت گفته
است که در روز و واجب و سنت تجدید نیت بعد از زوال نیز میتوان کرد خواه در شب
بخاطر شر باشد یا فراموش کرده باشد و اگر نیت را در شب فراموش کند مشهور میان علمای
آنست که تا قبل از زوال میتوان نیت کرد اگر معظری عملی یا کرده باشد و لیکن در هر وقت
که بخاطر شر آید واجب است که فی الفور نیت کند و تا خیر نیت بلکه ظاهر کلام محقق در معتبر
علامه در مستدرک تذکره آنست که اجماع علمای این معنی منعقد شده است و لیکن بعضی از
علمای ابن تیمیة معتقدند که نیت که در میان غامد و ناسی فرقی نکرده و در هر دو صورت
اگر نیت در شب واقع نشده باشد سبب بلای روزه فایده ندارد و بعضی از محققین مناخرین نیز
دو انقیام نامیده اند لهذا احوط در این ضعیف و قضاست و اگر بعد از نیت را در شب
ترک نماید و بعد از طلوع صبح قبل از زوال نیت کند پس اگر واجب معین است مانند
ماه رمضان یا نذر معین مشهور میان علمای آنست که در روز اش باطل است و قضا میکند
کفار لازم نیت و بعضی کفار را نیز لازم دانسته اند و این احوط است و اگر واجب معین است
مانند قضای ماه مبارک رمضان و نذر مطلق پس باجماع ضرر ندارد و آن روز صحیح است
و تا قبل از ظهر نیت می تواند کرد و در ظهر بعد از ظهر خلاف است و مشهور میان علمای آنست
که وقت نیت گذشته است و آن روز صحیح نیت و ظاهر کلام ابن حنبل استراحت وقت نیت است
مادامه که قدری از روز باقی مانده درین صورت و این قول نزد بعضی از محققین مناخرین
قوی و قول مشهور احوط است و اگر در روز سنت باشد پس خلاصه نیت که تا اول زوال نیت
تواند کرد و در نما بعد از زوال خلاف است بعضی گفته اند که تا نزد یک نیت میتوان کرد

و اگر در

دین قول غنا در جمل علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی فرج الله وجهه و جمیع از محققین است و بعضی
گفته اند که اگر قبل از زوال نیت کند ثواب روز بعد از نیت تا شام را دارد و بدانکه در
هر روزی از روزهای ماه مبارک رمضان بقیه نماز عبادت شستگاری است و محتاج به نیت جدید
است و لیکن سید مرتضی و شیخ مفید و شیخ طوسی در کتاب الله از اجماع و جمیع یکر از فقها قایل
شده اند که یک نیت برای تمام ماه رمضان در اول آن کافی است و سید بر این معنی دعوی اجماع
نموده است و احوط تجدید نیت است برای هر روزی به نیت و اگر قبل از ماه رمضان نیت روز
تمام ماه را کند و بعد از دخول ماه سهواً تجدید نیت نکند موافق مشهور مجری نیت و شیخ
طوسی با جزئی قایل شده است و این قول ضعیف و از احتیاط بعد است و اما کیفیت نیت روز
پس در ماه رمضان نیت میکند که فردا روز میباید قربه الحی الله تعالی و اکثر محققین همین قدر را
کافی دانسته اند و تقید بوجوب و خصوص روز معین را در کار ندانسته اند و بعضی با ستم
تجدید تعیین و وجوب قایل شده اند و در روز نذر معین خلاف است جمعی از فقها خصوصاً
بعضی از مناخرین درین صورت نیز مانند روزی ماه رمضان تعیین و وجوب لازم نمیدانند
و شیخ طوسی و جماعتی تجدید تعیین را و بعضی تجدید وجوب را نیز ضرر ردانسته اند و قول اول
اقوی و قول سیم احوط است و در روز واجب معین اکثر فقها بلکه هر یک قصد تعیین را واجب
میدانند و در قصد وجوب خلاف است و اقوی آنست که در کار نیت و احتیاط در تعیین
و تعیین در روزهای سنتی قصد تعیین لازم است و تعیین با سبب علی الاقری ضرر نیست
و احوط تجدید است و الله تعالی عباد و اما تحقیق نیت و بیان معینان شرع و این باب
استشاه بسیار واقع شده و اکثر حقیقت آنرا حسب لواقع نفرموده اند و چون تحقیق این مسئله
از مهمات است زیرا که نیت بمنزله روح عبادت است و عبادت بر نیت از عبادات امتیازی
یابد و مشروطه همه همگی نیت است لهذا درین کتاب کشف قناع از حقیقت آن مینویسم بدانکه بعضی
قوله رین باب آنست که در هنگام شروع در اعمال مانند وضو و نماز و غیر آن با آن تلفظ مینمایند
هر چند در خاطر ایشان بعضی نیت نباشد و این جماع علمای شهادت عقلیه قاید و لغو است و
بعضی که از این مرتبه ترقی نموده اند نیت را بخاطر که دانستند آن الفاظ و صورت معانی آنها
میدانند و این نیز خطاست زیرا که نیت اخلاص در عمل است و عمل از رای و شرک بخیر است
بد میرسد و ظاهر است که این مقصود و تعقد این نیت را نمی بخشد مثلا اگر کسی نیت کند الصدقه باشد
هرگز نماز نکند و روزی بشود که بر کسی عیال آمده و ذری بصالحی تمت مینماید و از برای همین عرض
وضو بنیازد و مسجد آید و در بزم آنکه در همین قصد توجیه نماز شود و لیکن در خاطر
بکند بدانکه نماز واجب پیشین سبب قربت الحی الله تعالی و همه اعمال نماز را بجا آورد البته نماز

کفایت نیت در روز
بلکه در رمضان

محققان نیت در روز
محققان نیت در روز

باطل است با آنکه معانی آن الفاظ را تفکر و تصور نمود است پس معلوم شد که تعقل و
تخیل آن الفاظ و احضار معانی آنها در خاطر نیست بلکه تحقیق در این باب است
که نیست برود و معنی اطلاق میشود **دویم** آنکه معانی فعل و مصدر و عزم بر انبیا آن فعل
داشته باشد و آن فعل از روی غفلت و سهوا از او صادر نشود مثلا هرگاه کسی بگوید
عسل جنبانید اخل حمام شود و جنبان را فراموش کند و بقصد تطهیر و نظیف سرباست
فرد برود و بیرون آید آن شخص نیست غسل نکرده و این فرود رفتن او در آب غسل و محسوب نیست
با لاجماع و باید مرتبه دیگر نیست کند و غسل ناید و اگر جنبان را در خاطر داشته و با نیت
با کبر و بر عسل کرده و نیست داشته هر چند تلفظ بلفظی کند و آن معانی را نیز در خاطر
نکند و در تحصیل نیت با نیت آنست و لیسار نادر است که کسی از آن خالی
باشد و لهذا بعضی از محققین گفته اند که اگر بنا را تکلیف مینویسد که عبادت را نیت بخا
آوریم این تکلیف با لایطاق بود **سببم** علت غایی و حرکت و باعث بر کتاب آن عمل
چه افعال اختیار عبادت خالی از عرض و داعی مینماید و این معنی غیر معنی اول است
مثلا هرگاه شخصی متوجه باز آید و از او سؤال کنی که بجا میروی در جواب میگوید که بنا را
میرم این معنی اول است که در نفس اوست و اگر بگوید که بجا میروم دروغ گفته است
و از خلاف نیت خود خبر داده است و اگر از او پرسید که چرا بنا را میگوید که میرم منافع
این نیت معنی دوم است زیرا که باعث حرکت او همین امر شده است و چون هیچ فعلی بدون
لحظی و محرکی مینماید لاجرم عبادت و طاعات را نیز محرکی و سببی در نفس مینماید
آن نیت معنی دوم است و اصل این نیت مشکل نیست و لیکن اخلاص در آن در نهایت
اشکال است و مدارک و اسباب عبادت بر اخلاص در این نیت است و این اخلاص را در
وقت نماز چشم بر هم گذاشتن و حرکات و سوا اینها کردن تحصیل نمیتوان نمود بلکه در
مدتهای مدید بر ایضات و عما هذات و تفکرات صحیح بعد از توفیق آن فردی از آن
مکن است تحصیل شود زیرا که این نیت تابع حالت آدمی است و ناچار خود را مبدل نیاید
این نیت مبدل نمیشود و توضیح و تفصیل این معنی موقوف بر ذکر بعضی از مراتب نیات
مباد که بنام این عالم بر عشق و محبت است و هر کس را معشوق و مقصودی میباشد که مطلع
نظر اوست و باقی چیزها را به تبعیت آن طلب میکند و در جمیع اعمال و افعال و طاعات و
عبادات نیت او تحصیل آن مطلوب میباشد و آن مطلوب برود و قسم است **فصل اول**
مطلوب فاسد و این قسم افراد بسیار دارد و در نیمه نام بر کرده و فرد که عالم برود مفتو
بآنکه کرده اند که غنا مینماییم **دویم** محبت مال و چنین کسی پوسته فکر و حیان او متوجه

نیست

باینجا نیاید

تفصیل

تحصیل مال است و در میان عبادات هر عبادتی که موجب زیادتی مال شود بر آن مواظبت
مینماید و نهایت اهتمام در باره آن میکند و عباداتی که ثمرات اخروی بر ما ندارد و در عبادت
و قرب درگاه فاضلی الحاحات را داشته باشد اصلا متوجه نمیشود و اقدام با آنها نمیکند
و عبادات واجب را مانند نمازهای شبانه روزی و امثال آن که بجا میآورد نیز با نیت قصد
میکند که مباد امرم با وی اعتقاد شوند و مال او را بگیرند یا حیثی مالی را از او سلب
نمایند و فقیر شود و چنین کسی با این حالت با او است مال پرست است و معبود حقیقی او مال
است و نیت او در جمیع افعال و اعمال و عبادات و طاعات تحصیل بقای مال است
و با نیت بر در حدیث نبوی اشاره شده که **مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ عَمِلَ الدِّينَ وَالْآدِبَ لَهُم**
یعنی ملعون و دور از رحمت آنست هر که دنیا را در هر چه با پرستد زیرا که هیچکس نیاید
در راه خداوند خود قرار نداده و آنها را سجده نکرده است بلکه مراد از پرستیدن همین معنی
است که بیان شد **سببم** محبت جاه و اعتبار و چنین شخصی مال چندان در نظر او اعتبار
ندارد و چون طالب جاه و اعتبار مینماید و در جمیع اعمال خود ملاحظه مینماید که اگر مؤ
اعتبار و جاه او هست میکند و الاثر نکند و در میان عبادات هر عبادتی که در ثواب
آن نوشته اند که در نظرها عزیز می شود تخص مینماید و او را بجا میآورد و باقی عبادات که
ثواب آن رفع درجات اخروی است هر چند بحسب صحیح تر باشد اصلا رغبت نمیکند
و لهذا اگر صاحب منصبی ببیند با او میگوید میتابد و آن صاحب منصب نیز فریب میخورد و کما
میکند که این شخص را در کمال است او با او محتشود و مختلط است و اگر اعتبار او را ایل شود
و بد بگری پیونده بجا آن میل میکند و مطلوب و معشوق خود را با هر که ببیند با او
مربوط میکند و در این فرد منشعب بشعبهای بسیار میشود مثل آنکه یکی مجرد عزت میان مردم
را خواهد داشت و دیگری حب را یا سرکردگی دارد و دیگری میخواهد که میان مردم
معروف بصلاح و سداد باشد و هر یک مطلب باطلی را پیش نهاد خاطر خود کرده و در
میان عبادات آنچه معین بر آن باشد انتخاب میکنند و باقی را ترک مینمایند و افراد دیگر
نیز برای مطلوب فاسد هست که حال آنها از حال این فرد نظر میدهند و شکی نیست که اگر
عرضه باعث او بر عبادت محض این اغراض فاسده مذکوره باشد عبادت او باطل است
و اگر اغراض مذکوره استغراض تمامی در نفس او بهم نرسانیده و مطلب اخروی نیز منظور او
هست مرای است و در بطلان عبادت اشکالی هست و متنبه و در بطلان است و با جمله
اعظم افاضت عبادت این نیات فاسده است و در مرتبه شریک نجاست چنانچه این
با بوی رده نسبت معجزان حضرت صادق علیه السلام کرده است که حضرت رسالت هم فرمود که

اجتناب کنید از یاد رستی که آن شرک بخداست و مرئی را در روز قیامت چهار نام ندای کنند
که ای کافر ای بد کردار ای سکارای زبان کار ثواب عمل تو بر طریقت شده و مزه تو باطل شد و ترا
درین روز همه نیت بر و ز من و خود را از آن کسی که برای او کار کرده طلب کن و ایضا بسنج
از حضرت امام موسی کاظم عم روایت کرده که رسول خدا فرمود که در روز قیامت حقیقتا
جامعتی را امر فرماید که بجهنم برند پس خطاب فرماید بمالک که بگو با آن تن که قدمهای ایشان
زاسنوزاند که ایشان بیای خود مباحث میدهند و دروهای ایشانرا سنوزاند که وضو را
نم و کمال میدهند و دستهای ایشانرا سنوزاند که بد غایب رگه از من میداشند
وز با نههای ایشانرا سنوزاند که قرآن بسیار بخوانند پس خازن حجه بهم با ایشان گوید که آ
اشقیای چه کرده اید که با وجود این اعمال سستی حجه شده اید ایشان در جواب گویند که
ما عبادت را برای غیر خدا میکردیم در این روز و نماز میکردیم که در نزد خود را از کسی بگریه که
عبادت برای او میکردید و ایضا فرمودند که حضرت صادق روایت کرده است که
لعمریه خود را وصیت نمود که مرا بری با سر علامت است چون نه است در عبادت سستی می
کند و در حضور مردم مرحله عبادت قیام مینماید و هر که رسیدن توقع دارد که او را بر آن
کار رسانایش میکنند و علی بن ابرهیم از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که رسول
خدا فرمود که هر که بر برای مردم نماز کند مشرک است و هر که زکوة بر برای مردم دهد مشرک است
و هر که بر برای مردم حج کند مشرک است و هر که او را الهی را بر برای مردم بخواند مشرک است و خدا
قبول نمیشود تا بدین عمل نیاکنند و او ایات و اخبار درین باب بسیار است و معالجی را با این نحو فرمود
که شیخ ملعون را حجت نیا که در شراغ از فاسده و مطالب باطله است از ایشان در قطع
نماید بگریه ایشانرا از دل برود آورد که مبادا انچه از آن دیگر سبب شود چنانچه نقل کرده اند
که شخصی در پای رختی نشسته بود و میخواست مشغول ذکر باشد و با حضور قلب عبادت کند
خانووری چند برده رخت بشدند و او از هاله بلند کرد و دعا از حضور قلب باز ماند بر نحو
و ایشان را دفع کرد و ذشت و چون مشغول شد باز جمع شدند و او از هاله بلند کرد و ند
چند آنکه آنها را میراند فایده نمیکرد شخصی رسید و گفت ای برادر ما این رخت باقی است
از آن خانووران خلاصی کن نیت اگر میخواهی رخت را بر کن چنین کرد و فارغ شد و این
سخن فی الحقیقه تمیزی است باین معنی که نادر دل آدمی در رخت محبت دنیا ریش دارد
مرغان و خفاشها و حیا لها از دفع نمیتوان کرد و برای خلاصی از آنها قطع و قطع آن رخت
صنور است و قطع آن بر چنانست مشوره و تمکرات صحیح می شود که تفصیلات آنها از احباب
و احادیث مفهوم میشود و سننایه توسط جناب افسوس بانی و تفکر در فضای این نشانه فانی

منالجبلیا

جمع

و بد اعتباری

و بد اعتباری جاه و مال و سرعت زوال مشربیات و امال و نامل و عدم حصول نفع و دور
از اهل دنیا بدون اغانت و مشیت خالق البرا و نذیر در عظمت عقوبات و وسعت رحمت
و مشوایت خداوند مبین جزو الحزب البرکات است تا آنکه آن مطالبی در نظرش برسد و مطالب
سفره و سیاه حقاقت آنها را و منکشف کرد و فصل در مطلوب صحیح و این قسم نیز افراد بسیار
دارد اول درجه اول است که از راه خوف از عذاب یا طمع در ثواب عبادت میکنند و این
جماعت عمل خود را از غرض فاسده مذکوره و نیات باطله مذکوره که تفصیل یافت مبرا ساخته
اند و غرض ایشان تحصیل آخرت است و گاه خوف عظیم بر ایشان غالب و عبادت را از
ترس جهم بخا میآورند و گاه در ظاهر ایشان غالب و برای طمع بهشت عبادت میکنند و بعضی
از علما اگر چه گفته اند که عبادت با این نیت نیز صحیح نیست اما اکثر بصیرت آن فایده شده اند
و خود هم نیز صحت آنست که صحیح نباشد عبادت غالب مردم صحیح نخواهد بود بلکه
نسب با ایشان تکلیف مالا یطاق خواهد بود و ظاهر باب که بسیار که تحریف از عقوبات
و نظایر در مشوایات است با اخباری که متضمن شرح فواید اعمال از رفع درجات صورت
بهشت و تحلیلهای زشت اید و هوای اقرع محشر و حجه است شاهد صدق این معنی است
ولیکن این عبادت در درجه نقص و ادنی مراتب نیات صحیح است زیرا که این ترز فی الحقیقه
خود را بر سستی نه خدا را چه مطلب او دفع ضرر از خود و جلب نفع نسوی خود است
لهذا چنین کسی با غمائی که باعث قرب و خوشنودی خداست رغبت زیاد می کند و اگر
دشود که فلان عمل را عبادت که حق تعالی در بهشت با و خوری عطا می نماید یا کاسه سیرابی
عطا میکند که چندین هزار لون طعام در او هست از روی جود و اهتمام تمام سنجیده آن عمل
میشود و دوم عبادت شاکرانه از راه شکر و نعم عبادت میکند چه عقل حکم میکند که
شکر و نعم واجب است خصوصاً چنین منعمی که نعمای و نعمه شاهی و نعمای بکرانرا از نادر
متر می میشود و اصل نعمتها که وجود است از او و جمیع قوی و جوارح و اعضا از عطایا
اوست و در هر نفسی بر بدن هر فردی از افراد از حفظ تربیت و تعذیر و نهمه چندین
هزار نعمت دارد و بر رواج مخلصان در هر لحظه صد هزار نوع لطف و رحمت از افاضات
و هدایات و توفیقات سیفایید و در عین کفران این نعمای غیره شاهی منع لطف خود نمی
فرماید چنانچه در حدیث وارد شده است که حق تعالی با هر یک از بندگانش از نوعی لطف
میفرماید که گویا بغیر این بنده سنده دیگر ندارد و هزار گونه احتیاج با او دارد اما آنکه
خاکستدگان و بی نیازان عالمیان است و بنده با خداوند خود نوعی سلوک مینماید که گویا
خدا یازد یکبارد و با وجه احتیاج ندارد با آنکه خدا می بخرد او ندارد و مالک ضرر و نفع غیر

در باب احتیاج

بنیت و این درجه اول درجه سابق و خلافت در صحت و کمال آن بنیت و منازم حصول آنست
آنکه بعد از آن مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی نیز میشود پس معتبر از حضرت امام
رضا علیه السلام و انشاء منقولست که اگر خدا مردم را امید و امیدوار میکند اسید برهت و بخت
از دوزخ هر آینه بر مردم واجب بود که او را اطاعت کنند و عصیان ننمایند بجهت تقصیر
احسانها که دشت با ایشان کرده است و نعمتهای که قبل از استحقاق با ایشان کرامت فرموده
است و تفکر در آنکه نعمت الهی بیهات ندارد چنانچه حق تعالی میفرماید قَالَ تَعَدُّوا نِعْمَةَ
اللَّهِ الَّتِي كُنتُمْ عَلَيْهَا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ و در آیه دیگر میفرماید لَا تَمْسُوا دِيَارَكُمْ
وَاللَّهُ لَشَاكِرٌ عَلِيمٌ و این تفکر از اعظم عبادات است چنانچه وارد شده است که تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ
مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ یعنی تا مثل نمودن در نعمتهای خدا و تفکر در آیات آفاقی و انفسی در ظرف
کیساعت بهتر است از عبادت کیسالت و این معنی موجب نزد قرب و محبت و باعث حصول
درجات آئینه می شود و کمال این مرتبه و تصور مرتبه سابق حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
اشاره فرموده است در حدیثی که فرموده است که جمیع عبادت الهی که در دنیا بر او عبادت در شوق
و این عبادت تا جرات است و جمیع عبادت الهی که در دنیا بر او عبادت غلامان است
و جمیع عبادت الهی که در دنیا بر او عبادت آزادان است سپس عبادت برادران
یعنی جمعی که باعث ایشان بر عبادت تحصیل قرب حضرت باری جل شانه است و مراد از
قرب نزدیکی مکان و زمانی نیست زیرا که خداوند غایبان از زمان و مکان منزله است
بلکه قرب حق تعالی عبادت بسیار دارد و در این مقام بد کرد و معنی از آنها گفتنا اینست چهار
نشد جناب مقدس حق تعالی که تعبیر از آن تعلق با خلق الله میکند باین معنی
عبارت از آنست که پیوسته آدمی در مقام تخلیه نفس از اوصاف زبده و تخلیه آن با خلایق
جمله نباشد و چون جناب حق تعالی کامل بالذات است و نقص در ذات و صفات او
راه ندارد با تصور همه اوصاف او صفات کمال است و ممکن تمام نقص و عجز و احتیاج
پس نهایت تباین میان ممکن و واجب میباشد و هر چند ممکن نقصی از انفا بصرف خود را
از الله میکند و از فیاض مطلق صفت کمالی بر او فایض میکند و او را فی الحقیقه قرب و نزدیکی
بهم میدهد و این نباشد آنست که در کس هرگاه با یکدیگر در اخلاق تباین و تضاد داشته
باشد میگویند که از یکدیگر بسیار دورند و اگر یکی از ایشان اخلاق دیگری را کسب کرده
که قدری با نزدیک شده است و اگر چه صفات ممکن و واجب یکدیگر بطریق ممکن
هر چند تحصیل کمال نماید بصلوات نقص آنچه است و لیکن کیفیت آشنایی و ارتباطی بین
که از آن و تقرب تعبیر می توان نمود و چون عبادان را در صفت باطنی میباشند و هر عباد

معانی در حدیث

موجب تکمیل کمال و خلقت در نفس هر ممکن است که منظور و مقصود از عبادت تحصیل این مرتبه
در ریاضت و مراتب این مرتبه غیر متناه است و بیان آنها علی التخصیص مناسب این مقام نیست
دو محبت و دوستی محسوس و قرب را باین معنی اطلاق میکنند و لهذا اگر کسی در مشرف باشد
و دوستی از او در مغرب پیوسته در ذکر خيال او نباشد و زبان نشر نماید و کلمات او نماید
و با عبادت و جوارح مشغول کارهای او باشد میگویند که این شخص بر دوست خود نزدیک
تر است از سبکی نریاد شمی که در سهیلوی و نشسته باشد و ظاهر است که از کثرت عبادت و
ذکر این معنی حاصل میشود چهار عبادت جمعی است که باعث ایشان جنای از حق تعالی است
و تحصیل این معنی باین میشود که تصدیق نماید باینکه خداوند او در هر حال ضرر و ربهان و
اشکار و بر حال او مطلع است و حسن طاعتات و قبح سیئات کماهی بر او ظاهر دل او بنور ایمان
مقور شود و در مقام معرفت بد رحمت کمال رسید پیوسته در یاد خدا باشد و متذکر این
معنی باشد که خداوند ظاهر تسلیم بر او قایلین نماید و نیات هر خلافی قطع است و عظمت
و جلال الهی و تمام و اکرام غیر متناهی و همیشه در لحاظ دل او جلوه نماید و چنین کسی در
اشکار و ربهان از خداوند عالمیان شرم و حیا میکند و طبع او از معاصی منزه میگردد
و پیوسته در یاد خدای باشد و لهذا در حضور مردم و پنهانی عبادت او اصلاحات
نمیکند و باین جهت عبادت او نهایت خلوص بهم میرساند و دیگری را اصلاح با خدا خود
در عبادت شریک نمیکند چه اگر کسی غلامی و مملومی داشته باشد در حضور او از آنکه
قبایح احتراز نمایند پس هرگاه از خداوند خود با این همه نعمتها شرم نکند البته می پندارد که
خدا بر او مطلع نمیشود و لهذا در حدیث وارد شده است که حضرت لعین بفرزند خود وصیت
فرمود که او فرزند ناخواهی معصیت خدا کنی کافی بپیدا کن که خدا را بخواند یا سباید
معتبر از حضرت رسالت منقولست که از خداوند خود حیا بداری چنانچه حق شرم و حیا
صحابه گفتند که چه کار کنیم که حیا بعد از آنکه نباشد فرمود اگر خواهید که چنین باشید باید که
اجل تمام را بر بارید های شما باشد و سر و چشم و گوش و زبان و غیر آنها را از معصیت الهی
باز دارید و شکر خدا از حرام و فرج را از محرمات نگاه دارید و یاد کنید قرین و سبب و حاکم شد
در قرین و سبب که آخر ترا خواهد باین بنیت زندگانی تارا ترک نماید و اینست در حدیثی که
و لهذا رسول خدا ص در وصیت ابو ذر را و امر میفرماید که عَبْدُ اللَّهِ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنَّ لَكَ
تَرَاهُ فَإِنَّكَ تَرَاهُ یعنی ای ابو ذر عبادت کن خدا را گویا تو او را می بینی پس اگر تو او را ندیدی
او ترا ببیند چهار عبادت جمعی است که لذت عبادت را همیشه اند و عبادت پروردگار
معشوق و محبوب ایشان است و اطاعت و فرمانبرداری الهی را دوست میدارند و معصیت

آنگه در نظر ایشان تسبیح کرده و باین جهت طبع ایشان از معاصی منزه و بکوسته در مقام اطاعت
و انقیاد و خوقالی میباشند و مشقت عبادت بر ایشان نمیناید بلکه نهایت لذت از تعبد عباد
میبرد و در هر قطره اشک چندین بهره می یابند از قطره لذت شوق و از قطره لذت ذوق و از
قطره لذت خوف و از قطره لذت رجاء و امید بی انتهای میبرند و کارها فهمیده اند و هیچ لذتی
را بر طاعت عبادت ترجیح نمیدهند و هیچ الهی نزد ایشان بدتر از امر کتاب و معصیت نیست
و باین جهت قوای شهوانی ایشان منکسر و قوت عاقله مستقل کرده است و مدح این صفت
در روایات بسیار وارد شده است چنانچه بسند معتبر منقول است که حضرت امام صادق
ع منقول است که حضرت رسالت فرمود که بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت شده باشد
و دست در آن در آورده باشد و محاسبه آنرا در بر گرفته باشد و محبت بندگی در
دل او جا گرفته باشد و بجمع بدن و اعضا و جوارح منباز شده باشد و بسبب
عبادت خود را از مشاغل دنیا فارغ شده باشد و پروا نکند که روزگار او با سالی
گذرد یا بدشواری و صاحب این درجه را از لذت جسمانی چندان لذت نیاشنا شده بلکه
بهشت نیز عبادت لذت او از عبادت و قرب رب العزت باشد چنانچه از آن حضرت منقول
است که خداوند عالم میفرماید که ای بندگان بسیار صدیق گفته اند که قصد میفرمایند
من چنانچه ناید کرده اید و فرمانها قبول نموده اید نعمت نماند و لذت برید از عبادت
من در دنیا بدوستی که عبادت نعمت خواهید کرد در آخرت **سنت** عبادت محبت
یعنی جمیع محبت آنگه در دل ایشان جا کرده و هرگاه محبت کسی در دل قرار گرفت و کار
فرمای بدن او شد دیگر ناعاش او در افعال و اعمال بغیر از محبت چیزی نیست و بغیر از
محبت مطلوب ندارد و چنانچه جواهر در عشق مجاز بر تیره میرسد که اگر عبادت می کند
معتوق را میخواهد و اگر معصیت می کند برای معشوق میکند و اگر بنا بر امر و بر
این میرود که شاید او را بر بیند و اگر بنا بر و نشان می رود و در خد معشوق
هرگز خاطرش نمی رسد که از او نفعی نخواهد رسید یا زری می خواهد بخشید و او را
او در جمیع کارها نعت محبت فاسد است همچون محبت محبوب حقیقی که عاقل باشد جمیع
کارهای و منوط به آن محبت است و بهشت و دوزخ در آن مقام منظور نیست بلکه
بهشت را برای آن میخواهد که دوست او را میخواهد و محبت را برای آن در شمن دارد که
دوست او را میخواهد و باین محبت او را میخواهد و این وجه اعظم آنست که در آن
در تبت انبیا و اوصیا علیهم السلام و لکن است چنانچه حضرت امیرالمؤمنین صلوات
و سلامه علیه در دعای کبیر فرمود چند میفرماید که مضمون آنها اینست که آنگه

چنانکه از

جهنم در آوری و از دشمنان خود جدا کنی اگر بر عذاب بصرکم چگونه بر فرای تو صبر کنیم و اگر بر
اتش شکیبائی نماند چگونه تاب آورم عبادی از کرامتها و لطفهای تو و صاحب نیرت برکت
معصیت نمیشود که پسندیده محبوش نیست و طاعت را بجان برای محبوب میکند و مزه منظور
نیست و محبت خواب و غفلت را بر او حرام میکند اند حضرت صادق منقول است که دوست خدا
آنکه معصیت خدا میکند بعد از آن شتر می خواند که مضمونش اینست که تو معصیت آنگه میکنی
و محبت او را از آنها زمینای بسیار دور است که تو از کفایت تو آرد رحمت او صادق بودی
اطاعت او را ترک نمیکردی بد رستی کرد و دست مطیع دوست خود میباشند و ایضا منقول
منقول است از آن حضرت که فرمود که مردم عبادت آنگه بر سه وجه میکنند جمعی عبادت را
برای طمع ثواب میکنند و این عبادت در حقیقت است که حرص و خواهش لذت است و چون بد
ایشان شده و طایفه دیگر عبادت را از ترس آنگه می کنند این عبادت غلامان است که از خوف
سیاست آفاکار میکنند و لیکن من عبادت را برای محبت او میکنند و این عبادت کرامت و عزت
است و این مرتبه ایست چنانچه حق تعالی میفرماید **و هم من قرع یومئذ المومن**
یعنی ایشان از سرور و ترقی قیامت ایمن اند و میفرماید که بگو ای محمد که اگر خدا را دوست
دارید پیروی من کنید تا خدا شما را دوست دارد و کنایه آنستما از ایما منزه پس فرمود که
کسی که خدا را دوست میدارد خدا او را دوست میدارد و هر که خدا او را دوست دارد
او از ایمان است یعنی از شورشیا طین و هواها و نفسانی میزد و قیامت از خوف و بر
عذاب آنگه نجات دارد و ایضا از آن حضرت منقول است که خداوند عالم از حضرت موسی بن
عمران علی نبیا و آله و علیها السلام و می فرمود که ای هم عمران دروغ میگوئی کسی که گمان میکند که
مرا دوست میدارد و چون شب شد بخواب میرود و از من غافل میشود آخر هر دو سنی میخواهد که
با محب و بخود خلوت کند اینک من از پیغمبران مطعمم بر احوال دشمنان خود و نظر لطف
دشمنان ایشان درم چون پره شب ایشان را فرزند کرد دیدهای دل ایشان را میکشاید و عقوبت
خود را در برابر دیدهای ایشان میدارد و با من مخاطب میکند که گوید و بر تو با من سخن میگویند
و گویا مرا می بینند و حاضران با من سخن میگویند ای پیغمبران از دل خود خشنود و وقت
برای من بنا و در بدن خود را برای من شکسته و خاضع کرد آن و از دیدهای خود در نارنجی
شکست برین و مرا بخوان که من تو بسیار نزد یکم و بدانکه از احادیث مذکوره چند معنی معنی
می شود که اول از این وجه است **اول** آنکه محبت خداوند عالمیان سبب محبت خالقین
بآن شخص می شود چنانچه در این احادیث مذکور است **و لهذا حق تعالی در وصف حضرت**
امیرالمؤمنین و اولاد اطهارا و علیهم السلام میفرماید که لا یحبهم و لا یحبون یعنی خدا ایشان را

چنانکه از

دوست میدارد و ایشان نیز خدا را دوست میدارند و **وَمَنْ أَحْبَبَ إِلَهِي سَلَّمْتُ مَحَبَّتَهُ** و سنان آ
نیز هست زیرا که دوستی مقتضی آنست که دوست دوست داشته باشد و دوست را نیز دوست
داشته باشی و همچنین و لهذا رسول خدا ص در شان امیرالمؤمنین فرمود که خدا و رسول را
دوست میدارد و خدا و رسول نیز او را دوست میدارند و از حضرت امام عقیلی روایت میشود که
رسول خدا ص با صحرای خود فرمود که خدا را دوست دارید برای غنیمتها می کرد و زینب را کرد
و مراد اوست از برای خدا و اهل بیت مراد است در این برای من بلکه باید دشمنان دوست
دوستانه شمانند و دوست را نیز دشمن داشت و این معنی نیز در روایات بسیار وارد شده است
سیم آنکه این درجه هرگاه برای کسی حاصل شد کویا با حق تعالی برای العین مشاهده مینماید
این مرتبه اعظم است از آنکه بدانند که حق تعالی و زنی میدید چنانچه درجه ایمان بود را
لهذا حضرت رسالت ص اول این درجه را با بود درم تعلیم فرمود که عبادت الهی که نوعی که
کویا تو را می بینی و چون تحصیل این مرتبه در نهایت اشکال و غایب برای غیر بنیاد و اوصیا
خا صل نمیشود لهذا ثانیا فرمود که کویا و زنی بینی پس او را بینی و بدانند که تحصیل این مرتبه
سبب گردد و نفع و غیره منافی حاصل میشود چه غیرهای بشری چنانچه بجز برسد بر سبب
الطاف و مهربانی بجز چنانچه در تریا میدی باشد چنانچه عشق حقیقی نیز بتدک و غنیمتها و
لطفهای معشوق حقیقی که در هر لحظه صد هزار نوع از آن بر هر فرد مخلوقات
دارد زیاده میگرد چنانچه نسبت معنی از حضرت امام رضا علیه السلام و انما دین که حضرت
رسول ص فرمود که خداوند غایبان هم را از خود موسی بن عمران فرمود که ای موسی مراد و شده است
و مردم نداد و دوست من کرد آن موسی گفت خدا و نما من ترا محبت مید و سعی تو فایز کرد بدم ام ولیکن
مردم را چگونند و دوست تو کرد آن فرمود که غنیمت های مرا برایشان بخوان و احسانها غنیمت های مرا
بیاد ایشان بیا و چون بدانند که جمیع غنیمتها و کالایات از من است و از جانب من باشند
رسیده است غیر مرا یاد نکنند و بیوسنه در یاد من باشند **هفتم** عبادت با غایبان است که
باعتقاد ایشان بر عبادت کمال معبود است و آنکه او سزاوار عبادت است چنانچه حضرت امیرالمؤمنین
فرمود که **مَا عَابَدْتُكَ حَقًّا مَنْ نَارِكُ وَلَا طَعَمًا فِي جَنَّتِكَ وَ لَكُنَّ وَ حَبْلُكَ أَهْلًا**
لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ یعنی پرسیدم ترا از ترس تو و نذا برای طمع در درشت تو ولیکن ترا
سزاوار پرستیدن یافته ام پس عبادت کردم ترا و این درجه را عالی در درجات مقربان است و کسی که
دعوی را میتواند نمود که فریب از لغزش خود بخورد و نباشد و یقین داند که اگر نام پرست و دوزخ
دشمنیه بود هم عبادت را چنین که الحاح میکند میکند بلکه اگر العبادت با الله عبادت کند و کعبه
برند چون معبود را سزاوار عبادت میداند ترک نمیکرد **ندین** بدانند که باطن از شرف آفرین

اعلام با اینست

درجه نباشد و بیست ترا در درجه اولی مرتبه نباشد و در جای که در میان متوسط است هر یک فرقی
دیگر و مشتمل بر مراتب غیر شش هید است و صاحب هر مرتبه در خورد مرتبه خود یعنی دارد که اعمالش منوط
بآن نیست است و هر درجه شاهد کویا چند از اطوار دارد که دعوی مدعی و کمال واقعی با آن مرتبه
میشود لهذا مرتبه هر عملی بر مرتبه آن نبیند است و لهذا در حدیث وارد شده است که **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ**
بِالْإِيْتِيَانِ یعنی بدینست که هر عملی منوط بر نیت آنست اگر نیت آن مشوب بر با و فاسد است آن عمل
نیز فاسد است و اگر نیت صحیح است در هر مرتبه که هست عمل نیز آن رتبه را دارد و کلیتی
معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود که نیت مؤمن بهتر است
از عمل و نیت کافر بدتر است از عمل او و هر عمل کننده موافق نیت خود عمل میکند و اینست
از آنحضرت روایت نموده که در تفسیر **لِيَسْلُبُكُمْ مِنْكُمْ أَحْسَنَ عَمَلِكُمْ** یعنی تا
بیان نماید که کدام نیک از شما نیکو کارتر است حضرت فرمود مراد این نیت که هر که بیشتر عمل کرده
باشد نیک مراد اینست که هر که عملش درست تر و بصواب و حق تر دیگر باشد و عمل صواب
آنست که با خوف الهی نیت صادق صادق باشد و نیت صادق مانده برین عمل سعی نمودن که از
برای خدا حاصل کرد در هر است از اصل عمل و عمل حاصل آنست که بخوای کسی غیر خدا را از این
کار مدح و ستایش نماید و نیت هر است از عمل بلکه همین نیت عمل است و پس بعد از این فرمود
که **كُلُّ عَمَلٍ يَسْتَلِ عَلَى شَيْءٍ كَلِمَةٍ** یعنی کویا میگوید که هر کس کار میکند بر شاکه خود حضرت
فرمود که شاکه معنی نیت است پس معلوم شد که در نیت تلفظ بلفظی و احتیاط معنی در
خواطری در کار نیت و وسواس در نیت از عدم معرفت معنی نیت ناشی میباشد و این همه
زحمتهای مشقتهای که اهل وسواس در وقت شروع عبادت می کشند لغو و بی بهره است
و آنچه ضرور است آنست که آدمی سعی در خلوص نیت آن عبادت نماید و یکی از درجات
عالیه را که مذکور شد تحصیل نماید و نیز معلوم شد که در نیت روزه ماه رمضان همین
قدر کافی است که بدانند که ماه رمضان داخل شده است و قصد روزه داشته باشند
و دیگر احتیاج بلفظ بلفظ نیت و لیکن سعی در خلوص نیت بکند و برای تحصیل
و جایا آنکه مردم او را اصلاح و متقی شناسند و سایر اغراض باطل در روزه ندارد بلکه
او از روزه داشتن تحصیل کویا در درجات عالی رسالت بقدر بوده باشد و الله تبارک و تعالی
و المعین للوصول الی اعلی درجات التالکین **اسب هفتم** در بیان بطا سغلیه
بشبه فدر و در آن نیز چند معراج است **معراج اول** در بیان وجه تسمیه این شب است
بدانکه از کلام علماء خاصه و عامه برای تسمیه این شب باین اسم چند وجه ظاهر می شود
اول آنکه قدر معنی تقدیر باشد و چون حق تعالی در این شب آجال و زواقی و سایر سوانح

حالت علقه نیت



این شب را نیز می‌نمایند لهذا این شب را با این اسم نامیده اند **دویم** بعضی گفته اند که لفظ قدر یعنی
خاه و منزلت است چنانچه نزد عرب شایع است که فلاف فلان صاحب قدر و منزلت است و چون
این شب را عبادت احیاناً کند نزد حق تعالی صاحب قدر و منزلت میگردد هر چند فقیر و منزلت باشد
لهذا این شب را اضافه لفظ قدر نموده با این اسم مستعمل نموده اند و بعضی بنا بر آن تقدیر
گفته اند که چون عبادت در این شب قدر و منزلت عظیم دارد مستعمل با این اسم گردیده است
و بعضی دیگر گفته اند که چون کتاب با قدر و منزلت که قرآن مجید است بسوی پیغمبر با قدر
منزلت که است آن بزرگوار است بدست ملک با قدر و منزلت که جبرئیل امین است در این شب
نازل شده لهذا با این اسم مستعمل شده است **سیم** بعضی دیگر گفته اند که لفظ قدر یعنی شکلی
و چون افواج ملک که بسیار در این شب بر امام زمان نازل می‌شوند و عرض می‌کنند زمین بر ایشان
تنگی مینماید لهذا آنرا با این اسم نامیده اند و الله تعالی بعد **معراج دویم** در بیان شرف
و فضیلت این شب بدانکه در میان شبها و روزهای سال اشرف و افضل و اکمل از همه
است و قرآن مجید و احادیث متکثره مضایفه بر این معنی دلالت دارد **اما** قرآن مجید
بسیار در چند موضع از آن فضیلت این شب وارد شده است چنانچه میفرماید إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ
الْقَدْرِ یعنی بدستی که ما نازل کردیم قرآن مجید را در شب قدر و وَمَا آذَنَّاكَ مَا تَسْمَعُ
الْقَدْرَ و چه چیزها شنیده است ترا که هر چیز است شب قدر لَيْلَةُ الْقَدْرِ تَمُرُّ بِرَبِّكَ فَتَسْتَكْثِرُ
یعنی شب قدر همی است از هزار ماه سُورَةُ الْمَلَكَةِ وَالرُّوحِ فيها باذن ربهم من كل امر
نازله می‌شود ملک و روح باذن پروردگار ایشان در این شب از برای تقدیر بر امری که
در آن سال واقع می‌شود و در حقیقت روح چند قول است بعضی گفته اند که مراد جبرئیل
است و بعضی دیگر گفته اند که مدلی است اعظم از جبرئیل و بنا بر ملک و بعضی دیگر
گفته اند که از جنس ملک نیست بلکه خلقی است اعظم از ملک و این قول اقوی است و روایاتی
بسیار از طرق ما بر این مضمون وارد شده است که أَمْرٌ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ و يَكْرَهُ قَوْمٌ يَقْتُمُونَ الرُّوحَ
فَأَمَّا لَيْلَةُ الْقَدْرِ فَصَفَاءُ صَفَاءُ لَيْلَةٍ معنای روح و ملک نموده اند زیرا که فاء عطف در این
دو آیه میان ملک و روح فاصله شده و عطف دلالت بر معاریف میان معطوف علیه و معطوف
میکند و بدانکه آنرا حدیث بسیار که بعد از این مذکور خواهد شد نشانده است اللَّهُ تَعَالَى مَرْمُومٌ
شود که ملک و روح در این شب بخدمت امام زمان نازل می‌شوند و بر او و وستان و سکا
میکند تا صبح و قدر برایش سال را با و معروض می‌سازند و این یکی از بزرگترین ائمه عالم است
سلام می‌خورد مطمح الفجر سلام است این شبان جمیع اوقات و شرف و بابرکت و فضیلت
است از اول آن تا آخر آن که وقت طلوع فجر است و بعضی از علماء عامه گفته اند که شب است

بعضی گفته اند که لفظ قدر یعنی شکلی

این شب را نیز می‌نمایند

بعضی گفته اند که مدلی است اعظم از جبرئیل

بعضی گفته اند که مراد جبرئیل است

ماه مبارک را شب قدر دانسته و منسک شده است بانکه حرفت کلمات این سوره مبارک را بر شبها
ماه مبارک رمضان تقسیم نموده چنانچه با آء هر شی کلمه از این سوره آفاده و با نوازش
بیت و هفتم کلمه ضمیر همی آفاده که راجع شب قدر می‌شود و با این جهتها این شب قدر است
و گویا تقسیم این سوره بسوی کلمه با این عنوان نموده است آنا از لسان ۳ فی لیلۃ ۵ القدر
و ما ۷ ادبرک ۸ ما لیلۃ ۱۰ القدر ۱۱ الیه ۱۲ الفذ ۱۳ خبر ۱۴ من لفت ۱۶ شهر ۱۷
تشریح ۱۱ الملتک ۱۲ والروح ۱۳ فیها ۱۴ باذن ۱۵ رجب ۱۶ من لیلۃ ۱۷ امر ۱۸ سلام ۲۷
۲۸ حتی ۲۹ مطمح ۳۰ الفجر ۳۱ این خیال خالی از غرابی نیست و ضعف و وهن آن بسیار
ظاهر است و بدانکه در این مقام ذکر بعضی از تحقیقات و دفع اشکالات ضرور است و جو
فهم آنها سوفوف بر بعضی از تحقیقات مذکوره در معراج آید است لهذا در این مقام بذكر
ترجمه ظاهر این سوره اکتفا نمودیم و تفصیل آن در معراج آخر این باب بیان خواهیم نمود انشاء
الله **دویم** در سوره سَم و الکتاب المبین میفرماید إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا آذَنَّاكَ
مَا تَسْمَعُ الْقَدْرَ یعنی بدستی که ما نازل کردیم قرآن مجید را در
شب قدر که بابرکت است بدستی که ما فرستادیم آنرا سُورَةُ الْقَدْرِ از عذاب خود در این شب
جذای شود و تقدیر میشود هر امری که می‌خواهد از این آیه و سُورَةُ الْقَدْرِ و الروح در این شب
درهم من کل امر است سُورَةُ الْقَدْرِ بر مذهب شیعه میتوان نمود که در هر عصری از اعضاء حجج و
بر روی زمین باید باشد و باید عالم معلوم ما محتاج است و معصوم از سهو و خطا و معصیت
بوده باشد و بیان این معنی آنست که کلمه سُورَةُ الْقَدْرِ در این آیه و سُورَةُ الْقَدْرِ در این آیه
استقبالی است که دلالت بر استوارت حجته می‌نماید پس باید در هر سال در شب قدر تا آخر
سلطه و روح برای تقدیرات سال از آسمان زمین نزول نمایند و گوید در زمین کسی نباشد که
ملک و روح بر او نازل شود و تقدیرات را با و عرض نمایند پس نزول ایشان از آسمان
بر زمین فایده خواهد بود و معلوم است که بر خلقی جوید که با اعتقاد اهل سنت اولی باشد
ملک و روح نازل نمیشوند و ایشان نیز در هر عصری از اعضاء این اقطار اند که بدانکه
آنگاه از ایشان امری مسکلت نمایند و ایشان در جوار غلج شوند زیرا که بر هیچ آیهی از امور
واقعه علم و اطلاع نداشته اند چنانچه سوره سُورَةُ الْقَدْرِ که در نظرت تمام ساله واقع خواهد شد پس باید
که در هر عصری امام زمان که حجت خداوند عالمیان است بر روی زمین نباشد و معصوم و جمیع
خطایا و گناهان نباشد که غالبیت نزول ملک و روح را داشته باشد و ملک و روح بر او نازل
شوند و تقدیرات و وقایع سال را بخدمت او معروض دارند و هر که از ایشان از امر کسی با و تابع است
در آن سال سؤال نماید ز عهد جواب آن بیرون توانست آمد و ائمه عالمیه بر این سوال بوده اند

این شب را نیز می‌نمایند

ایشان

چنانچه شریعت احوال و اقوال ایشان که در کتب اطا دین و سیرت مطبوعه است معلوم می شود و با آن جهت است که
در احادیث ما وارد شده است که بشیعیان امر فرموده اند که مخاصمه کنند با اهل سنت سبوره که بگوید
انا انزلناه فی لیلۃ القدر و بآیه کریمه انا انزلناه فی لیلۃ مبارکه انا حکما مندر بین فیها یفرق کل مرجم
که برایشان ظفر می رسد **واما** اخباری که بر فضیلت این شب پس برده و نوع است **نوع اول** روایاتی
که مشتمل است بر فضیلت این شب و تعیین شب مخصوصی با ذکر عمل مخصوصی برای آن شب و آنرا بعد
از رباب اعمال شبها و در وسط مذکور می شود انشاء الله تعالی **نوع دوم** روایاتی که تعیین شبها
یا عملی در آنها مذکور نیست بلکه اصل فضیلت شب قدر در آنها مذکور است و بعضی از آنها در ضمن
روایات ذاکره بر فضیلت این ماه مذکور است و شیخ طبرسی در تعقیب جمیع اینها از ابن عباس روایت
کرده است که رسول خدا فرمود که چون شب قدر در آید ملک که سکان سدره المنتهی فرود آید
و از جمله ایشان جبرئیل است و با جبرئیل لوائی چند باشد پس یک لواء را بر قمر منبسط کند و
لوائی دیگر را در بیت المقدس و لواء دیگر را در مسجد الحرام و لواء دیگر را در رطوبه سینا نصب کند
هیچ مؤمن و مؤمنه را در این مواضع نگذرد مگر آنکه سلام بر وی کند مگر کسی که شرابخوار باشد
یا کوش خوک خور یا زعفران بریدن خود مالند و ایضا در کتاب مذکور از رسول خدا آمده است
کرده است که در شب قدر شیطان لعین بیرون نیاید بنا صبح و فاد ریش بر آنکه شبلا سازد
را بدیوانگی یا آزاری یا فساد در زمین نکند و سحر هیچ ساحری در او اثر نمیکند و بزبان بگوید
در کتاب سیرت حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت بفرزندان خود
وصیت میکند و میفرمود که هرگاه ماه مبارک رمضان داخل شود پس بجنب اندازید بفرستید
خود را بعبادت بدستی کرد و این ماه روزیها تمت می شود و اجلها نوشته می شود و در این ماه
حجاج بیت الله الحرام که همان خداوند عالمیان اند و عجاوزه او نیز و له می نمایند نوشته می شوند
و در این ماه شتی هست که عمل در آن بهتر است از هزار ماه **شویب** بدانکه از ایام مذکور است
میگرد که خوش باری باشد و وظیفه مقرر فرموده **اول** آنکه در این شب قدر بر اعمال و از این رو سایر
و قایم ساخت که در نظر آن سال اقامه می شود و ملک و روح در این شب جمیع امام زمان ازلی شوند
و آنقدر برایشان را بر عرض مینمایند و لهذا فرموده نزل الملائکه و الروح فیها باذنهم من کل آیه در آیم
دیگر فرموده فیها یفرق کل مرجم **دویم** آنکه عبادت این شب بهتر است از هزار ماه چنانچه فرموده
کیله القدر خیر من العشر شهر **مراج دویم** در میان تعیین این شب بدانکه تا طب علمای شیعه جزوا
الله علیهم نایل شده اند بلکه شب زمان حیات ابرکان است که کایان علیه و آله اکمل الصلوات فی
العیالنا خصوصا نداشتند بلکه با انقطاع زمان دنیا می شود و در هر سال یکیش از شبهای آنست
شب قدر است و علمای عامه نیز در این باب شیعه موافق نموده اند که نادری از ایشان که

امامان شریفان
صلوات بر علیهم

باین وظیفه شایسته

باین بگویند نظیر آنست
زمانه در این عالم

شب قدر را مخصوص زمان حیوة حضرت رسول خدا می دانند و میگویند که بعد از آن حال آن بزرگوار
بعبارت عبارتی شده و این قول بسیار ضعیف و فاسد است حتی آنکه بعضی از اطراف علمای ایشان
گفته اند که جماعتی که اعتقادشان از ایشان است اجتماع نموده اند بر وجود شب قدر و ام آنرا
دگر بر آنکه احادیث بسیار در آن سبکند و صالحان هر عصر آنرا مشاهده نموده اند و از جمله
روایات ذاکره بر این معنی از طرف اهل سنت حدیثی است که از ابو ذر مرتضی است که گفت
بخدمت حضرت رسول خدا عرض نمودم که شب قدر را با مخصوص زمان معجزان است و بعد از
رحلت ایشان بماند بقا آنرا اما میرند پس حضرت فرمود که نه بلکه شب قدر نازل و فیما بین آنست
و در طرفی شیعه نیز احادیث ذاکره بر این معنی وارد شده است چنانچه کلینی رحمه الله فرمود
امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که شخصی از حضرت سؤال نمود که شب قدر را با پیشتر فرود
و بر طرف شد یا بعد از آن نیز در هر سالی خواهد بود حضرت فرمود که اگر شب قدر فرغ شده باشد
باید که قرآن مجید نیز فرغ شده باشد و گوایم آنست که بقرآن مجید چنانچه در مراجع
مذکور است که در روح در این شب نازل می شود چنانچه فرموده نشنول الملئکه و الروح فیها
باذن ربهم من کل امر و آیه دیگر فرموده فیها یفرق کل مرجم و کلمه نزل را آیه اوله کلمه یفرق
و آیه ثانیه و دلالت بر استمرار آنست که استمراریت است تا آخر زمان تکلیف امریست محکوم بر وثابست
براسم بر شب قدر می کنند و اگر شب قدر فرغ شده باشد باید از و آیه نیز فرغ شده باشد و الله تعالی
تکلم و از آنجا که گفتیم معلوم شد که استمرار این شب تا آخر زمان تکلیف امریست محکوم بر وثابست
لیکن در تعیین آن میان علمای عامه و خاصه خلافت اما علمای عامه پس بعضی از ایشان گفته
اند که این شب مخصوص صیفت بلکه جمالی در هر سالی یکیش از شبهای آن سال است و بعضی
میگردانند و این طایفه احادیث مختلفه را که در باب مخصوص شب قدر وارد شده بر این معنی
نیز بل می نمایند و ابو حنیفه گفته که شب مخصوص است و لیکن در میان شبهای سال مشهبت
و بعضی گفته اند که در میان شبهای ماه شعبان و ماه مبارک رمضان مشهبت است و از بعضی
روایات وارد و در طرفی شیعه معلوم می شود که بعضی از اهل سنت شب یا نهم شعبان را
شب قدر میدانند و اکثر محققین ایشان قایل شده اند که از ماه مبارک رمضان بیرون نیست
چنانچه بعضی از این طایفه شب اول ماه رمضان را و بعضی دیگر ششم و بعضی دیگر شب
بیت و هفتم و آگنده اند و اکثر گفته اند که از شب نهم و شب بیست و یک و بیست و هفتم نیز نیست
و بعضی محصره رد و شب آخره اند و بعضی از اقوال نادره و شاذه دیگر نیز میان ایشان
هست و هر یک بر طبق مدعی خود بر او پای با ما رفتی و علامتی شد که در این اند چنانچه بعضی
آنها قبل از این مذکور شد و اما علمای شیعه در عنوان الله علیه در بیخلاف ظاهر در میان ایشان که

اقوال علمای شیعه
در باب تعیین شب قدر

و نیز روزی علی بن ابی طالب و مولای او با هم در میان و مکمل و زده و اجابت و کویا بر سر
این باب آنست که چون جنون انسانی بر وفق حکمت کامله در باقی مشایخ و شهودی و عضوی که درین
و عقل که سرایت به تحصیل سعادت استخا و درانی است با نسیب و تحصیل معارف و در باقی استقلال ندارد
و لهذا غالب افراد این نوع بیوسنه بر خارقه نیای قافی چشم و خنده و در اکثر احوال در فکر و خیال
تحصیل جاه و اعتبار و اولاد و اموال یا کتب مستلذات جنبانی که متمتای قوای شهوانی است
مقام انتقام از احدی که مقتضای قوای غضبی است میباشند و با این همه در وقت اشتغال با
ان شرط عمل آن که حضور قلب است غافل و از روح آن عبادت که توجه نام بجای احدی
و انقطاع از ماسوی و توسل بجای اهل لیس و الحفا یا است ذ اهل میباشند و این نوع عمل
به نفع و خالی از فایده است چه این صورت عمل است نه اصل عمل چون جناب افسر باری تعالی
قباط مطلق و رحمتش بر غنای سبقت گرفته و سفره ماده انعام غامش بر روی خواص عوام
گذرد است لهذا وقت هر عملی را عرض بر بعضی زمان طویل کرد آید و برای هر عبادتی مقدر
و نافله و متمم قرار داده پس کسی بر هفتای فایده و نفع الهی نیان معجزه و نافله و فریضه
هنگی کجا می نموده از یاد خدا غافل نباشد و توسل و توکلش بخدا و بند خود نام و کامل باشد
و از ماسوای او قطع تعلق با امر نموده باشد و آنچه را بر زبان گوید در دل آنرا نیز بفهمد
و بداند که با کس سخن میگوید و چه حالتی از او طلب میکند البته چنین کسی بجز این عبادت
درگاه رب العزت نمیکرد و این حالت در همه اوقات میسر نمی شود مگر برای انبیا و اولیاء
صدیقیان که اشر قوای شهوی و غضبی را از نسیم لطف حاصل آتی در نشانی اند و در
قوت ایمان مرتبه حقایق رسیده و لهذا در حدیث وارد شده است که دو رکعت نماز
که حضرت رسالت هم بجای آورد از تمام عبادت تفلیح افضل بود و اگر این حالت برای کسی میسر
نشود و همگی جز آن عبادت را از مفلسه و نافله و فریضه و متمم نتوانند با حضور قلب
بجا آورد بلکه در بعضی از اجزاء آن با حضور قلب باشد با لمره از نمره آن عبادت محروم
نمیکرد و بلکه در حقیقتی شایسته حال او می شود مثلا در نماز هر که کسی در جزوی از اجزاء
معدومات یا نوافل آن یا اصل فریضه یا در متمم آن که تعقیبات است با حضور قلب باشد
و معترف بکنا نماز خود بوده مشوجه درگاه حق نشا کردد البته لطف و رحمتی آنهاست
ارحم الراحمین شایسته حال او میگردد و بسبب این قدر از تسکین و آگاهی هر چند بسیار باشد
آمر زب می شود و هر چه خود را از آن نماز می باید بگذرد رسایا جز آن نماز غافل و خالی از حضور قلب
بوده باشد پس اگر در جزوی از اجزاء مقدمه سخته و مستطفا و آگاه نباشد و از روی خلوص
آن دعا بخواند اصل نماز یا نافله و تعقیبات او هر یک بدرجه قبول میرسد و اگر در مقدمه و نافله

و فریضه غافل باشد و در تعقیب تنبیهی برای او برسد و یک دعا از زری اخلاص و توحید بخواند نیز
مرحمت الهی شایسته حال او می شود و این معنی آنست که میشود که افعال سابقه او از فریضه و نافله
سایر معدومات نیز مقبول می شود و لیکن این عبادت بحسب بندیت تراست از عبادت کسی که
معدومات و نوافل و فریضه متمم را همگی با ادب و شرایط بعد از آن باشد و مؤید آن این سخن
در روایات و اخبار بسیار است و بعد از تمهید این مقدمه گویم که شب قدر و اونی شب بیست و نهم
ماه مبارک رمضان است و شب نوزدهم و بیست و یکم بمنزله نافله آن شب است چنانچه سابق
تفصیل یافت و لیکن نام اینماه چون بابرکت و فضیلت است گویند که هر روزه در این ماه در خلیفه در
قدر هفت و بیست و یکم شب اول بمنزله مقدمه است و شب قدر است و شب نوزدهم و بیست و یکم
بمنزله نافله شب قدر است و شب بیست و بیست و نهم شب استراحت است و هفت شب
عبادت شب بیست و نهم متمم و مکمل است و در شب بیست و نهم ملکه و روح بخوابد
امام زمان نازل میشود و تعداد عبادت او معروض میدارند و لیکن چون بخوابد
که احدی در شب قدر نگاهل در باب عبادت نموده باشد و اسم او در دیوان سعادت مرقوم
نکند نباشد و لیکن بعد از آن شب مستطفا و آگاه شود و ثمارت منافات را در باقی ایامی عشر
اخیره نماید و حق تعالی اجل را اگر از آنست که چنین شخصی را سیرزد و او را در زمره سعادت اهل
کنند پس ممکن است که ملکه و روح در شب از ایامی عشر اخیر بخوابد امام زمان نازل
شوند و اسم چنین شخصی را از دیوان استقیان بخوانند و در زمره سعادت نویسند و اگر کسی
گوید که در شب قدر جمیع امور از سعادت و شفا و تندرستی و غیر آن تقدیر میشود و بعد
امضا میرسد و محسوم و محسوم میگردد چنانچه از هر ایامی سخن بر عمار که سابق مذکور شد غرض
میشود جواب گویم که از بعضی روایات دیگر ظاهر میشود که تعقیب آن سعادت است نه سعادت
و بعد از این مرشد که هر بر وفق حکمت کامله الهی در بعضی از امور تغییر واقع می شود با آنکه ایام
عشر اخیر چنانکه گفتیم متمم و مکمل است قدر است و میتوان بود که در شب قدر ملکه و روح
بخوابد امام معروض نماید که فلان شخص است از عبادت نگاهل و در زمره و اسم او را
در دیوان استقیان و لیکن در فلان شب مرحمت الهی شایسته حال او خواهد شد و ثمارت
منافات را خواهد نمود و اسم او را در دیوان استقیان خواهد شد و در دیوان سعادت ثبت
خواهد شد و چون آن شب در آید و این شخص ثمارت تفصیح خود را بکند از ملکه و روح
نازل شوند و اسم او را از دیوان استقیان بخوانند و در دیوان سعادت ثبت نمایند و لهذا در بعضی
هر یک از ایامی عشر اخیر واقع شده که اگر در این شب تقدیر فرموده نزل ملکه و روح را
اسم مراد دیوان سعادت ثبت فرماید و چنانچه اگر کسی در هجده شب اول اینماه که بمنزله مقدمه است

توفیق عبادت کامل یافته از روی توفیق و آگاهی بدو نگاه الهی متوجه شود مرخص حق تعالی شامل حال او میشود و در همان شب ملکه و روح بخیر است امام زمان نازل میشود و عرض مینماید که فلان شخص است توفیق چنین عبادتی یافته و حق تعالی اسم او را از جمله سعدا در شب قدر خواهد نوشت و چون شب قدر در آید هر چند این مرد آن شب را بگذشت سپرد که باز ملکه و روح با اعتبار عمل سابقه که از او صادر شده اسم او را در دیوان معذات ثبت مینماید و بدانکه چنانچه نوافل بعضی شوکد و افضل از بعضی میباشد چنانچه قبل از این مذکور شد همچنین معذات و متمم نیز بعضی شوکد و افضل از بعضی میباشد و لهذا شبهای طاری هجده شب اول افضل از شبهای زوج است و در میان شبهای طاری نیز بعضی افضل است از بعضی دیگر مانند شب نهم و شب هفدهم و همچنین بعضی از شبهای هفت شب بعضی از بعضی افضل است مانند شب بیست و چهارم زیرا که این شب شب اول از شبهای متمم و اقرب است قدر از سایر شبهاست و مانند شب بیست و هفتم بجهتی که بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و مانند شب آخر زیرا که بعد از آن اثر شب قدر منقطع میشود و لهذا در بعضی از روایات خصوصاً شب بیست و چهارم و شب آخر نیز مذکور است و همچنین عبارات ادعیه شب بیست و هفتم زیاد از سایر شبهای عشر آخره دلالت بر خواص شب قدر میکند و از آنکه گفته میشود که تمام ماه رمضان را در الحمله مدخلی در شب قدر هست و اگر کسی خواهد که شتاب قدر حاصل واقع فایز شود باید که تمام این ماه را با خلوص نیت و اعتقاد و مراعات آداب و شرایط عبادت پروردگار قیام نماید و مؤید این معنی است حدیثی که ابن بابویه در کتابین لا یحضره الفقیه بسند خود از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که رسول خدا ص چون از عرفات مراجعت فرمود عیاش بن معنی داخل مسجد پیش کرده مردم بر کوفه آن بزرگوار را آمدند و از مشیت قدر مسکلت نمودند پس حضرت برخاست و خطبه داد فرمود و بعد از حمد و ثناء الهی فرمود که بدرستی که شما از مشیت قدر مسکلت نمودید و مرا ترا برای شمایان نمودم نرا از راه آنکه علم بان در مشیت بلکه ملبسند ای گروه مردم که هر که ماه مبارک رمضان بر او بگذرد و بدین اوصاف و صالحی و سالر باشد و روزهای آنماه را روزه بدارد و قدری از شبهای آنرا عبادت بر پا دارد و بر نمازها مستقیم نماید و در جمعه های آن بنام جمع و بنا درت نماید و صبح عید بناز عید حاضر شود پس شب قبله را در یافته و بخانه پروردگار خود فایز شده است و دلالت این حدیث شریف بر آنکه مذکور شد ظاهر و واضح است بلکه دلالت میکند بر آنکه شب عید و روز عید را نیز در باب شب قدر مدخلی است چنانچه پوشیده نیست و لهذا در فضیلت شب عید وارد شده است

کودک

کردن شب نیز جمع کثیر آرزوی می شوند و از آنست که جمیع آنرا بشوند و بخنی تا آنکه باین سخن جمیع احادیث متعارفند و در باب شب قدر باید یکم مثلای می شود و عبارات ادعیه عشر آخره و حدیثی که دلالت بر شب بیست و چهارم میکند و عبارات دعای هر روز و همچنین محتاج بنا و نیک بلکه ممکن است که گوئیم ماه رجب که از مقدماث ماه رمضان است و ماه شعبان که از جمله نوافل آنست آنها را نیز دخلی در شب قدر هست و لهذا بعضی از روایات دلالت میکنند بر آنکه در شب نهم شعبان تقدیرات واقع میشود و مراد آنست که آن شب را فی الجمله دخلی در باب تقدیر است چنانچه شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان از ابن عباس روایت کرده است که حق تعالی در شب نهم شعبان قضایا و وقایع سال آینده را قضا میفرماید و در شب قدر آنها را بار بار آنها تسلیم مینماید و گوئیم مراد ابن عباس آنست که در شب نهم شعبان خداوند عالمیان در علم کامل خود تقدیر امور میفرماید و ملکه و روح که در باب تقدیرات آنها مطلع اند و در شب قدر مطلع میشوند و عذمت امام زمان نازل میشود و همگی آنها را بخیر میفرماید و عرض مینماید و همچنین مشهور است که بعد از ماه رمضان است چون بمنزله متمم و مکمل ماه رمضان است ایام و لیالی متبرکه آنها را نیز در الحمله دخلی در باب شب قدر هست و گاه هست که جمعی که در ماه مبارک رمضان اصلا توفیق عمل خاصی نیافته اند در ایام و لیالی متبرکه و بعد از ماه مبارک رمضان توفیق عملی بشکورت مانند حج بر روی شلای می یابند البته آرزوی می شوند و لهذا در حدیث وارد شده است که هر که در ماه مبارک رمضان آرزوی نیت نشود دیگر آرزوی نیت نشود مگر آنکه در ریاضت عرفات حاضر باشد پس جمیع آنرا ایام متبرکه تمام سال را در شب قدر در الحمله مدخلی است و ابتداء آن از شب عرفه ماه رجب است و در آن شب شروع بجهتید است قدر میشود و هر چند ماه رمضان نیز دیگر میشود دخل آن بیشتر میشود و چون ماه مبارک رمضان داخل می شود مدخلیت آن زیاد میشود تا شب بیست و سیم و بعد از آن شروع بمسئله می شود تا آخر ماه رمضان و بعد از ماه رمضان نیز متمم ماه رمضان است و لیالی و ایام متبرکه آنها را نیز اندک دخلی بتعصیب می مذکور شد و الله تعالی اعلم **و مانده** در باب آنکه چرا خصوصاً شب بیست و سیم شب قدر کرده است نکتة خاطر هر سید بیان آن نکتة موقوف بر تمهید مقدمه است و آن مقدمه آنست که بعضی از افراد عده را بر سایر افراد متمم و امتیازی میباشد و لهذا اکثر ادعیه ذکا در احادیث و اخبار بعد از هلی خاص وارد شده و بعضی گفته اند که اگر دعا یا ذکر یا عملی که بعد خاص وارد شده اگر آن عده تجاوز نماید تشریح برای آن وارد شده بر آن مشرف نمی شود و تمثیلی برای این طلب نکرده اند که این بمنزله آنست که کعبی را یکی نشان داده باشد که از فلان موضع مثلا جهل کام بغال زجا سبک برداری بر کعبی بر او سبک کرده اند او را با الفتن نمانی

در باب آنکه چرا خصوصاً شب بیست و سیم شب قدر کرده است نکتة خاطر هر سید بیان آن نکتة موقوف بر تمهید مقدمه است و آن مقدمه آنست که بعضی از افراد عده را بر سایر افراد متمم و امتیازی میباشد و لهذا اکثر ادعیه ذکا در احادیث و اخبار بعد از هلی خاص وارد شده و بعضی گفته اند که اگر دعا یا ذکر یا عملی که بعد خاص وارد شده اگر آن عده تجاوز نماید تشریح برای آن وارد شده بر آن مشرف نمی شود و تمثیلی برای این طلب نکرده اند که این بمنزله آنست که کعبی را یکی نشان داده باشد که از فلان موضع مثلا جهل کام بغال زجا سبک برداری بر کعبی بر او سبک کرده اند او را با الفتن نمانی

وسکام یا پنجاه کام برداری بکنج طرف نخو اهی نایز همچین در نایزده غا آن عدد مخصوص معنی است
و اگر از آن بخاورد نکند از آن گذشته است و بر آن طرف نیاخته است و از جمله عدد های ممتاز
عدد چهل است که اکثر احوال مولود از حالت نطفه بودن و علفه بودن و مصغره بودن و غیر
آنرا در مدت چهل روز حاصل می شود و علمادرتنیه حدیث من اخص الله اربعین صلیا حیا
تفخیر بیع الحکمه من قلبه الخ لسانه خواص و مزایای بسیار برای عدد چهل گفته اند و عدد
دوازده نیز از آن جمله است و لهذا عدد آنرا علیه السلام و عدد نقبای بنی اسرائیل و عدد بروج
آسمانی و بعضی امور دیگر که به نتایج معلوم می شود نیز بر دوازده گذارشته شده و همچنین عدد
هفت نیز از جمله عدد ها ممتاز است و لهذا عدد ایام هفته و سماءات و طبقات ارض و
اقایم روی زمین و مساحت سیع در حالت نماز و غیر آنها چنانچه بعد از شش معلوم میگردد
باز بعد مقرر گردید و شش حلیل بنیل شیخ برآوردن عدد عالمی قدر الله روحه الشریف در بعضی
از مؤلفان گفته که در میان اعداد اعدادی آکل از عدد هفت نیست زیرا که طاق است
و عدد طاق آکل است از عدد زوج و لهذا در حدیث وارد شده است که ان الله و ترجبت
الوقت یعنی بدستی که حق تعالی طاق است و دوست میدارد طاق هر چیزی را و ایضا عدد هفت
اول عدد طاق است که مثل است بر اکثر انواع عدد زیرا که عدد یازوج است تا از اولیا
فرد غیر اول و یا منطلق است یا اصم و یا مجذ و یا غیر مجذ و یا نام است یا از اید است یا
ناقص و یا زوج است یا زوج فرد و عدد هفت بر جمیع این اقسام مثل است مگر
عدد زاید و بیان معانی این اعداد مناسب این مقام نیست و با جمله عدد هفت اکل اعداد احاد
و برین در میان جمیع اعداد ممتاز است و چون این مقدمه تمهید یافت گویم که بیست
لیک است که مثل بر سر هفت شش است مقدمه شش قدر است و شش بیست و یکم که بمنزله
ناقله هر هفت شش قدر است و در آخر مقدمه و اقرب از سایر اجزا مقدمه بدی مقدمه است
و چون این ناقله هر هفت نیز در شرافت نالی شش قدر است و حسب المقدر و بعد اذت و احیای
آن باید قیام نمود لهذا شش بیست و دویم شش است راحت کرد و بعد از حصول این چهار
چون بعد از مقدمه امانت و عبادت و شش ناقله شش قدر است و در داخل شش قدر یکمال
رسیده شش بیست و سییم شش قدر کرد از پنجم و بعد از شش قدر هفت شش دیگر و متمم و
یکمال شش قدر کرد از پنجم بلکه هفت شش از ماه شوالی که آن شش عبید و شش شش بعد از آن
که لیلی ایام سته تشییع است نیز متمم دیگر است برای شش قدر پنجم در مقدمه و متمم هر دو
رعایت عدد هفت که اکل اعداد است واقع شده است و مؤید این معنی چند حدیث وارد
شده است اول شیخ بزرگوار را علی طبره در بعضی جمیع ایازد و این کرده است که روزی عمر بن

ایشان عدد هفت در دنیا
عددها

المخطاط علی اصحاب رسول خلاصه سوال نمود که شما میدانید که حضرت مرسلان در باب شش
فرمود که طایفه یک نیا از در شش های طایفه عشر آخر ماه مبارک رمضان پیش شما آنرا در کدام یک
از شش های طایفه یابید پس هر یک از ایشان سخن گفتند از عباس گوید که من نیز در میان
ایشان بودم پس عمر بن کعبه گفت که تو چرا درین باب سخن نمیکوی من گفتم که من چنین دیدم
امر که حق تعالی در قرآن مجید عدد هفت را بسیار ذکر نموده چنانچه آسمانها را هفت درجه
هفت و عدد شش طهای طوائف را هفت و عدد رمی حمار را هفت مقرر فرموده و از آن
چیزهایی که حق تعالی آنها را بعد هفت بنا کند آشته انسان است که خلق آنرا در هفت
چیز قرار داده و روزی آنرا نیز در هفت چیز قرار داده پس عرض گفت که هر که از ما فهمیدم بغیر
خلق و روزی انسان که چگونه آنها نیز به هفت مقرر کردید پس گفت که حق تعالی میفرماید
و لقد خلقنا الانسان من سلا لیه من طین ثم جعلناه نطفه ثم قرأ میکن ثم خلقنا
الطفة علیة ثم خلقنا العلفة مضعة ثم خلقنا المضغة عظما ما کسونا العظام
لحمات ثم انشاه خلقا یعنی بدستی که خلق کرده ایم از طعام و شراب پاکیزه که اصل آن از
خاک است پس کرد ایندم آنرا در نطفه که در رحم قرار گرفته است پس خلق کردیم نطفه را
علفه یعنی خون غلیظ منهد پس خلق کردیم علفه را مضغه یعنی قطعه گوشت پس خلقت
کردیم مضغه را استخوان پس پوششید بر بر روی استخوان گوشت را پس آنرا کرد آئید
خلق کردیم که در آن نماییم پس معلوم شد که خلق انسان در هفت حالت است
و در جای دیگر میفرماید انا صبغنا الماء صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فیها حبا
وعشبا و قصباً و زیتوناً و نخلاً و حنظل و نخلبا و فاکهة و ایا ما نعالکم و لانما کم یعنی بدستی
که در روز پنجم ما آب را یعنی باران را فرود بخنی پس شکافیم زمین را برای رسیدن و بیرون آمدن
گیاه شکافنی پس رویا سیدیم در زمین آنها را که کندم و جو و سایر حیوانات است و نکود
و پیروزیتون و درخت خرما و باغسناهای عظیم و میوه و علف را از برای تمتع شما و چهار
پایان ششم پس روزی انسان نیز در هفت چیز است که آنها حیوانات و نکود و پیروزیتون و خرما
و میوه و علف است پس از عبا سر گفتند که حق تعالی در روز ششم در آنکه در شش بیست و یکم که هفت شش
ماه مبارک رمضان باشد مانده است پس عمر بجهایه گفت که شما صاحب ششید از آنچه
فهمید بود آنرا این جوانی که هنوز زموهای پیش سر او بیرون نیامده است پس عرض گفت که
رای من نیز برای تو مطابق است و دست بر مشک من زد و گفت که علم تو کمتر از علم قوم تو نیست
دویم ایضا شیخ طبره در کتاب مذکور از عبد الله بن عمر روایت کرده است که مردی
خداست رسول خلاصه عرض نمود که من در خواب دیدم که شش قدر شش است که بعد از آن شش

مبارک

هفت شب از ماه رمضان با قیامت با باشد پس حضرت فرمود که خواب تو دلالت میکند که شب قدر
شب بیست و سیم بوده باشد پس هر یک از شما که خواهد شبی از ماه رمضان را اجتناب نماید تا
شب بیست و سیم را احیا کند و دلالت ازین حدیث بر آنست که برینند ظاهر و واضح است
و بدانکه بعد از بیان شرافت هفت در میان اعداد آحاد و شش بیست و هفتم فی الجمله
در میان هفت شب آخر ظاهر می شود و لهذا بعضی از روایات و ادعیه دلالت میکند
بر آنکه آن شب قدر است چنانچه بسا بفرمان مذکور شد و الله تعالی ورسوله وقرت
الکرام تعلم حقایق الاحکام **تذنیب** بدانکه در بعضی از روایات بعضی از علامت برای
شب قدر وارد شده است و بعضی از آنها بعد از این است که الله تعالی در ضمن اعمال با آن خواب
شد و بقیه را در این مقام مذکور میسازد بر محمد بن یعقوب کلبی رحمه الله عن محمد بن مسلم روایت
نموده است که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام در صلوات الله علیه اسوال نمودم
از علامت شب قدر فرمود علامت آن اینست که هوای آن شب طیب و خوشبوی است و اگر
در فصل زمستان باشد که در آنست و اگر در تابستان باشد سرد و خوشبوی است و شیخ طبرسی
رحمه در کتاب مجمع البیان از طریق اهل سنت از حضرت رسالت پناه ص روایت کرده است که
فرمود که شب قدر شبی است تا برکت و عطا بسیار در آنست و در بسیار سرد و طلوع میکند
افسوس در صبح آن در حالتی که کوه یا شمع ندارد و در **سراج چهار** در بیان جوانی اشکال آورده
در این مقام بدانکه در این مقام چند اشکال محسوس ظاهر می شود **اشکال اول** آنکه در
ایات سابقه و احادیث ما صبیحه وارد شده که قرآن مجید در شب قدر نازل شده است چه
آیه که می آید از آنست که فی لیلته القدر صبح بود در این معنی است با آنکه ظاهر است که ایات و سوره
بر وقت مصاحف و وقایع منقر فانما نازل میشده چنانچه گفته است که در وقت بیست و
تمام قرآن مجید نازل شد و بعضی بیست و سه سال گفته اند و علما از این اشکال چند جواب
اول بعضی گفته اند که استماع نزول قرآن مجید در این شب بوده است **دو** بعضی گفته اند که ایات
نازل در هر سالی اول شب قدر در حضرت رسالت ص نازل می شد و بعد از آن در ظرف سال
بر طبق وقایع و مصاحف نازل می شد **سوم** فاضل جلیل مولانا سخن کاشانی طاب ثراه در
تفسیر صفاتی گفته که از بعضی روایات مستفاد می شود که قرآن در هر سالی در شب قدر نازل
حق تعالی در زمین که رسول خدا و ائمه ظاهرین صلوات الله علیهم اجین نازل میشد
و مراد از این آنست که در هر سال ملک و روح در این شب بر امام نازل می شوند و آنچه از
ایات قرآنی که متعلق بوقایع و سوانح آن سال است برای بیان مینمایند و محبت آن ایات
را تفصیل و متشابهاات را تاویل و مطلقاات را مقید می سازند و محکمانه از متشابهاات

ذکر

علامت قیامت

در این شب قدر
تکلیف نازل می شود
و بعضی از آن



جمله میکنند و لهذا حق تعالی میفرماید **شهره** مصححان الادی انزل فیها القرآن هدی للناس
سبیلات من الهدی و القرآن یعنی ماه رمضان که نازل شده است در آن قرآن عینی در شب قدر
از آنگاه حال کوفی که راهنای میکند مردم را بر راه راست و ظاهر هر دو یکسان است هدايت و فرمان
و مراد از فرمان آیت حکمایت که عمل با آنها واجب است و در آیه دیگر میفرماید **فیها یقر کل**
امر حکیم یعنی جلای شود در شب قدر هر امر حکیمی یعنی هر امر حکمه از آیه متشابهاه و در موضع
دیگر خطاب بر رسول خدا ص میفرماید که **ان علینا جمعه و قرآنه** یعنی بدینستی که بر ماست جمع
قرآن بر سینه تو و انشا قرآن آن بر زبان تو یعنی در از منته متفرقه نزول ایات فاذا قرأناه
فاشبع قراآنه پس هر که خواند بر ایات را بر تو در چنین نزول ایات پس پیروی کن همه آنها را
شکران علینا پس بدینستی که بر ماست بیان آن یعنی در هر شب قدری ملک روح
را میفرستیم بسوی تو و اهل بیت تو بعد از تو که محکمانه از متشابهاات جدا کند و تفدی
اشیا و احکام مخصوص فایع که در هر سالی نازل می شود بیان نمایند پس مراد از نزول قرآن
در شب قدر آنست که اکمال و انعام نزول آن در شب قدر است این کلام این فصل و مراد
از حدیثی که دلالت بر تکوین نزول قرآن در شب قدر میکند حدیثی است که از جریر بن اعمش نقل
است که گفت از حضرت امام محمد باقر ع سؤال نمودم از قول حق تعالی **انا انزلناه فی لیلته**
مبارکة حضرت فرمود که لیلته مبارک شب قدر است و آن در هر سالی در عتمة اجزیه
مبارک رمضان است و نازل نشده است قرآن مگر در شب قدر حق تعالی میفرماید **فیها**
یقر کل امر حکیم یعنی بقدر می شود در این شب هر چه در اول سال آخر واقع
می شود از خبر و شر و طاعت و معصیت و ولد و اولاد و اجداد و ارباب مردم
چه عیب ظاهر و کائن بر ایند عام میکند لیکن صریح در این معنی نیست چنانچه بعد از نامک
در عبارت حدیث معلوم می شود و الله تعالی **جهان** حدیث علامت مومکانه از مجلسی
طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود گفته که ممکن است که نام قرآن مجید اولاً بر رسول خدا ص
نازل شده باشد و ثانیاً بر طبق وقایع متغییر نازل شده باشد **چهارم** بعضی گفته اند که در
شب قدر از لوح محفوظ بر ملک کبری که کاشان و رضا سلطان و رسولان نازل شد و بعد از
آن متغییر نازل شد **ششم** بعضی دیگر گفته اند که در شب قدر بیست و سه مرتبه نازل شد
و بعد از آن بخوبی نازل شد و این معنی در بعضی از روایات نیز وارد شده است چنانچه
کلبی رحمه الله از حضرت بن عباس روایت کرده است که گفت **عده** حضرت خدا در عتمة
که چگونگی حق تعالی میفرماید **شهره** مصححان الادی انزل فیها القرآن و الله قرآن مجید
مدت بیست سال نازل شد حضرت فرمود که نام قرآن مجید در ماه مبارک رمضان بر بیست

المعهور نازل شد و بعد از آن در مدینه بیست سال متصرف نازل شد پس حضرت فرمود که رسول خاتم
فرمود که در شب اول ماه مبارک رمضان حضرت ابراهیم عم نازل شد و در هفتم
ماه رمضان نوزدهم حضرت موسی عم نازل شد و در چهارم ماه آن انجیل بر حضرت عیسی عم نازل
شد و در نوزدهم آن زبور نازل شد و در شب بیست و سیم آن قرآن مجید نازل شد و مولانا
محسن کاشانی رحمه گفته که مراد از بیست المعهور در این حدیث قدس رسول خداست
و پوشیده نیست که ضروری در این معنی نیست و قریبه که بر آن دلالت میکند در عبادت
انجیل نیز مذکور نیست **هفتم** بعضی دیگر گفته اند که در شب قدر از بیست المعهور
بناشد که فلک قرآن نازل شد و بعد از آن بخوبی نازل شد و این وجه در بعضی روایا
وارد شده است اینست و جوهری که علماء در دفع این اشکال گفته اند و این با بوی بر وجه در کتب
من لا یحضره الفقیه و الا حدیثی بسند مرسل از حضرت صادق علیه السلام است که
فرمود که در ماهها از حق تعالی دو اوزه ماه است در کتب عبادت و ذکر که آسمانها و زمین
را خلق کرد پس بهتر از اینها ماه خداوند عالم است و آن ماه رمضان است و گفته
رمضان شب قدر است و قرآن در شب اول ماه رمضان نازل شد و با استقبال آن
ماه قرآن آمد و بعد از ذکر این روایت گفته است که کما حمل شد نزول قرآن در شب قدر و
این کلام نهایت ابهام و اجمال دارد و مولانا محسن کاشانی رحمه آن را بر وجهی که در دفع
اشکال گفته و تفصیل آن مذکور شد تزییل نموده است و صاحب کتاب فراید متنبه مولانا
محمد امین سزا بادی رحمه گفته که چون از احادیث دیگر معزوم می شود که قرآن در شب قدر از
لوح محفوظ بنام دنیا و آخر آنجا زمین در مدینه بیست و سه سال نازل شد لهذا
صدوق رحمه در مقام دفع شافض در میان احادیث این کلام را ذکر نموده است و مراد
اواز تکامل نزول و وصول به آسمان دنیا است و ظاهر این توجیه آنست که نام قرآن مجید در
اول ماه از لوح محفوظ فرود آمده و در شب قدر به آسمان دنیا رسیده باشد و این معنی
بسیار بعید است چنانچه بر مندرج پوشیده نیست و حدیثی که مولانا محمد تقی طباطبائی
در مقام جمع میان روایات مختلفه این مطلب تصحیح قول صدوق رحمه گفته است که در
اول ماه از لوح محفوظ به بیست المعهور و در شب قدر از بیست المعهور به آسمان دنیا نازل شد
و بعد از آن متصرفا نازل شد و این سخن نیز بعید است زیرا که در روایت حضرت زینبیه که
مذکور شد که چه مذکور نیست که در شب قدر تمام قرآن به بیست المعهور نازل شده باشد و محتمل
است که در شب اول ماه نازل شده باشد و لیکن خبر آخر روایت دلالت میکند بر آنکه نزول
به بیست المعهور در شب قدر است و ظاهر آنست که مراد صدوق رحمه چنانچه فاضل مراد رحمه

گفته

گفته است آن باشد که ابتداء نزول قرآن مجید به آسمان دنیا در شب اول ماه و انتهاء آن در
شب قدر بوده است پس تمام نزول قرآن به آسمان دنیا و کمال آن در شب قدر است و تحقیق این معنی
بوضوح که جمیع روایات متعارفند باید یکدیگر منطبق شود چنانچه محاط نظرنا از این شکسته فاضل
آنست که نزول قرآن مجید بر دو قسم منقسم باشد **اول** آنکه معانی و مضامین قرآن مجید
بر قلب نورستید کاینکه صلی الله علیه و آله اخذ الحقیقات و الصلوات الفاضله و آن
حضرت را علم بجمیع آنها از راه الهام ربانی و وحی مستجاب حاصل شود **دوم** آنکه الفاظ
و کلمات آیات بر آنحضرت خوانده شود بنابراین ممکن است که گوئیم در شب اول ماه رمضان
تمام قرآن مجید بطریق اول بر آنحضرت نازل شده چنانچه مسفر میاید نزول بر الروح الامین
علی علیه السلام یعنی نازل شده است بقرا مجید روح الامین بر قلب توبه و در شب قدر بطریق
مجموع الفاظ قرآن مجید از لوح محفوظ آوازه بیست المعهور و از بیست المعهور به آسمان دنیا نازل
شده باشد و بعد از آن تدبیرجا در مدینه بیست و سه سال نیز بطریق دوم نازل شده باشد
و بعد از آن متصرفا نازل شده باشد پس مراد از نزول در آیه کریمه نزول بر الروح الامین
علیه السلام نزول معنی اول است و در آیه انا انزلناه فی لیلۃ مبارکه و آیه انا انزلناه فی
لیلۃ القدر نزول معنی دوم و در آیه شهر رمضان الذی انزل فیها القرآن اگر چه هر دو
است ولیکن حدیث حصن بن عیاش دلالت بر معنی ثانی میکند و سردر این باب ممکن است این
باشد که چون نام ماه مبارک رمضان بابرکت و تفضیل و محل عبادت است لهذا در شب اول
ماه رمضان از سال بعثت معانی و مضامین قرآن مجید بر آنحضرت الهام و انشاء کرد از
اول آن ماه تا آخر آن معرفت آن جناب و علم او با کمال او میگون الی یوم القیام کامل و تمام
باشد و در شب قدر که اشرف اوقات آن ماه است تمام قرآن بطریق ثانی بامکنه شریفه که
آن بیست المعهور که معبد ملک مقرران است و سلام دنیا که محل مجوم و کواکب شریفه است
نازل شده باشد و اگر تا انشاء در آن شب زمین فرود آمده باشد ممکن است که در مسجد الحرام
که اشرف بقاع روی زمین است بر رسول خدا فرود آمده باشد و محتمل است که گوئیم بنابراین
چهار مرتبه قرآن مجید نازل شده و حکایت نزول هم در چهار موضع از قرآن مذکور است و
محتمل است که هر یک اشاره بزولیه بوده باشد چنانچه آیه نزول بر الروح الامین علی علیه السلام
اشاره بزولیه اول در شب اول ماه باشد و آیه شهر رمضان الذی انزل فیها القرآن
اشاره بزولیه بیست المعهور و آیه فی لیلۃ مبارکه و آیه انا انزلناه فی لیلۃ القدر
اشاره بدو نزول دیگر باشد و الله تعالی عمل حیاتی الامور اشکال **دوم** آنکه وظیفه اول
شب قدر چنانچه در معراج دوم مذکور شد آنست که جبار در آن شب به آسمان از هزار امراه

چنانچه میباید لیلیه القدر جزیر الفتنه و هزار ماه هشاد و سرسال و چهار ماه است و در هر
سال یک شب قدر است و این معنی سنگین و تفضیل است قدر است بر هشتاد و سرب قدر
و عباد مقام جواب این اشکال و مسلک اختیار نموده اند **مسئله اول** شیخ طبرسی رحمه
کتاب مجمع البیان که بطریق اهل سنته از ابن عباس روایت نموده است که روزی رخصت رسول
مذکور شد که شخصی از بنی اسرائیل در مدینه هزار ماه شمشیر برد و پیش خود گرفته در راه خلاصه
نموده آنحضرت تعجب عظیم نمود و آرزو کرد که کاش از سعادت در امت آنحضرت نیز مسوول بود
مقام مناجات فرمود که بار خدایا عمرهای امت مرا از سایر امتها بگناه ترا و عملهای ایشان در این
که کرد آید پس حق تعالی شب قدر را با او مکرمت فرمود و فرمود که شب قدر بهتر است از هزار ماه که
آن اسرائیلی صلاح برد و شکر گفته در راه خلاصه کرده است و از شب را برای تو و امت تو مقرر
فرمود ام در هر ماه رمضان تا روز قیامت و خلاصه جواب سایر این را در شیخ طبرسی مذکور از هزار ماه
خصوص هزار ماه زمان حیوة اسرائیلی است و شب قدر در آن نبوده بلکه شب قدر در زمان رسالت
بغیر آن زمان هر چه رسید و مستتر خواهد بود تا آخر زمان دنیا **مسئله دوم** مسلک جمعی از
علماء گفته اند مراد از هزار ماه مدینه یا دشتی خلفای بنی امیه لعنهم الله تعالی است و این معنی
در روایات بسیار وارد شده است چنانچه در حدیث سند صحیفه کامله سجاده صلوات الله
علی من اللهم وارد است و ایضا کاتبی از حضرت صادق روایت کرده است که رسول خدا
در خواب دید که بنی امیه لعنهم الله تعالی بعد از آنحضرت بر منبر آنحضرت با کافر شده اند و مرد
را از راه راست بجهت میگرداند و آنحضرت صبح کرد با حزن و اندوه پس جبرئیل فرود آمد و
عرض نمود که یا رسول الله چه میشود مرا که ترا اند و هناك و حزن بنی امیه حضرت فرمود که ای
جبرئیل در خواب دیدم در شب که بنی امیه بعد از من بر منبر من با کافر شده اند و مردم را از راه
راست بجهت میگرداند میکند جبرئیل عرض نمود که سوگند بآن خدای که ترا بجای بنی امیه
نموده است که من بر این مطلع نگردیده ام و با آسمان عرض نمود و زمانی نگذشت که فرود آمد و
آید آورد که آنحضرت را از اندوه و غم برهانند **قرآنی** ان متعناهم سنین ثم جاءهم ما
كانوا یوعدون لنا اعنی عنهم ما كانوا یتمنون یعنی اگر دیدی که ما مهرو و رکود آید ایری
امیه را در چند سال پس در خواهد یافت ایشان را آن چیزهایی که با ایشان وعده شده است
یعنی راجح از عذابهای بیم و سوره انا انزلناه را نیز آورد پس حضرت صادق صاف فرمود که
حق تعالی شب قدر را از برای پیشتر از هزار ماه است از هزار ماه ملک بنی امیه لعنهم الله علی بن
ابرهیم فرمود و تفسیر و دیگران روایت کرده اند که رسول خدا در خواب دید که میوهها
بسیار بر منبر آنحضرت بالا میرود و با این سبب نمکین شد پس حق تعالی برای تسکین آنحضرت سوره

باین معنی است
تفسیر
چنانچه

انزلناه

انا انزلناه را فرستاد و شب قدر را آنحضرت عطا فرمود و شب قدر بهتر است از هزار ماه
پادشاهی بنی امیه که در آن مدت شب قدر نباشد و از طرفین اهل سنته فاضل میر حسین مید
در شرح دیوان از زمزمی روایت نموده است که حضرت امام حسن مجتبی چون با معویه ملعون
مصلحتی فرمود شخصی برخواست و گفت دو هلی مؤمنان را سیاه کردی پس حضرت فرمود که
رسول خدا در خواب دید که بنی امیه بر منبر او برآمده اند و آنحضرت اند و هناك کرد
پس این آیه نازل شد انا اعطیناکم الکفر یعنی عطا کردم مناسبت کفر را و کفر بهتر است در
بهشت و سوره انا انزلناه فی لیل القدر نیز نازل شد و مراد از هزار ماه هزار ماه پادشاهی
بنی امیه است و بعین این احادیث از طرفین خاصه و عامه روایات دیگر نیز در این باب وارد
شده است و سایر این مسلک جواب این شبهه بچیند وجه تقریر میتوان نمود **اول** آنکه ممکن
است که حق تعالی بسبب ظلم و طغیان ملایع بنی امیه بر ایشان غضب فرموده و تفضیل شب
قدر را در مدت پادشاهی ایشان از هر کس سلب فرموده باشد بغیر آنکه علم بر این پس مراد
اینست که عبادت این شب قبل از پادشاهی ایشان و بعد از پادشاهی ایشان بهتر است از
عبادت هزار ماه سلاک ایشان و این وجه خالی از تعدی نیست **دوم** عبادت که شب قدر
در آن مدت از شعیبان نیز سلب نشده باشد بلکه از فراغ و استیجاب ایشان بر تنهایی شود
شده باشد سایر این مراد اینست که اگر بالفرض عبادت های ایشان صحیح باشد باز عبادت زین
شب قدر که احدی از شعیبان بعد از او در هزار ماه عبادت هزار ماه مدینه ملک آن ملائک
اگر عبادت میکردند و صحیح میبود و این وجه اظهر و جوه است **سیم** ممکن است که مراد این باشد
که ثواب عبادت شب قدر بهتر است از پادشاهی بنی امیه در مدت هزار ماه و اگر کسی بگوید که
معنی خصوصیت شب قدر ندارد بلکه همه عبادت هر چند بسیار و قلیل باشد بهتر است از
پادشاهی بنی امیه بلکه پادشاهی تمام روی زمین در هر اوقات دنیاست چه ثواب عبادت آخرت
ارویش ذاتی پادشاهی دنیا هر چند زمان آن بسیار طویل باشد منقطع است و امر قلیل را هم
بهتر از کثیر منقطع است جواب گوئیم که مراد اینست که امتیاز ثواب عبادت شب قدر در دنیا
مشوبات اخروی و زیاده از امتیاز پادشاهی بنی امیه است نسبت به سایر ملکهها و سلطنههای دنیا
و این وجه اگر بلفظ آیه ذکر میزهاست مؤافقت دارد لیکن با احادیث سابقه مخالف است چنانچه
بعد از نام ظاهر میشود و الله تعالی علم **اشکال سیم** آنکه وظیفه ثانی شب قدر چنانچه
برین معلوم شد آنست که مسلک که روح در این شب عبادت امام زمان نازل میشود و تقدیر
سال را عبادت او عرض میسازد چنانچه سفرنا بدین تزلزل المملکت و الروح فیها باذن رستم
کل مردم را اخبار بسیار و احادیث بسیار وارد شده که رسول خدا و ائمه هدایت علیهم السلام

باین معنی است
تفسیر
چنانچه

التيه والاشارة ودر هر اوقات امانت و خلافت باكان و يكون الى يوم القيمة غلام بوده اند و ما
وجود علم ايشان بوقايح و تقدير ايات نزول ملكه و روح فائده و خالي از شوم است و چند
علامه امام موكالما محمد باقر مجلسي طاب ثراه در بعضي از مؤلفات خود چند جواب از اين اشكا
كفنده است **اول** آنكه ممكن است كه علم ايشان بوقايح و تقدير اوست بخوبى نباشد كه در لوح
محو و اثبات ثبوت شده و احتمال بدياد در آنها زياد و آنچه در شب قدر با ايشان عرض ميشود
مطابق لوح محفوظ است و بدياد آن راه ندارد و اين وجه مخالف است با آنچه سابق بر اين
مد كور شد كه بعد از تقدير شب قدر نيز تعبير مجمل است هر چند معتبر باشد **دو** هم
چنانكه كه علم ايشان باكان و ما يكون مطرب في احوال باشد و در شب قدر و وقايح و تقدير
سال المعينان تفصيل با ايشان عرض نمائيد و اگر كسي كويد كه بنا بر اين لازم آيد كه تفصيل
و قايح سالهاي بعد از آن سال را نتوانند اخيار نمود جواب كويم كه نزول ملكه در اين شب
و اخيار ايشان بكي از طرف علم آن بزرگواران است و بغير اين طريق ديگر بر علم ايشان
بسيار است مثل الهام و رؤيا و بديده ناصحان فاطمه و كتاب علي صلوات الله عليه و غير آنها
كه از احاديث و اخبار ظاهر ميشود و تفصيل آنها در كتاب حاديق المقربين تاليف والدي
غريب علامه امام اذام الله تلاله الميرم الصيام مذكور است پير هر واقعه و قايح از منته لاهترا
كه ايشان خبر ميداد بديهي از اين طريق علم بهم ميرساندند **سوم** احتمالي دارد كه در علم ايشان
احتملا زياده و نقصاني واقع نشود وليكن ايشان در اظهار و اخبار آنها ماذون نباشند و
چون در اين شب با آن علم بتازي بر ايشان عرض شود در اظهار و اخبار عرض نباشد و
از وجه بعيد و منافي با روايات بسيار است كه ايشان بوقايح از منته بعيد اخبار نموده اند
چهارم ممكن است كه عرض از نزول ملكه تعليم و رخصت نباشد بلكه براي تعظيم و تكريم امام
عصيان زلد شوند و براي آنكه عبادت آن بزرگواران مشرف شوند و اقتباس از انوار ايشان
نمايد و عهد و ولايت و امانت و مودت ايشان را تحديد نمايد و اين معني اگر چه جزئي است چنانچه
رواي بسيار دلالت بر آن ميكند وليكن اظهار در جواب اشكال وجه ثانی است والله تعالى اعلم
اشكال چهارم آنكه بيب اختلاف قاييم و ملكان هلال ماهها مختلف ميشود و با اين سبب قدر
نيز مختلف ميشود و در اين صورت خود حروف و ظايف شب قدر را يا نيت بهره و شب است يا كمي
جواب اين اشكال آنست كه در وظيفه اولي شب قدر كه فضيلت عبادت است در هر بلدي قايح
شب قدر آن بلدي است و در هر فني و ناحيه آن فضيلت براي شب قدر آن ناحيه ميشناسد و
اما وظيفه ثانی كه نزول ملكه و روح است پير چنانكه كه در شب قدر بلدي امام عبا نباشد
يا آنكه امام زمان در شب قدر هر بلدي در آن بلدي حاضر شود و تقدير ايات آن بلدي بخير و شر

سبب اختلاف قاييم
و اختلاف ايام

عرض نمايند يا وجود آنكه در بلده خود باشد در شب قدر هر بلدي احكام آن بلده را و عرض نمايند
و الله تعالى يعلم حقايق الاحكام و رسوله و خلفائه عليه و آله **پنجم**
در سايات عبيه و اداب هلال ماه مبارك رمضان و آنرا چنانچه از تشبيح روايات ظاهر ميشود
چند امر است **اول** سيدن طاب ثراه در كتاب قبالي از محمد بن حنفيه روى روايت كرده است
كه حضرت اميرالمؤمنين صلوات الله عليه فرمود كه حضرت رسالت چون هلال ماه مبارك
در رمضان را ميديد و ميبارك **اللهم اهله علينا بالامن و الايمان و**
خود را بقبله ميگردانيد و عارا ميخواند
السلامة و الاسلام و العافية المجللة و دفاع الاسقام و العون
علا الصلوة و الصيام و القيام و نيلوة اللهم سلمنا لشهين
رمضان و تسلمه منا و سلمنا فيه حتى ينقضي عنا شهر رمضان
و قد عفوت عنا و عفرت لنا و رحمتنا مؤلف كويد كه طيبي روى در كتاب
و شيخ طوسي روى در تهذيب بسند خود
از حضرت امام محمد باقر و ابن بابويه روى در كتاب من ليعرفه الله منته لاهترا
عليه السلام روايت كرده اند كه رسول خدا چون هلال ماه مبارك رمضان را ميديد روى
خود را بچنانچه ميگردانيد و سنها **اللهم اهله علينا بالامن و الايمان و**
بلد ميگردانيد و عارا ميخواند
السلامة و الاسلام و العافية المجللة و الرزق الواسع و دفع
الاسقام اللهم ارزقنا صيامه و قيامه و نيلوة القران
فيه اللهم سلمه لنا و تسلمه منا و سلمنا فيه و كلبني شيخ طوي
طاب ثراه از حضرت صادق روى روايت كرده اند كه حضرت اميرالمؤمنين صلوات الله عليه
هرگاه هلال ماه رمضان را ميديد و بقبله ميگردانيد و عارا ميخواند و هيمن دعا را نازل
نموده اند وليكن در اين روايت كلمه و الرزق الواسع و دفع الاسقام موجود نيست و ابن بابويه



در موضع دیگر کتاب نیز بحضرت در کتابی در ثواب اعمال از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که حضرت رسالت چون هلال ماه رمضان میباید روی مبارک خود بخوابد سید و آینه طایفه
اللَّهُمَّ اهْلِكْ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ
الْمَجْلَلَةِ وَالْمَرْزُوقِ الْوَأَسِيعِ وَدَفْعِ الْأَسْقَامِ وَنِلاَوةِ الْقُرْآنِ وَالْعَوْتِ
عَلَى الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ اللَّهُمَّ سَلِّبْ لَنَا الشَّهْرَ رَمَضَانَ وَسَلِّبْ لَنَا
وَسَلِّبْهُ مِنَّا حَتَّى يَنْقَضِيَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ عَقَرْتِ لَنَا وَظَاهَرْتِ
كِدَ عَائِدَتِهِمْ رَوَايَاتِ مُتَّحِدًا بِشِدْوَا خِلَافِ كَلِمَاتِهِ زِيَادَهُ وَنَقَطَانِ فَطَرْتِ الْأَعْدَى
صَنْطِ نَسَاجِ رَوَاةِ نَاشِئِ شَدِيدِ اسْتِ وَكَجَمَعِ مِيَانِهِ مَشُودِ شَائِدِ الْوَالِي بِشِدْوَا اللَّهُ تَعَالَى يَكْتَلِ
دَوْتِ ایضا سید در کتاب اقبال از حضرت صادق روایت نموده است که هر سؤالی که در ماه
هَرَكَةُ هَلَالِ رَمَضَانَ الْكُدَى خَلَقْتَ وَقَدْ رَكَتِ وَجَعَلْتَ مَوَاقِيتَ
 ازید غارا میخواند
لِلنَّاسِ اللَّهُمَّ اهْلِكْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْأُمَمِ بَارِكَا **مَوْلَانِ** گوید که درین روایت
 حضور ماه رمضان مذکور
 نیت و ظاهر آنست که در دیدن هلال هر ماهی توان خواند و الله يعلم **سَبِّحْ** ایضا سید در
 کتاب مذکور از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین
 صلوات الله علیه در وقت افراشته هرگاه از خانه بیرون میآمد برای دیدن هلال ماه مبارک
 رمضان هر دم نیز با آنحضرت میامید **اللَّهُمَّ اهْلِكْ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَ**
بِحُجُونِ هَلَالِ رَمَضَانَ از غارا میخواند
السَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَصِحَّةِ مِنَ السَّقَمِ وَفَرَاغِ لِبَاعِنِكَ مِنَ الشَّعْلِ
وَكَفِينَا بِالْقَبْلِ مِنَ التَّوْمَرِ بِالْجِيمِ جَلَامِ ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت
 امیرالمؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده
اسْتَكْرَاهُ هَلَالِ رَمَضَانَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَفَتْحَهُ وَ
بِرِزْقِ خَيْرِ خَيْرِكَ مَكْرًا وَرِزْقًا
نُورَهُ وَنَصْرَهُ وَتَبَرُّكَهُ وَظُهُورَهُ وَرِزْقَهُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيهِ
وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ وَاعْوُذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا بَعْدَهُ وَاللَّامِ

اللهم

أَدْخَلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْبَرَكَاتِ
وَالنَّعْوَى وَالنَّوْفِيْنَ لِمَا نَحِبُّ وَتَرْضَى **مَوْلَانِ** گوید که کلینی و شیخ طوسی
 الله روحها در کافه و تهنیت نیز
 ازید وایت را در باب ادعیه هلال ماه رمضان نقل نموده اند و در روایت حضور ماه رمضان
 مذکور نیت سبب ازید و وقت دیدن هلال هر ماهی ازید غارا میخواند و الله تَعَالَى يَكْتَلِ
 ابن بابویه در کتاب سبب ازید و وقت دیدن هلال ماه رمضان ذکر نموده که از
 دعا حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در وقت دیدن هلال امیرت دعاست
أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِي فَلَكَ التَّدْبِيرِ
الْمُتَصَرِّفِ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ أَمِنْتُ مِنْ تَوَمُّرِكَ الظُّلْمِ وَأَصْنَاءِ
بِكَ الْبُهَمَةِ وَجَعَلْتَ أَيْدِيَّ مِنَ آيَاتِ سُلْطَانِيَةِ وَأَمْتَحَنَكَ بِالرِّيَازَةِ
وَالنُّضَانِ وَالطَّلُوحِ وَالْأَفْوَالِ وَالْإِنَارَةِ وَالْكَسُوفِ فِي كُلِّ لَيْلٍ
أَنْتَ لَكَ مُطِيعٌ وَالرُّحَى إِذَا تَبَسَّرَ بِرَيْحِ سُبْحَانَهُ مَا أَحْسَنَ مَا دَبَّرَ وَأَقَنَّ
مَا صَنَعَ فِي مَلَكِهِ وَجَعَلْتَ اللَّهُ هَلَالِ شَهْرِ حَادِثِ كَامِرِ حَادِثِ
جَعَلْتَ اللَّهُ هَلَالِ آمِنٍ وَإِيمَانٍ وَسَلَامَةٍ وَإِسْلَامٍ هَلَالِ آمِنٍ
مِنَ الْعَاهَاتِ وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا أَهْدَى مَنْ طَلَعَ
عَلَيْهِ وَأَرْصَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بِنَا كُنَّا

وَكُنَّا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و بجای ما فعل به کذا و کذا حاجات خود را طلب می نمود **سَبِّحْ**
 سید طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

روایت کرده است که حضرت از پدر بزرگوارش از جد امجدش علیه السلام روایت فرمود که حضرت
 سید الشحین صلوات الله علیه رووی بر او میفرست نظرها برکش بهلا ایماه مبارک و رمضان
 افتاد پس ایشان آیه الخلق المطیع الذاریع التبرید و المتبرید و المنزله
 و ایله عالم خواند
 التقدیر المصروف من منازل التدبیر امت من نور ملک الظلم و
 أوضح ملک البهم و جعلک ایز من ایام ملکه و علامه من
 علامان سلطانیه و امتهک بالکمال و التقضان و
 الطلوع و الأفل و الإنارة و الکسوف من کذلک أنت له
 مطیع و الی ارادته سبحانه ما أعجب ما دبر فی امرک و الطفما
 صنع من شأنک جعلک مفتاح شهر خادین لا من خادین جعلک
 هلال برکة لا تحقها الا یام و طهاره لا تدنسها الا شام
 هلال آمن من الافات و سلامه من السیئات هلال سعید لا
 تحس منه و یمن لا ینکد منه و یسر لا یمارح به عسر و یخیر
 لا یشوبه شر هلال آمن و ایمان و نعمة و احسان اللهم صل
 علی محمد و الی محمد و اجعلنا من ارضی من طلع علیه و ارضی
 من نظر الیه و اسعد من تعبد لک فیہ و وقفتنا اللهم فیہ

این دعا را در روز
 اول ماه رمضان
 بخواند
 اظهر من البرکة

لطاعة

لِطَاعَةِ وَالتَّوْبَةِ وَاعْصِمْنَا مِنَ الْأَشَامِ وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ النِّعْمَةِ
 وَابْسِنَا فِيهِ حُبَّنَ الْعَافِيَةِ وَآمِنْمُ عَلَيْنَا لِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ
 فِيهِ أَمِنْتَهُ إِنَّكَ الْمَثَانُ الْحَمِيدُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ لَنَا فِيهِ عَوْنًا عَلَى مَا نَدْبَتْنَا إِلَيْهِ مِنْ مُفْرَضٍ
 طَاعَتِكَ وَتَقَبَّلْهَا إِنَّكَ الْأَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَبِيرٍ وَالْأَرْحَمُ
 مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ **مؤلف** گوید که ظاهر آنست که این دعا در دعا
 سابقه با دعای هلال صحیفه کامله متحد شده
 و اختلاف بعضی کلمات و زیاده و نقصان بعضی فقرات از عدم تسلط نسخ روایت شده
 باشد بنابراین از ادعیه مطلقه است و در وقت دیدن هلال ماه رمضان می توان خواند زیرا که
 این دعا در صحیفه کامله مطلق است و مقید به ماه رمضان نیست و همچنین روایت می شود که
 جدا از عنوان باب آن ظاهر می شود که این دعا مانند سایر ادعیه مخصوص هلال ماه رمضان است
 لیکن کلام صدوق در مقام ذکر دعا مطلق است و مقید به ماه رمضان نیست و روایت سیداکثر
 مشتمل است بر آنکه حضرت سید الساجدین چون هلال ماه رمضان را دید این دعا خواند و
 لیکن این معنی منافات ندارد با آنکه این دعا در هلال ماه های دیگر نیز خوانده و علی امت
 تعدد یکبار نیز دعا در هلال هر ماهی هر سه مرتبه خوانده شود هرگز اشتباه نیست که این دعا
 از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده است که هرگاه هلال ایماه مبارک رمضان طالع می باشد
 آنحضرت این **اللهم** از خلد علیک بالسلامة و الإسلام و الیقین و الإیمان
 دعا می خواند
 وَالسَّلَامِ وَالتَّوْفِيقِ لِطَاعَتِكَ وَتَرْضَى **هشتم** سید طاب ثراه در کتاب فبا لکنه
 که این دعا بویژه در کتاب سیر لا یخسر الفقیه اثر
 حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه هلال ایماه رمضان را بر بینی پس اشاره بآن
 مکن و در وقت بکن و دستهای خود را بجانب رقیبت **اللهم** رب العالمین اللهم
 فی غالی یسئرن و باهلال خطایکن و یکنی

عَوْنَهُ وَخَيْرُهُ
فَتَنِيهِ

اِهْلِكَ عَلَيْنَا يَا سَلَامَةَ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا حُبُّكَ وَتَرْضَى اللَّهُمَّ
بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَارْتُقِنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضَرَّهُ
وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ **مؤلف** كويد که سید را بی مقام اشباه در منزل نموده است
زیرا که این دعا در کتاب من لا یحضره از حضرت صادق علیه السلام
منقول نیست بلکه نسبت بر سائله و لدش علی بن بابویه رحمه داده چنانچه از ملاحظه کتاب
مذکور ظاهر میشود **فصل** ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
روایت نموده است که هرگاه هلال الله هم قد حضر شهر رمضان و قد افرغت
ماه رمضان را بر بینی بسوز
عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ فَاعْتِ عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَتَقَبَّلَهُ مِنَّا
وَسَلِّمْ فِيهِ وَسَلِّمْ لَنَا فِي يَوْمِنَا مِنْكَ وَعَافِيَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **وهم** ایضا سید در کتاب مذکور ذکر نموده که پس از دعا
را در کتاب کهنه از کتب اصول شیعه یا فیه بخوان
رَبِّهِ وَرَبِّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
اِهْلِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِنَا وَأَسْفِيَا عِنَّا يَا مَنِّ وَإِيمَانٍ وَسَلَامَةٍ
وَالْاِسْلَامِ وَبِسِرِّ وَقُوَّتِي وَعَافِيَةٍ مَجَلَّةٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَسَنٍ وَقَرَأَ فِي
مِنَ الشُّعْرِ وَكَفِنَا بِالْقَلْبِ مِنَ التَّوْمِ وَالْمُسَارَعَةِ فِي مَا حُبُّكَ وَتَرْضَى
وَتَبْتَسُّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَارْتُقِنَا بَرَكَتَهُ
وَخَيْرَهُ وَعَوْنَهُ وَعَنْمَهُ وَنَوْمَهُ وَبَيْتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَمَعْفِرَتَهُ

وَاصْرِفْ عَنَّا شَرَّهُ وَضَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ اللَّهُمَّ مَا قَسَمْتُ فِيهِ
مِنْ لِيْزِنِي أَوْ خَيْرٍ أَوْ غَافِيَةٍ أَوْ مَقْضِيٍّ أَوْ مَغْفِرَةٍ أَوْ رَحْمَةٍ فَاجْعَلْ نَصِيْبَنَا
فِيهِ الْأَكْبَرَ وَحَظَّنَا فِيهِ الْأَوْفَرَ **مؤلف** كويد که از عبارات سید ظاهر می
شود که این دعا مخصوص هلال ماه رمضان
نابستد لیکن از الفاظ دعا ظاهر میشود که مخصوص ماه رمضان است **یا ارحم** ایضا سید
در کتاب مذکور ذکر نموده است که در کتاب کهنه که مشتمل بر دعوات بسیار منقول از
طرف شیعه بود و کویا ان کتاب از کتب اصول الله اکبر الله اکبر الله اکبر
شیعه است دیدم که هرگاه ماه را بر بینی از دعا بخوان
رَبِّهِ وَرَبِّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ
وَقَدَّرَكَ مَنَازِلَ وَجَعَلَكَ آيَةً لِلْعَالَمِينَ يَا هِيَ اللَّهُ بِكَ الْمَلَكَةُ
اللَّهُمَّ اِهْلِكَ عَلَيْنَا يَا أَمَانَ وَالْاِيْمَانَ وَالسَّلَامَةَ وَالْاِسْلَامِ وَ
الْعِبْطَةَ وَالسُّرُورَ وَالْبَهْجَةَ وَالْحُبُورَ وَتَبْتَسُّ عَلَي طَاعَتِكَ وَ
الْمُسَارَعَةِ فِي مَا يُرْضِيكَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَارْتُقِنَا
خَيْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَبَيْتَهُ وَعَوْنَهُ وَقُوَّتَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا شَرَّهُ وَ
بَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مؤلف** كويد که در بی مقام
نیز از عنوان دعا ظاهر می
شود که مخصوص ماه مبارک رمضان نابستد و ظاهر آنست که در هر ماهی از این دعا خوان
خواهد و **یا ارحم** ایضا سید طاب ثراه در کتاب مذکور ذکر نموده که پس بخوان این دعا که یا فیه
نسخه کهنه که بعضی می گفتند که بخط سید رضی موسوی رحمه است اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
يَا مُبْدِيَّ الْاَبْدَا يَا وَايَا خَالِقِ الْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَيَا اِلَهَ مَنْ بَعَثَ رَسُوْلَهُ

مَنْ مَضَى قِيَامًا رَفَعَ السَّمَاءَ وَسَطَحَ الْأَرْضَ وَالْهَيْئَةَ أَنْتَ يَا مَنْ بَاتَتْكَ
 تَبَعْتُ أَرْوَاحَ أَهْلِ الْبَيْتِ بِمَقْدَرِكَ وَأَمْرِكَ وَسُلْطَانِكَ عَلَى عِبَادِكَ
 وَإِمَانِكَ الْأَخْلَاءِ الْهَيْئَةَ أَنْتَ يَا مَنْ تَبَعْتُ لَمُوتِي وَبَيْتِي لِأَحْيَاءِ
 وَأَنْتَ رَبُّ الشَّعْرِ وَمَنَاةُ الشَّالِثَةِ الْأُخْرَى أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ مُحَمَّدٍ عِنْدَ الْحَصِيِّ وَالنَّزِيِّ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى
 أَهْلِ بَيْتِكَ مُحَمَّدٍ صَلَوةً تَكُونُ لَكَ رِضًا وَأَرْزُقْنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ النَّفْسِ وَالنَّهْيِ
 وَالصَّبْرِ عَلَى الْبَلَاءِ وَالْعَوْنِ عِنْدَ الْقَضَاءِ وَاجْعَلْنِي الْهَيْئَةَ
 مِنْ أَهْلِ الْعَافِيَةِ وَالْمُعَافَاةِ وَهَبْ لِي يَقِينِ أَهْلِ النَّفْسِ وَأَعْمَالِ
 أَهْلِ النَّهْيِ وَصَبْرِ أَهْلِ الْبُكُوفِ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ يَا إِلَهِي ضَعْفِي
 عِنْدَ الْبَلَاءِ وَفَلَّةَ صَبْرِي فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ لَا تَتَّبِعْنِي بِبَلَاءٍ
 أَنْزِلْ عَلَيَّ ضَعْفِي وَكَثْفَ كَرْبِي وَفَرَجَ هَمِّي وَأَرْحَمْنِي بِرَحْمَةٍ تَطْفِئُ
 بِهَا سَخَطَكَ عَلَيَّ وَاعْفُ عَنِّي وَحُدِّ عَلَيَّ تَعْمُوكَ وَجُودَكَ لِيَسْعَى
 وَاجْتَبِ لِي فِي شَهْرِكَ الْمُبَارَكِ الَّذِي عَظَّمْتَ حُرْمَتَهُ وَبَرَكَتَهُ
 وَاجْعَلْنِي الْهَيْئَةَ مِنْ أُمَّةٍ وَاقْتَنِي فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

لَا تَتَّبِعْنِي
 لَا تَتَّبِعْنِي

مَعَ مَنْ آتَوْنِي وَأَتَوْنِي وَلَا تَلْحَقْنِي بِمَنْ مَضَى مِنْ أَهْلِ الْجُودِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا
 وَاجْعَلْنِي الْهَيْئَةَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 فِي كُلِّ عَافِيَةٍ وَبَلَاءٍ وَكُلِّ شِدَّةٍ وَرَخَاءٍ وَاحْتِشِمْ مَعَهُمْ
 لِأَمَمٍ غَيْرِهِمْ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا أَدْبَاؤُهُ فِي الْآخِرَةِ عَدَابَتُهُمْ يُحْشَرُ
 النَّاسُ ضَعْفِي وَاجْعَلْ لِي الْآخِرَةَ خَيْرًا لِي مِنَ الْأُولَى وَأَصْرِفْ عَنِّي بِمَنْزِلَتِهِمْ
 عَذَابَ الْآخِرَةِ وَخِزْيَ الدُّنْيَا وَفَقْرَهَا وَمَسْكَنَهَا وَمَا فِيهَا يَا رَبَّ

يَا رَبَّ

يَا رَبَّ يَا مَوْلَايَا يَا وَلِيَّ نِعْمَتَاهُ أَمِينَ أَمِينَ خَيْرِي لِي فِي ذَلِكَ عَلَيَّ مَا أَقُولُ

يَا رَبَّ يَا مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَخَالِحَاتِ
 خُودِ سَأُولُكُمْ كَمَا أُرَدُّهُ يَشُودُ انْقَاءُ اللَّهِ تَعَالَى كَوَيْدُكُمْ أَنْزَعُونَ أَيْدِي غَا
 نِيظَاهُ مَيْشُودُ كَمْ مَحْضُورُهُ رَمَضَانَ بَاتُ شَدِيدًا لِي كِنْ أَعْضَى فَمَرَاتُ أَنْ اخْتَصَا صَوْمَهُ مَسَارِكُ
 رَمَضَانَ ظَاهِرٌ مَيْشُودُ سَنَةً مِنْهُ أَنْزَعُونَ عَمَلِي شَيْعِيهِ اسْتَكْنَتُكُمْ وَاجْتَبِ
 دُرُوقُكُمْ دِينُ عِلَالِيهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ وَقَدَّرَ مَنَارَكَ لَكَ
 رَمَضَانَ خَوْلَانِي أَنْزَعُوا

وَجَعَلَكَ مَوَاقِيْتُ لِلنَّاسِ اللَّهُمَّ اهْلِكْ عَلَيْنَا الْإِهْلَالَ مَبَارَكًا اللَّهُمَّ

أَذْخِلْ عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْيَقِينِ وَالْإِيمَانِ وَالْبِرِّ

وَالْقُوَّةِ وَالْقُوْفُوفِ مَا تَحِبُّ وَتَرْضَى كَوَيْدُكُمْ سَيِّدِ جَلِيدِ نَبِيلِ رَحْمَتِي

بِقَرْدِ أَمَانَةٍ لِقَدْرٍ لِقَدْرٍ وَحَدِّ رَمَضَانَ بِبَعْضِ أَرْوَاحِنَا
 اسْتَجِبْ لِي إِذَا نَزَعْتَ عَمَلِي لِي بِعَمَلِي وَوَدَّ وَكُنْتُمْ كَمْ بِجُودِ أَنْ فَايِلُ شِدَّةً اسْتَسْتِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ وَقَدَّرَ

مِنَّا ذَلِكِ اللَّهُمَّ سُبْحَانَكَ إِنَّا وَكَلْنَا بِكَ مَا كَلَّمْنَا بِكَ وَمَا كَلَّمْنَا بِكَ
اللَّهُ أَكْبَرُ رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَبَّ لَنَا شِعْبَانَ
وَجَاءَ بِشَهْرِ مَضَانَ اللَّهُمَّ ارْتُقِ صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَنِلاؤَهُ الْفَرَانَ

فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وظاهر استیسا شادانه در مثل نموده است
زیرا که اکثر علما که این قول را از ابن ابي عمیر نقل
نموده اند دعای اول را ذکر نموده اند و بدانند که ابن ابي عمیر را این قول منقول است و دیگری از
علما با او افتت نموده است و شیخ بهاء الدین محمد غامدی در بعضی از مؤلفاتش گفته
است که ظاهر ابن ابي عمیر حدیثی دیده است که امر بخواندن این دعا در آن شده است و امر را
بر وجوب حمل نموده است و بعضی از علما وجوب را در کلام او بر استیجاب حمل نموده اند عامة
سید جلیل امیر محمد باقر انادری در بعضی از مؤلفاتش گفته که هلال ماه رمضان را در روزی صل
و عیال خود باید دید مؤلف گوید که این حدیث در روایتی و حدیثی نظر نموده و الله تعالی
باب هشتم در بیان ادب و اعمالی که در راه او فایده ایست و می توان بجا آورد و اختصاصاً
بر روز و شب مخصوصی ندارد بلکه بعضی از ادب و اعمال مانند تصدق و عیادت در ایامه ثواب
عظیم دارد و روایات در آن در ابواب سابقه مذکور شد و بقیه اعمال مذکوره چنانچه
تشیع اخادیت و روایات ظاهر می شود چند چیز است **اول** تلاوت قرآن مجید بلکه قرآن مجید
حکیم البیتین رحمت بیکران و عرفة الوقتی فیض احسان خداوند عالمیان است که در کشتن کا
بواد صیلاک و نایمانه بیانه عزایه بد لاک و راهنای ثلاث و تدبر و خواص روایات
بطریق تویم دین امری و صراط مستقیم اطاعت و برهان برداری سینه و هدا جنات مقد
خاتم الانبیاء علیه و آله الخیرة و انشاء آرائی عشرت اطهار و تانی شین اهل یکین
اخیار خود کرده اند چنانچه در آن کو هر بار صدقانه تا صد بار نموده که اقی نایم
و کلمه التقلیدین کتابا لله و عزیز اهل بیتم کن یغفر لنا حقیرا اعلی الخوص
بسیار در بعضی که من می خوانم دو میان شما و بجز عظیم بزرگ که آن کتاب خدا و
عزیز است که اهل بیت منند و لایکدیگر جدا نمیشوند تا به پیش از آنند نزد حوض کوثر و از آنجا
که همان این لغام بر روی خواص و عوام کسب کرده در حدیث هدی یک موارث نبوی علی علیه
و آله الصلوة و السلام وارد شده است که القرآن ما ینزل الله بهی قرآن مجید ما ینزل الله و نزل

احکام ایضاً در این باب



حمید داشت که مرگ از بندگان از سفره بی پایان در خور است نهاد و بگذرد به بیاد بهر بهر
جمع بی تلاوت فزات و بعضی تنگدو لایق و برخی با شنباط علوم و احکام و جزئی بعضی
گفتند از احوال امیرناضیه هلاکت انجام و چون برای تلاوت آن در اخبار مروری مشروبات جزیره
آداب جمیله وارد شده لاجرم سطر لبا آنها در ضمن سه سوره بیان می شود **سوره اول**
در بیان ثواب تلاوت قرآن عنه ما شیخ بزرگوار عالمیت را بر علی طبری رقم در کتاب جامع
از رسول خدا هم روایت کرده است که فرمود هر که قرآن بخواند نماید گویا که نبوت در میان جبین
او جا گرفته است لیکن فرق که است اینست که خوبی با و نرسیده است و کلیتی رقم است خود از رسو
خدا و روایت نموده است که آنحضرت فرمود که منور کنید خانه های خود را با تلاوت قرآن و سب
مانند برود و نصاری که همه عبادات را در پیج و کتا پس میکنند و خانه های خود را معطل می
کنند بعد برستی که خانه هرگاه تلاوت قرآن در آن بسیار شود و خیر آن بسیار میشود و اهل آن
خانه را بفرما و از نعمت زندگانی میکنند و آن خانه در نظر اهل آسمان سپید رخسید چنانچه
سنا همای آسمان برای اهل زمین سپید رخسید و اینها از حضرت صادق روایت کرده
است که حضرت امیر المؤمنین عم فرمود که خانه که قرآن در آن خوانده شود و ذکر حق
نشا در آن بشود برکت آن بسیار می شود و مسلک خاص می شود در آن و شیاطین سر برود
میزند و آواز آن و ایضا از آنحضرت روایت نموده است که فرمود که پدرم حضرت امام محمد باقر
تم کثیر ذکر نمود و جمع میکرد ما را اهلی و امر بد که میفرمود نا طایع افشاک و هر یک از ما که
قرآن می خواند بخواند اول امر بخواند قرآن میفرمود و هر کدام که قرآن را نمی خواند خواند
اول امر بد که میفرمود و می گفت که خانه که قرآن در آن خوانده می شود و ذکر حق مالمی مسلح
شود برکت آن خانه زیاد می شود و مسلک در آن خاص می شود و شیاطین از آن بیرون میروند
و شیخ جلیل نسبی احمد بن محمد حلی بره در کتاب صفة الداعی از حضرت امام رضا صلوات الله
علیه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بگرد آید برای خانه های خود
نهیجه از قرآن بد هستی که هر خانه که قرآن در آن خوانده شود اهل آن خانه عین شوند و
آن خانه بسیار مشغول شود و روز بروز در زمان باسند و خانه که قرآن در آن خوانده نشود نشت
گذرد و اهل آن و خیر آن که شود و روز بروز در کتی باشد و شیخ کبیری در کتاب رجال از ابی
هریر روایت کرده است که گفت من در خانه حسن بن حسین سخن نموده بودم و او خوات
ذات که من از موالمات و محبتان حضرت امام محمد باقر امام جعفر صادق علیه السلام و علی
مرا از خانه خود پس و ن کرد پس حضرت صادق فرمود که ای امیر من بر سریده است
که این مرد نور از خانه خود بیرون کرده است عرض کردم که بی فرمود که من بر سریده است که نود



چون خلق با او بیست و یک سینه او را محو فرمایند و یک درجه برای او بلند کرده اند و هر که
حزبه از قرآن تلاوت کند حق تعالی پاداش داده است بنویسد و ده سینه او را محو فرمایند و ده درجه
باز او بلند سازد پس فرمود که منبکیم هر که با او این ثوابها را امید هند بکند هر چه خواند ما نماند با او
تا او مال آنها و هر که حزبه از قرآن را در نماز نداشت بخواند حق تعالی برای او پنداره حسنه
بنویسد و پنداره حسنه محو فرمایند و پنداره حسنه در سجده بلند سازد و هر که حزبه از آن را در نماز
آید بخواند حق تعالی برای او صد حسنه بنویسد و صد سینه محو فرماید و صد درجه
بلند کند و آن کسی که قرآن را ختم نماید برای او یک دهک مستجاب باشد یا در دنیا یا در آخرت
در شیخ طبرسی در مجمع البیان از حضرت رسالت ص و روایت کرده است که قرآن مجید یک
الله است و آن نور مبین و شفا و نافع است پس فرمود که تلاوت کند او را بعد از هر نماز حق تعالی
بعوض هر حزبه از آن ده حسنه بشمارد و میفرماید و منبکیم که اگر کسی با او یک دهک با لغت
در سجده و پنداره حسنه و پنداره حسنه عطا میفرماید و احادیث این مطلب بسیار است
و این مقام کفایت کند زیاد از آن ندارد و بعضی در ضمن مطالبی گفته اند که هر چه
شد آن را از آن بگذرد **کلمه** بدانکه از روایات و اخبار ظاهر میشود که در هر شب و هر روز
قدری از قرآن باید خوانده شود اما هر شب پس کلیبی از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده
است که هر که در هر شیخه آیه از قرآن مجید بخواند از جمله عاقلان نوشته نشود و اگر
پنداره آیه بخواند در روزی که آن نوشته شود و اگر صد آیه بخواند در روزی که آن نوشته
شود و اگر دو سینه آیه بخواند از جمله خاشعان نوشته شود و اگر سیصد آیه بخواند
در روزی که آن نوشته شود و اگر با صد آیه بخواند از جمله مجتهدان نوشته شود و اگر هزار
آیه بخواند نوشته شود برای او قضا بری که یا نده هزار متفأل طلالت و هر متفالی
بیت و چهار قرطاس و کوچکترین آنها مثل کوه احد و بزرگترین آنها ما بین آسمان و زمین است
و اینها از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که بفضیل بن یسار فرمود که
چند مانع است تا جرثومه را و کسی که در با او مشغول گشتی باشد از شما و بخانه رحمت
نماید آنکه غنی بود تا سورۃ از قرآن مجید بخواند تا آنکه بنویسد حق تعالی برای او و چون
هر که ده حسنه داده است او را محو فرماید و ازین حدیث ظاهر میشود که کمتر از ده
آیه نیز مجزی است زیرا که سورۃ که هر که از ده آیه منبک شد مانند سورۃ انا اعطیناک
الکون که سه آیه است و ممکن است که روایت اول نسبت کسی باشد که شغلی و عملی
و گشتی نداشته باشد و روایت ثانی نظر بخاری اهل کتب باشد که در روزی که بیعت
کند از سینه نباشد و در شب خواب بر ایشان غالب شود در این صورت باید که قبل از خواب

منافق است هر که
قرآن را

سوره

سورۃ از سورۃ قرآنی را بخواند هر چند سورۃ کوچکی مثل سورۃ قل هو الله اعظم است
الکون باشد و بخند است که در روایات محمول بر اختلاف است **نصیحت** و ثواب نباشد آنکه اهل سورۃ
کا باشد و ده آیه افضل باشد اگر کسی از ابتدای قرآن شروع بکند و تلاوت نموده باشد در هر شب
بهتر است که ده آیه بخواند و اگر از ابتدا شروع نموده باشد چون که تلاوت نماید که سورۃ
از سورۃ قرآنی را تلاوت نماید بهتر است که در هر شب یک سورۃ تلاوت نماید و الله تعالی میسر کند
و اما هر روز در نماز و آیات و اخبار ظاهر میشود که کمتر از پنجاه آیه بخواند چنانچه طبری بسند معتبر
حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که فرمود که قرآن عهد و پیمان خداوند نظامیان است
بسی سیدگان و برای همه مسلمانان است و اگر آنکه که نظر کند در عهد خداوند بخواند از قرآن هر روز
پنداره آیه و شیخ طبرسی که بسند معتبر از حضرت امام رضا ع روایت کرده است که فرمود
سزاوار است که در هر شب بعد از نماز پنجگانه آیه از قرآن بخواند و این با روایت
در کتاب **نصیحت** است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت نموده
است که بفرموده خداوند عز و جل هر که در هر روز از آن عهد و پیمان بخواند و بقرآن قرآن
و عمل کردن محض است آن و ملازمت فرایض و شرایع آن و مسامحه جلال و حرمان و غیره در روزی که
آن در آنجا آن و تلاوت آن در شب و روز زیرا که قرآن عهد و پیمان خداوند است که
سندگان پس بر هر مسلمانی واجب است که هر روز در این عهد و پیمان بخواند و پنجگانه آیه
از آن باشد و پوشیده نماید که از این حدیث شریعت منهای نماید و در هر شب ظاهر می شود زیرا
ملفوظ و خوب وارد شده است و لهذا بعضی از اخبار نیز باعتبار این حدیث و خوب فایده
اند و این معنی اگر چه خلاف تحقیق است و لفظ خوب محمول بر آنکه استحقاق است چنانچه اگر
بر آن حدیثی اندکی تراعات آن اولی است **سورۃ دوم** در بیان از و یا سوره اولی است که تلاوت
در خصوص ماه مبارک رمضان کلیبی است بنویسد از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است
که برای هر چیزی بهاری هست و بهار قرآن ماه مبارک رمضان است و این با روایتی است که در کتاب
عیون اخبار الراشده بنویسد از حضرت امام رضا ع روایت است که هر که در هر شب در هر شب
روایت کرده است که رسول خدا ص روزی خطبه طولانی در وصف ماه مبارک در رمضان فرمود و
از آن جمله این بود که هر که در هر شب از خطبه های صنادقه و آیه های آیه که فرموده است بخواند
برای او روزی داشته باشد و تلاوت نمودن قرآن در این ماه بدرستی که شوق کسی است که هر روز باشد از
آمرش حق تعالی در این ماه و اینها از حضرت امام رضا ع روایت است که هر که در این ماه از قرآن بخواند
او را ثوابی است که تمام قرآن را در غیر این ماه ختم نموده باشد و اینها در کتاب امامی است
از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسالت ص در حدیث طولی فصیح بسیار روایت کرده

نصیحت اولی است
ماه مبارک رمضان

بیشتر میسر است و ثواب آن نیز مضاعف است و در حالت تقب و انزوه و غلبه کفر و شایان اندک است
و بعد از آن را حدیث وارد شده است که هرگاه کسالت داشته باشی و در خود اقبال عبادت
بسیار داشته باشی آن مشهور است **اختلاف** اما تخفیف از بعضی از اوصاف در این باب
مشهور است و باید که کسی باعتبار جلاقت لسان یا حفظ داشتن در مدتی طولانی
زیاده نلا و غلبه کند و دیگری باعتبار جلاقت لسان یا عدم ربط نام قرآن که با آن سه روز خواندن کلمات
محتاج باشد و اما مثلاً آنها در مدت زیاد و قلیل تفاوت میکند و ظاهر آنست که توجیه حضرت
امام رضا علیه السلام است معین و حضرت حضرت امام محمد باقر علیه السلام است معین با این جهت مذکور
بوده باشد و آنچه از خواص اصحاب است که علم برده را نیز با فضل عوده اند نیز از آن قبیل است چنانچه
از ابو اسحق سبیعی که از خواص اصحاب حضرت سیدنا صاحب زین صلوات الله علیه است نقل نموده اند
که در مدت چهار سال روزها روزی داشت و شبها قرآن را ختم نمود و چندین بار از آن نیز مراد
زاهدی که از حضرت نیز از او مشاهده نموده بودم که در نماز مبارک و مضامین هر روز یک مرتبه
و این سخن را که کسی بیشتر است و بغیر ناسی که توفیق غیرشاهی سبب نداند و ذلک فضل الله یؤتی
مزیته **سوره سیم** در بیان وظایف و آداب تلاوت و آنچه چنانچه از تتبع و آیات و اخبار نقل
میشود چندین است **اول** آنکه با طهارت باشد چنانچه از روایتی در کتاب جناب از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت نموده است که فرمود قرآن را که هیچ سوره قرآن را نخواند
نماند و هر چه در کتاب است پس از آنکه سوره حمد را از هر چه از آنکه سوره است که گفت بخند
حضرت امام رضا علیه السلام گفتند که سوره حمد را از هر چه از آنکه سوره است که گفت بخند
و بول میکنند و استغما میبندند و بر سر میگردم و مشغول تلاوت میگردم فرمود چنین مکن تا وضو نماند **دوم**
گوید که بوی زیند و بر مایه بر کراهت محمول است و مراد اینست که وضو در حالت تلاوت نیست است
و بعد از آن مکرر است و مؤید این معنی است آنچه از بعضی از روایات در کتاب عیون آمده است که طاهر است
صلوات الله علیه و این روایت نموده که فرمود برای قرآن هر چه از آنکه سوره است که گفت بخند
صد حسنه و نسیب پنجاه حسنه میبویسند و چون در غیر آن بخواند با وضو نیست و پنج حسنه و
وی وضو حسنه میبویسند و فرمود که میگویند که اگر کسی که با لقمه با لقمه ده توأ
و بیبم ده توأ و براده توأ با او میدهند و در این مقام تشبیه بر چند امر ضروری است **اول** آنکه
ظواهر آنست که در حین تلاوت قاری باید که با طهارت باشد پس اگر وضو داشته باشد بخند آن
ضروریست هر چند موافق مشهور میان علمای است و عند جناب شیخ از باب نیز حکم وضو وارد
ملکه با اعتنا بیک نیز خواه واجب و خواه مستحب و موافق احادیث معتبره و منصوصاً حق ضروریست
مشهور میان علمای آنست که حرام است بر جنب و حایض خواندن چهار سوره سوره سوره واجب و حایض است

و طهارت در تلاوت

خواندن سوره های دیگر خواه اصلاً سجده نداشت باشد یا سجده مستحب باشد و لیکن باز
از جهت آیه مکرر است تا هفتاد آیه و چون هفتاد آیه رسد کراهت شدیدی شود و حفظ
حدیث است که در مسأله تکرر و حصر لغت و سوره بعضی از قرائن و ایاتشان ملاحظه شده که در آن
حالت حیض و نفاس بطن فقیر جمیع از کار و ادعیه و قرآن مجید را میتوان خواند و مگر چنان
سوره که سجده واجب است یعنی آیه سجده و سجده واجب و آنچه که این چهار سوره با حرام است
ایشان خواندن و سایر قرآن را میخوانند و در هر آنست که در وقت خواندن دست بچایسته قرآن
و جلد آن نگذارند و بدستمال یا حایض بگیرند و موافق مشهور است بر روی نوشته قرآن و نام خدا
و رسول و نام علیهم السلام نگذارند و والد علی سلام ادا الله ظلله در رسیده وظایف التلاوة
ذکر نموده که احادیث صحیح و دلالت میکند بر آنکه غیر سوره سجده را میخوانند و در هر چه
وست است و کراهت ندارد **دوم** آنکه در وقت تلاوت چنانچه در حدیث وارد شده است که هر
بخالی آنست که در وقت تلاوت باشد و این شرط در صورتی است که در حال معتق قرائت باشد خواه
ایستاده و خواه نشسته پس اگر براهی و در سوره یا پیاده این شرط بر وی معتبر نیست **سوم** آنکه
نادامه که مشغول تلاوت باشد حرام باشد چنانچه از حضرت رسالت نبی ص منقول است که فرمود
هر که قرآن خواند و با خواندن قرآن حرامی باشد یا حجت دنیا و دینش را در آن اختیار نماید
منسوخ است و غضب الهی که در کفر تو بکند و اگر تو بقرآن حجت خود را بر او تمام نماید و او هیچ
عذری نباشد **چهارم** آنکه از مصحف تلاوت نماید چندین حفظ داشته باشد چنانچه
کلینی از ابوبکر با سنان بن ابی امام جعفر صادق روایت کرده اند که فرمود هر که قرآن
کند قرآن از مصحف از دیده خود تمتع و بهره برد و تخفیف دهند عذاب از دیده و نادان و هر چند
کافر باشند و این با بویه سنده یکسان است یعنی نماز عبادت نموده است که گفت عرض نمودم بچند
آنحضرت که فلانی تو شوم من قرآن را حفظ کردم آیا افضل آنست که از حفظ بخوانم یا از روی
فرمود بلکه از روی مصحف افضل است آیا نمیدانی که نظر کردن مصحف عبادت است و در هر
دیگر وارد شده است که سه چیز است که شکی نیست که بخواند و بدین ترتیب سجده اولی که در
آن نماز نکند و عالمی که در میان مجال باشد و حرمت او را نگاه ندارد و مصحفی که او بخند
و عبادت آن نیستند باشد و از آن تلاوت نمایند **پنجم** خواندن ادعیه سوره در حین تلاوت
و آنها بر وی نفع است **نوع اول** دعا که قبل از شروع با میخواند شود و آنچه از این باب در
روایات شرط شده چند است **اول** کلینی رقم سنده سهل از حضرت امام جعفر صادق روایت
و روایت نموده است که آنحضرت فرمود **اللهم ربنا لك الحمد و انت الموصی بالقدرة**
قرآن مجید ازین عالم میخواند

و طهارت در تلاوت

وَالسُّلْطَانِ الْمُبِينِ وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْمُتَعَالَى الْعَزِيزُ وَالْكَبِيرُ أَبُو فَوْقَ السَّمَوَاتِ
وَالْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْمُكْتَفَى بِعِلْمِكَ وَالْمُخْتَارُ بِإِيكَانِ كُلِّ
ذِي عِلْمٍ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ يَا مُنْزِلَ آيَاتِ وَالذِّكْرِ الْعَظِيمِ رَبَّنَا فَالْحَمْدُ
بِمَا عَلَّمْتَنَا مِنَ الْحِكْمَةِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الْمُبِينِ اللَّهُمَّ أَنْتَ عَلَّمْتَنَاهُ فَكُنْ
رَغْبَتَنَا فِي تَعَلُّمِهِ وَأَخْصَصْتَنَا بِهِ قَبْلَ رَغْبَتِنَا بِنِعْمِهِ اللَّهُمَّ فَإِذَا كُنَّا
ذَلِكَ مَتَابِعُكَ وَفَضْلًا وَجُودًا وَلُطْفًا بِنَا وَرَحْمَةً لَنَا وَآمِنًا نَا
عَلَيْنَا مِنْ غَيْرِ حَوْلِنَا وَلَا حِيلِنَا وَلَا قُوَّةِنَا اللَّهُمَّ فَحَبِّبِ الْيَاسِرَ
نِيْلًا وَنِيمَ وَحِفْظَ آيَاتِهِ وَآمِنًا نَا بِمُتَابِعِهِ وَعَمَلًا بِحُكْمِهِ وَسَبِيلًا
بِهِ نَأْوِيهِ وَهُدًى فِي تَنْبِيهِ وَبَصِيرَةً بِسُورِهِ اللَّهُمَّ وَكَمَا أَنْزَلْتَ سُفْهَانَ
لِأَوْلِيَائِكَ وَشَفَاءً عَلَى أَعْدَائِكَ وَعَمَى عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ وَنُورًا لِأَهْلِ
طَاعَتِكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ لَنَا حِصَانًا مِنْ عَذَابِكَ وَحِرْمَانًا مِنْ عَضْبِكَ
وَطَاجِرًا عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَعِصْمَةً مِنْ سَخَطِكَ وَذَلِيلًا عَلَى طَاعَتِكَ
وَ نُورًا يَوْمَ تَلْفُتُكَ لِنَسْتَعِي بِكَ فِي خَلْفِكَ وَنَجُوزُ بِهِ عَلَى صِرَاطِكَ وَ
تَهْتَدِي بِهِ إِلَى حَبْنِكَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّقْوَةِ فِي حَلِيدٍ وَالْعَمَى

تَعَلُّمِهِ
فَهَبْ لَنَا
سَبِيلَهُ

^{عَلَيْهِ}
عَنْ عَلَيْهِ وَالْجُورِ عَنْ حُكْمِهِ وَالْعَلَقِ عَنْ فَصْدِهِ وَالتَّصَدُّقِ وَرَحْمَتِهِ
اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَنَّا ثِقَلًا وَأَوْجِبْ لَنَا آخِرَةَ وَأَوْزِعْنَا شُكْرَهُ وَاجْعَلْنَا
تُرَاعِيَهُ وَخَفِظَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا تَتَّبِعُ حَلَالَهُ وَتَجْتَنِبُ حَرَامَهُ وَتُقِيمُ
حُدُودَهُ وَتُؤَدِّي قَرِيبَتَهُ اللَّهُمَّ اسْرِفْنَا حَلَاوَةً فِي دِينِهِ وَنِشَاطًا
فِي قِيَامِهِ وَوَجَلًا فِي تَرْبِيَتِهِ وَقُوَّةً فِي اسْتِعَاذِهِ فِي نَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
اللَّهُمَّ وَاسْتَعِينَا مِنَ التَّوَمُّرِ بِالْبَيْتِ وَاسْتَعِينَا فِي سَاعَةِ اللَّيْلِ مِنْ رُقَادِ
الرَّافِدِينَ وَتَبَهَّنَا عِنْدَ الْأَخَابِيثِ الَّتِي يُسْتَحَابُّ فِيهَا الدُّعَاءُ مِنْ سِنَةِ
الْوَسْطَانِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ قُلُوبَنَا ذُكْرًا عِنْدَ عَجَائِبِهِ الَّتِي لَا تُفْقَهُ
وَلَدًا أَدَّةً عِنْدَ تَوْبِهِ وَعِبْرَةً عِنْدَ تَرْجِيْعِهِ وَتَقَعًا بَيْنَنَا عِنْدَ اسْتِقْرَانَا
اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَخَلُّفِهِ فِي قُلُوبِنَا وَتَوَسُّدِهِ عِنْدَ رُقَادِنَا وَتَسْبِيحِهِ
وَتَلَاوُظِهِ فِي قُلُوبِنَا وَتَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقَاتِلِهِ فِي قُلُوبِنَا مَائِهِ وَعَظْمَانَا اللَّهُمَّ
انْفَعْنَا بِمَا صَرَفْتَ فِيهِ مِنَ الْآيَاتِ وَذَكَّرْنَا بِمَا صَرَفْتَ فِيهِ مِنَ الْأَمْتِ
وَكَفِّرْ عَنَّا بِأَوْبِلِ السَّيِّئَاتِ وَصَاعِفْنَا بِأَجْرَاءِ فِي الْحَسَنَاتِ
وَارْقِنْنَا بِثَوَابِ الدَّرَجَاتِ وَلِقِنْنَا بِرِيشِ الْمَشْرِقِ بَعْدَ الْمَمَاتِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ

المشكلات
من
عليه

و فاصد نماید بقطع نفس با بسکت طویل کلمات بخواند و وصل بسکون نماید و اگر وقت کند
بقطع نفس با بسکت طویل کلمه را که بر آن وقت مینماید ساکن کرده اند و وقت حرکت نماید و ترتیل
باین معنی حافظ مشهور میان علما واجب است **دویم** سباق و شمره خواندن کلمات بوضعی که
حروف آنها از یکدیگر ممتاز شود و لیکن عجزی نرسد که از یکدیگر بیاید و کلام از اتصال بیفتد
و همچنین صفات حروف و مدها و انشام و فطرها که قرآء ضبط نموده اند همگی امر عجز آرد و ترتیل باین معنی
مستحب است و واجب نیست و در حدیث وارد شده است که از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله وسلامه
علیه پرسیدند که ترتیل چه معنی دارد فرمود که حروف را بیکو ظاهر و هویدا کردن و از هم میانشان
ریگی بیاید و نشد بخواند بخوبی که عربان شعر را میخوانند بلکه بخوف و فرح آرد و یا بگوید بخواند
قرآء و الهای سخت را و جهان مسابقت که هرگز بر آخر سوره کاشته باشد و نشد بخواند که زده تمام شود
و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که سؤالی نمودند از معنی ترتیل فرمود که ترتیل حفظ و قهناست و
آه و حرفهاست از مجامع و پوشیده نماند که حدیث اول اشاره است معنی ثانی و ظاهر حدیث ثانی
معنی اول است و محتمل است که ناظر به دو معنی باشد و الله تعالی و **بماند** از اخبار و احادیث
مفهوم میشود که ترتیل در قرآءت معنی اول و ثانی در صورتی که منظور است که قدری بر آن
باشد و ترتیل خواندن کلمات در بنا شد و طبع و عجزی باشد که خوبتر است از هر دو و نیز از خارج لفظ
ناید ترتیل از او سلاقت و بر و در مرتبه در تلاوت می تواند نمود و حتی بمطالعه یکم خود ثواب نام و کلام
با و عطا میفرماید و در حدیث وارد شده است که حضرت رسول تم فرمود بنا باشد که یکی از امت من **قرآن**
بخواند بر و در حدیث خود نبر و در حدیث وارد شده است که حضرت رسول تم فرمود بنا باشد که یکی از امت من **قرآن**
خشوع و رقت و حزن و اندوه قرآءت ناید چنانچه از حضرت امام جعفر صادق و صلوات الله علیه
مستفاد است که فرمود قرآن بحزن نماند شده است پس اگر بحزن و اندوه بخواند در حدیث دیگر از حضرت
مرویست که حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه شخصی فرمود که در دنیا بخوانی یا نه یا نه گفت
بل فرمود برای چه چیز بخوانی گفت برای آنکه سوره نوره الله احد را بسینا بخوانی پس آنحضرت بعد از
آن مانی خطاب فرمود و فرمود ای حفص هر که از دوستان و شیعیان ما بمیزد و قرآن نماند بخوانی
در قرآن را با تعلیم میفرماید نماند و تطایب او را باین سبب کرد اندر که سبب است بفرمود
آیات قرآنی است و مبارکی قرآن میگویند بخوان و با کلام و در هر آنکه بخواند **بماند** و پس
گفت کسی را بلیدم که خوش با امیدش را به از آنحضرت باشد چون قرآن میخواند بخوانی میخواند
که با بالکسی مشافهت خطابه میفرماید **بماند** آنکه مصونت حسن و آواز خوش بخواند چنانچه
نشد و معنی مستفادست که حضرت رسول تم فرمود که برای هر چیز زمین است و زمین قرآن آواز خوش
است و در حدیث دیگر مرویست که آنحضرت فرمود که قرآن را با آواز خوش بخوانید که آواز خوش زیاد



خداوند قرآن را بوقت
خوشی خواند

میکند حسن قرآن را و در حدیث معتبره بگردد بیست که ابو بصیر گفت پرسیدم از آنحضرت امام
جعفر صادق ع از تفسیر آیه که هر که در تیل القرآن ترتیل فرمود یعنی قرآن را با سباق بخواند
و با آواز خوش بخواند و در حدیث دیگر وارد شده است که نوفل گفت عرض کردم بحضرت آنحضرت
موسی کاظم صلوات الله علیه آواز خوش را فرمود بدو رستی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
قرآءت قرآن می نمود و گاه بود که راه گذران میکند شنیدند و از حسن صدای آنحضرت می شنیدند
گفتند و بدو رستی که امام زمان ظاهر باشد در چیزی از خوش آواز می خواند و در هر آیه نام میآورد
آنرا هم از برای حق حسن آن را می گفت عرض کردند که حضرت رسول تم چون نماز میکند آواز
با مردم آواز میزند میگوید بخواند قرآن فرمود بدو رستی که آنحضرت سجده میکند بر مردم آنچه
طاعت داشتند و نام میآوردند **تلف** گوید که والد محقق علامه ام رفیع الله در حدیث
رساله و ظایف التلاوه ذکر نموده که حادثی در باب حسین صورت و تزیین آن در تلاوت
قرآن بسیار است و از بعضی از مشایخ برین علما غنار آرد در قرآن تجویز نموده اند زیرا که حسین
صوت که کشید آن آواز و تزیین و تزیین آن در غالب اوقات چنانچه از کلام اهل لغت و غیر ایشان
مستفاد می شود بدون غنا نباشد و شیخ طبرسی در تفسیر خود در بیان آیه قرآءت قرآن
گفت فن سابع در بیان آنچه است از برای قاری از حسین لفظ و تزیین صوت در قرآن
قرآن و احادیث بسیار از طرق علامه در آن باب نقل نموده و از جمله آنها حدیث عبد الله بن
سلیب است که گفت نیز سعد بن وقاص فرمود و سلام کردم گفت در جبا بیا در زاده من پس گفت بمن پرسید
است که تو خوش آوازی در خواندن قرآن گفت علی الحدیث که گفت من شنیدم از رسول خدا ص که می
فرمود قرآن بحزن نماند شده است چنانچه بخواند که هر که پیشاید یا شایسته خود را بخواند
بدر آید و تعنی کبید بقرآن بدو رستی که هر که تعنی نکند بقرآن از مانیست و شیخ زکریا
این حدیث گفته که بعضی از علما ناویل کرده اند این حدیث را و گفته اند که تعنی بقرآن
یعنی هر که مستغنی نشود بقرآن از مانیست و اکثر علما اعطاء آنست که تعنی بقرآن یعنی
آواز و بجز آن خوله بقرآن است و پوشیده نماند که ظاهر از کلام آنست که غنای در قرآن نزد او
بلکه مستحب بوده است و بماند او اکثر علما سلف نیز سنت میدانشند اند و کلام سید رضی
رحم و در کتاب تفسیر و در بیان معنی دارد و کلینی در کتاب کافی با هم مذکور است در بیان
ترتیل قرآن بصوت حسن و اکثر احادیث گذشتند را در آن باب زیاد کرده است اینست انما یلکم
مستغنیین فادعوا الله و احکم در با شیخ زکریا و غنای تلاوت قرآن و لیکن شیخ ابوالفاسح عماد
کثیری از علما سخن از اتفاق نموده اند بر حوسه لفظا هر چند در قرآن عهد بوده باشد
اینست کلام والد علامه امام ادهم الله تبارک و تعالی و آنچه درین باب بخوانی شکسته فاصد

محققان قرآن
تلاوت قرآن

آنکه که اخراج می شود غنا مطلقا بسیار است و در آیات در باب خواندن قرآن مجید بصورت حسن بسیار
و بعضی از آنها نیز بلفظ غنا وارد شده است و در جمیع این آیات میتوان گفت که صوت حسن غیر
غناست زیرا که غنا آنست که غنا از مزاج طبعی بیرون رود و بخوبی از بسیار در آن آواز بهرستند
و حروف کلمات باعتبار کششهای بسیار که در میان آنها درآمده از هم بیاشند و صوت حسن عبارت
از آنست که صد از وضع خلقی اصلا بیرون نرود و حروف و کلمات از هم بیاشند و لیکن بخوبی قرارند
تلواوت را میکنند که حسن صوتی از او ظاهر شود و مستحان از طور خواندن او محفوظ شوند و بی آنکه بخوبی
و کشش زیادی در صداهم هر صد که حروف و کلمات از هم بیاشند و مراد از غنا و اخلاص حسن است
معنی اول مراد از صوت حسن در اخلاص است جو از تعنی در قرآن معنی دوم است و مؤید این معنی است
آنکه گو مراد از تعنی در قرآن معنی اول نباشد مخالف می شود با روایاتی که در باب ترتیل قرآن وارد
است چنانچه مذکور شد و اگر کسی گوید که معنی حسن صوت نیز مستلزم غناست زیرا که خارج از مقام
غنا اهد بود بلکه با نظیره با یکی از مقامات دوازده گانه مطابق خواهد بود جو ایگویم که در علم
موسیقی ثابت شده است که دوازده مقام و بیست و چهار گوشه و هشت شعبه میباشد
جمع صدائی و آوازی را بنام بیست و یکصد و هشتاد و چهار گوشه و بیست و یکصد و هشتاد و چهار
است و در این صورت نیز از تعنی و استماع غنا مستلزم نهی از جمیع انواع تکلم و شطوط و استماع
خواهد بود و نشاند آن ظاهر در لاج است و معلوم می شود که مراد از غنا صدائی است که در قرآن
زیاد و مد و کشش بسیار در آن شده باشد و حسن صوت لازم ندارد که بدینگونه بود و ما باشد و با لجه
شکلی نیست که ترک غنا معنی که مذکور شد در قرآن مجید احوط است و الله تعالی بیکله **ده** آنکه
موسط خوانند و بسیار استند و بلند بخوانند چنانچه باید و معنی از او برصفت بقولت که گفتند عبدست
حضرت امام محمد باقر ع فرمود که هرگاه قرآن بخواند و آواز خود را بلند میکند سینه تن آید نیز در نزد
میگوید که رایگان برای اهل خانه بخورد و برای مردم پس آنحضرت فرمود ای بو محمد بوضع سخن که میانند
قرآن بلند و قرائت آهسته باشد که اهل خانه متوجه شوند و ترجیح کن بخوانند قرآن آواز خود را
زیرا که سخن معالی و شریف میدارد آواز خوشتر از ترجمه کنند و آواز ترجمه کردن و بسبب ترجمه آنرا
معویه تر بخار و پس که گفتند عرض فرمودند حضرت امام جعفر صادق ع که آدمی چنین می
پندارد که هیچ کاری نکرده است در وقت خواندن دعا و وقت خواندن قرآن تا آنکه صدای خود را بلند
نماید پس آنحضرت فرمود با یکی نیست که صدای بلند سازد بی درستی که حضرت امام زین العابدین ع
خوشتر از ترین مردم بود و قرآن او را بخورد و بلند میکرد و بخواند قرآن تا آنکه کسی که اهل خانه
می شنیدند و حضرت امام محمد باقر ع نیز خوشتر از ترین مردم بود قرآن و چون آخرت بسیار
بر میخواست و قرآن تلاوت میفرمود آواز خود را بلند میکرد و راه کلدان از سقاییان و غیر ایشان

بسیار در قرآن
موسط سخن بلند

بخوانند

بسیار در قرآن

میباشد و مذکور است آنحضرت میفرمودند در روایت دیگر فرمود که هرگاه حضرت امام زین العابدین
تلاوت میفرمود سقاییان برود و خانه آنحضرت میبایدند و گوش بقرآنت آنحضرت میدادند
و روایت دیگر از حسن صوت آنحضرت مد هوش میشدند **مؤلف** گوید که اول دال بر قرائت و تسلط
و اخلاص آنحضرت شاهد بلند است و آن است و در پیش که مراتب قرائت است بخلاص مردم مستقامت
باشد و میانه نظر بخلاص است و در بلند خواندن دیا کند و بلند خواندن نسبت بکسی که این باشد
از بنا نماند اما همدان علیهم السلام و گروهی از اهل تقوی که مجاهد نفس نموده خود را از دنیا که نیز شریفان
با جناب مقدس حق تعالی است بری و عری ساخته باشند و الله شفا میباید **از ده** آنکه سبب بر و تفکر
قرآنت نماید و متوجه معانی و مضامین الفاظ و عبارات آن باشد چنانچه با سانسید بسیار از
حضرت امیر المؤمنین و سایر ائمه ظاهرین صلوات الله علیهم آنچه جمیع نفوس که فرمودند در خبر
نیت در قرآن که در آن نیت نباشد و از حضرت امام زین العابدین ع مرویست که فرمود که ایماست قرآن
چیزهای حکمت ربانی است پس هر چه از آن میگذرد باید که در آن نظر نماید و سبب جو
مطابق حکمتها از آن خزان برین آوردی **مؤلف** گوید که حقیقت تقدیر در قرائت آنست که فایده
اقتصاد نماید بر قرائت الفاظ و عبارات قرآن بلکه هر چه که خواننده در آن آید قدر و تفکر نماید
و بداند که خزان بر مهران در قرآن مجید و زلفان حمید چنانچه هدایت برای او فرستاده
است و تواریح آن هوایا گرد آید و چنانچه دیده ظاهر او در آن بچوایان میآورد دیده
دل را نیز مطالعان او را ن میکشد و بداند که با خدا و مذ خود در مقام مناجات است و سخن
میگوید و زبان و قیاس در میان دارد که با خدا و خطاب میفرماید باید که از دل و جان سبب
جواب گوید و گاهی بغير آن خدا را و سخن همگی بند چنانچه اندک او مخاطب خطاب ایشان است
و گاهی سخن تعالی و را بوعده حور و قصور و طعام و شراب تطبیع مینماید تا به که آنها را طلب نماید
و گاهی بوعید انواع زجر و عذاب تهدید میفرماید باید که از آنها پناه جوید و گاهی ماستدیدی
مشق و ادب مهربان او را بوعظ و نصیحت مینماید باید که از آنها پند گیرد و گاهی برای او قصص
احوال کند و تشکلاتی نقل مینماید باید که از آنها همت گیرد و گاهی جوایز و انعام بوعید مینماید
او میگذرد و گاهی در صفات جمال و جلال او را بویا و بیان میفرماید و او را در کلان دوستی
صفات کالی خود سیر میفرماید و گاهی انوار کون و علوم و معارف نامشاهی را بر روی او
میکشد و از انواع جوایز حقایق آنچه دیده است آب آورد در نظرش جلوه میدهد و گاهی
احوال دوستان خود و کلمات ایشان را برای او نقل مینماید و نعمتهای که با ایشان عطا فرموده
ایشان را با آنها مینماید و مستغنیا که در راه او کشیده اند و نلافی و تدارک خود را که نسبت با ایشان
بملا و ده بیان میفرماید و از زبان و وسعت علم و مزید کم خود در حق کند تشکلات دستگاه آید و

بسیار در قرآن
موسط سخن بلند

رجا از برای نجات و وسیع میکردند و باطله هر که از وی غنیمت و آنچه دیگر در قرآن نظر نماید و درها
کلسان فیوض بر ذرات بر وی عطف و مفتوح و دیدن دلش با نور اراک حقایق و معارف متوز
ناشد و هر صغیر از صفحات قرآن کلسافان شقایق حقایق بنظرش میآید و چراغی از احوال
معارف پیش روی اش جلوه مینماید محلی مینماید ملو از دستان در مرکزیدگان با ایشان از او
میگرد و مجلسی شاهه مینماید اهل مجلس بچهرهات و اوصیاء و صدیقان با ایشان همنشین و محاسن
سینا بدین زلفش خندا و ندم بران و محاسن جلیانش بر کوران غالیان نمای عطف نماید سنجایی برین
بالوان نغمه های روحانی و انعام لذتها و عقلائی و از اینجاست که در حدیث وارد شده است که جلی
القدر نام از اهدین و سید است حدیث امام زین العابدین سلام الله علیه و علی با بر اولاده الطاهر
میفرمود که اگر چنانچه بگویم که در میان مشرق و مغرب اندک میبرد و در دوازده نیاثرها نام بعد از آنکه
قرآن نام نباشد و حشک بهم میزنم **دوازدهم** آنکه بعد از آیات رحمت طلب رحمت و بعد از آیات
عذاب طلب عذاب از عذاب ناید و در هنگام خواندن بعضی آیات الفاظ و اذکار که در روایا
وارد شده آنها ایسان نماید چنانچه سینه مغرب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که
فرمود که سر او را آتش کسبی که قرآن خواند چون بگذرد بآیه که در آن آیه عمل سؤالی باجمعی باشد
سؤال کند از خدا بهترین آنچه امید دارد و سؤال نماید غایب از آتش جهنم و عذاب را و در حدیث
دیگر از چهار بن ابی الصخرا که در سفر خراسان ملازم رکاب حضرت امام رضا علیه السلام بود و طریقی
سوک آنحضرت را در آن سفر حدیث طولانی نقل نموده مرعیت که چون آنحضرت بمیان حش
خواب میرفت تلاوت بسیار میفرمود و چون بآیه می رسید که بدرشت و دوزخ بود میگردید و از
شما طلب برشت و استغاثه از جهنم می نمود و چون سوره قل هو الله احد را میخواند بعد از آن
آهسته میفرمود **الله احد** و بعد از فراغ از سوره سمر مرتبه میفرمود **كَلِمَاتُكَ اللَّهُ رَبَّنَا**
و چون سوره قل یا ایها الکافرون را میخواند بعد از لفظ الکافرون آهسته میفرمود **ربی الله**
و درین ایسلام و چون از سوره و التین فارغ میشد میفرمود **کی و انا علی ذلک من الشاهد**
و چون سوره لا اعمت را میخواند بعد از نام سوره میفرمود **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بلی** و چون از سوره
حمد فارغ میشد میفرمود **الحمد لله رب العالمین** و چون سوره سبح اسم ربک الاعلی را
میخواند بعد از اعلی آهسته میفرمود **سُبْحَانَ رَبِّيَ اعْلَى** و هر جا در قرآن یا اینها آید
استوار میخواند آهسته میفرمود **لَسْتَ بِكَ اللَّهُمَّ كَتَبْتُكَ** **مؤلف** گوید که این حدیث شریف بعد از
خواندن سوره توحید ستم مرتبه کند **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و در حدیث دیگر کند **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**
یا کند **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** که در واقع شده و هر یک از اینها خلایق را میسوزاند و در باب سوره فلان
آنجا الکافرون در حدیث منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در این حدیث فرمود که چون

طلب رحمت بعد از آیات
عذاب طلب عذاب
از عذاب ناید

۱۱

خجالی مثل یا ایها الکافرون که یا ایها الکافرون و چون بخواند **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و تکیب **أَعْبَدُ اللَّهَ**
و چون بخواند **لَسْتَ بِكَ اللَّهُمَّ** و درین ایسلام و در حدیث دیگر وارد شده که چون
آنحضرت از سوره مبارکه را میخواند بعد از **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و در حدیث دیگر وارد شده که چون
انعام سوره میفرمود درین ایسلام **عَلَيْهِمْ أَهْلًا وَعَلَيْهِمْ أَمْوَالُهُمْ** **مؤلف** گوید که در حدیث دیگر از
آنحضرت مرویست که فرمود هر که سوره الرحمن را بخواند و چون آیه که میفرماید **أَلَمْ يَكُنْ لَكَ دِيَارٌ**
را تمام کند بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** **مؤلف** گوید که در حدیث دیگر وارد شده که در آن شب میبرد
شهادت مرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که بخواند سوره نبت را نغمه کند بر او
لهبه اثار که فرمود که بگوید **لَسْتَ بِكَ اللَّهُمَّ** **مؤلف** گوید که در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق
آورد شده بود و در حدیث معتبره دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که فرمود
چون سوره سبحان را بخواند بگوید **سُبْحَانَ اللَّهِ** **مؤلف** گوید که در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق
نقل است که علی بن ابی طالب صلوات الله علیه در نماز و سجده در غریب از و چون سوره و التین را
خواند در آخرش بگوید **وَحَسْبُ عِلْمُهُ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ** و چون بخواند **قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ**
آمَنَّا بِاللَّهِ و اشهد یا تسلم **مؤلف** گوید که مراد از مسجات سوره هاست که در اوایل آنها
تسبیح واقع است یا بلفظ سبح مانند سوره حدید و حشر و سوره صفت یا بلفظ سبح مانند
سوره حمجره و نغابن یا بلفظ سبح مانند سوره اعلی و سید معشره دیگر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرمود چون کسی سوره و التین را بخواند بعد از نام سوره بگوید
صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ و چون بخواند **أَلَمْ يَكُنْ لَكَ دِيَارٌ** بگوید **لَسْتَ بِكَ اللَّهُ**
اللَّهُ خَيْرٌ اللَّهُ أَكْبَرُ و چون بخواند **الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ** بعد از آن بگوید **كَلِمَاتُكَ اللَّهُ رَبَّنَا**
بِاللَّهِ و چون بخواند **لَسْتَ بِكَ اللَّهُمَّ** **مؤلف** گوید که در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق
نقل است که درین ایسلام و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که هر که
آنحضرت را ببیند که هر که آیه شهادت را بخواند بعد از آن بگوید **وَأَنَا أَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ**
اللَّهُ بِهِ و استودع الله هذين الشهادة **مؤلف** گوید که در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق
نقل است که هر که صلاه را از من بعد می بیند او را در انصاف بگردد **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ** **مؤلف** گوید که
با هر سجده رسد واجب است که سجده کند اگر از سجده های عزائم نباشد و ستم است اگر از غیر عزائم
باشد و مراد از عزائم چهار سجده و اجابت که در چهار سوره است اول سوره الفجر دوم سوره
سجده سیم و الجمع چهارم افراسیاب ربک و ستم هاست مؤلف شهادت میفرماید که در سوره هاست
اول سوره اعراف و آیه سجده آیه آخر آنست **وَمِنْ عَمَلِهِمْ أَنْ يَكُونُوا مِنَ السَّاجِدِينَ**

یا ایها الکافرون
لَسْتَ بِكَ اللَّهُمَّ

انصار روایات و اکو در صحیح سوره اقره و کوی که در روایت صحیح و بجم مذکور است با ذکر روایت ثانی
ضم نماید هر است و اگر خواهد که جمیع روایات مذکور عمل شده باشد باین طریق بخواند **سبحان**
رَبِّهِ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَضَدُّقًا لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقَابًا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبَّدْتُكَ وَأَوْفَى لِمُسْتَكْبِرًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا مِثْلَ أَسْأَلُ
عَبْدُكَ لِيْلِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ سَجَدْتُ لَكَ تَعَبَّدْتُكَ وَأَوْفَى لِمُسْتَكْبِرًا عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا مُسْتَكْبِرًا
وَلَا مُتَعَبِّدًا لِيْلِكَ أَنْتَ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ مَحَظَّتِكَ وَبِعِزَّتِكَ مِنْ
عُذُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ بِفَيْتِكَ إِلَهِي
أَمَّا يَا كَرِيمًا وَعَزِيزًا نَبِيًّا مَا أَكْرَمُوا أَجْنَابَكَ إِلَى مَا دَعُوا إِلَيْهِمْ فَالْعَفْوُ **شَدِيدٌ أَيْن**
سَجَدَ جُنَابًا حَيْدَرًا وَجِبَابًا بِرُكْبَةٍ أَيْ سَجَدَ وَرَجَعُوا لِيْلِكَ بِمَجِيئِهِمْ لِأَجْلِ أَنْ يَسْتَمِعَ نِيْكَ كَمَا أَنْتَ كَرِيمٌ
يَهْدِي وَيُزِيلُ سَجَدَ رَأْسُهُ وَدَرَبَابِ سَمَاعٍ بِعِيْقِ كَيْفِي كَقَصْدِ شَيْئِهِ نَفْسًا شَدِيدًا شَدِيدًا وَيُزِيلُ سَجَدَ
بِكُوشِ رَسَدِ خَلْفًا سَبِيحَ طَوْسِيٍّ مَهْمُ كَهْنَتِهِ كَرِيمٌ سَجَدَ وَجِبَابًا وَنَبَادٍ دِينَهُ بُوْحِيْبٍ
فایل شده است و هر یک دعوی جماع بر من هیچ خود نموده اند و روایات و اخبار نیز در این باب
مختلف است و در بیان شش سنی از روایات دو وجهی توان گفت اول آنکه روایات در آن
عدم وجوب مجمل بر چهار روایت دال بر وجوب مجمل بر استحباب باشد و دیگر آنکه چون
غایب عدم وجوب فالیند روایات عدم وجوب مجمل بر تقیته یا انقباض باشد و احوط سحر کردت
استنبه نیست **قرب** بعضی از علما موافق بعضی از روایات گفته اند که هرگاه کسی سواره
یا پیاده بر اهر و دو سجده کردن ممکن و مستیر باشد واجب است اگر ممکن نباشد بعبودیت خود ایستاد
اشاره کند **دوم** بعضی از علما گفته اند که واجب است تکرار سجده تکرار خواندن یا شستن یا غیر
سجده هر چند که یک مجلس باشد و در الحقیقه خلد الله ظلالة در رساله وظایف الملائه ذکر
نموده که اقرب و اقوی نظر عموم ادله دال بر ندخل است که هرگاه بخواند یا شستن یا سجده کند
کافی است لیکن احتیاط در تکرار سجده است والله تعالی یقبل حصایح الاحکام **چهارم** در احادیث
بسیار وارد شده که سزاوار است متصل کرد آید ختم قرآن با قنای قرآن و ظاهر امر اینست که
فاصله عرف در میان واقع شود پس خواندن دعاها ختم قرآن که بعد از این است که الله تعالی مذکور
می شود در میان اختتام و افتتاح ضرر ندارد **پانزدهم** در حدیث وارد شده که هرگاه ترا حاشا
باشد ختم نما قرآن را بعد از نماز عصره قرآن را بدست خود بگیر و از اول تا آخر آنرا باز کن
و بعد از آن هر دو دست خود را بلند کن بسوی آسمان بعد از آن که توانی بخوان این دعا را
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ مِنْ فَاحِشَتِهِ إِلَى خَائِبَتِهِ وَبِهِ

ملفوظ

بالحقیقه

اسمك الأَكْبَرُ وَكَلِمَاتِكَ الشَّانِكِ كُلِّهَا وَاسْتَمَلْتُ بِمَا تَخَافُ مِنْهُ وَتَوْجُو
يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا بَارِعَ التَّمُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَنْشَاهُ الظُّلُمَاتُ
وَلَا تَنْشِبُهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَعْطِيَهُ مُحَمَّدًا
أَفْضَلَ مَا سَأَلْتُ لَهُ وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَإِكْرَامِ وَأَنْ تَعْفُوَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَرْزُقَنِي الْجَنَّةَ وَحَوْلَجِ خُودِ رَأْسِي خُودِ
سَجَدْتُ
که بعد از تمام شدن کل قرآن بضمیمه اذعیه بعد از فراغ از تلاوت که سابق مذکور شد اذعیه
قرآن نیز بخواند و آنچه از آنها نظر رسیده چند عادت **شانزدهم** دعای ختم قرآن صحیفه کامله
که دعای مجمل در دو بیت است و چون سید بن طاووس فرموده است روحه این دعا در کتاب ابوالکریمی
در روایت سید با روایت صحیفه نه المجلد مخالفه در حدیث روایت سید مذکور میباشد بر سید
سبند صحیح از ابوالفضل محمد بن عبد بن المطلب القیابی روایت نموده است که او سبند خود
حضرت سید لقا حدیث صلوات الله علیه وعلی آباء و اسانم روایت کرده که از جمله دعاهاست
حضرت این دعاست **اللَّهُمَّ لَا تَكْ أَعْنَتْنَا عَلَى حَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ**
بَعْدَ أَنْ خَرْنَا مُحَمَّدًا
نُورًا وَجَعَلْتَهُ مَهْمًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ وَفَضَلْتَهُ عَلَى كُلِّ
حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ وَفَرَقْنَا فَرَقْتَهُ بَيْنَ حَلَالِكَ وَحَرَامِكَ وَقُرْنَا أَعْرَبْتَ
بِهِ عَنِ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ وَكُنَّا بِأَفْضَلِنَهُ لِعِبَادِكَ تَقْضِيلًا وَوَحْيًا
أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَنْزِيلًا وَجَعَلْتَهُ
نُورًا فَهَنْدَجِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ وَشِعَاءِ لِمَنْ

أَنْتَ بِهَذَا التَّصَدِّيقِ إِلَى اسْتِغَاثِهِ وَمِيزَانِ قِسْطِ لَاجِئِكَ عَلَى الْخَائِفِ
لِسَانُهُ وَنُورِ هُدَى لَا يُطْفِئُ عَلَى الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ وَعِلْمِ نَجَاةٍ لَا
يُضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ وَلَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَالِكِينَ تَعْلُونَ بِعُرْوَةِ
عِزَّتِهِ اللَّهُمَّ وَإِذْ قَدْ أَمَدَّتْنَا الْمَعُونَةَ عَلَى نِلاؤِهِ وَسَهَّلْتَ حَوَالِيهِ
السِّنِينَ بِحَسَنِ عِبَادَتِنَا فَاجْعَلْنَا مِنْ بَرَعَاهُ حَقَّ رِعَابِهِ وَبِأَيْدِيهِ
لَكَ بِاعْتِنَادِ الشَّلِيمِ لِحُكْمِ آيَاتِهِ وَيَنْزِعُ إِلَى الْأَقْرَابِ مُتَشَابِهِهِ
وَتُحْكَمِ بِنِيَانِهِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحَمَّدًا وَأَهْلُ بَيْتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَرَدْنَا عَلَيْهِ
مُعْتَرَاوُ فَضْلِكَ عَلَى مَنْ جَمَلَ عَلَيْهِ وَقَوَّيْنَا عَلَيْهِ لَتَرْفَعَنَا فَوْقَ
مَنْ لَمْ يُطِيقْ حَمْلَهُ اللَّهُمَّ فَإِذَا قَدْ جَمَعْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً وَعَرَفْنَا
بِرَأْفَتِكَ شَرَفَهُ وَقَضَلَهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ وَعَلَى آلِهِ الْخَيْرِ
لَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ يَعْرِفُ بِآيَاتِهِ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشَّكُّ
فِي قَصْدِ بَيْتِهِ وَلَا يُخَالِفُنَا الرَّبِيعُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا
مِنْ يَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ وَيَأْوِي مِنَ الْمُنْتَشِبَاتِ إِلَى حِرْمِهِ مَعْفِيَةً وَيَسْكُنُ

في ظل

فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ مِضْبَاحِهِ وَلَا يَلْتَمِسُ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ اللَّهُمَّ
وَكَأَنَّكَ صَبَّتَ بِهِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ وَ
أَنْهَضَ بِآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ سَبِيلَ الرِّضَى إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسَبِيلَهُ لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ وَسُلْمًا
تَخْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ وَسَبَبِ نَجْوَى بِهِ النِّجَاةِ فِي عَرِصَةِ الْقِيَامَةِ
وَدَرْجَةِ نَفْسِهِ بِهَا عَلَى نَعِيمِ ذَارِ الْمَقَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ وَاحْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا نَقْلَ الْأَوْزَارِ وَهَبْ لَنَا حَسَنَ شِمَائِلِ
الْأَبْرَارِ وَاقِفْنَا أَنَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ
حَتَّى نَطْهَرْنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ يَطْهَرُهُ وَنَقْفُوْنَا أَنَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا
بِنُورِهِ وَلَمْ يَلْتَمِسْهُمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعُهُمْ حَيْدَجُ غُرُوبِهِ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظِلِّ اللَّيْلِ مَوْئِلاً وَمِنْ تَرَفَاتِ
الشَّيْطَانِ وَخَطَرَاتِ لُوسَاوِسِ خَارِسَاوِلِ أَقْدَامِنَا عَنْ تَقْلِيدِهَا إِلَى الْمَعَايِ
حَابِسَاوِلِ لَسَانِنَا عَنْ الْخَوْصِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِنَا فَاقْتَرِحْنَا لَهَا وَاجْعَلْنَا
عِنَا قَرِيفًا لِأَنَامِرِ اجْرَاوِلِ طَوْبِ الْعَفْصَةِ عَنَّا مِنْ تَصْفِخِ الْأَعْيُنِ بَارِ

ناشرا حتى توصل الى قلوبنا فهمم بحمايته و ذواجر امثاله التي ضعفت
الجبال الرواسي على صلابتها عن اجناله اللهم صل على محمد وآله
وادم بالقران صلاح ظاهرا و احجبه بحطرك لو ساوس عن صحته
صمايرنا و اغسل به دوزن قلوبنا و علائق اوزارنا و اجمع به منتشرا
امورنا و ازر به في موقف العرض عليك ظمها هو اجرنا و اكسنا به
حللا لامان يوم القدرع الاكبر في ثورنا اللهم صل على محمد وآله
واجبر بالقران حلتنا من عدم الاملاف و سق الينا به رعدا لعيش و
حضب سعة الارزاق و جتينا به من الضرايب المدمومة و مداني
الاخلاق و اعصمنا به من هوة الكفر و دواعي التفتان حتى يكون لنا
في القيمة الى رضوانك و حثناك قائدا و لنا في الدنيا عن سخطك
و تعدي حدودك دائما و لما عندك بتجلي حلاله و تحريم حرامه
شاهدا اللهم صل على محمد وآله و هوون بالقران عند الموت
على انفسنا كرب السباب و محمد الابن و تراذ في الحشارج اذا بلغت
التفسر الشرافي و قيل من راني و تجلي ملك الموت لقبضها من حجب

الغدير

الغيوب و مرماها عن قوس المنايا بسهم و حشة الغراب و دنا منا الى الآخرة
رحيلك و انطلاوق و كانت السبورة من الماوى الى ميعاد يوم الطلاق
اللهم صل على محمد وآله و بارك لنا في حلول دار البلى و طول المقاتلة
بين اطباي الشريفة و اجعل لقبور بعد فراغ الدنيا خيرة منازلنا و افخ
لنا برحمتك في ضيق ملاحيدنا و لا تقصصنا في حاضري القيمة بموقيقات
انامنا و ارحم بالقران في موقف العرض عليك ذل مقامنا و ثبت
عند اضطراب حسيروهم يوم التجاز عليها رلك اقدامنا و نجنا
به من كل كرب يوم القيمة و شدايد احوال يوم الطامة و
بعض وجوهنا يوم تسود وجوه الظلمة في يوم الحنة و التدامة
و اجعل لنا في صدور المؤمنين و ذوا لا تجعل الحيوة علينا نكدا
اللهم صل على محمد عبدك و رسولك كما بلغ رسالتك و صنع بآمرتك
و تصح لعبادك اللهم اجعل نبينا صلواتك علينا يوم القيمة اقرب
التبتيين منك محبنا و امكهم منك شفاعة و اجلهم عندك
قدرا و اوجههم عندك جاها اللهم صل على محمد وآله محمد

والله

وَشَرَّفَ نَبِيَّاهُ وَعَظَّمَ رُؤُوسَهُمْ وَأَقْبَلَ مِنْهُمْ بَرَكَاتَهُ وَتَقَبَّلَ شِعَاعَتَهُ وَقَرَّبَتْ وَيْلَتَهُ
وَبَيَّضَ وَجْهَهُ وَأَثَرَهُ نُورَهُ وَأَرْفَعَهُ دَرَجَتَهُ وَأَخِينَا عَلَى سُنَّتِهِ وَتَوَدَّنَا
عَلَى مِلَّتِهِ وَخَدَّنَا مِنْهَا جَهْدَهُ وَأَسْأَلُكَ بِبِنَا سَبِيلَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ
طَاعَتِهِ وَأَحْسِنَانَا فِي زَمْرَتِهِ وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ وَأَسْقِنَا بِكَاسِهِ وَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً تَسْلَعُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ
وَكَرَامَتِكَ إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَفَضْلِكَ كَثِيرٍ اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا
كَبَعَ مِنْ رِيسَالَتِكَ وَأَدَّى مِنْ آيَاتِكَ وَصَحَّ لِعِبَادِكَ وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِكَ
أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيََاءِكَ الْمُرْسَلِينَ
الْمُصْطَفِينَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

مؤلف گوید که سید در کتاب اقبال گفته است که فقره و در تشاعلمه مفسرنا فقره فصل
عاشق الخطیب به حضرت سید الشاهین و آباء طاهریں و اولاد طیبین آنحضرت اختصاص
دارد و هرگاه شیعیان خواهند این دعا را بخوانند باید این فقرات را بقصد هدیه بخوانند که
مناسبت ایشان باشد مثل آنکه این عنوان بخوانند وَرَوَّضْتَ أُمَّتَنَا عَلَيْهِ مُفْتَرَا
وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَى مَنْ جَعَلَ عَلَيْهِ وَقْوَتَهُمْ عَلَيْهِ لِتَرْضَهُمْ قُوَّةً مَنْ لَمْ يَطْفِئْ
حَسْبَهُ اللَّهُ فَادْفَعْتَهُمْ قُلُوبَهُمْ لِرِسْمَلِكُمْ وَعَرَفْتَهُمْ بِرَأْفَتِكَ
شَهْرًا وَفَضَّلْتَ سَلْمًا عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ يَا خَيْرُ دَعَاؤِ اللَّهِ تَعَالَى بِسْمِ اللَّهِ
شیخ طوسی رفع الله درجه در صباح رسلا آنحضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه وایت کرده است که آنحضرت هرگاه **اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي وَاسْتَعْمِلْ**
قرآن مجید را بختم میفرمود این دعا را بخواند

بقره

بِالْقُرْآنِ كَيْفَ وَتَوَمَّرَ بِالْقُرْآنِ بَصِيرِي وَأَطْلِقَ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي وَأَعِيْنِي عَلَيْكَ مَا
أَنْقَبْتَنِي فَإِنَّهُ لَأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ **سَمِعْتُ** از طبریز عامه در کتابنا بخوانند
از طاهم فارسی منقولست که از زر بن حبیش روایت
کرده است که گفت در مسجد جامع کوفه قرآن مجید را از اول تا آخر در حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه خواندم و چون خوابم رسیدم بمن فرمود که بفرمایید قرآن رسیده و چون با او عشره دست
از سوره سمعتس باین آیه رسیدم **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ نِعْمَ رُضْوَانًا لِيُحْيَاهُمْ**
مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ حضرت کویان شد تا صدای او بگریه بلند شد
پس بر مبارک باستان بلند کرد و فرمود که ای ذر آمین برد غایب من بگو و این دعا را بخواند
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِحْسَابَاتِ الْمُحِبِّينَ وَإِخْلَاصَ الْمُؤْمِنِينَ وَمُرَافَقَةَ الْأَبْرَارِ
وَالسُّحُفَاتِ وَحِصَانِ الْإِيمَانِ وَالغِنِيَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ أَشْرٍ وَ
وَجُوبَ رَحْمَتِكَ وَعِزَّ مَعْرِزَتِكَ وَالْفَوْزَ بِالْحَقِّ وَالنَّجَاةَ مِنَ الْمَنَارِ

پس فرمود ای ذر هرگاه قرآن را بختم نماهی از غلغله آن که حبیب من رسول خدا هم مرا فرمود که این دعا را نزد
ختم قرآن بخوانم **مؤلف** گوید که خواندن آنحضرت این دعا را نزد این بزرگوار که به ظاهر از جهت مناسبت
یا مضمون آیه است و منافاتی نیست میان آنکه این دعا بعد از ختم قرآن و نزد این آیه هر دو خواهد بود
نیکی باشد **ختم** در بعضی از روایات مذکور است که آیه که مذکور می شود کفاره عجا است یعنی
هرگاه در آخر مجلس خوانده شود کفاره گناهان آن مجلس خواهد بود و ختم تعقیب نماز نیز با آن
دارد شده چنانچه این باب و شیخ طوسی کفعمی و دیگران از حضرت امیر المؤمنین عمر و است
کرده اند که هر که خواهد بود ثواب دهد بکسی که در این بزرگوارترین کلمات پس بعد از تعقیب نماز
این آیات را بخواند و در روایتی حدیث بنظر می رسد که بعد از تلاوت قرآن نیز باید خوانده شود
و لیکن چون مشهور میان خواص و عوام بگوید این دعا سلف و خلف از علمای اعلام
چنین بود که بعد از فراغ از تلاوت خواه بعضی از قرآن یا کل آن بوده این آیات را بخواند
اند که خوانده شود نیکی است و آیات اینست **سُبْحَانَكَ رَبِّكَ رَبَّنَا حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَنَّاتِكَ**
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ **تکمله** بدانکه در بعضی از کتب عوام
بخط بعضی از علمای و تفاسی ملاحظه شد هر چند ختم قرآن مجید که منقول است از ابن عباس از رسول

بقره

يا الله يا رحمن يا كريم يا كريم يا عظيم يا قدير يا عليم يا حكيم يا حكيم
ب يا سيد السادات يا مجيب الدعوات يا رافع الدرجات يا ولي الحسنات
يا غافر الخطيئات يا معطي المسئلات يا قابل التوابع يا سامع الاضواء
يا عالم الخفيات يا دافع السليبات **ج** يا خير العاقبين يا خير العاقبين
يا خير الناصرين يا خير الحاكمين يا خير الرازقين يا خير الوارثين
يا خير الخامدين يا خير التاكرين يا خير المنزلين يا خير المحسنين
د يا من له العزة والجمال يا من له القدرة والكمال يا من
له الملك والجلال يا من هو الكبير المتعال يا منشى السحاب
الثقال يا من هو شديد المحال يا من هو سريع الحساب يا من
هو شديد العقاب يا من هو عند حسن الثواب يا من هو عند
امر الكتاب **هـ** اللهم ابي اسالك باسمك يا حنان يا منان يا
ديان يا برهان يا سلطان يا مرصوان يا غفران يا سبحان يا مستعان
يا ذا المن والبيان **و** يا من تواضع كل نبي لعظمته يا من استلم
كل شئ بقدرته يا من ذل كل نبي لعزته يا من خضع كل شئ

ابره

يعينه يا من انقاد كل شئ من خشيته يا من تقف الجبال من خافته
يا من قامت السموات بامره يا من استقرت الارضون بآذنه يا من يسج
الارض بحمده يا من لا يعتدي على احد من ملكه **ز** يا غافر الخطايا يا
البلاء يا منسهي الرجا يا يا منزل العطايا يا واهب الهدايا يا رزق البرايا
يا فاضل المنايا يا سامع الشكايا يا باعث البرايا يا مطوع الاسارى **ح**
يا ذا الحمد والشان يا ذا الفخر والبهاء يا ذا الحمد والشان يا ذا العهد
والوفاء يا ذا العمود الرضاء يا ذا المن والعطاء يا ذا الفصد والفساد
يا ذا العزة والبهاء يا ذا الجود والشان يا ذا الالاء والتماء **ط** اللهم
اخي اسالك باسمك يا مانع يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع يا سامع يا جامع
يا شافع يا واسع يا موشع **ي** يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق
يا رزق كل مردون يا مالك كل مملوك يا كاشف كل مكروب
يا فارح كل مهنوم يا راحم كل مرجوم يا ناصر كل محتدول يا
سائر كل معيوب يا سميع كل مطرود **يا** يا عدني عند شدة يا ربنا
عند مصيبتنا يا موسى عند وحشتنا يا صاحبي عند غربي يا ولي

عِنْدَ لِعَمَتِي بِاعْيَانِي عِنْدَ كَرَمِي يَا دَلِيلِي عِنْدَ حَجْرِي يَا غَنَائِي عِنْدَ افْتِقَارِي
يَا مَلْجَأِي عِنْدَ اضْطِرَارِي يَا مَعِينِي عِنْدَ مَفْرَعِي يَا عَلَامَةَ الْعُيُوبِ يَا
عَقَارَ الذُّنُوبِ يَا سِتَارَ الْعُيُوبِ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ
يَا طَبِيبَ الْقُلُوبِ يَا مُتَوَرِّقَ الْقُلُوبِ يَا أَمِيرَ الْقُلُوبِ يَا مُفْرِجَ الْهُمُومِ
يَا مُقَسِّمَ الْعُيُومِ **ج** اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا
وَكِيلُ يَا دَلِيلُ يَا قَبِيلُ يَا مُنِيلُ يَا مُنِيلُ يَا مُقْتَدِلُ يَا مُجِيلُ **د** يَا دَلِيلَ
الْمُتَجَرِّبِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ يَا صَرِيحَ الْمُسْتَضْرِحِينَ يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ
يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ يَا عَوَانَ الْمُؤْمِنِينَ يَا رَاحِمَ الْمَسْكِينِ يَا مَلْجَأَ الْعَائِسِينَ
يَا غَافِرَ الْمَذْنِبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ **هـ** يَا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ
يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَالْإِسْتِثْنَانِ يَا ذَا الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَالسُّجُودِ
يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ يَا ذَا الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ
يَا ذَا الْعِظَمَةِ وَالسُّلْطَانِ يَا ذَا الرَّاقَةِ وَالْمُسْتَعَانَ يَا ذَا الْعَفْوِ وَالْعَفْرَانِ
و يَا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ وَالَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ
كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَبْلُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ

يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ عَالِمُ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ سَمِعَ وَرَفِعَ كُلَّ شَيْءٍ يَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
يَا مُؤْمِنُ يَا مَهِيْمُنُ يَا مُكَوِّنُ يَا مُلْقِنُ يَا مُبِينُ يَا مُهَوِّنُ يَا مُمَكِّنُ
يَا مُزَيِّنُ يَا مُعَلِّنُ يَا مُقَسِّمُ **ح** يَا مَنْ هُوَ فِي مَلِكِهِ مُقِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ
قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي جَلَالِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى عِبَادِهِ رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ
يَا مَنْ هُوَ فِي صُنْعِهِ حَكِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حُكْمِهِ لَطِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ
قَدِيرٌ **ز** يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ يَا مَنْ لَا يُسْتَدَلُّ إِلَّا عَفْوُهُ يَا مَنْ لَا يُنْظَرُ
إِلَّا بَرُّهُ يَا مَنْ لَا يُخَافُ إِلَّا عَدْلُهُ يَا مَنْ لَا يُدْرَمُ إِلَّا مَلَكَهُ يَا مَنْ
لَا سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانُهُ يَا مَنْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ يَا مَنْ سَبَقَتْ
رَحْمَتُهُ عَصَبَتَهُ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ مِثْلُهُ
ح يَا فَارِجَ الْهَمِّ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا خَالِقَ
الْحَالِ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مُوَفِّي الْعَهْدِ يَا عَالِمَ الْبُيُوتِ يَا فَالِقَ الْحَبِّ
يَا رَازِقَ الْأَنَامِ **ك** اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا

مَلِي يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذِي الْبِرِّي يَا قَوِي يَا وَدِي **كب** يَا مَنْ لَظَهَرَ الْجَمِيْدُ يَا
مَنْ سَتَرَ الْقَبِيْحَ يَا مَنْ لَمْ يُوْأَخِذْ بِالْجُرِيْمَةِ يَا مَنْ لَمْ يَهْيِكْ السِّتْرَ يَا عَظِيْمَ
الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدِيْنَ يَا رَحِيْمَةَ
يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى **كج** يَا ذَا النِّعَةِ الشَّائِقَةِ
يَا ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ يَا ذَا الْمِنَّةِ الشَّائِقَةِ يَا ذَا الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ
يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ يَا ذَا الْمِحْمَةِ الْمَطَاعَةِ يَا ذَا الْكِرَامَةِ الْقَاطِرَةِ
يَا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِيْنَةِ يَا ذَا الْعِظَمَةِ الْمُنِيْعَةِ **كد**
يَا دَبَّعَ السَّمَوَاتِ يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ يَا مُقْبِلَ الْعَثْرَاتِ
يَا سَائِرَ الْعَوْرَاتِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا مُفْرَجَ الْآيَاتِ يَا مُصَعِّقَ الْحَسَنَاتِ
يَا مَاجِي السَّيِّئَاتِ يَا شَهِيدَ النِّفَاقِ **كه** اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ يَا مُصَوِّرَ الْوُجُوْدِ
يَا مُدَبِّرَ الْمَطَهْرِ يَا مُنَوِّرَ الْيَمِيْنِ يَا مُبَشِّرَ الْيَمِيْنِ يَا مُقَدِّمَ الْمَوْجُوْدِ **كو**
يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْبَلَدِ الْكَرِيْمِ
وَالْمَقَامِ يَا رَبَّ الشَّعْرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْحِلَّةِ الْحَرَامِ يَا
رَبَّ التَّوْرِ وَالْظَّلَامِ يَا رَبَّ الْحَيَّةِ وَالسَّلَامِ يَا رَبَّ الْهُدَى فِي الْاَنَامِ **كز**

يا حي

يَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِيْنَ يَا اَعْدَلَ الْعَادِلِيْنَ يَا اَصْدَقَ الصَّادِقِيْنَ يَا اَطَهَرَ
الطَّاهِرِيْنَ يَا اَحْسَنَ الْخَالِقِيْنَ يَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِيْنَ يَا اَسْتَعِجِلْ السَّامِعِيْنَ
يَا اَجْرًا لِنَاظِرَتِيْ يَا اَشْفَعِ الشَّافِعِيْنَ يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ **كح** يَا
عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا ذُوْ حُرْمَةٍ لَا حُرْمَةَ
مَنْ لَا حُرْمَةَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا فَرْجَ مَنْ لَا فَرْجَ لَهُ يَا عِزَّ مَنْ
لَا عِزَّ لَهُ يَا مُعِيْنَ مَنْ لَا مُعِيْنَ لَهُ يَا اَمِيْنَ مَنْ لَا اَمِيْنَ لَهُ يَا اَمَانَ مَنْ لَا اَمَانَ
لَهُ **كد** اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا غَاصِمَ يَا قَائِمَ يَا ذَا اَمْرِ يَا رَاحِمَ يَا سَائِلَ يَا
حَاطِمَ يَا غَالِبَ يَا قَائِمَ يَا قَاطِعَ يَا بَاسِطَ **كد** يَا غَاصِمَ مِنْ اسْتَعْصَمَهُ يَا
رَاحِمَ مِنْ اسْتَرْحِمَهُ يَا غَافِرَ مِنْ اسْتَعْفَرَهُ يَا نَاصِرَ مَنْ اسْتَنْصَرَهُ يَا
حَاطِفَ مَنْ اسْتَحْفَظَهُ يَا مُكْرِمَ مَنْ اسْتَكْرَمَهُ يَا مُرْشِدَ مَنْ اسْتَرْشَدَهُ
يَا صَبِيْحَ مَنْ اسْتَصْرَحَهُ يَا مُعِيْنَ مِنْ اسْتَعَانَهُ يَا مُعِيْتَ مِنْ اسْتَعَانَهُ
يَا عِزَّ يَا اِيْضَامَ يَا لَطِيْفًا يَا اِيْرَامَ يَا قَيُّوْمًا يَا اِيْنَامَ يَا ذَا اَمْنٍ لَا اِيْقُوْتُ يَا
حَيًّا لَا اِيْمُوْتُ يَا سَلْكًا لَا يَرْوُلُ يَا بَاقِيًّا لَا يَفْنَى يَا عَالِمًا لَا يَجْهَلُ يَا
صَمَدًا لَا يَطْعَمُ يَا قَوِيًّا لَا يَضْعَفُ **كب** اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا

أحد يا واحد يا شاهد يا ماجد يا حامد يا راشد يا باعث يا وارث يا صناع
يا نافع **يا** أعظم من كل عظيم يا أكبر من كل كبير يا أرحم
من كل رحيم يا أعلم من كل علم يا أحكم من كل حكيم يا أقدم من
كل قديم يا أكبر من كل كبير يا ألطف من كل لطيف يا أجمل
من كل جميل يا أعز من كل عزيز **يا** أكبر الصانع يا عظيم المن يا
كثير الخير يا قديم الفضل يا دائر اللطف يا لطيف الصانع يا مفضل
الكرام يا كاشف الضر يا مالك الملك يا قاضي الحق **له** يا من هو في عنده
و في يا من هو في قايه قوتى يا من هو في قوته على يا من هو في علوه
قريب يا من هو في قرابه لطيف يا من هو في لطفه شريف يا من هو في شرفه
عزير يا من هو في عزه عظيم يا من هو في عظمه مجيد يا من هو في مجد حميد
لو اللهم اني اسألك باسمك يا كافي يا شافي يا وافي يا معافي يا هادي يا داعي يا
قاضي يا راضي يا عالي يا باقي **يا** من كل شيء خاضع له يا من كل شيء خاضع
له يا من كل شيء كائن له يا من كل شيء موجود به يا من كل شيء شئب
إليه يا من كل شيء طائف منه يا من كل شيء قائم به يا من كل شيء

صانع إليه يا من كل شيء يستج بحجك يا من كل شيء هائلك إلا وجهه **يا**
يا من لا مقدر إلا إليه يا من لا مقنع إلا إليه يا من لا مقصد إلا إليه
يا من لا منجى منه إلا إليه يا من لا منجى إلا إليه يا من لا حول ولا قوة
إلا به يا من لا يستعان إلا به يا من لا يسوئ كل إلا عليه يا من لا يرجي إلا هو
يا من لا يعبد إلا **يا** يا خير الموهوبين يا خير الموعودين يا خير المظلومين
يا خير المسؤولين يا خير المفضولين يا خير المدكوريين يا خير المشكوريين
يا خير المحبوبين يا خير المدعوين يا خير المستأنسين **اللهم** اني اسألك
باسمك يا غافر يا ساير يا قادر يا فاهر يا فاطر يا كاسر يا جابر يا ذا كرام يا ناظر
يا ناظر **يا** من خلق فسوى يا من قدر فهدى يا من يكشف الكبوى يا من
يسمع الجوى يا من يغفر العثره يا من يحيى الهلكى يا من يشفي المرضى يا من
أضحك وآبى يا من أمات وآحي يا من خلق الرزقين الذكور والأنثى
سب يا من في البر والبحر سبيله يا من في الأفاق اياته يا من في الأيات برهانه
يا من في المساب قدره يا من في السور عبرته يا من في الفينة ملكه
يا من في الحساب هيئته يا من في الميزان صاوه يا من في الجنة قوته يا من في

التارِعِ قَابِلُج يا مَنْ لَيْسَ تَهْرَبُ بِهَا خَائِفُونَ يا مَنْ لَيْسَ يَقْرَعُ الْمَذْمُونُ
يا مَنْ لَيْسَ يَقْصِدُ الْمُنْذِبُونَ يا مَنْ لَيْسَ يَرْعَبُ لِزَاهِدُونَ يا
مَنْ لَيْسَ يَلْجَأُ الْمُتَخَيِّرُونَ يا مَنْ بِهِ يَتَنَافَسُ الْمُتَبَدِّلونَ يا مَنْ بِهِ يَفْتَحِرُ
الْمُحْبُونَ يا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ يا مَنْ لَيْسَ يَكُنُ الْمَوْقُونَ
يا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ **مَدِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ**
بِاسْمِكَ يَا حَبِيبُ يَا طَبِيبُ يَا قَرِيبُ يَا قَرِيبُ يَا حَبِيبُ يَا مُهَيَّبُ
يَا مُنِيبُ يَا حَبِيبُ يَا حَبِيبُ يَا حَبِيبُ يَا قَرِيبُ يَا قَرِيبُ يَا حَبِيبُ
مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ يَا أَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ يَا أَقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ يَا أَحَبَّ
مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ يَا أَنْصَرَ مِنْ كُلِّ نَصِيرٍ يَا أَخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَبِيرٍ يَا أَشْرَفَ
مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ يَا أَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ يَا أَقْوَى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ يَا أَعَزَّ
مِنْ كُلِّ عَزِيزٍ يَا أَحْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ يَا أَرْعَفَ مِنْ كُلِّ رُؤْفٍ **و**
يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ يَا صَانِعًا غَيْرَ مَصْنُوعٍ يَا خَالِقًا غَيْرَ مَخْلُوقٍ يَا
مَالِكًا غَيْرَ مَسْلُوكٍ يَا فَاهِرًا غَيْرَ مَقْهُورٍ يَا رَافِعًا غَيْرَ مَرْفُوعٍ يَا حَافِظًا غَيْرَ
مَحْفُوظٍ يَا نَاصِرًا غَيْرَ مَضُومٍ يَا شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ يَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ **م**
يَا نُورَ النُّورِ يَا نُورَ النُّورِ يَا خَالِقَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ النُّورِ يَا مُغْذِيَّ النُّورِ

يا نور

يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورَ قَبْلِ كُلِّ نُورٍ يَا نُورَ بَعْدَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورَ فَوْقَ كُلِّ
نُورٍ يَا نُورَ أَلَيْسَ كَشَبْهِهِ نُورٌ **ج** يَا مَنْ عَطَاؤُهُ شَرِيفٌ يَا مَنْ فِعْلُهُ لَطِيفٌ
يَا مَنْ لُطْفُهُ مُقِيمٌ يَا مَنْ إِحْسَانُهُ قَدِيمٌ يَا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ يَا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ
يَا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ يَا مَنْ عَذَابُهُ عَذَابٌ يَا مَنْ ذِكْرُهُ حُلُوٌّ يَا مَنْ صَلَواتُهُ عَمِيمٌ
مَدِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَهِّلُ يَا مُفَضِّلُ يَا مُبَدِّلُ يَا مُدَبِّرُ
يَا مُنْتَزِعُ يَا مُنَوَّلُ يَا مُفَضِّلُ يَا مُجَرِّدُ يَا مُسَهِّلُ يَا مُجَمِّلُ **ن** يَا مَنْ يَرَى وَلَا
يُرَى يَا مَنْ يَخْلُقُ وَلَا يَخْلُقُ يَا مَنْ هَدَى وَلَا يَهْدِي يَا مَنْ نَجَّى وَلَا يَنْجِي يَا مَنْ
يَسْئَلُ وَلَا يَسْأَلُ يَا مَنْ يَطْعَمُ وَلَا يَطْعَمُ يَا مَنْ يَجْرُ وَلَا يَجَارُ عَلَيْهِ يَا مَنْ يَقْضِي
وَلَا يَقْضِي عَلَيْهِ يَا مَنْ يَحْكُمُ وَلَا يَحْكُمُ عَلَيْهِ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ
يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ **نَا** يَا نِعْمَ الْحَبِيبُ يَا نِعْمَ الطَّبِيبُ يَا نِعْمَ
الرَّقِيبُ يَا نِعْمَ الْحَبِيبُ يَا نِعْمَ الْحَبِيبُ يَا نِعْمَ الْكَفِيلُ يَا نِعْمَ الْمَوْلَى يَا نِعْمَ
النَّصِيرُ **ب** يَا سُرُورَ الْعَارِفِينَ يَا مَعْنَى الْحَبِيبِينَ يَا أَمِينَ الْمُؤْمِنِينَ يَا حَبِيبَ
السَّوَابِينَ يَا زَارِقَ الْمُضِلِّينَ يَا حَاطَةَ الْمُذْنِبِينَ يَا قَرَّةَ عَيْنِ الْعَالَمِينَ
يَا مُنْقِذَ عَنِ الْكُفْرِ يَا مُعْتَرِجَ عَنِ الْعُتُوبِ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

يَا اللَّهُمَّ اِنِّي اسْتَسْلِكُ يَدَ رَبِّنَا يَا اِهْتِنَا يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا يَا نَاصِرَنَا يَا نَاطِقَنَا
يَا دَلِيلَنَا يَا مُعِينَنَا يَا حَبِيبَنَا يَا طَيِّبَنَا يَا رُبَّ النَّبِيِّينَ وَالْاَنْبِيَاءِ يَا رَبَّ
الصِّدِّيقِيْنَ وَالْاَخْيَارِ يَا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ يَا رَبَّ الصَّغَارِ وَالْكِبَارِ
يَا رَبَّ الْجَبُوبِ وَالنَّجَارِ يَا رَبَّ الْاَنْهَارِ وَالْاَشْجَارِ يَا رَبَّ الصَّخَارِ وَالْغَارِ
يَا رَبَّ الْبَرَارِ وَالْجَارِ يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا رَبَّ الْاَعْلَاءِ وَالْاَسْفَلِ
يَا مَنْ نَقَدَ فِي كُلِّ شَيْءٍ اَمْرَهُ يَا مَنْ لَحَنَ بِكُلِّ شَيْءٍ
عِلْمَهُ يَا مَنْ بَلَّغَتْ اِلَى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ يَا مَنْ لَاتُخْصِي الْعِبَادُ نِعْمَتَهُ
يَا مَنْ لَا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ يَا مَنْ لَا تُذْرِكُ الْاَنْهَامُ حَبْلَهُ يَا
مَنْ لَا تَسْتَالُ الْاَوْهَامُ كُنْهَهُ يَا مَنْ الْعِظَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ وَرِثَاؤُهُ
يَا مَنْ لَا تُرَدُّ الْعِبَادُ قَضَاؤُهُ يَا مَنْ لَا مَلِكَ اِلَّا مَلِكُهُ يَا مَنْ لَا عِظَاءَ
اِلَّا عِظَاؤُهُ يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْاَعْلَى يَا مَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلْيَا يَا مَنْ
لَهُ الْاٰخِرَةُ وَالْاَوَّلَى يَا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ الْمَاوِيَّةُ يَا مَنْ لَهُ الْاَيُّ الْكَبْرَى
يَا مَنْ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنَى يَا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَالْقَضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْهَوَا
وَالْقَضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ وَالرُّبِّيُّ يَا مَنْ لَهُ السَّمَاوَاتُ الْعُلْيَا

اللَّهُمَّ اِنِّي اسْتَسْلِكُ بِاسْمِكَ يَا عَفْوُ يَا عَفْوُ يَا صَبُورُ يَا شَكُورُ يَا رُو
يَا عَطُوفُ يَا مَسْتَوِلُ يَا دُوْدُ يَا سُبُوْحُ يَا فَاوِزُ يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ
عَظَمَتُهُ يَا مَنْ فِي الْاَرْضِ اِيْمَانُهُ يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلَالَتُهُ يَا مَنْ فِي الْجَا
عِثَّةِ يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ اِحْوَانُهُ يَا مَنْ سَيِّدُ الْخَلْقِ ثُمَّ بَعْدَهُ يَا مَنْ
اَلَيْهِ يَرْجِعُ الْاَمْرُ كُلُّهُ يَا مَنْ اَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لُطْفَهُ يَا مَنْ اَحْسَنَ
كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ يَا مَنْ نَصَّرَتْ فِي الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ يَا حَبِيبَ مَنْ لَا
حَبِيبَ لَهُ يَا طَيِّبَ مَنْ لَا طَيِّبَ لَهُ يَا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ لَهُ يَا شَفِيقَ
مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ يَا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ يَا مُعِيْثَ مَنْ لَا مُعِيْثَ لَهُ يَا
دَلِيْلَ مَنْ لَا دَلِيْلَ لَهُ يَا اَبِيْسَ مَنْ لَا اَبِيْسَ لَهُ يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ
يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ يَا كَافِيَّ مَنْ اسْتَكْفَاهُ يَا هَادِيَ مَنْ
اسْتَهْدَاهُ يَا كَالِيَّ مَنْ اسْتَكَلَاهُ يَا رَاعِيَّ مَنْ اسْتَرْعَاهُ يَا شَافِيَّ مَنْ
اسْتَشْفَاهُ يَا قَاضِيَّ مَنْ اسْتَقْضَاهُ يَا مُعْنِيَّ مَنْ اسْتَعْنَاهُ يَا مُوَفِّيَّ
مَنْ اسْتَوْفَاهُ يَا مُقْوِيَّ مَنْ اسْتَقْوَاهُ يَا وَّلِيَّ مَنْ اسْتَوْلَاهُ يَا اللَّهُمَّ
اِنِّي اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا نَاطِقُ يَا صَادِقُ يَا فَالِقُ يَا فَارِقُ

يَحْتاجُ إِلَى حَيِّ يَا حَيُّ الَّذِي يُمِيتُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يَرُفُّ كُلَّ حَيٍّ
يَا حَيُّ كَمْ بَرِثَ الْحَيَاةَ مِنْ حَيِّ يَا حَيُّ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى يَا حَيُّ يَا قَوْمُ
لَا نَا حُدُوسَ سِنَةٍ وَلَا نَوْمٍ **ع** يَا مَنْ لَهُ ذِكْرٌ لَا يُسْمَى يَا مَنْ لَهُ نُورٌ
لَا يُطْفِئُ يَا مَنْ لَهُ نِعَمٌ لَا تُعَدُّ يَا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لَا يُرْوَى يَا مَنْ لَهُ شَأْنٌ
لَا يُحْصَى يَا مَنْ لَهُ جَلَالٌ لَا يُكَيَّفُ يَا مَنْ لَهُ كَمَالٌ لَا يُدْرَكُ
يَا مَنْ لَهُ قَضَاءٌ لَا يُرَدُّ يَا مَنْ لَهُ صِفَاتٌ لَا تُبَدَّلُ يَا مَنْ لَهُ
نُورٌ لَا يُغَيَّرُ **ع** يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ يَا غَايَةَ
الظَّالِمِينَ يَا ظَهَرَ الدَّاجِمِينَ يَا مُدْرِكَ الْهَارِجِينَ يَا مَنْ يُجِبُّ الصَّابِرِينَ
يَا مَنْ يُجِبُّ التَّوَّابِينَ يَا مَنْ يُجِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ يَا مَنْ يُجِبُّ الْمُحْسِنِينَ
يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهَنْدِينَ **ع** اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا شَفِيعُ
يَا رَافِقُ يَا حَفِيفُ يَا حَيْطُ يَا مَعِيثُ يَا مَعِيثُ يَا مَعِيثُ يَا مَعِيثُ يَا مَعِيثُ
يَا مَعِيثُ **ع** يَا مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِإِضِدِّ يَا مَنْ هُوَ قَوْلٌ بِإِلَانِدِّ يَا مَنْ هُوَ
صَمَدٌ الْأَعْيَبِ يَا مَنْ هُوَ وَتَرٌ بِالْكَيفِ يَا مَنْ هُوَ قَاضٍ بِالْحَيْفِ
يَا مَنْ هُوَ رَبُّ الْبَلَاءِ يَا مَنْ هُوَ عَزِيزٌ بِالْإِدْوَالِ يَا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بِالْإِ

فَقَرِّ يَا مَنْ هُوَ مَلِكٌ بِالْإِعْزَالِ يَا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِالْإِسْتِبْهَةِ **ع** يَا مَنْ
ذَكَرَهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ يَا مَنْ شَكَرَهُ فَوَزَّرَ لِلشَّاكِرِينَ يَا مَنْ حَمَدَهُ
عَزَّ لِلْحَامِدِينَ يَا مَنْ طَاعَتْهُ تَجَاهَةً لِلْمُطِيعِينَ يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ
يَا مَنْ سَبَّهَهُ وَاضِحٌ لِلْمُسْتَبِينَ يَا مَنْ أَيْسَّرَ بُرْهَانَ الْبَلَّاطِينَ يَا مَنْ
كَتَبَ تَرْجُمَانَهُ لِلْمُسْتَعِينِينَ يَا مَنْ رَفَعَهُ عُمُومٌ لِلطَّالِعِينَ وَالْعَاصِينَ
يَا مَنْ رَحِمْتَهُ قَرِيبِينَ الْمُحْسِنِينَ **ع** يَا مَنْ تَبَارَكَ اسْمُهُ يَا مَنْ تَعَالَى
حَدُّهُ يَا مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ يَا مَنْ جَلَّ شَأْنُهُ يَا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ
يَا مَنْ يَدُومُ بَقَاؤُهُ يَا مَنْ الْعِظَمَةُ بِهَاؤُهُ يَا مَنْ الْكِبَرُ بِإِرْدَاؤُهُ
يَا مَنْ لَا تُحْصَى الْأَوْهُ يَا مَنْ لَا تُعَدُّ نَعْمَاؤُهُ **ع** اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ يَا مَعِينُ يَا آمِينَ يَا مُبِينُ يَا مَسِينُ يَا مَكِينُ يَا رَشِيدُ يَا حَمِيدُ
يَا حَبِيدُ يَا شَدِيدُ يَا شَهِيدُ **ع** يَا ذَا الْعَرْشِ الْحَمِيدِ يَا ذَا الْقَوْلِ الشَّدِيدِ
يَا ذَا الْفِعْلِ الرَّشِيدِ يَا ذَا الْبَطْنِ الشَّدِيدِ يَا ذَا الْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ
يَا مَنْ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدِ يَا مَنْ هُوَ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ هُوَ قَرِيبٌ
غَيْرُ بَعِيدٍ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ بِظِلَامٍ الْعَبِيدِ **ع**

شبهه

لبي

يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له ولا نظير يا خالق الشمس و
 القمر المبرق بالمرعى الباسر لفقير يا رزق الطغول الصغير يا راحم
 الشيخ الكبير يا جابر العظم الكبير يا عصاة الخائف المسجى يا من هو
 بعباده خير بصير يا من هو على كل شئ قدير يا ذا الجود والنعيم
 يا ذا الفضل والكرم يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر والنعم
 يا ذا الباس واليقين يا ملهم العرب والعجم يا كاشف الضر والأكرب يا
 عالم السر والهيمن يا رب البيت والحرم يا من خلق الاشياء من العدم يا
 اللهم اني اسألك باسمك يا فاعل يا جاعل يا قائل يا كاشف يا فاعل
 يا فاعل يا عادل يا عال يا طالب يا واهب يا من انعم بطوله يا
 من اكرم مجوده يا من جاد بلطفه يا من تعذر بقدرته يا من دبر
 بعلمه يا من تجاوز بحلمه يا من دنا في علوه يا من علا في دنوه يا
 يا من يخلق ما يشاء يا من يفعل ما يشاء يا من هيدي من يشاء يا من
 يصيد من يشاء يا من يعذب من يشاء يا من يعجز لمن يشاء يا من
 يعز من يشاء يا من يذل من يشاء يا من يصور في الارض ما يشاء يا

من يخص برحمته من يشاء **فد** يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من
 جعل لكل شئ قدرا يا من لا يترك في حكمه احدا يا من جعل
 الملكة رسلا يا من جعل في السماء بروجا يا من جعل الارض قرا را
 يا من خلق من الماء بشرا يا من جعل لكل شئ امدا يا من احاط بكل
 شئ علما يا من احصى كل شئ عددا **فه** اللهم اني اسألك باسمك
 يا اول يا اخر يا باطن يا ظاهر يا حق يا فرد يا وتر يا صمد يا سرمد **فو**
 يا خير معروف عرف يا افضل معبود عبد يا اجل مسكور شكر يا اعز
 مد كونه كد يا اعلى محمود حمد يا اقدر موجود طلب يا ارفع
 موصوف وصفت يا اكرم مقصود قصد يا اكرم مسئول سئل
 يا اشرف محبوب علم **فز** يا حبيب الباكين يا سيد المستوكبين
 يا هادي المضلين يا ولي المؤمنين يا انيس الذاكرين يا منزع
 الملهوفين يا منجي الصادقين يا اقدر العاديين يا اعلم العالمين يا
 اله الخلق اجعين **فح** يا من علا فقهر يا من ملك فقدر يا من بطن فحصر
 يا من عبد فقهر يا من عصى فغمر يا من لا تجوبه الفكر يا من لا يدركه

يخص

يا سرمد

بَصَرَ يَأْمَنُ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرُ يَأْزُرُونَ الْبَشَرَ بِأَمْعَدٍ وَكُلِّ قَدْرٍ نَفْطٍ
اللَّهُمَّ لِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَافِظُ يَا بَارِعُ يَا ذَارِعُ يَا بَادِئُ يَا فَارِجُ
يَا فَاتِحُ يَا كَاشِفُ يَا ضَامِنُ يَا أَمْرُ يَا نَاهِي **ص** يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا
هُوَ يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ
لَا يَعْرِضُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَسْتَحِرُّ التَّيْمَةَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَقْلِبُ
الْقُلُوبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَدْبِرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَنْزِلُ الْغَيْثَ
إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَنْسُطُ الرِّزْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَجِيئُ الْمَوْتُ إِلَّا هُوَ
ص يَا مُعِينُ الضُّعْفَاءِ يَا صَاحِبُ الْفُرْبَاءِ يَا نَاصِرُ الْأَوْلِيَاءِ يَا فَاهِرَ
الْأَعْدَاءِ يَا رَافِعَ السَّمَاوِ يَا أَيْسَرَ الْأَصْفِيَاءِ يَا حَبِيبَ الْأَنْفِيَاءِ يَا كَنَزَ
الْفُقَرَاءِ يَا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمَاءِ **ص** يَا كَلْبِي فِي كُلِّ
شَيْءٍ يَا قَائِمُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ لَا يَسْتَبْهَهُ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ
مَا نَشَاءُ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ
يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَعْرِفُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ هُوَ خَيْرٌ
بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ **ص** اللَّهُمَّ إِنِّي

أَسْأَلُكَ

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُكْرِمُ يَا مُطْعِمُ يَا مُنْعِمُ يَا مُعْطِي يَا مُعْنِي يَا
مُعْتَنِي يَا مُفْعِنِي يَا مُجْنِي يَا مُرْضِي يَا مُجْبِي **ص** يَا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ
يَا إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَصَانِعَهُ يَا بَارِعُ
كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقَهُ يَا فَاعِلُ كُلِّ شَيْءٍ وَبَاسِطَهُ يَا مُبْدِي كُلِّ شَيْءٍ
وَمُعِيدَهُ يَا مُنْشِئُ كُلِّ شَيْءٍ وَمُعْتَدِيَهُ يَا مُكُونُ كُلِّ شَيْءٍ وَمُجَوِّدَهُ
يَا مُجْبِي كُلِّ شَيْءٍ وَمُهَيْبُهُ يَا خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ **ص** يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ
وَمَذْكُورٍ يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَمَشْكُورٍ يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَمَحْمُودٍ يَا خَيْرَ
شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ يَا خَيْرَ دَاعٍ وَمَدْعُوعٍ يَا خَيْرَ مُجِيبٍ وَمُجَابٍ يَا
خَيْرَ مُؤَيِّنٍ وَأَيْسَرَ الْأَصْفِيَاءِ يَا حَبِيبَ الْأَنْفِيَاءِ يَا كَنَزَ
يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَمُحِبُّوبٍ **ص** يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ
أَطَاعَهُ حَبِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَحْتَبَهُ قَرِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ اسْتَحْفَظَهُ
رَقِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ يَا مَنْ
هُوَ لِمَنْ عَظَمْتَهُ رَجِيمٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ حَكَمْتَهُ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ اسْتَأْذَنَهُ
قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَرَادَهُ عَلِيمٌ **ص** اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُسْتَجِيبُ يَا

مَرْعَبٌ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ
مُحِبٌّ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ
ظَاهِرٌ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ
يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ
عَظِيمٌ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ
فِعْلٌ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ
سُؤَالٌ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ
يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ
هُوَ مَسْتَهْيٌ طَلِبُ الطَّالِبِينَ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ يَا مَعْزَبُ
يَا حَلِيمًا يَا فَاهِرًا يَا عَظِيمًا يَا عَظِيمًا يَا عَظِيمًا يَا عَظِيمًا
لَا يَنْفَعُ يَا كَبِيرًا لَا يَنْفَعُ يَا حَافِظًا لَا يَنْفَعُ يَا مَوْفِقًا كَوَيْدًا كَقَفْسِهِ وَر
رَابًا اخْتِصَارًا قَلْبِي وَتَقْبِيرِي نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي
وَدَاكُتْرًا عَصَارًا وَوَاوًا عِلْمًا وَتَقْبِيرًا مَدَاوِمًا صَبْرًا نَدَاوِمًا وَتَوَاضُعًا بِزُودٍ
مُتَافِيَةً نَدَاوِمًا وَكُتْرًا عِلْمًا نَزَادًا عِيَّةً وَطَلْفًا كَهَيْئَةِ مَوْفِقٍ مَعْتَبَرٍ نَزَادًا عِيَّةً
نَدَاوِمًا وَوَجُونَ نَزَادًا وَرَافِعًا مَدَاوِمًا مَبَارَكًا خَوَانِدًا نَزَادًا عِيَّةً عَظِيمًا دَارًا

لهذا نزا درین مقام مذکور نمودیم و آنچه در این روایت وارد شده که در اول اینها خوانده شود
شامل شب اول و روز اول هر دو هفت و اگر در هر دو وقت خوانده شود اولی است
چهارم دعای جوشن صغیر سید بن طاووس در کتاب **الحج الدعوات** این دعا را با مراد
مشهور آن ذکر نموده و بعد از آن در اکثر نسخهای آن کتاب مذکور است که شیخ **جلیل**
ابوطالب بن رجب گفته که با فتم در کتابی از کتب حدیثی که در آن ذکر شده است و در روایت دیگر
در باب جوشن صغیر و روایتی که در باب جوشن کبیر مذکور شد با اندک تفسیری از حضرت
امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت نموده است و این همه از کلام ابن طاووس
نیست بلکه ابوطالب بن رجب رحمه الله الخاف نموده و ممکن است که باعتبار اطلاق لفظ
جوشن بر هر یک از این دعاها سهوی از کفصی یا از ابوطالب بن رجب واقع شده باشد
یا آنکه این دعاها در کتب کبیر بر رسول خدا ص نازل شده باشد و بر هر یک از خواندن
این دعا نیز در شب اول و روز اول و سایر اوقات اینها سه مرتبه یا یک مرتبه مانند دعا
سابقه اولی و افضل است و دعا اینست **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
اللَّهُمَّ مِنْ عَذَابِكَ وَ الشَّقَى سَيِّفٌ عَدَاوَتُهُ وَ شَحْدٌ لِي ظُبَةٌ مَدِيَّةٌ
وَ أَرْهَفَ لِي رَسْبًا حَادِيَةً وَ دَافِئًا لِي قَوْلًا لِسُؤْمِيهِ وَ سَدَّ دَسْخُوبِي
صَوَابِي سِهَامِيهِ وَ لَمْ تَشْمَعْ عَنِّي عَيْنٌ حِرَاسِيهِ وَ أَضْمَرَ أَنْ لِي سُوِي
الْمَكْرُوهِ وَ بَجَّرَ عَنِّي ذَعَاغَ مَرَارِيهِ فَظَنَنْتُ إِلَى صَخْفِي عَنِ الْخِتَالِ
الْقَوَادِحِ وَ عَجَزِي عَنِ الْإِنْصَارِ مِنْ مَصْدَقِي بِحَارِبِيهِ وَ وَخَدَفِي وَ خَدَفِي وَ
بِ كَثِيرٍ مِنْ نَوَائِي وَ إِرْصَادِيهِمْ لِي فِيهَا لَمْ أَعْمَلْ فِكْرِي فِي الْإِرْصَادِ
لَهُمْ بِمِثْلِهِ فَأَيَّدَنِي بِقُوَّتِكَ وَ شَدَّدْتَ أَمْرِي بِسُخْرِكَ وَ فَطَلْتَ
لِي سَبَاحِيَةً وَ خَدَلْتَ بَعْدَ حَمِيحِ عَدِيدِي وَ حَشَدِيهِ وَ أَعْلَيْتَ كَعْبِي

در کتاب
الحج الدعوات
این دعا را
با مراد
مشهور آن
ذکر نموده

در کتاب
الحج الدعوات
این دعا را
با مراد
مشهور آن
ذکر نموده

در کتاب
الحج الدعوات
این دعا را
با مراد
مشهور آن
ذکر نموده

عَلَيْهِ وَوَجَّهَتْ مَأْسَدَ دِرَاقٍ مِنْ مَكَائِدِ الْيَدِ وَرَدَّ ذُرَّةً وَلَا تَكْفِيفَ
 عَلَى أَنَامِيكَ هـ
 عَلَيْهِ وَلَوْ تَبَرَّدَ حَرَامَاتُ عَيْظِهِ وَقَدْ عَصَّ عَلَى أَنَامِيهِ وَأَدْبَرَ
 مَوْلَاكَ قَدْ أَخْفَقَتْ سِرَالِيَاهُ فَكَانَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْتَبَرُ وَ
 أَخْلَفَتْ
 فِي أَنَاةٍ لَا يَجْعَلُ صَدَقَةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِأَجْعَلَنِي لِأَنْفَعِكَ مِنَ
 الشَّاكِرِينَ وَاللَّا لَأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ الْحَمْدُ لَكُمْ مِنْ بَاغِ عِبَادِي
 بِمَكَائِدِهِ وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ وَوَكَّلَ لِي تَقْفِدَ رِطَابِهِ
 وَأَضْبَا إِلَى إِضْبَاءِ السَّبْعِ لِيَطْرِدَ بِي إِشْطَارًا لِإِنْشَاهِارِ فُرُوسِهِ
 لِي هـ
 وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بِشَاشَةِ الْمَلْفِ وَيُبْطِطُ لِي فِي جَمَاعِهِ طَلْفًا فَكَلَّمَا رَأَيْتَ
 دَعْلًا سَرِيرِيهِ وَقَبَّحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِيهِ فِي مِلَّتِهِ وَأَصْبَحَ
 مُجْلِبًا إِلَيَّ فِي بَعْنِهِ أَرَكْسَنَهُ لِأَمْرَاسِهِ وَأَتَيْتُ بُنْيَانَهُ مِنْ آسَائِهِ
 فَصَرَعْتَهُ فِي بُيُوتِهِ وَأَرَدَيْتُهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ وَجَعَلْتَ خَدَّاهُ
 حَفِيظَةً هـ
 طَبَقًا لِزُرَابِ رِجْلَيْهِ وَسَعَلْتَهُ فِي بَدَنِهِ وَرَدَّ قَبْرِيهِ وَرَمَيْتُهُ بِحِجْرِهِ وَ
 حَفَنْتُهُ بِوَرِيهِ وَذَكَّيْتُهُ بِمِشْقَصِهِ وَكَبَبْتُهُ بِمِخْرَجِهِ وَ
 رَدَدْتُ كَيْدَهُ فِي غَرِّهِ وَوَقَفْتُهُ بِبِدَامَتِهِ وَفَتَيْتُهُ بِعَسْرَتِهِ
 فَكَلَّمْتُهُ هـ

فَاتَّخَذَ

فَاتَّخَذَ وَاتَّخَذَ أَوْ تَضَاءً لَبَعْدَ نَحْوِهِمْ وَأَنْفَعُ نَعْدًا سِطْرًا لِيَدَهُ لِي
 مَا سَوَّرًا فِي رَبِّتِ حَبَائِلِيهِ الَّتِي كَانَ يُؤَمِّلُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا يَوْمَ
 سَطْوِيهِ وَقَدْ كَذَّبْتَ يَا رَبِّ لَوْلَا رَحْمَتُكَ بِجَلْدِي فِي مَا حَلَّ بِسَابِحِي هـ
 فَكَانَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْتَبَرُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَجْعَلُ صَدَقَةَ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِأَجْعَلَنِي لِأَنْفَعِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَاللَّا لَأَنَّكَ مِنَ
 الذَّاكِرِينَ الْحَمْدُ لَكُمْ مِنْ حَاسِدِ شَرِّهِ وَمُحَدِّهِ وَشَيْخِي بَعِيظِهِ
 وَسَلَمْتَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ وَوَحَّرَنِي بِمَوْفِ عَيْنِهِ وَجَعَلَ عَرْصِي
 عَرْضًا لِرَأْسِيهِ وَقَلَّدَنِي خِلَافَةَ تَرْزُلٍ فِيهِ فَسَادَتِيكَ يَا رَبِّ
 مُسَجِّمًا لِيكَ وَالْإِنْفَابُ عَرَّاجًا بَيْنَكَ مُتَوَكِّفًا عَلَى مَا لَمْ أَرَأِ
 أَعْرَفْتُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ عَالِمًا أَنَّهُ لَنْ يُضْطَهَّدَ مَنْ أَوَى
 إِلَى ظِلِّ كَفِّكَ وَأَنْ لَا تَقْرَعَ الْفَوَادِحُ مِنْ لَجَأِي إِلَى مَعْفَلِ
 الْأَنْصَارِ بِكَ فَخَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِعِدَّتِكَ فَكَانَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ
 مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْتَبَرُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَجْعَلُ صَدَقَةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِأَجْعَلَنِي
 لِأَنْفَعِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَاللَّا لَأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ

لِي
 أَنْفَعْتُهُ هـ

الهي وكنم من محايب مكرهه جلستها وسبائ نعمة امطرناها وجدا
كرامة اجريتها واعين اخذات طمستها وناشئة رحمة
نشرتها وحنة عافية البستها وغوا مكرهاث كشتها
وامور جاربه قد زهال لم تجرك اذ طلبتها ولم تمنع عليك
اذ اردتها فللك الحمد يارب من مقتدر لا يعلب وذى اناة لا يعجل
صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولا لائلك
من الذاكرين الهي وكنم من ظن حسن حقت ومن عدم
املا في جبريت ومن مسكنه فاد حة حوت ومن صرعة مهلكة
انفتت ومن مشقة ازحت لا تسئل ياسيدي عنها تفعل
ومم يسألون ولا يتقصك ما انفتت ولقد سئلت فاعطيت
ولم تسئل فابتدات واسميج باب فضلك هنا اكدت
ابيت الالغاما وامنانا والاطول ايارب وراخسانا وابت
يارب الالانتهالك حرمانك واجترأ على معاصبك وتعديا
مجددك وعفلة عن وعيدك وطاعة لعدوي وعدوك

كثيرة

المؤيد

لم تمنعك يا الهي وناصري اخلاي بالشكر عن اتمام اخلائك ولا
حجزني ذلك عن ارتكاب ما خطبك اللهم وهذا مقام عبدي
ذليل اعترفت لك بالتوحيد واقر على نفسي بالتقصير اذ اخطت
وشهد لك بسبوغ نعمتك عليه وجميد عاد انك عنده وراخسانك
اليه فهب لي يا الهي وسيدي من فضلك ما اريدك الي رحمتك
واخذة سلما اعرج فيه الي مرضانك وامن به من سخطك
يعزيك وطولك ويحي محمد نبيك والائمة صلوات الله عليه
وعليهم فللك الحمد يارب من مقتدر لا يعلب وذى اناة لا يعجل
صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولا لائلك
من الذاكرين الهي وكنم من عبدا امنى واصبح في كرب
الموت وحشرجة الصدر والنظر الي ما تقشعر منه الجلود
تفرغ اليه القلوب وانا في عافية من ذلك كله فللك الحمد
يارب من مقتدر لا يعلب وذى اناة لا يعجل صل على محمد وال
محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولا لائلك من الذاكرين

اريدك

اجمعين

الهيكم من عبداً منى وأصبح سقيماً موجعاً مذبذباً في آيين وعويل
يتقلب في غممه ولا يجد محيصاً ولا يسبغ طعاماً ولا يستعذب
شرباً وأنا في صحبة من البدن وسلامته من العيش كل ذلك
منك فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذى ناة لا يعجز
صلى على محمد وآل محمد واجعلني لأنعم من الشاكرين ولا لأمك
من الذاكرين الهيكم من عبداً منى وأصبح خائفاً مرعوباً
مسهماً مستغفراً وحيداً وجلاً هارباً طريداً أو متخجراً في مضيق أو
مخبات من المخاب قد صاقت عليه الأرض برحبها لا يجد حيلة
ولا منجى ولا ماوى ولا مهرباً وأنا في من وطما بينة وعافية
من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذى
ناة لا يعجز صلى على محمد وآل محمد واجعلني لأنعم من
الشاكرين ولا لأمك من الذاكرين الهيكم من عبداً منى وأصبح
من عبداً منى وأصبح معلولاً مكبلاً بأيدي العداوة لا
يرحمونه فتيلاً من أهله وذلك منقطعاً عن إخوانه وكله

يتوقع كل ساعة باقية قنلة يقبل وإبى مثله يمثله وأنا في
عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب
وذى ناة لا يعجز صلى على محمد وآل محمد واجعلني لأنعم من
الشاكرين ولا لأمك من الذاكرين الهيكم من عبداً منى وأصبح
من عبداً منى وأصبح يقياسي الحرب ومباشرة الفناء بنفسه قد غشيه
الأعداء من كل جانب والسيوف والآلة الحرب يتقعقع في
أحدهم مبلغ مجهودهم ولا يعرف حيلة ولا يجد مهرباً فداً
بأجراحات أو متخططاً يدمه تحت السنايك والأرجل تمتى شربة
من ماء أو نظرة إلى أهله وذلك ولا يقدر عليها وأنا في عافية
من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذى ناة
لا يعجز صلى على محمد وآل محمد واجعلني لأنعم من الشاكرين
ولا لأمك من الذاكرين الهيكم من عبداً منى وأصبح
في ظلمات البحار وعواصف الرياح والأهوال والأمواج يتوقع
العرق والهلاك لا يقدر على حيلة أو منجى بصداقة أو همد

أَوْعَرَفٍ أَوْشَرَفٍ أَوْحَرَفٍ أَوْحَسَفٍ أَوْسَجٍ أَوْقَرَفٍ وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ
كَلِمَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي آنَاءٍ لَا يُعْجَلُ صِلَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِتَعْمَلِكِ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَمْرِكَ مِنَ
الذَّاكِرِينَ الْهَيِّ وَكَمِ الْعَبْدِ أَسْمَى وَأَصْبَحَ مُسَافِرًا شَاخِصًا عَنْ أَهْلِهِ
وَوَطْنِهِ وَوَلَدٍ مُخْتَارًا فِي الْمَفَاوِزِ تَاهًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ وَ
الْهَوَامِّ وَجَيْدًا فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ حَيْكَلَهُ وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا أَوْ مُتَأَذِّيًا
يَبْرُدُ أَوْ حَرًّا أَوْ جُوعًا أَوْ عُرَى أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِثْلًا أَنَا مِنْهُ خَلُوكُوا
أَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كَلِمَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا
يُغْلَبُ وَذِي آنَاءٍ لَا يُعْجَلُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِتَعْمَلِكِ
مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَمْرِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ الْهَيِّ وَكَمِ مِنْ عَبْدٍ أَسْمَى وَأَصْبَحَ
فَقِيرًا عَابِدًا عَارِيًا مَمْلُوفًا مُخْفَفًا مَجْهُودًا خَائِفًا خَائِعًا ظَاهِنًا يَنْظُرُ
مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ أَوْ عِبْدٍ وَجِيدٍ هُوَ أَوْجَهُ مَعِي عِنْدَكَ وَأَشَدُّ
عِبَادَةً لَكَ مَعْلُومًا مَقْهُورًا قَدْ حَمَلْتُ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ وَشِدَّةِ
الْعُبُودِيَّةِ وَكَأَنَّ الرِّقَّ وَثِقْلًا لَضَرْبَةِ أَوْ مُبْتَلَى سَبِيلًا شَدِيدًا

أَوْعَطَشِينَ

مُهْجُرًا

للقائل

لَا تَقْبَلْ لَكَ إِلَّا بِمَنْكَ عَلَيْهِ وَأَنَا الْحَمْدُ الْمُنْعَمُ الْمُعَافَى الْمَكْرَمُ فِي
عَافِيَةٍ مِثْلًا هُوَ فِيهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي
آنَاءٍ لَا يُعْجَلُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِتَعْمَلِكِ مِنَ الشَّاكِرِينَ
وَلَا لِأَمْرِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ مَوْلَى وَسَيِّدِي وَكَمِ مِنْ عَبْدٍ
أَسْمَى وَأَصْبَحَ شَرِبًا طَرِبًا خَيْرًا مُخْتَارًا خَائِفًا خَائِعًا فِي الصَّحَابِ
وَالْبَرَارِي قَدْ أَحْرَقَهُ الْحَرُّ وَالْبَرْدُ وَهُوَ فِي ضُرٍّ مِنَ الْعَيْشِ وَ
ضَنْكٍ مِنَ الْحَيَاةِ وَذَلٍّ مِنَ الْمَقَامِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا
يَقْدِرُ لَهَا عَلَى ضَرْفٍ وَلَا نَفْعٍ وَأَنَا خَلُوكُ مِنْ ذَلِكَ كَلِمَةٍ بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ
وَذِي آنَاءٍ لَا يُعْجَلُ صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِتَعْمَلِكِ
مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَمْرِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَأَرْحَمِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ مَوْلَى وَسَيِّدِي وَكَمِ مِنْ عَبْدٍ أَسْمَى وَأَصْبَحَ
عَلِيًّا مَرِيضًا سَقِيمًا مُدْنِفًا عَلَى فَرْشِ الْعَيْلَةِ وَفِي لِبَاسِهَا يَتَغَلَّبُ
يَمِيًّا وَشِمَالًا لَا يَعْرِفُ شَيْئًا مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ

الهي

مالك

٢٧

يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَأَنَا خَلَوُ مِنْ
ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ
مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي آنَاءٍ لَا يَجِبُ صَدَقَاتُكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ
اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَلَا تَعْمَلْ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ
مِنَ الذَّاكِرِينَ وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي
وَكَمَّ مِنْ عَبْدٍ أَسْنَى وَأَصْبَحَ قَدْ دَنَا بِوَجْهِهِ مِنْ حَقِّهِ وَقَدْ أَحْبَبَ
بِهِ مَلَكَ الْمَوْتِ فِي أَعْوَابِهِ يُعَالِجُ سَكْرَاتِ الْمَوْتِ وَحِيَاضَهُ نَدْوَى
عَيْنَاهُ يَمِينًا وَشِمَالًا يَنْظُرُ إِلَى أَحِبَّائِهِ وَأَوْلِيَاءِهِ وَأَخْلَاءِهِ قَدْ بَدَعَ
مِنَ الْكَلَامِ وَحُجِّبَ عَنِ الْخِطَابِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً فَلَا
يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَأَنَا خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي
آنَاءٍ لَا يَجِبُ صَدَقَاتُكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ
وَلَيْسَ لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَأَرْحَمَنِي
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَرَّ مِنْ عَبْدٍ أَسْنَى

مَا لَكَ مَرَّةً

مَا لَكَ مَرَّةً

أَصْبَحَ فِي مَضَائِقِ الْحُبِّ وَالْحُبُّونَ وَكُرْمَهَا وَذَلُّهَا وَحَدِيدَهَا يَتَدَاوَلُ
أَعْوَابَهَا وَزَابَانِيَّتُهَا فَلَا يَدْرِي أَيَّ حَالٍ يُفَعِّلُ بِهِ وَأَيَّ مَثَلَةٍ يَمِثَلُ
بِهِ فَهُوَ فِي ضَرْبٍ مِنَ الْعَيْشِ وَصَنْدِيقِ مِنَ الْحَيَاةِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً
لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَأَنَا خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ
وَذِي آنَاءٍ لَا يَجِبُ صَدَقَاتُكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ
وَلَا تَعْمَلْ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَرَّ مِنْ عَبْدٍ أَسْنَى وَأَصْبَحَ
قَدْ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ وَفَارَقَ أَوْلِيَاءَهُ
وَأَحِبَّاءَهُ وَأَخْلَاءَهُ وَأَسْنَى حَقِيرًا أَسِيرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي الْكُفَّارِ
الْأَعْدَاءِ يَتَدَاوَلُونَ يَمِينًا وَشِمَالًا قَدْ حَمَلْتَنِي فِي الْمَطَامِيرِ نَقِثًا
بِالْحَدِيدِ لَا يَرَى شَيْئًا مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رَوْحِهَا يَنْظُرُ إِلَى
نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَأَنَا خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ
بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ

كُرْمَهَا

لِقَوْلِكَ

مَا لَكَ مَرَّةً

وَذِي نَانَةٍ لَا يَجِدُ صِلَى عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَلِغَمَائِكَ
مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَمِّ مِنْ عَبْدِ أَسْمَى وَأَصْبَحَ قَدِ اشْتَأْتُ إِلَى
الدُّنْيَا لِلرَّغْبَةِ فِيهَا إِلَى أَنْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ حِرْصًا مِنْهُ عَلَيْهَا
قَدْ رَكِبَ الْفُلُوكَ وَكَيْسَتْ بِهِ وَهُوَ فِي فَاوقِ الْبِحَارِ نَيْظِرًا إِلَى نَفْسِهِ
حَسْرَةً لَا يَتَذَكَّرُهَا عَلَى ضَرِّهِ وَلَا تَفْعِيلًا وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُفْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي نَانَةٍ
لَا يَجِدُ صِلَى عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَ
لِغَمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَمِّ مِنْ عَبْدِ أَسْمَى وَأَصْبَحَ
قَدِ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ وَالْكَفَارَةُ وَالْأَعْدَاءُ
وَأَخَذَتْهُ الرِّمَاحُ وَالسُّيُوفُ وَالسِّهَامُ وَجُدَلَ صَرِيحًا وَتَد
شَرِبَتْ الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ وَأَكَلَتِ السَّبَاعُ وَالطَّيْرُ مِنْ جُحْمِهِ وَأَنَا
خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

مالك بن

مالك بن

خديجة

فلا بأسخفاق

بأسخفاق

منقذ

مِنْ مُفْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي نَانَةٍ لَا يَجِدُ صِلَى عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَاجْعَلْنِي لِعَمَائِكَ
مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَعَزَّيْلِكَ يَا كَرِيمٍ لَا طَلَبَنَّ مِمَّا لَدَيْكَ وَلَا لِحْنَ عَلَيْكَ وَلَا لِحْنَ
إِلَيْكَ وَلَا مَدَّتْ يَدِي بِحُوكِ مَعَ جُزْمِهَا إِلَيْكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ يَا رَبِّ
بِمَنْ أَلُوذُ لَا أَحَدٌ إِلَّا أَنْتَ أَفْتَرِدُنِي وَأَنْتَ مَعُولِي وَعَلَيْكَ مَتَكَلِّ
اسْتَلِّكَ يَا سَبَّكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّكَ وَعَلَى الْأَرْضِ
فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبَالِ فَهَبَّتْ وَعَلَى اللَّيْلِ فَظَلَمَ وَعَلَى النَّهَارِ فَجَنَّ
أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَأَنْ تَقْضِيَ لِي جَمِيعَ حَوَائِجِي وَتَغْفِرَ لِي
ذُنُوبِي كُلَّهَا صَغِيرَةً هَا وَكَبِيرَةً هَا وَتُوسِعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا
تُبَلِّغُنِي بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعْنُ
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَأَعِنِّي وَبِكَ اسْتَجِرْتُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ
وَاجْرِبْنِي وَأَعِينْنِي بِطَاعَتِكَ عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ وَبِمَسْئَلَتِكَ عَنْ مَسْئَلَتِكَ
خَلْفِكَ وَأَنْفَلْنِي مِنْ قَوْلِ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى
عِزِّ الطَّاعَةِ فَتَذَرُّنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْفِكَ جُودًا مِنْكَ وَكَرَمًا

مالك بن

استغنى

أعني

٧١٢

لا يا شيخنا في بيتي الي فلان الحمد على ذلك كله صل على محمد و آل محمد
 واجعلني لعنناك من لشاكرين ولا لاك من الناكرين وارحميني
 برحمتك يا ارحم الراحمين **و لفت** كويد كرفصيه در كتاب بلال امين از زياد
 راضل نموده كه پير چنگ ميروي و ميگوئي
 سجده و جبهى الدليل لوجهك العزيز الجليل سجده و جبهى البالي
 الفاني لوجهك الدائر البالي سجده و جبهى الفقير لوجهك العني الكبير
 سجده و جبهى تسبي و بصري و لحمي و دمي و جلدي و عظمي و ما افلت
 الارض صبي لله رب العالمين اللهم عد على جهنم جليلك و على
 فقري بغناك و على ذلبي بعزتك و سلطانك و على ضعفى بقوتك و على
 حقوبى بامانتك و على ذنوبى و خطاياى بعفوك و رحمتك يا ارحم الراحمين
 يا رحيم اللهم انى ادراك في بحر فلان بن فلان و اعود بك من شره
 فاكفينيه بما كفتت به انبياءك و اوليائك من خلقك و صالحى
 عبادك من فراغك و طغاة عدلائك و شر جميع خلقك
 برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شئ قدير و احسبنا الله و
 نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير **مخبره** خوانند و غاي اوليك چنان
 كفعي مرقه در كتاب بلال امين از



حوزة علمية
 قم
 كتابخانه
 حضرت امام
 خميني
 مد ظله العالی

رسول خدا هم روايت كرده است كه فرمود كه بجز رسول خدا و نماز و زكوة
 من اورد و گفت اين دعا بر تو م عرش نوشته شده است بيش از خلق مخلوق صدها سال
 و كسي كه اين دعا بخواند حق تعالى همه مظالم رسد كان خود را از او وضاكت و هر كه بنويسد
 بر خاتم شيشه و بياشامد آنرا زياد شود فهم و حفظ او و شفعا يا بياشامد آنرا و كسي كه بنويسد
 آنرا بر كفن خود با كافر حق تعالى قبرا و راد و ضمه انز و صنهاي بهشت كود اند و مؤمن او
 باشد هر قبره و آسان كرده انجا بر او هول سكر و بگرزا و بسوي قبرا و هفتاد هزار ملك فرستند
 كه با هر ملكي طبق باشد از سوي هاي بهشت و او را بشاوت دهند بر بهشت و براي او دري كفتا
 بسوي بهشت و قبرا و او بسوي و فراخ كود اند نهند و انكه چشم او تواند بد و او را عذاب فرمايد
 و هر كه او را با بيت صحيح در ششهاي ماه رمضان بخواند شرف قدر او زياد و خلق كند حق
 تعالى براي او در هر آسمان هزار ملك و در مكره معظمه هفتاد هزار ملك و در روضه
 حضرت رسالت كه هفتاد هزار ملك و در مشرف هفتاد هزار ملك و همچنين در مغرب
 هفتاد هزار ملك كه بسوي حق تعالى كند بلقيهاي محضه و حق تعالى ثوابها را بخواند
 اين دعا كرامت فرمايد و حوائج او را بر آورد و عطا فرمايد با و در بهشت چيزي چند را كه
 چشمي ندیده و گوشي نشنیده و بر دل نشري خطور نكرده باشد و استغناي كند او را در
 وقت بيرون آمدن از قبر هفتاد هزار ملك كه ناهر ملكي غلامي از نور باشد و در دست هر
 غلامي شرباب يا نعيمي باشد كه شكمهاي آنها از مراد سعيد و شيشهاي آنها از مراد سبز
 و چشمهاشان از مراد جوت سرخ باشد و بر هر يك از آنها قبه باشد و بر هر قبه چهار صد
 از سندانها باشد و در هر قبه حور و ناز باشد و هر حور به هزار كيسه از مشق
 مانند آن از كافور داشته باشد و بدنه هر ملكي هم از مراد سعيد باشد
 بر هر قدهي چهار چتر باشد آب و عسل و شير و شرب كه لذت بوند آشنا سندان از آنها
 و بر هر قدهي چو شده باشد لا اله الا الله ان نفع از فلان بيز فلان است و بخشود شود و
 حال انكه بر وي اومان در ماه بدر خشد تا انكه كان كند اهل موقت كه او را چنين است
 و هر كه در عرس خود بگرشه اين دعا بخواند بهشت براي او واجب شود و كسي كه صبح آنرا
 بخواند و مسلم را حق تعالى موكل كند اند با و كه او را محافظت نمايد تا شام و
 همچنين اگر در شام بخواند ناصبح او را محافظت نمايد و كسي كه اين دعا را در ماه رمضان
 سه نوبت بخواند رهاي بهشت براي او كشوده شود و در رهاي جهنم بر روي او نيكه شود
 و در امانت الهي باشد اسباب آسوده و عطا كند او ثواب هفتاد ضعف از عبادت است
 ملكه را كه هر ضعفي بصد هزار سال است و صرف ميگردد حق تعالى از خواسته اين دعا

وَشَدِيدِ الرَّأْفَةِ عَابِدِ الْهَيْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
تَامِيهِ وَيُشَوِّدُ غَايِبِيهِ
بِعَدَدِ كُلِّ تَهْلِيلٍ مَلَائِكَةُ الْمَهَلَّلُونَ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
وَاللَّهُ أَكْبَرُ بَعْدَ كُلِّ كَبِيرٍ كَبَرُهُ الْمُسْكِرُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بَعْدَ كُلِّ تَحْمِيدٍ حَمِيدَةُ الْحَامِدُونَ
وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ كُلِّ سُبْحٍ
سَبَّحَهُ السَّجُونَ وَاسْتَغْفِرُ اللَّهُ وَاسْتَغْفِرُ اللَّهُ وَاسْتَغْفِرُ اللَّهُ
بَعْدَ كُلِّ اسْتِغْفَارٍ اسْتَغْفِرُهُ الْمُسْتَغْفِرُونَ وَالْأَحْوَالُ وَالْأَقْوَامُ
إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَالْأَقْوَامُ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَالْأَحْوَالُ وَالْأَقْوَامُ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بَعْدَ مَا فَالَهُ الْعَالَمُونَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ وَحَسْبُنَا اللَّهُ
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ شَهِدُ
أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ تَدَاخَلُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمٌ
وَاصْفَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا وَأَخَذَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عِنْدَ

انقطاع الأحوال والحمد لله بَعْدَ كُلِّ مَنْ حَمِدَهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
بَعْدَ مَنْ لَمْ يَحْمِدْهُ وَسُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَسُبْحَانَ مَنْ
لَا يُقَادَرُ شَيْءٌ وَسُبْحَانَ اللَّهِ الْحَكِيمِ الْكَبِيرِ الْخَالِقِ سُبْحَانَ الْخَلْقِ
الْمَنَانِ سُبْحَانَ الْحَكِيمِ الْكَبِيرِ سُبْحَانَ الْخَالِقِ الْبَارِي سُبْحَانَ
الضَّادِقِ الْبَادِي سُبْحَانَ الْمُصَوِّرِ الْكَافِي سُبْحَانَ السَّامِعِ الْعَلِيمِ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يُعَاوَدُ لَهُ شَيْءٌ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُجَادُّهُ شَيْءٌ سُبْحَانَ مَنْ
لَا يُقَدَّرُ شَيْءٌ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُعْتَرَهُ شَيْءٌ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَقْهَرُهُ شَيْءٌ فِي
مُلْكِهِمْ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُجَادُّهُ الْخَادُونَ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُصِفُهُ
الْوَاصِعُونَ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَبِّهُهُ الْمَشْبَهُونَ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَب
لَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَرِينُ لَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ سُبْحَانَ الْقَادِرِ
الْمُقْتَدِرِ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْمُتَعَالِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَهْوِيهِ شَيْءٌ سُبْحَانَ
مَنْ لَا يُجْنِي عَلَيْهِ شَيْءٌ سُبْحَانَ مَنْ لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ سُبْحَانَ مَنْ لَا
تُخَالِطُهُ الظُّنُونُ سُبْحَانَ مَنْ شِئِ الْأَشْيَاءِ بِمِثْلِهِمْ سُبْحَانَ الْمُدَبِّرِ
بِتَدْبِيرِهِ سُبْحَانَ مَنْ جَلَّ عَنِ الْأَشْيَاءِ وَالْعَرْشِ بِأَنْشَائِهِمْ سُبْحَانَ مَنْ

انشا الليل والنهار بعد ربه سبحان من انشا السموات العلى
 سبحان من قدر الحجب من غير ان يستعين باحد سبحان خالق
 سورة التور سبحان من اقام السموات بغير عمد ولا معين
 سبحان من خلق العرش والعرش وبقدر الاشياء سبحان من
 خلق عجائب خلفه من غير شريك معه جل عن الاشياء
 فلا يدركه شئ سبحان الخالق المصور له الاسماء
 الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم
 سبحان من اثبت الارض بعد ربه سبحان من خلق الخلق
 بعظمته سبحان من انشا الرباع ويوسلها حيث يشاء
 سبحان من لم يقطع رزقه عن احد من خلقه سبحان
 من يسبح له الملكة بانواع اللغات سبحان من تسبح له
 الجنة بغير ابي التيسح سبحان من تسبح له اليرقان باطلاها
 سبحان من تسبح له الجبال باكتافها سبحان من تسبح
 له الاشجار عند توريد اوراقها سبحانه وتعالى عما

يشركون يارب يارب يارب يارب الارباب ويا مسيب الاستنار
 يا معيق الرقاب من العذاب سبحان من يسبح له البحار عند
 تلاطم امواجها سبحان من يسبح له الدر في مساكنا سبحان
 من تسبح له الرباح عند هبوب جريانها سبحان من تسبح
 له الحيات في ترار بحارها سبحان من تسبح له الجن بالغانيا
 سبحان من تسبح له سوادم على اختلاف لغاتها سبحان
 الفائر اللائم سبحان الجليل الجميد يا عفتار الذنوب يا
 ستار العيوب يا من لا يخفى عليه مكان يا من هو كل
 يوم في شان يا عظيم الشان يا من لا يشغله شان عن شان
 يا ذا الجلال والاکرام يا ذا ايم يا قائم يا قديم يا ملك يا
 قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهتم يا عزيز يا جبار يا متكبر
 يا خالق يا بارئ يا مصور يا من ليس كمثله شئ وهو السميع
 البصير لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين

ششم سيدى طاوسه در كتاب اقبال از كتاب بن بقره در حقه نقل نموده كه او در ائمه ظاهر
 صلوات الله عليهم اجمعين روايت کرده است كه مكره در شب بيست و ستم ماه مبارك

رمضان ابتداءه ونشده وبره جالمی از احوال و در تمام اوقات بانه مبارک و در غیر این
ماه از سایر اوقات عمر بعد از محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسالت نبی و آل اجداد
الوازی **عَا** اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْقَائِمُ بِأَمْرِكَ الْحَجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ
والمهدي عليه وعلى آله افضل الصلوة والسلام في هذه
الساعة وفي كل ساعة وليا وحافظا قائما وناصرا ووكيلا
و**مُؤَيِّدًا** حَتَّى تَصْكَرَهُ اَرْضُكَ طَوْعًا وَتَمِيقَةً فِيهَا طَوْلًا وَعَرْضًا
وَتَجْعَلَهُ رُوْدَ رَيْبَةٍ مِنَ الْاُمَّةِ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ
انصُرْ بِهِ وَاَجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ لَهُ وَعَلَى يَدِهِ وَاَجْعَلِ النَّصْرَ
لَهُ وَالْفَتْحَ عَلَى وَجْهِهِ وَلَا تَوَجِّهْ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ اللَّهُمَّ أَظْهِرْ
بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَنْتَحِفَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً
أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تَعْرِفُ
بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدْرِكُ بِهَا الْبَغْيَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا
مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ وَأَيُّدِيَنَا فِي الدُّنْيَا
حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَفِي عَذَابِ النَّارِ وَاجْتَمَعَ لَنَا خَيْرُ
الدُّارَيْنِ وَأَبْضِ عَتَا جَمِيعٍ مَا تَحِبُّ فِيهِمَا وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ

فربا

بمان

نخبة

أَخِيَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَمِنَ عَاقِبَةِ أَمِينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ
وَبَدِكَ الْمُدْلَى فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مَلَاحِكِهِ وَعَطَاؤُكَ
يَزِيدُ فِي مَلَاحِكِكَ **بَاب** **أَدْعِيَتُهُمْ** ورويان ادعية دخول ماه مبارك رمضان
میانکه مراد از ادعیه دخول دعای چند است که در روایت آن
وارد شده است که چون ماه رمضان آید اخذ شود یا حاضر شود این دعا را بخوان یاد
اول ماه رمضان این دعا را بخوان یا مثال آن از عبارات که مفاد آن این باشد که در ابتدا
ماه رمضان بخواند شود و اکثر علمای ما بدان باب و شیخ طوسی قدس سره و
و بعضی دیگر ازین عبارات چنین فهمیده اند که در روز اول باید خوانده شود و سید بن
طاووس در کتاب اقبال گفته که در شب اول باید خوانده شود زیرا که شب غره همامی
اول آن ماه است و دخول در آن ماه بداخل شدن شب اول مستحق می شود و سایر این
خوانده این ادعیه در ابتدا شب اول اولی خواهد بود اذ اخرجنا واکر در شب وروز
هر دو خوانده شود اولی است و این ادعیه چنانچه از شیخ روایات ظاهر میشود چند دعا
اول دعای حضرت سید الشاهدين صلوات الله علیه و آله و دعای محمد و جعفر امین
صحیفه کامله است و چون شیخ طوسی در مصباح و کفعمی رحمة الامان و بلد الامین
و سید در اقبال نیز نقل نموده اند و روایت ایشان الحمد لله الذي هدانا
للهادئ صحیفه کامله اختلافی دارد و ما آنرا ایراد نمیکنیم
لِحَمْدِهِ وَجَعَلْنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَبِالْحَجْرَيْنَا
عَلَى ذَلِكَ حَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَبَانًا هَدَيْنَا وَأَخْتَصَّنَا
بِمِلَّتِهِ وَسَبَلْنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسُكَّهَا بِمَتِّهِ إِلَى رِضْوَانِهِ
حَمْدًا يَقْبَلُهُ مِنَّا وَيَرْضَى بِهِ عَتَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ
مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَ سَهْرٍ وَمِنْهُ رَمَضَانَ شَهْرَ الصِّيَامِ وَشَهْرَ الطَّهَرِ

روایان ادعیه دخول

وشهر الإسلام وشهر التخصيص وشهر الغنيام الذي نزل فيه القرآن
هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فإبان فضيلته على سائر
الشهور بما جعل له من الحرات المفورة والفضائل المشهورة
نعمر فيه ما أحل في غيره أعظاما له وحجر فيه المطاعم والمنابر
إكراما له وجعل له وقتا بيتا لا يجوز أن يقدم ولا يجوز أن
يؤخر عنه ثم فصل ليلة واحدة من لياليه على ألف شهر
وسماها ليلة القدر تنزل الملكة والروح فيها أذن
ربهم من كل أمر سلام وهي ذات البركة إلى طلوع الفجر
على من يشاء من عباده بما أحكم من قضاءه اللهم صل
على محمد وآله وآلهمنا فضل معرفته وإجلال حرمة و
التحفظ بما حظرت فيه وأعنا على صيامه بكف الجوارح
عن معاصيك واستعملنا فيه بما يرضيك حتى لا نضغى
بأسنا عنا إلى لغو ولا نسرع بأبصارنا إلى لهو ولا نبط
أيدينا إلى محظوم ولا نخطو بأقدامنا إلى محجور وحتى لا نتق

معصيتك

بطون

بطوننا إلا ما آخلت ولا نشطق السنن إلا ما فلت ولا نتكلف
إلا ما يدني من ثوابك ولا نتعاطى إلا الذي يقى من عقابك
ثم خلاص ذلك كله من ذبايا المرابين وسمعة المستمعين
لا نشرك فيه أحدا ونك ولا نتبغى به مراد أسواك اللهم
واقفنا فيه على مواقيت الصلوات الخمس بحمدوها التي
حددت وقرأنا فيها التي فرضت وأوقانها التي وقتت وأنزلنا
فيها منزلة المصيبين لا وقانها على سنة محمد عبدك و
رسولك صلى الله عليه وآله في ركوعها وسجودها و
جميع قواضيلها على اتور الطهور وأسبغها وآيين الخشوع
والبغية ووقفنا فيه لأن نصل أرحامنا بالبر والصلوة وأن
تغنا هدينا بالافضال والعطية وأن نخلص أموالنا
من الشبغات وأن نطهرها باخراج الركاوت وأن تميل بنا
إلى أن نراجع من هجرنا وأن نضيف من ظلمنا وأن نساله من عادانا
خلا من عودي فيك ولك فإنه العدل الذي لا يؤايبه والبر

المستمعين

وقفنا

الَّذِي لَا تُغَادِبُهُ وَأَنْ تَقْرُبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الرَّائِيَةِ
بِمَا نَظَرْنَا مِنَ الذُّنُوبِ وَتَعَصُّمْنَا فِيهَا نَسْنَأُ مِنَ الْعُيُوبِ حَتَّى
لَا يُؤْرِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَنْوَاعِ الْقُرْبِ
وَأَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ وَبِحَقِّ
مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْنَادِنَا إِلَى وَقْتِ قَنَائِهِ مِنْ مَلَائِكَةِ قَرْنِهِ
أَوْ نَحْيٍ أَرْسَلْتَهُ أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ أَنْ تُجَنِّبَنَا الْإِلْحَادَ
فِي دِينِكَ وَالنَّقْصِيَّةَ فِي مَجْتَبِكَ وَالشُّكَّ فِي تَوْحِيدِكَ وَالْعَوَى عَنْ
سَبِيلِكَ وَالْكَسَلَ عَنْ خِدْمَتِكَ وَالتَّوَانِي فِي الْعَمَلِ بِمَحَبَّتِكَ
وَالسَّارِعَةَ إِلَى سَخَطِكَ وَالْإِخْتِدَاعَ لِعَدْوِكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
اللَّهُمَّ أَهْلْنَا فِيهِ مَا وَعَدْتَ أَوْ لِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ وَأَوْجِبْ
لَنَا مَا تَوْجِبُ لِأَهْلِ الْإِسْتِغْفَاءِ لِطَاعَتِكَ وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمِ
عَنْ اسْتَحْيِ الرَّبِيعِ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ وَإِنَّ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ
مِنْ لَيْلِي شَهْرًا هَذَا قَابًا يُعْتَقُهَا عَمُوكَ وَيَهْبِهَا صَفْحَاتُكَ
فَاجْعَلْ قَابًا مِنْ ذَلِكَ الرَّغَابِ وَاجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ جَمْرِ أَهْلِ

اصحاب

أَصْحَابِ وَانْحَى دُنُوبَنَا مَعَ إِحْسَاقِ هَلَالِهِ وَاسْلُخِ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ
النِّسْلَاحِ أَيَامِهِ حَتَّى نَبْقِضَ عَنَّا وَقَدْ صَفَيْتَنَا مِنَ الْخَطِيئَاتِ
وَحَلَّصْتَنَا مِنَ التَّبَعَاتِ اللَّهُمَّ وَإِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدِّ لَنَا وَإِنْ رَغَبْنَا
عَنْهُ فَقَوِّمْنَا وَإِنْ اشْتَدَّ عَلَيْنَا عَدْوُكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَاسْتَفِذْنَا
مِنْهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَشْحَنَّهُ بِعِبَادَتِنَا وَزَيْنِ
أَوْفَاتِهِ بِطَاعَتِنَا وَاعْتِنَانِهِ فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ وَفِي لَيْلِهِ عَلَى
قِيَامِهِ بِالصَّلَاةِ لَكَ وَالتَّضَرُّعِ إِلَيْكَ وَالتَّخَشُّعِ وَالذَّلَّةِ
بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِعَفْلَةٍ وَلَا لَيْلُهُ بِتَقْرِبِ
اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ وَمَا بَيْنَ الْفَرَسَيْنِ
وَالْأَعْوَامِ كَذَلِكَ عَمَّرْنَا وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الْمُخْلِصِينَ
الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ
أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ الَّذِينَ يَنْتَوُونَ
الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

وَسَلِّمْ كَثِيرًا **في رواية** سيد بن طاووس روى في كتاب اقبال ان حضرت صاد في صلوات الله
عليه روايت بنوده است كه فرمود رسول خدا كه چون ماه رمضان داخل ميشود از دعاها

الصالحين

اصحاب

اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ خَلَّ شَهْرُ مَصْنَانَ اللَّهُمَّ رَبِّ شَهْرِ مَصْنَانَ الَّذِي
أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ
فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ مَصْنَانَ وَاعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلْوَاتِهِ وَتَقَبَّلْ مِنَّا

سید محمد بن یعقوب کلینی طباطبائی در کتاب کافی بنام خود از حضرت صادق روایت
نموده است که چون ماه رمضان **اللَّهُمَّ** قَدْ خَصَّرَ شَهْرَ مَصْنَانَ وَقَدْ لَقِيتُ
دَاخِلَ شَوْرٍ وَبُرْدٍ غَارِ الْجَوَانِ
عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ
الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ
مِنَّا وَسَلِّمْ نَافِيَهُ وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا فِي بَيْتِ مَنْكَ وَعَافِيَةً إِنَّكَ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **بهار** سید در کتاب اقبال گفته
که یافته در کتابی که در آن دعاها
بیان نوشته شده بود و نوشته شده بود که کاتب آن سید رضی موسوی رحمت است
و از جمله دعاها آن این دعا بود **اللَّهُمَّ** إِنَّ هَذَا شَهْرُ مَصْنَانَ الَّذِي
که چون ماه رمضان داخل شود بخوان
أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

قَدْ خَصَّرَ يَا رَبِّ اعْوِذْ بِنِكَ فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ مَرَكِهِ
وَحِيلِهِ وَخُدَعِهِ وَحَبَائِلِهِ وَجُنُودِهِ وَتَخِيلِهِ وَرَجَلِهِ وَحَبَابِ
عَلَم
وَسَاوِسِهِ وَمِنَ الضَّلَالِ بَعْدَ الْهُدَى وَمِنَ الْكُفْرِ بَعْدَ الْإِيمَانِ

خاصه

الایمان و...

و...

وَالرِّيَاءِ وَالْجِنَايَاتِ وَمِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ

النَّاسِ مِنَ الْحَيَّةِ وَالنَّاسِ اللَّهُمَّ وَأَمْرُ مَنِّي صِيَامَهُ وَصَلْوَاتِهِ
فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَأُوْلِ الْأَمْرِ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ
وَمَا قَرَّبَ مِنْكَ وَجَنَّبَنِي مَعَاصِيكَ وَأَمْرُ مَنِّي فِيهِ التَّوْبَةُ وَ
الْإِنَابَةُ وَالْأَحَابِبَةُ وَأَعِذْ بِي فِيهِ مِنَ الْعَيْبَةِ وَالْكَسْرِ وَالْفُسْخِ
وَاسْتَجِبْ لِي فِيهِ الدُّعَاءَ وَاصْحَ لِي فِيهِ جَنَمِي وَعَقْدِي وَفِرْعَنِي
فِيهِ لِطَاعَتِكَ وَمَا قَرَّبَ مِنْكَ يَا كَرِيمُ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَكَذَلِكَ

فَأَفْعَلْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **بهار** سید بن باقی طباطبائی در کتاب اختیار از جمله
دعاها می باشد اول اینها این دعاست از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده و از لفظ ظاهر میشود **اللَّهُمَّ** قَدْ خَصَّرَ شَهْرَ مَصْنَانَ
که از ماه عبودیت خول ماه باشد و دعا اینست
فَاذْ أَلْبَسْتَنِيهِ فَأَعِينِي عَلَى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي يَا كَرِيمُ

وَعَافِيَةً يَا كَرِيمُ **سید** کلینی در کتاب کافی و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره
الغیبه و دیگران بسند صحیح با اختلاف از حضرت امام موسی
کاظم روایت نموده اند که آنحضرت بعد از آنکه از راه بصره می آمدند از راه
رمضان در او سال و هر که از این دعا بخواهد صیامتش آسان شود و وی اخلاص بخواند آن
سال از سد باو نهد و آنقدر درین او نبرد نیاید و حق تعالی **اللَّهُمَّ** اِنِّي اَسْأَلُكَ
حفظ نماهد و از شتر بخورد آن سال واقع شود از بلاها و دعا اینست

بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ
وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي فَهَرَّتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعَتْ لَهَا
كُلُّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَتْ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِحَبْرَتِكَ الَّتِي
عَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا نُورَ يَأْقُدُ
يَا أَوَّلَ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا بَاقِيَ تَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغَيَّرَ التَّعَمُّ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ
الَّتِي تُنَزِّلُ التَّعَمُّ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقَطُّعُ الرَّجَاءَ وَاعْفِرْ لِي
الذُّنُوبَ الَّتِي تُبَدِّلُ الْأَعْدَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُثْرِلُ الْبَلَاءَ
وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحْبِسُ عَيْنَ السَّمَاءِ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي
تَكْشِفُ الْإِعْطَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُجْعِلُ الْفَنَاءَ وَاعْفِرْ لِي
الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ التَّدَمُّرَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُهِنُّ الْعِصَمَ
وَالنَّبِيَّ ذُرْعَةَ الْحَصِينَةِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَاعْفِرْ لِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَادَرُ
بِالْيَدِ وَالشَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ
وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

سَلَامٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دَرْ

وَرَبِّ السَّبْعِ الْمَنَابِي وَالْأَنْزَابِ الْعَظِيمِ وَرَبِّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَسْحَاقَ
وَرَبِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ
اسْأَلُكَ بِكَ وَبِمَا سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ
وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتَضَاعِفُ مِنَ الْحَسَنَاتِ
أَنْ كَثُرَ بِالْقَلِيلِ وَتَقْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بِرَبِّهِ وَالنَّبِيِّينَ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ سِتْرَكَ وَأَخِي
وَجَهِي بِنُورِكَ وَاحْتَجِي بِعِزَّتِكَ وَبَلْعَنِي بِرِضْوَانِكَ وَسَهِّبْ كَرَامَتِكَ
وَحَسْبِي عِظَمَتِكَ وَاعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ مِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ
أَعْدَاءِي مِنْ خَلْفِكَ وَالنَّبِيِّينَ مَعَ ذَلِكَ عَافِيَتِكَ يَا مُوَضِعَ كُلِّ شَكْوَى
وَيَا شَاهِدَ كُلِّ جَوْحٍ وَعَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا تَشَاءُ مِنْ
بَلِيَّةٍ يَا كَبِيرَ الْعَنُوبِ يَا حَسَنَ النَّجَاوِزِ تَوْفِقِي عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَفِطْرَتِهِ
وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ مُتَوَقِّفِي
مُؤَالِمِ الْأَوْلِيَاءِ وَمُعَادِي الْأَعْدَاءِ اللَّهُمَّ وَجِّبْنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ
كُلَّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ
سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ
تَسْبِيحٌ

بِالْقَلِيلِ وَالْكَثِيرِ

الْمُحَمَّدِ

شَرِّ كَرَامَتِكَ

جَوَائِلِ عِظَامِكَ

سُورِي مِنَ التَّوْحِيدِ وَالْعَدْلِ
أَعْلَى الْأَعْلَى وَالْآخِرَةِ

وَأَمْتَعْنِي مِنْهُ

اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يَبْتَرُّ بِي مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ
 اَمْتَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي اَخَافُ خَضَرَ عَاقِبَتَهُ
 وَاَخَافُ مَشْنَكِ اِيَّايَ عَلَيْهِ حِذَا رَأَيْتُ تَصَوَّرْتُ وَجْهَكَ الْكَبِيرَ عَنِّي
 فَاسْتَوْجِبْ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَقِّي عِنْدَكَ يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ اَللّٰهُمَّ
 اجْعَلْنِي فِي مُتَقَبِلِ سَنَتِي هَذِهِ فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي
 كَفِّكَ وَجَلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي كِرَامَتَكَ عَن جَارِكَ
 وَجَلِّ شَاؤُكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي نَابِعًا لِصَالِحٍ مِنْ
 مَنْ مَضَى مِنْ اَوْلِيَاكَ وَالْحَقُّ فِي هَيْبَتِكَ وَاجْعَلْنِي مُسَلِّمًا لِمَنْ نَالَ
 بِالصَّدَقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَاَعُوْذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ اَنْ يَحِطُّ بِي خَطِيئَتِي
 وَظُلْمِي وَاَسْرَانِي عَلَيَّ نَفْسِي وَاَتَّبَعِي لِهَوَايَ وَاَشْغَلَنِي لِشَهْوَايَ
 يَمُوْلُ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ فَاَكُوْنُ مَنِيْبًا عِنْدَكَ
 مُتَعَرِّضًا لِحَقِّكَ وَتَقَمِيْنِكَ اَللّٰهُمَّ وَفِي كُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَاهُ
 عَنِّي وَتَرْضَى لِيكَ زُلْفِي اَللّٰهُمَّ كَمَا كُنْتَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ هُوَلِ عَدُوِّهِ وَفَرَّجَتْ هَيْبَتَهُ وَكَشَفَتْ غَمَّهُ وَصَدَقَتْهُ

اَوْ فِعْلًا اَوْ قَوْلًا
فَاَلْتَمِسُ

عَنِّي وَجْهَكَ الْكَبِيْرَ
يَد

يَا اَلْهِي
وَاَشْغَالَ شَهْوَايَ

كَرْمَةً

وَعَدَدَكَ وَآخِرَتَكَ لَهُ عَهْدُكَ اَللّٰهُمَّ مَبْدَاكَ فَاَكْفِنِي هُوْلَ هَذِهِ
 السَّنَةِ وَاَلْاِيَّامِ وَاَسْقَامَهَا وَفِتْنَتَهَا وَشُرُوْرَهَا وَاَخْرَاجَهَا وَصَبِيْقَ
 الْمَعَاشِ فِيْهَا وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتِمَامِ دَوَامِ التَّعْمَرِ
 عِنْدِي اِلَى مُنْتَهَى اَجَلِي اَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ ظَلَمَ وَاسْتَكَانَ وَ
 اعْتَرَفَ اَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوْبِ اَلَّتِي حَصَرْتَهَا حَمَقْتُكَ وَ
 اَخْصَرْتَهَا كِرَامَتِكَ عَلَيَّ وَاَنْ تَقْصِمَنِي اَلْهِي مِنْ اَلذُّنُوْبِ فِيمَا بَقِيَ
 مِنْ عُنُوْبِي اِلَى مُنْتَهَى اَجَلِي يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمَنُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَاَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
 وَابْنِي كُلِّ مَسْأَلَتِكَ وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فِيْهِ فَاِنَّكَ اَمْرَتَنِي بِالِدَعَاوِ
 تَكَلَّمْتُ لِي بِالْاِجَابَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مؤلف** كُوَيْدِي كَمَا مَكَرَ اسْتَكْرَمَ حَضَرَ
 اِمَامَ مَوْسَى كَاطِمَ عَمَّ دَرَشِيْحَ ابْنِ دَعَايِنِ
 نَابِشْدِكْرَايِنِ دَعَاوَرِيَاهُ مَبَارَكُ رَمَضَانَ كَرَاوَلَسَالِ اسْتَجْوَانِ نَابِرَايِنِ اَخْتِصَانِ
 بَشِ اَوَّلِ دَرُوْزَاوَلِ نَادِرِ بَلَكِدِ دَرْمَهَرَاوَاثِ اِنْمَاةِ خَوَانِمَهْ مَسْتَوَالِ اَشْدُوْمَحْمَدِ اسْتَكْرَدِ
 هَرِشَبِ وَهَرُوْزَايِنْمَاهُ بَايِدِ خَوَانِمَهْ شُوْدِ لِيكِنِ اِيْرَاخَالِ بَعِيْدِ اسْتِ **مؤلف** سِيْدِ نَبَطَاوِ
 طَابِ اَشْمَاءِ دَرَكَنَابِقَالِ اَرْحَضَرْتِ صَادِقِ عَلِيٍّ كَلِمَاتِ رَوَايَتِ كَرْدِهْ اسْتَكْرَمَ رَمَضَانَ حَاضِرِ شُوْدِ
 دَعَاوَا اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ اَفْرَضْتِ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَاَنْزَلْتَ
 بِنُجُوْنِ
 فِيْهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدًى وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
 عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَاَلِهِ وَاَعِنَا عَلَيَّ صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَسَلِّمْ اِلَيْهِ وَسَلِّمْ

اَللّٰهُمَّ

اَللّٰهُمَّ

فِيهِ اَلَيْكَ

مِثْلَ فِي لَيْسَ مِنْكَ وَعَافِيَةٌ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مؤلف**
كويك
سيدايه غارا زاد عيرست اول ايامه نقل نموده و ظاهر لفظ روايت است كه از اديب غير دخول
باشد والله يعلم **ششم** سيد بن طاووس طباطبائي در كتاب اقبال از حضرت صادق روايت
كرد است كه آنحضرت فرمود كه در روزه اللهم هذا شهر رمضان المبارك الذي
حضور ماه مبارك رمضان يزد غارا **سوم**
أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ
فَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيهِ لَكُنَا وَكَسَلْنَا **مِثْلَانِ** يُرِيحُ مِنْكَ وَعَافِيَةٌ
وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تَعْفِرَ لِي فِي شَهْرِي هَذَا وَتَرْحَمَنِي فِيهِ وَتُعْفِقَ رَجْعَتِي
مِنَ النَّارِ وَتُعْطِبَنِي فِيهِ بِخَيْرٍ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرٌ مَا أَنْتَ
مُعْطِيهِ وَلَا تَجْعَلُهُ الْآخِرَ شَهْرًا مَضَى صُمْتُ لَكَ مِنْذُ اسْتَكْنَيْتَنِي
أَرْضَكَ إِلَى يَوْمِي هَذَا اجْعَلْ عَلَيَّ أُمَّتَهُ نِعْمَةً وَأَعْتَمِهِ عَافِيَةً وَ
أَوْسَعِهِ رِزْقًا وَأَجْزَلَهُ وَأَهْنَأَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ
وَمَلِكِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تَقْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هَذَا أَوْ يَنْقُضِي بَقِيَّةُ
هَذَا الْيَوْمِ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلِي هَذِهِ أَوْ يَخْرُجَ هَذَا الشَّهْرُ لَكَ
قَبْلِي مَعَهُ تَبَعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُفَالِقَنِي بِذَلِكَ أَوْ تَوَاضِعَ
بِهِ أَوْ تَقْتَتَنِي بِمَوْقِفٍ خَيْرٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَوْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ

الغفار يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ لَأَيُّفَرِّجَهُ غَيْرَكَ
وَلِرَحْمَةٍ لِأَشْتَالَ إِلَيْكَ وَلِكَرْبٍ لَا تَكْتَسِبُهُ إِلَّا أَنْتَ وَلِرُغْبَةٍ لَا تُلَبِّغُ
إِلَّا بِكَ وَحَاجَةٍ لَا تُقْضَى دُونَكَ اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَرَدْتَنِي
بِهِ مِنْ مَسَائِلِكَ وَرَحْمَتِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ سَيِّدِي
الْإِلَاحَةَ لِي فِيهِ أَدْعَاؤُكَ وَالنَّجَاةَ لِي فِيهِ أَدْعَاؤُكَ لِيكَ مِنْهُ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً لَا
تُعَذِّبُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضَائِلِ
الْوَالِسِ بِرِزْقٍ أَوْ سِعَا طَيِّبًا لَا تُفْقِرُنِي بَعْدَهُ إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ أَبَدًا
تَزِيدُنِي بِذَلِكَ شُكْرًا أَوْ لِيكَ فَاقَةً وَفَقْرًا أَوْ لِيكَ عَمَلًا سِوَاكَ عَمَلًا
تَعَفُّنَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ جَزَاءُ إِحْسَانِكَ الْإِسَاءَةَ مِنِّي
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَصْلِحَ عَمَلِي فِيهِمَا بَيْنِي وَبَيْنَ النَّاسِ وَ
أَفْسِدُهُ فِيهِمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحُولَ سَبْرِي فِي بَيْتِي وَ
بَيْتِكَ أَوْ تَكُونُ مَخَالِفَةً لِطَاعَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ
مِنَ الْأَشْيَاءِ أَرْتَعِدُنِي مِنْ طَاعَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَعْلَدَ

مِنْ طَاعَتِكَ قَلِيلًا أَوْ كَثِيرًا وَأُرِيدُ بِهَا حَتْمًا خَيْرَكَ أَوْ أَعْمَلَ عَمَلًا يُخَالِفُ الظُّلْمَ
وَمَا أَوْهَى اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوَى بُرْدِي مِنْ بَرَكَةِ أَلْفِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَجْعَلَ شَيْئًا مِنْ شُكْرِي فِيهَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ لِغَيْرِكَ أَطْلُبُ بِهِ
رِضَا خَلْقِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَعْتَدِي حَتْمًا مِنْ حُدُودِكَ أَنْزَلْتَنِي
بِذَلِكَ لِلنَّاسِ وَأَرْكُنُ بِهِ إِلَى الدُّنْيَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ
عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَأَعُوذُ بِطَاعَتِكَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ شَأْؤُهُ وَجَمَلِكَ لَا أَحْصِي الثَّنَاءَ عَلَيْكَ وَلَوْ
حَرَصْتُ وَأَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ مَطَالِمِ كَثِيرَةٍ لِعِبَادِكَ
عِنْدِي فَأَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبَادِكَ أَوْ أَمَةٍ مِنْ أَمَاةِكَ كَانَتْ لَهُ قَبْلِي
مُظْلِمَةٌ ظَلَمْتُهَ أَيَّهَا فِي مَالِهِ أَوْ بَدَنِهِ أَوْ عِرْضِهِ لَا اسْتَطِيعَ إِدَاءَ
ذَلِكَ إِلَيْهِ وَلَا أَحْتَلُّهَا مِنْهُ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْضِهِمْ
عَنِّي بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ وَهَبْهَا لِي وَمَا تَصْنَعُ يَا سَيِّدِي بَعْدَ ذَلِكَ
وَقَدْ وَسِعَتْ رَحْمَتُكَ كُلَّ شَيْءٍ وَمَا عَلَيْكَ يَا رَبِّ أَنْ تُكْرِمَنِي بِرَحْمَتِكَ

وَلَا

وَلَا تُهَيِّبَنِي بِعِبَادِكَ وَلَا تَفْصُلْكَ يَا رَبِّ أَنْ تَفْعَلَ بِهِ مَا سَأَلْتُكَ فَأَنْتَ
وَاجِدٌ لِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ
كُلِّ ذَنْبٍ تَبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَفِيمَا ضَيَّعْتُ مِنْ
فَرَائِضِكَ وَأَذَاءِ حَقِّكَ مِنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ وَ
الْجِهَادِ وَالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَوْ سَبَاغِ الوُضُوءِ وَالْعَنْدِ مِنَ الْجَنَابَةِ
وَقِيَامِ اللَّيْلِ وَكَثْرَةِ الذِّكْرِ وَكَفَّارَةِ الْيَمِينِ وَالِاسْتِزْجَاعِ
بِالْمَعْصِيَةِ وَالصَّدُورِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فَضَرْتُ فِيهِ مِنْ فَرِيضَةٍ أَوْ
سُنَّةٍ فَأِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَمِمَّا رَكِبْتُ مِنَ الْكِبَائِرِ
وَأَتَيْتُ مِنَ الْمَعَاصِي وَعَمِلْتُ مِنَ الذُّنُوبِ وَاجْتَرَحْتُ مِنَ السَّيِّئَاتِ
وَاصَبْتُ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَبَاسْتُرْتُ مِنَ الْخَطَايَا مَا عَلِمْتُكَ مِنْ ذَلِكَ عَمَلًا
أَوْ خَطَأً سِرًّا أَوْ عَلَانِيَةً فَأِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَمِنْ سَفْكِ الدَّمْرِ
وَعُقُوفِ الْوَالِدِينَ وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ وَالْفِرَارِ مِنَ الرَّحْفِ وَقَدْرِ
الْمُحْصَنَاتِ وَأَكْلِ مَوَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا وَشَهَادَةِ الرُّؤُوفِ كَيْتَانِ
الشَّهَادَةِ وَأَنْ أَسْتُرِّي بِعَهْدِكَ فِي نَفْسِي ثُمَّ فُلَيْدًا وَآكِلِ الرِّبَا وَالغُلُو

وَالشُّحْرَةَ السَّحْرَةَ وَالْإِسْكَهَانَ وَالطَّيْرَةَ وَالشَّرْكَ وَالرَّابِءَ وَالسَّرْفَةَ
وَشَرْبَ الْخَمْرِ وَنَقْضَ الْمِكْيَالِ وَبُخْسَ الْمِيزَانِ وَالشِّقَاقَ وَالنِّعَاقَ
وَنَقْضَ الْعَهْدِ وَالْفِرْبَةَ وَالْحَيَانَةَ وَالْعَذْرَةَ وَالْخَفَارَ وَالذَّمَّةَ وَالْحَلْفَ
وَالْعَيْبَةَ وَالنَّمِيمَةَ وَالْبُهْثَانَ وَالْهَمَزَ وَاللَّزْزَ وَالشَّابْرَ بِالْأَلْقَابِ
أَذَى الْجَارِ وَدُخُولَ بَيْتِ بَعِيْرٍ أذَى وَالْفَرْجَ وَالنَّكْبَ وَالْإِسْرَاقَ وَ
الْإِضْرَارَ وَالْإِسْتِكْبَارَ وَالْمُتَنِيْنَ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا وَالْجُورَ فِي الْحُكْمِ وَ
الْإِعْتِدَاءَ فِي الْعَضْبِ وَمُرْكُوبَ النَّجْمِيَّةِ وَتَعْضُدَ الظَّالِمِ وَعَوْنَ عَلَى
الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ وَقِتْلَةَ الْعَدِي فِي الْأَمْرِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَرُكُوبَ الظَّنِّ
وَالْتَبَاعَ الْهَوَى وَالْعَمَلَ بِالشَّهْوَةِ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَمَسَادَ فِي الْأَرْضِ وَجُورَ الْمَخِي وَالْإِذَاءَ إِلَى الْحُكْمِ بِعَبِيْرٍ وَ
الْمَسْكُورَةَ وَالْحَدِيْعَةَ وَالْجُنْدَ وَقَوْلٍ فِيْمَا لَا أَعْلَمُ وَأَكْرَادَ الْمَيْتَةِ وَالذَّمَّ
وَالْحَمْلَ الْخَبِيْرَ وَمَا أَهْلَ لَيْعِبَ اللهُ بِهِ وَالْحَسَدَ وَالْبَغْيَ وَالِدُّعَاءَ إِلَى
الْفَاحِشَةِ وَالْمَتَّبِعِ مِمَّا فَضَّلَ اللهُ وَالْإِعْتَابَ بِالتَّقْصِيرِ وَالْمِنْ بِالْعَطِيَّةِ
وَالْإِنْ تَكَابٍ إِلَى الظُّلْمِ وَجُورِ الْمُفْرَقَانِ وَقَهْرِ الْبَيْتِ وَأَنْتَهَارِ السَّائِلِ

القرآن

الملك

وَالْحَيْثُ فِي الْإِيمَانِ وَكُلَّ يَمِينٍ كَأَذِيْبَةٍ فَاجِرَةٍ وَظُلْمِ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي
أَمْوَالِهِمْ وَأَشْعَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ وَأَعْرَاضِهِمْ وَمَارَاهُ بَصَرِي وَسَمِعِهِ
سَمْعِي وَتَطْفُنَ بِهِ لِسَانِي وَكَبَطْتُ إِلَيْهِ يَدِي وَنَفَقْتُ إِلَيْهِ قَدَمِي
وَبَاشَرُهُ جِلْدِي وَحَدَّثْتُ بِهِ نَفْسِي مِمَّا هُوَ لَكَ مَعْصِيَةٌ وَكُلَّ يَمِينٍ
ذُورٍ وَمِنْ كُلِّ فَاحِشَةٍ وَذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ عَمِلْتَهَا فِي سَوَادِ اللَّيْلِ
وَبَيَاضِ النَّهَارِ فِي مَلَا أَوْ خَلَا مِمَّا عَلِمْتُهُ أَوْ لَمْ أَعْلَمْهُ ذَكَرْتُهُ أَوْ
لَمْ أَذْكَرْهُ سَمِعْتُهُ أَوْ لَمْ أَسْمَعْهُ عَصَيْتُكَ فِيهِ رَبِّي طَرْفَةً
عَيْنِي وَفِيهَا سِوَاهَا مِنْ حِلٍّ أَوْ حَرَامٍ تَعَدَّيْتُ فِيهِ أَوْ قَصَرْتُ عَنْهُ
مُنْذُ يَوْمٍ خَلَقْتَنِي إِلَى يَوْمٍ جَلَسْتُ مَجْلِسِي هَذَا فَإِنِ أَنْوَبَ إِلَيْكَ يَا
وَأَنْتَ يَا كَرِيمَ تَوَابًا بِرَحْمَتِكَ يَا اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمِنَّةِ وَالْقَضَاءِ وَالْمُحَامِدِ
الَّتِي لَا تُخْضَى صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي وَلَا تَرُدَّهَا
لِي كَثْرَةَ ذُنُوبِي وَمَا أَسْرَفْتُ عَلَى نَفْسِي حَتَّى أَرْجِعَ فِي ذَنْبِي تَنْبُكُ إِلَيْكَ
مِنْهُ فَأَجْعَلْهَا يَا عَزِيزُ تَوْبَةً تَصُوحًا صَادِقَةً مَبْرُورَةً لَدَيْكَ مَقْبُولَةً
مَرْفُوعَةً عِنْدَكَ فِي حَزَائِيكَ الَّتِي زَحَرَتْهَا لِأَوْلِيَائِكَ حِينَ قَبْلَتْنَا

مِنْهُمْ وَرَضِيَتْ بِرَاعِيَتِهِمْ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ النَّفْسُ نَفْسُ عَبْدِكَ وَأَسْأَلُكَ
أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَخْصِنَهُمَا مِنَ الذُّنُوبِ وَتَمْنَعَهُمَا
مِنَ الْخَطَايَا وَتَحْرِمَهُمَا مِنَ السَّيِّئَاتِ وَتَجْعَلَهُمَا فِي حِضْنِ حَبِيبٍ مَبِيعٍ
لَا يَعْصِلُ إِلَيْهَا ذَنْبٌ وَلَا خَطِيئَةٌ وَلَا يُفْسِدُهَا عَيْبٌ وَلَا مَعْصِيَةٌ
حَتَّى الْفَلَاحِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَنْتَ عَنِّي رَاحِلٌ وَأَنَا مَرُودٌ تَعْبِطُنِي
مَلَائِكَتُكَ وَأَنْبِيَاؤُكَ وَجَمِيعُ خَلْقِكَ وَقَدْ قَبِلْتَنِي وَجَعَلْتَنِي
ثَابِتًا ظَاهِرًا رَاضِيًا مِنَ الصَّادِقِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَرِفُ لَكَ بِذُنُوبِي
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْهَا ذُنُوبًا لَا تُغْفَرُهَا لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ
عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ
أَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مِنْ عَطَائِكَ وَمِنِكَ وَضَلَّكَ
وَبِعَ عَلَيْكَ وَمَضَانِكَ أَنْ تَرُزُقَنِي لِتَوْبَةٍ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِصِمْنِي
بِنَفْسِي عَمْرِي وَأَحْسِنْ مَعُونَتِي فِي الْحَيَاةِ وَالْآخِرَةِ وَالْمَسَارَعَةِ إِلَى
مَا حُبُّكَ وَتَرْضَى وَالنَّشَاطِ وَالْمَتَرَجِّ وَالصَّحَّةِ حَتَّى أَلْبِغَ فِي عِبَادَتِكَ

وَرُسُلِكَ

وَمَا عَمَلًا

وَمَا عَمَلًا اللَّهُمَّ إِنِّي بِيحْسَابِكَ عَلَى رِضَاكَ وَأَنْ تَرُزُقَنِي بِرَحْمَتِكَ مَا أَقْبَرُ حَيْدُ
دِينِكَ وَحَتَّى أَعْمَلَ فِي ذَلِكَ بِسِتْرٍ نَعِيمٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ وَآلِهِ وَفَعَلًا
ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا
اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَشْكُرُ الْيَسِيرَ وَتَغْفِرُ الْكَثِيرَ وَأَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ

يَكُونُ مِنْ غَفْوَةِ أَخْرَجَ بِعَنِي اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَشْكُرُ مَا أَخْرَجَ وَأَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ رَأْسُهُ مَرِيضٌ بِرُكُوبِهِ

اللَّهُمَّ افْتَحِرْ لِي كُلَّ مَا تَطْفِئُ بِهِ عَنِّي نَارَ كُلِّ جَاهِلٍ وَتُخَدِّعُ عَنِّي
شَعْلَةَ كُلِّ قَائِلٍ وَأَعْطِنِي هُدًى مِنْ كُلِّ صِدْقٍ وَغِيثٌ مِنْ كُلِّ
فَقْرٍ وَقُوَّةٌ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ وَعِزٌّ مِنْ كُلِّ ذَلٍّ وَرَفْعَةٌ مِنْ كُلِّ ضَعْفَةٍ
وَأَمْنٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَعَافِيَةٌ مِنْ كُلِّ آلَةٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَمَلًا يَفْتَحُ
لِي بَابَ كُلِّ نَيْبٍ وَيَقْبَلُ لِي عَنِّي بِأَبْسِ كُلِّ شَبْهَةٍ وَدُعَاءٍ
تَنْبِطُ بِهِ الْإِحَابَةَ وَخَوْفَاتِي بِرُكُوبِ كُلِّ رَحْمَةٍ وَعِصْمَةٍ تَحُولُ بَيْنِي
يَا مَنْ نَهَانِي عَنِ الْمَعْصِيَةِ فَعَصَيْتُهُ فَلَمْ يَنْبِغْ لِي سِيْرِي عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ
يَا مَنْ أَلْبَسَنِي عَافِيَةً فَعَصَيْتُهُ وَلَمْ يَنْبِغْ لِي عِنْدَ ذَلِكَ عَافِيَتُهُ يَا مَنْ
أَكْرَمَنِي وَأَسْبَغَ عَلَيَّ نِعْمَةً فَعَصَيْتُهُ فَلَمْ يَزَلْ عَنِّي نِعْمَتُهُ يَا مَنْ
نَصَحَ لِي فَتَرَكْتُ نَصِيحَتَهُ فَلَمْ يَسْتَدْرِجْنِي عِنْدَ تَرْكِي نَصِيحَتَهُ

بِهِ

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَمَلًا يَفْتَحُ لِي بَابَ كُلِّ نَيْبٍ وَيَقْبَلُ لِي عَنِّي بِأَبْسِ كُلِّ شَبْهَةٍ وَدُعَاءٍ تَنْبِطُ بِهِ الْإِحَابَةَ وَخَوْفَاتِي بِرُكُوبِ كُلِّ رَحْمَةٍ وَعِصْمَةٍ تَحُولُ بَيْنِي

يا من اوصاف بوضايا كثيرة لا تحصى اشفا فامنه على ورحمة
منه لي فتركت وصيته يا من كتم سيني واطهر عاني حتى
كاف لي اذن اعلم بطاعته يا من ارضيت عباده ببحظه فلم
يكلني ليرهم ورفقني من سعته يا من دعاني الى جنته فاخرت
النار فلم تمنعه ذلك ان فتح لي باب توبته يا من افاض عظم
العشره امرني بالدعاء وضمن لي اجابته يا من اعصيه فيكسر
علي وبعصب لي ان عيرت بمعصيته يا من نها خلفه عن اشهاك
مخارمي وانا مقيم على اشهاك مخارمه يا من اذنت ما اعطاني
في معصيته فلم يحبس عني عطيته يا من قويت على المعاصي كفتها
فلم يحذلني ولم يخرجنني من كفائته يا من ابرزته بالخطايا
فلم يميل به عند جزائي على مبارزته يا من امهلني حتى استغثتني
من لذاتي ثم وعدني على تركها مغفرته يا من ادعوه وانا على
معصيته يخبيني ويقضي حاجتي بعذره يا من عصيته باللبان
التهار وقد وكل بالاس تغفار له ملكه يا من عصيته في

الشباب والمسيب وهو سنانا في بيتي لي باب رحمة يا من يشكر
البير من عملي وينتق الكثير من كرامته يا من خلصني بعذره و
نجاني بلطفه يا من استدرجني حتى جانت محبته يا من فرغ الكثير
لي من اجابته على طول اساءتي وتصيبني قريضة يعفر ظمنا وحبنا
وخراننا وهو لا يجوز علينا في نصيته يا من يتظالم فلا يؤخذ بعلمه
و يمهل حتى يخضر المظلوم بينه يا من يشرك به عبده وهو خلفه
فلا يتعاطفه ان يعفر له جريرته يا من من على بتوحيده ويحج
على الذنوب وارجوا ان يعفرها لي بمشيتيه يا من اعدروا اذنا
ثم عدت بعد الاغذاره الاذاره بمعصيته يا من بعلم ان حساني
لا تكون ثمتا لا صغر نعيمه يا من اذنت غري في معصيته فلم يغلو عني
باب توبته يا ولي ما اقل حياتي ويا سبحان هذا الرب ما اعظم هيبتة
ويا ولي ما اقطع لساني عند الاغذار وما عذري وقد ظهرت على حجته
ما انا ذاباج يخرمي مغر يدني في ربي لرحمته ويتعمد في مغفرته يا من
الارضون والسموات جميعا في قبضته يا من استحققت عقوبته

ها أنا ذا عبدك الحبيب الخاطي اغفر له خطيئته يا من يجزي في مخياي وماني
يا من هو عدو في ظلمة القبر وحسنه يا من هو نبي ورحامي وعدته
يعذاب القبر وصرغته يا من هو غياث ومفرج عن عدو الحيا في دينه
يا من عظم عفوه وكرم صفحه واشدك نفسته الهى لا تخداني
يوم القيمة فانك عدو للميزان وجعته ها أنا ذا اياج بحر ميم مقتره
يدني معرفتك خطيئتي الهى خالعتي ومولاى صل على محمد وال محمد
واخيم بي بالشهادة والرحمة اللهم اني اسالك بكل اسم هو لك
يجوز عليك فيه الدعا اذا دعت به واسالك بحق كل ذي
حق عليك وبحقك على جميع من دونك ان تصلى على محمد
عبدك ورسولك وال محمد عبدك الخبايا الميامين ومن ارادني
فخذ بسنعه وقبره ومن بين يديرو ومن خلفه وامنعه عني بحولك
وقوتك انك على كل شئ قدير اللهم انما نرعب اليك في دولته
كبرية بغرورها الاسلام واهله وتذكيرها التفاق واهله
وتجملنا فيهم من الدعا الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا

بها كرامة الدنيا والاخرة برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم
انا نكفوا اليك غيبة نبينا وكثرة عدونا وقله عددنا وسنة
الغيب بنا وتظاهر الزمان علينا مسل على محمد وال محمد واعنا على
ذلك بفتح منك نجيلة ونصر نغرة وسلطان حق نظهره ورحمة
منك تجلبناها وعافينك فالبتناها برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم اني لم اعمل حسنة حتى اعطيتها لها ولم اعمل لسيئة الا بعد
ان ذنبتها الى الشيطان الرجيم اللهم فصل على محمد واله وعد على
بعضائك وداو داو يدوايك فانك دائي الذنوب القبيحة وداووك
وعد عفوك وحلاوة رحمتك اللهم ولا تهتك سيري ولا تشد عودتي
وامن روعتي وافلني عثرتي ونفسي كربي وافض عني ديني
وامانتي واخر عدوك وعدو المحمدي وعدوي وعدو المؤمنين
من الجن والانس في مشارق الارض ومغاربها اللهم طاجني حاجي
حاجتي الهى ان اعطينتها لم يضرنى ما مستعيني وان مستعينيها
لم يستغني ما اعطينتني وهي فكاك رميتي من النار فصل على

مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدِ وَأَرْضِ عَمِّي وَأَرْضِ عَمِّي وَفَقْرَةَ وَأَرْضِ عَمِّي الْمَكْرِبِ كَرِيمِ
اللَّهُمَّ يَا كَ تَعَبَدْتُ بِحَاجَتِي وَإِلَيْكَ أَنْزَلْتَ مَسْكِنِي فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتَكَ
يَا وَهَابَ الْجَبْتَةِ يَا وَهَابَ الْمَغْفِرَةِ لِأَحْوَالِ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ آيَاتِ
أُطْلُبُكَ يَا مَوْجُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ فِي الْعَالَمِ فِي مَرَّةٍ وَفِي الْفِعَارِ أُخْرَى
لَعَلَّكَ تَسْمَعُ مِنِّي الْبِدَاءَ فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي وَقَتْلَ حَيَاتِي مَعَ تَقْلُودِ
تَلْفِي وَتُعْبُدِ مَطْلَبِي وَكَثْرَةَ أَهْوَالِي أَنْذَكُرُ وَإِيَّهَا أَسْتَفِي فَلَوَلَمْ
يَكُنْ إِلَّا الْمَوْتُ لَكُنِّي فَكَيْفَ وَمَا تَعْبُدُ الْمَوْتَ أَعْظَمُ وَأَدْهَى يَا
فَتَلِي وَدَمَارِي وَسَوْءَ سَلْبِي وَفِكْرَةَ نَظْرِي لِنَفْسِي حَتَّى مَتَى وَإِلَى مَتَى
أَقُولُ لَكَ الْعُسْبِي مَرَّةً تَعْبُدُ أُخْرَى ثُمَّ لَا تَجِدُ عِنْدِي صِدْقًا وَلَا وِفَاءً
أَسْأَلُكَ بِحَيِّ الَّذِي كُنْتُ أَنْبِيَاءَ الظُّلَمِ وَبِحَيِّ الَّذِي لَمْ يَرَوْا
بِعِينِهِمُ الشَّهَارَ وَبِكَلِمَةِ اللَّيْلِ حَتَّى مَضَوْا عَلَى الْأَسِنَّةِ قُلُوبًا فَحُضِبُوا
الْحَيَاءُ بِاللِّمَاءِ وَرَمَلُوا الْوُجُوهَ بِالرَّيِّ إِلَّا عَمَوْتَ عَمَّتْ ظِلْمٌ
وَأَسَاءَ يَا غَوْثَاهُ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوَى قَدِّعَلْبِي وَ
مِنْ عَدُوِّ قَدِّاسْتَكَلَبَ عَلَيَّ وَمِنْ دُنْيَا قَدِّزَيْتَنِي لِي وَمِنْ نَفْسِي أَمَارَةٍ

اللَّهُمَّ يَا كَرِيمُ

بالسوء

بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي فَإِنْ كُنْتُ سَتِيدِي قَدْ قَبِلْتُ مِثْلِي فَأَقْبِلْنِي
يَا مَنْ قَبِلَ السُّحْرَةَ أَقْبِلْنِي يَا مَنْ يُعِدُّ بَيْنَنَا بِالنِّعَمِ صَبَاحًا وَمَسَاءً قَدْ
تَرَانِي فَرِيدًا وَجِيدًا شَاخِصًا بَصْرِي مُفَكِّدًا عَمَلِي قَدْ شَبَّرَ أَجْمَعِ
الْخَلْقِ مِنِّي نِعَمٌ وَأَبِي وَأُمِّي وَمَنْ كَانَ لَهُ سَعْيِي الْهَيْمَنُ مِمَّنْ يَقْبَلُنِي
وَلَيْسَ مَعِي نِدَائِي وَمَنْ يُؤْنِسُ وَحْشَتِي وَمَنْ يُطَوِّئُ لِي إِنْ إِذِ اعْيَبْتُ
فِي الشَّرِّ وَحَدِي ثُمَّ سَأَلْتَنِي بِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَأَنْفَلْتُ فَطَلْتُ
فَأَنْتَ الْمَهْرَبُ مِنْ عَذَابِكَ وَإِنْ قُلْتُ لَمْ أَفْعَلْ قُلْتُ لَمْ أَكُنْ أَشَاهِدًا
وَأَذَاكَ يَا اللَّهُ يَا كَرِيمُ الْعَفْوُ مِنْ لِي عَجَبٌ إِنْ سَأَلْتُ غَيْرَكَ لَمْ يُظْفِنِي
وَإِنْ دَعَوْتُ غَيْرَكَ لَمْ يُجِبْنِي رِضَاكَ يَا رَبِّ قَبْلِ لِقَائِكَ رِضَاكَ مَا
رَبِّ قَبْلِ مُرُورِ التَّيْرِ إِنْ رِضَاكَ يَا رَبِّ قَبْلَ أَنْ تَعْلَمَ الْإِيْدِي إِلَى
الْأَعْيَانِ رِضَاكَ يَا رَبِّ قَبْلَ أَنْ أُنَادِيَ فَلَا أَجْلِبُ الْبِدَاءَ يَا
أَحْسَنَ مَنْ تَجَاوَزَ وَعَنَى وَعَمَّرَ نَيْكَ لَا أَقْطَعُ مِنْكَ الرَّجَاءَ وَإِنْ
عَظُمَ جُرْمِي وَقَتْلَ حَيَاتِي فَقَدْ لَزِقْتُ بِالْقَلْبِ دَاءً لَا يَسُرُّ لَهُ
دَوَاءٌ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ إِلَّا دُونَ مِثْلِهِ يَا مَنْ لَمْ يَتَعَرَّضْ لِلْمُعْرِضُونَ

عَمَّا ر

لَا كَرَمَ مِنْهُ وَيَا مَنْ لَمْ يُشَدَّ الرِّجَالُ إِلَى مِثْلِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاشْعَلْ قَلْبِي بِعَظِيمِ شَانِكَ وَأَرْسِلْ مَحَبَّتَكَ إِلَيْهِ حَتَّى أَلْفَاكَ
وَأُودِجِي تَشْحَبُ دُمَايَا وَاحِدِيَا أَجُودَ الْمُعْبِدِينَ الْمُتَكَبِّرِ الْمُتَقَالِ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْكُكْ رَبِّي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الْهَيْ صَلِّ شُكْرِي سَيِّدِي فَلَمْ تَحْرَمْنِي وَعَظَمْتَ
خَطِيئَتِي سَيِّدِي فَلَمْ تَقْضِحْنِي وَمَرَّيْتَنِي عَلَى الْمَعَاصِي سَيِّدِي فَلَمْ
تَمْنَعْنِي وَأَمَرْتَنِي سِرِّي وَأَمَرْتَنِي سَيِّدِي بِالطَّاعَةِ فَضَيَّعْتَ مَا
بِي أَمَرْتَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ مِنِّي سَيِّدِي إِنْ لَمْ تَغْنِنِي فَأَيُّ شَفِيٍّ أَشْفَى
مِنِّي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي فَعَنَمَ الرَّبُّ أَنْتَ يَا سَيِّدِي وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَبِئْسَ
الْعَبْدُ أَنَا يَا سَيِّدِي وَحَدِيثِي أَيْ رَبَّاهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ مُعْرِفٌ
بِذُنُوبِي مُقْتَرٌ بِالْإِسَاءَةِ وَالظُّلْمِ عَلَى نَفْسِي مِنْ أَنَا يَا رَبِّ فَفَقِّدْ
لِعَذَابِي أَمْ مِنْ يَدِ خَلْقِي مَا لَيْتَكَ إِنْ أَنْتَ رَحِمْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَسْدُ بِهِ لِسَانِي وَأُحْضِنُ بِهِ قُرْحِي وَأُودِدُ
بِهِ عَنِ أَمَانَتِي وَأَصِلُ بِهِ رَحِمِي وَأَخْتَرُ بِهِ الْآخِرَةَ وَيَكُونُ لِي عَيْشًا

عَلَى الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُ لَأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ وَعِزَّتِكَ يَا كَرِيمًا وَلَا لِحْنَ
عَلَيْكَ وَلَا طَلِبِينَ إِلَيْكَ وَلَا تَضَرَّ عَنْ إِلَيْكَ وَلَا بَسُطْنَهَا إِلَيْكَ لَا بَسُطْنَ يَدَيَّ
مَعَ مَا اقْتَرَفْنَا مِنْ الْأَثَامِ يَا سَيِّدِي فِيمَنْ أَعُوذُ وَبِمَنْ أُوذُ
كُلُّ مَنْ آتَيْتَهُ فِي حَاجَةٍ وَسَأَلْتَهُ قَائِدَةً فَالَيْكَ يُرْتَدُّ
وَعَلَيْكَ يَدْلُو وَيَمِيَا عِنْدَكَ يُرْعِبُنِي فَاسْأَلْكَ بِحَجَّتِي مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ
وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ
وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ
وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ صَلَوَاتُكَ
يَا رَبِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ فَاتَّكَلَّمْ عِنْدَكَ
شَأْنًا مِنْ الشَّانِ أَنْ نُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ نَفْعَلَ بِ
كَذَا وَكَذَا وَبِحَاجَتِي كَذَا وَكَذَا حَوَاجِي دُنْيَا وَآخِرَتِي اللَّهُمَّ مَرَّتَيْنَا وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ
مُسْتَرِدًّا لِنُورَانِي وَالْإِبْجِيلِ وَالرَّبُّورِ وَالْعُرْفَانِ الْعَظِيمِ فَالِقِ
الْحَبِّ وَالتَّوَيَّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذَاتَةٍ أَنْتَ أَحَدٌ يَا صَبِيحَةَ
أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَ

٤

نعالى كبر

اذا دعيت به واسألك بكل ذي حق عليك وبحقك على جميع
من هو دونك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك واليه الطاهر
ومن ارادني او اراد احدا من اخواني بسوء فخذ بسعيه وبصره
ومن بين يديه ومن خلفه وامنعني منه بحولك وقوتك اللهم
ما غاب عني من امرى او حضرني ولا يظن به لساني ولا يبلغه
من سئلي انت اعلم به مني فصل على محمد وال محمد واصليهم
لي وسهله يارب العالمين ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا
ربنا ولا تحمد علينا صرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا
ولا تحم لنا ما لا طاقه لنا به واعف عتانا واغفر لنا وارحمنا
انت مولانا فانصرتنا على القوم الكافرين ماذا عليك يارب لو
ارضيت عني كل من له قبلي تبعه وادخلني الجنة برحمتك
وعفرت لي ذنوبي فانك مغفر ذنوب الخاطئين وانا منهم فاغفر لي
خطاي يارب العالمين اللهم تحلم عن المذنبين وتعفو عن
الخاطئين وانا عبدك الخاطيء المذنب الحسير الشقي الذي قد

الاعز

افترعتني ذنوبي واوبقتني خطاي ولما اجد لها سادا او سلا
غافرا غيرك يا ذا الجلال والاكرام الهى استعبدني الدنيا
واستخذمتني فصرت حيران بين اطباها فيا من احصى اللب
فشكره وتجاوز عن الكثير في معصيتك فاغفره فانيه الا
يعفر العظيم الا العظيم يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد
والمحمد واعني على صلوة اللين وصيار النهار وارزقني
من الورع ما يجزيني عن معاصيك واجعل عبادتي لك اجابا
حيويا واستعملني ايام عمرى بعمل رضى برعنى ورتو ذنوب
الدنيا التقوى واجعل لي في ليلتك خلفا من جميع الدنيا
واجعل ما بقي من عمري درك الماضى من اجلي ايقنت انك
انت ارحم الراحمين في موضع العفو والرحمة واشد المعافين
في موضع النكال والتممة واعظم المنجبرين في موضع الكبر
والعظمة فاسمع يا سميع مدحى واحب يا رحيم دعوى واقل يا
عفو عثرته فكما يا الهى من كبرية قد رجها وغرة قد كشفها

مواضع

وَعَتْرَةٍ قَدْ أَقْلَبَتْهَا وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرَتْهَا وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكَهَا
أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا
اللَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا فَاشْهَدْ لِي بِأَنْتَ
أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي وَأَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُكَ
نَبِيِّ وَأَنَّ الدِّينَ الَّذِي شَرَعْتَ لَهُ دِينِي وَأَنَّ الْكِتَابَ الَّذِي أَنْزَلْتَ
عَلَيْهِ كِتَابِي وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أُمَّتِي لِلَّهِمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا
فَأَشْهَدْ لِي بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُنْعِمُ عَلَيَّ لَا غَيْرَكَ لَكَ الْحَمْدُ بِعَمَلِكَ
تَسْمُ الصَّالِحَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ
وَتَبَارَكَ اللَّهُ وَتَعَالَى وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَلَا مَلْجَأَ وَلَا مَجَانِينَ اللَّهُ إِلَّا إِلَهُ إِلِيهِ عَدَدُ الشُّعْبِ وَالْوَتْرِ وَعَدَدُ
كَلِمَاتِ رَبِّي الطَّيِّبَاتِ الْمُبَارَكَاتِ صَدَقَ اللَّهُ وَبَلَغَ الْمُرْسَلُونَ
وَخَسِرَ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلِ النَّوْرَ فِي بَصِيرِي وَالصِّحَّةَ فِي صَدْرِي وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ

وَالنَّهَارَ عَلَى لِسَانِي وَمِنْ طَيْبِ رِزْقِكَ الْحَلَالِ غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَجْرِمَ الْمَعِيْشَةِ مَعِيْشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَى جَمِيعِ
حَاجَاتِي وَأَتَوَسَّلُ بِهَا فِي الْحَيَاةِ إِلَى آخِرَتِي مِنْ غَيْرِنِ شُرْفِي فِيهَا فَأَشْفِقْ
وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ سَيِّبِ فَضْلِكَ نِعْمَةً
مِنْكَ سَابِقَةً وَعَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا تَشْعَلْنِي فِيهَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ
عَلَيَّ بِإِكْتَارِ مِنْهَا فَتُلْهِبَنِي عَجَائِبَ أَحْبَبَهِ وَتُقْتَلِنِي ذَهْرَاتِ
زِينَتِهِ وَلَا يَأْتِلُنِي مِنْهَا فَيَقْصُرُ بَعْمَلِي كَدُهُ وَيَمْلَأُ صَدْرِي عَيْشُهُ
بَلْ اعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غَنًى مِنْ شَرِّ رِزْقِكَ وَبَلَاغًا أَنَا لِي بِهِ رِضْوَانًا
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ أَهْلِهَا
وَشَرِّ مَا فِيهَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا لِي حُرْمًا
أَجْرِي مِنْ فِتْنَتِهَا وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا
حَتَّى أَصِلَ بِذَلِكَ إِلَى دَارِ الْخَيْرِ وَأَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
وَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ يَهْرَؤَ زَوْجِي أَوْ يَهْرَؤَ سُلْطَانِي أَوْ مِنْ
شَرِّ شَيْءٍ طَائِفِيهَا وَبَعِي مِنْ بَعِي عَلَيَّ فِيهَا مَصِلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ

اغصمني بالكسبية والنسبي وزرعك الحصينة واجتني في سترك
الموافي واصليح لي وبارك لي في اهلي ولذي ومالي اللهم صدق
على محمد وآله وطهر قلبي وجسدي وزك عيني واقبل سعيي
واجعل ما عندك خيرا لي سيدي انا من جنك جامع لا اشبع انا
من جنك ظنك لا اذوي والشوقا الى من يراي ولا اراه يا حبيب
من تحب اليه يا قوة عين من لا ذبه وانقطع اليه قد نرى وحدته
من الادميين ووحشي فصل على محمد وآله واغفر لي والن وحشة
وارحم وحدثي وعزبي اللهم اناك عاليم جواحي غير معكم واسع
لما غيرت كل مصل على محمد وآله وافعل بما انت اعلم به
معي من امر نياي واخبرني اللهم عظيم الذنب من عبدك فليحس
العنق من عندك يا اهل التقوى واهل المغفرة اللهم انا
عموك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفتك عن ظلمي
وسترك على مبيح عملي وحملك عن كبير جرمي عند ما كان من
خطاي وعمدي اطمعني في ان اسالك ما لا استوجبه منك

البيح

الذي

الذي رزقني من رحمك وامرني من قدرك وعزفتني من اجابك
فصرت اذعوك امنا واسالك مستانسا لا خائفا ولا وحيدا
مد لا عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطاعني عتبتك
بجهلي وعدل الذي ابطاعني هو خير لعليك بعافية الامور
ارمولى كرميا اصبر على عبدك لبيهم منك على يارب انك
تدعوني فاوتي عنك وتحتب الي فانبعض اليك وتودد
الي فلا اقتد منك كانت لي التطول عليك ولم يمنعك ذلك
من الرحمة لي والاحسان الي والفضل علي بجزوك وكرمك
فصل على محمد وآله وارحم عبدك الجاهل وعد عليه بفضل
إحسانك انك جواد كريم أي جواد أي كريم بعد ان بسم الله
الرحمن الرحيم بسم الله بسم الله بسم الله الغيب بسم من ليس في وخطا
نيتيه شك ولا ريب بسم من لا توت عليه ولا رغبة الا اليه
بسم المعلوم غير الخدود والمعروف غير الموصوف بسم من امانك
واخيا بسم من له الاخرة والاولى بسم العزيز الاعز بنم الجليل

لي

الْأَجَلِ بِسْمِ الْحَمْدِ وَغَيْرِ الْحَمْدِ الْمُسْتَحَقَّ لَهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ بِسْمِ
 الْمَذْكُورِ فِي الشِّدَّةِ وَالرِّخَاءِ بِسْمِ الْمُهَيَّبِ مِنَ الْجَبَّارِ بِسْمِ
 الْحَمْدِ الْمُنَانِ بِسْمِ الْعَزِيزِ مِنْ غَيْرِ تَعَزُّزٍ وَالْقَدِيرِ مِنْ غَيْرِ تَقَادُرٍ
 بِسْمِ مَنْ لَا يَزَلُ وَلَا يَزُولُ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
 لَا نَأْخُذُ سِنَةً وَلَا نَوْمًا سَعَادًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاصْلِحْ لِي
 قَبْلَ الْمَوْتِ وَأَرْحَمْنِي عِنْدَ الْمَوْتِ وَاعْفُ عَنِّي بَعْدَ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَحْطِطْ عَنَّا أَوْ زَانِنًا بِالرَّحْمَةِ وَارْجِعْ
 بِمَسِيئَتِنَا إِلَى التَّوْبَةِ اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي قَدْ كَثُرَتْ وَجَلَّتْ عَنِّي
 الصِّفَةُ وَانْهَاطَتْ فِي جَنْبِ عَفْوِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْفُ عَنِّي
 اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ ابْتَلَيْتَنِي فَصَبِّرْ بِي وَالْعَافِيَةُ أَحْسَبُ إِلَى اللَّهِ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَسِّنْ ظَنِّي بِكَ وَحَقِّقْهُ وَبَصِّرْ فِعْلي

بِسْمِ

عَمَّن

عَمَّنْ أَحْسَنَ بِنَ ظَنِّي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْفُ عَنِّي بِالْجَلْدِ
 بَارِكْ وَالنَّفْسُ دَائِرَةٌ وَاللِّسَانُ مُنْطَوِّقٌ وَالصُّحُفُ مُدَشَّرَةٌ وَالْأَفْئِدَةُ
 جَارِيَةٌ وَالتَّوْبَةُ مَقْبُولَةٌ وَالتَّضَرُّعُ مَرْجُوعٌ فَتَبَلَّ أَنْ لَا أَقْدِرَ
 عَلَى اسْتِغْفَارِكَ حِينَ يَفْنَى الْأَجَلَ وَيَنْتَهِجُ الْعَمَلُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَتَوَلَّنَا وَلَا تُؤَلِّمْنَا غَيْرَكَ اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ
 وَلَا يَنْظُرُ أُمَّةً إِلَّا اللَّهُ الْمُسْتَغْفَرُ بِهِ وَلَا يَدْرِي مَا وَرَاءَهُ وَلَا وَرَاءَ مَا وَرَاءَهُ
 وَالْمُرَادُ بِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَغْفِرُكَ
 لِمَا وَعَدْتُكَ مِنْ نَفْسِي ثُمَّ أَخْلَفْتُكَ وَاسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَبَتُّ إِلَيْكَ مِنْهُ
 ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ آدَبْتُ بِهِ وَجَهَكَ ثُمَّ خَالَطْتُ
 فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ ثُمَّ قَوَيْتُ
 بِهَا عَلَى مَعْصِيَتِكَ **مؤلف** كونه ابن دغا را سید از او محمد هرون بن موسی لعکری بخبره
 نموده است و ظاهر آنست که او کتاب او نقل نموده باشد و این مجرب
 یکدعا باشد بلکه چندین دغا بروایات مختلفه باشد و تلکبری سید آنها را نقل کرده
 مجموع را متصل یکدیگر نقل نموده باشد و بدانکه سید در این مقام گفته که این دغا اگر
 روزی و در بخوابی بخوی که در دغا مذکور است بخواند و اگر در شب اول بخوابی بخوی بویم هذا لیل
 هذه بخوابی پس سید گفته که آنچه در خاطر من بر جی یا فیه آنست که این دغا در روز باید
 خوانده شود اولی است و سبب این بر جی ظاهر عدم احتیاج لفظ دغاست یعنی شب و روز
 و اگر در روز و شب هر دو خوانده شود اولی است و باید دانست که در این شب و روز دغاها

و هر روز و در آنها مخصوصه شده و روز اول یک بعد از این در ابواب آیت مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی با دعای جوشن کبیر که سابق مذکور شد نیز باید خوانده شود و الله اعلم
باب نهم در بیان اعمال هر شبه اینها است و در آنچه مقصد است مقصد اول
در بیان نمازهای هر شبه و در روایات و اخبار آنچه مذکور است چند نماز است **اول** مشهور
میان علمای شیعه در صنوان الله علیهم آنت که در ماه مبارک رمضان هزار رکعت نافله
ستف است و احادیث متعدده بلکه مستفیضه نیز بر آن دلالت میکند و اکثر این روایات را
شیخ طوسی در کتاب تهذیب ذکر نموده و بنا بر آنچه خوف طناب ایراد نمودیم ولیکن پسند
اکثر آن روایات ضعیف است و از بعضی اخبار دیگر خلافت نیز ظاهر میشود چنانچه شیخ طوسی در
کتاب صحیح از جلیلی روایت نموده است که از حضرت صادق علیه السلام سئوال نمود از نافله ماه رمضان
حضرت فرمود که سیزده رکعت است نافله و رکعت نافله است و در رکعت نافله صبح و رسول
خدا صبح نیز میگرد و نیز چنین میکند و اگر غیر این میگوید و ضعیف است میباشد رسول خدا ص
آنرا ترک نمیزد و روایت صحیح دیگر نیز همین مضمون را از آنحضرت روایت نموده و این تسمه
در آخر آن مذکور است که اگر ضعیف است صد است رسول خدا ص زیاد از سیزده رکعت نماز
نافله میکند و دیگر زنان لایق تر و سزاوار تر بود و شیخ ایوب و روایت زاحل بر این نموده که
کمراد است که آنحضرت این نافله را بجماعت ادا نکرد و من نیز بجماعت ادا نمیکنم و مقصود
و در جاهل است که این نافله را بجماعت میکند و علامه ره گفته که مراد اینست که نافله
رابطه در اینماه زیاد نمیشد و اگر زیاد می بود آنحضرت بکردن آن اولی بود پس منافات ندارد
که نافله غیر رابطه در اینماه زیاد از سایر اوقات باشد و این هر دو وجهی خالی از تعبد نیست
ولیکن چون روایات دیگر بر آن زیاد از حد عدد و احصاء طرح همه آنها جرات و در
مفاید اشکال است بنا بر این اقوی است بجماعت آن و چون این روایت برخلاف ظاهر
دلالت دارد و بعضی از علمای بعد از شیعه آن قابل شده اند از حد آنست که این نماز را به
نیت قربت به شفاعت واقع سازد که نافله در خصوص اینماه سنت باشد بان محسوب شود
و الا نافله مطلقا محسوب خواهد شد زیرا که نماز نافله مطلقا مطلقا شارع افتاده
و بعد از حدیث وارد شده است که نماز غیر نیت شده اینست هر که خواهد که نماز او در هر که
خواهد بیشتر کند و بنا بر این مفسد بر این نماز مرتب نیست و در حد غیر بدعت اصلا ندارد
و نزاع بین الفریقین با این معنی رفع میگردد و الله تعالی میگرد و کیفیت تقسیم این نماز بر شش
اینماه مؤلف مشهور میان علمای و مطالب اکثر روایات و اخبار آنست که هر شب اینماه بیست
رکعت نماز کند هشت رکعت بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت بعد از نماز عشاء سواکن

کتاب
نماز
کتاب
نماز
کتاب
نماز

اکثر روایات یا بر عکس مؤلفی بعضی از روایات و در هر یک از بیست و یکم و بیست و یکم
صد رکعت اضافه نمایند که در بیست و یکم صد و بیست رکعت و در هر یک از بیست و یکم
و بیست و یکم صد و سی رکعت بکنند تا هزار رکعت تمام شود و از روایت مفضل بن عمر
ظاهر میشود که در این سوره فدر زاید بر صد رکعت ناکه آن بیست رکعت است نوزدهم و
شصت رکعت بیست و یکم و بیست و یکم که مجموع هشتاد رکعت بوده نباشد توزیع بیست و یکم
نمایند بر جمعی اینها با این طریق که در هر روز جمعه ده رکعت بکنند چهار رکعت بطریق نماز
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و در رکعت بطریق نماز حضرت فاطمه صلوات الله
علیه نه چهار رکعت بطریق نماز حضرت طیار عم و در شب جمعه که در عشر آخر اینماه اتفاق
افتد بیست رکعت بطریق نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و بیست رکعت دیگر
که نمایند در عتبه همین جمعه که شب شنبه بوده باشد بعنوان نماز حضرت فاطمه صلوات
الله علیه بکنند در این مقام تقسیم بر چند امر ضروری لازم است **اول** آنکه منافع ظاهر
لفظ این روایت مقتضی آنست که اگر در عشر آخر جمعه اتفاق افتد بجماعت در میان
این دو جمعه هر یک را که اختیار نماید در شب آن و عتبه این چهل رکعت و شیخ جلیل
بنبیل شیخ زین الدین که مضمون این روایت را نقل نموده و در نقل او چنین است که این چهل
رکعت را در شب جمعه آخر اینماه و عتبه آن بکنند این اشباه است بلکه در روایت چنانچه
در کتاب تهذیب مذکور است جمعه عشر آخر و عشر آن وارد شده است و بنا بر این که در جمعه
اتفاق افتد میان این دو جمعه چنانچه در **دویم** آورده اصل نامه مبارک
رمضان پنج جمعه اتفاق افتد بنا بر مقتضای ظاهر لفظ این روایت نیز باید که در تعیین جمعه
جمعه در میان پنج جمعه چنان باشد و یک جمعه خالی از این نماز میباشد و ضبط برای آن نخواهد بود
و شیخ زین الدین ره گفته است که بخداست که برای جمعه آخر ضبط قرار دهد بکنند که گفته است
رکعت که در شب و بیست رکعت که در عشر آخر نماز می آورد میکند و بخت است که ده رکعت از آن
چهل رکعت را در روز جمعه آخر و سی رکعت دیگر را در شب آن و عتبه آن بکنند با این طریق که چنانچه
رکعت در شب آن و ششاد در رکعت در عشر آخر نماز بکنند و مخفی نماید که منبای کلام شیخ
در این مقام نیز اشباه سابق است که در روایت شجمعه آخر و عتبه آن مذکور نباشد و
چنین نیست بلکه شجمعه عشر آخر وارد شده چنانچه در **سوم** آنکه مقتضای جمع ششاد
ذکر نموده اصل مذکور نیست نه در این روایت و نه در غیر آن **سوم** آنکه مقتضای جمع ششاد
این روایت و روایات دیگر آنست که اگر چنانچه باشد در این هشتاد رکعت که در این سوره
با اضافه صد رکعت بکنند یا توزیع بر جمعات نماید تبصیر مذکور شد علی ظاهر افضل

عَمَلٍ لَمْ يَمَعِ حَاجِ حَاجِي أَسْأَلُكَ يَا سَمَكُ الَّذِي جَعَلْتَهُ فِي مَكُونِ عَيْنِكَ
 وَاسْتَقَرَّ عِنْدَكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ سِوَاكَ اللَّهُمَّ بِهِ وَ
 بِكَ وَبِكَ وَبِهِ فَاتَهُ أَجَلٌ وَأَشْرَفُ أَسْمَائِكَ لِأَشْيَئِي لِي غَيْرَ هَذَا
 وَلَا أَحَدٌ أَعُوذُ عَلَى مِنْكَ يَا كَيْسُونَ يَا مَكُونُونَ يَا مَنْ عَرَفْتَنِي نَفْسُهُ
 يَا مَنْ أَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ يَا مَنْ نَهَانِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَيَا مَدْعُو وَيَا مَسْئُولَ
 يَا مَطْلُوبًا إِلَيْهِ رَفَضْتُ وَصَدَيْتُكَ الَّتِي أَوْصَيْتَنِي بِهَا وَلَا تُطْعَمُ
 وَلَوْ أَطْعَمْتُكَ فِيمَا أَمَرْتَنِي لَكَفَيْتَنِي مَا مَتُّ إِلَيْكَ فِيهِ وَأَنَا مَعَ
 مَعْصِيَتِي لَكَ رَاحٍ فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُ يَا مُرَجِّمُ لِي أَعِذْنِي
 مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ كُلِّ جِهَاتٍ

الإِخَاطَةِ فِي اللَّهِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِي وَعَلِيٍّ وَلِيِّي وَبِالْأَمَّةِ الرَّاشِدَةِ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اجْعَلْ عَلَيْنَا صَلَوَاتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَأَوْسِعْ
 عَلَيْنَا مِنْ رِزْقِكَ وَأَفْضِلْ عَمَّا الدِّينِ وَجَمِيعِ حَوَائِجِنَا يَا اللَّهُ يَا
 اللَّهُ يَا اللَّهُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند
 و این دعا را بخواند هیچ کس از او
 و حق تعالی نماز مکرر آنکه آمرزیده شود و بدانکه در روایت معتضدین هم که تو بیع هشاد
 رکعت بر همهها دارد که بیعت این نماز نمند کوراست و این دعاها نیست و لیکن چون در روایان دیگر

مذکور است بهتر آنست که خوانده شود و اما کفایت نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها پس سیدین
 طاهر و قدس سره پس بعد از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود ما درم فاطمه صلوات الله
 علیها در رکعت نماز میگوید که جبرئیل علیه السلام تعلیم او کرده بود و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه
 سوره قدر در رکعت دوم صد مرتبه سوره توحید بخواند بخون سلام میگوید این دعا را بخوان
 سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيبِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ
 سُبْحَانَ ذِي الْمَلِكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْبُهْجَةُ وَ
 الْجَمَالُ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالْتَوَرِّ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى
 اشْرَ الْمَثَلِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَاهُكَذَا خَيْرُهُ وَتَسْتَدِ كَفَنَهُ اسْتَدْرَدَ وَتَهَيَّكِي
 وارد شده است که بعد از این نماز

سبع مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را که بعد از هر نماز خوانده میشود بخواند و بعد از آن
 صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و شیخ زکریا در مصابح این نماز را مرسل و این کرده
 و گفته است که چون سلام بگویی تسبیح فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعا که پیشتر مذکور شد
 پس گفته است که سزاوار است برای کسی که این نماز را بکند و از این دعا فارغ شود که زانوهای او در آنجا
 خود را برهنه کند و سجده رود و جمیع مسائلی که در آنجا رخسار او برساند که طاهر در میان زانوها برساند
 دعا کند و حاجت خود را از خدا بیاورد که کس نخیرد و کس ندیعی بیاورد که کس که را در
 طلب نماید و در سجده این دعا را بخواند
 يَنْشِئُ يَا مَنْ لَيْسَ دُونَكَ مَلِكٌ يَنْشِئُ يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُوْفَى يَا مَنْ لَيْسَ
 لَهُ حَاجِبٌ يُرْسَى يَا مَنْ لَهُ بَوَابٌ يَنْشِئُ يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ
 إِلَّا كَرَاهًا وَجُودًا أَوْ عَلَى كَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَا يَعْفُوا أَوْ صَفْحًا صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَفْضَلَ بِكَ كَذَا وَكَذَا وَجَاءَ بِأَفْضَلِ كَذَا وَكَذَا حَاجَتُهَا خُودًا يَأْتِي كَمَا دَرَدَتْ وَأَيْ مَعْضَلٍ نَزَّ كَيْفِيَّتِ

کفایت نماز حضرت فاطمه علیها السلام

این نماز مذکور است و بعد از نماز بیست و پنج بار صلوات الله علیها چیزی دیگر مذکور نیست **حفظ**
 و کیفیت بیست و یک روایت با این نحو است **اللَّهُمَّ كُنْ لِي سَمْعًا وَ بَصَرًا وَ قَلْبًا وَ لِي سَمْعًا وَ بَصَرًا وَ قَلْبًا**
وَلِي سَمْعًا وَ بَصَرًا وَ قَلْبًا و ظاهر این عبارت معنی آنست که ترتیب بهر چیزی باشد
 و این مخالف ترتیب مشهوری است که بعد از هر بعض خوانده میشود و هرگز آنست که همه
 آنچه در این روایات و کلام سید و شیخ مذکور است عمل آورد و بد آنکه بسبب رکعتی که در
 شب جمعه عشر آخر طریقی نماز حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه میکند به پنج نماز
 آنحضرت میبرد و بسبب رکعت دیگر که در عتشی این جمعه بعنوان نماز حضرت فاطمه
 صلوات الله علیها میکند به نماز آنحضرت بر میگردد پس باید بعد از هر یک از آنها
 ادعیه و سایر اعمال مذکوره را بجا آورد و الله تعالی هوالموفق **بخشم** آنکه ناکید در
 سید رکعت کرده میشود زیاد از ما فی در روایات وارد شده است و همچنین
 ناکید در سبب رکعت و شب آخر زیاد از صد رکعت شب اول است چنانچه بعد از آن
 در اعمال آن شهر و ایالتان مذکور خواهد شد انشاء الله **ثالث** شیخ شهید طاب ثراه
 در کتابی که مکتب است که اگر چیزی از این نوافل در شب فوش شود مستحب است که آنرا در روز
 صفا کند و ظاهر آنست که در ایجاب نظر و رسیدن باشد **مفهم** ظاهر احوال علیا
 اینست که این نافلة مستحب است مطلقا نسبت به هر کسی خواه دروزه نباشد و خواه بدین
 اضا رکوزه نباشد و مستندی بر اینست که هر چه بنظر غریب است و لیکن اگر بقصد قربت واقع
 سازد مشاب و ما جور خواهد بود **ششم** بدانکه این نماز را بعنوان قرائت بنا بد کرد و عبادت
 کردن بهر است و اهل سته آنرا جماعت میکنند و آنرا صلوة تراویح مینامند و تمام
 قرآن مجید را تقسیم بر این نماز میکنند چنانچه تمام قرآن در این نماز ختم میشود و این عبت
 و حرام است چنانچه شیخ طوسی رحمه در حدیث طولافان حضرت امام رضا هم روایت کرده
 است که چون شب اول ماه مبارک رمضان داخل شد رسول خدا ص نماز مغرب گذارد
 پس چهار رکعتی که هر شب بعد از مغرب میکرد ادا فرمود پس بعد از نماز دیگر کرد و بعد از آن
 فراغ داخل خانه مقدس کردید پس مردم چون ایاز دیدند از آنحضرت سؤال نمودند
 این نماز حضرت فرمود که این نماز را بجهت فضیلت ماه مبارک رمضان بر سایر ماهها کرده
 پس چون شیخ بگریخت و حضرت مشغول این نماز بود دیدم در شب سراسر آنحضرت کشتید
 که این نماز را با آنحضرت جماعت میکنند پس حضرت در وی مبارک بجا داشتند که او آید و بعد
 آنها الناس بر نماز نافلة است و جماعت نباید که آنرا پس هر یک از شما این نماز را بر هر تنهایی کنید
 و بدانید که جماعت نافلة نمیشود پس مردم متفرق شدند و هر یک به تنهایی این نماز را کردند و احادیث

در باب

برای

بر این مضمون بسیار است **نهم** از حدیث سابق مضمون می شود که از ده رکعت بعد از عشا باید
 بعد از نماز و تیره باشد و این معنی مخالف است با آنچه شیخ زکریا در کتاب مصباح ذکر نموده
 کرده است شب اول که آنرا با این بیت رکعت میکنی بعد از آن ده رکعت نشسته میکنی و نشسته
 این روایت شاید اوئی باشد و بدانکه این حدیث منافست با روایات دیگر که دلالت میکند بر
 آنکه رسول خدا ص و تیره را بیکباره و بنماز شب آنرا میفرموده است و شاید که وجه میان
 جنبه آنها این باشد که گاهی آنحضرت و تیره را ترک فرموده باشد و این حدیث مضمون
 می شود که در این نوافل در مسجد افضل باشد و الله تعالی یعلم **دهم** بدانکه بعد از
 هر دو رکعت از این نماز دعای مختصر بعد دعاهای طولانی در اخبار وارد شده است اما
 دعای مختصر پس سید بن طاووس طاب ثراه در کتاب اقبال از خطاب بن یحیی بن سامان
 نقل نموده است که گفت بیرون آمد از خانه سید ما امام حسن عسکری ع سوی من آمد
 بعد از هر دو رکعت از نافلة **اللَّهُمَّ اجْعَلْ مِنِّي مَقْبُولًا وَ تَقَدَّرْ مِنِّي الْأَجْرُ**

ماه رمضان این دعا بخوان

تَجَلَّيْنِي مِنْ حُجَاكِ بَيْنِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ رَجَحْتُمْ الْمَشْكُورِ سَعَيْتُمْ

الْمَغْفُورِ دُؤُوبُهُمْ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُطَيِّدَ عُنِّي فِي طَاعَتِكَ وَ تُوسِّعَ لِي

نکته ای است که
در این دعا

در شب یا ارحم الراحمین **ادعای** طولافین در این مقام ادعیه بسبب رکعت هفت را
 مذکور میباشد شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب الاحکام

سند خود از حضرت امام جعفر صنا و قلی السلام **اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ**
 روایت کرده است که در کتاب اول آنکه بعد از نماز اول نماز

شئ و أَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شئ و أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شئ

و أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شئ و أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادْخُلْنِي فِي كَلِمَةِ آدَخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

اخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوْمٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَ
رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ وَسَيِّدِنَا مُحَمَّدًا وَرَبَّنَا مُحَمَّدًا وَرَبَّنَا مُحَمَّدًا وَرَبَّنَا مُحَمَّدًا
اَبْنَا مُحَمَّدًا وَرَبَّنَا مُحَمَّدًا وَرَبَّنَا مُحَمَّدًا وَرَبَّنَا مُحَمَّدًا وَرَبَّنَا مُحَمَّدًا
اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ وَهَذَا شَهْرُ الصِّيَامِ وَهَذَا شَهْرُ الْقِيَامِ
وَ هَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ وَ هَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ وَ هَذَا شَهْرُ الرَّحْمَةِ وَ هَذَا
شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَ هَذَا شَهْرُ الْقُوَّةِ بِالْحَسَنَةِ وَ هَذَا شَهْرُ الْعِزِّ مِنَ النَّارِ
وَ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ اَعِزِّي عَلَى صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ وَ سَلِّمْهُ لِي وَ تَسَلِّمْهُ لِي
وَ سَلِّمْهُ لِي وَ اَعِزِّي عَلَيْهِ بِأَصْدِ عَوْنِكَ وَ وَفِّقْنِي فِيهِ لِطَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ
رَسُولِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَوِّ عِزِّي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَ ذُعَائِكَ وَ بَلَاءِ رُكْنَيْكَ
وَ اعْظِمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَاتِ وَ اَرْزُقْنِي فِيهِ الْعَافِيَةَ وَ اصْحَحْ فِيهِ بَدَنِي
وَ اَوْسِعْ فِيهِ رِزْقِي وَ اَكْفِنِي فِيهِ مَا اَهْتَمُّنِي وَ اسْتَحْبِبْ فِيهِ دُعَائِي
وَ بَعْضِي فِيهِ وَ جَابِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ اَذْهَبْ عَنِّي فِيهِ
الْعَاسِرَ وَ الْكَلَّ وَ النَّامَةَ وَ الْقَنْزَةَ وَ الْقُوَّةَ وَ الْعَفْلَةَ وَ الْعِزَّةَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ جَبِّبْنِي فِيهِ الْعَمَلُكَ وَ الْاِسْتِغَامَ وَ الْاَوْجَاعَ

اللهم

وَ الْمُهْمُومَ وَ الْاَحْزَانَ وَ الْاَعْرَاضَ وَ الْاَمْرَاضَ وَ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبَ وَ
اصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوءَ وَ الْخَشَاءَ وَ الْجَهْدَ وَ الْبَلَاءَ وَ الْعَبَثَ وَ
الْعَنَاءَ اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ
فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ هَمَزِهِ وَ لَمَزِهِ وَ نَفْسِهِ وَ قَفْحِهِ وَ وَسْوَئِهِ وَ
تَشْطِيطِهِ وَ مَكْرِهِ وَ حِيلَتِهِ وَ خُدَعِهِ وَ اَمَانَتِهِ وَ غُرُورِهِ وَ خِيَلِهِ
وَ رَجَلِهِ وَ شُرَكَائِهِ وَ اَعْوَابِهِ وَ اِخْوَانِهِ وَ اَسْيَافِهِ وَ اَتْبَاعِهِ وَ
اَوْلِيَائِهِ وَ جَمِيعِ مَكَايِدِ اللَّهِمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ اَرْزُقْنِي فِيهِ
قِيَامَهُ وَ صِيَامَهُ وَ بَلُوغَ الْاَمَلِ فِيهِ وَ فِي قِيَامِهِ وَ اَسْتِكْمَالَ مَا
يُرْصِيكَ عَنِّي صَبْرًا وَ اِحْتِسَابًا وَ يَقِينًا وَ اِيْمَانًا ثُمَّ تَقَبَّلْ لِي
مَعْنِي بِالْاَصْغَابِ الْكَثِيرَةِ وَ الْاَجْرِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَ عَلَى آلِهِ وَ اَرْزُقْنِي فِيهِ الصِّحَّةَ وَ الْقِرَاعَ وَ الْحُجَّ وَ الْعَمَلَةَ وَ
الْحَمْدَ وَ الْاِجْتِهَادَ وَ التَّوْبَةَ وَ الْقُرْبَةَ وَ النِّشَاطَ وَ الْاِنَابَةَ وَ الرَّغْبَةَ
وَ الرَّهْبَةَ وَ الرِّفْقَةَ وَ الْخُشُوعَ وَ التَّضَرُّعَ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ الْوَجَلَ
مِنْكَ وَ الرَّحْمَةَ لَكَ وَ التَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَ التَّقَرُّبَ لَكَ وَ الْوَرَعَ

حسابه

مع صالحاته

عَنْ فَحَارِكٍ وَصَلَحَ الْقَوْلَ وَمَقْبُولًا لِسَعْيٍ وَمَرْفُوعًا الْعِلْمَ وَمُسْتَحَابًا لِلدُّعَاءِ
وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بَعْرَجٍ وَلَا مَرْجٍ وَلَا سُمْجٍ وَلَا عَقْلِيَّةٍ
وَلَا نِسْيَانٍ بَلِّغْ بِلِ التَّعَهُدِ وَالْحَقِّظْ لَكَ وَمِنْكَ وَالرَّغَايَةِ بِحَقِّكَ
وَالْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَامْتَسِمْ لِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
وَاعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِكَ
وَالْمَغْفِرَةَ وَالْحَيْرَةَ وَالْحَقَّ وَالْإِجَابَةَ وَالْعَوْنَ وَالْعُزْمَةَ
الْعُسْرَةَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ الدَّائِمَةَ وَالْعِتْفَ مِنَ النَّارِ وَالنُّورَ
بِالْجَنَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
يَرْحَمُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
اجْعَلْ دُعَائِي إِلَيْكَ فِيهِ وَاصِلًا وَخَبْرَكَ إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا وَعَمَلِي
فِيهِ مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا حَتَّى
لَا يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ إِلَّا كَثْرًا وَحَظِّي فِيهِ الْاَوْفَرُ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلْيَقِينَةِ الْقَدِيدَةِ عَلَى أَفْضَلِ

حَالٍ يَحْتَبُ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَأَرْضَاهَا لَكَ ثُمَّ
اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا أَفْضَلَ مَا رَزَقْتِ
أَحَدًا مِنْ بَلَّغْتَهُ آيَاتِهَا وَأَكْرَمْتَهُ بِهَا وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عُمَّتَيْكَ
وَأَطْلِقْنَاكَ مِنَ النَّارِ وَسُعْدَاءِ خَلْفِكَ الَّذِينَ آغَيْنَهُمْ وَأَوْسَعْتَهُ
عَلَيْهِمْ فِي الرِّزْقِ وَصُنْتَهُمْ مِنْ بَيْنِ خَلْفِكَ وَلَمْ تَبْنَلِيهِمْ وَمَنْ
مَنْتَ عَلَيْهِمْ يَرْحَمُكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَتَحَنُّنِكَ وَ
إِجَابَتِكَ وَرِضَاكَ وَتَحَبُّبِكَ وَعَفْوِكَ وَعَافِيَتِكَ وَطَوْلِكَ
وَقُدْرَتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَرْحَمُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
رَبِّ الْعَجْرِ وَالْيَالِ عَشْرَةَ وَرَبِّ شَهْرِ مَضَانَ وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ
مِنَ الْقُرْآنِ وَرَبِّ جَبْرَيْلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبِّ إِبْرَاهِيمَ وَ
إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبِّ مُوسَى وَعِيسَى وَرَبِّ مُحَمَّدٍ
خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُمْ أُمَّةً يَهْدِي
بِالْحَقِّ وَيَهْدِي لِقَوْلِكَ وَأَنْصُرْهُمْ وَأَنْصُرِيهِمْ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِ
رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَتَّبِعْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ

اسألك بحقوقك العظمى لما نظرت الى نظرة منك
 رحمة ترضى بها عبي رضى لا تسخط على عبده ابدا واعطني
 جميع سؤلى ورغبتى وامنيته وارا دنى واصرف عني جميع
 ما اكتره واخذرو واخاف على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي
 ومالي وذريتي الهى اليك فررت من ذنوبي فاوفى ثابا وت على
 مستغفرا فاغفر لي متعودا فاغفر لي مستجيرا فاغفر لي مستلما فاد
 تحذ لي ذاهبا فامني ذاعبا فشفعني سالك فاغطني مصدقا
 فصددني على مضطراعا اليك فلا تحببني باقرب اليك فاجمع عطمت
 ذنوبي وحلت فصل على محمد وال محمد واضل به ما انت اهلله
 اللهم صل على محمد وانزل على وعلى والدي وآله مبين و
 اهد جزائي واخواني المؤمنين من رزقك ورحمتك وسكينتك
 وحببتك وتحسنتك ورزقك الواسع الهنيئ امرئ ما جمعه
 صلاح الدنيا ناواخر سنيا يا ارحم الراحمين اللهم وما كانت لي
 اليك من حاجة انا في طلبها واليها سها شرعت فيها اولم اشرع

سألتها

سألتكها اولم اسألكها نظمت انا بها اولم انطق وانا اعلم
 بها ميني فاسألك بحق نبيك محمد وعترته الا توليت قضاءها
 الساعة الساعة وقضاء جميع حوائجي كلها صغيرها وكبيرها
 انك على كل شئ قدير واسألك يا الله بعينيك اني انت اهلها
 ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها فادريها
 وحديثها ومن اراد في حجب فاد في حجب ومن اراد في سوء فاد في
 بالسوء في حجب واعدوك من شره واستعين بك علينا اللهم
 احفظني من بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي واجعلني
 في حفظك وفي جوارك وكفك عن جارك سيدي وحبك
 شاك ولا اله غيرك ليد وركعتي بكر امكن ويستغ طوسوره در كتابه كوران
 اما جعفر صادق وعمر وابي بكره اسك بعد از اين وركعت انزل عارضا
 الحمد لله الذي علا فقههم والحمد لله الذي ملك فقههم والحمد لله
 الذي بطن حجبهم والحمد لله الذي يحيي الموتى وهو على كل شئ قدير
 والحمد لله الذي تواضع كل شئ لعظمته والحمد لله الذي
 ذلك كل شئ بعينه والحمد لله الذي استسلك كل شئ لقلبه

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَصَّكَ كُلَّ شَيْءٍ مُدْرِكِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ جَمْعٍ آذَخْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَخْرِجْنِي
مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَسَلِّمْ كَثِيرًا وَسَلِّمْ دُرًّا بِدُرٍّ
أَنْ كُنَّا بِنَا فِيهِ وَنَا
فَعَلَّ يَوْمَهُ اسْتَكْبَرُ عَبْدًا يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى السَّائِلِينَ وَيَا مُسْتَوِيَّ رُغْبَتِهِ
الرَّاعِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ وَيَا خَيْرَ مَنْ
رَفَعْتَ إِلَيْهِ أَيْدِيَ السَّائِلِينَ وَمَدَّتْ إِلَيْهِ أَعْنَاقَ الطَّالِبِينَ
أَنْتَ مَوْلَايَ وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَحْسَنُ مَنْ سَأَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَكَرِيَمُ الْ
عِبَادِ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا أَنْتَ غَايَتِي فِي رَغْبَتِي وَكَالِي فِي
وَحْدَتِي وَحَافِظِي فِي غُرْبَتِي وَنَجِيَّتِي فِي طَلِبَتِي وَنَاجِيَّتِي فِي حَاجَتِي وَ
بِحَبِيبِي فِي دَعْوَتِي وَمُصْرِحِي فِي رُطْبَتِي وَمَلْجَأِي عِنْدَ انْقِطَاعِ حَيَاتِي
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعِزَّنِي فِي شُصْرَتِي وَ
تُرْفَعَنِي وَلَا تُضَعِّنِي وَعَلَى طَاعَتِكَ فَقَوِّنِي بِأَقْوَلِ لِسَانِي فَتُبْنِنِي

وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ وَأَذِنِّي وَأَحْسِنِي وَاسْتَصْفِنِي وَاسْتَخْلِصْنِي وَامْنَعْنِي
وَاصْطَرِّعْنِي وَرَكِّبْنِي وَأَمْرُفْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا
غَيْرُكَ وَاجْعَلْنِي غَنِيًّا فِيمَا رَزَقْتَنِي وَمَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ فَلَا تُذْهِبْ أَلْبَتْرَ
نَفْسِي وَكَفِّلْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ بِنِي وَلَا تَحْرِمْنِي وَلَا تُدْرِكْنِي وَلَا تُسْبِذْنِي
بِي عَجْرِي وَخَيْرِ السَّرَائِرِ فَأَجْعَلْ سِرِّي فِي وَخَيْرِ الْمَعَادِ فَأَجْعَلْ مَعَادِي
وَتَضَرَّتْ مِنْ وَجْهِكَ الْكِرَامِ فَأَنْلِنِي وَمِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ فَالْبَسْنِي وَمِنْ
الْحَوَارِ الْعِينِ فَزَوِّجْنِي وَتَوَلَّنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تَوَلَّنِي غَيْرَكَ وَاعْفُ
عَنِّي كُلَّمَا سَكَفَ مِنِّي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عَمْرِي وَاسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلَى
وَالِدَيَّْ وَقَرَابَتِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّكَ
ذَلِكَ كُلُّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ وَلَا تُخَيِّبْنِي بِأَسِيْدِي
وَلَا تُرَدِّدْنِي إِلَى عَجْرِي حَتَّى تَفْعَلَ ذَلِكَ فِيَّ لِتَسْتَجِيبَ لِي مَا سَأَلْتُكَ وَ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْهِيَ أَنْتَ رَبُّ شَهْرٍ
رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَأَفْرَضْتَ فِيهِ عَلَى عِبَادِكَ
الصِّيَامَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي طَائِفَتِنَا

وَأَجْعَلْ غِنَايَ فِيهِ

هَذَا وَبِ كُلِّ عَامٍ وَانْغْفِرْ لِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ فَاتَّهَ لَا يَغْفِرُهَا

تَعْمُرُكَ يَا رَحْمَنُ يَا عَلَّامُ لَيْسَ دُرُكُكَ دَيْكِرُ رَاكِبٍ وَشَيْخُ طُوسٍ رَعَدٌ وَكِتَابُ بَدْرٍ كُورٌ أَنْ حَضَرَتْ

الْإِمَامُ حَبِيبُ صَادِقٍ رَوَيْتُ كَرْدَةَ اسْتَكْرَبْتُهَا زَائِدٌ وَرُكْعَتُهَا زَيْدٌ غَارِغِي

اللَّهُمَّ إِنْ أَسَأَلْتُكَ بِمَعَانِي جَمِيعٍ مَا دَعَاكَ بِهِ عِبَادُكَ الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ

لِنَفْسِكَ الْمَأْمُونُونَ عَلَى سَبِيلِكَ الْمُحْتَجُّونَ بِعَيْنِكَ الْمُسْتَشْفِرُونَ بِدِينِكَ

الْمُعْلَبُونَ بِرِئَاسَتِكَ الْوَالِدُونَ لِعِظَمَتِكَ الْمُنْتَزِعُونَ عَنْ مَعَاصِيكَ الدَّاعُونَ

إِلَى سَبِيلِكَ السَّائِقُونَ فِي عِلْمِكَ الْفَائِزُونَ بِكِبَرِ أَمْنِكَ أَدْعُوكَ

عَلَى مَوَاضِعِ حُدُودِكَ وَكَمَالِ طَاعَتِكَ وَمَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أَمْرِكَ

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلَ بِي مَا

أَنَا أَهْلُهُ وَسَيِّدِ رِكَابِ كُورٍ كِتَابِ عِلْمِ رِضْوَانِ اللَّهِ إِنْ أَسَأَلْتُكَ بِرَحْمَتِكَ

الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي فَهَرَّتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِحَبْرَتِكَ الَّتِي

غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يُقِيمُ لَهَا شَيْءٌ وَعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ

كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَسُبُورِ وَجْهِكَ الَّذِي

أَصْنَعُكَ كُلَّ شَيْءٍ يَا أَقْدَمَ قَدِيمٍ فِي الْعَزِّ وَالْجَبْرِ يَا رَحِيمَ كُلِّ مَسْتَشْفِرٍ

وَيَا رَاحَةَ كُلِّ مَحْزُونٍ وَمُفْرَجَ كُلِّ مَلْهُوفٍ أَسْأَلُكَ يَا سَائِلَ الْبَنِيِّ

بِاسْمِكَ

الْمُنْتَزِعُونَ

بِاسْمِكَ

دَعَاكَ بِهَا حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَنْ حَوْلَ عَرْشِكَ وَيَا سَائِلَ الْبَنِيِّ دَعَاكَ بِهَا

جَبْرِئِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَائِيلُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

تَرْضَى عَنِّي رِضًا لَا تَحْطُ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا وَأَنْ تُمَدِّدَ لِي فِي عُمْرِي

وَأَنْ تُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي وَأَنْ تُصَحِّحَ لِي جِسْمِي وَأَنْ تُبَلِّغَنِي أَمَلِي وَتَقْوِيَنِي

عَلَى طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ وَتُلْهِمَنِي شُكْرَكَ فَقَدْ صَغُفْتُ عَنْ نِعْمَتِكَ

شُكْرِي وَتَلَّ عَلَى لُبِّكَ صَبْرِي وَصَنَعْتُ عَنْ آدَاءِ حَقِّكَ عَلَيَّ

وَأَنَا مَنْ قَدْ عَرَفْتُ سَيِّدِي الضَّعِيفُ عَنْ آدَاءِ حَقِّكَ الْمُقْضَرُّ فِي

عِبَادَتِكَ الرَّائِبُ لِعِصْيَانِكَ فَإِنْ تَعَدَّيْتَنِي فَأَمْلُ ذَلِكَ أَنَا وَإِنْ

تَعَفُّ عَنِّي فَأَمْلُ الْعَفْوِ أَنْتَ إِلَهِي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَعَظَمْتُ عَلَيْهَا إِسْرَافِي

وَظَالَ لِمَعَاصِيكَ انْتِهَابِي وَتَكَافَأْتُ ذُنُوبِي وَتَنَظَّاهَرْتُ سَيِّئَاتِي وَ

ظَالَ بِكَ اغْتِرَابِي وَدَامَ لِي هَوَايَ اتِّبَاعِي إِلَهِي الْهَيَّ غَرَسْتَنِي فِي الدُّنْيَا

بِعُزْرَتِكَ فَاعْتَرِزْتُ وَدَعَسْتَنِي إِلَى الْغِيِّ بِشَهْوَانِي فَأَجَبْتُ وَصَرَفْتَنِي

عَنْ رُشْدِي فَأَنْصَرَفْتُ إِلَى الْهَلَاكِ بِقَلْبِي حَلَا وَرَبَّنَا وَتَوَضَّعْتُ لَكَ

لَا رُكْنَ إِلَيْهَا فَارَكْنْتُ إِلَهِي الْهَيَّ قَدِ امْتَرَتْ ذُنُوبًا عِظَامًا مَوْجِبَاتًا

إِلَهِي

دَعَا

وَجَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي بِالذُّنُوبِ الْمُهْلِكَاتِ وَتَابَعْتُ مَعِيَ السَّيِّئَاتُ وَ
وَقَلَّتْ مَعِيَ الْحَسَنَاتُ وَرَكِبْتُ مِنَ الْأُمُورِ عَظِيمًا وَأَخْطَأْتُ خَطَا
جَبِيًّا وَأَسَأْتُ إِلَى نَفْسِي حَدِيثًا وَقَدِيمًا وَكُنْتُ فِي مَعَاصِيكَ سَاهِيًّا
وَلَاهِيًّا وَعَنْ طَاعَتِكَ نَوَامًا نَاسِيًّا فَتَدَطَّلَ عَنِّي ذِكْرُكَ سَهْوِي
وَقَدْ اسْتَرْعَتْ إِلَى مَا كَرِهْتَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي الْهَيْبَةُ قَدْ أَنْفَعَتْ عَلَيَّ فَلَمْ
أَشْكُرْ وَتَبَرَّعْتَنِي فَلَمْ أَنْصُرْ وَأَرَيْتَنِي الْعِبْرَةَ فَلَمْ أَعْتَبِرْ وَأَقَلَّتَنِي
الْعَثْرَاتُ فَلَمْ أَقْصُرْ وَسَرَرْتَنِي الْعَوْدَاتُ فَلَمْ أَسْتَرْ وَأَبْتَلَيْتَنِي
فَلَمْ أَصْبِرْ وَعَصَمْتَنِي فَلَمْ أَعْتَصِمْ وَدَعَوْتَنِي إِلَى الْحِجَابِ فَلَمْ أَحِجِّبْ
وَخَدَرْتَنِي الْمَهَالِكُ فَلَمْ أَخْذَرْ إِلَى الْهَيْبَةِ خَلَقْتَنِي سَمِيعًا فَطَالَ لِي
كَرِهَتْ سَمَاعِي وَأَنْطَقْتَنِي فَكَثُرَتْ فِي مَعَاصِيكَ مَنَظِفِي وَتَبَرَّعْتَنِي
فَعَيَّنِي عَنِ الرَّشْدِ بَصِيرِي وَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا فَكَلِمَاتُهَا بَرْدِي
سَمِعِي وَبَصِيرِي وَجَعَلْتَنِي قَبُوضًا لِسَبُوطِهَا فَمَا فِيهَا نَهْيَتَنِي عَنْهُ
قَبْضِي وَتَبَطُّي وَجَعَلْتَنِي سَاعِيًّا مُتَقَلِّبًا فَطَالَ لِي مَا بَرَدِي سَعْيِي
تَقَلُّبِي وَغَلَبَتْ عَلَيَّ شَهْوَاتِي وَعَصَيْتُكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي فَتَدَطَّلَ

التهنئة

اسْتَدْرَكْتُ إِلَيْكَ فَاقْتَبَيْتُ وَعَظَمْتُ إِلَيْكَ خَاطِبَتِي فَاسْتَدْرَكْتُ إِلَيْكَ فَتَقَرَّرْتُ
فِي بَابِي وَجِهِي أَشْكُرُ إِلَيْكَ أَمْرِي وَبَابِي لِأَنَّ اسْتَدْرَكَكَ حَوَالِي وَبَابِي
يَدِي أَرَفَعْتُ إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَبَابِي نَفْسِي أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ فَاقْتَبَيْتُ وَبَابِي عَدْلِي
أَلَيْكَ إِلَيْكَ حُزْنِي وَفَقْرِي أَبُو حَبِيبي الَّذِي قَلَّتْ حَيَاؤُهُ مِنْكَ يَا سَيِّدِي
أَمْرِي بَعْلَتِي الَّذِي قَلَّتْ الْكِرَامَةُ مِنْكَ مَوْلَايَ أُمَّ بَلِيغَتِي التَّاطِينِ
كَثِيرًا يَا كَرِهْتَ يَا رَبَّ أَمْرِي سَبَدِي لِأَنَّ فِيهِ حُبُّ مَعَاصِيكَ يَا الْهَيْبَةَ
أَمْرِي بَعْلَتِي الْخَالِيفَةَ لِحُبِّكَ يَا خَالِفَتِي لَمْ يَنْفُسِي لِتَارِكَةِ طَاعَتِكَ يَا
دَائِرِي فَأَنَا الْمَهَالِكُ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَأَنَا الْمَهَالِكُ إِنْ كُنْتُ تَضَيَّتْ عَلَيَّ
يَا وَبَلِي وَالْعَوَّلُ لِي مِنْ ذُنُوبِي وَخَطِيئَتِي فَاسْتَرْفِي عَلَيَّ نَفْسِي فَمِنْ اسْتَرْفِي
فَمُعِيَّتِي إِنْ لَمْ تَعِشْنِي يَا سَيِّدِي وَمَنْ أَدْعُوا فَيَشْفَعُ لِي إِنْ صَرَفْتَنِي
وَجَمْعِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي يَا سَيِّدِي وَإِلَى مَنْ أَنْضَرَ عُنُقِي فَجِيءَ لِي إِنْ
كُنْتُ سَخَطْتُ عَلَيَّ فَلَمْ تُجِبْنِي يَا سَيِّدِي وَمَنْ أَسْأَلُ فَيُعْطِينِي إِنْ لَمْ
تُعْطِنِي وَمَنْعَتَنِي يَا سَيِّدِي وَمِنْ اسْتَجِيرُ فَيُجِيبُنِي إِنْ خَدَلْتَنِي يَا
سَيِّدِي وَلَمْ تُجِبْنِي وَمِنْ أَعْتَصِمُ فَيُعِصِمُنِي يَا سَيِّدِي إِنْ لَمْ تُعِصِمْنِي

وَقَلْبِي مِنْ أَوْسَاكِ فَحَفِظِي وَتَكَلَّمِي بِنِي إِنْ خَدَّ لُبِّي بِاسْتِيْدِي مِنْ أَسْتَفْعِي
فَيَسْفَعُ لِي إِنْ كُنْتُ قَدْ أَبْغَضْتِي بِاسْتِيْدِي وَإِلَى مَنْ أَلْتَجِي وَإِلَى آيِنِ
أَفْرَازِ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ عَلَى تَسْتِيْدِي إِلَهِي لَيْسَ إِلَّا إِلَيْكَ
مِنْكَ قَرَاهِي وَلَيْسَ إِلَّا بِكَ مِنْكَ مُخَايَ وَإِلَيْكَ مَلْجَايَ وَلَيْسَ
إِلَّا بِكَ اغْرَضَايَ وَلَيْسَ إِلَّا عَلَيْكَ تَوَكَّلِي وَمِنْكَ رَجَايَ وَلَيْسَ
إِلَّا بِرَحْمَتِكَ وَعَفْوِكَ لَيْسَتْ فِدَايَ وَلَيْسَ إِلَّا بِرَأْفَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ
بُخْبِي أَنْ يَا سْتِيْدِي أَمَا فِي مِثَا أَخَاوٍ وَمِثَا لَا أَخَاوٍ بِرَحْمَتِكَ
فَأَمِي وَأَنْتَ يَا سْتِيْدِي رَجَايَ مِمَّا أَحْذَرُ وَمِثَا لَا أَحْذَرُ بِمَغْفِرَتِكَ
فِيحِي وَأَنْتَ سْتِيْدِي مُسْتَعَاثِي مِمَّا تَوَرَّطْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي فَأَعْنِي
فَأَنْتَ يَا سْتِيْدِي مُسْتَكَايَ مِمَّا تَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ فَارْحَمِي وَأَنْتَ يَا
سْتِيْدِي مُسْتَجَارِي مِنْ عَذَابِكَ إِلَّا لِيْمَ فَعِزَّتِكَ يَا سْتِيْدِي كَهْفِي وَنَاصِي
وَرَايِي فَلَا تُضَيِّعِي وَأَنْتَ يَا سْتِيْدِي كَافِظِي فِي الذَّائِبِ عَنِّي وَ
الرَّحِيمِي فَلَا تَبْتَلِي عَنِّي سْتِيْدِي فَمِنْكَ أَطْلُبُ حَاجَتِي فَأَعْطِنِي سْتِيْدِي
وَإِيَّاكَ أَسْتَعْلِمُ رِزْقًا وَسَعَا فَلَا تَحْرِمْ عَنِّي سْتِيْدِي وَبِكَ أَسْتَهْدِي

فَأَجْزِي وَأَنْتَ

فَأَهْدِي وَلَا تُضِلَّنِي سْتِيْدِي وَمِنْكَ أَسْتَقْبِلُ فَأَلْبِسْنِي عِشْرَةَ سْتِيْدِي
وَإِيَّاكَ أَسْتَغْفِرُ فَأَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي سْتِيْدِي وَقَدْ رَجَوْتُ غِنَاكَ لِي
بِرَحْمَتِكَ فَأَعْنِنِي سْتِيْدِي وَقَدْ رَجَوْتُ رَحْمَتَكَ لِي بِمَنْكَ فَارْحَمْنِي
سْتِيْدِي وَقَدْ رَجَوْتُ عَطَايَاكَ بِفَضْلِكَ فَأَعْطِنِي سْتِيْدِي وَقَدْ
رَجَوْتُ إِجَارَتَكَ لِي بِفَضْلِكَ فَاجِرْ فِي سْتِيْدِي وَقَدْ رَجَوْتُ عَفْوَكَ
عَنِّي وَقَدْ رَجَوْتُ تَجَاوُزَكَ عَنِّي بِرَحْمَتِكَ فَتَجَاوُزْ عَنِّي سْتِيْدِي
وَقَدْ رَجَوْتُ تَخْلِيصَكَ إِيَّايَ مِنَ النَّارِ فَخَلِّصْنِي سْتِيْدِي وَقَدْ رَجَوْتُ
إِذْ خَالَكَ إِيَّايَ الْجَنَّةَ بِجُودِكَ وَأَدْخِلْنِي سْتِيْدِي وَقَدْ رَجَوْتُ
إِعْطَاءَكَ أَمَلِي وَمَرْغَبِي وَطَلِبِي فِي أَمْرِ دُنْيَايَ وَالْآخِرَةِ بِكَرَمِكَ
وَجُودِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي إِلَهِي إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِكَ مِنْكَ فَانْتِ
أَهْلُهُ وَأَنْتَ لَا تُخَيِّبُ مَنْ دَعَاكَ وَلَا تُضَيِّعُ مَنْ وَثِقَ بِكَ وَلَا تُخْذَلُ
مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَلَا تُجْهِلْنِي أَخِيْبٌ مَنْ سَأَلَكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
وَلَا تُجْهِلْنِي أَخْسَرُ مَنْ سَأَلَكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ وَمَنْ عَلَى بِالْإِحَابَةِ
وَالْقَبُولِ وَالْعَيْتُو مِنَ النَّارِ وَالْمَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَاجْمَعْ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَعِيُوبِي وَإِسَاءَتِي وَظَلَمِي وَتَقْطِيعِي إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي
وَاحْسِنِي عَنْ كُلِّ ذَنْبٍ يَحْسِبُ عِنْدَ الرَّزَقِ أَوْ يَحْبِبُ دُعَائِي عِنْدَكَ
أَوْ يَرُدُّ مَسْأَلَتِي دُونَكَ أَوْ يُقْصِرُ فِي عَنِّ بُلُوغِ أَمَلِي أَوْ يُعْرِضُ بِي عَنْ
الْكِبَرِ بِرِعْتِي فَقَدْ اسْتَدْتِ بِنِكَ نَفْسِي وَاسْتَدَّتْ لَكَ دُعَائِي وَأَنْطَلَقَ
بِدُعَائِكَ لِي فِي فَاشْرَحْ لِي سَأَلَكَ صَدْرِي لِمَا رَحِمْتَنِي وَوَعَدْتَنِي
عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِهِ كِتَابُكَ فَلَا تَحْرِمْهُ يَا سَيِّدِي
لِعِنَّةِ شُكْرِي وَلَا تُضَيِّعْنِي يَا سَيِّدِي لِعِنَّةِ صَبْرِي وَالْعَطْفِ يَا سَيِّدِي
لِعِاقَبَتِي وَفَقْرِي فَارْحَمْنِي يَا سَيِّدِي لِذُلِّي وَصَعْبِي وَتَمِيمِ يَا سَيِّدِي
بِإِحْسَانِكَ لِي وَنِعْمِكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي الْكَثِيرِ مِنْ خَزَائِكَ وَأَدْخِلْنِي
يَا سَيِّدِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَمْسِكْنِي يَا سَيِّدِي لِأَرْضِ مَحَشِيَّتِكَ
وَادْفَعْ عَنِّي يَا سَيِّدِي بِيَدِ مَلَائِكَتِكَ فَارْزُقْنِي يَا سَيِّدِي وَوَدِّكَ وَوَجْهَكَ
وَمَوَدَّةَكَ وَالرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْمُعَافَاةَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَارْزُقْنِي
الْعِنَاءَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ وَآدَاءَ الْأَمَانَةِ وَتَقَبُّلَ
صَوْمِي وَصَلَاتِي وَاسْتَجَابَ دُعَائِي وَارْزُقْنِي الْحُجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ عَالِي هَذَا

وَأَبْدَانًا أَبْقَيْتَنِي فَصَلِّ عَلَيَّ خَيْرَ خَلْقِكَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَطَلِبِ كُنْ حَالًا خَيْرُ دَعَا
لِيهِ وَرَكْعَتٌ دِكْرًا لِي
وَسَيِّعِ طَوْسِي فَمَنْ لَقِيَ قَدْرَهُ وَكُنْتُ مَدْرُورًا وَحَضْرَتِكَ صَادِقًا يَا ذَا أَلْمَنِ لَأَمْرٍ عَلَيْكَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدَائِبِ مَوَدَّةِ اسْتِكَرَامِ بَعْدَ إِزِيدِ وَرَكْعَتِ إِزِيدِ عَالِيًا عِيَانًا
يَا ذَا الطُّوَلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ظَهَرَ اللَّاحِظِينَ وَمَا مِنَ الْخَائِفِينَ وَجَارِ
الْمُسْتَجِيرِينَ إِنْ كَانَ فِي أَمْرِ الْكِتَابِ عِنْدَكَ أَنْ تَشْفِيَ أَوْ تُخَوِّمَ أَوْ مُقْتَرًا
عَلَيَّ وَرَبِّي فَأَخْرِجْ مِنْ أَمْرِ الْكِتَابِ شِقَايَ وَحَزْمَانِي وَأَفْئَاتِي وَرِزْقِي وَالتَّكْنِي
عِنْدَكَ سَعِيدًا مَوْفِقًا لِلْخَيْرِ مُوسِعًا عَلَيَّ بِرِزْقِكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ
الْمَنْزِلَ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِحُجُومِ اللَّهِ مَا يَشَاءُ وَهَيْئَتُ
وَعِنْدَكَ أَمْرُ الْكِتَابِ وَتَمَّتْ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ فَلَسْتُ عَفِي
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَطَلِبِ كُنْ حَالًا خَيْرُ دَعَا
لِيهِ وَرَكْعَتٌ مَدْرُورًا وَكُنْتُ مَدْرُورًا
أَبْدَانًا عَالِيًا بَعْدَ إِزِيدِ وَرَكْعَتِ إِزِيدِ عَالِيًا عِيَانًا
يَا ذَا الطُّوَلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ظَهَرَ اللَّاحِظِينَ وَمَا مِنَ الْخَائِفِينَ وَجَارِ
الْمُسْتَجِيرِينَ إِنْ كَانَ فِي أَمْرِ الْكِتَابِ عِنْدَكَ أَنْ تَشْفِيَ أَوْ تُخَوِّمَ أَوْ مُقْتَرًا
عَلَيَّ وَرَبِّي فَأَخْرِجْ مِنْ أَمْرِ الْكِتَابِ شِقَايَ وَحَزْمَانِي وَأَفْئَاتِي وَرِزْقِي وَالتَّكْنِي
عِنْدَكَ سَعِيدًا مَوْفِقًا لِلْخَيْرِ مُوسِعًا عَلَيَّ بِرِزْقِكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ
الْمَنْزِلَ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِحُجُومِ اللَّهِ مَا يَشَاءُ وَهَيْئَتُ
وَعِنْدَكَ أَمْرُ الْكِتَابِ وَتَمَّتْ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ فَلَسْتُ عَفِي
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَطَلِبِ كُنْ حَالًا خَيْرُ دَعَا
لِيهِ وَرَكْعَتٌ مَدْرُورًا وَكُنْتُ مَدْرُورًا

دُنُوبِي وَيَا وَيْلِي صِرْتُ كَأَنَّ لِعَقْمِي بَدَلًا لَيْسَ لِي عَقْلٌ يَفْعَلَنِي وَيَا وَيْلِي
 أَمَا تَفَكَّرْتُ فِيمَا كَلَّمْتُ وَخِفْتُ مِمَّا عَمَلْتُ يَدِي وَيَا وَيْلِي عَسَيْتُ عَنْ
 التَّظَنِّي أَمْرِي وَعَنِ التَّفَكُّرِ فِي ظَلَمِي وَيَا وَيْلِي إِنْ كَانَ عِقَابِي مَذْخُورًا
 لِي إِلَى آخِرَتِي وَيَا وَيْلِي وَيَا عَوَّلِي إِنْ أُوْتِيَ بَوْمَ الْعَيْتَةِ مَعْلُومَةً يَدِي إِلَى
 عُنُقِي وَيَا وَيْلِي وَيَا عَوَّلِي إِنْ بَدَدْتُ النَّارَ حَبْدِي وَعَمَّكَتْ مَفَاصِلِي وَ
 يَا وَيْلِي إِنْ فَعَلْتُ فِي مَا اسْتَوْجِبُهُ بِدُنُوبِي لَسَاخَتْ بِي وَيَا وَيْلِي لَوْ عَلِمْتُ
 الْجَارِدَ بِدُنُوبِي لَعَرَفْتَنِي وَيَا وَيْلِي لَوْ عَلِمْتُ الْجِبَالَ بِدُنُوبِي لَدَهَدْتُهَا
 وَيَا وَيْلِي مِنْ ضَلِّي الْعَبِيحِ وَعَلَى الْحَبِيثِ وَضَنَائِحِ جَرِيرِي وَيَا وَيْلِي لَوْ ذَكَرْتُ
 لِأَرْضِي دُنُوبِي لَأَسْتَلْعَنِي وَيَا وَيْلِي لَيْتَ الْكَلْبُ كَانَ خِفْتُ نَزْلِي فِي وَلَا أَسْخَطُ
 الْحَرَّ وَيَا وَيْلِي لَوْ لَمْ تَصْحَحْ بَوْمَ الْعَيْتَةِ بِعَظِيمِ دُنُوبِي وَيَا وَيْلِي إِنْ أَسْوَدَ
 بَوْمَ الْعَيْتَةِ فِي الْمَوْفِقِ وَجَهِي وَيَا وَيْلِي إِنْ مَضَعَتْ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِفِ
 ظَهْرِي وَيَا وَيْلِي إِنْ قَوَيْتُ أَوْ حَسِبْتُ أَوْ جُوزَيْتُ بِعَمَلِي وَيَا وَيْلِي وَالْعَوَّلُ
 لِي إِنْ لَمْ يَرْجَحْنِي رَبِّي بِأَمْوَالِي فَدَحَسُنْ ظَلَمِي بِكَ لِمَا أَخْرَجْتَ مِنْ عِقَابِي
 يَا مَوْلَايَ فَاعْفُ عَنِّي فَاعْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ وَأَصْلِحْ لِي بِأَمْوَالِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي

وَيَا وَيْلِي إِنْ تَرَفَعْتَنِي سَيِّدِي وَتَقَبَّلْتَنِي عَنِّي عَلَى الْحَقِّ يَا وَيْلِي لَوْ عَلِمْتُ
 الْأَرْضَ دُنُوبِي لَأَسْتَلْعَنِي وَيَا وَيْلِي لَيْتَ الْكَلْبُ كَانَ خِفْتُ نَزْلِي فِي وَلَا أَسْخَطُ
 الْحَرَّ وَيَا وَيْلِي لَوْ لَمْ تَصْحَحْ بَوْمَ الْعَيْتَةِ بِعَظِيمِ دُنُوبِي وَيَا وَيْلِي إِنْ أَسْوَدَ
 بَوْمَ الْعَيْتَةِ فِي الْمَوْفِقِ وَجَهِي وَيَا وَيْلِي إِنْ مَضَعَتْ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِفِ
 ظَهْرِي وَيَا وَيْلِي إِنْ قَوَيْتُ أَوْ حَسِبْتُ أَوْ جُوزَيْتُ بِعَمَلِي وَيَا وَيْلِي وَالْعَوَّلُ
 لِي إِنْ لَمْ يَرْجَحْنِي رَبِّي بِأَمْوَالِي فَدَحَسُنْ ظَلَمِي بِكَ لِمَا أَخْرَجْتَ مِنْ عِقَابِي
 يَا مَوْلَايَ فَاعْفُ عَنِّي فَاعْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ وَأَصْلِحْ لِي بِأَمْوَالِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي

صَوْمِي وَصَلَوَاتِي فِي اسْتِحْبَابِي دُعَائِي يَا مَوْلَايَ وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَلَوُّنِي
 وَمَسْكَنَتِي بِأَمْوَالِي وَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تُضْرِبْ بِي دُعَائِي
 وَجَهِي وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فِي عَامِي هَذَا وَأَبَا
 مَا أَتَقَبَّلْتَنِي وَشَيْخِ طُوسِي وَرَكْعَاتِي مَذْكَورَةً كَمَا كُنْتُ أَلْتَمِسُ أَنْ يَغْنِيَنِي بِالْعِلْمِ وَرَبِّي بِالْحِلْمِ
 كَرَّمَنِي بِالرِّقْمَى وَجَمَّلَنِي بِالْعَافِيَةِ عَفْوِكَ مِنَ النَّارِ وَجَوِّنِي مِنَ
 يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ اسْأَلُكَ يَا إِلَهَ الْإِسْلَامِ بِاسْمِكَ لِسَبْحِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا رَبِّ يَا قَرِيبُ يَا حَيُّ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا
 الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ اسْأَلُكَ بِكُلِّ
 اسْمٍ هُوَ لَكَ تَحِيُّبٌ أَنْ تُدْعَى بِهِ وَبِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا أَحَدٌ مِنْ
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَاسْتَجِبْ لَهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَنْ تُصَرِّفَ قَلْبِي إِلَى حَشِينِكَ وَرَهْبَتِكَ وَأَنْ تُجْعَلَنِي مِنَ الْمُخْلِصِينَ
 وَتُعَوِّدَ أُمَّرَ كَافِي كُلِّهَا لِعِبَادَتِكَ وَتَشْرَحَ صَدْرِي لِلْيَقِينِ وَالتَّوَقُّو
 تُطْلِقَ لِسَانِي لِسَبْحِكَ يَا وَدَّعَ الْمُؤْمِنِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَدَعَاكَ بِأَسْمَاءِ خَوَاصِّ نَبِيِّنَا زَعْنَابِ بْنِ مَرْثَدَةَ وَجَوْنِ فَارِغِ شَدِيدِ إِذْكَانَ دَعَاكَ يَوْمَ نَزَلَ
 وَشَيْخِ طُوسِي وَرَكْعَاتِي مَذْكَورَةً كَمَا كُنْتُ أَلْتَمِسُ أَنْ يَغْنِيَنِي بِالْعِلْمِ وَرَبِّي بِالْحِلْمِ
 كَرَّمَنِي بِالرِّقْمَى وَجَمَّلَنِي بِالْعَافِيَةِ عَفْوِكَ مِنَ النَّارِ وَجَوِّنِي مِنَ
 يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ اسْأَلُكَ يَا إِلَهَ الْإِسْلَامِ بِاسْمِكَ لِسَبْحِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِكَلِمَاتِهِ كَرَّمَ دَرَجَاتِهِ مِنْ دَعَا رَجَائِي
 بِرَدَائِي بِرَدَائِي

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِهَاكِ وَجَلَالِكَ وَجَمَالِكَ وَعَظَمَتِكَ وَنُورِكَ وَ
سَعَةِ رَحْمَتِكَ وَإِسْمَائِكَ وَعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَمَشِيئَتِكَ وَتَفَاذِ
أَمْرِكَ وَمُنْتَهَى رِصَالِكَ وَشَرَفِكَ وَكَرَمِكَ وَدَامِرِ عِرْسِكَ وَ
سُلْطَانِكَ وَتَحْرِيكَ وَعُلُوشَانِكَ وَقَدِيمِ مَتِكَ وَحَبِيبِ أَيْمَانِكَ وَتَضَلُّكَ
وَجُودِكَ وَعَمُومِ مِرْمَرِيكَ وَعَطَاءِكَ وَخَيْرِكَ وَإِحْسَانِكَ وَتَقْضِيَتِكَ
وَأَمْنِيكَ وَشَانِكَ وَجَبْرُوتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَسَائِلِكَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُخَيِّرَنِي مِنَ النَّارِ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ
وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَتُدْرَأَ عَنِّي شَرٌّ فَتَقَعُ
الْعَرَبُ وَالْعَجَمُ وَتَمْنَعَ لِيَانِي مِنَ الْكُذْبِ وَالْحَسَدِ وَعَيْنِي مِنَ
الْحِيَاثَةِ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِبَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخَيِّرُنِي الصُّدُورُ وَتَرْتَضِي
فِي عَاطِي هَذَا وَفِي كُلِّ غَامٍ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ وَتَعْضُّ بَصِيرِي وَتُحْصِنُ
فَرْجِي وَتُوسِّعُ رِزْقِي وَتَعْصِمُنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وستيد در كتاب سنده كونا و كتاب ابن ابي عمير
بعد از اينه در كتاب ابنه غالا نفل بنوده است
وَكُلُّهَا بِهَاكِ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِهَاكِ كُلِّهَا اللَّهُمَّ

قلبي برين

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلًا اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ
بِحَمَالِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجْلِيهِ وَكُلِّ
جَلَالِكَ جَلِيلًا اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا وَكُلِّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةً اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ
بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَكُلِّ نُورِكَ
تَبِيرًا اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَكُلِّ رَحْمَتِكَ وَسِعَةً اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ
بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَ
كُلِّ كَمَالِكَ كَامِلًا اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَمْتِهَا وَكُلِّ كَلِمَاتِكَ نَامَةً اللَّهُمَّ
وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ اسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا
وَكُلِّ اسْمَائِكَ كَبِيرَةً اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمَائِكَ كُلِّهَا
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَكُلِّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةً
اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيئَتِكَ

بِأَمْضَاهَا وَكُلِّ مَشِيئَةٍ مَا ضَيَّعَهُ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَشِيئَتِكَ
كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلِّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةً اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ
بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفُسِهِ
وَكُلِّ عِلْمِكَ نَافِدًا اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِإِرْضَاهُ وَكُلِّ قَوْلِكَ رِضْوَانِ اللَّهِ
وَأَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَجْمَلِهَا
لِيَكُنَّ لِي لِيَكُنَّ حَبِيبَةً اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ
بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرِّكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلِّ
شَرِّكَ شَرِيفٍ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِشَرِّكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلِّ سُلْطَانِكَ دَائِمٍ اللَّهُمَّ
وَأَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ
بِأَفْخَرِهِ وَكُلِّ مُلْكِكَ فَخِيرٍ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمِلْكِكَ كُلِّهِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلِّ مَنِّكَ قَدِيمٍ

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَيْدِيكَ
بِأَعْجَبِهَا وَكُلِّ أَيْدِيكَ عَجِيبَةٍ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِأَيْدِيكَ كُلِّهَا
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلِّ فَضْلِكَ فَاضِلٍ
اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِعِضْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ
بِأَرْزُقُهُ بِأَعْتَبِهِ وَكُلِّ رِزْقِكَ عَامِرٍ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَايَاكَ بِأَهْنَاهَا وَكُلِّ عَطَايَاكَ هَيَّيَّةً
اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِعَطَايَاكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ
بِأَعْجَلِهِ وَكُلِّ خَيْرِكَ فَاحِلٍ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلِّ إِحْسَانِكَ حَسَنٍ اللَّهُمَّ
وَأَسْأَلُكَ بِإِحْسَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ بِهِ مِنَ النُّورِ
وَالْجَبْرُوتِ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِكُلِّ جَبْرُوتٍ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تَجِبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ
يَا رَحِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تَرْزُقَنِي حَجَّ سَنَتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَبِحَبْلِ عَامِرٍ وَزَيْلِهِ

بِعَطَايَاكَ كُلِّهَا

وَمِنْ أَجْمَلِهَا

قَبْرِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَحْتَمُّ لِي بِحَجْرِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُجْتَبَى وَأَمِينِكَ الْمُصْطَفَى
وَرَسُولِكَ الْمُصْطَفَى وَبِحَبِيبِكَ دُونَ خَلْفِكَ وَبِحَبِيبِكَ مِنْ عِبَادِكَ
وَبِنَبِيِّكَ وَالصِّدْقِ وَبِحَبِيبِكَ الْمُفْتَضَلِ عَلَى رُسُلِكَ وَخَيْرِكَ
مِنَ الْعَالَمِينَ النَّذِيرِ الْبَشِيرِ الْمَسْرُوحِ الْمُنِيرِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَبْرَارِ
الْمُطَهَّرِينَ الْأَخْيَارِ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِيَفِيكَ
وَمَحَبَّتِهِمْ عَنْ خَلْفِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنَبِّئُونَ بِالصِّدْقِ
عَنْكَ وَعَلَى رُسُلِكَ الَّذِينَ حَصَّصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَفَضَّلْتَهُمْ
عَلَى الْعَالَمِينَ بِرِسَالَتِكَ وَعَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ
فِي رَحْمَتِكَ وَعَلَى جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَائِكَ الْأَمْوَاتِ
وَمَلَائِكَ وَالْخَازِنِينَ النَّارِ وَرِضْوَانَ خَازِنِي الْجَنَّةِ وَرُوحَ الْقُدْرَةِ
الرُّوحِ الْأَمِينِ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَى مَنْفَعَتِكَ وَبِكَيْفِي
وَعَلَى الْمَلَائِكِينَ الْمُحَافِظِينَ عَلَيَّ وَعَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ
بِالصَّلَاةِ الَّتِي يُحِبُّ أَنْ يُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ

صلوة

صَلَاةٌ كَثِيرَةٌ طَيِّبَةٌ مُبَارَكَةٌ ذَاكِيَّةٌ طَاهِرَةٌ نَامِيَّةٌ كَرِيمَةٌ
فَاعِلَةٌ تُبَيِّنُ بِهَا فِضْلَهُمْ عَلَى الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ
وَأَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الْوَسِيلَةَ
وَالشَّرَّ وَالذَّمَّ جَزَاءَ الْكِبَرِيَّةِ وَأَجْزِهِ مَعَ كُلِّ ذَنْبٍ زُلْفَةً
وَمَعَ كُلِّ كَرَامَةٍ كَرَامَةً وَمَعَ كُلِّ وَبِيلَةٍ وَسَبِيلَةٍ وَمَعَ كُلِّ
صَبِيلَةٍ فَضِيلَةٍ وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفًا حَتَّى لَا تُعْطَى مَلَكًَا مُقَرَّبًا
وَلَا نَبِيًّا مُرْسَلًا إِلَّا دُونَ مَا تُعْطَى مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِيَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ
اجْعَلْ مُحَمَّدًا أَذَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْكَ مَجْلِبًا وَأَصْحَابَهُمْ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلًا
وَأَقْرَبَهُمْ وَسِيلَةً وَأَنْبِيَاءَهُمْ فَضِيلَةً وَأَجْزَلَهُ أَوْلَ شَافِعٍ وَمُسْتَعِجٍ
أَوَّلَ فَائِدَةٍ وَأَبْجَ سَائِلَةٍ وَأَبْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ الَّذِي يُعْطِيهِ بِهِ
الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِيِّ وَأَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي وَتُجِيبَ دَعْوَتِي وَتُشْفِعَنِي
طَلِبَتِي وَتَقْضِيَ حَاجَتِي وَتَقْبَلَ تَوْبَتِي وَتُخَيِّرَ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَتَقْبَلِي
عَثْرَتِي وَتَغْفِرَ ذَنْبِي وَتَجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَتَصْفَحَ عَنِّي تَطَلُّبِي وَتَعْمُرَ

٢٢

عن مجرمي وتقبل علي ولا ترض عني وترحمي ولا تعد بي وتغافني
ولا تبليني وتزني من أطيب الرزق وأوسعها ولا تحرمني
وتغضي عني ديني وتغير عيني وتضع عني وزري ولا تحملي
ما لا طاقة لي به سيدي وتدخلني في كل خير آذخلك فيه محمدا
والمحمد وخروجي من كل سوء أخرجت منه محمدا وال محمد
وتجعلني واهل بيتي وذريتي واخواني معهم في الدنيا والآخرة
اللهم اني اذعوك كما أمرتني فصل على محمد وال محمد وسخبت
لي كما وعدتني انك سميع الدعاء قربك مجيب اللهم اني
اسئلك يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحيم يا ذا الجلال والإكرام
ان تصلي على محمد وال محمد وتجعلني من محتاج بيتك الخار و
ذوارق بيتك علينا السلام في عالمي هذا وفي كل عام وتحم لي محبي
يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد
وان تجمع لي في مقعدي هذا ما أو مثله في هذا الشهر للدين
الدنيا ومن علي بالزيادة من فضلك مما لا يحيط بيالي ولا أرجو

مما تصلح به أمر ديني ودنياي وتجعل ذلك كلمة في غافية و
تصرف عني أنواع البلايا يا ارحم الراحمين وحوالي خود را سوال
ميكند و شيخ طوسيه در كتاب جدا كود از حضرت صادق اللهم اني اسئلك حسن
عليه السلام روايت کرده است كه بعد از زياده و ركعتان در عبادت
الظن بك والصدق في التوكيل عليك واعوذ بك ان تبليني
بسليته تحملي ضروري ورتها على التعود بشي من معاصيك واعوذ
بك ان تدخلني في حال كنت اكون فيها في غير اذ بشر اظن ان معاصيك
انج لي من طاعتك واعوذ بك ان اقول قولا حقا من طاعتك اليتن
به سواك واعوذ بك ان تجعلني عظة لعيري واعوذ بك ان يكون
احد اسعد مما اتيتني به فيني واعوذ بك ان اتكلف طلب ما لم
تقسم لي وما قسمت لي من قيمه اورد مني من رزق فاتي به في
بشر منك وعافيه خلا لا طيبا واعوذ بك من كل شئ يخرج
بيني وبينك او باعد بيني وبينك او نقص بي حظي عندك او صرف
بوجهك الكرم عني واعوذ بك ان تحول خطيئتي او ظلمي او
جزبي او اسرني على نفسي واتباع هواي واسنمجال شهوتي دون

يَا مَنْ عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَسَيَدْرُ كِتَابٌ مَذْكُورٌ فِي كِتَابِ بَابِ
الْبَقَرَةِ مِنْ طَرَا عِدَا زَيْنٍ وَكَعْبِ نَفْسٍ
يَا إِلَهَ الْآلِهَاتِ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثَهُ يَا إِلَهَ الْأَلْهَةِ الرَّبِّعِ جَلَالُهُ
يَا اللَّهُ الْمَعْبُودُ الْمَحْمُودُ فِي كُلِّ نِعَالِهِ يَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ بِكُلِّ شَيْءٍ
وَالْأَيُّودُ يَا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ أَنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرَةُ يَا اللَّهُ
الدَّائِمُ بِالْأَزْوَاجِ وَلَا يَفْنَى مَلَكُهُ الصِّدْقُ فِي غَيْرِ شَيْءٍ وَلَا شَيْءٌ
كَمِثْلِهِ يَا اللَّهُ الْبَارِئُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَلَا شَيْءَ يَكُونُ كَقَوْلِهِ يَا
يَا اللَّهُ الْكَبِيرُ الَّذِي لَا يَهْتَدِي الْقُلُوبُ لِكُنْهِ عَظَمَتِهِ يَا
اللَّهُ الْبَدِئُ الْبَدِيعُ الْمُبْتَدِئُ الْخَالِقُ لِكُلِّ شَيْءٍ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ
أَمْثَلُهُ يَا اللَّهُ الرَّزَّاقُ الظَّاهِرُ مِنْ كُلِّ أَقْصَى بَيْتِهِ يَا اللَّهُ
الْكَافِي الرَّزِيقُ لِكُلِّ مَا خَلَقَ مِنْ عَطَايَا فَضْلِهِ يَا اللَّهُ السَّمِيُّ مِنَ
كُلِّ حَيْثُ لَمْ يَرِضْهُ وَلَمْ يَجَالِطْهُ فِعَالُهُ يَا اللَّهُ أَمْتَانُ ذَوَا الْإِنْفِ
وَالْحُجُودِ وَقَدَعَمَ الْخَالِقُ مَسْتَهُ يَا اللَّهُ الْحَمْدَانُ الَّذِي وَسِعَتْ كُلَّ
شَيْءٍ رَحْمَتُهُ يَا اللَّهُ الَّذِي خَصَّصَ الْعِبَادَ كُلَّهُمْ رَهْبَةً مِنْهُ
يَا اللَّهُ الْخَالِقُ لِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكُلِّ أَلِيٍّ مَعَادُهُ

يَا مَنْ

يَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ بِكُلِّ مُتَضَرِّجٍ وَمَكْرُوبٍ وَمُعْيشَةٍ يَا اللَّهُ لِأَصْفِيهِ
الْأَلْسُنُ كُنْهَ جَلَالِهِ وَعِزِّهِ يَا اللَّهُ الْمُبْدِئُ الْأَشْيَاءَ لَمْ يَسْتَعِنْ
فِي نِشَانِهَا بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ يَا اللَّهُ الْعَلَامُ الْعَبُوبُ الَّذِي لَا يَبُودُهُ
شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ يَا اللَّهُ الْمُعْبِدُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ كَجَمِيعِ خَلْقِهِ
يَا اللَّهُ الْحَكِيمُ ذُو الْأَلَاءِ فَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا اللَّهُ
الْفَعَالُ الْمُبَارِكُ الْعَوَّادُ بِفَضْلِهِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ يَا اللَّهُ الْعَزِيزُ
الْمُسْتَعِينُ الْعَالِمُ عَلَى خَلْقِهِ فَلَا شَيْءَ يَتَوَكَّلُ يَا اللَّهُ الْعَزِيزُ ذُو
الْبَطْشِ الشَّدِيدِ الَّذِي لَا يُطَاقُ اسْتِقَامَتُهُ يَا اللَّهُ الْقَرِيبُ الْبَرُّ الْغَفُورُ
الْعَالِمُ فِي دُنُوبِهِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ لِعَظَمَتِهِ يَا اللَّهُ نُورُ كُلِّ
شَيْءٍ وَمَهْدَاهُ الَّذِي فَتَقَى الظُّلُمَاتِ نُورُهُ يَا اللَّهُ الْمُدْرِسُ الظَّاهِرُ
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فَلَا شَيْءَ يُعَادِلُهُ يَا اللَّهُ الْقَرِيبُ الْحَيُّ الْعَالِمُ الْمُسْتَكِنُ
ذُو رَحْمَتٍ قَرِيبَةٍ يَا اللَّهُ الشَّامِخُ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عَلَوُهُ وَارْتِفَاعُهُ
يَا اللَّهُ الْمُبْدِئُ لِلْأَشْيَاءِ وَمُعِيدُهَا وَلَا يَسْبَعُ إِلَّا قَائِدًا وَيَلْشَأَنُهُ
يَا اللَّهُ الْمَاجِدُ الْكَبِيرُ الْعَعُوقُ الَّذِي وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْلُهُ

الْمُبْدِئُ وَالْمُعِيدُ

يا الله العظيم ذوا العزة والكبرياء قلايدك استكباره يا الله
ذال سلطان العاخر الذي يطبق الالسن وصفت الالبه وشايم
صل على محمد وال محمد واجعل فيما تقضى وتقدر من الامر الخوم
ومنها تقضى من الامر المحكم في ليلة القدر من القضا الذي لا
يرد ولا يبدل ان تجعلني من محتاج بئيك الحرام المبرور وجههم
المكفر عنهم سيئاتهم المغفور وذنوبهم المشكور سعيهم
واجعل فيها تقضى وتقدر ان تطيل عمري وتوسع في رزقي وان
تورثي عني امانتي اللهم ادر فني حج بيتك الحرام وزيارة قبر نبيك
عليه السلام في عامي هذا في شهر منك وعافية ونحو ذلك
طوسية در كتاب مذکور که نه اللهم صل على محمد وال محمد وقور عني
که بعد از بزرگواران نماز خوان
لما خلقته لئلا تشعلني بما قد تكفلت لي به اللهم اني اسالك
ايها الابرار تد ونفيا لا سيفد ومرافقة نبيك صلواتك عليه
اله في اعل حبته الخلد اللهم اني اسالك رزق يوم يوم لا قليلا
فاشفي ولا كثيرا فاطني اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني

ما فضل

من فضلك ما ترزقني به الحج والعمرة في عامي هذا وتقويني به على الصوم
والصلاة فانك انت ربي وربا جبي وعصمتي ليس لي معصم الا انت
ولا رجاء غيرك ولا منجاة منك الا اليك فصل على محمد وال محمد واغني
في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقني برحمتك عذاب النار
وستد در كتاب مذکور از کتاب برافيه رحمه الله عز وجل انك ومنك اطلب حاجتي
بعد از بزرگواران نماز خوان
ومن طلب حاجته الى احد فاني لا اطلب حاجتي الا منك وحذرك
لا شريك لك واسئلك بفضلك ورحمتك ورضوانك ان تصلي علي
محمد وال محمد واهل بيته وان تجعل لي في عامي هذا الى بيتك
الحرام سبيلا حجة مبرورة منقبلة زاكية خالصة لك تقربا
عيني وترفع به ادرجتي وتكفر بها سيئاتي وترزقني ان اعرض
بصري وان احفظ فرجتي عن جميع محارمك ومعاصيك حتى لا يكون
شيء اثرو عني من طاعتك وخشيتك والعمل بما احببت والترك
ما كرهت ونهيت عنه فا جعل ذلك في بسبر ويسار وعافية في ديني
جسدي ومالي وولدي واهل بيتي واخواني ما امنت به علي

عَمِّي السَّاعَةَ السَّاعَةَ وَتَخَلِّصْنِي مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّكَ
إِنْ لَمْ تُذَرِكْنِي مِنْكَ بِرَحْمَةٍ تَخَلِّصْنِي بِهَا لَمْ أَجِدْ أَحَدًا غَيْرَكَ
يُخَلِّصُنِي وَمَنْ لِي سِوَاكَ أَنْتَ أَنْتَ لِي أَنْتَ يَا مَوْلَايَ الْعَوَاذُ
بِالْمَغْفِرَةِ وَأَنَا الْعَوَاذُ بِالْمَعْصِيَةِ وَأَنَا الَّذِي لَمْ أَرَأِ فَيْدَكَ قَبْلَ
مَعْصِيَتِي وَلَمْ أَوْثِرَكَ عَلَى شَهْوَتِي فَلَا يَمْنَعُكَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
عَمَلِي وَبَيْعِ فِعْلِي وَعَظِيمِ خَيْرِي بَلْ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَمَنْ عَلَيَّ
بِعَفْوِكَ وَتَجَاوَزْ عَمِّي بِعَفْوِكَ وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَعِزِّ فِعْلِي الْإِنجَاءُ
بِهِ جَمِيعٌ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ سَيِّدِي الشَّهِيدَ فِي أَمْرِكَ التَّجَمُّعِ
طَلِبَتِي فِي الصَّلَاحِ لِنَفْسِي وَالْفَلَاحِ لِدِينِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ
أَرْزَاقَ عِيَالِي وَالْإِفْضَالَ عَلَيَّ وَالْقُسُوعَ بِمَا قَسَمْتَ لِي اللَّهُمَّ
اقْتَرِبْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ فَضْلِكَ وَأَجِرْ لِي الْخَيْرَ عَلَى يَدِي وَرَضِّنِي بِمَا
قَسَمْتَ عَلَيَّ وَأَقْضِ لِي بِالْحُسْنَى وَقَوِّبْ عَلَيَّ صِيَامَ شَهْرِي وَفِيَامِهِ
لَئِنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَوَاجِ خُودِ رَأْسِ الْكَرِيمِ وَرَكَعْتُ دِيكْرًا بَيْنَ وَبَيْنَ طَوْسِي وَرَكَعْتُ
دَرَكَاتٍ بَعْدَ كُورِ كَعْبَةِ اسْتَكْرَامِ بَعْدَ زِينِ دَرَكَاتٍ مِنْ غَارِ الْجَوْهَرِ كَرَامِ

حَمْدُهُ عَلَى مَقُولِكَ كَرَمًا أَيْدِ غَالَا إِذْ حَضَرَتْ أَمَامَ مُحَمَّدٍ بِرَحْمَةِ اللَّهِ الرَّحِيمِ الرَّحِيمِ
أَخَذَ مَعَهُ وَتَخَضَّرَتْ أَيْدِي غَالَا بِدُعَائِي خَامِعٌ مِيَانَهُ دُعَائِي
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِجَمِيعِ رُسُلِ اللَّهِ وَبِجَمِيعِ مَا أَنْزَلْتَ بِهِ جَمِيعَ رُسُلِ اللَّهِ
وَأَنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَوَقَّعَ حَقًّا وَصَدَقَ اللَّهُ وَبَقِيَ الْمُرْسَلُونَ
وَأَحْمَدُ بِنْتِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَمِعَ اللَّهُ شَيْئًا وَكَمَا
يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَمَّعَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا أَحْمَدُ اللَّهُ شَيْئًا وَكَمَا يُحِبُّ
اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَمَّ اللَّهُ شَيْئًا وَكَمَا يُحِبُّ
اللَّهُ أَنْ يُهَمَّ اللَّهُ أَكْبَرَ كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْئًا وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ
أَنْ يُكَبَّرَ اللَّهُ إِنَّكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْتَ الْمَعْنَايَ الْخَيْرِ وَخَوَاتِمَهُ وَسَوَاءُ
وَقَوَائِدِهِ وَبَرَكَاتِهِ مِمَّا بَلَغَ عَلَيْهِ عَلَيَّ وَمَا قَصَّرَ عَنْ إِحْصَائِهِ
حَفِظْ لِي اللَّهُمَّ صَدَّقْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدَ وَأَنْتَ لِي سَابِقُ
مَعْرِفَتِهِ وَأَقْبَحُ لِي أَبُو آبَةٍ وَعَشِيخِي بَرَكَاتِ رَحْمَتِكَ وَمَنْ عَلَيَّ
بِعِصْمَةٍ عَنِ الْإِذْذَالِ عَنِ دَيْسِكَ وَطَهَّرْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ عَاجِلًا مَعَا
عَنِ الْجِدِّ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاسْتَعِذْ قَلْبِي بِحَفِظْ مَا لَا تَقْبَلُ مَعِي حَمَلَةً

وَدَلِّ لِكُلِّ حَيْزٍ لِسَانِي وَظَهْرِي مِنَ الرِّيَاءِ فِي مَفَاصِلِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ
خَالِصًا لَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَأَنْوَاعِ الْفَوَاحِشِ
كُلِّهَا ظَاهِرِهَا وَبَاطِنِهَا وَعَقْلَانِهَا وَجَمِيعِ مَا يُرِيدُنِي مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ وَمَا يُرِيدُنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الْعَنِيدِ مِمَّا أَحَطْتَ بِعِلْمِهِ وَ
أَنْتَ الْفَادِرُ عَلَيَّ صَرَفِي عَنِّي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوْلِ
الْمِحْنِ وَالْإِنْسِ وَزَوَالِ عِيهِمْ وَبَوَائِبِهِمْ وَمَكَائِدِهِمْ وَمَشَاهِدِ
الْفَسَقَةِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَأَنْ أَسْتَرْكَ عَنْ دِينِي فَتَقْسُدَ عَلَيَّ
الْخُرْبِي وَأَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنْهُمْ صَرًّا عَلَيَّ فِي مَعَاشِي أَوْ بَعْرَضٍ لِإِي
يُصِيبُنِي مِنْهُمْ لِقُوَّةٍ لِي بِهِ وَلَا صَبْرٍ لِي عَلَيَّ إِخْمًا لَهُ فَلَا تَبْتَلِيَنِي بِمُقَا
سَلَةٍ فَيَمْنَعُنِي ذَلِكَ مِنْ ذِكْرِكَ وَتَشْغَلُنِي عَنْ عِبَادَتِكَ أَنْتَ الْعَاصِمُ
الْمُنَافِعُ وَالذَّافِعُ الْوَاقِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَّةَ
فِي مَعِيَّتِي مَا أَنْفَقْتَنِي مَعِيَّةَ أَقْوَى بِهَا عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَالْمَعْبُورَ بِهَا رِضْوَانَكَ
وَاصِيرُهَا مِنْكَ إِلَى دَارِ الْجِوَانِ وَلَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْعِمُنِي وَلَا
تَبْتَلِيَنِي بِمَقْرَأَتِي بِهِ مُضَيِّقًا عَلَيَّ أَعْطِنِي حَظًّا وَافِرًا فِي الْخُرْبِي

ومعاشا

وَمَعَاشًا وَسِعًا هَيِّئْ لِي مَرِيضًا فِي دُنْيَايَ وَلَا تَجْعَلْ لِدُنْيَايَ عَلَيَّ سَجِيئًا
وَلَا تَجْعَلْ فِي آفَاتِي عَلَيَّ حُرْمًا أَجْرِي مِنْ فِتْنَتِهَا سَلِيمًا وَاجْعَلْ عَلَيَّ
فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعِي فِيهَا مَشْكُورًا اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَ فِي سُوءٍ فَارِدُهُ
وَمَنْ كَادَ فِي فَكْدَةٍ وَاصْرَفَ عَنِّي هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَاعْتَكُرَ
بَيْنَ مَكْرَبِي فَإِنَّكَ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ وَافْتَأ عَنِّي عِيُونَ الْكُفْرِ الظُّلْمَةَ
الطُّغْيَانَ الْحَسَدَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْكَ
سَكِينَةً وَاللَّيْسِي وَأَرْزُقْنِي دِرْعًا مِنَ الْحَصِينَةِ وَاحْفَظْنِي بِتَرْكِ
الْوَاقِي وَجَلِّبْنِي عَافِيَتِكَ التَّافِعَةَ وَصَدِّقْ قَوْلِي وَضَعَالِي وَبَارِكْ لِي
فِي أَهْلِي وَوَلَدِي وَمَالِي وَمَا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ وَمَا أَغْفَلْتُ وَمَا نَعَيْتُ
وَمَا تَوَانَيْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَيْتُ فَاعْفُ عَنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الْمَوْ
سِينِ
وسيد در كنار بيد كو دار كناس بنا بقره اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسْئَلَةِ الْمُسْكِينِ
أَنْزِلْ عَارًا لِعِبَادِنَا وَرَكْمًا لِعَقْلَانِنَا
الْمُسْكِينِ وَابْتَعْنِي لِيكَ ابْتِغَاءَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ وَانْصَرِّعْ لِيكَ
تَضَرِّعَ الْمَظْلُومِ الضَّرِيرِ وَأَبْتَهَلْ لِيكَ ابْتِهَالَ الْمَذْنِبِ الدَّابِلِ

ستید بن طاووس خطاب ثراء در کتابها گفته که نمازهای بسیار در هر شب از شبهای انبیا وارد شده است
و چون اعتماد و وثوق برسند آنها نماندند ذکر نمودم **تمت** شیخ طوسی در کتاب تهذیب
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت بجهیلین صلح فرمود که اگر توانی
ماه رمضان و غیره از ماهها میگیرد در هر شب از روزی هزار رکعت نماز بخوانی بکن بدین شیوه که
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در هر شب از روزی هزار رکعت نماز میکرد و بعضی از
آنحضرت روایت کرده است که ما بویصیه فرمود که ماه رمضان با حرمتی زیاد است که ما هر شب
دیگر آن شبها را ندانیم هر قدر که توانی نماز نطوع در شب و روز آن کن و اگر توانی در هر شب
روزی هزار رکعت نماز کن بدین شیوه که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در آخر
عمرش پیشتر در هر شب از روزی هزار رکعت نماز میکرد و الله تعالی هو الموفق **مقتصد دوم**
در بیان ادعیه هر شب از ماه است و آنها چند چیز است **اول** ستید بن طاووس در کتاب
احوال از بعضی از آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین روایت کرده است که هر کس این دعا را
در هر شب از ماه رمضان بخواند کفایت آن عملها را میدهد و دعا اینست
اللهم رب شهر رمضان الذي أنزلت فيه القرآن وأمرت على

تو این دعا را هر شب بخوانی
در ماه رمضان

دعاهای شب
ماه رمضان

عبادك فيه الصيام صل على محمد وال محمد و از تو فرج بکن
الحرام في عامي هذا و في كل عام و اعف عني ذنوب العظام
فانه لا يعفها غيرك يا رحمن يا علام **دوم** ابن ابوبره چنانچه ستید از
او در کتاب اقبال نقل نموده از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که از دعاهای هر شب ماه رمضان این دعاست
اللهم اني أسألك فيما تقضى وتقدر من الأمر المحمور في الأمر
الحكيم في القضاء الذي لا يرد ولا يبذل ان تكتبني من حجاج
بيك الحرام المبرور بحجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم
المذكور عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضى وتقدر في الأمر الحكيم

ما القضاء

في القضاء الذي لا يرد ولا يبذل ان تصلي على محمد وال محمد وان تطيل
عمرى **سوم** ایضا ستید در کتاب مذکور است خود از حضرت جواد علیه السلام روایت کرده است
که از جمله دعاهای هر شب ماه رمضان این دعاست اللهم اني أسألك
ان تجعل فيما تقضى وتقدر من الأمر المحمور في الأمر الحكيم من القضاء
الذي لا يرد ولا يبذل ان تكتبني من حجاج بيك الحرام المبرور بحجهم
المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وان
تجعل فيما تقضى وتقدر ان تطيل عمرى في حجة عاقية وتوسع لي
مزيق وتجعلني من نصير به لديك ولا تستبدل بعمرى مؤلف كوفي

که ممکن است
که این دعا را هر شب بخواند کفایت آن عملها را میدهد و دعا اینست
اللهم رب شهر رمضان الذي أنزلت فيه القرآن وأمرت على
عبادك فيه الصيام صل على محمد وال محمد و از تو فرج بکن
الحرام في عامي هذا و في كل عام و اعف عني ذنوب العظام
فانه لا يعفها غيرك يا رحمن يا علام **دوم** ابن ابوبره چنانچه ستید از
او در کتاب اقبال نقل نموده از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که از دعاهای هر شب ماه رمضان این دعاست
اللهم اني أسألك فيما تقضى وتقدر من الأمر المحمور في الأمر
الحكيم في القضاء الذي لا يرد ولا يبذل ان تكتبني من حجاج
بيك الحرام المبرور بحجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم
المذكور عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضى وتقدر في الأمر الحكيم

الاولين والآخرين يوم القيمة فانحنا وبرائة من النار فاكتب لنا و
 جهنم فلا نعلمنا ونبه عدناك وهوانك فلا تبذلنا ومن الرقوم والقرع
 فلا تطعمنا ومع الشياطين فلا تجعلنا وفي النار على وجوهنا فلا تكذبنا
 ومن ثياب النار وسراويل القطن فلا تلبسنا ومن كل سوء بلا الاله الا انت
 بحق لا اله الا انت فبحنا **بخبر** ايضا سته وكتاب مذکور از محمد بن ابي قهر نفل بنود است
 که اول سید خود از ابو عمر سکوفی روایت کرده است که گفت از احمد
 بن محمد بنان بغدادی سئوال کردم که بمن بنامید کتاب دعیه ماه رمضان که دعوی و محمد بن عثمان عمری
 رحمه که از نواب حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه است بخواند و کتابی که جلدا و سرخ بود
 بنزد من آورد و من دعاها و بسیار از آن نوشتم انرا جمله ایزد عابد و در عنوان آن دعا چنین بود که
 بخوان از دعا دار در هر شی از شهرهای ماه رمضان بدین معنی که دعا در زمانه که میشود و در استغفار
 بسیار بدین صیغه اللهم انی افتح الشاء بحمدک وانت مسدد
 ودعا البیت
 للصواب مینک و ایقنت انک انت احکم الراحین فی موضع لعفو
 والرحمة واشهد المعافین فی موضع النکال والنیة واعظم الخیرین
 فی موضع الصبر باعو العظرا اللهم اذن لی فی دعائک ومسالک
 فاسمع یا سمیع مدحی و اجب یا رحیم دعوی فی اول یا عفو و عمر بن
 فکرمیا الهمی من کزبته قد فرجتها وهمو مقادک کشفنها وعثره
 قد افلنها ورحمتها قد لثرتها وخلقته بلا قد کفکتها الحمد لله

الذي لم يتخذ صاحبه ولا ولدا ولا وليا له شريك في الملك ولا يمكن له
 ولي من الدن ولا وكبره تكبيرا الحمد لله بجميع محامده كلها على جميع
 نعيبه كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه ولا منازع له
 في امره الحمد لله الذي لا شريك له في خلقه ولا شبه له في عظمته
 الحمد لله العاشق في الخلق امره وحمده الظاهر بالكرم محبده
 الباسط بالجوديه الذي ينقص خراشته ولا يزيدك كثرة العطا
 الاجود او كرم ما انه هو العزيز الوهاب اللهم اني اسالك
 قليلا من كثير مع حاجتي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو
 عندي كثير وهو عليك سهل كبير اللهم ان عفوك عن ذنبي و
 تجاوزك عن خطيبي وصفحك عن ظلمي وسترك علي وبيح علي وخذلك
 عن كثير جرمي عند ما كان من خطاي وعذري اطمعني ان اسئلك
 ما لا استوجبه منك الذي ترقتني من رحمتك وارتيتني من
 قدرتك وعرقتني من اجابتك فصرت اذ عولك امنا واسئلك
 مناسيا لا خائفا ولا واجلا مدلا عليك بما تصدق فيه اليك

شبه

فَإِنْ أَنْطَاعَتِي عَتَبْتُ بِجَهَائِي وَعَلَلْتُ الَّذِي أَنْطَاعَتِي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعَلِّكَ
بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرِ مَوْئِي كَرِهًا أَضْبَرَ عَلَى عُنُقِي لَيْسَ مِنْكَ عَلَى
يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلِي عَنكَ وَتَحْتَبُّ إِلَيَّ فَاتَّبَعْتُ لِيكَ وَ
تَسَوَّدَ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِي السُّطُولَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ
مِنَ الرَّحْمَةِ بِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَالْتَفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ
فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ خَالِكَ إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٌ
أَلْحَمْدُ لِلَّهِ مَا لَكَ الْمَلِكُ مُجْرِي لِفُتُكِ الرَّبَّاحُ فَالْوَالِ الْأَصْبَاحُ دِيَانِ
الَّذِينَ رَبَّانَا لَعَالَمِينَ لِحَمْدِ اللَّهِ عَلَى حَمْلِهِ تَعَبٌ عَلَيْهِ وَأَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ
قُدْرَتِهِ وَأَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنَانِهِ فِي عَضْبِهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ
أَلْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ بَاسِطِ الرَّزْقِ فَالْوَالِ الْأَصْبَاحُ ذِي الْجَلَالِ الْإِكْرَامِ
وَالْفَضْلِ وَالْإِنْفَارِ الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى وَقَرَّبَ فَشَهِدَ الْجَوِّي تَبَارَكَ
وَتَعَالَى أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا شِبْهُهُ يُشَاكِلُهُ
وَلَا ظَهِيرٌ يُعَايِضُهُ قَهْرٌ يَعْزِزُهُ إِلَّا عِزَّةُ اللَّهِ وَتَوَاضَعَ لِعِظْمَتِهِ الْعِظَامُ
فَبَلَّغْ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَجْعَلُنِي حِينَ أُنَادِيهِ وَيَسْتُرُنِي

قوله

الإحسان

عَلَى كُلِّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ وَيُعْظِمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِبُهُ
فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَبِيئَةً قَدْ أَعْطَانِي وَعَظِيمَةٍ حَقِيقَةً قَدْ كَفَانِي
وَبَاحِجَةٍ مُؤْنِقَةٍ قَدْ أَرَانِي فَأُشْفِي عَلَيْهِ حَامِدًا وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا
أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَهْنِكْ حِجَابُهُ وَلَا يُعْلَقُ بَابُهُ وَلَا يَرُدُّ سَائِلُهُ وَلَا
يُجْتَنِبُ أَمَلُهُ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْمُخَافِينَ وَيُخَيِّمُ الصَّالِحِينَ وَيَرْفَعُ
الْمُسْتَطْعِمِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ الْآخَرِينَ
وَأَلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاحِصِ الْجَبَّارِينَ مِهْرِ الظَّالِمِينَ مَذْرِكِ الْهَارِبِينَ نَكَالِ الظَّالِمِينَ
صَرِيحِ الْمُسْتَضْرِحِينَ مَوْضِعِ خَاطِبِ الطَّالِبِينَ مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي مِنْ حَشِيئَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَسُكُنُهَا وَتَرْجَفُ الْأَرْضُ وَعَمَّا دُمَا
وَمَوْجِ الْبِحَارِ وَمَنْ يَسْجُدُ فِي عَمْرِهَا أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا هَذَا وَمَا
كُنَّا لِنَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَيَخْلُقُ
وَيَرْزُقُ وَلَا يَزُولُ وَيُطْعِمُ وَلَا يَطْعَمُ وَيَمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى
هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِ الْخَيْرِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُ صَمِيحٌ
عَلَى كُلِّ عَبْدٍ وَرَسُولٍ وَأَمِينٌ وَصَفِيحٌ وَجَبِيحٌ وَجَبِيحٌ

الظلمة

من خلقك وحافظ سيرك ومبلغ رسالاتك افضل واحسن واجمدا
واكهد واذاكى وانمى واطيب واظهر واسنى واكثر ما
صليت وباركت وترحمت وتحننت وسلت على احد من عبادك
وانبياءك ومرسلك وصفوك واهل الكرامه عليك من
خلفك اللهم صل على علي امير المؤمنين ووصي رسول رب
العالمين عبدك ووليك واخي رسولك ومجيبك على خلقك
واينك الكبري والنبا العظيم وصل على الصديق الطاهر
فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين وصل على سبطي الرحمه
وامامي الهدي الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنه
وصل على ائمة المسلمين علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن
محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن
محمد والحسن بن علي والخلف الصالح الهادي المهدي حجابك
على عبادك وامالك في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم
وصل على ولي امرك القائم المومل العادل المنظر وحقه

الملك

يملكك المنقر بين وايدع بروح القدس بارب العالمين اللهم
اجعله الداعي الى كتابك والقائم بيدك استخلفه في الارض
كما استخلف الذين من قبله مكن له دينه الذي ارتضينه له
ابدله من بعد خوفه امانا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم
اعزه واعز زبه وانصره وانتصر به وانصره نصر اعز واو فتح له
فخايسرا واجعله من لدنك سلطانا نصيرا اللهم اظهر به
دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشئ من الحق مخافة احد
من الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الا
واهله ونذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعوة الى
طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والاخرة
اللهم ما عرفتنا من الحق فحملنا وما قصرنا عنه فبلغنا
اللهم المم به شعثا واشعب صدعنا وارزقنا به ففتنا
وكثر به فلتنا واعتر به ذلنا واغنى به غائلنا واغنى به عن
مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلنا ويسر به عسرنا واوجز به

ملكة

اغنى به

وَجُوهَنَا وَفَكَ بِهٖ اَسْرَنَا وَاجْتِ بِهٖ طَلِبَتَنَا وَاجْتِ بِهٖ مَوَاعِيدَنَا
 اسْتَجِبْ بِهٖ دَعْوَتَنَا وَاعْظِنَا بِهٖ سُوْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهٖ مِنَ الدُّنْيَا وَ
 الْاٰخِرَةِ اَمَانًا وَاعْظِنَا بِهٖ قُوَّتِ رَجْبِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُوْلِيْنَ وَاَوْسَعَ
 الْمُعْطِيْنَ اِسْتَفِ بِهٖ صُدُوْرَنَا وَادْهَبْ بِهٖ غَيْظَ قُلُوْبِنَا وَاهْدِنَا
 بِهٖ لِمَا اخْتَلَفَ مِنَ الْحَقِّ يَا ذَا ذِكْرِ اِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ
 مُسْتَقِيْمٍ وَانصُرْنَا بِهٖ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوْنَا اِلٰهَ الْحَقِّ اٰمِيْنَ
 اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْ اِلَيْكَ فَتَقَدَّرَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ عَلَيْهِ وَ اِلٰهَ عَجِيْبَةٍ
 وَ لِيْنَا وَكَرَّةٌ عَدُوْنَا وَفَلَّةٌ عَدُوْنَا وَشِدَّةٌ الْفِتَنِ وَتَظَاهِرُ
 الرِّمَاقِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اِلٰهٍ وَاعْتِنَا عَلٰى ذٰلِكَ كُلِّهٖ بِفَتْحِ تَجْمَلُهُ
 وَبِضْرٍ تَكْتِفُهُ وَنَصْرٍ تُعْرِضُهُ وَ سُلْطَانٍ حَيٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ
 تُجَلِّلُنَا هَا وَ عَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَا هَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

ايماناً
 الحمد لله

سنت کلینی و ابن بابویه و سید بن طاووس نقل الله ارواحهم و دیگران بسند های معتبر این
 حضرت ایام محمدی روایت نموده اند که یکی از اصحاب حضرت بخاریت او عرض نمود که
 چه روزی است که شب قدر در هر سال می باشد فرمود که چون ماه مبارک رمضان اخل شود
 در هر شب خورشید در صد و نوبت از پس خورشید بیست و یکم شود نظر خواهی کرد
 نوی و صد و چهارمین خواهد نمود **هفت** ایضا از حضرت صادق روایت
 فرمود که هرگاه ماه رمضان اخل شود هر شب سوره انا انزلناه را هر

مرتبه بخوان و خورشید بیست و یکم داخل شود در خود را محکم کن و گوشه های خود را بکشا
 تا عجایب بسیار بشنوی **مؤلف** گوید که سید و بعضی دیگر از علما ازین روایت حدیث چنین فهمیده اند
 که ازین روایت بعد از شب بیست و یکم نیز تا آخر ماه در هر شب یا بدخواه شود و بخند
 که مراد این باشد که تا شب بیست و یکم خوانده شود و بعد از آن ضرر نباشد و الله تعالی علم
 و هو الموفق **تذکره** بدانکه بعضی از ادعیه هر شب چیزی چند است که در هر شب و هر روز باید
 کرده شود و آنها چند چیز است **اول** سید بر طهارت در اقبال از حضرت امام جعفر صادق
 و امام موسی کاظم صلوات الله علیهما روایت کرده که این از فرموده تکریم در تمام ماه مبارک و رضا
 بعد از نماز واجب **اللهم ارضفنی حج بیتک الحرام فی عامی هذا و فی کل عام**
 این طاعت بدخواهانه

مَا اَبْقَيْتَنِي فِيْ لَيْسَ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَسَعَةٍ رِزْقٍ وَلَا تَحْلِيْنِيْ مِنْ ذٰلِكَ الْمَوَاقِفِ
 الْكَرِيْمَةِ وَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيْفَةِ وَ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَا وَ اِنَّكَ عَلَيْهِ
 وَ اِلٰهٍ وَ فِيْ جَمِيْعِ حَوَاجِّ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ فَكُنْ لِيْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ
 فِيمَا نَقَضِيْ وَ تَقْدِرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْمُوْمِ فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي
 لَا يَرُدُّ وَ لَا يَبْدُلُ اَنْ تَكْتَفِيْ مِنْ حَاجِّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمُبْرُورِ حَجْمُ
 الْمَشْكُوْرِ سَعِيْمُ الْمَغْفُوْرِ ذُنُوْبِهِمْ الْمَكْفُوْرَةُ سِيْئَاتِهِمْ وَ اَجَلُ
 فِيمَا نَقَضِيْ وَ تَقْدِرُ اَنْ تُطِيْلَ عُمُرِيْ وَ تُوسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِيْ وَ تُوَدِّيْ عَنِّيْ

اَمَّا نَبِيٌّ وَ دِيْنِيْ مِيْنِ رَسُوْلِ الْعَالَمِيْنَ **دوم** ایضا سید در کتاب مذکور گفته که در هر شب
 در عقبه نمازی خواهد نماز جمعی خواهد خواند
 اِنْدَعَارًا لِاَعْلَى يَا عَظِيْمُ اِعْظُوْرِيْ اَرْحَمَ الرَّحْمٰتِ الْعَظِيْمِ الَّذِيْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ
 شَيْءٌ وَ هُوَ السَّبِيْعُ الْبَصِيْرُ هَذَا شَهْرٌ عَظِيْمٌ وَ شَهْرٌ قَدِيْمٌ وَ قَضِيْمٌ
 وَ كَرِيْمٌ

عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ
 الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ
 وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فَيَا ذَا الْمِنَّةِ
 وَلَا يَمُنُّ عَلَيْكَ مَنْ عَلَى بَعْدِكَ رَفِئَتْ مِنْ التَّارِقِينَ مَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَ
 أَدْخَلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مؤلف** كويدك كعصميه كونا
 حجة الامان بنده عارا اركنا
 فردوس بن هرون زياناه نعل نموده و چون ضبط سید زیاده از کفعمی استنا عماره بر نعل
 سید شیرازت و الله تعالی عیلم **سید** کفعمیه در حین الامان بنده عارا اركنا
 کرده است که در ماه رمضان بعد از نماز فریضه از عارا بخواند و بعد از آن که نماز او تمام
 شود روز قیامت اللهم اذخبل عا اهل القبور السور اللهم اغر كل
 و دعا این
 فقیر اللهم اشبع كل جائع اللهم اکر كل غریبان اللهم
 اقض دین كل مدين اللهم فرج عن كل مکروب اللهم زد كل
 غریب اللهم فک کات اسیر اللهم اصليج کل فاسد من امور المبلین
 اللهم اشف کل مريض اللهم سدق قرا بغناک اللهم غیر سنوه
 خالنا بحسن حالک اللهم اقض عتات الدین و اغنا من الفقر انک
 علی کل شیء قدير **مجاز** کلینو عه ایندها ما زا بوجیه روایت کرده است که حضرت صفای
 عه در ماه مبارک رمضان اینده عارا ایضا الله اللهم ملک و
 منک اطلب حاجتی من طلب حاجته الی الناس فانی لا اطلب حاجتی الا

این دعا را در روز
 قیامت بخواند
 و حاجت او برسد

مِنْكَ وَحَدِّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ وَرِضْوَانِكَ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي فِي عَامِي هَذَا إِلَى
 بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيلًا حَجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً خَالِصَةً لَكَ
 تَقَرُّ بِهَا عَيْنِي وَتَرَفُّعُ بِهَا دَرْجَتِي وَتَرْفُقَ بِي أَنْ أَعْضُرَ بَصَرِي
 وَأَنْ أَحْفَظَ فَرْجِي وَأَنْ أَكْفِتَ بِهَا عَنْ جَمِيعِ حَامِرِيكَ حَتَّى لَا
 يَكُونَ شَيْءٌ أَشْرَعَنَدِي مِنْ طَاعَتِكَ وَخَشْيَتِكَ وَالْعَمَلِ لِيَا أَجِبْتَنِي
 وَالتَّرَكِ لِمَا كَرِهْتَ وَنَهَيْتَ عَنْهُ وَاجْعَلْ ذَلِكَ فِي بَيْتِي وَيَسَارًا
 وَعَافِيَةً وَمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قِتْلًا
 فِي سَبِيلِكَ تَحْتِ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَنْشُرَ لِي
 أَعْدَاءَكَ وَأَعْدَاءَ سُؤْلِكَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَكْرِمْ بَنِي بَهْوَانَ مَنْ
 شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَلَا تَهَيِّبْنِي بِكَرَامَةِ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ اللَّهُمَّ
 اجْعَلْ لِي مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا حَسْبِي اللَّهُ وَمَا شَاءَ اللَّهُ
مؤلف كويدك سید در ایام این عارا انما حضرت روایت کرده است که با بوجیه فرمود که در هر
 ماه مبارک رمضان بعد از مغرب بر ای طلب حج بیت الله الحرام این عارا بخواند و حین
 الامان گفته که ابوالفتوح کوی در کتاب روضه العابدین گفته که مستحبات که در روز
 ایضا در رمضان و در شب اول آن این عارا خوانده شود و اثره طاهر غای حج نامیده میشود

این دعا را در روز
 قیامت بخواند
 و حاجت او برسد

یا آجبتنی

شک و عافیة و ارضیج
 شکرتا کور

سئوالت علی الامان
 سئوالت علی الامان

و ان کویب

یا شانه الله و صلی الله علی
 سیدنا محمد و آله الطاهرات
 الطیبین و آلهم الطاهرات

إِلَيْكَ بِطَلْبِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَجَعَلْتَ بِيكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِدَعَاؤِكَ
تَوْشِيًّا مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَافٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي وَلَا اسْتِجَابٍ لِعِفْوِكَ عَنِّي لِثِقَتِي
بِكِرْمِكَ وَتَسْكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ وَتَحَايِي إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْجِيهِكَ وَثِقَتِي
بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَارْتَبِي غَيْرُكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لِاسْتِرْكَائِكَ
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْغَائِبُ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ وَاسْتَلُوا اللَّهَ
مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ
تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَتَّانُ بِالْعَطَايَا عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ
وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِحَيِّتِنِ وَأَوَّلِكَ إِلَى رَبِّتِي فِي نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ
صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا يَا مَنْ رَتَّبَانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ
وَنِعْمِهِ وَأَشَارَنِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي بِأَمْرِكَ
دَلَّتْ عَلَى عَمَلِكَ وَحَيِّتِكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدِلَالِكَ
وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي لِشَفَاعَتِكَ أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي قَدْ أَخْرَسَتْ ذَنْبُهُ
رَبِّي أَنَا جِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَعَهُ خَيْرُهُ أَدْعُوكَ يَا رَبِّ زَاهِبًا
رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرَعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ

يقيني

بالعطيات

دليلي

ليان

عفو

عَفْوِكَ طِبِعْتُ فَإِنَّ عَفْوَتَكَ خَيْرٌ وَأَجْرٌ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَعَفْوُ ظَاهِرِي حَقِّي اللَّهُ
فِي حُجَاتِي عَلَى مَا لَيْتُكَ مَعَ إِشْيَائِي مَا تَكْرَهُ جُودَكَ وَكَرَمَكَ وَعَدْلَكَ فِي
شِدَّتِي مَعَ قَلْبِي حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَقَدَّرَ جُودَ أَنْ لَا
تُخَيِّبَ بَيْنَ دِينٍ وَدِينٍ مَنِيحَتِي تَحْقِيقَ رَجَائِي وَاسْتَسْمِعْ نِدَائِي يَا خَيْرَ
مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَوْضَدَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظِيمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ
عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمُقَدَّرِ أَمَلِي وَلَا تُؤْخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي
فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِدُ عَنْ مَجَازَاتِ الْمُدْنِيِّينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ كَفَاتِ
الْمُعَصِّرِينَ وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِكٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَخَجِّجٌ
مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّبْرِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطْبِي
هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ أَيُّ رَبِّ جَلَّتْ لِي سِتْرُكَ وَأَعْفُ
عَنْ تَوْبِي بِكَرَمِكَ وَجَمِّكَ فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَضَلْتَهُ
وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لِأَجْنَبَتِهِ لِأَنَّكَ لَا تَكْفُرُ الْهَوَانَ التَّائِبِينَ
إِلَيَّ وَأَخَفْتُ الْمُطْلَعِينَ عَلَى تَبِّكَ لِأَنَّكَ خَيْرُ السَّائِرِينَ وَأَحْلَمُ الْأَخْلِينَ
وَأكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ سَتَارَ الْعُيُوبِ عَفَاكَ الذُّنُوبِ عَلَامَةُ الْعُيُوبِ

بستوى

مستخرج

بستوى

والعلم على الكثرة

٢٦٤

عفو

تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ وَتُوَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِجَلَدِكَ فَكَلِمَةُ الْحَمْدِ عَلَى حِلْمِكَ
بَعْدَ عَمَلِكَ وَعَلَى عَمَلِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَجْمَلُنِي وَيَجْبِرُنِي عَلَى
مَعْصِيَتِكَ حِلْمَكَ عَنِّي وَبَدْعُونِي عَلَى فَلْيَزِ الْحَيَاءُ سَتْرَكَ عَلَيَّ وَبِعَنِّي
إِلَى التَّوَشُّعِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَمَلِكَ يَا
حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمٌ يَا غَافِرُ الذَّنْبِ يَا فَائِدَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ
الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَيْنَ سَتْرَكَ الْجَبِيلُ أَيْنَ عَمَلِكَ الْجَلِيلُ أَيْنَ
فَرْحَكَ الْقَرِيبُ أَيْنَ غِيَاثَكَ السَّرِيعُ أَيْنَ رَحْمَتَكَ الْوَالِيسَةُ أَيْنَ عَطَايَاكَ
الْفَاضِلَةُ أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةُ أَيْنَ صَنَائِعِكَ السَّيِّئَةُ أَيْنَ
مَضَلَّكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مَتَكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ إِحْسَانَكَ الْقَدِيمُ أَيْنَ
كَرَمَكَ يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ
فَخَاصِنِي بِالْحُسْنِ يَا مَجْمَلٌ يَا مُنْعَمٌ يَا مُضِنَّةً لَسَانَتِكَ فِي النَّجَاهِ مِنْ
عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا يَا بَلَّ بَعْضِنَا عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْدَى النَّفُوسِ
وَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ تُشْبِهُ بِالْإِحْسَانِ نَعْمًا وَتَعْمُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا
فَمَا نَدْرِي مَا أَتَى كَرَامَتِكَ الْبَشَرُ مَا تَبَيَّنَ مَاتَتْ تَرَامُ عَظِيمِ

توسلنا بالإنشاد

لست أتكلل

ما ألبت

مَا أَلْبَتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثُرَ مَا مِنْهُ نَجِيَّتَ وَعَاقِبَتَ يَا حَبِيبَ مَنْ
تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَأَذْبِكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنَا لِمُحِبِّينِ
وَتَحَنُّنِ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزَ يَارَبِّ عَنِ مَسِيحٍ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ
وَإِنِّي جَهْدٌ يَارَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ آيُ زَمَانٍ أَطْوَلُ مِنْ
أَنَانِكَ وَمَا قَدَّرَ أَعْمَالِنَا فِي جَنبِ نِعَمِكَ وَكَيْفَ لَسْتُمْ كَرَامَتِنَا
نُقَابِدُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُدْنِيِّينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ
رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ الْمَعْرِفَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوَعْرَتِكَ
يَا سَيِّدِي لَوْ أَنَّهُ تَبَيَّنَ مَا بَرِحْتَ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتَ عَنْ تَمَلُّكِكَ
لَوْ أَنَّهُ تَبَيَّنَ
يَا أَنْتَ هِيَ الْيَقِينُ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَنَاءَى
تَعَذَّبَ مِنْ تَشَاءٍ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ
كَيْفَ تَشَاءُ وَلَا تَسْأَلُ عَنْ مَعْلُوكَ وَلَا تَسْأَلُ عَنِ مَلِكِكَ وَلَا تَسْأَلُ
فِي أَمْرِكَ وَلَا تَضَادُ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْزِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي نَدْبِكَ لَكَ
الْحَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَارَبِّ هَذَا مَقَامٌ مِنْ لَأَذْبِكَ
بِكَ وَاسْتِجَارُ بِكَرَمِكَ وَالْفِإِ إِحْسَانِكَ وَنِعَمِكَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي

لو أنه تبين

يا بركت يارب

لا يصبو عموك ولا ينقض فضلك ولا يبدل رحمتك وقد توثقنا منك
بالصبر القديم والفضل العظيم والرحمة الواسعة افترق يا رب
تخلت ظنوننا او تخيبنا ما لنا كلنا يا كريم فليس هذا ظننا يا ربك
ولا هذا ظمنا فيك يا رب ان لنا منك املا طويلا كثيرا ان لنا
فيك رجاء عظيم اعصيناك ونحن نرجو ان تشر علينا ودعونا
و نحن نرجو ان تستجيب لنا فحقق رجاءنا يا مولانا فقد علمنا ما نسو
ياغنا لنا ولكن عليك فينا وعلنا بانك لا تصرفنا عنك حشا على
الرحمة اليك وان كنا غمر مستوحين لرحمتك فاننا اهل
ان نجود علينا وعلى المذنبين بفضل عينك فامن علينا بما انت
اهله وحبنا فاننا نحتاجون الي نبلك يا غفار نورك اهتد
وبفضلك استغيننا وبنعمتك اصبحنا وامنينا دوننا بين يديك
لستغفرك اللهم منها ونسوء اليك نتحبت الينا بالنعمة و
نعارضك بالذنوب خبرك الينا نازل وشرنا اليك ضاعدا ولهم
يزل ولا يزال ملك كريم يا ربك عتافي كل يوم يعمل قبيح فلا يمنعك

يسعد فضلك

ذكر

ذلك من ان تحوطنا بنعمك وبتفضلنا علينا بالايك فسخرناك ما اهلك
واعظمتك واکرمك مبدئا ومعيدا تقديست اسماءك وجل
شأنك وكرم صنائعك وتعالك انت الهى اوسع فضلا واعظم
حلا من ان نقايسى بعينى وخطيئتي فالعموا العفو العفو سيدى
سيدى سيدى اللهم اشغلنا بذكرك واعذنا من سخطك و
اجرامنا وعذابك وارزقنا من مواهبك والنعمة علينا من فضلك
وارزقنا حاج ببيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ومغفرتك ورحمتك
ورضوانك عليه وعلى اهل بيته انك قريب مجيب وارزقنا عملا بطاعتك
وتوقنا علم ملئك وسنة نبيك صلى الله عليه واله اللهم صل
على محمد واله واعف عنى ولوالدى وانحهما كما ربتا فى صغيرا و
اجزهما بالاحسان احسانا وبالسيئة عفرانا اللهم اغفر
للهم ميين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم
والاموات تابعيننا وبيتهم بالخير اللهم اغفر لحياتنا وميتنا
وشاهدينا وغايبنا وذكرونا واناشنا صغيرا وكبيرنا حيا ومموتا

اشفانا

كُنَّا لِعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَصَلُّوا صِلَاً لَا بَعِيداً وَخَيْرُ خَيْرَانَا مُبِيناً
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمِ مُحَمَّدِي وَارْحَمِ مَا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ
أُمَّةٍ نَبِيٍّ وَآخِرَةٍ وَلَا تَسَلِّطْ عَلَيَّ مِنْ لَأِبْرَحِمِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ
وَأَفِيَّةً بَاقِيَةً وَلَا تَسَلِّبْ صَاحِبَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ
رِزْقاً وَاسِعاً حَلاً لَا طَيْباً أَلَّهْتُمْ وَارْحَمِي بِحَسَنِكَ وَارْحَمِي بِمَخْطِئِكَ
وَإِكْلَانِي بِكَلَامِكَ وَارزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ مِنْ عَامِنَا هَذَا فِي كُلِّ
عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرَيْكَ وَالْأُمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تُخْلِنِي بِأَرْبَابِي مِنَ الْمَشَارِقِ
الشَّيْخَةِ وَالْمَوَافِقِ الْكَرِيمَةِ اللَّهُمَّ تُبِّعْ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيكَ وَأَهْلِي
أَخِي وَالْعَمَلِيَّةَ وَخَشِيئَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي بِأَرْبَابِ الْعَالَمِينَ
اللَّهُمَّ إِنِّي كَلَّمْتُكَ قَدْ نَهَيْتُكَ وَتَعَبْتُكَ وَفُتُّ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ
وَنَاجَيْتُكَ الْفَيْتُ عَلَيَّ نَعَّاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ وَسَلَّيْتُ مِنْ مَنَاجِيئِكَ
إِذَا أَنَا نَاجَيْتُكَ مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّيْتُ سَبَّحْتُ وَرَفَعْتُ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِ
تَجَلَّسِي عَرَسَتِي لِيَلِيَّةً أَزَالُكَ قَدَمِي وَحَالَاتِي بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ سَيِّدِي
لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ تَحْتَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُخْطِئاً

أَلْفَيْتُكَ
الْمَخَافَةَ
الْجَهْلِيَّةَ
نَاجَيْتُكَ
جَيْتُكَ

بِحَقِّكَ فَأَوْصَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَّيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ
وَحَدَّيْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَذَّابِينَ فَوَفَّيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ
لِنِعْمَتِكَ فَحَرَمْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ فَغَدَّيْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَحَدَّيْتَنِي أَوْ
لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْعَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ أَيُّسَّرْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي لَيْفَ
مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ قَبَيْتَنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تَحْتِجْ أَنْ تَسْمَعَ
دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بَجَرِي وَمِجْرِي كَأَفَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ سَلَّيْتَهُ
حَيَاتِي مِنْكَ جَارَيْتَنِي فَإِنَّ عَفْوَتَكَ يَارَبِّ ظَنَّا مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُدْنِيِّينَ
قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيْ رَبِّ بَجَلٍ عَنِ مَجَازَاتِ الْمُدْنِيِّينَ وَحَدِّكَ كِبَرًا
عَنْ مَكَانِهِ الْمُقْضَرِّينَ وَأَنَا عَانِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُخْطِئاً
مَا وَعَدْتَنِي مِنَ الصَّحِيحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلاً وَ
أَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُفَاتِيَسَنِي بِعَيْبِي أَوْ أَنْ تُسْتَرْجِيَنِي بِمُخْطِئِي وَمَا أَنَا
يَا سَيِّدِي وَمَا خَطَرِي قَبِي بِفَضْلِكَ يَا سَيِّدِي وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ
وَجَلِّبْنِي بِبَيْتِكَ وَارْحَمْنِي بِكَرَمِي وَجَمِّعْ سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ
الَّذِي تَبَيْتُهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتُهُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ

وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي فَعَنَهُ وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي أَمَنَهُ وَأَنَا الْبَاطِلُ
الَّذِي سَبَعَهُ وَالْعَطْشَانُ الَّذِي آزَوَيْتَهُ وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ وَ
الْفَقِيرُ الَّذِي غَنَيْتَهُ وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَيْتَهُ وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّيْتَهُ
وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ وَالْمَذْنُوبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ
وَالْخَاطِئُ الَّذِي فَالَيْتَهُ وَأَنَا الْفَقِيرُ الَّذِي كَثَرَتْهُ وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي
نَصَرْتَهُ وَأَنَا الطَّيِّبُ الَّذِي وَبَيْتُهُ أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ
وَلَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ أَنَا صَاحِبُ الذَّوَاهِرِ الْعَظِيمِ أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ
اجْتَمَعَتْ أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَا
الْجَلِيلِ الشَّيْءِ أَنَا الَّذِي جِئْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْئَلُكَ يَا الَّذِي
أَمَهَلْتَنِي فَمَا أَرْعَوَيْتُ وَسَنَنْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمَلْتُ بِالْمَعَايِ
فَعَدَيْتُ وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالَيْتُ فِي جِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي وَ
بَسَّيْتُ سِتْرَتِي حَتَّى كَانَتْكَ أَعْفَلْتَنِي وَمِنْ عَثُوبَاتِ الْمَعَايِ حَتَّى تَنْتَنِي
حَتَّى كَانَتْكَ اسْتَحْيَيْتَنِي فِي الْحَمْرِ أَعْصَاكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا يَا رَبُّ يَا بَنِيكَ
لَا جِدُّ وَلَا بَارِكُ مُسْتَحْيَيْتُ وَلَا لِعَفْوَتِكَ مُنْعَرِضٌ وَلَا لَوَعِيدِكَ

متهاون

مْتَهَاوُونَ وَلَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لِي بَعْضِي وَعَلَيْتَنِي هَوَايَ وَأَعَانَتْ
عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَعَرَسَتْ فِي سِتْرِكَ الْمُرْحَى عَلَيَّ فَفَدِّ عَصِيئَتِكَ وَخَالَفَتِكَ
بِحْجَرِي فَإِنَّ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُ فِي وَمِنْ آيَاتِ الْخُصْمَاءِ
عَدَا مَنْ يُخَالِصُنِي وَيَجْعَلُ مِنْ انْقِصَالِ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي
فَوَاسُوا أَنَا عَلَى مَا أَخْصَى كِنَانِكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ
وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ أَيَّامِي عَنِ الْقُسُوطِ لَقَطِطْتُ عِنْدَ مَا
أَنْدَسْتُهَا يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ اللَّهُمَّ
بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَوْسَلُ إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَ
بِحُجِّي لِبَيْتِكَ الْأَيْمِيِّ الْقُرْشِيِّ الْأَهْلِيَّةِ الْعَرَبِيِّ النَّهْيِيِّ الْمَكِّيِّ
الْمَدَنِيِّ أَرْجُو الرِّفْقَةَ لَدَيْكَ فَلَا تُوجِحْهُنَّ اسْتَيْبَانًا بِيَأْتِي وَلَا يَجْعَلُ
ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ فَإِنَّ قَوْمًا أَمْوَأَ لَسِيئَتِهِمْ لِيُحَقِّقُوا
بِهِ دِمَاءَهُمْ فَأَدْرَكَكُمْ أَمَا أَمَلُوا وَإِنَّا أَمْتًا بِكَ يَا سَيِّدَتِنَا
وَقُلُوبِنَا لَتَعْفُو عَنَّا فَأَدْرِكْ بِنَانَا أَمَلْنَا وَتَبَّتْ رِجَاءُكَ فِي
خُدُورِنَا وَلَا تَزِنُ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

فأذكر كنا

رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَوَعْرَتِكَ لَوْ ائْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ
لَا كَفَعْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَهْمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ
رَحْمَتِكَ إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِي الْخَلْقُ
إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ الْهَيُّ لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَعَنْتَنِي سَيِّبِكَ مِنْ
الْأَشْهَادِ وَدَلَّكَ عَلَى فِضَائِحِي عُيُونُ الْعِبَادِ وَأَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ
وَحَلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْوَابِ مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا صَرَفْتَ وَجْهَ
نَامِي لِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ عَنْ قَلْبِي أَنَا لَا أُنْسِي أَبَدًا عِنْدَكَ
وَسَتْرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَخْرِجْ
حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَإِلَهُ جِزْمِكَ مِنْ
خَلْقِكَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْفُلْنِي إِلَى رَحْمَةِ
التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالشُّوْبِ
وَالْأَمَانِ عُمُرِي وَقَدْ نَزَلَتْ الْأَسْبَابُ مِنْ خَيْرِي فَهَسَ يَكُونُ
أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ أَنَا نَفَلْتُ عَلَى مِثْلِ مَا لِي إِلَى قَبْرِ لَدَى أُمَّهُدَى لِرَفْعَتِكَ
وَلَوْ أَفْرَشْتَهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لَضَجَّ عَنِّي وَمَالِي لَا يَكْفِي وَلَا أَسْأَلُكَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ

لا بد
خبر

مَصِيرِي وَارَى نَفْسِي تُغَارِ عَنِّي وَأَيُّهَا تَالِي وَقَدْ حَقَّقْتَ عِنْدَ لِسِي ^{فوق}
أَجْحِيهِ الْمَوْتِ فَمَا لِي لَا أَتُكِّي أَبْكَى مَخْرُوجِ نَفْسِي أَبْكَى لظلمة قَبْرِي أَبْكَى
لِصِقِّ حُدَى أَبْكَى لِسْوَالِ مُتَكْرِرٍ وَيَكْرِي أَيُّهَا أَبْكَى مَخْرُوجِي مِنْ قَبْرِي
عَرَبَانَا ذَلِيلًا خَامِلًا تَقَلُّ عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرْ مَرَّةً عَنِّي مِنْ بَيْتِي وَأُخْرَى عَن
مِثْلِي إِذَا تَحَلَّقَ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ
شَأْنٌ يُعْنِيهِ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَا حِكَّةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ
يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قُمْرَةٌ وَذِكْرُكَ سَيِّدِي عَلَيْكَ مَعْوَى
وَمُعْتَدِي وَرَجَائِي وَتَوْكَلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي تَصَيِّبُ بِرَحْمَتِكَ
مَنْ تَشَاءُ وَتَهْتَدِي بِكِرَامَتِكَ مَنْ تَحِبُّ فَلكَ أَلْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَيْتَ
مِنْ لِسَانِي قَلْبِي وَلَكَ أَلْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي فِي هَذَا الْكَلَامِ
أَشْكُرُكَ أَمْرًا بِغَايَةِ جَهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَمَا قَدَّرَ لِسَانِي
يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرَ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَأِحْسَانِكَ
إِلَى الْآلِآنِ جُودَكَ بَسْطَ أَمَلِي وَشُكْرَكَ قَبَّلَ عَمَلِي سَيِّدِي
إِلَيْكَ وَرَغْبَتِي وَمِنْكَ رَهْبَتِي وَإِلَيْكَ نَامِي لِي وَقَدْ سَأَلْتُكَ إِلَيْكَ

الغنة والذلة

برحمتك

أَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ هَمَمِي وَفِي مَا عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتِي
وَلَاكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي وَبِكَ أَنْتَ مَجْتَبِي وَإِلَيْكَ الْقَيْثُ
بِيَدِي وَيَجِبُ طَاعَتِكَ مَدَدَتْ رَهْبَتِي يَا مَوْلَايَ بِدُرُوكِ أَمَانَتِي
قَلْبِي وَمِيمَا جَانِبِكَ بَرَدَتْ أَلَمُ الْخَوْفِ عَنِّي قِيَامُ مَوْلَايَ وَيَا مَوْجِبَ
وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ ذُنُوبِي الْمَالِغِ
لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا اسْتَسْلُكْتُ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ مِنْكَ وَخَوْفِي
إِلَيْكَ وَعَظِيمِ الظَّمْعِ مِنْكَ الَّذِي وَجِبْتُهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنْ
الرَّافَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْأَمْرُكَ وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْحَلُوكُ كَلَامُ
عِيَالِكَ وَسَبْ قَبْضَتِكَ وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ نَبَارَكْتَ يَا رَبَّ
الْعَالَمِينَ إِلَهِي الرَّحْمَنِي إِذَا انْفَطَعَتْ مَجْتَبِي وَكَلَّ عَنِ جِوَالِكَ
لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ سُؤْلِكَ أَيُّ لُبِّي قِيَامُ عَظِيمِ رَجَائِي وَلَا
مُجْتَبِي إِذَا انْشَدَّتْ فَاقَتِي إِلَيْكَ وَلَا تَرُدَّنِي جَهْلِي وَلَا تَمْنَعْنِي
لِقَيْلَةٍ صَبْرِي أَعْطِنِي لِقَمْرِي وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي سَيِّدِي عَلَيْكَ
مُعْتَدِي وَمَعْوَلِي وَرَجَائِي وَتَوْكَلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقْتِي وَ

عظمتك يا رحمنك العظيم
أنت رجايتي

عبدك

بِعِنَايَتِكَ أَحْطَرُ حَلِي وَجُودِكَ أَقْصِدُ طَلِبَتِي وَبِكِرْمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفِخُ
دُعَائِي وَلَدَيْكَ أَرْجُو فَاقَتِي وَبِعِنَايَتِكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَرْفِكَ
قِيَامِي إِلَى جُودِكَ وَكِرْمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أَدِيمُ نَظْرِي
فَلَا تُخْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي وَلَا تُسْكِنِي الْهَلَاوِيَةَ فَإِنَّكَ قَرَّةُ
عَيْنِي يَا سَيِّدِي لَا تُكْذِبْ ظَهْرِي يَا حَسَنِيكَ وَمَعْرُوفِيكَ فَإِنَّكَ
ثِقَتِي وَرَجَائِي وَلَا تُخْرِقْنِي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي إِلَهِي إِنْ
كَانَ قَدَّرْنَا أَجَلِي وَلَمْ يُغَيِّرْ بَنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتَ الْأَعْرَافَ
إِلَيْكَ بَدَنِي وَسَائِلَ عَلَيَّ إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ
وَإِنْ عَدَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ ارْحَمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا
عُرْبِي وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبِي وَفِي الْقَبْرِ وَخَدْنِي وَفِي اللَّحْدِ وَحَشْنِي وَ
إِذَا انْشَرَّتْ لِلْحَيَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذَلَّ مَوْفِعِي وَانْغَفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ لِأَدْوَمِ
مِنْ عَمَلِي وَأَرْمِلِي مَا بَدَّ سَتْرَتِي وَارْحَمْنِي صَبْرِي عَلَى الْفِرَاشِ
تَقْلِبْنِي أَيْدِي جَنَّتِي وَتَقْصِدْ لِي مَمَادُودَ أَعْلَى الْمُغْتَسَلِ يُعْتَبِلُنِي
صَالِحِ جِيرَانِي وَتَحْتَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَابُ أَمْطَرَاتِ

ضيافتي

اللهم فارحم

مسين

يقلبنني

بِحَازِقٍ وَجُدٍ عَلَى مَنْفُوعٍ لَقَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَجِيدًا فِي حُفْرَتِهِ وَارْحَمَ
بِهِ ذَلِكَ الْبَيْتَ الْمَجِيدَ عُرْجِي حَتَّى لَا اسْتَبَانِي بَعِيرِكَ يَا سَيِّدِي
فَأَنْتَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى فَنَسِي هَلَكْتُ سَيِّدِي فِيمَنْ اسْتَعَيْتَ
إِنْ لَمْ تُقَلِّبْ عَشْرَتِي وَإِلَى مَنْ أَفْرَعُ إِنْ فَتَدْتُ عِنَانِكَ فِي صَحْبَةٍ
وَالِى مَنْ أَلْبَسِي إِنْ لَمْ تُنْقِصْ كُرْبِي سَيِّدِي مِنْ لِي وَمَنْ يَرَحْمَنِي
إِنْ لَمْ تَرَحْمَنِي فَضَلَّ مَنْ أَوْ مِلَّ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي
وَالِى مَنْ الْفَرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْفَضَى أَحْبَبِي سَيِّدِي لِأَعْدِي نَبِيٍّ وَ
أَنَا أَرْجُوكَ اللَّهُمَّ حَقِّقْ رَجَائِي وَأَمِنْ خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي
لَا أَرْجُو فِيهَا الْأَعْفُوكَ سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا اسْتَحِقُّ وَأَنْتَ
أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاعْفُ عَنِّي يَا بَيْتِي مِنْ نَظَرِكَ
تَوْبًا يُعْطَى عَلَى الشَّيْءِ وَتَعْفُزْهَا لِي وَلَا أَطْلُبُ بِهَا أَنْتَ
ذُو مَنِّ قَدِيمٍ وَصَفْحٍ عَظِيمٍ وَتَجَاوِزٍ كَرِيمٍ الْهِىَ أَنْتَ الَّذِي تُبَيِّنُ
سَبِيكَ عَلَى مَنْ لَيْسَ لَكَ وَهَلَى الْجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ سَبِيكَ
بَيْنَ سَائِلِكُمْ وَأَيُّنَ أَنْ الْخَالِقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ شَارِكًا وَتَعَالَى

الذُّنُوبِ

يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ الْهِىَ سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ أَنَا مَتَّهِ الْخَطَا
بَيْنَ يَدَيْكَ يَفْتَرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ وَيَسْتَعِطِفُ جَمِيلَ
نَظَرِكَ بِمَكُونٍ رَجَائِي فَلَا تُعْرِضْ بِي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي وَأَقْبَلْ
مَعْنِي مَا أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تُرَدِّدَنِي
مَعْرِفَةً مَعْنِي بِرَأْفَتِكَ وَسَرَحْمَتِكَ الْهِىَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ سَائِلٌ
وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّ
أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَقَوْلًا صَادِقًا وَآجْرًا عَظِيمًا
أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَمَا لَمْ آغْلَمْ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ
مِنْ خَيْرٍ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ
مَنْ أُعْطِيَ آعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَالِدِي وَ
أَهْلَ خِرَاتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَأَرْعِدْ عَيْشِي وَأَطْهَرْ مَرْوَتِي وَ
أَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي وَأَجْعَلْنِي مِنَ الْطَلْقِ غَمْرَةً وَحَسَنَ عَمَلَةٍ
وَأَتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ وَرَضِيكَ عَنْهُ وَأَحْبَبْتَهُ حَيَاةً
طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ الشُّرُورِ وَأَسْبَغِ الْكَرَامَةَ وَأَتَمِّمِ الْعَيْشَ إِنَّكَ

نَك

يقول السائلون

ما علمت

تَقَعَلْ مَا تَشَاءُ وَلَا يَفْعَلْ مَا يَشَاءُ غَيْرَكَ اللَّهُمَّ وَخُصَّنِي مِنْكَ
بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي نَاءِ اللَّيْلِ
وَاطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سَمْعَةً وَلَا اسْتِرَاءً وَلَا بَطْرًا وَأَجْعَلْنِي
لَكَ مِنَ الْمُخَاشِعِينَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ
فِي الْوَطَنِ وَفُرْقَةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ وَالْمَقَامِ
فِي بَيْتِكَ عِنْدِي وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَ
السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي طَاعَتِكَ وَطَاعَةَ رَسُولِكَ
مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي
وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ
وَسُنِّ لُهُ فِي شَهْرِ مَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ
فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا
وَحَسَنَاتٍ تَقْبَلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَجَاوِرُ عَنْهَا وَارْزُقْنِي حَجَّ
بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَارْزُقْنِي رِزْقًا وَسَعًا
مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ وَاقْضِ

عَنِّي الدِّينَ وَالظُّلَامَاتِ حَتَّى لَا آذَى لِي مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي
بِاسْمَاعٍ وَأَبْصَارِ أَغْدَائِي وَخُسَادِي وَالْبَاعِينَ عَلَيَّ وَأَنْصُرْ
عَلَيْهِمْ وَأَفْرِغْ عَيْنِي وَفَرِّجْ قَلْبِي اجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجًا وَ
مَخْرَجًا وَاجْعَلْ مِنْ آرَادِي سُبُوءًا مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِي
وَاصْفِنِي سَرَّ الشَّيْطَانِ وَسَرَّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي
وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَاجْرِئْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ وَأَدْخِلْنِي
الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَرَوْحِي مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ بِعِضْلِكَ وَالْجَمْعَتِي
بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
الْأَخْيَارِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَعَلَى آرَافِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَجَمْعَتِهِمْ
اللَّهُ وَبَرَكَاتِهِ الْإِلَهِيِّ وَسَيِّدِي وَسِعْرَتِكَ وَجَلَالِكَ لَنْ طَالَبْتَنِي
بِدُنُوبِي لِطَالَبْتِكَ بِعَفْوِكَ وَلَنْ طَالَبْتَنِي بِلُومِي لِطَالَبْتِكَ بِكَرَمِكَ
وَلَنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخْبَرْتَنِي أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ الْإِلَهِيِّ وَسَيِّدِي
إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْرَعُ
الْمُذْنِبُونَ وَإِنْ كُنْتَ لَا تَكْرُمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَمَنْ يَسْتَعِينُكَ

الْمُسْتَبِينُونَ الْهَيَّانِ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فِي ذَلِكَ سُوءِ عَدْوِكَ وَإِنْ
أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فِي ذَلِكَ سُوءِ بَيْتِكَ وَأَنَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّ سُوءَ
بَيْتِكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُوءِ عَدْوِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ
قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصَدِّيقًا لِكُنَاكَ وَإِيمَانًا بِكَ وَفِرْقًا
مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ يَا ذَا الْجَوَادِ وَالْإِكْرَامِ حَبِّبْ لِي لِقَاءَكَ
وَاحْبِبْ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ
اللَّهُمَّ اجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَضَى مَا جَاءَ مِنْ صَلَاحٍ مِنْ بَعْدِي
وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ عَلَيَّ نَفْسِي بِمَا تَقْبَلُ مِنَ الصَّالِحِينَ
عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَاجْعَلْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ
بِرَحْمَتِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَاعْتَنِي عَلَى صَلَاحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي وَتَبَيَّنْ
يَا رَبِّ وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءِ اسْتِعْدَادِي مِنْهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَحِبَّنِي مَا أَحْبَبْتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَقَّعْ
إِذَا تَوَقَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَأَبْرِ قَلْبِي مِنَ
الرِّيَاءِ وَالشُّكِّ وَالتَّمَعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ

الجنة

عليه

أزهر الرجاء

اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ وَفِقْهًا فِي عِلْمِكَ
وَكَفَلِينَ مِنْ دَعْوَتِكَ وَرَعَائِيحِي فِي عَن مَعْصِيَتِكَ وَتَبَيُّنًا
بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَقُّفِي فِي سَبِيلِكَ وَ
عَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
بِكَ مِنَ الْكِبَالِ وَالْفَيْسَلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْجُلْدِ الْعَقْلَةِ وَ
السُّوَةِ وَالذَّلَّةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرَ وَالْفَاةَ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ
وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ
وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا يَحْتَشِعُ وَدُعَاءٍ لَا يَسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ
وَصَلْوَةٍ لَا تَرْفَعُ وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَوَدْعِي
وَمَا لِي وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَفَعْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّكَ
أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلَا أَجِدُ
مِنْ دُونِكَ مُلْجَأً فَلَا تَجْعَلْ بِنَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَرُدَّنِي
بِهَلَاكَةٍ وَلَا تَرُدَّنِي بَعْدَ إِسْمِ اللَّهِ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعِدْ
ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ وَنِزْرِي لِأَنْدُكُنِي بِحُطِّيَّتِي

مطاصيك

والفقر

أن يجري

وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي بِرِضَاكَ وَالْبِقَّةَ
 وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْ فِي مَرْضَاتِكَ إِنِّي إِلَيْكَ
 رَاغِبٌ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ الْعَفْوَ
 وَأَمَرْتَنَا أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَأَعْفُ عَنَّا
 فَإِنَّكَ أَوْلَى بِذَلِكَ مِنَّا وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا نُرَدَّ سَائِلًا عَنْ آبَائِنَا
 وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا فَلَا تُرُدَّنِي إِلَّا بِقِضَاءِ حَاجَتِي وَأَمْرَتَنَا
 بِالْإِحْسَانِ إِلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا وَنَحْنُ أَرْفَاؤُكَ فَأَعْتِنِي يَا رَبِّ
 مِنَ النَّارِ يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدْقِي إِلَيْكَ
 فَرَعْتُ وَبِكَ اسْتَعْتَفْتُ وَلَدْتُ لِأَلْوَدِّ لِسُوءِكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ
 إِلَّا مِنْكَ فَأَعِشْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي بِأَمْرٍ يَقْبَلُ الْبَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ
 الْكَثِيرِ قَبْلَ مَتِي الْبَسِيرَ وَأَعْفُ عَنِ الْكَثِيرِ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ
 الْعَفُورُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَيُّمَا نَابِئِ شَرِّهِ قَلْبِي وَبِقِيَّتِي صَادِقًا
 حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضِيَنِي مِنَ الْعَيْشِ
 بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحُجْمِ طُوسِي وَرَدِّ مَصْبَاحِ وَسَيِّدِ بْنِ طَائِرِي وَرَدِّ
دِرَاقَالِ وَدِيكَرِازِ وَكَلْبَا دَعِي كَلْفَتَا نَدَكِ وَرَدِّ

عَفَى الْكَثِيرِ

مَدِينَة

مَا مِيلَ رِضَاكَ يَا غَدْرِي عِنْدَ كُرْبِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدْقِي وَيَا وَلِيَّي
 ابْنِ عَالِي نَحْوَانِ
 فِي نِعْمَتِي وَيَا غَايِبِي فِي رَغْبَتِي أَنْتَ السَّائِرُ عَوْرَتِي الْمُؤْمِنُ رُؤُوفِي
 وَالْمُقْتَدِرُ عَشْرَتِي فَأَعْفُ عَنِّي خَطِيئَتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خُشُوعَ
 الْإِيمَانِ قَبْلَ خُشُوعِ الدَّلِيلِ فِي النَّارِ يَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا يَا صَدَدًا
 مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدًا يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ
 سَأَلَهُ تَحْتًا مِنْهُ وَرَحْمَةً وَيَسْبُدِي بِالْحَجْرِ مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ
 تَقْضَاهُ مِنْهُ وَكَرَمًا كَرَمِكَ الدَّائِمِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ
 وَهَبْ لِي رَحْمَةً وَاسِعَةً جَامِعَةً أَبْلَعُ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا بَدَأْتَ لِي مِنْهُ لَمْ تُعِدْ فِيهِ وَ
 أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ رَدَدْتَ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ
 لَكَ اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَأَعْفُ عَنِّي ظُلْمِي وَجُرْحِي
 بِحِلْمِكَ وَجُودِكَ يَا كَرِيمُ يَا مَنْ لَا يُحْتَبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَعُ نَائِلُهُ
 يَا مَنْ عِلَاقُ شَيْءٍ قَوْفُهُ وَدَنَا فَلَاشَيْءٍ دُونَهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ
 مُحَمَّدٍ وَأَرْحَمَنِي يَا فَالِقَ الْيَمِّ لِمُوسَى اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ النَّارِ

بِالنِّعَمِ

الساعة الساعة اللهم طهر قلبي من النفاق وعملي من الربا ووليائي
من الكذب وعيني من الخيانة فانك تعلم خائفة الاغنيين و
ما تحفي الصدور يا رب هذا مقام العائدين من النار هذا
مقام المستجيبين من النار هذا مقام المستغيثين من النار
هذا مقام الهارب اليك من النار هذا من يوم يحطبت عينه
وتعريف بذنبه ويتوب اليه هذا مقام البائس الفقير هذا
هذا مقام الخائف المستجير هذا مقام المحزون المكروب هذا
مقام المحزون المغمووم هذا مقام الغريب الغريب هذا مقام
المستوحش القريب هذا مقام من لا يجد لذنبه غافرا غيرك
ولا هيبته مفرجا سواك يا الله يا كريم لا تحرف وجهي بالثنا
بعد سجودي وتعفيري بغير من مني عليك بل لك الحمد والمنة
والفضل على ارحم اى رب اى رب انفس ضعفي وقلة حيلتي
ورقة جلدتي وشددة اوصالي وتناثر لحمي وجسمي وحيدتي
وخذني ووحشتي في قبري وجزني من صغير الابدان اسأل الله يا رب

مقامه

ثرة العين والاعشاب يوم الحسرة والندامة بيض وجهي يا رب
يوم تسود فيه الوجوه واميتي من الفزع الاكبر اسألك
البشري يوم تغلب فيه القلوب والابصار والبشري عند
فراق الدنيا الحمد لله الذي رجوه عونا في حيوني واعده
ذخرا ليوم فاتي الحمد لله الذي ادعوه ولا ادعوا غيره
ولود دعوت غيره لحيتب دعائي الحمد لله الذي رجوه
ولا ارجو غيره ولود رجوت غيره لا خلف رجائي الحمد لله
المنعم المحسن المجيد المفضل ذي الجلال والاکرام ولي كل نعم
وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة وفاضي كل حاجة اللهم صل
على محمد وآل محمد وارزقني اليقين وحسن الظن بك وانبت رجاء
في قلبي واقطع رجائي عن سواك حتى لا ارجو غيرك ولا اتق الاك
يا لطيفا لما نشاء الطفال في جميع احوالي بما تحب وترضى يا رب
اني ضعيف على النار فلا تعدني بالنار يا رب ارحم دعائي ونصرتي
وحنوني وذلي ومسكنتي وتعوذي وثلوي يا رب ارحم دعائي ونصرتي

فراغ

ع

طَلَبِ الدُّنْيَا وَانْتَ وَاسِعَ كَرِيمٍ اَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِقُوَّتِكَ عَلَيَّ لَكَ وَقَدَّرْتَكَ
 عَلَيْهِ وَغِنَاكَ عَنْهُ وَحَاجَتِي اِلَيْهِ اَنْ تَرْزُقَنِي فِي عَامِي هَذَا وَسَهْرِي
 وَيَوْمِي وَسَاعَتِي هَذِهِ رِزْقًا تُغْنِيَنِي بِهِ عَنْ تَكْلُفِ مَا فِي اَيْدِي النَّاسِ
 مِنْ رِزْقِكَ اَلْحَلَالِ لِطَبِيَّتِي اَيَّ دَيْتٍ مِنْكَ اَطْلُبُ وَ اَلَيْكَ اَرْعَبُ
 اِيَّاكَ اَرْجُو اَنْتَ اَهْلُ ذَلِكَ لَا اَرْجُو غَيْرَكَ وَلَا اَشِيءُ اِلَّا بِكَ يَا اَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ اَيُّ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَغَافِرِي بِاسْمِكَ كُلِّ
 صَوْتٍ وَيَا جَامِعَ كُلِّ قُوْتٍ وَيَا بَارِي السُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَعْتَاهُ
 الظُّلُمَاتُ وَلَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الصَّوْتُ وَلَا يَشْعَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ اَعْطِ
 مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ وَ اَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ لَكَ وَ اَفْضَلَ
 مَا اَنْتَ مُسْئِلٌ لَهُ اِلَى يَوْمِ الْفِيْتْرِ وَ هَبْ لِي الْعَافِيَةَ حَتَّى تُهَيِّئَ لِي الْمَعِيَةَ
 وَ اَحْتَجُّ لِي بِحُجْرَتِي حَتَّى لَا تَضُرَّ فِي الذُّنُوبِ اَللَّهُمَّ رَضِيْنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي حَتَّى لَا
 اَسْأَلَكَ حَادِثًا شَيْئًا اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ اَلْحَمْدُ لِي خِرَاتِي رَحْمَتِكَ وَ
 اَرْحَمَتِي رَحْمَةً لَا تَعْدُنِي بَعْدَهَا اَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ اَمْرِي فِي مَنْ فَضَّلَكَ
 اَلْوَالِيَّ سِوَاكَ فَاحْلُلْ اِلَيْكَ اَلْفَقْرَ لِي اَلْفَقْرَ لِي اِلَى اَحَدٍ تَعْبُدُهُ سِوَاكَ تَزِيْدُنِي بِذَلِكَ

رضيتك

شُكْرًا وَ اِلَيْكَ فَاقْرَ وَ قَرَّ اَوْ بَكَ عَمَّنْ سِوَاكَ عَنِّي وَ تَعَفُّفًا بِالْحُسْنِ بِالْحُسْنِ
 يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا مُبْلِكُ يَا مُفْتَدِرُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ اَلْحَمْدُ لِي
 اَلْمُهَيِّمَ كُنْ لِي وَ اَفْضِلْ لِي بِالْحُسْنِ وَ بَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ اُمُورِي وَ اَفْضِلْ لِي
 بِجَمِيعِ حَوَائِجِي اَللَّهُمَّ كَيْسِرْ لِي مَا اَخَافُ تَعَسَّرُهُ فَإِنَّ تَبْيِيرَ مَا اَخَافُ
 تَعَسَّرُهُ عَلَيْكَ يَسِيْرٌ وَ سَهْلٌ لِي مَا اَخَافُ حُرُوبَتَهُ وَ نَقَسَ عَنِّي مَا اَخَافُ
 ضَيْعَتَهُ وَ كَفَّ عَنِّي مَا اَخَافُ غَمَّهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي مَا اَخَافُ بَلِيَّتَهُ
 يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللَّهُمَّ اَمَلًا فَلْيُحِبَّ لَكَ وَ حَشِيَّةً مِنْكَ وَ تَصَدَّقًا
 بِكَيْتَابِكَ وَ اِيْمَانًا بِكَ وَ قَرَفًا مِنْكَ وَ شَوْقًا اِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ
 اَللَّهُمَّ اِنَّ لَكَ حَقُوْقًا فَتَصَدَّقْ بِهَا عَلَيَّ وَ لِلنَّاسِ قَبْلِي تَبِعَاتٌ فَخَلِّهَا
 عَنِّي وَ قَدْ اَوْجَبْتَ لِكُلِّ صَنِيفٍ قَوْلِي وَ اَنَا صَنِيفٌ فَاجْعَلْ قَوْلِي
 اَللَّيْلَةَ الْجَنَّةَ يَا وَهَابَ الْجَنَّةِ يَا وَهَابَ الْمَغْفِرَةِ وَ لَاحَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ
 اِلَّا بِكَ شَشْتُمْ سَبِيحَ طَوْسِي بِحَمْدِكَ بِصَاحِ كَفْنِكَ كَرِيْمًا وَ دَرَسِي نَزْدَ غَايِ اَدْرِيسِي وَ اَوْسِي
 طَاوَسِي وَ دَرَكَابِ اِقْبَالِكَ كَفْنِكَ وَ رَشْحِ سِنْدِ اِيْرَدِ طَاوَسِي وَ كَرَانِدِ طَاوَسِي سَأَلْتُكَ
 تَقَاتِي بِحَبْرَةِ اَدْرِيسِي عَطَاؤُكَ بِرَحْمَتِكَ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ اِلَّا اَنْتَ يَا رَبِّ كُلُّ شَيْءٍ وَ اَرْتَدُّ
 وَ اِيْرَدُ غَا اَفْضَلَهُ غَا هَاتِ وَ دَنَا اِيْبَكَ
 يَا اِلَهَ الْاَلْهَةِ الرَّفِيعِ حَلَالٌ لَهُ يَا اَللهُ الْحَمْدُ فِي كُلِّ صِعَابٍ لِي يَا رَحْمَنُ



كُلِّ شَيْءٍ وَرَاحِمَةٌ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ فِي دَيْمُومَةٍ مُلْكِكُمْ وَتَبَايَهُ يَا قَوُّ
فَلَا يَبُوءُ شَيْئًا عَلَيْهِ وَلَا يُوَدُّهُ يَا وَاحِدَ الْبَاقِي أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ
يَا دَائِمَ بَعْدِ فَنَاءٍ وَلَا دَوَالٍ مُلْكِكُمْ يَا صَدِّقَ غَيْرِ شَيْءٍ وَلَا شَيْءٍ كَيْفَلِهِ
يَا بَارُ فَلا شَيْءَ كُنُوءُهُ وَلَا مَدَانِي لَوْضِفِهِ يَا كَبِيرَ آتِ الَّذِي لَا تَهْتَدِي
الْعُلُوبُ لِعَظَمَتِهِ يَا بَارِي الْمُنْشِئِ بِالْمِثَالِ خَلَا مِنْ غَيْرِهِ يَا زَاكِي
الطَّاهِرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ بَعْدَ سِيءِهِ يَا كَافِي الْمَوْسِعِ لِمَا خَلَقَ مِنْ عَطَايَا
فَضْلِهِ يَا نَفِيٍّ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ لَمْ يَرْضَهُ وَكَلِمَ نَجَاطِهِ فَعَالِدِ يَا حَسْبُ
الَّذِي سِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ يَا مَتَّانَ ذَا الْإِحْسَانِ قَدَمِنَ الْخَلَائِقِ
بِمَتِّهِ يَا دَيَّانَ الْعِبَادِ فَكُلُّ يَوْمٍ خَاصِعًا لِرَبِّهِ يَا خَالِقَ مَنْ فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ فَكُلُّ رَاقِيَةٍ مَعَادُهُ يَا رَحْمَنُ وَالرَّحِمَ كُلِّ
صَبْرٍ وَمَكْرُوبٍ وَغِيَاثُهُ وَمَعَادُهُ يَا بَارُ فَلا تَصِفُ الْإِنْسُ كُنْهَ
جَلَالِ مُلْكِكُمْ وَعِزِّهِمْ يَا مُبْدِيَّ الْبَدَايَا لَمْ يَبْعَثْ فِي إِثْنَائِهَا أَعْوَانًا
مِنْ خَلْقِهِ يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ فَلا يُوَدُّهُ مِنْ شَيْءٍ حَفِظَهُ يَا مُعِيدَ إِذَا آفَتِ
إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ لِدَعْوَتِهِ مِنْ خَافَتِهِ يَا حَلِيمَ ذَا الْإِنَاءَةِ فَلا شَيْءَ يَعْدِلُهُ



مِنْ خَلْقِهِ يَا حَمُودَ الْفِعَالِ إِذَا لَمِنَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ يَا عَزِيزَ
الْمُسْتَبْعِ الْعَالِي عَلَى أَمْرِهِ وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ يَا فَاهِرُ ذَا الْمَطْرِنِ الشَّدِيدِ
أَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ يَا مُتَعَالِي الْقَرِيبِ بِنِعْمَةِ عُلُوِّ ارْتِفَاعِ دُنُوءِهِ
يَا جَبَّارَ الْمَذَلِّ كُلِّ شَيْءٍ يَقْهَرُهُ بِرِيسُلْطَانِهِ يَا نُورَ كُلِّ شَيْءٍ
أَنْتَ الَّذِي فَتَقَ الظُّلُمَاتِ نُورُهُ يَا قَدُّوسَ الطَّاهِرِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلَا
شَيْءَ يَعْدِلُهُ يَا قَرِيبًا بِجَبِّبِ الْمُتَدَانِي دُونَ كُلِّ شَيْءٍ قَرِيبٌ يَا عَلِيَّ
بِنِعْمَةِ السَّمَاءِ قَوْقُ كُلِّ شَيْءٍ عُلُوِّ ارْتِفَاعِهِ يَا بَدِيعَ الْبَدَايِعِ وَمُعِيدَهَا
بَعْدَ فَنَائِهَا بِقُدْرَتِهِ يَا جَلِيلَ الْمُتَكَبِّرِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَالْعَدْلُ أَمْرُهُ
الصِّدْقُ وَغَدُّهُ يَا جَمِيدَ فَلا يَنْبَغُ الْأَوْهَامُ كُلِّ شَيْءٍ وَتَجْدِيدِهِ يَا كَرِيمَ
الْعَفْوِ وَالْعَدْلِ أَنْتَ الَّذِي مَلَكَ كُلِّ شَيْءٍ عَدْلُهُ يَا عَظِيمَ ذَا الْقُدْرَةِ
الْفَاخِرِ وَالْعِزِّ وَالْكَبَرِيِّ يَا فَلَاحَ الْبَدَايِعِ يَا عَجِيبَ فَلا تَنْطِقُ الْإِنْسُ
بِكَلِمَةٍ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَا مُعْتَدِي عِنْدَ كُلِّ كَرَمَةٍ وَعِيَالِي
عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ أَمَانًا مِنْ عَفْوَ بَابِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَصْرِفَ عَنِّي بِهِنَّ كُلَّ سُوءٍ وَمُخَوِّفٍ وَمُحْذَرٍ وَرِيءٍ

تصرف عني ابصار الطلبة المرهدين في السوء الذي نبت عنه
من شر ما يضمون الى خير ما لا يملكون ولا يملك غيرك يا كريم
اللهم لا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فبرفضوني
ولا تخيبني وانا ارجوك ولا تعدني وانا ادعوك اللهم اني
ادعوك كما امرتني فاجبني كما وعدتني اللهم اجعل خير عمري
ما ولي اجلي اللهم لا تغير جسدي ولا ترسل جنلي ولا تسو صدقي
اعوذ بك من سقيم مضرع وفتير مدقع ومن الدل وبس
الخذل اللهم سل قلبي عن كل شئ لا انزوده اليك ولا
انتفع به يوم الفناء من حلال او حرام شئ اعطني قوة عليه
وعزاً وقناعة ومقناً له ورضاك فيه يا ارحم الراحمين
اللهم لك الحمد على عطاياك الجزيلة ولك الحمد على مننك
المستوازية التي بها اذقت عيني مكاره الامور وبها ايتتني موا
الشور مع تمادي في العفلة وما بقيت من الفسوة فلم يمنعت
ذلك من فعلتي ان عفوت عني وستررت ذلك علي وسوغتني ما في

قطر واين

بدي من نبيك ونابتك على احسانك وصفت لي عن قبيح ما افضت
به اليك وانت هكته من معاصيك اللهم اني اسالك بكل اسم
هو لك يحق عليك فيه اجابة الدعاء اذا دعيت به واسالك
بكل ذي حق عليك وبحقك على جميع من هودونك ان
تصلي على محمد عبدك ورسولك وال محمد ومن اراد في
سوء تحذ بسمعه وبصره ومن بين يديه ومن خلفه وعن يمينه
وعن شماله وامتنعه عني بحولك وقوتك يا من ليس معزرتك
يدعي ويا من ليس فوقه خالق يحشي ويا من ليس دونه اله يشقى
ويا من ليس له وزير يؤتى ويا من ليس له حاجك يرشئ ويا من
ليس له بواب ينادي ويا من لا يرد اد على كثرة العطاء الا
كرماً وجوداً وعلى شايخ الذنوب الامغفرة وعفوا صل
على محمد وال محمد وانقل به ما انت اهله ولا تفعل به ما انتا

اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة **باب دعائهم** در بيان
اعمال شکر در هر روز ماه
مبارک رمضان و آنها چنانچه از شنباحاد بیث و اخبار ظاهر میشود چند بار است اول
قبوله کردن و آن عبارت است از خواب کردن در چاشت قریب بظهر محمد بن عبود کلینی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

و دیگران از حضرت ابی الحسن تم روایت کرده است که فرمود قیل و لیل که بیدارستی کنی تعالی طعام
میکند صلیب را و سیلاب مینویسد و در خواب **تو گفت** گوید که مراد از طعام صلیب خود است
آنست که چون سبب خواب قوی برای صلیب بهم میرسد چنانچه از طعام و شراب نیز بهم میرسد
گویند طعام و شراب خورده است و در **بوی خوش** بکار بردن این با بوی مرده در کتاب علل الشرایع
و ثواب الاعمال از حضرت صادق تم روایت کرده است که هر که بوی خوش بکار بردد در اول روز
خالک روزه عقلا و هرگز زایل نشود و کلینی رقم بعد خود از حسن بن راشد روایت
کرده است که از حضرت امام جعفر صادق تم هرگاه روزه میداشت خود را خوشبو میکرد
و میفرمود بوی خوش بخفته صلیب است و ایضا در کتاب جصال از محمد بن یحیی روایت کرده
است که حضرت امام حسین تم نیز در حالت روزه بوی خوش بکار میداد و میفرمود بوی خوش
بخفته صلیب است **تو گفت** گوید که دو حدیث آخر چون مفید بود و بیجا نیست دلالت میکند
بر آنکه بکار بردن بوی خوش در هر اوقات روزه نیکوست و حدیث اول دلالت بر خصوص اول روزه
میکند و شاید مراد از حدیث اول افضل باشد زیرا که اثر آن ثابت باقی میماند و در تمام
اوقات روزه با بوی خوش میباشد و بدانکه در این مقام اشکال متوجه می شود که چه جهت
بوی خوش شستگرمیده و بوشیدن کلها و در این خصوص آنکه مکرر شده با آنکه هر دو
بیک باب است و بوشیدن در این نیز آدی را خوشبو میکند و جواب این شبهه چنانچه در خطا
این فرض میرسد آنست که چون سبب روزه در همان صلیب بودی شود باقی سبب بوی خوش شست
کرده تا آنکه مردم از بوی خوش نمانند و بوشیدن در این کلها آنقدر تاثیر در رفع این
ندارد و اثر آن در آدی ثابت نمینماید و بقیه لذات عاجلی که از آن حاصله شود دیگر کم ندارد و
اجتناب از اکثر لذات در حالت روزه مطلوب است چنانچه در باب اول از این جزئیات مذکور شد
که حضرت صادق تم در حالت روزه هیچ کاری نمیبوشید و میفرمود که گراهند ارم کرده و روزه خود
بالمثل بخوابانند و در خصوص زکری در حدیث وارد شده است که آن کلها از است و هیچ
معینده گفته که یاد شایان عجم در هر سال روز مخصوصی از روزه میداشته اند و در آن روز
زکری بسیار میبوشیده اند و میگویند که دفع کرسکی و تشنگی میکند لهذا آنکه محمد صلی الله علیه
علیهم جهت روزه برایشان نهی فرموده اند ما آنکه ممکن است که بعضی از اجزا و صغیره از
آنها جدا شود و تدماغ بالا رود پس بنا بر این جهات بوشیدن در این مکرر و تطهیر و غسلها
و امثال آنست که دیده است و الله قالی علم و بدانکه هرگز در تطهیر آنست که دروغن خوشبو
بر عاقلین ممانند و حکامها را نیز خوشبو کنند و برای آنست که کسب در این نیز شایسته است
چنانچه این با بوی رقیه در کتاب جصال از محمد بن یحیی روایت کرده است که حضرت امام حسین تم

بوی خوش صلیب
روزهای ماه روزه
مردمان



میفرمود که خفته صلیب آنست که ریش خود را بروغن خوشبو معطر سازد و طعام خود را بجمه باز
دارد که خوششود و خفته رزن صلیب آنست که کسب خود را شانه کند **سیم** تصدقت
چنانچه سید بن طاووس تم در کتاب اقبال از علی بن اسمعیل می نقل نموده است که او از حضرت
سیدنا حسن بن صلوات الله و سلامه علیه روایت کرده است که چون ماه رمضان در خلد
میشد آنحضرت هر روز از روزه نهیهای آن ماه یکدهم تصدقت میفرمود **چهارم** در هر روز ناسین
نماز عصر و نماز شام **استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم عفا**
این دعا را بخواند
اللّٰهُ نُوبٍ وَاَتُوْبَ اِلَيْهِ تَوْبَةً عَبْدٌ ظَالِمٌ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً
وَلَا نُشُوْرًا وَاِنَّهٗ عَالِمُ رُوزِ هَآئِىَ مَآهِ رَجَبٍ وَشَعْبَانَ نِيْزًا يَخِيْرُ مَا نَدُوْهُ رُوَايَتُ اَزْ اَبِي
خُرَيْبَةَ اَوَّلُ دَرَاغِلِ شَعْرِ كَرْمَآهِ رَجَبٍ وَشَعْبَانَ وَمَآهِ رَمَضَانَ كَرِيْمًا
سَيِّدِ بَنِ طَاوُوْسٍ وَهٗ دَر كِتَابِ اِقْبَالَ كَقَوْلِهِ كَمَا نَزَجَلُهُ دَعَا هَآءِ هَرِوْ نَآ اِيْمَانًا اِنَّهٗ طَاسِدُ
اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلِّ فَضْلِكَ فَاصِلٌ
اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ
بِأَعْيَبِهِ وَكُلِّ رِزْقِكَ غَآمٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
اِنِّىْ اَسْأَلُكَ مِنْ عَطَايَاكَ بِأَهْنَاهَا وَكُلِّ عَطَايَاكَ حَبِيْبَةً اَللّٰهُمَّ
اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِعَطَايَاكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ
وَكُلِّ خَيْرِكَ عَاجِلًا اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ
اَسْأَلُكَ مِنْ اِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلِّ اِحْسَانِكَ حَسَنًا اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ
اَسْأَلُكَ بِاِحْسَانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِمَا يَجِيْبُ بِهِ حِيْنَ اَسْأَلُكَ

روزهای ماه روزه
مردمان

فَاَجِبْنِي يَا اللهُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُرْتَضَى وَمُرْسُولِكَ الْمُصْطَفَى وَ
وَجِبْتِكَ م
أَمِيكَ دُونَ خَلْفِكَ وَجِبْتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَنَبِيِّكَ وَمَنْ جَاءَ
بِالصَّدَقِ مِنْ عِنْدِكَ وَجِبْتِكَ الْمُفْضَلِ عَلَى رُسُلِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ
العالمين البشير لئن بر السراج المنير و على اهل بيته الأئمة الأطهار
و على ملكك كذا الذين استخلصتهم لنفسك وحببتهم عن خلفك و
عنا م
على أنبيائك الذين يثبوتون بالصديق و على رسلك الذين اخصصتهم
لوحيك وفضلتهم على العالمين برسالاتك و على عبادك الصالحين
الذين أدخلتهم في رحمتك الأئمة المهتدين الراشدين وأولياء
المطهرين و على جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و ملك الموت و جنود
خازن الجنان و مالك خازن التيران و روح القدس و الروح الأمين
و حملة عرشك المفرسين و على الملائكة الحافظين على الصلوة
التي تحب أن يصلي بها عليهم أهل السموات و أهل الأرضين صلوة
طيبة كثيرة زاكية مباركة نامية ظاهرة باطنة شريفة
فاصلة ثبات بها فضلهم على الأولين و الآخرين اللهم أعط محمدًا

و على ملكك المقربين

الوسيلة و الشرف و العزيلة و اجره عشا خيرا جزيت نبيا عن امته
اللهم أعط محمدًا صلى الله عليه و آله مع كل لغة زلفته
و مع كل وسيلة و وسيلة و مع كل فضيلة و فضيلة و مع
كل شرف شرفا اللهم أعط محمدًا و آله يوم القيمة و فضل ما أعطيت
أحدا من الأولين و الآخرين اللهم اجعل محمدًا صلى الله عليه و آله
أذى المرسلين منك مجليا و أفضلكم في الجنة عندك مسرلا و
أقربهم إليك وسيلة و اجعله أول شافع و أول مشفق و أول
قائل و أنجح سائل و انبته المقام المحمود الذي يغبطه به الأولون
و الآخرون يا أرحم الراحمين و أسألك أن تصلي على محمد و آل محمد
و أن تسمع صوني و تحب دعوتي و تجاوز عن خطيئتي و تصفح
عن ظلمي و تفتح طيبي و تقضي حاجتي و تحجز لي ما وعدتني و تقبل
عذرتي و تقبل عيبي و تعف عن ذنوبي و تعفو عن جزئي و تقبل عني و
لا تعرض عني و ترحمني و لا تعذبني و تعافيني و لا تبنتيني و
توزقني العيشة يا أرحم الراحمين من أطيب رزقك و أوسعها و لا

تَحْمِيهِ خَيْرِكَ يَا رَبِّ وَأَقْضِ عَنِّي دَيْنِي وَصَغِّ عَنِّي وَزِيْرِي وَلَا تُخَيِّبْنِي بِالْأَطْمَاحِ
 لِي بِهِ يَا مَوْلَايَ وَادْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ آدَخْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَ
 أَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
 وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كُلَّ وَعْدَتِي وَفِزْهُ أَخْرَاسَهُ مَرَّةً
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَتِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَ
 غِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمَةٍ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ كَيْسِيرٌ فَأَمِّنْ عَلَيَّ سَيِّمِ إِنَّكَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **مؤلف** گوید که این دعا را شیخ طوسی در مصباح و سید بن
 مائک در کتاب اختیار و کفعمی در کتاب جنته الامان نیز ذکر
 نموده اند لیکن کفعمی در حواشی جنته الامان ذکر نموده که سید بن طاووس این دعا را
 در کتاب عمل شهر رمضان نیز ذکر نموده و گفته است که در هر وقتی از اوقات ایامه خوا
 ست و حواه روزی اگر خواهی یزد عازا بخوان و این محالفاست با آنچه خود در اقبال و
 دیگران در کتب خود مذکور نموده اند و الله تعالی بعلیم **ششم** سید بن طاووس در
 کتاب اختیار گفته که در روایتی وارد شده که هر که این دعا را در هر روز از ماه مبارک رجب انداختن تعالی
 کتابان چهل ساله او را بیاورد **اللَّهُمَّ رَبِّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ**
وَدَعَا أَلَيْسَ
 الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلَى عِبَادِكَ فِيهِ الصِّيَامَ اذْرُقْنِي حَيْثُ تَمَلِكُ الْحُرَّاءَ
 فِي هَذَا الْعَامِ وَبَنِي كُلِّ عَامٍ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا
 غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ **مؤلف** گوید که در عین کتاب اختیار کتاب ادعیه علماء این دعا

برای روزهای ایامه بنظر نمیرسد و سید بن طاووس این دعا را برای هر شب ماهین نواب روایت کرده و گفته
 است این دعا گویند و ظاهر این باقی شب را بر و نمازشنا عتوده باشد و الله تعالی بعلیم **علا**
 و در کتاب منهاج الصلاح گفته که سید بن طاووس در روز **سُبْحَانَ الصَّادِقِ الْمُرْتَضَى سُبْحَانَ الْقَائِمِ**
 از ماه مبارک رمضان هفتاد و نوبت یزد عاخوان شود
الْبَاسِطِ سُبْحَانَ الْقَاضِي بِالْحَيِّ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْوَدُودِ سُبْحَانَ الْفَرْدِ الْوَلِيِّ
سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى سُبْحَانَ وَجْهِهِ وَتَعَالَى مَوْلَاهُ گوید که اگر چه این دعا را
 بروایت ثبت نماده ولیکن ظاهر
 حال آنست که حدیثی درین باب بنظر او رسیده باشد **ششم** سید بن طاووس در کتاب اقبال گفته
 که این دعا را یا فسر در میان ادعیه هر روز نما
 مبارک رمضان بسند و ترتیب عظیم الشانی در کتاب ذکر این ادعیه در آن بود نوشته بود که این دعا
 از اسرار دعوات و مضمون احباب است و دعا **إِنِّي أَدْعُوكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ**
فَاسْتَجِبْ لِي كُلَّ وَعْدَتِي مَرَّةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ يَا بَهَاءَهُ وَكَلِمَةٍ
بَهَائِكَ بَهِيَّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ كَلِمَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مِنْ جَلَالِكَ يَا جَلِيلَهُ وَكُلِّ جَلَالِكَ جَلِيلَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِحَبْلِكَ كَلِمَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ يَا جَمِيلَهُ وَكُلِّ
جَمَالِكَ جَمِيلَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كَلِمَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ
كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كُلَّ وَعْدَتِي سَمِعْتُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
عَظَمَتِكَ يَا عَظِيمَهُ وَكُلِّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِعَظَمَتِكَ كَلِمَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ يَا نُورَهُ وَكُلِّ نُورِكَ

يَبْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَرِكِ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ
بِأَوْسَعِهَا وَكَأَنَّ رَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا
اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي سَرُوبِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَالِكِ بِأَكْبَلِهِ وَكُلُّ كَالِكِ كَامِدِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِكَالِكِ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَالِكِ بِأَعْمَقِهَا وَ
كُلُّ كَالِكِ نَامَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَالِكِ كُلِّهَا اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْنَانِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلُّ أَسْنَانِكَ كَبِيرَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِأَسْنَانِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي
كَمَا وَعَدْتَنِي سَرُوبِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَرَبِيَّتِكَ بِأَعْرَافِهَا وَكُلُّ
عَرَبِيَّتِكَ عَرَبِيَّةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَرَبِيَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مِنْ مَشِيئَتِكَ بِأَمْضَاهَا وَكُلُّ مَشِيئَتِكَ مَا خِيَّتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِمَشِيئَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا
اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي سَرُوبِ اللَّهُمَّ

بِرَحْمَتِكَ

اللَّهُمَّ

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِعٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَانِهِ وَكُلُّ قَوْلِكَ رِضْوَانٌ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سَائِلِكَ
بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَكُلُّ سَائِلِكَ حَبِيبَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَائِلِكَ كُلِّهَا
اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي سَرُوبِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ
كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَخْرَجِهِ
وَكُلُّ مُلْكِكَ فَخْرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ
كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي سَرُوبِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلَائِكَ
بِأَعْلَاهِ وَكُلُّ عِلَائِكَ عَالٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلَائِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَتِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَتِّكَ قَدِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِمَتِّكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَيْدِيكَ بِأَعْجَبِهَا وَكُلُّ أَيْدِيكَ عَجَبَةٌ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَيْدِيكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

وَعَدْتَنِي سَهْ نَوَيْبِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فَاضِدٌ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعْيَرٍ
 وَكُلُّ رِزْقِكَ عَامِرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 مِنْ عَطَاكَ بِأَهْنَاهِ وَكُلُّ عَطَاكَ هَيْئٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَاكَ
 كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَابِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عَاجِدٌ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ
 وَكُلُّ إِحْسَانِكَ حَسَنٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِحْسَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا يُحْيِيُنِي بِهِ حِينَ أَدْعُوكَ فَاجْبِبْنِي يَا اللَّهُ نَعْمَ دَعْوَتُكَ
 يَا اللَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّوْنِ وَالْمَجْرُوبِ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا يُحْيِيُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ فَاجْبِبْنِي يَا اللَّهُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ
 وَالْمُحَمَّدُ وَطَلَبَ كَنْ هِرَاجِي اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدُ وَابْعَثْنِي عَلَى
 الْإِيمَانِ بِكَ وَالنَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَالْإِيمَانِ بِالْوِلَايَةِ مِنَ الْمُحْتَمَرِ وَالْبِرَاءَةِ مِنَ أَعْدَائِهِمْ فَإِنِّي قَدْ صَدَّقْتُ
 بِذَلِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدُ وَإِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ مِنْكَ

بِرَأْسِ الْإِيمَانِ بِالْوِلَايَةِ
 وَالنَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ
 وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْإِيمَانِ بِالْوِلَايَةِ
 مِنَ الْمُحْتَمَرِ وَالْبِرَاءَةِ مِنَ أَعْدَائِهِمْ
 فَإِنِّي قَدْ صَدَّقْتُ بِذَلِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ

وَالْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ النَّارِ سَخَطِكَ وَالنَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ
 وَالْمُحَمَّدُ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَقُوبَةٍ وَ
 مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ
 مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّنَةِ
 وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ
 وَالْمُحَمَّدُ وَاقْضِ لِي مِنْ كُلِّ سُورٍ وَمِنْ كُلِّ نَجْوَةٍ وَمِنْ كُلِّ اسْتِغْنَامَةٍ
 وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ
 وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ وَمِنْ كُلِّ حَسَنَةٍ
 نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّنَةِ وَفِي هَذِهِ
 اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ إِن كَانَتْ ذُنُوبِي
 قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَخَالَكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَوْ غَيْرَتْ حَالِي عِنْدَكَ
 فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُورِ وَجْهِكَ الْكَبِيرِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ وَبِوَجْهِ جَيْدِكَ مُحَمَّدٌ
 الْمُصْطَفَى وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَبِحُجَّتِ أَوْلِيَاكَ الَّذِينَ أَنْجَبْتَهُمْ
 أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدُ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدَيْ وَمَا وَلَدَاؤُنِي

مِنْ

المصطفى وجميعك دون خلقك وحبيبك وخيرك من خلقك اجمعين
التدبير البشير السراج المنيرة على اهل بيته الطيبين الطاهرين
المطهرين الاقرباء وعلى ملكك الكذابين استخلصتهم لنفسك و
حجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك الكذابين يبنون بالصدف عنك
وعلى عبادك الصالحين الكذابين ادخلتهم في رحمتك الائمة المهتدين
الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل واسرافيل وملك الموت
ورضوان خازن الجنة وملائك خازن النار والروح القدس حملا
العرش ومنكروتك على الملكين الحافظين على الصلوة الي
حجبت ان تصلي بها عليهم صلوة كثيرة طيبة مباركة ذكية
نامية ظاهرة شهيرة فاصلة شين بها فضلهم على الاولين والآخرين
اللهم اني اسئلك ان تسمع صوتي وتحب دعوتي وتغفر ذنوبي
وتفتح طيبي وتغني حاجتي وتقبل نصي وتخير لي ما وعدتني و
تقبل عثرتي وتجاوز عن خطيبي وتصفح عن ظلمي وتغفرو عن
جرمي وتقبل علي ولا تعرض عني وترحمي ولا تعذبني وتغافيني و

شين

لا تبتليني

لا تبتليني وترحمني من اطيب الرزق واوسعهم واهنهم وامرهم و
اسبغهم واكثرهم ولا تحزنني يا رب النظر الي وحمك الكبر و
العوز يا مجتة والعشق من النار وافض عني يا رب ديني واماني
وضع عني وزهري ولا تحمليني بالاطاقة لي يا مولاي وادخلني
في كل خير اذ حلت فيه محمدا وال محمد وآخري من كل سوء اخرتهم
منه ولا تفريق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والاخرة اللهم
اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني سئوب اللهم اني اسئلك
قليلاً من كبر مع حاجتي اليه عظيمة وغناك عنه قديرة وهو
عندى كثير وهو عليك سهل يسير فامنن به علي انك على كل
شيء قدير اللهم برحمتك في الصالحين فاخذلنا وفي عبيدنا فانقنا
وبكاس من معين من عين سلسيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك
فوزجنا ومن ولدان محمد بن كاسهم لؤلؤ مكنون فاحدثنا ومن
ثمار الجنة والحور الطير فاطعمنا ومن ثياب السند والحبر والاشبق
فالبنينا وليك القدر وحج بيتك الحرام في سبيلك مع وليك فوف لنا

ع

وَصَلِّحِ الدُّعَاءَ وَالْمَسْئَلَةَ فَاسْتَجِبْ لَنَا يَا خَالِقَنَا اسْمِعْ وَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا
جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَاَرْحَمْنَا وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ
وَإِنَّا مِنَ الْعَذَابِ فَأَكْتَبْنَا وَنَبِيَّ جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَمَعَ الشَّقِيَاءِ
فِي النَّارِ فَلَا تُقَرِّبْنَا وَنَبِيَّ عَذَابِكَ وَهُوَ أَنْتَ فَلَا تَقْلِبْنَا وَمِنَ الرَّاقِمِ
وَالصَّارِعِ فَلَا تَطْعِمْنَا وَنَبِيَّ النَّارِ عَلَى وَجْهِنَا فَلَا تُكَلِّبْنَا وَمِنَ
شِيَابِ النَّارِ وَسِرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْدِنَا وَمِنَ كُلِّ سُوءٍ يَا أَلَا
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَجَبِّحْنَا اللَّهُمَّ إِنْ أَسَأَلْتُكَ وَلَمْ
يُسْتَلْ مِثْلَكَ وَأَرَعَبَ إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْعَبْ إِلَى مِثْلِكَ أَنْتَ مَوْضِعُ
مَسْئَلَةِ السَّالِبِينَ وَمُنْتَهَى رُغْبَةِ الرَّاعِبِينَ أَسَأَلُكَ اللَّهُمَّ
بِأَفْضَلِ أَسْمَائِكَ كُلِّهَا وَأَنْجِيهَا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا مَلِكُ الْخَرُوفِ
الْمَصُونِ الْأَعْرَ الْأَجَلِ الْأَعْظَمِ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى عَنْ
دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقِّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ أَنْ لَا تُخْزِمَنَا
اللَّهُمَّ إِنْ أَسَأَلْتُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ دَعَاكَ بِهِ عَبْدٌ هُوَ لَكَ فِي بَرٍّ
أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَوْ عِنْدَ بَيْتِكَ أَمْ أَمْرٍ أَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ سُبُلِكَ

فَادْعُوكَ

فَادْعُوكَ يَا رَبِّ دُعَاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَعَظَمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ
كُنْهُهُ فَاشْرَقَتْ عَلَى الْهَلَاكِه نَفْسُهُ وَلَمْ يَسْتَوْبِ بَيْتِي مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ
يَجِدْ لِمَا هُوَ فِيهِ سَادًا أَوْ لِدَنْبِهِ غَافِرًا وَلَا لِعِزَّتِهِ مُعِينًا وَلَا غَيْرَكَ
هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَبِدًا لَكَ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْزِرٍ
لَا مُخَجِّرٍ وَلَا مُتَعَطِّمٍ لَنْ بَابِئْسَ فَقِيرٌ خَالَفْتُ مُسْتَجِيرًا أَسَأَلُكَ يَا اللَّهُ
يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا مَتَانُ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً
نَامِيَةً ذَاكِيَةً شَرِيفَةً أَسَأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تَغْفِرَ لِي فِي شَهْرِي هَذَا
وَتَرْحَمَنِي وَتُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُعْطِيَنِي فِيهِ خَيْرَهَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا
مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ وَلَا تَجْعَلُهُ الْخَرِشَ فِي رَمَضَانَ
صَمْتُهُ لَكَ مُنْذَ اسْتَكْنَيْتَنِي أَرْضَكَ إِلَى يَوْمِي هَذَا بَلِّغْ جَعْلَكَ عَلَيَّ
أُمَّتَهُ نِعْمَةً وَأَعْتَمَهُ غَافِيَةً وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا وَأَهْرُكَهُ وَأَهْنَأَهُ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَمُلْكِكَ الْعَظِيمِ أَنْ
تَغْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هَذَا أَوْ يَنْقُضِيَ بَقِيَّةُ هَذَا الْيَوْمِ أَوْ يَبْطُلَعَ

شهر

الفرح من ليلى هذه أو يخرج هذا الشهر ولك في تيمنا أو ذنب أو
خطيئة تريد أن تقايسني بها أو تؤاخذني بها أو تؤقنني بها مؤقن
خزي في الدنيا والآخرة أو تعدني يوم القاءك يا أرحم الراحمين
اللهم اني ادعوك لهم لا يعزجهم عنك ولا يخذلهم لانك لا اله الا انت
والكرب لا يشفع الا انت والوغي لا تبلغ الا بك والحاجة لا تقضى
ذو نك اللهم فكما كان من شانك ما اردتني به من مسلكك ورحمتي
به من ذكرك فليكن من شانك الاستجابة لي فيما ادعوك به والنجاة
لي فيما فرغت اليك منه اياما من الحديد لداود ابي كاشف المظلم
والكرب العظيم عن ايوب ومفترج غم يعقوب ومنفس كرب
يوسف صل على محمد وال محمد وافعل به ما انت اهل فانك
اهل التقوى واهل المغفرة اللهم انت يقيني في كل كرب و
رجائي في كل شدة وانت لي في كل امر اول في ثقة وعدة كره
من كرب يصنع منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه
الصديق ويشمت فيه العدو وانزله بك وشكوتك اليك

اريتني

وغبه مني فيه اليك عمن سواك ففرجته وكشفته وكفينه فانت
ولي كل نعمة و صاحب كل حسنة ومتهي كل غيبة اعود
بكلمات الله الثابتات من شير ما خلق من شئ اللهم عافني في
يومي هذا حتى امسى اللهم اني اسالك بركة يومي هذا وما
نزل فيه من عافية ومغفرة ورضوان ورضي واسع خلا لنبطه
علي وعلى والدي واهلي وعيالي واهل حوائلي ومن
احببت واحببني وولدت وولدتني اللهم اني اعود بك من
الشك والشرك والحسد والبغى والحمية والعصب اللهم
رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما بينهن وما بينهما
ورب العرش العظيم صل على محمد وآله واكفني المهم من امر عيالي
يشئت وكيف يشئت ^{سورة الحديد} اللهم انك قلت لبيك صلى
الله عليه وآله وتسوف تعطيك ربك فترضى اللهم ان تبتك
ورسولك وجيبك وخيرتك من خلقك لا يرضى بان تعذب احدا
من امتك ذالك بمواالته وموالاة الامة من اهل بيته وان كان

مذنبًا خاطئًا في نار جهنم فأجزي يا رب من جهنم وعذابها وهبني محمد
والمحمد يا أرحم الراحمين يا جامعًا بين أهل الجنة على نألف من القلوب
وسنة المحبة ونزع الغل من صدورهم وجامعهم إخوانًا على سرور
مقابلين يا جامعًا بين أهل طاعته وبين من خلقها له ويا مفرج
حزن كل محزون ويا منهل كل غريب يا راحم من غريب في كل آخو الي
بحسن الحفظ والصلاح في مفرج ما بين من الصبي والمخوف صل
على محمد وال محمد واجمع بيني وبين أحبتي وقادني وسادني وهذا
وموالي يا مؤلفًا بين الأحباء صل على محمد وال محمد ولا تفجعني
بانقطاع رؤيتي محمد وال محمد عني ولا بانقطاع رؤيتي عنهم فبكل
مسألك يا رب أذكرك الحق استجب دعائي يا أرحم الراحمين
اللهم اني أسألك بانقطاع محبي ووجوب محبتك أن تغفر لي اللهم
اني أعوذ بك من خزي يوم الحشر ومن شر ما بقي من الدهر ومن شر
الأعداء وصغير الفناء وعضا الأعداء وخيبة الرجاء وزوال النعمة
ونجاة النعمة اللهم اجعل لي قلبًا يحشاك كأنه يراك الي يوم لقاءك

تم

هم سيدنا طاهر در كتاب القابل لشد خود از حضرت صادق روایت کرده است که آنحضرت
با بوی صبر فرمود که در هر روز از روزهای ماه مبارک رمضان این تسبیح را بخوان و شیخ طوسی
در کتاب مصباح و تسبیح نامه طایفه در کتاب اخبار و کتب معتبره در خبر الامان نیز این
تسبیح را برای هر روز اینها نقل نموده اند و لیکن سید در اقبال گفته که روایت شیخ طوسی در
مشتمل بر بعضی از روایتهای مذکور است که در روایت ابو بصیر سبحان الله یا ربی اللهم سبحان
مذکور است و روایتی از ابی و کعبی یا ربی سبحان الله یا ربی سبحان الله یا ربی سبحان الله
الله المصور سبحان الله خالق الاذواج کلها سبحان الله جامع الظلمة
والتور سبحان الله فالی الحب والتوی سبحان الله خالق کل شیء
سبحان الله خالق ما یرى وما لا یرى سبحان الله میداد کلمات سبحان
الله رب العالمین سبحان الله السميع الذی لیس شیء اسمع منه
یسمع من فوق عرشه ما تحت سبع ارضین و یسمع ما فی ظلمات البر
والبحر و یسمع الایین والشکوی و یسمع السر و الخفی و یسمع و سائر
الصدور ولا یحتم سمعه صوت سبحان الله یا ربی اللهم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الاذواج کلها سبحان الله جامع الظلمة
والتور سبحان الله فالی الحب والتوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان
الله خالق ما یرى وما لا یرى سبحان الله میداد کلمات سبحان الله رب
العالمین سبحان الله البصیر الذی لیس شیء انصر منه بصر من فوق عرشه

ما تحك سبع ارضين ويصير ما في ظلمات البر والبحر لا تدركه الاضواء
وهو يدرك الاضواء وهو اللطيف الخبير لا تعصى بصره الظلمات و
لا تستر منه لستر ولا يوارى منه جدار ولا يعين منه براء ولا يحرق
ولا يكره منه جبل ما في اصيله ولا قلب ما فيه ولا جنب ما في قلبه
ولا يستتر منه صغير ولا كبير ولا يخفى عليه شيء في الارض ولا في السماء
هو الذي يصوركم في الارض وكيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم
سبحان الله باري السموات سبحان الله المصور سبحان الله خالق الارواح
كلها سبحان الله خالق الظلمات والتور سبحان الله خالق الحيات والنوى
سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
سبحان الله مبداء كل ما في سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي
يشيئ السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خفيته
ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء ويرسل الرياح بشرا
بين يدي اسمه ويرسل الماء من السماء بكماله وينبت الثبات
بقدرته ويسقط الوتر بعلمه سبحان الله الذي يعزب عنه

شمال

سبحان الله في الارض وفي السماء ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتابين
سبحان الله باري السموات سبحان الله المصور سبحان الله خالق
الارواح كلها سبحان الله خالق الظلمات والتور سبحان الله
خالق الحيات والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق
ما يرى وما لا يرى سبحان الله مبداء كل ما في سبحان الله رب العالمين
سبحان الله الذي يعلم ما تحل كل انبي وما تعيض الارحام وما
تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة الكبير
المتعال سواكم من اسرار القول ومن جهريه ومن هو مستخفي
بالليل وسار بك بالهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظ
من امر الله سبحان الله الذي يميت الاحياء ويحيي الموتى ويعلم ما تنقص
الارض منهم ويعرف في الارحام ما يشاء الى اجل مسمى سبحان الله
باري السموات سبحان الله المصور سبحان الله خالق الارواح كلها
سبحان الله خالق الظلمات والتور سبحان الله خالق الحيات والنوى
سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى

سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا
الْمَلِكُ تَوْفِي الْمَلِكِ مِنْ تَشَاءٍ وَتَنْزِعُ الْمَلِكِ مِنْ تَشَاءٍ وَتَعْرِضُ مِنْ تَشَاءٍ
وَتَدُلُّ مِنْ تَشَاءٍ يَدِيكَ أَنْ تَجْعَلَ لَنَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَوْفِيكَ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ
وَتَوْفِيكَ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ وَتَخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتَخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ
تَرْزُقُ مِنْ تَشَاءٍ بَعِيرَ حِيَاطٍ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ
سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْوَيْلِ مِنَ الْحَبِّ وَالنَّوَى
سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى
سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ
لَا يَعْلَمُ الْإِنَّمَا وَمَا يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرُوجِ وَالْحَجَرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ لَّا يَعْلَمُهَا
وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ صَبِيحِ سُبْحَانَ
اللَّهِ بَارِي السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا
سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْوَيْلِ مِنَ الْحَبِّ وَالنَّوَى
سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى
سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي

لا يوصي

لَا يُخَصِّي مِدْحَتَهُ الْعَالَمُونَ وَلَا يَجْزِي بِالْأَثْرِ الشَّاكِرُونَ الْعَابِدُونَ وَهُوَ
كَمَا قَالَ وَقَوْفٌ مَا نَقُولُ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَتَى عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يَحِيطُونَ
بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ
حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ
الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الظُّلُمَاتِ
وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْوَيْلِ مِنَ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ
سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ
اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلْمُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ
مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَلَا يَسْأَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ
شَيْءٍ وَلَا يَسْأَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ وَلَا يَحِيطُ شَيْءٌ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ
وَلَا يُسْأَلُ بِهِ شَيْءٌ وَلَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ
الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ
فَالِقِ الْوَيْلِ مِنَ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى

وَرَبِّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبِّ الْحِجْلِ وَالْحَرَامِ أَلْبِغْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا وَآلَهُ
 عَنَّا السَّلَامَ اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا مِنَ الْبَهَاءِ وَالنُّضْرَةِ وَالشَّرِيفَةِ وَالْكَرَامَةِ
 وَالغَيْبَةِ وَالْوَسِيلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ وَالْمَقَامَ وَالرَّفْعَةَ وَالشَّفَاعَةَ عِنْدَكَ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلًا تَعْطِي أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَاعْطِ مُحَمَّدًا وَآلَهُ قُوَّةَ مَا
 تُعْطِي الْخَلَائِقَ مِنْ الْجِبْرِ اصْنَعْنَا فَكثيرةً لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَدِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَطْيَبَ وَأَظْهَرَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ
 عَلَى لَوْلَايْنِ وَالْآخِرِينَ وَعَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
 صَدِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَوَالِدِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ
 مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اللَّهُمَّ صَدِّ
 عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَالْعَنْ مَنْ رَاذَى نَبِيَّكَ فِيهَا اللَّهُمَّ صَدِّ
 عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِمَامَيْ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِدِي مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا
 وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِمَا اللَّهُمَّ صَدِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِدِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ
 عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ وَهُوَ الْوَلِيدُ اللَّهُمَّ صَدِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

وَالشُّرُوبِ

أَحَدِينَ

تَكْرِيماً وَرَبِّ السَّلَامِ

شَرِكَ فِي دَمِهِ

وَوَالِدِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ
 وَهُوَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْوَلِيدِ اللَّهُمَّ صَدِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَ
 وَالِدِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ
 وَهُوَ الْمَضْمُونُ اللَّهُمَّ صَدِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِدِ
 مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ
 وَهُوَ الرَّشِيدُ اللَّهُمَّ صَدِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ
 وَوَالِدِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ
 فِي دَمِهِ وَهُوَ الْمَأْمُونُ اللَّهُمَّ صَدِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ
 وَوَالِدِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ
 فِي دَمِهِ وَهُوَ الْمُعْتَصِمُ اللَّهُمَّ صَدِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ
 وَوَالِدِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ
 فِي دَمِهِ وَهُوَ الْمُتَوَكِّلُ اللَّهُمَّ صَدِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ
 الْمُسْلِمِينَ وَوَالِدِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ
 عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ وَهُوَ الْمُعْتَمِدُ اللَّهُمَّ صَدِّ عَلَى الْخَلْفِ مِنَ

ظَلَمَهُ

ظَلَمَهُ

ظَلَمَهُ

ظَلَمَهُ

الْمُعْتَصِمَةَ

تعبه إمام المسلمين ووالهم والاه وعاذ من عاداه وعجل فرجه
اللهم صل على الفاسم والطاهر بنى نبيك اللهم صل على امر
كثوم ابنة نبيك والعن من اذى نبيك فيها اللهم صل على
رقية ابنة نبيك والعن من اذى نبيك فيها اللهم صل على
ذرية نبيك اللهم اخلص نبيك في هدي نبيه اللهم مكن لهم
في الارض اللهم اجعلنا من عداهم ومددهم وانصارهم
على الحق في السير والعدانية اللهم اطلب يد خليمه وورثهم
ودمائهم وكف عتاق عنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة
باس كل باغ وطاق وكلد آية انت اخذ بنا صيدها انت انت
اشد باسا واشد تنكيلا وعبادان يا عذبة في كزبي ويا صاحبي
شدي ويا وليي ويا غايي في رغبتي انت السائر عورتي
والمؤمن ذو عني والمقبل عثرتي فاغفر لي خطيئتي يا ارحم الراحمين
و بعد ان اللهم اني ادعوك لهم لا يفترجه غيرك ولرحمة لاشان
بني مكي

بنيت

لا يقضي

لا يقضي ونك اللهم فكما كان من شانك ما اذنت لي به من شانك
ورحمتي به من ذكرك فليكن من شانك سيدي الاستجابة لي
فيما دعوتك وعوايد الافضل فيما رجوتك والتجاة مما
فرغت اليك فان لم اكن اهلا ان ابلغ رحمتك فان رحمتك
اهل ان تبلعني وتسعني ان لا اكن للإجابة اهلا فانك
اهل الفضل ورحمتك وسعت كل شيء فلتسعني رحمتك يا
الهي يا كريم اسألك بوجهك الكريم ان تصلي على محمد واهله
و ان تفرج همي وتكشف كربتي وعيني وترحمي برحمتك وترفعني
من مضلك انتك سميع الدعاء قريب مجيب يا ارحم سيدنا

كتاب الفقه كعهده محمد بن يعقوب

كلني و علي بن عبد الواحد بندي رحم ان حضرت سيدنا جدي رحمه روايت نموده اند كه ان حضرت
عاطر بن يحيى و حضرت امام محمد باقر في درهم و نزار ماه مباركه رمضان از غار امير اشد
بني شد گفته كرد بعضي از روایات از بعضي از الفاظ و فقرات زياد در بعضي كه است
و ما ذكرنا في كتابي ان روايات اشان كلام سيده زيناب و تفصيل اين مقام است كه بعضي
كلني و سيد بن طاووس از غار ديكران بن فعل نموده اند مثل بن با بويه در كتابي بن حضرت
سوي طوسي در كتاب بصباح و سيد بن باقر در كتاب خشيانه و كقعه بن عم در خيزه الامان و كليني
فله نقلي از غار ذكر نموده و مع ذلك باروايت ديكران از مواضع مخالفت و بن با بويه اكر چه
بها زنده روايت نموده ليكن در مجلد موصوع باروايت كليني مخالفت امر و روايت ابن بابويه
باروايت شيخ مظان است چون اكثر از عير از مصباح شيخ نقل نموده ليكن روايت ايشان
باروايت سيده نهايت مخالفت دارد و چون روايت شيخ بنظر سيده سيده و مع ذلك از آن مروايت

لا يقضيها الا انت
الإجابة

سجده

ذكر عند مولود ما بين حجت ظاهر آتت كروايت سيد اصح ما شد اللهم هذا شهر رمضان
لهذا ما يزيد راب كتاب روايت سيد من مذكور معيا زيوان آيت
وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر الانابة وهذا
شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار
والقوز بالجنة وهذا شهر فيه ليكة القدر التي هي خير من الف شهر
اللهم فصل على محمد وال محمد وسلمة لي وتسلمة مني واعني عليه
يا فضل عونك ووقفتي فيه لطاعتك وفرغني فيه لعبادك و
ذاتك وبلادك وكنابك واعظم لي فيه البركة واخرز لي فيه التوبة
واحسن لي فيه العافية واصح فيه بدني واوسع لي فيه رزقي واكفني
فيه ما امسني واستجب فيه دعائي ولبعني فيه رجائي اللهم صل
على محمد وال محمد واذب عني فيه العار والكسل والسامة و
الفتنة والنسوة والعفلة والغرة اللهم صل على محمد وال محمد و
جبتني فيه العبد والاسقام والهجوم والاختار والاعراض و
الامراض والخطايا والذنوب واصرف عني فيه الشوة والفتنة و
الجهدة والبلاد والتعب والعناء انك سميع الدعاء اللهم صل على محمد

والمحمد واعذني فيه من الشيطان الرجيم وهنزه وقرنه ونفسه ونحوه
ووساويه وتبيطه وبطشه وكيد ومكره وحيله وخده
وامانيه وعزوره وفتنه وحيله ورجله واعوانه وشركه
واشباعه واخوانه واخرابه واشياعه واوليائه وجميع شركائه
وكيديه اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني تمام صيامه وبلوغ
الامد فيه ونه قيامه واستكمال ما يرضيك عني صبرا واماينا
ويمينا واحتسابا اللهم تقبل ذلك مني بالاصناف الكثيرة والاجر
العظيم امين رب العالمين اللهم صل على محمد وال محمد وارزقنا فيه
الحج والعمرة والاجتهاد والقوة والنشاط والابانة والتقوى
والفطرة والخير المقبول والرحمة والرفقة والتضرع والخشوع و
الرفقة والنية الصادقة وصدق اللسان والوجوب والرجاء
لك والتوكل عليك واليقين والنور عن محارمك مع صالح
القول ومقبول السعي ومن فروع الهدى مستجاب الدعاء ولا تحل بيني
وبين شئ من ذلك مريض ولا هم ولا سقم ولا عفة ولا نسيان بل

بِالْعَامَّةِ وَالْحَفِظَاتِ مِنْكَ وَلَكَ وَالرِّبَايَةَ لِحَقِّكَ وَالْوَفَاءَ بِعَهْدِكَ وَ
وَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ
وَأَنْتُمْ لِي فِيهِ أَفْضَلُ مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَعْطِنِي فِيهِ
أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُقْتَرِبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالنَّحْنِ
وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ الدَّائِمَةِ وَالْعَافِيَةِ وَالْمَعَاوَةِ وَالْعَفْوِ
مِنَ النَّارِ وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالِهِ وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ إِلَيْكَ وَاصِلًا وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ إِلَيَّ
نَازِلًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَدُعَائِي فِيهِ مَغْفُورًا
حَتَّى يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ الْكَثْرَ وَحَظِّي فِيهِ الْإَوْفَرَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَقِّعْنِي فِيهِ لِلْيَسْرَةِ الْقَدْرَ عَلَى أَفْضَلِ حَالٍ تَحِبُّ أَنْ يَكُونَ
عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَأَرْضَائِكَ لَمْ أَجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرِ
وَأَرْدُفْنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَرَفَّقَ أَحَدًا مِنْ بَلْعَتِهِ أَيَّامًا وَأَكْرَمَتَهُ
بِهَا وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عَتَمَاتِكَ وَطَائِفَاتِكَ مِنَ النَّارِ وَسَعْدَائِ خَلْفِكَ
بِعَفْوِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

الرفق

أَرْضَائِكَ شَهْرًا هَذَا الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَمَا سَجَّوْ
تَرْضَى اللَّهُمَّ رَبَّ الْعَجْرِ وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ
وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَائِيلَ وَجَمِيعِ
الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَرَبَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَ
رَبَّ مُوسَى وَعِيسَى وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ وَبِحَقِّعَم
عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَنَظَرْتَ
إِلَى نَظْرَةِ رَحِيمَةٍ تَرْضَى بِهَا عَنِّي رِضًا لَا تَنْحَطُّ عَلَى بَعْدَةِ أَبَدًا وَأَعْطِنِي
جَمِيعَ سُؤْلِي وَرَغْبَتِي وَأُمْنِيَّتِي وَإِرَادَتِي وَصَرَفْتَ عَنِّي مَا أَكْرَهُ وَأَتَّخَذْتُ
وَأَخَافُ عَلَى نَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي وَذُرِّيَّتِي
اللَّهُمَّ إِنِّي كَرِهْتُ أَنْ يَكُونَ مِنْ ذُنُوبِي أَفْضَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَأَوْثِقْ
نَاصِيئَتِي وَتَبَّ عَلَيْنَا مُسْتَعْفِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَأَغْفِرْ لَنَا
مُتَعَوِّذِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَأَعِزَّنَا مُسْتَجِيرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْمُحَمَّدِ وَاجْرِنَا مُسْلِمِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَلَا تَخْذَلْنَا أَرْحَمَ

مُسْتَجِيرِينَ

الرفق

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَسَعِّغْنَا سَائِلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْطِنَا إِنَّكَ سَمِيعٌ
قَرِيبٌ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَخِي مَنْ سَأَلَكَ عَبْدٌ رَسَبَهُ وَ
لَمْ يَسْأَلِ الْعِبَادَ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا يَا مُؤَنِّعَ شَكْوَى السَّالِبِينَ
وَيَا مُنْتَهَى طَاجِرِ الرَّاعِبِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ
الْمُضْطَرِّينَ وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ
الْعَظِيمِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا اللَّهُ الْمَكُونُ
مِنْ كُلِّ عَيْنٍ الْمُنْدَى بِالْكَبْرِيَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ
لِي ذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَإِسَاءَتِي وَظَلَمِي وَجُرْمِي وَسِرِّي فِي عَنَانِ نَفْسِي وَ
ارْتَمِي مِنْ ضَلَالِكَ وَدَخَمِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا وَأَعْفُ عَنِّي وَاعْفُ
لِي كُلَّمَا أَدْسَلْتُ مِنْ ذُنُوبِي وَأَعْصَمْتَنِي فِيهَا بَقِي مِنْ عَمْرِي وَسِرِّي
عَلَى وَعَلَى وَالِدَيْكَ وَوَلَدَيْكَ وَقُرْبَانِي وَأَهْلِي خِرَاتِي وَمَنْ كَانَ
مَعِي يَسِيلُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ جَمِيعَ ذَلِكَ كَأَنَّكَ سَأَلْتَهُ وَأَنْتَ وَالسَّعْيُ الْمُعْظَمُ

فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تُرَدِّدْ دُعَائِي وَلَا تُرَدِّدْ يَدِي إِلَى الْحُرْمِ حَتَّى تَقْعُدَ
ذَلِكَ فِي سَجْدِي لِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَتَحْرُ الْيَكِ وَالْعَبِيدُ اللَّهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
وَالْأَسْمَاءُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَسْمَاءُ الَّتِي سَأَلْتَ بِاسْمِكَ سُبْحَانَ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَنْ كُنْتَ فَضَيْتَ فِي هَذِهِ السَّبِيلَةِ تَنْزِيلَ الْمَلَكِ كَرِيمٍ وَالرُّوحِ
فِيهَا فَاسْأَلْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي السُّعْدَاءِ
وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأَحْسَبُنِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ
تَهَبَ لِي يَسِيئًا شَرِيحًا بِهَ قَلْبِي إِيْمَانًا لَا يَتَوَبَّرُ بِشَيْءٍ وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي
وَأَتَيْنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَفِي عَذَابِ النَّارِ إِنْ
لَمْ تَكُنْ فَضَيْتَ فِي هَذِهِ السَّبِيلَةِ تَنْزِيلَ الْمَلَكِ كَرِيمٍ وَالرُّوحِ فِيهَا فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْرِضْ لِي ذَلِكَ وَأَزْمِعْ فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ
وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَحَدًا يَا صَدِيدًا يَا رَافِعًا يَا مُجِيدًا يَا مُجِيدًا يَا مُجِيدًا
وَالْأَسْمَاءُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَسْمَاءُ الَّتِي سَأَلْتَ بِاسْمِكَ سُبْحَانَ اللَّهِ

الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصلوة يا خليفة النبيين
انت ارحم الراحمين البديع الذي ليس كمثلك شيء
ولا قبلك شيء والذائم غير الغافل الحي الذي لا يموت وانت كل
يوم في شأن انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسالك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تنصر خليفة محمد والقائم
بالنسط من اوصياء محمد عليهم السلام اعطيت عليهم نصرك يا
لا اله الا انت حي لا اله الا انت واجعلني معهم وجهي في الدنيا
والآخرة واجعل غايبة امري الى اغفرانك ورحمتك يا ارحم
الراحمين وكذلك تسبب يا سيدي باللطيف بك انتك لطيف
فصل على محمد وآله والطف بك انتك لطيف لما نشاء اللهم
صل على محمد وآله وارزقني الحج والعمرة في عامي هذا وتطول
علي ببقاء حوائجي الآخرة والدنيا استغفر الله ربي واتوب
اليه ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب اليه ان
ربي قهيب استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان عفوا

بالطف

رب اغفر لي وارحمني وانت ارحم الراحمين رب ابي عليك سوء
ظلمت نفسي فصل على محمد وآل محمد واغفر لي اني لا تغفر الذنوب
الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم واتوب
اليه واستغفارا اخر استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي
سنة نوب ميكي
القيوم العظيم الغافر للذنوب العظيم واتوب اليه واين استغفارا
تيسر نوب ميكي
استغفر الله ان الله كان عفوا رحيم اللهم صل على محمد وآل
محمد واجعل فيما تقضي وتقدر في الامر الحكيم في ليلة القدر
من الفضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تكسبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيرهم
المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم ان تجعل فيما تقضي
تقدر ان تصلي على محمد وآل محمد وان تطيد عمري وتوسع رزقي
وتؤددي عني امانتي ودينني امين يا رب العالمين اللهم اجعل لي
في امري فرجا وحجرا وارزقني من حيث ائتت ومن حيث لا ائتت
والخوسني من حيث ائتت ومن حيث لا ائتت اللهم صل على محمد

والله

الْحَمْدِ وَاسْتَمَّ قَسِيماً كَثِيراً كَثِيراً مَوْلَفٌ كَوَيْدٌ كَرِيمٌ بِمَقَرِّهِ دُرِّ كَنَابِ خِيَارِ
و كعمود رکنی جنبه الامان بعد از آنکه از عطا
را ذکر کرده اند یا ذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ثُمَّ يَرْجِعُهُ
كفرا ندوسیدگی
و يَرْجِعُهُ كُلَّ شَيْءٍ يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَى وَ لَا فِي الْاَرْضِينَ
السُّغْلَى وَ لَا فَوْقَهُنَّ وَ لَا بَيْنَهُنَّ وَ لَا تَحْتَهُنَّ اَللهُ يُعْبَدُ عِبْرَةً لِّكَافِرِي
حَمْدًا لَا يَقْوَى عَلَى احْصَائِهَا اِلَّا اَنْتَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُهُ

لا يقوى على احصائها الا انت و معلوم است که این بقیه از بعضی روایات
نمونه این غایبانه اند یا دعای علویه است که در
روز ناید خوانده شود و الله تعالی بعلم و هو الموفق **باب** در زمان احکام
مستغفر با فطار و الوان نعمتهای آن به بسط چهار سفر می شود **سفره اول** در بیان
وقت افطار بدانکه در بعد از این خورشید منگور شده که وقت افطار مغرب است و در غیر
سایر اقیانوسها نشدن قرص آفتاب است و بنا بر مشهور روز اول حج از طرف مشرف و ظهور آن
در سمت مغرب و احوط در غایت قول مشهور است و هر چه است که نماز را مقدم دارد مکروه و در
صورت **اول** آنکه کسی انتظار او را که در جناح کلیبی این با بویه و شیخ طوسی قدس الله
اسرارهم بعد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که شخصی از آن حضرت از وقت
افطار پرسید که پیش از نماز است یا بعد از آن فرمود که اگر جمعی انتظار او را بریزد و ترسد که مانع
افطار ایشان شود یا ایشان انتظار کنند و اگر نیز اول نماز کنند و بعد از آن افطار کنند و شیخ
طوسی پسندید از حضرت امام عقیلی روایت کرده است که اول نماز کن و بعد از آن افطار کن
و اگر با جمعی را در افطار داشته باشی محال است ایشان کن و اول افطار کن و آخر نماز کن و الا
ابتدا نماز کن و او که بعد از آنکه این پرسیدم فرمود بر او نکرده و واجب است که در وقت جمع شده
پس ایضا آنکه نماز است ابتدا کن پس بعد از آنکه نماز کنی و حال آنکه در زمانه شیخ و ثواب آنکه در وقت
نوشته شده و عمل بر بوزه ختم شود نزد من بهر است **دویم** آنکه کسی که شکلی بر او ظاهر شده
ناباشد و مانع حضور قلب او در نماز باشد چنانچه شیخ طوسی پسندید بر طایفه طبایه شایه است
از حضرت صادق روایت کرده اند که سجده است برای صلوات بر او نماز کند که قدرت بر آن داشته

ناباشد و شیخ معین رحمه در کتاب مقیمه ذکر نموده که در بعضی روایات وارد شده است که اگر متنگ از نما
باشی تو ای نماز را با حذر آن از روی حضور قلب با نماز شیخ نماز او را فطار مقدم دارد و او که نفس
تو معارضه کند و خواهش با فطاریت حضور قلب تو کرد و اول افطار کن **مؤلف** گوید که شیخ
معین بعد از ذکر این حدیث گفته که تعذر بر افطار بر نماز در صورت مشروط است باینکه افطار
طول بدهد که وقت نماز نگذرد و پوشیده نماید که در صورت اولین هرگاه مؤلف وقت رقتا با کردن نما
در وقت فضیلت جمع شود بهتر است که تعجیل در نماز کند و اگر در هر دو صورت بدون انقضای وقت
فضیلت بیشتر شود افضل تا آخر نماز است از وقت فضیلت و بدانکه اگر از نماز مغرب پیش
و تقدیم نماز عشاء و بر نیت زیرا که وقت آن وسیع است و نوافل مغرب را نیز اگر با حضور قلب
تواند کرد و انتظار رقتا مانع نباشد نیز معتمد میدارد و لا بعد از نماز افطار که وقت باقی است

و الا قضا میکند و الله تعالی بعلم **سفره دوم** در بیان چیزی که افطار را بکنند بدانکه در افطار
ابتدا نمودن چیزی فضیلت دارد **اول** خرما چنانچه سید بن طاووس در کتاب قبایل
رسول خدا روایت کرده است که هرگز بر خرمای و افطار عامی ثواب نماز او بچهار صد برابر
مضاعف شود و دیگری که در کوفت های بسیار از حضرت امام جعفر صادق روایت
کرده اند که رسول خدا در فصل بربط و در فصل خرما چیزی را افطار می نمود و احادیث
دیگر نیز در باب فضیلت افطار بخرما وارد شده و بعد از این مذکور می شود انشاء الله **سفره**
حلوا و مراد از حلوا چیزی است که با شکر چیزی شده باشد شیخ معین رحمه در کتاب مقیمه از حضرت
صلواته روایت نموده است که آدمی چون روزی سیدار چشمه یا چشمه ای خود حرکت میکند و چون
افطار میکند حلوا بجای خود خورد میکند و بعضی روایات آن بعد از این مذکور می شود انشاء

سیم موز اگر چنانچه شیخ طوسی روایت کرده است که گفت از حضرت امام
محمد باقر عظیمی که رسول خدا افطار می نمود بدو سیاه که آن خرما می بود و آب است **چهارم**
شکر چنانچه شیخ طوسی روایت کرده است که در حدیث وارد شده است که رسول
خدا چنانچه افطار می نمود و اگر شکر یا قند می خورد نیز افطار می نمود و بعضی نیز احادیث دیگر
بعد از این مذکور می شود انشاء الله تعالی **پنجم** شیر چنانچه شیخ طوسی روایت کرده است که در حدیث
از حضرت صادق روایت کرده اند که در کوفت های بسیار از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده اند که در کوفت
امیرالمؤمنین را خوش می آمد دست نموده بود افطار فرمود از شیر **ششم** آب گرم چنانچه
امام با بویه در کتاب معانی الاعمال پسندید از حضرت صادق روایت کرده است که رسول خدا
هم در وقت افطار ابتدا حلوا می خورد و آنرا با نیت شکر می خورد ابتدا می خورد و اگر کسی
نمی تواند با بویه که افطار می خورد و می خورد که آب گرم پاک میکند معدن و جگر را و در همان

نماز

حکامی

نشد

نشد

نشد

خوشبودند نمازها را محکم میکنند و قوت میدهند حد حذر را و بینا شو را زیاد میکنند و کما هان را می بینند
و عروضا را ساکن میکنند و صفای غالب را ذوق میدهند و قطع میکنند بطن را و طفا حرارت معده
میکند و صداع را برطرف میکند و ایضا سینه ها را نیز از آن حضرت منقول است که افطار کردن با
کنا هان در روز می شود و شیخ معین رضوی در کتاب بیفعا از حضرت امام محمد باقر هم روایت کرده است
که آن حضرت شخصی فرمود که بجای افطار کن و اگر آنرا نیاوردی که آب پاک کنده است و از حضرت صادق
هم روایت کرده است که اگر کرم مزه سمی بخورد و بعد از آن چیزی افطار نکند تمام عمر را در
می توانست داشت و این طایفه در کتابها نیز از اجاب با نظاری روایت کرده است که حضرت
امام محمد باقر فرمود که رسول خدا ص و وسایه افطار می فرمود و او می خورد که رسیدم که در سایه
کلام است فرمود که خرباز و آب و روغن و آب است **هفتم** آب سرد چنانچه شیخ معین در کتاب
مغفیه ذکر نموده که در روایتی فرمود شده است که در افطار خوردن آب سرد فضیلت بسیار است
زیرا که کفر را ساکن میکند **هشتم** قانوت چنانچه از حضرت صادق منقول است که
فرمود روزی قنوت غلام حضرت امیرالمؤمنین بر او افطار بخورد آنرا از سر بر آورد که در کتاب
آن قانوت بود پس بر او عرض نمود که با امیرالمؤمنین از جلال است که طعام خود مهر مبین حضرت عیسی
فرمود و گفت در وقت میل نمودم که در شکم من داخل شود طعامی که نه آنم از کتاب هم رسیده است **و نهم**
گوید که از روایات مذکور ظاهر میشود که افطار نمودن بخوبی و حلوا افطار از سایر چیزهاست و تفصیل
خوبتر حلوا یا حلوا از هر چه است که اشکال است چه بعضی از روایات بر او دل و بعضی بر ثانی لایق از
چنانچه بر مثال بوشید نیست و همچنین ظاهر میشود که افطار نمودن بیشتر بی طفلان افطار است از غیر
و بعد از آن آب گرم و شیر و شاید که آب گرم افطار از شیر باشد و بعد از آن آب سرد و قانوت و حلوا
است که اختلاف روایات باعتبار اختلاف احوال مزاج بوده باشد چه هرگاه صفا مثلا بر مزاج
غالب بود که باشد افطار با آب گرم و اولی باشد و اگر صفای غالبی نباشد افطار بیشتر بی طفلان باشد
اگر صفای مزاج نیز در اول افطار بیشتر بی طفلان که ضرری بر آن مرتبه نشود ابتدا از نمایند و بعد از
آن آب گرم را بیاشامد شاید بهتر باشد و الله تعالی اعلم **نهم** ما که در وقت افطار
نماز عظیم دارد چنانچه از حضرت امام رضا منقول است که هر که در وقت افطار این کرده تا از حضرت
گفته و بکنی حق نماز کنا هان را و ایضا فرمود و ثواب یک سینه آنرا کردن از فرزندان اسمعیل در آن
علی روایت شده است و از حضرت امام زین العابدین منقول است که روزی که آن حضرت در روز میل شد
مقرر می نمود که سینه های او در یک سینه چسبند و چون شام می شد روی مبارک را بر آن روایت میکنند
و از روی آن قوت می یافت پس کاسه های بسیار سطلید و میفرمود که یک سینه برای آن طفلان و آن طفلان
را کثرت برقرار و سلسله ای که می فرمود و خود ندان و خرماسطلبه و آن افطار می فرمود و بدانکه در

باب افطار کن

در شیخ

نماز

باب افطار فرموده و همین احوال بسیار وارد شده است و در سفر و مجامع از این باب است **الف**
مذکور خواهد شد **سفر** در میان او عیبه افطار و آنرا چند دعاست **اول** سید مرتضی
طایفه در کتاب **اجاب** از حضرت صادق منقول است که روایت کرده است که رسول خدا ص حضرت امیر
المؤمنین فرمود که ای بابا الحسن اینک ماه مبارک رمضان زود کرده است پس بیشتر از افطار این دعا را
خوان که این دعا را هر که بخواند بر او نازل شود که گفت ای محمد هر که در ماه مبارک رمضان پیش از آنکه افطار
کند این دعا را بخواند حق تعالی او را مستجاب کند و روز و نماز او را قبول کند و ده دعا
طایفه در کتاب **مقرون** نماز و کلاه از امیرالمؤمنین فرموده و مشتمل بر اینهاست که اول دعا
اورا بر آورد و او را بمطوب و او برساند و عمل او را با اعمال پیغمبران و صدیقان بالا برد و در روز قیامت
سایه دهد و در روز قیامت از او پناهگاه باشد **اللهم رب التوراة العظیم و**
الانجیل و رب السموات و الارض و رب العرش العظیم
و رب الکونین و رب الاربع و رب البحر المسجور و رب الشفع الکبیر و التوراة
العزیز و رب التوراة و الانجیل و الربور و الفرقان العظیم أنت الله
من فی السموات و من فی الارض لا اله فیهما غیرک و أنت جبار من
فی السموات و جبار من فی الارض لا جبار فیها غیرک و أنت مالک
من فی السموات و مالک من فی الارض لا مالک فیهما غیرک استسک اسمک
الکبیر و نور وجهک المنیر و یملکک القدر یأخی یا قیوم یا حی یا قیوم
یا حی یا قیوم استسک اسمک الذي لا یشرک به کل شیء و باسمک الذي لا یشرک
به السموات و الارض و باسمک الذي صلح به الاولون و به یصلح الاخر و
یا حی قبل کل شیء و یا حی بعد کل شیء یا حی لا اله الا انت صلح حیا و

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَغُفِرَ لِي فِي نَوْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِ بَيْتِهِ قَرَجًا قَبِيلاً وَبَيْتِهِ
عَلَى بِنِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى هَدْيِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاجْعَلْ عَلَيَّ فِي الْمَرْفُوعِ الْمُنْقَبَلِ وَهَبْ
لِي كَمَا وَهَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَسَوْكِلٌ
عَلَيْكَ مُنِيكَ إِلَيْكَ مَعَ مَصِيرِي إِلَيْكَ وَتَجَمُّعِي لِي لِأَهْلِي وَعُوْدِي
الْخَيْرِ كَلِمَةَ أَنْتَ الْحَمْدُ الْمَثَانُ بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ تُعْطِي الْجَنَّةَ
مَنْ تَشَاءُ وَتَصْرِفُهُ عَمَّنْ تَشَاءُ فَأَمُنْ عَلَيْكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

والدعاء

دُورِي ايضاً سيد در كتاب مذکور از حضرت امام زين العابدين روايت كرده است كه هر كه
سوره انا انزلناه را نزد افطار و نوزد بخورد بخير است از براي او سايبين شام و صبح ثوابي باشد
ثوابي كه در خون خود غلطيده باشد در راه **سِيم** ايضاً سيد در كتاب مذکور گفته
كه در بعضي از كتاب اصحاب ما يا فتيما اين چه بيش را كه از حضرت رسالت تم منقول است كه صبيحه
نيست كه روزه بدارد و در نوزد افطار اين دعا را بخواند مگر آنكه بيرون نبرد و از كسانها نشناسد
روزي كه از ماد مرسله يا عظيم يا عظيم انت الهى لا اله الا انت اغفر لي
شده باشد و دعا ايست

انت الهى لا اله الا انت

الذنب العظيم راتة لا يعفرك الذنب العظيم الا العظيم **جهار**
ايضاً سيد
در كتاب مذکور است خود از حضرت صادق روايت كردن بزرگوارش عليهم السلام روايت نموده است
كه رسول خدا هم هرگاه **اللهم لك صمنا و على رزقك افطنا فمقتله صمنا**
افطار زيبود اين دعا بخواند
دهيا لظما و ابتلت العروق و بقي الاخر ايضاً سيد در كتاب مذکور
است خود از آن حضرت روايت كرده است

كه رسول خدا هم با نوبصه فرمود كه هر روزى از طاه مبارك رمضان را كه روزه دارى زود افطار را بگو
**الحمد لله الذى اطاننا فمضنا و رزقنا فافطنا اللهم فمقتله صمنا و اعنا
عليه و سلمنا فيه و سلمه ميتا في رزقك و عافية الحمد لله الذى**

قضى عني يوماً من شهر رمضان ايضاً سيد در كتاب مذکور از حضرت امام كاظم
صلوات الله عليهم روايت كرده است كه چون روزه ناسخه شام
شود نود **اللهم لك صمت و على رزقك افطرت و عليك توكلت كذبتك
افطار كنو**
براي تو شوايه كه اين نوزد روزه داشته باشه **هم** ايضاً سيد در كتاب مذکور از حضرت امام

هرگاه خان طعام را نوزد از حضرت سكه داشته باشه روايت كرده است كه حضرت ابي عبد الله عليه السلام
مى فرمود اين دعا را بخواند **اللهم لك صمنا و على رزقك افطنا فمقتله صمنا انك انت السميع العليم**

ششم ايضاً سيد در كتاب مذکور است خود از حضرت امام محمد باقر روايت كردن بزرگوارش از حضرت
مقدار شام حضرت امام حسن صلوات الله عليهم اجمعين روايت كرده است كه از براي هر صائمي نوزد
افطار بخورد عايشه هر چه بخورد **بسم الله يا واسع المغفرة اغفر لي** هر چه كه در روز و
نهار اوله كه خواهى نياورد نماز كن
بسم الله الرحمن الرحيم يا واسع المغفرة اغفر لي هر چه كه در روز و نهار اوله نماز كن
شهم ايضاً سيد در كتاب مذکور از حضرت رسالت روايت نموده است كه آن حضرت هرگاه بعضي از فقرا را
بينه بود اين دعا **اللهم لك الحمد اطعمت و سقيت و اذويت فلك الحمد
را بجزانند**

غير مكفوره و لا مؤدع و لا مستعنى عنك **دهم** ايضاً سيد در كتاب مذکور است
انچه عليه السلام روايت كرده است كه نوزد افطار
طعام اين دعا **الحمد لله الذى اطعمنا فاشبعني و اسقاني فادري و صانني و رحمتنا
وا بجزانند**
**الحمد لله الذى رحمني بالبركة و ايمن على اصبته و تركته من الله اللهم انا
هنيئاً حزيناً لا ريباً ولا روىاً و ابقتي بعدة سويافاً ما بكرك فحافظنا على**

طَاعَتِكَ وَأَوْفَى نَفْسِي بِكَ وَأَوْفَى عَيْشِي فَأَرَادَ الْجَعْلَ بِلِقَائِي

فِي الْمَعَادِ مُتَّبِعًا سَائِرَ أَوْلِيَاءِ رَحْمَتِكَ **مَوْلَت** كَوَيْدِكَ وَرَوَايَاتِ آخِرِ كَرَمِ مَطْلُوقِ أَكْلِهِ

و خصوصاً فطاریت مذکور نیست لیکن از ظاهر عبارت در غایت اختصاص آن با فطار ظاهر میشود و بدانکه سبب رکاب مذکور کسب کلمه فطاریت است و سبب هضم فطاریت میکند که آنها بعد از افطار خوانده شود و کویا از لفظ لک ضمتا و اشالان اول لفظی که بصفتی ماضی در چهارم ظاهر شده و دلالت بر آن فطاریت روز و افطار و اکل و شرب میکند این چنین است بنا بر مذهب و بجا آن حقیر سبب کسب این ادعیه نیز قبل از افطار باید خوانده شود و الفاظ مذکور در کتاب برناخرا آنها از وقت افطار نمیکند چه لفظ صمتا و اشالان بر افطار و زمان صوم دلالت میکند بر انقضای افطار و لفظ افطار و اشالان آن محمول بر چهارم شارب است و چون فطاریت بسیار نزدیک شده است فرموده است که بروزی تو افطار نمودیم و قشکی رفت و کجا تر شد اجزای قیامت و باقی فقرات دال بر محقق افطار نیز بر این معنی محمول است و چگونه چنین باشد و حال آنکه در روایت اول از این چهارم ظاهر بود که چون حضرت رسول هم افطار میفرمود این دعا را میخواند و در روایت دوم و سیم فرموده کرد و نیز در افطار این دعا را بخوان و این عبارت ظاهر در آنست که این ادعیه قبل از افطار متصل با فطار خوانده شود و روایت آخر در این معنی ظاهر است چه در آن مذکور است که چون خوان طعام را میکند آن حضرت بدو از او میفرستد و این دعا را میخواند و این معنی مقتضی آنست که آن حضرت قبل از افطار متصل با این دعا را میخواند است و مؤید اینست آنکه در روایت آخر از شیخ طوسی است که از حضرت صادق از پدر بزرگوار علیها السلام روایت کرده است که قنبر از او کرد که حضرتش را میفرستد آنسانی که فطاریت را بخواند برای افطار آنحضرت آورد پس چون حضرت اراده فرمود که از آن تناول نماید این دعا را خواند و دعا را بخواند که فرموده و در خیر بصیرت پیشه است که لفظ این روایت صحیح است را بکار این دعا باید فطاریت متصل با آن خوانده شود و تحقیق این مقام آنست که الفاظ روایات ادعیه افطار مختلف است در صورتیکه مذکور است که قبل از افطار خوانده شود مانند دعا اول از ادعیه افطار بر آن باید که البته قبل از هر ادعیه خوانده شود و اگر فطاریت فاصله واقع شود ضرورت ندارد و در بعضی آمده که نزد افطار وقت افطار خوانده شود و مانند این چهارم دعا و دعا اولی از آنها و این قسم باید متصل با فطاریت آن خوانده شود و فاصله هر چه واقع نشود لیکن اگر دعا یکی بعد از آن خوانده شود مخصوصاً هرگاه کوهت نباشد ضرورت ندارد و در دعا هشتم آمده که چون لغز اول را خوانی شاول تا می این دعا را بخوان پس باید این دعا بعد از هر ادعیه خوانده شود و فاصله اصلاح واقع نشود و اما دعا نهم

پیرمردان خوردن لغز دعا ای آخر بعد از فراغ از مجموع طعام باید خوانده شود چنانچه در روایت آنها صحیحاً مذکور است و الله تعالی بعلم **متمم** بدانکه آداب و ادعیه بسیار برای مطلق چیزی خوردن در روایات و اخبار وارد شده است چنانچه کثیر آنها در کتاب حلیه المنقین تألیف حیدر علامه امام مولانا محمد باقر مجلسی قدس سره و در حرم مذکور است و سید بن طاووس در این موضع از کتاب اقبال نیز بعضی از آنها را ذکر نموده و آنها را که چه مخصوص افطار نیست لیکن ماه مبارک رمضان چون بمنید فضیلت مناز است و مراعات آداب حسنه و اعمال شایسته در آن توالتش زیاده از سایر ماههاست و مانیز در این معام آنچه را سید ذکر نموده ذکر مینمایم سید سید خود از حضرت امام حسن مجتبی علیه روایت کرده است که در میانید و در او زده حضرت است که هر مسلمانی واجب است که آنها را بعد از چهار روز از آنها واجب است و چهار روزه است اما آن چهار واجب است که این است که این طعام از تجلیل است و راضی بودن نسبت حق تعالی و گفتن بسم الله و شکر حق تعالی بر آنست و آن چهار روزه است و صنوسا ختن قبل از اکل و نشستن بر جالس چپ و چیزی خوردن لبه انگشت و پاک کردن انگشتان بدانها است و اما چهار روزه است پس چیزی خوردن از پیش خود و کوچک برداشتن لغز و سیکو خاکی آن و کوفت کردن بر روی هلد مجلس است و اینها بعد خود از یکی از ائمه علیهم السلام روایت کرده است که نزد شاول طعام این دعا بخوان **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَلَا يَطْعَمُ وَ يَجْعَلُ وَلَا يَجْعَلُ عَلَيْهِ وَ كَيْتَعْنِي وَ**
يُقْتَرُّ لِيهِ آلَ اللَّهِ لَكَ الْحَمْدُ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الطَّعَامِ وَالْإِدَامِ فِي
لَيْلِي وَ غَايَةِ مِنْ غَيْرِ كَدِّ مِي وَ مَشَقَّةِ لَيْسَ اللَّهُ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ
لِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ لِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ
شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ اسْعِدْ فِي مَنْ
مَطْعَمِي هَذَا بِحَبْرِهِ وَ اعْزِدْ فِي مَنْ شَرِبَهُ وَ آمْنَعْنِي بِسَفْعِهِ وَ سَلِّمْ فِي مَنْ صَرَبَهُ
و بدانکه سید برای شاول نمودن طعام دعا میخواند تا بقیه نموده و در کتاب اقبال ذکر کرده

طعام و ادعیه

و چون ادعیه متفق له درین باب بسیار است ما آنرا مذکور نساخیم **حضرت عجمی** در بیان
ثواب افطار فرمودن روزه در آن کلیتی و این باب بوی و شیخ طوسی قدس سره گفته اند که هر چه در بیکران
سید های بسیار روایت کرده اند که رسول خدا ص فرمود که هر که افطار فرماید در ماه مبارک
رمضان مؤمن روزه داری برای او نزد حق تعالی باشد ثواب آن از آن کردن سبزه و آرزوی گناه
گذشته او پس شخصی عرض نمود که یا رسول الله هر ما بر آن فاد و نیستیم فرمود که حق تعالی که بر
و این ثواب را عطا میفرماید بکسی که فاد رسناشد مگر بر چنانند اندک شیری که بآن صناعی را
افطار فرماید یا شیری از آب شیرین یا چند دانه خرما که هر گاه فاد در زیاده از آن نباشد و در
حدیث دیگر وارد شده که هر که در ماه مبارک رمضان بخورد و روزه داری و نا میبرد حق
تعالی از حوض کوثر شربت آبی با وی شاماند که بعد از آن تشنه نشود تا داخل بهشت شود و مانند
کسی باشد که سبزه آزاد کرده نباشد و کلینی و ابن بابویه و شیخ مفید و شیخ طوسی رضوان الله علیهم
و دیگران و ایضا از حضرت امام جعفر صادق (ع) از پدر بزرگوارش صلوات الله علیه روایت کرده اند
که آنحضرت سید فرمود که آیا میدانی چه شنبه است این شنبه است بلغی فدای تو باد پدرم این شنبه ایست
مبارک رمضان است پس در آن ماه چه باید کرد که آیا میتوانی در هر شب از شنبه های این ماه دیده
از فرزندان اسمعیل آزاد کنی گفت پدر و مادرم فدای تو باد ما این بآن وفا نمیکند پس آنحضرت
که میگوید تا باین سبزه رسد و در هر شب سدر میگفت که فاد نیستیم پس حضرت فرمود که
آیا فاد نیستی که افطار فرمائی هر شب مرد مسلمان را عرض نمود که بل می توانم و برده کنی ز فاد
فرمود که من ترا بآن امر میگویم ای سدید افطار فرمودن تو برادر مسلم را برابر میگردانی آزاد
کردن سبزه از فرزندان اسمعیل و شیخ مفید و ابن بابویه از حضرت صادق روایت
نموده اند که ثواب افطار فرمودن برادر مؤمن و خوشحال ساختن او عظیم تر است از ثواب
توبه فرمودن که حضرت امام محمد باقر هم میفرمود که هر سبزه مؤمنی که افطار فرماید مؤمن دیگر را
در ماه مبارک رمضان حق تعالی بسبب این بوسید برای او ثواب کسی را که سبزه آزاد کرده
باشد و کسی که در نماز این ماه هر شبی مؤمنی را افطار فرماید بوسید حق تعالی برای او ثواب
کسی را که سبزه آزاد کرده باشد و این سبب برای او یکدغای مستحباب باشد و کلینی و شیخ
طوسی روایت کرده اند که از حضرت امام موسی کاظم (ع) روایت کرده اند که افطار فرمودن برادر مؤمن
روزه دار افضل است از آنکه خود روزه داری و شیخ طوسی بر سبب خود از حضرت صادق روایت
کرده است که حضرت رسالت فرمود که هر که افطار فرماید روزه داری را برای او مانند ثواب
آن صا بر باشد یعنی آنکه ثواب او چیزی که شود و ثواب اعمال چیزی بسبب قوت آن طعام کند
برای او نیز باشد و ابن بابویه از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت کرده است که افطار فرمودن

مرد مؤمنی را در خانه خود بخورد یا از او کمترین از آنکه از او کمترین و چنین بنده از فرزندان
اسمعیل و ایضا از حضرت صادق روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود که هر که افطار فرماید
نعم فرمود که یا علی برای مؤمن در دنیا سرفراز و شاد و در آخرت ملاقات نمودن برادران مؤمن
و افطار فرمودن روزه داران و مشغول اتحاد بودن در آخرت و الله تعالی هو الموفق
باب چهارم در بیان اعمال شبها و روزه های این ماه است **شب اول** این شب
در نهایت برکت و فضیلت و در روایت معتبری وارد شده است که حضرت ابراهیم (ع) در این شب ناله
شد و هم ناله گفت که در اوایل این شب شروع می شود قرآن مجید بشود چنانچه در احکام ثلاثه
قرآن مذکور شد و اعمال این شب چند چیز است **اول** معارف نمودن با زنان ابن بابویه
در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امیر المؤمنین (ع) روایت کرده است که مستحب است برای مرد
که در شب اول ماه رمضان یا اهل خود معارف نماید **مؤلف** گوید که سید نیز این روایت را
در اقبال نقل نموده و گفته است که حکمت درین باب ممکن است که این باشد که در اول ماه قوت
شبهه ای میگیرد شود و خلوص نیست کامل شود تا از نیروی فراق با او متوجه طاعات و عبادت شود
شد یا از راه آن باشد که در صد را سلام معارف نماید تا در روز و شب نماز رمضان هر دو کاملاً
بود و بعد از چند عکس بدین منوال بود حق تعالی از هر دو لطف و رحمت با تو است معارف نمودن
شبهه های این ماه را حلال کرد آید و حق تعالی دوست میدارد که سبب کان میا درت و تعجب نماید
در چیزی چند که حق تعالی حضرت در آنهاد آده چنانچه دوست میدارد و مبارک در او چنانچه
تعداد در شب اول این معنی مستحب کردید با از راه آنکه این شب چون شب شریف است در معارف
با زنان از سنن رسول خدا ص است پس بهتر است که احبای است آنحضرت در این شب شریف
واقع شود و شیخ نایب که وجه آخر بسیار عقیده است و وجه اول محتمل است و وجه وسط اقرب است
و الله تعالی تعالی **در معارف نمودن چنانچه** سید بن طاووس در کتاب اقبال از حضرت صادق
روایت کرده است که فرمود غسل مستحب است در شب اول و شب نهم ماه رمضان و ایضا سید
در کتاب اقبال گفته که در بدم در کتابی که کما من مالیک حبی بن احمد قتیبه است حدیثی منقول
از حضرت صادق ص فرمود که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نماز و سوره آتین
بزرگ پاک شود یعنی با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آید و ایضا گفته که در بدم
هان کسار کند گوشت را و باقی از حضرت صادق ص فرمود که هر که خواهد از حاکم و خارش بدن محفوظ باشد
در شب اول این ماه غسل کند تا آنکه تا ماه رمضان آید این که در آن و ایضا سید در کتاب
مذکور نقل نموده که در حدیث وارد شده که در هر شب از شبهای طهارت ماه رمضان غسل مستحب
و در بعضی از آنها بخصوص غسل وارد شده چنانچه درین شب نکند و در موضع هر یک از این

اعمال شریفانه است
مختصان

انضباط طهارت در شب اول
و بیان معنی شبها

انضباط طهارت در شب اول

در کتاب اقبال
در معنی شبها

مذکور پیش و انشاء الله و در حدیثهای غریب نیز غسل شقیات و روایت آن در
 بیست و یکم مذکور است و در شبهای طاق این دهر نیز غسل سنت مؤکد است چنانچه در دعای
 طاب ثراء در ذریعۃ النجاح نقل نموده و در بعضی از آنها بخصوص ناگفته شده است و انشاء
 اشاره بآن خواهد شد و حدیث علامه فخر الله روحه در زاد المعاد ذکر نموده که در روایت
 وارد شده که در جمیع اینها در هر شب غسل مستحب است **مؤلف** گوید که سیر در کتاب مذکور
 است که وقت این غسل اول شب است یا قبل از نماز مغرب چنانچه در روایت دیگر وارد شده
 یا میان نماز مغرب و عشاء چنانچه در روایت دیگر وارد شده و کافی است این غسل برای تمام شب
 و شیخ معتدله در کتاب صلا و الشعیه گفته است که بعد از غروب آفتاب روز پیش باید بر غسل
 کرده شود **سیم** شیخ شهید در کتاب ربیعین از رسول خدا نقل کرده است که هر که
 در شب چهار رکعت نماز کند هر دو رکعت سبکیلام در هر رکعتی حمد یکسوت و سوره فراهو الله
 احد یا زده نوبت حق تعالی ثواب صیغۃ یفان و سه تباران را با عطا فرماید و کتباها را با ایام
 در روز قیامت از قافران شود **مؤلف** گوید که این حدیث حدیث طویل است مثل هر بیسی نماز
 برای هر شب نمازی و کفعمی در حبه الامان نیز تمام این حدیث را نقل نموده و در بعضی از مواضع
 سه نوبت نقل نموده است و ما اشاره بمواضع سهوا و سنایم از آنجمله در این موضع کفعمی سه نوبت
 هو الله احد یا ربیب و پنج نوبت نقل نموده و این سهواست چنانچه از مجموع کتب اربعین ظاهر
 و از غریب است که در حواشی حبه الامان از رسول خدا روایت نموده که هر که در شب اول ماه
 رمضان چهار رکعت نماز کند هر دو رکعت سبکیلام در هر رکعتی حمد یکسوت و سوره فراهو الله احد
 یا زده نوبت ثواب آنرا احتساب کند که در حق تعالی و محققان آنرا که این همان نماز است که در اربعین مذکور
 است ولیکن کفعمی چون سوره توحید یا سبب و پنج نوبت پیدا شده این نماز را معیار آن نماز دانسته
 ثانیاً نقل نموده است **چهارم** سید بن طاووس در کتاب اقبال سید خود از امام زاده **عظیم**
 روایت کرده است که گفت در شبی که هلال ماه مبارک رمضان را دیدیم با حضرت امام محمد تقی
 نماز کردیم و چون آنحضرت از نماز فارغ شد و نیت روزه کرده دستهای مبارک را بلند کرد و این دعا را خواند
اللهم یا من مملک التدبیر و هو علی کل شیء قدير یا من یحکم
خائفة الاعین و ما تخفی الصدور و تخفی الضمیر و هو اللطیف
الخبیر اللهم اجعلنا ممن نومی فعمیل و لا تجعلنا ممن سقی و کسل

تسبیح شریف

و لا من هو علی غیر عمده کل اللهم صحیح اذننا من العیال و اعنا
 علی ما افترضت علینا من العمل حتی ینقضی عتاسهک هذا وقد
ادینا **اللهم اعنا علی صیامه و وقفتنا**
لیقیامه **اللهم اعنا علی صیامه و وقفتنا**
ایشاء الکره اللهم لا تسلط علینا و صبا و لا تعب و لا اسقام
و لا عطا اللهم ارزقنا الافطار من رزقک الحلال اللهم
سهل لنا ما قسمته من رزقک و یسر ما قدرته من امرک و
اجعله حلالا طیباً نفیاً من الاثم و خالصاً من الاضرار و الاخر
اللهم لا تطعمنا الا طیباً نجیماً ما حیث و لا حرام و اجعل
رزقک لنا حلالاً طیباً و لا یرد نسک و لا اسقام یا من علیه بالیسر
کعلیه بالاعلان یا مفضلاً علی عیاده بالاحسان یا من هو علی کل
شیء قدير و یحکم کل شیء علیهم خیر اللهم اذکرک و جبتنا عندک
و ائنا ینسک و اهدنا للرشاد و وفقنا للتدار و اعصمنا من
البلیا و صناعین الاوزار و الخطایا یا من لا یغفر عظیم الذنوب

و لا من هو علی غیر

غِيْرُهُ وَلَا يَكْتِفُ الشَّوْءَ إِلَّا هُوَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِيْنَ
 صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِيْ عَلَيْهِ الطَّيِّبِيْنَ وَاجْعَلْ صِيَامَنَا مَقْبُوْلًا وَ
 يَا بُرِّ وَالْمَعْقُوْلَ مَوْصُوْلًا وَكَذَلِكَ فَاجْعَلْ سَعِيْنَا مَشْكُوْرًا وَيَا مَنَّا
 مَبْرُوْرًا وَفِرَاثَنَا مَرْفُوْعًا وَدُعَاءَنَا مَسْمُوْعًا وَاهْدِنَا لِلْحَسَنِ وَجَنِّبْنَا
 لِلْعُسْرِ وَيَسِّرْنَا لِلْيُسْرِ وَأَعْلِنَا الدَّرَجَاتِ وَضَاعِفْنَا الْحَسَنَاتِ
 وَاقْبَلْنَا الصُّومَ وَالصَّلَاةَ وَاسْمَعْ مِنَّا الدَّعْوَاتِ وَاغْفِرْ لَنَا
 الْمُخْطِيَاتِ وَتَجَاوَزْ عَنَّا السَّيِّئَاتِ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِيْنَ الْفَائِزِيْنَ
 وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّيْنَ حَتَّى يَنْقُضِيَ شَهْرُ رَمَضَانَ
 عَنَّا وَقَدْ قَبِلْتَ فِيهِ صِيَامَنَا وَقِيَامَنَا وَرَكَّعْتَ فِيهِ أَعْمَالََنَا
 وَعَقَّرْتَ فِيهِ ذُنُوْبَنَا وَأَجْرَكَ فِيهِ مِنْ كُلِّ جَبْرٍ بَصِيْبًا فَإِنَّكَ الْإِلَٰهَ
 الْحَبِيْبُ وَالرَّبُّ الرَّحِيْمُ وَأَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّخِيْطٌ **وَأَنَّ كَوَيْدَكَ عَمَلَانَا**
 أَنْخَضَتْ أَيْزِدَ عَارًا بَعْدَ إِسَاءَةٍ
 نَمَارِ شَامٍ فِيهَا صَلَاحٌ خَوَانِدُهُ بَعْدَ تَقِيْبَاتِهَا وَنَوَافِرُ خَوَانِدُهُ نَاشِدٌ وَشَايِدَا حَمَالٍ
 نَانِي طَهْرًا بِأَشَدِّ **بَخْبَرِ** شَيْخِ طَوْسِيٍّ وَبِرْطَابِ ثَوَاهِدِ كِتَابِ صَبَاحِ وَأَقْبَالِ لَيْسِيٍّ
 أَنْخَضَتْ طَامِ جَفْرُ حَمَادٍ وَفَقْدَرُوا لَيْسِيٍّ إِذْ **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي**
 كَدَّ أَنْخَضَتْ وَرَشَا وَأَمَاهُ رَمَضَانَ مِنْ عَارًا بِخَيْرٍ
 أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْقُرْآنِ

هذا الشهر المبارك
 الذي انزل فيه القرآن
 وجعلته هدى للناس
 وبيِّنات من الهدى
 والقرآن

فَعَدَّ حَصْرَ تَسْلِيْمَانِيَّةٍ وَسَلِمَةً لَنَا وَتَسْلِمَةً مِنَّا فِي بُرِّهِ مِنْكَ وَعَافِيَةً يَا
 مَن آخَذَ الْعَقِيْدَ وَشَكَرَهُ وَتَحَمَّلَ الْكَيْثَ وَعَقْرَهُ اغْفِرْ لِي الْكَثِيْرَ مِنْ
 مَعْصِيَتِكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْعَيْسِيْرَ مِنْ ظَاعِنِكَ **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ**
أَنْ تَجْعَلَ لِي إِلَى كُلِّ جَبْرٍ سَبِيْلًا وَمِنْ كُلِّ مَا لَا يَحْتَبُ مَا نَعَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
 يَا مَنْ عَفَى عَنِّي وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ يَا مَنْ لَا يُؤْخِذُنِي
 بِإِتِّكَابِ الْمُعَاصِي عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيْمُ الْهَيْ وَعَظِيْمِي فَاذْ تَعَطَّ
 وَرَجَوْتَنِي عَنِ الْمُعَاصِي فَكَلِمَةُ أَنْزَجِرْ مَا عُدْرِي فَاغْفِرْ عَنِّي يَا كَرِيْمُ
عَنْ نَحَارِ مَلِكِكَ
 عَفْوَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ
 عِنْدَ الْحِسَابِ عَظْمَ الذَّنْبِ مِنْ عِنْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ
 يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي عِنْدَكَ
 وَأَبْنُ عِنْدِكَ ابْنُ أَمْنِكَ ضَعِيْفٌ فَتَقِيْرُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ مُنْزِلُ
 الْعِيْنِ وَالْبَرَكَاتِ عَلَى الْعِبَادِ قَاهِرٌ فَادِرٌ مُّقَدِّرٌ أَحْصَيْتَ أَعْمَالَهُمْ
 وَتَسَمَّتَ أَرْزَاقَهُمْ وَجَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً السِّنِّيْنُ وَالْوَأَانُ هُمْ خَلْقًا مِنْ
 تَعْبَرُ خَلْقٍ لَا يَتَعَلَّمُ الْعِبَادُ عَلَيْكَ وَلَا يَتَقَدَّرُ الْعِبَادُ قَدْرَكَ وَكُلُّنَا فَتَقِيْرُ

إلى رحمتك فلا تصرف عني وجهك واجعلني من مناجي خلقك في العلة الأمل
والقضاء والقدر اللهم أبقني خير البقاء وأقني خير الفناء على
مولاة أوليائك ومعاذة أعدائك والرغبة إليك والرغبة
منك والخشوع والوقار والتسليم لك والتصديق بكاتبك والتباعد
سنة نبيك صلواتك عليه وإليه اللهم ما كان في قلبه من شك أو
ريب أو حقد أو غم أو قسوة أو مرج أو بدخ أو بطر أو فخر أو حيلة
أو رياء أو سمعة أو شفا في أو بغا في أو كفر أو فسوق أو عيبان
أو عظمة أو شيء لا تحب فاستألك يارب أن تسد لي مكانة إيمانك
بوعديك ووفاء بعهدك ورضا بقضائك وترهاني الدنيا ورغبة فيما
عندك استألك ذلك يارب ميمتك ورحمتك يا أرحم الراحمين
ويا رب العالمين إلهي أنت من حليتي تغضي فكانت كرهة من كرهك و
جودك تطاع فكانت كرهة من كرهت تعصيت فكانت كرهة من كرهت
فكن علينا بأفضل جواد وأيا خير عواد يا أرحم الراحمين وصل
على محمد صلوة دأمة لا تحصى ولا تعد ولا يقدر قدرها غيرك يا أرحم

الهي

رسولك

والشركة وطائفة بينة وتو بتصورها

يعني

الراحمين

الراحمين ششم كلنر كدر كتابك في وسيد طار شراه در كتابنا ان حضرت صادق
عليه السلام روايت كرده اند كه چون شب اول ماه رمضان داخل شود اين دعا را بخوان
اللهم كتب شهر رمضان مستزلا العشر فان هذا شهر رمضان الذي
انزلت فيه القرآن وانزلت فيه آيات بينات من الهدى والفرقان
اللهم امرنا صيامه واعتنا على قيامه اللهم سلمه لنا وسكننا
منه وسكنه منا في شهرنا منك وغايبه ومغافلك واجعل
فيما تقضى وتقدر من الامر المحمور وفيما تفرون من الامر المحمور
لبنة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يسأل ان تكفني من حجاج
بينك الحرام المبرور وجههم المشكور سعيتهم المغفور ذنوبهم المكفر
عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضى وتقدر ان تطيد عمري وتوسع علي
من الرزق المحلال همهم ايضا سيد در كتاب اقبال ان حضرت رسالتهم روايت
كرده است كه حضرت در شب اول ماه مبارك رمضان اين دعا بخوانند
الحمد لله الذي اكرمنا بك ايها الشهر المبارك اللهم فقونا
على صيامنا وقيامنا وثبت اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين
اللهم انت الواحد فلا ولد لك وانت الصمد فلا شبه لك وانت
العزير فلا يعينك شيء وانت العزيز وانا الفقير وانت المولى

دعاي که در ماه مبارك رمضان

القرآن

وجعل فيه بينات

تقدر

والقضاء المنير الذي

تقوى عنك

لي

المولى

وَإِنَّا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الْمَذْنُوبُ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنَا الْخَطِيئُ
وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ أَسْأَلُكَ بِحَبْلِ
أَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجَاوِزَ عَنِّي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
مسلم أيضا سيد دركشايفه كفته كه اللهم اني اسالك سؤالا المنكبين
در بعضى از كتب دعوات اين دعا را يا فتيمه
الْمُسْتَكْبِينَ وَأَسْتَعِي لِيكَ ابْتِغَاءَ الْبَائِلِ الْعَقِيمِ وَأَتَضَرَّعُ لِيكَ
تَضَرُّعَ الضَّعِيفِ الضَّرِيرِ وَأَسْتَهْلِلُ لِيكَ ابْتِهَالَ الْمَذْنُوبِ لِلذَّلِيلِ
الضَّعِيفِ وَأَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ مَنْ خَضَعَتْ لَكَ نَفْسُهُ وَذَكَتْ لَكَ قُرْبَتُهُ
وَرَعِمَ لَكَ أَنْفُهُ وَعَمَّرَكَ وَجْهَهُ وَسَقَطَتْ لَكَ نَاصِيَتُهُ وَهَلَكَ
لَكَ دُمُوعُهُ وَأَصْحَلَتْ عَنْهُ حِيلَتُهُ وَأَفْطَعَتْ حُجَّتُهُ وَصَعَقَتْ
عَنْهُ قُوَّتُهُ وَأَشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَعَظَمَتْ تَدَامَتُهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَإِلَى مُحَمَّدٍ وَارْحَمِ الْمُضْطَرَّ إِلَيْكَ الْمُحْتَاجِ إِلَى رَحْمَتِكَ بِحَقِّكَ
الْعَظِيمِ يَا عَظِيمِ يَا عَظِيمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَى مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ
لِي وَلِإِلَادَتِي وَارْحَمِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَأَعْطِنِي فِي
مَجْلِسِي هَذَا فَكَلِمَاتٌ رَقِيبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَالِلِ

تلاوت
کتاب

أَمْضِيَّةَ أَعْطِنِي مِنْ خَزَائِنِكَ وَبَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَمَالِي وَجَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي
وَارْزُقْنِي الْحَيَّ وَالْعُمَرَ فِي عَامِي هَذَا بِأَوْسَعِ السَّعَةِ وَأَسْبَغِ النَّفْقَةَ
وَاجْعَلْ ذَلِكَ مَبْرُورًا مَقْبُولًا خَالِصًا لِي وَجْهَكَ الْكَرِيمِ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ
ثُمَّ ارْزُقْنِي الْحَيَّ وَالْعُمَرَ فِي كُلِّ عَامٍ مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَدْرِمْ عَلَيَّ مِنْ
رِزْقِكَ الْحَالِلِ لِي سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ وَزِيَادَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَتَمَامًا مِنْ نِعْمَتِكَ
وَكَمَالًا مِنْ مُعَانَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ الْكَفِينِ مَوْنَةَ نَفْسِي
وَأَهْلِي وَعِيَالِي وَمَوْنَةَ مَنْ يُؤْذِينِي وَتُجَارِي وَغُرْمَائِي وَجَمِيعِ مَا أَخَاطِدُ
وَأَكْفِينِي مَوْنَةَ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ وَالْكَفِينِ شَرَّ سَعَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
وَشَرَّ سَعَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَشَرَّ الصَّوَاعِقِ وَالْبَرَدِ وَشَرِّ كُلِّ
ذَاتِ أَنْتَ أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ
يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَى مُحَمَّدٍ وَهَبْ لِي حَقِّكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَى
مُحَمَّدٍ وَهَبْ لِي حَقِّكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَى مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لِي فِيهَا أَيْتِي وَ
هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَصَلَّى عَلَى أَهْلِ

بَيْتِهِ وَسَلَّمَ **هم** كفته كه در كتابخانه الامان كفته كه در هر روز و شب اول آيه ايزد عارا
بايد خواند و دعاي **هم** شده آغلب حاجتي كه از جمله دعاهاي هر روز و شب

المفضل

مذکور شد نقل نموده است **در سید بن طاووس** از کتاب بلغة المقیم وزاد المصابر من معالم الدین که
 نالینا بو عبد الله صفوانی است نقل نموده که رسول خدا تم این دعا در شب اول ماه رجب
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ فَلَا وَكَذَلِكَ وَأَنْتَ الصَّمَدُ فَلَا شِبْهَ لَكَ وَأَنْتَ
الْعَزِيزُ فَلَا أَعَزَّ مِنْكَ وَأَنْتَ الْعَفْوُ فَلَا شِبْهَ لَكَ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنَا
الْخَطِيءُ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ أَسْأَلُكَ
بِرَحْمَتِكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَعْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَتَجَاوَزَ عَنِّي

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **مؤلف** گوید که این حدیث حدیث طویل است مشهور بر سی عبارتی
 شیخ و غای مخصوصی چنانچه هر یک در محل خود مذکور خواهد شد
 و سید بن طاووس در بعضی از شبها این دعا را قیامت ذکر نموده است چنانچه اشاره بآن نیز می
 یازد **همه** زیارت حضرت امام حسین **سید بن طاووس** در کتاب اقبال بسند خود از حضرت
 صادق روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند که از برای زیارت حضرت امام حسین وقتی
 هست که افضل از سایر اوقات باشد فرمود که زیارت کنید آن حضرت را در هر وقتی بجز آنکه
 زیارت آنحضرت چه پیشین است هر که بسیار زیارت کند نیز بسیار در بافته است و هر که کند که
 یافد است و صد کند زیارت آنحضرت را در اوقات شریفه بدستی که ثواب عمل صالح در آنها
 مضاعف است و در آن اوقات شریفه ملک از آسمان نازل می شود برای زیارت آنحضرت پس پرسید
 از فضیلت زیارت آنحضرت در ماه مبارک رمضان فرمود کسی که از روی خشوع و پشیمانی از
 کناهان و استغفار و توقع اجر و ثواب نزد قهر آنحضرت حاضر شود در یکی از سر شب
 شبهای ماه مبارک رمضان که آن شب اول و شب نیمه و شب آخر است کناهان و عطایا
 او بریزد چنانچه برک خشک لب بادشند از درخت فرو ریزد و مانده و زری شود که از ماد
 متولد شده باشد و با وجود این مانند ثواب کسی که در آن سال حج و عمره کرده باشد و دو
 ملک که صدگ آنها را هر صاحب حیوانی بینی از جن شوند او را نماند که بگوید ای سید خدا
 پادشاهی عمل و ستر گری و دیگری گوید ای سید خدا احاطت دعوت خدا کرده و پیششارت با د
 عفرت و تقصد آن **مؤلف** گوید که اگر چه این روایت مخصوص کسی است که نزد موفد حضرت
 آن برود که باشد لیکن بهتر است که اگر کسی در بعد از آن باشد نیز از آن فضیلت عظمی برخوردار

فضیلت زیارت
 امام حسین علیه السلام

و چون زیارت مخصوصی در این شب وارد نشده پس اگر کسی توفیق حضور مشرب مشرب آنحضرت را
 این شب بیاید زیارت مطلقه زیارت نماید و بلا تکرار این شب او عبیه دخول و دعای شیخ
 کبیر و صغیر و اعمال هر شب و هر روز که هر یک میسر شود بگوید یا بدیخ انده شود و الله تعالی هم
 الموفق **روایت اول** و اعمال این روز چند امر است **اول** شیخ معین در کتاب معتبر چنان
 سید در اقبال آنرا نقل نموده است گفته که چون نماز اول ماه رمضان طالع شود این دعا را
اللَّهُمَّ قَدْ حَصَرَ شَهْرُ مَصْنَانٍ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَأَنْزَلْتَ
فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْقُرْآنَ اللَّهُمَّ
اعْتَنَا عَلَى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي نَيْمَتِكَ

عَافِيَةٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **مؤلف** گوید که شیخ معین در کتاب مسار البشیر
 گفته است که در روز اول ماه رمضان بعد از نماز
 صبح دعای مخصوصی مطلق مشهوری که از امام محمد علیه السلام روایت شده یا بدیخ انده شده
 و در طارذ کونیه و ظاهر آنست که مراد این دعای مذکور باشد و الله تعالی عیم دور ایضا سید
 در کتاب مذکور نقل نموده است که در روز اول ایماه این دعا را بخوان **اللَّهُمَّ**
يَا رَبِّ اصْبِرْ لَا أَرْجُو غَيْرَكَ وَلَا أَدْعُو سِوَاكَ وَلَا أَرْعَبُ إِلَّا إِلَيْكَ

وَلَا أَتَضَرَّعُ إِلَّا عِنْدَكَ وَلَا أَلْجُ إِلَّا إِلَيْكَ إِذْ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَكَ
لَمْ يَجِبْ لِي وَلَا لِرَجُلٍ غَيْرِكَ لِأَخْلَفَ رَجَائِي وَأَنْتَ تَقْبَلُ رَجَائِي
مَوْلَايَ وَخَالِفِي وَبَارِي وَمُصَوِّرِي نَاصِيَتِي بِدِينِكَ تَحْكُمُ فِي كَيْفِ
كَشَاءَ لَا أَمَلُكَ لِنَفْسِي مَا أَرْجُو وَلَا أَسْتَطِيعُ دَفْعَ مَا أَخَذَرُ اصْبِرْ
مِنْ تَهْمَانَا وَعَلَى أَصْحَابِ الْأَمْرِ بِدِينِي اللَّهُمَّ إِنِّي اصْبِرْتُ أَشْهَدُكَ

وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَأَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ عَلَى أَنْ تَوَلَّى مَنْ تَوَلَّيْتَهُ وَأَسْتَبْرَأُ مِنْ تَسْبِغَاتِ مِينِهِ وَأُؤْمِنُ بِمَا أَنْزَلْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ فَأَنْفِخْ مَسَامِعَ قُلُوبِي لِذِكْرِكَ حَتَّى أَتَّبِعَ كَيْفَانِكَ وَأَصْدِقَ رُسُلَكَ وَأُؤْمِنَ بِوَعْدِكَ وَأُؤْفِي بِعَهْدِكَ فَإِنَّ أَمْرَ الْقَلْبِ بِسَيِّدِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ مِنَ الْفُتُوْطِ مِنْ رِجْمِكَ وَالْيَأْسِ مِنْ رَأْفَتِكَ فَأَعِزَّنِي مِنَ الشُّكِّ وَالتَّشَكُّكِ وَالتَّوْبِغِ التَّفَاقُحِ وَالتَّرِيَاءِ وَالتَّشَمُّعِ وَاجْعَلْنِي فِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَاحْفَظْنِي مِنَ الشُّكِّ الَّذِي صَاحِبُهُ تَيْهَانُ اللَّهِ وَمِنْ كُلِّ مَا قَصَرَ عَنْهُ اسْتَغْفَارِي مِنْ سُوءِ لَاتِعْمَلُهُ غَيْرُكَ فَعَافِنِي مِنْهُ وَاعْفُؤْهُ لِي فَإِنَّكَ كَأَشْفَقُ الْعَلَمِ مُقْتَرِحُ الْهِمِّ رَحِيمُنِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمُهُمَا فَأَمَّنْ عَلَى بِالرَّحْمَةِ الَّتِي رَحِمْتَ بِهَا مَلَائِكَتَكَ وَرُسُلَكَ وَأَوْلِيَاءَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اللَّهُمَّ رَبِّ هَذَا الْيَوْمِ وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنْ بَلَاءٍ أَوْ مُصِيبَةٍ أَوْ عَظِيمٍ أَوْ هَمٍّ فَأَصْرِفْ عَنِّي وَعَنْ أَهْلِ بَيْتِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي وَمَعَارِبِي وَمَنْ كَانَ مَعِي بِسَبِيلِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

رَسُولِكَ

سَيِّدَانِ فَإِنَّهُ تَوَدَّ شَرَّكَ خَلْقَهُ

اللهم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ عَلَى كَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ وَفِطْرَةِ الْإِسْلَامِ وَمِثْلَةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْنِي عَلَى لَيْلِكَ وَتَوَفَّنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي يَوْمَ تَبْعَثُ الْخَلَائِقَ فِيهِ وَاجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا قَلْبًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا بِرَحْمَتِكَ فَإِنَّ اسْتِئْثَانَ خَيْرٌ وَخَيْرٌ أَهْلِهِ وَصَلَاتًا وَأَوْسَطُهُمْ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ أَهْلِهِ وَمِنْ سَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَبَلَدِهِ وَرِجْلَيْهِ كُنْ لِي مِنْهُ حَاجِرًا عَرَّ جَارِكَ وَحَبَلًا تَنَاوَكُ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْتَفِقَ بِمَوَاهِبِ الدُّعَاءِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ يَوْمِي هَذَا وَفَتْحَهُ وَنُورَهُ وَهُدَاهُ وَمُرَشَدَهُ وَبُشْرَاهُ أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ كُفِّرْ عَنِّي وَعَنْ عِيَالِي اللَّهُ الْبَنِي لِأَثْرَامِي وَلَا نُضَامٍ مُعَصَّمًا وَبِطْلَانِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُفْهَرُ وَلَا يُعْتَبُ عَانًا مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا يَكْرَهُ بِاللَّيْلِ وَيَخْرُجُ بِالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ بِاللَّيْلِ وَالتَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ الْحَيَّةِ الْإِنْسِيَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي سُلْطَانٍ أَوْ غَيْرِهِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَسَاءَتْ أَخِيذًا بِنَا صِيئَهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ **مَوْلَانِ كَوْنِي كَمَا سَيِّدِي دَعُونِي** **أَزِيدُوا كَعَنْدَكُمْ كَمَا يَتَصَلَّوْنَ**

صَلَاتًا وَأَوْسَطُهُمْ

يَكْفِي خَيْرًا

دغا از جمله سنی فصله غایب است که برای هر روزی دعا خواند و اگر چه بروایت نبت نداد
 ولیکن ظاهر آنست که منقول باشد و ماهربک را در محل خود مذکور میسازیم **سید**
 زما نزد طار برای روز **اللهم انی اسألك یا من لیس کمثلہ شیء و یا**
 اول ایماه نقل نموده است
من لیس فی السموات العلی ولا فی الارضین السفلی ولا فوفهن
ولا تحتهن ولا بینهن الیه یعبد غیرک وحیدک لا شریک لک یا
واحد بعین تشبیه یا نابیضا الی غیر غایب یا جبارا فی سلطانه یا کبیرا
فی کبریا یا یا قدوسا فی اسمائه یا کریمیا فی عطائه یا جلیلا فی
بهاه یا حمیدا فی فعله یا ملکا فی ابتدائه و اقتداره یا عالما
فی اخصائه یا غلبا فی ارتفاعه یا عزیزا فی امتناعه یا جوادا فی
افضاله یا ذا السلطان الشاخی یا ذا العز البادخ العالی یا ذا
الملک الفاخری یا ذا البهاء الزاهر یا من به یحسطن الظنون یا ذا
الجمود و الکرم و المن و الکبریا یا نابیضا لا یموت یا صمک لا یطعم
یا قیوما لا ینام یا بصیرا لا یرتاب یا خافضا لا یجهل یا واسعا لا یتکلف
یا عزیزا لا ینقر یا منیعلا لا یرام یا عزیزا لا یضام یا قویا لا ینقلب یا جبارا
لا یرککم یا محتجا لا یرى یا جبارا السموات و الارض یا نور السموات

فضاله

قیومانه

والارض

والارض یا بدیع السموات و الارض یا اکرم الاکرمین یا ارحم الراحمین یا
عیات المستعین یا ولی المؤمنین یا عز الثا صیرین و الذاکرین یا
سبیل الصالحین یا مفرجا عن مکروبین یا کثر الراغبین الیه یا
عوث الملهوفین یا خیر من دعاه الی دعاة ان تسألک ان تصیک علی
محمد و ان تجعل عبدک من اعظم عبادک الیوم قیما تقیبه من نور
تهدی به و رحمة تنشرها و رزق تبسطه و ضر تکشفه و بلاه تصیر
و فتنه تکفها و ثواب تکتبه و امر تسهله انک علی کل شیء قدير یا ارحم
الراحمین

تجملنی عندک

نمای میفرماید

الراجحین **مؤلف** گوید که سید بن ابی نیز در عنوان این دعا گفته است که این دعا یک فصل از
 جمله سنی فصله غایب است که برای هر روزی دعا خواند و اگر چه بروایت
 نبت نداد ولیکن ظاهر آنست که منقول باشد و ماهربک را در محل خود مذکور میسازیم **سید**
 صاحب کتاب ذخیره ذکر نموده که ابن عباس از رسول خدا روایت نموده است که هر که در روز
 اول ماه رمضان این دعا بخواند حق تعالی او را هزار هزار رحمت عطا فرماید و هزار هزار رحمت
 برای او ببلند کند و هزار هزار کناه **اللهم اجعل صیامی صیاما صالحین**
 از او محو فرماید و دعا **البنی**
و قیامی قیاما لغانمین و تبهتني فيه عن نومة الغافلين و هب لي جرمي

فیة یا الاله العالمین مؤلف گوید که این حدیث حدیثی طولی است و مشهور است عابرا
 هر روزی دعا مخصوصی چنانچه هر یک مذکور میشود و سید آن
 غیر معتبر و از نالیف و ترسیع فقراتش ظاهر میشود که از معصوم منقول نباشد و لیکن چون
 مبارک رمضان وقت دعا و آدمی خود نبرد و نالیف ادعیه حاصل بخواند آن بد نیست
چنانچه غسل نمودن سید بن طاووس در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

استحباب است

ع

روایت نموده است که آنحضرت از پدران بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
 روایت فرموده که هر که در روز اول ماه در آب جاری غسل کند و سی گفت آب بر سر بریزد
 و نای درهای آن سال او باشد و بدوستی که او هر سالی روز اول از ماه مبارک رمضان
مؤلف گوید که آنچه در آخر من کوی شده که او هر سال روز اول ماه مبارک رمضان است
 اگر از نهمه حدیث باشد و لکن بر معاد امره ولیکن محتمل است که این کلام سید باشد بنا بر
 محتمل است که این عمل در روز اول محرم یا روز نوزدهم باید واقع شود و اگر در هر سه روز کرد شود
 بهتر است و بدانکه سید در این مقام گفته که ممکن است که بخاطر کسی خطور کند و استبعاد
 نماید که چگونه بر سبب آب بر سر نهمه میتواند بخشد که در تمام آن سال آن شخص مبتلا
 بازاری نشود و گفته که جواب این اشکال آنست که در لطف و کرمی منتهای حق تعالی چنان اقتضا
 میکند که جزای عظیمی مانند خلود بهشت و لذات عظیمه آنرا بر اعمال ظلیل سبب کند که آنرا
 فرماید پس ممکن است که در دنیا نیز جزای این عمل ظلیل را عطا کند در تمام سال کرامت فرموده باشد
 والله تعالی **ششم** استعمال کلاب سید در کتاب مذکور از حضرت صادق روایت
 کرده است که هر که یک کف از کلاب بر صورت خود بزند در آن روز از ترسندت و فقر ایمن باشد
 پسر ترک مکتبند آنچه را من و صدیق نمودم **ششم** **مؤلف** گوید که سید در اکثر علماء این حدیث را بزرگ
 استعمال کلاب در روز اول ماه رمضان حمل نموده اند و بکمال این شکسته بی وجه است بجهت
 آنکه روز اول ماه رمضان در روایث اصلا مذکور نیست بنا بر این ظاهر آنست که مراد این باشد
 که در هر روزی که کلاب بر صورت زدن از ترسندت و فقر ایمن باشد و اگر بر سر بریزد در بعضی
 آن سال یا آن روز باشد آن از سال آینده که محبوب کیس است شود از مرض برسام ایمن باشد
 والله تعالی **سب** **دویم** و اعمال آن چند چیز است **اول** شیخ شهید در کتب کتبه بر بعضی از
 رسول خدا روایت نموده که هر که در شب چهار رکعت نماز کند هر دو رکعت یک سلام دو هم
 رکعتی حمد کند و سوره **انا انزلناه** در لیلۃ القدر بهیئت نوح حق تعالی جمیع کنایان او را
 پیامزد و روزی او را و مسیح که اندک کلمات کند از او بدی آن سال **دویم** سید بن طاووس
 از کتاب چهار شهر و صفا از ابوالقاسم **اللهم أنت الرب أنا العبد فضنت علی نفسک**
 این دعا را از امامان نقل نموده
الرحمة **و** **للتی** **و** **انت** **الصادق** **و** **البار** **و** **یک** **مبسوطان** **تتفق**
کیف **تشاء** **لا** **لیحقق** **سائل** **و** **لا** **یتفصک** **نازل** **و** **لا** **یریدک** **کثرة**

سبک

استعمال کلاب
 در روز اول ماه رمضان

نماز چهار رکعتی

السؤال إلا عطاء وجودك قلباً وجلاً من محافنك أدرك
 به جنة رصوايك وأمضى بر في سبيل من أحببت وأرسلناك
 عملك وأرضيت به في ثوابك حتى تبلغني بذلك ثقة المؤمنين
 بك وأمان الخافين منك اللهم وما أعطيتني من عطاء فأجعل
 شغلاً فيما تحب وما رويت عني فأجعل فراغاً لي فيما تحب اللهم
 إنك قصمت الجبابرة بحبرك ولك ولست كنت كلفك على الخلاق وأ
 أقممت أنك حتى قيووم وكذلك أنت تفتطم جبال المظلمين
 ومكهمم دونك اللهم صل على محمد وآله وارزقني موالاة
 من واليت ومعاداة من عاديت وحبا لمن أحببت وبغض لمن
 أبغضت حتى لا أوالى لك عدواً ولا أعاوى لك ولياً أشكو إليك
 يا رب خطيئة أعشت بصري وأظلت على قلبي وفي طريق الخاطئين
 صرع عشي فهدني يدي رهينة في وثاؤك بما جئت على نفسي وهدني
 ربلي مؤثقت في جناتك بالكتابي فلو كان فرقي لي جبال الجحيم أو
 معارفة ثوابي أو جحيم جحيمي لكنت العايد بك من ذنوبي لتسليدك

معارفة ثوابي
 أو جحيم جحيمي
 لكنت العايد بك
 من ذنوبي لتسليدك

عبادة مهتوم ككيب يرقب ناد السومر اللهم يا مجلي عظامي
 جلي عني همة الهومر اجزي من نار تقسم عظامي و تحرق اخنابي
 و تقرق قواي اللهم اذرفني صبرا محمد و اجعلني ممن انتظر
 امرهم و اجعلني من اضارهم و اعوانهم في الدنيا و الآخرة اللهم
 اجني محياهم و امشي ميتتهم اللهم اعطهم سؤلهم
 و ليهم وعد و عنم اللهم رب السبع المشاي و القبان العظيم و
 رب جبرئيل و ميكائيل اسالك ان تصلي على محمد و آل محمد و ان
 تقبل صومي و صلواتي من اجن خورا اللهم ان اعودك في هذا
 الشهر العظيم من كل ذنب يجبر رذ في او يجرب سئلني او يبطل
 صومي او يصدك بوجهك الكبري عني اللهم صل على محمد و آله و
 اغفر لي ما لا يضرك و اعطني ما لا ينقصك في هذه الليلة فاني فقير
 الى رحمتك سبح ايضا در قابل با و در اختيار اللهم رب السموات
 از رسول خدا ام از ظاهر ابرای نرسب روايت نموده اند
 السبع و من فيهن فالق الاصباح و جاعل الليل سكونا و الشمس و القمر
 حسبا لك الحمد و لك الشكر و لك المن و لك الطول و انت

و الله من يغفر
 الله الا و ان
 و الله من يغفر

الواحد الصمد اسئلك بحبلا لك سيدي و جملتك مولاي ان
 تصلي على محمد و آل محمد و ان تغفر لي و ترحميني و تجاور عني انك
 انت العفو الرحيم رود و تم و اعان ان چند جزا است اول سيد بن طاووس در اقبال گفته
 که انچه چند دعاهاي روزد و قير ماه مبارك رمضان اين دعا است
 اللهم ايك غدوت بخا جتي و بك انزلت اليوم فقري و مسكنتي فاني
 لمعقرتك و رحمتك ارجي مني لعلمي مغفرتك و رحمتك اوسع لي
 من ذنوبي كلها اللهم فصل على محمد و آل محمد و تولك قضاء كل حاجة
 لي بعد رذك عليها و تيسرها عليك و فقري اليك فاني لدا صخر اقط
 الا منك و لم يصرف عني سوء قط غمك و لا ارجو لامر اخر في دنياي
 سواك يوم يفريني الناس من حفرني و افضى اليك يا كريم اللهم من تبتا
 و تعبنا و اعدنا و استعدنا لو فاداة الى مخلوق رجاء رفق و طلب ناله
 و جائزته فاليك يارب تعبتني و استعدادي رجاء رفق و طلب
 نالتي و جائزتي فلا تحبب دغا بي با من لا يجيب عذبي السائل و لا
 ينقذه ناسك فاني لدا انك تعة بعمل صالح عنك و لا لو فاداة الى
 مخلوق رجونه اتيتك مغفرا بالاساءة على نفسي و الظلم لها معتزفا

عَفْوَتُكَ عَفْوَتُكَ
 بِإِنِّ لَأَحْتَجُّ لِي وَلَا عُدَّةَ آتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَلَوْتُ بِهِ عَلَى
 الْمُخَاطِبِينَ فَلَمْ يَمْتَعَكَ طَوْلُ عَكُوْفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْحُجْمِ إِنْ عُدْتُ
 عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَسِعَتْهُ وَعَفْوُهُ عَظِيمٌ يَا عَظِيمَ يَا عَظِيمَ
 يَا رَبِّ لَيْسَ رِيَّةُ عَضْبِكَ إِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يَجِي مِنْ سَخَطِكَ إِلَّا النَّضْرُغُ إِلَيْكَ يُجِبْنِي
 فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فِرْجًا بِالْعُدَّةِ الَّتِي تُحْيِي مَهَامِيكَ الْبِلَادِ وَلَا تُهْلِكُنِي عَمَّا
 حَتَّى تَسْتَجِبَ لِي دُعَائِي وَتُعْرِضَ لِي لِإِجَابَةٍ وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى
 مُنْتَهَى أَجَلِي وَلَا تُسَمِّتْ بِي عَدُوِّي وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ وَلَا تُؤَمِّكُنِي مِنْ
 عُنُقِي الْهَيَّانِ وَصَنَعْتَنِي مِمَّنْ ذَا الَّذِي يُرْفَعُنِي وَإِنْ رَفَعْتَنِي فَمِنْ ذَا الَّذِي
 يَصْعَقُنِي وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمِنْ ذَا الَّذِي يَعْزِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ أَوْ يَسْأَلُكَ
 عَنْ أَمْرِهِ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّكَ لَبَسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمًا وَلَا فِي بَقِيَّتِكَ عَجَلَةً وَ
 إِنَّمَا يَجِدُ مَنْ يَخَافُ الْعَوْنَ وَإِنَّمَا يَجْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ
 تَسَالَيْتُ عَنْ ذَلِكَ عَلُوًّا كَبِيرًا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْضُرْنِي وَ
 اهْدِنِي وَارْحَمْنِي وَارْتِزْنِي وَارْتِزْنِي وَأَعِينِي وَاعْفِرْ لِي وَشَبِّحْنِي وَكَبِّرْنِي
 وَاسْتَجِبْ لِي فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَارْدَهُ بِي وَقَدِّرْ لِي وَكَبِّرْهُ وَأَمْنِيهِ

وباركة

وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَتَعَفَّنْ عَلَيَّ بِهِ وَاسْتَعِذْ بِي بِمَا تُعْطِينِي مِنْهُ وَرِزْقِي
 مِنْ مَضْلِكَ الْوَاسِعِ سَعَةً مِنْ نِعْمَتِكَ الدَّائِمَةِ وَوَاحِدٍ لِي ذَلِكَ كَلِمَةٌ
 حَجْرًا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَنَعِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دَوَائِرُ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 يَا إِلَهِي عَلِّمُونِي أَلَيْسَ اللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ الْعَرْشِ عَلَّمَ نَدَا
 الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَفِيمَا قَبْلَهُ وَفِيمَا بَعْدَهُ
 الْعَفْوَ يَا خَيْرَ مَنْ اعْتَمَدَ عَلَيْهِ الْمُعْتَمِدُونَ وَبِالْخَيْرِ مَنْ قَصَدَهُ
 الْقَاصِدُونَ وَبِالْخَيْرِ مَنْ رَدَّ إِلَيْهِ الْهَارِبُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سَأَلَهُ
 السَّائِلُونَ يَا خَيْرَ مَنْ جَادَ فِي الْجُهْدِ يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ
 الْمُنِينِ يَا وَحِيَّ الدَّائِرِينَ يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ يَا مُسْتَعِدَّ الْعَرْشِ يَا
 مُجِيَّ الْهَلَكَةِ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ
 يَا صَرِيحَ الْمُسْتَضْرِحِينَ يَا مُلْجَأَ الْلَّاجِمِينَ يَا رَازِقَ الْمُقْتَدِرِينَ يَا غَافِرَ ذُنُوبِ
 الْمُنْتَبِهِينَ يَا سَطْوَةَ الْمَسْجُونِينَ يَا مَنْ يَعْفُو عَنِ الْمُسِيئِينَ يَا زَائِدَ الْمُنْكَرِ
 يَا مُعَدِّبَ الْكَافِرِينَ يَا سَبِيلَ الصَّالِحِينَ يَا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ
 يَا مَنْ لَا تُقْبِهِ الدُّهُورُ وَالسِّنُونَ يَا بَارًا بِالْمُؤْمِنِينَ يَا حَبِيبَ الْمُتَوَكِّلِينَ يَا رَازِقَ الْمُؤْمِنِينَ

أَعْلَمُ نَدَا

وَأَقْرَبَ إِلَيْكَ بِالْمُسْتَحْفَظِينَ أَوْ لِحْمِهِمْ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَعْفِرَ لِي الذُّنُوبَ جَمِيعًا الشَّامَةَ الشَّامَةَ ^{الثالثة}
 وَدَسْتَاهِ جُودًا مَبْلُغًا وَسِعَى كَرَامَتُكَ أَنْ يَحْتَمِلَ سِجَارَةَ عَشْوَى بِحَبْلِ سَلْبَتِهِ رَأْفًا وَإِلَّا
 لَقَدْ أَجْتَسَارَ أَيْنَ دَعَاكَ أَرْحَمُ رِسَالَتِ سَلْبَتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَكَرَامَتِ أَيْنَ شَرَّ رَوَايَتِ كَرَامَتِهِ
 يَا اللَّهُ يَا مُهَيَّبُ وَيَا اللَّهُ يَا مُجِيبُ وَيَا اللَّهُ يَا مُقَوِّبُ وَالْأَسْبَابُ رُبَّ الْمَلَكَةِ وَالْأَسْبَابُ
 الرُّوحُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَكَ صُمْتُ وَعَلَى
 بِرَدِّكَ أَنْظَرْتُ وَإِلَى كَيْفِكَ أَوَيْتُ وَإِلَيْكَ أَمْتُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ
 وَأَنْتَ الرَّؤُفُ الرَّحِيمُ قَوِّنِي عَلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَلَا تُخْرِجْنِي يَوْمَ
 الْعِتَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِعْيَادَ دُرُوزِ سَيِّم سَيِّدِي طَاوَسِي وَدَرَّاقِي كَعْبِي كَعْبِي
 رَوَايَتِي أَرَدَيْتُكَ كَدَرِي رُوَايَتِي بِرَحْمَتِي
 غَيْبِي تَمَّزَلْ شَدِيدًا مِنْ مَعْنَى سَبِّ زِيَادِي خَلِيمًا أَنْ يَكُونَ ذِي عَالِي أَنْ حِينَدِ امْرَأَتِ أَوَّل
 سَيِّدِي دَرَكَابِ مَعْدُورًا زَجَلِي مَعْدُورًا عَالِي أَيْنَ دَعَاكَ فَضْلِي مَعْدُورًا
 يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَمَدُ الْمَكَارِمِ وَوَيَا مَنْ نَفَسًا بِهِ حَدَّ الشَّكَايِدِ وَيَا مَنْ
 يُفْتَسِرُ مِنْهُ الْخُرْجُ إِلَى الْحَجْلِ الْفَرْجِ ذَكَتْ لِعُذْرَتِكَ الصَّغَابَةُ لَسْبَتِي
 بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَجَرَى بِطَاعَتِكَ الْعَصَاءُ وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ
 الْأَشْيَاءُ فَهِيَ بِمَسِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤَمَّرَةٌ وَإِرَادَتِكَ دُونَ تَهْلِكَ
 مُنْزَجَةٌ أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهَيَّبَاتِ وَأَنْتَ الْمُنْزَعُ فِي الْمُهَيَّبَاتِ لَا يَنْدَفِعُ

فِيهَا إِلَّا مَا دَقَّقْتَ وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ وَقَدْ نَزَلَ لِي يَا رَبِّ مَا قَدَّرَ
 نَكَاحًا دَنِي تَقَلُّهُ وَالْمَرْءُ فِي مَا قَدَّرَ بِهِ ظَنِّي حَمَلُهُ وَبِعُدْرَتِكَ أَوْ رَدَّتْ
 عَلَيَّ وَبِطَائِكَ وَجَهَنَّهُ إِلَيَّ وَالْمُصَدِّرَ لِمَا أَوْهَدْتُ وَالْمُؤَرِّدَ
 لِمَا أَصْدَرْتُ وَالصَّارِفَ لِمَا وَجَّهْتُ وَالْفَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتُ وَالْمُغْلِقَ
 لِمَا فَتَحْتَ وَالْمُدْبِرَ لِمَا عَسَرْتَ وَالْمُعَسِّرَ لِمَا يَسَّرْتَ وَالنَّاصِرَ لِمَنْ
 خَدَّكَ وَالْخَازِنَ لِمَنْ نَصَرْتَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي بَابَ
 بَابِ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ وَكُنْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِجَوْلِكَ وَأَنْبِيَّ حُسْنِ
 النَّظَرِ فِي مَا شَكَّوْتُ وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الشُّعْبِ فِيمَا سَأَلْتُ وَهَبْ لِي مِنْ
 لَدُنْكَ فَرْجًا هَبِيئًا وَاجْعَلْ لِي مِنْ عَيْنِكَ تَخْرُجًا وَحَيًّا وَلَا تَغْلِبْنِي
 بِالْإِفْتِمَارِ عَنِ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِغْثَالَ سُنَّتِكَ فَهَذَا ضِيقُهَا
 نَزَلَ لِي دَرَعًا وَامْتَلَأَتْ بِمَا حَدَّثَتْ عَلَيَّ هَمًّا وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ
 مَا مَنَيْتُ بِهِ وَدَفْعِ مَا وَفَّقْتُ فِيهِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ لِي
 ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ آسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَالسُّلْطَانِ
 الْعَظِيمِ يَا خَيْرَ مَنْ خَلَقْنَا بِهِ وَخَيْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ أَسْرِنَا إِلَيْهِ بِكَيْفِنَا

لَسَا لَكَ اللَّهُمَّ أَنْ نُلْهِمَنَا الْحُجْرَ وَتُعْطِينَاهُ وَأَنْ تَصْرِفَ عَنَّا الشَّرَّ
 وَتُكْفِينَاهُ وَأَنْ تَذْخِرَ عَنَّا الشَّيْطَانَ وَتُبْعِدَ نَاهُ وَأَنْ تَرْزُقَنَا الْغُرُورَ
 وَتُحْلِنَاهُ وَأَنْ تُسْقِينَا مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ صَلَوَاتُكَ عَلَيَّهِ وَ
 إِلَيْهِ وَتُورِدُ نَاهُ تَدْعُوكَ يَا رَبَّنَا تَضَرَّعًا وَخَيْفَةً وَرَغْبَةً وَرَهْبَةً
 وَخَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَاذَ بِكَ مِنْكَ وَبِحَا إِلَى عِزِّكَ وَاسْتِظْلَ بِبَيْتِكَ
 وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ وَكَلِمَةِ الْإِيمَانِ يَا جَزِيلَ لِعَطَايَا يَا فَكَّكَ الْأَسْأَلِ
 أَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمَلِكِ وَأَنْتَ الْمَدْعُوعُ لِلْمُهَيَّبَاتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ فِي فِرَاجٍ وَفِرَاجٍ وَرِزْقًا وَسَعَةً بِمَا شِئْتَ إِذَا شِئْتَ كَيْفَ شِئْتَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دُورِ سِتِينَ بِأَقْرَبِ دَرَجَاتِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا
 دُعَاؤُ بَرَاءِ عَالَمٍ بِرُزُقِ فَعَلَّ مَعْرُوفَهُ اسْتَ
 مُتَبِّرٌ كُلِّ عَيْسٍ وَيَأْمَنُ هُوَ حَسَنُ التَّدْبِيرِ وَيَأْمَنُ لَا يَحْتَاجُ إِلَى
 التَّقْبِيرِ وَيَأْمَنُ هُوَ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ كَبِيرٍ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ
 يَا مَنْ لَا صَاحِبَةَ لَهُ وَلَا ضِدَّ وَلَا نِدَّ وَلَا مَعِينَ يَأْجِبُ الْعِظَمَ الْكَبِيرَ
 يَا مَعِينَ الْبَائِسِ الْعَقِيرِ بِالْخَالِقِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ يَا سَالِكَ الْفَلَاحِ

أَرْزُقْنِي

تَقْبِيرِ

المدينة

الْمُدِيرِ يَا رِزْقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ سَأَلُكَ أَنْ تَفْتَحَ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ
 وَاتِّبَاعِ كُتُبِكَ وَالْمُصَدِّقِينَ بِأَنْبِيَائِكَ وَالْوَفَاءَ بِعَهْدِكَ وَأَنَّ
 بِوَعْدِكَ فَإِنِّي يَا إِلَهِي بِبُورِكَ الْهِنْدِيِّتِ وَبِقَضْلِكَ اسْتَغْنَيْتِ وَ
 بِكَ أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ الْهَيُّ نُؤْيِي بَيْنَ يَدَيْكَ اسْتَغْفِرُكَ مِنْهَا وَأَتُوبُ
 إِلَيْكَ اللَّهُمَّ لَا تُؤَخِّرْنِي فِي الْأَشْرَارِ لِأَنَّ كَثِيرًا مِنْ أَهْلِ النَّارِ حَاضِرٌ
 جِوْعٌ طَيِّبَةٌ وَتَوْفَى وَفَاءٌ طَيِّبَةٌ كَسِيمَةٌ وَالْحَفِيفُ بِالْأَبْرَارِ اللَّهُمَّ
 إِنِّي اسْتَغْفِرُكَ لِدُنُوبِي وَأَعْرِضْ عَلَيَّ حَوَائِجِي وَأَسْأَلُكَ فَوْقَ رَجَائِي
 وَأَرْغَبُ إِلَى كَرَمِكَ فِي النَّجَاوَةِ عَنِ ظُلْمِي لِنَفْسِي وَأَنْ تَجْعَلَ غِنَايَ وَهَذَا
 فِي نَفْسِي وَأَنْ تَقْبَلَ مِنِّي وَتُبَلِّغَنِي تَمَامَهُ وَتَسَلِّمَنِي مِنَ الْأَمْرِ بِعِزِّكَ
 الْعَظِيمِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
سَمِعَ صَلَاحِي كَمَا بَدَأَ بِهِ إِذَا بَرَّ عَيْسٌ رَدَّ بَيْتَكَ اسْتَكَرَ حَضْرَتُكَ سَأَلُكَ فَمُودُ كَرَمِكَ دَرُورِي
 سَمِعَ مَا رَمَضَانَ ابْنَ دُعَاؤِ بَرَاءِ عَالَمٍ بِرُزُقِ فَعَلَّ مَعْرُوفَهُ اسْتَ
 كَرَمًا بِاللَّيْلِ أَنْ هَمَّ لَدُنْهُ هَذَا رَغْبَةً فَبَاشَدَ إِذْ نَوَّسَ طَمَعٌ وَدُرِّيَانِ أَنْ خَانَهُ نِيْزَ بَاشَدَ أَنْ خَرَّهَا
 بَاشَدَ وَدُرِّيَانِ مَعْرُوفَهُ هَذَا رَغْبَةً بَاشَدَ وَدُرِّيَانِ مَعْرُوفَهُ بَاشَدَ اللَّهُمَّ اسْمُ رَجَائِي فِيهِ
 نَشَلُهُ بَاشَدُ وَدُرِّيَانِ مَعْرُوفَهُ بَاشَدَ لِي أَنْ جَانِبَهُ خَلَا بِأَهْلِهِ هَذَا وَنَحْوَهُ
 الدَّقْنِ وَالنَّيْبَةِ وَأَبْعَدُ فِيهِ عَنِ السَّفَاهَةِ وَالسُّبُوحِ وَاجْعَلْ لِي نَيْبِيَا
 مِنْ كُلِّ خَيْرٍ شَرُّهُ فِيهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سَمِعَ صَلَاحِي كَمَا بَدَأَ بِهِ
أَوَّلُ شَيْخٍ شَهِدَ تَدْرِيْسَهُ وَوَكَّلَهُ

بِرَحْمَتِكَ
 لِعِزَّتِكَ

منه

نماز در شب

در کتاب باربعین از رسول خدا ص روایت کرده است که هر که هفت رکعت نماز کند هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعت حمد بکشد و سوره انا انزلناه بیت مرسله حق تعالی عملی و روا
شده با آوردن با غسل هفت بجزیه که مبلغ و سالک برورد کار خود نموده باشد **روایت**
در اقبال از کتاب شهر رمضان انبیا قره این دعا را برای این شب قتل نموده است
الهی ما عملت من حسنة فلا حمد لي فيه وما ارتكبت من سوء فلا عذوة
لي فيه اللهم عوذ بك ان اتك كل على ما لا حمد لي فيه او ارتكبت ما لا عذوة
لي فيه اللهم استغفر لي مما ثبت اليك منه ثم عذت فيه واستغفر لك
مما عذتك من نفسي ثم اخلصتك فيه واستغفر لك مما اردت به
وجعلت الكربة فخا لطبي ما ليس لك رضا واستغفر لك لكل ذنب
انعمت به علي فتقوت بها على معاصيك واستغفر لك لكل ذنب
ولكل خطيئة اذ تكتبها ولي كل سوء آتتني يا الهي واسألك ان
تصلي على محمد و آل محمد و تنسب لي برحمتك كل ذنب فيما بيني وبينك
وان تستؤمبني من خلفك وتستغفر في منعمهم ولا تجعل حسنتي في مؤام
من ظلمت و اسألت اليك فانك علي لك فادرك يا عزي و كل ذنب
انا عليه متعيت فانتلي عنه الى طاعتك يا الهي و كل ذنب اريد
ان اعمله فاصرف عني و ردي الى طاعتك يا ارحم الراحمين

اللهم اني اسألك يا سماءك التي ليس فوقها شيء يا الله الرحمن الرحيم
الذي لا يعلم كنهه ما هو الا انت ان تصلي على محمد و آل محمد و ان
تغفر لي ما سلف من ذنوبي و تعصمني فيما بقي من عمري و تعطيني جميع سو
دي و دنياي و اخروتي و منوای يا ارحم الراحمين **سليم** ايضا حديث طابوس
در بابي قدس الله روحه و در اقبال
اختيار ايزه غار ابرای **سليم** يا رحمن الدنيا و الآخرة و رحيمهما يا اجتاز الدنيا
از رسول خدا ص روایت نموده است
و يا مالك المملوك و يا ابرز العباد و هذا شهر التوبة و هذا شهر الثواب
و شهر الرحمة و انت السميع العليم اسألك ان تجعلني في عبادك الصالحين
الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون و ان تسترني بالستر الذي لا يهتك
و تجعلني بعافيتك التي لا ترام و تعطيني سؤلي و تدخلني الجنة برحمتك
و ان لا تدع لي ذنبا الا عفرته و لا همما الا فرجته و لا كربا الا كشفته
و لا حاجرا الا قضيتها بحسني محمد و آل محمد انك انت الاحل الاعظم **روایت**
و اعمال آن چند چیز است **اول** سیدین طاوس را یا کفنی حين تغيبني المذهب و
در اقبال ایزه غار ابرای نیز در فصل نموده است
ملجای حين یقبل به الحید و یا بارئ خلعتی رحمة فی کنت عن خلعتی غنیا
یا مؤدی بالنصر علی اعدائی و لو لانصرک ایای لکنت من المعلنون و یقبل

اعترفت ولو لا استرلك عورتي لكنت من المنفوحين ويامر سيل الرياح من معادتها
 ويا ناسرا البركاثين مواضعها ويا من خص نفسه بشموخ الرفعة
 قائلها وبعبرته يتم زون ويا من وضع يده المذلة على اعناق الملوك
 فهم من سطوا به خائفون اسألك باسمك الذي هو من نورك واسألك
 بنورك الذي هو من كينونتك واسألك بكينونتك التي هي من
 كبرياءك واسألك بكبرياءك التي هي من عظمتك واسألك
 بعظمتك التي هي من عزةك واسألك بعزتك التي لا ترام و
 بعد ذلك التي خلقت بها خلقك فهم لك مدعون واسألك
 الاجل الاعظم المبين ان تصلي على محمد وآله وان تقضي عني ديني
 ونفسي من الفقر وتمتعني بسمتي بصري وتجعلهما الوارثين
 مني وان ترزقني من فضلك الواسع من حيث اخطب ومن حيث لا
 احدث فانه لا حول ولا قوة الا بك يا الله يا رب صل على محمد و
 آل محمد واعف عني ليكمل مؤمن ومؤمنة يا ارحم الراحمين
دعوى سيد بن طاووس واختار الله رب اسألك باسم هو اكبر وابصر
 ابنه خارا براى ان يرد ويزيل عودا

تقره

اصبر

والخير

واخبر واهد واهد واطهر وانور واسكر واستر وافخر وانصر
 واعبر واکبر واسمع واقنع واعلا وارفع واخلف واعطف
 وارزق واجد واحمد واکمل وافضل واسعد وانفق و
 اصدق والحم واجل واعظم واحكم واقوم واهد واملك
 وارزق واقبض والسط واسبع واخذل واعني وانمي واعلي
 واوفى وابي واعطي وانمي واکلي واسخى واهدي وارشد
 واعبر واجل واقرب واغلب واهد وبحبك الواجب على من ضا
 لوجحك الكريم في هذا اليوم وفي هذا الشهر مند فرضته وعلى
 محمد صلى الله عليه وآله وسلم وعلى أمته ان لا تدع لي ذنبا الا
 عقرته ولا همما الا فرجته ولا غمما الا نسه ولا عسرا الا يسره
 ولا فسادا الا اصلحه ولا دينا الا قضينه ولا مرضا الا شفينه
 ولا عيبا الا استرته اللهم اصر عني فتنة الافان والعاهان
 والبنوى والهيات واعف عني الموقبات وانجني الى طلبات وارفع
 لي الدرجات ووفقني للصالحات وادخلي الجنات مع المؤمنين والمؤمنات

فرضينه

بنيتك

فيه

٤١

وَالْعَالَمِينَ عَدَاةً لِمَنْ لَا يَخْلُقُ إِلَّا بِاللَّهِ الْوَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 يَا مَنْ آيَادِيهِ لَا تَخْضَعُ وَيَا مَنْ ذِكْرُهُ لَا يَنْسَى وَيَا مَنْ نِعْمَتُهُ لَا تَقْنِي وَيَا مَنْ
 عِلْمُهُ لَا يَسْتَعْلَى وَيَا مَنْ عِلْمُهُ لَا يَنْتَهِي يَا أَهْلَ الْقَضِيَةِ وَالْآلَاءِ يَا مَنْ الْعَرْشُ
 يَتَلَاوَأُ أَسْأَلُكَ بِمَا مَدَحْتَهُ مِنْ أَسْمَائِكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَنَاجَيْتَهُ
 فِي هَذَا الشَّهْرِ الْمَيْمُونِ الْمَفْرُوضِ الْمُبَارَكِ وَبِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِي
 وَأَنْبِيَائِي وَرُسُلِي وَأَهْلِي طَاعَتِكَ أَنْ تُعْتِقَ رَفِيقِي مِنَ النَّارِ
 وَتُضِلَّ لِي الشَّانَ وَتَهَبَّ لِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَمْنِ وَ
 الْعَافِيَةِ وَالْعَيْشِ وَالْمَعْفَرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **سَيِّم** ضاحياً غافياً غيره أن ابن عباس روايت كرهه استكر رسول خدا
 فرمود كه هر كره در روز چهارم ماه رمضان اين دعا بخواند حق تعالى در جنة
 الخلد مفاد هزاره بر او عطا فرمايد كه بر هر چه بخواهد بيشه باشد و دعا اينست
 اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَأَرْزُقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِعْنِي

روايت شده است
 در كتاب
 التواضع
 و
 التواضع
 و
 التواضع

فِيهِ آدَاءُ شُكْرِكَ يَا خَيْرَ النَّاصِحِينَ **شَبْحِيْم** واما آن چند جنات اول عند
 زيارت ان شهيد طاق است **دُوم** شيخ شهيد روم
 كتابه معين از رسول خدا هم روايت كرده است كه هر كره در روز شنبه و ركعت نماز كنند و هر كه گه گه گه گه گه گه
 و سوره قل هو الله احد بخواند و چون فاتحه شود صد نوبت اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 كَمَا بَرَكْتَ فِيهِمْ يَا مَنْ زَاهِدٌ نَائِدٌ لِقَتُّ كَوَيْدِكَ كَفَيْتَنِي حَبِيَّةَ الْإِيمَانِ دَرِينِ وَصَلِّ عَلَى سَهْوِدِ رَفِيقِي
 وَصَلِّ عَلَى زِيَارَتِهِ ذِكْرُهُ هَاسْت **سَيِّم** سيد بن طاووس هم در كتابه ان عمل شهر رمضان باي قره
 ابنه عالم را بر اين شب فضل نموده است اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا لَمْ يَكُنْ خَيْرًا لِمَنْ

الَّذِي شَرِكًا لَهَا الْمُشْفَاءُ وَتَكْشِفُ بِهَا الْأَدْوَاءَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا إِلَى
 مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُشْرِكَ مِنْكَ غَافِيَةً وَسُفَاءً وَتَدْفَعَ عَنِّي بِأَسْمِكَ
 كُلِّ سُقْمٍ وَبَلَاءٍ وَتَقَبَّلَ صَوْمِي وَتَجْعَلَنِي مِنْ صَامٍ وَقَامٍ وَصَبْتٍ
 عَمَلِهِ وَتَجْعَلَنِي مِنْ صَامِتِي وَرَحْمَةٍ وَحِفْظِ لِيَانِهِ وَفَرَجِهِ وَتَرْزُقْنِي
 عَمَلًا تَرْضَاهُ وَتَمَنَّ عَلَى بِالصَّمْتِ وَالتَّكِيَّةِ وَوَرَعًا يَجْرِي فِي عَيْنِ عَصِيدِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **سَيِّم** سيد بن طاووس در اقبال و سيد بن ابى در اخيار اين دعا
 را براى اين شب از رسول خدا صلوات روايت نموده است
 بِأَصْنَافِ كُلِّ مَصْنُوعٍ وَيَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا رُبَّ
 وَلا يَسْتَلِمَا أَنْتَ التَّوَرُوقُ التَّوَرُوقُ كُلُّ نُورٍ قِيَانُورُ كُلِّ نُورٍ
 أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبَ اللَّيْلِ وَذُنُوبَ النَّهَارِ وَذُنُوبَ السَّرِيرِ وَ
 ذُنُوبَ الْعَدَانِيَةِ يَا قَادِرُ يَا قَدِيرُ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا وَدُودُ يَا
 عَفُورُ يَا رَحِيمُ يَا غَافِرُ الذَّنْبِ وَفَائِدُ التَّوْبِ شَهِيدُ الْعِقَابِ ذَا
 الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ تَخِيْمِي وَتَمِيْتُ وَتَمِيْتُ
 وَتَخِيْمِي وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّامُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَعْفِرْ
 لِي أَرْحَمَنِي وَاعْفُ عَنِّي وَأَرْحَمَنِي إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

رُوحِي وَاعْمَالِ كَافِرِي **أَوَّل** سَيِّدِي طَاوِرِي دَا قَالِ اَبْرَهَامِي يَزِيدِي وَرُفْعِي
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْزِعْ مَا فِي قَلْبِي مِنْ حَسَدٍ أَوْ غِلٍّ أَوْ عِيْنٍ
 أَوْ فِيقٍ أَوْ مَرَجٍ أَوْ بَطْرٍ أَوْ أَشْرٍ أَوْ خِيْلَةٍ أَوْ سِيَكٍ أَوْ رَيْبَةٍ أَوْ نِفَاةٍ
 أَوْ شِقَاقٍ أَوْ عَفْلَةٍ أَوْ قَطِيعَةٍ أَوْ جَفَاءٍ أَوْ مَا تَكْرَهُهُ مَا هُوَ فِي قَلْبِي
 اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّوَكُّلَ فِي أَمْرِي وَالْمَشَاوَرَةَ مَعَ أَهْلِ النَّصِيحَةِ وَالْمُوَدَّةَ
 لِي بِالرِّبَاوِاضِ فِي قَلْبِي وَالتَّمَنُّسَ لِبِرَكَةِ فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ اللَّهُمَّ
 ارْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ وَالتَّكْيِيفَ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي
 شَرَحَ الصَّدْرِ وَانْفِتَاحَهُ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى وَرِكَاءَ الْقَلْبِ وَتَسْمِعَهُ
 لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى وَضِيَاءَ الْقَلْبِ وَتَوْفِيقَهُ فِيمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى وَحُسْنَ الْأَمْرِ
 وَإِيْمَانَهُ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى بِأَمْرٍ بِسَيِّدِ صِلَاحِ الْقَلْبِ صَلِيحُهُ لِي يَا مَنْ بِيَدِهِ
 سَلَامَةُ الْقَلْبِ فَاجْعَلْهُ سَالِمًا لِي وَارْزُقْنِي مَا سَأَلْتُكَ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ
 بِمَا لَمْ أَسْأَلْ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَسَعْنِكَ وَجُودِكَ وَكَثْرَتِكَ
 نَالِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ اللَّهُمَّ اعْقِبْنِي عَنْ طَبَعِ الْمُرْتَدِّ زُهْدِي وَسَهْلِي
 سَيْدِي مَا رَزَقْتَنِي مِنْهُ وَسُقْتَهُ إِلَى بَيْتِ عَائِشَةَ وَبَيْتِ رَحْمَةَ وَبَيْتِ لُطْفِ
 وَلَا تَعْسِرْهُ لِي اللَّهُمَّ لَا تَنْزِعْ مِنِّي صَالِحًا أَعْطَيْتَنِيهِ وَلَا تُوَفِّعْنِي

وَارْزُقْنِي التَّوَكُّلَ وَالتَّمَنُّسَ لِبِرَكَةِ فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ وَالتَّكْيِيفَ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

بِسْمِ اللَّهِ

فِي شَرِّ اسْتَعْتَذَرْتَنِي مِنْهُ وَكَفَيْتَنِي بِرِزْقِكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْفِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمِتِّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَاجْعَلْهَا الْوَارِثِينَ
 مِثْلَ فَاةٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ **دُورِ** سَيِّدِي بِنِ بَاقِي رَهْ دَرِ اَخْتِيَارِي
 دَعَا اَبْرَاهِيْمِي رُوْزِ نَعْلِ مَمُوْدَهْ اسْت
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِلَهِ الْأَنْتَ يَا إِلَهَ الْآلَاتِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ وَأَنْ تُنَوِّبَ عَلَيَّ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَمَا تُنَوِّبُ عَلَيَّ
 أَبِينَا أَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْ تُنَجِّنِي مِنْ كُرْبَاتِ الدُّنْيَا كَمَا نَجَّيْتَ نُوْحًا عَلَيْهِ
 السَّلَامُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَأَنْ تُبَارِكَ لِي فِي هَذَا الشَّهْرِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ فِي رَهْمِي وَالْأَفْرَاقِ
 إِنَّكَ جَمِيْعٌ عَجِيْبٌ وَأَنْ تُرَضِيَ عَنِّي فِيهِ كَمَا رَضِيتَ عَنْ رَسْمِ عِيْلٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَأَنْ تُصْرِفَ عَنِّي الْفَحْشَاءَ كَمَا صَرَفْتَ عَنْ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْ تُمَنَّ عَلَيَّ
 بِالْقَضَى كَمَا مَنَّتَ عَلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْ تُنَقِّبَ لِي مَعِي كَمَا نَقَّبْتَ لِي مِنْ
 دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْ تُنَجِّبَ عَائِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لِزَكْرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَأَنْ تُكَلِّفَ عَنِّي الضَّرَّ كَمَا كَشَفْتَهُ عَنْ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْ تُنَجِّنِي مِنَ
 الْأَفَاتِ كَمَا نَجَّيْتَ ذَا النُّونَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ وَأَنْ تَرْفَعَ لِي مِيزَةَ لَامِبَارِكَا كَمَا
 رَفَعْتَ لِإِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَكَانَ عَدِيَا وَأَنْ تُوَفِّقَنِي لِلصَّالِحَاتِ كَمَا وَفَّقْتَ
 دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

شعيبا عليه السلام وان تسلم لي كما سلمت الياس عليه السلام وان تسب
لي ببركته ومينهم من ذلك سلطانا نصيرا كما وهبت لسلطان عليه السلام
ملكاً عظيماً وان تكرمني كما اكرمت عيسى بن مريم عليه ما السلام وانت
تهدي بنا كما هديت نبينا محمداً صلى الله عليه واله وان تعفني فيه
من النار بمسئلتني يا كبريائك برحمتك وان تجعلني كما تحب وترضى به
جميع الامور لانك على كل شئ قدير وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

عليه السلام

سليم صاحب كتاب في خبر ابي اسامه وابت كرده است در سؤل خلاصه فرموده كه هر كه اين دعا را
در روز پنجشنبه ماه رمضان بخواند حق تعالى در حبه الماوى هزارهزار كاسه باد عطا فرمايد كه در هر كاسه
هزار و نهك از طعام اللهم اجعلني فيه من المستغفرين واجعلني فيه من عبادك
الضالحين الغائبين واجعلني فيه من اولياءك المتقين برافك يا اكرم
الاشهد دعا ابيك

الاشكر ميم **شب ششم** واما ان چند چيز است **اول** شيخ شهيد رده در كتاب سابعين امر
رسول خدا هم روايت كرده است كه هر كه در شب چهارشنبه نماز كند و در ركعت
بگردد در هر ركعتي حمد كند و سوره مباركه الذي بيده الملك كند بگويد يا ذا الجلال
يا اشد الهمه **ثاني** سيد بن طاووس در افعال كتاب شهر رمضان اين دعا را براي زيارت فضل فرموده است
اللهم لك الحمد واليك المشكى اللهم انت الواحد القدير والآخر الداور
والرب المخلوق والذيان يوم الدين تفعل ما تشاء بلا مغالبه وتعطى من
تشاء بلا من وتضع ما تشاء بلا ظلم وتداول الايام بين الناس يَكُونُ

نماز شب

طبقاً عن طبق اسألك يا ذا الجلال والاکرام والعز والى لا ترام
واسئلك يا الله واسئلك يا رحمن اسئلك ان تصلي علي محمد وآل
محمد وان تجعل فرج محمد وفرجنا بفرجهم وتقبل صومي و
اسألك تخبر ما ارجو واعوذ بك من شر ما احذر ان انت خد لك
فبعد الحجه وان انت عصمت فيما مر ليتمه يا صاحب محمد يوم
حبتن وصاحبه وموئده يوم بدر وخيبر والمواطين التي نصرت
فيها نبيك عليه واله السلام يا ميم الحبارين ويا عاصم النبيين
اسئلك واقنيد عليك بحق تير القرآن الحكيم وبحق طه وسائر
القران العظيم ان تصلي علي محمد وآل محمد وان تحضرني عن
الذنوب والمخاطايا وان تزيد في هذا الشهر العظيم تاييداً تربط
بي علي خاشي ويسد به علي خلتي اللهم اني اذراك في محراب عذابي
لا اجد لي غيرك ها انا بين يديك فا صنع بي ما شئت لا يصني الا ما
كتبت لي انت حسبي ونعم الوكيل **سليم** سيد بن طاووس
روايت اللهم انت السميع العليم وانت الواحد الكريم وانت الاله
مموده انت ٤٧٢

دعا را براي زيارت از حضرت امير
مموده انت ٤٧٢

طبقاً

الصَّهْدُ رَفَعَتْ السَّمَاوَاتِ بِعِذِّكَ وَدَحْوَتِ الْأَرْضِ بِعِزِّكَ وَأَنْقَا
السَّحَابِ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَأَجْرِيَّتِ الْبِحَارِ بِسِلْطَانِكَ يَا مَنْ سَجَّحْتَ لَهُ
الْحَيَاتُ فِي الْجُورِ وَالسَّبَاعُ فِي الْفَلَوَاتِ يَا مَنْ لَا يَخَافُهُ
فِي السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضَيْنِ السَّبْعِ يَا مَنْ تَسْبَحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ
السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَنْ فِيهِنَّ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَبْغِي إِلَّا
وَجْهَهُ الْجَبَلُ الْجَبَّارُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَ
اعْفُ عَنِّي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ **روزي ششم** شيخ مفيد در كتاب
المشيعه گفته كه درين روز در سال دويست
يك هجري مامون ملعون با حضرت امام بخلاف بيعت نمود و اين روز شريف است كه
سز در مؤمنين در آن مجيد شده و مستجاب است در آن صدقه و اعانت مساكين و بسيا
شكردن حق تعالي بجهت آنكه حق تعالي بجهت او را درين روز ظاهر كرد اسيد و معني منافقين
را برخاك ماليد و در كتاب تاريخ شريعيه بيست آنحضرت را بر تنها حق دين روز نفل نمود
و ظاهر آنست كه در باب صدقه حديثي بخبر من وارد شده باشد و چون تصدق و شكر
آهي در ايام مشتركه عموما فضيلت دارد شيخ نيز درين روز آرزو كرده و چون اين روز
را مريد اختصاصي با آنحضرت هست زيارت آنحضرت از نزد يك دو روز نيز مناسب است
و اعمال آن چند امر است **اول** ستيد در اقبال گفته كه در روايتي وارد شده كه در
روز دويست كه نماز بايد كرده شود و در هر ركعتي حمد كينوب و سوره قل هو الله احد بيت
بخونب بجهت آنكه درين روز فضيلت حضرت امام رضا ظاهر شده است **دويم** ستيد
اقبال اين دعا را براي يا خير من و جنتك اليه وجهي يا خير من شكوتك اليه
اين روز نفل نمود

نماز دويست روز

مَنْ سَبَطَتْ إِلَيْهِ يَدِي يَا خَيْرَ مَنْ رَجَوْتُهُ فِي حَاجَتِي يَا خَيْرَ مَنْ فَكَّرْتُ
فِيهِ بِقَلْبِي يَا خَيْرَ مَنْ أَسْرَتْ إِلَيْهِ بِكَيْفِي أَجْعَلَ أَصْلَ صَلَاتِي
عَلَى أَصْلِ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاجْعَلْهُمُ
أَيَّامَنَا وَمَا تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْنَا فِي كَفِّكَ وَحَزْزِكَ وَكِفَايَتِكَ
وَكَلاَمِكَ وَسَيِّدِكَ الْوَاقِعِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَتَحْوِيفِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّا
فَدَا سَعْيُنَا وَاعْتَصَمْنَا وَتَعَرَّضْنَا لِكَرَامَتِكَ وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِغَيْبِ الْمَعْلُوبِ
وَرَمِينَا كُلَّ مَنْ آذَاكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَحِبَّاءِهِمْ
لِسُوءِ أَوْ يَخُوفِ أَوْ بِإِذْنِ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْكَبِيرُ وَبِلَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَبِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ
وَرَبُّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ **سبعم** سيد
بن باقر **روزي**
اختيار اين دعا را براي روز **اللهم** ربّي وَايُّهُمُ سَيِّدِي وَتَقْتِي وَرَجَائِي
بفضل نمود **است**
وَأَسْأَلُكَ مَوْضِعَ شَكْوَايَ وَمَنْ إِلَيْهِ مَلْجَأِي وَمَنْ هُوَ تَقْتِي فِي كُلِّ
أَحْوَالِي لَقَدْ أَصْبَحْتُ وَبِعِزِّكَ نَائِبَةً وَبِعِزِّكَ حَاجَاتِي وَكَعَيْنِكَ
طَلِبَاتِي وَأَنَا مُرْتَهَنٌ بِمَا اجْتَرَأْتُ فِيهَا بَارِئُكَ بِهِ مِنَ الْمَعَاصِي وَ

مُخَالَفَةً مَا أَمَرْتَنِي بِهِ وَتَأْيِيبًا إِلَيْكَ مِنْهَا فَاعْفُ عَنْهَا لِي مِنْ لَدُنْكَ بِعَظِيمِ عَفْوِكَ
وَبِعَسَاةِ رِزْقِكَ وَرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَمَغْفِرَتِكَ كُلِّهَا فَاقْبَلْهَا
وَخَدِّشْهَا سِرِّهَا وَغَلِّبْهَا حَقَّهَا وَعَمِّدْهَا مَغْفِرَةً عَرْمًا جَرْمًا
لَا أَكْتُبُ بَعْدَهَا حَقًّا وَلَا تَكْتُبُ عَلَيَّ بَعْدَهَا ذَنْبًا وَلَا تُنَمِّئْ يَا بَقِيَّةَ
سَيِّدِي وَمَوْلَانِي فِي وَحْشِي وَكَأَلِي فِي وَحْشِي يَا قَدِيرَ الْعُقُوبِ حَسَنًا
الْبَدَاءِ يَا إِلَهِي وَاللَّهُ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ الْقَلِيلُ الدَّلِيلُ
الْمُتَعَجِّرُ الْمُتَعَجِّرُ أُنْتَاجُ إِلَيْكَ الْمُضْطَرُّ فِي كُلِّ أَحْوَالِهِ إِلَى خَالِقِهِ
بِأَحْسَنِ الْحَقَائِدِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً أَنَا شَرُّ عِبْدِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ رَبِّ وَمَوْلَى
أَنْتَ الْعَوَاذُ بِالْمَغْفِرَةِ وَأَنَا الْعَوَاذُ بِالْمَعْصِيَةِ أَنَا الْمُسْتَوْجِبُ لِلْوَابِ
سَخَطِكَ وَلِرِوَالِ نِعَمِكَ أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِصِنِّيَّةِكَ وَبِهَائِكَ وَالْآيَاتِ وَ
كِبَرِ بَأْوِكَ وَأَسْأَلُكَ الْحُسْنَى وَكُلَّهَا بِكَ الشَّامِتِ كُلِّهَا وَأَيَادِكَ الْقَدِيمَةِ
عَبْدِي بَانَ نَضَلْتَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْخَيْرِ وَأَنْ تَعْرِقَ رَقَبَتِي
مِنْ التَّارِ إِتَانِكَ عَلَيَّ شَيْءٌ قَدِيرٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْإِلَهَ الظَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ

وَعَدْلًا
السَّلَامَ

كُلِّهَا

بجانب كتابه خیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که هر که درین روز ازین دعا بخواند حق تعالی در قیامت هفتاد مرتبه او را عطا فرماید این دعا

اللَّهُمَّ لَا تُخَذِّلْنِي فِيهِ بِتَعْرِضِ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَصْرِخْ بِي سِلْبًا بِقَبْرِكَ وَتَجَرَّخْ
فِيهِ مِنْ مَوْجِبَاتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَأَيَادِكَ يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ **ش**
واعمال آن چند جز است **اول** غسل دریا که از پیشانی تا پای است **دو** تیر شیخ شهید در کتاب برین
از رسول خاتم روایت کرده است که هر که درین شب چهار رکعت نماز کند هر رکعت یک سلام در هر رکعت حمد
کنوب و سوره انا انزلناه سبزه و نوب حق تعالی در جنت عدن قضی از طلا برای او بنا کند و در آن
آنها باشد تا رمضان آید **سوم** سیدین طوسیم در اقبال از کتاب شهر رمضان ابن ابی عمیر
دعا برای این شب **یا صَبِّحِ الْمُسْتَخْرَجِينَ وَيا مُفَرِّجِ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيا مُجِيبِ**
دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيا كاشِفِ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ
وَإِلْحَمْدِهِ وَكَشِفِ كَرْبِي وَهَبْ لِي وَعَمِّي فَإِنَّهُ لَا يَكْشِفُ ذَلِكَ غَيْرُكَ وَتَقَبَّلْ
صَوْمِي وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي وَاجْعَلْ لِي الْإِيمَانَ بِكَ وَالتَّصَدِيقَ بِكُنْيَاكَ وَرَبُّوكَ
وَخَيْرَ الْأُمَّةِ الْمُهْتَدِينَ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ فَإِنَّ قَدْرَ صِدْقِ
بِرِّهِمْ أُمَّةٌ اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَأَذْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ إِذْ خَلَّتْ
فِيهِ مَهْمَا وَالْحَمْدُ وَاجْعَلْ لِي مَعْتَمِدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ الْمُقَرَّبِينَ
اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَتَقَبَّلْ صَوْمِي وَصَلَوَتِي وَتُسْبُحِي فِي هَذَا
الشَّهْرِ الْمُفْتَرَجِ عَلَيْنَا صِيَامُهُ وَأَمْرُ فِتْنِي فِيهِ مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **چهارم** ایضا سیدین طوسیم در اقبال و ابن ابی عمیر از شهر رمضان
این دعا برای این شب روایت کرده اند **یا مَنْ سَكَانَ وَجْهِكَ وَتَكُونُ**

هفتم

نهم
علم

آنرا

وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَبْقَى الْأَوْجُهَةُ الْجَبَّارُ يَا مَنْ يُسَبِّحُ
الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ يَا مَنْ إِذَا دُعِيَ أَجَابَ يَا مَنْ إِذَا
اسْتُجِرِمَ رُحِمَ يَا مَنْ لَا يُدْرِكُ الْوَأَصْفُونَ صِفَتَهُ مِنْ عَظَمَتِهِ يَا مَنْ لَا
تُذْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يَرَى الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ يَا مَنْ
يَرَى وَلَا يَرَى وَهُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ شَيْءٌ وَلَا فَوْقَهُ أَحَدٌ يَا مَنْ
بِسِيدهُ نَوَاحِي الْعِبَادِ اسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ وَحَقِّكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدِيُّ وَأَنْ تُرَحِّمَ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِيَّ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحَّمْتَ
عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَالْإِبْرَاهِيمِيَّةِ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ كَبِيرٌ **مؤلف** كَوْنِي كَرِيمٌ
فَقُلْتُ ابْنُ دَعْدَاءِ خِيَارِ
ابْنِ بَابِي فِي مَوْجُودِيَّتِكَ وَظَاهِرَاتِكَ كَمَا فَطَشْتَهُ بِأَشَدِّ رُوحٍ **روز هفتم** وَأَعْمَالُ أَنْ جِنْدِ حَمَلَتِ
أول سَيِّدِ دَرَمِيَّالِ ابْنَةِ عَادِ بِرَأْيِ ابْنِ رُوزِ نَعْدَاءِ كَرِيمَةٍ اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَفْتَحُ لِي
جَنَّةً كَيْسُومٌ طَهَّرْتَنِي بِأَعْمَالِي وَأَنْتَ أَسْأَلُكَ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْحَيَاةِ مِنِّي وَأَنْتَ
رَحِيمٌ عِنْدَ تَصَانِيهِ حُلُولِ الْبَلَاءِ عَلَيَّ وَأَنْتَ عُدَّتِي فِي كُلِّ شَدِيدَةٍ
تَزَلَّتْ بِي وَفِي كُلِّ مُصِيبَةٍ دَخَلْتَ عَلَيَّ وَفِي كُلِّ كَلْفَةٍ
صَارَتْ عَلَيَّ وَأَنْتَ مَوْضِعُ كُلِّ شَكْوَى وَمَفْرَجُ كُلِّ بَلْوَى
أَنْتَ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ تُرْجَى لِكُلِّ شَدِيدَةٍ تُدْعَى لِيكَ الْمَشْكُورِ

تعبيره

رحمت

المنه

وَأَنْتَ الْمُرْتَجَى لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ مَا أَكْبَرَهُ سُبْحَانِي أَنْ تَقْرَحَنِي
وَأَطْوَلَ حُزْنِي أَنْ تَحْلِصَنِي وَأَعَزَّ حَسَنَاتِي أَنْ تَنْتَبِرَهَا وَأَخْفَى
مِيزَانِي أَنْ تَرْتَعِلَهَا وَأَزَلَّ لِسَانِي أَنْ تَرْتَشِّبَهُ وَأَوْضَعَ حِدْبِي أَنْ
تَرْتَقِلَ عَثْرَتِي أَنَا صَاحِبُ الدَّيْنِ الْكَبِيرِ وَالْحُجْرَةِ الْعَظِيمِ أَنَا الَّذِي
لَمَعَتْ بِي سَوْءَةٌ وَكُشِفَ قِنَاعِي وَكُنْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ حِجَابًا يُؤَيِّسُ
مِنْكَ فَلَوْ طَاقَبْتَنِي عَلَى قَدْرِ حُزْمِي لَمَا فَرَجْتَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ
أَبْلَا اللَّهُمَّ أَنَا الدَّلِيلُ الَّذِي عَزَزْتَهُ وَأَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي
قَوَّيْتَهُ وَأَنَا الْمُقْتَرُ الَّذِي سَتَرْتَهُ فَمَا شَكَرْتُ نِعْمَتَكَ وَلَا أَدَيْتُ
حَقَّكَ وَلَا تَرَكْتُ مَعْصِيَتَكَ يَا كَاسِفَ كَرْبِ أَيُّوبَ وَسَامِعَ
صَوْتِ يُونُسَ الْمَكْرُوبِ وَقَالِقَ الْبَحْرِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَبُنْحَى مُوسَى
وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِيَّ وَأَنْ
تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمُخْرَجًا وَيُسِّرْ لِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
دو سَيِّدِ بَابِي فِي مَوْجُودِيَّتِكَ وَظَاهِرَاتِكَ كَمَا فَطَشْتَهُ بِأَشَدِّ رُوحٍ **روز هفتم** وَأَعْمَالُ أَنْ جِنْدِ حَمَلَتِ
ابْنِ دَعْدَاءِ خِيَارِ
ابْنِ دَعْدَاءِ بَرَاءِ ابْنِ رُوزِ نَعْدَاءِ كَرِيمَةٍ اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَفْتَحُ لِي
جَنَّةً كَيْسُومٌ طَهَّرْتَنِي بِأَعْمَالِي وَأَنْتَ أَسْأَلُكَ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْحَيَاةِ مِنِّي وَأَنْتَ
رَحِيمٌ عِنْدَ تَصَانِيهِ حُلُولِ الْبَلَاءِ عَلَيَّ وَأَنْتَ عُدَّتِي فِي كُلِّ شَدِيدَةٍ
تَزَلَّتْ بِي وَفِي كُلِّ مُصِيبَةٍ دَخَلْتَ عَلَيَّ وَفِي كُلِّ كَلْفَةٍ
صَارَتْ عَلَيَّ وَأَنْتَ مَوْضِعُ كُلِّ شَكْوَى وَمَفْرَجُ كُلِّ بَلْوَى
أَنْتَ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ تُرْجَى لِكُلِّ شَدِيدَةٍ تُدْعَى لِيكَ الْمَشْكُورِ

أعزها

تعبيره

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله وحده
والصلاة والسلام
على من لا نبي بعده

أَمَّا وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا تَعْبُدُ
إِلَّا اللَّهَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
إِلَهًا وَاحِدًا وَتَحَى لَهُ مُسْلِمُونَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَالِمُ بِمَا ظَهَرَ مِنْ
خَيْرٍ عَنِ خَلْقِكَ وَلَوْلَا سِتْرُكَ لِي وَتَحْتِكَ عَلَيَّ لَكُنْتُ مِنَ
الْمَقْتُولِينَ سَيِّدِي أَوْ قَرِينِي بِالْغَيْبِ وَأَوْقَرْتُ صَاحِبِي
ذُنُوبًا نَظَرْتُ لِي بِكَرَمِكَ وَلَمْ أَنْظُرْ لِنَفْسِي سُوءًا فِي كَرَمِكَ مِنْ
عَظِيمٍ وَخَطِيئَةً مُؤَبِقَةً أَحْصَيْتَ عَلَيَّ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ وَصَوْرَةَ
النَّهَارِ اسْتَجِبْ مِنْ ذِكْرِهَا تَسْمِيَةً بَيْنَ يَدَيْكَ فَبَسَّ الْعَبْدُ أَمَّا
لِنَفْسِي وَنِعْمَ الرَّبُّ أَنْتَ لِي نَدْوِي فَأَوْقَرْتَنِي كَأَنَّ لِي التَّوَلَّى
عَلَيْكَ فَاسْتَلَيْتَ يَا إِلَهِي بِالْمَعْدَرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَ بِهَا عَلَيَّ ذُنُوبِي إِحْصَا
وَبِالرَّحْمَةِ الَّتِي سَتَرْتَ بِهَا مَا قَبِحَ مِنْ ذُنُوبِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ
وَأَمَّا بِنِعْمَةِ الْأَخْيَارِ وَتَعْنِي عَنِّي مِنَ التَّارِيخِ فِي يَوْمِي هَذَا مِنْ شَهْرِكَ
الْمَمُورِ الْمَعْصُومِ وَأَنْ تَحْتِمَ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ بِخَيْرٍ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَخْيَارِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ حَتَّى أَعُودَ

يا مولا

يا مولا

يا مولاى مَجْنُونٌ تَوَكَّلْ عَلَى عَيْنِكَ وَمَا جَرَتْ عَادَتُكَ مَعَ أَمْثَالِي
مَنْ خَلَقَكَ وَأَنْ تَرْتُمُنِي الْأَمَنَ وَالْعَافِيَةَ وَالْعِنَى وَالْمَغْفِرَةَ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
وَسَلَّمَ كَثِيرًا **اسم** صاحب كتابه خير اذ ابن عباس رواه كرهه
رسول خدا فرمود که هر که در روز هفتم ماه رمضان این دعا
را بخواند حق تعالی با او در شب عطا کند آنچه را بخواهد و او را با عطا فرماید دعا
اللَّهُمَّ آعِنِي عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَاجْتِنَابِي فِيهِ مِنْ هَعْوَانِهِ
وَأَنَامِهِ وَأَنْزِعْ شَيْءَ فِيهِ دَرَكَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ
شبهتم و اعمال آن چند امر است **اول** شیخ شهید در کتاب برعین از رسول
خدا رواه نموده است که هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعتی حمد بگوید
و سوره قل هو الله احد ده نوبت و بعد از نماز هزار مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ بگوید
در هر شب بر روی او مغفوح شود و داخل بهشت شود از هر دری که خواهد **مؤلف**
گوید که در این موضع نیز گفته اند رخبت الايمان سهو موهه و سوره قل هو الله احد
یا زده نوبت نفل نموده است و گویند چنانچه سبها است که لفظ احد در قل هو الله احد
متصل بلفظ عشر خوانده و احد عشر همان موده است و نظیر این سهوازا و در
صلوات لیا لی رجب در خزینة اول کتب و الله تعالی اعلم **دوم** سید زین العابدین
رحمه الله در اقبال از کتاب سبیل شهر رمضان بنا بر این است که غار ابرای از شیخ زین العابدین
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْعِنَاءَ مِنَ
الْعَيْلَةِ وَالْأَمَنَ مِنَ الْخَوْفِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّعِيمَ الْمُقِيمَ
الَّذِي لَا يَجُولُ وَلَا يَزُولُ يَا اللَّهُ يَا نَوْمَ التَّوَرِكِ اللَّسْبُجِ سُبْحَانَكَ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله وحده
والصلاة والسلام
على من لا نبي بعده

نماز شب

لآلِهِ الْآتَتْ لَكَ الْكِبْرِيَاءُ سُبْحَانَكَ لِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ صَوْمِي وَلَا تُنَكِّسْ بِرَأْسِي
 بَيْنَ يَدَيْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلِّوا نَكَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ بَلَّغُوا وَنَحْوُوا
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ عِلْمِي عَلَى الْإِيمَانِ وَالنَّصِيحَةِ
 كَيْفَ بَكَ وَرَسُولِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ شَهْرِنَا هَذَا وَلَيْلِنَا
 هَذِهِ وَأَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَأَنْتَ مُنْزِلُ فِيهَا مَغْفِرَةً وَ
 رِضْوَانًا وَمِرْزِقًا وَسَعَاءً وَابْتِطَاعًا عَلَى عِيَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي
 وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ عِمَّتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابِكَ وَتَسْبُوقِ
 سَمِّ سَيِّدِنِ طَاوُسٍ وَسَيِّدِنِ بَاقِي طَابِ ثَرَاهِمَادِرَاقِبَالِ وَالْخِيَارِ أَرْضِ رَسُولِي
 حَدَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَعَا بَرَاءِ بْنِ شَبْرَةَ وَابْنِ مَوْدَةَ اسْتَد
 اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُكَ الَّذِي أَمَرْتَ فِيهِ عِبَادَكَ بِالِدُّعَاءِ وَصَيَّغْتَ لَهُمُ
 الْأَسْتِجَابَةَ وَالرَّحْمَةَ وَقُلْتَ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ
 أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَأَدْعُوكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

الشَّهْرُ
 الْإِسْحَابِيَّةُ

وَيَأْمَنُ لَا
 يَمُوتُ اغْفِرْ لِمَنْ يَمُوتُ قَدَّرْتَ وَخَلَقْتَ وَسَوَّيْتَ فَلَا لَهْوَ لَطْفَعْتَ
 وَسَقَيْتَ وَأَوَيْتَ وَرَمَزْتَ فَلَاكَ الْحَمْدُ أَنَا لَكَ أَنْ نُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
 آلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ إِذَا بَعَثْتَنِي فِي النَّهَارِ إِذَا تَحَلَّى وَبِئْسَ الْأَخِرُ وَالْأُولَى
 وَأَنْ تَكْفِيَنِي مَا أَهَمَّنِي وَتَغْفِرَ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ **باب**
 كَدْرَايَتِ ابْنِ بَاقِي فَانْكَرُوا فِي بَارِوَاتِ ابْنِ طَاوُسٍ دَارَهُ وَبَعْضَى إِذْ فَرَمَاتِ نَزْدَهُ رَأَى مَوْجِ
 نِيكَ وَظَاهِرًا قَطْ شَدِيدًا بِشَدْرٍ **وَمِنْهُمْ** وَأَعَالَ أَنْ جَدَّ أَمْرًا **أَوَّلُ** شَيْءٍ
 أَقْبَالَ ابْنَ عَارِ بِرَأْسِي اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَجِدُ مِنْ عَمَلِي عَمَلًا أَعْتَمِدُ عَلَيْهِ وَ
 ابْنِ رُوَيْدٍ نَعْلُ مَوْدَةَ
 أَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَيْكَ أَفْضَلَ مِنْ وَلايِكَ وَوَلايَةَ رَسُولِكَ وَالرَّسُولِ
 الطَّيِّبِينَ صَلِّوا نَكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ
 بِحَمْدِكَ وَالْحَمْدُ وَأَمَّا حَمْدُكَ فَمِنْ أَيْدِيهِمْ أَيْدِيكَ فَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ يَا أَلْهِمُ بِكَ
 وَرَبِّهِمْ وَجِهَانِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ الْمُتَقَرَّبِينَ فَإِنِّي قَدَّرْتُ صَبِيحَتِي بِكَ
 مِنْكَ تَحْفَةً وَكَرَامَةً فَإِنَّهُ لَأَحْفَةٌ وَلَا كَرَامَةً أَفْضَلَ مِنْ
 رِضْوَانِكَ وَالشُّعْمُ فِي ذَارِكَ مَعَ أَوْلِيَاءِكَ وَأَهْلِ ظِلِّ عَمَلِكَ اللَّهُمَّ
 اجْعَلْنِي مِنْ ذَوِيكَ الَّذِي لَا تَصْبِغُ وَلَا تُرَدُّ فِي خَاسِبًا وَخَوْفًا مِنْ أَوْجِبَتْ

حَقُّهُ عَلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدَ وَتُجْعَلَ مَجْرَجَ آلِ
 مُحَمَّدٍ وَفَرَجِي مَعَهُمْ وَفَرَجَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
دویم سیدین با فورا خیار از دعا آن محمد بن عبد الله العباسی فی الخلق حدیث الظاهر
 را برای این روز نقل نموده است
 بِالْكَرَمِ تَجَلَّى الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدُكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ خَزَائِكُهُ لِسَعَةِ
 وَضَلِهِ وَكَرَمِ عَظَايَاهُ وَلَا يَزِيدُ الْعَطَاءُ الْإِجُودَ أَوْ كَرَمًا
 وَتَقْضَاهُ وَإِحْسَانًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ أَلَوْهَا بِالْعَظِيمِ
 اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُنْتُ رَبَّنَا كَمَا سَأَعْتَمِرُ مَكُونٍ وَحَدِّكَ لَا أَحَدٌ
 مَعَكَ يَنْبَغِي كَقَبَائِكَ بَلْ تَبَغِي أَبَدًا وَيَعْنِي مَا سِوَاكَ وَلَكَ الْخَلْقُ
 وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي
 مُلْكِهِ وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي صِفَتِهِ وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ وَلَا نَظِيرَ لَهُ
 فِي سُلْطَانِهِ وَلَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ بِرَبِّ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا سَيِّدٌ
 الْمُخْبِرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَيُّهَا الَّذِي بَارَزْنَاكَ لِسَيِّئَاتِنَا
 وَكَشَفْتَ فِتْنَانَا وَلَمْ تَكُنْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ شَيْئًا يَا رَبِّي وَلَا حِجَابَ
 يَحْبُوبِي يَا أَيُّهَا أَحْسَنُ بَلَاءَكَ عِنْدِي وَأَظْهَرَ تَعْبَادَكَ عَلَيَّ وَأَكْثَرَ

لاذکر

يَا أَيُّهَا الَّذِي لَدَيْكَ أَنْ شَكَرْتُهَا عَرَفْتُ وَأَجِبَ حَقُّهَا إِلَهِي خَلَفْتَنِي بِعَقْدِي وَصَوِّ مَشْنَبِي
 فَأَحْسَنْتَ وَأَنْعَمْتَ فَأَسْبَغْتَ وَرَزَقْتَنِي قُوَّتِي وَأَعْطَيْتَ فَاجْرَكَ
 بِلَا اسْتِحْقَاقٍ مِنِّي لِذَلِكَ وَلَكِنْ أَبَدَتْ بِالْكَرَمِ وَالْجُودِ فَلَاكَ الْحَمْدُ
 إِلَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ يَا عَفُوَّ اللَّهُمَّ أَنْتَ
 عَفُوٌّ يُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي يَا عَفُوٌّ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا وَتَكْرَمَ عَلَيَّ
 وَأَرْزُقْنِي الْأَمْنَ وَالْعَافِيَةَ وَالْعَيْشَ وَالْمَغْفِرَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **سیم** صاحب کتاب خیر از ابن عباس
 روایت کرده است که رسول خدا فرمود
 که هر که این دعا را درین روز بخواند **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةً الْأَيَّامِ وَالطَّعَامِ**
 با علم از صدیق بالا رود و عافیت
 الطَّعَامِ وَأَمِشَاءَ السَّلَامِ وَجَنَابَةِ اللَّهِ وَصِحْبَةِ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ
 يَا مُجَلِّبَ الْأَيُّمِينَ **شب هفتم** و اعمال آن چند امر است **اول** غسل بیکبار از شنبه تا
 طاریت **دویم** شیخ شهید در کتاب اربعین از رسول خدا روایت
 کرده است که هر که درین شب میان نماز شام و نختن شش رکعت نماز کند هر دو رکعت
 بیکلام در هر رکعتی حمد بگوید و آیه الکرسی هفت نوبت و بعد از نماز پنجگانه نوبت اللهم
 صل علی محمد و آل محمد بگوید عمل او با عبد صدیقان و شهدا و صالحان آید
سیم سید ریضا در کتاب اقبال از کتاب شهر رمضان این روایت کرده است
 برای این شب **اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ أَمْتُ**
 نقل نموده است
 بِكَ مُخْلِصًا لَكَ دِينِي آمَنْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَنْتَ

املکه
 نماز هفت شب

۴۱

إِلَيْكَ مِنْ سُوءِ عَمَلِي وَاسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِي الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا إِلَّا أَنْ تَصِلَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَتَقْبَلَ صَوْمِي وَتَقْضِدَ عَلَيَّ وَبَلِّغْنِي السَّلَامَ
هَذَا الشَّهْرَ بِأَخْبَرِ الْمَوْلَى يَا مُؤْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا سَامِعَ
كُلِّ نَجْوَى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ مَلَأٍ وَيَا عَالِمَ كُلِّ حَفِيَّةٍ
وَيَا كاشِفَ مَا نَشِئْتُ مِنْ بَلِيَّةِ خَلِيدِ ابْنِ هَيْمٍ وَنَجِيِّ مُوسَى وَ
مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَذْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ أَسْتَدْتَّ
فَأَنْتَ وَصَعَفْتُ قُوَّتَهُ وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ دُعَاءَ الْغَرِيبِ
الْعَرِيفِ الْمُضْطَرِّ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِ مَا هُوَ مِنْ
الدُّنُوبِ إِلَّا أَنْتَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَفَرِّجْ عَنِّي وَأَكْشِفْ
مَا بِي مِنْ ضُرٍّ وَتَقْبَلَ صَوْمِي وَصَلِّ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ بِحَسْبِ نَسْتِ بَرِّ طَاوُسٍ وَدَرْكَا بِنَا لِي فِي دَرْكَا
إِحْيَا رَاذِرِ سُولِ خَلَامِ أَيْزِدِ غَارَا بِنَا لِي فِي نَسْتِ رَوَاثِ نُوْدَةِ
يَا سَيِّدَاهُ وَيَا رُبَّاهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا الْعَرْشِ الَّذِي لَا يَنَامُ وَ
يَا ذَا الْعِزِّ الَّذِي لَا يَرَامُ وَيَا قَاضِيَ الْأُمُورِ يَا شَافِيَ الصُّدُورِ اجْعَلْ
لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَأَنْدِفْ رَجَاءَكَ فِي قَلْبِي حَتَّى لَا أَرْجُو أَحَدًا سِوَاكَ

عليك

عَلَيْكَ سَيِّدِي تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْكَ مَوْلَايَ أَنْتَ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ اسْأَلُكَ
يَا إِلَهَ الْأَلْهَةِ وَيَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ وَيَا كَبِيرَ الْكِبَرِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ
عَلَيْهِ كَفَاهُ وَكَانَ حَسْبَهُ وَبَالِغَ أَمْرِهِ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَأَكْفِنِي
وَإِلَيْكَ أَنْتَ يَا رَحِيمِي وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ فَاعْفِرْ لِي وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِي
يَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ وَتَبْيَضُّ وُجُوهُ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَصَلِّ
اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ
الرَّحِيمُ دُونَ نَسْتِ وَأَعْلَانِ جَدَامَاتِ أَوَّلِ سِتْدِينَ طَاوُسٍ وَدَرْكَا بِنَا لِي فِي دَرْكَا بِنَا
أَيْزِدِ وَرَوَاثِ نُوْدَةِ إِنَّكَ اللَّهُمَّ اعْفِرْ لِي تَنِي وَأَعْصِمْ عَمَلِي وَأَهْدِ قَلْبِي
وَأَشْرَحْ صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَجِوِّدْ فَهَمِي وَخَفِّقْ وَزِيْرِي
وَأَمِنْ خَوْفِي وَثَبِّتْ حُجَّتِي وَأَرْبِطْ جَانِحِي بِبَيْضِ وَجْهِي وَأَرْفَعْ جَاهِي
وَاصْدَقْ قَوْلِي وَبَلِّغْ خَدِيمِي وَعَافِنِي فِي عَمْرِي يَا بَارِكُ لِي فِي مَنْقَلَبِي وَ
اعْصِمْنِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَسَهِّلْ عَلَيَّ مَطْلَبِي
وَاعْطِنِي مِنْ جَزَائِلِ عَطَايِكَ وَأَضْلِمْنِي مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ
وَتَجَاوَزْ عَنِّي جَمِيعَ مَا عِنْدِي بِحَسْبِ لُطْفِكَ الَّذِي عِنْدَكَ اللَّهُ
لَا تُشْمِتْ لِي عَدُوِّي وَلَا تُمْكِنَنَّ مِنْ عُنُقِي وَلَا تَقْضِخْنِي فِي قَبْضَتِي

وَلَا تَجْعَلْنِي فِي جَاهِي وَهَبْ لِي يَا إِلَهِي عَطِيَّةً كَرِيمَةً رَحِيمَةً مِنْ عَطَايِكَ
 الَّتِي لَا تَقْتَرِعُهَا فَتَقْدِرُ صَمْتًا فَوْقَ مَا تَقَطَّعَ عَنِ الْخَائِفِ جَاهِي فَقَدْ
 رَزَقْتُكَ يَا رَبِّ إِنْ تَرَحَّمْتَنِي وَتَعَاوَيْتَنِي كَمَا كَفَيْتَنِي عَلَى أَنْ تُعَذِّبَنِي وَتَبْلِيغِي
 فَأَجِدُ يَا مَوْلَايَ فِيهَا قَصِيئَتِي تَجْمَلُ خَلَاصِي مِنْ جَمِيعِ مَا أَنَا فِيهِ مِنَ
 الْمَكْرُوهِ وَالْمَحْذُورِ وَالْمَشَقَّةِ وَعَاوَيْتَنِي مِنْهُ كُلَّهُ إِلَهِي لَا أَرْجُو
 لِذِيكَ ذَلِكَ عَنِّي أَحَدًا مِنْ خَلْفِكَ فَكُنْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ عِنْدَ
 أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ وَآمِنٌ عَلَى يَدَيْكَ وَعَلَى كُلِّ دَاخِلٍ دَعَاكَ بِرَبِّكَ يَا مَوْجِبَ
 مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْتَ سَيِّدِي أَمَرْتُ بِالِدُّعَاءِ وَصَمَيْتُ لِمَنْ شِئْتَ الْإِحْيَاءَ
 وَوَعَدْتَ الْحَيَاتِ الَّذِي خَلَقْتَ لَهُ **دعوى سيد بن ابی حمزة در کتاب اختیار از دعا**
و برای این روز نفل نموده است
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَافْتَحْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا مِنْكَ أَبْوَابَ
 الرَّحْمَةِ اللَّهُمَّ فَإِنَّكَ تَسْحَبُ الصَّلَاةَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَقَدْ سَأَلْتُكَ الصَّلَاةَ
 عَلَيَّ فِي يَوْمِي هَذَا فَاسْتَجِبْ لِي فِيهِ وَتَسْتَجِبْ لِي فِي نَفْسِي صَاحِبِ مَا أَدْعُو
 بِهِ فِي يَوْمِي هَذَا وَمَا قَبْلَهُ وَمَا بَعْدَهُ وَفِي شَهْرِي هَذَا كَمَا اسْتَجِبْتَ لِي
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اغْدِقْ عَلَى الْبَنِيَانِ بِنِيَانَهُ وَأَنْزِلْهُ

فرزاد

مِنْزِلَتَهُ وَرَكِّبْهُ وَأَجْعَلْهُ مَقْبُولَ الشَّهَادَةِ وَمَرْضِيَّ الْمَعَالَةِ
 كَمَا حَكَمَ وَعَدَلَ وَجَهَّدَ وَكَلَّمَ بِقَصْرِ وَنَصَحَ لِأُمَّتِهِ وَجَاهَدَ فِي
 سَبِيلِكَ وَصَبَرَ عَلَى حُسْنِ بِلَاغِكَ حَتَّى أَنَا هُ الْيَقِينُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ الْإِلَهِي أَنَا الَّذِي لَمْ أَزَلْ أَذْنِبُ وَتَعَفَّرْتُ لِي وَأَخْطِئُ وَتَحْسِنُ لِي
 أَنَا الَّذِي حَمَلْتُ الذُّنُوبَ أَنَا الْأَسِيرُ بِسَبِيلِي أَنَا الْمَجْدُودُ حَاطِيئِي
 أَنَا الْمُنْقَطَعُ بِي وَقَدْ وَقَعْتُ نَفْسِي بِي يَدَيْكَ مَوْقِفَتِ الْأَذَلِّ مَوْقِفَتِ
 الْمُدْبِئِينَ الْمُجْتَرِبِينَ عَلَيْكَ الْمُسْتَحْفِينَ بِحَقِّكَ وَوَعْدِكَ التَّاقِضِينَ
 لِعَهْدِكَ مَوْقِفَتِ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ذُنُوبُهُ وَتَبَرَّءَ مِنْهُ خَلِيلُهُ وَقَرِينُهُ
 فَأَرْحَمِ الْيَوْمَ صَرَخْتِي وَعَجْرَتِي وَأَفْلِسِي عَثْرَتِي وَاجْعَلْنِي بَعْدَ الْيَأْسِ
 سُورَةَ الْمُنْقَلَبِ حَسَنَ الظَّنِّ بِكَ حِينَ وَقُوتِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا مَالِكِ الرَّحْمَةِ
 إِنْ رَحِمْتَنِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
سهم صاحب کلمه خیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود که هر که این دعا را در
روز بخواند ثواب پنهان بجای آید اللهم اخطي فيه من رحمتك الواسعة و
باوکرامت شود و دعا اینست
 اهْدِنِي لِبَرِّهِمْ السَّاطِعَةِ وَخُذْ بِنِصَابِي إِلَى مَرْضَانِكَ الْجَامِعَةِ
 بِحَسَنِكَ يَا أَمَلُ الْمُشَاقِقِينَ **شب دم** و اعمال آن چند جزا است **اول** شیخ شهید

۴۱۲

موقوف
 از طرف
 حضرت
 شیخ
 شهید
 است
 و
 در
 این
 کتاب
 در
 باب
 الدعوات
 مذکور
 است
 و
 در
 این
 کتاب
 در
 باب
 الدعوات
 مذکور
 است
 و
 در
 این
 کتاب
 در
 باب
 الدعوات
 مذکور
 است

اشک
 و
 نصیب
 است

در کتابد بعین از رسول خدا روایت نموده است که هر که درین شب بیست رکعت نماز کند هر روز
رکعت یک سلام در هر رکعت حمد بکند و سوره قل هو الله احد سی و نوبت بخواند و در
او را و سبعم کرد و از هر سبستگان شود **مؤلف** گوید که کعبه در حقیقت در حقیقت ایمان بین
موضع نیز سهود و نقل کرده و سوره قل هو الله احد را سی و یک مرتبه نقل نموده و منشا اشتبا
هان معنی است که مکرر کند شک که لفظ احد در نقل هو الله احد را متصل بلفظ ثلثین خوانده
است و الله تعالی بسم **دو** سید بن طاووس در کتاب اقبال از کتاب علم شهر رمضان این را نقل
این دعا را برای بن یاخیر من سئو یا اوسع من اعطی یاخیر من سئو صل
شغل نموده است

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْسَعِ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَفْتَحْ لِي بَابَ رِزْقِي مِنْ
عِنْدِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَتَقَبَّلْ صَوْمِي وَتَقَضِّدْ عَلَيَّ
اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ مَضَانَ وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالْمَلَائِكَةِ
أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرُزُقَنِي حُبَّ الصَّلَاةِ
وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ وَصِلَةَ الرَّحِمِ وَحُبَّ آلِكَ كُلَّمَا أَحْبَبْتَ
وَتَبِعُضَّ إِلَيْكَ كُلَّمَا سَخِطْتَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكْفَلْتُكَ بِرِزْقِي وَرِزْقِي كُلِّ
كُلِّ ذِي يَأْخِرُ مَدْعُوًّا وَيَأْخِرُ مَسْئُولًا وَيَأْخِرُ مَسْئُولًا وَيَأْخِرُ مَسْئُولًا
أَعْطَى صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنِي السَّعَةَ وَالرِّحْمَةَ وَالسَّعَادَةَ
فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **سید** سید بن طاووس در کتاب

انقضت

ایزد غانا از رسول خدا **اللهم** باسلام یا مؤمن یا مهین یا جبار یا متکبر
برای این شب روایت کرده است

يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا وَاحِدُ يَا قَرْدُ يَا عَفْوُورُ يَا رَحِيمُ يَا وَدُودُ يَا حَلِيمُ مَضَى
مِنَ الشَّهْرِ الْمُبَارَكِ التَّلَاثُ وَالتُّبْتُ أَدْرِي سَيِّدِي مَا صَعَتَ فِي حَاجَتِي
هَلْ عَفَرْتَ لِي إِنْ أَنْتَ عَفَرْتَ لِي فَطُوبَى لِي وَإِنْ لَمْ تَكُنْ عَفَرْتَ لِي فَوَيْلًا
سَوَاءَنَا فَمِنْ الْإِنِّ سَيِّدِي يَا غَفِرَ لِي وَارْحَمْنِي وَشَبَّ عَلَيَّ وَلَا تَخْذُلْنِي
وَإِقْلِنِي عَمْرَتِي وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنِّي بِعَفْوِكَ وَتَجَاوَزْ عَنِّي
بِعِزَّتِكَ إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

روزی شیخ مفید در کتاب سارا الشیعه ذکر نموده که درین روز از سال ده هجرت
سه سال پیش از هجرت خدیجه کبری هم رحلت نمود و احوال آن چند امر است **اول** سید بن
طاووس در کتاب اقبال این **اللهم** یا من بطشه شدید و عفو قدير و ملکه
دعا را برای این روز نقل نموده

مُسْتَقِيمٌ وَلَطْفُهُ شَدِيدٌ يَا مَنْ سَتَرَ عَلَى الْعَبِيحِ وَظَهَرَ بِالْمَجِيدِ وَلَمْ
يُجِدْ بِالْعُقُوبِ يَا مَنْ أَوْفَى لِلْعِبَادِ بِالتَّوْبَةِ يَا مَنْ لَمْ يَهِنِكَ السُّرُ
لِذِي الْفَضِيحَةِ يَا مَنْ لَا يَنْكُمُ مَا فِي عَدِي غَيْرُهُ يَا جَابِرَ كُلِّ كَبِيرٍ يَا مَأْوِيَّ
كُلِّ مَارِبٍ يَا غَاذِيَّ مَا فِي بَطُونِ الْأَمْهَاتِ يَا سَيِّدِي أَنْتَ لِي بِمُكَلِّ
حَاجَةٍ نَزَلَتْ فِي صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي مَا أَمْتَنِي
أَرْزُقْنِي مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا لَطِيبًا يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا رَحْمَنُ

اسْتَفْتَتْكَ امْرِي وَاصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَلَا تَكَلِّفْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةً
 عَيْنٍ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **رواه** سيد بن طاووس في **در**
آينه و نضد نموده **الحمد لله** الذي من توكل عليه كفاه **الهي انعمت علي**
استن
 فَلَمْ أَشْكُرْ وَبَصُرْتَنِي فَلَمْ اتَّصِرْ وَوَعَيْتَنِي فَلَمْ أَذْكُرْ وَأَفَلَكِ الْعَمْرُ
 فَلَمْ أَقْصُرْ وَسَتَرْتِ الْعَوْرَاتِ فَلَمْ وَهَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ الصِّيَامِ
 قِيَامٍ عَجَّتْ إِلَيْهِ الْأَصْوَاتُ فِي الْحَاوِلِ يَصُوفُ اللَّغَابِ يَسْأَلُونَكَ لِعَفْوِ
 بِالْمُنَاجَاتِ اللَّهُمَّ وَحَاجِقِ الْيَوْمِ إِلَيْكَ عَتَقْتُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ
 تَقْبَلْنِي عَلَى مَا كَانَ مِنِّي يَا مَلْجَأَ كُلِّ لَاجِئٍ مِنْ أَحْسَنِ يَا مَوْلَايَ فِرْحَانِكَ
 فَأَذْ وَ مِنْ أَسَاءَةٍ يَحْطِيئُ بِهَا يَهْلِكُ الْهَي فَلَ تَهْلِكْنِي وَأَنْتَ مَوْلَايَ وَمِنْكَ
 كَانَ رَجَائِي يَا مَلْجَأِي الْهَي قَدِ يَرْحَمُ عَبْدًا مَخْلُوفًا مَخْلُوفٍ مِثْلَهُ فَأَنْعَمْ لِي
 وَأَنْتَ مَوْلَايَ وَخَالِعِي فَأَرْحَمْنِي يَا إِلَهِي كَمَا رَحِمْتَ مَخْلُوفًا مَخْلُوفٍ
 اللَّهُمَّ وَاسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَأَنْ تَحْمِلَ خَطِيئَتِي وَأَنْ
 إِلَى نَفْسِي نَصِيئَتِي اللَّهُمَّ اعْطِنِي فِي بَوِي هَذَا أَفْضَلَ مَا اعْطَيْتَ أَحَدًا
 مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْكَرِيمِ وَالْمُعْتَمِرِينَ إِلَيْكَ أَجْمَعِينَ

استفتت

استن

اللاج

البي

الْهَي وَسَيِّدِي إِيَّيْكَ مِنْ أَحْسَنِ لَشَاءٍ إِلَّا بِإِذْنِكَ عِنْدِي أَحْسَنُ الْبَدَنِ
 الْهَي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَأَنَا وَأَفْتِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظَلَّتْ حُسْرًا التَّوَكُّلَ عَلَيْكَ
 فَأَنْظِرْ لِي بِرَحْمَتِكَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ نَظْرَةً أَفُورَ بِهَا يَبِينُ يَدَاكَ لِعَفْوِي إِلَى
 اللَّهُمَّ وَهَذَا الدُّعَاءُ الَّذِي أَمْرٌ شَابَهُ وَعَلَيْكَ الْإِجَابَةُ كَمَا ضَمِنْتَ
 يَا عَلَّكَ يَا وَفِي عَلَيْنَا الْمَسْئَلَةُ وَعَلَيْكَ الْعَطِيَّةُ وَهَذَا الطَّلَبُ عَلَيْكَ
 الْجَّالِحُ وَهَذَا الْمَجْهُدُ وَعَلَيْكَ الْكُلَانُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ
 الْأَكْرَمِينَ يَا مُسْتَهْتَبِي رَغْبَةَ الرَّاعِبِينَ وَالطَّالِبِينَ وَالْمُنْتَهِبِينَ إِنَّكَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **سُمِّيَ** صاحب كتاب **خبر**
اذا بن عباس رواه **نموده**
 اسْتَدْرَجَ رَسُولُ خَدَاةٍ فَمَرَدٌ كَرِهَ دِينَهُ وَذَانِغٌ طَارَ بِجَوَاهِرِهَا إِلَى أَسْتَفْغَارِ نَائِدٍ وَذَعَا
 اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْعَائِلِينَ إِلَيْكَ
 وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُقْتَرِبِينَ لَدَيْكَ بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ **ش**
يا محمد
 وَأَعْلَى أَنْ جَدَّ حِيَامَتِ **أول** عَشْرُونَ يَكُونُ فِيهَا شَهْرُ طَبَقِ اسْتَدْرَجَ **رواه** شيخ سديد و **در** كتاب
 اربعين از رسول خدا روايت نموده است كه هر كه درين شب دو ركعت نماز كند در هر ركعتي
 حمد بگويد و سوره الف اعطيتك الكورثيه نوب كناه آن روز را براي او نوبتند
سید بن طاووس در كتاب **قاب** گفته كه در كتب عتيقه اصحاب بار خدوا ان الله عليهم
 ادعيه شهباه و رمضان اديدم و چند دعا آنرا نسا فطر شده بود و بغير از انقل نمودم و از
 آنچه دعای **سید بن طاووس** است **سبحانك لا اله الا انت البارئ الواحد القهار الذي**
است و آن **ابن**

التائبين

عشاء

عشاء

وَأَنْتَ فِي رِضَاكَ وَالْحَيَّةَ وَجَبْتَنِي سَخَطَكَ وَالنَّارَ وَالْحَمِي قَأْتِ أَهْلُ
الْحَمِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ فَأَنْتَ أَهْلُ الْفَضْلِ وَالْفَضْلِ وَأَعْطِنِي حَوَالِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَمْنِ وَالْعَافِيَةَ وَالْعِنَى وَالْمَغْفِرَةَ وَخَلِّصْنِي
مِنْ مَظَالِمِ الْعِبَادَةِ وَاجْعَلْنِي مِنَ الرَّهَادِ وَالْعِبَادِ الْكَارِهِينَ
لِلدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنْتَ رَحِيمُ

أعني

الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ **سِيمِ** صَاحِبِ كِتَابِ
ذِيخِرٍ إِذَا بَرَعَ عِبَّاسُ
روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود که هر که این دعا را بخواند و بخواند نوشته
شود برای او ثواب حج مقبولی که با رسول خدا ص کرده باشد و دعا اینست
اللَّهُمَّ حَبِّبْ لِي فِيهِ الْأِحْسَانَ وَكَرِهْ لِي فِيهِ الْعُسُوفَ
وَالْعِصْيَانَ وَحَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَالْبِرَانَ بِعَوْنِكَ يَا عَوْثُ

الظاهرين

يعفوك

الْمُسْتَعِينِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ **سَبِّحُوا** وَانْتَبِهُوا
چند چیز است **اول** سبِّح شریفه در کتاب اربعین از رسول خدا ص روایت کرده
است که هر که درین شب هشت رکعت نماز کند هر دو رکعت یک کلام در هر رکعت
حَمْدٌ كَيْنُوبٌ وَسُورَةٌ أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فَلْيَلِ اللَّهُ الْقَدْرَ تَوْبٌ حَقٌّ غَالِي ثَوَابُ الْكَرِيمِ
وَأَبَا وَعَظْمٌ فَرْمَايد و در روز قیامت در زمزمه صابرین بخشود **دوم** سبِّح
طاهره در اقبال آواز که بعضی از اعدای سبِّحانک آیهها الْمَلِكُ الْقَدِيرُ
آن ساقط شده این دعا را برای این شب نقل نموده است
الَّذِي يَسِيرُ الْأُمُورَ وَلَا يَعْجُرُ مَا يَرِيدُ وَلَا يَنْقُصُ الْعَطَاءُ وَالْمَرْبُ اللَّهُمَّ

بما

ان

إِنْ كَانَتْ صِحْفَتِي مُسَوَّدَةً بِالذُّنُوبِ إِلَيْكَ فَأَبِي أَعْوَلٌ فِي حُجُومِي فِي هَذِهِ
اللَّيَالِي الْبَيْضِ عَلَيْكَ وَأَرْجُو مِنَ الْعُفْرَانِ وَالْعَفْوِ مَا هُوَ بِيَدِكَ فَإِنْ
جُدْتَ بِمِ عَلَيَّ لَمْ يَنْفُضْكَ وَفَرَّتْ وَإِنْ حَرَمْتَنِي لَمْ يَزِدْكَ وَعَطَبْتُ
اللَّهُمَّ فَوَقِّبْنِي بِمَا سَبَقَ لِي مِنَ الْحُسْنَى شَهَادَةَ الْإِخْلَاصِ بِكَ وَبِمَا
جُدْتَ بِمِ عَلَيَّ مِنْ ذَاكَ وَمَا كُنْتُ لِأَعْرِفَهُ لَوْلَا تَفَضُّلُكَ سَخَطَكَ وَ

أَنْبِي بِرِضَاكَ وَعِصْمَتِكَ وَوَقِّبْنِي لِاسْتِيفَانِ مَا يَدُكُ لَدَيْكَ **كُرْ**

مِنْ الْعَمَلِ وَجَبْتَنِي لَهْفَوَاتٍ وَارْتَدَّ لَدَاكَ تَحْوُ مَا تَشَاءُ وَتَشْتِ وَيَعْنِدُ

أُمُّ الْكِتَابِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا **سِيمِ**

سید در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان بنی الله را بی آسائت بمعاذنا لعن
ابی قره اسید غا را برای این شب روایت کرده است

مِنْ عَمَلِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ النَّشَاءُ

الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ فَإِنَّكَ لَا تَبِيدُ وَلَا تَسْفُدُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

عَمَلِكَ وَالْحَمْدُ وَتَقْبَلُ بَيْنَهُ وَمِنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

صِيَامِ شَهْرِ مَصَانِكَ وَفِيَامَهُ وَتَقْنُكَ رِقَابِنَا مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ قَلْبِي بَارًا وَعَمَلِي سَارًا وَرِزْقِي دَارًا

ان

وَحَوْصَ نَبِيِّكَ عَلِيًّا وَالْإِسْلَامَ لِي قَرَامًا وَمُسْتَقَرًّا وَتَجِدَ مَجِيحَ الْيَحْمَدِ فِي
عَلِيٍّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **حاجتكم** ایضا سید در کتاب ابراهیم و ابی بکر علیه السلام
در اختیار این دعا را برای نرسب از رسول خدا
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَكَ
الْحَمْدُ حَمْدًا يَبْقَى وَلَا يَفْنَى وَلَكَ الشُّكْرُ شُكْرًا يَبْقَى وَلَا يَفْنَى وَ
وَأَنْتَ الْحَيُّ الْحَلِيمُ أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِحَبْلِ لِكَ الَّذِي لَا يَرَامُ
وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُفْهَرُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي فِي رَحْمَتِي
إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **روزنامه** و **انجام** شیخ مفید در کتاب صامرا الشیعه نقل
نموده است کرد روزی در نماز بخند بر حضرت عیسی نازل شد
و در روزی در رسول خدا عقیبا خودت فیما بین مرد و نقره در صحابه تبت و خود با حضرت
اطهره منین هم صیغه اخوت خواند و اعلم آن چند چیز است **اول** سید بن طاووس روایت کرده
اقبال این دعا را برای ابن آله غارت نجوم ستمایک تا آخر اللهم انی استود
بذود فضل نموده است
وَأَسْتَحْفِظُكَ بِأَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَالنُّورُ الْعُدُوسُ
تَقْبَلِي رُوحِي وَمَرْزُقِي وَنَحْيَايَ وَمَسَانِي وَأَنْفُسَ أَهْلِ بَيْتِكَ مُحَمَّدٍ
وَأَنْفُسَ أَشْيَاعِ مُحَمَّدٍ وَجَمِيعَ مَا تَقَضَّيْتَهُ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ حَيًّا
وَمَيِّتًا وَشَاهِدًا وَغَائِبًا وَنَائِمًا وَيَقْظَانًا وَقَائِمًا وَوَالِدًا وَوَالِدَةً
وَسْتَهَانًا وَسُورًا وَجَمِيعَ الْكَرِيمِ الْحَلِيلِ الرَّبِّيعِ الْعَظِيمِ الْقَائِمِ

الخط

الْفَيْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَمُحَمَّدٌ رَسُولُهُ الْبَرُّ الطَّيِّبُ
الطَّاهِرُ صَلَوَاتُكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ يَا وَلِيَّ التَّيِّبِينَ
وَالْمُرْسَلِينَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ يَا رَبَّ وَبَيْنِكَ نَبِيِّكَ
الْمَعْنُومِ وَالسَّبْعِ الْمَشَافِي وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَبِكُلِّ مَنْ يَكْرُمُ
عَلَيْكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا سَيِّدِي مَعَ مَا تَقَضَّيْتَهُ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْنَا
فَاَجْعَلْنَا فِي حِمْلِكَ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
مؤلف گوید که ظاهر هر روز سید از دعای اللهم غارت نجوم ستمایک دعا می است که حضرت
سیدنا محمد بن صلوات الله علیه آنرا در جوف شبها میخواند و از دعا اینست
الهي غارت نجوم ستمایک و نامت عیون انامک و همدات اصیوات
عبادک و انعامک و علقته الملوک علیها انوارها و طان علیها
حراسها و اجتجبو اعتمن کیناهم حاجه اذ یبتجع منهم فاشده
و انت الهی محکم قیوم لا تاخذک سنه ولا نوم و لا یسئلك شیء
عن شیء انوار ستمایک لمن دعاک معنیجات و خزائنک غیر مغلفه
و انوار حمتک غیر جوبات و قوالدک لمن سالتک غیر محظور
بل هی سبده و لاک الهی انت الکریم الذی لا یسرک لایک من المومنین
لکها

غسلها كما مر منها بطلاق اسد **دو رکعت نماز کن** و در هر رکعتی بعد از هر سوره تیر و سبانه و
 و فل هو الله احد من الجنان و انزل عمل ثواب عظیم دارد و روایت آن در باب سیم از خزیه
 اوله که در میان اعمال مشرک طاهر و شعیان و ماء مبارک رمضان است مذکور شد
سیم شیخ شهید در کتاب اربعین از حضرت رسالت روایت نموده است که هر که در شب
 شصت هجرت نماز کند هر دو رکعت بکند در هر رکعتی **حمدی** که در سوره قل هو الله احد
 است و بجزیه بگذرد بر صراط ما نند بر فی جبهه **حمدی** سیدین طاهر و در کتاب اربعین
 از آن کتاب عین بعضی از اصحاب که ادعیه بعضی منها **الحمد لله الذي جود فلا يتجمل**
 ازان سا قطعه استغفار برای این شب نقل نموده است
و يحمله فلا يتجمل الذي من علكي من توحيد با عظم المنة و تدبني من
صالح العمل الى خيرا المنة و امرني بالدعاء فدعوتني فوجدتني عنانا عند
سلا تباري و اذ ركنته لم تبعدي بالاجابة حين بعدت اياه و لا حرميني
الا نبيا ش ما اعلمت ما لا يرضاه افا لبي عثري و فضالي حاجتي و تدارك
قيامي و عجل معونتي فراد في حجة بيذره و علما بنفوذ مشيئة
ان كلما جئت به على بعد التوحيد و نوره و ان كنت و غير موافق
له و ان كنت لان جميعه نعم اذ االقاه المرحمة و هو اللعنة
لدار البقاء التي ليست بمنقطع فيا من طاب ذلك على مختصالي برحمته
و ففتني لعل ما يقضي عن يدك في هيبه اللهم بيض اعنالي بنور الهدى
و لا تسود ما تخليتي و ركوب الهوى فاطني فبين طغي و افاريت

غسلها

غسلها

و بر سبني

ما بخله

ما يخطك بعد الرضا و انت على كل شي قدير و صلى الله على محمد
 و آله و سلم تسليما كبيرا **بخم** ايضا سيد دركمان مذکور از غار برای این شب
يا الله يا رحمن يا رب يا الله يا مهيمت
يا الله يا رب يا متكبر يا
الله يا رب يا متعال يا الله يا رب يا معيد يا
الله يا رب يا ذا الطول
لا اله الا انت يا الله يا رب يا ذا الجلال و الاكرام
يا الله يا رب يا من اظهر
الجبيد و ستر العبيح يا من لم يؤخذ
بالمجرية و لم يهنك التز
يا كريم العفو يا حسن التجاوز يا واسع
المغفرة يا باسط اليدين
بالرحمة يا خليل ابراهيم و يحيى موسى و
مصطفى محمد صل
على محمد و آله و اعقبني من التار به هذا
الشهر العظيم و لا تجعله
اخر شهر رمضان صمنه لك يا ارحم الراحمين
دسوالکن هر چه خواهی و کان
داشته باش که حق تعالی بری تو استجاب بکند اند از انشاء الله تعالی کوید که
ظاهر است که از غار این سیدان کتاب عمل شهر رمضان ابن افره رقم نقل نموده
باشد و لیکن در این مقام تصریح باین معنی کرده است و الله تعالی بکلم **سشم**
ایضا سید در کتاب مذکور و این باقی در کتاب اخبار یا جبار السموات و جبار
اذ رسول خدا ابن غار برای این شب روایت نموده
الارضین و ملکوت السموات و ملکوت الارضین و عقار الذوق
و السميع العليم العفور الحليم الرحيم المصدا المرود الذي لا شبهة

لَكَ وَلَاؤِكَ لَكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى وَالْقَدِيرُ الْقَادِرُ وَأَنْتَ التَّوَّابُ
 الرَّحِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالْحَمْدُ وَأَنْ تَعْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي
 إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ **دُورِ سَبْعِينَ يَوْمًا** **ابن دوزخون** أول أيام بيضا سنة ٢٢٠
 فضيلك منازات وعمال أن چند جزات **اول**
 سيد بطاوسه در كتاب اقبال اللهم إني أدنيتك بطاعتك وولايتك و
 ابن دغا ابراي بن وزد ذكره
 وولاية محمد نبيك وولاية أمير المؤمنين حبيب نبيك وولاية الحسين
 والحسين سبطي نبيك وسيدى شباب أهل جنتك وأدينك
 يارب بولاية علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن
 جعفر وعلي بن موسى وعلي بن محمد والحسين بن علي وسيدى ومولاي
 صاحب الزمان أدنيتك يارب بطاعتهم وولايتهم وبال تسليم بما
 فصلتهم راضيا غير منكر ولا منكبر على معنى ما أنزلت في كتابك
 اللهم صل على محمد وآل محمد وارفع عن وليك وخليفتك ولتأ
 والقار بعيطك والمعظم محبتك والمعبر عنك والتا طي محبتك
 وعينك الناظرة وأذنك السامعة وشاهد عبادك ومحبتك على
 خلفك والمجاهدين بسبيلك والمجاهدين طاعتك واجعلهم في ووليتك

الحق

التي لا تبضع وأيدهم بجندك الغالب وأعنه وأعنه واجعلني والدي
 وماؤا لداؤ وكذفين الذين ينصرونه وينصرون به في الدنيا والآخرة
 اشعبت به صدعنا وارثن به فقتنا اللهم آت به الجوز ودمه
 بمن نصب له واقصم رؤس الصلا له حتى لا تدع على الأرض منهم
 ديارا **بقره** كويدك اين دعا چون مثل براسامى مباركه همه ائمه عليهم السلام است
 پر ظاهرا انت كه اين دعا وسار ادعيه كه سيد در بسياق ايراد نموده است ان
 حضرت صاحب الامر منقول باشد ومثل است كه ناليف كى از علماء رضوان الله عليهم
 بوده باشد چنانچه عادت ايشان بوده كه ادعيه را خود ناليف ميخواندند والله تعالى يعلم
دو **بقره** سيد بن نايقه در كتاب اخبار اين دعا را براى بن وزد ذكر نموده است **بسم الله الرحمن الرحيم**
 والحمد لله رب العالمين وصلى الله على انبيائه وملكه اللهم رب
 هذا اليوم الكريم من الشهر المشرف العظيم إني أسألك أن تعود على أسأ
 بإحسانك وعلى سقهي برحمتك وعلى ذنوبي بعفرتك وعلى سيئاتي
 بتجاؤنك وعلى إفراطى بصفتك وعلى ضعفى بمعونتك وعلى فقرى بغنا
 وسعتك وعلى ثوبى بفضلك وعلى قنوطى بعبادتك وعلى عيى
 بيشرك فانك يارب ذوا الفضل العظيم والبلاء الحسن العظيم **والفضل**

الكريم يا أرحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين **سنة**
 كتاب خبره از ابن عباس روايت نموده كه حضرت رسالت باه ٢٠ فرموده كه در اين روزان دعا بخوان

عسى يسيرك

سنة

خوبی بعد هر سنگ و هر کلوخی حسنه و در حجره در پشت با وعطا فرما بد و دعا
اللهم طهرني فيه من اللبنة والافذار و صبرني فيه على كائنات
الاقذار و وقيني فيه على التقى و صحبة الابرار بعزتك يا قون المشا

تو که فصلت
خوان دعا بجز
در هر سوره و من

چهارم خواندن دعا و حجر کعبه در کتب خیر الامان و بلا امین روایت نموده است که
چهارم نازل شد بر رسول خدا در وقتی که آنحضرت در مقام ابراهیم مشغول نماز بود
و این دعا برای آنحضرت آورد و گفت هر که این دعا را در روز سیدم و چهارم هر چه بپزد
ماه مبارک رمضان بخواند کتاهان او آرزیده شود هر چند بعد قطره های باران و برك
درختان و ریگ بیابان بوده باشد و این دعا بر حجره ها و منازل هر شب نوشته شده است
و من باب فضیلت این دعا و قوت آن: نسوی آسمان بالا میرود و زمین فرود می آید و هر که
مخافقت نماید بر خواندن این دعا این خواهد بود از هر آفتی و در روز قیامت رفیق و
خواهد بود در هر شب و روی او مانند ماه شب چهارده نورانی خواهد بود و کسی که
نوزده بار در این دعا هفت نوبت بخواند بر پشت بخوابد تراد خواب می بیند کسی
کده نوبت این دعا بخواند معجوت می شود در روز قیامت رختها سوار باشد بر باقی آن
نور که زنجی از زرد سبزه بر او زده باشد و میاید تا آنکه پیش حق تعالی بیاید و اهل بیت
کان میکنند که او یکی از پیغمبران است و گوید در آنها مدام شود و درختان قلم شود و هر
و ان و مسلک نویسد که آن کردند احصا نمیتوانند نمود ثواب این دعا و خواندن این
دعا بیار را شفای بخشید و قرص را اذی منماید و فقیر را غنی میکند و غنی را ازادی
سازد و غم را از او میکند و آرزو را میبرد و از هر سلطان و مکر شیطان این میگرداند
و هر که چیزی از او شود یا مال او را از دست برد پس چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت
یک نوبت و سوره قل هو الله احد یا زده نوبت بخواند و بعد از فراغ این دعا بخواند
و در زیر سر خود بگذارد حق تعالی آن کرده شده را با او برگرداند و مال او پیدا شود و اگر موی
این دعا از روی خلاص بر مرده بخواند زنده شود یا بر کوهی بخواند از هم بپاشد کسی که
از دعا برای جان بخواند بر آورده می شود یا بر دستمینی بخواند سکونت بخند و لیس کرد
در هر صدمه برای کسی که این دعا را در نوبت بخواند حق تعالی او را با نیت حتمه عذاب نکند
پس حفظ کن این دعا را و بخوان که اسم اعظم الهی در این دعا است و تعلیم مکن این دعا را
کسی که نفی و در هر کاری نداشته باشد که مبادا این دعا را برای مطلب باطل بخواند

مستجاب شود پس حضرت فرمود که ای برادر من هر شب در سجده از تسبیحی بخواند از تسبیحی فضیلتها
این دعا بر کعبه کشد که این دعا را بنام سید می شود و اسمای حسنی الهی که خدا یون
با اینها خلق شده اند در نزد خدا خلاص است از سبب آنکه یا الله تعالی یا رحمن
و دعا این است **بسم الله الرحمن الرحیم**

آخر نام من التار یا بجز سبحانک یا رحیم تعالی یا کریم آخر نام من التار یا بجز
سبحانک یا مالک تعالی یا مالک آخر نام من التار یا بجز سبحانک یا
قدوس تعالی یا سلام آخر نام من التار یا بجز سبحانک یا مؤمن تعالی
یا مهین آخر نام من التار یا بجز سبحانک یا عزیز تعالی یا جبار آخر
من التار یا بجز سبحانک یا منکر تعالی یا متجبر آخر نام من التار
یا بجز سبحانک یا خالق تعالی یا باری آخر نام من التار یا بجز سبحانک
یا مصور تعالی یا مقدر آخر نام من التار یا بجز سبحانک یا هادی
تعالی یا باقی آخر نام من التار یا بجز سبحانک یا وقار تعالی یا تواب
آخر نام من التار یا بجز سبحانک یا فتاح تعالی یا مرناسخ آخر نام من
التار یا بجز سبحانک یا سیدی تعالی یا مولای آخر نام من التار یا بجز
سبحانک یا قریب تعالی یا قریب آخر نام من التار یا بجز سبحانک یا
مبیدی تعالی یا هادی

د

تعاليت يا مجيد اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا قدير تعاليت يا عظيم
اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا غفور تعاليت يا شكور اجزنا من
النار يا مجير سبحانك يا شاهيد تعاليت يا شهيد اجزنا من النار
يا مجير سبحانك يا حنان تعاليت يا ممتنان اجزنا من النار يا مجير
سبحانك يا باعث تعاليت يا وارث اجزنا من النار يا مجير سبحانك
يا محيي تعاليت يا مميث اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا شفيق
تعاليت يا رقيق اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا انير تعاليت يا
سولين اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا جليل تعاليت يا جميل
اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا خبير تعاليت يا بصير اجزنا من
النار يا مجير سبحانك يا حفي تعاليت يا مصلح اجزنا من النار يا
مجير سبحانك يا معبود تعاليت يا موجود اجزنا من النار يا مجير
سبحانك يا غفار تعاليت يا قهار اجزنا من النار يا مجير
تعاليت يا شكور اجزنا من النار يا مجير
نار يا مجير سبحانك

جبار تعاليت يا جلل اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا ساقب تعاليت
يا زوق اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا صادق تعاليت يا فالو اجزنا
من النار يا مجير سبحانك يا سميع تعاليت يا سريع اجزنا من النار يا
مجير سبحانك يا رفيع تعاليت يا بديع اجزنا من النار يا مجير سبحانك
يا فعال تعاليت يا متعال اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا فاضل
تعاليت يا مرضي اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا قادر تعاليت يا
ظاهر اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا عالم تعاليت يا حاكم
اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا دائم تعاليت يا قائم اجزنا من
النار يا مجير سبحانك يا عاصم تعاليت يا قاسم اجزنا من النار يا
مجير سبحانك يا غني تعاليت يا معني اجزنا من النار يا مجير
سبحانك يا قوي تعاليت يا قوي اجزنا من النار يا مجير سبحانك
يا كافي تعاليت يا شاه اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا مقدم
تعاليت يا مؤخر اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا اول تعاليت
يا اخر اجزنا من النار يا مجير سبحانك يا ظاهر تعاليت يا باطن

اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا مُرْتَجِي اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ
يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْمَنِّ تَعَالَيْتَ يَا ذَا الطَّوْلِ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ
سُبْحَانَكَ يَا حَيُّ تَعَالَيْتَ يَا قَيُّوْمُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا
وَاحِدُ تَعَالَيْتَ يَا اَحَدُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدُ تَعَالَيْتَ
يَا صَمَدُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا قَدِيْرُ تَعَالَيْتَ يَا كَبِيْرُ اِحْرَانًا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا وَاَلِي تَعَالَيْتَ يَا مُتَعَالِي اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ
سُبْحَانَكَ يَا عَلِي تَعَالَيْتَ يَا اَعْلَى اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ
يَا وَكِيْلُ تَعَالَيْتَ يَا مَوْلَى اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا ذَا رِيْضِي
تَعَالَيْتَ يَا بَارِيْ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا خَافِضُ تَعَالَيْتَ
يَا رَافِعُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا مُقْسِطُ تَعَالَيْتَ يَا حَاجِبُ مَعِ
اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا مُعَرِّدُ تَعَالَيْتَ يَا مُذِلُّ اِحْرَانًا
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا حَافِظُ تَعَالَيْتَ يَا حَفِيْظُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ
يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا فَاْدِرُ تَعَالَيْتَ يَا مُقْنَدِرُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ
سُبْحَانَكَ يَا عَلِيْمُ تَعَالَيْتَ يَا حَلِيْمُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا حَكِيْمُ

يَا رَبِّ

عَالِي

سَابِغ

تَعَالَيْتَ يَا حَكِيْمُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا مُعْطِي تَعَالَيْتَ يَا
مَنَافِعُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا صَاْرُ تَعَالَيْتَ يَا نَافِعُ اِحْرَانًا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا مُجِيْبُ تَعَالَيْتَ يَا حَسِيْبُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ
سُبْحَانَكَ يَا عَادِلُ تَعَالَيْتَ يَا فَاصِلُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ
يَا طَيِّفُ تَعَالَيْتَ يَا شَرِيْفُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا رَبُّ
تَعَالَيْتَ يَا حَيُّ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا مَا جِدُ تَعَالَيْتَ يَا
وَاحِدُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا عَمُو تَعَالَيْتَ يَا مُنْتَقِمُ اِحْرَانًا
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا وَاسِعُ تَعَالَيْتَ يَا مُوْتِعُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ
يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا رُوْفُ تَعَالَيْتَ يَا عَطُوْفُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ
يَا قَرِيْبُ تَعَالَيْتَ يَا وَثِقُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا مُهَيِّبُ تَعَالَيْتَ
يَا مُجِيْظُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا وَكِيْلُ تَعَالَيْتَ يَا حَقِيْقُ اِحْرَانًا
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا مُبِيْنُ تَعَالَيْتَ يَا مُبِيْنُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا
مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا سَبِيْرُ تَعَالَيْتَ يَا دُوْدُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ
يَا شَهِيدُ تَعَالَيْتَ يَا مُرْشِدُ اِحْرَانًا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ سُبْحَانَكَ يَا نُوْرُ

يَا نُوْرُ

يَا مُنَوِّرَ اجْرَانِ مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ سُبْحَانَكَ يَا نَصِيرَ تَعَالَيْتَ يَا نَاصِرَ اجْرَانِ
النَّارِ يَا مُجِيرَ سُبْحَانَكَ يَا صَبُورَ تَعَالَيْتَ يَا صَابِرَ اجْرَانِ مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ
سُبْحَانَكَ يَا مُحْصِيَ تَعَالَيْتَ يَا مُنْشِئَ اجْرَانِ مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ سُبْحَانَكَ يَا
سُبْحَانَ تَعَالَيْتَ يَا دِيَانَ اجْرَانِ مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ سُبْحَانَكَ يَا مُعَيْشَ
تَعَالَيْتَ يَا غِيَاثَ اجْرَانِ مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ سُبْحَانَكَ يَا فَاطِرَ تَعَالَيْتَ يَا
حَاضِرَ اجْرَانِ مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرَ سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْجَبَالِ يُبَارِكُكَ
يَا ذَا الْجَبْرُوتِ وَالْجَلَالِ سُبْحَانَكَ يَا لَإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْعَذَابِ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي
المؤمنين وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

سَيِّدِنَا

العالمين وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الوَكِيلُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ
العَلِيِّ العَظِيمِ **قوله** كَوَيْدِكَ فَمَا هُوَ إِلَّا أَنْتَ يَا مَنْ
كَمَا غَدَّكَ ابْنُ عَابِدٍ طَابَ رُؤُوسُهُمْ بِشَهَادَةِ دُرِّ سُرَّكَ كَمَا رَدَّ وَنَجَّيْتَهُ **شبه**
عَنْ ابْنِ شَبَّهٍ وَبِزَانِ بْنِ بَشِيرٍ وَفَضْلَانَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ جَدَّ جَدِّكَ **أول**
چهار رکعت نماز هر دو رکعت بیکدام در هر رکعتی بعد از حمد سوره کبریا و شبارک و قل هو
الله احد و هر یک آن در بیست و یکم از خزینه اول مذکور شد **دویم** شیخ شهید در
کتاب ربیعین از رسول خدا روایت نموده است که هر که در این شب شش رکعت نماز کند هر
کدام در هر رکعتی حمد بگوید و سوره اذ انزلت فی نوح خواتمی سکواش بر آن و هو
بر او آسان تا بد **سیم** سید زین العابدین در کتابها از کتاب شیخی که بعضی ادعای آن

ساقط شد ابْنُ عَابِدٍ سُبْحَانَكَ مِنْ جُودِ عَلِيٍّ بِرَحْمَتِهِ قَبُولِ سُبْحَانَكَ مِنْ جُودِ
برای این شب عمل نموده
إِلَى نِعْمَتِهِ وَأَيَادِيهِ وَوَلِيِّيْنَ فِيهَا لِلتَّائِبِينَ أَنْزَلْ صَبِيحَهُ وَالْمُنْأَمَلِينَ
وَقَاتِقِ حِكْمَتِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مُتَقَرِّدًا
بِحَلْفِهِ بِغَيْرِ مَعِينٍ وَجَاعِلًا جَمِيعَ أَعْمَالِهِ وَاحِدًا بِلَا ظَهْرِ عَرَفْتَهُ الْفَلَوُ
بِضَمِّ الرَّيِّ مَا وَالْأَنْكَارُ جَوَاطِرُهَا وَالنَّفُوسُ بِرَأْسِهَا وَطَلَبَتْهُ التَّخْيِيلُ
فَنَاقَهَا وَاعْرَضَتْهُ المَعْمُولَاتُ فَطَاحَهَا فَهِيَ الْقَرِيبُ السَّبْعُ وَ
أَحَاضِرُ المُرْتَقِعِ اللهُمَّ هَذِهِ أَسْوَأُ وَأَنْوَرُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِكَ وَ
أَرْضِهَا وَأَخْصَاهَا بِضَوْءِ بَدْرِكَ بَسَطْتَ فِيهَا لَوَامِعَهُ وَأَزْجَجْتَهُ
أَرْضِيكَ شِعَاعَهُ وَهِيَ لَيْلَةُ سَبْعِينَ مَضِيًّا مِنَ الصِّيَامِ وَأَوَّلُ سَبْعِينَ
بَقِيًّا مِنْ عَدَدِ الْأَيَّامِ اللهُمَّ فَوَسِّعْ لِي فِيهَا نُورَ عَفْوِكَ وَالبُطَّةَ
وَالْمَحْصَنَ عَنِّي ظِلْمَكَ سَخَطِكَ وَاقْبَضْهُ اللهُمَّ إِنَّ جُودَكَ وَنِعْمَتَكَ
يُصَلِّحَانِ رَجَائِي وَإِنَّ صِيَانَتَكَ وَمُخَاصَنَتَكَ تَكْشِفَانِ بَابِي وَمَا
أَنْتَ بِضَرِيٍّ مُسْتَفِيعٍ فَاتَّهَمْتُكَ بِالسُّقُوتِ عَلَى مَنَفَعَتِكَ وَلَا بِمَا يَنْفَعُنِي
مَصْرُورًا فَاسْتَحْتَبْتُكَ مِنَ الْمُنَاسِرِ وَضَرَبْتُكَ فَكَيْفَ تَجْعَلُنِي لِأَحَابِرَتِهِ

نِعْمَتِكَ

إلى عفو معبودي وعلى عبده مضطراً إلى عفوهم أم وكيف يستمع وقد
جاء له بهديئهم أن يجليهم ويفتح سبل صلواته كلاً إنك لا كره
يا مولاي من ذاك وأزعت وأحنا وأعطف اللهم أطوهم
اللينة بعبدك صالِح برضى مطاوبه ويهيجني في الخوف بمناسره
وأمضاها بالبعفوعتي في أول الشهر الخرم يا أرحم الراحمين
يا رحمن يا رحيم وصلى الله على محمد النبي وآله وسلم كثيراً
جاء أيضاً سيد ركنا مذکور از کتاب عمل شهر رمضان
اینجا قره این دعا برای این شب نفل نموده است
يا حي يا قيوم اللهم إني لأستألك بعلمك بشيء إني من عملك خائف
إمنا أسألك برحمته ما أسألك فصل على محمد وآله وهب لي من
طاعتك ما يرضيك عني وتفضل علي برحمتك و
ارحمني برحمتك اللهم إني أدعوك وأسألك باسمك الحسني
واسمك العظيم ووجهك الكريم وروحك القدوس وكلامك
الطيب وملكتك الدائم العظيم وسلطانك المنير قرآنك
الحكيم وعظمتك الجليل الجليل وآسمك الذي إذا دعيت أجبت

يا أرحم الراحمين

وإذا سألت به أعطيت أن تصلي على محمد وآل محمد وأن أعتقني من
النار في هذا الشهر المبارك فإني فقير منك إلى رحمتك يا أرحم الراحمين
جاء أيضاً سيد ركنا مذکور از کتاب یا ولی الاولیاء وخبارة
اختیار از دعا از رسول خدا هم برای این شب روایت نموده است
أجبارة ويا الله الأولين أنت خلقتني ولما كُشيتا وأنت أمخج
بالطاعة فاطعت سيدي محمد بن عبد الله فإني كنت أو أخطاك
أو نسيت ففضل على سيدي ولا تقطع رحابي وأمنن علي
بالرحمة واجمع بيني وبين نبي الرحمة محمد بن عبد الله صلى الله
عليه وآله وأعز لي إنك أنت التواب الرحيم **دو چهارم روز دوم**
يا رب بعض ما بينت به زيد
فصلك اختصاراً بلفظه وأعمالاً من جنسها **قول** اللهم لا تؤذني بعفوك
سيد من طوره در كتاب قال ابن دغار برای این روز ذکر نموده است
ولا تؤذني في حيلتك من أين لي الخيرة ولا يؤخذ إلا من عندك و
من أين لي النجاة ولا تستطاع إلاك ولا الذي أحسن استغنى عنك
ولا الذي سأء أخرج من قدرتك يا ربك عرفتك وأنت ذككتني
ولولا أنت ما دريت من أنت الحمد لله الذي أدعوه فيجيبني وإن
كنت بطيئاً حين يدعوني والحمد لله الذي أسأله فيعطيني وإن كنت

بجا دجین کینتقرضنی و الحمد لله الذی وکلیت لی الله فاکرم منی
 و لم یکن لی الی التالیة فی هینونی و الحمد لله الذی یحبب الی و هو عونی
 عینی اللهم لا اجید شایفا لیک الا معرفتی بانک افضل من مضد
 الیه المضطر و انسا لک مفرا بانک لک الطول و القوة و الخول و
 العذرة ان تخط عینی و زیری الذی قد حقی ظهری و تعصمتی من الهوی
 المسیط علی عقلی و تجعل لی من الذین ائجبتهم لطاعتک **ذکر سید**
 کما یخبرنا و انوار الله انک رحمتک خیر من عنک و عطیتک افضل
 من مس علی فیرحمک یا الهی و بکرمک و عذرتک و ارفیاع مکارک و
 جلال و جمک و قدرک و عظمتک و سعة فضلک اعطین خیر
 الدنيا و الاخرة فی هذا الشهر المکرم و انزفنی فی هیه شکرا و
 استعین فی هیه بطاعتک حتی اکون یوم فاقی غیثی فی حادی ذی
 اودت فی هیه امنا من هول المطیع و اکون قبل موتی المغبوط فی دار
 الدنيا بسعة الرزق و صلاح الثانی اللهم بک ارجو بلوغ رضاک
 لا یسکتی و انت یا الهی من کل شیء حسنی فانت یا الهی لا یسکتک لک

و انت یا الهی به رؤف یا رب فلک اسکت و جبهی فلک الحمد و الشکر
 علی ذلک اللهم انت ثقتی و رحمتی و الیک رجعتی و دعائی
 و انت بجاجتی عالی و غیر معلوم انسا لک یا الله ان تجعل لی من ههنا
 ایوم من عتقائک من النار و ان تجعل اسمی فی اسماء الأبرار و اجعل لی

الراحمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین **سید**
 ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا ص فرمود که هر که **سید**
 در روز دوازده عالم بخواند که یا سبحان و شهادت صلوات و دوزخ داشته است
 فیہ بالعتبات و اقلین فیہ من الخطایا و الهفوات و لا تجعل لی عرصا
 للبلایا و الافات بعبرتک یا عیز المرسلین **حاج** خواندند دعا میخوانند و در

این شب آخریالی بیض و شب نیمه ایماه و این هجرت بزم فیضیک و بکرمناز و افضلاز و در
 سائراست و اعمال و اوده در آن چنانچه از شمع و ایاات ظاهریش و چند چیز است **اول**
 غسل زبیر که از ششای طانی است و مخصوص این شب نیز وارد شده چنانچه در شمس قول گذشت
 و ایضا سید بن طاووس در کتاب قبلا از حضرت صادق روایت کرده است که در این شب
 غسل مستحب و شیخ مفید ذکر میکند که ازین گفته اند که در این شب غسل مستحب است **دو** بر شستن
 رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره تس و شاریه و قل هو الله احد
 هریک یکسوت بخواند و روایت آن در مفتی خزینة اول مذکور شد **سوم** گوید که سید بن طاووس
 در کتاب قبلا درین وجیع سهو نموده و سوره شبارک را در لیالی چهارمین ماه نقل نموده با آنکه در
 علمای رجس و سه سوره و انفال نموده است و الله تعالی بکلم **سیم** ایضا سید رکعتین گوید که
 کرد اصل گفته از اصول اصحاب و عنوان الله علیهم و بدیم که از حضرت صادق در نماز بعد از نماز

المصلین

غسل

شکر گوشت از رسول الله
 نقل شده



چهار رکعت

از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین روایت نموده که رسول خدا ص فرمود
 که هر که در شب نیمه ماه مبارک رمضان صد رکعت نماز کند هر دو رکعت بیکلام دو رکعت
 رکعتی کند کینوش و سوره قل هو الله احد ه نوب حق تعالی ده ملک را فرود کند
 که در ششمان او را از جن و انس از او دفع نماید و سی ملک فرود فرستند در هنگام وفات او
 که او را بشمارت بر هشت دهند و سی ملک را که او را از آتش جهنم ایمن کرد اندر پیرشید گویند
 که این نماز را این قره نیز در کتاب خود ذکر نموده و در روایت او چنین است که هر که این نماز را
 کند نماز او را در خواب بر بید صد ملک را که سی نفر از ایشان او را بشمارت بر هشت دهند
 و سی نفر از آنکه او را از آتش جهنم و سی نفر از آنکه او را در انداخته اند و او را نهد
 کید او را از او بکنند و شیخ طوسی رحمه در کتاب تهذیب نیز هم در روایت او را نقل نموده
 است **حجابه** شیخ شهید در کتاب جامعین از رسول خدا ص روایت نموده است که هر که
 در شب چهار رکعت نماز کند هر دو رکعت بیکلام و در دو رکعت اول بعد از سجده سوره قل
 هو الله احد صد نوب و در دو رکعت آخر بعد از حمد سوره قل هو الله احد پنج نوب
 بخواند حق تعالی کنایان او را بسیار میزد هر چند بید کند دریا و درک بیابان طالع و ستاره های آسمان
 و برك در خان باشد **سید بن طاووس** در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که بعضی از ادعیه
 آن ساقط شده از غار سبحان مقلب القلوب و الالبصار سبحان مقلب
 برای نیت نفل نموده
 اللید و التهار و خالی لآزمینه و الاعصار الجری علی مینه الاقدار
 الذی لا یبوء لشیء سواه و کلمتی یعتموق الفناء غیره فهو المحی
 الباقي الدائم تبارک الله رب العالمین اللهم قد انصفت شهر
 الصیام بما مضی من آیامه و انجذب الی تلعبه و اختتامه و ما لعد
 اعتد بها و لا اعمال من الصالحات احوال علیها سوی ایمانک و
 رجائی لک فامّا رجائی فیکدره علی صغوه الخوف منک و امّا ایما

فلا یضیع

فلا یضیع عندک و هو یوفیک اللهم فاک الحمد حین لم تفعل
 یدی عند التماسک بالعمود الوثقی و لم تشقی بمغارقینها فین
 اعتوره الشقاء اللهم فانصفنی من شهوان فالیك منها الشکوی
 و منک علیها او مثل العدوی فانک تشاء و تقدر و آشاء و لا
 اقدر و لک الیهی و سیدی مجوحا و لکن مسؤلا ترجی و نحو فایتنی
 محصی و تمنا و سیدک حلو و مره القضاء اللهم فاذقنی حلاوة
 عفوک و لا تجر عینی غصص سخطک و صلی الله علی محمد و الیه الطاهرین
 یا ارحم الراحمین **سشم** ایضا سیده در کتاب مذکور از کتاب بعد شهر رمضان
 ابن ابی قره رض ابن دعا را برای این شب نفل نموده است
 یا من اظهر الجبیل و ستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریس و لم یؤاخذ
 بهنک المستر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفره یا
 باسط الیدین یا رحیمه یا صاحب کل تجوی و منتهی کل شکوی
 یا مفید العثرات یا محیب الدعوات یا منبذ ما بالنعیم قبل استحقاقها
 یا رباة یا سیداه یا مولایاه یا غایة رغبتاه آسألک ان تصلنی

علی محمد و الی محمد و لا تشوه خلفی فی النار لیرحمت خود را سوال کن که بر آورد
 میشود انشاء الله پس سید کفر زیاد

۴۴

وَايُّهَا اللَّهُمَّ يَا مُفَرِّجَ كُلِّ هَمٍّ يَا مُنْقِذَ كُلِّ كَرْبٍ وَيَا صَاحِبَ
 كَلِّ وَجِدٍ وَيَا كَاشِفَ ضَرِّ أَيُّوبَ وَصَاحِبَ صَوْتِ يُونُسَ الْمَكْرُوبِ
 فَأَلِقْ لِي فِي مَوْجِ سُرِّيَّةِ مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُسَيِّرَ لِي فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ الَّذِي
 تُعْتَقُ فِيهِ الرِّقَابُ وَتُغْفَرُ فِيهِ الذُّنُوبُ مَا أَخَافُ عَسْرَهُ وَتُسَهِّلَ لِي
 مَا أَخَافُ حَرُوسَهُ يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُلِّ كَرْبٍ وَيَا صَاحِبِي عِنْدَ شِدَّةِ
 يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا زَوْقَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ يَا مُعِيتَ الْمُتَقَهِّرِ الضَّرِيرِ
 يَا مُطْلِقَ الْكَلْبِ عَنِ الْأَسِيرِ وَمُخَلِّصَ الْمَسْجُونِ الْمَكْرُوبِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجْعَلَ لِي مِنْ جَمِيعِ أَمْرِي فَرَجًا وَخَرَجًا وَكَيْفًا عَاجِلًا مُبْرَكًا
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مَوْلَفٌ** كَوَيْدِيكَ مَعْلُومٌ مَعْلُومٌ عَيْشُودُكَ كَلَامٌ سَيِّدِيكَ كَلَامٌ يَدُودٌ رَوَايَاتِي
 قَرَّةٌ بَدِيدَةٌ كَمَا يَزِيدُ نَهْدُ دَعَايَ سَابِقٌ بِأَنَّكَ يَا زَيْدٌ زَيْدٌ دَعَايَ دَكْرٌ
 أَسْتُ وَبِرَّهْتُمْ بَرَّهْتُمْ أَنْتَ كَرَبُّ دَعَايَ سَابِقٌ بِأَنَّكَ يَا زَيْدٌ زَيْدٌ دَعَايَ دَكْرٌ
 دَرَكْنَا بِأَقْبَالِ دَسْتِ بِنِ
بَاقِي دَرَكْنَا بِأَخْبَارِي غَارًا بِأَيِّ بَرِّشِ أَمَّحَانُ أَنْتَ سَيِّدِي أَمَّحَانُ أَنْتَ مَوْلَايَ
 اذْهَبْ لِحَالِهِ رَوَايَاتٌ مَعْرُودَةٌ اَنْد
أَكْبَرِي أَنْتَ سَيِّدِي الْعَقُودُ أَنْتَ مَوْلَايَ الْحَكِيمُ أَنْتَ سَيِّدِي الْوَهَّابُ
أَنْتَ مَوْلَايَ الْعَزِيزُ أَنْتَ سَيِّدِي الْعَرِيبُ أَنْتَ مَوْلَايَ الْوَالِدُ أَنْتَ سَيِّدِي

خائفي

الفاه

الْفَاهُ أَنْتَ مَوْلَايَ الصَّمَدُ أَنْتَ سَيِّدِي لَعْنَةُ مَوْلَايَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَاعْفُ عَنِّي وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي إِنَّكَ أَنْتَ الْأَجَدُّ الْأَعْظَمُ
هشتم زیارت حضرت امام حسین در روایت آن در اعمال شب اول مذکور شد و آن روزه
 اگر چه مخصوص کسی است که نزد فرزند آن امام مطهر حاضر باشد ولیکن بهتر آنست که کس
 بلاد بعید نیز از فضیلت محروم نباشد و چون زیارت مخصوصی در روایت ذکر شده از نزد دیگر
 در زیارات مطلقه منقول زیارت نمایند **سید بن طاووس** در کتاب اقبال سید خود از حضرت
 امام جعفر صادق در حدیث طولانی روایت کرده است که کسی بخندم آن بزرگوار عرض نمود که
 چه میفرماید درباره کسی که در روز قیامت حضرت امام حسین حاضر باشد در شب نیمه
 ماه مبارک رمضان پس حضرت فرمود چه کسی که نزد قبر مبارک آن امام رفیع القادوس
 نیمه ماه رمضان بعد از نماز عشاء غزلی نماز شب ده رکعت نماز کند هر دو رکعت بیکلام و
 هر رکعت چهل کیسوت و سوره قل هو الله احد و نوب و سپاه بر دعای عالی از آتش حق تعالی
 از جهل آنرا و شدگان از آتش جهنم نوسید و نبردند در خواب بر بند ملک چند را که او را
 بر پشت بشمارت میدهند و ملک چند را که از آتش جهنم او را ایمن کرد اند **مؤلف** گوید که
 این عمل مخصوص کسی است که در رکبای معنی حاضر باشد **روز یا هر روز** این روز آخر ایام صیوم
 و روز نیمه ایامه و باین جهت فضیلت عظیم دارد و شیخ مفید رحمه در کتاب سارا الشیعه
 ذکر نموده است که درین روز در سال سیم از هجرت حضرت امام حسن مجتبی هم منوّل شده و در
 سال نود و پنج از هجرت حضرت امام محمد تقی هم منوّل شد و این روز سوره مؤمنان است
 و مستحبات در آن تصدق کردن و بعد آوردن خیرات و بسیاری شکر حق تعالی بجهت
 ظاهر شدن رحمت خداوند الملیان خلیفه مؤمنان و فرزند پیغمبر آخر الزمان و ظاهر
 آنست که روایتی درین باب بنظر او نرسیده باشد بلکه بحجت برکت این روز همه اعمال خیر
 در آن فضیلت دارد و چون این روز بزرگوار منسوب زیارت ایشان نیز در آن است
است و اعمال آن چند امر است اول سید بن طاووس **یا ذا المین و الاخوان یا ذا**
در کتاب اقبال این دعا برای این روز ذکر نموده است
أَجْدَلِي وَالْإِسْكَرَامِ يَا ذَا الْمَجُودِ وَالْإِفْضَالِ يَا ذَا الْعُلُوكِ إِلَى الْإِلَهِ الْإِلَهِ أَنْتَ
ظَهَرْنَا لِلدَّاهِيَةِ وَأَمَانَ الْمُخَافِينَ إِنَّ كُنْتَ كَتَبْتَنِي فِي أُمَّ الْكِتَابِ سَقِيًّا

فضلك و اولیای
 حضرت امام حسین
 در این شب

که گفت از حضرت
 سید بن طاووس
 نقل شده است
 که هر کس در روز
 قیامت امام حسین
 را در خواب
 ببیند

تصدق کردن
 در این روز
 فضیلت عظیمی
 دارد
 امام علی علیه السلام
 فرمودند
 که هر کس در این روز
 دعا بخواند

فَاكْتُبْنِي عِنْدَكَ سَعِيدًا مُوَفَّقًا لِلْخَيْرِ وَالْمَعْرِضَ الشَّقَاءِ عَنِّي فَانْتَكَ
قُلْتَ فِي الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلْتَ عَلَيَّ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيَّ وَالْإِبْرَاهِيمَ اللَّهُ
مَا نَشَاءُ وَيُثَبِّتْ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ اللَّهُمَّ ارزُقْنِي طَيِّبًا وَاسْتَعْمَلِي
صَالِحًا اللَّهُمَّ ائْتِنِّي عَلَى بِرِّ الرَّزْقِ الْوَاسِعِ الْحَدَالِ الطَّيِّبِ بِرَحْمَتِكَ
تَكُونُ لَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ وَتَكُونُ لِي عِنِّي عَنْ خَلْفِكَ خَالِصًا لَيْسَ لِأَحَدٍ
مِنْ خَلْفِكَ مِنْهُ مَنْ عَمِيرِكَ وَاجْتَمَعْنَا فِيهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا تَقْضِجْنِي
يَوْمَ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ السَّعَةَ فِي الدُّنْيَا وَاعْوْذُ بِكَ مِنَ الرَّقَبِ
فِيهَا وَأَسْأَلُكَ الرَّهْدَ فِي الدُّنْيَا وَاعْوْذُ بِكَ مِنَ الْحَرِّ عَلَيْهَا وَأَسْأَلُكَ
الْعَيْشَ فِي الدُّنْيَا وَاعْوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ فِيهَا اللَّهُمَّ إِنْ كَسَبْتُ عَلَى نَفْسِي
الدُّنْيَا فَزَهِّدْنِي فِيهَا وَإِنْ قَرَّبْتَ عَلَيَّ رِزْقِي فَلَا تُرْعِبْنِي فِيهَا دور سید
کتابا خیارا این عازا بوا اللَّهُمَّ يَا وَهَّابَ الْخَيْرَاتِ وَهَبْ لِي شَوْقًا إِلَى الْفَاتِكِ
این روز ذکر محمود است

وَأَخِيرَ فِي الْمَعَادِ إِلَيْكَ وَأَمِنْ لِي مِنْ فَرَجٍ يَوْمَ الْعِيَمَةِ فَاقْتَحِرْ لِي بِبَيْتِكَ
وَاعْتِنِّي عَلَيْهِ وَأَذِلِّي لِي إِلَيْهِ وَوَقِّفْنِي لَهُ وَخُذْ بِنَا صِيْبِي وَيَدِي وَ
قَلْبِي إِلَيْهِ اللَّهُمَّ وَهَذَا يَوْمُ الضَّعْفِ مِنْ شَهْرِكَ الْمُكْرَمِ الْمَشْرِقِ
الْمُعْظَمِ فَحَضِّرْ نَبِيَّنَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكِرَامَةِ الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ وَاعْتِنِّي فِيهِ مِنَ النَّارِ وَاعْطِنِّي نَفْسِي تَقْوَاهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ
مَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَاعْطِنِّي مُحَمَّدًا وَالْحَمْدُ وَشِيعَتُهُمُ وَالْمُسْلِمِينَ وَ
الْمُسْلِمَاتِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَشَبِّحْنِي وَ
اقْبَلْ مِنِّي وَاعْصِمْنِي وَوَقِّفْنِي فِيهِ عَنِ عَظِيمِ الْأَوْزَارِ وَسَيِّئَاتِ
الْأَعْمَالِ وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَجَبِّلْنِي وَرَبِّبْنِي وَحَبِّبْنِي وَأَصْلِحْ
كُلَّ فَاْسِدٍ مِنِّي وَصَلِّ عَلَيَّ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ
وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيْي وَلِوَالِدَيْهِمْ وَالْمُؤْمِنِينَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَارْحَمْنِي لَنَا فِي هَذَا
الْيَوْمِ بِمَا خَمَمْتَ بِهِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَخِيَارِ خَلْقِكَ
وَجَنَّتْنَا مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَارْحَمْنِي

خَوَائِحِ الْأَخِرَةِ وَالْأَمْنِ وَالْعَافِيَةِ وَالْعَيْنِ وَالْمَعْرِفَةِ
وَأَصْلِحْ لِي بِبَنِي كَمَا حَبَّبْتَ وَتَرَضَيْ وَخَلِّصْنِي مِنْ مَظَالِمِ الدُّنْيَا
وَأَهْلِهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

سنت صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که هر که در روزه و زان در غار بخواند و بگوید
مَشَاءَ خَاجِنِ الْجَمْرِ دُنْيَا وَبَيْتِ حَاجِبِ الْأَخْرَجِ أُخْرَجَ أَوْ بَرَأَ رُوحَهُ وَدَرَجَتُهُ الْمَقْدُوسِ هَذَا
در جوابی است از نوم در رختند برای او بنا کرد که در هر شهری هر روز باشد و در هر روز هر روز
حج و نماز و در هر چیزی چند که نفسها مان خواهد شد داشته باشد و چشمها از آنها لذت برد و آن
شخص بدان شهرها بخشد باشد **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ وَأَشْفِقْ فِيَّ يَا**

در غار است
خارج از دنیا
و بر او برود
بیر

إِنَابَةِ الْخَائِبِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِبِينَ جَاهِزٌ خواندن دعای مجرب در روز سیزدهم مذکور
شد **شش مرتبه** و اما آن چند امر است

اول شیخ شهید در کتاب بهیمن از حضرت بهیمن روایت نموده است که هر که در روزه دو بار
بگوید نماز کند هر روز در رکعت سیکلام در هر رکعتی **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ الْمَلِكُ الْكَافِرُ الْكَافِرُ الْكَافِرُ**
تبریز آن آید و ناز و آواز بلند کند که **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ تَأْوِيلُ**
هر شب شود و حساب **مؤلف** گوید که کفصیح دین و وضع در حجت الايمان نیز سه روز در نفل مؤدیه است
و **سُورَةُ الْمَعْمَرِ** که در هر روز و نوبت نفل مؤدیه است **دو مرتبه** سید بن طاووس در کتاب
از کتاب عینی که در بعضی از شبهای ایامه از آن سلف شده این دعا را برای او شریف نموده است
اللَّهُمَّ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَعَبَدُ بِتَوْفِيقِكَ وَتُحَدِّدُ بِحُدُودِكَ لَمْ أَرَيْتَ
عَيْرَكَ وَظَهَرْتَ عَيْرَكَ وَبَعَيْتَ إِثَارًا مَأْضِينَ عِظَةً لِلْبَابِتِينَ وَالشَّهَوَاتِ
غَالِبَةً وَاللَّدَائِقَ مُجَادِبَةً تَغْفِرُ ضَمْرَكَ وَتَهْمِكُ لِبُؤْسِ الْإِخْتِيَارِ وَ
الْعَيْنِ عَنِ الْإِسْتِصَارِ وَتَمِيلُ عَنِ الرَّشَادِ وَتَسْأِرُ طُرُقَ السَّدَادِ فَلَوْ تَحَدَّ

نمانده است

لایق است

لَا تَنْقُتْ وَمَا ظَلَمْتَ لَكِنَّكَ تُمْهَلُ عَوْدًا عَلَيَّ بِدِكَ بِالْإِحْسَانِ وَتَنْظُرُ
تَعْتَدُ لِلرَّافِقِ وَالْإِمْنَانِ فَكَمْ مِنْ أُنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَمَكَّنْتَهُ أَنْ يَتَوَسَّلَ
كَفَرَ الْحَوْبِ وَأَرَسَدَتْهُ الطَّبَقِ بَعْدَ أَنْ تَوَعَّلَ فِي الْمَصِيقِ فَكَانَ صَاحِبًا
لَوْ لَا هُدَايَتِكَ وَطَائِعَاتِي تَخَلَّصْتَهُ دَلَامُكَ وَكَمْ مِنْ وَسَعَتْ
لَهُ فَطَنِي وَرَأَيْتُكَ لَهُ فَاسْتَشْفَى فَأَخَذْتَهُ أَخَذَ الْإِسْتِغَامِ وَحَدِّدْ
جُدَادَ الصِّرَاطِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنْ رَحْمَتِ عَمَلَةٍ
وَعَفْوَتِ رَحْمَتِ اللَّهِ وَرَحِمْتَ عَفْوَتَهُ وَأَخَذْتَ إِلَى طَاعَتِكَ نَاصِيَتَهُ
وَجَعَلْتَ إِلَى جَنَّتِكَ أَوْسَدَ وَإِلَى جَوَابِكَ رَجْعَتَهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَسَلَّمَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **سنت** ایضا سوره در کتاب ایضا
علی شهر رمضان تا نوزدهم و این دعا را برای آن شریف
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْهَيُّ وَالْجَبُّ وَالْجَبُّ حَاطَةُ وَبِهِ إِلَيْكَ فَاقْرَأْ وَلَا أَحَدًا إِلَيْكَ شَافِعًا
وَلَا مُسْتَعِينًا أَوْجِبْ فِي تَعْبُورِي وَلَا أَعْظَمُ وَطَلَّوْ عَيْنِي مِنْكَ فِي تَعْظِيمِ كَرَمِكَ
وَتَعْظِيمِ آسَمَائِكَ وَإِقْرَأْ رِزْقَ إِلَيْكَ مِنْ يَدِي خَوَائِجِي بَعْدَ ذِكْرِي نِعْمَتِكَ
عَلَيَّ يَا فَارِغِي لَكَ وَمَدْحِي يَا أَيْدِي وَسَائِي عَلَيْكَ وَتَقْدِيسِي مُحَمَّدَكَ وَسَبْحِي
مُدْسَكَ الْحَمْدُ لَكَ يَا أَوْجِبْ عَلَيَّ مِنْ شُكْرِكَ وَعَسِّرْ فَنَسِي مِنْ نِعْمَتِكَ

وَاللَّبِثُ بَيْنَ مِنْ غَافِيَتِكَ وَأَفْضَلُكَ عَلَيَّ مِنْ جَزِيلِ عَطِيَّتِكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ
 سَيِّدِي أَنْتَ لَمْ تَشْكُرْهُ لَأَزِيدَكَ كَرَمًا وَلَمْ تَكْفُرْهُ لَأَعَذِّبْكَ عَذَابًا لَشَدِيدًا
 وَقَوْلُكَ صِدْقٌ وَوَعْدُكَ حَقٌّ وَقَوْلُكَ سَلْبِي وَإِنْ تَعَلَّقُوا نِعْمَةَ اللَّهِ
 لَا تَحْضُوهُمَا وَقُلْتَ أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً وَقُلْتَ ادْعُونِي
 حَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ فِي السَّيِّئِ عَظِيمَةٍ وَعِنْدَكَ عِنْدَهُ قَدِيمٌ وَ
 هُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ
 عَزِيزٌ وَنَجَاؤُكَ عَنِ خَطِيئَتِي وَصَفْحُكَ عَنِ ظُلْمِي وَسَرَكَ عَلَيَّ وَيَسِيرٌ
 عَلَيَّ وَجَلَدُكَ عَنِ كِبَرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَايَا وَعَمْدِي أَطْمَعِي
 فَإِنْ أَسَأَلْتُكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُ مِنْكَ فَصَرِّفْ أَدْعَاؤِي وَأَسْأَلُكَ
 مُسْتَأْنِبًا لِأَخَائِقِي وَلَا وَجِلًا مِدًّا عَلَيْكَ فِيمَا صَدَقْتَ فِيهِ إِلَيْكَ
 فَإِنْ أَطَاعَتِي عَنَيْتُ بِجَهْلِي وَعَلَلْتُ لَذِي أَطَاعَتِي هُوَ خَيْرٌ لِي بِعِلْمِكَ
 بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرْمُولِي كَرِيمًا أَصْبِرْ عَلَيَّ عَبْدًا لِي مِنْكَ عَلَيَّ
 يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْجِبْ عَنكَ وَتَحَبَّبْ لِي فَاتَّبِعْ لِيكَ وَتَتَوَدَّدْ

إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ شَعْرًا لَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ
 الرَّحْمَةِ فِي الْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَالْتَفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ
 فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَعِذْ عَلَيْهِ
 بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ وَجُودِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ **سَيِّدُ بَطَانَتِي**
دركنا بقبال وسيدنا بانه
دركنا بخيار يزيد عارا برای ایزد يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
از رسول خلاصه روایت نموده اند
 يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ
 يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ
 عَفُورُ يَا عَفُورُ يَا عَفُورُ يَا عَفُورُ يَا عَفُورُ يَا رَوْفُ يَا رَوْفُ يَا
 رَوْفُ يَا رَوْفُ يَا رَوْفُ يَا رَوْفُ يَا رَوْفُ يَا حَتَانُ يَا حَتَانُ
 يَا حَتَانُ يَا حَتَانُ يَا حَتَانُ يَا حَتَانُ يَا حَتَانُ يَا حَتَانُ
 يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ
أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ وَفِي شَأْنِهِمَا وَأَعْمَالُ أَنْ جِنْدِ أَمْرَتِ **أَوَّلِ سَيِّدِ بَطَانَتِي**
دركنا بقبال ایزد عارا برای ایزد ذکر نموده است
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي نَجْمِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ رِزْقِي وَبَارِكْ لِي فِي مَآزِنِ قَلْبِي وَلَا تَحْجُبْ عَنِّي
 إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَبَارِكْ لَنَا فِي رِزْقِكَ وَأَغْنِنَا

عَنْ خَلْقِكَ وَلَا تَحْرِمْ نَارَ فَدَكَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ السَّعَةَ مِنْ طَيْبِ
 رِزْقِكَ وَالْعَوْنَ عَلَى طَاعَتِكَ وَالْقُوَّةَ عَلَى عِبَادَتِكَ اللَّهُمَّ
 عَافِنَا مِنْ بَلَائِكَ وَارزُقْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَاصْفِنَا شَرَّ خَلْقِكَ
دو مرتبه سید براتی در کتاب بخیر اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَنْزَلَ الْقُرْآنَ مُصَدِّقًا لِمَا
 بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ
 الْفُرْقَانَ يَا مَنْ يُصَوِّرُنِي فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ يَا مَالِكَ الْمَلِكِ نُورِي الْمَلِكِ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ
 الْمَلِكِ مِنْ تَشَاءُ وَتَعْرُفُ مَنْ تَشَاءُ وَتُدَلُّ مَنْ تَشَاءُ سَبِيكَ الْحَيُّ
 أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ نُورِي اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَنُورِي النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
 وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ
 حِسَابٍ يَا مَنْ صَطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَالزُّمَيْرَانَ عَلَى
 الْعَالَمِينَ قَدْرِيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ يَا مَنْ تَكُنْ حَسَنَةً
 يَضَاعِفُهَا وَيُؤْتِي مِنْ لَدُنْهِ أَجْرًا عَظِيمًا يَا مَنْ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا
 فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا

ان ت

يَا مَنْ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ أَنْزَلَهُ بَعِيْلِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا
 يَا مَنْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُفِيقُ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا مَدَحْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَبِعَظِيمِ أَسْمَائِكَ أَنْ تُنْقِذَ
 صُلُوبِي وَنَفْسِي وَقِيَامِي وَصَدَقَتِي وَتَصَرُّعِي لِيَتِكَ وَخُصُوعِي بَيْنَ
 يَدَيْكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَفِي سَهْرِي هَذَا وَفِي مَا قَبْلَهُ وَفِي مَا بَعْدَهُ وَتَرْزُقَنِي
 خَيْرَ مَا رَزَقْتَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ
 عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **سَمِعَ** صَاحِبِ كِتَابِي حِينَ إِذَا بَعَثْتَهُ وَأَنَا
 مُنَوَّدَةٌ اسْتَكَرْتُ سُلُوكِ خِدَامَتِهِ وَبُودُ كَرَمِهِ كَرَمِي وَبُودُ
 إِزِيدَ عَارًا بِخَيْرٍ مَعْنَى عَلِيٍّ يَا عَظَمَاءُ كُنْتُمْ دُرُوزِي كَمَا أَفْرَجُوهُ بِرَبِّهِمْ أَيْدِيَهُمْ عَدُوِّهِمْ وَخَشَنَهُ كَرَمِي وَشِيءَ أَنْ
 رَاهُ رُودٌ وَحَكْمُهُ كَرَمِي وَشَيْءٌ كَرَمِي سَوَامٍ شُودُ وَازْشَرَابِ بِشَبِّ سِيرَابِ شُودُ وَطَائِفِي
 اللَّهُمَّ وَقَفْتَنِي فِي عَمَلِي لِأَبْرَارٍ وَجَنَّتَنِي فِيهِ مُوَافَقَةُ الْأَسْرَارِ وَأَوْفِي رَحْمَتِكَ

بِهَذَا الْقُرْآنِ يَا لَوْ هَيَّيْتُكَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ **شَهِيدًا** سَمِعَ مِنْ شَيْءٍ بَرِيدٍ فَضِيلِكَ
 مَحْضُ صَوْلَاتِكَ ذِكْرًا كَرَمِي رَازِي شَبِّ سَلَامًا
 وَكَفَارَتِكَ بِكَرَمِي بِرَبِّهِمْ دُرُوزِي وَرُوحِي عَمَلًا زَانِيًا زَانِيًا وَرُوحِي سَائِقِي فِيهِمْ نَجْمِي وَرُوحِي
 كَرَامَتِي وَرُوحِي عَمَلًا أَنْ جَنَّدَ مَرَامَتِي **أَوَّلُ** عَسَلِ ذِكْرِكَ كَرَمِي شَبِّهَا بِطَائِفِي اسْتَكَرْتُ وَنَجَسْتُ بِهَا بَرِيدِي فَضِيلِكَ وَأَرْغَمْتُ
دو مرتبه سید براتی در کتاب بخیر ایزد عارًا بخیر معنی علی یا عظماء کنت در روزی که از فرج خود بیرون آید نور عدو دشمنه کرم و شیی آن
 راه رود و حکم که بشود و شیی که سوار شود و از شراب پیش سیراب شود و طائیفی
 در راه هرگز رجا با و کرامت بر ما **سَمِعَ** سید بن طاووس در کتاب اقبال از یکی از ائمه علیهم السلام
 روایت کرده است که فرمود در این شب کرمه مسلمانان و کفار در برابر یکدیگر بر سر سیدند و در
 نقلی که سید بن طاووس عظیمه خود را در باره دوستان خود ظاهر کرده است و در آن شب این دعا

اهدای فیروز

عسل

نماز در این شب

يا صاحب محمد صلى الله عليه واله يوم حنين ويا ميرا الجبارين ويا غاصم
التيبين أسألك بيسر القرآن الحكيم وبطة وسائر القران
العظيم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تهب لي لليلة ناسيداً
تشد به عضدي وتشد به خلتي يا كبري أنا المقترب بالذنوب
فأفعل به ما تشاء لكن يصيبني إلا ما كتبت لي عليك توكلت
وأنت حسبي حسبي و أنت رب العرش الكبري اللهم اني أسألك
خير المعيشة ابداً ما أقيمتني بعة إلى انفضاء آجلي انقوى بها على
جميع حوائجي وأتوسل بها إليك من غير أن تفينني بأكثر فاطني
أو تفتني علي فاشغني ولا تشغلني عن شكر نعمتك وأعطيني عني
عن سدار خلفك وأعوذ بك من شر الدنيا وشر ما فيها اللهم
لا تجعل الدنيا لي سجنًا ولا تجعل في قلبي حزنًا أخرجني عن فنتها
إذا كانت لو فاء خير لي من حيوت مقبول لا عمل لي إلى دار الحيوان ومكان
الاخيار وأعوذ بك من أزلها و سطوان سلطانها و بغي بنائها اللهم
يسوء من أرادني فأرده ومن كاد في قلبي واكفني هم من أدخل علي

همته وصدق قولي بفعلي وأصلح لي خالي وبارك لي في أهلي و
مالي وولدي وإخواني اللهم اغفر لي ما مضى من ذنوبي و
اعصمني فيما بقي من عمري حتى ألتقك وأنت عني راض وحواسج
سؤالك وسعدان سجد وجهي الفاني الباقي لموتك الحاسب
المدني الخاطيء لو جهك الكريم الباقي للذات الغمورا الرحيم
سبحان ربّي الأعلى وبحمده استغفر الله وأتوب إليه
والله رب هذه الليلة العظيمة لك الحمد كما أعطيت
مؤمنها وى الهلكة والتمسك بحبال الطلعة والنجود لطاعتك و
الرؤ عليك أمرك والتوجه إلى غيرك والزهد فيما عندك والو غبة
فيما عند غيرك مما مننت به علي ورحمة رحمتي بها من
تحريمي سالف عيني ولا استخفاف لما صنعت لي فاستوجب
معي الحمد على الدلالة على الحمد واتباع أهل الفضل والمعرفة
والصبر بابواب الهدى وكولاك ما اهتديت إلى طاعتك ولا
عرفت أمرك ولا سلكت سبيلك فلك الحمد كثير ألك المن فاضلاً

اللَّهُمَّ ثَبِّتْ رَجَاءَكَ فِي قَلْبِي واقطع رجائي عن خلقك حتى لا أرجو
 أحدا غيرك يا رب العالمين اللَّهُمَّ وفي سفرى وفي أهلى فأخلفنى
 وفيها رزقتنى فبارك لى وفي نعيمى فدد لى وفي عين الناس فعظمتنى
 ورايتك يا رب محببتى وفي صلاح الأعمال فتوفى بسوء عملى
 فلا تثبلى وليسر لى فلا تفضحنى وبتدردنوبى فلا تتخذ لى واليك
 يا رب أشكو عرجى وبعقد دابرى وقلة معرفتى وهوانى على الناس يا
 أرحم الراحمين **دو** سيدى باقى در كتاب خيام اللَّهُمَّ قبلى عبدك يوم
 ایزد عالم براى ایزد و ز نفل نمود است
 تبعث عبادك وأعد فى من عبادك وسوء حسبانك اللَّهُمَّ اذى أسألك
 حسن المآب وحسن الثواب والأمن يوم العقاب والتسليم يوم
 الحساب يا من خلق السموات والأرض وجعل الظلمات والنور يا من
 يعلم السر والجهر ويعلم ما تكسبون يا من لا يكون له فى الليل والنهار
 وهو السميع العليم يا من يقضى الحوائج وهو خير الفاصلين يا من يرد
 مفاتيح الغيب يعلمها الأملو ويعلم ما فى البر والبحر ويا من له الملك
 هو أسترع الخائسين اللَّهُمَّ اذى أسألك بما مدحت به نفسك و

سألتك

سألتك به أن لا تدع لى نبال الأعززة ولا عيب الأسترزة ولا غمها الأملو الجنة
 ولا همها إلا كسفتها ولا أمرا إلا أصلحها ولا حزنا إلا أذهبته ولا
 سقمها إلا شفىته ولا حاجة إلا قضيتها ولا أمانة إلا أديتها ولا
 لافاقه إلا أسدذتها ولا عورة إلا أسترتها ولا ضيعة إلا أحفظتها
 ولا كربة إلا أفرجتها ولا عثرة إلا أفلتها واجعل لى من عتقائك
 فى هذا اليوم من النار برحمتك يا أرحم الراحمين وصلى الله على

سيدى نا محمد والى الطاهرين **سبعم** صاحب كتاب ذخيرة ابراهيم و ايت
 عموده است كه رسول خدا م فرمود كه هر كه در اين روز
 ايزد عالم بخواند نمازى شود مجدد الله و اهدى فيه لى لى الاعمال و افضل
 اذى ان كاران باشد و دعا ايت

لى فيه الحوائج والأمان يا من لا يحتاج الى التفسير والشؤال يا عالميا

صدور الصامتين صلى على محمد والى الطاهرين **شعب** و اعلم
 ان چند چیز است اول

شعب ستره در كتاب اربعين از رسول خدا م و ايت نمود است كه هر كه در اين شب چهار كعبه
 نماز كند هر در ركعت سبى سلام در هر ركعت حمد كينوب و سورة انا اعطيناك الكوش
 بيت و بچونوب ملك موت در هنگام قبض روح او را بشارت دهد كه حق تعالى ازاو رضى
دو سيدى طاوسه و در كتاب اقبال او كتابى كه ادعيه بعضى از شهبانان آن ساقط شده است
 ايزد عالم براى ايزد و ز نفل نمود است
 نفل نمود است

فى مثل ذلك اخصى كل شى عددا و خلقه و جعل له امدان كل

العالين
 نماز شب

ما يرجى مما لا يرى عليك الا وجهه له الحوكمه وايه ترجعون وسبحنا
الله الذي قهر كل شئ بحجرويه واستولى عليه بعد ربه وملكه
بعزته سبحان خالقي ولم اك شيئا الذي كفاني برحمته وعذابه
بينهم وفتح لي في عظيمه ومن علك بهدايتهم بما الهمني من
وخلائيقه والتصديق بانبيائه وخالقي رسالته وبكفيه المنزلة
على ربه الموحية بحجته الذي لم يجدني محجودا ولم يسلمني
الى عنود وجعل من اكاره انبيائه صلى الله عليهم ارومى
ومرانا فضلهم تبعني وخالقهم صلى الله عليهم اللهم لا
تدلك بيني ما اعزتك ولا تصعني بعد ان رفعت ولا تحد لي بعد
ان نصرت واطوب مظاوي هذه اللينة ذنوبي مغفورة وادعيتني
مشوعة وقراني مقبولة انك على كل شئ قدير وصلى الله على محمد
التي واله وسلم تسليما اسم ايضا د كتاب بذكر اركان عمل شهر رمضان
ابن الجوزي ابن د طار ابري اربش فضل عمده است
اللهم لك الحمد كما حمدت نفسك وافضل ما حمدك الحمادون
من خلقك حمدا يكون ارضى الحمد لك واسحق الحمد عندك و

اوجب الحمد اليك وافضل الحمد لك واقرّب الحمد منك و
اوجب الحمد جناء عليك حمدا لا يبلغه وصف واصف ولا
يذكره نعت ناعية ولا وهم متوهّم ولا فكر متفكير
حمدا يضعف عنه كل ايد من في السموات والارضين
ويضعف عنه وعن حدوده ومنتهاه جميع المعصومين المؤمنين
الذين اخذت ميثاقهم في كتابك الذي لا يغير ولا يبدا لرحمدا
يتبعي لك ويذوم معك ولا يضل الا لك حمدا يعلو حمد كل
حامد وشكر يحيط بشكر كل شاكر حمدا يفي مع بقائك و
يزيد اذا رضيت ويمني كلما شئت حمدا خالدا مع خلوقك
ودائما مع دوامك كما فضلنا على كثير من خلقك ولما
وهبت من معرفتك وصيام شهر رمضان اللهم اني اسالك
بمقام محمد وبمقام انبيائك عليه وعليهم السلام ان تصلي
على محمد وال محمد وتقتل صومي وتصرف الحى والى اهلي وولي
واهل بيتي ومن يعينني امره والى جميع المؤمنين والمؤمنات

مِنْ صَدِّكَ وَرَحْمَتِكَ وَغَافِيَتِكَ وَنِعَمِكَ وَبِرِّكَ فَاِنَّ الْهَبِيْعِي الْمَرْيَمِي الْهَبِيْعِي
 تَجْعَلُهُ صَلَاحًا لِدِينِنَا وَقَوَامًا لِآخِرِنَا **بِحَمْدِكَ** سَيِّدِنَا **طَاوِسُ** دَرْكَنَا
 اِقْبَالَ وَسَيِّدِنَا **بِحَمْدِكَ** دَرْكَنَا لِيُخَيَّرَ
 اَبْنُ عَامِلِ بَرَايَ نَرْشِدَ رَحْمَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَرَّمَنَا بِشَهْرِنَا هَذَا وَانزَلَ
 رَسُوْلًا كَرَّمَ رَوَايَتَ عَمُوْدِهِ اَلدِّ
 عَلَيْنَا فِيهِ الْقُرْآنَ وَعَرَفْنَا حَقَّقَهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الْبَصِيْرَةِ قَبُوْر
 وَجَمِيْعِ يَا اَلْحَمْدُ وَاللهُ اَبَاؤُنَا الْاَوْلَادُ لِيْنِ اَمْرُنَا فِيهِ التَّوْبَةُ وَلَا تَخْلُقْنَا
 وَلَا تَخْلِفْ ظَنَّنَا اِنَّكَ اَجْمَلُ الْمَجْتَبَرُ **رُؤْيُ** دَرْكَنَا **بِحَمْدِكَ** دَرْكَنَا
 اَوَّلُ سَيِّدِنَا **طَاوِسُ** دَرْكَنَا **بِحَمْدِكَ** دَرْكَنَا لِيُخَيَّرَ
 دَرْكَنُ دَرْكَنُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ الظُّلْمَةَ كَفَرُوا بِكِتَابِكَ وَحَجَّكَ وَايَاتِكَ فَكَلِّبْنَا
 رُسُلَكَ وَشَرَعُوا غَيْرَ مَسِيكٍ وَسَعَوْا بِالْفَسَادِ فِي اَرْضِكَ وَقَعَا وَنُؤ
 عَمُوْدِهِ اَلدِّ
 عَلَى اَطْفَانٍ نُوْرِكَ وَسَنَاقُوْ اَوْلَادٍ اَمْرِكَ وَالْوَالِدِ اَعْدَاءَكَ وَعَادُوْ
 اَوْلِيَاءَكَ وَظَلَمُوْ اَهْلَ بَيْتِكَ اَللّٰهُمَّ فَاسْقِمْ مِنْهُمْ وَاصْدُبْ
 عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ وَاسْتَأْصِلْ شَاقِسَتَهُمُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَخَذُوْ اِيْدِيْنَكَ
 دَخَلُوْ مَا لَكَ دُوْلًا وَعِبَادَكَ حَوْلًا فَكُفِّتْ بِاسْمِهِمْ وَوَهَبْ كَيْدَهُمْ
 وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُوْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَخَالِفِيْنَ فُلُوْبِهِمْ وَشَسْتِ اَمْرَهُمْ
 وَاسْجَلْ اَسْمَهُمْ بَيْنَهُمْ وَاسْفِكْ يَا اَيْدِيْ الْمُؤْمِنِيْنَ دِمَاءَهُمْ وَخَلِّ

كاتبه

مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اِنَّا نَشْهَدُ يَوْمَ
 الْعِيْمَةِ وَيَوْمَ حُلُوْلِ الطَّامَةِ اَنَّهُمْ لَمْ يَدْنُوْا لَكَ ذَنْبًا وَلَمْ يَرْتَكِبُوْا
 لَكَ مَعْصِيَةً وَلَمْ يُضَيِّعُوْا لَكَ طَاعَةً وَاَنْ مَوْلَانَا وَسَيِّدَنَا صَاحِبُ
 الزَّمَانِ الْمَهْدِي الْمُهْتَدِي النَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّكِيْعِي الرَّضِيْعِي
 فَاسْأَلُكَ يَا عَلِيٌّ بِدَبْرِ مِنْهَا جِ الْهُدَى وَالْمِحْجَةَ الْعُظْمَى وَقُوْنَا عَلَى
 مُتَابَعَتِهِ وَآدَاءِ حَقِّهِ وَاحْتِرَانِي اَعْوَانِهِ وَانضَادِهِ اِنَّكَ سَمِيْعُ
 الدُّعَاءِ **دُوْر** سَيِّدِنَا **بِحَمْدِكَ** دَرْكَنَا **بِحَمْدِكَ** دَرْكَنَا اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ اِذْ وَقَعْتَنَا
 اَبْنُ عَامِلِ بَرَايَ نَرْشِدَ رَحْمَتِكَ
 لِصِيَامِ هَذَا الشَّهْرِ فَاطْعَمْنَاكَ وَدَعَوْنَا فَاَجَبْنَاكَ بِتَوْفِيْقِكَ
 لَنَا وَاَمْرُنَا بِالصَّلَاةِ عَلَى نَبِيِّكَ فَقُلْتَ اِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّوْنَ
 عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيَّ وَسَلِّمُوْا سَلَامًا اَللّٰهُمَّ
 فَصَلِّ عَلَيَّ اِذْ هَدَيْتَنَا بِهٖ مِنَ الصَّلَاةِ وَاَنْقَذْتَنَا بِهٖ مِنَ الْهَلَاكِهٖ
 اَللّٰهُمَّ اجْزِهِ خَيْرًا جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ اَمْنِهِ وَخَيْرًا جَزَيْتَ رَاعِيًّا
 عَنْ رَعِيَّتِهِ وَصَلِّ لِلّٰهِ عَلَيْهِ اَنْتَ وَمَلَائِكَتُكَ وَانْبِيَاؤُكَ وَ
 رُسُلِكَ وَعِبَادُكَ وَاَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ اَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ

وَالْأَرْضِ اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَعْطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ
 اللَّهُمَّ بَصِّرْ وَجْهَهُ وَأَوْضِحْ حُجَّتَهُ وَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَعَظِّمْ
 بُرْهَانَهُ اللَّهُمَّ أَقْرِ فِي الْقِيَمَةِ عَيْنَهُ وَعَيْنِ ذُرِّيَّتَيْهِ وَاهْدِ بَيْنَهُ
 وَأَمْنَهُ اللَّهُمَّ وَأْمُرْ فِي سَبْتِي هَذِهِ النَّظَرَ إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ
 وَارْفِ الرُّكْنَ وَالْمَقَامَ وَاثَارَ أَنْبِيَائِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالزِّيَارَةَ
 إِلَى قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى عَلَيْهِ وَالِإِلَّا سَلَّمَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ أَقْرَبَ
 النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَنْزِلًا وَأَعْظَمَهُمْ عِنْدَكَ رِجَاؤًا وَسُرْفًا وَأَعْلَاهُمْ
 لَدَيْكَ دَرَجَةً وَعُرْفًا اللَّهُمَّ ارْفِ فِي الْقِيَمَةِ وَجْهَهُ النَّصْرَ الْأَظْهَرَ
 سَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ
 بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرًّا جَامِعًا اللَّهُمَّ اسْتَعِزِّي
 عَلَى طَاعَتِكَ فِي سُنَّتِهِ وَتَوَقَّى مَعْفُورًا إِلَى عِلِّيِّ مَلِكِهِ وَابْعَثْهُ عَلَى
 شَرِّ عَيْنِهِ وَأَحْسِرْ فِي زَمَرَتِهِ وَأْمُرْهُ بِمُرَافَقَتِهِ وَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ
 فِي شَفَاعَتِهِ اللَّهُمَّ وَكَأَنَّ جَعَلْتَنِي مِنْ أُمَّتِهِ وَلَمْ تُصَلِّتَنِي وَ
 مَنَنْتَ عَلَى بَيْتِهِ دِينَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى مَلِكِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

اجعلك امام

وَسَلَّمَ وَبَلَّغْتَنِي هَذَا الشَّهْرَ وَفَرَضْتَهُ عَلَيَّ رَأْفَةً وَرَحْمَةً مِنْكَ يَا أَلَك
 بِشَيْرِيفِكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ تَجْمَعُ الْخَلَائِقُ لِفِضْلِ
 الْقَضَاءِ أَنْ تُعَفِّفَنِي فِي يَوْمِي هَذَا مِنَ التَّارِ وَتَعْفِرَ لِي مَعْفِرَةً عَرْمًا
 حَزْمًا وَتَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَمْنِ وَالْعَافِيَةِ وَالْفَيْزِ
 وَالْمَعْفِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سِيمِ سَاحِبِيْنَا
 ذخير از ابن عباس

دوايت بنوده است که رسول خدا هم فرمود که هر که در این روز از این دعا بخواند خداوند او را
 پهنه با بکرانشه باید اللَّهُمَّ بَتِّهِ فِيهِ لِرَكَاتِ اسْتِخَارِهِ وَتَوَسُّلِ
 قَلْبِي فِيهِ بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ أَثَارِهِ
يَا نُورُ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ شَبُّونَهُمْ اَوَّلُ لَيْلِي فِي فِدْوِ وَعَبْدِ اَزْ شَيْبِ وَ
 يَكُمُ وَمَيْتِ وَسِيمِ اَشْرَفِ اَزْ سَائِرِ شَيْبَانِ سَكُ وَاذْ اَبْوَابِ سَابِقَةِ مَلِكِ كُوْرَشِدِ كَمَا شَبُّ فِدْوِ اَزْ
 اِيْنِ سَبْتِ بِيْرُونِ مَيْتِ وَاخَادِيْثِ بِيَارِ دَرِيَابِ فَضِيْلِكَ شَبُّ مَلِكِ عَشْمُوْمَا وَفَضِيْلِكَ هَزْ
 لِيْكَ اَزْ لَيْلِيْ لَيْتِ حَضُوْمًا وَاوْرَشِدَهُ اِسْتِ اَمَّا اَخَادِيْثِ عَاقِبَةِ لِيْ عَضِيْ اَزْ اَنْهَارِ اَبْوَابِ
 سَابِقَةِ مَلِكِ كُوْرَشِدِ وَبِرْخِيْ عَبْدِ اَزْ اِيْنِ دَرْصَمِنْ اَعْمَالِ مَلِكِ كُوْرَشِدِ اَنْشَاءُ اَللّٰهُ تَعَالَى وَاَيْضًا
 لَسَيِّدِنِ طَاوْسِرَةِ دَرْكَابِ اَقْبَالِ اَلْمُحْضَرِّ اِمَامِ حُجْرَتِنَا وَاَقْرَبِ مَلِكِ كُوْرَشِدِ كَمَا شَبُّ فِدْوِ اَزْ
 شَبُّ هَرِجِ كِيْ مَفْرُوْءِ مِيْكَوْرِدِ وَاَمْسِدِ رَمِيْ شُوْدِ وَاَنْ شَبُّ نَازِلِيْ شُوْدِ اَتَجِدُ رَاَنْ سَالِ اَنَا
 مِثْلِ اَنْ شَبُّ وَاَقْرَبِ حُوْرِ اَهْدِ شَدِّ اَزْ خِيْرِ وِشْرُوْرُوْزِيْ وِمْوُثِ وَحِيْوَةِ وَاَنْ شَبُّ نُوْشَنَةِ
 مِيْ شُوْدِ خَانِجِيَانِ كِيْ لِيْ كِيْ دَرْكَابِ شَبُّ نُوْشَنَةِ شُوْدِ اَلنَّبِيْ كِيْ مِيْرُوْدِ هَرِجِدِ مَقْتِرِ وِيْمَا شَبُّ
 وَاَكِيْ كِيْ نُوْشَنَةِ نَشَدِهِ اَسْتِ مِيْ سُوْدِ اَلدَّارِ وِجِيْغِ لَاشَدِ اَمَّا اَخَادِيْثِ وَاوْرِ
 دَرْ حَضُوْمِ نِيْ شَبُّ لِيْ عَضِيْ اَزْ اَنْهَارِ اَبْوَابِ سَابِقَةِ مَلِكِ كُوْرَشِدِ وَاَيْضًا اَبْوَابِ اَنْهَارِ اَبْوَابِ اَنْهَارِ اَبْوَابِ اَنْهَارِ

شم

44
 در خصوص این شب
 در خصوص این شب
 در خصوص این شب

در فراغ خود بکن و با آنکه در سالی مذکور باشد که آدمی بجز است میان آنکه هشتاد رکعت و هفده این شریک
در این سرشت با صافه صدر رکعت بکنند چنانچه در شب بفرود هم صد و بیست رکعت و در هر یک آن
بیت و یکم و بیست و سیصد و سی رکعت بکنند یا در این سرشت آنکه صد رکعت نماید و هشتاد
رکعت را بوضع بر جمعها نماید بتفصیل مذکور در سابق و نیز کذا شک که شوق ثانی افضل است پس
اگر شوق ثانی را اختیار نماید تمام این صد رکعت را بعد از فراغ از نماز عشا و وتره میکند و بعد
از هر دو رکعت از بیست رکعت اول دعاها بی که شیخ طوسی را برای بیست رکعت هر شب در وقت
است و در باب یازدهم بتفصیل کذا شک مخبر اند و بعد از هر دو رکعت از هشتاد رکعت بقیه آید
که شیخ نیز در این ذکره و مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی بخیر و اگر شوق اول را اختیار نماید
که در شب بفرود هم صد و بیست رکعت و در هر یک از بیست و یکم و بیست و سیصد و سی رکعت بکند
پس از نماز عشا و اخبار ظاهر میشود که بیست رکعت شب اول و سی رکعت دوشنبه و یکم در این سرشت
چه وقت باید کرد شود آیا بعد از مغرب و عشا بدستور سابق بر شنبه یا باید کرد شود یا آن نیز باشد
صد رکعت بعد از فراغ از عشا باید کرد شود و دعا نیز برای این وقت در در و ایات مذکور است
سوائی دعا مخفی که بعد از هر دو رکعت از مجموع هزار رکعت باید خوانده شود و پیشتر کذا شک
اولی اختیار شوق ثانی است که افضل نیز است و اما دعاها هشتاد رکعت بعد از فراغ از نماز
عشا و وتره بر بخیر و بیست رکعت را با دعاها که سابق کذا شک بجای آید و یکم و یکم
و بعد از آن از دعاها که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نقل نموده است بخیر
یا حسن البلاء عیندی یا قدیم العفو عینی یا من لا عناء لشی عنه
یا من لا یذکر لشی منه یا من مرر ک لشی الیه یا من مصیر ک لشی
الیه و ک لشی سیدی و لا تول امری شرر خلفک انت خالی و لانی یا
مولای فلا تضییعنی یزد و رکعت بکر را میکند و بعد از آن از دعا اللهم صل علی
محمد و آل محمد و اجعل لی من اولاد عبادک نصیباً من کل خیر انزلت فی
هذه الالباب و انت منزه من نور تهدی به او رحمة تنشرها و من رزق

تسطه و من ضرر تکلیفه و من بلاه ترفعه و من سوء تدفعه و من قبه تصیرها
و اکتب لی ما کتبت لاولیائک الصالحین الذین استوجبوا منک الثواب
اصوار رضاك عنهم منک العذاب یا کریم یا کریم یا کریم صل علی
محمد و آلِهِ و عجل فرجهم و اغفر لی فی کسبی و
قصدی عیاری قستی و لا تقصنی بما زوت عینی لیرد و رکعت دیگر را میکند و بعد از آن
این دعا که شیخ طوسی در کتاب تهذیب
نقل نموده اللهم ایلک تصببت یدی و فیما عندک عظمت رعینتی
مسیحی
فانقل سیدی یوسفی و ازحم صغیری و اغفر لی و امرحمتی و اجعل لی من کل خیر
تربی
نصیباً و الی کل خیر سبیلاً اللهم انی اعوذ بک من الکبر و موافق
انحری فی الدنيا و الآخرة اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی
ما سلف من ذنوبی و اعصمنی فیما بقی من عمری و ازدد علی آسباب
طاعتک و استعملنی بها و اصر ف عینی آسباب معصیتک و خلینتی و
بیتها و اجعل لی اهل و ولدی فی ذل عینک الی لا تضییع و اعصمنی
من النار و اصر ف عینی شرر فسقته الجن و الإنس و شرر کل ذی شرر
و شرر کل ضعیف او شهید من خلقک و شرر کل دابة انت

تربی

ببرد و رکعت دیگر را میسوزد بعد از آن از دعا که آنت الله لا اله الا انت رب العالمين
 شيخ طوسي در کتاب تهذيب ذکر نموده است بخوان
 وَاَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَلِكُ يَوْمِ الدِّينِ وَأَنْتَ
 اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ نَبَأُ الْخَلْقِ وَالَيْكَ يَعُودُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْمَجْتَمَعِ وَالنَّارِ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَبَرِ
 وَالشَّيْرِ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ وَأَنْتَ اللهُ لَا
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
 أَحَدٌ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ غَالِبُ الْعَبِيدِ اللَّهُمَّ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ
 سُحْبَانَ اللَّهِ عَتَائِثُ رُكُونُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْبَائِسِ
 الْمُصَوِّرُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَنَسَبُ
 الْعَرَبِ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَالْكِبْرِيَاءُ رَدَاؤُكَ

الرحمن الرحيم

پس صلوات سیزده مرتبه بر محمد و آل محمد صلی الله علیه وعلیه و دعا میسوزد با سجده و دست میباید
 پیش کشد گفته اند که این از حضرت صادق علیه السلام است و آنحضرت فرمود که هیچ مؤمنی نیست

که اینها

که اینها بخواند و حاجت خود را سؤال کند و رؤیای خود را بخواند تا غایب نماید مگر آنکه حق تعالی
 او را بر میآورد و اگر شقی باشد امیدوار که سعادتمند شود و این کلام شیخ دو احوال
 دارد **اول** آنکه دعا را بخواند آنحضرت منقول باشد و سایر این دعاها بیشتر از این دعاها
 روایت منقول نموده بود **دو** آنکه هر دعاها را سابقاً آنحضرت منقول باشد و احتمالاً
 اظهار است و سید بن طاووس در کتاب قبال نیز این دعا را از شیخ نقل نموده و در شرح این دعا گفته
 که من در روایت دیگر از غیرادعیه ماه رمضان این دعا را دیدم و در آن دور و شبانه در این شهر
 بدخالی الحیرة القریه بود پس در رکعت دیگر را میسوزد و بعد از آن از دعا که شیخ طوسی در کتاب تهذيب
 حضرت امام چهارم **لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم**
 روایت نموده است بخوان

سُحْبَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِدِعْوِكَ الْحَصِينَةِ
 وَبِقُوَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَسُلْطَانِكَ أَنْ تَجِيرَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 وَمِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُجَّتِي يَا كَ وَبِحُجَّتِي
 رَسُولِكَ وَبِحُجَّتِي أَهْلَ بَيْتِكَ رَسُولِكَ صَلِّ عَلَىكَ وَعَلَيْهِمْ يَا خَيْرًا
 لِي فِي بَابِ قَائِمِي وَمِنْ النَّاسِ جَمِيعًا أَقْدِرْ لِي مِنْ قُدْرَتِكَ لِنَفْسِي وَخَيْرًا لِي مِمَّا
 يَفْعَلُونَ لِي أَبِي أُمَّيْ أَنْتَ جَوَادٌ لَا يَجْنُدُ وَحَلِيمٌ لَا يَجْهَدُ وَعَزِيمٌ لَا يَسْتَدْكُ
 اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ النَّاسُ ثِقَتَهُ وَرَحَاءَهُ فَأَنْتَ نَفْسِي وَرَحْمَتِي أَفْعَلْ لِي
 خَيْرًا عَافِيَةً وَرَضِيًّا بِمَا صَنَعْتَ بِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الرَّجْدِيِّ وَالْبَيْتِ
 عَافِيَتِكَ الْحَصِينَةِ وَإِنْ ابْتَلَيْتَنِي فَصَبِّرْ بِي وَالْعَافِيَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ

مخبر از امام ششم

وسيد بن طاوس و در کتابها بعضی از این دعا را بر او ایستاده و بعد از آن گفته است که من در
 کتاب عیسی از مواعظ بعضی از علماء دیدم که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در دعای خود میفرمود که
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَبِّي فَصَلِّ لِي وَ الْعَاقِبَةُ أَحَبُّ إِلَيَّ وَ ظَاهِرُهُ أَرْضِيكَ سَيِّدُ فَيْعِ الْإِسْكَالِي
 که بر فطره آخر دعا منوحه می شود زیرا که معنی فطره وان ابلت یعنی تا آخر آنست که اگر امیر ابلای
 مبتلا فرماید پس صبر بر کلامت فرما و لیکن من غایب را دوست تر میدانم و این معنی منافات از
 با رضاداشتن بقضاء الهی زیرا که رضای بقضاء حق تعالی مقتضی آنست که اگر حق تعالی بلا را برای
 آدمی خواهد آدمی نیز بلا را دوست تر از غایت بدارد و جواب این اشکال آنست که رضای
 بقضاء الهی مقتضی آنست که آدمی دست از خواستن طبع بدارد و خواهش الهی را برخواست
 خود ترجیح دهد که این معنی منافات ندارد با آنکه غایت با لذات محبوب آدمی بوده باشد
 و لهذا این فقره شریف در کلام حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که در تمام اوقات شریف
 دست از غایت و خواهش نفس خود برداشته بود نیز وارد شده و الله تعالی بعلیه برود و حرکت بکند
 میکند و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی در کتاب تهذیب از حضرت صادق علیه السلام از پدرش زید بن
 از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است
اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمْتَ سَبِيلًا مِنْ سُبُلِكَ جَعَلْتَ
 الله علیه روایت کرده است
 فِيهِ رِضَاكَ وَ تَدَبُّبْتَ إِلَيْهِ أَوْ لِيَاءَكَ وَ جَعَلْتَهُ شَرَفَ سُبُلِكَ عِنْدَكَ
 ثَوَابًا وَ أَكْرَمَهَا لَدَيْكَ مَا بَاوَأَ أَحِبَّهَا إِلَيْكَ مَسْلَكًا مَ أَشْرَفَتْ
 فِيهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسُهُمْ وَ أَمْوَالُهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَالُونَ
 فِي سَبِيلِكَ فَيُقْتَلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَ عَدَا عَلَيْكَ حَقًّا فَاجْعَلْنِي مِنْ
 أَشْرَفِي فِيهِ مِنْكَ نَفْسَهُ ثُمَّ وَنَفِي لَكَ بَيْعَتَهُ الَّذِي بَايَعَكَ عَلَيْهِ
 غَيْرِنَا كَيْتٍ وَ لَا مُبَدِّلٍ تَبْدِيلًا إِلَّا اسْتِجَارًا لِرِوَعِكَ وَ اسْتِجَابًا
 لِحَبْلِكَ وَ تَقَرُّبًا بِهَ إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْهُ خَاتِمَةَ

عَلَيَّ وَ أَمْرٌ قُنِي فِيهِ لَكَ وَ بِيكَ مَشْهُدًا تَوْجِبُ لِي بِهَا الرِّضَا وَ تَحْتَطِعَنِي
 بِرِ الْخَطَايَا فِي الْأَحْيَاءِ الْمُرْتَضِينَ بِأَيْدِي الْعِدَاةِ الْعُصَاةِ تَحْتَ
 لِيوَاءِ الْحَقِّ وَ رَايَةَ الْهُدَى مَا ضَلَّ عَلَى نَصْرَتِهِمْ قَدْ مَا غَيْرَ مُوَلِّدُ بَرًّا
 وَ لَا مُحَدِّثِ شَكَا أَعُوذُ بِكَ عِنْدَ ذَلِكَ مِنَ الذَّنْبِ الْمَحِيْطِ لِلْأَعْمَالِ
 بجز در کتب دیگر میبینی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی در کتاب تهذیب از حضرت
 صادق از مردان بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت کرده است بخوانی
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي لَا شَاكَ مِنْكَ إِلَّا بِالرِّضَا وَ
الْخُرُوجِ مِنْ مَعَاصِيكَ وَ الدُّخُولِ فِي كُلِّ مَا يُرْضِيكَ نَجَاءً مِنْ كُلِّ
وَرَطْبَةٍ وَ الْخُرُجِ مِنْ كُلِّ كَبِيرٍ وَ الْعَفْوِ عَنِ كُلِّ سَيِّئَةٍ يَأْتِي
بِهَا مِنِّي عَمْدًا أَوْ زَلَّ بِهَا مِنِّي خَطْرَاتٌ نَسِيتُ أَنْ أَسْأَلَكَ خَوْفًا
تُعِينُنِي بِهَ عَلَى حُدُودِ رِضَاكَ وَ أَسْأَلَكَ الْإِخْتِدَاءَ بِأَحْسَنِ مَا أَعْلَمُ
وَ التَّرَكُّ لِشَرِّ مَا أَعْلَمُ وَ أَخْطِئُ مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ وَ أَسْأَلَكَ السَّعَةَ
فِي الرِّزْقِ وَ التَّرْهُدَ فِيهَا هُوَ وَ بَاكَ وَ أَسْأَلَكَ الْخُرُجَ بِالْبَيَانِ مِنْ
كُلِّ شُبُهَةٍ وَ الْقَلْبَ بِالصَّوَابِ فِي كُلِّ حُجَّةٍ وَ الصَّدْقَ فِيهَا
عَلَى وَ لِي وَ ذَلَّ بِأَعْظَاءِ النَّصِيفِ مِنْ نَفْسِي فِي جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ فِي

الرِّضَا وَالسَّخَطِ وَالرَّغْبَةِ وَالرَّهْبِ وَالرَّغْبَةِ وَالرَّهْبِ وَالرَّغْبَةِ وَالرَّهْبِ
الْقَوْلِ مَبْنِيٍّ وَالْفِعْلِ وَمَتَامِ النِّعْمَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَالشُّكْرِ
بِهَا حَتَّى تَرْضَى وَتَعْدَ الرِّضَا وَالْخَيْرَةَ فِيهَا يَكُونُ فِيهِ الْخَيْرَةُ
بِمَسْئُورِ جَمِيعِ الْأُمُورِ لَا يَمَسُّوهُهَا يَا كَرِيمُ ^{لِينِ دَرَكَمَتِ دِكْرًا مَكِينِ وَتَعْدَ}
^{أَزَانَ ابْنِ عَامِرٍ كَمَا شَيْخِ طَوْسِي رَضِيَ}
دَرْكَابِ تَهْدِيهِ أَنْ حَضَرَ إِيَّاهُ حَسْبُ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
^{أَمِيرًا وَمُنِيرًا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَوَالِدَيْهِمَا وَبِجَنَّتِي}
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى أَطْيَبِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُنْتَجِبِ الْفَائِزِ
الرَّائِقِ اللَّهُمَّ فَخْصَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالذِّكْرِ الْحَمِيدِ
وَالْحَوْضِ الْمُرْوَدِ اللَّهُمَّ اعْظِمْ مُحَمَّدًا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ
وَالرَّفْعَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَنِيَّ الْمُصْطَفِينَ مَحَبَّتَهُ وَنِيَّ الْمُقَرَّبِينَ
كَرَامَتَهُ اللَّهُمَّ اعْظِمْ مُحَمَّدًا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ
أَفْضَلَ نِلِّكَ الْكَرَامَةَ وَمِنْ كُلِّ نَعِيمٍ أَوْسَعَ ذَلِكَ النِّعِيمِ وَ
مِنْ كُلِّ عَطَاءٍ أَجْزَلَ ذَلِكَ الْعَطَاءِ وَمِنْ كُلِّ بُشْرٍ أَنْصَرَ ذَلِكَ الْبُشْرِ
وَمِنْ كُلِّ قِسْمٍ أَوْفَرَ ذَلِكَ الْقِسْمِ حَتَّى لَا يَكُونَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ
أَقْرَبَ مِنْهُ مَجْلِسًا وَلَا أَرْفَعَ مِنْهُ ذِكْرًا أَوْ مَنزِلَةً وَلَا أَعْظَمَ عَلَيْكَ

حَقًّا وَلَا أَقْرَبَ وَسَبِيلَهُ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَامَةَ الْخَيْرِ وَ
فَائِدَهُ وَالذِّعَى إِلَيْهِ وَالْبَرَكَاتِ عَلَى جَمِيعِ الْعِبَادِ وَالْبِلَادِ
وَرَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
بِرُوحِ الْعَيْشِ وَبِرُوحِ الرُّوحِ وَقَرَارِ النِّعْمَةِ وَشُهُودِ الْأَنْفُسِ وَ
مُنَى الشَّهَوَاتِ وَقَدِيمِ اللَّذَاتِ وَرَجَاءِ الْفَضِيلَةِ وَشُهُودِ
الْأَطْمَآنِيَّةِ وَسُودِ الْكَرَامَةِ وَقِرَّةِ الْعَيْنِ وَتَضَرُّعِ
النِّعَمِ وَبَهْجَةِ لَاتَشْتَبِهَ بِهَا جَاهِ الدُّنْيَا نَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغَ
الرِّسَالَةَ وَأَدَّى الصِّحَّةَ وَاجْتَهَدَ لِلْأُمَّةِ وَأَوْزَى فِي جَنَّتِكَ وَ
جَاهِدْتَهُ فِي سَبِيلِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينَ فَصَلِّ اللَّهُمَّ
عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ اللَّهُمَّ رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبِّ الرُّكْنِ
وَالْمَقَامِ وَرَبِّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَرَبِّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ صَلِّ رُوحَ
مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنَّا السَّلَامَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ أَجْمَعِينَ
وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الْخَفِظَةِ الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ وَعَلَى أَهْلِ

طَاعِنِكَ مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ أَجْمَعِينَ
 وَجُونَ أَرَايِدُ غَا فَا رَغْ شَدِي سَجِدَ بَرُودِ دَرَجَتِي دَانِ ^{اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ}
 دَعَاكَ كَمَا شَيْخُ طُوسٍ دَرَكْنَا بِتَهْدِيَتِكَ نَقْلًا مَمْنُونًا ^{وَجَوَانُ}
 وَبِكَ اعْتَصَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ أَنْتَ نَفْسِي وَأَنْتَ
 رَجَائِي اللَّهُمَّ فَاصْفِي مَا أَمْسَى وَمَا لَا يَهْمُنِي وَمَا أَنْتَ عَالِمٌ
 بِرَمِيَّتِي عَمَّ جَارِكَ وَحَبْلَ شَاؤُكَ وَاللَّهِ عَمْرُكَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ
 وَالْمُحَمَّدِيُّ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ ^{بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ} بَرْدًا وَارْتِدَارًا لَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ذَخَرَخَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَوْ صَرَفَ بِي عَنْكَ وَجَمَعَكَ
 الْكُفْرَ بِي أَوْ نَقَصَ مِنْ حَقِّي عِنْدَكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ
 مُحَمَّدٌ وَوَقَفْتَنِي لِكُلِّ شَيْءٍ يُرْضِيكَ عَنِّي وَيُعْتَرِّبُنِي لِيَنَّكَ
 وَارْتَفَعْ دَرَجَتِي عِنْدَكَ وَأَعْظِمْ حَقِّي وَأَحْسِنْ مَثْوَايَ وَتَبَيَّنِي
 بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَوَقَفْتَنِي لِكُلِّ
 مَقَامٍ مَحْمُودٍ تَحِبُّ أَنْ تُدْعَى فِيهِ بِاسْمِكَ وَتُسْتَلَفَ فِيهِ مِنْ
 عَظَائِكَ رَبِّ لَا تَكْشِفْ عَنِّي سِتْرَكَ وَلَا تُشَدِّدْ عَوْرَتِي لِلْعَالَمِينَ
 وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِيِّ وَاجْعَلْ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ

وَدَعَا رَأْسَهُ مِثْلَ تَهْدِيَةِ نَبِيِّهِ دَعَاكَ كَمَا شَيْخُ طُوسٍ دَرَكْنَا بِتَهْدِيَتِكَ نَقْلًا مَمْنُونًا
 شَهْرًا عَشْرًا كَمَا رَدَّ شَدَّ اسْتَعْجَانًا وَأَنْ أَحْسِنْتَ
 فِي عَيْتِي وَرَأْسَاءِي مَعْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَّ لِي بِعَيْنَيْ شَا شَرِيهِ قَلْبِي
 وَأَيَّمَا نَأْيُ هَبْ بِاللَّيْلِ عَنِّي وَرَضِيَّتِي بِمَا مَسَّمْتَنِي لِي وَأَتَيْتَنِي فِي الدُّنْيَا
 حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَفِي عَذَابِ النَّارِ وَارْتِدَارَتِي بِأَرْسِي
 فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْبَةَ
 لِمَا وَقَعْتُ لَهُ شَيْعَةَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّاحِمِينَ وَلَا تَقْنِي بِي بَدَلِي
 مَا زَوَيْتَ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَعْنِي بِأَرْسِي بِرَبِّكَ مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ
 عَنْ حَرَامِكَ وَارْتُدِّفْنِي الْعَيْتَةَ فِي بَطْنِي وَفَرَجِي وَفَرَجِي عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ
 عَمٍّ وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَوَقِفْ لِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ عَلَيَّ أَفْضَلِ مَا رَأَى أَحَدًا
 وَوَقِفْتَنِي لِمَا وَقَعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِيُّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 وَأَنْفَعُ لِي كَذَا وَجَيِّدًا فَعَلَيْكَ كَذَا كَذَا حَاجَا خُودِ رَأْسَهُ بِرَبِّكَ بِمَا لَسَّاعَةً
 السَّاعَةَ نَأْفُسُ مَقْطَعٌ شَتُوْدَ لَيْسَ وَرَكْعَتٌ دَكِيكَةٌ مَسْكُونَةٌ
 تَعْدَا زَانِ أَيْنَ دَعَاكَ كَمَا شَيْخُ طُوسٍ دَرَكْنَا بِتَهْدِيَتِكَ نَقْلًا مَمْنُونًا ^{وَجَوَانُ}
 اللَّهُمَّ أَنْتَ نَفْسِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ شِدْدَةٍ وَأَنْتَ
 لِي فِي كُلِّ مَرْتَبَةٍ لِي فِي نَفْسِي وَعَدَّةٌ كَمَنْ كَرِبَ يَضْعَفُ عَنِّي الْفَوَادُ
 وَتَقَلُّ فِيهِ الْحَمِيلَةُ وَيُجَدُّ لِعَنْتِهِ الْقَرِيبُ وَيَشْتُمُّ بِهَا الْعَدُوُّ وَيَقْبَلُنِي

فِيهِ الْأُمُورُ أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ
 فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنِيهِ فَأَنْتَ وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَمُسْتَهَيَّ كُلِّ رَغْبَةٍ لَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا وَ
 لَكَ الْمُنُّ فَاصِلًا لِي شَيْخٍ كَفَنَهُ كَمَا أَيْدِي عَامِرِ حَضْرَتِ صَادِقٍ عَمَّ مَقُولُ وَأَحْسَنُ
 فَرَمُودُ كَمَا حَضْرَتِ رَسُولِ سَائِلِ سِنَاءِ عَمَّ دَرُورِ زَجَلِكِ احْرَابِ ائْيَدِي عَامِرِ
 لِي وَرَكْعَتِ دِيكَرِ لَا مَسْكُونِي وَبَعْدَ اذْأَنْ ائْيَدِي عَامِرِ كَمَا شَيْخِ طُوسِي عَمَّ دَرُكَابِ تَهْدِي سَلْبِ حَضْرَتِ
 صَادِقٍ عَمَّ رَوَايَتِ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَتِيحَ يَا مَنْ كَمَرَتْ يَهْدِيكَ السُّتْرَ
 كَرَمِ ائْيَدِي عَامِرِ
 يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ الْجَاوِزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ يَا رَحِيمَةَ
 يَا صَاحِبَ كُلِّ حُجْوَى وَمُسْتَهَيَّ كُلِّ شَكْوَى يَا مُقْبِلَ الْعَثَرَاتِ يَا كَرِيمَ الصَّنْعِ يَا
 عَظِيمَ الْمَرَّةِ يَا مُبْتَدِئًا يَا نِعَمَ قَبْلَ اسْتِحْفَافِهَا يَا رُبَّاهُ يَا سَيِّدَ مَاةٍ يَا غَايَةَ
 رَغْبَتِي يَا لَكَ إِلَهَ الْأَنْشُورَةِ خَلْفِي بِالنَّارِ وَأَنْ تَقْضِي لِي حَوَائِجَ الْحَرْفِ
 وَدُنْيَايَ وَتَفْعَلْ لِي كَذَا وَكَذَا وَجَاجِي كَذَا وَكَذَا حَوَائِجَ خُودِي ائْيَدِي عَامِرِ سَلَوَاتِ عَفْوَتِ رَحْمَتِ
 وَالْحَمْدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَوَدَّعَاكَ بَرَّجِي خَوَائِجِي
 دَرُكَابِ دِيكَرِ لَا مَسْكُونِي وَبَعْدَ اذْأَنْ ائْيَدِي عَامِرِ كَمَا شَيْخِ طُوسِي عَمَّ دَرُكَابِ تَهْدِي سَلْبِ حَضْرَتِ
 صَادِقٍ عَمَّ رَوَايَتِ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَتِيحَ يَا مَنْ كَمَرَتْ يَهْدِيكَ السُّتْرَ
 كَرَمِ ائْيَدِي عَامِرِ
 اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي فَاْمُرْنِي وَرَعَيْتَنِي فَيُؤْتِنِي وَتَوَابَ مَا أَمْرْتَنِي وَرَهْبَتَنِي
 ائْيَدِي عَامِرِ
 عِقَابَ مَا عَنَّهُ نَهَيْتَنِي وَجَعَلْتَ لِي عَدُوًّا وَيَكِيدُ فِي سُلْطَنَةِ مَعِي
 عَلَيَّ مَا لَمْ تَسْلُطْنِي عَدَايَكَ وَيُحْوِ قُبِي بِغَيْرِكَ اِنْ هَمَمْتُ بِفَاحِشَةٍ تَجْمَعِي وَ
 اِنْ هَمَمْتُ بِصَالِحٍ تَجْطِي بِغَيْرِي بِالشَّهَوَاتِ وَتَعْبُرُضُ لِي بِهَا اِنْ وَجَعَلْتَ

يا املا

كذبي

كَذِبِي وَإِنْ مَتَانِي قَطَطِي وَإِنْ اتَّبَعْتُ هَوَاهُ أَضَلَّنِي وَالْإِتْصِرُفُ عَنِّي
 كَيْدُهُ لَيْسَ لِي وَإِنْ لَا تُفْلِكْنِي مِنْ حَبَالِهِ بَصِيدِي وَإِلَّا تَقْصِمْنِي
 مِنْهُ يَفْنِي آلِهَتِي وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَاقْفَرِ سُلْطَانَهُ
 عَنِّي بِسُلْطَانِكَ عَلَيَّ حَتَّى تَحْتَبِ عَنِّي بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ مِنِّي نَافُورُ
 فِي الْمَعْصُومِينَ مِنْهُ بِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ لَبَدِ وَرَكْعَتِ دِيكَرِ لَا مَسْكُونِي
 وَبَعْدَ اذْأَنْ ائْيَدِي عَامِرِ كَمَا
 كَشَيْخِ طُوسِي عَمَّ دَرُكَابِ تَهْدِي سَلْبِ حَضْرَتِ ائْيَدِي عَامِرِ
 حَعْفَرِ صَادِقٍ عَمَّ رَوَايَتِ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَتِيحَ يَا مَنْ كَمَرَتْ يَهْدِيكَ السُّتْرَ
 كَرَمِ ائْيَدِي عَامِرِ
 يَا أَمْرَحِمَ عَنِ اسْتِرْحَامِي يَا وَاحِدًا يَا صَدَقًا يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
 يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدًا يَا مَنْ لَمْ يَجِدْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ
 وَيُحْكُمُ مَا يَرِيدُ وَيَقْضِي مَا أَحَبَّ يَا مَنْ جُولَ بَيْنَ الْمَرْغِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ
 هُوَ بِالنَّظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ يَا سَبْعِينَ بَابًا يَصِيرُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 وَاللَّهُ وَأَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ مَا أَكْفَيْتَنِي وَجْهِي وَأَوْدَى بِي
 عَنِّ أَمَانِي وَأَصْدَبَ رَجْمِي وَيَكُونُ عَوْنًا لِي عَلَى الْحُجِّ وَالْعُمْرَةِ يَكُونُ دَرُكَابِ
 دِيكَرِ لَا مَسْكُونِي
 وَبَعْدَ اذْأَنْ ائْيَدِي عَامِرِ كَمَا شَيْخِ طُوسِي عَمَّ دَرُكَابِ تَهْدِي سَلْبِ حَضْرَتِ ائْيَدِي عَامِرِ
 ائْيَدِي عَامِرِ كَمَا شَيْخِ طُوسِي عَمَّ دَرُكَابِ تَهْدِي سَلْبِ حَضْرَتِ ائْيَدِي عَامِرِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهُ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهُ فِي الْآخِرِينَ

وَأَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَأَنْتَ الْمُؤَخَّرُ أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَدُلِّي عَلَى الْعَدْلِ وَالْهُدَى وَالصَّوَابِ وَقُوا مِلَّةَ الَّذِينَ أَلَّهْتُمْ وَأَجَلِنِي
مَا دِيَا مَهْدِي بَارِئًا ضِيَا مَرَضِيَا غَيْرَ ضَالٍ وَلَا مُضِلٍّ اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَاوَاتِ
السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اكْفِنِي أَلِيمٌ
مِنْ أَمْرِ مَا شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ أَوْصِيَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
وَدَعَاكَ بِالْجَنَّةِ دُونَ سِدْرَةِ بَيْدَا لِيَدُورَ كَعْنَةُ بَيْدَا مَيْكِنِي
وَسَعَادَاتِهَا أَنْزِلْهَا عَلَيَّ كَمَا شِئْتَ طَوْسِي يَا اللَّهُ لَيْسَ يَسُرُّ عَضْبِكَ إِلَّا حِلْمُكَ وَلَا
دَرْكُكَ إِلَّا مَهْدِي دَرْكُكَ نَوْدَى مَيْكِنِي
بُحْبُحِي مِنْ نَفْسِكَ إِلَّا الصَّرْعُ إِلَيْكَ فَهَبْ لِي يَا أَلْهِ مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً تُعِينَنِي
بِهَا عَنِ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ يَا لِقُدْرَةِ الْبَقِيَّ بِهَا تَجِي مَيْتَ الْبِلَادِ وَبِهَا
تَنْشُرُ مَيْتَ الْعِبَادِ وَلَا تُهْلِكُنِي غَمًّا حَتَّى تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَعْرِفَنِي
إِلَّا خَابَتْ فِي دُعَائِي وَأَذْفِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُسْتَهَيِّ جَلِي وَلَا تُشْمِتْ لِي
عَدُوِّي وَلَا تَكُنْ مِنْ رَقَبَتِي يَا أَلْهِ إِنْ وَصَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي
وَإِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَصِغُنِي وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَجُولُ
بَيْنَكَ وَبَيْنِي أَوْ يَتَعَرَّضُ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِي وَقَدْ عَلِمْتُ يَا أَلْهِ أَنْ لَيْسَ نَعْمَ
حُكْمًا ظَلَمٌ وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ إِنَّمَا يَجْعَلُ مِنْ يَخَافُ الْوَفَا وَإِنَّمَا يَخْجَانُ

الانظام

إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا أَلْهِ عَنِ ذَلِكَ عَلُوًّا كَبِيرًا فَكَلِّمْ
لِلْبِلَاءِ عَرَضًا وَلَا لِيَقْتَنِكَ نَصَبًا وَمَهْلِي وَأَفْلِي عَشْرَةَ وَلَا تَبْنَلِي
سَبْلًا عَلَى آثَرِ بِلَاءٍ فَقَدْ تَرَى صَعْفِي وَقَلَّةَ حِيلِي اسْتَجِرْ بِكَ يَا اللَّهُ فَاجِرٌ
وَاسْتَعِيدُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَاغْذِبْ وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ فَلَا تَحْرِمْ مِنِّي وَشَيْخٌ ذَكَرَ
مُصَابِيحًا
ابن دهر كهت دعا سابق كه كه دعا اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اخراش نفل نموده ايزد غا ابعاد
دور كهت سابق براين دور كهت نفل نموده اش و بالجمله ترتيب مصباح در اين مقام بر عكس ترتيب كتاب
تهذيب است و سيد در اقبال و علامه در كتاب منهاج المصالح و ابن بايود در كتاب اخبار سني
مؤلف كتاب مصباح نموده اند همچنانكه ايشان اعمال را از كتاب مصباح نموده اند و ظاهر شرح
در مصباح سهود در نفل نموده باشد و بركه ظاهر است كه شيخ ابن اعلال در مصباح از كتاب
نفل نموده باشد و بالجمله مشايخ كتاب تهذيب اولي است و كوكبي بعد از هر يك از دور كهت
يك از اين دور ظاهر بخواند تا عمل مبرور و كتاب کرده باشد به فراش و الله تعالى يك بار دور كهت ديگر
ميگوي و بعد از آن ابن اعلال كه شيخ طوسي رحمه در كتاب تهذيب نفل نموده است بخواند
اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنِ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ عَنِ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنِ
ظُلْمِي وَسَتْرَكَ عَلَيَّ فَسَبِّحْ عَلَيَّ وَحَمِّدْكَ عَن كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ
مِنْ خَطَايَايَ وَعَذَابِي طَمَعْنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ اللَّهُ
رَبِّ رَحْمَتِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَمْرِي مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرْفَتِي مِنْ جَانِبِكَ وَصِرْتِي
أَدْعُوكَ أَمِينًا وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِفًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجِلًا مُدَّةً عَلَيْكَ فِيمَا
فَضَلْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ أَبْطَأْتَنِي عَثَبَتْ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ

تنبليني

الذي انطاع هو خير بل اعلمك بعاقبة الامور قل ان مولى كريما اصبر
على عبدك اعلم منك على يا رب انك تدعوني فاولي عنك وتحتب اليك
فلا اقبل منك كان لي التطول عليك ثم لم يمنعك ذلك من
الرحمة لي والاحسان الي والفضل علي مجودك وكرمك
فارحم عبدك الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم
يسخرنا زينه غافغ شدي اجبه بروود رحمة - يا كاشا قبل كل شئ ويا
ازيد غارا كه شيخ طوسي در كتاب تهذيب نقل نموده است
كاشا بع كل شئ ويا مكنون كل شئ لا تقضني فانك بعاليه
ولا تعدني فانك على قادر اللهم اني اعوذ بك من العبد العبد
المون ومن سوء المرجع في القبور ومن الندامه يوم القبره اللهم
اني اسألك عيشه هنيهة ومينه سويه ومغلبا كريما غير محروا ولا
فاضح ليس له عيب اورد غاكن با بچه خواهي پروردگارت ديكر را ميكني وبعبارت آن از نه غاكن
كه شيخ طوسي در كتاب تهذيب از حضرت امام محمد باقر امانه جعفر صادق عليه السلام روايت کرده است
اللهم اني اسألك انك الحمد لا اله الا انت المثلان ببيع السموات
والارض والجلال والاكرام اني سالك فقير وخائف مستجير ونايب
مستغفر اللهم صل على محمد وال محمد واغفر لي ذنوبي كلها قد بها

وغيرها

وحدتها وكل ذنب اذ تبت اللهم لا تجهد بلائي ولا تلمت بي
اعلامي فانه لا دافع ولا مانع الا انت يرد در كعت ديكر را بجا ميآورد وبعبارت آن
سيد غارا كه شيخ طوسي در كتاب تهذيب
حضرت صادق روايت الله اني اسألك ايما ناسا شربه قلبي بعثتني
كرد ما است ميخزي اني
اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي والرضا بما قسمت لي اللهم اني
اسألك نفسا طيبة تؤمن ببعثتك وتقتنع بعبادتك وترضى اللهم
اني اسألك ايما نالا اجل له دون لقائك تولي ما ابعثتني عليه وتخيبي
ما احببتني عليه وتوفيتني اذ توفيتني عليه وتعبثني اذ ابعثتني عليه
وتبروتني به صدره من الشك والريب في ديني يرد در كعت ديكر را ميكني وبعبارت آن
ان از غارا كه شيخ طوسي در كتاب
تهذيب از حضرت صادق يا حلليم يا كريم يا عالم يا عليم يا قادر يا قاهر يا جبار
روايت کرده است ميخزي اني
يا لطيف يا الله يا ربه يا سيده يا مولايه يا رجايه فاسألك ان
تصلي على محمد وال محمد واسئلك تغفرت من نفاقك كرميه رحمة
سلك بها شح و تصلي بها شاني و تقضي بها ديني وتغفرتني بها و
عيا لي وتغفرتني بها عن من سواك يا من هو خير لي من ابي وامي ومن الناس
اجمعين صل على محمد وال محمد واقبل مني الشاعه انك على كل شئ

وغيرها

قد ركب ديكور بيكني وبعد اذان ازيد عالياً اللهم ان الاستغفار
مع الاضرار لومر وتوسعي الاستغفار مع معرفتي بكرمك عجز
فلم تحبب الي بالنعيم مع عنائك عني واتبعن اليك بالمعاصي
مع قهري اليك يا من اذا وعدوني ولذا اتوعد عفا صل على محمد
والحمد افضل به اولى الامر بك فانك من شانك العفو وانت
ارحم الراحمين اللهم اني اسالك بحجرتي من عاذ بك منك ومحام
الى عيتك واستظل بعينك واعصم بحبلك يا جليل العطايا يا ذا
الاناري يا من سمى نفسه من جوده الوهاب صل على محمد وال محمد
واجعل با مولاي من امرى فرجا ومخرجا ودينقا واسعا كيف تشاء واتى
شئت وبما شئت واخيت شئت فانه يكون ما شئت اذا شئت كيف شئت
يرد ويركع ديكور بيكني وبعد اذان ازيد عالياً اللهم اني اسالك باسمك
المكتوب في سراج المحمد واسالك باسمك المكتوب في سراج
البهاء واسالك باسمك المكتوب في سراج العظمة واسالك
باسمك المكتوب في سراج الجلال واسالك باسمك المكتوب

عندك

سراج

في سراج العزة واسالك باسمك المكتوب في سراج السراير السابون
الفائق الحين النصير ورب الملكة الثمالية ورب العرش العظيم
وبالعين التي لا تمار وبالإسم الذي اشرفت له السموات والارض
وبالإسم الاعظم المحيط بملكوت السموات والارض وبالإسم
الذي اشرفت به الشمس واضاء به القمر وسجرت به البحار ونصبت
به البحال وبالإسم الذي قام به العرش والكرسي وباسمك
المكرمات المقدسات المكنونات الخفوات في علم الغيب
عندك واسالك بذلك كله ان تصلي على محمد وآله ودعا
بيكني باخيه بخواهي ليجوز ازيد عالياً اللهم اني اسالك باسمك
المكتوب في سراج المحمد واسالك باسمك المكتوب في سراج
البهاء واسالك باسمك المكتوب في سراج العظمة واسالك
باسمك المكتوب في سراج الجلال واسالك باسمك المكتوب

بيكني باخيه بخواهي ليجوز ازيد عالياً اللهم اني اسالك باسمك
المكتوب في سراج المحمد واسالك باسمك المكتوب في سراج
البهاء واسالك باسمك المكتوب في سراج العظمة واسالك
باسمك المكتوب في سراج الجلال واسالك باسمك المكتوب

اللهم اني اسالك باسمك المكتوب في سراج العظمة واسالك
باسمك المكتوب في سراج الجلال واسالك باسمك المكتوب

بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْدَرَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي
 وَأَمْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَأَغْفِرْ ذَنْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ تَنْصُرِي بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَنْتَبِرْ
 فِي عَيْبِي بِرَدِّكَ وَرَكْعَتِي دِكْرِي سَيِّئِي وَعَبْدَانِ أَيْدِي غَارِكِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَمْسِمْ لَنَا مِنْ حَسَنِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَا صَبِكَ وَمِنْ طَاعِنِكَ وَمَا
 تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ وَمِنْ أَلِيمِي مَا تَهْوُونَ عَلَيْنَا مِصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَا
 بِإِسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا وَلَا تَجْعَلْ مِصِيبَتَنَا فِي
 دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرُ مَهْمِنَا وَلَا تَسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا
 بِرَدِّكَ وَرَكْعَتِي دِكْرِي سَيِّئِي وَعَبْدَانِ أَيْدِي غَارِكِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَمْسِمْ لَنَا مِنْ حَسَنِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَا صَبِكَ وَمِنْ طَاعِنِكَ وَمَا
 تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ وَمِنْ أَلِيمِي مَا تَهْوُونَ عَلَيْنَا مِصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَا
 بِإِسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا وَلَا تَجْعَلْ مِصِيبَتَنَا فِي
 دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرُ مَهْمِنَا وَلَا تَسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَلْفِ مِائَةِ مَرَّةٍ وَاسْتَجِبْ دُعَائِي
 شَيْخ طوسي در کتاب تهذيب نفل نوده ميخوابي

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي مَوْتِي اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى سَكْرَاتِ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي
 عَلَى عَمْرِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ضِيْقِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ظُلْمَةِ
 الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى وَحْشَةِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
 اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي طَوْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ
 بِرَدِّكَ وَرَكْعَتِي دِكْرِي سَيِّئِي وَعَبْدَانِ أَيْدِي غَارِكِ اللَّهُمَّ لَا تُدْرِكُنِي مِنْ أَمْرِكَ وَلَا تُدْرِكُنِي
 مِنْ قَدْرِكَ وَلَا تُدْرِكُنِي مِنْ قَضَائِكَ وَالْحَوْلُ وَالْقُوَّةُ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ
 قَمَا قَضَيْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَضَائِكَ أَوْ فَدَرْتِ عَلَيْنَا مِنْ قَدْرِكَ فَأَعْطِنَا مَعَهُ
 صَبْرًا يَقْهَرُهُ وَيُدْمَعُهُ وَاجْعَلْ لَنَا صَاعِدًا فِي رِضْوَانِكَ بُنِي فِي حَسَنَاتِنَا
 وَتَفْضِيلِنَا وَسُودَ دِينَا وَتَجَدُّنَا وَتَعْمَانَا وَكَرَامَتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ
 الْآخِرَةِ وَلَا تَنْقُصْ مِنْ حَسَنَاتِنَا اللَّهُمَّ وَمَا أَعْطَيْتَنَا مِنْ عَطَاءٍ أَوْ
 فَضَلْتَنَا بِهِ مِنْ فَضِيلَةٍ أَوْ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ كَرَامَةٍ فَأَعْطِنَا
 مَعَهُ شُكْرًا يَقْهَرُهُ وَيُدْمَعُهُ وَاجْعَلْ لَنَا صَاعِدًا فِي رِضْوَانِكَ
 وَنِي حَسَنَاتِنَا وَسُودَ دِينَا وَتَجَدُّنَا وَتَعْمَانَا وَكَرَامَتِنَا فِي
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَنَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا فِتْنَةً

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَلْفِ مِائَةِ مَرَّةٍ وَاسْتَجِبْ دُعَائِي
 شَيْخ طوسي در تهذيب از امام جعفر صادق روايت شده

وَلَا مَقْتًا وَلَا عَذَابًا وَلَا خِزْيًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ
عَثْرَةِ اللِّسَانِ وَسَوْءِ الْمَقَامِ وَخِيفَةِ الْمِيزَانِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِمْ أَجْمَعِينَ وَتَقَرَّبْنَا بِكَ فِي الْمَمَاتِ وَلَا تُرَاغِبْنَا عَلَيْنَا حَسْرَاتٍ
وَلَا تُخْرِجْنَا مِنْ قَضَائِكَ وَلَا تَقْطَعْ بَيْنَنَا يَوْمَ تَلْقَاكَ وَ
اجْعَلْ قُلُوبَنَا تَذَكُّرَكَ وَلَا تَنْسَاكَ وَتَحْشَاكَ كَمَا نَاذَرَكَ
حَتَّى تَلْقَاكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَدِّلْ سَيِّئَاتِنَا حَسَنَاتٍ
وَاجْعَلْ دَرَجَاتِنَا غُرَفَاتٍ وَاجْعَلْ غُرَفَاتِنَا غَالِيَاتٍ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ
لِلْفَقِيرِ نَامِنِ سَعْدِ مَا وَصَّيْتَ عَلَى نَفْسِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَمَنْ عَلَيْنَا بِالْهُدَى مَا أَلْقَيْتَنَا وَالْكَرَامَةَ مَا أَحْبَبْتَنَا
وَالْكَرَامَةَ إِذَا تَوَقَّيْتَنَا وَالْحِفْظَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عَمَلِنَا وَالْبَرَكَهَ فِيمَا
وَرَقَّيْتَنَا وَالْعَوْنَ عَلَى مَا حَمَلْتَنَا وَالشَّابَّ عَلَى مَا طَوَّقْتَنَا وَلَا
تُؤَاخِذْنَا بِظُلْمِنَا وَلَا تَقَاتِبْنَا بِجَهْلِنَا وَلَا تَسْتَدْرِجْنَا بِخَطَايَانَا
وَاجْعَلْ أَحْسَنَ مَا نَقُولُ ثَابِتًا فِي قُلُوبِنَا وَاجْعَلْ عَظَمَاءَ عِنْدَكَ
وَنَبِيَّ أَنْفُسِنَا أَذْلَةً وَانْفَعْنَا بِمَا عَلَّمْتَنَا وَزِدْنَا عِلْمًا نَأْتِ بِهَا أَعْوَدُ

بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَشْتَعُ وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَصَلْوَةٍ لَا تُقْبَلُ إِجْرًا مِنْ سِوَاكَ
الْعَيْنِ يَا وَلِيَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لِيَسْرَعَ لِي إِذَا زِدَ عِلْمًا شَدِيدِي سَجْدَةٍ بِرُودِ
سجود ابنه غاركة شيخ طوسي رحمه الله وكتاب تهذيب
انحضرت امام جعفر صادق عليه السلام سجدة ووجهي لك تعبدًا وقرآنًا لا اله الا انت
دوايت كرهه انت سبحانك
حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ مَا
أَنَاذِرُكَ بِكَ يَا صِدِّيقِي بِجِدِّكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
إِلَّا أَنْتَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقْتَرٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ
عَفْوُكَ لِي سِرًّا سَجْدَةً بِرُودِ سِوَاكَ بِرُودِ سِوَاكَ بِرُودِ سِوَاكَ
بِرُودِ سِوَاكَ بِرُودِ سِوَاكَ بِرُودِ سِوَاكَ بِرُودِ سِوَاكَ بِرُودِ سِوَاكَ
دوايت كرهه اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْبَلُ فِي كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ رَحِيمٌ فِي كُلِّ
سَجْدَةٍ وَأَنْتَ لِي فِي أَمْرِنَا لَيْسَ بِثِقَةٍ وَعَدَّةٌ كَثْرَةٌ مِنْ كَرْبٍ يَضَعُفُ
عَنْهُ الْقُوَادِمُ تَقَدَّرَ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَحْتَدِلُ عَنْهُ الْقَرِيبُ وَيَشْتُمُّ فِيهِ
الْعَدُوُّ وَتَعِينُنِي فِيهِ الْأُمُورُ أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ فِيهِ
عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْ جَنَّتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنِيهِ فَأَنْتَ وَلِيٌّ
كُلِّ غَيْبَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَجْوَةٍ لَكَ الْحَمْدُ

كثيرا و لك المن فاضلا كبره و كعبه كبره و بعد ان ابنه غاركة شيخ طوسي
د كتاب تهذيبنا حضرت صادق عليه السلام روايت كرهه انت سبحانك

سجود ابنه غاركة شيخ طوسي رحمه الله وكتاب تهذيب
انحضرت امام جعفر صادق عليه السلام سجدة ووجهي لك تعبدًا وقرآنًا لا اله الا انت
دوايت كرهه انت سبحانك

مُحَمَّدًا سُبْحَانَ مَنْ أَنْجَبَ عَلَيَّا سُبْحَانَ مَنْ خَصَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ
سُبْحَانَ مَنْ فَطَمَ بِفَاطِمَةَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِإِذْنِهِ سُبْحَانَ مَنْ اسْتَعْبَدَ أَهْلَ السَّمَوَاتِ الْأَرْ
بِوَالْيَتْرِ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِ سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْجَنَّةَ لِلْمُحَمَّدِ وَالْمُحَمَّدِ
سُبْحَانَ مَنْ يُورِثُهَا مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِ وَشِيعَتَهُمْ سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ
النَّارَ لِأَجْلِ عَدَاءِ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ سُبْحَانَ مَنْ يَمْلِكُهَا مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِ
مُحَمَّدِ سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَمَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
لِلْمُحَمَّدِ وَالْمُحَمَّدِ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَقٌّ يَرْضَى اللَّهُ اللَّهُمَّ مِنْ آيَاتِكَ وَ
هِيَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى وَمِنْ نِعَمِكَ وَهِيَ أَجَلُ مِنْ أَنْ تُعَادَدَ أَنْ
يَكُونَ عَدْوِي عَدُوًّا وَكَوَلَا صَبْرِي عَلَى أَنَا نِكَ فَجِدْ هَلَاكَهُمْ
وَبَوَارَهُمْ وَدِمَارَهُمْ بِرَبِّكَ وَرَبِّكَ يَكْفُرُ بِالْعَجَابِ وَيُورِي وَبَعْدَ أَنَا نِكَ عَارَكَ
لِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ خَالِقَ الْعَالَمِ الْعَيْنِ الشَّرِيفَةِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنِّي أَعْتَدُ لِيكَ فِي ذَارِ الدُّنْيَا إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

وَخَدَّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ وَأَنْتَ اللَّهُمَّ كَمَا شَرَعْتَ وَالْإِسْلَامَ كَمَا وَصَفْتَ وَ
الْكِتَابَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ اللَّهُمَّ الْخَوَافِ الْمُبِينِ
جَزَى اللَّهُ مُحَمَّدًا خَيْرَ الْجَزَاءِ وَحَمَى اللَّهُ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِ بِالسَّلَامِ بِرَبِّهِ
دِكْرًا لِيَكُنْ وَبَعْدَ ذَلِكَ مِنْ عَارَكَ شَيْخِ طُوسِي وَرَكَابِ تَهْدِيَةِ انْزِعَتْ صَادِقِي عَمَّ
رَوَايَتِ كَرِهَ اسْتَكْرَاهُ انْزِعَتْ مِيغْرُودُ كَهْرَاكَ فَارَغَ شَوْيِ اِزْا مِنْ مَازِهَا اِزْا عَالِمًا بِحُجْوَانِ
اللَّهُمَّ رَافِ أَدِينِكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ وَوَلَايَتِ رَسُولِكَ وَوَلَايَتِ
الْأَيْمَةِ مِنْ أَوْلِيهِمْ إِلَى الْإِخْرَمِ عَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنِ
الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ
بِزَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُسَيْنَ بْنِ
أَمِينِ أَدِينِكَ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ وَالرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِرَبِّكَ بِرَبِّكَ
وَلَا تُسْتَكْبِرْ عَلَيَّ حُدُودِ مَا أَنَا نَابِهِ وَمَا لَمْ يَأْتِنَا مُفْتَرٍ بَدَلِكَ مُسْلِمٍ رَضِ
عَنَّا رَضِيَتْ بِهِ يَا رَبِّ ارْبِيدِ بِرَوْحِكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ مَرْهُوًّا وَمَرْغُوبًا
إِلَيْكَ فِيهِ فَأَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَأَمِئْتِي إِذَا امْتَنَيْتَنِي عَلَيْهِ
وَإِنْعَشْتَنِي إِذَا انْعَشْتَنِي عَلَى ذَلِكَ وَإِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى
فَإِنِّي آتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ أَنْ تَعْصِمَنِي

الداعي نفل نموده که از حضرت صادق منقولست که بردار مصحف را و بر سر بگذار و بگو
 اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ
 مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ اعْرِفَ بِحَقِّكَ مِنْكَ يَا
 يَا اللَّهُ ده نوبت بمحمد ده نوبت بعلي ده نوبت بفاطمه ده نوبت باحسن
 ده نوبت باحسين ده نوبت بعلي بن الحسين ده نوبت بمحمد بن علي
 ده نوبت بجعفر بن محمد ده نوبت بموسى بن جعفر ده نوبت بعلي بن موسى ده نوبت
 بمحمد بن علي ده نوبت بعلي بن محمد ده نوبت باحسن بن علي ده نوبت
 يا حجة ده نوبت بر حواج خود را سطلبي سيم ايضا از كتاب مذکور نفل نموده از حضرت
 امام موسي كاظم منقولست که مصحف را اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ إِلَى خَلْقِكَ
 بِت كِبَرَةٍ لِيَكُنَّ بِالْأَيِّ سِرِّهِمْ وَبِكُو
 وَبِكُلِّ آيَةٍ فِيهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّهِ عَلَيْكَ
 وَلَا أَحَدَ اعْرِفَ بِحَقِّهِ مِنْكَ يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا
 اللَّهُ ده نوبت و بحق محمد ده نوبت و بحق هر امي ده نوبت تا امام زمان تو منتهی شود
 بر باده سستی که از حای خود بر بخواند ستر که حاجت تو برآورده می شود و آسان می شود کار تو
 مؤمن گوید که کلین طریقی اول را از حیرت روایت کرده که او از زواره روایت کرده است و زواره
 لب امام من نموده و ظاهر آنست که زواره از حضرت امام محمد باقر ششیده باشد و لیکن در روای
 او چنان است که در ثلث تا زمانه رمضان این عمل را بنجام آورد و از شرط آنست که کعبه می خیم در خوا
 حجت الامان و بلد لامین بر این طریقی را از کتاب عقده الداعی از فخر روزه نقل نموده و در روایات و ثلث
 سیم ماه رمضان مذکور است و در کتاب عقده طهارتی ثلث سیم مذکور است بلکه این سرشب مطهری
 اقبال مذکور است و پوشیده نیست که بنا بر روایت کلین در همدان و فایض و در نیمه فصل کعبه در هر عشر
 سیم بر این طریق استخوانها بود بلکه ممکن است که غای تو ستم بران مجید از او عید مطلق باشد که مخصوص
 بر وقت غیبی نباشد و توبه ایست آنچه علامه طبرانی در کتاب بیابان الصلح از حضرت صادق منقولست و آنست:

کرده است که شخصی غیبت آنحضرت عرض کرد که ای سید من شکایتی بکنم بسوی تو از فرقی که
 دارم و از نریاد شاه که بر من ظلم مینماید و دعای منیو اهم من تعلیم فرماید که غیبتی میاید که
 قرص خود را دادکم و کفایتشتر پادشاه بازنمایم پس حضرت فرمود که هرگاه شب ترا فرود کبره
 دور کعبت نماز کن و در رکعت اول بقدا شریک آیه الکرسی و در دویم بعد از حمد آیات آخر سوره
 حشر را بخوان پس مصحف را بردار و بگو بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ وَبِحَقِّ مَنْ
دبر سر بگذار و سبگو
مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ اعْرِفَ بِحَقِّكَ مِنْكَ يَا اللَّهُ
ده نوبت با محمد ده نوبت با علی ده نوبت با فاطمه ده نوبت با حسن
ده نوبت با حسین ده نوبت با محمد بن علی ده نوبت با جعفر بن محمد ده نوبت با موسی بن جعفر
ده نوبت با محمد بن علی ده نوبت با حسن بن علی ده نوبت با حجة ده نوبت بر حواج خود را سطلبي سيم
ايضا از كتاب مذکور نفل نموده از حضرت امام موسي كاظم منقولست که مصحف را اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ إِلَى خَلْقِكَ
بِت كِبَرَةٍ لِيَكُنَّ بِالْأَيِّ سِرِّهِمْ وَبِكُو
وَ بِكُلِّ آيَةٍ فِيهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّهِ عَلَيْكَ
وَلَا أَحَدَ اعْرِفَ بِحَقِّهِ مِنْكَ يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا
اللَّهُ ده نوبت و بحق محمد ده نوبت و بحق هر امي ده نوبت تا امام زمان تو منتهی شود
بر باده سستی که از حای خود بر بخواند ستر که حاجت تو برآورده می شود و آسان می شود کار تو
مؤمن گوید که کلین طریقی اول را از حیرت روایت کرده که او از زواره روایت کرده است و زواره
لب امام من نموده و ظاهر آنست که زواره از حضرت امام محمد باقر ششیده باشد و لیکن در روای
او چنان است که در ثلث تا زمانه رمضان این عمل را بنجام آورد و از شرط آنست که کعبه می خیم در خوا
حجت الامان و بلد لامین بر این طریقی را از کتاب عقده الداعی از فخر روزه نقل نموده و در روایات و ثلث
سیم ماه رمضان مذکور است و در کتاب عقده طهارتی ثلث سیم مذکور است بلکه این سرشب مطهری
اقبال مذکور است و پوشیده نیست که بنا بر روایت کلین در همدان و فایض و در نیمه فصل کعبه در هر عشر
سیم بر این طریق استخوانها بود بلکه ممکن است که غای تو ستم بران مجید از او عید مطلق باشد که مخصوص
بر وقت غیبی نباشد و توبه ایست آنچه علامه طبرانی در کتاب بیابان الصلح از حضرت صادق منقولست و آنست:
کرده است که شخصی غیبت آنحضرت عرض کرد که ای سید من شکایتی بکنم بسوی تو از فرقی که
دارم و از نریاد شاه که بر من ظلم مینماید و دعای منیو اهم من تعلیم فرماید که غیبتی میاید که
قرص خود را دادکم و کفایتشتر پادشاه بازنمایم پس حضرت فرمود که هرگاه شب ترا فرود کبره
دور کعبت نماز کن و در رکعت اول بقدا شریک آیه الکرسی و در دویم بعد از حمد آیات آخر سوره
حشر را بخوان پس مصحف را بردار و بگو
بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ وَبِحَقِّ مَنْ
دبر سر بگذار و سبگو
مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ اعْرِفَ بِحَقِّكَ مِنْكَ يَا اللَّهُ
ده نوبت با محمد ده نوبت با علی ده نوبت با فاطمه ده نوبت با حسن
ده نوبت با حسین ده نوبت با محمد بن علی ده نوبت با جعفر بن محمد ده نوبت با موسی بن جعفر
ده نوبت با محمد بن علی ده نوبت با حسن بن علی ده نوبت با حجة ده نوبت بر حواج خود را سطلبي سيم
ايضا از كتاب مذکور نفل نموده از حضرت امام موسي كاظم منقولست که مصحف را اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ إِلَى خَلْقِكَ
بِت كِبَرَةٍ لِيَكُنَّ بِالْأَيِّ سِرِّهِمْ وَبِكُو
وَ بِكُلِّ آيَةٍ فِيهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّهِ عَلَيْكَ
وَلَا أَحَدَ اعْرِفَ بِحَقِّهِ مِنْكَ يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا
اللَّهُ ده نوبت و بحق محمد ده نوبت و بحق هر امي ده نوبت تا امام زمان تو منتهی شود
بر باده سستی که از حای خود بر بخواند ستر که حاجت تو برآورده می شود و آسان می شود کار تو
مؤمن گوید که کلین طریقی اول را از حیرت روایت کرده که او از زواره روایت کرده است و زواره
لب امام من نموده و ظاهر آنست که زواره از حضرت امام محمد باقر ششیده باشد و لیکن در روای
او چنان است که در ثلث تا زمانه رمضان این عمل را بنجام آورد و از شرط آنست که کعبه می خیم در خوا
حجت الامان و بلد لامین بر این طریقی را از کتاب عقده الداعی از فخر روزه نقل نموده و در روایات و ثلث
سیم ماه رمضان مذکور است و در کتاب عقده طهارتی ثلث سیم مذکور است بلکه این سرشب مطهری
اقبال مذکور است و پوشیده نیست که بنا بر روایت کلین در همدان و فایض و در نیمه فصل کعبه در هر عشر
سیم بر این طریق استخوانها بود بلکه ممکن است که غای تو ستم بران مجید از او عید مطلق باشد که مخصوص
بر وقت غیبی نباشد و توبه ایست آنچه علامه طبرانی در کتاب بیابان الصلح از حضرت صادق منقولست و آنست:

که خود
 منزه تار

نفل از حضرت امام موسی کاظم
 منقولست که مصحف را

أَشْهَدُ أَنَّكَ فَدَاهِ الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْعَمَلِ
 وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ نِلاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ
 فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا حَتَّى
 أَنَاكَ الْيَقِينُ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَخَارَبُوكَ وَالَّذِينَ
 خَدَّ لُوكَ وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ
 وَقَدْ خَاطَبَ مِنْ أُمَّتِي لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنْ
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَضَاعَفَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ لِأَنَّهُمْ
 يَا مَوْلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ زَايِرًا غَارًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًا
 لِأَوْلِيَاءِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي
 آتَتْ عَلَيْهِ غَارًا بِصِدْقٍ لَمْ يَخَالَفَكَ فَاشْفَعْ لِعِنْدِ رَبِّكَ
 لِيُبْرِئَهُ قَبْرِي خُودًا بَيْنِي أَرْكُونُهُ صُورَتِي خُودًا بِرَأْنِ وَبِرْكَدِي نَبِيٍّ سَمَارِكِي وَبِكُو
 الْكَلِمَةِ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِيهِ وَسَمَائِيهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى
 رُوحِكَ الطَّيِّبِ وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مَوْلَايَ
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ لِيُزِيلَ عَنْ رُوحِي قَبْرِي بِنِدَائِي وَكُونُهُ خُودًا بِرَأْنِ
 كَبْدَارِي وَخُودِي نَبِيٍّ سَمَارِكِي وَبِرْكَدِي نَبِيٍّ سَمَارِكِي
 وَبِعْدَ ذَلِكَ هَرَقَهُ نَمَازُكَ خَوَائِي بِرُوحِي وَبِرْكَدِي نَبِيٍّ سَمَارِكِي
 يَا مَوْلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ زَايِرًا غَارًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًا
 لِأَوْلِيَاءِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي

مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ
 مَنْ قَتَلَكَ وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ لِأَنَّهُمْ خَوَائِي بِرُوحِي
 وَبِرْكَدِي نَبِيٍّ سَمَارِكِي وَبِعْدَ ذَلِكَ هَرَقَهُ نَمَازُكَ خَوَائِي بِرُوحِي
 وَبِرْكَدِي نَبِيٍّ سَمَارِكِي
 يَا مَوْلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ زَايِرًا غَارًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًا
 لِأَوْلِيَاءِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي
 آتَتْ عَلَيْهِ غَارًا بِصِدْقٍ لَمْ يَخَالَفَكَ فَاشْفَعْ لِعِنْدِ رَبِّكَ
 لِيُبْرِئَهُ قَبْرِي خُودًا بَيْنِي أَرْكُونُهُ صُورَتِي خُودًا بِرَأْنِ
 وَبِرْكَدِي نَبِيٍّ سَمَارِكِي وَبِعْدَ ذَلِكَ هَرَقَهُ نَمَازُكَ خَوَائِي بِرُوحِي
 وَبِرْكَدِي نَبِيٍّ سَمَارِكِي
 يَا مَوْلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ زَايِرًا غَارًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًا
 لِأَوْلِيَاءِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي

مؤلف گوید که مؤلف من از کبریة در واقعه که در باب بن زبیر است از حضرت صلوات الله علیه نقل نموده و در آن
 روایت ظاهر میشود که از بن زبیر است از جمله زیاراتی که مطلقه و اختصاصی با وفات مد کوریه نماز
 ولیکن چون سید و شیخ مفید و شیخ شهید از جمله زیارات مخصوصه نقل نموده اند تا بعد
 ایشان مستحسن و نهی آنست که درین اوقات زیارت بن زبیر را عمل نماید و وجهی که در بلاد بصره مشاهده
 بر زیارات مطلقه بعبیده زیارت نماید **فصل دوم** در بیان اعمال مخصوصه بن زبیر و آنچه چنانچه
 از شیخ روایت ظاهر میشود چند چیز است **اول** سینه بن زبیر در کافران اقبال کرده و در آنست

کرد در حاجت و امر شده است که در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان صد نوبت استغفار و صد
 نوبت لعن بر قاتل حضرت امیرالمؤمنین فضیلت عظیم دارد **مؤلف** گوید که در این استغفار
 استغفر الله بینهایی کافی است و اگر و آنکه را که بر او است و در لعن
 عبارت اللهم العن فانلی امیرالمؤمنین کافی است **دو** شیخ شهید در کتاب
 اربعین از رسول خدا روایت نموده است که هر که در این شب پنجاه رکعت نماز کند هر دو
 رکعت بسلام در هر رکعتی حمد بگوید و سوره اذ انزلک پنجاه نوبت مثل کسی باشد که
 صد حج و صد عمره کرده باشد و حق تعالی سایر اعمال او را نیز انا و قبول فرماید **سید**
 طاهری در کتاب اقبال آنکه این دعا که ادعیه بعضی اللهم لك الحمد علی ما وهبت
 انشباعه از آن سلف شده این دعا برای این شب نوبت نموده است
 لی من انطواء ما طويت من شهري و انت لم تحن فيه اجلي و تقطع عمري
 و لم تسلبني مريض يضطرني الى ترك الصيام و لا يسفر بحل لي الاطفا
 كما اصومك في كفائتك و وفائتك اطيع امرك و اقات رزقك
 و ارجو و اومل تجاوزك فاشتم اللهم علی سنة ذلک نعمتک و اجزل
 به منتك و اسلمه عني بحال الصيام و تحيصل لانام و بلعني اخر
 بخاتمة خير و خيره يا اجود المسولين و يا استرح الواهين و صلى
 الله على محمد و آله الطاهرين **چهارم** اینست در کتاب مذکور کتاب جلال شهر
 رمضان این دعا برای این شب نوبت نموده است
 يا ذا الذي كان قبل كل شيء و يا ذا الذي ليس في السموات الاعلى
 و لا في الارضين السفلى و لا قوفهن و لا بيتهن و لا تحتهن الله يعبد غيرة
 لك الحمد حمدا لا يقدر على احصائه الا انت فصل على محمد و آله

صد نوبت استغفار
 صد نوبت لعن
 نماز پنجاه رکعت

این دعا را در کتاب
 جلال شهر
 مذکور است

صلوة لا يقدر على احصائها الا انت **پنجم** اینست در کتاب مذکور این دعا
 از حضرت امام موسی کاظم عم برای این
 شب روایت اللهم اجعل بيننا تقضى و تقضى من الامر المحمور و فيما
 عموده انت
 تقضى من الامر الحكيم في ليلة القدر و في القضاء الذي لا
 يرد ولا يبدل ان تكسبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم
 المشكور سعيرهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم
 و اجعل بيننا تقضى و تقضى ان تطيل عمري و توسع علي في رزقي
 و تقبل لي كذا وكذا و بجاء كذا وكذا خالجا في خود را بطلبه **مؤلف** گوید که سید بعد از ذکر این
 دعا گفته که این دعا از جمله دعاها هر شب این ماه است بخوانی در محل خود
 مذکور شد لیکن چون از نماز و قضا و ریمان آنهاست بهتر آنست که هر روز و هر چند خوانده شود
ششم اینست در کتاب مذکور این دعا برای این شب نوبت نموده است
 اللهم اني امسيت لك عبدا ذا اخرا لا املك ليقضي ضمرا ولا نفعا
 ولا اصرف عنها سوء اشهد بذلك على نفسي و اعترفت لك بضعف
 قوتي و قلة حيلتي فصل على محمد و آله المحمدين و انخر لي ما وعدتني
 و جميع المؤمنين و المؤمنات من المغفرة في هذه الليلة و اتمم
 على ما اتيتني فاني عبدك المسكين المستكين الضعيف الفقير
 المسكين اللهم لا تجعلني ناسيا لذكرك فيما اوليتني و لا غافلا

لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَعْطَيْتَنِي وَلَا أَيْسًا مِنْ إِبْرَائِيلَ وَإِنْ أَبْطَأَتْ عَمِّي
 فِي سَرَّاءٍ كُنْتُ أَوْ صَرَّاءٍ أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ أَوْ غَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ
 بُؤْسٍ أَوْ نَعْمَاءٍ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ **هفتم** **ایضا** سید در کتاب بعد کور آن
رسول خدا از عارای برای این شب روایت نموده
 سُجَّانَ مَنْ لَا يَمُوتُ سُجَّانَ مَنْ لَا يَزُولُ مَلَكُهُ سُجَّانَ مَنْ لَا يَخْفَى
 عَلَيْهِ خَافِيَةٌ سُجَّانَ مَنْ لَا تَسْقُطُ وَرَقَةٌ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي
 ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابِ مِيزَانٍ لَا يَعْلَمُهَا وَلَا
 قَسْبَانَهُ سُجَّانَهُ سُجَّانَهُ سُجَّانَهُ سُجَّانَهُ سُجَّانَهُ **سید** در کتاب این
این عارای برای این شب نقل نموده ولیکن چون اختلاف سُجَّانَ مَنْ لَا يَمُوتُ سُجَّانَ
زیادی دارد و این سید دارد از این نفل میماند
 مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ سُجَّانَ مَنْ لَا تَسْقُطُ وَرَقَةٌ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا
 حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَقَدْ رَوَى قَسْبَانَهُ
 قَسْبَانَهُ قَسْبَانَهُ قَسْبَانَهُ مَا أَعْظَمَ شَأْنَهُ وَأَجَلُ سُلْطَانَتِهِ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ عَتَقَائِكَ وَسَعْدَائِكَ خَلْفِكَ بِمَغْفِرَتِكَ
إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ رُوِيَ فِي رُؤْيُومِ **ایزد و زین** **بمیز** **فضیلت** **منازل** **است** **زیر** **که** **روز**
فلا نیز فضیلت شب قدر مراد از دین چنانچه سید بن طاووس مراد
در کتاب اقبال بچندین سند از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده است که روز قدر
مانند شب قدر است در فضیلت و اعمال آن چنانچه از تتبع کتب اخبار ظاهر میشود چندان

امراتك **اول** **سید** **بن** **طاووس** **مراد** **در** **کتاب** **اللَّهُمَّ** **إِنِّي** **أَسْأَلُكَ** **بِأَنَّكَ** **أَنْتَ** **اللَّهُ** **لَا**
اقبال از عارای برای این شب روایت نموده
 إِلَهًا إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنْتَ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَإِنَّكَ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ
 كُفُوًا أَحَدٌ وَإِنَّكَ حَيٌّ مَا جَدَّ رَحْمَنُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَعْطِي مَنْ تَشَاءُ
 وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا نَقَضَ
 وَتَقَدَّرَ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْنُومِ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمُبَارَكِ وَحُجَّاجِ
 الْمَبْسُوطِ رِزْقَهُمُ الْمُحْفُوظِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ وَأَذْيَانِهِمْ وَأَهْلِيهِمْ
 وَأَوْلَادِهِمْ وَأَنْ تَجْعَلَ ذَلِكَ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ أَلْبَسْنَا الْبَقِيَّةَ
 فِي يَدَيْهِمْ وَأَعْفَيْتَهُمْ وَصَحَّحْتَهُمْ مِنْ جِسْمِي وَبَيْتِي خَالِصَةً لَكَ وَسَعَيْتِي
 فِي ذَاتِ يَدِي وَقُوَّةِي فِي بَدَنِي عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي اللَّهُمَّ مَنْ طَلَبَ
 حَاجَتَهُ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ فَإِنِّي لَا أَطْلُبُ حَاجَتِي إِلَّا مِنْكَ
 وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي أَنْ أَعْضَّ بَصْرِي وَأَنْ أَخْظُرَ مَخْرَجِي وَأَنْ أَكْفَتَ
 عَنِ تَحَارِيرِكَ وَأَنْ أَعْمَلَ مَا أَحْبَبْتَ وَأَنْ أَدْعَ مَا سَخِطْتَ **دویم**
سید

دویم
سید

طاب ثوابه در کتاب اختیار این دعا **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ قَوْلُهُ الْحَقُّ يَوْمَ يُنْفَخُ**
 برای این روز و فضل بنموده است
 فِي الصُّورِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ اللَّهُ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ فَصَلِّ عَلَى
 الْأَصْبَاحِ وَجَعِدْ لِلْيَدِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حِسَابًا ذَلِكَ
 تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ يَا مَنْ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ
 وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ثُمَّ اسْتَوَى
 عَلَى الْعَرْشِ يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا مَنْ
 تَجَلَّى لِلجِبَلِ فَجَعَلَهُ دُكَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا مَنْ جِئْتُكَ بِهِ مِنْ مَدِينَتِكَ
 وَدَعَوْتُكَ بِهِ أَنْ تَرْزُقَنِي الْقَبُولَ وَالرَّحْمَةَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِيهَا
 قَبْلَهُ وَفِيهَا بَعْدَهُ وَتَجْعَلَ عَمَلِي صَالِحًا مَقْبُولًا رَاضِيًا زَاكِيًا تَبِيضُ
 بِهِ وَجْهِي وَتُكْرِمُهُ مِنِّي لِي وَتُحْسِنُ لِي مَثْوَايَ وَتُثَمِّمَ قَوْزِي وَ
 تَلْقَيْنِي بِهِ حُجَّتِي وَتُعْطِينِي بِهِ مَسْئَلَتِي وَتَشْفِيَنِي بِه نَفْسِي وَتَضْرِبَ لِي بِه
 عَلَى عَدُوِّي وَتَجْمَعُ بِهِ شَمْلِي وَتَلْمِزْهُ شَعْبِي وَتُرْزُقْهُ الْبَقِيَّةَ وَتُصَلِّحْ
 بِهِ أَمْرِي وَتَرْفَعْ بِهِ شَهَادَتِي وَتُرْكَبْ بِهِ عَمَلِي وَتُلْهِمْنِي بِهِ رِشْدِي وَ
 تَقْضِنِي بِهِ مِنْ كُلِّ شَوْءٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَتَرْزُقْنِي بِهِ الْجَنَّةَ وَ

نقله

تَعْلَمُ بِهِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَعِنْدَكَ
 حَقِيرٌ لَا يَسْبُرُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 إِلِهِ الطَّاهِرِينَ **سَيِّم** صاحب کتاب خیراذا بن عباس روایت نموده است که رسول خدا ص
 فرمود که هر که در این روز از دعا بخواند ملک که آسمانها و زمین برای او استغفار
 نمایند و دعا کند **اللَّهُمَّ وَفَرِحْ عَطِيٍّ مِنْ بَرَكَاتِهِ وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى حَيَاتِهِ**
 و دعا اینست
خَيْرَاتِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي الْقَلِيلَ مِنْ حَسَنَاتِهِ يَا هَادِي إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ قبول کحاشایه

ششم و اعمال آن چند چیز است **اول** شیخ شهید در کتاب لعین از رسول خدا ص روایت
 نموده است که هر که در این شب هفت رکعت نماز کند هر روز رکعت یک سلام و در هر رکعت یک سجده
 حده سوره که خواهد بخواند کتافات گذشته و آئیده او آمرزید شود **دو** سید زکریا
 در کتاب اقبال از کتاب شیعی که ادعیه بعضی از شبها از آن ساقط شده این دعا برای **تغلب**
اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَوْجِدُهُ وَلَا مَرِبَ لِي سِوَاكَ أَعْبُدُكَ

أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ لَا يُدْرِكُ لَكَ نُورٌ وَلَا يُؤَلَدُ لَكَ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْوًا
أَحَدٌ وَكَيْفَ يَكُونُ كُفْوًا مِنَ الْخَلْقِ وَمِنْ الْمَرْزُوقِينَ لِلرَّازِقِ وَمَنْ لَا
يَسْتَطِيعُونَ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا
هُوَ مَا لَكَ ذَلِكَ كَلِمَةً يُعْطِيهِ وَتَحْرِمُهُ وَيَبْتَلِي بِهِ وَيُعَاقِبُ مِنْهُ
لَا يُسْتَدْعَى بِهَا يُعْقَدُ وَهُمْ يُسْتَأْنُونَ إِلَهِي وَسَيِّدِي مَا أَعْتَبْتَهُمْ
الصِّيَامِ إِلَى جَانِبِ الصَّوْمِ وَأَنْتَ الْبَاقِي وَأَنْتَ الْبَاقِي وَأَنْتَ الْبَاقِي وَأَنْتَ

نقله

لله

للخالق

الدائم ومواكدي عظمته حقه تعظم وكبر منه فكمروا إن
في فيه الرزلات كثيرة والهفوات عظيمة إن قاصصتني بها كما
شهر شقاوي وراز سحت لي بها كان شهر سعادتي اللهم وكما
اسعدتني بالإقرار برؤيتك مبدئاً فما سعدني برحمتك ورافك
وتجيبك وسماحتك معي فإني على كل شيء قدير وصلى
الله على محمد وآله وسلم كثيراً اسم أيضاً سيد ركنابعد كورازكنا
على شهر رمضان انما في روضه ابن غار ابرأ
ايضا بنقل اللهم كلفتني من نفسي أنت أملك بي مبي وقد رزقت
أعلى من قدرني فصل على محمد وآل محمد واعطني من نفسي ما يرضيك
عني وحذ ليقتك رضاها من نفسي الهى لا طاعة لي بالجهد ولا صبر لي
على البلاء ولا قوة لي على الفقر فصل على محمد وآل محمد ولا تحضر على
ردفك في هذا الشهر المبارك ولا تلجني الى خلوك بل تغرد يا سيدي
بجأتي وتول كفايتي وانظر في اموري فانك ان وكلتني الى
خلقك بجهنمي وان اجأتني الى اهل حرموني ومقوتوني وان اعطوا
اعطوا اقلها لانك كذا ومنوا على كثير او ذموا طوبى لافضالك

مبتدأ

يا سيدي فأعني وبعظمتك فأفسي وبسعتك فأبسط يدي
وبما عندك فأكفي بأرحم الراحمين جهانم ايضا سيد ركنابعد
از رسول خدا ابن غار ابرأ
ايضا بنقل اللهم بما مضى من ذنوبي فأفسيها وهي مشبهة
كروه است
على يخلصها على الكرام الكاتبون يعلمون ما فعلوا واستغفروا
من موبقات الذنوب واستغفروا من مقطعات الذنوب واستغفروا
بما فرض على قنوانيت واستغفروا من نيران التي الذمبا عدني من
ربي واستغفروا من الرزلات والصلوات وبما كتب يدي واوون
بي واتوكل عليه كثيراً واستغفروا واستغفروا واستغفروا
استغفروا واستغفروا واستغفروا روز ميسم واعمال
ان چند چيز است اول
سيد بن طاسره ابن غار اللهم اني اسئلك باسمك الخزون الطاهر
براعين روز نفل غوده
المطهر يا من استجاب لابعض خلقه اليه اذ قال انظر في اليوم بعثون
فان لا اكون اسوء حال منه فيما سألته فاستجب لي دعوتي واعطني
يا رب ما سألته اني اسئلك يا سيدي ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجعلني من تنصير به لدينك ويقال له عدوك في الصف الذي

تفعلون

ذَكَرْتَ فِي كِتَابِكَ كَأَنَّهُمْ بَنِيَانٌ مَرصُوعٌ مَعَ أَحِبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ فِي أَحِبِّ
 الْمَوَاطِنِ لَدَيْكَ اللَّهُمَّ وَفِي صُدُورِ الْكَافِرِينَ فَعَظَمْتَنِي وَفِي عَيْنِ الْمَوَدِّينِ
 مَجَلَّلْتَنِي وَفِي نَفْسِي وَأَهْلِ بَيْتِي فَذَكَرْتَنِي وَحَبَّبْتَ إِلَيَّ مَنْ أَحَبَبْتَ وَبَعْضَ
 إِلَيَّ مَنْ أَبْغَضْتَ وَوَفَّقْتَنِي لِأَحِبِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ وَأَرْضَاهَا لَدَيْكَ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِلَيْكَ أَفْرَدًا وَلَيْسَ ذَلِكَ إِلَّا مِنْ خَوْفِي عَدْلَكَ وَ
 يَا أَبَاكَ أَسْأَلُكَ بِكَ لِأَنَّ لَيْسَ أَحَدًا إِلَّا دُونَكَ وَلَا أَقْدِرُ أَنْ أَسْتَبْرَأَ
 مِنْكَ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ وَأَنَا غَارِفٌ بِرُبُوبِيَّتِكَ مُقَرَّبٌ بِوَحْدَانِيَّتِكَ أَحَطَّتْ
 يَا إِلَهِي خَيْرًا بِأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِ لَا يَشْعُرُكَ شَيْءٌ عَنِ شَيْءٍ لَا
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا مَنْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **دَوْرِي سَيِّدِنَا فِي رِضَى دَوْلَتِ بِلَاخِيَا**
ابن عازار ابراهيم بن روزنفل بنور
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ أَحَقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَقَطَعَ دَائِرَةَ الْكَافِرِينَ
 يَا مَنْ يَجُولُ بَيْنَ الْمَاءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ
 الصَّدَقَاتِ يَا مَنْ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ
 لَهُمْ الْجَنَّةَ يَا مَنْ مَنَّ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْمَنَاصِرِ وَالَّذِينَ
 اتَّبَعُوهُ بِإِحْسَانٍ يَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ صَيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ

بِسْمِ اللَّهِ

منازل

مَنَازِلَ يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ جَمِيعًا وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ يَا مَنْ يَحْكُمُ بِالْحَقِّ
 وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ وَهُوَ عَلَيْكُمْ
 بِذَاتِ الصُّدُورِ يَا مَنْ آفَا مَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَآكَأ
 عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ بِأَقْرَبٍ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ يَا رَحِيمٌ
 يَا وَدُودٌ يَا مَنْ لَهُ تُغَيَّبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُ وَإِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ
 يَا مَنْ لَا يَبِئْسُ مِنْ رَحْمَتِهِ وَرُوحِهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ أَسْأَلُكَ يَا
 نَاجِيَتِكَ بِهِ مِنْ مِدْحَتِكَ يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ يَا مَنْ لَا تُضِرُّهُ الذُّنُوبُ
 يَا مَنْ لَا يَنْفَعُهُ الْمَعْرِفَةُ أَعْطِنِي خَيْرَ مَا سَأَلْتُ وَخَيْرَ مَا فُلْتُ وَخَيْرَ مَا
 ظَهَرَ وَخَيْرَ مَا بَطَنَ وَخَيْرَ مَا غَابَ وَخَيْرَ مَا شَهِدَ وَخَيْرَ مَا تَعَلَّمَ وَخَيْرَ مَا
 تَقَضَّى فِي الْعِلْمِ وَالْأَجْرِ وَالْأَمَلِ وَخَيْرَ الْحَيَاةِ وَخَيْرَ الْمَمَاتِ وَخَيْرَ الْمَقْضَاءِ
 وَخَيْرَ الْقَدْرِ وَخَيْرَ الْمُسْتَلَمَةِ وَخَيْرَ الْجَابِئَةِ وَخَيْرَ الشَّوَابِ وَخَيْرَ السَّوَادِ وَ
 خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ وَخَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ ذَلِكَ فِي نَيْبِي وَمِنْكَ
 وَغَافِيَةٍ فَإِنَّهُ لَا مَنَافِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مَعْطَى لِمَا مَنَعْتَ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي
 أَطْلُبُ بِمَا عِنْدِي رِضْوَانَكَ وَالنَّعِيمَ الْمُنْقِصِ الَّذِي لَا يَرُودُ أَحْسَنُ عَلَى

قوله يا حفيظ يا كريم

خبر

وَلَا يَزِيدُكَ وَأَهْلَ بَيْتِهِ الظَّاهِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سَمِعَ صَاحِبُ كِتَابِ ذَخِيرَةِ

از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود که هر که در روز و زاینه غار را بخواند برای او عید هر که ماه رمضان

را در روز داشته باشد ثواب عبادت شصت سال مقبول نوشته شود و دعا اینست

اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيَّ فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ وَأَعْلِقْ فِيهِ أَبْوَابَ النَّارِ وَ

وَقِعْ فِيهِ لِي لِقَاءَ الْقُرْآنِ يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

عینی

نوشته دیگر این شبها فضل از شب نوزدهم است و احتمال شب فدره را این شب زیاد از شب نوزدهم است چنانچه سید بن طاووس در کتاب اقبال لیسند خود از خبر آن روایت کرده است که گفت سوال نمودم از حضرت امام جعفر صادق ع از شب قدر فرمود که شب قدر را در شب بیست و یکم ماه رمضان است و ایضا از عبد الله بن محمد بن عثمان بن ع روایت کرده است که گفت بخبر حضرت امام محمد باقر ع عرض کردم که خبر ده مرا از شب قدر فرمود که طلب کن آنرا در شب بیست و یکم و بیست و نهم ماه رمضان پس عرض نمودم که تعیین کن آنرا برای من فرمود که چه میشود ترا آنکه بمشقت بگردانی خود را در شب و اعمال آن بر سه تم است **فصل**

غسل

اول اعمال مشترک میان سه شب و آنهاست تفصیل در شب نوزدهم مذکور شد و اما غسل در شب ناکیدش زیاد در شب نوزدهم است زیرا که از جمله شبهای عشر آخر این ماه است و غسل در شبها از آنهاست است چنانچه در قسم سیم مذکور میشود انشاء الله تعالی و مخصوص این شب نیز وارد شده چنانچه سید بن طاووس در کتاب اقبال از حضرت صادق ع روایت کرده که غسل در شب بیست و یکم است و روایت دیگر در شب نوزدهم مذکور شد **فصل دوم** و تیر اعمال مخصوصه این شب و آنها

چنانچه از حضرت ظاهر میشود چند چیز است **اول** شیخ شهید در کتابها بر همین از حضرت رسالت پناه ع روایت کرده است که هر که در این شب هفت رکعت نماز کند هر روز یک کیلام در هر رکعتی حمد بگوید و هر سوره که بخواهد آسمانهای هفتگانه برای او کشوده شود و در ظاهر اینها

که در **تیر** سید بن طاووس در کتاب اقبال از کتابی که او غیر بعضی از شبها از آن ساقط شده است این دعا را برای لاله الا الله مکتوبا لا نور و مصروف الدهور و خالین این شب نقل نموده است

هفتی که پیش از آن در شب

الْأَشْيَاءِ جَمِيعًا بِحِكْمَتِهِ ذَاكَ عَلَى أَرْحَمِ أَوْلِيَّتِهِ وَفِيهِ جَاعِلُ الْمُتَّقِينَ لِقَاءَ

لِمَا يَشَاءُ رَافِعًا مِنْهُ وَرَحْمَةً لِيَسْأَلَ بِهَا سَائِلًا وَيَأْمُرُ بِالْجَابَةِ دُعَايِهِ

بِهَا أَمِلْ قَسْبِحَانَ مَنْ خَلَقَ الْأَسْنَابَ إِلَيْهِ كَثِيرًا وَالْوَسَائِلَ إِلَيْهِ

مَوْجُودَةً وَسُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا تَعْبُورُهُ فَاقَةٌ وَلَا تَسْتَدِلُّهُ حَاجَةٌ

وَلَا تُطِيفُ بِهِ ضَرُورَةٌ وَلَا يَجْدُرُ ابْتِغَاءَ رِزْقٍ رَازِقٌ وَلَا سَحَطَ خَلْقٍ

قَاتِلُهُ الْقَدِيرُ عَلَى رَحْمَةٍ مَنْ هُوَ بِهَذِهِ الْحَالِ مَقْهُورٌ وَبِهَا مَضَائِقُهَا

مَحْضُورٌ وَخِافٌ وَبَرْجُورِيْنُ الْأُمُورِ وَالْيَدِ الْمَصِيرُ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ

قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَتَبِيكَ مُوَدِّي

الرِّسَالَةِ وَمَوْضِعِ الدَّلَالَةِ أَوْصَلْ كِتَابَكَ وَأَسْحَبْ ثَوَابَكَ وَ

أَنْهَجْ سَبِيلَ حِلَالِكَ وَحَرَامِكَ وَكُشِّعْ عَن شَعَائِرِكَ وَأَعْلَامِكَ

فَإِنَّ هَذِهِ اللَّيْلَةَ الَّتِي سَمَّيْتَهَا بِالْقَدْرِ وَأَنْزَلْتَ فِيهَا مُحْكَمَ الذِّكْرِ

وَفَضَّلْتَهَا عَلَى الْفِ شَهْرٍ وَهِيَ كَيْلَةُ مَوَاهِبِ الْمُقْبُولِينَ وَمَصَائِبِ

الْمُرْدُودِينَ فَيَا خَيْرَانَ مَنْ بَاءَ فِيهَا بِسَحَطِهِ وَيَا وَجَّعَ مَنْ خُطِبَ فِيهَا بِرَحْمَتِهِ اللَّهُمَّ فَارْزُقْنِي قِيَامَهَا وَالنَّظَرَ إِلَى مَا عَطَمْتَ مِنْهَا مِنْ

سَوْحٍ وَالنَّارِ حَيٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ
وَأَشْهَدُ أَنَّ الرَّبَّ رَبِّي لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَكِيلَ لَهُ وَلَا وَدَّاعَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ
الْفِعَالَ لِمَا يُرِيدُ وَالْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالصَّانِعُ لِمَا يُرِيدُ وَالْقَاهِرُ
مَنْ يَشَاءُ وَالرَّافِعُ مَنْ يَشَاءُ مَا لَكَ أَمْلُكَ وَرَأْسُ الْعِبَادِ الْعَقُورُ الرَّحِيمُ
الْعَلِيمُ الْحَلِيمُ أَشْهَدُ أَشْهَدُ أَشْهَدُ أَشْهَدُ أَشْهَدُ أَشْهَدُ

قد يرد

بخار محمد بن يعقوب كليني شيخ طوسي و علامه حلي و سيد بن طاووس و غيرهم روحد و حدود يكران ده
و طار در شبهای عشر آخر ماه مبارك رمضان روایت نموده در هر شبی غای مخصوصی و سید مرتضی
کتابها نقل گفته که این ادعیه مطهره است و در هر شب از آن بخواند و در هر شبی که در آن روز
که از آن روز در کتاب شهر رمضان نقل نموده است و آن تقریر و آنکه سنا بر طرف و مشتمل
بر نماز و شبهای بسیار هفت و با این جمله در کتاب اقبال این طرف یاد کرده خود و لهذا ما نیز در این
کتاب این طرف را اختیار می نمایم این ادعیه در کتاب خود بسند خود از عهده زید روایت
کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود یا مویج اللیل فی النهار و مویج
که در شب اول از شبها عشر آخر ماه رمضان از آن طرف بخوان

در هر شب اول از شبها عشر آخر ماه رمضان از آن طرف بخوان

النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَمُخْرِجُ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يَا بَارِئُ رَبِّ الْعَالَمِينَ
يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا رَحِيمُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
وَالْأَلَاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتُ قَضَيْتَ فِي
هَذِهِ اللَّيْلَةِ نَسْرًا لَأَمْلِكُكَ وَالرُّوحُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ يَكْفِيكَ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالْمُحَمَّدِ وَاجْعَلْ اسْمِي فِي السَّعَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاجْعَلْ فِي
عَلَيِّينَ وَإِسَاءَةَ فِي غُفُورَةٍ وَأَنْ تَهَبَ لِي بِقَبِيئَاتِي شِرْهَ قَلْبِي وَآمَانًا
يَذْهَبُ بِالشُّكِّ عَنِّي وَاتِّبِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
وَفِي عَذَابِ النَّارِ وَأَرْزُقْنِي يَا رَبِّ فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ
وَالْإِنَابَةَ إِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّهُ وَتَرْضَاهُ وَمَا
وَقَفْتَ لَهُ شَيْعَةَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَلَا تَقْتَتِي بِطَلْبِ طَارِئِي وَعَيِّ بِجَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَعْنِي يَا رَبِّ بِرَبْرِي
مِنْكَ وَأَسِجْ بِجِدِّكَ عَنِ حَرَامِكَ وَأَرْزُقْنِي الْعَيْشَةَ فِي بَطْنِي وَمَرْجِي
وَقَرِّجْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَوَقِّفْ لِي لَيْلَةَ
الْقَدْرِ عَلَى أَضْلَمِ مَا رَأَاهَا أَحَدٌ وَوَقِّفْ لِي وَأَقِفْ لَهُ مُحَمَّدًا وَأَالَ
مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَأَقْدَبْ كِنَاؤَكَ وَجَاوِزَ كِنَاؤِكَ
مَا يَدْبُرُ كِبْرِيَاءَ السَّاعَةِ تَانْفُسُ نَسْرَتِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
بِسْمِكَ كَمَا نَزَلَتْ فِيهِ وَبِعَبْرَتِكَ اسْتَوْجِبْ لِي عِلْمًا وَبِرَحْمَتِكَ
وَأَمْسِكْ لِي كُلَّ تَيْدٍ عَنِّي يَا بَابَ الْجَهْلِ هُدًى تَنْبِيهُ عَلَى مَنْزِلِكَ
صَلَاةً وَغِيًّا تَنْبِيهُ عَنِّي يَا بَابَ كَلْفِ قُوَّةٍ تَرُدُّ بِهَا عَنِّي كُلَّ ضَعْفٍ

خواج خود را طلبد

بِسْمِكَ كَمَا نَزَلَتْ فِيهِ وَبِعَبْرَتِكَ اسْتَوْجِبْ لِي عِلْمًا وَبِرَحْمَتِكَ

عَنْ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّ مُفَرِّجِ هَمِّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّ مُفَسِّسِ عَمِّ

يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ

أَجْعَلِينَ وَأَفْعَلِي فِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلِي مَا أَنَا أَهْلُهُ **مَوْلَى كُوبِدِ**
که اگر با ملتین

الحمدیدرانا آخر سه مرتبه بگوید شاید کافی باشد و اگر زیاده بگوید بهتر است **سَبِّحْ أَيْضًا**

سَبِّحْ در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت در

هر شب از شبهای عشا فرماده است **أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَقْضِيَ عَنِّي**

شَهْرَ رَمَضَانَ أَوْ يَطْعَمَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلِي هَذِهِ وَبَقِيَ لَكَ عِنْدِي تَبَعْتَهُ أَوْ ذُنُوبِي

تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامِ **سَبِّحْ** لا فیه در کتاب اختیار از حضرت صادق

علیه السلام روایت کرده است که در هر شب از شبهای عشا فرماده است **وَأَصَلِّ**

تعبادت من از نماز هر یک از **اللَّهُمَّ** أَدْعُكَ حَقَّ مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ

وَأَغْفِرْ لَنَا تَقْصِيرَ مَا فِيهِ وَكَلِمَةً مِمَّا مَقْبُولًا وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِسُرِّهَا عَلَيَّ

أَنْفُسِنَا وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْخُزُومِينَ **سَبِّحْ** هر که این عمل را بجا آورد حق تعالی باین

هر که هر که در اینها کرده باشد و او را در اینها از کفایت

بگناه دارد **فَابْتَدَأَ** باینکه هر شب است که در شب و شب بیتی و سوره اول شریف شروع بخواند دعاها

مشغول کند تا نصف شب و بعد از نصف شب دعاها را نیز بجا آورد چنانچه کلینی در کتاب صحیح

التفصیل بسیار روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام چون شب بیتی و یک و بیست و پنجم

این شبها را در هر شب از شبهای عشا فرماده است

تعبادت من از نماز هر یک از اینها را بجا آورده است

و اجعلنا من الخوسين

۵۵۵

نماز کرده و من نماز کرده ام تا جمیع نمازها فارغ شدیم پس شروع بدعا کرد و ما آمین میگفتیم تا صبح

طالع شد پس اذان و اقامه گفت بعضی از غلامان خود را طلبید و خود پیش ایستاد و

نماز عقیبا و ایستادیم و نماز صبح را ادا فرمود و در رکعت اول حمد و سوره انا انزلناه و در

رکعت ثانیة حمد و سوره قل هو الله احد خواند پس چون از تسبیح و تحمید و تقدیر و شاعر بر

حق تعالی و صلوات بر رسول خدا و دعا برای جمیع مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات

از اولین و آخرین فارغ شد پیر آنحضرت بسجده افتاد و یک ساعت طولانی صدای سخن حضرت

را شنیدیم و نفهمیدیم که چه چیز میفرمود **لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَقْلَبِ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ**

بعد از آن شنیدیم که آنرا در سجده میخواند **لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقِ الْخَلْقِ بِلَا حَاجَةٍ فِيكَ إِلَيْهِمْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرِ**

الْخَلْقِ لَا يَنْقُصُ مِنْ مَلِكِكَ شَيْءٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَلْعُوقِ السُّبُورِ لَا إِلَهَ

إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ دَيَّانِ الدِّينِ وَجَبَّارِ الْجَبَابِرِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

إِلَّا أَنْتَ مُجْرِي الْمَاءِ فِي النَّبَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُكْوِنِ طَعْمِ الثَّمَارِ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُخْصِي عَدَدِ الْقَطْرِ مَاتَحْمِلُهُ السَّمَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُخْصِي

عَدَدِ مَا تَجْرِي فِي الْبَاحِ فِي الْهَوَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُخْصِي مَا فِي الْجَارِمِ مِنْ طَبْرِ

وَالْيَابِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُخْصِي مَا يَدْبُ فِي ظِلْمَاتِ الْجَارِمِ وَبِهِ أَطْبَاقُ النَّارِ

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ اسْتَأْنَسْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْقَبْرِ عِنْدَكَ

وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ سَبِّهِ أَوْ صَدَقَتِهِ

أَوْ شَهِيدِهِ أَوْ أَحَدٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ اجْتَبَتْ

این دعا را در هر شب از شبهای عشا فرماده است

لا اله الا انت

وَإِذَا سَأَلْتَهُ بِهَا آعْطَيْتَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُكَ
 عَلَيْهِمْ وَبَرَكَاتُكَ وَحَقِّقَهُمُ الَّذِي وَجَبَتْهُ عَلَى نَفْسِكَ وَأَنْتَ لَمْ تَهْمُ
 بِهِ فَضْلَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَمُرْسُولِكَ الدَّاعِي لِيكَ يَا ذَاكَ
 وَسِرِّ اجْتِ الشَّاطِعِ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي أَرْضِكَ وَسَمَاوَاتِكَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً
 لِلْعَالَمِينَ وَتَوَمَّلْ اسْتِضَاءَ بِهِ الْمَوْمِنُونَ فَتَبَيَّنَتْ بِحُجَّتِهِ الْوَالِيَةُ أَنْذَرْنَا
 الْإِلَهِيَّةَ مِنْ عِقَابِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ تَدْجَاءُ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَصَدَقَ
 الْمُرْسَلِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْحَقِّ الْعَدَابُ الْإِلَهِيُّ اسْتَسْأَلُكَ
 يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ
 يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ اسْتَسْأَلُكَ فِي هَذِهِ الْعُدَاةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ وَسَائِلِيكَ نَصِيبًا وَأَنْ تَعْمُرَ عَلَيَّ
 بِعِيَاكَ رَقِيبَتِي مِنَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَأَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ
 وَمَا لَمْ أَسْأَلْكَ مِنْ عَظِيمِ جَلَالِكَ مَا أَوْ عَلِمْتُ لَسَا لَيْتُكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِرَجْعِهِ مِنْ بَعْضِهِ فَرَجَّحْ أَوْلِيَاءَكَ وَأَصْفِيَاءَكَ
 مِنْ خَلْقِكَ وَبِهِ تَنْبِيذِ الظَّالِمِينَ وَتَهْلِكُهُمْ عَجَلْ ذِكْرَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

وَأَعْطَيْتَ سُؤْلِي بِإِذَا الْجَلِيلَةِ الْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ لِجَاعِلِ
 الدُّنْيَا وَاجِلِ الْآخِرَةِ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ أَفَلَيْتَ عَشْرَةَ
 وَأَقْلَبْتَنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي يَا خَالِقِي يَا رَازِقِي يَا بَاعِثِي وَيَا مُجِئِي عِظَا
 وَهِيَ رَمِيمٌ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتَجِبْ لِدُعَائِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس چون فارغ شد سر از سجده برداشت پس عرض کردم که فدای تو شوم در این دعا
 خواستی فرج کسی را که بفرج او برکزید کان حی غالی و دوسنان او خالصی شود
 آیا آن کس تو نبیستی فرمود که نه آن شخص فایم آل محمد علیهم السلام است پس عرض
 نمودم که آیا برای خروج او علامتی هست فرمود بلی از جمله علامات خروج او کوفتن
 آفتاب است در وقت طلوع آن بمقدار دو و ثلث ساعت از روز و کوفتن ماه و سیب
 و سیم ماه و فتنه که بر اهل بصر نازل شود و راه ایشان بسته شود و با این علامات
 اکتفا کن و منتظر صاحب خود باش در شب و روز پس بد رستی که حی غالی در هر روزی
 کاری است و هیچ کاری او را باز نمیدارد از کار دیگر زیرا که او پروردگار عالمیان است
 و دوشستان خود را از هر چه بخواهد میدارد و ایشان اذو خابین و ترسانند **مؤلف** گوید که
 از شرح این حدیث شریف چند چیز ظاهر میشود که ذکر او ضرور و لازم است **اول**
 آنکه استماع قرآن مصطلحی بر غیر مأموم واجب نباشد و کلیه وجوب استماع که از آنکه
 فاذا قرئ القرآن فاستمعوا له و انصتوا ظاهر میشود بر عموم بانی نباشد زیرا که حضرت
 حماد را امر فرمود که در جنت آنحضرت مشغول نماز گردید و چون نماز در شب کرده شد
 ظاهر آنست که قرآن آن صبح شده باشد لیکن این معنی نظر بعلموم آیه که هر و بعضی از
 روایات دیگر خلاف احتیاط است و احوط استماع قرآن است در هر حال **دوم** آنکه
 در این سبها نماز مقدم برد غای آنها نباشد و این معنی مخالف است با حدیثی که در اعمال
 این روز مذکور شد که حضرت امام محمد باقر **ع** در این شب دعاها را در اول شب بخواند
 بعد از نصف شب مشغول نماز میشود و همگلاست که بعضی از دعاها باید در اول

وَتَوَكَّلْ الْمُؤْمِنِينَ وَإِنَّا بَرُّ الْمُخْبِتِينَ وَسَائِرٌ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ
وَمَا أَعْطَيْنَاهُ النَّبِيِّينَ وَالْأُمَّةَ الطَّاهِرِينَ وَالْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ
وَأَصْلِحْ لِي قَعْسَى الْعَاسِيَةِ وَقَلْبِي الْفَاسِدَ وَعَقْلِي التَّافِصَ وَفَكَ
عُنُقِي مِرَّ النَّارِ وَارْمِ فِي الْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعْظِمْ
عَنْ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ بِعِضْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **بِحَامِلِهِ** صَاحِبِ كِنَانَةِ خَيْرِ إِذَا بَنِي عَبَّاسٍ وَابْنِ كُرَّةٍ أَشْرَكَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ
صَ فَمَوَدَّ كَرِهَهُ دِينُ رُبِّي إِذْ عَارَ مَا بَخَوِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَوْلَا نُوْرَانِي
كَرَاهِيَةُ رُوْمِي وَرَأْسِي كُنْتُ دَرِيءًا لِي بِرُؤْيِي صِرَاطِ كَبِيرِهِ مَا نَسْتَدِيرُونَ جَهَنَّمَ وَدَعَا بَيْتُ
اللَّهِ أَجْمَلَ إِلَى مَرْضَانِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَى سَبِيلٍ

وَأَجْمَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنَزَلًا وَمَقِيلًا يَا فَاحِشِي حَوَالِجِ الطَّالِبِينَ **بِحَبِيْبِهِ** مُحَمَّدٍ
يَعْقُوبُ كَلْبِي

دَرْكًا كَلْبِي فِي بَدْوِي إِذَا سِيدُ بَنِي صَعْمَانَ كَدَّ إِذَا جَلِبَتْ حَمَلًا بِرَسُولِ خَلِصٍ اسْتَدْرَأَتْ مَعُودَهُ **بِحَمَلِهِ**
كَرْهِيَّةً أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا جَارَكَ بِرُؤْيِي كَرِهْتُمْ وَمَرْدِي هَمِي
دَهْشَتُ مَعُودِ نَدْمَانِ شَدِيدِي كَرِهْتُمْ خَلِصًا رَحْمَتُ فَرُودِهِ بُودِ بِيْرِي إِذَا بَدَّ كَرِيَانِ وَكَبِيرِي
بِيْشَانِي وَبِيْكَفِي إِذَا اللَّهُ قَانَا إِلَيْهِ زِلْجُونِ أَمْرُ خِلَاوِي بِعِيْرِي نَقَطُ كَرْمِي دِينَا أَنْكَ
بِرُؤْيِي كَرِهْتُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا جَارَهُ بُودِ إِسْنَادُ كَرْمِي

حَمَلِكَ اللَّهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ كُنْتُ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا وَأَخْلَصْتُمْ إِيْمَانًا
وَأَشَدَّهُمْ بَيْتِيًا وَأَخْوَفَهُمْ بِيْتِي وَأَعْظَمَهُمْ عَنَاءً وَأَحْوَطَهُمْ عَلَى رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَشْبَهُهُمْ بِهِ هَذَا وَأَخْلَقْنَا وَسَمْنَا وَفَعَلْنَا

وَأَشْرَفَهُمْ

فِيهِ

وَأَشْرَفَهُمْ مَنَزَلَةً وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ نَجْرَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَعَنْ رَسُولِهِ
وَعَنِ الْمُسْلِمِينَ خَيْرَ أَقْوِيْتِ حِينِ ضَعُفَتْ أَصْحَابُهُ وَبَرَزَتْ حِينِ اسْتَكْبَرُوا
وَنَهَضَتْ حِينِ وَهِنُوا وَكَرِهْتُمْ مِنْهَا جِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
إِذَا هَمَّ أَصْحَابُهُ وَكُنْتُ خَلِيفَتَهُ حَقًّا لَمْ تَنَازَعْ وَلَمْ تَضْرَعْ بِرِعْمِ
الْمُنَافِقِينَ وَغَيْظِ الْكَافِرِينَ وَكُرْهِ الْخَاسِدِينَ وَصِغْرِ الْفَاسِقِينَ

فَسَمْتُ بِالْأَمْرِ حِينِ قَسَلُوا وَنَطَقْتُ حِينِ تَنَعَّمُوا وَمَصْنِيكَ بِرُؤْيِي اللَّهِ إِذَا
وَقَمُوا فَاتَّبَعُوا فَهَدُوا وَكُنْتُ أَحْفَظَهُمْ صَوْنًا وَأَغْلَاهُمْ قَمُونًا وَ

أَفْلَهُمْ كَلَامًا وَأَصْوَبَهُمْ نَطَقًا وَأَكْبَرَهُمْ رَأْيًا وَأَشَجَّهُمْ قَلْبًا وَ
أَشَدَّهُمْ بَيْتِيًا وَأَحْسَنَهُمْ عَمَلًا وَأَعْرَفَهُمْ بِالْأُمُورِ كُنْتُ وَاللَّهُ

يَعْسُوبًا لِلدِّينِ أَوْلَا وَأَخْرَأَ الْأَوْلِيَيْنِ مَا تَقَرَّفَ النَّاسُ وَالْآخِرُ حِينِ
قَسَلُوا كُنْتُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبَا رَحِيمٍ إِذَا ضَارُوا وَعَلَيْكَ عِيَالًا فَحَمَلْتَ

أَثْقَالَ مَاعْنَهُ ضَعَمُوا وَحَفِظْتَ مَا أَضَاعُوا وَرَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا وَ
شَبَّرْتَ إِذَا اجْتَمَعُوا وَعَلَوْتَ إِذَا مَلَعُوا وَصَبَّرْتَ إِذَا اشْرَعُوا وَأَدْرَكَتْ

إِذَا اجْتَمَعُوا إِذَا
أَوْثَارَ مَا طَلَبُوا وَأَنَا لَوْلَا مَلِكٌ مَا أَمَرَ بِحَدْسِي بُوَا كُنْتُ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا صَبًّا

وَلَوْ اتَّبَعُواكَ

إِذَا اجْتَمَعُوا

الْبَيْظَةُ مِنَ الْمَنَارَةِ فَصَدَّتْ رَبَّ الْعَرَّةِ بِالْقِيَامِ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ تَحْسِنِي
 وَنِعْمَةً أَلْبَسْتَنِي وَحَتَّى تَعَشْتَنِي وَأَسْأَلُكَ إِنَّمَا أَسْتَدِيرُ وَرَبَادَةٌ
 لِي مِنْ جِبَابِكِ فَإِنَّهُ الْمَلِكُ الْقَدِيرُ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 كَثِيرًا **إِحْزَانًا** أَيْضًا سَيِّدُ دُرِّ كُنَا بَعْدُ كَرِيمٌ كَرَامٌ أَيْضًا مَوْلَى دُرِّ كُنَا بَعْدُ شَهْرًا
 لِيَدُخُودًا مِنْ عَيْنِ زَيْدِ رَوَايَتُكَ وَاسْتَكْرَهَ حَضْرَةَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِي مَوْلَى دُرِّ كُنَا بَعْدُ رَشِيدٌ وَهُوَ
 أَرْشَبُهَا عَشْرًا مَوْلَى مَبَارَكِ يَا سَالِحَ اللَّيْلِ مِنَ النَّهَارِ فَادْنُ مِثْلُ مَظْلُومٍ وَحُجْرِي
 رَمَضَانَ أَيْنَ دَعَا لِحُجْوَانِ
 الشَّمْسُ لِمُسْتَبَرٍّ هَذَا لَكَ بِتَقْدِيرِكَ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمٌ وَمُقَدَّرُ الْقَمَرِ
 مَنَارِ لِحَتَّى غَادَ كَالْمَرْجُونِ الْعَتَمُ بِرِيَا نُورِ كُلِّ نُورٍ وَمُسْتَهْتَبِي كُلِّ
 رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا فَدَّوْسُ يَا وَاحِدُ يَا
 يَا حَمْدُ يَا قُدُّ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ وَحُجْرِي الْجُودِ وَبَاعَتْ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا
 مَلِكِينَ الْحَبِيدِ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا
 اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ وَ
 التَّعْنَاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتُ فَصَدَّقْتُ
 فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ شَرُّ لِمَلَكِكِ وَالرُّوحُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ كَيْمِ صَلَّى
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلِ فِي السَّعْدَاءِ وَمُرُوحِي

مَعَ الشُّكْرِ وَأَحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَةً فِي مَعْفُورَةٍ وَأَنْ تَهَبَّ لِي بِقِيَامَا
 تَبَشِّرِي قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَتُرْصِنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا رَبِّي
 فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَفِي عَذَابِ النَّارِ وَامْرَأَتِي يَا رَبِّ
 فِيهَا ذِكْرُكَ وَشُكْرُكَ وَالرَّغْبَةَ وَالْإِنَابَةَ إِلَيْكَ وَالنُّورَةَ وَالنُّوْفُقَ لِي
 وَقَفَّتْ لَهُ شَيْعَةَ مُحَمَّدٍ يَا رَحْمَنُ الرَّاحِمِينَ وَلَا تَقْنِي قِيَامِي طَلَبِي مَا ذَوَيْتَ
 عَنِّي حُجُوكَ وَقُوَّتِكَ وَأَعْنِي يَا رَبِّ بِرِزْقِي مِنْكَ وَأَسِيعَ بِحَلَا لِي عَن
 حَرَامِكَ وَأَمْرِي فِي الْعَيْقَةِ فِي بَطْنِي وَفُرْجِي وَفَرَجِي عَنِّي كُلِّ هَيْمٍ وَعَيْمٍ
 وَلَا تُشْمِتْ بِعَدُوِّي وَفِي لِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ عَلَى أَضْدِمَارِهَا أَحَدًا
 وَوَقَفْتَنِي لِي مَا وَقَفْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَفْعَلْ بِي
 كَمَا وَكَلْتَنِي وَأَفْعَلْ بِي كَمَا وَكَلْتَنِي عَمْرًا مَلِكِي بِرَبِّكَ يَا شَاعِرَ الشَّاعَةِ يَا ظَهَرَ الْأَجْبِينِ صَلَّى
 عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكُنْ لِي حِصْنًا وَحِوْرًا يَا كَهْفَ الْمُسْتَجِيرِينَ صَلَّى عَلَيَّ
 مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكُنْ لِي كَهْفًا وَعَضُدًا وَنَاصِرًا يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِينِينَ
 صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكُنْ لِي غِيَاثًا وَحُجْرًا يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ
 صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكُنْ لِي وَلِيًّا يَا حُجْرِي غَضِيصَ الْمُؤْمِنِينَ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْرِ عَضَّتِي وَنَفْسِي هَبِّي وَاسْعِدْنِي فِي هَذَا
 الشَّهْرِ الْعَظِيمِ سَعَادَةً لَا أَسْتَعِي بَعْدَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مُؤَلَّفَت**
 كَوَيْدُكَ اَيْنَ
 زِيَادٌ فِي مَجَالِ اسْتِكْرَامِ الْيَفْسِ بِسَبْدِ رُوَايَاتٍ دِكْرُ غَايِبَاتٍ فِي مَوْجُودِ بَاسْتِدْ جِنَابِهِ
 دَرِثِ بَيْتٍ وَيَكْمُ نَظِيرًا بِرِجَالِ كُورِشٍ **بِحُجَّتِهِ** أَيْضًا سَبْدُ دَرَكَاتٍ دِكْرُ مَا فِي بَازُو دَرَكَاتِ
 اخْتِيَارًا لِرَسُولِ خَلَامَةِ اِبْنِ عَارَا **جَبَّارٌ عَفَّارٌ فَاهِرٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ غَفُورٌ رَحِيمٌ**
 بِرَأْيِ نَيْشَابُورِ دَوَايِثِ مَعُوذَةِ اَللّٰهِ
 غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ فَالِقَ الْحَبِّ مُوجِئَ اللَّيْلِ
 فِي النَّهَارِ وَمُوجِئَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ
 مِنَ الْحَيِّ وَذَاقِ الْعِبَادِ بَعِيرِ حِيَابٍ يَا جَبَّارُ يَا جَبَّارُ يَا جَبَّارُ
 يَا جَبَّارُ يَا جَبَّارُ يَا جَبَّارُ **وَدُّوْا عَمَّا لَانَ** جِنْدِ جَبَّارِ **أَوَّلُ سَبْدِ**
 طَاوَسِ كَوَيْدِ كَمَا لَفِيَ اِبْنُ عَارَا بِرَاعِيَيْنِ وَنَزَلَ نُوْحٌ فِي
 سُبْحَانَ اللَّهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَنْصَرُّ مِنْهُ يُبْصِرُ مِنْ قَوْفِ عَرْشِهِ مَا
 تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ وَيُبْصِرُ مَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّجْمِ لَا تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ
 وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَا تُغْنِي بَصَرُهُ الظُّلُمَاتِ
 وَلَا يَسْتَنْ عَنَّهُ دَسِيرٌ وَلَا يُوَارِي مِنْهُ جِدَارٌ وَلَا يَغِيبُ مِنْهُ شَجَرٌ وَلَا
 يَكُونُ مِنْهُ جَبَلٌ مَا فِي أَصْلِهِ وَلَا قَلْبٌ مَا فِيهِ وَلَا يَكْتُمُ مِنْهُ صَغِيرٌ
 وَلَا كَبِيرٌ وَلَا يَسْتَخْفِي مِنْهُ صَغِيرٌ أَوْ كَبِيرٌ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ

وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ
 إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِعِ الشَّمْسِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ
 سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ فِي
 النُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ
 سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَكَ كَلِمَاتِهِ
 سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ **دَوَايِثِ سَبْدِ نَافِزَةٍ** دَرَكَاتِ بِاخْتِيَارِ **اللَّهُمَّ إِنِّي**
 اِبْنُ عَارَا بِرَأْيِ نَيْشَابُورِ وَنَزَلَ نُوْحٌ فِي
 أَسْأَلُكَ يَا مَنْ يُسَبِّحُ لَهُ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ
 وَمَا تَحْتَهُنَّ يَا مَنْ لَمْ يَخْلُقْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَا يُكُنْ لَهُ شَرِيكٌ
 فِي الْمُلْكِ وَلَا يُكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا يَا مَنْ أَنْزَلَ
 عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا فِيمَا يَأْتِيكَ فِي حِكْمِهِ حَقًّا
 يَا مَنْ نَادَى مُوسَى مِنْ جَانِبِ لَطُورٍ لَا تَمِينُ وَقَسَرْتَهُ نَجِيًّا يَا مَنْ رَفَعَ
 إِبْرَاهِيمَ مَكَانًا عَلِيًّا يَا مَنْ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
 وَمَا تَحْتَهُ الشَّيْءُ يَا مَنْ يَعْلَمُ الْبُيُوتَ وَالْأَخْفَى وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يَا مَنْ أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْفَهُ ثُمَّ هَدَى

يَا مَنْ حَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَبْنَا اللَّهُمَّ إِلَيَّ أَسْأَلُكَ
 بِمَا نَاجَيْتُكَ بِهِ مِنْ مَدْحِكَ فِي يَوْمِي هَذَا طَلِبًا لِعَفْوِكَ وَخَوْفًا
 مِنْ عَذَابِكَ وَرَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ وَطَمَعًا بِإِحْسَانِكَ وَرَغْبَةً فِي
 رِضَاكَ وَسِعَةً فِي رِزْقِكَ وَتَفَضُّلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآهْلِ
 بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَتُوْنِسَ وَحُسْبِي وَتُصَلِّ وَخَدِّي وَتَعَزَّ ذِي
 وَكُشْرَ عَوْمَرِي وَتَجَبَّرَ فَاغْتِي اللَّهُمَّ أَنْتَ رَجَائِي وَتَقِيَّتِي فَأَعِنِّي
 عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَنِي وَانصُرْنِي عَلَيَّ مَنْ بَغَى عَلَيَّ وَأَرَادَ أذِيَّتِي وَاحْفَظْنِي
 فِي نَفْسِي وَمَالِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَأَعِظْنِي مِنَ النَّارِ وَأَمْرِ فِتْنِي
 الْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَا تُخَوِّجْنِي إِلَى عَيْدِكَ بِفَضْلِكَ
 الْمُبْدُولِ وَإِحْسَانِكَ الْمَأْمُولِ إِلَيْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ
 كَبِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **سِيمِ صَا**
 كِتَاب

مرد
ناجاک

الیه

علی

ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا فرمود که هر که این دعا را در این روز
 بخواند حق تعالی سگارش کند و سوال منکر و نکر را بر او آسان کند و او را ثانی بار در بر قول ثانی
 اللَّهُمَّ أَنْزِلْ عَلَيْهِ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَضِعْنِي فِيهِ لِمَوْجِبَاتِ رِضَاكَ
 وَأَسْكِنْنِي بِبَرَكَتِهِ مَجْبُوحَةَ جَنَاتِكَ بِمَجِبِ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

شب سیم و سیم این شب افضل از دو شب سابق و مدخلیه آن در شب قدر زیاد از آن در
 شب است و روایت بسیار دارد که میکند بر آنکه این شب واقعا شب قدر است چنانچه
 سید بن طاووس در کتاب اقبال بسند خود از سفیان بن السمطور روایت کرده است
 که گفت بخدیست حضرت امام جعفر صادق در صلوات الله علیه عرض نمودم که در میان شبها
 شب قدر را برای من جدا کن فرمود که شب بیت و سیم است و ایضا در کتاب مذکور
 از ابو حمزه انصاری روایت کرده است که او از رسول خدا شنید که میفرمود که شب
 قدر که شب قدر شب بیت و سیم است و بدانکه این شب ایله الجهتی می نامند
 و این بجهت حدیثی است که سید در کتاب اقبال بسند خود از حضرت امام محمد باقر
 روایت نموده است که فرمود که یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله که در حوزة
 مدینه طیبه سکنی داشت و بجهتی معروف بود بخدیست آنحضرت آمد و عرض نمود
 که یا رسول الله بدرستی که من شکر و کوفسند فراوان و غلامان بسیار دارم و با این همه
 اشغال بسیار و همیشه برای عبادت مدینه منینا فراموش میخورم که کیست از برای من
 در ماه رمضان تعیین بفرمائی که در آن شب بمدینه بیاید و بنماز حاضر شوم پس حضرت
 او را بنزد خود طلبید و سخنی آهسته در گوش او گفت پس حضرت امام محمد باقر فرمود
 که همین هر سال پنج شب بیت و سیم ماه رمضان می شود با آهل و اولاد و غلامان و شران
 و کوفسندان خود داخل مدینه میشد و در آن شب در مدینه عبادت الهی مشغول بود و
 چون صبح می شد با اهل و متعلقان بجای خود می آمد و در سیم شب حضرت فرمود که آن
 جبهتی عبد الرحمن بن انیس انصاری بود و بدانکه بهتر آنست که از شعب راد مسجد
 مبارک و اعمال وارد در آن در مسجد بعبد آورد چنانچه سید بن طاووس در کتاب
 مذکور بسند خود از جمیل هشام روایت کرده است که گفت در سالی از سالها حضرت
 صادق در صلوات الله علیه را با بیاری شدیدی غایب شد پس چون شب بیت و سیم شد
 غلامان خود را امر کرد تا آنحضرت را مسجد بردند و تمام آن شب برادر مسجد گذرانیدند و **و اما**
اعمال این شب پس آن نیز بر ستم است و دو قسم آن که اعمال مشترک میان سه شب و اعمال
 مشترک الی الی عشره چهارم تفصیل سابق مذکور شد لهذا در این مقام بدو کویک قسم که آن
 اعمال مخصوصه این شب است آنکفاینهاست و آنها چنانچه از تسبیح کتب اخبار ظاهر میشود چند
 چیز است **اول** غسل با نیک در این شب دو غسل مستحب یکی در اول شب و یکی در آخر شب
 و یکی غسل از اعمال مشترکه سه شب است چنانکه در شب نوزدهم بار و ایا آن تفصیل
 و یکی غسل دیگر آن از اعمال مخصوصه این شب است چنانچه سید در کتاب اقبال بسند

در غسل این شب

از بریدن مغز بجزی و این کوزه که گفت که حضرت امام جعفر صادق را دیدم در شب سبب و سبب
 و غسل میفرمودند یکی در اول شب و یکی در آخر شب **دو تیر** ثلاث سورع عنکبوت و روم
 چنانچه سید بن طاووس در کتاب اقبال مطرف معتدله از حضرت امام جعفر صادق روایت نموده
 از این کوزه است که حضرت باو بصیر فرمود که هر که سورع عنکبوت و روم را در شب بخواند
 سیم بخواند پس بخدا سوگند که او از اهل بهشت است و استنشاق کنیم هر که از آنچه قسم
 بر آن یاد نمودم و تمیز سیم که حق تعالی بر من نازل فرمودید و بدرستی که برای این سورع نزد حق
 تعالی قدرتی عظیم است **سیم** خواندن سورع انا انزلناه هزار نوبت چنانچه سید بن طاووس
 مذکور بطرف بسیار از حضرت صادق روایت کرده است که اگر مردی در شب سیم را بخواند
 در زمان سورع انا انزلناه را هزار مرتبه بخواند هر گز گناه او را نماند
 یقین او با عترت نمودن با آنچه مخصوص ماست و میباشد از معنی مکرر از راه چیزی که آنرا
 در خواب ببیند **موقت** گوید که خواندن این سورع هزار نوبت در هر شب نیز وارد شده چنانچه
 در اعمال هرباش ایماه سابق مذکور شد و در بعضی کتب گفته شده است که این حدیث ساقط شده
 باشد زیرا که حکایت دیدن خواب با آنکه استجاب احوالی از شب منافات دارد چنانچه
 بر ما ملاحظه می شود بنیست مکرر آنکه مراد از این باشد که بعد از این شب خواب خواهد
 دید که موجب شدت یقین او گردد و الله تعالی **چهارم** شیخ شهید در کتاب اربعین از
 حضرت سید المرسلین روایت نموده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز کند هرگز
 بکسالم در هر کجایی بعد از حمد هر سوره که میسر شود درهای سماوی هفت گانه برای او
 کشوده شود و دعای او مستجاب گردد **پنجم** ایضا سیده رکنه مذکور از کلمات عینی
 که ادعیه بعضی از شبها از آن ساقط شده **اللهم ان كان الشك في انك لئيلة القدر**
 است این دعا برای این شب نازل شده است
فيها او فيما تعد مها واقع فائته هيك وفيه وحدا نيقنك وتر كينك
زائل وفيه اعي الليالي تقرب منك العبد لانه تبعد و قبلكه و
اخلص في سؤالك لانه سرده و اجبه و عمل الصالحات شكره و
رفع اليك ما يرضيك في خزنه اللهم فامد فيها بالعون على ما

عاشق
 خداوند سوره
 و روم

خواندن سورع انا انزلناه
 هزار نوبت چنانچه سید بن طاووس

فصل گفتن
 در این شب

دعای این شب

يزلعت لدايك و خذ بنا صيبي الى ما فيه القرب اليك و اسبع
 من العذبة الدارين سعبي و رقي لي من جودك لي بخيراتها عطيني
 و ابتر عيالي من ذنوبي بالنوبة و من خطاياي بسعة الرحمة و غفر
 لي في هذه الليلة و لوا لذي و لجميع المؤمنين و المؤمنات
 غفران من ذنوبهم عن عقوبة الضعفاء و رحمة بذوي الناقة و
 الفقراء و جاري على عبدي شفيق بخضوعهم و ذلهم و فيقول انقصه
 الصدقة عليهم و لا يقروه ما يعينهم من صنيعة اليهم اللهم
 اقض ديني و دين كل مدبون و قرض عني و عن كل مكروب
 و اصليحي و ولدي و اصليح كل فاسد و انفع مني و اجعلني
 اخلال الطيب الهني الكثير الشايع من رزقك عيشي و منه عيشي
 لباسي و فيه مسعلي و اقض عن المحارم يدي من غير قطع ولا شل
 و لسان من غير خرس و اذني من غير صمم و عيني من غير عمى و رجلي
 من غير مائة و قرحي من غير احنال و بطني من غير وجع و ساير
 اعضائي من غير خلل و اردني عليك يوم وقوفي بين يديك خالصا

عاشق

شك

آخبار

وَوَقَّتْ لِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ عَلَى أَضْدِ مَا رَأَيْتُهَا أَحَدًا وَوَقَّتْ لِي مَا وَقَّعْتَ
لَهُ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا اللَّيْلَةَ
اللَّيْلَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ تَأْتِيكَ شَوْءٌ **مؤلف** كَوَيْدُ كِبَائِي وَأَصْلِي كَذَا وَكَذَا
مَكَرُوكُودِي نَافِئُكَ شَوْءٌ وَمَحْمَلُكَ كَمَا كَلِمَةُ اللَّيْلِ وَالسَّاعِدِ هَذَا رَأَيْتُكَ مَكَرُوكُودِي
تَأْتِيكَ شَوْءٌ وَاجْتِزَالِ أَخْرَاطِ ظَهْرِيكَ **هشتم** **ايضا** سَيِّدِ دَرَكْتَابِ مَدَكُورِي
دَعَا لِي بِرَأْيِ نَيْشَبِ **اللَّهُمَّ** اْمُدِّدْ لِي فِي عَمْرِي وَارْزُقْ لِي فِي رِزْقِي وَ
نَفْلِ عَمُودِهِ اسْت

آخِرَ حَيْثِي وَبَلَعْنِي أَمَلِي وَارْزُقْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْفِيَاءِ فَاجْعَلْ مَيِّتَ
الْأَشْفِيَاءِ وَاسْتَبْنِي مِنَ السَّعْدَاءِ فَإِنَّكَ فُلْتُ فِي كِتَابِكَ الْبُرْزُلِ
عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِحُجُومِ اللَّهِ مَا يَشَاءُ وَوَسَّيْتُ وَعِنْدَهُ
أُمُّ الْكِتَابِ **هفتم** **ايضا** سَيِّدِ دَرَكْتَابِ مَدَكُورِ **اللَّهُمَّ** آيَاكَ تَعَمَّدْتُ
الَّذِي لَمْ يَجِئِي وَإِنْ أَنْزَلْتَ تُقْرِي وَمَسْئَلِي سَعْنِي اللَّيْلَةَ رَحْمَتِكَ
وَعَفْوِكَ فَإِنَّا لِرَحْمَتِكَ أَرْجِي مَيِّتَ لِعَمَلِي وَمَرْحَمَتِكَ وَمَعْفِرَتِكَ
أَوْ سَبَّحْ مِنْ ذُنُوبِي وَأَقْضِ لِي كُلَّ حَاجَتِي هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَى ذَلِكَ
وَتَبْسِيرِهِ عَلَيْكَ فَإِنِّي لَمْ أَصْبِحْ خَيْرًا إِلَّا مِنْكَ وَلَمْ تَصْرِفْ عَنِّي أَحَدًا
سُوءًا وَطَعْنُكَ وَلَيْسَ لِي رَجَاءٌ لَدَيْكَ وَشَيْءٌ وَلَا لِأَخْرَجِي وَلَا

نمای دیگر

لِيَوْمٍ قَمْرِي يَوْمَ أَدْنَى فِي حُجْرِي وَتَقَرُّدِي فِي لَتَائِي عَمَلِي عَمَلِي يَا رَبِّ **دهم**
سَيِّدِ دَرَكْتَابِ مَدَكُورِ مَا يَزِيدُ غَاثًا **اللَّهُمَّ** اجْعَلْ لِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيبًا مِنْ
بِرَأْيِ نَيْشَبِ نَفْلِ عَمُودِهِ اسْت

كُلِّ جَزَاءٍ أَنْزَلْتَهُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَأَنْتَ مُنْزِلُهُ مِنْ نُورِ تَهْدِي بِهِ
أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا أَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ أَوْ بَلَاءٍ نَدْفَعُهُ أَوْ ضَرِّ تَكْشِفُهُ
وَاسْتَبْنِي لِي مَا كُنْتُ لِي إِلَّا لِيَاءُكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا
مِنْكَ الثَّوَابَ وَأَمْنُوا بِرِضَاكَ عَنْهُمْ مِنْكَ الْعِقَابَ يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْعَلْ بِي ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
یازدهم **ايضا** سَيِّدِ دَرَكْتَابِ مَدَكُورِ اسْأَلُكَ مَسْئَلَةَ الْمَسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ وَابْتِهَالِ
إِيذِهِ غَاثًا لِي بِرَأْيِ نَيْشَبِ نَفْلِ عَمُودِهِ اسْت

إِلَيْكَ ابْتِهَالِ الْمُدْنِيِّ الْبَاسِرِ لِذَلِيلِ سَأَلَةٍ مَنْ خَضَعَتْ لَكَ نَاصِيئُهُ
وَاعْتَرَفَتْ بِخَطِيئَتِهِ فَمَا صَنَعْتَ لَكَ عَمْرُهُ وَهَمَلْتَ لَكَ دُمُوعَهُ وَصَلَّتْ
حِيلَتُهُ وَانْقَطَعَتْ حُجَّتُهُ أَنْ تُعْطِيَنِي فِي لَيْلَتِي هَذِهِ مَعْفِرَةً مِمَّا مَضَى
مِنْ ذُنُوبِي وَأَعِصْمِي مِمَّا بَقِيَ مِنْ عَمْرِي وَأَمْرِي فِي الْحَيَاةِ وَالْعَمْرَةِ فِي
عَامِي هَذَا وَاجْعَلْهَا حَجَّةً مَبْرُورَةً خَالِصَةً لَوْجْهِكَ وَأَمْرِي فِيهِ أَبَدًا
مَا أَبْقَيْتَنِي وَلَا تَخْلَفْنِي عَنْ زِيَارَتِكَ وَزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وَعَلَى كَتَمِ

الصَّاعِقِ وَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَيُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ
 وَيُنزِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ لِكَلِمَاتِهِ وَيُنشِئُ النَّبَاتَ بَعْدَ رِيهِ وَيُقِطُّ
 الْوَرْدَ بِأَمْرِ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِعًا لِنَسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ
 اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ
 اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ
 خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
دوید سید بن ابی ذر در کتاب بخاری اللهم اني اسألك يا من جعل الليل لباسا
 ابنه طارباي انزل و ز نفل مؤده
 وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ
 رَبِّ رَحْمَنِهِ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا
 وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا يَا مَنْ مَرَجَ الْجِبْنَ وَجَعَلَ مِنْهَا بَرْنَجًا
 وَجِجًا مَجْجورًا يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خَلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْسَكِرَ
 أَوْ أَرَادَ سُكُورًا يَا مَنْ أَوْحَى إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْجِبْرَ فَإِنَّا نُلَوِّقُ
 فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ
 خَلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ نَهَارًا وَسِيًّا وَجَعَلَ بَيْنَ الْجِبْنِ حَاجِرًا يَا مُجِيبَ

سید بن ابی ذر
 در کتاب بخاری
 اللهم اني اسألك
 يا من جعل الليل
 لباسا

اللیل
 یا من جعیب

الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَكَشِفَ لَسْوَةَ اسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
 يَا رَبِّ هَذَا أَنْ نَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاجْعَلْ لِي مَخْرَجًا مِنْ
 أَمْرِي يُسْرًا وَمِنْ هَمِّي فَرَجًا وَأَنْزُقُنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَبُّ وَمِنْ حَيْثُ لَا
 أَحْتَبُّ فَإِنَّكَ تَأْتِي بِاللَّيْسِ بَعْدَ الْعُسْرِ وَبِالرَّخَاءِ بَعْدَ الشَّدَةِ وَبِالْقَاءِ
 بَعْدَ الْبَلَاءِ وَبِالرَّحْمَةِ بَعْدَ الْغُطُوبِ وَبِالْعَيْشِ بَعْدَ الْفَقْرِ وَأَسْأَلُكَ
 يَا رَبِّ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ أَحَبَّكَ وَاحْتِبًا عَمَلًا يَقْرُبُ إِلَى حُبِّكَ بِرَحْمَتِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

صلوات

وَإِلَى الطَّاهِرِينَ **سید** صاحب کتاب خیر از ابن عباس روایت کرده است که قبول خلاصه فرمود که
 هر که در روز و نایز دعا بخواند بر روی صراط مستقیم تا برسد به جنت و شهید او صالحا
 ودعا اللهم اغسلني فيه من الذنوب و طهرني فيه من العيوب و من
 اینست

فِيهِ قَلْبِي لِنَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ **شب بیست و چهارم**
 واما آن چند چیز است
اول غسل و غسل کرده از جمله اعمال شکره ای است که در این شب مخصوص است
 است چنانچه سید بن طاووس در کتاب اقبال العبد خود از حضرت صادق روایت نموده است
 که آنحضرت بعد از آنکه بنام خداوند فرمود که در شب بیست و چهارم ماه رمضان غسل
 کن چه میشد که در دو شب غسل کرده باشی **وقت** کو بگوید که در شب در کلام حضرت ظاهر
 اشاره به شب بیست و سوم است **دویم** شیخ شهید رده در کتاب العین
 از حضرت رسول روایت کرده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز کند هر روز و هر
 یکبار در هر رکعتی بعد از حمد هر سوره که میسر شود مانند کسی باشد که حج و عمره کرده باشد
سیم سید طاووس در کتاب اقبال العبد روایت کرده است که بعضی از شیخها از آن سلفان گفته اند دعا برای این شب

غسل

نماز بیست

الْحَمْدُ لِلَّهِ شُغْرًا وَوَرَأً الشُّعْرُ وَالْوَرْدُ مِنْ هَذِهِ اللَّيَالِي الْمُبَارَكَاتِ وَعَلَى مَا مَخَّنِي وَ
أَعْطَانِي فِيهِمْ مِنْ خَيْرَاتٍ وَتَصَدَّقْ بِهِ عَلَيَّ وَوَهَبْ لِي مِنَ الْبَقَايَا الصَّالِحَاتِ
الَّذِي صَوَّمْتَنِي لِأَجْرِي وَوَضَعْتَنِي عَلَى مَا مَرَّ قَبْلِي فَكُلِّ مِنْ عِنْدِهِ وَبِمَنْبِهِ
وَيُحْسِنِ اخْتِيَارَهُ وَنَظَرَ بِعَيْبِهِ سُبْحَانَهُ سَيِّدًا أَحَدَ سَيِّدِي مِنَ أَوْلَادِ
وَتَخَصَّصَ مِنَ الْخَطِيئَاتِ وَكَفَانِي الْمُهْتَبَاتِ وَأَعَانِي عَنِ الْخَلُوقِينَ وَلَمْ يَجْعَلْ
رُزُقِي إِلَى الْمَرْزُوقِينَ وَشَهْرِي فِي كَرِي فِي الْعَالَمِينَ وَجَعَلَ اسْمِي فِي الْمَذْكُورِينَ
وَأَمْرِي بِشَفِي بِعَجْبِي خَطِيئِي عَنِ دَرَخَانٍ رَفِيعَةٍ فِيهِ هَوَى إِلَى ظِلِّ عَضْبِي وَ
نَقَمْتِهِ وَلَا بِلَانِي بِاسْتِحْلَالِ بِنُحْ عَنِّي لِأَسْ رَحْمَتِهِ وَبِعَوَضِي لِيُؤْتِرَ الْذَّلَّ
مِنْ سَخَطِهِ أَيُّهُ أَشْكُرُ وَلَهُ أَعْبُدُ وَمِنَهُ أَرْجُو لِمَا لَمْ يَدْرُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَالْإِلِهِ وَ
سَلَّمَ تَسْلِيمًا جِهَادًا ^{أَيْقَانًا} سَيِّدِ دَرْكَابٍ مَذْكُورٍ كَرِيمٍ وَكَذَلِكَ أَرَادَ فِي قَوْمِهِ دَرْكَابٌ عَلَيْهِ شَهْرٌ مِنْ صَفَاتِ
لِسَبْحَةِ أَنْعَمَ بِهَا بِزَيْدٍ وَرَوَى عُمُودَهُ اسْتَكْرَهَتْ صَادِقًا وَفِيهِ مَوْجِدٌ كَرِيمٌ وَرَأْسٌ شَلْبَانٍ عَامِرٌ
يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالنَّجْمِ وَالْقَمَرِ حُسْبَانًا يَا عَزِيزَ يَا عَلِيمَ
يَا قَادِرَ الْبَقِيَّةِ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفُضْلِ وَالْإِنْفَامِ وَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
يَا اللَّهُ يَا رَحِيمَ يَا اللَّهُ يَا قَرِيبَ يَا اللَّهُ يَا تَوَكَّلُ يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرَ يَا اللَّهُ يَا بَاطِنَ

الذليل
الذليل
الذليل
الذليل

يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ وَالْغَنَاءُ
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَنْ تَكُنْتُ قَضَيْتَ
بِي فِي هَذِهِ اللَّيْلِ نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ حَكِيمٍ فَصَلِّ
عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْ اسْمِي فِي السُّعْدَاءِ وَمِنْ جَمْعِ الشُّرَّاءِ
وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي فِي مَعْمُورَةٍ وَأَنْ تَهَبَ لِي بِقِيَّتِي مُبَاشِرًا
بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَدُ هَبُّ بِالشُّكِّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنْتَ
فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِي عَذَابِي النَّارَ وَأَرْزُقْنِي بِهَا
رَبِّ مِنْهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَ
التَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ شَيْعَةَ الْمُحَمَّدِيَّاتِ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَلَا تَقْنِيَنِي بِطَلَبِ مَا زَوَيْتَ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَعْنِي يَا رَبِّ بِرِزْقِي
مِنْكَ وَأَسِيعَ مَجَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَرْزُقْنِي الْعِفَّةَ فِي بَطْنِي وَفَرْجِي
فَرُوجَ عَنِّي كُلِّ هَمٍّ وَعَمٍّ وَلَا تُشْمِتْ بِعَدُوِّي وَوَقِّنْ لِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ
عَلَى أَفْضَلِ مَا رَأَاهَا أَحَدًا وَوَقِّنْ لِي مَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ

اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ دو بیت سید بن ابی عمیر در کتاب اخیر اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ
از دعا عامر برای این روز نقل نموده است
 لَهُ الْخَيْرُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَكَهُ الْحُكْمُ وَالْيَسِيرُ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلَّهُ
 يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا فِي الصُّدُورِ مِنَ الْعَالَمِينَ يَا مَنْ بَدَعُ الْخَلْقِ شَمَّ بَعِيدُهُ
 وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَكَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ هُوَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ
 يَا مَنْ هُوَ الْحَقُّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ يَا مَنْ رَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي
 لَمَسَاتِهِمْ الْأَخْيَارِ أَوْ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْفِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوْبًا عَزِيزًا
 يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا
 يَرْجِعُ فِيهَا وَهُوَ الْعَفُودُ الرَّحِيمُ أَسْأَلُكَ بِمَا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ لِمَنْ
 سَأَلَكَ وَبِاسْمِكَ كُلِّهَا وَبِمَا نَاجَيْتُكَ بِهِ فِي يَوْمِي هَذَا أَنْ تَشْتَبِيَنِي
 حَتَّى لَا أَرَى وَأَنْ تَهْدِيَنِي حَتَّى لَا أَضِلَّ وَأَنْ تَمْنَعَنِي أَنْ أَجْهَلَ أَوْ
 يُجْهَلَ عَلَيَّ وَأَنْ أَشَاعِيَ فِي سَفَاكِ دَمِي وَلَا تُقَوِّبِي عَلَيَّ ظَلَمَ أَحَدٌ وَلَا تَجْعَلْنِي
 مَعَ الظَّالِمِينَ وَلَا تَجْعَلْنِي أَوْ إِلَى لِكَ عَدُوٍّ أَوْ أَعَادٍ لِكَ وَلِيًّا أَوْ أَرْضِي
 لِكَ بِسَخِيطٍ أَوْ أَسْحَطَ لِكَ بِرِضًا وَأَفْضَى لِكَ طَالِبًا أَوْ أَجِيبَ دُعَائِي إِلَى

بَيِّنَاتِ الصَّلَاةِ

رَبِّ الْقَوْمِ

ظِلَالَةٍ أَوْ أَكْذِبَ دُعَائِي إِلَى حَقِّي وَأَجْعَلْ بِلَايَتِكَ أَوْ جَلِّ بِحَبْطِكَ
 أَوْ أَتَّبِعْ هَوَايَ بَعِيْهِمْ هُدًى مِنْكَ أَوْ أَقُولُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هُوَ لَا يَهْدِي
 أَهْدِي مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدًا وَالْحَمْدُ الْأَخْيَارِ وَتَحْرِمَ سَجْدِي عَلَى النَّارِ وَتَجْعَلَنِي يَا
 رَبِّ مِنَ الْأَبْرَارِ إِنَّكَ رَوْفٌ رَحِيمٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

سید صاحب کتاب چیز از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا فرمود که هر که
 روز بیست و هجده ماه رمضان در روزه بدارد و این دعا بخواند حق تعالی با او عطا
 فرماید بعد هر بیتی که در سر سجده او هست هزار خادم و هزار غلام که آنها مانند
 باوند و مرجان باشند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَأَعُوذُ
وَدُعَا بَعِيْنَتِ

بِكَ فِيهِ مِمَّا يُؤْذِيكَ وَالتَّوَضُّعُ أَنْ أُطِيعَكَ وَلَا أَعْصِيكَ يَا عَالِمًا
 يَا جَوَادَ السَّالِمِينَ شبهت و بچه و اعمال آن چند چیز است اول غلده در این شب
 نیز مخصوص مؤمنان است چنانچه در کتاب افعال
 بسند خود از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده است که آنحضرت فرمود که بیدم
 صلوات الله علیه غسل میگرد در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و بیست و پنجم
دوم شیخ شهید در کتاب ایمان از رسول خدا روایت نموده است که هر که در این شب
 هشتاد رکعت نماز کند هر روز یک سال در هر رکعتی بعد از سجده سوره قل هو الله احد
 ده نوبت حق تعالی برای او ثواب عبادت کند که آن را بنویسد سیمی ایضا سید در کتاب
 مذکور کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی عمیر روایت نموده است که او بسند خود از عمر بن الخطاب
 روایت نموده است که حضرت صادق با او فرمود که در شب پنجم از شش تا عشر آخر ماه رمضان این دعا بخواند

این دعا را در شب نوزدهم

یا عالمنا یا صدور العالمین

نماز بیست و یکم

يا خبايا الليل واليا سوا النهار معا شوا الارض مهادا او الجبال او ثاذا
يا قاهر يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا قريب يا مجيب يا الله يا الله
يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال
الغيا والخبير يا والالا والنعناء اسالك باسمك بسم الله
الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة شئ من المذكرة والروا
من كل امر حكي ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في
السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسلمة في مغفوة
وان تهت في يقيننا شارب قلبه و ايماننا يد هب بالحق عني ورضيت
بما قسمت لي ابني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وفي عذاب
النار وازرقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة والارادة
اليك والتوبة والتوفيق لما وفقته له شيعة محمد وآل محمد
الراحمين ولا تقنيتي بطل ما زويت عني بحولك وقوتك واعين
يا رب برزخ مني واسع بحلا لك عن حرامك وازرقني العفة في بطني
وفرجي وفرج عني كل هم وعم ولا تشبه في عدوي وقول لي ليله

القدر

القدر على افضل ما راها احد ووقفت لها وقت الحمد والحمد
عليك السلام وافعل بك كذا وكذا الساعة الساعة تاغمر نيك شود وبعوض
واصله كذا وكذا اخره
واطلب مما يستيد كفته ان يزداد في اسئلك ان تكمل لي الشواب يا فضل ما ارجو
بغير روائت وازيد على انظر لونه
من رحمك وتصرف عني كل سوء فان لا استطيع دفع ما احاط
الايك فقد امنيت مؤثرا بعيني واسمى الامر والفضاء في
يديك فلا فقير افرمتي فصل على محمد وآل محمد واغفر لي ظلمي
جري وجهي جدي وهزلي كل ذنب ارتكبه وبلغني برزخ
بغير مشقة عني ولا نهلك روحي جدي في طلب ما ارتقدت زلييا
ارحم الراحمين **مؤلف** كويك نظير اين ناويلد ربا ليا بقية من كور شد **جهانم**
ايضا سيد رسا به كور قان با نده كرنا با اختيار انزه رسول خدا ابن علي
دا بر او ايست تبارك الله احسن الخالقين خالق الخلق ومُنشئ
روايت كرده
السمحاب و امر الرعدان يسبح له تبارك الذي يد الملك وهو على
كل شئ قدير الذي خلق الموت والحياة ليبلوكم ايكم احسن
عملا تبارك الذي ستر الالفقان ليكون للعاالمين نذيرا تبارك
الذي ان شاء جعل لك خيرا من ذلك جنات تجري من تحتها الانهار

على عبده

اعمالی که کرده در ایام **اللهم اجعل سعینی فیہ مشکورا** و ذنوبی بعفوک فیہ
گذشته و دعا اینست
مغفورا و عیبی مجودک فیہ مستورا یا سامع اصوات المبتهلین

سایع اصوات
المبتهلین
عند

شعب ثلثم و اعمال آن چند چیز است **اول** عند چنانچه گذشت که در هر شب آخر
شبهای ده آخر ایماه عند مشحون است **دویم** شیخ شهید ره در کتاب اربعین از رسول خدا
ص روایت نموده است که هر که درین شب هشتاد گن نماز کند هر چه در رکعت بیسلام و دعا
هر که عیبی بگذرانند سوره قل هو الله احد صدق نوشته بخواند اسمهای هفتاد بار
او مغفوح شود یا آنچه برای او هست نزد حق تعالی از یاد بپاید **ثواب سیم** سید بن
طاووس در کتاب قال از کتاب جعل شهر رمضان ابنی غیره رحه نقل نموده که او سید خود را
عزیز نیک روایت کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام با او فرمود یا جامع اللیل و النهار ایتین
که در شب ششم از شهرها عشره ماه رمضان این دعا را بخوان
یا من حی اللیل و جعل الیل و النهار منصره لتبتغو فضلا منه

نماز شب

و رضوانا یا مفضل کما شئ تقصیلا یا الله یا واحد یا الله یا وهاب
یا الله یا جواد یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله
الحسنى و الامثال العلیا و الکریماء و الالاء اسئلك باسمک
بسم الله الرحمن الرحیم انک کنت و ضعیف فی هذه اللیلہ نزل الملائکة
و الترحم من کل امر حکیم فصل علی محمد و اله و اجعل اسمی فی السعداء
و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسیاء فی معفورة و
ان تهب لی یقینا شایر به قلبی و ایمانا ید هب بالشدک عینی و ان

ترتیل

توصیفی بما قسمت لی و اتی فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة

و قینی عذاب النار و امنز قینی یا رب فیها ذکرک و شکرک و الرغبة و الاثابة
الیک و التوبة و التوفیق لما و فقت له محمدا و الحمد علیه و
علیهم السلام و افعله کذا و کذا الساعة الساعة انفسنک شود
و بجای و افعلی کذا

و کذا حاج خود را بگویند پس سید گفته **اللهم انک عیرت اقواما علی لسان نبیک**
که از زبان خود را بگویند است و از زبان اهل بیت خود
صلی الله علیه و اله فقلت ادعوا للذین زعمتم من ذنوبهم لا یمیکون
کشف الضر عنکم و لا تحویلا غیره صل علی محمد و آل محمد و اکشف ما
من مرض و حوله عینی و اقلنی فی هذا الشهر العظیم من ذل المعاصی لی

عز طاعتک یا ارحم الراحمین **مؤلف** گوید که نظیر این را توجه آن سابقا مذکور شد
چهارم ایضا سید در کتاب مذکور و این را فی در کتاب اربعین از
از رسول خدا ص این دعا را بگوید **ربنا لا ترغ فلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا**
این شب روایت نموده اند

من لدنک رحمة انک انت الوهاب ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی
للایمان ان امنوا بریبکم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عتانا
سیئنا و اتوقنا مع الابرار ربنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک و
لا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد ربنا لا تؤاخذنا ان

فَبِنَا أَوْ أَخْطَانَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لِطَاغُوتِ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ **سورة ممتحنة**
أولك سيدنا عادس در كتاب اقبال سبحان الله مالك الملك توفى الملك
اينه طاراي بن روز ذكره عوده اش
مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعِ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ
بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُوَجِّعُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوجِّعُ
النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ
تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ
الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ
وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْوَجْهِ السُّورِيِّ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ
سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كُلِّ لَاسٍ
سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ **سورة ممتحنة** **دو پر سيد** باقی در کتاب اللهم
اخيار اينه طاراي بن روز ذكره عوده اش
إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ قَضَى سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ
أَمْرًا يَا مَنْ سَيَّرَ لُغَيْثٍ مِنْ عِبَادٍ مَا قَطُّوا أَوْ يَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ

الْوَكِيُّ الْحَمِيدُ يَا مَنْ يَعْلَمُ سِرَّ عِبَادِهِ وَتَجَوَّهَتْهُمْ وَرُسُلُهُ لَدَيْهِمْ يَكْتُمُونَ
يَا مَنْ لَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ يَا مَنْ
يُحْيِي بِمِيتِ رَبَّنَا وَرَبِّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ يَا مَنْ أَهْلَكَ الْفِرْعَوْنَ وَصَرَفَ
الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ يَا مَنْ رَضِيَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ
رَسُولَهُ نَحْمَدُكَ الشُّجْرَةَ وَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَاسْتَرَكِ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَنَابَهُمْ
فَتَحَا قَرِيبًا يَا مَنْ أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا أَسْأَلُكَ يَا رَبِّهِ بِمَا مَدَحْتَكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
خَيْرَكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَهْلِ بَيْتِيهِ الْأَطْهَارِ الْأَخْيَارِ وَمَنْ أَمِنَ بِهِ وَصَلَّاهُمْ
وَعَلِمَ طَاعَتِهِمْ وَأَنْ تَعَطَّفَ عَلَيَّ بِرِكَائِكَ وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ
وَمُضْلِكَ وَتُتِمَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَتُهَيِّئْ لِي بَرَكَاتِكَ وَتَجْعَلَنِي مِنَ
الشَّاكِرِينَ لَكَ فَهَوَايَ لِي لِي وَحَسْبِي وَتَوَكَّلْ عَلَيَّ وَذُلِّي لَكَ وَخُصُّو
بَيْنَ يَدَيْكَ وَحَوَائِجِي كُلِّهَا إِلَيْكَ وَمَقْضِيَّتِي عِنْدَكَ وَكَذَلِكَ فَلَا مَلْجَأَ
وَلَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ وَأَنْ تُنَمِّتَ إِحْسَانَكَ إِلَيَّ بِعَقْدِ رِقَبَتِي مِنْ لَدُنَّا
وَأَنْ تَحْشُرَنِي مَعَ أَهْلِ بَيْتِكَ النَّبِيِّ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَهُوَ عِنْدَكَ يَسِيرٌ وَإِنَّا إِلَىٰ إِحْسَانِكَ فَهَيْرٌ وَصَلَّىٰ اللَّهُ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

الطَّاهِرِينَ **سليم** صاحب كتاب خيره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود
که هر که این روز را در روز مبارک غار بخواند برورد کار عالمیان با او سخن گوید
در روز قیامت و بگوید که ای سید من **اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مَحَبًّا لَأَوْلِيَاءِكَ وَ**
و دیگرها باشد هستی که تو آمرزیده و غایب
مُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَنَابِتَةً خَاتِرًا نَبِيَّكَ يَا غَاصِمَ فَلَوْلَا نَبِيُّنَا

عظمتها و فواید

عند

شب بیست و هفتم و اعلم ان چند چیز است **اول** غسل مخصوص این شب زیاده از آنکه در هر شب
از شبهای عشرت آورده شده مؤکداً شستن چنانچه سید بن طاووس در کتاب قبایل است خود از ابن
ابویعفور روایت کرده است که گفت از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدم از غسل رماه مبارک
رضان فرمود که غسل کن در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و هفتم و بیست و نهم **دو** تیر ایضا
سید در کتاب مذکور است که در شب نوزدهم علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است که شنیدم از پدرم
حضرت سیدالشاحدین صلوات الله علیه که در شب بیست و هفتم **اللَّهُمَّ ارْتُقِنِي التَّجَافِي عَنِ**
ماه رمضان از اول شب تا آخرش مکرراً این کلمات را میفرمود
ذَارِ الْعُرُورِ وَالْإِنَابَةِ إِلَىٰ أَرِ الْخُلُودِ وَالْإِسْتِعَادَةِ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ لِقَاؤِكَ

سیر شیخ شهید در کتاب بعین از حضرت خاتم النبیین روایت کرده است که هر که در این شب چهار مرتبه
بخواند که هر دو رکعت بکلام و در هر رکعتی بعد از حمد تسبیح مبارک **اللَّهِمَّ اِنزِلْ عَلَيْنَا مَنَّاتِكَ يَا مَنَّانُ**
و اگر این تسبیح در حفظ نداشته باشد تسبیح **اللَّهُمَّ اِنزِلْ عَلَيْنَا مَنَّاتِكَ يَا مَنَّانُ** را بخواند و در هر دو رکعت
او را بیاید **سید بن طاووس** در کتاب قبایل از بعضی اصحاب از عمار بن یزید روایت کرده است
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ بَدَائِعَهُ بَدَأَ يَتَرَوُّ مَلَكَ الْأُمُورِ بَعْرَتَهُمْ وَعَدَلَ فَلَاحِجُ
وَأَضَفَتْ فَلَا يَجِيئُ وَكَيْفَ يَجُورُ وَيَجِيئُ عَلَىٰ مَنْ سَمَاهُ بِالضَّعْفِ قُرْعَةَ بَعْضِ
وَسَبَّهَ عَلَىٰ الْعِنَاءِ الْأَكْبَرِ مِنْ رِضْوَانِهِ وَدَعَاهُ إِلَىٰ الْحِطِّ الْأَوْفَرِ مِنْ غَفْرِهِ
وَأَسْرَعَ لَهُ إِلَىٰ ذَلِكَ السَّيِّدِ وَأَمَرَ أَنْ يَلْبَسَهَا بِضَائِحِ الْعَبْدِ لِيَتَمَّ بِالشُّعُورِ

بیت مجنون

مَنْ أَمَرَ بِالرَّحْمَةِ وَبِالْحُجُومِ عَلَى الْعَبْدِ بَلَّ وَجِبَ الْعِقَابِ عَلَىٰ فَاسِقِهِمْ
وَالْمَثْوَابِ لِمَنْ تَهَمُّهُمْ مِنْهُ هُوَ أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ الْفُرُوحِ عَلَىٰ
قَرَجِهَاتِنَا إِلَى اللَّهِ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عَلَوْا كَبِيرًا سُبْحَانَ مَنْ
صَوَّبَ مِنِّي مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَمِنْ قَرْنِهِ بَمَا يُورِطُنِي فِي أَلِيمِ الْعَدَا
فَخَاصِمِي مِنَ الْعِقَابِ بِصِيَارِهِ وَاجِبِي الشُّوَابِ بِصِيَارِهِ لَكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
عَلَىٰ زَهْدَانِي وَغَافَانِي وَكَفَانِي كَمَا يَسْتَحَيُّ الْجَوَادُ الْكَبِيرُ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا **بخبر** ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عمل شهر رمضان
این تسبیح را در کفعل نموده که او پسند خود از عمر بن زید روایت
نموده است که حضرت صادق ع فرمود که در شب **يَا مَادَا الظِّلُّ وَلَوْ سَتَّ جَعَلْتَهُ**
هفتاد از شبهای عشرت خرابه رمضان تا نزد غار استخوان
سَأَلْتُكَ حَبَلَتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا ثُمَّ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضًا
يَسِيرًا يَا ذَا الْحَوْلِ وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا إِلَهَ الْآلِهَاتِ يَا مَلِكُ
يَا فَدُوسُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا
خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

يَا أَتُّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبِيرَاءُ وَالْأَلَا
 وَالنَّعْمَاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَنْ كُنْتُ قَضَيْتُ
 فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ نَشْرُؤَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَصَلِّ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي فِي السَّعَادَةِ وَرُوحِي مَعَ الشَّهَادَةِ
 وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَةَ فِي مَعْفُورَةٍ وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا بَاشِرًا
 بِهٖ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَدَّ هَبُ بِالسُّكِّ عَنِّي وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي فِي الرِّبِّ
 فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَبِي عَذَابَ النَّارِ وَارْتَمِيَنِي
 يَا رَبِّ فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ
 لِمَا وَقَفْتَ لَهُ شَيْعَةَ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَلَا تَقْنِيْ طَلِبَ
 مَا رَوَيْتَ عَنِّي بِجَوْلِكَ وَقَوْلِكَ وَأَعْنِي يَا رَبِّ بِرِيْفِي مِنْكَ وَاسِعِ
 بِحِلَالِكَ عَنِ حَرَامِكَ وَارْتَمِيَنِي الْعِفَّةَ فِي بَطْنِي وَفَرَجِي وَفَرَجِ عَنِّي
 كُلَّ هَيْمٍ وَعَمٍّ وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَوَقِي لِي لَيْلَةَ الْفَدْرِ عَلَى
 أَوْضَلِ مَا رَأَاهَا أَحَدٌ وَوَقْنِي لِمَا وَقَفْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ
 وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا السَّاعَةَ مَا فَضَّلْتَهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْإِنَابَةَ

در کتب معتبره از کتب معتبره
 طلب نماید

کرايه غايزاد في شايخه غايزاد غافل
 بنوده است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأُقَسِّمُ عَلَيْكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَاءٌ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ
 أَوْ اسْمًا ثَرَّتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْعَالَمِينَ عِنْدَكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي هُوَ
 سَخَى عَلَيْكَ أَنْ تَجِيِبَنَ دَعَاكَ بِهِ وَتُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَعِّدَنِي
 فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ سَعَادَةً لَا أَسْتَفِي بَعْدَهَا أَبَدًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مَوَاقِفَ**
 نَظِيرًا لِي فِي تَوْجِيهِ أَنْ كَدَشْتُمْ سَيِّدَ دَرَكْتَابِ مَدِينَةِ بَابِ بَابِي رَبَّنَا أَمَّا مَا فَاعْفِرْ لَنَا
 دُونَ بَابِ خِيَارِ بَابِ غَايَةِ رَسُولِكَ بِرَأْيِ ابْنِ شَبَرٍ وَرَوَيْتُ بِهٖ
 دُونَ بَابِ وَأَكْفِرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتُوفِّقْنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَأَنَا مَا وَعَدْتَنَا
 عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخَيِّرْ بَيْنَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ رَبَّنَا أَمَّا أَنْتُمْ
 وَأَحْيَيْنَا أَنْتُمْ بِنِ فَاعْفِرْنَا بِنِ دُونَ بَابِ فَهَلْ لِي خَرُوجٌ مِنْ سَيِّدِ رَبَّنَا
 أَصْرَفَ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ ذُرِّيَّتِنَا
 وَأُمَّةً يَتَّبِعُونَ آيَاتِنَا وَارْتَمِيَنِي فِي السَّعَادَةِ وَارْتَمِيَنِي فِي السَّعَادَةِ
 وَالْمَيْكَةَ أَنْبَاءُ وَالْمَيْكَةَ الْمَصِيرَةَ رَبَّنَا لِتَجْعَلَ لَنَا فِي الدُّنْيَا كَفْرًا رَبَّنَا
 اغْفِرْ لَنَا وَإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا
 لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ **مِنْ مَعِينٍ وَغَفِيرٍ** وَأَعْمَالُ أَنْبِيَاءِكَ **أَوَّلُ**

روز غافل سبحان الذي بيده مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في
 بنوده است

البر والبر وما تنقط من رقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا
 رطب ولا يابس الا في كتاب مبين سبحان الله باري السموات سبحان
 الله المصور سبحان الله خالق الارواح كلها سبحان الله جاعل
 الظلمات والنور سبحان الله فالق الحبيبات سبحان الله
 خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مبدئ
 كل ما به سبحان الله رب العالمين سورة دويم ابن ابي عمير ذكر كتاب اخيرا
 اينه طار ابراي ابنه وفضل نموده است
 اللهم اني اسألك يا من خلق الروحين الذكر والانثى من نطفة
 اذا اتمنى يا من اهلك عاد الاولى ومود قنابن ابي وقوم نوح من قبله
 انهم كانوا هم اظلم واظلم يا من فتح ابواب السماء بماء منهمر و
 فجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قديا من يسرا لقران
 للذكر فهل من مدكر يا من تجا ال لوط ببحر نعمته من عندنا يا من
 خلق كل شيء بقدر يا من اخذ ال فرعون اخذ عز بز مقتدر يا من
 رفع السماء ووضعت الميزان يا من وضع الارض للانام يا من يسبح له
 ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم يا من هو الاول والاخر

والظاهر

والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم اللهم اني اسألك بما جئتك به
 من مدحك في يوم هذا ان تصلي على محمد وعترته الطاهرين
 وان تقفك رقتي من النار يا من ايد يد ونعمته لا تحصى بعدد ولا
 تكافى بعبد الحمد لله الذي خلقني ولم يك شيئا من قبلي
 وفضلني على كثير من خلقه تفضيلا والحمد لله الذي رزقني
 ولم املك شيئا وفضلني على كثير من خلقه في الرزق والحمد لله
 واستغفر الله من كل ذنب واسأله في يوم هذا وساعى هذه
 وزماني ان يتكرم علي بالعفو من عذابه والافالة من عقابه والقبول
 لما فرض علي وان يبرقني خيرا الدنيا والاخرة والامن والعافية
 والعيني والمغفرة انك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد وآله
 الطاهرين سبتم صاحب كتابه خير ابن عباس روايت کرده است که رسول خدا فرمود
 که هر که اين روز را روزه بدارد و اين غاز بخورد و آب آشامد نموده است هرگز
 زانو سيراب نموده است هر تشنه را در دست راست و چپي آلهم از رزقي فيه فضل
 نموده است هر چه مؤمن و زن مؤمنه را و در غايب است
 ليلة القدر وصير امورى فيه من العسر الى اليسر واقبله ما ذير
 وحط عني الوزر يار و فاعيا وده الصالحين شبهت و مشهوره
 آن چند تجزات اول عند

مشهوره

وَاللَّهُ كَمَا أَشَى عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يَحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ
 كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
 سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَرْوَاحِ
 كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ النُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْوَجْهِ وَالنُّورِ
 سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ بَارِئِ مَا لَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى
 سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ **سه نوبت دوید**
کتاب اختیار از به غار **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ كَتَبَ الْأَعْيُنَ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّكَ**
برای نبرد و نازل نمودی
 اللَّهُ قَوِيٌّ عَزِيزٌ يَا اللَّهُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيمُ
 الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى بِسْمِ
 لَكَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ الْعَزِيمُ الْحَكِيمُ يَا مَنْ أَيْدَى
 الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَاصْبِرْ خَاطِبِينَ يَا مَنْ بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ
 رُسُلًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
 يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَالْمَجْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 يَا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَتَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيمُ

الْعَفْوُ وَاللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا نَجَّيْتَنِي فِي يَوْمِي هَذَا وَشَهْرِي هَذَا الَّذِي
 عَظَمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ
 الْأَخْيَارِ مِنْ خَلْقِكَ وَأَنْ تُقَبِّلَنِي عَلَى مَا كَانَ مِنْهُ فَقَدْ تَعَلَّمْتُ حَاجَتِي
 وَأَعْطَيْتَنِي سُؤْلِي وَرَغَبْتِي فَأَنْتَ عَالِمٌ بِمَا فِي نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي
 اقْضِ لِي سَائِرَ حَوَائِجِي وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي وَارْتَقِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 وَفَكَرْ رَغَبْتِي مِنَ النَّارِ وَهَبْ لِي رِضْوَانَكَ وَالْحِجَّةَ وَذَلِكَ عَلَيَّ كَيْفَ
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَا إِلَيْكَ فَاقْتَرِبْ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **سید صاحب کتاب** **خبر از ابن عباس** **دایت کرده است که حضرت رسول**
فرمود که هر که از روز دوازده بهار و از غار الجحیم تعالی را نصیب و
از ثوابها فرماید که آنرا بیاورد یا کند چهل هزار برابر دنیا باشد و دعا اینست
 اللَّهُمَّ وَقِرْ حَظِّي مِنَ التَّوَائِفِ أَكْرَمَنِي بِالْخَضْرَاءِ الْأَخْلَامِ فِي الْمَسَائِلِ
 وَقَرِّبْ وَسَيِّئِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْعَلُهُ الْحَاجُّ الْمَلْحَمِينَ

الطَّاهِرِينَ

التَّوَائِفِ الْأَكْرَمِ

شعبت

شعبت و هفتاد و اعمال آن چند چنانست اول غسل مخصوص این زیاد ما تا نیک در شهر
از شهرهای عتق و در شده مؤکد است چنانچه در اعمال شب نوزدهم و بیست و هفتم
مذکور شد دو تیر شیخ شهید ده در کتاب اربعین از رسول خدا ص و روایت نموده
است که هر که درین شب دو رکعت نماز کند و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله
احدایت نوسه بخواند از جمله مرحومان گردد و کتاب اعمال او بعلیین بالا برد شود
سید بن طاووس در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن اخی قریه
نقل نموده که او از عهت بن زید روایت کرده است که حضرت صادق فرمود کرد

نادرین شب

شهر انشباع عشر آخر يا مذكور اللير على النهار ومذكور النهار على الليل
 ماه رمضان ايزه عاريجو
 يا عظيم يا عظيم يا رب الارباب ويا سيد الشادات لا اله الا انت يا من هو اقرب الي من حبل الوريد يا الله يا الله يا الله
 يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا
 والكبرياء والالاء والنعماء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم
 ان كنت قضيت في هذه الليلة تسر لالملكك والروح من
 كل امر حكيم فصل على محمد وآله واجعل اسمي في السعداء و
 روجي مع الشهداء واحساني في عليين وراساء في مغفورة
 وان تهب لي عيشا شارب به قلبي و ايمانا يدين هب بالثك عني و
 ترصيني بما سمت لي واتي في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
 وفي عذاب النار و ارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرحمة
 والامانة اليك والتوبة والثوف لما وقفت له شيعه المحمدي
 يا ارحم الراحمين ولا تقبني بطلب ما زويت عني بحولك و
 قوتك واغني يا رب برؤف منك واسع مجلا لك عن حرامك

و انظر

و انزعتني العفة في بطني و فرج و فرج عني كل هم و غم ولا
 نشت في عدوي و وقني لي ليلة القدر على افضل ما راها احد
 و وقنتي لما وقفت له محمدا و آل محمد عليه وعليهم السلم و افلا
 في كذا و كذا و بجاء كذا و كذا حوايج خود را طلب كندين بويدي الساعة الساعة
 ناهن شاك شود وقت كويد كويد سيد در خيمام زيادني بغير واين
 نفل كروه جهاد ايضا سيد در كتاب كروه ابن باقر در كتاب اختيار تو كنت على
 از حضرت رسول ص ايزه عاريل اي شرب روايت كروه اسند
 الحى الذي لا يغلبه احد تو كنت على الحيار الذي لا يقهره احد
 تو كنت على العزيز الرحيم الذي يراني حين اقوم و تقبلي في الساعة
 تو كنت على الحى الذي لا يموت تو كنت على من بيده نواصي العباد
 تو كنت على الحكيم الذي لا يعجل تو كنت على العدل الذي لا يجر
 تو كنت على الصمد الذي لم يلد ولم يولد تو كنت على القادر القاهر
 العلي الصمد تو كنت تو كنت تو كنت تو كنت تو كنت تو كنت
 تو كنت تو كنت روز هفت و اعال ان چند چيز است اول سيد بن طاووس
 طاب ثراه در كتاب اقبال و سيد باقر در كتاب اختيار از حضرت رسول ص
 ايزه عاريل اي شرب سبحان الله الذي يعلم ما يج في الارض وما يخرج منها
 روايت كروه اسند
 وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما ينزل من السماء وما

يخرج منها عتابلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يخرج فيها
ولا يشغله نايك في الارض وما يخرج منها عتابلج من السماء وما
يخرج فيها ولا يشغله علم شئ عن علم شئ ولا يشغله خلق شئ عن
خلق شئ ولا يحفظ شئ عن حفظ شئ ولا يبهر شئ ولا يعد له شئ
ليس كمثل شئ وهو السميع البصير سبحان الله باري السم
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الارواح كلها سبحان الله
خالق الظلمات النور سبحان الله فالق الحبة والنوى سبحان الله
خالق كل شئ سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله

مبدأ كلامه سبحان الله رب العالمين سه نوب دوتم سيد باقر در كتاب
الخيال اربعه عاشر ابراهيم و زفند محموده

اللهم اني اسألك يا من هو اعلم من اهل بيته اهدي و اسألك يا من خلق سبع
سموات طباقا و جعل القمر فيهن نورا و جعل الشمس سراجا يا من لا
يوجد من دونه ملحقا يا من احاط بما لا يدرك و احصى كل شئ عددا
يا اهل التقوى يا اهل المعزة و يا من هو قادر على ان يحيى الموتى
يا من اعد للكافرين سلاسل و اعلا لا وسعير يا مرسل المرسلات

والعاصفات و الناشرات و الفارقات و الملقينات ذكرنا يا من خلق
الارض كفانا احياء و امواتا و جعل فيها راسي شامخات و
اسعى عبادة ماء فانا اسألك يا نك انت الله الاول و الآخر
و الظاهر و الباطن و انت على كل شئ عليم و بما سالك به
السائلون من عبادك الصالحون و امرتني فعد الخيرات و
العمد الصالح و اجناب الفواجر و ما لا ترضى به يا من لا
يعجزه شئ ارادة و يا من لا يتعاطفه عقران الذنوب العظام
يا من يقبل العاثرين و يعفو عن المذنبين و يتكرم على المسكين
و يفتح باب التوبة للخطاطين ارحمني فانك ارحم الراحمين
و اعنقني في بوي هذا من النار انك على كل شئ قدير و صلى الله
على سيدنا محمد النبي و آله الطاهرين سيما صلاح كتابه خير
من اهل بيتهم و اهل بيته و اهل بيته و اهل بيته و اهل بيته
كبر رسول خدا و فرود كره كه ايند و زار و زه مدارد و ايند عاقل و حق عالم و رهش
هزار نفر از طلا و نقره و زبرجد و مر و اريد با و عطا فرمايد و دعا اينست
اللهم عشي في فيه من الرحمة و امرتني فيه التوفيق و العزة
و طهر قلبي من عبايات الشهمة يا رحيم اعباده المذنبين

ان التوفيق
الحيث

غالب
المؤمنين

شب سی از شب بسیار باریک و ضعیف است سیدین طاهر طاب ثراه در کتاب اقبال بند
خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود
که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه چون ماه مبارک رمضان داخل شد
نیز هیچ غلامی و کنیزی را بجهت تقصیر از آن ایشان ظاهر میشد هر کس را میسر بود
در کتابی ثبت میفرمود و مینوشت که فلان غلام یا فلان کنیز در فلان روز چنین کار کرد
تا چون شب آخر ماه رمضان میشد همگی ایشان را می طلبید و برده و ریخود ایشان را
جمع میفرمود و آن کتاب را با ایشان میخواند و بهر یک میفرمود که ای فلان تو فلان گناه
را کردی و نرانا دیت نمودم آیا بخاطر داری پس او میسکنت بلی یا بن رسول الله تا آنکه
به یکی از سخن را میفرمود و ایشان اعتراف بگناهان خود میکردند پس آنحضرت در میان
ایشان می ایستاد و میفرمود که صداهای خود را بلند کنید و بگوئید که یا علی بن الحسین
بدرستی که پروردگار تو احصا فرموده است بر تو هر چه کرده چنانچه تو احصا کرده بر ما
هر گناهی را که کرده ای و بر تو رحمتی تعالی کنایه است که ناطق است بر تو و هیچ صغیره و
کبیره نیست که تو آنرا کرده باشی مگر آنکه حق تعالی آنرا احصا فرموده و حاضر خواهی یافت
هر چه را کرده از تو رحمتی تعالی چنانچه حاضر با منم هر چه را کرده ایم نزد تو پیر عفو کن
در گذر چنانچه امید عفو داری از پادشاه عفو کننده و چنانچه میخواهی که خداوند مالک
از تو عفو فرماید پس از ما عفو کن تا بیاییم و ما عفو کننده از تو و روح کننده بتو و آمرزنده
برای تو و پروردگار تو هیچکس را ظلم نمیکند چنانچه نزد تو کتابی هست که ناطق بحق است
بر ما و هیچ صغیره و کبیره نیست که ما کرده ایم مگر آنکه کتاب تو آنرا احصا کرده است پس ای
علی بن الحسین بیاد آور خاری و مد آن خود را در برابر خدا و ندخا که عادل بود که بعد از خود
ظلم نمیکند و هر چه کرده هر چند بعد از خود له باشد آنرا در قیامت حاضر میگرداند
حساب میکند و شاهد و گواه است بر آنها و پس است او برای حساب بخلایف و گناه بودن بر
کرده های ایشان پس عفو کن و در بکن رای علی بن الحسین تا عفو کند و در گذرد مالک تو
بدرستی که پروردگار تو سب فرماید که لیعفووا لیعفووا لیسعفووا الا تحبون ان یعفوا الله لکم یحیی
نایم که عفو کند و در بکن و پدید آید دوست نمیدارید که خدا بیامزد شما را و آنحضرت با و از
بلند نطق ایشان میفرمود و ایشان با و از بلند و خود در میان ایشان ایستاد بود و می
گفت و نوحه میکرد و میفرمود که ما نمیچند که صفتونش است که خداوند ما را عفو فرموده
ما را که عفو کنیم و در بکن بریم از کسی که بر ما ظلم کرده باشد و ما ظلم کرده ایم بر نفس خود و
عفو کرده ایم از کسی که بر ما ظلم کرده چنانچه امر کرده بودی پس تو نیز عفو کن از ما بدرستی که



بعضی کرده

بعضی کرده سن و او را بر روی از ما و از جماعتی که ایشان را امر کرده بعضی خداوند ما را که
رو نکشیم سالی را از در خانه خود و بدرستی که ما آمده ایم بدر کاه و سوسال کند و بسکین
و چنانچه و بدر کاه تو ایستاده ایم و در ساحت کرم بفرمود آمده ایم و طلب میکنیم از تو احسان
تا در کرم و عطای ترا پس عطا کن بما و ما امید مگردان ما را بدرستی که تو او را می عطا کردی و
نا امید نکردی سالان خداوند ما پیوسته کرم کرده پس گرامی کن مرا چون از سوال کنندگان
تو ام و پیوسته احسان و نیکی کرده پس مرا مخلوط کن در زمره گروهی که با ایشان عطا کرده
اعضاوند کرد بر سر و با ایشان میکرد و میفرمود که من از شما عفو کردم پس با عفو کردید شما
از من و در بکن شتید از بدی که بشما کرده ام بدرستی که من بد مالک ظالمی بودم بر اعیان
و مالک من بر هر چه بخشانیده و عادل و نیکو کار و صاحب فضل است پس ایشان همگی می
گفتند که عفو کردیم از تو ای سید ما و هر گز بدی نسبت بما از تو صادر نکردید پس میفرمود
که بگوئید خداوند ما عفو کن از علی بن الحسین چون او عفو کرد از ما و از آنرا کرد آن او را از آن
جهنم چنانچه او ما را از بند گناهان کرد و چون میسکنت خود آئین میفرمود پس ایشان نیز
گرم و پدید که عفو کردم از شما و از آنرا کردم شمار ما امید آنکه حق تعالی عفو فرماید از من
از آنرا کرد اندم از آنش جهنم و چون روز عید فطر میشد خاینها را بسیار با ایشان عطا
میفرموده افتد و در عقی میشدند و بدرستی که هیچ سالی نبود مگر آنکه در شب آخر ماه رمضان
بیست سبده یا بیشتر یا کمتر از آنرا میداد و میفرمود که حق تعالی در هر شب از ما ماه رمضان از
وقت افطار هفتاد هزار هزار کس را که سوجب جهنم شده باشند از آنش جهنم آزاد
کرد اندم بدرستی که من میخواهم که حق تعالی ببیند مرا که در دنیا چند سبده آزاد کرده ام
شاید که مرا از آنش جهنم آزاد کرد اندم حضرت صادق فرمود که آنحضرت هرگز خدا را
زیاده از یکسال خند من نمیفرمود و هر چقدر می بود که در او یکسال یا در میان سال میخورد چوشت
عیدی میشد او را آزاد میکردند و در سال دوم خادمان دیگر میخرید و باز در شب عید فطر
آزاد میکرد و پیوسته چنین مینمود تا با عالم نفس رحلت فرمود و پیوسته غلامان سبده میخرید
با آنکه احتیاج با ایشان نداشت و ایشان را بقرات حاضر میکردند و چون از عارفان دانند
میشد همگی ایشان را آزاد میکرد و خاینها را با ایشان عطا میفرمود از ما خود کوید که این
حدیث شریف در کتابش میکند بر آنکه درین شب دعا و تضرع و استغاثه و استغفار و سبده
آزاد کردید ثواب عظیم و اجر جزیل دارد و ما نکر سید و سایر علما از این حدیث چنین فرمودند
آنکه در شب آخر ماه رمضان حضرت سید کاخ خود را حاضر میساخته و ایشان را تکلیف میکرد
در این حدیث آزاد میفرموده و ما الله اعلم اذام الله ظلاله الحییم الظالمه در بعضی نقلها

وَمَا الصِّيَامُ قَدَرْتَهُ وَانْقَضَى قَدِيمُ بَكْرَتِهِ وَقُدُومُهُ يُمَكِّنُ مَا فِيهِ
التَّغْوَسُ مِنْ لَدُنْهَا وَتُغْوِرُهَا مِنْ مُفَارِقَةِ عَادَاتِهَا فَاورِدَ حَتَّى
ذَلِكَ بِطَاعَتِهِ وَأَشْخَصَهَا إِلَى طَلَبِ رَحْمَتِهِ فَكَانَ نَهَارُ صِيَامِنَا
يُؤَكِّدُ لَدَيْكَ وَكَأَنَّ قِيَامِنَا وَقَدْ عَلَيْكَ وَأَرْهَقَ الْقُلُوبَ وَ
عَادَكَ الدُّنُوبَ وَخَصَّعَ الْخُدُودَ وَرَفَعَ إِلَيْكَ الرَّاحَانَ وَاسْتَدَدَ
الْعَبْرَاتِ بِالْحَيِّ وَالرَّفْرَاتِ اسْتَعَانَ عَلَى الرِّلَابِ وَأَعْمَرَ قَابًا لِهَفْوَانِ
وَاسْتَفْتَاكَ لِلْعَبْرَاتِ فَرَحِمْتَ وَعَطَفْتَ وَسَتَرْتَ وَعَفَرْتَ وَ
وَأَفَلْتَ وَأَنْعَمْتَ فَعَادَ حَبِيبًا مَا لَوْ فَا قُرْبَهُ وَقَادَ مَا يَكْرَهُ
فَرَأَى فَعَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ شَهْرٍ وَدَعَا عَنْهُ بِخَيْرٍ أَوْ دَعَا عَنْهُ وَتَعَبَّدَ مِنْكَ
قَرَّبَهُ وَعَنْمٍ مِنْ فَضْلِكَ اسْتَجَلَبَهُ وَفَضَّحَ لَعَدَمَتِكَ عِنْدَكَ هَدَايَا
وَقَبَّاحِ تَحَاها وَنَشَرَهَا وَخَيْرَاتِ نَشَرَهَا وَمِنْكَ وَقَرَّهَا وَ
عَظَايَا كَثُرَ مَا وَدَاعِ مُفَارِقِي خَلَقَ خَيْرًا لِي وَأَسْعَدَ بَرَكَاتِهِ
وَجَادَ بَعْظَايَاهُ اللَّهُمَّ فَكَانَ الْحَمْدُ مِنِّي حَمْدًا مِنْ لَا يَخَادِعُ نَفْسَهُ
مِنْ تَقَدُّمِ حَزَنِهَا مِنْهُ وَلَا يَحْجِدُ نَفْسَتَكَ فِي الذَّمِّ قَدْرًا وَنَحْوِي

الله

عَنْ سَائِلِكَ أَنْ تَرْضَى عَنَّا اعْتَدْنَا فِيهِ وَلَمْ نَعْتَمِدْ مِنْ رَبِّ لِي إِعْرَاضَ الْمُتَجَانِّ
الْعَظِيمِ وَأَنْ تُفَيْلَ عَلَيَّ يَسِيرًا تَعَرَّيْتُ بِهِ إِقْبَالَ الرَّاضِي الْكَرِيمِ أَنْ يَنْظُرَ
بِنَظَرِهِ الْبَرِّ الرَّؤُوفِ وَالرَّحِيمِ اللَّهُمَّ عَقِبْ عَلَيَّ بِغُفْرَانِكَ فِي عُقْبَانِهِ وَأَصِ
مِنْ عَذَابِكَ مَا أَخْشَاهُ وَفِيهِ مِنْ صُنُوفِهِ مَا تَوَفَّاهُ وَأَحْمِ لِي بِخَاتَمِهِ
بِحَيْرَتِي عَنْهُ عَطِيبِي وَتَشَفَّعْ فِيهِ مَسْئَلِي وَتَسُدَّ بِهِ فَاقِي وَتَنْفِ
بِهِ شَقَوِي وَتَقَرِّبْ بِي سَعَادَتِي وَتَمْلَأْ يَدِي مِنْ خَيْرَاتِ الدَّارِ الْآخِرَةِ يَا
مَا مَلَأْتَ بِي يَدَ سَائِلٍ وَرَجَعْتَ بِي أَمْدًا أَمِلِدُ وَتَمْنَحُنِي فِي الْوَالِدِيِّ وَفِي
جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْغُفْرَانَ وَالرِّضْوَانَ وَتَذَكَّرَهُمْ
مِنْكَ بِإِحْسَانٍ يُبَيِّنُ أَرْوَاحَهُمْ مَسْرَةَ رِضْوَانِكَ وَتَوْصِلُ إِلَيْهَا لَدَى سَدَّةِ
غُفْرَانِكَ وَتَرَعَاها فِي رِبَاضِ جَنَّاتِكَ بَيْنَ ظِلَالِ أَشْجَارِها وَجَدَاوِلِ
أَنْهَارِها وَهَنِي ثِمَارِها وَكَيْشِ خَيْرَاتِها وَأَسْبُوءِ أَقْوَانِها وَصُنُوفِ
لَدُنْها وَسَائِغِ بَرَكَاتِها وَأَحْسِنَا لِي فِي هَذَا الشَّهْرِ عَامِدًا فِي قَابِلِ عَامِنَا
بِهَدْمِ أَوْ زَارِنَا وَثَامِنَا إِلَى الْغُرَبَاتِ مِنْكَ سَبِيلًا وَعَلَيْهَا دَلِيلًا وَإِلَيْهَا
سَبِيلًا يَا أَفْذَرًا لِقَادِرِينَ وَيَا أَجْوَدَ الْمَسْئُولِينَ اللَّهُمَّ إِنَّ كُلَّهَا لَفَقْدُ

وَرَفِيحُهُ

أَوْ قَابِلِهَا

بِهِ إِلَيْكَ جَلَّ شَأْنُكَ مِنْ تَجْهِدٍ وَتَجْهِدٍ وَوَصْفٍ لِقُدْرَتِكَ وَإِقْرَابٍ
 بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَأَرْضَاكَ مِنْ صَبِي لَيْكٍ وَمِنْ أِقْبَالِي الشَّاءِ عَلَيْكَ فَبُؤ
 بِتَوْفِيْقِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا فَاضِلِي مَا بَرَّ صَبِيكَ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَيْسَرِ نِعْمِكَ لَا
 تُكَافِيكَ شَمْرٌ بِهَيْدَاةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسِيْفَارَتِهِ وَإِرْشَادِ
 وَدِلَالَتِهِ فَقَدْ أَوْجِبْتَ لَهُ بِذَلِكَ مِنْ لِحْوَعِ عِنْدِكَ وَعَلَيْنَا مَا شَرَفْتَهُ
 بِهِ وَأَوْعَزْتَ فِيهِ إِلَيْنَا اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ هَيْدَايَتِنَا عَلِمًا وَإِلَيْكَ
 لَنَا طَرِيقًا وَسَلْمًا وَمِنْ سَخَطِكَ مَلْجَأً وَمُعْتَصِمًا وَفِيْنَا شَفِيعًا مُقَدَّمًا
 وَمُشَفِّعًا وَمَكْرَمًا وَكَانَ لَا مَكَا فَآةَ لَكَ إِلَّا مِنْكَ وَلَا إِتْكَالَ مِنْ حَاجَاةِ
 إِلَّا عَلَيْكَ وَكُنَّا عَنْ حَقِّهِ بِإِفْرَاقِ وَأَمْوَالِنَا مُقَصِّرِينَ وَكَانَ فِيهَا
 مِنَ الزَّاهِدِينَ وَعَنْهَا مِنَ الرَّاعِبِينَ وَلَسْنَا إِلَى نَابَتِهِ بِوَاصِلِينَ وَ
 لَا عَلَيْهِ بِفَادِرِينَ فَجَزَاؤُهُ عَنَّا يَا فَضْلِي صَلِّ وَسَلِّمْ وَاطْمِئِنِّي بِحَبْلِكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةَ تَمَكُّ مِنْكَ بِشَرِيفِ حَبْوَاتِكَ وَكَرَامِي
 عَطِيَّتِكَ وَمَوْجُودِ خَيْرَاتِكَ وَمَيَسُورِ هَيْبَاتِكَ صَلَاةَ تَكْثُرُ وَتَكْتَفُفُ
 حَتَّى لَا يَنْقَطِعَ وَلَا تَضَعُفَ صَلَاةَ تُشَادِرُكَ وَتَصْدُقُ حَتَّى لَا يَحْتَمِلَ

والاستغفار

وَلَا تَنْفُضِلْ صَلَاةَ نَسْوَالِي وَتَسْتَقِ حَتَّى تَنْتَشِبَ وَلَا تَفْتَرِفْ صَلَاةَ نَدْمُ
 وَتَسْوَاتِرُ وَتَضَاعَفَتْ وَتَشَاكُرُ تَزِينِ الْجِبَالِ وَتَعَادُ الرِّمَالِ صَلَاةَ
 تَجَارِي الشَّرَّانِ فِي أَفْلَاكِهَا وَالْقُدْرَةَ الَّتِي فَا مَثَ بِأَسْمَاكِهَا
 صَلَاةَ بِنَا فِي الرِّبَاحِ وَالْجُومِ وَالشَّمُوسِ وَالْغِيُومِ وَرَوْنِ الشَّجَرِ
 وَالْفَاظِ الْبَشَرِ وَتَسْبِيحِ جَمِيعِ الْخَلُوقِينَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالْمَلَائِكِينَ
 وَمَنْ يَخْلُقُ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ثُمَّ اسْتَوْعَمَهَا تَعَارُفَ الْعَامِلِينَ الَّذِينَ
 لَيْسَ لَهُمْ قَنَاءٌ وَلَا حَاذٌ وَلَا انْتِهَاءٌ اللَّهُمَّ فَأَوْصِلْ لَكَ إِلَيْهِ وَ
 إِلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَإِلَى آبَائِهِ وَآبَاءِ إِبْرَاهِيمَ وَرَاسْمَعِيلَ وَإِسْحَاقَ
 وَإِلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَإِلَى جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ
 وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَالْمَلَائِكَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
 وَحَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
 مضمون: ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عیال شهر رمضان نیز در این وقت نقل نموده که او سید خود را
 عمر بن زید روایت کرده است که حضرت صادق ع با او فرمود کرد ششم از ششها عشره خرمه ماه رمضان از عار
 الحسب لله لا شریک له الحمد لله لا شریک له الحمد لله لا شریک له الحمد لله لا شریک له الحمد لله لا شریک له الحمد لله
 لله كما ينبغي لكرمه وجهه وعز وجلاله وكما هو أهله بأفد

۵۴۲

يَا سُبُوحُ يَا مُتَهَيِّ السَّمِيعُ يَا رَحْمَنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ يَا اللَّهُ يَا عَظِيمَ يَا اللَّهُ
يَا كَبِيرَ يَا اللَّهُ يَا جَلِيلَ يَا اللَّهُ يَا سَمِيعَ يَا اللَّهُ يَا بَصِيرَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا
اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ وَالنِّعْمَاءُ أَسْأَلُكَ يَا سَمَاءُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَنْ تَكُنَّ قَصِيئَةً فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ شَرَكًا
الْمُنْكَرِ وَالرُّوحِ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ حَكِيمٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجِبَلِ
اسْمِي فِي السُّعَادِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَبْنِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي
مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي بِقِيَّتَا شَأْنِيهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ الشَّكُّ
مَعِي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاتَّقِيَنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ وَارْزُقْنِي يَا رَبِّ فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ وَ
الْإِنَانَةَ إِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالقَّوْفُوقَ لِمَا حُجِبَ وَتَرْضَاهُ وَلِمَا
وَقَفْتَ لَهُ شَيْعَةَ الرَّحْمَنِ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ وَلَا تَقْنِي بَطْلَبِي
زَوَيْتَ عَيْنِي حَيُولِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَعْيَنِي يَا رَبِّ بِرِزْقٍ مِنْكَ وَاسِعٍ
بِحِلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَارْزُقْنِي الْعَقَّةَ فِي بَطْنِي وَفَرَجِي وَفَرَجَ عَيْنِي

كَلَامًا وَعَظِيمًا وَلَا تُشْمِتْ بِعَدُوِّي وَوَقِفْ لِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ
مَارَاهَا أَحَدًا وَوَقِفْ لِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَأَلْحَمِدْ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ
السَّلَامَ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا وَجِبَلِ كَذَا وَجِبَلِ كَذَا حَوَاجِ خِدْمَتِي بِمَا يَدْرِي بِكَ كَمَا يَدْرِي بِكَ
السَّاعَةَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ
دَرْحَالِي كَمَا آتَاهُ بِشَيْءٍ دَرْحَالِي كَمَا نَفَسُهُ بِشَيْءٍ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ
وَدَرْحَالِي كَمَا وَرَقَامَ وَرُكُوعَ وَسُجُودَ بَشِي
فِي الْقُبُورِ يَا مُجْرِي الْجُورِ يَا مُكَلِّمَ الْحَدِيدِ لِذَا وَدَعْلِي السَّلَامَ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا وَجِبَلِ كَذَا وَجِبَلِ كَذَا حَوَاجِ خِدْمَتِي
طَبِّبْ وَكَبِّرَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ
نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ نَافِعِينَ
بِفِرِّدِي وَبِأَسْمَاءِ وَبِزِينَةِ عَالَمِي وَبِزِينَةِ عَالَمِي
اجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
أَوْ أَنْتَ مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْفُثُهَا أَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ
أَوْ بَلَاءٍ تَرْفَعُهُ أَوْ مَرَضٍ تَكْشِفُهُ وَأَكْتُبْ لِي فِيهَا مَا كُنْتُتَ لِأَوْلِيَائِكَ
الضَّالِّحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا مِنْكَ التَّوَابَ وَآمَنُوا بِرِضَاكَ عَنْهُمْ
الْعَذَابَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي ذَلِكَ
بِرَحْمَتِكَ وَارْزُقْنِي بَعْدَ انْقِضَاءِ شَهْرِ مِضَانَ الْعِظَمَةِ وَالتَّوْبَةِ
وَإِنَانَةَ وَالتَّمَسُّكَ بِوَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَنْ عَلَيَّ أَبَدًا بِقِيَّتِي

بِكَرَمِكَ وَشُكْرِكَ لِلرَّغْبَةِ لِلشَّبَابِ وَالثَّبَاتِ عَلَى دِينِكَ وَالتَّوْفِيقِ لِيَا
وَقَعْتُ لَهُ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ فَتَنْتَ
بِعِزَّتِكَ الْمُنْزِلِ وَقَوْلِكَ الْحَقِّ شَهْرًا مَضَانِ الَّذِي نَزَلَ فِيهِ
الْقُرْآنُ وَهَذَا شَهْرُ مَضَانَ وَقَدْ نَصَرْتَنِي يَا لِيهِ وَأَيَّامُهُ فَاسْئَلُكَ
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ الثَّمَانَةِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ إِنْ كَانَا
بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبًا وَاحِدًا لَمْ تَغْفِرْهُ لِي أَوْ تَزِيدْهُ أَنْ تُحَاسِبَنِي عَلَيْهِ أَوْ تُعَاقِبَنِي
عَلَيْهِ أَوْ تُقَاسِبَنِي بِهِ أَوْ تُطْلِعَ فِجْرُ هَذَا اللَّيْلَةِ أَوْ يُنْصَرِّمَ هَذَا الشَّهْرَ
إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَهُ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَيُّ مَلَكٍ الْحَدِيدِ لِذَا وَدِ أَيُّ
كَاسِفَتِ الْكَرْبِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَاسْتَجِبْ دُعَايَ وَأَعْطِنِي
سُؤْلِي وَاجْعَلْ جَمِيعَ هَوَايَ فِي سَخَطِ الْأَمَارِضِ وَأَجْعَلْ جَمِيعَ
طَاعِنِكَ لِي رِضًا وَإِنْ خَالَفَ مَا هَوَيْتُ عَلَى مَا أَحْبَبْتُ أَوْ كَرِهْتُ
حَتَّى أَكُونَ لَكَ فِي جَمِيعِ مَا أَمَرْتَنِي مُتَابِعًا مُطِيعًا سَامِعًا وَعَنْ كُلِّ
مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مُنْتَهِيًا وَبِعِزَّتِكَ عَلَى وَبِي رَاضِيًا
وَعَلَى كُلِّ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ شَاكِرًا وَبِعِزَّتِكَ يَا ذَا الْكِرَامِ

خَالِ غَافِقِيَّةٍ أَوْ بِلَاءٍ أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ أَوْ سَخَطٍ أَوْ رِضًا إِلَهِي قَصِّدِ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَانظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي نَظْرَةً رَحِيمَةً
شَهِيحَةً كَرِيمَةً تُقَوِّمَنِي بِهَا عَلَى مَا أَمَرْتَنِي بِهَا وَتُدِدُنِي لَهَا وَتُجِيعُ
مَا كَلَفْتَنِي فِيهِ وَتَزِيدُنِي لَهَا نَصْرًا أَوْ يَقِينًا فِي جَمِيعِ مَا عَرَفْتَنِي
مِنْ أَلَمِكَ عِنْدِي وَإِنْعَامِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ وَتَقْضَاكَ
لِي أَيُّ إِلَهِي حَاجَتِي الْعَظِيمَةَ الَّتِي أَنْ قَضَيْتَهَا لَمْ تَصْرِفْ لِي مَا مَنَعْتَنِي
وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ تَسْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي سَأَلَكَ فَكَأَنَّكَ مَرَّيْتَنِي
مِنْ النَّارِ يَا سَيِّدِي مَرْحَمَتِي مِنَ السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ وَالسَّعِيرِ
ارْحَمْنِي مِنَ الطَّعَامِ الرِّقْمِ وَشَرِّ الْبَحِيمِ ارْحَمْنِي مِنْ هَمِّ
إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا أَوْ مَقَامًا لَا تُعْدِي
وَإِنَّا أَسْتَغْفِرُكَ وَلَا تَحْرَمْنِي وَأَنَا أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَمَا فِيهَا
وَاعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا جَمَعْتَ اللَّهُمَّ فَزِدْ جَنِّي مِنَ الْحُورِ
الْعِينِ وَاجْعَلْنِي مِنْ يَأْتِي أَمِيَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنْ لِي مَا أَنْزَلْتَ لِي مِنْ
خَيْرٍ فَخَيْرِ اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَابْدَأْ بِمُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ فِي كُلِّ حَجْرٍ

مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ **مؤلف** گوید که در این مقام تعینیه بر چند امر ضروری است **اول**
 آنکه ظاهراً آنست که دعا یا مدیتره الا سورنا آخر جز و دعا
 نباشد بلکه آن دعا علیها باشد که در شب آخر وارد شده باشد و چون در آخر این دعا
 نیز و افضل بگذارد و کذا واقع شده و طلب خواج بفرمان دعا خواسته که هر بطلبی که خواهد
 خواج خود را بطلبد و در اصل حاجات تفصیل نیافته لهذا سینه را این مقام تعینیه
 اسلوب سابق نموده دعا را بعد از دعا و دعا را بعد از دعا ذکر نموده بلکه این
 هر دو دعا که فارسی آنها محتاج بنا لیس دعا برای خواج است ذکر نموده و این معنی بود
 احتمالاً و بجای آنست که در مثال این مقام مذکور نمودیم **دوم** آنست که در شرح دو تیر
 ذکر نموده که در حال قیام و رکوع و سجود این دعا را بسیار بخوان ظاهر آنست که مراد قیام
 و رکوع و سجود نماز باشد و معنی نماز که در نماز واجب خواندن آن محل اشکالات
 و در نمازهای سبک نیز تا نفس مخصوص وارد نشده باشد مشکلاست و لیکن ظاهر
 آنست که در این باب روایتی بنظر رسید یا این اوقافه رسیده باشد **سیم** آنکه در شرح
 دعا و ترجمه است که اللیله باید مکرر گفت شود تا نفس منقطع شود یا هر یک از الساعه
 و اللیله باید مکرر گفت شود و الله تعالی بجز **هشتم** ایضا سید رکاب مذکور است بدین
 یا فی کتبنا یا فی اینه عازا از ربنا فاتنا الشهر المبارک الذی امرتنا به
 رسول خاتم روایت نموده است
 بِالصِّيَامِ وَالْقِيَامِ فَلَا تَجْعَلُهُ الْاِخْرَ الْعَهْدِ مِثَارِ رَبَّنَا غُفْرَانًا
 تَقَدَّمَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَمَا نَاخِرَ رَبَّنَا وَلَا تَحْذُلْنَا وَلَا تَحْجِرْنَا الْمَغْفِرَةَ
 وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَتُبْ عَلَيْنَا وَارْحَمْنَا وَارْحَمْنَا
 وَاجْعَلْنَا مِنْ اَوْلِيَاكَ الْمُتَّقِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **روز بی**
اول سید بن طاووس در کتاب اقبال از شیخ عقیقه **اللهم انک ارحم الراحمین**
 آنکه دعوات این دعا برای روز آخر ماه مبارک رمضان نقل نموده
 لا اله الا انت تقضتک علینا فهدنا نیتنا و مننت علی قعر فتنا و

استند

وَاحْسَنَتِ الْيَتَامَا عِنْتَنَا عَلَي اِذَا مَا اَمْرُنْتَ عَلَيْنَا مِنْ صِيَامِ شَهْرِكَ
 شَهْرِ رَمَضَانَ فَالْحَمْدُ بِحَمْدِكَ كُلُّهَا عَلَي جَمِيعِ نَعْمَائِكَ
 كُلُّهَا حَتَّى يَبْتَهِيَ الْحَمْدُ اِلَى مَا تَحِبُّ وَتَرْضَاهُ وَهَذَا الْاِخْرَ يَوْمٍ مِنْ
 شَهْرِ رَمَضَانَ فَاِذَا انْقَضَى فَاخْتِمَهُ لَنَا بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ وَ
 الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ الْكَثِيرِ الطَّيِّبِ الَّذِي لَا حِسَابَ فِيهِ وَلَا عَذَابَ
 عَلَيْهِ وَالْبَرَكَاتِ وَالْقُوَّةِ بِالْحَيَّةِ وَالْعَيْتِ مِنَ النَّارِ لَا تَجْعَلُهُ
 الْاِخْرَ الْعَهْدِ مِنْهُ وَاهْدِكْ عَلَيْنَا بِافْضَلِ الْخَيْرِ وَالْكَرَامَةِ وَالسُّرُ
 عَلَيَّ وَعَلَى اَهْلِ وَاوْلَادِي وَذُرِّيَّتِي يَا كَرِيمُ اَللّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ
 الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ
 وَقَدْ نَصَّرَمَ فَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ تَغِيْبَ الشَّمْسُ مِنْ هَذَا
 الْيَوْمِ اَوْ يَطْمَعُ الْفَجْرُ مِنْ هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَكَفِي نَبَأٍ اَوْ سَبْعَةَ
 تَرِيدُ اَنْ تَعُدَّ بَنِي عَلَيْنَا يَوْمَهُ الْفَاكِ اَيُّ مَلَكَيْنِ الْحَمِيدِ لِداوُدَ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ اَيُّ كَاثِبَتِ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ صَدَّقَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَعَلَى اَهْلِ
 بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لِي فَكَافَكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ وَكُلَّ شَيْءٍ وَذَنْبِكَ

قَبْلِي وَالْخَيْرِ لِي بِالرِّضَا عَنِّي وَالْجَمَّةَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَةً الرَّاحِمِينَ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْمُبَارَكِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا
 دَرَجَاتٍ أَيْضًا سَيِّدَةً وَكِتَابٌ مَذْكُورٌ كَفَيْتَهُ كَرَمٌ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
 كِتَابٌ عَوَانِيذُهُ عَارَا بَرَاءَى وَرَسُولُهُ نَاهٍ رِضْوَانُهُ نَاهِيَةٌ
 جَاعِلِ الْمَاءِ كَرَّةً رُسُلًا أُولَى أَخْبِيحِي مَشَى وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ بَرِيدٍ
 فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ لَقَدْ أَتَى اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ لَلنَّاسِ
 مِزْرًا حَسْبَهُ فَلَا تُمْسِكُهَا وَمَا يُمْسِكُهَا فَلَا تُرْسِلُهَا مِنْ عَيْدِكَ وَهُوَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ الْمُبْصِرُ
 سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ
 وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْوَجْهِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ
 كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ

مِمَّا ذَكَرَهَا فِيهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ **سُبْحَانَ** سَيِّدِنَا فِيهِ دَرَكَاتُ
 اخْتِيارِهِ عَارَا بَرَاءَى وَرَسُولُهُ نَاهٍ رِضْوَانُهُ نَاهِيَةٌ
 وَشَبَّ أَنْ يَقُولَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي قُلْتَ لِلسَّمَاءِ كَوْنِي
 مَمْدُودَةً اسْتَنْ
 فِيهِ فَمَا مَتَّ وَاسْتَأْتِ بِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي بِهِ تَمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ
 تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِأَذْنِكَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ

سر نوشت
 الذي يمسك

بِهِ أَدْرُ مَا فَاتَكَ عَشْرَتَهُ وَرَحِمْتَ عِبْرَتَهُ وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي
 دَعَاكَ بِهِ حَوَاءَ عَلَى الْمَرْوَةِ فَاسْتَجَبَتْ لَهَا وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي
 دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ فَجَبَّتْهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِ الْعَظِيمِ وَاسْتَأْتِ
 بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شُعَيْبٌ فَجَبَّتْهُ مِنَ الرَّحْفَةِ وَاسْتَأْتِ
 بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَالِحٌ فَاجْتَبَتْهُ مِنَ الصَّيْحَةِ وَأَسْأَلُكَ
 بِالْأَسْمِ الَّذِي جَعَلَتْ بِيَرِ النَّارِ عَلَى إِبْرَاهِيمَ سَبْرًا أَوْ سَلَامًا وَأَسْأَلُكَ
 بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ فَجَبَّتْهُ مِنَ الذَّبْحِ وَأَسْأَلُكَ
 بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى فَكَلَّمَتْهُ عَلَى جَبَلِ طُورِ سِينَاءَ
 وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ فَكَشَفَتْ عَنْهُ الْبَلَاءَ
 وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي جَبَّتْ بِهِ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ وَأَسْأَلُكَ
 بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ الْغَارِ
 وَاسْتَأْتِ بِحَقِّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَبِحَقِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ
 وَإِسْرَافِيلَ أَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي فِيهَا سَأَلْتُكَ بِهِ مِنْ أَوَّلِ الشَّهْرِ
 إِلَى هَذَا الْيَوْمِ وَأَنْ تُعِينَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُحَرِّمَ جَسَدِي عَلَى النَّاسِ

إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ وَأَقْبَلْنِي بِفَضْلِكَ عَلَى مَا كَانَ مِنِّي
 مِنْكَ ٥ تَفَضُّلاً عَلَى اللَّهِ لَأَنْقَطِعَ فِيهِ رَجَائِي وَلَا تَحِبُّ فِيهِ سَعْيِي
 وَدُعَائِي وَلَا تَجْهَدْ فِيهِ بِلَايِي بَعْدَ صَوْمِي لَهُ وَلَا تُثِمِّتْ فِيهِ
 أَعْدَائِي إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَغَايَةَ
 طَلِبَتِي وَمَرْضَاتِي اللَّهُمَّ الْهَمْنِي فِي سَاعَتِي هَذِهِ الطَّمَأِينَةَ
 بِعَفْوِكَ عَنِّي وَقَبُولِكَ لِي عَلَى مَا كَانَ مِنِّي حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّكَ قَدْ رَحِمْتَنِي
 وَفَقَرْتَنِي أَوْ تَكَرَّمْتَ وَتَعَفَّيْتَ وَتَطَوَّلْتَ وَمَنْنْتَ عَلَى عَبْدِكَ الَّذِي
 خَلَقْتَهُ وَأَنْتَ مَوْلَاهُ وَمَنْجَاهُ وَمَلْجَأُهُ وَغَايَتُهُ وَمُنْتَهَى رَغْبَتِهِ
 اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ فَازِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ بِقَوْلِكَ
 يَا أَلَهَ اللَّهُمَّ لَا تُرِدْنِي خَائِباً وَأَنْتَ قَادِرٌ عَلَى إِيْجَابِي وَتَقْضِي حَاجَتِي
 اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِه مِنِّي اللَّهُمَّ وَأَخِيْنِي إِلَى مِثْلِهِ
 سِنِينَ وَدُهُوراً عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا شَهْرَ رَمَضَانَ اللَّهُمَّ يَا صَادِقَ
 الْوَعْدِ لَا تَجْعَلْ شَهْرَ رَمَضَانَ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي بِهِ اسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ
 يَا شَهْرَ رَمَضَانَ دَعَا رَاضِيَةً مَرْضِيَةً مَقْبُولَةً اللَّهُمَّ يَا رَبِّ

لا غنى

لَا تُخْرِجْهُ عَنِّي يَا سَيِّدِي مِنْ رَحْمَتِكَ لِي وَعَفْوِكَ عَنِّي اللَّهُمَّ حَقِّقْ طَبَقَ
 الْحَسَنِ فِيكَ يَا مَنْ لَا تُشْبِهُ عَلَيْهِ الظُّنُونُ يَا مَنْ لَا يَنْسِي مَنْ ذَكَرَهُ
 يَا جَوَادَ أَلْفِ عَظْمِيهِ يَا كَرِيماً فِي جَوَائِزِهِ يَا مُحْسِناً فِي عَفْوِهِ يَا وَسْعَانَ
 رَحْمَتِهِ يَا سَكِّماً فِي تَجَاوُزِهِ قَدْ نَاجَيْتُكَ فِي أَيَّامِهِ كُلِّهَا مُتَوَسِّلاً بِرَحْمَتِكَ
 إِلَى عَفْوِكَ وَبِحُجُودِكَ إِلَى كَرَمِكَ وَبِطَوْلِكَ إِلَى إِحْسَانِكَ أَرْدُفِي
 حَلَاوَةَ الرَّحْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ عِنْدَ انْصِرَافِي فِي قَلْبِي مِنْهُ حَسْرَةً
 اللَّهُمَّ أَذِقْنِي لَذَّةَ الْقَبُولِ وَطِيبَ الْعَفْوِ اللَّهُمَّ أَشْرِبْ قَلْبِي
 لَذَّةَ الْإِجَابَةِ حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّكَ قَدْ رَحِمْتَنِي تَفَضُّلاً مِنْكَ عَلَيَّ وَأَمِيناً يَا
 يَا بَاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَايَا يَا مَنْ إِذَا تَوَكَّلَ الْعَبْدُ عَلَيْهِ
 كَفَاهُ يَا قَرِيباً إِذَا دُعِيَ يَا جَبِيلاً إِذَا نُودِيَ اللَّهُمَّ وَأَجْزِ شَهْرَكَ
 الْعَظِيمَ عَنَّا يَا مَنْ أَنْتَ أَهْلُهُ اللَّهُمَّ زِدْهُ شَرَفاً وَبَهْجاً وَنِلاً لِيَا
 وَكَرَامَةً وَرُفْعاً اللَّهُمَّ لِيَا اللَّهُمَّ لِيَا اللَّهُمَّ لِيَا اللَّهُمَّ لِيَا اللَّهُمَّ لِيَا اللَّهُمَّ
 بِه ابْصُرْنَا وَرَفَعْنَا بِحَقِّكَ يَا اللَّهُمَّ فَلْيَكِ الْحَمْدُ عَلَى حُلُولِهِ وَلِيَا
 الْحَمْدُ عِنْدَ قُدُومِهِ وَقُدُولِهِ وَتَمَامِهِ وَكَمَالِهِ وَمَعُونَتِنَا عَلَيْهِ

عظمتيه

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ
 وَابْنِ الْوَسْطَى
 اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ
 وَابْنِ الْوَسْطَى
 اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ
 وَابْنِ الْوَسْطَى

حَتَّى تَمُتْنَا بِرِضَاكَ اللَّهُمَّ فَلَاكُ الْحَمْدُ عَلَى طَعْنِهِ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى
 خَيْرِ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَمُرْسُولِكَ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَفْوَانِكَ وَ
 خَيْرِنِكَ وَعَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَمُرْسَلِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ كَمَا حَبَّبْنَا
 الصَّلَاةَ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 عَفَّرَ اللَّهُ فِي هَذَا الْعَامِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذِهِ
 السَّاعَةِ لُصُومَ شَهْرِ مَضَانَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَخْيَارِ
 مِنْهُمْ وَالْأَمْوَالِ وَالْإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
 إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ وَأَخِينَا إِلَى أَمْثَالِهِ حَيَاةً طَيِّبَةً
 وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَتَقَبَّلْ مِنَّا صَاحِبِ اعْتِمَالِنَا وَتَسَالُخِ لَنَا وَتَكْرَمِ
 عَلَيْنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَهَبْ لَنَا رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَاعِزَّنَا مِنْ سَخَطِكَ
 وَالتَّارِ وَأَرْزُقْنَا الْحَيَاةَ إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَشَاهِدِ الْأُمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَاحْتِشَانَا
 فِي مَرْتَبَتِهِمْ وَاجْعَلْنَا مِنْ شِيَعَتِهِمْ وَوَقِّفْنَا لِطَاعَتِهِمْ وَارْتَمِمْ الْبَابَ
 إِلَيْكَ وَبِهِمْ يَا رَبِّ تَرْجُو عَفْوَكَ فَأَرْزُقْنَا الْأَمْنَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّجْوَ

عَدَدَةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ رَسُولِكَ
 فِي جَمَلِ

مِنْ بَيْتِكَ

والنفقة

وَالْمَغْفِرَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَخَصَّ
 النَّبِيَّ مُحَمَّدًا وَاللَّهُ بِأَفْضَلِ الصَّلَاةِ وَالتَّسْلِيمِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
چهارم صاحب کتابی خیر از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود که هر که در این
 روز زیاده روز باره و این دعا را بخواند حق تعالی او را گمراهی ندارد بگمراهی استن سبحان و دعا است
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَيَاتِي بِالشُّكْرِ وَالْعَتُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ
 الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فَرُوْعُهُ بِالْأَصُولِ بِحَسْبِ مُحَمَّدٍ وَإِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
الأخيار الأبرار صلى الله عليهم **خام** بدانکه تصدق کردن در آخر ماه مبارک
 رمضان فضیلت عظیم دارد چنانچه از ابن عباس روایت کرده است که گفت که رسول خدا ص فرمود
 که هر که ماه رمضان را در روز بدر و ختم آنرا ببید قر و وضع روز عید بمصلی بیرون رود غسل
 بکند در دعا گوید که اگر تصدق در آخر روز آخر واقع شود چنانچه
 متصل بزوب آفات باشد بهتر است و اگر در آخر روز و زبیت و نیم نیز تصدق کند بجهت
 نقصان ماه بهتر است و الله تعالی **باب** **پانزدهم** در زیاده ظاهری و دعای ماه مبارک
 بر ما کرد و دشواری بود و پیوسته خواهان و مشتاق آن بودیم و از مفاد قیام بسیار
 آرد که بخردیم و هر سنده که لذت عبادت الهی و فضل و رحمت غیر متناهی و برادر یا فتره و توبه
 آرزو در دنیا و عقبی و لذت آنرا آتیه و لا محصی شناخته و چاشنی مناخات باقی
 الحاحات را چشیدیم و بعضی از منتهای مفضی السؤالات رسیده است باید همواره
 عاشق عبادت و بندگی خدا باشد و عبودیت و عبادت خود را برای عبودیت و معشوق
 حقیقی خود خالص کرد اندک حصول در خانگیات و وصول عشوبات بلا نهانیات فا
 و باین وسیله محترم سرادفات قربات حضرت فایض الجود علی البریات کرده و نعم ماقال
 چه دانی تو قدسرا فکنندگی که تعبیر خدا می بود بندگی پس باید این ماه کثیر البرکات
 را بخوبی در داغ کند که عزیز تر از نیر و ستار زاده در هنگام مفارقت و داغ میکند و داغ او
 مانند داغ کسی باشد که از محبوب و معشوق خود جدا شود و کسی از خدا می آید

۵۴

جزئی و کلی می باشد و معلوم است که غلامی که از خدمت آقای خود شاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر نباشد مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بان را ضعیف نباشد و در وقت وداع و خواندن دعاهای وداع علماء خلاف کرده اند که آیا در شب آخر بایست خواب شود یا در آخر بلکه آخر روز آخر و اکثر در شب آخر با برتر میدانند مانند سید بن طاووس در کتاب قبال و حدیث علامه در زاد المعاد و اولیاء اعلام در ذریعته الفیاح قدس الله ارواحه الشریفه هر چند تجویز خواندن در روز آخر را نیز کرده اند و مستند ایشان حدیثی است که شیخ طبرسی در کتاب احتجاج و شیخ طوسی در کتاب عیوب روایت کرده اند که محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری عمر بنیضه بن محمد بن مولای خود حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه نوشتند از آن جناب از مسئله چند سؤال نمود از آن جمله اینکه وداع ماه مبارک رمضان در وقت باید واقع شود بد رستی که احتیاطها درین باب خلاف کرده اند بعضی میگویند در شب آخر وداع کرده می شود و بعضی دیگر میگویند که در روز آخر چه میفرمایید احتیاط در جواب توفیق مبارک فرمودند که عمل در ماه رمضان در شبهای آن عملی باشد و وداع در شب آخر واقع می شود و در توفیق آنحضرت این بحث نیز بود که اگر ترسند که ماه ناقص باشد و وداع را در دو شب عمل آورند و مؤید فهمیده ایشان است آنچه در شرح دعای سیم مذکور است که در شب آخر خوانده شود و در ضمن دعای سیم و بعضی از ادعیه و وداع نیز اشعار عربی است دارد و حواله اینست که مهتر است که وداع را در شب و روز آخر هر دو بلکه عصر و روز آخر عمل آورند و اگر ترسند که ماه ناقص باشد در دو شب و دو روز وداع نمایند زیرا که حقیقت وداع از شخصی اظهار تمامت از نماز و رعبت مصباح است و این معنی چنانچه در شب آخر حاصل است چون مکرر میشود در روز آخر نیز عمل می آید و آنچه در حدیث وارد شده که شبای اعمال این شب است پس باید وداع در شب واقع شود بنا بر زیادتی اهتمام و غلبه و اکثریت است چون فراغ بال در شب زیادتر است اهتمام در آن بیشتر فرموده اند و لهذا نمازها نافله ایماه با ادعیه آن در شب واقع شده و آداب و ایام نیز اعمال بسیار از ادعیه و غیره وارد شده پس در وداع اعمال ایام نیز در روز آخر مناسب است و لهذا وداع برای هر جمعه آجری ایماه نیز وارد شده بلکه هر چه بفرموده بنزدیکتر است و وداع در آن وقت مناسب تر است چون قریب بزمان مفارقت و جدا شدن است و در بعضی از ادعیه فی الجمله اشعار عربی است بود ای روز دارد و ممکن است که ادعای ظاهر بودن عنوان دعای صحیفه کامله را در وداع روزی چنانچه بعضی از محدثین از عنوان دعای حواله صحیفه ظهور خواندن آنرا در روز وفات میگویند **انها ما دعاها و وداع چنانچه از مشتی کتب ادعیه ظاهر میشود چند دعا**

اول سید بن طاووس در کتاب اقبال از کتاب حسنی ایست محمد بن محمد در ویستی نقل نموده که او سید خود از خا بر بن عبد الله انصاری روایت کرده است که گفت داخرا شدم بر سر سو خدامه در جمعه آخر ماه مبارک پس چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد فرمود که ای حاجب این جمعه آخر ماه رمضان اللهم لا تجعله آخر العهد من صیامنا ایاه است پس آنرا وداع کن و بگو **فان جعلته فاجعلني مرحوما ولا تجعلني محروما** یا پروردگارا من را در روز وفات در خواب با نماند و در جمعه آخر ماه مبارک یا مغفرت و رحمت الهی باور مید **دویم** دعای محمد با صهیبه که آمده است و شیخ طوسی در مصباح و کفعمی در ریحته الامان و طباطبائی در اقبال نیز ازین غار ایراد نموده اند و روایت ایشان با روایت صحیفه کامله اختلاف دارد اما ایراد اینها اللهم یا من لا یزعج فی الجراء ولا یسندم علی العطاء و یا من لا یکان عیبه علی السواء هبتک ابتداء و عظیمتک تفضل و عتوبتک عد و قضا و ک خیر ان اعطیت لک تشبیر و ان منعت لک یکن متعاضد **تبعه** تشکر من شکرک و انت الهمته شکرک و تکالی من حمدک و انت عکله حمدک تشر علی من لو شئت فصمته و تجود علی من لو اردت منعه و کلاهما منک اهد للفضیحه و المنع غیر انک بیننا **افعالک علی القضاة** اجریت قدرک علی التجاوز و نلت من عضا یا حبل و آمنه من صدق لیسه بالظلم تسنظرهم یا ناک الی الاناب و شکرک معاجلتهم الی التوبه لکیلا یظلمک علیک هالککم

از عیبه ایماه

دعای وداع جمعه آخر ایماه

دعای سید محمد

وَلَيْسَ يَسْتَعِينُ بِتَقْوَىٰ سَيِّئِهِمْ إِلَّا عَزَّ طَوْلُ الْأَعْدَاءِ إِلَيْهِ وَبَعْدَ ذَلِكَ
أُحْبَبَ عَلَيْهِ كَمَا مِنْ فِعْلِكَ يَا كَرِيمٌ وَعَابِدَةٌ مِنْ عَطْفِكَ يَا حَلِيمٌ أَنْتَ
الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَىٰ عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ وَجَعَلْتَ عَلَىٰ ذَلِكَ
الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ حَمِيكَ لِئَلَّا يَضِلُّوا عَنْهُ فَقُلْتَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً
صَوْحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَا عُدُّ مِنْ أَعْفَدَ دُخُولِ ذَلِكَ
الْبَابِ يَا سَيِّدِي بَعْدَ فَتْحِهِ وَإِفَامَةِ الدَّلِيلِ عَلَيْهِ وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتِ
فِي السُّورِ عَلَىٰ نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ تَرْبِيدُ رُجُحِهِمْ فِي مُشَاجِرَتِكَ وَفَوْزِهِمْ
بِزِيَارَتِكَ فَقُلْتَ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ مِثْلَهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ
فَلَا يُجْزِي إِلَّا مِثْلَهَا ثُمَّ قُلْتَ مِثْلَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ عَظِيمٌ
مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْزَلْتِ مِنْ نَظَائِرِهِمْ فِي الْقُرْآنِ وَأَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ
الَّذِي مِنْ عَيْنِكَ الَّذِي فِيهِ مِنْ حَظِّهِمْ عَلَىٰ مَا لَوْ سَرَّ لَهُ عَنْهُمْ لَمْ تَذْكُرْهُ
أَبْصَارُهُمْ وَلَمْ تَضْمَنْهُ أَسْمَاعُهُمْ وَلَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ فَقُلْتَ بَارَكَتْ

وَتَعَالَيْتِ أَذْكَرُ وَفِي أَذْكَرِكُمْ وَلَكِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَادْعُونِي
أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَفَلْتِ مَنْ ذَا الَّذِي يُعْرِضُ اللَّهَ قَرَضًا حَسَنًا فِضَاعَةً لَهُ
فَذَكَرُوكَ وَشَكَرُوكَ وَدَعَاكَ وَتَصَدَّقُوا لَكَ وَفِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ
مِنْ غَضَبِكَ وَفَوْزُهُمْ بِرِضَاكَ وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ
عَلَىٰ مِثْلِ الَّذِي دَلَلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَكَ مِنْكَ كَانَ مَحْمُودًا أَفَلَاكَ الْمُنَادِ
مَا وَجِدَ فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ وَمَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفِظٌ تُحْمَدُ بِهِ وَمَعْنَى
يُنْصَرَفُ إِلَيْهِ يَا مَنْ حَمَّادٌ إِلَىٰ عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ وَغَايَتُهُ
بِالْمَنْ وَالطَّوْلِ مَا أَفْشَىٰ فِيهَا نِعْمَتُكَ وَأَسْبَغَ عَلَيْنَا مِنْكَ وَ
أَخَصَّنَا بِبِرِّكَ هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي اصْطَفَيْتَ وَمَا نَكَدَ الَّذِي
ارْتَضَيْتَ وَسَبَّيْلِكَ الَّذِي سَهَّلْتَ وَبَصَّرْتَنَا مَا يُوجِبُ الشُّرْفَةَ
لَدَيْكَ وَالْوُصُولَ إِلَىٰ كَرَامَتِكَ اللَّهُمَّ وَأَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صِفَاتِهَا
نِيْلَكَ الْوِطَائِقِ وَخَصَّيْصِ نِيْلِكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي
أَخَصَّصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ وَتَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَرْوَاقِ
الدُّهُورِ وَأَثَرْتَهُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَوْقَاتِ بِمَا أَنْزَلْتِ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ

فَصَنَّتْ فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ وَاجَلَّتْ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ
 مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ثُمَّ أَثَرْتَابِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ وَأَصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ
 دُونَ أَهْلِ الْأَدْيَانِ فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ فَهَارَهُ وَفَمْنَا بِعَوْلِكَ لَيْلَهُ
 مَتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَقِيَامِهِ لِمَاعَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَسَبَبْنَا
 إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ وَأَنْتَ الْمَلِكُ الْمُبَارِعُ فِيهِ إِلَيْكَ الْجَوَادُ
 بِمَا سَأَلْتَكَ مِنْ فَضْلِكَ الْفَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ وَقَدْ أَقَامَ
 فِيْنَا هَذَا الشَّهْرَ مُقَامَ حَمْدِهِ وَصَحْبِنَا صُحْبَةَ مَبْرُورٍ وَأَرْجَحْنَا
 أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا تَامًا وَقْتَهُ وَالنِّطَاعَ
 مُدْنِيَهُ وَوَفَاءَ عَدَدِهِ فَحَسْبُ مَوْدِعُوهُ وَدَاعٍ مِنْ عَرَبٍ فِرَافُهُ عَلَيْنَا
 وَعَهْمُنَا وَأَوْحَشَ انْصِرَافُهُ عَنَّا فَهَمَّنَا وَلَزِمْنَا لَهُ الرِّمَامَ الْمُحْفَظُ
 وَالْحُرْمَةَ الْمُرْعِيَّةَ وَالْحَقَّ الْمَقْضُوعَ فَحَسْبُ فَايُومُ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا
 شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ يَا عِبْدَ أَوْلِيَاءِ الْأَعْظَمِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا
 أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَيَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَ
 السَّاعَاتِ السَّلَامِ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرَّبْتَهُ فِيهِ الْأَمَالَ وَبَسَّرْتَهُ فِيهِ

فَمُنَّا

الْأَعْمَالِ السَّلَامِ عَلَيْكَ مِنْ قَرِيبٍ حَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا وَفَجَعَ فِرَافُهُ
 مَفْقُودًا السَّلَامِ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ أَلَيْفِ النَّسِ مُفْتِيلاً فَسَرَّ وَأَوْحَشَ
 مُنْقَضِيًا فَصَرَ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ وَ
 صَاحِبِ سَهْلٍ سَبِيلِ الْإِحْسَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عَتَقَاءَ
 اللَّهِ مِنْكَ وَمَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَهُ بِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَا
 أَخَاكَ لِلدُّنْيَا نُوبٍ وَأَسْتَرَكَ لِأَنْوَاعِ الْغُيُوبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَا
 أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُجْرِمِينَ وَأَهْيَبَكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 مِنْ شَهْرٍ لَا شَأْنُ فِيهِ إِلَّا يَامٌ وَمِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِهٍ الْمُصَاحِبَةَ وَلَا ذَمِيمٍ الْمَلَائِيَةَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ كَمَا وَرَدَتْ عَلَيْنَا بِالْبِرِّ كَانٍ وَعَسَلَكَ عَتَادَتُنَّ الْحَطِيئَاتُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ مَوْدِعٍ سَامًا وَلَا مَتْرُوكٍ صِيَامُهُ بَرٌّ مَا السَّلَامُ
 عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ وَمَحْزُونٍ عَلَيْهِ عِنْدَ فَوْزِهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَتْ بِكَ عَنَّا وَكَمْ مِنْ خَيْرٍ أَنْبِضَتْ بِكَ
 عَلَيْنَا السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ خَيْرًا

مِنْ لَيْلِ شَهْرِ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرْمَتُهُ وَعَلَى مَا كَانَ
مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلْبَانَهُ اَلْكَتْمُ عَلَيْكَ مَا كَانَ اَخْرَسَنَا بِالْاَمْسِ عَلَيْكَ
وَاَشَدَّ شَوْقَنَا عِنْدَ اِلَيْكَ اَللَّهُمَّ اِنَا اَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي
شَرَّفْنَا بِهِ وَوَقَّفْنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهَلِ الْاَشْقِيَاءُ فَضْلَهُ وَ
حُرْمَتَهُ الشَّقَايِمِ حَبْرَهُ وَانْتَ وَلِي مَا اَثَرْنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ وَهَدْيُنَا
لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ وَقَدْ تَوَلَّيْنَا تَوْفِيقَكَ صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ وَ
اَدْيَانَا مِنْ حَقِّكَ فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرِ اَللَّهُمَّ فَلَكَ اِقْرَانَا بِالْاِسَاءَةِ
وَاعْتِرَافُنَا بِالْاِضَاعَةِ وَلكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَفْدَةُ التَّدْبِيرِ وَمِنْ اَلْسِنَتِنَا
صِدْقُ الْاِعْتِدَادِ اِرْفَاجُنَا عَلَى مَا اُحْبَبْنَا بِهِ مِنَ التَّقَرُّبِ اَجْرًا اَسْتَدْرِكُ
بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ وَتَغَاثُرُ بِهِ مِنْ اَخْرَازِ الدُّخْرِ الْمَحْرُوصِ
عَلَيْهِ وَاَوْجِبْ لَنَا عُدْرَتَكَ عَلَى مَا قَصَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ وَابْلُغْ
بِاعْمَارِنَا مَا بَيْنَ اَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ مَضَانِ الْمُقْبِدِ فَاذِ ابْلَغْتَنَاهُ
فَاعْتَمِدْ عَلَى تَنَاوُلِ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ وَادِّ نَا لِي الْفِيَامِ
بِمَا اسْتَحَقَّتْهُ مِنَ الطَّاعَةِ وَاجْرَلْنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا

بِحَقِّكَ فِي الشَّهْرِ مِنْ وَبِ شَهْرِ الدَّمْرِ اَللَّهُمَّ وَمَا اَمْسَيْنَاهُ فِي شَهْرِنَا هَذَا
مِنْ اَثَرِهِ وَاقْتَنَاهُ فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ وَاَكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَنْ تَعَمُّدٍ
مِثَالَهُ اَوْ عَلَى نِسْيَانٍ مِنْ ظَلَمْنَا فِيهِ اَنْفُسَنَا اَوْ اَسْهَأْنَا فِيهِ حُرْمَتَهُ
مِنْ غَيْرِنَا فَاسْتُرْنَا بِسِرِّكَ وَاعْفُ بَعْفُوكَ وَلَا تَضْبِنَا فِيهِ لِاَعْيُنِ
السَّامِعِينَ وَلَا تَبْطُ عَلَيْنَا اَلِيَّةَ الطَّاعِينَ وَاسْتَعْلِنَا بِمَا يَكُونُ
حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا اَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تُنْفَدُ وَ
فَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ اَللَّهُمَّ صَدِّقِ عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْبُرْ مُصِيبَتِنَا
بِشَهْرِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا اَجْلِبِهِ
لِلْعَفْوِ وَانْحَاهُ لِلذَّنْبِ وَاعْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَمَا عَلَنَّا اَللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ يَا سَلَامًا يَا سَلَامًا يَا سَلَامًا
وَاجْعَلْنَا مِنْ اَسْعَدِ اَهْلِهِ بِهِ وَ
اَوْفِرْهُمْ مَسَامِيهِ اَللَّهُمَّ وَمَنْ دَعَا حُرْمَتَهُ هَذَا الشَّهْرَ حَقًّا رِغَابًا
وَحَفِظَ حُدُودَهُ حَقًّا حَفِظَهَا وَاتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقًّا تَقَاتَهَا اَوْ تَقَرَّبَ
اِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ اَوْ جَبَّتْ رِضَاكَ عَنْهُ وَعَطَفْتَ بِرَحْمَتِكَ عَلَيْهِ

فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وَجْدِكَ وَإِحْسَانِكَ وَأَعْظِمْنَا اصْغَارَهُ مِنْ فَضْلِكَ
 فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَبْغِضُ وَإِنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْفَدُ وَإِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ
 لَا تَنْقُصُ اللَّهُمَّ اكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجْرِ مَنْ صَامَهُ بِبَيْتِهِ أَوْ تَعَبَدَ
 لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسُوبُ إِلَيْكَ فِي فَطْرِنَا الَّذِي
 جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَسُرُورًا وَلَاهِلِهِ مَلِكًا مَجْمَعًا وَمُحْتَشَدًا
 مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ أَوْ سُوءٍ أَسْلَفْنَاهُ أَوْ خَطَرَةٍ شَرَّخْضَرْنَاهُ
 أَوْ عَقِيدَةٍ سُوءٍ اعْتَقَدْنَاهُ تَوْبَةً مَنْ لَا يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعٍ إِلَى
 ذَنْبٍ وَلَا عَوْدٍ فِي خَطِيئَةٍ تَوْبَةً نَصُوحًا خَالَصَتْ مِنَ الشُّكِّ وَالْإِرْتِيَابِ
 فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا وَارْضَ بِهِ عَنَّا وَتَبَدَّلْنَا عَلَيْهَا اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ
 عَمِّ الْوَعِيدِ وَشَوْفَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ حَتَّى تَجِدَ لَدُنَّ مَا نَدْعُوكَ بِهِ
 وَكَأَيِّ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ وَاجْعَلْنَا عِنْدَ لِسَانِ التَّوَابِينَ الَّذِينَ
 أَوْجَبَتْ لَهُمْ مَحَبَّتَكَ وَقَبِلَتْ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةَ طَاعَتِكَ يَا أَعْدَدَ الْعَالَمِينَ
 يَا دِينَ اللَّهِ تَجَاوَزَ عَنْ آبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَهْلِ دِينِنَا جَمِيعًا مَنْ
 سَلَفَ مِنْهُمْ وَمَنْ غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَصَلِّ عَلَى نَبِيِّنَا وَإِلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ

عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَاءِكَ الْمُطَهَّرِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
 وَسَلِّمْ عَلَى إِلِهِكَ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى الرَّسُولِ وَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ صَلَواتُكَ
 تَسْلَعُنَا بِرُكْنَيْهَا وَيُنَالُنَا نَفْعُهَا وَتَعْمُرُنَا بِأَسْرِهِا وَيُسْكِبُ
 دُعَاءُ نَاهِيهَا إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ وَأَعْظَمُ مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **سِيمٌ** سيد بن طاووس در كتاب اقبال بسند خود
 حضرت امام جعفر صادق ع روایت نموده است
 که هر که وداع کند ماه مبارک رمضان را در شب آخر آن باین طاقی ع قال میامزد او را
 بیش از آنکه صبح آن شب طالع شود و او را توبه و انابه روزی میفرماید و دعا اینست
 اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَأَعُوذُ بِكَ
 أَنْ يَطَّلِعَ خَيْرٌ مِنْهُ مِنَ اللَّيْلَةِ إِلَّا وَقَدْ عَفَرْتُ لِي **جَاهِرٌ** ایضا سید در کتاب
 وداع ماه مبارک رمضان الحمد لله على نعمه المنظاهرة وأيا دبر المحنة
 در کتب دعوات یافت
 الْحَسْبِيكَ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَخَصَّنَا بِكَرَامَتِهِ لِيَا نَا وَفَضْلِهِ وَعَلَى مَا أَنْعَمَ
 بِهِ عَلَيْنَا وَتَصَرَّمِ شَهْرِنَا الْمُبَارَكِ مَقْضِيًا عَنَّا مَا افْرَضْتَ عَلَيْنَا
 مِنْ صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَإِلِيهِ الطَّاهِرِينَ
 الطَّيِّبِينَ الَّذِينَ أَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا وَأَنْ
 تَقْتَبَلَ مِنَّا وَأَنْ تَرْزُقَنَا مَا نُوْتِينَا فِيهِ مِنَ الْأَجْرِ وَتُعْطِيَانَا مَا

مَا آمَلْنَا وَرَجَوْنَا مِنْهُ مِنَ الثَّوَابِ وَأَنْ تُرْسِكَ أَعْمَالَنَا وَتَقْبَلَ
 إِحْسَانَنَا فَإِنَّكَ وَلِيُّ النِّعْمَةِ كُلِّهَا وَإِلَيْكَ الرَّغْبَةُ
 بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ^{بِحَبْرٍ} أَيْضًا سَيَدْرُ
 نَحْنُ عَيْفَةً كَمَا يَحْتَضِرُ رَضِي وَسُودِي بُوَدِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَحَبِّ مَا
 ابْنُ دُاعِ رَابِعِي مَا هُوَ مَبَارَكٌ رِضَانًا فِيهِ
 دُعِيَتْ بِهِ وَأَرْضِي مَا رَضِيَتْ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
 عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَلَا تَجْعَلَ الْخَيْرَ
 وَدَاعِ شَهْرِي هَذَا وَدَاعِ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَالْأَوْدَاعِ الْخَيْرِ
 عِبَادَتِكَ وَوَقْفِي فِيهِ لِلنَّبِيِّ الْفَقْدِ الرَّحْمَلِيِّ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا
 مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مَعَ تَضَاعُفِ الْأَجْرِ وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ عَنِ الذَّنْبِ
 بِرِضَى الرَّبِّ لَيْسَ سَيِّدُ كُنْزِكَ دَرَعًا بَعْدَ بَرْدِ دَاعِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُبْدِي
 الْبَدَايَا وَيَا مُصَوِّرَ الْبَرَائِيَا وَيَا خَالِقَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ مَنْ بَقِيَ وَمَنْ
 مَضَى وَيَا مَنْ رَفَعَ السَّمَاءَ وَسَطَّحَ الْأَرْضَ وَيَا نَبِيَّكَ تَجَعَّتْ أَرْوَاحُ
 أَهْلِ الْبِلَادِ بِتَدْرِكَ وَسُلْطَانِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَإِمَانِكَ الْأَوْلَادِ
 وَيَا نَبِيَّكَ تَجَعَّتْ أَرْوَاحُ الْمَوْتَى وَهَمِيَّتْ الْأَحْيَاءُ وَتَجِيَّتْ الْمَوْتَى وَأَنْتَ رَبُّ

الشرى

الشَّرِيِّ وَمَسْئُورَةَ النَّاسِ الْأَخْرَى صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
 صَلَوةً تَكُونُ لَكَ رِضًا وَارْتِقَى بِمِزَانِهِ وَمَنْزِلًا لِي فِي هَذَا الشَّهْرِ
 الْمُبَارَكِ النَّهْيِ وَالنَّفْيِ وَالصَّبْرِ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَالْعَوْنِ عَلَى الْقَضَا
 وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْعَافِيَةِ وَالْمَغَافَةِ وَهَبْ لِي يَتِيمًا مِنْ أَهْلِ اللَّهِ
 وَأَعْمَالَ أَهْلِ النَّهْيِ فَإِنَّكَ تَعَلَّمَ يَا إِلَهِي صَغْفِي عِنْدَ الْبَلَاءِ فَاسْتَجِبْ
 لِي فِي شَهْرِكَ الَّذِي عَظُمَتْ بَرَكَتُهُ الدُّعَاءُ وَاجْعَلْنِي الْهَيَّجَ الَّذِي
 وَالْدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ مَعَ مَنْ آتَى وَأَتَى وَلَا يُلْحِقْنِي مِنْ مَضَى
 مِنْ أَهْلِ الْمَجُورِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا وَاجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
 عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي كُلِّ عَافِيَةٍ وَبَلَاءٍ وَكُلِّ سِدْقَةٍ
 وَرَحَاءَةٍ اخْتَرْتَنِي مَعَهُمْ يَوْمَ تَحْشُرُ النَّاسَ ضُحًى وَأَصْرُونَ عَنِّي بِمِزَانِهِ
 وَمَنْزِلَتِهِمْ عَذَابِ الْآخِرَةِ وَخَيْرَى الدُّنْيَا وَقَفَرَهَا وَفَاتَهَا وَ
 الْبَلَاءِ يَا مَوْلَايَا يَا وَلِيَّ نِعْمَتَاهُ أَمِينَ أَمِينَ يَا رَبَّاهُ يَا صَلَوَاتِ
 أَهْلِ بَيْتِ أَوْصِيَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ بِفِرْسَتِ وَحَوَائِجِ خُودِ رَابِعِي كَمَا بَرَأَ وَرَدَهُ مِنْ شُودِ
 انْشَاءِ اللَّهِ تَعَالَى شَهْرِي رَضِي وَرَكَعَاتِي لَأَمَّا بِلَا أَمِينٍ مِنْ عِلْمِ رَابِعِي دَاعِ نَفْلًا وَدَاعِ
 الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَعَانَنَا عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ

بِحَبْرٍ

حَتَّى تَقْضَتْ آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ وَلَمْ يَبْتَلِنَا مِنْهُ بِإِذْ تَكَابُحٍ مُحَرَّمٍ وَلَا
اِسْتِهَالِكِ حُرْمَةٍ وَلَا أَكْلِ رِبَاٍ وَلَا بَعْثُوفٍ وَالِدِينَ وَلَا قَطْعِ
رَحِمٍ وَلَا بَيْعِ مِنَ الْبَوَائِقِ وَالْكَبَابِرِ وَأَنْوَاعِ الْبَلَايَا الَّتِي
قَدَّ بِي بِهَا مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي اللَّهُمَّ فَكَانَ الْمَحْمَدُ شُكْرًا عَلَى مَا عَمَّا ^{قَبْلَهُ}
وَحُسْنٍ مَا أَبْلَيْتَنِي إِلَهِي أَشْيَ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الشَّاءِ لِأَنَّ بِلَاءَكَ
عِنْدِي أَحْسَنُ الْبِلَاءِ أَوْ قَرَّتِي نِعْمًا أَوْ قَرَّتْ نَفْسِي ذُنُوبًا
كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ يَا سَيِّدِي أَسْبَغْتَهَا عَلَيَّ لَمْ أَوْدِ شُكْرَهَا
وَكَمْ مِنْ خَطِيئَةٍ أَحْصَيْتَهَا عَلَيَّ أَسْتَجِي مِنْ ذِكْرِهَا وَأَخْشَى
جَزَاءَهَا وَأَحْذَرُ مَعْرَتَهَا إِنْ لَمْ تَعْفُ لِي عَنْهَا أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ
إِلَهِي فَابْنِ أَعْرُوفٍ لَكَ بَدُّ نُوْبِي وَأَذْكَرُ لَكَ حَاجَتِي وَأَشْكُو إِلَيْكَ
مَسْكَئِي وَفَاقَتِي وَقَسْوَةَ قَلْبِي وَمَيْلَ نَفْسِي فَإِنَّكَ قُلْتَ وَمَا
اسْتَكُنُوا إِلَيْهِمْ وَمَا تَضَرَّعُونَ وَهَذَا نَادَا إِذَا قَدِ اسْتَجَبْتُ بِكَ وَ
قَعَدْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ رَاجِعًا لِيَأْتِي أُرِيدُ
مِنَ الثَّوَابِ بِصِيَامِي وَصَلَوَتِي وَقَدْ عَرَفْتُ حَاجَتِي وَمَسْكَئِي

إِلَى رَحْمَتِكَ وَالشَّيْءُ عَلَى هَذَا وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ هَرَبَ الْعَبْدِ
السُّوءِ إِلَى الْمَوْلَى الْكَبِيرِ يَا مَوْلَايَ وَتَقَرَّرْتُ إِلَيْكَ
فَأَسْأَلُكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ صَلَوةٌ ^{لِيَا نَبِيَّ}
كَثِيرَةٌ كَرِيمَةٌ شَرِيفَةٌ تَوْجِبُ لِي بِهَا شَفَاعَتَهُمْ فِي الْغَيْبَةِ عِنْدَكَ
وَصَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَسْأَلُكَ
بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ لَمَّا عَفَرْتَ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ مَغْفِرَةً لَا
أَسْأَلُكَ بِهَا إِلَّا أَنْ تَكُنْ عَلَيَّ كَمَا كُنْتَ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالِإِلهِ كَثِيرًا أَوْ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ هَفْوَ مُحَمَّدٍ بِعَفْوِ كَلْبِي رَضَى
بصيرت كونه است كه او از حضرت امام جعفر صادق ^{عليه السلام} اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ
إِنِّي غَارِبٌ لِي وَدَاعٍ مَا هُوَ مَبَارَكٌ رِضَانٌ رَوَيْتَ عَنْهُ عَمْرَةَ اسْت
بِ كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
قَوْلِكَ حَقٌّ شَهْرٌ وَمَضَانُ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ
وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَهَذَا شَهْرٌ وَمَضَانٌ قَدْ ضَرَمْتُ
فَأَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَبِيرِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ إِنْ كَانَ بَعِي
عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي أَوْ تُرِيدَ أَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ أَوْ تُقَاتِلَنِي إِنْ

لِيَا نَبِيَّ

وَأَنْقَضَتْ أَيَّامَهُ
وَالْيَا لِيَا

يطلع فجر هذه الليلة أو ينصرف هذا الشهر إلا وقد غفرت لي
يا أرحم الراحمين اللهم لك الحمد بحمديك كلها أو بعضها
أجزها ما فلت لنفسك منها وما فال لك الخلاق الخالمدون
المجتهدون المعبودون الموثرون في ذكرك والشكر لك
الذين اعنتهم على أداء حقك من اصناف خلقك من الملكة
المقربين والسببين والموسلين واصناف الطيقين المحبين
لك من جميع العالمين على انك قد بلغتنا شهر رمضان
علينا من برك وعندها من قبلك واحسانك وتظاهرا من انك
فبذل لك منتهى الحمد المخلد الدائم الراسخ المحلدا السرمدي
الذي لا ينفد طول الابد حلك شاك اعنتنا عليه حتى صديت
لصا صيامه وقيامه من صلوة وما كان متافيه من بر او شكر
او ذكرا اللهم فقبله منا يا احسن قبولك وتجاوزك و
عفوك وصفحك وعفرك وحقبة رضى انك حتى نظفنا
فيه بكل خير مطلوب وجز بل عطاء مؤهوب وتو مننا فيه من
منا

جزيل

كلام
بهايات

كل امر مزهوب وذنوب مكسوب اللهم اني اسالك بعظيم ما اسالك
احد من خلقك من كبر اسمائك وجزيل شاك وصحة
دعائك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل شهرنا هذا
اعظم شهرا علينا منذ انزلتنا الى الدنيا بركة في
عصمة ديني وخلص نفسي وقضاء حاجتي وتنفيعي في مسالتي
وتمام النعمة علي وصرف الشؤ عني ولياير لعافية لي و
ان تجعلني برحمتك من خزنة ليلة القدر وجعلها لخير
من ألف شهر في اعظم الاجر وكرامات الذخر وطول العمر و
حسن الشكر ودوام اليسر اللهم واسئلك برحمتك و
طولك وعفوك ونعمائك وجلالك وقدير احسانك وامتنانك
ان لا تجعله اخر العهد منا لشهر رمضان حتى يبلغناه من
قابل على احسن حال وتعرفني هلاله مع الناظرين اليه والمنتمين
لذوق عافيتك واتم نعمتك واوسع رحمتك واخر نعمتك
اللهم باربي الذي ليس لربك غيره اسألك ان لا يكون هذا
لا يكون

شهر رمضان

لا يكون

الْوُدَّ اعْبُدْ مَعِي وَذَاعَ فَنَاءٌ وَلَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنَ اللَّقَاءِ حَتَّى تُرَبِّبَهُ مِنْ
 قَابِلٍ فِي أَسْبِغِ النَّعْمَ وَأَفْضَلِ الرَّجَاءِ وَأَنَا لَكَ عَلَى أَحْسَنِ الْوَفَاءِ
 إِنَّكَ تَسْمِعُ الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ اسْمِعْ دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَدَلُّي لَكَ
 وَاسْتِكْنَانِي وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ وَأَنَا لَكَ سَلِيمٌ لَا أَرْجُو نَجَاحًا وَلَا
 مَعَاوَاةً وَلَا تَشْرِيهًا وَلَا تَبْلِيغًا إِلَّا بِكَ وَمِنْكَ فَا مَنَّ عَلَى جَدِّكَ
 شَاوُكَ وَتَقَدَّرَتْ أَسْمَاؤُكَ بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَنَا مَعَاوَاةٌ
 مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمُحَدُّوهُ مِنْ جَمِيعِ الْبَوَائِقِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 آعَانَا عَلَى صِيَامِ هَذَا الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ حَتَّى بَلَّغْنَا آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ
 وَتَبَخَّرَ طَوْسِي بِهِ وَرَكْنَابِي تَهْذِيبَ لِبَدِي بِكَرَمِ زَارِ أَبِي بَصِيرَةَ أَخْضَرْتُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 هَيْزَمَ عَالِدِ رَفَائِثِ عَمُودِهِ وَدُرِّ رَوَائِجِي زِيَادَتِي نِيْزَ مَوْجُودِ اسْتِ
 بِأَحَبِّ مَا دُعِيتُ وَأَرْضِي مَا رَضِيتُ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدَ وَلَا تَجْعَلْ دُعَائِي وَذَاعَ شَهْرَ رَمَضَانَ
 وَذَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا وَذَاعَ آخِرَ عِبَادَتِكَ فِيهِ وَلَا آخِرَ صَوْمِي
 لَكَ وَأَمْرِي فِي الْعُودِ فِيهِ فَهُوَ الْعُودُ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ
 وَوَقْفِي فِيهِ لِللَّيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنَ الْفِي شَهْرَتِ اللَّيْلِ

لَكَ

بِرَأْسِ الْعَالَمِينَ بِأَمْرِهِ
 لِيَاكُنْ الْقَدْرُ وَجَعَلَ عَلَيْهِ
 تَبْلِيغِي مِنَ الْفِي شَهْرِهِ

والله

وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالنَّجَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِأَبَانِي
 يَا مُصَوِّرَ بَاحْتَانِ يَا مَتَانُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا قَبُومُ يَا بَدِيعُ
 لَكَ الْأَسْمَاءِ الْخُسِيِّ وَالْأَمْثَالِ الْعُلْيَا وَالْكِبَرِ يَا وَهَّابُ الْإِلَهَاءِ
 اسْتَلَمْتُ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ
 الشُّهَدَاءِ وَرَاحَتِي فِي عِلْيَتَيْنِ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَّ
 لِي بِقِيَامَتِي بِشَاشِرِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي
 وَأَنْ تُؤْتِيَنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَأَنْ تَقْبِلَنِي
 عَذَابَ النَّارِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيهَا نَفْسِي وَتَقَدَّرْ مِنْ الْأَمْرِ الْمَحْتَمُومِ
 وَفِيهَا نَفْسٌ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا
 يُرَدُّ وَلَا يُسَدَّلُ وَلَا يُغَيَّرُ أَنْ تَكْتَلِبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمُبَرُورِ
 حَجَّهِمُ الشُّكُورِ سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ دَنَبِهِمُ الْمُكَفَّرِ عَذَابِهِمْ سَيِّئَاتِهِمْ
 وَاجْعَلْ فِيهَا نَفْسِي وَتَقَدَّرْ أَنْ تُعْفِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَوْ تَيَّأَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ جُودًا أَوْ كَرَمًا أَوْ رَعْبًا

٥٥١

إِلَيْكَ وَلَمْ يَرْغَبِ إِلَى مِثْلِكَ أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى
 رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ أَسْأَلُكَ بِأَعْظَمِ الْمَسَائِلِ كُلِّهَا وَأَجْهَمِهَا
 الَّتِي لَا يَسْبَغِي لِلْعِبَادِ أَنْ يَسْأَلُوا بِهَا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا سَمَاءُكَ
 مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَيَا سَمَاءُكَ الْحُسْنَى وَأَمثَالِكَ الْعُلَمَاءِ
 وَنِعَمِكَ الَّتِي لَا تَحْصَى وَيَا كَرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيَّكَ وَأَحِبِّهَا
 إِلَيْكَ وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنَزِلَةً وَأَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسَبِيلَةً وَ
 أَجْزَلِهَا مِنْكَ تَوَالِيًا وَأَشْرَعَهَا لَدَيْكَ إِجَابَةً وَيَا سَمَاءُكَ الْمَكْنُونِ
 الْحَرُورِيِّ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْأَكْبَرِ الْأَجْبَلِ الَّذِي تَحْتَبُهُ وَتَهْوَاهُ وَ
 تَرْضَى عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقَّ عَلَيْكَ أَنْ لَا
 تَحْتَبِ سَائِلَكَ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْحِيدِ وَالْإِحْبَادِ
 وَالرَّغْبَةِ وَالْفَرْقَانِ وَكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَةٌ
 سَمَوَاتِكَ وَجَمِيعِ الْأَصْنَافِ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ أَوْ صِدِّيقٍ أَوْ
 شَهِيدٍ وَحَقِّ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ الْفَرِيقِينَ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ بِكَ
 وَحَقِّ مُجَاوِرِي بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجًا وَمُعْتَمِرِينَ وَمُقَدِّسِينَ أَوْ

وَأَضْلَاهَا

مِنْهَا

مُقَرَّبِينَ

الْمُجَاهِدِينَ

الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِكَ وَحَقِّ كَلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِدٍ لَكَ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ
 أَوْ جَبَلٍ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ
 وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَذْحُهُ دُعَاءَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ سَادًا وَ
 لَا لِصَنْعِهِ مَقْوَبًا وَلَا لِدُنْيِهِ غَاغِرًا غَيْرَكَ هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا
 بِكَ مُتَعَبِدًا لَكَ غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُتَنَكِّفٍ خَائِفًا بَأْسًا فَاقِعًا
 مُسْتَجِيرًا بِكَ وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَبْرُوتِكَ وَسُلْطَانِكَ
 وَبِمِلْكِكَ وَبِهَيْبَتِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَيَا لَأَمِنِكَ وَحُسْنِكَ وَ
 جَمَالَكَ وَبِقُوَّتِكَ عَلَى مَا أَرَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ أَدْعُوكَ يَا رَبِّ
 خَوْفًا وَطَمَعًا وَرَهْبَةً وَرَغْبَةً وَتَخَشُّعًا وَتَمَلُّقًا وَتَضَرُّعًا
 لِحَافًا وَرِجَالًا خَاخِضًا لَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لِأَشْرِيكَ
 لَكَ يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ
 يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَعُوذُ
 بِكَ وَيَا سَمَاءُكَ الَّتِي تَمَلَأُ أَرْكَانَكَ كُلَّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي وَإِرْحَمْنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ

مُسْتَكْبِرًا

وَتَقَبَّلْ مِنِّي شَهْرَ مَصَانٍ وَصِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَفُرْصَتَهُ وَتَوَافُلَهُ وَاعْفِرْ
لِي أَرْحَمِي وَاعْفُ عَنِّي وَلَا تَجْعَلُهُ آخِرَ شَهْرٍ مَصَانٍ صُمْتُهُ
لَكَ وَعَبَدْتُكَ فِيهِ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعِي أَيْاهُ وَدَاعِ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا
اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَخَشْيَتِكَ
أَوْضَلَّ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبْدِكَ فِيهِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي آخِرَ
مَنْ سَلَكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَعْتَقْتَهُ فِي هَذَا الشَّهْرِ مِنَ النَّارِ
وَاعْفِرْتُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَوْجِبْ لَهُ أَفْضَلَ
مَا رَخَاكَ وَأَمَلَهُ مِنْ عِلْمِي أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعُودَةَ فِي
صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ كَتَبْتَهُ فِي هَذَا الشَّهْرِ مِنْ
حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتَهُمُ الْمَعْفُورِ لَهُمْ ذُنُوبُهُمُ الْمُنْقَبَلِ عَلَيْهِمُ
أَمِينَ أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَا تَدْعَ لِي فِيهِ ذَنْبًا إِلَّا
عَفْوَتَهُ وَلَا خَطِيئَةً إِلَّا مَحْوَتَهَا وَلَا عَثْرَةً إِلَّا أَفْلَسَتْهَا وَلَا دِينًا إِلَّا
قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً إِلَّا أَعْنَيْتَهَا وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا فَاقَةً
إِلَّا سَدَدْتَهَا وَلَا عُرْيَانًا إِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا

خُرُوجِ

دَاءَ إِلَّا آذَيْنَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتَهَا
عَلَى أَفْضَلِ أَسْبَابِي وَرَجَائِي مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُدَلِّسْنَا لِنَا بَعْدَ إِذْ أَعَزَّنَا وَلَا تَضَعْنَا بَعْدَ
إِذْ رَفَعْنَا وَلَا تَهْتِكْنَا بَعْدَ إِذْ أَكْرَمْنَا وَلَا تَفْقِرْنَا بَعْدَ إِذْ
أَعْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْْنَا بَعْدَ إِذْ رَزَقْنَا وَلَا تَغَيِّرْ شَيْئًا مِنْ نِعْمَتِكَ
عَلَيْنَا وَارْحَمْنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا مِنْ دُنُوبِنَا وَلَا مِلْهُمُ كَالْمِلَّةِ
مِنَّا فَاقِ فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةَ مَغْفِرَةِ دُنُوبِنَا
فَاعْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَلَا تَعَاظِبْنَا عَلَيْنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اللَّهُمَّ أَكْرَمْنِي فِي مَجْلِسِي هَذَا كَرَامَةً لَا تَهْتِكُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا
وَأَعِزَّنِي فِي عِزِّي الْأَنْدَلِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَعَافِنِي عَافِيَةً لَا تَبْتَلِيَنِي بَعْدَهَا
أَبَدًا وَارْفَعْنِي رِفْعَةً لَا تَضَعُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّ
كُلِّ شَيْطَانٍ يَبِيدُ وَشَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ قَهْرِبٍ أَوْ
بَعِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ وَشَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِصَبْطِهَا
إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ أَوْ

كوشن او قوج

رقيه
شتر

بِسْمِ اللَّهِ أَوْ جُودٍ أَوْ مُوَالٍ أَوْ قَوْحٍ أَوْ مَرَجٍ أَوْ بَطْرِ أَوْ بَدِخٍ أَوْ نُحَيْلَاءٍ
 أَوْ رِيَاءٍ أَوْ سُمْعَةٍ أَوْ سَيْفَانٍ أَوْ نِيفَانٍ أَوْ كَفْرًا أَوْ سُوفًا أَوْ مَعْصِيَةً
 أَوْ شَيْءٍ أَوْ لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ وَكَذَا فَاسَأَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ
 أَنْ تَحْوَى مِنْ قَلْبِي وَتُسَبِّحَ لِي مَكَانَهُ إِيْمَانًا بِوَعْدِكَ وَرِضًا بِرِضَاكَ
 وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ وَرُحْمًا فِي الدُّنْيَا وَرَحْمَةً مِنِّي
 عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطَمَئِينَةً إِلَيْكَ وَتَوَكُّبًا تَصُوحًا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ
 إِنْ كُنْتَ تَبَعْتَنَاهُ وَالْأَفَاخِرَ أَجَالَنَا إِلَى قَابِلٍ حَتَّى تَبَلِّغَنَاهُ
 فِي يَوْمِ مَنِكَ وَعَافِيَةٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 كَثِيرًا وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ كَثِيرَةٌ كَوَيْدِكَ مُحَمَّدًا كَمَا دَعَايَ أَخْرَجَهُ
 دَعَايَ وَتَلَّ بَاشَدَ وَارَوَايَ كَلْبِي وَسَافَطَ
 شَدَّ بَاشَدَ وَدَرِيهَائِي شَيْخَ أَبِي صَبِيحَةَ وَرَارَوَايَ مَمُودَةَ بَاشَدَ مَشْرِئُ شَيْخِ طَارِ
 وَكُنَابِ أَفْبَالَ كَفْتَرِكَ وَرَكْبَتِكَ عَوَاتِ أَيْرُ غَارِ بَرَايَ وَدَاعِ مَاهِ مَبَارَكِ رِضْوَانِ يَا فَنَمَ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُدْرِكُ الْعُلَمَاءُ عِلْمَهُ
 وَلَا يَنْتَفِعُ الْجُهَالُ حِلْمَهُ وَلَا يَحْسِنُ الْخَلَائِقُ وَصِفَتَهُ وَلَا يَحْفَى
 عَلَيْهِ مَا فِي الصُّدُورِ خَلْقَهُ مِنْ غَيْرِ أَصْلِهِ لِأَمِثَالِ بِلَا نَعَبٍ
 وَلَا نَصَبٍ وَلَا تَعْلِيمٍ وَرَفَعَ السَّمَوَاتِ الْمَوْطُودَاتِ بِلَا أَصْحَابٍ وَلَا عَوَانٍ

والمط

وَلَبَّطَ الْأَرْضَ عَلَى الْهَوَاءِ بَعِيرًا إِنْ كَانَ عِلْمُهُ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ وَخَلَقَ بِلَا مِثَالٍ
 عِلْمَهُ بِمَا كَلَّمَ بِخَلْفِهِ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ تَعْلِيمُهُ كَعِلْمِهِ بِهِمْ بَعْدَ تَكْوِينِهِ لَهُمْ
 لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ لِتَشْدِيدِ سُلْطَانِهِ وَلَا لِحُوفٍ مِنْ زَوَالٍ وَلَا نَقْضَانٍ
 وَلَا اسْتِعَانٍ بِخَلْفِهِ عَلَى ضِدِّ مُكَابِرِهِ وَلَا يَدِّ مُشَاوِرِهِ مَا لِسُلْطَانِهِ
 حَدٌّ وَلَا لِمَلِكِهِ نِقَادٌ تَقْدَسَ سُبُورُ قُدْسِهِ دَنَا فَعْدَلًا وَعَافِيَةً
 فَلَهُ الْحَمْدُ حَمْدًا يَنْتَهَى مِنْ سَمَاوِيٍّ إِلَى مَا لَا يَنْهَى فِي عِلَالِيٍّ حَسَنٍ
 فَعَالِهِ وَعَظْمِ جَلَالِهِ وَأَوْحَى بَرَاهَانَهُ فَلَهُ الْحَمْدُ زِينَةُ الْجِبَالِ
 ثِقْلًا وَعَدَدُ الْمَاءِ وَالنَّارِ وَعَدَدُ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى الْحَمْدُ لِلَّهِ
 الَّذِي كَانَ إِذْ لَمْ تَكُنْ أَرْضٌ مَدْحِيَّةً وَلَا سَمَاءٌ مَبْدِيَّةً وَلَا
 جِبَالٌ مَرْمِيَّةً وَلَا شَمْسٌ تَجْرِي وَلَا قَمَرٌ كَيْبَرِي وَلَا لَيْلٌ يُدْجِي وَ
 لَا نَهَارٌ يُضِي كَتَفِي بِحَمْدِهِ عَنْ حَمْدِ غَيْرِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 تَمَرَّدَ بِأَلْحَمْدِ وَدَعَا بِهِ فَهُوَ وَلِيُّ الْحَمْدِ وَمُنْتَشَهُ وَخَالِقُهُ وَ
 وَاهِبُهُ مَلَكٌ فَفَهْرٌ وَحَكْمٌ فَعَدَلٌ وَأَضَاءٌ فَاسْتَنَارَ هُوَ كَهْفُ
 الْحَمْدِ وَقَرَارُهُ وَمِنْهُ مُبْدَأُهُ وَإِلَيْهِ مُسْتَهَاءُ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدُ

لِقَسْبِهِ وَرَضِيَ بِهِ مِنْ حَيْدٍ فَهُوَ الْوَاحِدُ لَا نِسْبَةَ الدَّائِمَةُ بِالْمُدَّةِ
الْمُقَرَّرَةُ بِالْقُوَّةِ الْمُتَوَحَّدُ بِالْقُدْرَةِ لَمْ يَزَلْ مُلْكُهُ عَظِيمًا
وَمَتْنُهُ قَدِيمًا وَقَوْلُهُ رُحِيمًا وَأَسْمَاءُهُ طَاهِرَةٌ رَضِيَ مِنْ
عِبَادِهِ بَعْدَ الصَّنْعِ أَنْ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ
لَيْدِهِ مِثْلَ جَمِيعِ مَا خَلَقَ وَزَيَّنَّهُ وَأَصْنَعَاتِ ذَلِكَ أَصْحَابًا
لَا تَخْضَى عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ وَعَلَى مَا هَدَانَا وَأَنَا وَقَوْمَانَا بِمَنِّهِ
عَلَى صِيَامِ شَهْرِنَا هَذَا وَمَنْ عَلَيْنَا بِقِيَامِ بَعْضِ لَيْلِهِ وَأَنَا
مَا لَمْ نَسْتَأْهِلْهُ لَمْ نَسْتَوْجِبْهُ بِأَعْمَالِنَا فَالْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبَّنَا فَأَنْتَ مَنْتَ عَلَيْنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا بِتَرْكِ لَدَانِنَا وَاجْتِنَابِ
شَهْوَانِنَا وَذَلِكَ مِنْ مَنِّكَ عَلَيْنَا لِأَنَّ مَنَّا عَلَيْكَ رَبَّنَا فَتَلَيْسَ
أَعْظَمُ الْأَمْرِ بِي عَلَيْنَا نَحْوُ اجْتِنَابِنَا وَتَصَبُّ الْبَدَانِنَا وَكَيْفَ
أَعْظَمُ الْأَمْرِ بِي وَاجْتِنَابِ الْمَصَائِبِ عِنْدَنَا إِنْ خَرَجْنَا مِنْ شَهْرِنَا
هَذَا مُخْتَلِبِينَ الْخَيْبَةَ مُحْرَمِينَ قَدْ خَابَ طَمَعُنَا وَكَذَّبَ
ظَنُنَا فَيَا مَنْ لَهْ صَمْنَا وَوَعْدُهُ صَدَقْنَا وَأَمْرُهُ اتَّبَعْنَا

والمرغنا

وَالْبِرِّ رَغْبِنَا لِاجْتِمَاعِ الْمُحْرَمَانِ حَقَّنَا وَلَا الْخَيْبَةَ جَزَاءً نَا فَإِنَّكَ إِنْ حَرَمْتَنَا
فَأَهْلُ ذَلِكَ نَحْنُ لِسُوءِ صَبِينَا وَكَثْرَةِ خَطَايَا نَا وَإِنْ تَعَفُّوْنَا
رَبَّنَا وَتَقَضَّ حَوَائِجِنَا فَأَنْتَ أَهْلُ ذَلِكَ مَوْلَانَا فَطَالَ مَا بِالْعَفْوِ
عِنْدَ الدُّنُوبِ اسْتَقْبَلْنَا وَبِالرَّحْمَةِ لَدَى اسْتِجَابِ عُقُوبَتِكَ
أَذْرَكْنَا وَبِالتَّجَاوُزِ وَالسَّرِّ عِنْدَ إِذْ تَكَابَحَا صِيكَ كَأَقْتِنَا
وَبِالضَّعْفِ وَالْوَهْنِ وَكَثْرَةِ الدُّنُوبِ وَالْقَوْدِ فِيهَا عَفْوْنَا
وَبِالتَّجَاوُزِ وَالْعَفْوِ عَرَفْنَاكَ رَبَّنَا فَمَنْ عَلَيْنَا بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمُ
فَقَدْ عَظُمَتْ مُصِيبَتُنَا وَكَثُرَ اسْفِنَا عَلَى مُفَارَقَةِ شَهْرِ كَبِيرِ
فِيهِ أَمَلْنَا قَدْ حَفِيَ عَلَيْنَا عَلَى آيِ الْحَالِ لِإِنْفَارِقْنَا وَبِآيِ التَّرَادِ
مِنْهُ خَرَجْنَا يَا حُنْفَابِ الْحَيْبَةَ لِسُوءِ صَبِينَا بِجُرْ بِلِ عِظَائِكَ
بِمَنِّكَ مَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا فَعَلَى شَهْرِ صَوْمِنَا الْعَظِيمِ فِيهِ رَجَاؤُنَا
السَّلْمِ فَلَوْ عَقَلْنَا مُصِيبَتَنَا الْمُفَارِقَةَ شَهْرِ أَيَّامِ صَوْمِنَا عَلَى
ضَعْفِ اجْتِنَادِنَا فِيهِ لَأَسْتَدَّ لِذَلِكَ حُرْمَتُنَا وَعَظَمَ عَلَى مَا
فَاتَنَا فِيهِ مِنَ الْإِجْتِهَادِ تَهَلَّفْنَا اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ عَوْصَانًا مِنْ

شَهْرٍ صَوْمًا مَغْفِرَةً لَكَ وَرَحْمَةً مِنَّا وَرَبَّنَا وَإِنْ كُنْتَ رَحِمْنَا فِي شَهْرِنَا
هَذَا فَذَلِكَ طَنَا وَأَمَلْنَا وَتِلْكَ حَاجَتُنَا فَازِدْ دَعْتَارِضَنَا وَ
إِنْ كُنَّا حَرَمْنَا ذَلِكَ بِدُونِنَا فَمِنْ الْآنِ رَبَّنَا لَا تَفْرُقْ جَمَاعَتَنَا
حَتَّى تَشْهَدَ لَنَا بِعَيْقِنَا وَتُعْطِينَا قُوَّةَ أَمَلِنَا وَتَزِيدَ قُوَّةَ طَلِبَتِنَا
وَتَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا أَمَانًا لَنَا مِنْ عَذَابِكَ وَعِصْمَةً لَنَا مَا أَقْبَيْتَنَا
وَإِنْ أَنْتَ بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ أَيْضًا فَبَلِّغْنَا غَيْرَ عَابِدِينَ فِي
شَيْءٍ مِمَّا تَكْرَهُ وَلَا تُخَالِفِينَ لَشَيْءٍ مِمَّا حُبَّبْتُمْ بَارِكْ لَنَا فِيهِ
وَاجْعَلْنَا أَسْعَدَ أَهْلِهِ بِهِ وَإِنْ أَنْتَ أَجَلْنَا دُونَ ذَلِكَ فَاجْعَلِ
الْجَنَّةَ مُنْقَلَبًا وَمَصِيرَةً لَنَا وَاجْعَلْ شَهْرَنَا هَذَا أَمَانًا لَنَا مِنْ
أَهْوَالِ مَا تَرُدُّ عَلَيْهِ وَاجْعَلْ حُرُوجَنَا إِلَى مُصَلَّاتِنَا وَجَمْعَتِنَا
حُرُوجًا مِنْ جَمِيعِ دُونِنَا وَوُلُوجًا فِي سَائِعَاتِ رَحْمَتِكَ وَاجْعَلْنَا
أَوْحَى مَنْ تَوْحَى إِلَيْكَ وَأَقْرَبَ مَنْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ وَأَجْمَعَ مَنْ
سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَدَعَاكَ فَاجْتَبَيْتَهُ وَأَقْلَبْنَا مِنْ مُصَلَّاتِنَا
وَاقْدُرْنَا لَنَا مَا سَلَفَ مِنْ دُونِنَا وَعِصْمَتِنَا فِي بَقِيَّةِ أَعْمَارِنَا

وَاسْعَفْنَا بِجَوَائِحِنَا وَأَعْطَيْتَنَا جَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى
لَا تَقْدِرْنَا فِي ذَنْبٍ وَلَا مَعْصِيَةٍ أَبَدًا وَلَا تَطْعَمُنَا رِزْقًا زَكْرَهُ
أَبَدًا وَاجْعَلْ لَنَا فِي الْحَالِ مَفْسَحًا وَمَتَسَعًا اللَّهُمَّ وَبَيْتِكَ
الْمُحِبِّ الْمَكْرَمِ الرَّاسِخِ لَهُ فِي قُلُوبِ أُمَّتِهِ خَالِصِي الْمَحَبَّةِ لَصِفُو
نَصِيحَتِهِ لَهُمْ وَشِدَّةَ شَفَقَتِهِ عَلَيْهِمْ وَتَلْبِيغِهِ رِسَالَاتِكَ
وَصَبْرِهِ فِي ذَانِكَ وَتَحَنُّنِهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عِبَادِكَ فَاجْرُ
اللَّهُمَّ عَمَّا أَفْضَلَ مَا جَرَيْتَ بَيْتًا عَنْ أُمَّتِهِ وَصَلِّ عَلَيْهِ عَدَدَ
كَلِمَاتِكَ الثَّمَانِيَةِ أَنْتَ وَمَلَائِكَتُكَ وَأَرْفَعُهُ إِلَى أَعْلَى الدَّرَجِ
وَاشْرَفِ الْعَرْشِ حَيْثُ يَغْبِطُهُ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ وَانصُرْ
وَجُوهَنَا بِالنَّظَرِ إِلَيْهِ فِي جَنَانِكَ وَأَقْرَبِ أَعْيُنَنَا وَأَقْلِبْنَا مِنْ حُجُوبِهِ
رَبَّنَا الْأَظْهَارَ بَعْدَهُ وَلَا شِقَاءَ وَبَلِّغْ رُوحَهُ مِنْكَ تَحِيَّةً وَسَلَامًا
مِمَّا شَهِدْتَ لَهُ بِالْبَلَادِغِ وَالنَّصِيحَةِ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ
أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَبَلِّغْ أَرْوَاحَهُمْ مِنَ السَّلَامِ وَشَهَادَتِنَا
لَهُمْ بِالنَّصِيحَةِ وَالْبَلَادِغِ وَصَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ أَجْمَعِينَ وَاجْرُ

يَتَيْنَا عَنَّا أَفْئِدًا نَحْنُ أَغْفِرُ لَنَا وَ لَنَا وَ لَدْنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ
 الْمُؤْمِنَاتِ الْأَخْيَارِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَ أَدْخِلْ عَلَيَّ أَسْلَابًا مِنْ
 أَهْلِ الْإِيمَانِ الرُّوحِ وَالرَّحْمَةِ وَالصِّيَاءِ وَالْمَغْفِرَةِ اللَّهُمَّ
 انصُرْ جُيُوشَ الْمُسْلِمِينَ وَ اسْتَعِذْ أَسَارَهُمْ وَ اجْعَلْ جَائِرَتَكَ
 لَهُمْ جَنَاتٍ نَعِيمٍ اللَّهُمَّ اطْوِ مَحْجَاجَ بَيْنِكَ الْحَرَامِ وَ عَمَّارِهِ
 الْبَعْدَ وَ سَهِّلْ لَهُمُ الْحَزْنَ وَ ارْجِعْهُمُ غَائِبِينَ مِنْ كُلِّ مَغْفُورٍ
 لَهُمْ كُلُّ ذَنْبٍ وَ مَنْ أَوْجِبَتْ عَلَيْهِ الْحَجَّ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَسِّرْ لَهُ ذَلِكَ وَ اقْضِ عَنْهُ فَرِيضَتَكَ وَ تَقَبَّلْهَا
 مِنْهُ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ وَ قَرِّجْ عَن مَكْرُوبِي أُمَّةً
 أَحْمَدَ وَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ فِي عَمَةٍ أَوْ هَمَةٍ أَوْ ضَنْكٍ أَوْ مَرَضٍ فَفَرِّجْ
 عَنْهُ وَ أَعْظِمْ أَجْرَهُ اللَّهُمَّ فَكَمَا سَأَلْتُكَ فَافْعَلْ ذَلِكَ بِنَا
 وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ أَشْرِكْنَا فِي صَالِحِ دُعَائِهِمْ
 وَ أَشْرِكْهُمْ فِي صَالِحِ دُعَائِنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ بَعْضَنَا عَلَى
 بَعْضٍ بِرِكَةِ اللَّهِ وَ مَا سَأَلْنَا لَنَا وَ لَنَا لَكَ مِنْ جَمِيعِ

الْحَيْرِ كُلِّهِ فَأَعْطِنَاهُ وَ مَا تَعُوذُ بِكَ مِنْهُ أَوْ لَمْ تَعُوذْ مِنْ جَمِيعِ
 الشَّرِّ كُلِّهِ فَأَعِدْنَا مِنْهُ بِرَحْمَتِكَ وَ ائْتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي
 الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ اللَّهُمَّ اجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الْآخِرَةِ

وَ الدُّنْيَا وَ أَعِدْنَا مِنْ شَرِّهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **حسين ع**

چهارم
 آنست که کتاب خزان الجواهر را نگاه داشته اند و این است که در این کتاب
 باب مفتوح میگرد **باب اول** در بیان فضیلت ایام بدو تکمیل ماه در میان ماه
 منوسطه اشرف از سایر ماههاست و اول ماه حج است و در بیان وجه تسمیه ایام بشواری و در کتاب
 دو وجه نظر میدهد **اول** سید بن طاووس در کتاب قبال از صاحب کتاب دستور المذکرین و منقول
 المتعبدین نقل نموده که پسند خود از رسول خدا روایت نموده است که عید من آنست که روزگار
 کند که باری رسول الله شهر رمضان چه معنی دارد فرمود که حق تعالی کنایه مؤمنین را در ایام
 کلاخه و آمرزید است هر را برای ایشان پسندید که در شوال چه معنی دارد فرمود که کنایه
 ایشان بر طرف شد پس ای نمازگزار میگرد که آنکه آمرزید مؤلف گوید که سید بعد از ذکر این
 روایت از صاحب کتاب مذکور نقل نموده است که بنا بر این شوال مشتق از شال معنی ارتفع است
 و چون کسی کرد وظایف تمام ماه مبارک رمضان را از طاعات و عبادات حساب لواحق بعد
 آورد که آنان او امرزید میشود پس بعد از آن نفضاء ماه رمضان که مستلزم دخولها شوال
 است کنایه آن او همی دفع شده است **دوم** صاحب کتاب صحاح گفته که شوال مشتق از شوال
 معنی جفت و سبکی است و چون اعمال این ماه قلیل و سبک است لهذا آنرا با این نام نامیدند
 اندو الله شاکل و بدو **نکته** در ذمه ایامه فضیلت دارد چنانچه سید بن طاووس در کتاب قبال
 از صاحب کتاب دستور المذکرین نقل نموده که او پسند خود از رسول خدا روایت نموده
 است که هر که در روزه بدار ماه رمضان عشاء شوال و چهارشنبه وسط و پنجشنبه اول و آخر
 از ده ماه دیگر زیاد اخل بهشت شود و اینها پسندیده روایت کرده است که عید فرشتگان رسول
 خداست شوال نموده که باری رسول الله تمام ده روزه بدار این حضرت ساکن شد پس این
 هفتین سوال با نمود حضرت ساکن و در هر شب سیم فرمود که کسی این سوال را از من نمود عیب
 باری رسول الله من سوال نمودم پس حضرت فرمود که بدستی که برای اهل تو حق است روزی بدار

ماه رمضان و ماه بعد از آن و چهارشنبه وسط و پنجشنبه اول و آخره ماه دیگر را هرگاه
چنین که تمام سال را روزه داشته **مؤلف** گوید که مراد از روزه اینهاست یعنی روز عید
زیرا که روزه آن حرام است باجماع مسلمانان و در باب روزه شش روز بعد از عید است
است و بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی **باب دوم در بیان آداب**
دیدن هلال اینها و آنچه درین باب در کتب علماء نظر رسیده و جز است **اول** سید بن طاووس
که در کتاب اقبال برای دیدن هلال اینها **اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَدَّمْتَ عَلَيْنَا بَصِياعاً**
این دعا را انشاء نموده است
الْبَصَائِرِ وَالْأَبْصَارِ حَتَّى عَرَفْنَا مَا بَلَّغْتَنَا إِلَيْهِ مِنَ الْأَسْرَارِ وَ
الْإِعْتِبَارِ وَ شَاهَدْنَا هِلَالَ شَوَّالٍ وَ هُوَ مِنْ شَهْرِ الْعَظِيمِ وَ
الْإِجْلَالِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ وَقِّعْنَا لِمُصَاحِبِنِهِ مِمَّا يُفَرِّقُنَا
إِلَيْكَ وَ شَرَّفْنَا فِيهِ بِمَا أَرَادْنَا عَلَيْكَ وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ أَهْلِ
السُّعُودِ وَ الْإِقْبَالِ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ وَ الْأَعْمَالِ وَ الْأَقْوَالِ وَ
كَمَا خَلَعْتَ عَلَيْنَا خَلْعَ التَّوْفِيقِ لِلظَّفْرِ بِبَصِيرِهِ وَ بَرِّهِ وَ حَيَّرِهِ
وَ اجْعَلْ سَاعَاتِهِ وَ أَرْوَاقَهُ عَلَيْنَا بِزِيَادَاتِ الْإِحْسَانِ إِلَيْنَا حَتَّى نَدْرِكَ
بِتَائِيدِكَ وَ عِنَايَتِكَ أَفْضَلَ مَا أَدْرَكَهُ أَحَدٌ فِيهِ مِنْ مَزِيدِكَ وَ عَفْوِكَ
وَ غَافِيَتِكَ بِرَحْمَتِكَ وَ أَنْدَابِكِ مِنْ تَرْبِيدِ الْمُبْدَأَةِ فِيهِ فِي الدُّعَا
وَ أَشْرِكْ مَعَنَا مَنْ بَعَثَ عَلَيْنَا مِنَ الْأَهْلِ ذَوِي الْمَوَدَّةِ وَ الْحَقُوقِ الْمُحْفَوظَاتِ
يَا أَزْهَرَ الْأَلْبَابِ وَ دَرِّمِ سَيِّدِ جَلِيلِ بَيْتِكَ يَا قَرِيبَ الْمَدِينَةِ وَ جَدِّ مَجْتَبِئِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نُوَسِّئُكَ

که در وقت

که در وقت دیدن هلال ماه شوال در آنکه شریقی روزه نگاه کند **مؤلف** گوید که چون این امر مهم است
در روایتی و حدیثی وارد نشده و ادعیه و آداب که در هر ماهی بعد از آن آورده در باب
معتبره وارد شده است بهتر است که با آنها عمل شود **باب سوم در بیان اعمال عید و نظر**
بدا آنکه این شب در فضیلت و کمال حرمت است و یکی از ایامی است که در آن بیکه افضل
از همه است و بعد از شب قدر دیگر شریفی بفضیلت این شب نیست و نماز و دعا و تضرع و
استغاثه و عبادت در آن شب ثواب عظیم دارد و چنانچه در خزینه سابق مذکور شد
این شب متمم شب قدر است و با این جهت مدخلی تمام و در شب عظیم شب قدر در آن
عقابی ثواب بندگان و روزه در آن ماه مبارک رمضان زاد و این شب و روز آن عظیم است
و احادیث و اخبار در فضیلت آن و ثواب عبادت آن بسیار است چنانچه اکثر آنها در
ضمن اعمال مذکور میشود انشاء الله تعالی و اعمال این شب چنانچه از ششم و هفتم تا
می شود چند امر است **اول** احیاء استن آن بعبادت چنانچه شیخ طوسی رحمه الله حضرت
امام جعفر صادق را فرمود که در روز عید ماه رمضان و عبادت مشغول باش
تا آخر وقت بیاید که در سالی چهار شب خود را برای خدا فارغ سازد و عبادت مشغول باشد
شب اول و شب دوم و شب سوم و شب چهارم و شب پنجم و شب ششم و شب هفتم و شب هشتم
سید بن طاووس در کتاب اخبار و کفعمی در باب الامین از حضرت صادق روایت کرده است
که فرمود که در شب است که سزاوار است که سبک آن بخواند در آنها و مشغول عبادت
حقیقی باشد عرض کرد که کلام است آن شهرها فرمودند شب بیست و ششم ماه رمضان
و شب عید فطر و شب زلفه و شب عید فطر و شب با بوم در ثواب اعمال از رسول خدا
روایت کرده است که هر که احیا کند شب عید فطر یا غیره دل او گدازد و روزی که دلها از تو
ببرند و در روایتی دیگر شب عید و شب نهم شعبان مذکور است و بعضی از روایات این مطلب
در شب اول و دوم شب نهم شعبان گذشت و بعد از این در شب عید قربان و در ضمن اعمال
همین مذکور میشود انشاء الله تعالی **بدا آنکه** هر آنکه در این شب را در مسجد بعبادت احیا نماید
چنانچه سید بن طاووس در کتاب اقبال از حضرت صادق روایت کرده است که هر که در این شب
که است که حضرت سید الساجدین شب عید رمضان را با نواختن ایما میفرمود تا صبح تمام
این شب را در مسجد لیس میبرد و حضرت امام محمد باقر هم میفرمود که ای فرزندان امت که در آن
شب قدر در شب دوم غسل و درین شب دو غسل مستحب است یکی در اول شب و یکی در آخر آن
چنانچه سید بن طاووس در کتاب اخبار و کفعمی در رجه الاما و بعد از این و بعضی دیگر تصریح
بآن نموده اند و شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاووس در اقبال و دیگران غسل درین شب

بسیار

عقل

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript page. The text is arranged in approximately 25 horizontal lines. The right side of the page is heavily stained with large, irregular brown spots, which partially obscure the text. A circular blue ink stamp is visible on the right side, overlapping the text. The stamp contains Arabic calligraphy, including the name 'مكتبة جامعة القاهرة' (Cairo University Library) and the date '١٩٥٤' (1954).

